





إِنَّا

وَلَا نَكْفُرُ بِمَا كُنَّا نَعْبُدُكَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ

الْهَيْمَنَةِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

قال رسول الله ﷺ

الدنيا دار فساد للمؤمنين

و

عمارة الدنيت

و

قد السماوات والأرض

رسول كافي

1344 هـ

1344 هـ

هَذِهِ السُّرَّتَيْنِ

و

بِهَجْرَةِ النَّاطِقِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فتی، عباس، ۱۲۵۴ - ۱۳۱۹.

هدیه الزائرین و بیعتہ الناظرین / عباس فتی.

قم: مؤسسه جهانی سبطین (علیهما السلام)، ۱۳۸۲.

۷۷۴ ص

ISBN 964-06-4378-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قبیل.

چاپ قبلی: دهقان، ۱۳۷۹.

فارسی - عربی.

۱. دهقان، آ. (زیر تألیف)، الف. ده. عنوان.

۷۷۷/۷۷۷

ه. ۸ ق. ۸ / ۸ / ۲۶۷ BP

۱۳۸۲

۸۵ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



هدیه الزائرین و بیعتہ الناظرین

تألیف: مرحوم حاج شیخ عباس فتی

تحقیق: مؤسسه جهانی سبطین

تشریح: مؤسسه جهانی سبطین

سال نشر: ۱۳۸۳ ه. ش

نوبت چاپ: اول

چاپ: برهان

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست - خ انقلاب (چهارمردان) - کوی ۲۶ - پلاک ۲۲ و ۲۹

تلفن: ۷۷۰۲۲۲۰ - فاکس: ۷۷۰۲۲۲۸

URL: www.sibtayn.com - E-mail: sibtayn@sibtayn.com

URL: www.alsibtayn.com - E-mail: alsibtayn@alsibtayn.com

نخن مؤسس

اودیه در زیارات از نگاه آفرود هلماس در بانی بر جود پاک و شریف پیاسته گردی و از آغاز نزول قرآن و محمد اسلام یکی از بهستترین آفرودهای مشکومند و سخی دین اسلام و کتب تشیع بود و مورد و مورد تا نگید و شکوفی لمانان صوم هم (ع) قرار داشته است.

کتاب حریه الزائرین و بیجه القاطرین اثر کرانگس مردم شه المشرین حاج شیخ عباس قتی حد، محمودای است از زیارات و آداب آن که در فیج خودی تفسیر بوده وی توان یکی از کاملترین کتاب زیارتی و نیایشی آن عهدت بزرگ به حساب آورد. هر چند ایشان را با کتاب محتاج جهان بیشتری شناسیم و علی که از آن مردم آفرین از مشتاد اثر به جا مانده است.

دیگی ای و داین کتاب شریف:

۱- نویسنده و کوشیده است پیردی بساد و مدد که حدیثی و به کار بردن قواعد و آیه الحدیث به کج ترین آداب اودیه و زیارات دست یافته و از دیگر روایات و احادیث جعل در این ایستاده خودداری نسیاید.

۲- بر اساس نیاز و به قدر کافی در باره مطالب جعل و بی اساس بحث نموده است.

۳- مردم مؤلف کوشیده است که در موضع بحث، دستتاری کاملی نموده و هر چه در خود موضع است، اگر آوری نماید به گونه ای که می توان گفت آنچه در کتاب نیامده است به سستی و جعل دستنی نده ستمی باشد.

۴- مؤلف هیچ زیارتی را از قلم نکرده و کرده و در بین حال از درازگی بریزر نموده است.

۵- در تهییب و تمیل بحث، نظم منطقی عامی رعایت شده تا خواننده به آسانی به مطالب مورد نیاز خود دست یابد.

و نیز از دیگر ای هم و مزیت هر چه این کتاب شریف نسبت به کتب اودیه و زیارتی دیگر داشته کتاب محتاج جهان

و... این است که:

۱- فیاد است آن برسان ملاق زید اقلی دست بند و غنیمت گردید است بطور مثال از باب دوم تا پایان
باب پنجم به مراد و اماکن شش فرسوزی ملاق اختصاص یافته و باب ششم تا اماکن زید اقلی که درین

۲- و نیست و موقت جزو این باب مراد شش یزد و اماکن شد و تفسیر است تا این حد و آنجا به تفسیر دیگر گردید.

۳- در بیان غزالی اماکن و ملاقات و تفسیر و سایر جزو این باب است با کتب مشابه اهتمام و زید اقلی شد است.

۴- غنیمت و کینیت سال ماهی سال و نیز ایام نخست به عنوان و تمام در آن عملی گشته است.

موسسه جهانی بطن در راستای اهداف دینی و فقهی خود به نشر حضرت آیت الله العظمی موسی

اصنافی فرزند آیت الله العظمی موسی اصنافی تقدیر و تفسیر کرده و علوم حوزی و موسسه جهانی بطن

به جهت ایشان تاسیس گردید و الله وی خواهد و بر اساس نیاز جامعه اسلامی به کتابی چنین پر بها، اقدام به

تفقی چاپ و نشر آن نموده است تا مورد بهره گیری و منتهی به خصوص خاندان کرامی قرار گیرد.

این موسسه برای بسازی و تفسیر این اثر که نماینده ادوات علمی و فقهی زیر را انجام داده است:

۱- با نشر چاپ سنگی و از به و الله خواهد شد.

۲- ویرایش حوزی و جهاندی به دین و حق و نصرانی انجام پذیرد است.

۳- هر جا که جوهر است نیاز به افزودن و آنگاه اساسی شد، و الله وی را افزوده و الله وی را [انجام

تا در قلم موقت نصرانی کرده باشیم.

۴- ایام سنوی و همیشه کی سنی عبادت دارد با جایابی فعل و دعایت ترتیب نوی و دستوری و نظم

شادی و گزاردای بر طرف گردیم به گونه ای که شبیه نوشتاری موقت هرگز تفسیر نیابد.

۵- کلیه متون مستعرب و اما زیاد آیه و نقل قول ای ستم را احزاب گذاردی نموده و برای اطمینان

از درستی آن بار بار خوانی گردیم.

ع- کلیه ارجمادات در دست حق را که سعادت کمالی است بایضا فیصل و در هم ذکر نمی کند. در جای خود با ذکر شمار و سنده شخص
که در مجامع

۷- برای دانشوران و ثوابت و احکام و اسمهای خاص و موارد مورد نیاز در پانزدهم توضیح کاملی آورده ایم، بی آنکه با پانزدهم مغالطه که پیش با حجاب است و نه در بیان یافته خلط شود.

۸- پادشاه بختی و منور پروازی و آسمان خوانی حق و باادبیت اصول خدیه خوانی بر اساس آستانه ارداهی چاپ و نشر انجام داد و بر پایه منور سوسی جراتهای صفات از طرح اصلی استاد کردیم.

۱- استاده از نظم های زیاده رعایت خواص دستاورد و شیراز و عروسی است که در این رساله شش روزه
وقت بخاشته است.

در پایان شایسته است از غافل محترم جناب آقای علی ربیعی که در یکصد مراحل تحقیق و تنظیم این کتاب شریف، نقش حمید و تلاش های ارزنده و خالصانه داشته است، تجدید و تشکر نموده و نیز از سایر عزیزان در معاونت اطلاعات و پژوهشگاه در یکصد مراحل پیرامندی، مراجع منابع، منابع، استفسار و مسخر آرای و طبع های مجله و صناعات این اثر، یاد و نام بزرگوار، نهایت تشکر و امتنان بفرمایم.

از خواننده گان محترم التماس دعا داریم و تقدیر و تشکر.

64

بازار یزدی شمش

۱۷ ربيع الاول ۱۴۲۵ هجری قمری

موسم سرما

هَذَا
كِتَابُ الْمُسْتَظَاتِ
هَدِيَّةُ الرَّائِيَيْنِ
بِهَجَرِ النَّاطِقِينَ
وَرَبِّهِ ثِقَتِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة على محمد وآله الطاهرين
واللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

و بعد برادر باب پیشش و دوش مخفی ماند که چون دنیا مزرع و مہتر آخرت است باید هر
حائل داشتند این ایام قلیل را نیست دانسته و در صد و تحسین توشه و زاد برای سفر مولانا که

معاد بوده باشد، و از این جهت است که در کتاب الهی و کلمات اهل بیت رسالت
 پناهی ﷺ تزیین و تحسین بر این امر بسیار شده و اکثر کلمات حضرت
 امیرالمؤمنین ﷺ مقتضی این مطلب است و پیوسته مردم را در این باب امر می نمود
 و می فرمود به اصحاب خویش: «میایند به از سفر خودتان را، خدا رحمت کند شما را و با ما که
 منادی ریل در میان شما گذرده». و شبیه ای نیست که بهتر زادی برای این سفر و حکم تر
 و سیله ای برای آسودگی از این شایه راه پر خطر بعد از کفیل معارف الهی و ادای واجبات
 و ترک مستزئات تشبث و تمسک به و امان بجای ظاهرین و صورت مجسمه بین است، و از
 برای آن طرق بسیار است مانند: نشسته علوم ایشان، و ذکر فضایل و مناقب آن
 بزرگواران و شرف زیارت آن و اقامه تفریه و اقامه احسان به مولی و دوستان
 و از آخرین متبوع ایشان و امثال اینها از طرق دیگر که لا تعد و لا تحصى است، پس
 بوشنیده بصیر و منورین مطلق خنجر با قدرت بر چنگ زدن به و امان این رقم از حال خیریه
 هرگز دست از آن نخواهد کشید.

لهذا عالی جناب زائر الزمان ﷺ مهدی بناسلی خستام تبریزی در این مقام برآمد

که یک مرتبه رفیع را از این طریق اختیار کند که جامع باشد شب بسیاری از خیرات
 و توهمات را نسبت عالی خود را بر آن کاشت که محمود مختصره که سشتل باشد بر زیارت حج
 عابراین ع و آداب و وظائف را ازین و جلای از احوال شود و اسباب وسیع و مختصری از
 آداب یوم و لیسه که محل حاجت و ابتلای مؤمنین است به زیور طبع در آورده تا آن که
 صدقه جاریه مستمر باشد که کافه مردم از عالم عامی و مرد و زن و محبت اور و زائر مدار
 تمام اوقات از آن بهره مند شوند و در آنای لیل و نهار به فیوضات غیر قابل بیان رسد تا آن که
 از آن چه رسد به آن جماعت از اجر و ثواب بی حساب در حیات و حیات خلی و از و سبی
 مستکثر برده باشد. و چون رساله ای که سشتل بر این امور و از آنجا که محسوس جمع شده باشد
 در دست نبود، خواهش نمود تا لایت و جمع آوری آن را از بعضی اسبنا و اخوان مؤمنین
 بجلد اندی در دواحصین پس جناب ایشان به بمت کثرت اشتغال و عدم مساعدت
 حال این امر را ارجاع فرمودند به این فقیه ربی بنامت و متمک به احادیث اهل بیت
 رسالت ع عباس بن محمد رضا اتمی اسمی در سپاس بمت اشتغال خواهش ایشان انگشت قبول
 نهادم بر دیده و نخستم نصرانی کم معذره و این رساله شیرین را از کتب مستبره و مانده محسوس

مجمع آورده و تهیه زائران بقاع مطهره پنج مسوین  و یار اخوان مؤمنین قرار داده.

و نامیدم آن را به

مدیة الزائرین و بجهة الناظرین

در جای داشت و امید

صادق آن که در بنجام مسئل و زیارت، این غریق بحر محاسن و جبین سامی و بانی آن را
از دعای غیر فراموش نفرمایند، و اگر بر سود خطایی از این حقیر مفسد شند از مواظبت و اغاض
فرموده و اصلاح مناد و ترویج کساد نمایند که این نهایت احسان است و حق تعالی مناسیح
نخواهد فرمود ابر عسین را

و مرثب گردانیدم این مسعود را بر یک مقدمه و چهارده باب.

والله الموفق للصواب فی کل باب.

- ۲۵ کیفیت زیارت کاظمین علیه السلام
- ۲۶ زیارت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
- ۲۸ صلوات بعد از زیارت
- ۲۹ زیارت امام محمد تقی علیه السلام ..
- ۵۱ زیارت دیگر مختص به آن حضرت
- ۵۲ زیارت مشترک امامین کاظمین علیه السلام
- ۵۳ دعای وداع
- ۵۴ کیفیت دو قبر در محضر حاضرین
- ۵۵ در زیارت علیایی که در کاظمین مدفونند
- ۵۶ مدفونند
- ۵۸ ذکر طایبی که در کاظمین مدفونند
- ۶۱ رفتن به مسجد برآقا و نماز در آن ...
- در فضیلت مسجد و کاظمین و مسجد
- ۶۵ مسجد
- ۶۷ فضایل نواب لرجه که در بنیاد مدفونند
- ۷۰ زیارت نواب لرجه ..
- ۷۲ در زیارت جناب سلمان علیه السلام

فهرست چنانچه

- ۷ سخن مؤلف
- ۱۰ مقدمه مؤلف
- ۱۲ فهرست کتاب

مقدمه در آداب سفر

- ۲۳ روزهای بیگ و روزهای بد سفر
- در بیان افعال شروع سفر و وسایلی که
- با خود برداریم
- در بیان دعاها و زاهد و تسبیح سفر
- و اختیار نمودن همراه
- ۲۵ پندهای حکیمانه جناب لقمان به پسر خود
- در امر سفر

سبأول در آداب زیارت

- ۳۳ در بیان آداب عمومی زیارت
- ۳۹ احسن دخول در حرمهای شریفه

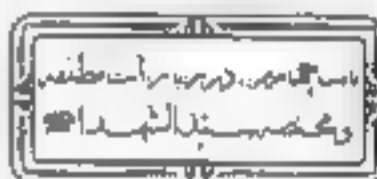
سبأول در آداب زیارت

- در فضیلت و کیفیت زیارت عسکریین
- ۷۸ و تکلیف زائر در آن حرم شریف
- ۸۱ زیارت جناب فرجی خاتون
- ۸۳ زیارت حضرت حکیمه خاتون

سبأول در آداب زیارت

- ۳۳ فضیلت زیارت کاظمین علیه السلام

آداب دخول سرداب مطهر و کیفیت زیارت حضرت حجة ابن الحسن (ع)	۸۶	در بیان آن که شهدای کربلا در پایان	۱۲۳
زیارت امام زمان (ع) در سرداب مطهر	۸۷	علی بن الحسین (ع) حقون الله	۱۲۳
زیارت دیگر در سرداب مطهر	۹۰	در بیان بزرگوار بودن علی ابن الحسین	۱۲۵
زیارت دیگر	۹۲	نهی کربلا از حضرت سجاد (ع)	۱۲۵
صلوات بر حضرت حجت (ع)	۹۴	دعا در روضه مطهر حضرت اب	۱۲۷
نبار حضرت حجت (ع)	۹۵	عبد الله الحسین (ع)	۱۲۷
زیارت حضرت امام زمان (ع) هر روز	۹۶	کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت	۱۲۹
بعد از نبار صبح	۹۷	سید الشهداء (ع)	۱۲۹
وجه تسمیه سرداب به سرداب طیب	۹۷	تعمیل روضه مسکونه حضرت	۱۳۱
		امام حسین (ع)	۱۳۱
		استغاره در قبة امام حسین (ع)	۱۳۲
		کیفیت زیارت حضرت ابوالفضل	۱۳۲
		الطاهر (ع)	۱۳۲
		در تعیین مدفن جناب حزن یزدی و امی	۱۳۶
		ذکر خطای که در کربلای معلی	۱۳۸
		مطهرات	۱۳۸
		فضیلت و کسبیت زیارت امام	۱۳۹
		حسین (ع) در اول ماه رجب	۱۳۹
		کیفیت زیارت حضرت سید الشهداء	۱۴۷
		در نیمه ماه رجب	۱۴۷
		در بیان فضیلت زیارت امام حسین (ع)	۱۴۹
		در نیمه ماه شعبان	۱۴۹
		کیفیت زیارت امام حسین (ع) در نیمه	۱۵۱
		ماه شعبان	۱۵۱

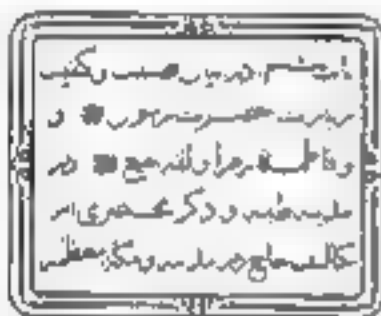


باب پنجم در بیان زیارت امیرالمؤمنین
حضرت امیرالمؤمنین
و احوال مسجد کوفه و مدبریت
حاجت‌نامه و عمارت و عمارت
مسجد کوفه و مدبریت

- در بیان فضیلت زیارت امیرالمؤمنین ۱۹۸
در بیان فضیلت زیارت ائمه ۱۹۹
در بیان موضوع فسر مستور ۲۰۱
امیرالمؤمنین ۲۰۱
پیغمبرانی که در حوالی حضرت
امیرالمؤمنین مدفونند ۲۰۲
زیارت مطلقه حضرت امیرالمؤمنین ۲۰۲
زیارت حضرت آدم ۲۰۹
زیارت حضرت نوح ۲۱۰
تأثر زیارت حضرت امیرالمؤمنین ۲۱۰
زیارت معروفه به امین الله ۲۱۱
زیارت مطلقه سؤم ۲۱۲
زیارت مطلقه چهارم حضرت امیرالمؤمنین ۲۱۲
زیارت پنجم حضرت امیرالمؤمنین ۲۱۶
در کیفیت زیارات حضرت
امیرالمؤمنین ۲۲۲
صلوات پند از زیارت حضرت آدم ۲۲۶
تفصیل جلی در تکلیف که در حرم
حضرت امیرالمؤمنین است ۲۲۶

- در بیان فضیلت زیارت امام حسین ۱۰۲
در ماه رمضان ۱۰۲
کیفیت زیارت امام حسین ۱۰۲
شبه‌های لغو ۱۰۳
فضیلت و کیفیت زیارت امام
حسین ۱۰۵
کیفیت زیارت سید الشهدا ۱۰۵
روز عرفة ۱۰۶
کیفیت زیارت حضرت سید الشهدا
در روز عرفة ۱۰۶
فضیلت زیارت امام حسین ۱۰۶
و روز عاشورا ۱۰۸
کیفیت زیارت سید الشهدا ۱۰۸
روز عاشورا ۱۱۰
زیارت عالم‌های معروفه ۱۱۶
در بیان زیارت روز عاشورا ۱۱۹
دعای مشهور عقیقه ۱۸۱
زیارت لاحیه مقدسه ۱۸۲
زیارت حضرت امام حسین ۱۱۰
از عین (بسم الله الرحمن الرحیم) ۱۹۲
زیارت آن حضرت در اوقات شریفه ۱۹۵
زیارت امام حسین از دور ۱۹۶

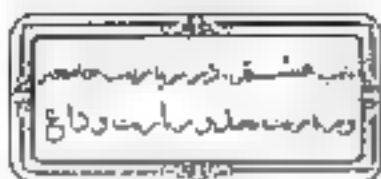
- بیان قصه مرا بن قیس عیث ۲۲۷.
- در بیان زیارت روز عید غدیر ۲۲۸
- کیفیت زیارت حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۲۲۹
- در عهد غدیر ۲۲۹
- زیارت امیرالمؤمنین (ع) در روز ۲۳۰
- ولادت حضرت پیامبر (ص) ۲۳۱
- زیارت های شب و روز هجرت ۲۳۲.....
- زیارت حضرت امیر (ع) در روز ۲۳۳
- شهادت (بهشت و یکم ماه رمضان) ۲۳۴.....
- اوقات زیارت حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۲۳۵
- در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن ۲۳۸.....
- احمال مسجد بزرگ کوفه ۲۳۹.....
- در احیای صحراهای شهادت حضرت ۲۴۰
- امیرالمؤمنین (ع) .. ۲۴۱
- نماز حاجت در مسجد شریف کوفه ۲۴۲
- در تعیین قبر مختار ثقفی ۲۴۳.....
- زیارت جناب مسلم بن عقیل ۲۴۴
- زیارت هانی بن عروه مرادی ۲۴۵.....
- در تشییع جناب مشرف (ع) ۲۴۶.....
- ذکر خاندان حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۲۴۷.....
- در بیان فضیلت مسجد نهله ۲۴۸
- در اعمال مسجد نهله ۲۴۹
- در اعمال مسجد عصمه ۲۵۰
- احمال زائر در مسجد اشرف .. ۲۵۱
- مسجد حنانه ۲۵۲
- زیارت امام حسین (ع) در مسجد حنانه ۲۵۳
- زیارت جناب کبیر و تفسید و احمال ۲۵۴
- (رحمهم الله) ۲۵۵
- ذکر مقام صاحب قوسین (ع) در آخر ۲۵۶
- ولای القلام ۲۵۷
- ذکر احمال و تکالیف زائر در نجف ۲۵۸
- تشریف ۲۵۹
- فضیلت زیارت علما و صلحا و بزرگان ۲۶۰
- و مؤمنین که در مجلس اشرف مدفون اند ۳۰۲
- در بیان فضیلت و کتب ۳۰۳
- در بیان فضیلت حضرت رسول (ص) ۳۰۴
- و کتب فضیلت زیارت حضرت ۳۰۵
- رسول (ص) ۳۰۶
- احمال مدینه منوره ۳۰۷
- فضیلت روضه شریفه ۳۰۸
- دعای مقام حضرت جبرئیل (ع) ۳۰۹
- دعا نزد متون نبی (ص) ۳۱۰
- وجه تسمیه متون نبی (ص) ۳۱۱
- اهامی که زیارت حضرت رسول (ص) ۳۱۲
- در آن متعجب است. ۳۱۳
- در دفاع حضرت رسول (ص) و زیارت ۳۱۴
- آن حضرت در بلاد جهده. ۳۱۵



در بیان زیارات چند سفر از عسکری که

۳۶۹

در مشهد مقدس است



در بیان زیارات جامعه

۳۷۲

زیارت جامعه معروفه و غیر معروفه

۳۷۷

در زیارت جامعه در هر وقت و هر جا

۳۹۲

زیارت جامعه ائمه الطاهرین

۳۹۵

مصاحف سیصد از زیارات هر یک از

۴-۵

مشاهد مشرفه

در بیان زیارات حجج طاهرین

۴۱۲

شهرهای دور

۴۱۲

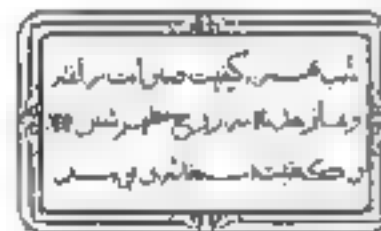
زیارت سید الشهداء در هر جا و همه وقت

۴۱۶

زیارت وداع هر یک از ائمه

۴۱۸

بیان حال زائر در وقت وداع



کیفیت صلوات بر پیغمبر

۴۲۱

کیفیت صلوات بر مصومین

۴۲۶

در کیفیت تسبیح عسکری به روح

۴۲۷

مست ایام به حجج طاهرین

صلوات بر حضرت رسول

۳۳۶

هر نماز

۳۳۷

در کیفیت زیارت حضرت فاطمه

۳۴۱

صلوات بر پیغمبر و ائمه الطاهرین

۳۴۳

در کیفیت زیارت ائمه پنج

۳۴۵

زیارت امام حسن

۳۴۶

زیارت امام جعفر صادق

در کیفیت زیارت ابراهیم خلیل

۳۴۸

نهی اکرم

۳۴۹

زیارت حضرت فاطمه بنت اسد

۳۵۱

در بیان بعضی قبور در مدینه طیبه

۳۵۲

در تکلیف زائر در مدینه طیبه

۳۵۳

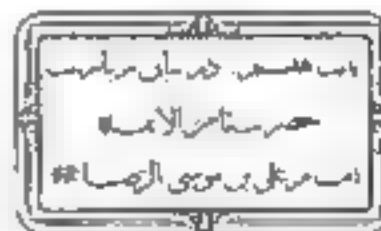
زیارت حمزه و شهدای آن

۳۵۵

در بیان مکان‌های مشرفه مدینه

۳۵۷

تکلیف حاج در سنگه مطهره



در بیان فضیلت زیارت امام رضا

۳۵۸

کیفیت زیارت حضرت امام رضا

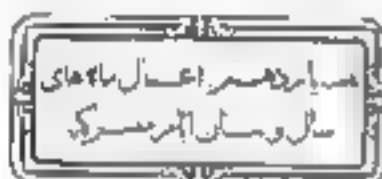
۳۵۹

زیارت آن حضرت در ایام و اوقات

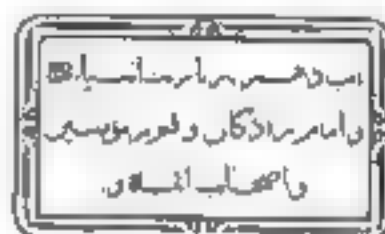
۳۶۸

شریعه

۲۵۶	در نام	۲۲۸	دهای توشل و استعانه
	فضیلت و کیفیت زیارت قبور مؤمنین		طریق نوشتن رقعۀ توشل به حضرت
۲۵۹	و اصحاب ائمه و علمای عظام	۲۳۱	حجۀ عصر
	در بیان واثقاره به قبور بعضی از	۲۳۲	رقعۀ توشل به ائمه
۲۶۲	علمای که در قم مدفونند	۲۳۴	در بیان معنی برای قضای حوائج ...
۲۶۴	در زیارت علماء	۲۳۵	ساز توشل به حضرت فاطمه
	کیفیت نماز مسجد جمکران	۲۳۶	نمازی از برای حاجت
۲۶۷	زیارت به باب و آداب ملاقات زائرین		



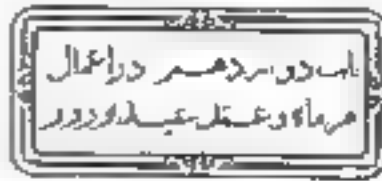
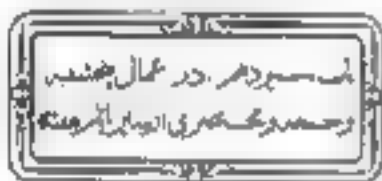
۲۷۲	اعمال ماه رجب - دعاها و هر روز
۲۷۴	زیارت جامع معروف به رجبیه
۲۷۶	دعاها و ذکرهای هر روز ماه رجب
	اعمال مخصوصه ماه رجب
۲۷۷	شب نزل ماه
۲۷۸	اعمال روز نزل ماه رجب
۲۷۹	نماز حضرت سلطان در نیمه رجب
۲۸۰	نماز حضرت امیر در نیمه رجب
	در بیان آنچه که در روزهای ماه رجب واقع شده
۲۸۱	در اعمال شب بهشت
۲۸۲	در اعمال روز بهشت



	در بیان زیارت و انوار به قبور جمعی از
۲۳۸	پیشوران عظام
۲۴۰	کیفیت زیارت پیشوران
	زیارت انعام زاهدان و انصار به
۲۴۱	قبور ایشان
	فضیلت و کیفیت زیارت حضرت
۲۴۵	معصومه
	ساعات خلوت که در چهار حضرت
۲۴۸	معصومه مدفونند
	در بیان حال موسی میرق که در قم
۲۴۹	مدفون است
	در فضایل و زیارت حضرت
۲۵۰	عبدالعظیم در شهر ری
۲۵۳	کیفیت زیارت امامزادگان

۵۳۷	اعمال مشترک شبهای قدر	۲۸۵	ماه رجب
۵۳۸	اعمال مخصوصه شبهای قدر	۲۸۵	اعمال مشترک ماه مبارک شعبان
	تصانیعی که در هر شب معیه آخر	۲۸۶	صناعات در هر روز ماه شعبان
۵۳۹	ماه رمضان خزانده می شود	۲۸۸	اعمال مخصوصه ماه شعبان
۵۴۰	دعاهای مخصوصه هر شب معیه آخر	۲۸۸	دعای روز ولادت امام حسین علیه السلام
۵۴۸	سایر اعمال معیه آخر ماه رمضان		دعای مائید و از امام حسین علیه السلام برای
۵۴۹	دعاهای رواج ماه رمضان	۲۹۰	حاجت و امر مهم
۵۵۰	دعای بعد از ختم قرآن	۲۹۱	اعمال شب نیمه شعبان
۵۵۱	اعمال شب اول ماه فزائل	۲۹۵	اعمال مشترک ماه مبارک رمضان
۵۵۱	ساز و دعای شب عید فطر	۲۹۵	اعمال هر روز و شب ماه رمضان
۵۵۲	اعمال روز عید فطر	۲۹۶	دعای بعد از هر نماز در ماه رمضان
۵۵۵	کیفیت نماز عید فطر	۲۹۷	اعمال هر شب ماه رمضان
۵۵۷	در بیان اعمال ماه ذی القعدة	۲۹۸	دعای افتتاح
	نماز و دعای روز بیست و پنجم ماه	۵۰۲	دعاهای هر شب ماه رمضان
۵۵۸	ذی القعدة (روز محو القبر)		کیفیت هزار رکعت نماز نافله در ماه
۵۶۰	اعمال ماه ذی الحجه	۵۰۲	رمضان
۵۶۰	اعمال مشترک دهه اول ذی الحجه	۵۰۵	آداب سحرهای ماه رمضان
	در رکعت نماز مقتدر بر آیه (و اهدنا	۵۰۵	دعای سحر معروف
۵۶۱	موسی)	۵۰۸	دعای ابو حمزه ثمالی
	پنج دعای حضرت عیسی در دهه اول	۵۲۲	دعاهای روزهای ماه رمضان
۵۶۲	ذی الحجه	۵۲۸	دعاهای مخصوصه هر روز ماه رمضان
۵۶۲	تجلیات حضرت امیر علیه السلام در این دهه		اعمال مخصوصه شب و روز اول تاسع
	اعمال مخصوصه دهه اول ذی الحجه	۵۳۳	شب نوروز
۵۶۳	روز اول ماه ..	۵۳۶	در بیان اعمال شبهای قدر

۵۶۴	تمام حضرت فاطمه	۵۶۴	فضیلت و کیفیت روزه گرفتن در هر
۵۶۵	دعای شب عرفه	۵۶۵	ماه
۵۶۵	در فضیلت روز عرفه	۵۶۵	فضیلت و کیفیت روزه و اعمال یلم
۵۶۷	دعای روز عرفه	۵۶۷	شعبی
۵۶۹	اعمال عید انجلی	۵۶۹	فضایل و اعمال روز نوروز و ذکر دفاع مهم
۵۷۰	در فضایل و اعمال شب و روز عید	۵۷۰	که با آن روز مصافحه بوده است
۵۷۲	تذکر	۵۷۰	نماز و دعای روز عید نوروز
۵۷۲	اثبات حدیث قدیر	۵۷۰	نوشتن رفته در وقت تحویل سال
۵۷۳	در بیان واقعه قدیر خم	۵۷۳	
۵۷۶	در اعمال روز عید قدیر	۵۷۶	
۵۸۱	در فضیلت روز مباحله	۵۸۱	
۵۸۲	در اعمال روز مباحله ...	۵۸۲	
۵۸۵	اعمال روز بیست و پنجم ماه ذی الحجه	۵۸۵	
۵۸۸	نماز و دعای آخر ذی الحجه	۵۸۸	
۵۸۸	در بیان اعمال ماه محرم الحرام	۵۸۸	
۵۹۱	در بیان اعمال ماه صفر	۵۹۱	
۵۹۳	در بیان اعمال ماه ربیع الثانی	۵۹۳	
۵۹۳	اعمال ششدهم ربیع الثانی روز ولادت	۵۹۳	
۵۹۴	حضرت رسول	۵۹۴	
۵۹۵	اعمال ماه ربیع الثانی	۵۹۵	
۵۹۶	اعمال ماه جمادی الاخری	۵۹۶	
۵۹۷	اعمال ماه جمادی الاخره	۵۹۷	
۶۰۰	اعمال هر ماه نو و نماز ازل ماه	۶۰۰	



۶۸۶	دعای صبح	۶۸۸	بعضی اعمیه وقت زوال روز جمعه .
۶۸۷	در کیفیت سجده شکر	۶۸۹	آداب نماز جمعه
۶۸۹	اصول مابین طلوع آفتاب تا غروب آن	۶۹۰	نماز و دعای روز جمعه جهت غروب ...
۶۸۹	در بیان کیفیت نماز ظهر	۶۹۱	فضیلت و کیفیت صلوات در عصر روز جمعه .
۶۹۰	در تعقیب نماز ظهر .	۶۹۲	انصال عصر روز جمعه
۶۹۲	آداب نوافل و تعقیب نماز عصر .	۶۹۳	دعای خیرات
	اصصال مابین غروب آفتاب تا	۶۹۴	دعای سات
۶۹۷	وقت غروب .	۶۹۵	اصال روز شنبه
۶۹۷	در انصال وقت غروب آفتاب	۶۹۶	اصال روز یکشنبه
۷۰۱	آداب نماز شبانه .	۶۹۷	اصال روز دوشنبه و تعویذ آن
۷۰۲	در تعقیب نماز شبانه	۶۹۸	اصال روز سه شنبه و تعویذ آن
۷۰۵	اصال وقت غروب تا طلوع فجر	۶۹۹	اصال روز چهارشنبه و تعویذ آن
	تعویذ طبع شراب و رفع احتیاج		
۷۰۶	و غروب نشستن خانه و دفع عزم ..		
۷۰۶	دعای سر به کشیدن		
۷۰۷	در فضیلت و کیفیت نماز شب		
۷۱۷	آداب نفل صبح		
۷۲۰	ختم رساله شریفه		
۷۲۱	خاتمه کتاب		

کتاب چهارم در آداب و اعمال
هر روز و هر شب

۶۷۰	اصال مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب
۶۷۱	بسمه و آداب بیت الصلاه
۶۷۲	آداب و اعمیه وضوء
۶۷۳	آداب رفتن به مسجد
۶۷۵	دعای تکبیرات
۶۷۶	دعای رکوع
۶۷۷	دعای سجده
۶۷۸	دعای قنوت .
۶۷۸	در تعقیب نماز صبح

لَقَائِمُهُ

بمن در بیان مختصری از آداب سفر است

چون ابراهیم سطر کشی سزاوار آن است که اختیار کنی روز شنبه را، که ولادت شده اگر سنگی از کوه جدا کرده در روز شنبه، الله هدای تعالی آن را به جای خود برگرداند.

و روز سه شنبه هم بیگ است و روز چهل و آسمانی است به خصوص برای کسی که کار بر او دشوار شده باشد. و روری است که حق تعالی آهن را برای حضرت داود علیها السلام بر مرم کرده.

و رویت شده که حضرت رسول ﷺ در روز پنجشنبه به سفر می رفتند و می فرمودند که: «روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست می دارند».

و آن روز دوشنبه پس سفر کردی در آن یک تپه و در بعضی از روایات این شده به ترک
سفر در آن روز و واره شده که هیچ روز شویتر از روز دوشنبه نیست و سفر کردن در روز
چهارشنبه و پیش از ظهر روز جمعه میر یک نیست و لکن از حضرت امام رضا علیه منقول است
که «هر که در چهارشنبه آخر ماه سفر کند سر و د آن جماعتی که به حال بد می دانند از هر بلای
نگاه داشته می شود و حاجتش را عطا می آورد»

و سفر کردن در روز سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، یکم و یکم و چهارم،
هشت و یکم و هشت و شش و یکم و در روزی وارد شده که روز چهارم و ششم و هشت
و یکم برای سفر خوب است و در روز هفتم و یکم و یکم خوب است و اگر روزهای ماه با

روزهای هفته معارض شود رعایت روزه‌های هفته اولی است. چه آن که اعیانیت معتبره در ایام هفته بیشتر است و سفر ممکن در حالی که قصر در برج عقرب باشد که روایت شده که هر که سفر کند یا در آن بخواهد و قصر در عقرب باشد حلقه یکویست و اگر ضرورتی حاصل شود برای سفر کردن در این اوقات تصدق کند و بیرون رود چنانچه حضرت صادق علیه السلام فرمودند که التماس کن سفر خود را به صدقه و بیرون رو هر وقت که حوالی به دوستی که سلامتی سفر خود را می‌خرد. پس صاحب خود را در حق مردم خلاص کن و وصیت کن به جمع کن اهل خود را نزد خود و در رکعت نماز گذار و از خدا خیر خود را سؤال کن و آیه التکریم را بخوان و حمد و ثنای الهی را بجای آورد و صلوات بر حضرت رسول ﷺ و آل او بفرست و دعاهای سفر را بخوان و آن‌ها بسیار است و این مختصر گنجایش ذکر آن‌ها را ندارد و از جناب رسول خدا ﷺ مروی است هیچ چیز بهتر از آن نیست که آدمی هنگام سفر دو رکعت نماز براهش به رده گذارد پس بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِيْعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَصَالِي وَفُرْشَتِي وَذُنُوبِي وَأَجْرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي** و با خود برادر حصائی از چوب بادام تلخ

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول ﷺ فرمود که هر که به سفری برود و با خود برادر حصائی از چوب بادام تلخ و ای آیهات را بخواند حق تعالی او را ایمن گرداند او هر مسیح ده‌بند و هر دردی و هر صاحب دهری تا به اهل خود برگردد و با او هفتاد و هفت ملک باشند که او برای او استظهار کنند تا برگردد و عطا و ابگذارند و آن آیهات در سورة قصص است^{۱۱} و اول آن این است **«وَلَمَّا تَوَجَّهَ بَقَرَاءَ حَذَرِيٍّ»** و آخر آن **«وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ»** و بر با خود برادر تصبیح ترب سید الشهداء علیه السلام و چیزهایی که در سفر لازم می‌باشد و از دواها آنچه تو به رفیقان تو به آن محتاج می‌شوند و منقول است که حضرت رسول ﷺ هرگاه به سفر می‌رفت پنج چیز با خود برمی‌داشتند: اینه و سرمه‌دان و مسواک و شانه و مقراض^{۱۲}

و در روایت دیگر آن که با خود برمی‌داشتند غیر از این‌ها سودن و برسان و چیزی که به آن کشی را پنهان کنند و غیر این‌ها و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر که سورة عبس را در کفادی سفید بنویسد و به هر راهی که رود یا خود فلرد در آن راه به چیز نیکی می‌رسد و از مفاسد ن

راه محفوظ باشد این شاء الله تعالی و چون برخاستی که تشریفه سفر شوی بگوین دعای موی عَلَيْهِ السَّلَام
 اللَّهُمَّ بِكَ لَقِيتُكَ وَبِكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اغْتَصِمْتُ أَنْتَ ثِقَتِي
 وَرَجَائِي اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهْمِي وَمَا لَا أَهْمَ لَهُ وَمَا أَنْتَ اعْلَمُ بِهِ مِنِّي
 اللَّهُمَّ زُودْنِي التَّقْوَى وَاعْزِزْ لِي الْخَيْرَ حَتَّى تَوَجَّهْتُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ
 هر روز بها در حالی که حمامه بر سر پسته باشی و سر حمامه را در زیر تنگ ^۱ انداخته باشی، چون
 بیرون آمدی بایست رو به قبله (جلوی) در خانه و بخوان سوره مبارکه حمد و آیه الكرسی و از
 پیش رو و جانب راست و جانب چپ پس بر آن بگو اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا صَبَّحْتُ
 وَتَوَلَّيْتُ وَاسْلَمْ مَا عَصَيْتُ وَبَلَّغْ مَا عَصَيْتُ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَوِيلِ

و در مخصوص سفر مشهد مقدس از حضرت رضا علیه دعایی وارد است که در باب زیارت آن
 حضرت در جزء زیارت نقل خواهند نمود این شاء الله و توشه از برای سفر خود بردارد از شرف
 آدمی است که توشه خود را بیکو گرداند به مخصوص در سفر مکه بلی در سفر زیارت اصنام
 محسوس عَلَيْهِ السَّلَام توشه را از چیزهای لذیذ قرار ندان مانند برنجی و حلواها و غیره محبوب نیست و
 تنها سفر مکی که کسی که تنها سفر رود ملغوس است و شیطان با لوست و دو نفری هم به سفر
 رفتن بیکو نیست و بهترین رفیقان و صاحبان نزد خدا چهار غریز و اقل رفیقان سه و اکثر هفت و
 رهاده از هفت نفر در صورتی که هم توشه را هم سفره باشند صوب میسب و باعث بلند شدن
 صداهاست و اگر به جهت ضرورتی تنها به سفر روی بگو ماشاء الله لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
 بِاللَّهِ اللَّهُمَّ آتِنِي وَخَشْتِي وَآتِنِي عَلَى وَخَلَّتِي وَأَذْ غَيْبَتِي

و در سفر مصاحبت مکن با کسی که فضیلت تو را بر خود نداند آن قدر که تو از فضیلت او بر
 خود می بینی و هم چنین با کسی که او به تو نسبت یابد بلکه مصاحبت کن با کسی که تو به او
 نسبت یابی، یسی کسب علم و کمالات در او توانی نمود و بر مصاحبت مکن با کسی که مالدار
 است و توانگری تو مثل آن نیست که موجب مدلت و خواری تو لب بلکه با مثل خود رفتار کن

و چون به وقایع خود همسفره و هم توشه تندی سزاوار است که لؤلؤ حرجی های خود را بدر
آورند و بر روی یکدیگر یکنفرید که این بیشتر باعث حسودی خاطر و تکی اخلاق شده شود.
و چون به راه افتادی اگر در پیش تو حاضر شد چیزی که شوم است بپوش او و به حال بد است و دل
بدن آن ها ترسی در خاطر تو گذشت بگو **اَعْتَصِمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي**
نَفْسِي فَأَعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ چون این را بگویی حسدی به تو رسد این شاء الله تعالی.

و وارد شده از حضرت صادق علیه السلام که چون در سفر باشی بگو **اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَسِيرِي**
عِيسَاءَ وَصَحْبِي تَفَكُّرَاءَ وَكَلَامِي ذِكْرًا و حضرت رسول صلی الله علیه و آله چون در سفرها سوار شیب
می رفتند **سُبْحَانَ اللَّهِ** می گفتند و چون سربالا می رفتند **اللَّهُ أَكْبَرُ** می گفتند. و از آن حضرت
روایت شده ثواب بسیاری برای کسی که وقتی که به روده خانه باین رود بگوید **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**
وَاللَّهُ أَكْبَرُ

و اگر در سفر پیاده هستی گریزند را بر روی شکم محکم ببند که پیاده رفتن را بر تو آسان کند.
و بر تو باد به راه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می شود و وارد شده که چون راه را خط
اطعی را کسی به جانب راست میل کن، و در روایتی از حضرت امام معتمد باقر علیه السلام منقول است که
چون راه را گم کنی فریاد کن: **يَا صَالِحُ يَا صَالِحُ** **لَوْ شِئْنَا إِلَى الطَّرِيقِ وَجِئْنَا**
اللَّهُ

و هر گاه در میان از چلبان یا غیر ایشان بترسی دست راست خود را بر سر بگذاز و به صدای
بند بگو **«اَعْيِزْ هَذَا إِلَهِي يَنْصُرُونِي وَلَهُ أَسْتَعِيذُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا**
وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»

و چون در سفر غریه آیی بگو **اللَّهُمَّ أَمْرِئِي مُتَزَلًّا مُبَلَرَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ**
الْمُتَزَلِّينَ پس دو رکعت سار تحیت سار بجای آورده پیش از آن که بنفسی بگو **اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا**
خَيْرَ هَذِهِ الْبَيْعَةِ وَأَعِزَّنَا مِنْ شَرِّهَا **اللَّهُمَّ اطْعِمْنَا مِنْ جَاهَاهُ وَأَعِزَّنَا مِنْ**

وَبَاہَاہُ وَحَبِیْبُنَا اِلٰی اَهْلِیْہَا وَحَبِیْبٍ صَالِحِیْ اَهْلِیْہَا اِلَیْنَا و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ: چون با جماعتی رفیق شوی مگر این جا فرود آید یا این جا فرود می آید، کہ در میان ایشان کسی هست کہ این کار را بکند اگر تو بہ ایشان بگداری و بر تو باد و سر بہ احسانت مؤمن و محافظت بر رفیقان و صرف کردن توشہ و بسیار یاد کردن خدا را در هر بلندی و پستی و در حملہ و حالات، و سنت است خوش خلقی با ہر لہجائی و ملازمان و مکالمیان و چشم فرو خوردن از ایشان، و چون ارادہ دخول شدن در شهری یا دعی داشتہ باشی، چون غرت بہ آن لفظ بنویس **اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ حَبِیْرَہَا وَاعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّہَا۔** **اللّٰهُمَّ اطْمِئِنَّا مِنْ جَنَاحِہَا وَاعِظُنَا مِنْ وَبَاہَا۔** وَحَبِیْبُنَا اِلٰی اَهْلِیْہَا وَحَبِیْبٍ صَالِحِیْ اَهْلِیْہَا اِلَیْنَا

و بر تو باد بہ خواندن قرآن و دعا و ہجائی آوردن نمازها در ازل اوقات و مستحب مؤکد است از برای مسافر کہ سی مرتبہ عقب نمازهای شکستہ یکہ نماز ظهر و عصر و عشا است «بگوید: **سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ**» و اگر خواستہ باشی در منزل از درہ محفوظ باشی چون سار حفظی را گذاشتی بعد از نماز بپا را بہ رختخواب بگداز و تسبیح حضرت فاطمہ علیہا السلام بخوان، پس از آن آیتہ الکرسی را، تا محفوظ باشی اِن شاء اللہ تعالیٰ.

و بعضی از علما فرمودند کہ: چون خواستی بار کنی، دو رکعت نماز بگداز و از خدا بطلب حفظ و حمایت او را دربارہ خود، و آن موضع و اهل آن را وداع کن کہ هر موضعی و اهل بیعی است از ملائکہ پس بگو **السَّلَامُ عَلٰی مَلَائِکَةِ اللّٰهِ الْحَافِظِیْنَ السَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِیْنَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُہُ**.

و هر گاہ در سفر محتاج نسبی بہ سوار شدن بر کشتی چون سوار شدی، صد مرتبہ تکبیر بگو و صد مرتبہ صوات بفرست و صد مرتبہ اِس کن بر کسانی کہ ظلم کردند اَلَمْ یَسْمَعُوا وَاللّٰهُ را، پس بگو **بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالصَّلَاةُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ** تا آخر دعا کہ در تحفہ الزائر مذکور است. و از حضرت امام رضا علیہ السلام منقول است کہ فرمودہ: چون بہ کشتی سوار شوی بگو **بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرَہَا وَمَرْسَاہَا اِنَّ زَبِّیْ لَفَقُوْرٌ رَّحِیْمٌ** و چون دریا بہ موج آمد بر جانب چپ

تکیه کن و به دست راست به سوی مروج اشاره کن و بگو: قَرِّی بِغَوَارِ اللَّهِ • وَاشْكُی
بِسُكُونَةِ اللَّهِ • وَلَا خَوْفٌ وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ • و اگر از غرق شدن
ترسی بگو: بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَخُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ • بِسْمِ اللَّهِ
الْمَلِكِ الْحَقِّ • «وَمَا قَنَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَنَرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ طُفُولَاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»

و بدان که وارد خنده که بر پشتی هر جبری و بی شیطانی هست چون به آنجا رسیدی و قدم
خود را بر آن گذاشتی بگو بِسْمِ اللَّهِ • اللَّهُمَّ اخْرِ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ •
و در برای سواری آهلی چند است که مرافعات آن‌ها لازم است، از آن جمله آن که چون حواصی
سوار آن شوی و حواصی آن را لجام کنی «بسم الله» بگویی که در پی هر چهارپایی شیطانی
هست، و اگر جموحی کند و گوشش بخواند ای آیه را که گذشت «الْفَخِيرَ دِينِ اللَّهِ يَنْفُتُونَ»
تا آخر آیه، و چون سوار شوی «بسم الله» بگو تا طحکی ردیف او شود و تو را نگه دارد تا وقت
پایین آمدن و کسی که ترک کند بسم الله را شیطانی ردیف او شود و او را وادارد به خوانندگی کردن
و آرزوهای باطل و محال نمودن تا پایین آید، و سزاوار است میر خواندن این دعا: بِسْمِ اللَّهِ •
لَا خَوْفٌ وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ • «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنُنتَهِيَنَّ
نُؤْلًا أَنْ خَلَقَنَا اللَّهُ • «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»
و سزاوار است میر خواندن «آیه الکرسی» و در چهار از خوانندگی کردن در وقت سواری و خپلا^(۱) و
نختر^(۲) و شرم کن که تو چنین کنی و حال آن که آن حیوان در تیر بازی تو تسبیح خدا کند و
چهارپای خود را به زراعت و گشتزار مردم براند.

و بدان که از برای چهارپای بر صاحبش حقوقی چند است که باید رعایت کند آن‌ها را چنان
است، کردن به علف او وقتی که فروید آید و آب بر او خرجه کند چون به آب رسد و بر رویش
چیزی نهد که تسبیح بروردگار خود می‌کند، و سواره بر روی او نایستد مگر در وقتی که جهاد
می‌کند در رمد حدها، و پیاده از طاقب و تولتایی او پارش نکند و تکلیف رفتار او قدر بکند که او

طاقت دارد، و این حقوق اختصاصی به مال خود ندارد، بلکه مال مکاری نیز جایی است، پس باید ملاحظه حیوان را نماید، آن بی نصافی که هر چه ممکن می شود بر مال مکاری^{۱۱} حمل می کند که اگر مال خویش بود نصف آن را حمل بر آن می نمود و اگر مکاری در این باب حرفی زد اگر لوی باشد او را برند و اگر نه به جزی پول یا هدایی ریان او را بدهند، پس آن حیوان بی ریان به اندک زمانی رمقی و شکست و لاغر شود و بالعکس باید بر مرکوب خود مهریان باشی که روایت شده که هر دانه ای که صاحبش خواهد بر او سوار شود در آن وقت [آن چهار پا] می گوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي رَجِيماً، یعنی خداوند! او را به من مهریان گردان، و چون در قالب راه رفتن به سر دو آید، او را مزین و به او بد مگو، و سه نفر بر یک چهارپا رجه سوار شوند که هر که چنین کند بکسی از ایشان ملعون است.

و از برای مسافر آداب و هدیه کثیر است و بنای ما بر انحصار است و لهذا آنچه ذکر شد به جهت انحصار به صورت روایت ذکر نمودیم با آن که تمام مصاصی روایات لعل بیست و هفت است، و از جناب لقمان وحشی است شریف مطلق به امر سفر، سرانوار است که او را ذکر کنیم و این مقدمه ن به آن ختم نمایی:

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت لقمان پسر خود را نصیحت فرمود که چون به گروهی سفر کنی بسیار با ایشان مشورت کن در کارهای خود و کارهای ایشان، و بر روی ایشان بسیار بشم بکن، و در توفه خود صاحب کرم باش، و چون تو را به ضیافت طلبند قبول کن، و اگر از تو مدد طلبند ایشان را یاری بکن، و به سه چیز بر ایشان غلبه کن به بسیاری خاموشی و بسیاری نماز و سخاوت و جوانمردی در هر چه با خود داری از چهارپا و مال و توفه، و اگر گواهی از تو بطلبند یا بر امر حلی خواهند تو را گواه کنند، بکن، و چون با تو مشورت کنند تا توانی سعی کن که رأی بگو برایشان اختیار کنی، و رود عزم مکن و رأی خود را به ایشان مگو تا تأمل کنی و فکر کنی و جواب ایشان مگو در مشورت ایشان تا آنکه هر آن فکر برخیزی و بنشین و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی، و در انتهای این اسوال فکر خود و حکمت خود، در مشورت ایشان بکاربری، و را که هر که خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت کند خالص مگرداند حق تعالی او را از او سلب می کند و امانت را از او بر می دارد، و هرگاه بینی که کاری می کنند با ایشان بکن، و اگر تصدق کنند با قرضی دهند تو نیز با ایشان بده، و بشنو

سخن کسی و که از تو بزرگتر باشد و هرگاه رفیقان کاری به تو فرمایند یا چیزی از تو سؤال کنند بگو بلی و نه مگو، که نه گفتن علامت عجز و موجب ملاحت است و چون راه گم کنی و حیران بمائی فرود آید و اگر در راه مقصود شک کنی یا بکندبگر مشورت کنی و مصلحت ببینی و اگر یک کس را ببینی حیر راه را از او بپرسی و مصلحت از او ببینی که یک شخصی در پیدای این کس ن به شک می اندازد که شاید جاسوس دزدان باشد یا شیطانی باشد که خود را شمه در حیران کند و از دو شخص بر حدی کنی مگر آن که چیزی ببینی از علاقه ها و فرقه ها که من بهتم زیرا که عاقل بدیند خود نظر که می کند به سوی چیزی آنچه خواست از آن می شناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غایب می بیند.

ای فرزند چون وقت ساز در آید از برای امری آن را به تأخیر می انداز و معاز را بجا آور و راحت یاب زیرا که نماز غرضی است هر چند پیش تر از کنی سبک بار می شوی ساز را با جماعت بکن هر چند بر سر بزه باشی و بر روی چهار پا خواب مکن که رود باعث رخم پشت آن شود و این از کردار داناهاست مگر آن که در میان کجاوه یا محمل باشی که شکت باشد که بفرهی برای سستی فواصل و چون نزدیک شوی به منزل از چهارپای خود فرود آی که آن چهار پا با داور دوست و ابتلا کن به طلب دادن آن پیش از آن که خود چیزی بخوری و چون خواهید که آن که فرود آید اختیار کنی از بقعه های زمین مکانی را که خوش رنگ و پر گاه تر باشد و چون فرود آید پیش از آن که بنشینی دو رکعت معاز بکن و چون خواهی به قضای حاجت روی بسیار دور برو پس چون خواهی که بار کنی دو رکعت ساز بکن پس آن زمین را و دایع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین بکن که هر بقعای از زمین را اهل چند شب از ملائکه و اگر توانی محصور هیچ طعانی را مگر آن که قدری از آن را تصدق کنی و بر تو باد به خواندن کتاب خدای تعالی مادام که سوار باشی و بر تو باد به تتر به یاد حقایق تعالی کردن تا مشغول کار باشی و بر تو باد به دعا کردن در وقتی که تنها و یگوار باشی و چهار که در اول شب راه مرو بلکه در اول شب فرود آی و نصف شب راه روه و زندهار که در راه رفتن صدا را بلند مکن.

باب اول

در ذکر آداب زیارت و دخول
در مشاهد شریفه و اذن دخول در
همه محکم های شریفه

و در آن دو فصل است

فصل اول

در آداب زیارت و آن بسیار است

و شیخ شهید^{رحمه الله} در کتاب دروس اکثر آن را در ضمن چهارده عدد ذکر نموده و علامه مجلسی^{رحمه الله} در تحفه در هفده عدد ذکر نموده و شیخ مرحوم نقه الاسلام نوری در کتاب معین الزائر که آخرین تألیف آن مرحوم بود و به دست حقیر خاتمه آن ختم شد زیاده بر چهل گردانیده و ما به جهت آن که این مجموعه را جامع کنیم جمع کنیم بین تمام آن‌ها ولیکن به جهت اختصار اولاد آن‌ها را ذکر نمی‌کنیم مگر بعضی از آن‌ها را به طور مختصر

اول: در آداب غسل کردن پیش از ورود رفتن برای سفر زیارت

دوم: ترک کلام یهود و لغو و مضامید و مجادله در راه

سوم: غسل برای زیارت هر نامی و علامه مجلسی^{رحمه الله} فرموده که افضل آن است که پیش از آن که حدیثی در او صادر شود زیارت را واقع سازد و معتدل است که غسلی که دور کند تا شام کافی باشد و غسی که در شب کند تا صبح کافی باشد و شیخ شهید از شیخ مفید^{رحمه الله} نقل فرموده که اگر این شخص شکیست شد غسل را اعاده نماید

چهارم: دعا خواندن در حال غسل و شاید بعضی از آن دعاها در احادیث کثیبت زیارت الله^{تعالی} مذکور شود و شیخ کفعمی^{رحمه الله} در کتاب الفصال این عیاش نقل کرده که مستحب است این دعا را در هنگام غسل بخوانند اللهم طهرني من كل ذنپ و نجس من كل كرم و ذلل لي كل ضيق و ابتك بنعم المولى و نعم الرب و رب كل شيء و رب ظمید و شیخ طوسی نور الله مرقدہ در کتاب تهذیب مستند روایت کرده از محمد بن ابراهیم قمی که گفت چون حضرت صادق^{علیه السلام} از غسل زیارت فارغ می‌شدند این دعا را می‌خواندند اللهم اجعلني نورا و طهوراً و جزواً و كافیاً من كل دام و سقم و من كل آفة و عاهة و طهر به قلبي و جوارحي و عظامي و لحمي و دمي

وَسُغْرِي وَبُشْرِي. وَمُخِي وَغَصْبِي. وَمَا لَقَلْتُ الْأَرْضَ وَنَتِي. وَاجْعَلْهُ لِي شَهِيداً يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي. و احتمال می رود که مراد غسل طواف زیارت باشد چنانچه علامه مجلسی احتمال داده، لکن جمعی از علما این حدیث را در باب غسل زیارت الغسل ذکر کرده اند.

پنجم: طهارت از حدث کبری و صغری

ششم: پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و غیره چنانچه در دعوی تصریح به آن نموده و میگوید است مطهر بودن رنگ آن.

هفتم: در وقت رفتن به روضه مقدسه گاهها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وفادار سر نمودن. هشتم: با موده^۱ یا کفش و شال آن داخل حرم نشدن.

نهم: خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه السلام چنانچه به سند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام به این بصر فرمود که: می خواهی تو را خبر دهم که جدم حسین علیه السلام چگونه زیارت امام حسین علیه السلام می کرده است گفت: بلی. فرمود که: «چون خواهی به زیارت آن حضرت بروی روی پیش از ورود رفتن روز چهارشنبه و پنجشنبه را روزه بدار پس چون شب جمعه شود ساز شب بکن و برخیز و نظر به اطراف آسمان بکن. و در آن شب پیش از شام غسل بکن و با طهارت بخواب. پس بچو می خواهی به زیارت بروی غسل بکن، و بوی خوش بکن و روغن بر خود مال و سرمه بکش تا بروی نزد قبر».

مؤلف گوید که: از این حدیث و غیره و از کلمات علما ظاهر می شود که بوی خوش به کار بردن در زیارت امام حسین علیه السلام یکو نیست و غسل چهارمین عبد الله انصاری در روز اربعین باعث رجعت آن نمی شود و اما خوشبو کردن ضریح مقدس و بخور در روضه مقدسه برای تطیب آن مکان شریف در آن منعی وارد نشده و بعضی تصریح کرده اند که بخوبی آن.

دهم: در وقت رفتن به حرم مظهر ریل را به ذکر تکبیر و تسبیح و تهلیل و تسمیه

۱ در نگارش قدیم معنای عام آن کفش است. ولی معنای خاص و دقیق آن کفش کلمانی است که امروزه بدان چکمه اطلاق می شود.

حضور تبارک و تعالی مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل اطهارش علیهم السلام دهان را
بمطر نمود.

مازدهم: بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول در آن جا طلبیدن به کلمات مأثوره یا به سلام
گرفتن بر پیغمبر و اشتهی و سعی در تحصیل رقت قلب و سورش دل و غطوع و شکستگی
خاطر نمودن یا تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقده منوره و این که می بیند
ایستادن او را و می شنود کلام او را و جواب می دهد سلام او را چنانچه به همه این ها شهادت
می دهد در وقت خولدن این دخول و تدبر در محبت و لطف و مکرمتی که به شیعیان و زائران خود
دارد و تأمل در خرابی های حال خود و خلاف ها که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی حد
که از ایشان شنیده و آزارها و اذیت ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستانش رسانده که
برگشت آن به آوردن ایشان است و اگر راستی در خود نگرد خدجهایش از رفتن باز افتد و قلبش
هراسان و چشمش گریان شود و روح تمام آفتاب بلکه رباب در عین است که اگر این نصرت
روزی شد بسیاری از آداب قهراً و نفاست به عمل آید و برای فهمیدن این دادن صاحب آن مرقده
شریف در دخول بر آن محضر امور جلالت یافت و شیخ شهید علیه السلام فرموده بعد از ذکر این
ادب اگر در قلب خود مشغول و رقتی دید داخل شود و الا در حدد تحصیل زمانی بر آید که در
قلب خود رقتی یابد چه غرضی است حضور قلب است به جهت تلقی رحمت که در پروردگار فرو
می آید پس قلب قاسی غافل ساهی قابل نیست برای نزول رحمت خاصه در آن پس زیارتش
جسدی شود بی روح و لفظی بی معنی مالی رفته و بدنی حسته پراش می ماند.

یوازدهم: رسیدن حبه علی و آستانه مبارکه است چنانچه علامه مجلسی رحمته الله علیه صریح بیان
نموده و فرموده بعضی در استجابش تأمل دارند و شیخ شهید علیه السلام فرموده که سطح ششم در باب
برسیدن حبه بر عتی که اعتقاد بر آن داشته باشیم و لیکن فرقه امامیه بر آنند که خوب است الح
سمیومهم: سجده شکر برای خداوند بر این نیست شیخ و رسیدن بر این تربت زکیمه چنانچه
شیخ شهید علیه السلام بعد از کلام سابق فرموده و اگر زیارت کننده سجده کند و تپ کند که ار برای خدا
سجده می کنم به شکر این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود از یوسیدن حبه
چهاردهم: مقدم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدم داشتن پای چپ در وقت بیرون

آمدن مانند مساجد.

پانزدهم: روض به نزدیک شرح مقدس به نحوی که خود را بتواند به آن بهمهساند چنانچه شهید^۱ تصریح به آن فرموده و گفته توهم آن که دور ایستادن ادب است و هم است، زیرا که نص وارد شده بر تنگی کردن بر ضریح و بوسیدن آن، لشکی و شاید مراد از توهم لعل سب باشند، زیرا که آن‌ها از جمیع آداب می‌شمارند دور ایستادن از قبر را و مکروه می‌دانند چسبیدن به قبر و بوسیدن و لمس آن را چنانچه علمایشان در آداب زیارت حضرت سید^۲ این مطلب را ذکر کرده‌اند.

شامل دهم: بوسیدن قبر مطهر

هفدهم: گذاشتن و مالیدن طرف روی راست و چپ را بر قبر منور

هجدهم: پشت به قبله و رو به قبر منور ایستادن و ظاهراً این ادب مختص به مصوم است و اقامه در غیر آن‌ها در پشت سر رو به قبله یا در بالای سر چنانچه در زیارت حضرت فاطمه دختر امام موسی^۳ گفته‌اند و شیخ شهید^۴ بعد از ذکر این ادب فرموده: پس بگنجد بعد از فراغ از زیارت جانب راست روی را بر قبر و دعا کند یا حال تصریح پس بگنجد جانب چپ صورت و و بخواهد ملد، را و قسم دهد او را به حق خود حق تعالی و به حق صاحب قبر که شفاعت او را شامل حال او گرداند و بسیار میافته و اصرار کند در دعا، پس برگردد به جانب سر مقدس و رو به قبله کند و دعا بدارد.

نوزدهم: ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر حضری ندارد از خطبه و درد کمر و درد پا و غیره، و این ادب منحصراً در جاهای ذکر شده و لکن حوی آن از جهات کثیره استلزام شده، که در کتب مناسب این جا نیست.

بیستم: در وقت روض به حرم و هنگام زیارت خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات نکردن.

بیست و یکم: گفتن تکبیر در نزد چدن قبر مطهر پیش از شروع خواندن زیارت چنانچه ظاهر می‌شود بودن آن از ادب، از تتبع در جمله از زیارت و از حیر شریف صاحب التقریبات و غیر چنان است که شیخ جلیل مستند بن الحسن الحنفی^۵ روایت کرده به سند معتبر از حضرت امام محمد

بافرمانه که به سعد بن طریق فرمود در ضمن ذکر توب و رفتن خدمت امام علیه السلام پس چون امام را دید تکبیر گوید که از برای او در روز قیامت سنگی بزرگ خواهد بود که در عیال او سنگین تر است از هفت آسمان و هفت زمین و آنچه در آن هاست و آنچه در بین آن ها و آنچه در زیر آن ها است تا آن که می فرماید و هر که تکبیر بگوید در پیش روی امام علیه السلام و بگوید: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ خواهد نوشت خدای تعالی برای او ستودی بزرگ خود را و هر که نوشته شود برای او رضوان اکبر خدای تعالی واجب شده که جمع شود میان او و میان ابراهیم و محمد و پیغمبران صلوات الله علیهم - در دوازده جلال

و ظاهر این خبر اگرچه دلالت دارد بر آن که تکبیر از آداب ملاقات کردن امام علیه السلام است در زمان حیات و لکن در این قسم مطالب فرقی میان حیات و ممات و طاعت و حرم نباشد.

بیست و دوم. خواندن زیارات مأثوره وارده در سادات ائمه علیهم السلام که همسای اهل اسلام شکر الله تعالی مسامحهم - بعد از رجب و شعب بهار آن ها را جمع و در کتب و اسطر مطبوعه ثبت گردانند و بعد الله چنان شایع است که دست هر کسی به آن می رسد پس باید در باب زیارات رجوع به آن ها شود و خواندن زیارات های مخترعه ترک خود که بعضی بی خردان از هیواد آن ها را به بعضی از زیارات تلفیق کرده و در مجموعه جمع آورده و نادانان خود را به آن مشغول ساخته و از زیارات بی نهایت زیارات مأثوره معتبر و خواهد کتب علماء خود را محروم نموده اند.

بیست و سوم. بها آوردن نماز زیارت که لقل آن دو رکعت است و اگر در بالای سر کند بهتر است.

بیست و چهارم. خواندن سوره «یس» در رکعت اول و سوره «الرحمن» در رکعت دوم اگر برای زیارتی که نماز آن می خواند کیفیت مخصوصی ذکر فرموده باشند و استعجاب پس دو سوره در نماز زیارت از خیر طولانی تر و حمزه ثمالی ظاهر شد.

بیست و پنجم. خواندن دعا بعد از نماز زیارت به آنچه وارد شده و اگر خواهد دعا کند به آنچه در خاطر او می رسد از جهت دین و دنیای خویش و تسبیح دهد در دعا کردن چه آن به اجابت نزدیکتر است.

بیست و ششم. شیخ شهید علیه السلام در دروس فرموده که مستحب است تلاوت کردن قرآن نزد

صریح هر امامی و هدیه کردن ثواب آن را به روح مقدس آن امام و تلخ آن به زیارت کنند عاید می‌شود و منتظرش تنظیم امام است.

بیست و هشتم: مقدم داشتن نماز و ایستادن بر نماز زیارت و عهد فرموده که کسی که داخل حرم شود و بیند که نماز جماعت منقطع شده ابتدا نماز کند پیش از آن که زیارت کند و هم چنین ترک کند زیارت را و داخل نماز شود اگر وقت نماز شود و گرنه ابتدا کردن به زیارت اولی است چه آن غایب مقصد اوست و اگر در بین زیارت جماعت بیا شد مستحب است در برای زائران که زیارت را قطع کند و رو آورند به نماز

بیست و هشتم: علامه مجلسی و مرحوم شیخ مقدس الله روحها طواف کردن دور ضریح مقدس را از جمله آداب زیارت شمرده اند و بعضی را اعتقاد آن است که خوب نیست و او برای طریق اهل‌های است که ذکر آن منافات با انحصار ندارد و لکن مراعات ترک طواف در مخصوص حرمین شریفین بجای و کربلا مهم است به جهت ملاحظه امری که در مقام خودش این شاه الله تعالی ذکر شود.

بیست و نهم: مرحوم شیخ فرموده: ترک خوردن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و سبوحه و اشتغال به صحبت‌های دنیوی که همیشه در هر جا ملوم و قبیح و مانع روی و جالب فساد قلب است، مخصوصاً در این بقاع مطهره و قباب سامیه که صفای تعالی حیر می‌دهد از بزرگی مقامش و جلالت شأنش در کلام مجید خود در سوره بقره: **يُثْبِتُ أَذُنَ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعُ وَيَذْكُرَ لِيُفِيَا أَصْمَعُ** الخ.

معنی: بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت، چنانچه علامه مجلسی رحمه الله تصریح نموده اند، و مستند عیون است احضای ذکر و آیه شریفه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ** تا آخر و روایت و حدیث طویل غایبی که مر یاب دنی حضرت مجتبی علیه السلام منع عایشه است و مقام را گنجایش تحصیل آن نیست و شیخ بنا علامه نور علی طاب ثراه که بعد از ذکر آیه شریفه و حدیث فرموده که مرحوم مجلسی در کتاب پهلر و تحفه از این آیه و روایت اظهار فرموده که بلند کردن آواز در حرم مطهر نبوی و مشاهده شریفه چه در

زیارت و چه در غیر آن منتهی و مبدوم است. و چه بیک هر صوفیه و این ادبی است خاص کند در
مرحله احترام و تعظیم رسول خدا و قزیه طاهرش صلوات الله علیه. به آن امتیاز و اختصاص
داده و بردن ناموسی برای تکریم و توقیر ایشان در میانشان گذاشته [است] پس هر که آورد و بلند
کند هر چند در عبادتی باشد که بلند نمودن صدا در آن مجذوب باشد مانند اذان بردن ناموس الهی
را دریده. بلند نمودن آواز در اذان مرغوب است لذا در مکان مرتفع مثل مناره و بام و مساجد و
امثال آن که این محدود و مزاحمتی برایش نیست. چنانچه در این جاست و نظراً که چشم پشمر
به اسمی در حویب رفته جاهلی برای ساز با آواز بلند اذان گوید و خواب را از چشم بشان بیرون
برد، و از این جا معلوم می شود قباح و شناع آنچه معارف و مرسوم شده در حرم مطهر حلوی
و بقاع منوره حبسی علیه السلام که در اولیات نماز خصوص در صبح و شام جماعت بسیاری که گاه شود
عدد ایشان زیاد باشد از عدد گوش کنندگان به غایت بلندی آواز بر سرند اذان گویند و دعا کنند و
صداهای در هم پیچید و فقرات اذان در یکدیگر مخلوط عموماً عابدان محل را در زلزل و سارگنداران
و متضرعی و گریه کنندگان از کار خود باز دارند و داخل در زمرا صداقین من سبیل الله شوند،
و پاس حرست بیوت و امامت را در هم درند و حکایات اذنی را که از مستحبات انکیده است از میان
برند چه سماع ندانند که کدام را حکایت کند با این ملاحظه و غیر آن گمان دارد توانی برده و به
لبیسی رسیده و حال آن که می بایست از منکرات شرع شمرده شود نه عبادات. و در موقوفات داخل
شده نه شریات.

اسمی و یکم: مرحوم شیخ فرمودند یوسفی زمین در رو به روی امام علیه السلام است و استدلال کرده
برای این ادب به روایاتی که متضمن است: یوسفی جسی روی زمین را در مقابل امام، و یوسیدن
ابو قزیه صاحب جاتلیق بساط حضرت امام رضا علیه السلام را و گفتن او که در دین ما - یعنی دین
عموی - بر ما لازم است که با اشرف خود چنین کنیم و به یوسیدن حکم بن عمی زمین را در
مقابل جناب صاحب الامر - صلوات الله علیه - وقت تشریف او به خدمت آن حضرت در رسان
غیب به جهت سآله آثار و ورور ناصبی حاکم مصری که ذکرش منافی با اختصار است و تفصیل
آن در بحار مذکور است.

مسئومی و دوقوم و دایع کردن امام علیه السلام در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به آنچه از ایشان رسیده یا آدینی که برای آن مقرر فرموده اند.

مسئومی و سئوم بیرون آمدن از حرم مطهر به آرامی و اندک اندک و قهقرا یعنی روی خود به طریح کرده باشد و پیش به بیرون تا آنکه از نظر غایب شود و این آداب علاوه بر آنکه موافق تعلیم و توقیر متعارف رعایا یا ملوک است در چند حدیث معتبر به آن تصریح شده.

مسئومی و چهارم بیرون رفتن از بلد امام است پیش از انتظار روز جمعه چنانچه شیخ در تہذیب به سند صحیح روایت کرده که هر که دار مگه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حایر امام حسین علیه السلام بیرون رود پیش از آنکه انتظار روز جمعه را بگذرد ملائکه او را ندا کنند که کجا می روی خدا او را برگرداند و علما بر طوایف اللد علیهم در این خبر دو احتمال ذکر فرموده اند.

یکی آن که طریح کردن نماز جمعه باشد و این تہذیب برای کسانی باشد که پیش از ظهر روز جمعه مسافرت کنند و انتظار بکشند که نماز جمعه را بکنند و بنابراین در این احوال که در مشاهد مشرفه اقامه جمعه می شود مسافرت پیش از ظهر روز جمعه محدودی ندارد.

دوم آنکه چون جمعه نزدیک شود انتظار کشد که به بیوضاب زیارت و احوال شب و روز جمعه برسد پس در روز پنجشنبه از آن بلد بیرون رود.

مسئومی و پنجم قصد مراجعت داشتن به حرم مطهر و خود به زیارت هر وقت که برگشت به منزل خود مبادی که در آن مشهد شریف اقامه دارد چنانچه شیخ شهید علیه السلام و دیگران فرموده اند و بعضی مورد این مستحب را بعد از قصد مراجعت و بیرون آمدن از بلد امام علیه السلام دانسته اند و هر دو را رعایت کردن اولی است.

مسئومی و ششم توبه و استغفار خود به جهت گناهان و بهتر کردن حال و گردان و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه پیش از زیارت دارا بود چنانچه شیخ شهید علیه السلام و دیگران گفته اند و علت گرفته اند از برای این مطلب آنکه زیارت گناهان و لوزیر " را بر طرف کند در وقتی که قبول شود و معلوم است که زائر چون آمرد و بی گناه شد البته اظوار و احوالاتی تغییر کند و لا

يَسْتَوِي أَصْحَابُ الثَّنَائِ وَأَصْحَابُ الْفِتْنَةِ و احادیث بسیار دلالت بر این مطلب دارد. چنانچه وارد شده که رسول خدا ﷺ فرمود: علامات قبول حج ترک سهمن بنده است در گناهانی را که به آن مشغول بوده. و در خبر دیگر که قرب به همین مقصود است فرموده: و اگر برگشت و به شدت مشغول شد به کارهایی که داشت از ربا یا غیبت یا مصیبت پس به تحقیق که حج او را برگردانند. پس باید در صدد اصلاح حال خود باشد آن شخص که از حج یا زیارت فارغ شده و بدو از به حال خود و تهذیب اخلاقی کند و نفس خود را به حلیه صلاح و روح و تقوی مزین کند. و از معاصی که در سابق مشغول آن بوده دست کشد و آن را ترک کند. و اگر نه فکری برای مال و رفاه و ربح کشیده خود کند که از آن زیارت چیز خسارت در دنیا و آخرت محصولی نبوده. چنانچه مشاهده می شود از بعضی از حجاج و زائرین خصوصاً متظاهرین از ایشان مال ریش تراشندگان که صورت بر حیرالاسود یا شرح مقدس مانند و باقی مانند او را تیزک کنند و هنوز از آن مکان های شریفه بیرون نیامده صورت را به دست دلاک دهند و آن سرحای تیزک شده را در مزبزه ریخته و حیا و شرم نکنند.

سومی و هفتم: اتفاق کردن به قدر میسر و توانایی بر خادمان آستانه شریفه و اکرام و اعظام ایشان. زیرا که در این کار اگر کسی است از برای صاحب فرموده و شیخ نهید و مسجدی و دیگران فرموده اند که: سزاوار است که خدام آستانه شریفه از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند. و تحمل نمایند آنچه از زائرین می بینند و خشم خود را بر آنها فرو نهند و خلطت و درشتی بر آنها ننمایند و بر قضای حوائج مستاجین اقدام کنند و غریبا را دلالت کنند بر منازلشان اگر گم کنند.

و بالجمله بایست خدام را که به حقیقت و راستی مشغول شوند در خدمات لازمه از تعظیف و حرست و محافظت زائران و غیره و بایست دانست که این اتفاق و احسانی که زائر به خادم می کند دخلی به اجرت زیارت نامه خوری و حق گفتار ندارد.

سومی و هشتم: اتفاق و احسان بر فقرای مجاور و مساکین معطنین بقدر تمام املا مخصوصاً مساکین و اهل علم و متعلمین که به مرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره ختم نظمیت شمارالله

را بر یا سروده و جهاتی را دلوا هستند که ملاحظه هر یک از آنها در لزوم ادانت و رعایت کلی است.

سی و نهم: شیخ شهید^{رحم} فرموده است که از جمله آداب تمجیل کردن در بیرون رفتن است در وقتی که درک کرد خط خود را از زیارت برای مزید تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع و سر فرموده که در وقتی که زیارت می‌خواند زیارت کنند بایست که خود را جدا کند از مردان و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند بهتر است و باید که تفسیر وضع کند و مغنی و پنهان آیند که کسی ایشان را کمتر ببیند و شناسد و اگر با مردان زیارت کند نیز جایز است اگرچه مکروه است و مزاولر آن است که وقتی که رؤتر بسیار است کسانی که سبقت به ضریح گرفته‌اند، تحلیف دهند زیارت راه و بیرون روند تا دیگران نیز مثل آنها به قرب ضریح فایز گردند.

چهارم: زیارت کردن برای پدر و مادر و اقارب و دوستان و جمیع مؤمنان و به نیابت ایشان سلام کردن چنانچه بگوید: **السَّلَامُ خَلِّكَ يَا مُؤَلَّيْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَتَيْتُكَ وَإِنَّمَا خُتَّةٌ فَاسْتَجِبْ لَهُ عَجْزَةً زَكَاةً** و به جای فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اسم نو و پدر او را بگوید و دعا کنند از برای او و کبلیت زیارت به نیابت در مقام خود ذکر خواهد شد این شاء الله تعالی.

فصل دوم

در ذکر اذن دخولی که در هر یک از حرم‌های شریفه خوانده می‌شود

و آنچنان است که عالم جلیل شیخ ابراهیم کلمی در کتاب **جَدِّ الْأَمِينِ** و در کتاب **فَيْضُ الْوَقْفَةِ** که معروف است به **مصباح کلمی** ذکر کرده است که در حدیث مشاهد شریفه خوانده شود و در کتاب ثانی گفته که چون خواستی داخل شوی بر پیشتر **بِسْمِ اللَّهِ** یعنی در مسجد شریف آن جناب یا در یکی از مشاهد **اِنَّهُ تَزَكَّى** پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ وَفَّقْتُمْ عَلٰی بَابِ یَبْتِ مِنْ اَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَیْهِ

وَالَيْهِ وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ قُلْتُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُدْعَى لَكُمْ. اللَّهُمَّ وَإِنِّي اعْتَقَدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبِهِ كَمَا اعْتَقَدْتُهَا فِي حَضَرِهِ. وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَهْلَاءُ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ بِرُؤُونِ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيُرْتَوْنَ سَلَامِي. وَأَنْتَ حَاجِبٌ عَنْ شَفَعِي كَلَامُهُمْ. وَقَسَمْتُ بِأَبِ قُحَيْسٍ بِقَدِيدٍ مُنَاجَاتِهِمْ. وَإِنِّي اسْتَأْذَنْتُكَ يَا رَبُّ أَوْلَى. وَاسْتَأْذَنْتُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا. وَاسْتَأْذَنْتُكَ الْإِمَامَ الْمَعْرُوفَ عَلَيْهِ طَاعَتُهُ فَلَانَ^١ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِمُ الْبَقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ ثَالِثًا. أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. أَدْخُلْ يَا سَجَّةَ اللَّهِ. أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْقَشْدِ. فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَضَلَّ مَا أَوْثَقَ لِاخْتِارِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ. فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَضَلَّ لِي ذَلِكَ فَانْتَ أَضَلُّ لِي

بِسَ عِنْدَ مَبَارَكَةِ رَأْسِهِ وَدَاخِلُ حُجْرِهِ بِكْرِ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى بِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ اغْوِرْ لِي وَارِضِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

١ به جای هذان بن فلاں. آن شبی را که من مرقد را بوی کند نام بیرون و همچنین نام پدرش و و اگر در صورت رسول خدا ﷺ باشد فلاں بن فلاں را گویند. پس به جای اسم آن حضرت را می مرقد ذکر کند چنانچه ظاهر این دو ادب دعوی آن حضرت ذکر شود این شاء الله. همه وجهه الله.

باب دوم

در بیان مختصری از فضیلت و کیفیت
زیارت امام موسی کاظم و امام محمد
تقی علیه السلام و مختصری از تکالیف زائرین
در بلد شریف آن دو امام یعنی کاظمین

و مشتمل بر سه فصل است

فصل اول

در بیان مختصری از فضیلت زیارت کاظمین (ع) است

بدان که از برای زیارت این دو امام (ع) فضل بسیاری ذکر شده و در احادیث بسیار وارد شده که زیارت حضرت امام موسی (ع) مثل زیارت حضرت رسول (ص) است و در روایتی است که هر که او را زیارت کند مثل آن است که زیارت کرده باشد حضرت رسول (ص) و امیر المؤمنین (ع) را و در روایت دیگر مثل آن است که امام حسن (ع) را زیارت کند و در حدیث دیگر هر که او را زیارت کند بهشت از برای اوست و شیخ جلیل معتقد است شهر آقوب در مذهب از تاریخ بغداد نقل کرده که خطیب مؤلف آن کتاب به سند خود از علی بن خلل نقل نموده که گفت: هیچ امر دشواری بر روی نداد که بعد از آن بروم به نزد قبر حضرت موسی بن جعفر (ع) و متوشل به آن جناب شوم مگر آن که خدا آن را برای من آسان کرد و می‌گفته که دیده شد در بغداد می‌گفتند که می‌دیده پس به او گفتند که به کجا می‌روی؟ گفت: به سوی قبر موسی بن جعفر (ع) که دعا کنم برای پسرم که او را حبس کرده‌اند، مردی حبلی منسوب در آنجا حاضر بود استعزا کرد به آن زن و گفتم: پسرش در زندان مرده آن زن گفت: خداوند از تو سؤال می‌کند به حق آن کسی که او را در زندان شهید کردند - که براندیش همان حضرت است - که قدرت خود را به من بتیابی، ناگاه پسر آن زن را رها کردند و پسر آن مرد حبلی را که استعزا کرده بود به حیانت او گرفتند.

و نقل دیدم به خط علامه مجلسی (ع) که نقل فرموده بود از کتاب عقیق خروزی که به رحم آن جناب تألیف شیخ تلکبری است که در آن کتاب روایت شده از حسن بن محمد جمهور عقی که گفت: در سال دومست و توده و شش سو آن سالی بود که علی بن محمد بن موسی ابن القزات و دیگر حاضر شده بود - دیدم احمد بن ریمه الانباری کتاب خلیفه را که در دستش حلت خورده به هم رسیده بود و به مرتبه‌ای سخت شده بود که سیاه شده و پری گند می‌داد و بوی که طیب او بود گفت که دسب او را ببرند و هر که او را می‌دید شک می‌کرد که او خولع مرد پس احمد در خواب دید مرلای ما امیر المؤمنین (ع) را، او عرض کرد: یا امیر المؤمنین از خدا نمی‌خواهی که دسب مرا به من بپوشد فرمود که: حسن مشغول و به تو نمی‌روم و لیکن برو به سوی موسی بن جعفر (ع) که او شقای دست تو را از خدا خولع گرفته پس چون صبح شد مجلسی طلبید و گفت: فرشی‌ها را در آن محمل انداختند و گفت: مرا حمل کنید به خایر فرشی پس او را غسل دادند و خوشبو

گرفتند و دو آن محصل خوابانیدند و جامه بر روی او انداختند و او را بردند به مقابر قریش نزد قبر حضرت موسی بن جعفر محلات الله علیه پس پناه به آن حضرت برد و استغاثه و دعا کرد و از تربت آن حضرت گرفت و بر دستش تا کف مالید و دستش را بسته چون رود دیگر شد دستش را گشود دید که هر گوشت و پوست که بر دستش بوده است همه ریخته است و به غیر از استخوانها و رگها و پیرها چیزی دیگر نمانده و پوست بر طرف شده است. خبر شغای او به سمع وزیر رسیده امر به اعطاشش نمود او را به محصل نشانیدند و به سوی وزیر بردند تا آن حال را مشاهده کرد، و به زمان کمی گوشت و پوست دستش ریخت و به کار کفایت خود مقبول شد، و صالح دلمی در شعر خود اشاره به همین قضیه نموده:

موسی قد ضعیف الکف بمسیر الکسایب لدا زارا

و شیخ صدوق رحمه الله در هیئت انوار رحمه الله از ابراهیم بن عقیه روایت کرده که گفت: [نامه ای] نوشتیم به خدمت امام علی نقی رحمه الله و در نامه سؤال کرده بودیم از زیارت ای عبد الله الحسین و از زیارت امام موسی و امام محمد تقی رحمه الله یعنی آن که کدام یک از این دو زیارت بهتر است. پس حضرت در جواب مرقوم فرموده بودند: ظاهر عبد الله رحمه الله حقیق است و زیارت این دو معصوم جامع تر و ثوابش بزرگتر است.

مؤلف گوید که محصل است که معنی کلام امام رحمه الله این باشد چنانچه علامه مجلسی رحمه الله فرموده که زیارت امام حسین رحمه الله افضل است از زیارت هر یک از معصومین رحمه الله اما زیارت این هر دو امام رحمه الله جامع تر و بهتر است از زیارت آن حضرت و با آن که مراد این باشد که زیارت امام حسین رحمه الله را مقدم باید داشت و این زیارتها را که به آن ضم کنند جامع تر و ثوابش بیشتر می شود و احتمال دوم بعید است، و چون بنابر اختصار است به همین مقدار کفایت کنیم.

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت کاظمین رحمه الله است

بدان که بعضی زیارت در آن حرم انور مختص است به هر یک از آن دو بزرگوار و بعضی مشترک ما بین آن دو امام رحمه الله است اما زیارت مختص به حضرت امام موسی رحمه الله پس چنان است که شیخ مفید و مسکن بن المشهدی و شهید اول رحمه الله دو نفرشان فرموده اند چون خواهی زیارت کنی آن جناب را در بطنه یی غسل کن برای زیارت و قصد کن مشهد عریفه را و بایست

بر هر حرم و ازین دخول بطلب و داخل شو

مؤلف گوید: برای این بزرگوارین دعای این دخول ذکر نکردیم پس بهتر آن که زائر بتواند همان این دخولی که در فصل دوم از باب اول صفحه ۲۶ ذکر کردیم.

زیارت حضرت امام موسی علیه السلام

و سید جلیل علی بن طاووس علیه السلام در یکی از زیارات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام این دخولی ذکر کرده است که اگر اورا اختیار کند نیز خوب است. فرموده: همین که خواستی آن حضرت را زیارت کنی سزاوار است که غسل کنی، پس با ثقی و وقار روانه شوی به زیارت، همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو

اللَّهُ أَكْبَرُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. أَخَذْتُ إِلَهِي عِدَّتَهُ لِدِينِهِ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ لِمَا قَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَأَكْرَمُ مَأْتِيٍّ.
وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِابْنِ بَنَاتٍ نَبِيَّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
الطَّاهِرِينَ وَابْنَاتِهِ الطَّاهِرَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُخَيِّبْ
سَعْيِي. وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي. وَاجْعَلْ لِي يَوْمَ عَمَلَتِكَ وَجْهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ

پس داخل شو و مقدم دار پای راس خود را و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وآلِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

پس همین که رسیدی به در قبة شریفه بایست و این طلب کن و بگو:

أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ. أَدْخُلْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ.
أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. أَدْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ. أَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
الْحُسَيْنَ. أَدْخُلْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ. أَدْخُلْ يَا أَبَا جَعْفَرٍ
مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ. أَدْخُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ. أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ

یا ابا الحسن موسی بن جعفر. اَدْخُلْ یا مَوْلای یا ابا جعفر. اَدْخُلْ یا
مَوْلای یا مُحَمَّد بن علی.

پس علمای سابق الذکر - رسولان الله عليهم - فرمودند داخل حرم شو در حالتی که می گوی
بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالسَّلَامُ عَلَى
أَوْلِيَاءِ اللَّهِ بعد از آن برو تا آنکه مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شوی. پس چون
رسیدی نزد قبر آن جناب بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَلَمَ
اللَّهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَمْسَتْ الصَّلَاةَ. وَأَتَيْتَ الرُّكُوتَ. وَأَقْرَأْتَ بِالْمَعْرُوفِ. وَتَهَيَّئْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ.
وَنُفِذْتَ الْكِتَابَ حَقِّ بِلَاوِيهِ. وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ. وَصَبَرْتَ عَلَى
الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِباً. وَغَدَقْتَ مُخْلِصاً حَقَّ أَتَاكَ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوَّلُ
بِإِلَّهِ وَرَسُولِهِ. وَأَنَّكَ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ حَقّاً. أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكَ.
وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمُؤَالَاتِكَ. أَتَيْتُكَ يَا مَوْلای عَارِفاً بِحَقِّكَ. مَوْلِياً لِأَوْلِيائِكَ.
مُصَادِفاً لِأَعْدَائِكَ. فَاسْتَفْعِ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس خود را بر قبر بکن - این عبارت ترجمه شد آنکس که علی القبر است - و لیکن اقتضای بر روی
قبر در این زمان ها که شرح به این بزرگی اصاطه نموده است به این طور سوره ممکن نیست.
پس اگر خود را به شرح بچسباند در عوالم اقتضای روی قبر دور نیست که مناسب باشد چنانچه
بعضی علما فرموده اند و علامه مجلسی علیه السلام در این مقامات این عبارت را به چسباندن ترجمه
فرموده در بعضی. و لهذا ما هم مناجات ایشان می نمایم در ترجمه در مقامات دیگر پس شاء الله و
پس که و گونه های خود را بر اثر بگفتن پس بگوید "اَرَجَا و بیا به جانب سر و پایم و بگو
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ. أَذَيْتَ نَاصِحاً. وَقُلْتَ
أَمِيناً. وَتَضَيَّعْتَ شَهِيداً. لَمْ تُؤْثِرْ عَمَّنْ عَلَى الْهُدَى. وَلَمْ تَعْلُ مِنْ حَقِّ إِنْ

بِاطْلٍ ۝ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ الطَّاهِرِينَ

پس بیوس غیر منور را و دو رکعت نماز زیارت گذار و بعد از این دو رکعت هر نماز که خواهی بکن پس از آن به سجده برو و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ اعْتَصِمْتُ ۝ وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ ۝ وَبِقُدْرَتِكَ رَجَوْتُ ۝ وَقَبْرِ إِسَامِيِّ
الَّذِي أَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ زَرْتُ ۝ وَبِهِ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ ۝ فَبَسِّطْهُمْ الَّذِي أَوْجِبْتَ
عَلَيَّ نَفْسِكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَا كَرِيمُ

پس روی راست خود را بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتُ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْهَا

پس جانب چپ روی را بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ قَدْ أَخْصَيْتَ ذُنُوبِي ۝ فَبَسِّطْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْهَا لِي ۝ وَتَصَلِّ عَلَىِّ بِمَا أَنْتَ لَعَلُّهُ

پس برگرد به سجده و بگو: شُكْرًا شُكْرًا صد مرتبه پس هر ار سجده برادر دها کن به آنچه خواهی از برای هر که می خواهی و دوست داری آن را

صلوات بعد از زیارت

مؤلف گوید سید جلیل علی بن طاووس علیه السلام در صباح الزکوة در یکی از زیارات حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه این صلوات را بر آن حضرت که حضرتی است پر شمعهای از فضایل و مناقب و عبادت و مصائب آن جناب نقل کرده است و اثر از بعضی خواندن آن خود را معروم نکند -

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ ۝ وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ
جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْأَنْبِيَاءِ ۝ وَإِمَامِ الْأَخْيَارِ ۝ وَعَيْنَةِ الْأَنْوَارِ ۝ وَوَارِثِ الشَّكِيَّةِ
وَالْوَقَارِ ۝ وَالْحَكَمِ وَالْأَمَارِ ۝ الَّذِي كَانَ يُخَيِّبُ الذِّمْلَ بِالشَّهْرِ إِلَى الشَّحْرِ
بِمَوَاضِيَةِ الْأَسْتِقْفَارِ ۝ خَلِيفِ الشُّجْعَانِ الطَّوِيلَةِ ۝ وَالنُّمُوحِ الْفَرِيدَةِ ۝ وَالْمَسَاجِدِ

الْكثِيرةَ. وَالْمُرَاعَاتِ الْمُحِيطَةَ^{۱۱}. وَمَقَرَّ الشَّهَى وَالْعَذْلِ وَالْحَزَنِ وَالْعُصْلِ
وَالنَّدَى وَالْبَذْلِ. وَمَائِدِ الْبُتُونِ وَالْمَبِيرِ. وَالْمُضْطَهْدِ بِالنَّظْمِ. وَالْمَقْبُورِ
بِالْجُورِ. وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ الشُّجُونِ وَعِلْمِ الْمَطَامِيرِ. ذِي الشَّاقِ الْمَرْسُوضِ
بِحُلِيِّ الْقُرُودِ. وَالنَّجَارَةِ الْمُنَادِي عَلَيْهَا بِذُلِّ الْأَسْتِخْصَافِ. وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ
الْمُسْتَطْقَى وَأَبِيهِ الْمُرْتَضَى وَأُمِّهِ سَيِّدَةِ النَّسَاءِ يَزَارُثُ مَخْشُوعٍ. وَوَلَدِهِ
مَسْلُوبٍ. وَأَخِيهِ مَغْلُوبٍ. وَدَمٍ مَطْلُوبٍ. وَشَمِّ مَشْرُوبٍ. اللَّهُمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى
عَلِيٍّ الْأَوْحَنِ. وَتَجَرَّعَ^{۱۲} قُصَصَ الْكَرْبِ. وَاسْتَسْلَمَ بِرِضَاكَ. وَأَحْلَسَ الطَّاعَةَ
لَكَ. وَمَحَضَ الْحُشُوعَ. وَاسْتَشْفَرَ الْحُشُوعَ. وَعَادَى الْهَيْدَعَةَ وَأَهْلَهَا. وَكَمَ
تَلْبَعُثَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ لَوَامِيكَ وَتَوَاهَيْكَ نَوْحَةً لَا تَمُتُ. صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً
مُسَبِّغَةً زَاكِيَةً تُوجِبُ لَهُ بِهَا شِفَاعَةً أَمُّ مِنْ حَفِيكَ وَقُرُوبٍ مِنْ بَرِيَالِكَ. وَبَلِّغْهُ
غَنَاءَ نَجِيَّةٍ وَسَلَامًا. وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالِيهِ فَطْلًا وَإِحْسَانًا. وَمُسْتَهْرَةً
وَرِضْوَانًا. إِنَّكَ قَوْلُكَ الْفَضْلِ الْفَعْمِمْ. وَالْتِجَاؤُكَ الْخَطِيمُ. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

زیارت امام محمد تقی (ع)

لما زیارت مخصص به حضرت امام محمد تقی (ع) پس در همان مه مزار شریف مطهر است
که پس عروجه شو به سوی قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد (ع) که در پشت سر جُز بزرگوار
خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آن حضرت بگو

السلام عليك يا ولي الله. السلام عليك يا حجة الله. السلام عليك
يا نور الله في ظلمات الأزهر. السلام عليك يا بن رسول الله. السلام
عليك وعلى آياتك. السلام عليك وعلى آياتك. السلام عليك وعلى

أُولِيَاتِكَ . أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقْنَنْتَ الصَّلَاةَ . وَاتَّقَيْتَ الزَّكَاةَ . وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ . وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ . وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ . وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ . وَصَبَرْتَ عَلَى الْآثَنِ فِي جَنْبِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ . أَتَيْتَكَ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّكَ . مُوَالِياً لِأُولِيَاتِكَ . مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ . فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ .

پس بپوش قبر داد روی خود را بر آن به پس دو رکعت نماز زیارت کن، و بعد از آن هر سال که خواهی بکنار پس برو به سجده و بگو اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَاسْتَغْفِرُكَ وَاسْتَغْفِرُكَ پس جانب روی راست را بکنار و بگو اِنْ كُنْتُ بِشَيْءٍ اَلْقَعْتُ فَانْتَ بِغَمِّ الزَّمَانِ پس روی چپ خود را بکنار و بگو عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَخْسِرِ الْعَفْوَ مِنْ عِبْدِكَ يَا كَرِيمُ پس برگرد به سجده و صد مرتبه بگو شَكَرَا شَكَرَا پس برو به کار خود

صلوات بعد از زیارت

و بعد سید ابن طاووس که در مصباح صلوات بر آن حضرت را بعد از زیارت چنین نقل کرده، زائر به بعضی خواندن آن خود را نایل کند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ . وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ . وَالْإِمْرِ الْوَفِيِّ . وَالْمُهَذَّبِ الصَّغِيِّ . هَادِي الْأُمَّةِ . وَوَارِثِ الْإِمَامَةِ . وَخَارِجِ الرَّحْمَةِ . وَبَنِيهِ الْوَحِيدِ . وَقَائِدِ الْفِرْقَةِ . وَغَدِيرِ الْقُرْآنِ فِي الطَّاعَةِ . وَوَجِيدِ الْأَوْصِيَاءِ فِي الْإِحْلَاصِ وَالْبِرَّةِ . وَحُجَّتِكَ الْعُلَمَاءِ . وَمَثَلِكَ الْأَعْلَمِ . وَكَلِمَتِكَ الْمُحْسَنِ . النَّاصِي إِلَيْكَ . وَالذَّلَّ عَلَيْكَ . الَّذِي نَصَبْتَهُ عَلَماً لِعِبَادِكَ . وَمُتَرَجِّماً لِكِتَابِكَ . وَمُصَادِماً بِأَمْرِكَ . وَنَاصِراً لِدِينِكَ . وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ . وَنُوراً تَطْرُقُ بِهِ الظُّلُمُ . وَقُدُوةً تُذَكِّرُ بِهَا الْهِدَايَةَ . وَشَفِيعاً تُسَالُ بِهِ الْخَلَّةُ .

اللَّهُمَّ وَكَمَا أَخَذَ فِي حُشْوَعِهِ لَكَ حَقًّا^۱ وَاسْتَوْفَى مِنْ حُشْيَتِكَ نَصِيبَهُ
فَصَلِّ عَلَيْهِ أَضْعَافَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى وَلِيِّ الْأَرْضِ طَائِعَةً وَقَبِلَتْ جَدْعَتَهُ
وَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَآتِنَا فِي مُوَالَايِهِ مِنْ لَدُنْكَ فَضْلاً وَإِحْسَاناً
وَعَذِيرَةً وَرِضْوَاناً إِنَّكَ تُوِ الْأَمْنُ الْقَدِيمُ وَالصَّلَاحُ الْجَمِيلُ

زیارت دیگر مختص به آن حضرت

شیخ صدوق در تفسیر روایت کرده که: چون خواص زیارت کنی آن حضرت ده پس غسل کن و
خود را پاکیزه ساز و در جامه پاک بپوش و بگو در زیارت آن جناب:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بِنِ عَلِيٍّ الْإِمَامِ الْمُتَّقِي النَّقِيِّ الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى
حُبِّكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى صَلَاةً كَثِيرَةً نَامِيَةً رَاقِيَةً
مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً مُتَوَازِةً كَأَنْفُلٍ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوَزَّ اللَّهَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
أَتَيْتُكَ زَائِراً عَارِفاً بِحَقِّكَ مُعَادِياً لِغَدَائِكَ مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ فَاسْطَبِّحْ لِي
عِزَّكَ زَيْنَتَكَ

آن گاه حاجت خود را سؤال کن بعد از آن نماز کن در قبه که در آن قبر حضرت امام محمد
تقی (ع) است چهار رکعت، دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم و دو رکعت برای امام محمد
تقی (ع) و نماز کن در نزد سر امام موسی کاظم (ع) که آن مقابل قبر قسش است و جایز
نیست آن ها را قبله خود گردانیدن.

مؤلف گوید که از کلام شیخ صدوق (ع) ظاهر می شود که در آن زمان ها قبر شریف حضرت
امام موسی (ع) از قبر حضرت جواد (ع) جدا و قبه و در علی حده داشتند بعد از زیارت از آن جا
بیرون می آمدند و در قبه حضرت جواد (ع) می رفتند که آن هم بنای علی حده داشتند.

زیارت مشترک امامین کا نمونہ

و افسار یارت مشترک میل دو امام عظام علیہ السلام پس آن ہم بر دو قسم است

زیارت هر يك از دو امام علیہ السلام

قسم اول آنکه آن را بر روی هر کدام علی حد باید خوانند. شیخ جلیل جعفر بن محمد پس فرموده قس علی دو کامل قریباً از حضرت امام علی رضی اللہ تعالیٰ عنہ روایت کرده کہ دو زیارت هر کدام از آن دو امام علیہ السلام چنین بگو: **السلام عليك يا ولي الله. السلام عليك يا حجة الله. السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارضين. السلام عليك يا من بدد الله لي شأني. آتيتك زائراً عارفاً بحقك. معاوية لا غداً بك. موالياً لأوليائك. اشفع لي عند ربك يا مولاي.**

و این زیارت در نهایت اشعار است. و شیخ صدوق و شیخ کلینی علیهما السلام هر به اعتدالی آن را ذکر نموده اند.

زیارت هر دو امام علیہ السلام

قسم دوم زیارتی است که با خواندن آن هر دو امام علیهما السلام زیارت می شوند و آن چنان است که شیخ مفید و شهید و محمد بن المنجد علیهم السلام ذکر کرده اند که دو زیارت آن دو بزرگوار همین که اسنادی نزد طبرسی ظاهر می گویند

السلام عليكما يا وليي الله. السلام عليكما يا حجتي الله. السلام عليكما يا نوري الله في ظلمات الارضين. اشهد انكما قد بعثتما عني الله ما حفظكما. وحفظتما ما استودعتما. وخلقتما خلال الله. وحرفتما حرام الله. واقفتما حدود الله. وتلوتما كتاب الله. وصيرتما علي الاذن في جنب الله محاسبين حتى اتاكما اليقين. ابرأ إلى الله من أعدائكما. واتقرب إلى الله بولائكما. آتيتكما زائراً عارفاً بحقكما. موالياً

لَاؤِيَا تِكْمَا مُعَاوِيَا لِأَعْدَائِكُمَا مُشْتَبِهَرَا بِالْهَدَى الَّذِي أَتَمَّا عَلَيْهِ عَارِفَا
بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمَا فَاشْفَعَا لِي عِنْدَ رَبِّكُمَا فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ جَاهَا
عَظِيماً وَمَقَاماً مَحْمُوداً

پس موسی ریت شرف آن جا را و بگذاشت روی دست را بر آن، پس برو به جانب سر مقدس و
بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيَّ اللَّهَ فِي أَرْضِهِ وَسَمَاعَتِهِ عِنْدُكُمَا وَوَلِيَّكُمَا
زَانِرُكُمَا مَقَرَّيَا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكُمَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي
أَزْهَانِكِ الْمُضْطَلَّيْنِ وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمَا وَاجْعَلْنِي مَعَهُمَا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس نماز زیارت کن از برای هر نامی دو رکعت، و بخوان خدا را به آنچه می خواهی.
مولف گوید که چون در آن زمان ها همه بسیار شدید بود است، زیارت های مختصر برای
زیارت این دو امام علیهم السلام می فرمودند، که شبیهان از آسیب طغیان زمان محفوظ باشند، و اگر
زائر طالب زیارت طولی باشد، بخواند زیارت جامع را که بهترین زیارت است از برای ایشان،
خصوصاً یکی زیارت از آن که بر حدیثی ظاهر می شود که مزید اختصاصی به حضرت امام
موسی علیهما السلام دارد، و این زیارت بعد از این در اول زیارت جلسه مرقوم خواهند شد، رجوع به آن جاسود.

دهای وداع

و چون زائر خواست از بلد آن دو امام علیهما السلام بیرون رود وداع کند آن دو جناب را به دهامای
وداع، که از آن جمله است آنچه شیخ طوسی علیه السلام در تهذیب ذکر نموده فرموده که چون خواهی
وداع کنی امام موسی علیهما السلام را بایست نزد قبر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اسْتَودِعُكَ

اللَّهُ وَالرَّأُ عَلَيْكَ السَّلَامُ۔ اَمَّا بِاللَّهِ وَبِالزُّسُولِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَذَلَّلْتُ عَلَيْهِ
 ۞ اللَّهُمَّ فَاتَّكُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

و ہم چسین دو دفاع حضرت امام محمد غنی علیہ السلام فرمودہ می گوئی: السَّلَامُ عَلَیْكَ یا مولائی
 یَا اَبْنِ زُسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَنَزَّكَاتُهُ۔ اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَاقْرَأْ عَلَیْكَ السَّلَامُ ۞
 اَمَّا بِاللَّهِ وَبِالزُّسُولِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَذَلَّلْتُ عَلَيْهِ ۞ اللَّهُمَّ فَاتَّكُبْنَا مَعَ
 الشَّاهِدِينَ

پس سوال کن از خدا کہ این آخر زیارت تو باشد و دیگر توفیق برگشتن بیایی و قبر را بوس
 و روی های خود و بر قبر گذری۔ اتمتہ

و بدن کہ زیارت این دو بزرگوار در تمام و لالی شریطه خصوصاً در اوقاتی کہ بہ ایشان
 اختصاص دارد افضل و اولی است۔ پس زائر اگر این اوقات را در آن جا درک نمود غنیمت شمرد،
 چون روز ولادت حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام کہ مولف مشہور حنفی صراحت و روز وفات آن
 جناب کہ بیست و پنجم ماه رجب است بنا بر مشہور، یا در ششم ان ماه است۔ چنانچہ در کلمی
 شریف است۔ یا پنجم آن۔ چنان کہ شیخ طوسی رحمۃ اللہ علیہ نقل نموده۔ و روز امامت آن حضرت کہ روز
 وفات پدر آن بزرگوار است و در بیست و پنجم رجب می باشد یا شوالہ بنا بر اختلاف، و مثل روز ولادت
 حضرت جواد علیہ السلام کہ در دهم رجب است بنا بر روایت این جناب کہ شیخ طوسی رحمۃ اللہ علیہ در مصباح
 ذکر فرمودہ۔ یا بیست و پنجم ماه رمضان است۔ چنان کہ شیخ رحمۃ اللہ علیہ مفید اختیار فرمودہ۔ و روز وفات آن
 حضرت کہ آخر دی القعدہ است و روز امامت آن حضرت کہ روز شہادت حضرت امام رضا علیہ السلام
 است کہ بیست و سوم دی القعدہ یا غیر آن است۔ چنانچہ مذکور مولف شد ان شاء اللہ تعالیٰ

کیفیت دو قبر در صحن مطہر

و بدان کہ در صحن مطہر کاظمین علیہ السلام دو قبری است کہ با قدم و قیہ عالیہ سبب می دهد
 آن ها را بہ دو فرزند حضرت امام موسی علیہ السلام و حال ایشان منقش است و تا بہ حال مَطْلَع نندم بر
 کتابی کہ در سبب معرض حال آن ها شده باشد و چنانہ سید الطما والفتحا اقا سید مهدی قزوینی
 در کتاب مزار فلک النجاة فرمودہ کہ از اولاد ائمتہ دو قبری است مشہور در مشہد امام موسی علیہ السلام
 از اولاد آن حضرت لکن معروف نیستند و بعضی گفتند کہ یکی از آن دو قبر مستقی بہ عباس

پس حضرت امام موسی علیه السلام است، که در حق او قبح شده تمام شد کلام مرحوم سید و فقیر گوید که آنچه معروف است در لوح زیارت آنها نوشته شده یکی ابراهیم و یکی اسماعیل است. و شاید قبری که معروف به اسماعیل است همان عتبات بن موسی علیه السلام باشد چه آن که اسماعیل که کتاب جعفریات از او نقل شده ظاهر آن است که در مصر باشد و چون در جراح سفر و اسباب تعیین این مطلب حاضر بود به اجمال خود پیماند و لذا ابراهیم پس حضرت امام موسی علیه السلام را در ابراهیم بوده و ظاهر آن است که این همان ابراهیم اکبر که شکی به این اشراها است. چنانچه صاحب کتاب الطائیفین گفته که ابراهیم اکبر فرزند حضرت موسی علیه السلام در یمن خروج کرد و مردم را دعوت می کرد به یمن معتقد بی ابراهیم طایفا، پس بعضی مردم را به یمن خود خواند و در سال دویست و هفتاد حج کرد و مأمور در آن وقت در خراسان بود لشکری همراه حدوده بی حلی روانه کرد به سمت ابراهیم و با او محاربه کردند تا ابراهیم منهزم شد و فرار کرد به سمت عراق آمد و مأمور او را اسیر داد و در بغداد وفات نمود انتهى

و اگر این حکایت که صاحب کتاب نقل کرده واقع داشته باشد یقیناً این ابراهیم همان است که ذکر نموده، چه آن که این موضع مقابر فرشتی بوده و بر موضع قبر مطهر و آید بزرگوارش بوده است، و الله اعلم.

و اما اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام پس مردی است جلیل القدر، و اگرچه علمای رجال اشاره به جلالت او نکرده اند، لکن کافی است در مدح او روایاتی که شیخ کفای نقل فرموده در حال آنکه جلیل القدر صفوان بن یحیی که چون صفوان از دنیا رحلت فرموده حضرت امام محمد تقی علیه السلام گفت و حووط برای او فرستاد و امر کرد اسماعیل فرزند امام موسی علیه السلام را که بر او مبارک کند. و استاد اکبر علامه البشر آقای بهجانی خطاب فرمود: در کثرت تصانیف اسماعیل بن موسی اشاره می کند به مدح او. و شاید مراد ایشان در کثرت تصانیف کتاب جعفریات باشد که مشتمل است بر جملاتی از کتب فقهیه و جمیع احادیث آن الا ظاهری به یک سند است، که تمام آن در پدران بزرگوار خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است و شیخ مرحوم در شأنه مستدرک اشاره به آن فرموده و کتاب در نهایت اعتبار است. و لکن مخفی نباشد که این اسماعیل مولدش در مصر بوده و در همان جا میر ساکن بوده و برین قبرش دو کاغذ خیلی بهیمنه است، پس شاید که قبر دیگر عتبات بن موسی باشد چنانچه سید الطمأنیه النظام آقا سید مهدی آزوینی فرموده است، و الله العالم.

فصل سوم

در سایر تکالیف زواری و تناسک مؤمنین در بلاد حنیفه کاظمین علیهم السلام

و آن مشتمل است بر چهار مقام:

مقام اول: دو زیارت مشاهیر از علما که در این بلاد شریف مدفون اند

پس که از چهرهائی که سزاوار است از برای زائر مراعات آن در این مشاهد مشرفه زیارت کردن علمای آنجاست حتماً و متناً که بر زیارت آنها خواهد عظمه و عنایات جلیله مترقب است. و شیخ جلیل احمد بن محمد حلی را در عده القاضی روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که: از زیارت علما محبوب تر است نزد خداوند از هفتاد طواف دور خانه خدا. و بهتر است از هفتاد حج و عمره پسندیده قبول شده. و بلند می کند خداوند برای او هفتاد درجه. و مایل می کند بر او رحمت را. و گواهی می دهند برای او ملائکه که بهشت بر او واجب شده. بلکه زیارت ایشان را بدل زیارت ائمه علیهم السلام قرار دادند با آن همه بهرها و خیرها که در آن است. و بسیاری از راکنین از این خط عظیم و فیض عظیم محروم می مانند. و متناً آن دو چیز است: یکی: بجزل زائر به عظمه و جلال و مرتبه علما علیهم رضوان الله المتعال - دوم: ندانستن او اصحاب و قبور آنها را. و ما این شاء الله در باب زیارات مشاهد مشرفه. جزئی اشاره به مطلب مؤم می نمایم.

و در این جا لازم است دو امر را یادآور شویم: یکی ذکر فضیلت و جلالت آنها. و دیگر ذکر علمایی که در خصوص بلاد شریف کاظمین علیهم السلام مدفونند.

پس گوئیم در امر اول که: پوشیده نماند آنچه از آیات و اخبار در فضیلت علم و عبادت وارد شده و یاد از آن است که احصا آن توان نمود. لکن ما بجهت تنویر و تبیین چند خبر در این مختصر ایراد می نماییم. در کتاب سنن لا یضرده اللهیه مروی است که: «نظر کردن به سوی کعبه عبادت است. و نظر به سوی ائمه علیهم السلام عبادت است. و نظر به سوی والدین عبادت است و نظر به سوی قرآن بدون قرائت نیز عبادت است. و نظر به روی عالم عبادت است. و نظر به سوی آل محمد علیهم السلام عبادت است.»

و در همین و غیره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که سه مرتبه فرمودند: «ای خداها! رحمت کن خلفای مرا». کسی عرض کرد: کیستند خلفای شما یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فرمود: «کسانی که

روایت می کنند احادیث مرا و سنت مرا پس یاد می دهند آنها را به نیت من.

و مقتضای این خبر شریف آن است که باید رفتار کرد با علما در مقام نظم و تکریم، به معنای که رفتار باید کرد با خود آن جناب زیرا که ایشان را جانشین خود خوانده و خلیفه و جانشین شریک است با کسی که او را در جایش نشاند در اجرای احکام، مگر در آنچه معلوم شود که در خصایص اوست.

و آیت الله علامه حلی رحمته الله در اوّل کتاب تحریر روایت نموده از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند: «صحابی ائت من به منزلة انبیای بنی اسرائیل» پس هر چه معلوم شود که از خصایص خاصه انبیاء علیهم السلام است، چون عصمت فطری و نزول وحی و مثل آنها علما را از آن بهره نیست، و در باقی احکام فضایل و احکام و آداب متعلق به ایشان شریک اند، چنانچه تصریح به این مطلب نموده شیخ ما علامه حلی صریحاً خطاب کرده: در کلمه طیبه و از این قبیل است آنچه رسیده که ایشان وارث انبیا و نواب الله اند و حجت اند و خلائق از جانب ایشان، چنانچه در کلمه شریف و در مبلوّه صریحاً حفظه و غیره، اشاره به این مطلب شده و در کلمات قدسین شیخ صدوق رحمته الله مروی است که حضرت حجت عصر محصولات الله علیه در توفیع اسحاق بن مطرب نوشتند: «انا حوادث واقع، پس رجوع کنید در آنها به سوی روایت حدیث ما، پس به فرستی که آنها میقتند از جانب ما بر شما و من حجت نمایم، در احتجاج مروی است که حضرت صادق علیه السلام به حسن بصری فرمودند در تفسیر آیه شریفه «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمُ الْفُرُقَیْ اَتَّيَّ بَارَكْنَا فِيهَا فُرُقَیْ ظَاهِرَةً وَخَمُوزًا فِيهَا اَلشِّیْرَ سَبَرُوا فِيهَا لِيَالِیْ وَآيَامًا حَامِیْنِ» که: «مایم آن فریه ها که برکت داده خداوند در آنها، و فرای ظاهره و محولان و نقل کنندگان در مابین به سوی شعیان ما، و شعیان ما به سوی شعیان ما، و در جمیع الامخیر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت نموده که: «ایک نظر به روی عالم بهتر است نزد خداوند از عبادت شصت سال»، و در روایتی گفته اند از حضرت امیر علیه السلام مروی است که: «ایک نظر به روی عالم بهتر است از اعتکاف یک سال در بیت الله الحرام» بلکه وارد شده: «نظر کردن به در خانه عالم عبادت است»، و در موت عالم از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: «چون میرد یگرند بر او ملائکه و بقصدای رمن که عبادت می کرد خدا را در آنها و دوعای آسمان که او آنجا اعمال او را بالا می بردند و در اسلام شکستگی پیدا شود که سد نکنند او را چیزی، زیرا که مؤمنین تنها، علمهای اسلامند، مانند قلمی

که بر دور شهر می سارنده و از امام صادق علیه السلام روایت شده که هیچ عالم فضل است از هزار عابد و هزار زاهد و غیر این اخبار که ذکر چیزی از آن منافی با اقتصاد است پس انسان که به مقتضای آیه شریفه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي عَادَمَ» از سایر موجودات ممتاز و به حلس تکریم معظم و سرافراز شده بود از نوشیدن شرب علم رنجه وینا و شوا شود و لر زندگی او سرده ها رنده شوند و از نور علم او ظلمت ها روشن شود پس گوهری گرده گزن مایه و درختی شود پر شاخ و میوه پس چون واقف گشتی بر بعضی از فضایل علماء پس دست از داس این قوم بکش و در توبیر و احترام آن ها کوتاهی مکن و از فیض و باران نبوت و احیاء آن ها خود را محروم مکن.

در ذکر علمایی که در بلد طَبِیَّة کَاطِطِین علیهم السلام مدفون اند

و اقا امر بوم پس بدان که در خصوص بلد شریفه کاططین جمعی از اعظم و متبحر علماء مدفون اند که بگه و فرید دهر بودند و روزگار مثل آن ها راه دیگر نداشت.

از جمله شیخ اجل سعید ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان است که مطبق است به مفید افاضات پناهی که عقل مستفاد از قوت فطریه او مستفید و فکر خلک پیمای او با ملأ اهل در گفت و شنید بود. علمای سابق و لاحق از بحر علم او مغترف و عاقله و خاشعه به کثرت مناقب و فضایل آن جناب معترف اند. این حجر عقیقاتی گفته که: «شیخ مفید را مقتی است بر گردن هر یک از امامیه و مطعوب و غیر او گفته اند که خداوند بصورت او اهل سنت را راحت داد و گفته شد که در تشییع جنازه او هشتاد هزار شهید حاضر بود و کاشی است از برای علق صریحت و صریح او توفیحات شریفه که حضرت صاحب الامر علیه السلام به او نوشته اند و غیر شریعتش در بعضی سوره کاططیه در پائین پای مبارک حضرت جواد علیه السلام است و سید شهید قاضی نور الله رحمه الله سوره قمره در مجلس خود فرموده که این چند بیت منسوب است به حضرت صاحب الامر علیه السلام که در مرتبه شیخ سعید علیه السلام گفته اند و بر قبر او نوشته دیدند.

لا ضَوَّتْ النَّجَافُ بِمَقْبَرِكَ أَتَمَّ	یَوْمَ هَمَّى آلَ الرَّسُولِ عَظِيمُ
إِنْ كَانَ قَدْ خُيِّبَتْ فِي بَدَنِ النَّزَى	فَالْبَلَمُ وَالْتَرْجِيحُ بَيْنَهُ سَقِيمُ
وَالْقَائِمُ الْمَسْهُودُ بِفَرْخِ كَلْمَا	نُفِيتَ عَظِيمَهُ مِنَ التَّوَرِيسِ عَظِيمُ

و از جمله شیخ اقدم اعظم ابو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی رحمته الله است، که از مشایخ اهل حدیث است، و کافی است در مدح او آن که جناب شیخ مفید رحمته الله تعلیقه اوست، و او را روایت می‌کند، و کتاب کامل از زیاده از محققات اوست، مزار ترمذی در همان بقعه شریفه در جنب قبر شیخ مفید رحمته الله است، چنانچه جمعی از علما در رجال و غیره ذکر نمودند و در نامه دانشوران است که آن جناب در سنه ۳۶۹ هجری وفات کرد و در ارض قم مدفون گردید، و ظاهر چنان است که بر پشان تشنه خنده قبر شیخ مذکور به والد ماجدش محمد بن قولویه که در قم مدفون است.

و از جمله علامه البشر و العقل الحادی عشر، الفضل المستوفی، سلطان الحکما و المتکلمین، محمد ابن محمد بن الحسن الطوسی است، که مشهور است به خواجه نصیر الدین، و فاضل ماهر سقا قطب الدین شکوری لاهیجی در کتاب معیوب الظروب در ترجمه معقل طوسی مذکور گفته که: وفات آن بزرگوار در سنه شصت و هفتاد و دو بوده، و مدت عمر گرامی اش هفتاد سال و هفت ماه و هفت روز، و مدفون شریفش مشهد مولانا الکاظم رحمته الله است، و از اتفاقات حسنه آن که وقتی که حجر قبر می‌گردید یافتند قبری مرتب و ساخته که در سابق گفته بودند برای دلی ناصر عباسی، و ناصر موفق شده بود به دفن در این جا و در رساله دفن شده بود، و یافتند در آن جا سنگی را که تاریخ قبر بر او منقوش بود، حسی که حساب تاریخ او را بودند دیدند موافق شده گفتن این قبر با روز تولد معقل مذکور، و دانست گفته آن که گفته:

معدن به باغ مهر کفر، بنه کاشته
سکبی یلور و زلف فرزند شاهمان

انکس و گفته شده که اصل معقل طوسی از چهارود است که فعلاً چهارود می‌گویند، و جناب آقا میرزا عبدالله در ریاض الفضا در ترجمه بدرالذین حسن بن علی گفته که دستبرد از ملوک چهارود است که از توابع و فرای قم است، و همین دستبرد است که اصل خواجه نصیر از بعضی مواضع او بوده که رشازه می‌گفتند و جلالت شأن و مرتبه او به قدری است که در حیطه بیان نباید مزار شریفش در مسجد بالا سر حرم مطهر کاظمین رحمته الله در زاویه شرقی آن واقع است، و در کتیبه جدار آن اشاره به مزار و اسم آن عالی جناب نمودند.

و از جمله سید اجل خیر دوا لمجدین ابو القاسم الشریف علی بن الحسین بن موسی بن محمد ابن ابراهیم بن الامام موسی الکاظم رحمته الله است، که مشهور به سید سرعفی، و مقلب است از جمله ولایت پناه خود به علم الهدی، و از جناب شریف عراق و مسجد علی الاطلاق، و مرجع

حضراتی ثانی بودند و عاقبت و خاتمه به ذکر مدایح جلیله او رطب القاس و عذب الیمان یافت و عنای امامیه در رمای او تا این رمای از علوم او استفاده می نمایند و لو رکن ایشان و معلم ایشان است سوره الله عن اجداده خیر الجزاء - هزار شرفش در خانه خود است که اعمال در بازاری که منتهی می شود به باب القبله حسن مطهر کاظمی رحمته واقع است در بقعه که از او شبکه مفتوح است به سمت بازار و از برای دوست حسن محقری و بعضی از علمای شهاب و غیره گفته اند که آن جناب را حمل کردند به کرمان و در نزدیکی حرم مطهر حضور آید عبد الله رحمته دین نمودند

و از بسمه برادر آن جناب سید شریف محمد بن الحسن مشهور به سید رحی است که لقب علویه و شریف شراف پدیدار بلکه قطب فلک ارشاد و مرکز قایده ارشاد بود پایه فضل و کمال و معالی و الفضل آن حالی جناب از آن گذشته است که زبان تواند ستایش و ثنای او کند چه ظاهر است که چون جمال به خایت رسد دست مشاطه بی کار ماند و چون بزرگی و جلال به حد کمال رسد بازار و مشایخ شکسته گردد و علمای خانه به ذکر معالی او شرفیابند و ذکر دیده اند و کتاب نهج رحمته از مصیحات آن جناب است و وفاتش پیش از سید مرتضی واقع شد خبر شریفش در کوچه اروپا به بازاری که مغیره سید مرتضی در لوست واقع است و از برای دوست بقعه مختصره و صاحب حسنه الطالب فی التسابی رحمته آن نمی طلب گفته که آن جناب را نقل کردند به سوی مشهد امام حسن رحمته و نزد پیر پدرش او را دفن کردند و گفته که قبر آن جناب ظاهر و معروف است

غفر بگوید که اگر نقل این بزرگواران از کاظمی رحمته به کرمان صحیح باشد ظاهر آن است که مدانشان در رواق در طرف بالا سر در نزد آن ضریح است که نسبت به سید ابراهیم می دهند و بعضی می گویند که این همان ابراهیم است که جد اعلای سبکین است و این مطلب که گفته شد مجوز سماح است و مستند صحیحی از برای آن ندارم

و از جمله شیخ اجل عالی مقام شیخ محمد بن الحافظ محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلبی الزازی ثقة الاسلام است که شیخ و رئیس شیعه و ائمه و اثبات ایشان بود در حدیث کتاب شریف کافی را که روشی چشم شیعه و مدار معادیت بر اوست و هشتاد هزار بیت است در مذبح بیست سال تألیف نمود و الحق متنی عظیم و حق کثیری بر شیعه خصوص لعل علم نهاد و به جهت جلالت و عظمت شأن آن جناب جماعتی از علمای خانه مانند ابن اثیر و غیره او را مجدد سبب امامیه در رأس مائه تافته شریفانند بدان آن که حضرت لایزال است و مجدد این مدعی در مائه

تأیید شمرده اند

و بالجمله جلالت آن شیخ معظم زیاده از آن است که ذکر نمود قبر شریفش در بغداد شریقه معروف است. همین که شخصی از حجر (۱) بیرون عبور کند و داخل بازار شود به فاصله کمی در طرف چپ خود شباکی صد مفتوح به بازار، و این شباک بقعه عثمان شیخ جلیل است، و حکایت می‌کنند که آن جناب به امر بعضی از حکام بغداد و یافتن جسد پاک او راه تازه و بدون تعمیر به کلی خود مشغور است؛ و جناب سید العلماء و الفقها در کتاب مزار الفکاحیة فرموده که با شیخ کلبی قبر دیگری هست که گفته شده قبر شیخ کربجکی و یا کندی که اوست شارح هیچ البلاغه، و غیر ایشان از علما و فقها و متقین و متأخرین که در آن بلد مدفون اند چون سید جلیل و عالم بی بدیل صاحب تصانیف جده آقا سید عبد الله شریک که قبرش واقع است در رواق محرم مطهر کاظمین (ع) در حجره که قریب به باب القبلة است در همین کسی که داخل شود و چون شیخ جلیل عالی مقام آقا شیخ سید الله کاظمی (ع) و مثل فاضل جیل شیخ عین بی عیسی اربعی که از علمای امامیه است که در سند ایجازات مذکور است، و قبرش در بغداد، فعلاً واقع است در وسط عمارت گاردان خانة دولت ایران و غیر ایشان که زیاده از آن است که ذکر شود و مقام را گنجایش تطویل نیست، و ما بعد از این اشاره خواهم نمود در شأن الله تعالی به کثرت ریاضت عباد و مؤمنین رجوع به آنجا خود

از جمله این حجاج شاعر امامی معروف که حاضر سید مرتضی (ع) و صاحب تصدیقه معروفه: یا صاحب القبة البيضاء علی الصلیب من راکب میزید و استغفری لندیک شعیب است نیز قبرش در پایین یاغای حضرت امام موسی (ع) چنانکه این خلکان نقل کرده، که این حجاج در وقت وفات خود وصیت کرد که مرا در بایس پای آن حضرت دفن نمایند و هر لوح بنویسد: «و کتبتم بایط خرابه بالوصیه»

مقام دوم: رفیق به مسجد شریف برائو و مبار خواندن در آن

بدان که مسجد برائو از مساجد شریفة معروفه مشهور است و واقع شده در پس بغداد و کاظمین (ع) در راه روزار و غالباً از بعضی آن محروم و اعتنایی به آن ندارند با همه فضایل و شرافتی که در اختیار او برآید و روایت شده شیخ جلیل لیل علی خیل شیخ الطائفة در امامی خود به

سند محبر روایت کرده از حضرت امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در جنگ خوارج تهرودن برگشته گفتند به زوزاده که محل شهر بغداد بوده است پس گفت به مردم که این دور راه است پس راه روید و ایستاد کنید از داخل شدن آن که غلبه و فرود رفتن زمین به آن نزدیک تر است از فرو رفتن میخ در میان سوس و چون به موضع دهگرم رسید پرسید که این چه موضع است؟ گفتند: مهرانست. فرمود که این زمین شوره است به جانب راست این زمین کنید پس به راهی رسید که در صومعه خود بود به آن راهب خطاب نمود که: در این جا فرود آیم؟ راهب گفت که با لشکر خود در این جا فرود میا. فرمود: چرا؟ راهب گفت که: در این موضع فرود نمی آید مگر پشمیر یا وصی پشمیر یا لشکر خود که جهاد کند در راه خدا، چنان خوانده ایم ما در کتاب های خود. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که: من آن وصی پشمیرم، پس راهب در صومعه خود فرود آمد به سوی آن حضرت و گفت: عرض کی بر من دین اسلام را و بگریز از من پیمان شریعت های آن را که من در انجیل خوانده ام و حق تو را و خوانده ام که فرود خواهی آمد در زمین براتی که خانه حضرت مریم و زمین حضرت عیسی است پس حضرت فرمود: بایست و به ما چیزی خبر ده که ما بهتر از تو می دانیم، پس رفت به موضعی از آن صحر و امر کرد که خاک و دور کردند، پس سنگی عظیم ظاهر شد، پس سر میای بر آن سنگ رد و از زیر آن چشمه بروی ظاهر شد، پس فرمود که: این چشمه ای است که از برای مردم ظاهر گردید پس هفده ذرع از آن چشمه دور شد و فرمود که: بشکافید این مکان را، چون شکافتند سنگ مبطی ظاهر شد، فرمود که حضرت مریم علیه السلام حضرت عیسی علیه السلام را از دوش خود گرفت و بر این سنگ گذاشت و در این موضع نماز کرد، پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن سنگ را نصب کرد و به سوی آن نماز کرد و چهار روز در آن جا ماند و حرم خود را در موضعی فرود آورده بود که آن بلند دور بود که اگر صد زنند توان شنید پس فرمود که: این زمین براتی است این خانه مریم است، این موضع مقدسی است که پشمیران در آن نماز کردند.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که: همه در کتب یاخته ایم که حضرت ابراهیم پیش از عیسی در آن [مکان و] موضع نماز کرده است و شیخ شهید قوله در کتاب ذکر می فرموده: از مساجد شریفه، مسجد براتی است که در غریب بغداد واقع است و آن باقی است الی الآن و من آن دیدم و در آن نماز کردم و جماعتی روایت کرده اند از جابر انصاری که گفت: امیر المؤمنین علیه السلام به ما نماز

گلدود در براتنا، بعد از برگشتن از جنگ حوارج و ما ریاده از صد هزار مرد یویم، پس نصرانی از صومعه خود فرود آمد و پرسید که: سر کرده این لشکر کیست؟ ما اشاره به امیر المؤمنین علیه السلام کرده‌یم که این است، پس به نزد آن حضرت آمد و سلام کرد و گفت: ای آقای من تو پیغمبری؟ فرمود: نه، بلکه پیغمبر سیّد و آقای من هست. گفت: پس تو وصی پیغمبری؟ فرمود: بلی گفت: من این صومعه را در برای این موضع بنا کرده‌ام که براتنا نام دارد و در کتب آسمانی خوانده‌ام که در این موضع با این جمعیت نماز می‌کند مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس مسلمان شد، و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمود که: کی در این جا مبار کرده است؟ عرض کرد: حضرت عیسی و مادیوش، حضرت فرمود که: حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در این جا مبار کرده است.

و آیت الله علامه حلی رحمته الله در کشف الغیبین فرموده که یافقم به سطح تسبیح محدث مسند بن المشهدی رحمته الله که به سند خود روایت کرده بود از جابر بن عبدالله انصاری و او از انس بن مالک که گفت: چون امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ حوارج برگشت در براتنا فرود آمد و در آن جا راهبی در دیر خود بود، آن راهب چون آن لشکر را دید از دیر خود فرود آمد و پرسید که: سر کرده این لشکر کیست؟ گفتند: امیر المؤمنین علیه السلام است، و از جنگ اهل سمرقند برگشته است، پس به خدمت حضرت شفاعت و با ادب ایستاد و گفت: **السَّلامُ عَلَیْكَ یا امیر المؤمنین حَقّاً حَقّاً**. حضرت فرمود که: چه می‌دانی که من امیر المؤمنین هستم به حقیقت و راستی؟ گفت: چنین خبر داده‌اند ما را رهبانان و فلانایان ما. حضرت فرمود که: ای حیایار راهب گفتم که: نام مرا چه می‌دانی؟ فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا چنین خبر داده، حباب گفت که: دست دوازده کن که من شهادت می‌دهم به وحدانیت خدا، و به رسالت محمد صلی الله علیه و آله، و شهادت می‌دهم که تو علی بن ابی طالب و وصی آن حضرتی، فرمود که: در کجا می‌یابی؟ گفت: در این دیر می‌یابم، فرمود که: بعد از این، این جا می‌آید، و لیکن در این جا مسجدی بنا کن، و به اسم بنا کنده‌اش نام کن آن را، پس بنا کرد آن را مردی که نامش براتنا بود پس مسجد را براتنا نام کرد و امیر المؤمنین علیه السلام در راهب رسید که: در کجا آب می‌خوری؟ گفت: از دجله، فرمود که: چرا در این جا چشمه یا چاهی نمی‌کنی؟ گفت: یا امیر المؤمنین هر چاهی که کندیم آبش شود بود حضرت جلایی را شان داد و فرمود که: این جا چاهی بکن، چون کندند سنگی بزرگ ظاهر شد که نتوانستند کنند آن را، پس آن حضرت سنگ را کند و از ریش پشمی ظاهر شد از عمل شیرین تر و از کره لذیذ تر، پس

فرمود که: ای حباب! از این چشمه آب بخور، ای حباب زود باشد که در جلوی مسجد تو شهری
بنا شود که جتاران در آن بسیار باشند و بلا و فتنه در آن عظیم باشند حتی آنکه در هر شب جمعه
هفتاد هزار خرچ را به حرام جماع کنند^۱!

و مراد این شهر بغداد بود و این شهر آشوب در مقابل مصاف این اخبار ر بهد است
متممده نقل کرده و بعد از آن روایت کرده که حضرت امیر المومنین علیه السلام صبحه رو به آن چاه به
زبان عبرانی که زبانک من یما پس چون عبور کرد به مسجد در آن چاه دوخت عوسجی^۲ بود که
چار بسیار داشت پس شمشیر خود را کشید و خارها را لا آن دوخت دور کرد و فرمود در این چاه
قبر یغمیری است از یغمران خاندان و امر فرمود آفتاب را که برگردد^۳، پس برگشت و با آن
حضرت سیزده کس در اصحابش همراه بودند، پس قبله را به خط مستقیم درست کرد و به سوی آن
ساز کرد.

و بالعصه از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد شریف معلوم می شود که اگر هر
کدام از آن در هر مسجدی باشد، سزاوار است که انسانی تنه رحال نماید و منارلی علی کند و به
فیض منار و معای در آن مستفیض و متبرک شود.

اول: ملزوم بودن حق تعالی، که در آن زمین فرود نباید و نیسی با لشکرش چرخ یغمیر یا وحش
آن.

دوم: آنکه خلایق حضرت مریم است.

سوم: آنکه زمین حضرت عیسی علیه السلام است.

چهارم: بودن چشمه ای در آنجا که برای مریم ظاهر شد.

پنجم: ظاهر کردن حضرت امیر علیه السلام آن چشمه را به اعجاز خود.

ششم: بودن سنگ سفید متبرک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشت در آنجا.

هفتم: بودن حضرت آن سنگ را از آنجا به اجهاز و نماز کردن به سوی آن عیسی آن را به

جای دیوار قبلی منسوب ساز خود فرود داد و شیخ مرحوم ما مطالب فرود فرموده که این سنگ

مبارک حلقم هنوز موجود و در آنجا منصوبه و لکن مکرر جهال بیگانگان آن را در آورده و

۱ در چشمه ای است خارج از این شهر که کوچک و عریض گوی و گرد که مرش مره می باشد.

۲ عیسی امیر المومنین امر فرمود به آفتاب که برگردد.

در چاه می افتادند، پس از احوالاج یاز بعضی مؤمنین آن را هم آورده نصب می کنند، و چون به جهت عظمت و بی احتیاجی شعیان به این مسجد عظیم الشان معمر و آباد نیست نهاد این رشته باقی است تا به کجا بکشند

هشتم: نماز کردن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دو برادر او حضرت مجتبی و سید الشهدا علیهما السلام در آن جا.

نهم: توقف حضرت در آن جا چهار روز به جهت شرف مکان و مقدس بودن زمین آن.

دهم: نماز کردن یغیبرای مخصوص حضرت خلیل الرحمن علیه السلام در آن جا.

یازدهم: بودن قبر یغیبری در آن جا.

دوازدهم: برگشتن آفتاب برای حضرت امیر علیه السلام در آن جا.

و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الهیه و عاجز شدن به در آن، معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی به آن جا برود، یا آن که در سر راهشان واقع است و مکرر از آن جا می گذرند، و اگر اتفاقاً کسی بخواهد درک این فیض ها را سایه چون به آن جا رسد و بیند در مسجد بسته است از داخل بدی چیزی به جهت باز کردن آن در مضایقه نکند و خود را از این عده فیوضات عظیمه محروم نماید، و حال آن که گاه خود برای بعضی تنشای بنده و عبارات جبارین در آن مصروف ها کند، چه رسد به مصارف عظیمه ایست فضول سالی و استعانة نجسه یهودیان آن، که گرفتن آن از مستقات ریاست خالب از رؤا است، و الله اعلم.

در فضیلت مسجد ردّ الشمس و مسجد جمجمه

و در این جا لازم است تنبیه بر امری که شیخ مرحوم علامه بوری خطاب کرده در تحفه الزائر به آن اشاره فرموده و آن امر آن است که مشهور در نزد اصحاب و مقتضای اخبار کثیره برگشتن آفتاب است برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دو مرتبه:

اول: در حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قریب به مسجد قبا که در آن جا مسجدی بنا کردند و آن را مسجد ردّ الشمس می گویند و مسجد قضیح می گویند، و قضیح اسم تخلی است که در آن جا بود و این از مساجدی است که مستحب مؤکد است که حاجی ها چون به مدینه طیبه مشرف شدند به آن جاها بروند و ساز کنند و این مسجد الان سقف و دیوار ندارد.

نوم: [سأله] یسجد از وفات حضرت رسول ﷺ [و] یسجد در مراجعت [حضرت امیرالمؤمنین] از جنگ نهروان چون به خرابه شهر بابل رسیدند فروه حنبل و ممدار ظهر و با اصحاب کردند، پس جمعیته پیوسته در آنجا دیدند فرمود آن جمعیته را حاضر کردند و از او پرسید از اسم و شمل و حالتش پس اسم خود را گفت که یکی از عظامای ملوک جهانری بود و شرح سلطنت و طغیان و عقوبات بعد از حلاک شدن خود را در کلامی طولانی عرض کرد، پس موکب همایی از آنجا حرکت کرد و در عبور از فرات هم معجزات عریبه از آن حضرت برور کرد که در کتب لغزایل مسطور است و چون از فرات گذشتند و به جهت طول کشیدن سخن جمعیته وقت تنگ شد و به زمین شوره زار رسیدند که روا هست بین پا و صحن در آن نماز کنند، اصحاب را امر کردند به ساز و خود به سرعت سر کردند یک نفر یا دو نفر در خدمت آن حضرت بود، چون از آن زمین گذشتند فروه آمدند تا وضو را تجدید کردند آفتاب غروب کرد و همه اطفال را برگرفته غیر از آن اطفال پس آفتاب را امر فرمودند برگردد اطاعت کرد، سار عصر و به جای آوردند و از محل ساز ظهر تا محل سار عصر یک فرسخ است تقریباً و در آن دو محل شریف که یکی محل سار ظهر و برور آنجا باختر سخن گفتن جمعیته بود با آن حضرت، و دیگری که مکان نماز عصر و ظهور معجزه باختر برگشتن آفتاب بود برای آن جناب دو مسجدی بنا کردند، اول مسجد جمعیته می‌گویند و دوم را مسجد رخش و به این دو طلب از رفائیس اشاره کرد سید حمیری در فسیله بانیه معروفه بهمنطقه:

رُفَّتْ خَالِيهِ الثَّنَنُ لَهَا ضَاغَةً	رَفَّتِ الشَّلَاةُ رَفْدًا ذَنْتُ بِالسَّجْدِ
عَلَى تَبْلُغِ سُوْرَهَا بِي وَفَلَهَا	فَلَحَمِي ثُمَّ خَوَّبَ قَوِي الْكَزْكَبِ
وَعَالِيَهُ هَذَا حَبَسْتُ بِبَابِلَ مَرْءَةً	أَعَزَى وَلَمْ تَخْفِشْ لِحُلَّتِي شَرْبِ
إِنَّا لَأَعْلَمُ قَوْلَهُ وَاسْرَقَهَا	وَلَعَلَّيْهَا سَأُولُ أَمْرِ شُغْبِ

و چون در سته (۲۶۸ هـ) شهر حله بنا شد و اتفاقاً در جنب مسجد و قالسوس واقع شد و امر و ملوک و علما و اعیان آن بلد غالباً از امامیه و متخلصین اهل بیت بودند این مسجد همیشه معمر و آباد بود، و اگر گاهی حرایبی بهم رسانیده فوراً اصلاح شده بهحلاک مسجد جمعیته،

بر آنکه چون در کنار راه واقع شده و از عبور و مرور شیعیان دور، لهذا به مرور اتمام مسرود و مهجور و خراب و ویران و اندک اندک اسحق هم از میان رفته، با آنکه جماعتی از بزرگان علما مثل شیخ معتمد بن شهر آشوب و قطب راوندی و ابن حمزه طوسی و غیرهم، این مسجد شریف را در باب معجزات و در باب فضایل و مسأله منسوب به آن حضرت ذکر کرده اند.

و بالخصوص این مسجد همیشه متروک و مهجور بود تا چهار سال قبل شیخ محکم م. ت. ت. الاسلام نوری - جزوه اللآء خیر الجزاء - آنجا شرف حرکت کرد و وقت به حله به جهت پیدا کردن آن مسجد شریف و به تصدیق مکان آن را پیدا نموده و به حقیقت ایشان آن مسجد معلوم گشت و به دوست ایره مصارف آن را تعیین نمودند و مشافهت و مکاتبت به اهل خیر و ثروت اطلاع دادند و تصمیم بر تنظیم این متحرک بزرگ خداوندی که اختصار شیعیه است می نمود و کسی پیدا نشد که شهرت دینی و عصمت مدعی او را حرکت دهد تنها با به اعانت و شراکت و راغبین در غیر اقدام نموده و این عتبات خراب خداوند را آباد و مصالای جناب امیر المؤمنین علیه السلام را معمور و سخنان معجزه شده کلمه پوسیده را رنده و جماعت شیعه را مضطر و سرافراز نماید و لعل الله یعیدک بعد ذلك أمراً و چون معلوم شد که آفتاب مطابق اخبار کثیره و مشهور میان امامیه دو مرتبه برای آن جناب برگشت حال می گویم مطابق خبر آخر که از این شهر آشوب نقل نمودیم در مسجد پراشاد برگشته و این غریب نهادند زیرا که در مقام ورود معجزه غرق میان دو مرتبه و ده و صد نیست و برای انحصار در دو نوبت وجهی نیست. نهایت آن که دو مرتبه مشهور شد مثل جلسهای از معاصر بعضی شد، بلکه بزرگان اهل فن حدیث پیش از این نقل کرده اند و ابو الحسن بن شاذان در بیان که کتابی است که نامیده آن را بیان برای ردّ تسمی برای علی علیه السلام و ذکر کرده که آفتاب برای آن حضرت مکرر برگشته و هفتده موضع بلکه زیاده از آن شماره کرده چنانچه بر محتج خیره ظاهر و مستتر است.

فضایل ثواب اربعه که در بغداد مدفون اند

مقام سون: زیارت ثواب اربعه علیه السلام است

بدن که از جمله تکالیف و آثار در اقام توفیق در بلد طیبه کاظمین علیه السلام رفتن به بغداد است به جهت زیارت چهار باب خاص امام عصر صلوات الله علیه که اگر هر یک از آنها در بلاد

بعید بودند، سرانوار بود که نشان منازل بیده طی کند و ریح و تعب سفر کند و به فیض و مروت
 آن‌ها نایل گردد، زیرا که در میان تمام اصحاب خاص لکنه علیه السلام به بزرگی و جلالت قدر ایشان
 کسی نمی‌رسد، فریب هفتاد سال به منصب ستارت و وساطت میان امام علیه السلام و رعیت فائز شدند، و
 بر دست ایشان کرامات بسیار و خوارق عادات بی‌شمار جاری گردید و گفته شده که بعضی از علم
 فاضل به عصمت ایشان شده، و مخفی نیست که هم‌چنانچه این بزرگواران در حیات خود واسطه
 بودند میان ولی عصر صلوات الله علیه و رعیت، و در جملة مناصب ایشان رسانیدن عوامی و
 رفته‌های حاجت خلق بود به آن حضرت، حال نیز به‌همان منصب شریف مفتخرند و باید رافع
 حاجت که در شهادت و سختی‌ها برشته می‌شود به‌توسط ایشان به آن حضرت برسد، چنانچه بعد از
 این معلوم گردد این شاه الله تعالی.

و بنامه فضایل و مناقب ایشان رهاوه از آن است که ذکر شود و همین مقدار برای ترهیب
 رؤا به زیادیشان کافی است و تفصیل اسامی و قبور شیخه ایشان از این قرار است:

اول ایشان، ابو عمرو عثمان بن سعید نسبی است که حضرت هادی علیه السلام حق بر عدالت و امانت
 او فرموده بودند، و به شهبان فرموده بود که: «آنچه از من می‌گوید حق است، و دو جانب ما می‌گوید،
 و وکالت و بیعت از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیه السلام بر داشت، نیز شرفی در
 راه رؤا است اگر از بغداد عبور کنند، و چون از کاظمین علیه السلام به آن‌جا روند، چون از کوچه سراید
 دارالحکومه بگذرند در کوچه دیگر به بازارچهای رسند، در لوله‌ای آن دری دارد و داخل شوند
 حیاط محقری است که در آن درخت سدر و ایوان کوچکی که غالباً در آن معلّم اطفال می‌نشیند، و
 در آن‌جا که مختصری است، و قبر آن بزرگوار در آن‌جا در میان صندوقی است.

دوم، ابو جعفر محمد بن عثمان علیه السلام است که قائم مقام پدر بزرگوار خود گردید به سخن او در
 جانب حبیب عصر صلوات الله علیه، و بعد از فوت پدرش، حضرت برای او نامه‌ای نوشتند
 مشتمل بر تخریه والد او و ذکر سعادت و صلاحیت او آن مقام رفیع را، و چندین توفیق شریف از
 ناحیه علیه السلام مشتمل بر سعادت او برای شهبان بیرون آمد، و اجماع شیعه بر عدالت و بیعت او
 منعقد شده بود و پیوسته در اسرار به او رجوع می‌کردند و کرامت‌ها و خوارق عادات بسیار او او
 ظاهر می‌شد، و کتاب‌ها در قه نوشته و می‌فرمود، چنانچه شیخ صدوق علیه السلام او را روایت کرده به
 حدّا می‌گوید که حضرت صاحب الامر علیه السلام هر سال در موسم حج در منگه و مشاعر حاضر می‌شود.

و مردم را می بیند و می شناسد، و مردم هم او را می بینند و نمی شناسند و از آن جناب پرسیدند که آن حضرت را دیده‌ام گفت: بلی، در این نزدیکی دیدم که به پرده‌های کعبه چسبیده بود در مسجد و می گفت: خداوند! یا من انتقام بکس از دشمنان خود
و شیخ طوسی رحمه الله و دیگران روایت کرده‌اند که آن بزرگوار خبر رور غوث خود را به مردم داد، و پیش از موت خود مهیا شده بود، و قبری برای خود ساخته، و نقاشی را امر کرده بود که در ساجده، آیات قرآنی و اسماء اثنا عشرگانه در آن نقش کند، که او را تکیه گاه او قرار دهند، و رور فوتش همان دوری بود که خبر داده بود، و سال وفات آن جناب یا سیصد و بیج یا سیصد و چهار بود علی اختلاف، و ارباب به پنجاه سال به این منصب عظیم مفتخر بود و قبر شریفش در بقعه در نزدیک دروازه سلمان در میان قبرستان و سیمی با قبه عالیله و بنای محکم است، و در آن جاها معروف است به شیخ طالقانی.

سوم: جناب ابوالقاسم حسین بن روح است که از طایفه جلیله مؤمنین است که پیوسته آن طایفه علما و متکلمین و صاحب تألیف بوده‌اند و بعد از فوت محمد بن عثمان تاج نبایت بر سر گذاشت و قائم مقام او شد به امر او از جانب صاحب الامر رحمه الله، چنانچه جماعت بسیاری از محدثین روایت کرده‌اند که چون نزدیک شد وفات محمد بن عثمان، اکثر شیعه را غمید و به همد گفت: اگر من مرگم در ایام اربابیت و سفارت، با ابوالقاسم حسین بن روح است، و در جانب حضرت مأمور شده‌ام که او را نایب کنم، بعد از من رجوع به او کنید در امور خود، پس جمیع شیعه رجوع به او نمودند، و جناب ابوالقاسم زنده از بیست و یک سال مشغول به امر سفارت بود، و مرجع جمیع امور شیعه بود، و پندھری آن جناب در باب فقه تأکید داشت و مراعات این امر را می نمود، که اکثر مخالفان، او را از خود می داشتند و نهایت محبت به او داشتند و احترام و احترام او را فرو گذاری نمی نمودند، و حکایات او در باب فقه معروف است، از آن جمله آن که مسموم آن جناب شد که غلام دربان او، سب معاویه سوده او را از خدمت خود عزل نموده و بیرون کرد و در سنه ۳۶۶ هـ به رحمت ایزدی پیوست، قبر شریفش در آخر کوچه در بستای است که از وسط بازار عطاران به نجا داخل می شود در میان خانهای است، و از غراری که شیخ ما علامه سوری خطاب نرند فرموده وقت است آن ختمه و لکن در سال طاعون عظیم ارباب وقف مملاک و وقفنامه مقفود شد، لهذا به دست دیگران افتاده باید استیضاح کرد و داخل شد ایوان وقف و مشغولی باقی است، هنوز اهل خبری پیدا نند این خانه را بخرد و ضمن مختصر و چند ایوان و حوضی بسازد، که منافع خیر به آن احسان ندارد علاوه بر تزیین و تنظیم صاحب آن قبر شریفه روا که

غالب رؤا که شغل خرید و داد و ستد در بغداد دارند به زیارت این بزرگواران مشرف شوند محل استراحت چند ساعتی به جهت خوردن غذا و انتشاء شفت گرما و ظهیر و سار لازم دارند و در بغداد برای شیعه چسی محلی نیست و غالباً غصه و گرسنه و سار مکرده در آخر وقت خود را به کاشانه می‌رسانند و اگر این محل ساخته شود هزارها اعانت دینی و دنیوی و عروسی و جدیی به هزارها از رؤا در هفته و ماه کرده می‌شود چه مصارفهای عظیمه در وجوه غیره گردد می‌شود که جز صورت نظم شعار و نشر اسم پائی فایده‌ای ندارد و از این خیرات جاریه و منافع متواتر غافل نباید بود [به جهت غرور و اعتماد بر عقل ناقص خود و اعراض و مشورت نکردن با اهل دانش و پند] و از این جهات که در غیر رسیده که میزان شناختن عقل آدمی دیدن مصارف غیره اوست که به چه کسی می‌دهد و در چه محلی صرف می‌کند.

چهارم: شیخ جلیل معظم ابوالحسن علی بن محمد سمری که آخر نواب و وصی و قائم مقام حسین بن روح شد در سنه ۳۲۶ و سه سال امر نیابت در دست او بود و در نیمه شعبان سنه ۳۲۹ به رحمت حق تعالی واصل شد و آن سال تازمجوم بود و راکه اکثر علماء و محدثین شیعه در آن سال به عالم بقا ارتحال نمودند و ابتدای غیبت گری شد و این جناب روز وفات خود را معین کرده حسب توفیق شریف، که شش روز پیش از موتش رسیده بود و چون در وقت احتضار بزرگان شیعه در نایب بعد از او سؤال کردند گفت: لله امر هو باله. خدا را امری و حکمتی است که آن به حمل خواهد آمد، کتابه از آن که امر نیابت منقطع و ظلمت غیبت گری عالم را فرو خواهد گرفت، قبر شریفش در نزدیک محراب مسجدی بزرگ در میان حجره بسیار تنگی که در آن حجره پنجره در میان بازار هراج باز می‌شود و از این جهت بعضی به همان عنوان شایسته در مقابل پنجره قناعت می‌کنند و خود را از مشرف به دیار آن جناب محروم می‌نمایند.

زیارت نواب ابراهیم

و انا کتبت زیارت ایشان پس به تعوی که شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب و سید ابن طاووس رحمه الله در مصباح الزکری ذکر کرده‌اند و سبب دانند آن را به جناب ابوالقاسم حسین بن روح رحمه الله که فرموده در باب زیارت ایشان که: سلام می‌کنی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد از او به امیر المؤمنین و بر خدیجه کبری و بر فاطمه و هرا و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمه علیهم السلام تا صاحب الزمان عجل الله فرجه پس می‌گوئی:

السلام عَلَیْكَ يَا هَلَانِ بْنِ فَلَانٍ^۱ . أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ الْوَلِيِّ أَذِيتُ عَنْهُ
وَأَذِيتُ إِلَيْهِ . مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتُ عَلَيْهِ . قُضَتْ حَاسًا وَانْفَرَقَتْ سَابِقًا .
جِثَّتْكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ . وَأَنَّكَ مَا حُشِتَ^۲ فِي التَّأْوِيلَةِ
وَالشُّعَارَةِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ مِنْ بَابٍ مَا لَوْسَعَكَ . وَمِنْ سَعِيرٍ مَا أَمَنَكَ . وَمِنْ
بِقَةِ مَا أَمَكَّنَكَ . أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى غَابَتْ الشُّعُصُ فَأَذِيتُ
عَنْهُ وَأَذِيتُ إِلَيْهِ .

پس برمی گردی و باز سلام می کنی بر رسول خدا ﷺ تا صاحب الزمان ﷺ پس از آن
می گویی .

جِثَّتْكَ مَخْلُصًا بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَلَّاهٍ لَوْلَاهِ . وَالْبِرَامَةِ مِنْ أَغْنَانِهِمْ وَمِنْ
الَّذِينَ خَالَفُوكَ بِاخْتِلَافِ التَّوَلَّى . وَبِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّهِي . وَبِهِمُ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي .
پس دعا می کنی و سؤال می کنی از حق تعالی آنچه را که می خواهی که اجابت می شود
این شده الله تعالی .

و علامه مجلسی رحمته الله در بهار زیارت طویلی در برای جناب عثمان بن سعید از مؤلفات اصحاب
نقل کرده . مقام و گنجایش ذکر آن نیست . و مطلق می مانند که زیارت مذکور اگر چه از نایب سؤم
ابوالقاسم حسین بن روح مأمور است لذا می توان گفت که از حضرت حجت عصر -
صلوات الله علیه - شنیده . و از آن ناحیه مقدمه به او رسیده چه آن که ایشان هر چه گویند از آنجا
سأخوذ است چنانچه خود جناب ابوالقاسم رحمته الله در خبری فرموده : وَلَيْسَ أَجْزَأُ مِنَ السَّمَاءِ
فَتَحْطَمُ الطُّيْرُ أَوْ تَهْوِي بَيْنَ الرِّيحِ فِي مَكَانٍ شَحِيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ أَقُولَ
فِي رَبِّ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ يَوْمَئِذٍ وَبَيْنَ عَنْدِ تَقْصِيهِ [یعنی] اگر از آسمان بیفتد
بر روی زمین پس بربایند مرا مرغان یا باد مرا ببرد در مکان های دور بیندازد بهتر است نزد من از
آن که بگویم در دین خدای تعالی به رأی خود و از پیش نفس خودم . و این مطلب نزد کثیری از

۱ به جای هَلَانِ بن فلان اسم صاحب قبر و پدرش را باید آورد

۲ حشمت علی

عسا در حشر قبول واقع شده و لهذا علامه مجلسی رحمه الله در تصحیح تفسیر و کتاب زادالمعتمد دعاها را که از آن‌ها نقل شده به حضرت صاحب الامر علیه السلام نسبت می‌دهد چنانچه بر ظاهر حدیث بمشربین عبدالعزیز که در آخر فصل زیارت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در بعضی واقع شده و دعای افتتاح و دعای پند از سار صبح روزی نظر که در زادالمعتمد است ظاهر است.

و از جمله قبور مشهوره در بغداد نزد عاتقه مردم قبر کثیر است و فقیر گوید که بودن این قبر، قبر جناب قبر غلام میر المؤمنین علیه السلام جدید است، زیرا که حنیف اسمن او را به دو جبهه شهادت رسانید آن زمانی که حنیف در کوفه بود و در آن زمان بغداد مورد یزید شده بود و ظاهر آن است که قبر جناب کثیر در همان نزدیکی قبر جناب کبیر است که آن جناب هم به حسب حنیف معوی شهید شده در کوفه و عفا نوشته‌اند که از اصحاب جناب امیر المؤمنین علیه السلام در آنجا جماعت بسیاری مدفون هستند، که یکی از آن‌ها است جناب کبیر، و اثبات این قبر که در بغداد معروف به قبر کثیر است شنبه از بعضی علما با تقدیر پیروز که احتمال می‌داد که آن، قبر قبر غلام امام علی علیه السلام نبوده باشد، والله اعلم.

مقام چهارم: در زیارت جناب سلمان است

بدان که او تکالیف مهله و زلزل در کافین علیه السلام رفتن به مداین است به جهت زیارت سلمان محضی که جلالت قدر و عظمت شأنش بر همه کسی معلوم است، و مؤلف و اختصاص او نسبت به آستان مقدس نبوی صلی الله علیه و آله به جایی رسید که از زبان مبارک آن سرور به مضمون عنایت مضمون «سلمان منا اهل البیت» سرافراز گردید و لیس ما قبل:

كانت نوره تسلطاً في سبأ ولم يكن بين نوح وابيه رجاً

و توشل و اختصاص او به حضرت مرتضی علیه السلام - صلوات الله علیه - و تاهیت او در جمیع امور روشن تر از نور بر شایق طور است و خاصی نور الله شهید گفته که شیخ شهید علیه السلام در حاشیه قواعد از کتاب صفة المشهوره نقل نموده که سلمان از بنی کندی زن خواسته بود و به تحقیق که او را در سر بود، و از ایشان سل و تاج پسر حاصل شد و بعضی از ایشان در آن ولایت بودند و همه اهل فصل و دانش بودند چنانکه کتب رجال بر آن دلالت است و آنید میان جبال و قلندران مشهور

است که سلمان محبوب^(۱) بوده و این که می‌گویند هرگز تأهل نگرفته غلط و مهمل است. و از تاریخ گزیده نقل شده که مدّت عمر سلمان به روایت ائمه دوازده سال و پنجده سال و به روایت اکثر سیصد و پنجاه سال بود و در سنه (۷۲۶ هـ) در مداین وفات یافت و برای شوقی رانرین و رغبتشان به زیارت آن جناب کافی است. تأمل در اقتصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع ائمه به این که حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در یک شب از مدینه به سفایر رفت و به دست مبارک او را غسل داد و کفن نمود و نماز کرد بر او با صغوفی از ملائکه، و همان شب به مدینه مراجعت فرمود. زهی شرافت مودّت و محبت به خانواده رسالت که انسان را به این مرتبه از جلال و عظمت رساند.

و شیخ مرحوم علامه نوری^(ع) فرموده که: دو مقدمه انجام از بعضی فصلات رسیدم روایتی که مضمونش این بود، «انعام الزیارات بریاره سز من رأی و اکمالها بریاره سلمان». (یعنی) در عراق به زیارت ائمه سز من رأی زیارت تمام می‌شود و به زیارت سلمان کامل می‌شود.

و بعد از آن، آنچه تفحص کردم ثمری از آن یافتی حتّی در پشت کتابی مثل چند خبر دیگر که شهرتی دارد در عراق و اصلی ندارد و در هیچ کتابی دیده نشده. چنانچه در حضرت رضای^(ع) نقل کنند که فرمود: «هر کس قنوت ندارد به زیارت من بیاید پس زیارت کند براندم قاسم را، که در عذرات که از توابع حله است مدفون است» و اهل نجف را عقیده آن که حضرت سید القهّاد^(ع) فرمود: «هر که نتواند به زیارت من بیاید در اتمام زیارات مخصوصه مثل اوّل و سیمه و رجب و سیمه شعبان و یلانی قدر و عیدین و عرفة و عاشورا و اینها پس زیارت کند پسر عیثم مسلم را در کوفه» و بعد در این اتمام از مقام حبیبی شود در مرقد جناب مسلم و بسیار شود که در آن روز حضرت امیرالمؤمنین^(ع) را اصلاً در نجف کثرت زیارت نکند. و به جهت این خبر که تاکنون کسی از اصل آن نقلی نداده از غیبتی آن روز شریف خود را محروم نمایند.

به هر حال هنوز مقام جناب سلمان اجل از آن است که برای ترغیب زیارتش متشکک به امور واهی شد و کافی است که شیخ طوسی در تلهیب بعد از زیارت ائمه^(ع) و شهدا و ثواب برای احدی زیارتی نقل نکرده جز از برای آن جناب و فرموده زیارت سلمان^(ع).

•

۱. ظاهراً مراد مرحوم مرقه معجور^(ع) به معنی کافی و تارک التماسی است که از توابع نگرفته باشد به محراب

زيارت سلمان

السلام عليك يا ابا عبد الله سلمان. السلام عليك يا تابع صفوة الله
الرحمن. السلام عليك يا من لم يستخِر من اهل الايمان. السلام عليك
يا من خالف جرت الشيطان. السلام عليك يا من نطق بالحق ولم يخف
سؤلة السطان. السلام عليك يا من ناهد عبدة الاوثان. السلام عليك
يا خبير من تبع. الوصي زوج سيدة النشوة. السلام عليك يا من جاهد
في الله مزلزلي مع النبي والوصي ابي السبطين. السلام عليك يا من صدق
فكذبه القوام. السلام عليك يا من قاتل له سيد الخلق من الانبياء والجن
انت ونا اهل البيت لا يدانيك انسان. السلام عليك يا من تولى امره عند
ولايه ابو الحسنين. السلام عليك يا من جوزيت غنة بكل اخصار. السلام
عليك فلقد كنت على خير اذيان. السلام عليك ورحمة الله وبركاته.
اتيتك يا ابا عبد الله زائراً قاصداً فوك حق الامام. وشاكراً لبتائك في
الاسلام فاسأل الله الذي خصك بصديق الدين ومناجاة الخيرين الفاضلين ان
يحييني حياتك وان يعميتي عماتك. ويحشرني محشره. وعلى انكار
ما انكرت. ومناجاة من نابقت. والرد على من حاققت. الا لعمرة الله على
الظالمين من الاولين والآخرين. فكن لي يا ابا عبد الله شاهداً لي بهي
الرياسة عند سامي وامامك. جمع الله بيني وبينك وبينهم في مستقر من
رحمته. انه ولي ذلك والقادر عليه ان شاء الله. السلام عليك ورحمة الله

وَبَرَكَاتُهُ. وَهُوَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

وعدان که عالم جلیل شیخ خضر شلالی^(ع) در مزار خود فرموده، سزاوارست بپس ترک زیارت
سلطان^(ع) به آنچه ذکر نموده آن را در تهذیب از آنچه شکی بپس در روایت بودن آن هر چند
روایت آن و نسبت نفع و سید جلیل علی بن طاووس در مصباح القزقرانی زیارت را به سه
زیارت دیگر نقل کرده و در کفایت زیارت گفته که می‌بایستی بر سر قبر او و رو به قبله می‌کنی و
زیارت می‌خوانی، و در آخر این زیارت گفته: آنگاه ساز می‌کنی مدار زیارت و آنچه خوانی، و
بسیار دعا کن برای خود و از برای مؤمنین و چون خوانستی که از زیارت او برگردی، پس بایست
زود قبر برای وداع و بگر.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمَوْتِ مِنْهُ وَالْمَخْرُجُ مِنْهُ.
أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ حَقًّا. وَنَطَقْتَ حَقًّا. وَدَعَوْتَ إِلَى مَوْلَانِي وَمَوْلَاكَ غَلَانِيَّةَ
وَبِسْرٍّ أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي فَكَ مُسْتَوْدَعًا. وَهَا أَنَا ذَا مُوَدُّكَ.
أَسْتَوِدُّكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِمَ عَمَلِي. وَجَوَائِجَ أَمَلِي إِلَى مُتَمَتِّنِ أَجَلِي.
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْيَارِ
آنگاه خدای را بسیار بگویند و برگرد.

و شیخ مرحوم در تئیه القزقرانی فرموده که چون زائر به زیارت سلطان مقرب شد، پس از زیارت
در تکلیف دیگر دارد.

اول: مدار کردن در طاق کسری دو رکعت یا زیاده چنانچه آنجا مصلاهی حضرت
امیرالمؤمنین^(ع) است، چنانچه خبر آن را در نفس القزقرانی و کتاب مستدرک ذکر کرده‌یم.
مقام: زیارت کردن جناب خلیفه که از بزرگان اصحاب رسول خدا^(ص) و خاصان امیر
المؤمنین^(ع) است. و در میان صحابه مخصوص بود به شناختن مناقب و دانستن نام‌های ایشان، و
اگر در مدار جماره کسی حاضر نمی‌شد، خلیفه ثانی بر او ساز می‌کرد و از جانب او سالها در
مداین والی بود پس او را عزل کرد، و جناب سلطان والی آنجا شد چون وفات کرد دوباره

حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا تربت خلافت به شاه ولایت علیه السلام رسید پس از مدینه رقی میبارک به اور و فرمان همایون به اهل مداین صادر شد و از خلافت خود و استقرا حذیفه در آنجا به نحوی که بود اطلاع دادند و تکت حذیفه پس از حرکت آن حضرت از مدینه به جانب بصره به جهت دفع شر اصحاب جمل و قبل از قتل موکب همایون به کوفه وفات کرد و در همان مدین مدفون شد و در ضمن آن جناب قبری دیگر هست معلوم نیست کیست معروف است به قبر عهد الله انصاری و معروف به این اسم در شرف یکی عهد الله بن حزام پدر جابر جمل انصاری و او از شهدای احد و با شهدا در آنجا مدفون است دیگری عهد الله انصاری صوفی مشی صاحب مداجات معروفه و قبر او نیز در هرات است.

و در جنب حرم جناب سلمان مسجد جامع مداین است که منسوب است به حضرت امام حسن علیه السلام که آن را ساخته یا در آنجا (خطب) نماز کرده (است) معلوم نیست از بیض دو رکعت نماز تحت در آن محل شرف خود را محروم نکند و در میان طریح مقدس آن جناب طرف آب خوری سفالی است گفته خنم آن آستانه را احضاد آن است که این طرف از خود آن جناب است و در این طول سنین و مرور ایام و حوادث بی حساب (و غیر منظره) سالم و از گرامی آن جناب باقی و از عهد و قنایب آن معظم با آن ریاست و ولایت که فائدت به یادگار مانده، انهنن، والله العالم.

باب سوم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت
امام ستر من رایی و تکلیف زوار
در آن جا

و مشتمل بر دو فصل است

فصل اول

در فضیلت و کیفیت زیارت مسکین علیهم السلام و تکلیف و مؤثر در آن مرحوم شریف
شیخ طوسی را در کتاب تهذیب روایت کرده به سند معتبر از ابی‌حاشم جعفری که گفت: فرمود
به من حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام که: «مَنْ قَرَأَ مِنْ دُرِّ مَن رَأَى» اماں است از برای اهل در
جهانبه پستی، اماں است از برای اهل مشرق و مغرب از بالاها و عذاب عید.
مؤلف گوید که از احادیث فضایل زیارت آنکه عموماً فضیلت زیارت مسکین علیهم السلام معلوم
می‌شود و با پندای ما بر اختصار مناسب دیگر آن نیست.

بدان که عالم جمیل و فقیه بیل صاحب کرامات باقره شیخ عصر شلال جعفری علیهما السلام در کتاب مزار
خود در باب زیارت مسکین علیهم السلام فرموده که: شکی نیست در آنکه ارجح در ولت زیارت
حضرت امام علی نقی علیهما السلام متأخر بودن از ضریح مبارک است به مقدار یک ذراع یا زیاد، زیرا که
به ما رسیده که قبر مطهر ایشان از شبانی^{۱۱} است که در عصر ما منصوب است بر آن قبر شریف، و
تأیید می‌کند این مقال را آنکه من با جماعتی از علما و صلحا به زیارت آن حضرت مشرف شدیم
و با ما بود یکی از علوی که حامل علم بوده پس مرا خبر داد به چیری که ایشان در مشویش و
مضطرب کرده بود، به این که نزدیک ضریح مقدس پست به قبله ایستاده بود که ساگه، آواری از
ضریح مبارک بیرون آمد که از آنجا که ایستاده به عقب رود و سببی برای دور شدن از آن مکان
نیست، مگر آنچه ذکر شد که قبر مطهر بیرون است از ضریح، البته.

و ضریح همان ضریح یولادی شاه سلطان حسین مرحوم است که در عصر ایشان و ناگفتون
منصوب است. و مراد آن مرحوم از علوی حامل علم، ابی‌الله بحر العلوم است به قراین حدیده،
علاوه بر آن که صریحاً شنیدم از شیخ خود علامه بوری مطابقت آنرا که ایشان نیز شنیده بودند از
شیخ خود، فقیه دهره و علامه عصره شیخ عبدالحسین طهرانی مطابقت آنرا که مراد آن مرحوم
همان سینه معظم است، و شیخ مرحوم علی سر دو تحتاً از ذکر این مطلب را ذکر نمود.
پس به کیفیت زیارت ایشان می‌پردازیم: چون زیارت گیتی قبر امام علی نقی و امام حسن

عسکری علیه السلام راه پس شل کند و بعد از رعایت ادب دخول در حرمهای شریفه، با تأنی و وقار روانه شود تا به در حرم مطهره و اذن دخول عمومی سابق را پس داخل حرم شود و آن دو امام علیهما السلام را به این الفاظ که صحیح زیارات است زیارت کند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيْ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورَيِ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا مَرْبُوعَيِ اللَّهِ فِي شَأْبِكُمَا. أَتَيْنَكُمَا زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا مُعَاوِدًا لِأَعْدَائِكُمَا مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمَا مُؤْمِسًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ. كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ. مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا. أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ خَطِيئَتِي مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا فِي الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ. وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُغْفِرَ ذُنُوبِي مِنَ النَّارِ. وَيَرْزُقَنِي شِفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحَبَتِكُمَا وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا. وَلَا يُسَلِّسَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ. وَأَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَيُخَشِّرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَقِّكُمَا وَتَوْفِي عَلَى مِلَّتِكُمَا. اللَّهُمَّ ائْتِنِّي ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقِّكُمْ. وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ الْفَرِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ وَخَاصِّكُمْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ. وَابْلُغْ بِهِمْ وَإِشْيَاعِهِمْ وَمُسْجِبِهِمْ وَمُسْتَجِيبِهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَنَّةِ. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ. وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و جهد [و تلاش] می کنی در دعا کردن از برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکنی. و اگر توانی به نزدیک قبر ایشان بروی. دو رکعت نماز نذر قبر بکنی. و اگر نتوانی داخل مسجد شو و دو رکعت نماز بکنی. و هر دعا که خواهی بکنی که مستجاب است. و این مسجد پهلوی خانه ایشان است. و حضرت امام عقیقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز می کردند.

مؤلف نویسد که: این زیارت موافق روایت کامل از زیارت بود و شیخ محمد بن المشهدی و شیخ محمد و تهجد بر این زیارت را در منزل خود نقل کرده‌اند با اختلافی جزئی، و بعد از فقره نفسی الجنة بر حمته غرمود مانند آن گاه برو و بپرداز خود را بر هر یک از آن دو قبر و بپوش آن را و بگذار طرف روی راست و چپ خود را بر قبر، و بعد از آن سر بردار و بگو **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَبْنَهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى حَبْنِهِمْ** تا آخر زیارت که گذشت. پس گفتند که چهار رکعت نماز بگذار نزد یک سر مقدس، و بعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار... الخ

و مستور مانند که آن دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند، و برای آن دوی بود که گاهی بار می‌کردند و تشییع داخل می‌شدند، و در نزد قبر زیارت می‌کردند و گاهی بسته بود از بیرون مقابل شبانکی^(۱) که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت می‌کردند و در صدر حسن خیر زیارت مذکور است که: غسل می‌کنی و به نزد قبر ایشان می‌روی اگر توانی راحت، و اگر نه اشاره می‌کنی به سلام مقابل شبکه که بار می‌شود به سوی قبر، و چینی زائر، نماز زیارت خود را در مسجد بکند، و چون به هشت موبلای آن طاقه برداشته شد و به جای آن که در حرم و رواق و ایوان ساخته شد، آن مسجد داخل در حرم شد، و الان معروف است که ایوان مسطیل که در ضمن پشت سر مسکین علیه السلام متصل است به رواق همان مسجد مذکور است، به هر حال رواق از آن جهت آسوده شدند، و برای آن دو بزرگوار زیارت مخصوصه به هر کدام و مشترک میان هر دو بزرگوار در کتب مرآتیه مذکور است، اگر راجع شدند تسبیح آن بسیار است، و اگر زائر، حمالی [او هر صبا] و مجالی باشد بسیار مناسب است که زیارت جمله کیره را که بعد از این مذکور گردید، بسم الله تعالی بخواند، زیرا که صدور آن کلمات بطبقه دلای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل و احترام به عظمی و جلالت اشرفی از مصدر جلال حضرت هادی علیه السلام است.

و ندانی که زیارت مسکین علیه السلام در اوقات شریفه و اوقات مخصوصه به ایشان اولی و السبب است، خصوصاً در روز ولادت حضرت هادی علیه السلام که موافق مشهور پانزدهم ذی الحجه است، و به روایت ابن عباس دوم رجب یا یستم آید، و به روایت ابراهیم بن هاشم قمی سیزدهم رجب است، و روز وفات آن حضرت که سوم ماه رجب است بنابر مشهور، یا بیست و هفتم ماه ذی الحجه است

بایر قول شیخ کلینی و مسعودی صاحب مروج الذهب و روز املت آن حضرت که آخر دی القعدة یا یازدهم اوسنه و روز ولادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که دهم ماه ربیع الثانی است بتایر قول شیخ طوسی و طبرستان یا هشتم یا چهارم آن ماه و روز وفات آن حضرت که هشتم ماه ربیع الاول است به قول شیخ کلینی و ابن طاووس و شهید و اکثر علماء یا اول آن [ماه] به قول شیخ طوسی و کلینی و روز خلافت آن حضرت که روز وفات والد بزرگوار اوست.

و اما تکلیف روزار در آن حرم شریف پس از زیارت آن دو امام علیهم السلام سه چیز است: اول: مکرر خواندن این دعای شریف را پیش از نماز زیارت و بعد از آن و در هر حال چنانچه در حدیث معتبر منقول است که منسوزی به خدمت حضرت امام حسن علیه السلام عرض کرد که ای سید من، دعایی تعلیم من فرماد که تلاوت جویم به سوی حق تعالی به آن دعا حضرت فرموده باین دعایی است که من بسیار می خوانم، و از خدا سؤال کردم که هر که این دعا را در روزه من بخواند خدا او را نا امید و نگراند، و آن دعا این است:

يَا غُنِّي عَنِ الْعَدُوِّ يَا زَيَّاتِي وَالْمُنْقَذُ يَا كَفِّي وَالسُّدَّةُ يَا وَاحِدُ
يَا آخِذُ يَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَخَذَهُ أَشَأْكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَلَمْ
تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَخَذَهُ صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا و
به جای [واحد بر کذا و کذا] حاجات خود را بفرماد.

زیارت جناب برجس خاتون

دوم: زیارت کرمی ملکه دنیا و آخرت و حامل خانم ولایت و جتیه اهل بیت رسالت برجس خاتون مادر حضرت صاحب الامر علیه السلام به آئینه شیخ مفید و سید و شهید در مزار خود نقل کرده اند و شیخ محمّد بن المستهدی در مزار خود فرموده که این زیارت را شخصی از اهل بحرین برای من خواند و شهادت که آن مظهر را به این قسم زیارت می کرد، و آن زیارت این است که می ایستی پشت سر ضريح مقدس عسکری علیه السلام و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَى سَوْلَانَا عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَيَّةِ الطَّاهِرِينَ الْخَبِيرِ الْمَيَامِينِ السَّلَامُ عَلَى

والله الإمام والمودعة أنوار الملك العلام. والحاملة لأشرف الأنام.
السلام عليك أيها الصديقة المرضية. السلام عليك يا شبيهة أم موسى.
وابنة خوارزمي عيسى. السلام عليك أيها النقية النقية. السلام عليك أيها
الرضية المرضية. السلام عليك أيها الضعوفة في الإنجيل. السخطونة من
روح الله الأمين. ومن رغب في واصلها محمد سيد المرسلين.
والمنشودة أنوار رب العالمين. السلام عليك وعلى آباءك الحواريين.
السلام عليك وعلى بطيك وأوليك. السلام عليك وعلى زوجك وبنيك
الطاهرين. أشهد أنك أحسن الكفالة. وأدب الأمانة واجتهدت في مرضات
الله. وصبرت في ذات الله. وحفظت سر الله. وحملت ولي الله.
وبالضبط في حفظ حجة الله. ورغبت في صلة إله رسول الله. عارفة
بحقهم. مؤمنة بصدقهم. معترفة بمحبتهم. مستبصرة بأمرهم. مشوقة
غنيهم. مؤثرة خواصهم. وأشهد أنك غصبت على بصيرة من أمرك مقتدوة
بالصالحين. راضية مرضية. نقيه نقيه زكية. فرجي الله عليك وأرضاك.
وجعل الجنة منزلك وما أواله. فلف أولاه من الخيرات ما أولاه. وأعطاك
من الشرف ما به أعاليه. فهناك الله بما فتحك من الكرامة وأمراله.

بس سر طوره راي الامام كن و مكرم

اللهم ائناك اغتممت. ولرضاء طلبت. وبأوليائك إلهك توسلت. وعلى
غفرانك وجلوك اتكلت. وبك اغتصفت. وبغير أم ولك لذت. فصل
على محمد وآل محمد. وأنقضي بزيارتها. وتبني على محبتها. ولا
تخرمي شفاعتها وشعاعة وليها. وأزقني مراقبتها. وأخبرني عنها ومع
وليها. كما وتبني بزيارة وليها. وبزيارتها. اللهم إني أتوجه إليك بالآئمة
الطاهرين. وأتوسل إليك بالصحيح القيامين من آل طه وبس أن تصلي على

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ. وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْعَاطِلِينَ الْفَرِحِينَ
الْمُسْتَبْشِرِينَ. الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. وَاجْعَلْنِي بِمَنْ
قَبِلْتَ شَعْبَهُ. وَبَسَرْتَ أَمْرَهُ. وَكَشَفْتَ شَرَّهُ. وَأَقَمْتَ حَقُّهُ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَعَجِّلْ لَهُمْ بِإِتِّقَائِكَ. وَلَا
تَجْعَلْهُ أَجْرَ الْعُقُودِ بَيْنَ رِيَاظِي إِيَّاهُ. وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.
وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَأَحْشُرْنِي فِي رَمَزِنَاهُ. وَادْخُلْنِي فِي شَعَابَةِ وَلَبِهَا. وَشَعَائِبِهَا.
وَاعْفُ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. وَأَتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِأَسَادَاتِي
وَزَحَمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و بدان که بکر شریف مرجس خاتون در بهشت سر حضرت عسکری علیه السلام است. و بکر آن
حضرت بهشت سر والد بزرگوارش امام علی علیه السلام است.

زیارت حضرت حکیمه خاتون

سؤدد زیارت کردن حکیمه خاتون نه حلیه که در آئینه حوام^{۱۱} ظاهر شده و این مظهر
جهان مجیه دختر امام محمد تقی علیه السلام و خواجه امام علی علیه السلام و عتبه امام حسن عسکری علیه السلام
و درک خدمت چهار امام نموده و حضرت هادی علیه السلام مکره مرجس خاتون را به او سپرد که مسائل
دین و احکام شرع را به او بیاموزد و به آملای الهیه او را تربیت کند و بعد از وفات حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام منصب سفارت داشت از جانب امام عصر علیه السلام مظهرات الله علیه و در اراضی خلق
را به آن حضرت و توقعات شرعی که از آن ناحیه مفسسه صادر می شد به مردم می رساند و مظهر
شد به قایمه گری صاحب الامر علیه السلام و به رسیدگی به امور و احوال آن جناب چنانچه عتبه ای
مظهر حکیمه خاتون دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مشرف شده به منصب قایمه گری
[فرزند] برادرش امام محمد تقی علیه السلام چنانچه تصریح فرموده به این مطلب علامه بحر العلوم در
کتاب رجالی معروف و این جلیله ازل کسی است که به شرف دین صفت عصر علیه السلام فائز شد بعد از
والده مکتومعاش و ازل کسی است که آن جناب را یوسید و در آشوب گرفت و به سرد پدر

بزرگویش بود و دوباره به ریجس خاتون برگردانید.

و بالجمله در میان سادات علویّه و بنات هاشمیّه از جهت فضایل و مناقب و عبادت و تقوی و علم متنازه و به حمل اسرار لسان سر افراز بود و علما تصریح کرده اند به استصحاب زیارت آن مطهره و قبر شریفش در پائین با ملاصق به شرح حضرت عسکریین علیهما السلام و شرح علی حده دارد و در کتب مزار زیارت مخصوصی روی او ذکر شده علامه مجلسی رحمه الله فرموده بی دالم به چه سبب علما معترضی نمیدادند از برای زیارت آن معقره با آن مرثیه ضعیف و جلال که در برای اوست و علامه طباطبائی رحمه الله فرموده که ذکر نکردن زیارت آن مطهره با این جلالت چنانچه خالی مضالم (= دایمی فاسلم) بی مجلسی فرموده عجیب است و عجیب آن که جمعی از صاحبان تواضع و سوره آن حضرت را در اولاد حضرت جواد علیهما السلام ذکر فرموده اند و بالجمله پس سزاوار است از برای زائر در زیارت آن معقره آن که او را زیارت کند به الفاظی که در زیارت اولاد ائمه علیهم السلام بعد از این ذکر می شود یا زیارت کند او را به آنچه جاری می شود بر لسان او از الفاظی که مناسب با شأن آن جلیله است. چنانچه علامه مجلسی فرموده و ظفر گمان می کنم که آنست که زیارت کرده خود به این الفاظ که در زیارت هسته او حضرت فاطمه بنت موسی علیها السلام وارد شده و بعضی از علما در مزار خود تصریح کرده به خصوصی (و مناسب بودن) خواندن آن در سایر روحانیات اولاد ائمه علیهم السلام و خود هم در زیارت چنان عهد العظیم علیهم السلام چنین نموده چنانچه در باب خود اشاره به آن خواهیم نمود این شاء الله تعالی و آن زیارت چنین است که می ایستی رو به قبله و می گویی:

السلام علی آتَم جفوة الله السلام علی نوح نبي الله السلام علی
ابراهيم خليل الله السلام علی موسى کلیم الله السلام علی عيسى نوح
الله السلام علیک یا رسول الله السلام علیک یا خیر خلق الله السلام
علیک یا صبی الله السلام علیک یا محمد بن عبد الله خاتم النبیین
السلام علیک یا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب وصی رسول الله السلام
علیک یا فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیکما یا سینتی (نبی)
الرحمة و سینتی شهاب لعلی الفجوة السلام علیک یا علی بن الحسین سید
العابدين و قرّة عین الناطقین السلام علیک یا محمد بن علی باقر العلم

بَعْدَ النَّبِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِ الْأَمِيرَ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الطُّهْرَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
الرِّصَا الْمُرْتَضَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ النَّبِيَّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّبِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِيرَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ
السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَنِيهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ وَسَيِّدِكَ وَوَلِيِّكَ
وَوَصِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَشْتِ رَسُولِ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَشْتِ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَشْتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَشْتِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَشْتِ وَلِيِّ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدَ وَلِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بَشْتِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ النَّبِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَخَشَرْنَا فِي رُفُوقِكُمْ. وَأَوْقَدْنَا خَوْضَ نَهْيِكُمْ وَشَقَقْنَا
بِكَأْسٍ جَدُّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ
يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ. وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِنَّاكُمْ فِي رُفُوعِ جَدُّكُمْ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ. إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ. اتَّقِرُّبَ إِلَى
اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْهَرَاةِ مِنْ أَغْدَابِكُمْ. وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاسِياً بِهِ غَيْرَ مُكْبِرٍ وَلَا
مُسْتَكْبِرٍ. وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَنَّى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ رَاحٍ. نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ
يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِصَاكَ وَالنَّارَ الْآخِرَةَ. يَا حَكِيمَةَ الشَّقِي لِي فِي الْجَنَّةِ لَأَنْ
لَكَ هُنَا اللَّهُ شَانَا مِنَ الشَّأْنِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا
تَسْلُبَ مِنِّي مَا آتَا فِيهِ. وَلَا خَوْفَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ
اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيماً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و معروف است کہ در نزد غیر حضرت عسکری (ع) فیروز جسمانی از سادات عظام است. مثل

حسن بر امام علی الثقی علیه السلام و غیره و چون خواستی وداع کنی ایشان را پس چنانچه صحیح طوسی رحمه الله گفته از تو قریب است و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ اَسْتَوْدِعُکُمَا اللَّهَ وَاقْرَأْ عَلَیْکُمَا السَّلَامَ اَمَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَیَمَا جِئْتُمَا بِهِ وَذَلَّلْتُمَا عَلَیْهِ اَللّٰهُمَّ اَکْثِنَا مَعَ الشَّاهِدِیْنَ
این غرض را صحیح ذکر نکردم بلکه فرموده پس سؤال کن از خدا عود^(۱) به زیارت آن دو جناب و به بخوان آنچه می خواهی:

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْنِیْ اَخِرَ الْعَمَدِ مِنْ زِیَارَتِیْ اِبَاهُمَا وَارْزُقْنِیْ الْعَوْدَ
اِلَیْهِمَا وَاحْشُرْنِیْ مَعَهُمَا وَفَعَ اَبَائِهِمَا الطَّاهِرِیْنَ وَالْقَائِمِ الْحَبِیْبِ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

فصل دوم

در آداب دخول سرداب مطهر و کیفیت زیارت

وَلِیُّ زَمَانٍ وَبَقِیَّةُ اللَّهِ لِی الْأَرْضِیْنَ حضرت صاحب الامر حقیقت ابن الحسن
صلوات الله و سلامه علیه و کخل الله حیوننا بالنظر الیه -

و قبل از شروع تنبیه کنیم بر امری که شیخ مرحوم در کتاب تحفه اشاره به آن نموده و آن امر آن است که این سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بود و ولد دخول در آن سرداب در قدم قبل از بنای جدید و ساختن صحن و محله و حرم از پشت سر نزدیک به غیر نرغس شاتون بود و شاید حال در رواق باشد آن جا بسایس می رفتند و بالای دروازه ایکی دانشه، چوون از آنجا می گذشتند به در سرداب خیمت می رسیدند که سال آینه کاری شده و پنجره از ربه از طرف قبله به صحن عسکری علیه السلام باز می شود و آن در از وسط این سرداب باز می شد، که حال کاشی دیوار به جای آن ر به شکل صحرایی ساخته اند و همه افعال این سه امام علیهم السلام از یک حرم می شد و بعد، شهید اول در مزار بعد از زیارت عسکری علیه السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از آن زیارت

زچس خاتون و حکیمه خاتون را و در یکصد سال و اندی قبل مؤید احمد خان دسلی
مبانی خطیر غریب کرد و ضمن آن دو امام (ع) را به دعوی که آنان موجود است جدا نمود و برای
آن روحه و رواق و محله عالی برپا نمود و برای سرداب مطهر صحنی علی حده و یوانی و دهنی و
پله ای جدا و دهنی و سردابی مستقل برای زنان ساخت. چنانچه حال دیده می شود و آن راه
اول و پله ها و در سرداب بالمره سفید شد و مشانی از آن ها بسته و محلی برای بجا آوردن
بعضی از آداب وارد نمائند و لکن محل چطوای از زیارات که اصل سرداب شریف است تفری
نکرده و لذا استبدان و خواندن این دخول پس به حسب استقرا در همه زیارت و تصریح علماء بر
هر دری که از آن جا مرسوم شده دخول در آن حرم از هر لایمی که باشد باید رعایت کرد و بر آن
حرم محترم بی بدن داخل نباید شد. الحال شروع کنیم در کیفیت زیارت:

زیارت امام زحان (ع) در سرداب مطهر

و بدان که این دخول خاص به سرداب مطهر همان زیارت طریقه است که علامه مجلسی (ع) در
تذکره ابرار فرموده و صدر آن این است: **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِیْفَةُ اللَّهِ وَ خَلِیْفَةُ آبَائِهِ
الْمُهَاجِرِینَ** و در آخر آن استبدان می شود و باید آن را در در سرداب پیش از پادشاه رفتن در پله ها
خواند. و سینه این طاروس این دخولی دیگر نقل فرموده قریب به همان این دخولی [است] که در
فصل دوازدهم از باب اول (صفحه ۱۴۱) ذکر نمودیم و ما انکشا به همان می نماییم پس به آن جا و بصر
شود. و به آن کلمات استبدان شود پس از آن برود داخل سرداب مطهر شود (اول زیارت کند آن
حضرت را به آنچه خود دستور العمل دانستند. چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طهرسی (ع)
در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که از ناحیه مقدسه بیرون آمد به سوی محمّد حسینی بعد از
جواب از مسأله ای که از آن حضرت سؤال کرده بود

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. لَا لِأَمْرِ تَغْلِبُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَانِهِ تَقْبَلُونَ
«جَنَّةً بِالْإِثْمَةِ فَمَا تُغْنِي النَّفْسُ» السَّلَامُ عَلَیْنا وَعَلَى عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ**

هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی حظرت تبارک و تعالی و به سوی ما توجه کنید، پس

بگوید چنانچه خدای تعالی فرموده

سَلَامٌ عَلَى آلِي يَاسِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَّ اللَّهِ وَرِثَايَ آيَاتِهِ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَبَاصِرَ
 حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَذَكِيلَ إِرَادَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَالِي
 كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آسَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْجَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مِثْلَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَحَدَهُ
 وَوَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَدَمُ
 الْمَنْصُوبُ. وَالْجِلْمُ الْمَضْبُوبُ. وَالْفَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَغَدَا غَيْرُ
 مَكْلُوبٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيُ وَتَقْصُتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
 حِينَ تُرْكِعُ وَتُسْجُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتَكْبِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
 تُحَمِّدُ وَتُسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ
 إِذَا يَلْمَسُ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدُمُ الْمَأْمُولُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَائِعِ السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ
 أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
 وَرَسُولُهُ. لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ. وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 حُجَّتَهُ. وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ. وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ. وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ.
 وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ. وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ. وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ
 حُجَّتَهُ. وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ. وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ. وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
 حُجَّتَهُ. وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ. أَسْمُ الْأَوَّلِ
 وَالْآخِرِ. وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقِّي لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ
 آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. وَأَنَّ الْعَوْتَ حَقٌّ. وَأَنَّ نَاكِرًا

وَنَكِيرًا حَقٌّ. وَأَشْهَدُ أَنَّ التَّنَزُّرَ حَقٌّ. وَالْبَيْعُ حَقٌّ. وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ.
وَالْمُرْسَادَ حَقٌّ. وَالْوِيزَانَ حَقٌّ. وَالْعَشْرَ حَقٌّ. وَالْحِسَابَ حَقٌّ. وَالْجَنَّةَ حَقٌّ.
وَالنَّارَ حَقٌّ. وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِمَا حَقٌّ. يَا مُؤَلَّي شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكُمْ. وَتَجِدُ
مَنْ أَطَاعَكُمْ. فَأَشْهَدُ عَلَى مَا أَشْهَدْتِكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّكَ بِرِيءٍ مِنْ عَبْدِكَ.
فَالْحَقُّ مَا رَجِيتُمْوَهُ. وَالْبَاطِلُ مَا اسْتَخَفْتُمْوَهُ. وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ.
وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ. فَتُخَيَّرُ مُؤَمِّنَةً بِاللَّهِ وَخَدَّةً لَا شَرِيكَ لَهُ. وَرَسُولِهِ
وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مُؤَلَّي أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ. وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ.
وَمَوْفَقِي حَالِفَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ

و بعد از آن دعا خوانده شود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَلِمَةِ نُورِكَ. وَأَنْ
تُضَلِّ قُلُوبَ نُورِ الْيَقِينِ. وَصُلِّي نُورَ الْإِيمَانِ. وَفِيكَرِي نُورَ النِّيَّاتِ.
وَعِزِّي نُورَ الْجَلَمِ. وَفُؤُوتِي نُورَ الْفَضْلِ. وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ. وَدِهْنِي نُورَ
النَّصَائِرِ مِنْ عَبْدِكَ. وَيَقْصِرِي نُورَ الصِّيَاءِ. وَتُسَمِّنِي نُورَ الْحِكْمَةِ. وَمَوْفَقِي
نُورَ الْمَوْلَاةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتَ بِمَعْدِكَ
وَمُشَافِكَ. فَخُشِّي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَا حَمِيدَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
(بِابِنِ الْحَسَنِ) حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ. وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ. وَالْقَاسِي إِلَى
سَبِيلِكَ. وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ. وَالتَّائِبِ بِأَمْرِكَ. وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. وَتَوَارِ الْكَافِرِينَ.
وَمُجَلِّي الْقُلُومَةِ. وَمُسِيرِ الْحَقِّ. وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ. وَكَلِمَتِكَ الثَّامَةِ
فِي أَرْضِكَ. الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ. وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ. سَمِئَةَ النَّجَاةِ. وَعِلْمِ الْهُدَى.
وَنُورِ الْبَصَارِ الْوَرَى. وَخَيْرِ مَنْ تَقَعَّصَ وَازْدَلَّ. وَمُجَلِّي الْقَهْمِ. الَّذِي يَنْدَلُّ

الْأَرْضَ قَسَطًا وَعَدْلًا تَحْمِلُ ثِقَتَ ظِلْمًا وَجُورًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَإِنِّ أَوْلِيَاكَ الدِّينَ فَارَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ
حَقَّهُمْ وَأَفْعَلْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ أَنْصُرْ بِهِ
دِينِكَ وَأَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِعْقَتَهُ وَأَنْصُرْهُ وَأَجْعَلْنَا مِنْهُمْ
أَعْيُنَ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَأَحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَمِنْ خَلْفِهِ وَغَنِّ يَمِينَهُ وَغَنِّ شِمَالَهُ وَأَخْرُجْهُ وَأَمْسِكْهُ مِنْ أَنْ يُوْصَلَ إِلَيْهِ
بِسُوءٍ وَأَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَنْظِرْ بِهِ الْفِتْلَ وَأَيْدِيَهُ
بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ وَأَحْنُتْ خَالِيهِ وَالْحَصْبَ قَاصِمِيهِ وَالْحَصْبَ بِهِ
جَهَابَةَ الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّازَ وَالضَّالِّقِينَ وَجَمِيعَ الْمُتَعَدِّينَ حَيْثُ كَانُوا
مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا بَرًّا وَبَحْرًا وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَنْظِرْ بِهِ
دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَخَوَانِهِ وَأَنْصَابِهِ
وَشِعْقَتِهِ وَأَرْبِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُرُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا
يَنْهَوْنَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

زیارت دیگر در سرداب مقدس

زیارت دیگر از برای آن حضرت، شیخ محمد بن الشهدی و سید بس طاروس و دیگران
گفته اند در زیارت آن حضرت، که می روی به نزد سرداب شریف و بایست مابین دو در، و درها را
به دست خود بگشاید و تسبیح کی مثل کسی که استیلا و ولعقت داخل شدن طلبد، بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگوید یا ثانی و یا قاری بین دو و ملاکن دو رکعت در هر یک سرداب پس
بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا
وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ وَوَقَّعَنَا لِرِيزَانَةِ أَيْمَتِنَا وَتَمَّ بِجَعَلْنَا مِنَ الْمُعَابِدِينَ

النَّاصِبِينَ • وَلَا مِنَ الْفَلَاحِ الْمُقَوِّصِينَ • وَلَا مِنَ الْمُؤْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ • السَّلَامُ
عَلَيْ وَلِيِّ اللَّهِ وَابْنِ أَوْلِيَائِهِ • السَّلَامُ عَلَى الْمُدْخِرِ لِكِرَامَةِ أَوْلِيَائِهِ اللَّهُ وَنَوَارِ
أَعْدَائِهِ • السَّلَامُ عَلَى النَّوْرِ الَّذِي لَوَدَّ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاعُ قَائِمِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُمْ
نُورُهُ بِكَرْهِهِمْ • وَأَبْلَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَى يَدَيْهِ الْحَقَّ بِرُغْبِهِمْ • أَشْهَدُ أَنَّ
اللَّهَ أَصْطَفَاكَ صَغِيرًا وَكَامَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا • وَأَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى
تُجِلَّ الْجَنَّةُ وَالطَّائِفُوتُ • اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَايِهِ وَأَعْوَابِهِ عَلَى " طَيْبَتِهِ
وَنَائِيهِ • وَاسْتَرْهَ سَفَرًا غَزِيرًا • وَاجْعَلْ لَهُ مَقْبَلًا خَرِيرًا • وَاشْدُدْ اللَّهُمَّ وَطَأْكَ
عَلَى مُعَانِدِيهِ • وَاحْرُسْ قَوْلَهُ وَزَائِرِيهِ • اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ
مَحْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِتَضَرُّعِهِ مَشْهُورًا • وَإِنْ حَالَ بَعْضِي وَتَقَنَّ لِقَائِهِ الْفُتُوتُ
الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا • وَفُتِّرْتَ بِهِ عَلَى خَلْقِكَ رَحْمَةً • فَاهْتَمَنِي
بِحُجْرَةِ خُرُوجِهِ ظَاهِرًا مِنْ خَلْقَتِي • مُؤْتَمِّرًا كَلْفِي • حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي
الصِّفِّ الَّذِي أَتَمَمْتَ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ فَهَلَّتْ • كَأَنَّهُمْ بَيْنَ مَرْصُومٍ • اللَّهُمَّ
طَالِ الْإِنْتِظَارَ • وَشَمِتْ بِنَا الطُّجَارَ • وَصُغْبْ عَلَيْنَا الْأَنْصَارَ • اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ
وَلِيِّكَ الْمُتَمَوَّنَ فِي حَيَاتِنَا وَتَعَدِّ الْمُتَوَّنَ • اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعِي لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ
صَاحِبِ طَلَبِ الْبُقْعَةِ • الْفُتُوتُ الْفُتُوتُ الْفُتُوتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ • لَطَفْتُ فِي
وَسْطِكَ الْجَلَانَ • وَهَجَرْتُ لِرِيَّازَتِكَ الْأَوْطَانَ • وَاحْفَظْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ
الْبُلْدَانِ • لِتَكُونَ شَعِيمًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي وَإِنِّي أَبَاكَ وَمَوَالِي فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ
لِي • وَاسْبَاحِ النِّعَةِ عَلَيَّ • وَخُوقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ • اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ أَصْحَابِ الْحَقِّ وَهَادِيَةِ الْخَلْقِ وَاسْتَجِبْ بَيْنِي مَا دَعَوْتُكَ • وَاعْظُمِي مَا لَمْ
أَتَلَقُ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَفُتْيَانِي إِنَّكَ خَمِيدٌ مُجِيدٌ • وَسَلِّ اللَّهُ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پس داخل در صفا شو و دو رکعت نماز کن و بگو

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فَنَاءٍ وَلَيْكَ الْقُرُوبُ الَّذِي قَرُبْتَ طَاعَتَهُ عَلَى
الْقَبْرِ وَالْأَحْرَارِ وَأَنْقَلَبْتُ بِهِ لَوْلِيَاكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً
مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَدِّقِ بَوْلِيكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ
آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بَرِيحَاتِهِ وَلَا تَقْطَعْ الثَّرَى مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَةِ أَسْمِهِ
وَجَدِّهِ اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَى نَفْسِي وَأَنْفُسِي بِمَا زَوَّجْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي
وِلَاخَوَانِي وَأَبَوِي وَجَمِيعِ عِزَّتِي اسْتَوْعَمَكَ اللَّهُ إِلَها الْإِمَامَ الَّذِي يَقُورُ بِهِ
الْمُؤْمِنُونَ وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ جَسَدُكَ زَائِرًا لَكَ وَلِأَسْمِكَ وَجَدِّكَ مُشَافَعًا الْقُورَ بِكُمْ مُسْتَعِدًّا
إِمَامَتَكُمْ اللَّهُمَّ اكْتُبْ لَهُ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ وَتَلْغِي
بِلَاغِ الصَّالِحِينَ وَأَنْفُسِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

زیارت دیگر

شیخ طبرسی بعد از نقل زیارت سابق فرموده که به روایت دیگر منقول است که بعد از داخل

شدن در سرداب مقدس می گوید

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَالْعَالِمِ الَّذِي عَلَّمَهُ لَا يَبِيدُهُ السَّلَامُ عَلَى
مُخَيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرِ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَجَامِعِ
الْكَلِمِ السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الشَّافِعِ وَصَاحِبِ الشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ
الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ الْمَعْمُودِ السَّلَامُ عَلَى مُبْرِ الْأَوْلِيَاءِ وَمُعِدِّ الْأَعْدَاءِ السَّلَامُ

عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْحَائِبِ
الْمُنْتَبِهِ السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الرَّاجِعِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ
السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظُّلَامِ وَالْبَدْرِ النُّعَامِ السَّلَامُ عَلَى رَسِيحِ الْأَيْتَامِ
وَنُصْرَةِ الْأَيْتَامِ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصُّمَامِ وَقَلْبِ الْهَامِ السَّلَامُ عَلَى
صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْتُورِ وَالْكِتَابِ الْمَشْهُورِ السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ
وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ وَالْمُسْتَهْنِ إِلَيْهِ عَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَدَيْهِ تَوْجُودُ أَشَارِ
الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْتَمِنِ عَلَى السَّرِّ وَالْوَلِيِّ بِالْأَمْرِ "وَالسَّلَامُ عَلَى
الْمُهَيَّوِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَمَمَ أَنْ يَجْتَمِعَ بِهِ الْكَلِمَ وَلَمْ يَكُنْ
السُّعْتُ وَتَمَلَّأَ بِهِ الْأَرْضُ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيُسَكَّرَ لَهُ وَيُنَجَّرَ بِهِ وَعَدَ
الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ إِنَّكَ وَالْإِئِمَّةُ مِنْ آهَانِكَ أَيْمَنِي وَمَوْلَايَ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَنَوْمِ يَوْمِ الْأَشْهَادِ أَشْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
فِي صَلَاحِ شَأْنِي وَقَصَائِ حَوَائِجِي وَغُطْرَانِ لُؤْيِي وَالْأَخْلَاقِ بِيَدِي فِي دِينِي
وَدُنْيَايَ وَأَخْرَجْتَنِي لِي وَلِكُلِّ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّهُ غَفُورٌ
رَحِيمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پس دوباره رکعت سار زیارت می کنی هر دو رکعت به یک سلام و می خوانی بعد از آن

دعای بر که از آن حضرت روایت شده و آن این است:

اللَّهُمَّ عَظَمِ الْبَلَاءُ وَبَرَّحِ الْخُفَاءُ وَانْكَشَفِ الْغُطَاءُ وَخَفَّيْتَ الْأَرْضَ
وَمُنِعْتَ السَّمَاءَ وَالنَّارَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكِرِ وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَةِ
وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الَّذِينَ قَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَفْنَا

بذلِكَ مَرَلَتْهُمْ. فَرُجْنَا عَنْهُمْ فَرْجًا عَاجِلًا كَلَمَحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ
 مِنْ ذَلِكَ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ. انْشُرَانِي فَإِنِّي كُنْتُ سَاهِيًا.
 وَاتَّقِيَانِي فَإِنِّي كُنْتُ كَافِيًا. يَا مَوْلَانِي يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْفَوْتُ الْفَوْتُ
 الْفَوْتُ. أَقْرِ كُنِي أَقْرِ كُنِي أَقْرِ كُنِي

بیان که سزاوار است خواندن این دعای شریف اللهم عظم الهلأه که مروی از حضرت صاحب الامر علیه است در آن جا مکرراً، چنانچه علما گفته اند و در غیر آن مکان نیز وارد شده خواندن آن، و سزاوار است نیز خواندن دعای نهی که از ناحیه مقدسه به سوی حمیری بیرون آمده است، و امر فرموده که در مرداب مقدس بخوانند و ما - این عباد الله - آن را در اعمال روز جمعه [حکمه ۱۶۲۰] نقل خوانیم نمود.

صلوات برای حضرت حجت علیه

و نیز سزاوار است فرستادن صلوات بر آن وجود مبارک و تقدیم آن بر ذکر حاجات خود، و برای آن اقسام عده شده است، و مختصر آن به نحوی که سید جلیل ابن طاووس در مصباح الزائر نقل فرموده این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْحَقِّ وَوَجِيهِ
 وَارِثِهِ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ. وَالْعَائِي فِي خَلْقِكَ. وَالْمُنْتَظَرِ لِذَلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بَعْدَهُ. وَانْجِزْ وَعْدَهُ. وَتَوَفَّ غِنَاهُ. وَانْكِشِفْ عَنْ بَابِهِ جَنَابَ
 الْغَيْبَةِ. وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ ضَمَائِكَ الْيُخَيَّةِ. وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرُّغْبَ. وَثَبِّتْ بِهِ
 الْقَلْبَ. وَأَقِمَّ بِهِ الْغَرْبَ. وَأَيِّدْ بِحُسْنِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. وَسَلِّطْهُ عَلَى
 أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ. وَالْهَيْهُ أَنْ لَا يَدْعَ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَاهُ. وَلَا هَامًا إِلَّا
 قَدَّاهُ. وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّاهُ. وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَنَّاهُ. وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَطْلَكَاهُ. وَلَا
 مِثْرًا^(۱) إِلَّا هَتَكَاهُ. وَلَا عَلِيًّا إِلَّا تَكَنَّاهُ. وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَبَسَهُ. وَلَا

رُفْعاً إِلَّا قَصْفَهُ وَلَا يَطْرُدُ إِلَّا عَرْقَهُ وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَقَهُ وَلَا يَنْتَبِرُ إِلَّا
 اخْرَقَهُ وَلَا شَيْعاً إِلَّا كَسَرَهُ وَلَا ضَعْفاً إِلَّا رَحَمَهُ وَلَا قَمّاً إِلَّا أَرَأَقَهُ وَلَا
 حِزْباً إِلَّا أَبَادَهُ وَلَا حِصْباً إِلَّا عَنَنَهُ وَلَا بَاباً إِلَّا زَكَمَهُ وَلَا قَهْراً إِلَّا
 أَشْرَبَهُ وَلَا مَشْكَناً إِلَّا فَتَشَهُ وَلَا سَهْلاً إِلَّا لَوْطَاءَهُ وَلَا جَبْلاً إِلَّا صَعَنَهُ
 وَلَا كَثِيراً إِلَّا أَخْرَجَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

نماز حضرت حجت جبل الله فرجه

و شیخ مرحوم خطاب نژاد در کتاب تفضیله التزکیر از جمله افعال در سرآب ذکر کرده نماز آن
 حضرت را به جهت مطالب مهت و حوایج عظیمه و آن دو رکعت است با سوره حمد و «قُلْ غُ
 فَرُ اللّٰهُ اَحمَد» و چون در حمد به آیه «وَإِنَّا لَهُ عَابِدُونَ» رسید آن را صد مرتبه بگوید و
 گفته بهتر آن که تسبیح رکوع و سجود تسبیح ثمری باشد و آن را هفت مرتبه بگوید و بعد از نماز
 صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از آن دعای عظم البلاد مذکور را بخواند آن گاه حاجت خود را
 بخواهد و این نماز را در هر جا و در هر وقت می توان کرد و لکن در سحر شب جمعه و روز
 جمعه مخصوصاً وارد شده و این نماز از افعال ثلثه و کتور مطلقه است که بسیار از فوائد آن
 لغت نموده.

و علامه مجلسی فرموده که زیارت آن حضرت در سرآب و جمیع بلاد مشرب است
 خصوصاً در امکنه شریفه مثل خرابج مقدسه اجداد طاهرين آن حضرت و در امکنه مشهوره
 خصوصاً شب ولادت آن حضرت که موافق مشهور شب یازدهم شعبان است و در شب قدر که
 ملائکه و روح بر آن حضرت نازل می شوند.

مؤلف گوید که: از برای سرآب شریف زیارت و افعال کثیره است و ما به جهت اختصار به
 همین قدر اکتفا کردیم پس سزاوار است از برای زائر دنیا که به حال خرابی خود مطلع و به
 رحمت بسیار خود را به آنجا رسانیده فرصت غنیمت شمارد و تا تواند یا سوره قل و حضور قلب
 در آنجا بگوید و در کردار و رفت خود معصومت جوید و از خواندن زیارت و دعاهای وارده آنجا
 کوتاهی نکند و از غیوضات آن محل شریفه خود را محروم نگرداند چه آن که این سرآب شریف
 علاوه بر دروایی شرافت از جهات حدیده بودی آن خانه [برای] سه امام علی و طول انعامت آن

برگواران در آنجا به آن اعمال و عبادات و پرور آیات باهرات و توجه خاص امام عصر علیه السلام در محل، حسب تجربه بزرگان و سالکان طریق هدایت و رشد از مخرج و ثواب و دعا و استغاثه در آن محل شریف به فیوض خاصه و مقامات عالیه رسیدند. حتی از ایت الله بحر العلوم خطاب فرمود: معروف است که فرمودند آنچه باشند و به ایشان رسیده بود از برکت آن مقام یا سجد سهله بود.

و بدان که دعاهای بسیار وارد شده که متعلق به حضرت حضرت صلوات الله علیه است که اختصاص به سرداب ندارد و در همه جای می توان خواند چون دعای شریف اللهم عَرِّفْنِي نَفْسَكَ الخ. که امر فرمودند به خواندن آن در زمان غیبت و دعای یوسف بن عبد الرحمن اللهم ادفع عني و ليلي الخ. که حضرت امام رضا علیه السلام او را یاد دادند و امر فرمودند او را به خواندن آن در برای حضرت صاحب الامر علیه السلام و دعای عهد که چهل صباح باید خواند و غیر اینها که مقام را گنجایش ذکر آنها نیست. طالبین به محققان رجوع نمایند.

ربارت امام عصر علیه السلام هر روز بعد از نماز صبح

و بعد این تلاوس ذکر کرده است که مستحب است هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر علیه السلام را چنین ربارت کنند.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ قَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤِمِّنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَخَيْبِهَا وَمِجْمَعِهَا وَعَنْ وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَعَنْيَ مِنَ السَّمَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ رِسَّةَ عَرْشِ اللَّهِ وَبِإِذْنِ كَلِمَاتِهِ وَمُنْتَهَى رِسَاةٍ وَغَلَدَ مَا أَخْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ جَلْعُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِزُّكَ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا عَرَّفْتَنِي بِهَذَا الشَّرِيعِ وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَخَصَصْتَنِي بِهَذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَى مُوَلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُشْتَهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي

كِتَابِكَ فَقُلْتَ: «صَلُّوا كَانَهُمْ بُنْيَانُ مَرْمُوسٍ» عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ
وَالهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ هِدِهِ بِنِعْمَةِ لَه فِي غَنِيِّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ووجه تسمیه سرداب به سرداب غیبت

مؤلف میگوید که در این جا مناسب دیدم ذکر کنم دو فائده عظیمه و این باب را به آن حتم سماهی
اولی آن که این سرداب شریف در آستانه و در کتب مزایر خطمهای از متأخرین معروف است به
سرداب غیبت. و در کتب معتبره و ایواب مستطفه به حالات شریف حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه. وجهی از برای آن یافته شده. و سببی برای نامیدن آن به این اسم معلوم
نگشته. پس کافی علمای اهل سنت به معاصر امامیه در کتب خود تبیین می دهند که ایشان معتقدند
که حضرت صاحب الامر علیه السلام در کودکی داخل در آن سرداب شد و مادرش لرجس خاتون ایستاده
و نگاه می کرد تا از نظرس غایب شد و مقام آن حضرت تاکنون در آن جا است و احدی در پی
طول مدت آن جواب ندیده و در آن جا باقی است تا در آنجا بیرون آید و دیوار پر از عدل و
داد گردانند و شیخ ما علامه بوری - طاب ثراه - در چند سال قبل در رساله کشف المستر که در
جواب شبهات ابن آلوسی پنداری است بر اصل ولادت حضرت حبیب بن المسیح علیه السلام مکتوف
داشت که تمام آنچه نسبت می دهند به ما در این مقام لغزا است و در کتب ما اثری از هیچ یک از
این ها نیست. هر که خواست به آن کتاب شریف رجوع نماید و در باب معجزات آن حضرت
تذکره ای در معتقد عباسی به طرق مختلفه موجود است که حاصل یکی از آنها آن که: بعد از
وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سوارانی چند فرستاد به سامرا که شب در خانه آن حضرت
داخل شوند. و هر که را دیدند بگیرند. آنها رفتند شب داخل شدند و کسی را ندیدند و از سرداب
صدای تلاوت قرآنی شنیدند به آنجا رفتند دریای آبی دیدند در وسط آن حصیری مفروش. و
کسی بر روی آن مشغول به ساز بست. یکی از آنها عبور کرد و خود را در آب انداخت. غرق شد
و از دیگ به هلاکت رسید. رفقا نجاتش دادند. دیگری چمن پس هراسان شدند و بنا بر توبه و
استغاثه گذاشتند. ابدأ در این حالات احتیاجی به آنها شد. پس مأیوسانه مراجعت کردند. و در
شب معتقد ن خبر کردند از ایشان عهد گرفت که این سر را افشا نکنند. و شاید به سبب این باشد
یا چیز دیگر که در دست نیست. والله اعلم.

دوم آن که در میان صفه و سرداب مقدس شتایی است یا دری از چوبه ساج که آن را به امر

احمد ناصر بالله عتاسی که در سال شصت و دوازده ساختند چنانچه صورت آن با بعضی آیات شریفه در کتبه آنجا مرقوم است و آنچه از مشایخ دست به دست به ما رسیده آن است که این محل محل حوضی بود به جهت وضو گرفتن آن بزرگواران در آن سرداب، و پس از آن بزرگواران عراض و وقایع حاجات که شعبان به حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه می‌پوشند و به آنجا می‌گذاشتند و هر وقت صلاح بود جواب عریقه از آنجا یا از خارج به صاحبش می‌رسید و به ملائکه این سیرت و عادت در طرف راست در وسط شبانکه سوراخی به قدر آن که دست در میان آن برود و رفته را بپندارند گذاشتند ولی در طرف دیگر ظفر آن هست، و هر کس تأمل کند می‌داند که این سوراخ ساخته برای همین کار بود و آن محل در میان همه آن سرداب استوری پیدا کرده در بزرگ و شرافت و احترام و بوسیدن و استسقا به تربت تا آن که صحن و راه سرداب مقدس، از آن صحن مطهر جدا شد و از غیر چسب^{۹۱} برای آن خدعه پیدا شد، و دیدند حرص و رنجبت شیعه را به آن محل شریف و غلبه و استیلا خود را بر آن غربا و زائران بی‌معنی نهادن برای کسب شهر طیب خود سرمایه کردند و برای جذب ساقط از ایشان آن را شبکه قرار دادند و به انعام حیلها را آن‌ها فائده بردند و کم‌کم به دادن رنگ و خاک آنجا به آن بیچارگان و گرفتن جبری، مقداری از آنجا گود شد، تا زمانی که عالم جلیل شیخ المراقبن مرحوم شیخ عبدالعسی طهرانی - طاب ثراه - به جهت اذیت مظهر و اصلاح صحن منور به آنجا معترف شد پس از مشاهده آن صحنی و رها شدن آن در هر روز و خوف صدمه رسیدن به اساس عمارت منور مبرمودند آنجا را بر کردند تا به مقدار دو یله به بالا مانند و آن را با آجر و گچ محکم نمودند، پس از وفات آن مرحوم چون در سرمایه آن جماعت به جهت بنای خطی پیدا شد، دوباره آن بنای حراب کردند و به دادن رنگ و سنگ آنجا به جهال روزگار و برهنه عوام را در آنجا به اسم بزرگ، بازار کسب خود را رونق دادند، و کم‌کم به منزله چاهی شد و اسم آن را چاه صاحب الزمان گذاشتند، و جزو مناسب روزگار شد، که چون به آنجا روند از چاه صاحب الزمان سؤال کنند و به انواع بی‌اندیشی و جسارت خود را در میان چاه افکنند و مقداری رنگ بپندارند تمام این سرکاف بی‌اصل و بی‌یاد و خلاف ادب و احترام، بلکه در بعضی مواضع شجاعت حرمت دارد و لکن خود مرص جهان را دوا می‌جز بر شش از عالم یا تنیه و نهی حلق می‌بست و هر مو از میان رفته، واللّٰه المستعان.

باب چهارم

در زیارات مطهره و محضه
حضرت سید الشهدا علیه السلام

و مشتمل بر دو مثنوی است

مقصد اول

در ثواب زیارت آن حضرت و فضیلت کربلا و تربت شریف آن و آداب زیارت آن حضرت و ذکر زیارات مطلقه که مخصوص بهوقتی و حالیه است و غیر اینها از چیزهایی که متعلق است بهاین مقام و در آن صفت فصل و یک خانه است:

فصل اول

در ذکر مختصری از فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

بدان که اخباری که در باب زیارت آن حضرت وارد شده از حدّ ضرر و احصا بیرون است و احادیث کثیره روایت شده که دلالت دارد بر وجوب زیارت آن مظلوم علیه السلام و از دستهای از اخبار ظاهر می شود که هر که ترک کند آن را ترک کرده حق خدا و رسول علیه السلام را و ترک آن باعث عقوق پدر و مادر و تشنه شدن است و سبب نقصان ایمان شخصی تارک است و در طبری است هر که ترک کند جفا کرده بر آن حضرت و در روایت دیگر هر که ترک زیارت آن حضرت کند تا بهر دو گمان کند که شیعه ما را از شیعه ما میسوزاند و اگر او از اهل بیت باشد همین است بر اهل آن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اولی سؤالی کردند از حال کسی که ترک کند زیارت امام حسین علیه السلام فرمود: فارغی است از اهل جهنم.

و وارد شده که آن حضرت به امان بن قلاب فرمود که: چند گاه است که زیارت امام حسین علیه السلام نکرده ای؟ گفت: مذمتی است حضرت فرمود که: جیحان الله تعالی، تو از سرکرده های شیعیانی و ترک زیارت آن حضرت می کنی؟

و به اسناد صحیح و معتبره وارد شده که حق و لازم است بر سالار که هر سال دو مرتبه به زیارت آن حضرت برود و بر غیر آن که سالی یک مرتبه برود و به سندهای صحیح دیگر وارد است که: هر روز به زیارت قبر حسین علیه السلام هر سالی یک مرتبه.

و از این احادیث و غیرها ظاهر می شود وجوب زیارت آن حضرت و معارض ظاهری ندارد و لکن مشهور میان علما - رضوان الله علیهم - آن است که سنت مؤکده است و علامه مجلسی علیه السلام

در جمعه فرموده که: به حسب احادیث و وجوب زیارت آن حضرت در عمری یک مرتبه نهایت قوت دارد، و شیعہ که بر این تعهدات و تاکیدات مطلع شده و با قدرت ترک کنند، در غایت ضعف ایمان خواهند بود، و احوط آن است که در زیارت آن حضرت و رسول ﷺ بلکه در زیارت هر امامی در مرتبه اول قصد شک نکند، بلکه به قصد قربت تنها به عمل آورد، و میر در مقام دیگر بعد از ذکر چهار گنجه در این باب فرموده که موافق این اخبار مضمره احوط آن است آن‌ها که نزدیک اند محل اهل بغداد و حله و بیست اشرف هر ماه یک مرتبه به زیارت بروند اگر خوفی نباشد، و الاّش هر چهار ماه یک مرتبه، و با خوف سالی یک مرتبه، و اگر دور باشند هر سه سال یک مرتبه، و اگر بسیار دور باشند هر چهار سال یک مرتبه به زیارت روند یا آن‌که اقبای معوضه الحال هر چهار سال یک مرتبه، و اقبای بسیار سال‌دار هر سه سال یک مرتبه بروند، انکهی.

و اما ثواب زیارت آن حضرت، پس از حیطة بیان بیرون است، و حدّ معینی برای آن نیست، شیخ عالم کامل جعفر بن قولی رحمه الله در کامل القیامه به سند معتبر او می‌فرماید بن مسلم نقلی روایت کرده که آن جناب از حضرت امام محمد باقر رحمه الله نقل کرده که فرمود: جاگر مردم بدانند که چه فضیلت در زیارت امام حسین رحمه الله هست، هر آنکه پیوسته از اقبای و چاه‌های ایشان بهره‌سازد شود از حسرت، محبت بن مسلم عرض کرد که: چه فضیلت دارد؟ فرمود: هر که به زیارت آن حضرت برود در روی نهایت شوق، بنویسد حق تعالی از برای او ثواب هزار حج مقبول، و هزار عمره مقبوله، و اجر هزار شهید از شهدای بدر، و مزد هزار درویش دانا، و اجر هزار صدقه مقبوله، و ثواب آزاد کردن هزار بنده از برای خدا، و تا یک سال محفوظ باشد از هر آفتی خصوصاً از شیطان، و موکل گرداند حق تعالی ملکی را بر نو که او را نگاه دارد از پیش رو و از پشت سر و از جانب راست و از جانب چپ و از بالای سر و از پایین پای او، و اگر در آن سال بمیرد حاضر شوند فرشتگان رحمت نزد غسل دادن و کفن کردن او و طلب آمرزش کنند از برای او و مشایخت نمایند او را تا قبر او و او برای او در راه استغفار کنند، و فراق کنند قبر او را آن قدر که دهده او بپند، و این گرداند خدا او را از شرّ هر غیر و از ترس منکر و کبر، و بگشایند دری از برای او به سوی بهشت و در قیامت نامش را به دست راستی دهند، و حق تعالی موی به او عطا کند که روشن گرداند حاین مشرق و مغرب را و منادی ندا کند که: این، از آن‌ها است که زیارت قبر امام حسین رحمه الله کرده‌اند از روی شوق و خواهش، پس نمائند احدی در قیامت مگر آن‌که آرد و کند که از زیارت کنندگان آن حضرت باشد.

و در اخبار بسیار وارد شده که زیارت آن حضرت معادل حج و عمره مقبوله و برابر جهاد در راه خدا و آزاد کردن بنده و موجب مغفرت گناهان و سبکی حساب و دفع درجات و اجابت دعوات و احصا افعال است و کمتر توانی که به زائر رسد آن اس که گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود، و به ریاضه از صد بند معتبر او آنکه عنه معقول لب که زیارت آن حضرت موجب مرزئش گناهان گذشته و آینده است و در روایات معادل بیست حج و بیست عمره و مقابل هشتاد حج مقبول و مقابل صد حج یا رسول خدا صلی الله علیه و آله به احتلاک و زود شده و در روایات استجاب عایشه به بود حج از حج های حضرت رسول صلی الله علیه و آله که هر حج یا عمره باشد معادل نیست، بلکه روایت شده که مطلق زیارت آن حضرت بهتر است از بیست حج، و در روز عرفه معادل هزار هزار حجه مقبوله و هزار هزار عمره مقبوله و هزار هزار غزوه یا پیغمبر یا امام است در حالی که زائر به حق آن حضرت عارف باشد.

و غیر این ها از اخبار دیگر به اختلاف رسیده و محتمل است وجه اختلاف در ثواب زیارت آن حضرت اختلاف اشخاص در زیارات و تفاوت طرق و حالات و مراتب اخلاص و ثبات ها باشد، یا سبب آن تفاوت حج ها و عمره باشد یا غیر این ها، که مقام را گنجایش بسط آن نیست.

و به مانند معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: زیارت امام حسین علیه السلام بهترین افعال و محبوب ترین عبادات است، و از احادیث کثیره ظاهر می شود، که زیارت آن حضرت موجب طوبی عمر و حفظ بدن و مال، و ریاضه روزی و برآمدن حاجات است و آنچه خرج می کنند به اطعام آن عوفی می یابند، و پیغمبری و اوصیای ایشان و آتش مصومین و ملائکه علیهم السلام به زیارت آن حضرت می آیند و دعا از برای روزگار آن حضرت می کنند، و ایشان را بشادت ها می دهند، و از برای اتفاق در زیارت آن حضرت ثواب های عظیم وارد شده، بلکه روایت شده که هر دره سی معادل ده هزار درهم است.

و از برای ساز در روح مقصد و حوالی آن نیز فضل عظیم روایت شده و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که شمار واجبی نزد آن حضرت برابر است با حج و معادل سافه با عمره، بلکه معقول لب که حضرت صادق علیه السلام به عقل فرمود که: هر گاه یک رکعت نماز که نزد حضرت امام حسین علیه السلام یکی توابع مثل ثواب کسی است که هزار حج، و هزار عمره کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد، و هزار مرتبه یا پیغمبر مرسل به جهاد فی سبیل الله رفته باشد.

فصل دوم

در فضیلت کربلای معلی و مراتب شرافت آن زمین و بیان حائر

بدان که از اخبار کثیره ظاهر می شود فضیلت زمین کربلا بر زمین کعبه معظمه و آن که او پس از زمی منکّه معظمه خلق شده به بیست و چهار هزار ساله و زمین کربلا از زمی های بهشت است و به بهشت برگردد با خاکش، و بگردد بهترین باغی از باغ های بهشت و حدیث مدخرت کعبه با کربلا و خطاب فیر الهی به زمی کعبه که اگر کربلا بود تو را فضیلت نمی دادم، و اگر صاحب آن تربت بود، تو را خانه عمر تو را خلق نمی کردم. دلیل و متواتع باشد، و تکثیر ممکن بر کربلا، و الا فرو برم نور در آتش جهنم، معروف است و علامه بحر العلوم رحمته الله نیز در تکرار اشاره به آن فرموده: «چنانچه گفته»

و من حدیث کربلا و الکعبة بکسبلا بسان عظمی الزینة

از حضرت باقر علیه السلام منقول است که فرمود: «فاضله یعنی کربلا، بقعدهای است که در آن بعد از حق تعالی سخن گفت با موسی بن عمران علیه السلام، و مناجات کرد در آن با روح علیه السلام، و آن گواهی نوی زمین های خداوند است».

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «فاضله از تربت بیت العقیس است».

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که: «حضرت مریم به اجداد از دمشق به کربلا آمد، و حضرت عیسی علیه السلام در موضع قبر امام حسین علیه السلام از او مشوره شد، و در همان شب به دمشق برگشت».

و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در بعضی از سفرها چون نزدیک کربلا رسید، از لشکر پیش افتاد و چون به محل شهادت امام حسین علیه السلام و اصحاب او رسید، فرمود که: در اینجا دوست پیغمبر، و دوست وطن پیغمبر، و دوست فرزندان پیغمبر شهید شده اند یا اتباع ایشان. پس دور صحرا می گردید و می فرمود که: این جا محل خوابش شتران ایشان است، و این جا محل فرود آوردن یارهای ایشان است و این محل شهادت گروهی چند است که پیش از ایشان بهتر از ایشان نبوده است و بعد از ایشان مثل ایشان نخواهد بود و فرمود که: متوشا حال تو ای خاک که بر روی تو ریخته خواهد شد خون های دوستان خدا».

و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «هر کس قبر امام حسین علیه السلام تا

ده میل است که سه فرسخ و ثلث فرسخ باشد و در غیر دیگر فرموده که: «حرم قبر آن حضرت از هر طرف یک فرسخ است» و در روایت دیگر پنج فرسخ است از چهار جانب و در حدیثی دیگر از طرف سر و طرف پا به یست و پنج ذراع بیان شده و غیر اینها از احادیث دیگر که اختلاف در تحدید آن شده و علما جمع میان آنها به حمل بر اختلاف مراتب فضیلت گردانند و ظاهراً اقوال علما این است که تربت استعفا و سجود و سجد و سجد را از همه آنها می توان برداشته و لکن اگر در تربت استعفا انحصار شود بر بعضی از مراتب آن رومی مانند یک فرسخ و ثلث، یا در یک میل از اطراف قبر مقدس به احتیاط عمل شده و احسن و احوط حوالی ضریح است و آرای اکابر در حد حائر مختلف است، بعضی گفتند که حائر آن است که احاطه کرده بر آن دیوارهای صحن و بر بعضی گفته اند که محل ضریح است و پس بعضی گفته اند که ضریح است به معنای منکله به آن و علامه مجلسی رحمته الله گفته که دور نیست که آنچه از صحن گودتر است داخل حائر باشد و آنچه بلندتر است داخل نباشد.

و در بعضی حائر نیز اختلاف است این تهریس رحمته الله فرموده که: حائر مکان پست است، زیر که آب در آن جریان و ساکن می گردد و شیخ شهید اول رحمته الله و جمعی دیگر گفته اند که برای این منستی به حائر شده، که در زمان منوکل که به امر او آب بر قبر غریب پستند که اثرش را منطس [و ناپود] سازند، به اجبار آن حضرت آب بر دور حائر بلند شد و ساکن گردید و داخل نشد،
لکن

فصل سوم

در قیام تربت آن حضرت و آداب خوردن آن

بدان که از جمله نعمتهای عظیمه الله بر بندگانش این تربت مقدسه حضرت سید الشهداء رحمته الله است، که حق تعالی آن را برای امراض و دردها شفا گردانیده است و انسان را برای مغاف و بلا و از برای آن فوائد کثیره لایحصری است، از آن جمله آن که مستحب است با حیث در قبر گذاشتن و گفتن و به آن روشن و دیگر استعجاب سجد بر آن است، که وارد شده به سند معتبر از مسوایه بن عمار که حضرت صادق رحمته الله غسله داشتند از دیبای رود که در آن تربت حضرت امام حسین رحمته الله بود و چون وقت نماز می شد آن را بر سجاده می ریختند و بر آن سجد می کردند و می فرمودند که: «سجده بر تربت آن حضرت هفت سجده را می درود یعنی باعث قبولی نماز می شود که به

آسمان ها بالا می‌رود و احدیت دو فضیلت مسجد بر تربت آن حضرت بسیار است و دیگر آن که تسبیح از تربت آن حضرت ساخته و به آن تسبیح و ذکر کردن و در دست داشتن آن فضیلت عظیم دارد و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده که: «باید مؤمن خالی نباشد از پنج چیز؛ مسواک و شانه و سجاده و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی».

و در روایت دیگر فرمودند که: «شبهه ما منطی نیستند از چهار چیز... تا آن که فرمود: دو تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام که در آن سی و سه دانه باشد که هرگاه آن را بگردانند و ذکر خدا بکنند به هر دانه برای او چهل حسنه نوشته می‌شود و اگر بدون ذکر آن را بگردانند به هر دانه بیست حسنه نوشته شده».

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: «هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ یا هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه و معجز کند از او شش هزار سیئه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بخیرد از برای او شش هزار شفاعت و وارده شده که حوریان بهشت چون یکی در ملایکه را ببینند که از برای کاری به زمین می‌آید از او التماس می‌کنند که تسبیح و تربت قبر حسین علیه السلام از برای ما هدیه بیاورد».

و بالجمعه، نصیبت و غواهد تربت مقدسه آن حضرت از حد زیاده است و احترام آن از ضروریات دین شیمه است و مشهور میان علما آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست؛ مگر خاک قبر امام حسین علیه السلام آن هم به قصد شفا به مقدار نفوذی و انحوط به قدر حدسی و انحوط آن که تربت را از مواضع نزدیک به قبر برداشته باشند و یا دعاها و از آداب های مقوله برداشته باشند و در وقت خوردن به آداب و ادبیه مأثوره بخورند و در روایت مشهر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بخورد به از برای طلب شفا چنان است که گوشت ما را خورده است پس اگر کسی محتاج شود بخوردن آن را برای شفا بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةُ الْمُبَارَكَةُ الطَّاهِرَةُ وَرَبِّ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ وَرَبِّ الْجَنَّةِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ كُنَّا وَكُنْهُ وَاجْعَلْ كُنَّا وَكُنْهُ دَرْدَ خُودِ رَأْنَام

بیرد و فرمود که: «بعد از آن جرعه‌ای از آب بخور و بگو: اللَّهُمَّ اجْزِلْهُ رِزْقاً وَابْسِغْهُ
وَعِلْماً نابغاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَشَقِمْ اگر چنین کسی خداوند می‌کند بچه می‌باید
در خود از بیماری و هم در روایت دیگر فرمود که: هرگاه تربت را بخوری یا به کسی بخوری
بگو بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْزِلْهُ رِزْقاً وَابْسِغْهُ وَعِلْماً نابغاً وَشِفَاءً مِنْ
كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

و آداب و نفعات تربت شریف بسیار است و این مختصر را گنجایش بیش از این نیست و الله
الموفق

فصل چهارم

در آداب زیارت آن حضرت است

بدان که ما در اول این کتاب آداب عمومی زیارات آنکه علیه السلام را ذکر کردیم و لکن چگونگی در
مخصوص زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مر آدابی مخصوصه ذکر شده لهذا این فصل را از برای
آن قرار دادیم و آن آداب از ذکر چند حدیث معتبر ظاهر می‌گردد، شیخ صدوق رحمه الله در کتاب
الاصحاح و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب و ابی فولیه رحمه الله در کمال التزاوره به سند معتبر روایت کرده‌اند
از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند: «چون به زیارت امام حسین علیه السلام بروی، زیارت کن آن حضرت
را محزون و شگین و زویده مو و شباز آلوده و گرسنه و تشنه که آن حضرت با این احوال شهید
شده است، و حاجات خود را طلب نما و برگرد و آن را وطن خود قرار ده»

و در کمال التزاوره به سند معتبر منقول است که حضرت امام صادق علیه السلام به مختل بی عمر فرمود
که: «زیارت کن امام حسین را بهتر از آن است که زیارت نکنی و زیارت نکنی بهتر از آن است
که زیارت کنی» مختل عرض کرد که: کمر مرا شکستی؟ فرمود که: حواله اگر یکی از شما به
زیارت پدر خود رود شگینی و محزون می‌رود و لکن به زیارت آن حضرت که می‌رود سفرها
با خود برمی‌دارد، چنان نیست، بلکه باید زویده مو و گره آلوده بروید و در خبری دیگر داری
برسید که چه چیز بخوریم؟ فرمود: نان یا لبن یا عسل یا سرکه و سرکه از سفرها یکی
سفرهایی که در آن طعام‌های لذیذ و برپانی و طویلات باشد، نه حلق سفره

و در کمال التزاوره مروری است از معتدل بن مسلم که گفت: عرض کردم خدمت حضرت امام

مستند باقر علیه السلام که: چون ما به زیارت پدرت حسین بن علی علیه السلام می‌رویم، آیا نه چنان است که ما در حبیبیه؟ فرمود: «آری». گفتیم: پس بر ما لازم است آنچه بر حاجیان لازم است؟ فرمود که: «بر تو لازم است که نیکو مصاحبت پسرایی یا هر که رفق دوست و بر تو لازم است که کم سخن بگویی مگر سخن خیر، و لازم است بر تو که یاد خدا بسیار کنی، و لازم است که جامه‌هایت پاکیزه باشد، و لازم است که غسل کنی پیش از آن که داخل حائض شوی، و لازم است که با مشغول و رقت باشی، و نماز بسیار کنی، و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار بفرستی، و باید که خود را نگاه داری از چیزهایی که تو را مزبور نیست، و باید که دهقه خود را از حرام و شبهه بپوشانی، و احسان به برادران مؤمن و یرشان خود کنی، و اگر کسی را ببینی که خرجی اش تمام شده او را دستگیری کنی، و خرجی خود را در میان خود و ایشان برابر قسمت کنی، و لازم است بر تو تقیه که قوام دین به آن است، و پرهیزکاری از چیزهایی که خدا از آن‌ها نهی کرده، و ترک کنی خصومت، و بسیار قسم خوردن، و مجادله و منازعه کردن را، پس چون چنین کنی تمام می‌شود ثواب حج و عمره از برای تو، و مستوجب می‌شوی از جانب آن کسی که طلب ثواب او کرده‌ای به مال خرج کردن، و از اهل خود دور افتادن، آن‌که برگردی به آمدن گناهان و رحمت و خوشنودی خدا».

و نیز در آن کتاب شریف مبدأ از اُمی القلانت منقول است که گفت: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که: «هر که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بیاید برود حق تعالی بنویسد از برای او به عدد هر گامی هزار حسنه، و محو کند از او هزار گناه، و بلند کند از برای او در بهشت هزار درجه». پس فرمود: «چون به خط طراوت برسی غسل کن، و پاهای خود را بپوش کن، و نعل‌های خود را در دست بگیر، و رامرو مانند راه رفتن بنده ظلیل، پس چون به در حائض برسی چهار مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، پس اندکی راه برو پس چهار مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ، پس برو به نزد سر مقدس آن حضرت و بپشت و چهار مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ بگو، و نماز کن نزد آن حضرت و از خدا حاجات خود را بطلب».

و در روایتی وارد است که: «چون خواهی به زیارت آن حضرت بروی غسل کن و بوی خوش بکن و روغن بر خود مال و سرمد مشک تا برسی به نزد قبر»
مؤلف گوید که: تمام این حدیث با بعضی چیزهایی که مناسب این مقام است در فصل آداب زیارت ائمه علیهم السلام (صفحه ۲۳) به شرح رفته به آن جا رجوع شود.

فصل پنجم

در زیارات مطلقه حضرت سید الشهدا علیه السلام که در هر وقت می توان خواند

مخفی و پوشیده نماند که آنچه مأثور است از زیارات حضرت امام حسین علیه السلام و زیارات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و همچنین ادعیه و تلوای که وارد شده در تطیب نمازها و ادعیه پامداد و پسون و اتصال روز هرغه و شبهای قدر و دعاهای وقت خواب و غیرها زیاد بر اوقات خود هستند، و وقت را گنجایش امتثال او دیگر تمام آن ها نیست. و اگر گنجایش داشته باشد هشت ها از آن کمتر است، و اگر هشت هم باشد غالباً کارهای اہم متعلق به نظم امور معاش و معاد در پیش است که با ابتدای به آن ها مغللاً و شرحاً بتوان اوقات را در آن ادعیه و اتصال و زیارات صرف نمود. پس مؤمن (مؤمن) و اهل عقل و شعراً بتوان اوقات را در آن ادعیه و اتصال و زیارات صرف نمود. پس مؤمن (مؤمن) و اهل عقل و شعراً بتوان اوقات را در آن ادعیه و اتصال و زیارات صرف نمود. پس مؤمن (مؤمن) و اهل عقل و شعراً بتوان اوقات را در آن ادعیه و اتصال و زیارات صرف نمود. پس مؤمن (مؤمن) و اهل عقل و شعراً بتوان اوقات را در آن ادعیه و اتصال و زیارات صرف نمود.

این امر چند طریق است:
یکی ملاحظه سند آن پس آنچه صحیح و اتم است آن را اختیار کند چنانچه مختار علامه مجلسی علیه السلام است.

دیگر آنچه از [ظاهر و] لغوی کلمات سید این طاووس علیه السلام ظاهر می شود که آنچه در پیش افتاد که آن را بکند یا بخواند همان را اختیار نماید و این طریق منحصر به امتثال خود آن سید معظم جلیل است که نفس شریفش را از خاشاک هوا و هوس پاک نموده و مجاری شیطانی را از قلب خود مسدود گردانیده پس آنچه به قلب او افتاد شود آگاهی الهی است و ما بین ما و او بُعد شرفی نیست.

او نمی خاند به ما گرچه و ما است ما همه وشم احمد گویا است

دیگر آنچه ظاهر می شود از غیر شریفی که شیخ طبرسی علیه السلام از حضرت صادق علیه السلام روایت نموده که حاصل آن آن است که: هتوست قلام کسی از دنیا بیرون رود و ادبی در آداب رسول خدا صلی الله علیه و آله مانده که او نکرده باشد.

پس آنچه را که فرموده باید عمل به آن شود اگرچه در حقت عمر یک مرتبه آن را به جای آورد و سالک این طریق باید آن آداب و اتصال را تقسیم نماید در موارد خود و در هر وقت به قدر مسور سهمی از آن را به جای آورد تا در تمام عمر به بعض تمام آن ها رسیده باشد و این را بر سخت و متشره بلکه برای حجاج و خیلی از زائرین غیر میسر است.

طریق اختیار کردن زیارت و ادعیه

دیگر آنکه به حسب اختلاف مقاصد و حاجات اختیار کند آنچه را که برای آن مقصد معین بوده باشد و این رده نیز برای عموم مردم، خالی از خصوصیت نیست علاوه بر آنکه در اعمالی که شرحی برای جز او خواص آن نشده و در اشغال زیارات و ادعیه عرصه و غیره راه اختیار مسدود است.

دیگر آنچه ظاهر می شود از طریق و سیره غالب علما و محدثین آنکه اختیار کنند از بی آنها آنچه را که مسطور است در کتاب شریف کفای و فقه و تهذیب در عداد این سه کتاب. کتاب اشعبار شیخ نیز شمرده می شود و لکن چون تهذیب از آن مضمی و باب مزبور که ما بمن فیه است در آن وجود نداشته، او را دیگر نکرده ایم چه آنکه این کتب همیشه ملاد و مرجع کافه علما در احکام دینیه و مسائل فروعیه و غیرها بوده و انتساب آنها به صاحبانش معلوم و تشخیص همیشه متشدد و از غلط و مغلط محفوظ و محل نظر و مقایسه و تصحیح و مرجع درس و تدریس و حدیث و شرح کثیری از علما و محدثین و فقهایی را شده بود به خلاف سایر کتب احادیث، بی در مقام دورانی امر، میان آنکه به جای آورد عملی را که در یکی از این سه کتاب، یا در دو، یا در هر سه آن موجود باشد و [انجام دانی] عملی که در غیر آنها باشد موافق طریقه فقه و مذاق محدثین و اعظام، باید ازل را اختیار کند و اگر ن عمل در هر سه کتاب موجود باشد، البته معنی و طرف مقابلش را قابلیت مقایسه و طرف بودن نیست.

پس در تمهید این مقدمه گوئیم چون زائر خواهد زیارت کند قبر شریف حضرت سید الشهدا ارواحنا له الفداء را و خواست که اختیار کند زیارتی از همه آن زیارات وارده که فریب به سی زیارت می شود، اختیار کند آن زیارتی را که به روایت معتبر در این سه کتاب نقل شده و آن منحصر است در یک زیارت شریفه که مستاز است از سایر زیارات به جهاتی چند:

یکی آنکه ذکر شد که متابع تلامذ به علاوه آنکه دیگران چون جعفر بن محمد بن فویزه و غیره نیز او را نقل نموده اند.

دیگر آنکه آداب مشکل، که غالباً [به] خصوص در اوقات لزوم و کثرت زائری از عهدان شرعیان پیروی آمد، علاوه بر آنکه نه بسیار متعسر است و نه محظور.

و دیگر آنکه مضمتن مضایع عالی است که در غیر آن یافت نمی شود، چنانچه بر اهلیش مدخلی نیست.

و دیگر شهادت شیخ صدوق است در کتاب من لا یحضره الفقه بر آن، که این زیارت اصح زیارات است، علاوه بر آن شهادتی که در لؤل کتاب بر صحت تمام اشعار موجوده در آن داده چنانچه فرموده: و اختوت هذه لهذا الكتاب لأنها أصحّ الزیارات عسلی من طریق الروایة و فیها بلاغ و کفایة و این زیارت با این مناقب شریکه و لغت جسته بهجور و بسیار کم خوانده می شود و این جهتش آن است که شیخ مرحوم در محله انزالش به آن اشاره فرموده، چنانکه بعد از این مطالب که ذکر شد گفته: اما چهل عوام کالاتمام را که مدخل خود بصیرتی دارند و نه از بصیری پرستی کنند، شیطان از بعضی غالب زیارات مأثور و نواب الفاظ مرویه محروم کرده، زیارت یافته آخوند بی خبره یا روضه مقبول بی سوادگی که اسم آن را زیارت مفسده گذشته به دست ایشان داده به همان مشغول و مشغوف و از آب زلال گوارا به سرایی قانع و در طلای احمر بی غشی به معالی راضی از آن چقال بی سواد کسی نبرسیده که در تمام زیارات مأثور از ائمه ظاهرین چنانچه هرگز کسی از خولعرا و دختران محکومات آن حضرت برده شده، و ملاستی هم ندارد سبب این فضولی چه بود؟ کسی نبرسیده که این «عائنه» یا «عائنه» و «صفت» بیاورد، دختر کی؟ خواهر کی؟ زب کی؟ در کدام کتاب مذکورند؟ به چه مناسبت سلام بر ایشان کرده؟ و حکما و الحق این زیارت و آن دعای یافته عارف شی الهی باغش صافند... الخ. بعد از آن، چون جمع شود مقصد شیطان، که محروم نمودن روزگار از بعضی این حرم مظهر و قله ساینه است، به دست آمده، و بر بعضی عوام چون حقیقت حال منکشف شده، عذر آورده که در پس زیارت بعضی فقرات چانسور و کلمات آتش فروز است که مناسب حال روزگار و سبب تکثر قلب و گریستن در این بیت الاحرار است. که غایت امل و آرزوی ایشان است و این طریقه یا آن کار بیا، در یک قطار است، زیرا که برای چنین اشخاصی که راضی تفکر مصائب آن حضرت و گریستن در آن حرم بفریاد نیز دستور فصل دادند و زیارت مشجعه بیکه، که بهر از شنیدن خواندن چنین روضه طویان است مقرر داشتند.

توضیح این اجمال آن که یکی از زیارات روز عاشورا زیارتی است که در ناحیه مقدمه رسیده و مشتمل است بر بسیاری از مصائب آن حضرت که آن آخوند چقال جسته ای از فقرات زیارت محبسه یافته خود را در آن درجیده [است] و چون به حسب روایت محقق روز عاشورا است روز غالباً از قرض خواندن آن محرومند.

بیان مآثور بودن زیارت طویله

که علامه مجلسی آن را به سند مرتضی نسبت داده است

و سید جلیل علی بن طاووس رحمته در صحاح القزقر نقل کرده و زیارت مطلقه زیارتی نقل کرده، که مشتمل است بر تمام ظرف آن زیارت و لکن با این دخول مبسوطی که در آن نیز اشاره به جمعی از مصائب شده، و تقسیم کردن آن که بعضی در پیش رو و بعضی در پشت سر و پایی یا باید خواند، و سید فرموده که این زیارتی است که سید مرتضی به آن زیارت (همین) کرده، علامه مجلسی رحمته در چهار این زیارت را از صحاح القزقر نقل کرده و در آخر آن فرموده: مطلق آن است که این زیارت از مؤلفات سید مرتضی باشد، که از فقرات ناحیه مقدمه آن را ترکیب نموده و چیزی بر آن افزوده [است] و از این جهت این زیارت را در کتاب تحفه نقل نکرده، و غالب هوام را که جزء آداب و سنتی که در کتب آن مرحوم نیست، به کتاب و کلمه دیگران اخصایی ندارند. از بعضی آن زیارت محروم کردند. و در مزار قدیم همین زیارت را نقل کرده و در اول آن فرموده: زیارة اُمّی تخلفن بالعسین صلوات الله علیه، و هي مرویة بأسانید. و هي أوّل زیارة زار بها المرتضی عزم الهدی رضوان الله علیه. فإذا بلغت المقتل... الخ.

حاصل ترجمه: این زیارت به چند سند روایت شده و این اول زیارتی است که به آن زیارت کرده علم الهدی سید مرتضی. پس معلوم شد که این زیارت شیخه مرویة و مشهور (را) در هر وقت می شود خواند، و ظن آن مرحوم بی اصل، بلکه یا طریقه سید مرتضی ابتداً مناسبی ندارد، به غیر حال نسمة آن زیارت بسیار [است] و حرکت و لفظ به ذکر مصائب و سوختن دل و گریستن بر آن محضرت است به راستی آن را بخواند، و غرض از این کلمات اشام حُجّت و رفع غُدر و دلالت بر خیر است که از حقوق لازمة اخوان مؤمنین است، که بابت از عهد آن درآمد با ظن به بی تمیزی و نتیجه نداشتن آن و دست مکتوبین هوام و جهال از خواندن آن زیارت مجبورند، و گفتن بعضی اکادیم در آن محضر عظیم الشان.

و انا سرع داناها را غالباً از زیارت ولادت و زیارت امی الله یا جامنة صغیره نگرفتند، اگر موافق به خواندن زیارت عاشورا تشنگ و الحمد لله که ظاهر و مکتوب شد تقدیم این زیارت بر همه آن ها و غیر آن ها است.

زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام

پس شیخ مرحوم رحمته الله زیارت مذکور را از کافی نقل کرده و به حسن زیارت در کتاب صحة الزائر اکثاف نموده و ما نیز به جهت ملاحظه اختصار به ذکر آن زیارت و زیارت وراثت اکتفا می نماییم و چون در نسخ آن زیارت که در کافی و تهذیب و کمال آمده است [اختلاف است] ما بر آن زیارت را در نسخه ثقة الاسلام شیخ کلیبی نقل کنیم.

در کافی شریف به سند خود روایت کرده از حسین بن ثور که گفت: من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمة سراج مقدمه بودیم نزد حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام و سخنگو در میان ما یونس بود که گفت: از همه ما بزرگتر بود، پس به حضرت عرض کرد: فدایت شوم، من حاضر می شوم در مجلس این قوم - یعنی اولاد عباس - پس چه بگویم؟ فرمود: هرگاه حاضر شدی و ما را بیاد آوردی پس بگو: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا الرِّخَاءَ وَالسُّرُوءَ** که آنچه می خواهم پس از تو است یا رجوع در رجعت، خولعی یافته گفت: گفتیم: فدایت شوم من بسیار می شود که امام حسین علیه السلام را یاد می کنم، پس در آن وقت چه بگویم؟ فرمود که: **عَدَّ مَرَّتَهُ بِكَو، صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ** یا آه حبه الله که سلام می رسد به آن حضرت از نزد یک و دوره، پس حضرت فرمود: **الْإِمَانِي** که حضرت ابوعبد الله الحسین علیه السلام شهید شد، گریه کرده بر آن حضرت آسمانهای هفتگانه و هفت زمین و آنچه در آنها و آنچه در مابین آنها است، و هر که در پشت و در آتش است از مخلوق پروردگار ما، و آنچه دیده می شود و آنچه دیده نمی شود همه گریستند بر ابی عبد الله الحسین علیه السلام مگر سه چیز که گریه نکرد بر آن حضرت: گفتیم: فدایت شوم، ان سه چیز کدام است؟ فرمود: نگریست بر آن حضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان، گفتیم: فدایت شو شوم من می خواهم به زیارت آن حضرت بروم، پس چه بگویم و چه بکنم؟ فرمود: **«چون به زیارت آن حضرت روی، پس غسل کن در کنار فرات پس بپوش جامه های پاک خود را»** پس به پای برهنه روانه شو، پس به درستی که تو در حریم های خدا و حرم رسول خدا هستی، و بسیار بگو در وقت رختن: **«اللَّهُ أَكْبَرُ»** و **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»** و **«سُبْحَانَ اللَّهِ»** و هر ذکری که مطلق تمجید و تعظیم حق تعالی باشد و صلوات بسیار فرست بر محمد و اهل بیت او، تا آن که برسی به در حائر، پس بگو: **السلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنِ حُجَّتِهِ، السَّلامُ عَلَيْكُمْ**

یا ملائکة الله قدوات قیوم ابن نبی الله. پس ده گام بردار پس بایست و می مرده
بگو الله اکبر پس برو به جانب قبر از پیش رو و مقلید کن دوی خود را یا دوی آن حضرت و
قرار بده قبله را ما بین دو کتف خود - یعنی پشت به قبله باش - پس بگو

السلام علیک یا حجة الله وابن حجتیه. السلام علیک یا قلیل الله وابن
قلیه. السلام علیک یا ثار الله وابن ثاریه. السلام علیک یا وثر الله
الموتور فی السماوات والأرض. أشهد أن تمک شکر فی الخلد وأفسحت
له أنملة العرش. وبکن له جمیع الخلائق. وبکنت له السماوات السبع
والأرضون السبع وما فیهن وما یستقرون. ومن یستقلب فی النجم والنار من
خلق ربنا. وما یرى وما لا یرى. أشهد أنك حجة الله وابن حجتیه.
وأشهد أنك قلیل الله وابن قلیه. وأشهد أنك ثار الله وابن ثاریه.
وأشهد أنك وثر الله الموتور فی السماوات والأرض. وأشهد أنك قد بلغت
وخلصت ووفیت وأوفیت. وجاهدت فی سبیل الله. وحضیت بلدی
كنت علیه شهیداً ومنشغداً وشاهداً ومشهوداً. أنا عبد الله ومولاه وفي
طاعتك والوفاء إليك. أفتوس كمال المنزلة عند الله وثبات القدم فی
الهیجة إليك. والسبیل الذي لا یخلف خوفك من الدحول فی کفایتك التي
أمرت بها. من أراد الله بدأ بکم. بکم یبیین الله الکبیر. وبکم یباعد الله
الزمان الکلیب. وبکم فتح الله. وبکم یختم الله. وبکم یحقق ما
یشاء. وبکم یثبت. وبکم یضک الذل من وقایم. وبکم ینزل الله یزاة کل
مؤمن یطلب بها. وبکم تثبت الأرض تشجارها. وبکم تخرج الأرض

۱. فی الأرض خ

۲. وفی قوله خ

۳. یحقق الله خ

تبارها^(۱) . وَبِكُمْ تَنْزِيلُ السَّمَاءِ قَطْرَهَا وَرِزْقُهَا . وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَوْبَ .
 وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللَّهُ الْغَيْثَ . وَبِكُمْ تُسَبِّحُ^(۲) الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَسَدَانَكُمْ
 وَتُسْتَقَرُّ^(۳) جِبَالُهَا عَلَى غُرَاسِهَا^(۴) . لِوَادَةِ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أَسْرِهِ تَهَيُّطُ
 إِلَيْكُمْ وَتَقْصُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ . وَالْمَنَاجِرُ عَمَّا قُضِيَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادَةِ لُبَّتْ أُمَّةٌ
 قَتَلَتْكُمْ . وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ . وَأُمَّةٌ جَعَلَتْ وَلَا يَتَكُنُّكُمْ . وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ .
 وَأُمَّةٌ سَهَدَتْ وَنَمَّ تَسْتَهْذِفُ^(۵) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَأْوَاهُمْ^(۶) وَبَشَسَ
 وَرْدَ الْوَارِدِينَ . وَبَشَسَ الْوَرْدَ الْمُزَوَّدَ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ . بِسْمِ اللَّهِ
 بِكَرٍّ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ . بِسْمِ اللَّهِ بِكَرٍّ . أَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ خَالَفَكَ
 بَرِيءٌ

بِسْمِ اللَّهِ بِكَرٍّ . بَرِئْتُ أَنْ سَطَرْتُ عَلَى بَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا دُرُودِ بَابِ يَدْرِغِ مَلْعُونِ

اسماء و می گوید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ حُدَيْجَةَ
 وَفَاطِمَةَ^(۷) . بِسْمِ اللَّهِ بِكَرٍّ . صَلَّيْتُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبِكَرٍّ . لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ .
 وَبِكَرٍّ . أَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ قَتَلْتُمْ بَرِيءٌ

بِسْمِ اللَّهِ بِكَرٍّ . بَرِئْتُ أَنْ سَطَرْتُ عَلَى بَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا دُرُودِ بَابِ يَدْرِغِ مَلْعُونِ
 عَلَيْكُمْ . بِسْمِ اللَّهِ بِكَرٍّ . صَلَّيْتُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَبِكَرٍّ . لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ . أَنَا إِلَى اللَّهِ بِمَنْ قَتَلْتُمْ بَرِيءٌ
 عَظِيمًا . بِسْمِ اللَّهِ بِكَرٍّ . بَرِئْتُ أَنْ سَطَرْتُ عَلَى بَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا دُرُودِ بَابِ يَدْرِغِ مَلْعُونِ

۱- اشعار و اخبار ج ۱

۲- تسبیح ج ۱

۳- مستدرک ج ۱

۴- مراتب ج ۱

۵- مناقب ج ۱

۶- حقیقه الکبری و عاظمه الزهراء ج ۱

۷- مؤلف و نقله ج ۱

زیارت تمام می شود پس اگر خواهی آنجا بیان و اگر سوغی برگرد

مؤلف گوید که در این غیر شریف بیانی از این شش رکعت نماز شده و ظاهر آن است که هر شش رکعت نماز زیارت حضرت امیر عبد الله العسی علیه السلام باشد و هیچ ما علامه نوری را گمان آن بود که دو رکعت از این شش رکعت نماز زیارت آن حضرت است و چهار رکعت دیگر در رکعت برای جناب علی بن العسی علیه السلام و دو رکعت دیگرش برای شهداست.

زیارت مطلقه سید الشهداء علیه السلام

و بهارنی است در تعریف که علامه مجلسی علیه السلام آن را زیارت دهم قرار داده و فرموده به سند معتبر منقول است از جابر بن ابی بردا بحضرت صادق علیه السلام فرموده به مفضل بن عمر که دهه مقدار فاصله است میان تو و میان غیر امام حسن علیه السلام گفت: پدرم و مادرم فدای تو باد، یک روز و بعضی از روز دیگر فرمود که ده زیارت آن حضرت می روی آه گفت: بلی، فرمود که و آها بشارت دهم تو را! آها شاد گردانم تو را به ذکر کردن بعضی از ثواب زیارت آن حضرت آه گفت: بلی، فرمود که: چون احدی از شما شروع می کند در سجده و کنار سازی زیارت آن حضرت، تشنه است و شادی می کند به سبب او، اهل آسمان و او را بشارت می دهند، پس چون از در خانه خود بیرون می آید طواف سواره و خواه پیاده مؤکل می گرداند حق تعالی به او چهار هزار ملک از ملائکه که صلوات می فرستند به او تا برسد به قبر آن حضرت، ای مفضل چون بررسی به قبر آن حضرت بر در روضه پایت به این کلمات را بخوان که تو را به هر کلمه ای نصیبی بزرگ از رحمت الهی خواهد بود، پرسید: آن کلمات چیست؟ فرمود که: می گویند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَلَوةُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْحَسَنِ الرِّضِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَارُّ الثَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي خَلَّتْ بِفَضْلِكَ وَأَنَاخَتْ بِرَحْمَتِكَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُخْلِطِينَ بِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقْبَحْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الرُّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَغَبَذْتَ اللَّهُ مُخْلِصاً حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس به سوی قبر روانه می شوی و به هر قدمی که بر می داری یا می گذاری مثل ثواب کسی داری که در حوض خود دست و پا رده باشد در راه خلد پس چون به نزدیک قبر برسی دست بر قبر بمال و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي سَعَادَتِهِ وَأَرْوَاهُ بِسَمَدِي وَ مَتُوجِّهَ نَسَارِ مِي حُوي و به هر رکعت که می کنی مثل ثواب کسی دارد که هزار حج و هزار عمره کرده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار عریه از برای خدا به جهاد بستانده باشد به پشیر مرس، پس چون بر می گردی از نزد قبر آن حضرت صدای تو را خدا می کند که اگر سستی او را بشنوی در جمیع عمر خود نزد قبر آن حضرت بمالی آن صدای می گوید: خوشا حال تو ای بنده، غلبت یافتی و سالم گردانیدی و گناهان گفصت از من بزدی پس از سر گیر عمل را پس اگر در آن سال یا در آن روز یا در آن شب پیروم متوجه قبض روح او نمی شود به غیر او خدا و می آید با او ملائکه و استخار از برای او می کنند و صلوات بر او می فرستند تا به منزل خود برگردد پس ملائکه می گویند: پروردگارا این بنده توست و نزد قبر پسر پیمبرت صلی الله علیه و آله آمد و به منزل خود برگشت پس به کجا بروم ما؟ پس خدا می دست با ایشان از آسمان که ای ملائکه من به در خانه بنده من بایستید و تسبیح و تهنیت را در حساب او بنویسید تا روز مردن او پس پیوسته آن ملائکه در در خانه او هستند و تسبیح و تهنیت خدا می نمایند و تراش را در حساب او می نویسند تا روزی که به دار بقا رحلت نماید پس آن ملائکه به جنازه او حاضر می شوند و در وقت غسل دادن و کفن کردن و ساز کردن بر او حاضر می شوند و می گویند: پروردگارا ما را موکل کرده بودی به در خانه بنده خود و الو قوت شد پس به کجا رویم؟ پس حق تعالی ندا کند ایشان را که ای ملائکه من بایستید نزد قبر بنده من و تسبیح مرا بکنید و ثواب آن را در حسابات او بنویسید تا روز قیامت آید.

زیارت و ارث

معنی نمائند که این زیارت شرحه نیز از زیارات مأثوره معتبره است، و شیخ مهدی آن را در مزار خود ایراد نموده، و شیخ طوسی علیه السلام در کتاب صحیح معتقد در باب زیارات حضرت امام حسین علیه السلام این زیارت را اختیار نموده، و علامه مجلسی علیه السلام این زیارت را از صحیح شیخ نقل کرده، و زیارت دوازدهم بحقه لکڑکر قرار داده و چون سلاطین صحیح در نزد محترم حاضر نیست، از تحفه نقل می‌کنیم زیارت مذکور را، به سند معتبر منقول است از صفوان بختال که گفته رخصت طلبیدم از حضرت صادق علیه السلام از برای زیارت مولایم حسین بن علی علیه السلام و سؤال کردم که تعلیم نماید مرا که چگونه آن حضرت را زیارت کنم؟ فرمود: ای صفوان سه روز روزه بدار یعنی در آن که از خانه ابدان بروی و در روز سوم غسل کن، پس لعل خانه خود را جمع کن نزد خود و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَودِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي، وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْعَائِلَةَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ، وَاحْفَظْ عَلَيْنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي حِرْزِكَ، وَلَا تَسْلُبْنَا بِمَعْنِكَ، وَلَا تُهَيِّزْ بَيْنَنَا مِنْ عَاقِبَتِكَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَخُوذُ بِكَ مِنْ وَغْثِ الشَّقِيهِ، وَمِنْ كَابَةِ الْمُتَقَلِّبِينَ، سُوِيَ الْمُتَطَرِّفِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْعَمَلِ وَالْوَلَدِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَلَاوَةَ الْإِيمَانِ، وَزِدْهُ الْمُتَطَهِّرَةِ، وَأَيُّهَا مِنْ غَذَابِكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَأَيُّهَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَأَيُّهَا مِنْ لَذَّةِكَ رَحْمَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس چون بررسی به ظهر فراموشی شریعت حضرت صادق علیه السلام در کنار ظهر علقی بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَقَعَتْ إِلَيْهِ الرِّجَالُ، وَشَلَّتْ إِلَيْهِ الرِّجَالُ، وَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَأَفْضَلُ مَزُورٍ، وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ رَاغِبٍ كَرَامَةً، وَلِكُلِّ رَاقِبٍ تُخَفَّةً، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِنِّي فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ

قَسَدْتُ وَلِيكَ وَابْنَ نَبِيِّكَ وَصَفِيَّكَ وَابْنَ صَفِيَّكَ وَتَجَبُّكَ وَابْنَ تَجَبُّكَ
وَحَبِيبِكَ وَابْنَ حَبِيبِكَ اللَّهُمَّ فَاشْكُرْ سَخِييَ وَارْحَمْ مَسْجُورِي إِلَيْكَ بِغَيْرِ مَنْ
وَنِي غَلِيكَ بِئْسَ لَكَ الْعَنُ عَلَيَّ إِذْ جَعَلْتَ لِي السَّبِيلَ إِلَى زِيَارَتِهِ
وَعَرَفْتَنِي فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنِي فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ حَتَّى بَلَغْتَنِي هَذَا الْمَكَانَ
اللَّهُمَّ فَذَلِكَ الْحَمْدُ عَلَى تَعْمَاتِكَ كُلَّهَا وَذَلِكَ الشُّكْرُ عَلَى مَنِّكَ كُلِّهَا

پس غسل کن از فرات، به درستی که پدرم مرا از پدرانش خبر داد که رسول خدا ﷺ فرموده
که: تا این پسر من حسی کهفته نخواهد شد بعد از من در کنار شط فرات، پس هر که او را زیارت
کند و از فرات غسل کند گناهان از او ببرد مانند دوری که از مادر متولد شده بوده است، و چون
غسل می کنی در انتای غسل بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهْرًا وَجِزْأً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ
وَأَقْبَلْهُ وَسْطَ عَاقِبَةِ اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ بِهِ
أَمْرِي

و چون از غسل فارغ شوی دو جامه طاهر بپوش و دو رکعت نماز کن در بیرون مشرفه که آن
همان مکان است که حق تعالی در شأن او فرموده که: «وَوَفِّي الْأَرْضِ مَقْبَحَ مُتَجَاوِزَاتِ
وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَدُرِّ وَزَيْجَلٍ صَنْوَلٍ وَغَيْرِ صَنْوَلٍ يُسْقَى بِهَا وَاجِدٍ
وَنُفْلٌ بِنُحْيَا عَلَى بَنِي فِي الْأَكْلِ» پس چون از نماز فارغ شوی، به جانب مدائن
روانه شو یا یاد خدا، و یا تائی گامهای خود را بردار کوتاه، که حق تعالی برای تو به هر گداسی
حبشی و عبری می رسد و در رو با دل خاتم و دهان گریان و بسیار بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ
إِلَّا اللَّهُ و تائیدی خدا و صلوات بر رسول خدا ﷺ و به خصوص صلوات بر حسین علیه السلام و است
کن بر کشندگان او و هزاری جو از آن ها که در اول احساس این ظلم را بر لعل بیت گذاشتند، و چون
برسی به در حائر بایست و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَثِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَسِيلًا الْحَمْدُ

إِلَهُ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ. لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ.

بِسْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْفِرِّ الْمُعْجَلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَتْبَاعِ مِنْ وَلَدِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُخْلِصِينَ بِقَبْرِ الْمُحْسِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بَنِي أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ.

بِسْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. عَبْدُكَ وَابْنُ غَبْرِكَ وَابْنُ أُمِّكَ الْمُقَرَّبُ بِالرَّقَى وَالنَّارِ لِلْعِلَافِ عَلَيْكُمْ وَالْمَوَالِي لَوْلَاكُمْ وَالْمُعَادِي لِعَنُوكُمْ. فَضْلاً حَرَمَكَ وَاسْتَفْجَارَ بِشَهَادَةِ وَتَقَرَّبَ إِلَيْكَ بِقُضُوءٍ. أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ. أَدْخُلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. أَدْخُلْ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ. أَدْخُلْ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. أَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ.

پس اگر دلت خاشع و بهدلت گریان خواه علامت رخصت است پس داخل شو و بگو:
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْقَرِيبِ الصَّمَدِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايِكَ وَخَصَّنِي

بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلْ لِي قَضَاكَ بِسُوءِ رُوحَةٍ مُقَدَّمَةٍ وَمَعَادِي (وَمَوْلَى) بِأَلَايِ سِرِّ
بَابِست و بگو

السلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِذْمَ صَفْوَةُ اللَّهِ. السلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ
اللَّهُ. السلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السلام عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ. السلام عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ
اللَّهُ. السلام عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُطَهَّرِينَ. السلام عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ
الْمُرْتَضَى. السلام عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السلام عَلَيْكَ يَا بَنَ خُدَيْجَةَ
الْكَبْرَى. السلام عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ. وَالْوَثَرَ الْمُتَوَثَّرَ. اَشْهَدُ اَنَّكَ
لَقَدْ اَلَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَاطْلَعْتَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِينُ. فَلَمَّ اللَّهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَقَرَّ اللَّهُ
اُمَّةً ظَلَمَتْكَ. وَلَقَرَّ اللَّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِكَ فَرَجَيْتَ بِهِ. يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا
عَبْدِ اللَّهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ. ثُمَّ
تَجَسَّسْتَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا. وَلَمْ تُبْلِسْكَ مِنْ مَقْلَعَاتِ ثِيَابِهَا. وَأَشْهَدُ اَنَّكَ
مِنْ رِعَائِمِ الدِّينِ وَازْكَائِمِ الْمُؤْمِنِينَ. وَأَشْهَدُ اَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الشَّيْخُ الرَّضِيُّ الرَّكْبِيُّ
الْهَادِي الْمُهْدِي. وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيُّمَةَ مِنْ وَلَدِكَ كِلَعَةُ الشَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى
وَالْعُرُوفَةُ الْوُثْقَى وَالضُّبَّةُ عَلَنُ أَهْلِ الدُّنْيَا. وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ
وَرُسُلُهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي. وَقَلْبِي
إِلَيْكُمْ سَلَمٌ. وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ
وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَرْجَائِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى
ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ

بس خود را به شرح پیسلی و شرح را موس و یگو

بَابِي أَنْتَ وَأَمِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. بَابِي أَنْتَ وَأَمِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. لَقَدْ عَظُمَتِ الزَّيْرَةُ وَجَلَّتِ الْقَصِيْبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَانْجَمَتْ وَتَحَقَّقَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ. يَا مَوْلَانِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ. وَاتَّيْتُ إِلَى مُشْهَدِكَ. أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّيْءِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَذِيهِ. أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ يَخْطُبَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس بر خیر و دو رکعت نماز در بالای سر آن حضرت بگو. و در این دو رکعت هر سوره ای که

خواهی بخوانی و چون فارغ شوی بگو

اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُكَ وَزَكَمْتُكَ وَسَجَدْتُ لَكَ وَخَذَلْتُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالزُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ. لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ. وَارْزُقْهُمْ عَنِّي مِنْهُمْ السَّلَامَ. اللَّهُمَّ قَهَاتَانِ الرَّخْصَتَانِ مَدِيْنَةُ مِنِّي إِلَى مَوْلَانِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَأَجْزَنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَهْلِي وَدَجَانِي فِيكَ وَهِيَ وَلِيكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

پس بر خیز و به نزد یا برو. و نزد علی بن الحسین سلام بیاست و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَسِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْاَحْسَنِ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ وَابْنُ الْمَظْلُومِ وَابْنُ الْمَظْلُومِ.

لَمَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَهُكَ. وَلَمَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتَهُكَ. وَلَمَنَ اللَّهُ أُمَّةً شَوَّعَتْ بِكَ
فَرَجِيئَتَ يَدِ

پس خود را به قبر بپسبان و فریاد و گریه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنِ وَلِيِّهِ. لَقَدْ عَظُمَتِ الزُّبُرَةُ وَجَلَّتِ
النُّصَيْبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ. فَلَمَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتَهُكَ. وَأَبْرَأَ
إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ

پس برادر از جانب پادشاه علی بن العباس علیه السلام به سوی شهدا و متوجه شو به سوی اهلان و بگو
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَجْبَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْغِيَاءَ اللَّهِ
وَأَوْدَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ رَسُولِ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أُمَمِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ طَائِفَةِ
الزُّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ الزَّكِيِّ النَّاصِحِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ. يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمِّي
جِبْتُمْ وَطَائِبَتِ الْأَرْضِ قَتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفُتْنْتُمْ لَوْ رَأَى عَظِيمًا. لَيَالَيْتَنِي كُنْتُ
مَعَكُمْ فَأَقُوزَ مَعَكُمْ

پس برگرد به جانب سر حضرت امام حسین علیه السلام و دعا بسیار بکن از برای خود و از برای پدر و
مادر و اهل و فرزندان و برادران مؤمن خود که در روضه آن حضرت دعای دعا کنند و سوال
سوال کنند رد نی شود و چون خواصی که بیرون آیی خود را به قبر بپسبان و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. سَلَامٌ مُودِعٍ لَا قَالِي وَلَا سَتِيمٍ. فَإِنْ أَفْضَى فَلَا عَن
خِلَالَةٍ. وَإِنْ أَقَمَ فَلَا عَن شَوْءٍ ظَنُّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ. وَلَا جُفْلَةَ اللَّهُ

يَا مَوْلَايَ آخِرَ الْفَقْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ وَذُرْقِي الْغُفَا إِلَى عَشِيدِكَ وَالْمَقَامِ فِي حَرَمِكَ وَآيَاتِهِ أَشَآءُ أَنْ يُشْفِعَنِي بِكَ وَيَلْجِئَنِي مِنْ وَفْدِكَ وَتَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ پس برخیز و از روضه بیرون رو و پشت را به جانب کبر مکن و بسیار بگو اَللّهُمَّ اِنَّا بِهَذَا رَاغِبُونَ تا پنهان شوی از قهر

پس فرمود که: هر که آن حضرت را به این نحو زیارت کند حق تعالی او به هر گامی صد هزار حسنه بخشد، و محو کند از او صد هزار گناه و بلند کند از برای او صد هزار درجه، و بر آورد از برای او صد هزار حاجت که آسان ترین آن‌ها آن باشد که او را از آتش جهنم دور گرداند، و چنان باشد که با حضرت امام حسن علیه السلام شهادت شده باشد تا شریک شود با شهدای کربلا در درجات ایشان.

مؤلف گوید که: نهر عطسی در این زمان منطوق شده [وازی از آن محالده] و در عقب نهر حضرت عباس علیه السلام برده است، و ترویج حضرت صادق علیه السلام ظاهر آن [مکان و] موضع می باشد که اکنون مشهور است به مقام آن حضرت و در آن موضع حمامی ساخته اند، اگر ممکن باشد از آن جانب از نهرهایی که از فرات منقصب می شود غسل کند و در آن مقام نماز کند و متوجه زیارت شود بهتر است، و اگر از سایر نهرها که از فرات جدا می شود از هر جانب که باشد غسل کند خوب است، تمام شد کلام علامه مجلسی.

مؤلف گوید که: در این جا لازم است بر چند امر [تذکر و] تنبيه کنیم:

اول: آن که غالب عوام و اعیان آن است که عبور شهدا - دخولن الله عنهم - در پشت آن عبا که^(۱) عریای است که در پای پای حضرت علی بن الحسن علیه السلام در سمت قطعه به دیوار منصوب است، و لهذا شهدا را در آن موضع زیارت می کنند و این خطای محض است، بلکه شهدا تمام در پای پای حضرت سید الشهداء و علی بن الحسن علیه السلام مدفون اند و علوم نیست که غیر از جناب ابی الفضل علیه السلام سایر شهدا هر یک در کدام موضع دفن شده اند؟ مگر آن که این مطلب حق و معلوم است که حایر شریف محیط است بر آن‌ها شیخ مفید علیه السلام در کتبش فرموده آنچه حاصدش این است که حضرت علی بن الحسن علیه السلام را در نزد پای بطروش دفن کردند و گودالی کنده برای شهدا

از اهل بیت و اصحابی از طرف یاعای آن حضرت و همه را جمع کرده و دفن نمودند بنابراین سرور است از برای زائرانی که می خواهند شهدا را زیارت کنند آن که در طرف پای مبارک عتی بن الحسن علیه السلام رو به قبله بایستد و به شهدا اشاره کند و ایشان را زیارت کند تا آنکه در محدود احاطت و لنگر رحمت به قبور شهدا علیهم السلام واقع شود و از این بیاد بر علوم شد که طواف کردن در آن حرم شریف به سبب این محدود رجحان لغزور بلکه از کشتن احوط است و اما آنچه ظاهر می شود از بعض اخبار زیارت سید الشهداء علیه السلام از امر کردن به گردیدن دور ضریح و بوسیدن آن از چهار جانب پس آن بر زبان سابق محمول است که برای غیر مظهر آن حضرت و غیر عتی بن الحسن شتاک می بوده بلکه به کویکی بوده که دو پسر اخبار قیور از آن مروده اند به سقیفه و برای سایر شهدا نیز سقیفه ای بوده علی حد و چون از زیارت آن حضرت فارغ می شدند از آن سقیفه بیرون می آمدند، آنگاه داخل می شدند در سقیفه شهدا چنانچه ظاهر می شود این مطلب نیز از عبارت زیارت مخصوصه مرده که بعد از زیارت عتی بن الحسن علیه السلام فرموده اند ثُمَّ اخْرُجْ مِنْ الْبَابِ الَّذِي جِئْتَ بِهِ إِلَى سَيِّدِ الشَّهِدَاءِ وَاعْلَمْ أَنَّ الشَّهِدَاءَ وَرُؤُسَهُمْ جَمْعِيٌّ بِسِوَاكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ بَابِ الْفَارُخِ كُنْدِي مِنْ زِيَارَةِ حَضْرَةِ سَيِّدِ الشَّهِدَاءِ وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام از دری که در نزد پای عتی بن الحسن است بیرون رود پس متوجه شهدا شو در آن جا و زیارت کن ایشان را و چون غیر مظهر در آن وقت معلوم وجدای بود و حد قیور آن ها بر معلوم بوده پس دو گردیدن به دور قبر آن حضرت محدودی بوده به خلاف این زمان که آن بنا به هم طوره و شتاک می به این عظمت بر دور قبر آن حضرت و غیر عتی بن الحسن علیه السلام احاطه کرده و آن سر او را بسته شده و دیگر جایی برای امتثال آن امر نباشد و خوف احاطت و استغلاف به قبور شهدا حاصل گردد.

نوعاً آن که در این زیارت مختصره و اربت آخر زیارت شهدا همان است که مذکور شد پس آنچه در مابین عوام متعارف شده که بعد از زیارت شهدا به آواز بلند در هر شب و روز در حضور مرقده مظهر حضرت سید الشهداء علیه السلام که محضر انبیا و مرسلین و مطاف ملائکه مقربین است می خوانند السلام علی انبیائکم و علی آئوئکم و علی من کان فی الخائیر منکم و علی من لم یکن فی الخائیر منکم خصوصاً سید بنی و مولای ابوالفضل العباس ابن امیر المؤمنین و قاسم بن الحسن و عثمان بن عقیل

وَعَالِي بْنِ عُرْفَةَ وَحَبِيبَ بْنِ مَظَاهِرٍ وَالْحُرَّ الشَّهِيدَ الرِّضَا حَيْهَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شَافِعِيَّ وَغَوَالِيَّ جَمِيعاً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَفَرَكَاتُهُ تَمَامُ بِي بِي مَأْخُذُ
است، بلکه به ظاهر بی متعین چند دروغ واضح است علاوه بر جرات افزودن بر فرموده
تمام و این ناشی است از عدم مراجعه به کتب علماء با آنکه به حمد الله تعالی کتب مزایه علماء
از عربی و فارسی موجود است، که با بودی آنها سزاوار نیست و بهر حال به مجموعه‌های عوام که
دارای تسمیه (و تشخیص) نیستند و هر باطل و صحیحی را ضبط می‌نمایند و از مفاسد آن خبر
ندارند.

و شیخ مرحوم «طالب‌نامه» در کتاب لؤلؤ و مرجان در طریق و تشیع مشی این افراد سریده و
کسانی که آن را در مجموعه خود بویستند و آن را در زیارت بخوانند کلام طویلی دارد که مقام
مجال ذکر آن نیست.

سوم، آنکه ظاهر آن است که حضرت علی بن الحسین مشهور به علی اکبر از حضرت سید
سجاد علی در سن بزرگتر بوده، چنانچه جمعی از آریاب سر و تاریخ ذکر نموده‌اند و این ادیس
و کلمی و شهید اول نیز اظهار آن نموده‌اند، و لکن شیخ مفید و شیخ محمد بن الحسن القاسمی
صاحب تاریخ قم و برخی دیگر گفته‌اند که حضرت امام بن علی بن ابی طالب اکبر سناً بوده، و این
ادیس در سرائر کلامی بی نظر و لطیف در این مقام لیون نموده ذکر آن مناسب است در باب
زیارات بعد از ذکر جملهای از آداب زیارت گفته، آنچه حاصلش این است که (از همین که زیارت
کند حضرت بی عهد الله الحسین علی را زیارت کند بعد از آن فرزند آن حضرت علی اکبر را، و
مادر او یعنی بنت ابی مرثد بن مسعود القاسمی است، و از آل ابی طالب نخستین کسی که در
یوم الحلف به سعادت شهادت میافزودت هست آن جناب بود، نوگشت در عهد مبارک عثمان افتاد، از
جمله بزرگوارش امیر المؤمنین علی روایت کرده خداوند دل سخن در ستایش وی بشمار آید و
بر ماخته‌اند ابو عبیده و خلف الاسمر گفته‌اند که این آیات شعیب در مدیحه آن جناب است. آیات
مذکوره این است:

لَمْ يَرْحَمْنِي سَطْرٌ مَلْفٌ	بِسْمِ شَيْخِي يَشْتِي وَلَا مَجْنُ
يَعْلَى سَيِّدِي الْأَحْمَرِ حَشِي أَفَا	أَنْطَحِ لَمْ يَحْمِلْ عَلَى الْأَكْبَرِ
كَمَا إِنْ شَبَّتَ لَأَسَاؤُهُ	يُسَوِّقُهَا بِالسُّفْرِ الْكَامِلِ
كَيْفَا يَرَاهَا بَايَسَ شَرِيفٍ	أَوْ قَرَّ عَجْرِي لَيْسَ بِأَلَايِلِ

أُعْتُيَ ابْنُ لَيْلَى G الشَّيْءُ وَالْجَدَى

لَقَدْ بَشَّرَ الْحَسْبُ الْعَاقِلَ

لا يُزِيرُ الدُّنْيَا غُلَى دِينِهِ

وَلَا يَمِيعُ الْفَتْقُ بِمَا بَاطِلٌ

حاصل معنی این اشعار و تفسیر آن که: همانا در تمام جهانها هیچ دیدهای مانند وی ندیده، بر اطفال مساکین و اکرام واردین چندین حرصی و توقع است که پیوسته انواع نعمات^{۱۱} و اطعمه با قیمتی گزاف و بهایی گران بخورد و در بازار مردی و مصروف میرانی بپسندد و با به کار برده و همواره بر عادت اشراف به سر بجهت عجب ناز قری^{۱۲} بیفزورد تا مردم بیارزند از هر طرف به آستان وی بشتابند و بر بخوان تسبیح گرد آیند، و آن معذوق عظیم الشان، هرگز لیبی باشد که خود بخوارم جوید، عطا و دست پرور در آینه حسب و عزت است، هیچ گاه دین بر دنیا نگزیند و حق بر باطل نفروشد علیه و علی نه الملام...

پس از نقل اشعار گفته شد: **کتاب الزیاده** در کتاب **الاصول** که **علی بن الحسن** المقتول، همی اصخر است، که هرود گفته بوده است و **علی اکبر**، حضرت امام زین العابدین علیه السلام باشد، که از شاه رمان دختر یزدگرد کسری پدید آمده، ولی در این باب کلام صاحبان خبرت و اهل صاحت که متنبیس و اصحاب سیر و مؤرخین و از باب اخبار باشند بر عقیدت فقیه مقدم است. و در این بنگار و بلاذری و مرئی و صری و ابن کثیر و ابن ابی الاثر و ابو الفرج و ابن جریر طبری و ابو حنیبله دیلمی و جامع کتاب **الفرج و السراقة** و مصنف کتاب **الانصار** و ابو علی بن همام، همگی به اسان واحد اتفاق کرده اند که **علی بن الحسن اکبر** همان است که در کتاب **پند و نصیحت** شهادت رسیده است.

و چون ظاهر گفت که حضرت علی اکبر از حضرت سجاد(ع) بیرون می‌روید پس سر
شرفش از حجه ریزه برآمد بلکه قریب به پست و پنج سال عمر فرموده چنانچه از بعضی نقل
شده و تأیید می‌کند این مدعی را آنچه این شریک و دیگران فرمودند که حضرت سجاد(ع)
روز طلب پست و سه سال داشت و از عمر شریف حضرت یاقوت(ع) در آن حال سه سال و چند
ماه گذشته بود و بهر این پس آنچه را که بعضی از ذاکرین در مصیبت حضرت علی اکبر می‌خوانند
در ضمن نظم و ترکه بشر است بر آن که آن حضرت فدا شده از دنیا رقت کلامی است بی

۶ گروہی: ۱۰۰

۲. نذر القری: آتشی است که برخی جاهلین آن را هنگام غروب آفتاب در حاشیه شهر می‌افروزند تا عساکری در راه مانده یا دزدان آن خود را به شهر برسانند معمولاً کسی که بسیار سخاوتمند مرد خانه جزء را در حاشیه شهر می‌ساخت تا سواران را به پیشانی کند در خارج آمده است که ضرب علی اکبر علیه السلام در القری می‌افروزید.

واقع چه دور است از سیرت خاتونه لعل یسوی که تا این مقدار از سن را در گذر کنند و عرب و بدون ترویج بماتند به علاوه آنکه در زیارت طویله ای خبره شمالی که از حضرت صادق علیه السلام مروی است، در زیارت علی بن الحسین علیه السلام دارد صَلَّی اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِزَّتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ. الخ. و این زیارت را علامه مجلسی در تحفه اول زیارات حضرت سید الشهدا علیه السلام فرموده داده، هر که خواهد به آنجا رجوع کند.

فصل ششم

در بیان اعمالی که مستحب است

در روضه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام واقع سازید

بدان که عمداً اعمال در این روضه مظفیه دعا است، زیرا که اجابت در تعب آن کتب سامیه یکی از چیزهایی است که در عوض شهادت، حق تعالی به آن حضرت ظلت فرموده و زائر باید آن را غنیمت دانسته در تضرع و انابه و توبه و عرض حاجات گوناگونی نکند، و در طی زیارات آن حضرت پیش از سایر زیارات و بعد از سایر، ادعیه بسیاری با مضامین عالیله وارد شده، و چون بهر اختصاص است، ما از آن ادعیه دو دعا را اختیار کردیم، امید اثر خواندن آن متافل و تکاسل نکند، و این مجرم رویشان به دعای یاد و شاد فرمایند:

دعای اول دعایی است که شیخ مفید و محمد بن المصطفی در مزار خود در ضمن یکی از زیارات قبل از سایر زیارات نقل کرده اند و فرموده اند که رو را به سمت قبله و مستحان به سوی آسمان بلند کن و بگو

اللَّهُمَّ مَنْ قَهْبًا وَتَعَبًا وَاعْدًا وَاسْتَعْدَّ لَوَفَاةٍ إِلَى عَمَلٍ رَجَاءٍ رَفِيٍّ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَضَائِلِهِ وَعَطَايَاهُ قَالَيْكَ يَا رَبُّ كَانَتْ أَلَيَّ تَهْنِئَتِي وَتَعْنِئَتِي وَاعْتِدَادِي وَاسْتِعْدَادِي وَسَفَرِي. وَالْأَنْ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَفَلْتُهُ وَبِزِيَارَتِهِ إِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ رَجَاءٍ رَفِيٍّ وَجَائِزَتِكَ وَنَوَافِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَفَوَاضِلِكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ رَجَوْتُ كَرَمَ غَفْوِكَ وَوَأَسَّحَ مَغْفِرَتِكَ فَلَا تُرُدَّنِي خَائِبًا قَالَيْكَ

قصدتُ. وما عندك لوفت. وقبر إمامي^(١) الذي لوجهت علي طاعة ردت. فأعطني به عندك وجهاً في الدنيا والآخرة^(٢). وأعطني به جميع شؤلي. وأقص لي به جميع حوائجي. ولا تقطع رجائي. ولا تحبب دعائي. وأرحم ضغبي وقلة حيلتي. ولا تكلفني إلى نفسي ولا إلى أحد من خلقك. مولاي فقد أفسدتني ذنوبي. وطمعت حُبتي. وأبتليت بخطيئتي. وأزهدت بعقلي. وأزهدت نفسي ووقعها مؤلف الأدلاء المذنبين المتخبرين عليك. التاركين امرئ. المغترين بك. المستجفين بوعده. وقد أوتيتني ما كان من قبيح جزمي وسوء نظري لنفسي. فأرحم تضري وندامتي. وأقبلني عثرتي. وأرحم عثرتي. وأقبل مغيرتي. وعذ بجلوك على جهلي. وبإحسانك على إسامتي. وبطفوك على جزمي. فإليك أشكو ضعف عني. فأرحمني يا أرحم الراحمين. اللهم اغفر لي فاني مفر بذنبي. مستعترف بخطيئتي. وهذه يدي وساميتي بالسفود وبني ياسيدي. فأقبل ثوبتي. ونفس كزيتي^(٣). وأرحم خشوعي وخشوعي وأسفي على ما كان بمني. ووقوفي عند قبر وليك. وولي بني يدك. فأنت رجائي ومُعتمدي وظهري وعنتي. فلا تروني خائياً. وتقبل عنتي. واشتر عوزتي. وآمن زوعتي. ولا تحببني ولا تقطع رجائي من بين خلقك يا سيدي. اللهم وقد قلت في كتابك المنزلي على نبيك المرسل صلى الله عليه وآله: «أدعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين»^(٤). يا رب وقولك الحق وأنت الذي لا تحلف العباد. فأستجب لي يا رب.

لَقَدْ سَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ. وَطَلَبَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ. وَرَغِبَ الرَّاغِبُونَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ. وَأَتَتْ أَهْلُ أَنْ لَا تُخَيِّبَنِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي. وَعَرَّفَنِي الْإِجَابَةَ يَا سَيِّدِي. وَأَقْبِرْ لِي خَوَاتِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دوم: دعایی است که سید بن طاووس علیه السلام در صحیح الزکریا ذکر کرده یکی از زیارات آن حضرت به عنوان صلوات و ثواب بر آن حضرت ذکر نموده است. و علامه مجلسی علیه السلام آن زیارت را در تحف الزکریا زیارت چهاردهم قرار داده است. و آن صلوات چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ الْفَتِيلِ الْفُجُورِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَاءِ. صَلَاةً نَائِمَةً رَاجِيَةً مُبَارَكَةً. يَضَعُ أَوَّلُهَا وَلَا يَنْقُضُ آخِرُهَا. أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَخِي مِنْ تَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ بِأَرْزُبِ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِمَامِ الشَّهِيدِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ الْمَخْدُولِ وَالشَّهِيدِ الْقَائِدِ وَالْعَامِدِ الرَّاهِدِ الْوَسِيِّ الْخَلِيفَةِ. إِمَامِ الصِّدِّيقِ الطَّاهِرِ الطَّاهِرِ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ. الرَّضِيِّ الْمَرْضِيِّ. النَّصِيِّ الْهَادِي الْغَفِيِّ. الرَّاهِدِ الدَّائِمِ الْمُجَاهِدِ الْعَالِمِ. إِمَامِ الْهَدْيِ. سَيِّدِ الرُّسُولِ وَقُرَّةِ عَيْنِ الْبَشَرِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَانِي كَمَا عُولَ بِطَاعَتِكَ. وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ. وَبَالَغْ لِي بِرِضْوَانِكَ. وَأَقْبَلْ عَلَيَّ بِإِحْلَانِكَ. غَيْرَ قَابِلٍ فَيْكَ عُذْرًا سِرًّا وَعَلَانِيَةً. بِدَعْوِ الْجِهَادِ إِلَيْكَ وَيَدُلُّهُمْ عَلَيْكَ. وَقَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ تَقْدِيمُ الْجُزْءِ بِالصَّوَابِ. وَيُخَيِّبُ السُّوءَ بِالْكِتَابِ. فَمَا شِ فِي رِضْوَانِكَ مَكْنُوحًا. وَمَضَى عَلَى طَاعَتِكَ وَفِي أَوْلِيَانِكَ " مَكْنُوحًا. وَمَضَى إِلَيْكَ مَقْنُوحًا. لَمْ يَعْصِكَ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ. بَلْ جَاهَدَ فَيْكَ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَفَّارَ. اللَّهُمَّ فَاجِرْهُ " حَتَّى جَزَاهُ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارَ.

وَصَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَلَقَاتِلِهِ الْعِقَابَ . قَدْ قَاتَلَ كَرِيماً . وَكُتِلَ مَظْلُوماً .
وَمَضَى مَرْحُوماً . يَقُولُ أَنَا لَيْسَ رَسُولُ اللَّهِ مُحَمَّدٌ . وَإِنِّي مِنْ زَكَاةٍ وَعَقِيدَةٍ .
فَقَتَلُونِي بِالْمَنِيِّ الْمُتَعَدِّ . قَتَلُونِي عَلَى الْإِيمَانِ وَأَطَاعُوا فِي قَتْلِهِ الشَّيْطَانَ . وَلَمْ
يُرَاقِبُوا فِيهِ الرَّحْمَنَ . اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ . صَلَاةَ تَرْفَعُ بِهَا ذِكْرَهُ .
وَتُظْهِرُ بِهَا أَمْرَهُ . وَتُجَلِّ بِهَا نَصْرَهُ . وَتُخَصِّصُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْعَصَائِلِ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ . وَزِدْهُ شَرَفًا فِي أَعْلَى جَلَّتَيْنِ . وَتَلْعَقْهُ أَعْلَى شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ وَارْفَعْهُ
مِنْ شَرَفِ رَحْمَتِكَ فِي شَرَفِ الْمُقَرَّبِينَ فِي الرُّفُوحِ الْأَعْلَى . وَتَلْعَقْهُ الْوَسِيلَةَ
وَالْمَنْزِلَةَ الْجَلِيلَةَ . وَالْأَفْضَلَ وَالْأَفْضَلَةَ . وَالْكَرَامَةَ الْجَلِيلَةَ . اللَّهُمَّ وَاجِرِهِ عَنَّا
أَفْضَلَ مَا جَازَيْتَ . إِمَامًا عَزَّ وَجَّهَهُ . وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ كُلَّمَا ذَكَرَ
وَكُلَّمَا لَمْ يَذْكُرْ . يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَذْجَلَنِي فِي جَزْبِكَ وَرُفْعِكَ . وَاسْتَوْجِبَنِي
مِنْ رِزْقِكَ وَرَبِّي . فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَفَخْرًا وَمَنْزِلَةً وَفَهْمَةً . إِنْ سَأَلْتَ
أُخْطِيتَ . وَإِنْ سَأَلْتَ شَفَعْتَ . اللَّهُ اللَّهُ فِي عَيْنِكَ وَمَوْلَاكَ . لَا تُخْلِنِي عِنْدَ
الشَّدَائِدِ وَالْأَمْوَالِ لِسُوءِ عَقْلِي وَفُجْهِ فُجْهِ وَعَظِيمِ جُزْئِي . فَإِنَّكَ أَهْلِي
وَرَجَائِي وَنَيْفِي وَمُتَعَفِّدِي وَوَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرِزْقِكَ . لَمْ يَتَوَسَّلْ
الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ بِوَسِيلَةٍ هِيَ أَعْظَمُ حَقًّا وَلَا أَوْجِبُ حُرْمَةً وَلَا أَجَلُ قُرْآنًا
عِنْدَهُ بِكُمْ أَهْلَ النَّبِيِّ . لَا خَلْفِي اللَّهُ عَنْكُمْ بِأَمْرِي . وَجَفَعَنِي وَإِنَّا كُمْ فِي
جَنَّةٍ عَذْبَةٍ أَتَى أَغْلَا لَكُمْ وَلَاؤِيَاكُمْ إِنَّهُ خَيْرُ الْغَايِرِينَ وَارْحَمُ الرَّاجِعِينَ .
اللَّهُمَّ أَنْبِغْ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ شَيْئَةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا . وَزِدْهُ عَلَيْنَا مِنْهُ التَّحِيَّةَ
وَالسَّلَامَ إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ . وَصَلِّ عَلَيْهِ كُلَّمَا ذَكَرَ السَّلَامَ وَكُلَّمَا لَمْ يَذْكُرْ
يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

دعای مظلوم بر ظالم

و از جمله اعمال این روضه منوره دعای مظلوم بر ظالم است. پنی سزاوار است از برای کسی که از ظلم ظالمی مضطر شده باشد. این دعا را در آن حرم منور بخواند. و دعا چنان است که شیخ الطائفه در صحیح متوفیه در اعمال روز جمعه ذکر نموده و فرموده: مستحب است دعای مظلوم را نزد پدر این عبد الله الحسین بخواند. و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَزُّ بِدِينِكَ وَأَكْرُمُ بِعِدَائِكَ وَقُلَانِي بِشَوْهِ وَيُهِشِي بِأَوْبِيهِ وَيُهِشِي بِوَلَامِ أَوْلِيَانِكَ وَيُهِشِي بِنُغْوَانِهِ وَقَدْ جِئْتُ إِلَى مُوَضِّعِ الدُّعَاءِ وَضَمَانِكَ الْإِجَابَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْبُدِي عَلَيْهِ السَّاعَةِ السَّاعَةَ بِسْ خُودِ رَابِعِ بَعْدَازِ دِكْرِ خُولاَنِ إِمَامِي مَظْلُومٍ اسْتَعْدَى عَلَى ظَالِمِهِ النَّصْرَ النَّصْرَ أَنْ تُدْرِكَ مَكْرُوكِ النَّصْرَ وَتَاخُضَ مَنَظْعُ غُرَّةِ

دعای قضای حوائج

و از جمله اعمال در آن حرم دعای است که شیخ ابن فهد حلی رحمه الله در عنه القاسم از حضرت صادق رحمه الله روایت کرده که فرمودند: هر که از برای او حاجتی باشد به سوی خداوند - هر روز - پس بایستد در نزد سر امام حسن رحمه الله و بگوید: یا ابا عُبَيْدَاللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تُشْهِدُ مُقَامِي وَتُصْنَعُ كَلَامِي وَجِدْتُ زَيْكَ تُزَوِّدُ غَائِلًا زَيْكَ" فی قضای حوائجی به درستی که حاجت او برآورده می شود این شاه الله تعالی به.

نماز در روضه منوره

و از جمله اعمال در رکعت نماز است در آن حرم مطهر با سوره «الرحمن» و سوره «تبارک» هر که آن را بخواند خداوند ثواب آن را بپسند و پنج حجت مقبولة می رسد که با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد. چنانچه سید ابن طاووس رحمه الله در صحیح از کفر نقل کرده مؤلف گوید که: سید ابن طاووس خبر از این نماز چند طریق دیگر نیز سنا ذکر کرده که باید

در روضه متوجه بجای آورد و چون متعش بود بر دعاهای طویله و بنای مایر اختصار است به همین دو رکعت قناعت کردیم و طالبین رجوع کنند به صحاح التذکریا اگر دستشان به مصباح نمی‌رسد به فصل پنجم از باب هفتم تعقیب التذکری.

استخاره در قیام امام حسین علیهما السلام

و از جمله اعمال در آن قیام صاحب استخاره است و کیفیت آن چنان است که علامه مجلسی نقل نموده، و اصل روایت در کتاب تحف العیاض حمیری است، فرموده به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر پنداری که در امری از امور صد مرتبه طلب خیر از خداوند عالمین بکند که بایستد نزد سر حضرت امام حسین علیهما السلام وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهُنَّ عِشْرَانُ اللَّهُ بگوید و خدا را به بزرگواری یاد کند و صد و نای خدا بگوید چنانچه سزاوار است، و صد مرتبه طلب خیر از خدا بکند، اَللَّهُ حَقُّ تَعَالَى آنچه خیر دوست در آن امر به او می‌نماید و پیش او می‌آورد و موافق روایات دیگر طلب خیر به این نحو می‌کند که صد مرتبه می‌گوید، اَسْتَحْیِرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرًا فِي عَاقِبَةِ

فصل هفتم

در کیفیت زیارت جناب ابوالفضل عباس بن امیرالمؤمنین علیهما السلام است

شیخ طه و محسن بن الشهدی و دیگران روایت کرده‌اند که چون خواهی زیارت حضرت عباس کنی می‌روی به سمت حرم آن جناب، همین که به در حرم رسیدی بایست و بگو،

سَلَامٌ إِلَيْهِ وَسَلَامٌ صَلَاتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّدِيقِينَ وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَطْغِي وَتَرَوْحُ عَلَيْكَ يَا بَنَیْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ بِحَقِّ الشَّيْءِ الْمُرْسَلِ وَالسَّبْطِ الْمُتَجَبِّ وَالذَّكْلِ الْعَالِمِ وَالْوَسِيِّ الْمُنْتَجِعِ وَالْمُظْلُومِ الْمُهْتَظَمِ. فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ زُشُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ

فَاطِمَةُ وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الْجَزَاءِ بِمَا عَظُمَتْ
وَاحْتَسِبْتُ وَأَعْتَدْتُ. فَيُعْطَى عَقْرَبُ النَّارِ. لَمْ يَلَهُ مِنَ فَتْلِكَ. وَلَمْ يَلَهُ مِنَ
جَهْلِ حَقِّكَ وَاسْتَحَقَّ بِعُزْمَتِكَ. وَلَمْ يَلَهُ مِنَ حَالِ بَيْنِكَ وَبَيْنَ مَا
أَقْرَبَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَقْتُولًا وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ. جَنَّكَ
يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاهْدَأْ إِلَيْكُمْ وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ
وَنَصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَهْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. فَتَمَعُّكُمْ مَعَكُمْ.
لَا مَعَ غُلُوبِكُمْ. إِنِّي بِكُمْ وَبِأَيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. وَيَعْنِي حَالَكُمْ وَقَتْلَكُمْ مِنْ
الْكَافِرِينَ. قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَكُمْ بِالْأَنْدِي وَالْأَنْسِ.

پس فصل شود و بجهان خود را به صریح و بگو در حالی که رو به قبله باشی - علیه رو به
قبله بودن [در] لفظ غیر نیست بلکه غیر مطلق است. و لیکن به جهت امتیاز معصوم از غیر او از
اضمار استفاده شده که مواجهه و رو به رو شدن در وقت زیارت از خصایص معصوم است. حتی
آنکه در مطرب علی بن الحسین علیه السلام صریح شده در زیارت ناحیه که رو به قبله بایستد. به
علاوه آنکه علامه مجلسی لا تقل اتفاق قول و عمل اصحاب - رهولن الله علیهم - بر این معنی
که رو به قبله بودن در زیارت غیر معصوم نعوذ. پس تنجید کردن غیر به ظاهر اضرار دیگر، و
اتفاق قولی و عملی اصحاب لازم نیست. هر چند محتمل است بزرگی و جلالت شأن ایشان این
اقتضا سوره که در سایر مؤمنین سفار شوند و با مولای خود در این منتهی شریک باشند - و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الْمَصَالِحِ الْمَطِيحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِشْوَانُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَنَدَبِكَ. أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
عَصَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ الْيَتَرِيُونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
الْمُتَصِلُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ. الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ. النَّابُونَ عَنْ
أَحِبَائِهِ. فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ وَلَوْ فَرَّ الْجَزَاءُ وَأَوَّلَى جَزَاءِ

أَشْهَدُ بِكَ أَنَّكَ قَدْ بَالَيْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ. فَبِعِزَّتِكَ اللَّهُ فِي الشَّهَادَةِ. وَجَعَلَ دُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّعَدَاءِ وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَائِهِ أَفْسَحَهَا مَنَورًا. وَالْحَمْلَهَا عُرْفًا. وَرَفَعَ دُحْرَكَ فِي عِلِّيَّينَ. وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالشُّذِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالضَّالِحِينَ وَحَسَنَ لَوْلِيكَ زَهْقًا. لَشَهِدَ أَنَّكَ لَمْ تَهْرُ وَلَمْ تَنْكُلْ وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالضَّالِحِينَ وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ. فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ. وَبَعَثَ رَسُولَهُ وَأَرْسَلَهُ فِي مَنَائِلِ الْمُضْطَرِّينَ لِمَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

پس پروردگار به سوی بالایی سر و در رکعت ساز کن و بعد از این دو رکعت هر چند خواستی نماز کن و بسیار بخوان خدا را و بگو در عقب نمازها:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَلَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَكَانِ الْمَكْرُمِ وَالْمُشْهِدِ الْمُعْظَمِ نَبِيًّا إِلَّا عَفْرَةً. وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرْجَةً. وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفِيئَةً. وَلَا غَيْبًا إِلَّا عَفْرَةً. وَلَا يَرْقًا إِلَّا تَسْقِطَةً. وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمْنَةً. وَلَا شَمَلًا إِلَّا جَمْعَةً. وَلَا غَايِبًا إِلَّا حَاضِرَةً. وَلَا دَيْنًا إِلَّا أَقْبَنَةً. وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ فِيهَا رِخًا وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَسَمْتُهَا. يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس برگرد به سوی ضریح و در نزد یا ایاست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي سُبُوحِ الرُّسُلِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي نَوَلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَالَّذِينَ هُمْ إِحْسَانًا وَالَّذِينَ هُمْ بِدِينِ اللَّهِ وَأَخْوَاطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ. أَشْهَدُ لَكَ نَصِيحَتَ اللَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَحِبِّكَ. فَيَنْفُذُ الْآخِ الْمَوْسِي^(ع). فَلَمَّا لَقِيَ اللَّهَ لَقِيَ قَتْلَكَ. وَلَمَّا لَقِيَ اللَّهَ

أُمَّةً ظَلَمْتِكَ. وَلَمْ يَلَهُ أُمَّةٌ اسْتَفْعَلَتْ مِنْكَ الْمَعَامِرَ وَاسْتَهَكَتْ حُرْمَةَ
 الْإِسْلَامِ. فَبَعَثَ الصَّابِرَ الْمُجَاهِدَ الْمُحَامِيَّ النَّاصِرَ وَالْأَخَّ النَّافِعَ عَنْ أَخِيهِ
 الْمُحِبِّ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ. الرَّاعِبُ فِيمَا زَجَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَرِيدِ
 وَالنَّوْءِ الْجَمِيلِ. فَأَتَقَفَكَ اللَّهُ بِتَرْجَةِ آيَاتِكَ فِي دَارِ النِّعَمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي
 تَقَرُّضْتُ لِرِيَاذَةِ أَوْلِيَائِكَ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ. وَزَجَاةً لِمُطْعَمَتِكَ وَجَرِيدِ
 إِحْسَانِكَ. فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. وَأَنْ تَجْعَلَ بِرُزْقِي
 بِهِمْ دَارًا. وَغَيْشِي بِهِمْ قَارًا. وَبِزَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً. وَخِيَاتِي بِهِمْ طَمَئِنَةً.
 وَأَقْرِجَنِي بِفَرَجِ الْعُكُومِينَ. وَاجْعَلْنِي يَسْرًا يَنْقَلِبُ مِنْ رِيَاذَةِ مُشَاهِدِ
 أَحِبَّائِكَ مُغْلَبًا مُنْجَعًا قَدْ اسْتَوْجَبْتَ عُقْرَانَ النَّعُوبِ. وَتَسْتَرَّ الْغُيُوبِ.
 وَكَلَّفْتَ الْكُرُوبِ. إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمُنَظَرَةِ.

و چون خواستی و داع کنی آن حضرت را به جهت بیرون آمدن پس نزد قبر برو و بگو

اَسْتَوْدَعُكَ اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ. وَاقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ. آمَنَّا بِإِلَهِهِ وَبِرَسُولِهِ
 وَبِكِتَابِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ جُنْدِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ لَا
 تَجْعَلْنَاهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ أَبِي أَخِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَسَلَّمَ. وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَيْدًا مَا أَبْقَيْتَنِي. وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَفِى آيَاتِهِ فِي
 الْجَنَّةِ. وَغَرَّفَ نَيْتِي^۱ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَأَوْلِيَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ. وَتَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَالتَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ. وَالْوَلَايَةِ لِطَلِي بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ وَالْآلِ الْأَكْبَرِ^۲ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَالْجَرَاةَ مِنْ غُدُوءِهِمْ لِبَانِي رَحْمَتِ
 بِذَلِكَ تَوَصَّلْ إِلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس دعا کن از برای خود و به جهت و طلبین خود و از برای مردمان مؤمن و درین های مؤمنه و
 اختیار کن از دعاها هر دعاى را که مى خواهی.

خاتمه

در ذکر بعضی مطالبی که متعلق است به این باب

یوشیده مانند که چون این رساله شریفه حسب خواست عالی جناب مشهدی عباسعلی جمع و تألیف شده است ما در ترتیب و جمع و اختصار در بعضی مطالب و اطاله کلام در چیزهای دیگر و اکتار در نقل از تعقیبات و غیر اینها تمام به حوصلش و میل ایشان رفتار نمودیم و آنچه از ما خواسته در آن درج نمودیم و از جمله چیزهایی که خواهش نموده آن است که در مکتوب خود به این صورت درج کرده که زیارت جناب عز و جناب عون و مختصر از مقام امام جعفر صادق علیه السلام و مقام حضرت حبیب - عجل الله فرجه - که در کربلاست و سایر مقامات مثل حمزه گاه وادی پس و زیارت اهل قبور ائمه دهم.

در تعیین مدفن جناب عز بن یزید

گویم مخفی مانند که در این کتب مزایه که معروف است و علامه مجلسی علیه السلام مزار چهار را از اکثر آنها جمع نموده مانند کامل الزیارات و مصباح الزیارات و مزار شیخ مفید و مزار محمّد بن المشهدی که در چهار مسیر از نو شده به مزار کبیر و مزار شهید لؤلؤ و مزار قدیم و غیر اینها از مزارات علمای متأخرین چون مزار پناه و تحفه الزیارات علامه مجلسی و مزار آلاء جمال الدّینی و مزار شیخ خضر و هدیه الترفهیه و مزار لک الشّجه و غیره که تمام بحمدالله تعالی موجود و به نظر این حقیر رسیده و از آن نقل نمودیم. هنوز واقف نشدم بر کلامی که متعرض یکی از اینها جز زیارت اهل قبور شده باشد. بلکه در خصوص مدفن جناب عز و عون بر دوین کتب مزایه و سایر کتب چیزی متعرض نشدم بلی سبکالعلماء و الفها آلاء سید مهدی لزوی در مزار کتاب خود که موسوم به لک الشّجه است گفته که مستحب است زیارت کسانی که در راه امام حسین علیه السلام شهید شده اند چه آنها که در حائر نزد آن حضرت مدفون اند و چه آنان که بیرون از حائرند مثل عیسی و حبیب و عز و مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در کوفه و عون بن عبد الله بن جعفر این کلام ظاهر. بلکه صریح است که بودن عون در این مکان نزد ایشان مستحب بوده و انا در باب جناب عز علاوه بر این زیارت سید مرحوم نیز صاحب کتاب حیکه السعاده فی حیکه السعاده در وقعه بعد از شهادت حضرت سید الشّهدا علیه السلام گفته که عمر این سعد زور شهادت را در کربلا بود تا زور دیگر به وقت روال و جسمی مستعدان بر اسامی رسانیدین علیه السلام و مشران امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر زنان موکل کرده جمله هست در یوسف و امام رسالتین علیه السلام آن روز

بیست و دو ساله بود و امام محقق باقر علیه السلام چهار ساله و هر دو در کربلا حضور داشتند، و حق تعالی ایشان را حراست فرمود چون هجرت بعد از کربلا رحلت کرد، قومی از بنی اسد کوچ کرده، می رفتند چون به کربلا رسیدند و آن حالت را دیدند امام حسین علیه السلام را تنها می کردند، و علی بن الحسین علیه السلام را پایین پای او، و حضرت عباس علیه السلام را بر کنار فرات جایی که شهید شده بود، و بالای را لبری بزرگ کشند و دفن کردند، و حزن برید و القریای او در جایی که به شهادت رسیده بود دفن کردند، و قبرهای شهدا معین نیست که در آن هر یک کدام است، الا آن که لاشک حائر مسیط است بر جسد انبیا.

و مستندش در این کلام کتاب کامل علیه السلام است، که از مؤلفات شیخ عالم جلیل حسن بن علی الطهرسی - طاب سره القدر - است. و چون حلیه تمام کامل را باقم، بلکه قطعه ای از آن را در یک موعود و هر چند تفحص کردم مطلع نشدم تا عبارت او را به عینه نقل کنم، و یکی از فضلا و مهرة فن منبر خبر داد مرا به چیزی که حاصلش آن است و وقتی مراجعه کردم در یکی از اشروح ناموس که به لسان ترکی بود به جهت همین معنی ولوس، که در خطبه حضرت سید الشهداء علیه السلام در وقت عزیمت به عراق رافع است: کاتی بأوصالی تخطونها صلاب النواذب بین النواذب و کربلاء، در آنجا دیدم که صاحب کتاب معروض شده مدعی جناب عز را، و بیان کرده سبب دفنش را در آنجا، و چون عبارتش را درست مستظهر نیستم ذکر نمی کنم.

و بالجمله، ما را در مقام همین حدیث کافی است، به علاوه آن که شیخ شهید علیه السلام در کتاب شریف عروض بعد از ذکر فضایل زیارت حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام می فرماید، و هرگاه زیارت کرد آن جناب را، پس زیارت کند فرزندش علی بن الحسین علیه السلام را و زیارت کند شهدا، را و برادرش حضرت عباس علیه السلام را و زیارت کند حزن برید را. الخ. و این کلام ظاهر بلکه صریح است که در عصر شهید، غیر حزن برید در آنجا معروف و نزد آن شیخ جلیل به علت اعتبار موصوف بوده است و آریاده بر این دیگر ما چیزی نمی خواهیم.

و اما در باب مقامی که یکی واقع است در کنار نهر حسینی، یا قبه مختصره و معروف است به مقام مهدی - صلوات الله علیه - و دیگری که واقع است در میان پستایی، نزدیک به همان مقام، یا قبه ای و محلی تر از مقام لولی و معروف است به مقام حضرت صادق علیه السلام، متضاد بر چیزی در باب آنجا دیدم، و شاید مقام حضرت صادق علیه السلام همان شریعه آن حضرت باشد که مستحب است در آنجا غسل زیارت کرده شود، چنانچه علامه مجلسی علیه السلام استظهار فرموده و کلام آن مرحوم در دین زیارت ولایت نقل شد و اما زیارت اهل قبور را پس از این ای شاء الله در مقام خودش ذکر خواهیم نمود به آنجا رجوع شود.

ذکر علمایی که در بلد کریمای معلی مدفون اند

مؤلف گوید که ما در باب زیارت کاظمین علیهم السلام اشاره کردیم به فضیلت زیارت علما و ذکر سوره جمعه از آن بزرگوارین را که در آن بلد طیبه مدفونند و الحال نیز مختصراً گویم که جمعی از علمای کبار در کریمای معلی مدفونند که بایست به فیض زیارت و عید تلاوت قرآن به روح پر فتوح آنها رسید. مانند:

شیخ جنید و لقبی بی بدیل جمال التالکین احمد بن فهد العلوی الأسدی که قبرش نزدیک به عجمه گاه در یمنی واقع است و بقعه و قبه عالیه دارد و آن بستان سابقاً باغ تنبیل علوتین بوده و از باب تقوا و قدس چون به خاک وی بگفتند شرط تطهیر بجای آوردند و از باطل آن شیخ بزرگوار استعاده می‌یابند و صاحب نامه القسریان گفته که گرامی چند از آن مزار شریف حکایت می‌شود که نگارنده آنها موجب اظطراب گردد.

و مانند شیخ مشایخ متأخرین و عباد علما و مجتهدین استاد اکبر آقای بهبهانی که اسم شریفش محمّد باقر است قبرش فی الواقع نیست در روضه منوره حضرت امی عبدالله الحسینی علیه السلام در دولت پایین پای شهدا در صندوق بزرگ و بالوست سید اجل اکمل آقا سید علی صاحب ریاضی شرح الفیح در قه.

و مانند شیخ محقق جلیل و عالم بی بدیل محمّد بحرانی علیه السلام صاحب حدائق لیر شریفش در روضه مطهره پایین پای شهدا واقع است و در سابق به شرح وقت که علمای انساب گفته اند که سید مرتضی و رضی نیز در کریمای مدفونند در نزدیکی حرم حضرت امی عبدالله علیه السلام.

و مانند سید جلیل عالم عابد آقا سید محمّد مجاهد نجل آقا سید علی مذکور که مرادش در بقعای که در وسط بازار می‌باشد علیه السلام است واقع است.

و مانند جمعی دیگر از اکابر چون عالم کامل جامع متقوی و مطول آقا شیخ محمّد حبیب صاحب اصول در اصول که قبرش واقع است در نزدیک در صحن حضرت امی عبدالله علیه السلام آن دری که به بازار حضرت عباس علیه السلام مفتوح می‌شود و مقابل قبر آن جناب مزار فاضل اردکانی و آقا سید ابراهیم صاحب شواهد است و قبر مرحوم آقا شیخ رین العابدین علیه السلام نزدیک باب قاضی الساجاد است و مزار شیخ الفرائین مرحوم شیخ عبدالحمین استاد شیخ ما علامه ثوری - طاب ترأعها - واقع است در باب سلطانه و غیر ایشان و چون بنا بر استقصا نیست و مراعات المختصر باید شود در این مقام به همین جزئی قناعت کردیم.

مقصد دوم

در بیان فضیلت و کبکیت زیارت مخصوصه

حضرت امی عبدالله الحسین علیه السلام است

و در آن نیز هفت فصل است:

فصل اول

در بیان فضیلت و کبکیت زیارت آن حضرت است

در اَوَّل رجب و نیمه آن

شیخ طوسی و سید ابن طاووس و جعفر بن محمد بن قولویه و شیخ مفید و دیگران به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: هر که زیارت کند امام حسین علیه السلام را در روز اَوَّل ماه رجب، البته حق تعالی پاداش دهد و به ستمهای صحیح و معیور مروری است که این امی نصر بن ضحی از حضرت امام رضا علیه السلام حوال کرد که: در کدام وقت بهتر است که زیارت کنم حضرت امام حسین علیه السلام را؟ فرمود که: در نصف رجب و نصف شعبان.

مؤلف میگوید که: کافی است امی حدیث شریف از برای بیان فضیلت زیارت آن حضرت در نیمه رجب؛ چه واقع شدن آن در مقابل نیمه شعبان یا آن فضایی که از برای زیارت نیمه شعبان است. چنانچه بعد از امی مذکور خواهد شد این شاء الله تعالی. دلالت ندارد بر تمام فضیلت از برای زیارت نیمه رجب و کمال شأن و علو مرتبت آن. و لذا ذکر الفاظ زیارت در بین دو وقت شریف پس از این قرار است:

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در اَوَّل رجب

زیارت اَوَّل رجب: شیخ مفید و سید ابن طاووس تصریح نموده‌اند که این زیارت که ذکر می‌شود برای روز اَوَّل رجب و شب آن، و شب نیمه شعبان است. و لکن شهید اَوَّل در بزار فرموده که: از جمله زیارت‌های مخصوصه، زیارت روز اَوَّل ماه رجب و شب آن روز و شب نیمه شعبان ماه رجب که شب غنیمه گویند و روز آن شب و شب نصف شعبان و روز آن است. پس شروع کرده در الفاظ زیارت. پس حسب فرموده ایشان این زیارت برای شب و وقت است.

و مخفی نباشد که در اصل زیارت حضرت با هم متفقند. و لکن شیخ مفید زیارت علی بن الحسین علیه السلام و شهدا را ذکر کرده مخالف آنچه ابن طاووس در صباح و لیل نقل کرده، و شهید

در منزل جمع ما این هر دو فرموده ما نیز چنین گفیم هر گاه خواهی زیارت کسی
حضرت ابی عبدالله العسکری را در آن اوقات که گفته شد پس غسل کن و پانزده مرتبه
جامه های خود را بپوش و بایست بر دو کتبه مطهره آن حضرت رو به قبله و سلام کن بر رسول
خدا ﷺ و بر امیر المؤمنین و فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و هم چنین بگو ائمه هدی علیهم السلام
و بعد از آن داخل شو و نزد ضریح مقدس بایست و صد مرتبه بگو الله اکبر و بگو

السلام عليك يا ابن رسول الله. السلام عليك يا ابن حاتم التيمي.
السلام عليك يا ابن سيد المرسلين. السلام عليك يا ابن سيد الوصيين.
السلام عليك يا ابا عبد الله. السلام عليك يا حسين بن علي. السلام
عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين. السلام عليك يا ولي الله وابن
وليّه. السلام عليك يا صبي الله وابن صبيّه. السلام عليك يا حجة الله
و ابن حجة الله. السلام عليك يا حبيب الله وابن حبيب الله. السلام عليك
يا صغير الله وابن صغيره. السلام عليك يا خازن الكتاب المسطور.
السلام عليك يا وارث التوراة والإنجيل والزبور. السلام عليك يا أمين
الرحمن. السلام عليك يا شريك القرآن. السلام عليك يا غموة الدين.
السلام عليك يا باب حكمة رب العالمين. السلام عليك يا باب جنة
الذي من دخله كان من الآمين. السلام عليك يا غيبة علم الله. السلام
عليك يا موضح سر الله. السلام عليك يا ناز الله وابن ناز الله والوتر
المؤلول. السلام عليك وعلى الأزواج التي خلقت بيمينك واناخت بيمينك
يا بني أنت وأمي ونفسي يا ابا عبد الله. قد عظمت المحبة ووجدت
الرزية بك علينا وعلى جميع أهل الإسلام. فلن الله أمة أشمت اساس
الظلم والنجور عليكم أهل البيت. ولن الله أمة ذلعتكم عن مقامكم
وآراستكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها. يا بني أنت وأمي ونفسي يا ابا

عَنْبِاللَّهِ أَشْهَدُ لَقَدْ انْقَشَعَتْ لِبِعَاتِكُمْ أَقْلَةُ الْغُرُشِ مَعَ أَقْلَةِ الْخُلَاقِ .
وَبَكَتْكُمْ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَسْكَنُ الْجَنَانِ وَالْبَرُّ وَالْبَحْرُ . سَلَّى اللَّهُ عَنْكَ
غَدَاةَ مَا فِي عِلْمِ اللَّهِ لَيْتِكَ دَاعِيَ اللَّهِ . إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بِسَنِي عِنْدَ
اسْتِعَانَتِكَ وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ لَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمِعَنِي وَتَضَرَّي .
شَبَّحَانَ رَبِّيَّ إِنْ كَانَ وَغَدَاةَ زَيْنَا لَمَقُولَاءُ . أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ
طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ . طَهَّرْتَ وَطَهَّرْتَ بِكَ الْهَلَاةَ وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بِهَا .
وَطَهَّرَ حَرَمُكَ .

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ آمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَالْعَدْلِ وَخَفَوْتَ إِلَيْهَا . وَأَنَّكَ صَادِقٌ
جَدِيقٌ صَدَقْتَ فِيمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ . وَأَنَّكَ ثَارَ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
قَدْ بَلَغْتَ عِزَّ اللَّهِ . وَعَزَّ جَدُّكَ رَسُولَ اللَّهِ . وَعَزَّ لَهْبُكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ . وَعَزَّ
أَحَبَّكَ الْخَصَمِ . وَتَضَخَّتْ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَغَنَمْتَ مَغْلَبًا حَتَّى
أَتَاكَ الْيَقِينُ . فَجَرَاكَ اللَّهُ خَيْرَ جَزَاءِ السَّابِقِينَ . وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ
تَسْلِيمًا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . وَصَلِّ عَلَى الْخَصَمِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ
الرَّشِيدِ قَتِيلِ الْغَبَرَاتِ وَاسْمِ الْكُرْبَاتِ . صَلَاةَ نَامِيَةٍ زَاكِيَةٍ مُبَارَكَةٍ مُصَدِّدَةٍ
أَوَّلُهَا وَلَا يَنْقُذُ آخِرُهَا . أَهْلًا مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ لَوْلَا أَنْبِيَاكَ
الْمُرْسَلِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

آن گاه قبر مطهر را بوس و روی راست خود را بر قبر گذار بعد از آن روی چپ را . آن گاه دور
قبر بگرد و طرف کن و چهار جانب قبر را بوس . شیخ مفید رحمه الله فرموده : آن گاه رو به سوی قبر
عقی بن الحسین رحمه الله و بایست نزد قبر آن جانب و بگو

السلام عليك ايها الصديق الطيب الزكي الغيب المقرب وابن زينة
رسول الله. السلام عليك من شهيد مختص ورحمة الله وبركاته. ما
أكرم مقامك وأشرف منقلبك. أشهد قد شكر الله شفيك. وأجرل
ثوابك. وأحقك بالذروة العالية حيث الشرف كل الشرف وفي الخوف
السامية كما من عليك من قبل وجعلك من أهل البيت الذين أذهب الله
عنهم الرجز وطهرهم تطهيراً. صلوات الله عليك ورحمة الله وبركاته
ورضوانه. فاشفع أيها السيد الطاهر إلى ربك في خطي الأثقال عن ظهري
وتخفيفها عني. وأرحم قلبي وخضوعي لله وللشيد أبيك صلى الله عليكما.

پس خود را بر غیر بپایان و بگو:

إذ الله في شرفكم في الآخرة كما شرفكم في الدنيا. وأشهدكم كما
أشهد بكم. وأشهد أنكم أهل الدين ونجوم العالمين. والسلام عليكم
ورحمة الله وبركاته.

پس دو کس به سوی شهادت و بگو:

السلام عليكم يا أنصار الله وأنصار رسوله وأنصار علي بن أبي طالب
وأنصار طائفة وأنصار الحسن والحسين وأنصار الإسلام. أشهد لقد
نصحتكم لله وجاهدتكم في سبيله. فجراكم الله عن الإسلام وأهله أصل
الجزاء. فزتم والله فوزاً عظيماً. ياتيني كنث معكم فأفور فوزاً عظيماً.
أشهد أنكم أحياء عند ربكم فوزون. أشهد أنكم الشهداء والشهداء وأنكم
الغائرون في درجات العلى. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

بعد از آن بارگردد و بپا نزدیک سر مبارک آن حضرت و نماز زیارت بکن و دعا کن برای خود

و پدر و مادر خود و برائی برادران مؤمن.

و سید اجل علی بن طاووس علیه السلام در کتاب التلک و صحیح حدیث ذکر زیارت حضرت و گذاردن روی راست و چپ بر قبر و بوسیدن چهار طرفه فرموده: پس برو و بایست نزد قبر علی بن الحسین علیه السلام رو به قبله و بگو

السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَالسَّلَامُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ
وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ أَهْلِ طَاعَتِهِ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ عَلَى
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ
قَدَمٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ نَسْلٍ مِنْ سَلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
وَعَلَى آبَيْكَ إِذْ قَالَ فِيكَ قَتْلُ اللَّهِ قَوْمًا قَتَلُواكَ يَا بَنِي. مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى
الرَّحْمَنِ وَعَلَى انْتِهَائِكَ حُرْمَةِ الرَّسُولِ. عَلَى الثَّمَا بِغَدَاةٍ أَشْهَدُ أَنَّكَ
ابْنُ حُجَّةِ اللَّهِ وَابْنُ أَمِيهِ. حَكَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى قَاتِلِكَ وَأَصْلَاهُمْ جَهَنَّمَ
وَسَاءَتْ مَصِيرًا. وَجَعَلْنَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَمُرَاقِبِكَ وَمُرَاقِبِي
جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَعَمَّكَ وَأَخِيكَ وَأُمَّكَ الْمَعْلُومَةِ الظَّاهِرَةِ الْمُنْفَرَةِ. أَبْرَأُ إِلَى
اللَّهِ مِنْ قَتْلِكَ وَقَاتِلِكَ^(۱). وَاسْأَلِ اللَّهَ مُرَاقِبَتَكُمْ فِي دَارِ الْخُلُودِ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الطُّفْلِ الرُّضِيِّ. لَعَنَ اللَّهُ رَابِعَةَ حُرْمَةِ
ابْنِ كَاهِلِ الْأَسَدِيِّ وَلَوْ بِهِ.

در بعض نسخ صحیح و زرر شهید السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ
عَلَى جَعْفَرِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.
السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ^(۲) ابْنِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْقَاسِمِ بْنِ

الحسين بن أمير المؤمنين . السلام على أبي بكر بن الحنفية . السلام على
عبيد الله بن الحنفية . السلام على محمد بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب .
السلام على جعفر بن عقيل . السلام على عبد الرحمن بن عقيل . السلام على
عبد الله بن مسلم بن عقيل . السلام على محمد بن أبي سعيد ابن عقيل .
السلام على عون بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب . السلام على عبد الله
بن مسلم بن عقيل .

السلام عليكم أهل بيت المصطفى . السلام عليكم أهل الشكر
والرضا . السلام عليكم يا أنصار الله ورجال الله من أهل الحق والهدى
والشهادة على بصيرة في سبيله . أشهد أنكم كما قال الله عز وجل
«وَكَايَ مِنْ نَبِيٍِّّ أَنْ يَكُنْ لَهُ بَنُونَ كَثِيرٌ فَمَا يَضَعُوا عَنْ أَسَابِهِمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» . فما ضَعُفْتُمْ وَمَا
اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى تَقِيْتُمْ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَتَصْبِرُوا وَكَلِمَةُ اللَّهِ الثَّامَّةُ . صَلَّيْ
اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا . فَرْتُمْ وَاللَّهُ وَلَوْ ذُتْ
أَنِّي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَمُورٌ غَوْرًا عَظِيمًا . ابْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ
لَهُ^(١) إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ . أشهد أنكم النجباء وسادة الشهداء في الدنيا
والآخرة . وأشهد أنكم جاهدتم في سبيل الله وقُتِلْتُمْ عَلَى صِنَاجِ رَسُولِ
اللَّهِ . أَنْتُمْ^(٢) السَّابِقُونَ وَالْمُجَاهِدُونَ . أشهد أنكم أنصار الله وأنصار رسوله .
أَتُخَدُّ لِلَّهِ الَّذِي صَبَقَكُمْ وَغَدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ . وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

١ ينويع الله في ع

٢ ولأنكم ح

١ عبد الله ع

٢ له ع

زیارت سایر شهداء رضوان الله علیهم

بعد از آن متوجه شود و سلام کند بر شهدا و بگوید

السَّلامُ عَلَى سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَنْصَلِيِّ. السَّلامُ عَلَى حُرِّ بْنِ يَزِيدِ
الرَّيَاحِيِّ. السَّلامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْسِ. السَّلامُ عَلَى حَبِيبِ بْنِ مُطَاهِرٍ.
السَّلامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ غَوْسَجَةَ. السَّلامُ عَلَى عَقْبَةَ بْنِ سَمْعَانَ. السَّلامُ عَلَى
بُرَيْرِ بْنِ حَضِيرَةَ. السَّلامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَيْرٍ. السَّلامُ عَلَى مَافِعِ بْنِ
جِلَالٍ. السَّلامُ عَلَى مُنْذِرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْجَنْصِيِّ. السَّلامُ عَلَى عَمْرِو بْنِ قُرْظَةَ
الْأَنْصَارِيِّ. السَّلامُ عَلَى أَبِي ثَمَامَةَ^۱ الصَّائِدِيِّ. السَّلامُ عَلَى جَوْنِ مَوْلَى
أَبِي ذَرٍّ الْيَعْفَرِيِّ. السَّلامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيِّ. السَّلامُ عَلَى
عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنَيْ عُرْوَةَ. السَّلامُ عَلَى سَيْفِ بْنِ الْحَارِثِ. السَّلامُ
عَلَى مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَارِثِيِّ. السَّلامُ عَلَى حَنْظَلَةَ بْنِ أَشْعَثَ^۲ الشَّامِيِّ.
السَّلامُ عَلَى لَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ الْكَاهِلِيِّ. السَّلامُ عَلَى بَشِيرِ^۳ بْنِ عَمْرِو
الْحَضَرَمِيِّ. السَّلامُ عَلَى عَابِسِ بْنِ^۴ شَبِيبِ الشَّامِيِّ. السَّلامُ عَلَى حَنْجَاجِ
بْنِ مَسْرُوقِ الْجَنْصِيِّ. السَّلامُ عَلَى عَمْرِو بْنِ خَلْفٍ وَشَعْبَةَ مَوْلَاهُ. السَّلامُ
عَلَى حَيَّانِ^۵ بْنِ الْحَارِثِ. السَّلامُ عَلَى مَجْنَحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدِيِّ. السَّلامُ
عَلَى نَعْمِ بْنِ عَجَلَانَ. السَّلامُ عَلَى عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَزِيدَ. السَّلامُ عَلَى عَمْرِو
بْنِ أَبِي كَثْفٍ. السَّلامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ عَوَالٍ^۶ الْحَضَرَمِيِّ. السَّلامُ عَلَى قُنَيْسِ
بْنِ مُشَيْرِ الصِّدَاوِيِّ. السَّلامُ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ عُرْوَةَ الْيَعْفَرِيِّ. السَّلامُ عَلَى

۱. عثمان بن حمر

۲. سعد التميمي بن حمر

۳. بن أبي حمر

۴. حمر بن حمر

۵. الشدادي بن حمر

۶. مروح بن حمر

۷. حمر بن حمر

عَبْدُ الرَّحْمَنِ . السَّلَامُ عَلَى قَتِيسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدَانِيِّ . السَّلَامُ عَلَى
 عَمْرِئِ^١ بْنِ كَثَّادٍ . السَّلَامُ عَلَى جَبَلَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَى مُسْلِمِ بْنِ
 كَثَّادٍ . السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْأَوْدِيِّ . السَّلَامُ عَلَى حَمَّادِ بْنِ حَمَّادٍ
 الْحِزَامِيِّ الْفَرَاتِيِّ . السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ وَمَوْلَاهُ مُسْلِمٍ . السَّلَامُ عَلَى
 بَنِي رُقَيْطٍ وَابْنِهِ عَبْدِ اللَّهِ وَعَيْنُو اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَى رُمَيْثِ بْنِ عَمْرِو .
 السَّلَامُ عَلَى سُفْيَانَ بْنِ مَالِكٍ . السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سَيَّارٍ . السَّلَامُ عَلَى
 قَارِطٍ وَكَرْبِشِ ابْنَيْ زُهَيْرٍ . السَّلَامُ عَلَى كَنَانَةَ بْنِ عَتِيقٍ . السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ
 مَالِكٍ . السَّلَامُ عَلَى مُنِيعِ بْنِ زِيَادٍ . السَّلَامُ عَلَى بُعْثَانَ بْنِ عَمْرِو . السَّلَامُ
 عَلَى جَلَّاسِ بْنِ عَمْرِو . السَّلَامُ عَلَى عَامِرِ بْنِ جَلْدَةَ . السَّلَامُ عَلَى رَائِدَةَ بْنِ
 مُهَاجِرٍ . السَّلَامُ عَلَى شَبِيبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّهْشَلِيِّ . السَّلَامُ عَلَى خُجَّاجِ بْنِ
 يَرْبُوعٍ . السَّلَامُ عَلَى جُوَيْنِ بْنِ مَالِكٍ . السَّلَامُ عَلَى شَبِيعَةَ بْنِ عَمْرِو^٢ .
 السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ بَشِيرٍ . السَّلَامُ عَلَى مَسْعُودِ بْنِ الْخُجَّاجِ . السَّلَامُ عَلَى
 عَمَّارِ بْنِ حَسَّانٍ . السَّلَامُ عَلَى جُنْدَبِ بْنِ حُجَيْرٍ . السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ
 كَثِيرٍ . السَّلَامُ عَلَى زُهَيْرِ بْنِ سُلَيْمَانَ^٣ . السَّلَامُ عَلَى قَارِصِ بْنِ حَبِيبٍ .
 السَّلَامُ عَلَى أَنَسِ بْنِ الْكَاهِلِ الْأَسَدِيِّ . السَّلَامُ عَلَى مِرْغَامَةِ بْنِ مَالِكٍ . السَّلَامُ
 عَلَى رَاجِرِ مَوْلَى عَمْرِو بْنِ الْحَقِيقِ . السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَغْفُظَ رَضِيعِ
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . السَّلَامُ عَلَى مُنِيعِ مَوْلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . السَّلَامُ
 عَلَى شُوَيْبِ مَوْلَى شَاكِرٍ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرِّبَايُونَ . أَنْتُمْ خِيَرَةُ اللَّهِ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لِأَبِي

عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَأَنْتُمْ خَاصَّةُ اخْتِصَاصِ اللَّهِ. أَشْهَدُ لَكُمْ قَوْلَتُمْ عَلَنَ
الدُّعَاءِ إِلَى الْحَقِّ. وَتَصَرُّوْهُمُ وَوَقَّيْتُمْ وَمَلَّيْتُمْ مُهَاجِكُمْ مَعَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَأَنْتُمْ الشُّعَاءُ. سُبْحَنَهُمْ وَقُرْتُمْ بِالنَّزَاجَاتِ الْفُلْنَ.
فَجَزَاكُمْ اللَّهُ مِنْ أَغْوَابٍ وَأَحْوَابٍ حَوْرٍ مَا جَاوَى مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ. هَهِنَا لَكُمْ مَا أَنْعَيْتُمْ. وَهَهِنَا لَكُمْ مَا حَوَّيْتُمْ. طَافَتْ عَلَيْكُمْ مِنْ
اللَّهِ الرَّحْمَةُ وَبَلَغَتْكُمْ بِهَا شَرَفُ الْآخِرَةِ.

آنگاه نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام برگردد و مبارک زیارت کن و آنچه خواهی مبارکدار و برای
خود و والدین خود و برادرین بسیار دعا کن که مستجاب خواهد شد این شاء الله تعالی.

زیارت نیمه رجب

بدان که از برای نیمه رجب دو زیارت است:

اول، زیارت گذشته، چنانچه تاج القضا شهد لؤلؤ تصریح فرموده در مزار که در شب و روز
نیمه رجب آن را بخوانند و زیارت مزار گذشت.

دوم، زیارتی است که شیخ طوسی در مزار نقل کرده که از زیارت مخصوصه نصف رجب
است که آن را غلبه می‌گویند.

مؤلف میگوید: یعنی نصف رجب را غلبه می‌گویند نه زیارت را، و وجه تسمیه آن به غلبه
هفتک عامه مردم است از فضیلت آن، چنانچه علامه مجلسی در مزار فرموده است، انتهى.

چون قصد کردی زیارت آن حضرت را در این وقت و آمدی در محض شریف پس داخل شو

یعنی در حرم مطهر و سه مرتبه بگو الله اکبر. و در نزد غیر منزه بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ الشَّاهِدَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
يَا أَيْوَاتِ الْغَابَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَفْنَ النُّجَاةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا

عَبْدَ اللَّهِ الْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ
وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
حَبِيبِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ
الْمُرْتَضَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ حَدِيجَةَ
الْكُبْرَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ ابْنِ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ
ابْنِ الْقَتِيلِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
وَابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَبَرَزْتَ بِوَلَدَيْكَ وَجَاهَدْتَ عَنُوكَ. وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتُرَدُّ الْجَوَابَ. وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَخَلِيلُهُ وَنَجِيبُهُ وَصَفِيُّهُ
وَابْنُ صَفِيِّهِ. يَا مَوْلَايَ^۱ رُزْتُكَ مُشْتَقًا فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ. يَا سَيِّدِي
وَأَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّكَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِأَبِيكَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَبِأُمِّكَ فَاطِمَةَ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. أَلَا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيكَ وَلَعَنَ اللَّهُ سَالِمِيكَ
وَمُبْتَغِيكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
الطَّاهِرِينَ.

آن گاه که ظهر را بپوش و متوجه شود سوی علی بن الحسین علیه السلام و آن جناب را زیارت کند

و بگوید

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ. لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ اللَّهُ

ظالمیک. ۱. إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكُمْ وَيَسْتَجِيبُكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس برو تا برسی به ظهور شهدا - و حضور الله عليهم - پس بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى الْأَنْوَاجِ الْمُسَخَّاةِ بِقَبْرِ أَبِي غِيَاثٍ اللَّهُ الْحُسَيْنِ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدُّنْيَا ۝ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مُهَيِّدُونَ ۱ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَبْرَارَ اللَّهِ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى فَلَائِكَةِ الْحَقَائِقِ بِقُبُورِكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ جَنَعْنَا اللَّهُ وَايَاكُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ زَخْفِيهِ وَتَغَتِ عَرْشِهِ إِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

بعد از آن برو به حرم عباس بن امیر المؤمنین علیه السلام چون به آن جا برسی بایست بر درگاه آن جناب و بگو: سلام الله و سلام فَلَائِكَةِ تا آخر روایت مرقوم آن حضرت که در [المفسر ازل] فصل [اعظم] همین باب [در صفحه ۱۳۲] مذکور شد.

فصل دوم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت جناب امیر عبد الله الحسین علیه السلام
در نیمه شعبان

بدین که احادیث بسیار در فضل زیارت آن حضرت در نصف شعبان وارد شده است و ذکر تمام آن‌ها منافی با اختصار است. لکن به جهت تشریح و تزیین به ذکر چند حدیث اکتفا می‌کنیم. به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که: هر که خرامند مصافحه کند با او روح خدا و بیست و چهار هزار پیغمبر علیه السلام پس باید که زیارت کند قبر امیر عبد الله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان، به مرستی که ملائکه و ارواح پیغمبران رخصت می‌طلبند و به زیارت آن حضرت می‌آیند پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان و ایشان

مصاحبه کنند یا او و با ایشان بیج پیکر اولوالعزم موح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم.

راوی گفته پرسیدم که به چه سبب ایشان را اولوالعزم می نامند؟ فرمود: دیدم جهت آن که ایشان بهیچ شمعاند به مشرق و مغرب و حق و باطل.

و در حدیث مشیر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمودند: هر که زیارت امیر ان حضرت بکند در شب همه شعبان و غرض او محض رضای خدا باشد و غیر از حق تعالی کسی منظورش نباشد، خدای تعالی در آن شب گناهانش را بامروز هر چند به عدد موی بره های قبیله گنبد بافشد، راوی تعجب کرد که همه گناهانش آمرزیده می شود فرمود که: «آیا این ثواب را از برای زیارت کننده محسن علیه السلام بسیار می دانی؟ چگونه خدا او را بامروز و حال آن که او به منزله کسی است که خدا را در عرض زیارت کرده باشد».

و سید این طاووس علیه السلام از شیخ جلیل معتد بن احمد بن داود قتی روایت کرده که او به سند خود روایت کرده از یحیی بن یعقوب که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای یونس، آمرزیده می شود گناهان گذشته و آینده هر مؤمنی که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب همه شعبان، و به او می گویند که عمل خود را از سر گیر» یونس گفت که به خدمت آن حضرت عرض کردم که ای همه برای کسی است که زیارت آن حضرت کند در شب همه شعبان؟ فرمود: «یا یونس، لو خَیَّرْتُ النَّاسَ بَیْنَهَا بَیْنَ زَارِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقَدَّاتُ دُكُوْرُ الْإِجَالِ عَلَى الْخَشْبَةِ».

حاصل معنی به طور اجمال و طریق اجمال آن که بدل ای یونس که اگر من غیر نعم مردم را به آن چیزهائی که در شب همه شعبان است از برای زائر حسین علیه السلام هر آنچه باعث شود که فعلول مردان کشیده شوند بذلار، یعنی از جهت عظمت و کثرت فضیلت و ثواب زیارت آن حضرت در این شب مردان مرد طاقت نیاورند و بهادرت کنند به زیارت آن حضرت بدون عتبه، پس آنکه جور و ضلال آن ها را گرفته و بذلار کنند چنانچه نظیر این مطلب واقع شد او برای مسحور او فرمود، هنگامی که به حضرت موسی علیه السلام ایسان آوردند و به تعذیبات و تضییقات فرعون استغاثی نمودند و گفتند: «لَا ضَیْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ».

و سید این طاووس علیه السلام فرموده که: شاید معنی این باشد که ایشان را بذلار کنند از جهت عظمت آنچه که این جماعت نقل و روایت می کنند در فضیلت زیارت آن حضرت در این شب، و معانی دیگر نیز شده است که ذکرش مناسب نیست.

واما الفاظ زیارت پس [به] دو شعر رسیده است

اول: همان زیارت اول و جب است که شیخ مفید و دیگران صریحاً فرموده اند که آن را در شب نیمه شعبان بخوانند و سید اجل علی بن طاووس علیه السلام نیز در صحیح الزکریا زیارت را در اول رجب در فصل زیارت نیمه شعبان ذکر فرموده است و اما زیارت مخصوصه به (این شب) پس به تحقیق که روایت شده که آن ضرب و زیارت کنند در این شب به آن زیارتی که در اول رجب ذکر کرده ایم پس در آنجا بگرد و زیارت کنند و این کلام صریح است که الفاظ آن زیارت و اختصاص آن به اول رجب و شب نیمه شعبان هر دو مریست.

زیارت نیمه شعبان

دوم: زیارتی است که شیخ کفمی در کتاب بلد الامین در زیارت نصف شعبان ذکر کرده و آن را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: در زیارت امام حسین علیه السلام نزد قبر می ایستد و می گوید:

أَتَعْبُدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِيُّ.
أُوَدِّعُكَ شَهَادَةً بِمَنِي لَكَ تَقَرُّنِي إِلَيْكَ فِي يَوْمٍ شِعَاعَتِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ
وَلَمْ تُمِتْ. بَلْ بَرَجَاءَ حَيَاتِكَ حَيْثُ قُلُوبٌ شِعْبَتِكَ. وَبِضِيَاءِ نُورِكَ
اِخْتَدَى الْعَالَمُونَ إِلَيْكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ نُورٌ أَلْفَى لِي لَمْ يُطْلَأْ وَلَا يُظْلَمْ أَبَدًا.
وَأَنَّكَ وَجْهٌ أَلْفَى لِي لَمْ يَهْلِكْ وَلَا يَهْلِكْ أَبَدًا. وَأَشْهَدُ أَنَّ هَلِكِ الشُّرُونَةُ
كُزْبَتِكَ وَهَلَا الْخَرَمُ حَرَمُكَ. وَهَلَا الْمَضْرَعُ مَضْرَعُكَ بِذَلِكَ. لَا ذَلِيلٌ وَاللَّهِ
مُعِيرُكَ. وَلَا مَغْلُوبٌ وَاللَّهِ نَاصِرُكَ. عَلَيْهِ شَهَادَةٌ لِي بِعِزَّتِكَ إِلَى يَوْمِ الْقَبْرِ
رُوحِي بِحَضْرَتِكَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

مؤلف گوید که علامه مجلسی علیه السلام این زیارت را در نسخه نقل فرموده و احتمال داد که از زیارت مطلق باشد و در چهار مرتبه فرموده ظاهر این است که این زیارت مطلقه است یعنی مخصوص به نیمه شعبان نیست و لکن کفمی آن را برای نیمه شعبان نقل کرده و ظاهر آن است که برای ظهور مذکور محلی نباشد و روا که هرگز عالمی حمل طلق را به میل خود به وقتی معین نکند و آن را در وظائف آن وقت نسرود پس لابد باید حمل کرد این مطلب را بر آن که در غیر مذکور یا در

خبر دیگر تشریح به اختصاصی شده که به نظر شیخ کفعمی رحمه الله و الله العالم

فصل سوم

در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در ماه رمضان و کیفیت زیارت آن حضرت در شبهای قدر

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که سؤال کردند از فضیلت زیارت ابي عبد الله الحسین علیه السلام در ماه رمضان فرمود که: هر که به زیارت آن حضرت برود از روی خشوع و برای خدا و پشیمان از گناهان و طلب آمرزش کننده از آنها، در یکی از سه شب از ماه رمضان، در شب اول ماه، یا در شب نیمه، یا در شب آخر آن ماه، گناهان و خطاهای او فرو ریزد، چنانکه برگهای مشکبده به پا تند از درختان می‌ریزد، تا آن که از گناه پاک شود مانند دوری که از مادر متولد شده است و با این توبه از برای او باشد مثل توبه کسی که در آن سال حج و عمره کرده باشد، و دو ملک او را خدا کند که نهای اقبال را هر صاحب روحی بشنود به غیر از جن و انس یکی از آنها گوید که: ای بنده خدا پاک شدی پس عمل را از سر گیر، و دیگری گوید که: ای بنده خدا دهشت مستجاب شد، پس بشارت باد تو را به آمرزش از جانب خدا و فضل بزرگه.

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: شب قدر در دهه آخر ماه رمضان است هر که آن شب را نزد قبر امام حسین علیه السلام در یابد و در رکعت یا بیشتر نماز در آنجا بکند و از حق تعالی بپشت را سؤال کند و پناه برد به سوری او از آتش جهنم حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که سؤال کرده است، و پناه دهد او را از آنچه از آن پناه جسته است و همچنین اگر سؤال کند که خدا، بدهد به او بهترین چیزهایی که در این شب مقدر شده است و نگاه دارد او را از چیزهای بدی که در این شب مقدر شده است، یا حاجتی از خدا بطلبد که در آن گناهی نباشد امیدوارم که سؤالش به او داده شود، و از چیزهایی که حذر کرده است نگاه داشته شود و شفاعت او را قبول کند حق تعالی در حق ده کس از اهل بیت او که همه مستوجب عتاب شده باشند و حق تعالی بسیار خیر رساننده است به سؤال کننده و بنده خرد.

و از امامزاده لازم القظیم حضرت عهد العظیم متقول است که حضرت امام معتمد تقی علیه السلام

فرمود که هر که زیارت کند چندی حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان المبارک - و آن شبی است که نهد هفت شب قدر باشد و در آن شب هر امر حسنی جف و مقدر می شود - مصافحه کنند با لور روح صدف بیست و چهار هزار پندیر که هفت رحمت می طلبند از خدا در زیارت آن حضرت در این شب.

و در حدیث مطهر دیگر از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «چون شب قدر می شود منادی از آسمان اعلام از بطن عرش ندا می کند که حق تعالی آسروید هر که را که به زیارت قبر حسین علیه السلام آمده».

و احادیث دیگری که بعد از این ذکر می شود این شاء الله تعالی.

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در لیالی قدر

و اما القاطنی که زیارت کرده می شود حضرت امام حسین علیه السلام به آن در لیالی قدر چنان است که شیخ مفید و محمد بن الشهدی و ابن طایوس و شهید علیه در کتب مزار ذکر سجده کنند و آن زیارت را مختص به این شب و عیدین^(۱) قرار داده اند و شیخ محمد بن الشهدی به اسناد معتبر خود آن را در حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و گفته که آن حضرت فرمودند: «والتی که اراده کردی زیارت کنی ای عبد الله الحسین علیه السلام را پس برو به مشهد آن حضرت بعد از آن که غسل کرده باشی و پاکیزه ترین جامه های خود را پوشیده باشی پس چون ایستادی نزد قبر آن حضرت روی خود را به جانب آن حضرت کن و قبله را میان دو کتف خود قرار داده و بگو

السلام عليك يا ابن رسول الله. السلام عليك يا ابن أمير المؤمنين.
السلام عليك يا ابن السديقة الطاهرة فاطمة سيدة نساء العالمين. السلام
عليك يا مولاي يا أبا عبد الله ورحمة الله وبركاته. أشهد أنك قد أقمت
الصلاة. وأقيمت الزكاة. وأقررت بالمعروف ونهيت عن المنكر. وتلوت
الكتاب حق تلاوته. وجاهدت في الله حق جهاده. وصبرت على الأذى في

۱ و شیخ محمد بن الشهدی متذکره آن را به روز عیدین پس بعد از نماز عصر و عصر آمده است.

جَنَّبَهُ مَخْطِئاً. حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ حَقَّقُوا وَحَارَبُواكَ وَالَّذِينَ
حَدَّلُواكَ وَالَّذِينَ قَتَلُواكَ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ. وَلَقَدْ خَابَ مَنْ
اقتَرَى. لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاغَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ
الْأَلِيمَ. أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَابِعاً عَارِفاً بِحَقِّكَ. مُوَالِياً
لِأَوْلِيَانِكَ. مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ. مُسْتَجَبِراً بِأَهْلِيكَ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ عَارِفاً
بِضَلَالَةِ مَنْ حَقَّقَكَ. فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ.

پس بچسبان خود را بر قبر و روی خود را بر آن گذار آن گاه می روی به جانب سر مقدس و

می گویی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْصِهِ وَسَمَائِهِ. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى رُوحِكَ
الطَّيِّبِ وَجَسَدِكَ الطَّاهِرِ. وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس بچسبان خود را به قبر و صورت خود را بر آن بگذار و به جانب سر بگرد پس دو رکعت
نماز زیارت گذار. و تبار کن بعد از آن دو رکعت. آنچه پیشتر شود بود. پس از آن برو به سمت پا
و زیارت کن علی بن الحسین علیهما السلام را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. لَعَنَ اللَّهُ مَنْ
ظَلَمَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ. وَصَاغَفَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. وَدَعَاكَ بِأَهْلِهِ
مِنْ خَوَاصِّ.

پس شهدا را زیارت کن و در حالی که از سمت پا به طرف قبله می روی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الصَّادِقُونَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ
الصَّابِرُونَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْآدَنِ فِي
جَنْبِ اللَّهِ وَنَصَحْتُمْ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَحْيَاءُ
عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرَرَّقُونَ. فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ جَزَاءِ

الْمُحْسِنِينَ • وَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ فِي حَقْلِ النِّعَمِ

پس می‌روی به زیارت عیسی بن مریم المؤمنین علیه السلام ، همین که آنجا رسیدی و ایستادی نزد آن جناب بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ • السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ
الْمُنْعِمُ إِلَهُ وَلِرَسُولِهِ • أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى آتَاكَ
الْيَقِينُ • لَقَى اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْحَقَّاهُمْ بِسَلْوَةِ
الْجَنَّةِ

پس نماز تطوع کند در مسجد آن جناب هر چه خواهد و بیرون رود.

فصل چهارم

در زیارت حضرت امی عبد الله الحسین علیه السلام است

در عیدین، یعنی عید فطر و عید قربان

به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در یک شب از سه شب عید فطر یا
شب عید اضحی یا شب نیمه شعبان، قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند گناهان گذشته و آینده‌اش
آمریزده می‌شود.

و به روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که هر کس سه شب است که
هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در آن شبها گناهان گذشته و آینده‌اش آمریزده
می‌شود: شب نصف شعبان و شب ییسم و سزم ماه رمضان و شب عید فطر.

و در حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروی است که هر که شب عرفه در زمین کربلا باشد و بماند
آنجا تا زیارت وودر عید کند و برگردد نگاه دارد حق شالی او را از هر آن سال.

بدن که در برای عید فطر و اضحی در زیارت است:

اول. زیارت سابقه که به جهت شبهای فطر [در صفحه ۱۵۲] ذکر شد چنانچه شیخ مفید و

این طابوس و شهادت تصریح کرده اند و مسجد بن المهدی گفته آن را در عیدین بر بخوانند
زیارت شب عید فطر و شب عید قربان

دوم. واری است که شیخ مفید و سید ابن طاووس و شیخ شهید علی آن را ذکر نمودند و آن
را در زیارت مخصوصه شب عید فطر و شب عید قربان شمرده اند و از آن دعوی شروع کرده اند و
مسجد بن المهدی آن را در عید مطلق شمرده و لکن گفته که در عیدین بر بخوانند و ظاهر
عیدین دور است و برای زیارت مقتضای بر ذکر نموده و لکن ما در این جا متابعت کنیم در نقل
زیارت کلام مفید و سید و شهید را که فرمودند: چون خواند کتب زیارت آن حضرت را در این دو
شب، پس بایست بر در نه سوره و نظر میکند به جانب قبر و بگوید به جهت استدلال

یا مَوْلای یا اَبَا عَبْدِاللهِ یا اَبْنِ رَسُولِ اللهِ عَیْدُكَ وَ اَبْنِ اَمَّتِكَ الذَّلِيلُ بَیْنَ
بَیْدِكَ وَ الْمُضَلُّ فِی غُلُوِّ قُدْرِكَ وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ جَانِكُ مُسْتَجِیراً بِكَ
لِاحْصَاءِ اِلَى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهاً اِلَى مَقَامِكَ مُتَوَسِّلاً اِلَى اللهِ تَعَالَى بِكَ اَدْخُلْ
یا مَوْلای اَدْخُلْ یا وَلِیَّ اللهِ اَدْخُلْ یا غَلَايَكَةَ اللهِ الْمُخْبِلِیْنَ بِهَذَا الْحَرَمِ
الْمُقَمَّمِ فِی هَذَا الْمَشْهَدِ

پس اگر دست خالص شد و چشمت گریان شد پس داخل شو و مقدم دار پای راست را بر پای
چپ و بگو

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللّهِ وَ فِی سَبِيلِ اللهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ اَللّهُمَّ اَسْزِلْنِی
مُسْرَلاً مُبَارِکاً وَ اَنْتَ خَيْرُ الْمُفْرِلِیْنَ
پس بگو

اَللهُ اَكْبَرُ كَثِیْراً وَ الْحَمْدُ لِلّهِ كَثِیْراً وَ سُبْحَانَ اللهِ بِكْرَةً وَ اَسْمِلاً وَ الْحَمْدُ
لِلّهِ الْفَرْدِ الْقَمَدِ الْمَاجِدِ الْاَحَدِ الْمُتَمَسِّكِ الْمَتَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِیْ مِنْ
تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لِیْ رِیَازَةَ مَوْلای بِاخْصَانِهِ وَ لَمْ یَغْفُلْنِیْ عَنْ رِیَازَتِهِ مُتَوَعِّهاً
وَ لَا عَنْ یَقِیَّتِهِ مُتَوَعِّهاً بَلْ تَطَوَّلَ وَضَحَ

پس داخل شو و چون به میان روضه رسیدی بایست محاذی قبر مطهر با حال خضوع و گریه و

تصریح دیگر

السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح
 آمين الله السلام عليك يا وارث ابراهيم خليل الله السلام عليك
 يا وارث موسى كلم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام
 عليك يا وارث محمد صلى الله عليه وآله حبيب الله السلام عليك
 يا وارث علي حجة الله (عليه السلام) عليك ايها الوصي البر التقي السلام
 عليك يا ثار الله واثار نبيه والوتر الموثور. اشهد أنك قد أتممت الصلاة
 وأتيت الزكاة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر. وجاهدت في الله
 حق جهاد حتى استببح خرمك وقيلت مظلوماً

پس بایست در نزد سر مقدس با دل خالص و چشم گردان پس بگوید

السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام
 عليك يا ابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابن طائفة الزهراء سيدة نساء
 العالمين السلام عليك يا بطل المسلمين يا مولاي اشهد أنك كنت نوراً
 في الأضلاب الشامخة والأرحام المظفرة. ثم تسبكت الجاهلية بأنجاسها
 ولم تلبسك مذاهبات شياها. وأشهد أنك من قضايم الدين وأركان
 المسلمين ومغفل المؤمنين. وأشهد أنك الإمام البر التقي الرضي الرضي
 الهادي المهدي. وأشهد أن الأئمة من ولدك كلمة التقوى وأعلام الهدى
 والعروة الوثقى والخجة على أهل الدنيا.

پس بپسپان خود را به غیر و بگوید

يا لله ويا إليه راجعون يا مولاي انا موال لوليتكم ومعاد لبعوثكم
 وانا بكم مؤمن ويا ابا بكم مؤمن بشرائع ديني وحواليم غملي وقلبي

يَقْبَلِكُمْ سَلَامًا وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُسَبِّحٌ يَا مَوْلَايَ أَتَيْتُكَ خَائِدًا فَأَيِّنِي وَأَتَيْتُكَ مُسْتَعِيرًا فَأَجِرْنِي وَأَتَيْتُكَ فَقِيرًا فَأَغْنِنِي وَيَا مَوْلَايَ أَنْتَ مَوْلَايَ حُبَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَعْنَتْ بِسِرِّكَمُ وَعَلَايَتِكُمْ وَبِظَاهِرِكُمْ وَسَاوِيَتِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْخَالِي لِكِتَابِ اللَّهِ وَأَمِينَ اللَّهِ النَّاسِي إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْجِبَةَ الْفَحْشَى لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتَكَ^(١) وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَوَّغَتْ بِذَلِكَ قَرَضِيَّتَ بِهِ.

پس دو رکعت نماز نبرد سر آن حضرت بکن و چون سلام گفتی بگو

اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحَدِّدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَإِنَّهُ لَا تُجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْلَغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ وَازِدْهُ عَلَى وَصْفِهِمُ السَّلَامَ اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ رَكَعَتَانِ^(٢) هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي الْمُحْسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي وَأَجِرْنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

پس بیست و یک بار خود را بر سر و پیروس آن نوازد بگو

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمُظْلَمِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْمَهْرَاتِ وَأَسِيرِ الْكُرْبَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيُّكَ وَأَبْنُ وَلِيِّكَ وَصُوبُكَ الثَّابِتُ بِمَحْفُوكِ أَكْرَمَتُهُ بِكَرَامَتِكَ وَخَسَمْتُ لَهُ بِالشَّهَادَةِ وَجَعَلْتَهُ شَيْدَا مِنْ السَّادَةِ وَقَاتِدَا مِنْ الْقَادَةِ وَأَكْرَمَتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَأَعْظَمَتَهُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُبَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْلَزَ فِي النُّعَامِ وَمَنْحَ النَّصِيحَةِ وَتَقَلَّ مَهْجَتَهُ فِيكَ حَتَّى اسْتَفْتَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةِ

الضَّلَاةِ وَقَدْ تَوَارَزَ عَلَيْهِ مَنَ عَرْقَةُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَقَّهُ مِنَ الْآخِرَةِ بِالْأَذْنِ
وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَيْبِكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ لَوْلِي الشَّقَاقِ
وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّازِ فَجَاعَلَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُتَحَسِّبًا مُقْبِلًا
غَيْرَ مُدِيرٍ لَا تَأْخُلُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُفِكَ فِي طَاعَتِكَ فَعُ
وَأَسْتَبِيحُ خُرُجَهُ اللَّهُمَّ افْعَلْهُمُ لَعْنًا وَيْلًا وَغَلَبَهُمْ غَلَابًا أَلِيمًا

پس بگردد به جانب علی بن الحسن علیه السلام و آن جانب در طرف پای مبارک حضرت حسین علیه السلام

است. پس بگردد

السلام عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
السلام عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهِيدُ يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي جِشْتَ
سَعِيدًا وَأَلْبَسْتَ مَظْلُومًا شَهِيدًا

پس دو کس به سوی قبر شهدا - رضوان الله علیهم - و بگردد

السلام عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَأْثُورُونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ
فِيهِمْ غُصْنِ الدَّارِ يَا بَنِي أَنْتُمْ وَأُمِّي لَرْتُمْ قُوًّا عَظِيمًا

پس برو به مشهد عباس بن علی علیه السلام و بایست نزد خراج شریف آن جانب و بگردد

السلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ وَالصِّدِّيقُ الْفَوَاسِي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ
بِاللَّهِ وَتَضَرَّعْتَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ وَوَأَسَيْتَ بِتَقْوِكَ
فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ النَّجَاةِ وَالسَّلَامِ

پس بچسبان خود را به قبر و بگردد

يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ
الصِّدِّيقِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْمُحْسِنِينَ الشَّهِيدِ عَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ مَا
بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

پس نماز کن در نزد سر آن حضرت دو رکعت و بگو بعد آن آنچه را که می‌گفتی در نزد سر حضرت حسین علیه السلام پس بخوان دعای اللهم انی لک ضلیلتُ [در جلعه ۱۵۸ مذکور شد]. پس برگرد به سوی مشهد [امام] حسین علیه السلام و بپل در نزد آن حضرت آنچه خواهی مگر آن که مستحب است که آنجا را مکان بی‌توبه پس خوابگاه قرار ندی.

زیارت وداع

و چون خواهی وداع کنی آن حضرت را بایست در نزد سر و کمره کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُؤَدِّجٌ لَا قَالِي وَلَا سَمِيحٌ. لِأَنَّ أَنْصَرِفَ فَلَا عَنْ غِلَالَةٍ. وَإِنْ أَقِمَّ فَلَا عَنْ شَوْءٍ عَنَّا بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ. يَا مَوْلَايَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْفَقْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ. وَزِدْنِي الْقُوَّةَ إِلَيْكَ وَالْمُقَامَ لِي خَزِينِكَ وَالْكَوْنُ فِي عَشِيدَتِكَ. آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

پس بیوس طرح را، و جمیع بدن خود را بر آن بمال، به درستی که آن باعث امان می‌شود و حرز تو است، و بیرون برو از نزد آن حضرت به طوری که روبرو به جانب قبر باشد و پشت بر او مکن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ الْمَقَامِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْفِصَامِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ النِّجَاةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ رَبِّي الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْحَرَمِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ النَّبِيُّ وَالنَّهَارُ.

و بگو اِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاغِبُونَ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. پس برود بیرون.

و سید ابن طاووس و محدثین الشهدی گفته اند پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی حالی که زیارت کرده غنا را در عرش.

فصل پنجم

در فضیلت و کبایت زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام است در روز عرفة
بیان که آنچه از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در باب زیارت عرفة رسیده از کثرت اخبار
و بسیاری فضیلت و ثواب میکی است که تمام ضبط شود و انتشار آن مستطیع است از ذکر بعضی
لکن ما به جهت تشویق (زیرین و نیز کما و تبتاً به ذکر چند حدیث اکتفا می نمایم.
به سند معتبر منقول است از بشیر دقان که گفت: عرض کردم به خدمت حضرت صادق علیه السلام که
گاه هست حج از من فوت می شود و روز عرفة را نزد قبر امام حسین علیه السلام می گذرانم. فرمود که:
«ایک می کنی ای بشیر» هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود یا شناسائی حق آن
حضرت در شهر روز عید نوشته خود برای او ثواب بیست حج و بیست عمره مقبوله و بیست جهاد
با پشمیر مرسل یا امام عادل و هر که زیارت کند آن حضرت را در روز عرفة یا معرفت حق آن
حضرت نوشته شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمره پندیده مقبوله و هزار جهاد با پشمیر
مرسل یا امام عادل. گفتم: کجا حاصل می شود برای من ثواب موقف عرفات؟ پس آن حضرت
نظر کرد به سوی من مانند کسی که مشتعل باشد و فرمود که: «ای بشیر هرگاه مؤمنی برود به
زیارت قبر امام حسین علیه السلام در روز عرفة و غسل کند در نهر فرات» پس متوجه شود به سوی قبر
آن حضرت بنویسد حق تعالی از برای تو به هر گامی که بر می داری، حجتی که با همه مناسک به
عمل آورده باشی و چنین گمان دارم که فرمود: «و عسکری».

و در احادیث کثیره بسیار مستحضر وارد شده که حق تعالی در روز عرفة اول نظر رحمت به سوی
زائران قبر حسین علیه السلام می افکند پیش از آنکه نظر به اهل موقف عرفات کند.

و در حدیث معتبر از رفاعة منقول است که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که: «اسأل حج
کردی؟» گفتم: «نداشتیم روی نداشتیم که به حج روم» و لیکن عرفة را سرد قبر امام حسین
کنار آمدیم. فرمود که: «ای رفاعة هیچ کوی نامی نکرده ای از آنچه اهل منی دو آن بودند» اگر نه این بود
که کراهت دارم که مردم ترک حج کنند هر آینه حدیثی برای تو می گفتم که هرگز ترک زیارت قبر
آن حضرت نکنی.

پس ساعتی ساکت شد و بعد از آن فرمود که: خبر ده مرا پدرم که هر که بیرون رود به سوی قبر امام حسین علیه السلام و عارف به حق آن حضرت باشد و با تکبیر برود، همراه او می شود هزار ملک از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و نوشته شود برای او ثواب هزار حج و هزار عمره که پشیمان یا وصی پشیمان کرده باشد.

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که: هر که بر پیشان باشد و او را حشر شود حجت الاسلام، پس برود در روز عرفة را نزد قبر امام حسین علیه السلام بگفتارند که آن مجری است از حجت الاسلام، و می گویم که از حج مجری است. مگر از برای کسی که بر پیشان باشد. اما مالدار هرگاه حج واجب و واجب خود را کرده باشد و خوند که حج مشن با عمره است بکند و شغل دنیایی با عاقبتی او را مانع شود برود نزد قبر آن حضرت در روز عرفة که او را مجری است از دعا کردن حج و عمره و مضاعف گرداند حق فعلی ثواب آن را از برای او باضافه بسیار، راوی پرسید که: برابر چند حج و چند عمره است؟ فرمود: «آن را می توان احصا کرده، پرسید که: حد برابر آن فرمود که: «کسی احصا می تواند کرده، پرسید که: هزار برابر فرمود: «بیشتر، پس این آیه را خواند که مضمونش این است که اگر بشمارید نعمت های خدا را احصا نمی توانید کرد آن ها را، به درستی که عید واسع الطوار کریم است.

و غیر از این اخبار از احادیث دیگر ذکرشان موجب تطویل کلام است.

زیارت روز عرفة

و اما کیفیت زیارت روز عرفة پس چنان است که محدثین الشهدی در مزار و سید ابن طاووس در تنبیه و مصباح و شیخ مفید و شهید در مزار خود ذکر نموده اند، و همگی آن را از برای روز عرفة گرفته اند، و لکن طایفه مجلسی علیه السلام در بعضی شب را نیز ملحق به روز فرموده اند و میسندن پیشان از نظر ما مستفی است.

و بالجمله این برگزینان فرموده اند که چون خواستی آن حضرت را در ای روز زیارت کنی، پس اگر ممکن شد تو را که از فرات غسل کنی چنان کن. و اگر نه از هر آبی که تو را ممکن باشد، و با کوزه نری جامه های خود را بپوشی و قصد زیارت آن حضرت کن در حالی که با آردی و وقار و ناکی باشی.

پس چون به دو حایر برسی بگو الله اکبر و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا. وَصُبْحَانُ اللَّهِ بِكَرَّةٍ وَأَسْمَاءً.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ. لَقَدْ
جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ. السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ
عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ.
السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى. السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ
بْنِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَى الْحَكِيمِ الصَّالِحِ
الْمُصْطَفَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمِّكَ الْهَوَالِي لَوْلَيْكَ الْمُعَادِي لِعَنُوكَ اسْتَجَارَ
بِشَهِيدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقُبُوكَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايِكَ وَخَصَّنِي
بِلَوْلَايِكَ وَسَهَّلَ لِي قُبُوكَ

پس داخل روضه شریک بایست معاذی سرود بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آفَمِ صَفْوَةِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي مُحَمَّدٍ
الْمُصْطَفَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي حَدِيدَةَ الْكَثِيرَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنِ
ثَارِهِ. وَالْوَثْرُ الْمُؤْتَوِّرُ. أَشْهَدُ لَكَ قَدْ لَقِمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الرِّكَاءَ وَأَمَرْتَ

بِالْمَعْرُوفِ وَتَهَيَّئَتْ غَيْرَ الْمُنْكَرِ . وَأَلَمْتَ لِلَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ . فَلَمَّا أَمَّا
 قَسَمْتُكَ وَلَقِّنَ اللَّهُ أُمَّةً طَلَمَتَكَ . وَلَمَّا أَمَّا سَمِعْتَ بِذَلِكَ فَرَجَيْتَ بِهِ .
 يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ
 وَبِإِيَّاكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَحَوَائِمِ عَمَلِي . فَصَلَّوْا اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى
 آبَائِكُمْ وَعَلَى أَسْبَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى عَائِلَتِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَابْنِ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَابْنِ
 قَائِدِ الْعَرِّ الْمُحْجَلِينَ إِلَى جَنَّاتِ النُّعْمِ . وَكَيْفَ لَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ بَابُ
 الْهُدَى وَإِمَامُ الثَّقَلَيْنِ وَالْعَزَّةِ الْوُثْقَى وَالضُّعْفَةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَخَاصِّ أَصْحَابِ
 الْكِسَاءِ ؟ هَذَلِكَ يَدُ الرَّحْمَةِ وَرُخَصَتِ مِنْ ثَنِي الْأَيْمَانِ وَذَاتُ لِي جَبْرِ
 الْإِسْلَامِ . فَالْتَقِمْ غَيْرَ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ وَلَا شَاكِيَةٍ فِي حَيَاتِكَ صَلَّوْا اللَّهُ
 عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَهْلِكَ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَرِيحَ الْعِزَّةِ الشَّاكِيَةِ وَفَرِيحَ
 الْمُصِيبَةِ الرَّابِيَةِ . لَمَّا اللَّهُ أُمَّةً اسْتَعْلَتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ . فَصَلَّيْتُ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ
 مَقْهُورًا وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ بِكَ مُؤْتَوِّرًا وَأَنْصَحَ كِتَابُ اللَّهِ لِقُطْبِكَ مَهْجُورًا .
 السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَخِيكَ وَعَلَى الْأَبْنَاءِ مِنْ بَيْتِكَ وَعَلَى الْمُتَشَفِّعِينَ
 مِنْكَ . وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْعَاقِلِينَ بِقَبْرِكَ وَالشَّاهِدِينَ لِرُؤُوسِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ
 عَلَى دُعَاءِ شَيْعَتِكَ . وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي
 يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّؤْيَةُ وَجَلَّتْ
 الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . فَلَمَّا أَمَّا أُمَّةً
 أَسْرَجَتْ وَالْجَمْعُ وَتَهَيَّيْتُ لِقِتَائِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ . فَصَدْتُ حَزْمَكَ
 وَاتَّيْتُ مَشْهَدَكَ . أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّأْبِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَالْمَعْمَلِ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ أَنْ

يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَنِي مِنْكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِسْمِهِ
وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ

پس بیوس صریح راه و دو رکعت نماز کن در بالای سر و در این دو رکعت هر سوره ای که
می خواهی بخوان و چون فارغ شوی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّثَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. لِأَنَّ
الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ. لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِمْ غَنِي أَفْضَلِ التَّجْبِيَةِ
وَالسَّلَامِ. وَارْزُقْ عَلَيَّ مِنْهُمْ التَّجْبِيَةَ وَالسَّلَامَ. اللَّهُمَّ وَهَاتِلِي الرُّكُوعَتَيْنِ حَدِيثَهُ
وَبْنِي إِلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْمُحْسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ. اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَأَجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ الْفَضْلِ أَمَلِي
وَرَجَائِي فَبِكَ وَفِي وَلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس برپا گرد و برو به سوی پای مبارک حضرت (امام) حسین (علیه السلام) و زیارت کن صلی بن
الحسین (علیه السلام) و اگر سر آن جناب در نزد پای ای مهدی (علیه السلام) است پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ بْنُ الشَّهِيدِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ بْنُ الْمَظْلُومِ. لَمَنْ
لَقِيَ اللَّهَ أُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَقِيَ اللَّهَ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ. وَلَقِيَ اللَّهَ أُمَّةً شَوَّعَتْ بِذَلِكَ
فَرَصِيحَتِ بِهِ

پس سود را به قبر پیمیان و بیوس آن را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ. لَقَدْ عَظُمَتْ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ
الرُّؤْيَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ. فَلَقِيَ اللَّهَ أُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَابْتَرَأَ إِلَى اللَّهِ

وَالْبِكَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس توبه کن به جانب شهدا و زیارت کن ایشان را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَجْبَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْحَابَاءَ اللَّهِ
وَأَوْفَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ وَأَنْصَارَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي
مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ
الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ وَطَابَتْ
الْأَرْضُ الَّتِي لَهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ وَاللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مِنْكُمْ
فَأَقُولُ مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ زَوْفِيَاءَ
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پس برگرد به جانب سر امام حسین علیه السلام و بسیار دعا کن از برای خود و از برای اهل و عیال و
برادران مؤمن خود و شیخ علیه السلام فرمود که چون از راه کردی بیرون آیی بهسبب خود و برادر
پس آن را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حَالِصَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ سَلَامٌ مُودِعٌ لَا قَالٍ وَلَا سَتِمٌ فَإِنْ
أَمْسَى فَلَا غَرْفَ غِلَافَةٍ وَإِنْ أَقَمَ فَلَا غَرْفَ شَوْءٍ عَلَيَّ بِمَا وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرِينَ لَا
جُفَاءَ اللَّهُ يَا مَوْلَايَ آجِرَ الْخَطِيئَةِ لِزِيَارَتِكَ وَوَدَّقَنِي الْحَمْدُ إِلَى مُشَاهِدَةِ
وَالْمَقَامِ فِي حَرَمِكَ وَأَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

پس بیرون برو و پشت به قبر من و بسیار بگو اِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

و زیارت حضرت عباس علیه السلام

پس برو به زیارتگاه جناب بن علی علیه السلام همین که آنجا رسیدی بایست نزد قبر و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَنَدِكَ
أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ تَضِيئْتَ عَلَى مَا مَعْنَى [عَلَيْهِ] الْبَنَرِيُّونَ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ الْمُتَمَيِّضُونَ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُتَمَيِّضُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ
فَجَرَّكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَأَوْفَرَ جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بِوَعْدِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ
دَعْوَتُهُ وَخَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصُّدُوقِيِّينَ وَحَسَنَ لَوْلِكَ رَافِقًا

پس دو رکعت نماز کن در نزد سر و بخوان خدا را بعد از آن به هر دعا که می خواهی پس

چون نواذی بیرون آمدن کنی وداع کن آن جناب را و بگو:

اَسْتَغْوِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَزِعُكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللهِ وَرَسُولِهِ
وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تُجْعَلْهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ رِيَاظِي قَهْرٍ وَلَيْكَ وَإِنِّي أَخِي تَبِيكُ وَأَرْزُقْنِي رِيَاظَتَهُ مَا
أَبْقَيْتَنِي وَخَشَرْنِي مَعَهُ وَنَحْ أَبَاتِهِ فِي الْجَنَّةِ

و دعا کن از برای خود و برای پدر و مادر و برادران مؤمن خود

وداع با حضرت سید الشهداء

پس برگرد به سوی قبر حسین علیه السلام به جهت وداع آن حضرت پس چون خواستی وداع کنی

بابت نزد قبر چنانچه بار اول استادی و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَقِيلٍ اللَّهُ أَنْتَ لِي جُمُعَةٌ مِنَ
الْعَذَابِ وَهَذَا لَوْ أَنَّ انْتِهَرَفِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا مُسْتَجِبٍ لِكَ جِوَالِكَ
وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ وَلَا زَاجِدٍ فِي قُرْبِكَ أَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ لَا يَجْعَلَ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي وَبَيْنَ رُجُوعِي وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ وَهَدَانِي
لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَلِرِيَاظِي إِيَّاكَ أَنْ يُؤَدِّيَ حَوْصَكُمْ وَيَرْزُقَنِي شِرَافَتَكُمْ فِي
الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ

یس سلام کن بر پیغمبر و هر یک از اهلان بیت و دعا کن به آنچه می خواهی، پس رو کن به
قبر شهدا و وداع کن ایشان را و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. اللَّهُمَّ لَا تُجْعَلْهُ آخِرَ الْقَهْدِ مِنْ
رِيَازَتِي يَا هُمُ وَأَشْرِكْتَنِي مِنْهُمْ فِي صَلَاحٍ مَا أَنْعَمْتَنِي عَلَى تَصْرِيفِهِمْ ابْنِ
نَبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا وَابِلًا فِي حَبَّتِكَ مَعَ الشَّهَدَاءِ
وَالصَّالِحِينَ وَحَسِّنْ لَوْلُوكَ زَفِيقًا أَسْتَوِدُّكُمْ اللَّهُ وَالْقُرْأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ.
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْقُوَّةَ الْيَتِيمَ وَأَحْشُرْنِي مِنْهُمْ بِأَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس بفرموده دو و هفت به قبر مکن تا آنکه از نظرت پنهان شود و بایست در نزد در، روی به
سوی قبله و دعا کن به آنچه خواهی و برو به کار خود پس بسم الله

مؤلف گوید که چون از زیارت عرفه فارغ شوی بمکن به جهت زیارت حید قربان و زیارت
مخصوصه آن را ما در سابق نقل کردیم، رجوع کن به آنجا و بخوان آن را در شب عید و روز آن

فصل ششم

در فضیلت و کیفیت زیارت حضرت امی عبد الله الحسین علیه السلام
در شب و روز عاشورا

امید این طائوس به سند معتبر روایت کرده از جابر جعفی که حضرت صادق علیه السلام فرمود که:
هر که شب عاشورا نزد قبر حسین علیه السلام تا صبح بماند در روز قیامت خدا را ملاقات کند آورده به
خون خود و چنان باشد که در عرصه کربلا با آن حضرت عهد شده باشد.
و در احادیث کثیره وارد شد که هر که روز عاشورا آن حضرت را زیارت کند بهشت بر او
واجب شود و در روایات دیگر، مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

و در کامل الزیارات به سند معتبر روایت شده که هر که در روز عاشورا نزد قبر امام حسین علیه السلام
مردم را آب دهد، مثل کسی باشد که لشکر آن حضرت را آب داده باشد و با آن حضرت در کربلا
حاضر شده باشد.

شیخ صدوق علیه السلام در جمله ای از کتب خود از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که

فرمودند: هر که برکت کند سعی کریم در حایات‌های خود در روز عاشورا حق تعالی حایات‌های دنیا و آخرت او را بر آورد. و هر که روز عاشورا روز محبت و سز و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز طرح و خوشحالی او گرداند و دیدنی در بهشت به ما روشن گردد. و هر که روز عاشورا و روز برکت نام کند و در خانه خود چیزی ذخیره کند برکت زیادی در آنچه ذخیره کرده است و مستور شود روز قیامت با یزد و عید الله بن زیاد و عمر بن سعد - علیهم السلام - در اسفل طبقه آتش جهنم.

و نیز آن شیخ معظم در کتب خود روایت کرده از زنان بن شیب که گفت: شرفیاب شدم به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام در روز اول ماه محرم پس آن حضرت فرمود که: ای پسر شیب امروز روزه هستی؟ عرض کردم نه. فرمود: هاین روز دودی است که سعی تعالی دعای حضرت زکریا و در آن مستجاب فرموده. پس روایت را ذکر نموده تا آن که گفت که آن حضرت فرمود: ای پسر شیب اگر برای چیزی خواستی گریه کنی گریه کن از برای حسین بن علی علیه السلام که او را مانند گوسفند سر بریدند و کشته شد با آن حضرت از اهل بیت او هجده تن که در زمین شیب خود نداشتند. و به تحقیق که آسمان‌های هفتگانه در زمینها برای شهادت آن حضرت گریستند و به درستی که چهار هزار ملک به سوی زمین آمدند برای باری آن حضرت و وقتی رسیدند که آن حضرت شهید شده بود. پس ایشان نزد قبر آن حضرت آمدند و زولیده مو و گرد آلوده تا آن که قائم اگر معتمد - صلوات الله علیه - ظاهر شود. پس ایشان پاوران آن حضرت باشند و شمار ایشان در جنگ این کلمه است: یا ثنایات الحسین علیه السلام ای پسر شیب خبر داد مرا پدرم از پدرش از جدش که چون جذم حسین علیه السلام شهید شد آسمان خون و خاک سرخ یارید. ای پسر شیب اگر گریه کنی بر حسین علیه السلام تا آب از دهنه بر رویت جاری شود حق تعالی هر گناه صغیره و کبیره تو را بیاورد. ای پسر شیب اگر خواهی که در قیامت هیچ گناهی بر تو باشد و ارباب بکن آن حضرت را ای پسر شیب اگر خواهی که در عرفه‌های بهشت با رسول خدا و آتش ماکن شوی لب کن بر فاتلان آن حصره ای پسر شیب اگر خواهی که مثل توب کسی داشته باشی که با آن حضرت شهید شده باشد هرگاه که او را یاد کنی بگو یا اَلْهَتَمْتُ کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَنْوَرُوا عَظِيمًا. ای پسر شیب اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی محزون باش از برای سز ما. و شاد باش از برای شادی ما و بر تو باد به محبت و ولایت ما. اگر مردمی مسکین را دوست دارد خدا او را با آن معشور گرداند در روز قیامت.

کیفیت زیارت سید الشهداء در روز عاشورا

و ان زیارات متوله در روز عاشورا پس چند زیارت است و ما به ذکر دو زیارت بر آن کتاب می نمایم.

اول: زیارت عاشورای غیر معروفه

زیارتی است که در مزارندیم که نسخه کتبه ای از آن به دست شیخ مرحوم علامه سوری - طاب ثراه - آمده و از بعضی قراین مستفاد شده بود ایشان را که آن از مؤلفات طایب راوندی یا بعضی از معاصری او باشد و ایشان را به آن کتاب اعتماد تام بود. و در مستشرقه و سائق و سایر کتب خود از او نقل فرموده و چون این زیارت مثل زیارت عاشورای معروفه است در ثواب و طهیت و خوائس آن سهل و آسان است. لهذا ما آن را اختیار کردیم تا زائرین و غیره به بعضی آن نایل شوند و کیفیت آن زیارت چنانچه در آن کتاب شریف است چنین روایت شده:

از علامه بن محمد حصری: از ابی جعفر امام محمد باقر علیه السلام که فرمود: هر کس اراده کرده زیارت کند حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام را در روز عاشورا - و آن روز دهم از محرم است - پس آن روز را به سر آورد با حالت گریه و تضرع و اندوه، که ملاقات خواهد نمود خداوند - عز و جل - را با ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب هر حج و عمره و جهاد آن مانند ثواب آن که حج کند و عمره نماید و جهاد کند یا رسول خدا و یا ائمه صلوات الله علیهم اجمعین. علامه بن محمد حصری گفت که به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم پس چه کند آن که از کربلا دور و در بلاد پهنه است و مشکن نیست از آن که خود را به کربلا برساند در آن روز؟ فرمود: «چون چسی روزی شد - یعنی روز عاشورا - هر کس که دوست دارد زیارت کند آن حضرت را در بلاد دور یا نزدیک، پس غسل کند و برود به صحرا یا بر بام خانه خود آن گاه در رکعت ساز بکند و بگوید در آن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» چون سلام گفت افساره کند به سوی آن حضرت به سلام و تسبیح به این سلام و اشاره و تبت به آن جهتی که در آن است یو عبد الله العسی علیه السلام، یعنی رو کند به کربلائی معنی آن گاه یا عشق و استکتاب بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ الْبَشِيرِ وَبَنَ
 سَيِّدِ الْوَحِيدِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا حَبِيبَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ نَارِهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَثَرُ الْمَوْتُورُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِي الرُّكْبَى
 وَعَلَى أَزْوَاجِهِ^(۱) حَلَّتْ بِطَاعَتِكَ وَلَقِائِكَ فِي جَوَارِكَ وَوَقَدْتَ مَعَ لُؤْلُؤِكَ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ بَنِي مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّهْلُ وَالنَّهَارُ. فَلَقَدْ غَطَّمْتَ بِكَ الزَّيْرُوتَ
 وَجَلَّثْتَ فِي الْمُؤْمِسِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَفِي أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ
 اجْتَمَعِينَ. فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ. صَلَوَاتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكَ
 يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَهْلِكَ الطَّيِّبِينَ الْمُسْتَجِبِينَ وَعَلَى لُرَايِكُمْ
 الْهَادِيَةِ الْمُهْدِيِينَ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَتَرَكْتَ ضَرْتَكَ وَمَعُونَتَكَ. وَلَعَنَ
 اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ لَكُمْ. وَمَهَّدَتْ الْجُورَ عَلَيْكُمْ. وَطَرَفَتْ إِلَى
 أَوْرَاقِكُمْ وَتَحْبِيقِكُمْ وَحَازَتْ ذَلِكَ فِي وِبَارِكُمْ وَأَشْيَاعِكُمْ. بَرِثَتْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ
 وَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ وَإِخْوَتِي مِنْ أَتْبَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِيهِمْ
 وَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ يَا مَوَالِيَّ مَقَامَكُمْ وَشَرَّفَ عِزَّتَكُمْ وَشَانَكُمْ أَنْ
 يَكْرِهَنِي بِوِلَايَتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَالْإِيْمَامِ بِكُمْ وَالْبَرَامَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ. وَأَسْأَلُ
 اللَّهَ الْكَرِيمَ الرَّحِيمَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَوَدَّتَكُمْ وَأَنْ يُؤَقِّنِي لِلطَّلَبِ بِإِدَارِكُمْ مَعَ الْإِمَامِ
 الْمُنْتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَأَنْ
 يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ. وَأَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِمَحَبَّتِكُمْ
 وَبِالشَّانِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ. أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ الْفَضْلَ مَا أُعْطِيَ

مُصَاباً بِمُصِيبَةٍ إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ يَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَجْعَلُهَا
وَأَنْكَاهَا لِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ تَسَالُفِ بَيْنِكَ
صَلَوَاتٍ وَرَحْمَةٍ وَتُفَقِيرَةٍ وَاجْعَلْنِي عَنْكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ
الْمُقَرَّبِينَ فَإِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
اجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَتَوَسَّلُ وَآتُوجِّهُ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَجِبْرِتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ مَخْبِيئِي مَخْبِيئَهُمْ وَمَعَالِي مَعَالِيهِمْ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمٌ تُحْدِثُ فِيهِ التَّحَنُّنَ
وَتُسَرِّدُ فِيهِ الْغَمَّةَ عَلَى الْأَمِينِ يَرْيَدُ وَعَلَى آلِ يَرْيَدُ وَعَلَى آلِ زَيْدٍ وَعُمَرَ
بْنِ سَعْدٍ وَالشُّعْبَةَ اللَّهُمَّ أَعْنَهُمْ وَالْعَنْ مَنْ رَضِيَ بِقَوْلِهِمْ وَفِعْلِهِمْ مِنْ أَوَّلٍ
وَأَخِيرٍ لَعْنًا كَثِيرًا وَأَضْلُهُمْ حَرًّا لَارِكًا وَأَسْكِنُهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاعَتْ مُصِيرًا
وَأُلْجِبْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ شَائِبَهُمْ وَيَابِعَهُمْ وَتَابِعَهُمْ وَسَاعَدَهُمْ وَرَضِيَ
بِفِعْلِهِمْ وَافْتَحْ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى كُلِّ مَنْ رَضِيَ بِذَلِكَ نَصَابِكَ الَّتِي لَعَنْتَ
بِهَا كُلَّ ظَالِمٍ وَكُلَّ غَاصِبٍ وَكُلَّ جَائِدٍ وَكُلَّ كَافِرٍ وَكُلَّ مُشْرِكٍ وَكُلَّ شَيْطَانٍ
رَاجِمٍ وَكُلَّ جَبَّارٍ غَبِيهٍ اللَّهُمَّ أَلْعَنُ يَرْيَدُ وَآلَ يَرْيَدُ وَبَنِي خَزْوَانَ جَمِيعًا
اللَّهُمَّ وَصَلِّ لِحَبْلِكَ وَتَحَنُّنِكَ وَغَنَابَتِكَ وَتَوَكُّلِكَ عَلَى لَوْلَا ظَالِمٍ ظَلَمَ أَهْلَ
بَيْتِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ وَلَتَقِمَّ مِنْهُمْ إِنَّكَ ذُو يَقْمَةٍ مِنَ
الْمُخْرِمِينَ اللَّهُمَّ وَالْعَنْ لَوْلَا ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَالْعَنْ أَرْوَاحَهُمْ

وَيَا بَارِعُهُمْ وَتَقْوَرُهُمْ وَاللَّهُمَّ الْيَصَابَةَ الَّتِي نَزَلَتْ الْمُحْسِنِينَ ابْنِ بَيْتِ
 بَيْتِكَ وَخَازِنَتُهُ وَقَتْلَتِ^(١) أَصْحَابَهُ وَأَنْصَارَهُ وَأَعْوَانَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشَهِيدَتُهُ
 وَمُحِبِّيهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ وَاللَّهُمَّ الَّذِينَ نَهَبُوا مَالَهُ وَسَلَبُوا^(٢)
 حَرِيصَتَهُ وَلَمْ يَنْتَفِعُوا كَلَامَهُ وَلَا تَقَالَهُ اللَّهُمَّ وَاللَّعْنُ كُلُّ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ
 فَرَضِي بِهِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى مَنْ سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ وَوَسَّاسَكَ بِتَقْصِيهِ
 وَبَذَلِ مُنَاجَتِهِ فِي الذَّنْبِ عَلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى
 رُوحِكَ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَى تَرْبَتِهِمْ وَعَلَى تَرْبَتِهِمْ اللَّهُمَّ لَقْنَهُمْ رَحْمَةً
 وَرِشْوَانًا وَزُفْرًا وَرِيحَانًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا ابْنَ
 حَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا ابْنَ سَيِّدَةِ إِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا ابْنَ الشُّهُدَاءِ اللَّهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذَا
 الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الْوَقْتِ وَكُلِّ وَقْتٍ تَجِئُهُ وَسَلَامًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ
 الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مِنْكَ سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا أَتَى الْكَلْبُ بِالنَّهَارِ
 السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الشُّهُدَاءِ السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
 الشُّهُدَاءِ السَّلَامُ عَلَى الْقَبَائِسِ بْنِ أَسِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشُّهُدَاءِ السَّلَامُ عَلَى
 الشُّهُدَاءِ مِنْ وَلَدِ أَسِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَى الشُّهُدَاءِ مِنْ وَلَدِ جَعْفَرِ
 وَعَقِيلِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهِدٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَلْعَهُمْ عَنِّي تَجِئُهُ وَسَلَامًا السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَحْسَنُ اللَّهُ لَكَ الْغُرَاءَ فِي وَلَدِكَ

الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْغُرَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ يَا بِنْتَ زَيْنٍ زَيْنِ الْعَالَمِينَ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْغُرَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الْغُرَاءَ فِي أَخِيكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
السَّلَامُ عَلَى أَزْوَاجِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَخْيَارِ بَنَتُهُنَّ وَالْأَمْوَاطِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُمُ الْغُرَاءَ فِي مَوْلَاهُمُ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ مَعَ إِمَامٍ عَزَلِي نُجْزِي بِهِ
الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ يَا زَيْنَ الْعَالَمِينَ

پس به سجده برو و بگو

اللَّهُمَّ لَكَ الْخُذْ عَلَى جَمِيعِ مَا ذَاتَ مِنْ حُطْبَاءٍ. وَلَكَ الْخُذْ عَلَى كُلِّ
أَمْرٍ. وَاللَّيْلُ الْمُشْتَكِي فِي عَظِيمِ الْمُهَنَاتِ بِخَيْرَتِكَ وَأَوْلِيَاكَ وَذَلِكَ إِذَا
أَوْجَبْتَ لَهُمْ مِنَ الْكَرَامَةِ وَالْفَضْلِ الْكَثِيرِ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَارزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْمَقَامِ الْمَشْهُودِ
وَالْعَوِيصِ الْمَوْزُودِ. وَاجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ وَاسَوْهُ بِأَنْفُسِهِمْ وَغَلَبُوا قُوَّةَ مُجَاهِدِهِمْ وَجَاهَدُوا
مَعَهُ أَهْدَاءَكَ أَيْتِيَّاهُ مَرْضَاتِكَ وَزَجَاءَكَ وَتَصَدِيقاً بِوَعْدِكَ وَخَوْفاً مِنْ وَعِيدِكَ
إِنَّكَ أَعْلَى لِمَا تَشَاءُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حضرت صادق علیه السلام فرموده است زیارت کنید حسین بن علی علیه السلام و با به این زیارت نزد قبر ائمه

المؤمنین علیه السلام نزد سر مطهر آن حضرت.

عَلَمَهُ ابْنِ مُحَمَّدٍ حَضَرَمِی رَوَايَتُ كَرْدَ اَنْ حَضَرَتُ اَبِي جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ كَهْ اَنْ حَضَرَتُ فَرَمُودَ: اَبُو عَلَمَهُ اِگَر تَوَانِي هَر رُورِ زِيَارَتُ كُنِي اَنْ حَضَرَتُ رَا بَه اَبِي زِيَارَتُ دَر خَانَهْ خُودُ وَ دَر هَر كَجَا كَه بِاشِي اَر شَهْرَهَا دَر زَمِنِ حُدَايِ تَعَالِي، پَس بَه جَايِ آوَر اَبِي زِيَارَتُ رَا كَه تَعَامُ اَبِي تَوَابِعَهَا بَرَايِ تُو خَوَاهَد بُوَد، پَس سَمِي وَ كُوشَتِي كُن دَر لَمِنِ بَر قَاتِلَانِ وَ دَشَمَنَانِ اَنْ حَضَرَتُ وَ بُوَدَ بِاشَد اَبِي عَمَلُ دَر اَوَّلِ رُورِ پَشِ اَر رَوَايَتِ اَبِي عَلَمَهُ پَس مَدَحِ كُنِي وَ بَكْرِيَدُ بَر اَنْ حَضَرَتُ وَ هَر آيِنْدَه اَمَر كُنِيْدَ هَر كَه دَر خَانَهْ شَمَاعِهَا اَمَتِ بَكْرِيَسْتَنِ بَر اَنْ حَضَرَتُ وَ بَرِيَا كُنِيْدَ دَر خَانَهْ عَزَايِ اَنْ حَضَرَتُ وَ بَه اَظْهَارِ اَنْدُودَ وَ گَرِيَهْ بَر اَنْ حَضَرَتُ وَ بَكْدِيگَر رَا دَر اَبِي رُورِ مَلَاقَاتِ كُنِيْدَ دَر خَانَهَا بِا هَر چَا كَه بِاشَد بِا گَرِيَهْ وَ بَكْدِيگَر رَا تَعَزُّتِ بَكْرِيَدُ بَه مَعْصِيَتِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ. رَاوِي گُفَتَ عَرَضُ كَرْدَمُ: اَصْحَابُكَ اللهُ چَمُگَرَه تَعَزُّتِ بَكْرِيَدُ بَكْدِيگَر رَا فَرَمُودَ بَكْرِيَدُ:

«أَحْسَنَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِنُصَابِنَا يَا بِي عَبْدِ اللَّهِ الْخُضَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلْنَا مِنْ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ نَحْوَ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ إِلَى الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

وَ اِگَر تَوَانَسْتِيْدَ دَر اَنْ رُورِ اَز بِي كَارِي مَرُودَ، كَه اَنْ رُورِ دُورِ مَحْصِي اَمَتِ كَه حَاجِبِ مَزْمِنِ دَر اَبِي رُورِ بَر آوَرَدَ نَسِي شُودَ وَ اِگَر بَر آوَرَدَ شَد بَر كَتِ اَز اَبِي بَر دَانَسْتَه وَ غَيْرِ وَ رَشْدِي دَر اَبِي مَخَوَاهَد بُوَد، وَ مَبَادَا دَخِيرَه كُنَد اَر شَمَا كُسي دَر مَنَزَلِ خُودِ جُورِي رَا، زِيَا كَه بَر كَتِ بَرَايِ اَو سَلَاوَرَدَ، رَاوِي مِي گُويَد حَضَرَتُ عَلَیْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَ كَه: دَسِ ضَامِنِ بَرَايِ اَنْ كَه چَسِنِ كُنَد دَر نَزْدِ خُدَايِ عَزَّ وَجَلَّ آيِيَجَه گَنَشَتِ اَز تَوَابِعَايِ عَظِيمِ وَ خُدَايَشِ عَشَر كُنَد دَر رَمَرَهْ اَتَانِ كَه تَعْبِيدِ شَدَدُ بِا حَضَرَتِ اِمَامِ حُسَيْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ. رَاوِي گُفَتَ خُدَمَتِ اَبِي حَضَرَتِ عَرَضُ كَرْدَمُ كَه: رُورَه بَكْرِيَدُ دَر اَبِي رُورِ فَرَمُودَ: رُورَه بَكْرِيَدُ بِي اَنْ كَه دَر شَبِ نَيْتِ رُورَه كُنِي وَ اَظْهَارُ كُنِي بَه لَر رُورِي شَمَاعَتِ چَنَابِچَه دَشَمَنَانِ مِي كُودِدَ وَ تَأْتَلُ كُن تا وَقْتُ عَصْرِ، پَس چُونِ هَنگَامِ عَصْرِ شَد اَظْهَارُ كُنِي بَه يَكِ شَرِيَتِ آيِي، كَه دَر اَبِي وَقْتُ جَنگِ بَر عَرَفِ شَد اَز اَبِي حَضَرَتِ وَ اَصْحَابِ اَبِي دَر حَالَتِي كَه هَمِه شَهِيْدُ شَدَه بُوَدَنَدُ صَوَاتُ اللهِ عَلَيِ اَزْوَاجِهِمْ وَ اَجْسَادِهِمْ اَبْغَضِيْن. وَ اَنَسَةُ اللهِ وَ سَخَطَةُ وَ عَذَابُهُ وَ نَكَالُهُ وَ بَعْثُهُ عَلَيِ مَنْ كَانَ الشَّيْبُ فِي قَلْبِهِمْ وَ عَذَابُهُمْ اَلْعَذَابُ الْاَلِيمُ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

دوم. زیارت عاشورای معروفه

و کیفیت آن همچنان که در کتاب سابق الذكر مسطور است چنان است که گفته زیارت روز عاشور در نزدیکی و دور منزلدار است که زیارت کنی حضرت حسین صلوات الله علیه را روز عاشور به این زیارت و اگر بوده باشی در مشهد او یعنی در کربلا باشی پس برو به سوی آن جناب و بایست نزد قبرش و بگردن قبله را در میان دو کتف خود و تکبیر بگو و زیارت کن آن حضرت و به این زیارت و اگر در شهر کربلا باشی پس برو به صحرا یا بالای پام حائنه خود در هر کجا که باشی در شهرها و تکبیر بگو و اشاره کن به جانب امام حسین علیه السلام و بگو بعد از تکبیر.

السلام عليك يا ابا عبد الله. السلام عليك يا بن نبي الله. السلام عليك يا بن أمير المؤمنين وابن سيد الوصيين. السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين. السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره وأثر المولود. السلام عليك وعلى الأزواج التي حلت بطنائك. السلام عليكم وني جميعاً سلام الله أبداً ما بقيت وبقى الليل والنهار. يا ابا عبد الله لقد عظمت الرزية وجلت وعظمت المصيبة بك علينا وعلى جميع أهل الإسلام. وجلت وعظمت مصيبتك في السماوات^(۱) وعلى جميع أهل الأرضين. فلن الله أمة أشحت أساس الظلم والمنوال والجور عليكم أهل البيت. ولن الله أمة دفعتكم عن مقامكم وزالتكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها. ولن الله أمة قتلتكم. ولن الله المتهدين لهم بالشك من قتالكم. يروى إلى الله واليكم منهم ومن أشباعهم وتابعيهم ولوليانهم. يا ابا عبد الله إني سلمت لئن سلمتكم^(۲) وحزبت لئن حازتكم^(۳) إلى يوم

۱. على جميع أهل السماوات خ ل

۲. سلمتكم خ ل

۳. حازتكم خ ل

الْقِيَامَةِ. وَلَقَدْ لَعَنَ اللَّهُ آلَ زَيْدٍ وَآلَ هُرَاجٍ. وَلَقَدْ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً. وَلَقَدْ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ. وَلَقَدْ لَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ. وَلَقَدْ لَعَنَ اللَّهُ بَشْرًا. وَلَقَدْ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ. يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اللَّهُ لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مُنْصَوِّرٍ مِنْ آلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى طَافِيَةِ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَبِالْهَرَاةِ مِنْ لِقَائِكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْهَرَاةِ مِنْ أَسَسِ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ. وَابْتَرَأُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنْ أَسَسِ ذَلِكَ وَهَنْ عَلَيْهِ بِنِيَانِهِ وَجَرِي فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ. يَرِنْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ. وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَإِلَيْكُمْ وَبِالْهَرَاةِ مِنْ أَعْدَابِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ وَبِالْهَرَاةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَنْبِيَائِهِمْ. إِنِّي بِلَكُمْ لَمَنْ سَالَكُمْ وَحَرْبُ لَمَنْ حَارَبَكُمْ وَقَوْلِي لَمَنْ وَالَاكُمْ وَعَمُّو لَمَنْ عَادَاكُمْ. فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَايَكُمْ وَرَزَقَنِي الْهَرَاةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْقِتَامَ الْمُخْمُومَةَ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مُهْدِيٍّ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ بِكُمْ. وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُغْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُنْطَلِي مُصَابِيًا بِمُصِيبَتِهِ. مُصِيبَةً مَا أَغْظَمَهَا وَ أَغْظَمَ زِينَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ أَعْلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي

هی مقامی هذا ومن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل مخياي
مخيا محمدا وآل محمد ومخاتي ممات محمدا وآل محمد اللهم ان هذا او
اگر دو غیر دور عاشورا باشد به جای آن خدا بگوید آن یوم قتل الحسین یوم تیر گشت به بنو
أمية وابن أكلة الأكباد اللعین بن اللعین علی لسانک ولسان نبیک هی کمر
موظف وموظف ولف فیہ نبیک اللهم الغن ابا سفیان ومعاوية وزید بن
معاوية علیهم منک اللعنة أبد الآبدین وهذا یوم او به جای دعا بگوید آن یوم قتل
الحسین فرخت به آل ریاو وآل مزول بقتلهم الحسین علیه السلام اللهم
فصاعق علیهم اللعن منک والعذاب اللهم انی اتقرب إلیک فی هذا الیوم وفی
موظفی هذا وأیام حیاتی بالترامة منهم واللعنة علیهم وبالموالاة لنبیک وآل
نبیک علیهم السلام

بس سرگوشی مدرسه اللهم الغن لؤل ظالم ظلم حق محمدا وآل محمدا
وأجر تابع له علی ذلک اللهم الغنی البصاة التي جاهدت الحسین علیه
السلام وشاعت وبانت علی قتله اللهم الغنهم جموعا

بس سرگوشی مدرسه السلام علیک یا ابا عبد الله وعلی الأزواج التي حلت
بطنائک علیک منی سلام الله أبدا ما بقيت وبقي الذیل والنهار ولا
جعل الله آجر العبد منی لیزارتکم السلام علی الحسین وعلی علی بن
الحسین وعلی أولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین

بس سرگوشی اللهم خص أنت لؤل ظالم باللعن منی وأبدأ به أولا ثم
الثانی والثالث والزابع اللهم الغن یزید بن معاوية خایسا والعر طیند
الله بن زیاد وابن مزجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابي سفیان وآل

زِيَارَةُ وَاَلِ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پس به سجده سر روی و می گوید: **اَللّٰهُمَّ لَكَ اَتَّخِذُ حَفَظَ الشَّاكِرِيْنَ لَكَ عَلَيَّ مُصَابِيْهِمْ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيْمِ زِيَارَتِي. اَللّٰهُمَّ اَزِدْنِيْ شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ. وَتُبَّتْ لِيْ قَلَمٌ جَدِّكَ جَنَّكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِيْنَ بَدَّلُوا مَهَجَهُمْ فَوْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.**

پس دو رکعت نماز می گذارد. و اگر توانستی که زیارت کنی حضرت امام حسین علیه السلام را به این زیارت از خانه خودت در هر روز پس بکن، که در آن ثواب جزئی نیست و مروی است از جناب بالرب علیه السلام و روایت کرده آن را از آن حضرت. **حَقَّقْتُ بِنِ مَحَمَّدٍ حَضَرْتِي، اَللّٰهُمَّ.**

مؤلف گوید که: شیخ ما علامه سوری طاب تراه در کتاب سلسله السمرات این زیارت را از همین کتاب نقل کرده و در بیان سبب نقل زیارت گفته چون از عهد شیخ ابوالاعلیٰ کنتی طاب تراه تاکنون این زیارت محل نظر علما شده و به جهت فی الجمله اجمال که در صدر آن زیارت است، در روایت صاحب شهید شیخ طوسی رحمه الله و کامل از زیارات بطریق قولی و نظر علما مختلف و وجهاتی ذکر فرموده اند که اگر خواننده بخواهد به احتیاط عمل کند از عهد آن عاجز شود، و لهذا بسیاری از فیض آن به جهت همین اختلاف معرود مانند است و عجب است با این همه رحمت و دقت و ذکر وجوه حدیده در صد شخصی بریاستند که شاید در روایت دیگران، عبارت واضح و اشکالی نداشته باشد آن وقت اجمال آن عبارت را به سبب وضوح در روایت دیگران، واضح کنند و احتمالات حدیده از میان ببرد بالرب علیه السلام لهذا زیارت معروفه را از این کتاب شریعت نقل کردم، که ابدأ اجمالی و اشکالی ندارد و ناچار عبارت عربی آن را و سایرین باید نقل کرد که مبانی اهل علم احتمال میدهند که در ترجمه متن حدیث حدیثاً یا سهواً غلطی شده، پس عبارت متن حدیث را که ترجمه اش را ما به عین الفاظ ایشان ذکر کردیم تا عبارت مزبور مستند بن المشهدی علیه السلام و عبارت مزبور شیخ شهید و عبارت علامه حلی رحمه الله در کتاب منهاج الفلاح نقل کرده، پس در آن فرموده بلکه از عبارت شیخ مفید - **اَلْحَاضِرُ اَللّٰهُ عَلٰى قَرْنِهِ الْقُرْآنُ** - در کتاب **تَرْغِيبُ** بر این مطلب مستفاد می شود، چه در آنجا در ایواب تمایزهای مسجده می فرماید: **بَابُ صَلَاةِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ صَلَاةِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ** و کندان لمن لم یحضر مشهد الحسين علیه السلام فلیصلها تم یومی بالتسليم البید و ظاهر آن است که مراد ایشان از سلام همین زیارت عاشورایی معروفه باشد و این که سلام را فرموده پیش از

زیارت می‌تواند بنابر آن مذهب است که نماز زیارت را از دور پیش از زیارت باید خواند، چنانچه در بعضی اخبار رسیده و جماعتی فتوی داده‌اند، بلکه محقق میرداماد تصریحی بر آن دارد و در کتاب لریحه ایشام خود فرموده: آنچه ذکر کردیم که زیارت هرگاه از دور باشد و در مسجد کتبه صریح معصومی نباشد نماز زیارت بر زیارت مقدم است حکمی است مقرر در زیارت رسول و زیارت امیر المؤمنین و زیارت هر یک از ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - و این مسأله در خطابه‌های مسائل و حقیقات احکام است و تا کسی کمال مهارت و تمام بضاعت و رفعت در حدیث نداشته، اطلاع بر این دلیله نمی‌یابد، و از این جهت اکثر اهل روزگار از حکم این فرع و تحقیق این فرع غافلند، پس شیخ مرحوم نقل کرده حکایت تعلیم کردن میرداماد زیارت را به مرحوم شاه عباس و مباحثه یکی از فضلا را با آن مرحوم در باب تقدم نماز زیارت و جواب دادن آن مرحوم فاضل معاصر را به همین فرق و ساکت شدن معاصر مناظر پس از آن فرموده و بکن به این اصرار مرحوم، جماعتی تصریح فرموده که نماز زیارت بعد از زیارت است چه از دور باشد چه نزدیک، بلکه فاضل محقق سیروری رحمته الله در کتاب کبر شریف لطایح النجاة که از کتب نفیسه ادعیه است در اعمال محرم فرموده روز دهم که روز عاشورا است، سنت است زیارت امام حسین علیه السلام پس فرموده: و طریق زیارت آن حضرت در این روز از برای کسی که نزد روحه آن حضرت باشد آن است که به نام پندی رود و صد بیت تکبیر بگوید: **أَرْكَاهُ بَكِيْدُ السَّلَامِ عَلَيَّكَ يَا أَبَا عَنبِيْدٍ اَللّٰهُ** تا آخر آنچه گذشته پس از ذکر دعای سجده فرموده: **أَرْكَاهُ** دو رکعت نماز زیارت امام حسین علیه السلام بجا آورد، و بعضی از علما گمان کرده‌اند که دو رکعت نماز زیارت را در این جا پیش از زیارت باید کرد، اما صحیح و مشهور میان علما آن است که نماز زیارت مطلقاً بعد از زیارت است و زیارت مذکور لزماً بپسار دارد انتهى.

مؤلف می‌گوید این اختلاف از روی اختلاف اخبار است و از این جهت هیئتمجلس مجلسی رحمته الله فرموده بعد نیست که معترض باشد آن کسی که از دور زیارت می‌کند در پیش انداختن نماز زیارت و بجا آوردن آن بعد از آن. پس شیخ مرحوم فرموده: و بالجملة از عبادات سابقه جمیعاً واضح و روشن شد که کیفیت زیارت عاشورا همان است که در لطایح النجاة تصریح فرموده و غیر از تکبیرات این زیارت سروده مقدمه ندارد و این تکبیر می‌شود جزء زیارت چنانچه در مزار قدیم تصریح فرموده و همچنین در صحاح شریف طوسی رحمته الله و صحاح اکثر این طووس رحمته الله و می‌شود داخل در آداب زیارت باشد مطلقاً مثل غسل و پاکیزگی جمله و غیر آن، چنانچه از ملاحظه جمله آن زیارت معلوم می‌شود تمام شد آنچه مقصود ما بود از کلام شیخ مرحوم رحمته الله.

شیخ مفید و شهید اول علیه السلام در مزار خود دو باب زیارت عاشورا گفته اند یکی از زیارات مخصوصه زیارت روز عاشورا است پیش از زوال شمس از نزدیک و دور چون خواستی زیارت کسی آن حضرت را در این روز پس اشاره کن به سوی آن حضرت به سلام و بجهاد کن در برین کردن بر قاتلان آن حضرت پس بگو در وقت اشاره به سوی آن حضرت: **السلامُ علیک یا ابا عبدالمطلب** پس زیارت را تا آخر نقل کرده اند مثل آنچه ما بعد ذکر کرده ایم پس گفته اند و اگر بوده باشی در مشهد مقدس غری پس بچف اشرف و زیارت کردی امام حسین علیه السلام را به این زیارت از بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام پس دو رکعت نماز بکن و وداع کن بعد از نماز امیر المؤمنین علیه السلام را و رو به جانب قبر امام حسین علیه السلام کن پس بگو

دهای مشهور علقمه

یا الله یا الله یا الله یا صجبت ذنوبه المضطربین و یا کاشف کرب المکروبین و یا یجها المستغیثین و یا صریح المستضرحین و یا من هو اقرب الی من خبلی التورید و یا من یحول بین القزو و قلبه و یا من هو بالنظر الاعلی و بالافق الثمین و یا من هو الرخیم الرحیم علی العرش استوی و یا من یعلم حائنه الاعن و ما تحبب الصدور و یا من لا یخفی علیه خائیه و یا من لا تشبه علیه الاضواء و یا من لا یقطع الحاجات و یا من لا ینزله الباع الملبس و یا من یزک کل قوت و یا جامع کل شمل و یا باری النفوس بعد الموت و یا من هو کل یوم فی شارب و یا قاصی الحاجات و یا منفس الکربات و یا مطلق السولات و یا ولی الرغبات یا کافی المیهات و یا من ینکفی من کل شیء و لا ینکفی منه شیء فی السماوات و الارض و یا من ینکفی من کل شیء و علی و یحق فاطمه بنت نبیک و یحق الحسن و الحسین فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی هذا و بهم اتوسل و بهم اتشفع الیک و یخففهم امانک و اقم و اعزم علیک و یا الشان الی لهم عندک

وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَكَ يَا رَبِّ فَخَلِّصْنِي مِنَ الْعَالَمِينَ . وَيَا شَوْكَ الَّذِي
 جَعَلْتَهُ عَيْشَهُمْ وَيَهْ خَصَّصْتَهُمْ قُورَ الْعَالَمِينَ . وَيَه أَنْتَهُمْ وَأَنْتَ فَخَلِّصْنِي مِنْ
 قُورِ الْعَالَمِينَ حَتَّى هَاتِ فَخَلِّصْنِي مِنْ قُورِ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا . أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
 مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُكَفِّرَ عَنِّي هَمِيَّ وَعُتِيَّ وَكُزِّيَّ . وَتُكَفِّرَ عَنِّي هَمِيَّ مِنْ
 أُمُورِي . وَتُكَفِّرَ عَنِّي ذُنُوبِي . وَتُجَبِّرَنِي مِنَ الْفَقْرِ . وَتُجَبِّرَنِي مِنَ الْغَالَةِ وَتُكْفِّرَ عَنِّي
 عَمَلِي الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَحْلُوفِينَ . وَتُكَفِّرَ عَنِّي هَمِيَّ مِنْ أَخَافِ عَمَلِي وَعُسْرٍ مِنْ أَخَافِ
 عُسْرِهِ . وَخُزُونَةٍ مِنْ أَخَافِ خُزُونَتِهِ . وَشَرٍّ مِنْ أَخَافِ شَرِّهِ . وَمَكْرٍ مِنْ
 أَخَافِ مَكْرِهِ . وَبُغْيٍ مِنْ أَخَافِ بَغْيِهِ . وَجُورٍ مِنْ أَخَافِ جُورِهِ . وَسُلْطَانٍ مِنْ
 أَخَافِ سُلْطَانَتِهِ . وَكَيْدٍ مِنْ أَخَافِ كَيْدِهِ . وَمَقْدَرَةٍ مِنْ أَخَافِ بَلَاءِ مَقْدَرَتِهِ
 عَلَيَّ . وَثَرَةٍ عَنِّي كَيْدِ الْكَيْدَةِ وَمَكْرِ الْمَكْرَةِ . اللَّهُمَّ مِنْ أَرَامِي بِسُوءِ قَارِنَتِهِ .
 وَمَنْ كَانَتِي فَكَيْدُهُ . وَاسْرِفَ عَنِّي كَيْدُهُ وَمَكْرُهُ وَبَأْسَهُ وَأَعَابِيَهُ . وَامْنَعْ عَنِّي
 كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْ شِئْتَ . اللَّهُمَّ اشْغَلْ عَنِّي بِغْفَرٍ لَا تُجَبِّرُهُ . وَبِبَلَاءٍ لَا
 تُنْشِرُهُ . وَبِغَالَةٍ لَا تُشْدُّهَا . وَبِسَقَمٍ لَا تُعَالِيهِ . وَقُلْ لَا تُجْرُهُ . وَبِمَسْكَنَةٍ لَا
 تُجَبِّرُهَا . اللَّهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ نَصَبَ غَيْبِهِ . وَادْخُلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنَازِلِهِ .
 وَالْجِلَّةَ وَالسَّقَمَ فِي بَنِيهِ . حَتَّى تُشْغَلَ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا أُرَاحُ لَهُ . وَأَسِئِهِ
 ذِكْرِي كَمَا أَنْتَ سَيِّئُهُ ذِكْرَكَ . وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَبِلِسَانِهِ وَبِيَدِهِ وَبِرِجْلَيْهِ
 وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ . وَادْخُلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ الشَّقَمَ وَلَا تُشْغِلْ عَنِّي
 تَجَمُّلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي . وَانْخَفِ بِكَ كَافِي مَا لَا يَكْفِي
 بِوَالِكَ فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِي بِوَالِكَ . وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجٌ بِوَالِكَ . وَمُغْنِيٌّ لَا
 مُغْنِيٌّ بِوَالِكَ . وَجَارٌ لَا جَارَ بِوَالِكَ . حَابٍ مِنْ كَانِ رَجَاؤُهُ بِوَالِكَ وَمُغْنِيٌّ
 بِوَالِكَ وَمُفَرِّجُهُ إِلَى بِوَالِكَ وَمُهَيِّئُهُ وَمُخَلِّقُهُ إِلَى غَيْرِكَ . وَمُنْجِيَهُ مِنْ مَخْلُوقٍ

غَيْرِكَ فَأَنْتَ تَقْضِي وَرَجَاتِي وَمَقْرَمِي وَمَهْرِي وَمَنْجَاتِي وَمَنْجَاتِي ۖ فَبِكَ اسْتَفْتِيحُ
وَبِكَ اسْتَلْجِيحُ وَيُسَخِّرُوهُ وَإِلَى مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَاسْتَفْعُ ۖ فَاسْأَلُكَ
يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا إِلَهَ فَلَكِ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَإِلَيْكَ الْمُسْتَشْكِي وَأَنْتَ
الْمُسْتَعَانُ ۖ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا إِلَهَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَإِلَى مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْهِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا
كَشَفْتَ عَنِّي نَبِيَّكَ هَهُنَا وَغَمَّهُ وَكَرْهَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عُلُوِّهِ ۖ فَانْكَشِفْ عَنِّي كَمَا
كَشَفْتَ عَنْهُ ۖ وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ ۖ وَانْكَشِفْ كَمَا كَفَيْتَهُ ۖ وَاصْرِفْ عَنِّي
هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلُهُ ۖ وَمَوْؤَنَةَ مَا أَخَافُ مَوْؤَنَتَهُ ۖ وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ ۖ بِلا
مَوْؤَنَةٍ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ ۖ وَاصْرِفْ بِي بِقَضَاءِ خَوَائِجِي وَكِفَايَةِ مَا أَهْبَسِي هَمَّهُ ۖ
مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ ۖ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيَّكَ سَلَامٌ
اللَّهُ أَبَدًا مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ۖ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
رِيزَاتِكُمَا وَلَا فُرْقَ اللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا ۖ اللَّهُمَّ أَحْبِبِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ
وَأَيَّتَنِي مَعَانِيَهُمْ وَتَوَفَّلِي عَلَى مِلَّتِهِمْ وَاحْشُرْنِي فِي رُفَّتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي
وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا (فَصَلُّتُكُمَا زَائِرًا بِكُرْبَةٍ
وَرَأَيْتُ أَرْبَعًا بِخَوَاتِمَةٍ وَمَتَوَسَّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَزَيْتُكُمَا وَمَتَوَجَّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا
وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي عَلَيْهِ ۖ فَاشْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَحِيدَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ ۖ إِنِّي أَتَقَلَّبُ عِنْدَكُمَا
مُنْتَظِرًا يَنْتَظِرُ الْحَاجَةَ وَقَضَائِيا وَنَجَاجِيهَا مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ
فِي ذَلِكَ ۖ فَلَا أَحْيَبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَائِبًا بَلْ يَكُونُ
مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِعًا مُقْلِبًا مُنْجِعًا مُسْتَجَابًا لِي بِقَضَاءِ جَمِيعِ خَوَائِجِي

وَتَشْفَعَا لِي إِلَى اللَّهِ. أَنْقِضْ عَلَيَّ مَا شَاءَ اللَّهُ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.
مَقْصُوداً أَمْرِي إِلَى اللَّهِ. مُنْجِئاً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ. وَمَتَوَكِّلاً عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ
حُسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى. سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا. لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ قُوَّةٌ كُمْ
يَا سَاقَتِي مُنْتَهَى. مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ. وَمَا أَمَّ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ. وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَلَا جُنَّةَ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمْ.
انصرفتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ. وَأَنْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. يَا سَيِّدِي
وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ مُجِبُّ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. وَاصِلُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ غَيْرُ
مُحْجُوبٍ عَنْكُمْ سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ. وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ
فَإِنَّهُ خَصِيْدٌ مُجِيْدٌ. انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِباً حَامِداً لِلَّهِ شَاكِراً رَاجِئاً
لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلَا قَائِلٌ آيئاً عَابِداً رَاجِئاً إِلَى زِيَارَتِكُمَا. هَمَزَ رَاجِئٌ
عَنْكُمْ وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا. بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. يَا سَاقَتِي زَجِيتُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ زَجِدَ
فِيكُمْ وَهِيَ زِيَارَتُكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فَلَا حُسْبِيَ اللَّهُ مِنَّا زَجَوْتُ وَمَا أَفْلُتُ
فِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيْبٌ.

زیارت ناحیه مقدسه^(۱)

معانی معانی و بدل که چون جناب مصنف - جزاء الله عن اهل بیت النبوة - علی الطاهر به جهت احتراز
از تطویل از زیارت ناحیه مقدسه صرف نظر فرموده طالبین از بعضی آن محروم بودند. لهذا از کتاب تحفه
الزائر علامه مجلسی - اعلی الله مقامه - با عین عبارت آن در حاشیه نقل شد.

شیخ طوسی فرموده است که زیارت دیگر است در روز عاشورا که به زیارت دیگر شیخ مصطفی بن
الشهرستانی ذکر کرده است که زیارت دیگر است در روز عاشورا که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر

این زیارت در حاشیه نسخه سگی ذکر شده بود و بنابر احوال آن و به جهت بهره‌وری خوانندگان و رزق مومن
موسسه تقدیمی خود آن را در متن این رساله شریعه در ایجاب الهی و کمالی اخرج نماید

بسم الله الرحمن الرحيم ان حضرت محمد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم
 السلام على آدم صفوة الله من خلقه . السلام على نبي الله وخيريه . السلام على
 ابراهيم القائم لله بطريقه . السلام على نوح النجاة في دعوته . السلام على محمد السدود من
 الله صفويته . السلام على صالح الذي تروجه الله بكراميه . السلام على ابراهيم الذي عبأ الله
 بخلقيه . السلام على اسماعيل الذي عبأ الله بدبح عظيم من جنته . السلام على اسحق الذي
 جعل الله الشؤا في ذريته . السلام على يعقوب الذي رد الله عليه بصرة بركته . السلام على
 يوسف الذي عبأ الله من الجفء بعظيمه . السلام على موسى الذي خلق الله البحر له بقدرته .
 السلام على هارون الذي عبأ الله بسوته . السلام على خضر الذي عبأ الله عسى الله .
 السلام على داود الذي عبأ الله عليه من خلقه . السلام على سليمان الذي وكل له البحر
 بجزئه . السلام على ايوب الذي عبأ الله من خلقه . السلام على يونس الذي عبأ الله له
 محزون جده . السلام على عزيز الذي عبأ الله بعد عيسيه . السلام على زكريا الذي عبأ الله
 من خلقه . السلام على يحيى الذي ارسله الله بشهادته . السلام على عيسى زوج الله وكلمته .
 السلام على محمد خبيب الله وحموه . السلام على اسير النور على بني أبي طالب السطوح
 بأخوته . السلام على فاطمة الأبرار اسبه . السلام على أبي محمد الحسن وجوه أبيه وخليفته .
 السلام على الحسين الذي يحب الله بخلقيه . السلام على من اطاع الله في بزه وعلانيته .
 السلام على من جعل الله القاء في ذريته . السلام على من الاجابة طلب خلقه . السلام على من
 الأتية من ذريته . السلام على ابن حاتم الأتية . السلام على ابن سبأ الأوصياء . السلام على
 ابن فاطمة الأبرار . السلام على ابن عديجه الكبرى . السلام على ابن سبأ السنين . السلام
 على ابن خب المأوى . السلام على ابن مرمق والشعا . السلام على الرسل بالأماء . السلام على
 المهدي النبوة . السلام على عاصم أصحاب الكساء . السلام على غريب الفريدين . السلام على
 شهيد القهدة . السلام على فقيه الأديان . السلام على ساكن كربلاء . السلام على من بكنة
 ملائكة السماء . السلام على من ذرية الأكرام . السلام على محبوب الدين . السلام على
 منار البراهين . السلام على الأئمة الشاه . السلام على الجيوب المتوحدين . السلام على
 القماء الدباب . السلام على النور المتطهرات . السلام على الأزواج المتخلصات . السلام
 على الأجساد العاريات . السلام على الجسم الناصبات . السلام على الدماء السابلات . السلام
 على الأعضاء المتطهرات . السلام على الرؤوس النشالات . السلام على النور البهزات .
 السلام على حجة رب العالمين . السلام عليك وعلى ابائك الطاهرين . السلام عليك وعلى
 آبائك المشتهدين . السلام عليك وعلى مريتك الناجرين . السلام عليك وعلى الملائكة
 المتطهرين

السلام على القليل المطوم • السلام على أعبد المشوم • السلام على علي الكبير • السلام
على الوصي الصغير • السلام على الأئمة الثلاثة • السلام على العروة القوية • السلام على
الشجدين من القلوب • السلام على الناجين من الأوطان • السلام على المدفونين بلا أكفان •
السلام على الأرواح المنزلة عن الأعداء • السلام على النقيب الصابر • السلام على المطوم
بلا ناصر • السلام على ساكني التربة الزكية • السلام على صاحب القبة النامية • السلام على
من طهره الخليل • السلام على من أنصر به جبريل • السلام على من ساعده لبي السعيد
ميكائيل • السلام على من نكحت دنة • السلام على من حكمت حرمته • السلام على من أرقى
بالقلم دنة • السلام على المنفصل يدم الجراح • السلام على المنجذع بكاسات الإصاح • السلام
على النظم السباح • السلام على السطور في الزوى • السلام على من دنة أهل القرى •
السلام على منقطع الزين • السلام على النحاس بلا شجب • السلام على الشيب الحطيب •
السلام على أهدى القريب • السلام على البند الشيب • السلام على الثمر المذوق بالقطيب •
السلام على الأوس المزروع • السلام على الأجسام الصارية في القلوب • تهللها اللسان
العويث • وتعللها إلهب الشبغ الضاريات • السلام عليك يا سولي وعلى الملائكة المرفحين
خول ذبيك • العائدين بربك • الطالبين بمرحلتك • الزائرين لزيارتك

السلام عليك فاني قضيت إليك • ورجوت العود لديك • السلام عليك سلام العارفين
بظرفتك • المخلص في ولايتك • المنجذب إلى الله متخشبك • البري من أعدائك • سلام من
قلبه بصفائك منقوع • ومضة عند ذكره منقوع • سلام المنطوق المخروب • والواله المشكوك •
سلام من لا كان منك في الطوبى لولاك بغيره • وسدل لحاشته ذنوبه لظهور •
وجاهد بين يديك • وحرك على من هم عليك • ومعدك بزوجه وخميم وماله وولده • وزوجه
بروحه بداه • وأهله لأهله وفاة • فلقن أغربى القنوز • وعالمى من حرك المطور • ولم أ
كن لسن حاربك شعاباً • ولسن حسب لك العداوة شهاباً • فلاتذنبك صباحاً وساء • ولا تكبر
لك بدل الذمخ • ما • خسر عليك • وناشأ على ما دعاك وتلقها • حتى أوتى بطرقة النصاب •
وقصة الاكتساب

أشهد أنك قد أتممت الصلاة • وأتيت الزكاة • وأمرت بالمعروف • ونهيت عن المنكر
والغدران • وأطعت الله وما خصيته • وسئلتك به وبخطه فأرضيته • وخشيتك وراحتك
واستحييتك • وسنت السن • وأطعت الدين • ودهزت إلى الزهاد • وأوضعت سبل الشهاب •
وجاهدت في الله على الجهاد • وكنت لله طامعاً • ولجذد شعثي صلى الله عليه وآله ما بعاً •
ولقول أبيك ما بعاً • وإلى وصية أخيه شارباً • وإسعاد الذين راعياً • وللطعام قاصداً •
وللطعام متقارفاً • وللأمة ما صفاً • وفي لغزات الموت ما صفاً • وللغسل ما كفاً • وبخروج الله

قائماً • وللإسلام والشريعة راحاً • وللحق مبرأ • وعند البلاد صابراً • وللذين كلاً • وعن
خزيره ثريباً • نحرط الهدى وتنشئة • ونبتط العدل ونشوة • ونسخر الدين ونسخره •
ونكف الصبث ^١ وترجوه • ومأخذ للنسب من الشريف • ونساري من الحكم بين الطوي
والشبيب • كنت ربيع الأيتام • ومعدة الأتام • وعز الانسلام • ومصدر الأحكام • وحليف
الأندام • سالكا طرائق جنك وأيك • مشبهاً في القربى لاهيك • وفي القدم • وفي النسيم •
ظاهر الكرم • شبيهاً في الظلم • قويم الطرائق • كريم الحلال • عظيم الشوابق • شريف
النسب • شيب العصب • وضع الأوب • كثير الصواب • مقنود الصواب • بريد السوابق •
عليه ربه شيب • حوله عليه شديدة • إمام شهيد • أذلة شيب • خبيث ضيقت • كنت للرسول
صلى الله عليه وآله ولداً • وتقرآن سداً معيداً • ولأئمة حيداً • وفي الطاعة طينتها • حايطاً
للمهد واليباق • ماكباً من سبل الشقاق • باهلاً للمنفور • طويل الأكرم والشجود • وبعداً في
الشب رعد الإرجح منها • باجراً إليها بين التنبؤ جبين منها • أسالك عنها مكروفاً • وجنتك من
رئيسها مظلومة • والعاقلة من مبعثها مظلومة • ورعيتك في الاحزة مظلومة • حتى إذا انجوز
من باعة • وأسر الظلم فداة • ودعا القوي أتباعه • وأنت في غم جندك طاعن • وللظالمين ^٢
مبارين • طليح اليبب والبحراب • مقبول من الثقات والشواب • نكر السكر منك وسالك •
على حسب طابقت وإسكانك • ثم انتصاك العظم للسكر • ولارك ثمر مجاهد الفجار • فسررت في
أولادك وأحاليك • وشبهك ومواليك • وصعدت بالحق والبهية • ودعوت إلى الله بالمكنية
والزجطة الضنية • وأمرت بإقامة الطهارة • والطاعة كسيرة • ودعت من العبادات والطهارة •
وراجعوك بالظلم والقدون • مجاهدتهم بنه الإحراز اليهم وتأكد العظيمة عليهم • منكوا دماكم
ويعتكم • وأنظروا رثك وجذك • وبدؤوك بالحرب • فلبس للطنس والضراب • وخطبت جنود
الفجار • وخطبت لفظ الفجار • فجاء أباي الفجار • كأنك على النخلة • قلت رأوك ثابت
الحيار • غير حاتب ولا خليل • صلبوا لك خرائق سكرهم • وقاموك بكنهم وشركهم • وأمر
الظلمين بجنودهم منصرف الفاء وقودهم • وماخروك القتال • وجاملوك الفزال • ورجعوك بالشهام
والنبال • وبسفر إليك أكلت الاضطلام • ولم يرحمك دمعاً • ولا راقبوا بك ألساناً • في قتلهم
أولادك • ومهينهم وحالك • وأنت تفتد في الهروب • وتشتعل للأيات • قد صجبت من صبرك
ملايكة السماوات • فأخذوا بك من كل الجهات • وأثخنوك بالجرار • وصافو بسبك وسين
الأرواح • ولم يبق لك مبرأ • وأنت تخشى صائر • مذنب من سونك وأولادك • حتى مكسرك
من جوابك • مهروب إلى الأرض جريماً • تظرك الخيول بجوارقها • وظلوك الطغاة بجوارقها • قد

و شيخ معزب جسدك • و اختلف بالاعتقاد والاتباع • و سببك • تدبر طوما حفتا الى رجبك
و سببك • و لاذ شغل بحبك • عن ذليلك واهالك • و أسرع موتك شادنا • الى شبانك قاصدا •
شبهما ياك • قلت رأيت النساء جوازك مغربا • و مقرب شرجك عليه منونا • ترون من الغدور •
يا جرب الشفور • على الحنور لاطمات • و حر | المؤخر ساقرا • و بالفريق واجبات • و يند
البر شذلات • و الى مضربك شادوات • و الشتر جالش على صدرك • و تولى سبعة على
بحرك • قابض على شربك بيده • و نابغ لك بهنقه • قد مكس حواشك • و غيب أعماشك • و زرع
على القنا رأسك • و نسي أهلك كالصيد • و شعثوا في العديده • فوق القباب المطبات • و تلخ
و لوجهم عز القه جراب • و يسافون في الترابي و العلوات • و أيديهم مقبولة الى الأعصاب • يطال بهم
في الأسوار • قالوا في الفصاة النسيان • لقد غفلوا بقبلك الاسلام • و عطفوا الشدا و القسيان •
و مضوا السنين و الأحكام • و عدسوا قواهد الأيمان • و حزلوا إهاب القرآن • و دخلوا في النفي
و الغدور

لقد أصبح رسول الله صلى الله عليه وآله من أجلك حورا • و عاد كذاب الله غارجل
مفخورا • و خور الحق إذ فحزت مفخورا • و فقد بقدر التكرير و التهميل • و التخرير و التخليل •
و التزويل و التأويل • و ظهر بقدر التغير و التبديل • و اللعاب و التفتيل • و الأروا و الأصيل •
و النفس و الأبطال • فقام ناصبه عند قبر جدك الرسول صلى الله عليه وآله • فماله إليه
بالشع الطويل • فأنزل يا رسول الله قبل بطنك و صدك • و أشيع اهدك و حبال • و نسيت
بصدك دراراك • و وقع التخذور بضررك و موبك • و طرح الإسر • و بكى قلبة المهور • و حرارة
بك الملائكة و الأنبياء • و لجمت بك لك الأخرى • و انجست بقره السلائك الثميين • أنزل
أياد أمير المؤمنين • و أقيمت لك السائب في أعلى علبين • و لطمت عليك الخور النص • و بكى
النساء و سكانها • و الجبال و غراتها • و الهضاب و فطرها • و البحار و حسانها • و سكة و نسيانها •
و الجنان و ولدانها • و البيت و السام • و المشرق و المغرب • و الجبل و الأخرام

اللهم فيخبره عد السكان الصيب • صل على شحيد وآل شحيد • و اخترني من مؤمنهم •
و أخلصني الجنة بشعاعتهم • اللهم إني أرسل إليك يا أسرع العاصيين • و يا أكرم الأكرمين •
و يا حكم الحاكمين • شحيد خاتم النبيين • رسولك إلى العالمين أجمعين • و يا غيه و ابن حنه
الآمر البطير • العالم السكين • علي أمير المؤمنين • و عاظمة سيد بناء العالمين • و ناخص
الأكبر حصم الشكين • و بابي جباله الحسين أكرم التسليدين • و يا ولاد الحقوليين •
و بعثه المنظورين • و علي بن الحسين و بن العابدين • و شحيد بن علي ليلة الآواين •
و جعفر بن شحيد أصدق الصادقين • و موسى بن جعفر مظهر البراهين • و علي بن موسى
باصر الدين • و شحيد بن علي قنود التهدين • و علي بن شحيد أرعد الزكادين • و الحسن بن

عَلَيْ رَاثِ الْكُفَّانِينَ وَالْعَجَبَةِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ • ثُمَّ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
الضَّالِّينَ الْآثِلِينَ • أَلَيْ طَعَامٍ • وَلَمْ تَقْطَعْنِي مِنَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِ الْمُطَهَّرِينَ • الْفَائِزِينَ
الْمُفْرَحِينَ الْمُسْتَبْرَحِينَ

الْعَمَّ أَكْتُبِي فِي التَّكْبِيرِ • وَأَلْعَمِي بِالضَّالِّعِينَ • وَاجْعَلْ لِي إِبْرَادَ صِدْقِي فِي الْإِخْرَافِينَ •
وَأَنْصُرِي عَلَى الْبَاغِي • وَأَكْتُبِي كَيْدَ الْفَاسِدِينَ • وَأَصْرِ بِرَأْيِي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ • وَانْقِضْ هَتِي
إِهْدِي الظَّالِمِينَ • وَاجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَ الشَّادَةِ الْيَامِينَ فِي أَهْلِ عِلِّيْنَ • مَعَ الدَّيْنِ أَنْعَبَ عَلَيْهِمْ
مِنَ النَّبِيِّ وَالْمُطَهَّرِ وَالشُّهَدَاءِ وَالضَّالِّعِينَ • بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

[illegible]

اللَّهُمَّ جَلِّبْ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ • وَبَيْنِي وَبَيْنَ جَنَّةِكَ • وَبَيْنِي وَبَيْنَ مَغْفِرَتِكَ • وَبَيْنِي وَبَيْنَ مَنَافِعِكَ • وَبَيْنِي وَبَيْنَ مَخْرَجِكَ • وَبَيْنِي وَبَيْنَ رِزْقِكَ • اللَّهُمَّ احْصِنِي مِنَ الْأَثَلِ • وَسُدَّنِي بِمِنِّ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ • وَاصْصَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ • وَحَابِسِي بِي الْأَرْجَاءَ وَالْعَمَلَ • وَبَلِّغْ بِي إِلَى رَحْمَتِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ

الْقُدُّمُ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْبَلْ بَرَّتِي • وَارْحَمْ حَبْرَتِي • وَأَقْنَبِي حَلَّتِي • وَنَشِّ
تَحْرِيَتِي • وَاعْزِلْ لِي خَطَّتِي • وَأَصْلَحْ لِي دَرْزَتِي

أَفْهَمْ لَا يَدْعُ لِي فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَالْمَحَلِّ الْمُكَرَّمِ دُنْيَا إِلَّا عِزَّةً • وَلَا عَيْبًا إِلَّا
عِزَّةً • وَلَا عَقًّا إِلَّا كَشْفَةً • وَلَا رِيْقًا إِلَّا بَسْطَةً • وَلَا جَانًا إِلَّا عِزَّةً • وَلَا لِسَادًا إِلَّا أَطْلَعَةً •
وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلْعَةً • وَلَا عَمَاءَ إِلَّا نُجَبَةً • وَلَا ضَيْقًا إِلَّا فُرْجَةً • وَلَا شَتْلًا إِلَّا جِنْتَةً • وَلَا أَسْرًا
إِلَّا أُنْتَمَتَةً • وَلَا مَالًا إِلَّا كَثْرَةً • وَلَا عِلْقًا إِلَّا حَشْنَةً • وَلَا إِنْجَالًا إِلَّا أَغْلَصَةً • وَلَا حَالًا إِلَّا
عِزَّةً • وَلَا عِلْشُودًا إِلَّا قِصَّةً • وَلَا عَقْرًا إِلَّا أَرْدَبَةً • وَلَا فَرًّا إِلَّا كَفْبَةً • وَلَا مَرْحًا إِلَّا عَمِيَّةً •
وَلَا بَعْدًا إِلَّا أَدْنَبَةً • وَلَا عَمَاتًا إِلَّا لَسَةً • وَلَا شِرًّا إِلَّا أَطْلَعَةً

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَاجِدَةِ وَوَرَوَابِ الْأَجَلَةِ • اللَّهُمَّ أَقْبِسْ بِحِلَالِكَ عَنِ الْكُرَامِ • وَبِعِظَمِكَ
عَنِ جَمِيعِ الْأَلَامِ • اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ جِلْسًا بِخَمَلٍ وَقَلْبًا بِحَاشِيَةٍ • وَبِقِيٍّ ضَائِقًا • وَعِظًا رَكِيًّا •
وَصَبْرًا جَمِيلًا • وَأُجْرًا جَزِيلًا • اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ مَخْلُوقِكَ • وَرُوحَةَ مَنَاسِكَ • وَتُحَنُّنَ الْإِنْسَانِ •
وَجَلَلَ قَوْلِي فِي النَّاسِ مُسْرِعًا • وَعِظًا بِعِنْدِكَ خَرْقًا • وَأَثَرًا فِي الْغِيَاثِ مُنِيحًا • وَعِظًا فِي
مُنْتَهَا

الفَهْمُ حَقٌّ عَلَى مُعْتَدٍ وَأَمَّا مُعْتَدٍ الْأَخْيَارِ • عَلَى أَمَامِ اللَّيْلِ وَأَطْرَابِ الشُّهَادِ • وَاجْتِبَى شَرَّ
الْأَشْيَاءِ • وَطَهَّرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَرْوَاحِ • وَأَجْرَى مِنَ النَّارِ • وَأَحْلَى جَزَاءَ الْقَوَارِ • وَاجْتَبَى
وَيُجَمِّعُ الْخَوَاصِ فِيهِ وَالْخَوَاصِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ • بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

بسم رويبه قبله كن و دو ركعت مثل ديكر بكتار و دو ركعت اول سورة الفاتيه و دو ركعت دوم سورة
عشره بخوان و دو ركعت اين دعا را بخوان

لا اله الا الله العظيم الكريم لا اله الا الله العظيم لا اله الا الله رب السموات
الارض ورب الارضين الشيع وما صعد وما ينزل خلافا لا خداه و يكديبا لمن عدل به
و انحرأ التوريتيه و خضوعا لرؤيه الاول غير اكل و الاخر الى غير اجر الطاهر على كل
شيء يبدوته الهاتر ذون كل شيء و عليه و عليه لا تقف القوتون على كنه عظمتيه و لا تدرك
الاذهانه خلقه ما هيته و لا تصور الآفست معاني كبريته و عظمتا على الصانع و عارفا
بالشرار و يفتخ خاتمة الآفست و ما تخفى القشور

اللهم اني اتوجهك على نفسي و رسولك صلى الله عليه وآله و ايماني به و واصلني
بميراثه و وائي اهلته كنه الشيع الذي ملقبت الحكمة بفضله و بطرب الآبهاء به و ودعت الى
الامر بما جاء به و واصلت على عظيمه و بقوله تعالى الذي يجهنم مكتوبا و جسدكم في
الثوبه و الاجلجل ياترهم بالمخروب و يهافتهم عن التذكر و يجل لهم الطغيان و يخونهم صليبه
العباك و يضح منهم اضرهم و الاعمال التي كانت عليهم و فصل على شعث و رسولك الى
القمين و سيد الآبهاء المتصطين و على اخيه و ابن عمه اللذين لم يفرج بك طرفة عين
أبدأ و على فاطمة الزهراء سندا بسام العالمين و على سيدن شباب اهل الجنة الحسن
و الحسين و صلاتا خاتمة الدوام و عدد قطر الزحام و دبره الجبال و الاكام و ما اوردى اللثام
و احطت الضيفه و الظلام و على آله الطاهرين و الآئمة التهدين و الدائمين عن الذين و عبي
و عبيد و جعفر و موسى و علي و محمد و جعفر و الحسن و الخلفه و القوام بالنقط و بسلامه الشبط
اللهم اني لئالك ملق هذا الاسم فرجا قريبا و معبرا خيلا و خيرا مريرا و واصلني من
العلمي و واصلني من الهدى و التوريق لما نجى و مره و وروفا و ابعثا خلا طيبا و مره و اوزا
سائعا و فاجلا مفضلا صبا صبا و من غير كد ولا سكر و لا ينم من اقد و و حامي من كل بلاء
و شقم و مره و التذكر على العافية و التضاء و و انا جاء التورق فاقبضنا على انفسنا ما يكون
لك طاعة على ما امرنا شعاطرين حتى تؤدنا الى جنات النعيم و برحمتك يا ارحم الراحمين
اللهم صل على شعثي و آل شعثي و اوجفتي من الدنيا و ايسني بالآخرة و و انا لا ابرجس
من الدنيا الا خوفك و لا يؤنس بالآخرة الا رحمتك اللهم لك الخلة لا صليبه و و ايسني
انفسكي لا منك و فصل على محمد و آله و ائمتي على ضيق القالبه العاصيه و و شقوتي
العائيه و و احم لي بالعافيه اللهم اني استعاري ايتك و انا نجر على حانيتها بنة خيام و و تزي
الاستعمار مع جسي بسعة جنتك نظير بحق الاجل و اللهم اني ادعوك توكيبي ان ارجوك و و انا

جَلَسَ بِسَمْعِهِ رَحْمَتِكَ يَسْتَنْصِي أَنْ أَغْشَاهُ • فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَصَلِّ عَلَى رَجَائِي لَكَ •
 وَكَذَّابِ عِزِّي مِنْكَ • وَكُنْ لِي وَجْهَ أَمْرِي عَلَى يَدِ الْأَكْثَرِ الْأَكْثَرِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَيُّمِي بِالْمُصْطَفَى • وَأَنْطِقْ لِسَانِي بِالْحَمْدِ • وَاجْعَلْنِي
 مَشْنُوعًا بِدَعْوَى مَا خَلَقَهُ مِنْ أَهْلِهِ • وَلَا يَجْعَلْ عَقْدِي مِنْ يَدِيهِ • وَلَا يَهْمُ بِرِزْقِ عَبْدِهِ • اللَّهُمَّ إِنَّ
 الْأَمِيرَ مِنْ أَسْتَفْضَى بِلَهِّكَ وَافْتَرَى إِلَيْكَ • وَالْفَقِيرُ مِنْ أَسْتَفْضَى بِخَلْقِكَ مِنْكَ • فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ • وَاجْعَلْنِي عَنْ حَقِّكَ بِكَ • وَاجْعَلْنِي بِشَيْءٍ لَا يَنْتَضِقُ قَلْبًا إِلَّا بِإِثْنِكَ
 اللَّهُمَّ إِنَّ الشُّعْرَى مِنْ قَسَدٍ وَأَسَانَةِ الثَّرْبَةِ وَوَرْدَةِ الرَّحْمَةِ • وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْأَمَلِ فَإِنِّي فِي
 رَحْمَتِكَ قَوِي الْأَمْرِ • فَهَبْ لِي عِصْفَ عِلْمِي بِقَوْلِكَ أَمَلِي • اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ مُظْلَمٌ أَنْ مَا فِي جِهَادِي لَمْ
 يَزَلْ أُنْصَرِفْ قَلْبًا مِنِّي وَأَعْظَمَ مِنِّي دُنْيًا فَإِنِّي أَعْتَمِدُ أَنَّ لَأَمْرِي أَكْثَرُ مِنْكَ حُزْنًا • وَأَوْشَعُ رَحْمَةً
 زَعْلُونًا • لِيَا مَن لَمْ أَوْعِدْ فِي رَحْمَتِهِ الْغَيْرَ لَمْ يَنْسَ مَا وَعَدَ فِي عَطْفَتِهِ
 اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَكْرَمُ فَخْرَيْنَا • وَبِهِتَ لِمَا لَكُنَا • وَكَثُرَ لِمَا سَأَلْنَا • وَبُخِرَتْ فِتْنَاتُنَا •
 وَخَلَّتْ فِتْنَاتُنَا • وَكَانَ دِينُكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا • وَأَنْتَ أَكْثَرُ بِمَا أَعْطَانَا • وَأَكْثَرُ بِمَا
 مَاتِي زَمَانُنَا • لَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤَاخِضْنَا بِمَا أَعْطَانَا وَتُبْسِنَا • وَهَبْ لَنَا
 حُلُوفَكَ لَدُنَّا • وَأَيُّمَ إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا • وَأَسْأَلُ رَحْمَتَكَ حِينًا
 اللَّهُمَّ إِنْ تَشَاءُ بِكَ بِهَذَا الصَّدِيقِ الْإِمَامِ • وَسَأَلْتُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَكَ وَلِجَدِّهِ رَسُولِكَ
 وَلَا يُزِيدُ عِلْمِي وَدَلِيلِي أَقْبَلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ • لِذَوِ الْأَرْزَقِ الَّذِي بِهِ جَوْلُ عِيَانِنَا • وَصَلَاةُ الْحُرَالِ
 وَبِيَالِكَ • حَامَتِ الْكَرِيمُ الَّذِي يُغْفِرُ بِسَمْعِهِ • وَتَشَعُّبُ مِنْ قُدْرَةٍ • وَنَحْنُ سَأَلْنَاكَ مِنَ الْإِزْقِ مَا يَكُونُ
 ضَلَاةً بِلَدُنَا • وَبِلَاغًا بِالْآخِرَةِ •
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَاجْعَلْنَا وَلِيًّا لِدِينِنَا • وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ •
 وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ • الْآخِيَارِ مِنْهُمْ وَالْأَوَّلِينَ • وَاجْعَلْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
 وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
 پس رکوع و سجود میکنی و تشهد میخوانی و سلام میگوئی. پس چون تسبیح حضرت طاهر (علیه السلام) را
 بخوانی چهل مرتبه بگو صبیحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر و از خدا سؤال کن که
 تو را از گناهان بکشد دارد و از عذاب خود نجات بخشد و تو را حق عمل تبارک کرامت فرماید و اصالح و قبول
 نماید و بایست نزد تبار و دو رکعت ساز بکن به نحوی که گذشت. پس خود را به صریح چنان در بوس و
 بگو درود الله می تشویقکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و دعا کن بوسی خود و پدر و مادر
 خود و هر که را خواهی.

الْأَوْكُسِ . وَتَقَطَّرْنَ وَتَوَرَّتْنَ فِي خَوَاءٍ . وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَيْبِكَ . وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاكِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارِ . فَبَاعَدْنَهُمْ عَنْكَ صَابِرًا مُخْتَبِئًا حَتَّى سَمِعَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ . وَاسْتَبِيحَ خَرِيْمُهُ . اللَّهُمَّ فَالْتَصْنَهُمْ لَنَا وَبَيْلًا وَعَنْهُمْ غَدَابًا رَحِمًا .

السلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ . السلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ صِهْبِ الْأَوْجِيَاءِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِيهِ . عِشْتَ شَعِيدًا وَمَضَيْتَ حَمِيدًا وَمُتَّ مُقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا . وَأَشْهَدُ لَكَ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرُكَ لَكَ مَا وَعَدَكَ . وَمُهِدُكَ مِنْ خِلَالِكَ وَمُعَذِّبُكَ مِنْ قِتْلِكَ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ . فَلَمَعَ اللَّهُ مِنْ قِتْلِكَ . وَلَمَعَ اللَّهُ مِنْ ظِلْمِكَ . وَلَمَعَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَزَجَّهَتْ بِهِ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ . وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ . يَا بِي أَنْتَ وَأَنِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ قُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ . ثُمَّ تُنَجِّسُكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَتْعَالِيهَا . وَلَمْ تُبَيِّضْكَ الْمُذَلِّمَاتُ مِنْ لِسَانِيهَا . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ قَصَائِمِ الدِّينِ وَلِرَكَائِبِ الْمُسْلِمِينَ وَمَحَقِّبِ الْمُؤْمِنِينَ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ النَّقِيُّ الرَّحِيمُ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي . وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيُّمَةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْأُخْبَةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا . وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا بَابَكُمْ مُؤْمِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَسَلِي وَقَلْبِي بِعَلْبِكُمْ سَلَمٌ وَآمُرِي لِأَمْرِكُمْ مَشِيْعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعْطَةٌ حَتَّى يَأْفَقَ اللَّهُ لَكُمْ . فَفَعَلَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ . صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى

أَزْوَاجِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَهِيدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَمَاطِيِكُمْ. آمِينَ رَبُّ
الْعَالَمِينَ.

پس دو رکعت نماز می‌کنی و دعا می‌کنی به آنچه می‌خواهی و بر می‌گویی.

وداع

و بعد این طابوس را گفته که من برای این زیارت وداعی با مقام که مخصوص دست به این زیارت، و آن چنان است که بایستی پیش روی خیر و بگوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَصِيِّ
رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْنَ طَائِفَةِ الزُّهْرَاءِ شَهِدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْبَيْتِ الرُّكْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
وَشَهِيدَهُ عَلَى خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الشَّهِيدَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَوْلَايَ وَيَا بَيْنَ مَوْلَايَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزُّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى
بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ. أَتَيْتَكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَابْتِغَاءً وَاجِبًا مُقَرَّأً لَكَ بِالذُّنُوبِ.
هَارِبًا إِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا. أَسْتَغْفِرُ لِي مِنْكَ يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ. صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا. فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَخْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً.

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَضَبَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
قَتَلَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَذَلَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَعَاكَ إِلَى دَعْوَتِهِ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ.
وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَحَرَّمَ رَسُولُهُ وَحَرَّمَ أَبُوكَ وَأَخِيكَ.

وَلَقَدْ أَلَّهَ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْغُرَاتِ لَفَنًا كَثِيرًا يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا
 اللَّهُمَّ فَاطِمَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ
 عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ
 يَنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ. وَلِذَلِكَ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ
 وَحَمِيمُ يَا رَبِّ. وَإِنْ عَيْتُ فَأَحْشُرِي فِي زُمرَتِهِ. يَا قَاسِمَ الزَّاجِعِينَ.

دوم: زیارتی است که در جابر منقول است و کثرت آن چنان است که از خط روایت شده که
 گفت: با جابر بن عبد الله انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر. چون به غاصره رسیدیم در آب
 لغات غسل کرد، و پیرای طاهری که با خود داشت پوشید پس گفت که: آیا با تو چیزی هست از
 بوی خوش ای عطا گفتیم: با من سعد هست. پس قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پای
 برهنه روانه شد تا استاد نزد سر مبارک امام حسن علیه السلام و سه مرتبه الله اکبر گفت. پس افتاد و
 بهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می گفت: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ. تا آخر
 زیارت، که به عین همان زیارت نیمه رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند
 کلمه، که شاید از احتیاط بیخ باشد، چنانچه شیخ مرحوم احتمال دادند پس اگر کسی خواست که
 آن را نیز بخواند رجوع کند به زیارت نصف رجب ادر صفحه ۱۲۷ و همان را بخواند.

زیارت سید الشهداء علیه السلام در اوقات شریفه

مؤلف گوید که: زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام در اوقات شریفه و نیالی و اتمام متبرکه که بشر
 این اوقات که ذکر شد بر افضل است، خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت منسوب است مثل روز
 سابعه، و روز نزول «عَلَّ آتِ»، و روز ولادت شریف آن حضرت که سوم یا پنجم ماه شعبان واقع
 شده، و هم چنین در چهاردهم ماه ربیع الاول که نزدیک به جهنم واصل شده و اوقات شریفه دیگر
 و به سند معتبر منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که: آیا زیارت حضرت امام

حسین (علیه السلام) را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد؟ فرمود که: زیارت کنید آن حضرات را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آن حضرات غیر مقدری نیست هر که آنرا بیشتر به عمل آورد غیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرات در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها توابش مضاعف است و در این اوقات شریفه ملائکه در آسمان نازل می شوند از برای زیارت آن حضرت (علیه السلام) و از برای خصوصی این اوقات مذکوره زیارت مقبول یافت می شود، بلکه در روز سوّم ماه شعبان که دور تولّد حضرت امام حسین (علیه السلام) است دعایی از ناحیه شریحه بیرون آمده که باز پس آن را حواله و مایل شاه الله آن را در عمل شعبان ذکر می کنیم زیرا که مناسبتش با آن جا بیشتر است و بدین سبب که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد و مایل شاه الله بعد از این به زیارت پیوسته اشاره خواهیم نمود و لکن در این جا یک حدیث نقل می کنیم و این باب را به آن ختم می نمایم.

زیارت امام حسین (علیه السلام) از دور

به سندهای معتبره از سندیر عزرائلی منقول است که گفته فرمود به من حضرت صادق (علیه السلام) که: آنچه مایع است تو را از آن که زیارت کنی غیر امام حسین (علیه السلام) را در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روز یک مرتبه؟ گفت: فدای تو شوم میان من و آن حضرت فرسخ های بسیار هست. فرمود که: «بالا می روی به پام خانه خود پس منظر می شوی به جانب راست و جانب چپ خود پس سر خود را به سوی آسمان بلند می کنی و می گویی: السّلامُ عَلَیْكَ یا اَبَا عَبْدِاللهِ السّلامُ عَلَیْكَ یا بَنی رَسولِ اللهِ السّلامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ تا برشته شود برای تو ثواب حج و عمره»

سندیر گفت که: بسیار است که من در دوری و فاصله از بیست مرتبه زیارت امام حسین (علیه السلام) می کنم.

باب پنجم

در بیان زیارت حضرت امیرالمومنین
واعمال مسجد کوفه و زیارت
جناب مسلم و ثانی و عمل مساجد
مسجد کوفه و زید و حصه و ذکر محلی از
تکالیف زوار در نجف اشرف

و در آن چهار مقام است

مقام اول

در ذکر فضیلت زیارت آن حضرت

و فضیلت نجف اشرف و بیان موضع قبر متور

و ذکر چند زیارت مطلقه که مخصوص به وقتی نیست

و مشتمل است بر سه فصل

فصل اول

در فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت نجف اشرف است

شیخ جلیل جعفر بن قولویه در کمال الزیارات به سند معتبر روایت کرده که ابو وهب قصری گفت: داخل مدینه شدم و به خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم: خدایت شوم به نزد شما آمدم و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام نکردم. حضرت فرمود که: چه کردی، اگر نه این بود، که تو از شعیبان ما بودی، من به سوی تو نگاه نمی کردم. آیا زیارت نمی کنی کسی را که خدا با ملائکه او را زیارت می کند، و پشیمان و مؤسّر او را زیارت می کنند؟ گفتم: خدای تو شوم من این را نمی دانستم. فرمود: هو بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام نزد خدا بهتر است از جمیع انکه علیه السلام. و از برای او هست ثواب اعمال همه انکه، و به قدر اعمال خود زیادتی و فضیلت یافتند.

و سند عبد الکرم بن طاووس علیه السلام در لرحه القبری از آن حضرت روایت کرده که فرمودند: هر که پیاده به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برود حق تعالی به هر گامی توپ دو حج و دو عمره از برای او بنویسد.

و نیز از آن حضرت روایت کرده که به ای مارد فرمود: ای پسر مارد هر که زیارت کند جدم امیرالمؤمنین علیه السلام راه بنویسد حق تعالی از برای او به عدد هر گامی حج مقبول و عمره پسندیده، ای پسر مارد، و الله که من بخورد آتش جهنم قسمی را که خیار آلوده شود در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خورده پیاده رود، خوله سوار ای پسر مارد بنویس این حدیث را به آب طلا.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: ما می گویم که در پشت کوفه قبری هست که پناه می برد به آن قبر در تنگائی مگر آن که حق تعالی او را تشا کرامت می فرماید. و در حدیثی دیگر فرمودند: خداوند عرض کرد ولایت و دوستی ما را بر اسبانها و زمینها و کوهها

و شهرها قبول نکرده هیچ یک مثل قبول کردن اهل کوفه به درستی که در پهلوی ایشان قبری هست که هیچ غمناکی به سوی آن قبر نمی رود مگر آن که حق تعالی غمش را زایل می گرداند و دعای او را مستجاب و او را به لطفش شاد بر می گرداند.

و در روایتی از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است که فرمود: فضیلت زیارت قبر امیر المؤمنین علیه السلام بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام مثل فضیلت امیر المؤمنین است بر امام حسین علیه السلام.

و شیخ محمد بن المصطفی به سند خود روایت کرده از اسماعیل بن عمار که گفت: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که می فرمود: شخصی اعرابی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول الله متول من از منزل شما دور است و من مشتاق زیارت و دیدن شما می شوم و می آیم و شما را نمی بینم و علی بن ابی طالب علیه السلام را می بینم و منس من می شود به حدیث گفتی و موعظه کردی، و بر می گردم با تأفف بر ندیدن شما. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: هر که علی را زیارت کند مرا زیارت کرده است. و هر که او را دوست داند مرا دوست داشته و هر که او را دشمن دارد مرا دشمن داشته است. این حدیث را از من به قوم خود برسان و هر که بروه بعد از وفات علی علیه السلام به زیارت او چنان است که به زیارت من آمده باشد، و من جزا می دهم او را در قیامت، و جبرئیل و صالح مؤمنان که امیر المؤمنین است، و غیر اینها از اخبار دیگر.

و اما فضیلت نجف اشرف پس زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود، و شیخ عالم جلیل و فقه بی بدی شیخ خضر شلالی رحمته الله در مزار خود فرموده که: استفاده می شود از وجود حق و نقل که روضه حضرت رسول و روضه پسر حقش و هم چنین روضات سایر ائمه علیهم السلام افضل است از مسجد الحرام که فضیلت نماز در آن مقابل هزار نماز در جای دیگر، با آن که نماز در مسجد پنجمین علیه السلام مقابل ده هزار نمازی است که در جای دیگر کرده شود به خصوص بعد از سلاطه روایتی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمودند که: «بهرت» - چس شب به روز آوردن - در نزد امیر المؤمنین علیه السلام مقابل عبادت هفتصد سال است و بیست و نود سید القهده علیه السلام مقابل هفتاد سال عبادت است و نماز نزد امیر المؤمنین علیه السلام مقابل دویست هزار سال است.

و از مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام مروی است که فرمودند: «یک روز جوار امیر المؤمنین علیه السلام بودن بهتر است از عبادت هفتصد سال و نزد سید القهده علیه السلام از هفتاد سال» انتهى. تمام شد کلام

و جناب سید العلماء و الفقهاء آقا سید مهدی خروسی در کتاب لفتک النجاة فرموده که: شیدم از بعضی مشایخ خود که حدیثی را می‌خواندند، آن که یک نفس کشیدن در نزد امیر المؤمنین علیه السلام مقبول عبادت چهار صد سال است. تمام شد کلام مرحوم سید.

و روایت شده از امیر المؤمنین علیه السلام که فرموده: «اول بقصدای که خدا را در آن عبادت کردند پشت کوفه است» چون خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند در این جا سجده کردند.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «جحف کوهی بود و آن همان کوهی بود که پسر روح علیه السلام گفت که پناه می‌برم به آن از غرق شدن» و بر روی زمین کوهی از آن بزرگتر بود، پس حق تعالی وحی نمود به آن کوه که ای پناه می‌برند از عذاب من؟ پس آن کوه پاره پاره شد و در پناه شام ظاهر شد و رنگ بسیار زیاده شد و بعد از آن جای آن کوه دریای عظیمی شد و آن دریا را، آن می‌گفتند، و چون آن دریا خشک شد گفتند: «نن بجف» پس درهای آن خشکید، پس به بسیاری استعمال برای آسانی گفتار «نجف» گفتند.

و وارد شده: «جحف قطعی است از کوهی که حق تعالی با حضرت موسی علیه السلام بر آن سخن گفت، و حضرت عیسی علیه السلام را بر این موضع تقدیس کرد و بزرگ گردانید، و حضرت ابراهیم علیه السلام را در این مکان مقیم نمود گردانید و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در این محل حبس خود گردانید، و آن را مسکن پیمبران ساخت».

و نیز روایت شده که: «هیچ مؤمنی نمی‌میرد در بقصدای از بقصدای زمین مگر آن که به روحش می‌گویند که ملحق شو به وادی السلام که صحرای نجف است، و آن بقصدای است در جنت عدن» و به سند معتبر از اصبح بن بیان منقول است که: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به صحرای نجف رفت و ما از عقب آن حضرت رفیق هدیم که بر پشت خوابیده است بر روی زمین، فیر گفت یا امیر المؤمنین! چاهه در زیر شما بیندارم، فرمود که: «نه، مگر تربت مؤمنی یا شستن در بطوی مؤمنی» پس فرمود: «ای پسر جان! اگر پرده از روی شما بردارند هر آنچه خواهید یافت ارواح مؤمنان آن را که در این صحرا حلقه حلقه نشسته‌اند و به زیارت یکدیگر می‌روند و با یکدیگر سخن می‌گویند، و روح هر مؤمنی در این جا است ولی روح هر کافری در برهوت است» و برهوت وادی است نزدیک من.

و در ارشاد القلوب و فرحة القلوب روایت کرده‌اند که مرد صالحی از اهل کوفه گفت: من در شبی

باوانی در مسجد کوفه بودند. ناگاه دری را که در جانب قبر مسلم است گوییدند، چون در را گشودند جدارهای را داخل کردند و در صفای که بر قبر مسلم است گذاشتند یکی از ایشان را خواب برد در خواب دید که دو شخص نزد جنازه حاضر شدند و یکی به دیگری گفت که: بین ما را با دو حصایی هست تا از او یکسوم پیش از آن که از رحلت بگذرد، که بعد از آن ما را به نزدیک او نمی توانیم رساند پس بیدار شد و خواب را برای رفقاء خود نقل کرد و در همان ساعت آن جنازه را برداشتند و داخل نجف کردند که از حساب و عذاب تجارت یابد و غضبت کوفه بعد از این ذکر می شود این شاء الله تعالی.

فصل دوم

در بیان موضع قبر متوثر آن حضرت و قبور
شریفه انبیاء و اوصیاء که در جوار آن حضرت مدفون اند

بدان که چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام وصیت نمود که آن حضرت را در شب، به صورت پنهان دفن کنند از خوف خوارج و غیر ایشان به این سبب قبر آن حضرت مدفونی بود و مطلع بود بر آن مگر قلبی از خواص شیعیان، که آن که حضرت صادق علیه السلام در زمان سقاج به عراق تشریف آوردند، به جمع کثیری از شیعیان و اصحاب عبود سوختند قبر آن حضرت را و فرمودند که خلاصت غیر واساختند و در زمان هارون تجدید کردند به سببی که در مقام خودی مذکور است و به این سبب در میان مخالفان در باب قبر متوثر آن حضرت اختلاف است، و لکن اجماع شیعه متفق گردیده است به نقل های متواتره که مرقد شریف آن حضرت همین موضع سرورق در نجف است و البته ظاهرین علیهم السلام به آن خبر داده اند و روایت کرده اند، و شکی نیست که اولاد هر شخصی احرارند به قبر پدرشان از غیرشان.

و شیخ علی بهاضی رحمته الله در حرات المستقیم از این جوری نقل کرده که در تاریخ خود گفته که ابو الفیاض که از عیاد و محدثین اهل سب است گفته است که در کوفه مسجد نقر از صحابه فرود که غیر هیچ یک از آنها معلوم نیست به جر قبر امیر المؤمنین علیه السلام و آن همین قبری است که الآن مردم او را زیارت می کنند و پیدا شدن آن به سبب آمدن حضرت صادق و باقر علیهم السلام بود که آمدند و زیارت آن کردند ان شاء الله.

و سید اجل عبد الکرم بن طاووس رحمه الله در این باب کتابی تألیف کرده است که مستقی به لوحه
اللمیزی است و احادیث بسیار در این باب در آن ایوان نموده است با معجزات بسیار که از این قبر
مظهر ظاهر گشته و علامه مجلسی رحمه الله آن کتاب شریف را ترجمه نموده است و لکن بعد از آنکه در
هر عصری در احصای آن قبر شریف از کرامات و معجزات آن قدر ظاهر می گردد که محتاج به نقل
کلمات سابقین نیست و اگر بود ملاحظه اختصار هر آیه به ذکر بعضی از آن ها به تریک
می چسبم.

و در روایت معتبر منقول است که ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که: امیر
المؤمنین علیه السلام در کجا مدفون گردیده است؟ فرمود که: در قبر پدرش نوح علیه السلام و ابو بصیر گفت که:
مردم می گویند حضرت نوح علیه السلام در مسجد کوفه مدفون است. فرمود که: نه، در پشت کوفه مدفون
است.

و به سند معتبر منقول است از زید بن عمرو که حضرت صادق علیه السلام در وقتی که در حیره بود،
روزی به من گفت که: آیا می خواهی به عمل آورم آنچه تو را وحیه داده بودم. که امیر
المؤمنین را به تو نشان دهم؟ گفتم: بلی. پس آن حضرت سوار شد و اسماعیل فرزند آن حضرت
سوار شد و من با ایشان سوار شدم. تا آن که از تل کوچکی گذشت و میان حیره و نجف نزد تل های
سفید فرود آمد. و من و اسماعیل هم فرود آمدیم. پس حضرت نماز کرد و ما هم نماز کردیم. پس
به اسماعیل گفت که: ای خیر و سلام کن بر جنت حسین بن علی علیه السلام. گفتم: فدایت شوم مگر
حسین علیه السلام در کربلا نیست. فرمود: بلی. لذا چون سر مبارک آن حضرت را به شام بردند یکی از
شیعیان ما آن سر را دید و او را دفن کرد در پهلوی قبر امیر المؤمنین علیه السلام.

و به سند معتبر دیگر از ابا بن مطلب مروی است که گفت: با حضرت صادق علیه السلام رخصه به پشت
کوفه پس اندکی راه رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز گذاردند پس اندکی دیگر رفتند و فرود
آمدند و دو رکعت نماز کردند. پس اندکی دیگر رفتند و فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند. پس
فرمودند که: آری موضع اول محل قبر امیر المؤمنین علیه السلام بوده و موضع دوم محل سر مبارک امام
حسین علیه السلام بوده و موضع سوم محل منبر حضرت قائم آل محمد علیه السلام خواهد بود.

و بر به سند معتبر منقول است که آن حضرت فرمود: چون به نجف می روی دو قبر می بینی،

قبری بزرگ و قبری کوچک که قبر بزرگ قبر امیر المؤمنین علیه السلام و قبر کوچک مدفن سر مبارک حضرت حسین علیه السلام است.

و نیز به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حضرت امام حسن علیه السلام را امر فرمود که برای آنکه دشمنانش موضع قبرش را ندانند قبر آن حضرت را در چهار موضع بکنند در مسجد و در حلقه و دو موضع دیگر».

و وارد شده که حضرت امام حسن و امام حسین علیه السلام و معتمد بن خلفه و عهد الله بن جعفر و جمعی از اهل بیت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در شب بیرون آوردند و در پشت کوهه دفن کردند، از ترس این که میبایست خوارج و غیر ایشان قبر را بشکافتند و آن حضرت آن را بیرون آورند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «در کوهه است قبر نوح و ابراهیم علیه السلام و قبر سیصد و هشتاد یحیی و شصت و هفت یحیی و غیر بهترین اوصیاء یحییان یعنی امیر مؤمنان علیه السلام و علیهم السلام».

مؤلف گوید که: چون در روایات معتبره بسیار وارد است که حضرت آدم علیه السلام و روح علیه السلام نزد امیر المؤمنین علیه السلام مدفون اند و در بعضی روایات حضرت هود علیه السلام نیز وارد شده است و حضرت صالح علیه السلام نیز مشهور است که در حوالی آن حضرت مدفون است و حضرت یونس علیه السلام نیز در این رحا قبرش معروف است و در این حدیث نیز حضرت ابراهیم علیه السلام با سایر انبیا و اوصیاء وارد شده است، اگر هر وقت زیارت آن حضرت همه را زیارت کنند مناسب است آنچه به خصوص (در روایات) مذکورند و باقی را عموماً چنانچه علامه مجلسی علیه السلام فرموده و در حدیث صلوات نیز مذکور است که با حضرت صادق علیه السلام از فادیه روانه شدیم تا به نجف، آن که گفته که حضرت رخت تا رسید به خوی، پس بر قبری ایستاد و سلام کرد بر یحییان یک یک از آدم گرفته تا به یحیی آخر الزمان علیه السلام و من با او سلام می فرستادم پس بر روی قبر افتاد و بر صاحب قبر سلام کرد و صدای گریه آن حضرت بلند شد.

و بدان که این احادیث منافاتی ندارد با احادیثی که وارد شده است که بعضی از ایشان در مواضع دیگر دفن شدند روا که ممکن است مثل حضرت آدم علیه السلام در جای دیگر مدفون شده باشند و از برای شرف میبایست آن حضرت ایشان را به این محل شرف نقل کرده باشند.

فصل سوم

در زیارات مطلقه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

که مقتصد به وقتی از اوقات نیست

بدان که زیارات مطلقه آن حضرت قریب به صست زیارت می شود و لکن ما در این جا به نقل چند زیارت معتبر اکتفا می نمایم به سبب آن چیزی که در باب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام به شرح رفته.

اولی زیارتی است که شیخ محمد و سید ابن طاووس و شیخ شهید و غیر ایشان - قس الله ارواحهم - در کتب خود ذکر کرده اند و به روایت نسبت داده اند و کیفیت آن چنان است که شیخ مفید فرموده است که: مروی است از صفوان که عرض نمود به خدمت حضرت صادق علیه السلام چگونه زیارت کنم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را؟ فرمود که: های صفوان هرگاه اراده زیارت بسیاری غسل کن و در جامه پاک بپوش و به چیزی از بوی خوش خود را خوشبو کن و اگر بایی و نکشی نیز مجزی است، و چون از خانه خود بیرون می روی بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ صَلَاتِي، پس این دعا را با دهاهای دیگر نقل کرده که خوانده می شود در وقت رسیدن به غسل، و در وقت دیدن قبا شریفه و رسیدن به حلاله، و وقت رسیدن به دروازه شهر، و به درگاه صحن مقدس، و نزد داخل شدن در صحن، تا آن که فرموده اند: پس چو به دروای برسی بایست و بگو:

السلام على رسول الله أمين الله على وحيه وعزيمته امروه الخاتم لما سبق. والفايح لنا استقبل. والمنهين على ذلك كله ورحمة الله وبركاته. السلام على صاحب السكينة. السلام على المنهون بالمدنية. السلام على المنصور المؤيد. السلام على ابي القاسم محمد بن عبد الله ورحمة الله وبركاته.

پس داخل روای شو و در وقت داخل شدن بای و است را مقدم دار و بگو:

أشهد أن لا إله إلا الله وخفته لا شريك له. وأشهد أن محمداً عبده ورسوله جاء بالحق من عنده وصلى المرسلين. السلام عليك يا رسول

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَبِيبَ اللَّهِ وَجِيزَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَى
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ وَآخِي رَسُولِ اللَّهِ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدَكَ
 وَابْنَ عَبْدِكَ وَابْنَ أَمَتِكَ جَاعِلَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ قاصِداً إِلَى خَزَائِكَ
 مُتَوَجِّهاً إِلَى عَقَائِكَ مُتَوَسِّلاً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ أَذْخُلُ يَا مَوْلَايَ أَذْخُلُ
 يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَذْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَذْخُلُ يَا أَسْمَعَ اللَّهِ أَذْخُلُ
 يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقْبِلِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ يَا مَوْلَايَ أَقَادُ لِي بِالدُّخُولِ الْفَضْلَ
 مَا أَلَيْتَ لِاخْتِيَارِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَلَا تَقَامَتْ أَهْلُ لِدَيْكَ

پس (آستانه و) علیه را بپوش و مقدم مگر پای راست را پیش (و پای چپ و داخل شو و در
 حال داخل شدن بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پس برو تا (مواری و) معاذی تیر شوی و توقف نما پیش او رسیدی به او و بگو

السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَسْمَعَ اللَّهُ عَلَيَّ وَخَبِيرَهُ وَرِسَالَتَهُ
 وَغَزَائِمَ أَمْرِهِ وَمَعِينِ الْوَحْيِ وَالتَّشْرِيلِ الْغَاثِمِ لِمَا سَبَقَ وَأَتَّابِ لِمَا اسْتَقْبَلَ
 وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ الشَّاهِدِ عَلَى الْخَلْقِ الشَّرَاحِ الْعُسْبِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْمُطْلُومِينَ الْفَضْلَ وَاتَّكُمْلَ وَأَرْفَعْ
 وَأَشْرَفْ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْلُوبِيَّاتِكَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَخَيْرِ خَلْقِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ وَآخِي
 رَسُولِكَ وَوَحِيِّ حَبِيبِكَ الَّذِي اسْتَجَبْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَالذَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَغْتَتَهُ
 بِرِسَالَتِكَ وَذِيانِ الدِّينِ بِعَذَابِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ يَهْنُ خَلْقِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ وَلِيِّهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِكَ مِنْ

بَعْدِهِ. الْمُطَهَّرِينَ الَّذِينَ ارْتَضَيْنَهُمْ أَنْصَاراً لِدِينِكَ. وَحَقِيقَةً لِسِرِّكَ. وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِكَ. وَأَعْلَاماً لِعِبَادِكَ. صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ. وَالْقَائِمِ بِأَمْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ. سَيِّدِ الْوَحِيدِينَ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَى قَاطِعَةِ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْفَخْرَيْنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيِ شَبَابِ أَهْلِ الْبَقْعَةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الْمُسْتَوْدَعِينَ. السَّلَامُ عَلَى حَاصِيَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَى الْمُتَوَسِّمِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِأَمْرِهِ وَوَارَثُوا لَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَخَالُوا بِخَوَلَائِهِ. السَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ^(١)

پس برو تا بایستی نزد یک نفر، و روی به قبر و پشت به قبله کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلَمَ التَّمَنَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَحِيدُ الْبَرُّ الْقَوِيُّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَخْرَيْنِ وَالْحُسَيْنَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُمُودَ الدِّينِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَحِيدِينَ. وَأَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَدَيَانَ يَوْمِ الدِّينِ. وَخَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ. وَسَيِّدَ الصَّدِيقِينَ. وَالصَّفْوَةَ مِنْ سُلَالَةِ النَّبِيِّينَ. وَبَابَ حِكْمَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَخَارِجَ وَحْيِهِ. وَغِيَاةَ عِلْمِهِ. وَالنَّاصِحَ لِأُمَّةٍ نَبِيٍّ. وَاتِّتَالِي لِرَسُولِهِ. وَالْمُوَاسِي لَهْ بِتَقْسِيمِهِ. وَالنَّاطِقَ بِحُجَّتِهِ.

وَالذَّاعِي إِلَى شَرِّعَتِهِ وَالْمَاسِي عَلَى سُنَّتِهِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَبْلَغَ عَنْ رَسُولِكَ مَا حَقَّلَ وَدَعَى مَا اسْتَحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتَوْدَعَ وَحَقَّلَ خِلَالَكَ وَخَسَّرَ خَرَامَكَ وَأَقَامَ أَحْكَامَكَ وَجَاهَدَ النَّاكِثِينَ فِي سَبِيلِكَ وَالْقَاضِيَيْنِ فِي حُكُومِكَ وَالْمَارِقِينَ عَنْ أَمْرِكَ صَابِرًا مُخْتَبِرًا لَا تَأْخُذُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَانٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْوَئِيائِكَ وَأَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ اللَّهُمَّ هَذَا قَبْرُ وَلِيِّكَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَجَعَلْتَ فِي أَشْيَائِهِ عِبَادَتَكَ مُبَاحَةً وَخَلَقْتَهُ الَّذِي بِهِ تَأْخُذُ وَتُعْطِي وَبِهِ تُسَبِّحُ وَتُعَاقِبُ وَفِيهِ قَضَاؤُهُ طَعْمًا لِمَا أَعَدَدْتَهُ لِأَوْلِيَائِكَ فَيُعْطِيهِمْ قَبْرِهِ مِنْكَ وَجَلِيلِ حَقِيرِهِ لَذِيكَ وَفَرْقِ مَنَزَلَتِهِ مِنْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِهِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ الْكَرَمِ وَالْجُودِ وَالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا خَوْلَايَ وَعَلَى صُجَّعِيكَ آدَمَ وَنُوحَ وَزُرْعَةَ الْفِئَةِ وَبَرَكَاتِهِ

پس طرح یا یوس و در جانب سر پاست و بگو:

یا خَوْلَايَ إِلَيْكَ وَلُحُودِي وَبِكَ اقْوَسُلُ إِلَى رِزْقِي فِي بُلُوغِ مَقْصُودِي وَأَشْهَدُ أَنَّ الْمُتَوَسِّلَ بِكَ غَيْرُ خَائِبٍ وَالطَّالِبُ بِكَ عَنْ مَعْرِفَةِ غَيْرِ مَرْفُودٍ إِلَّا بِقَضَاءِ خَوَاتِمِهِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا إِلَى اللَّهِ وَرَبِّكَ وَرِزْقِي فِي قَضَاءِ خَوَاتِمِي وَتَسْوِيرِ أُمُورِي وَكَشْفِ شِلَّتِي وَغُلْزَانِ قَلْبِي وَسَعَةِ رِزْقِي وَتَطْوِيلِ عُمُرِي وَإِعْطَاءِ سُؤْلِي فِي آخِرَتِي وَدُنْيَايَ اللَّهُمَّ ائْتِنَا قِتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ ائْتِنَا قِتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ ائْتِنَا قِتْلَةَ الْإِيْمَةِ وَعَذَابَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا لَا تُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ عَذَابًا كَثِيرًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا آجَلَ وَلَا أَمَدَ بِمَا شَاقُّوا وَلِلَّهِ أَمْرُكَ وَأَعِذْ لَهُمْ عَذَابًا لَمْ تُجْلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ

خَلَقَكَ اللَّهُ وَأَدْخَلَ عَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ رَسُولِكَ وَعَلَى قَتْلَةِ أَنْصَارِ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلَى قَتْلَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَقَتْلَةِ مَنْ قُتِلَ فِي وَلايَةِ آلِ
 مُحَمَّدٍ أَجْمَعِينَ غِلَاباً أَلِماً مُصَاعِماً فِي أَنْفِلِ ذَلِكَ مِنَ الْجَحِيمِ لَا يُخَفِّفُ
 عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ عَلَوْنُونَ نَاكِسُونَ رُفُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَدْ
 عَايَنُوا النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ لِقَتْلِهِمْ عِمْرَةَ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَتْبَاعَهُمْ مِنْ
 عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ أَعْتَمِهِمْ فِي مُسْتَسْرِرِ السَّرِّ وَظَاهِرِ الْغَلَايَةِ فِي أَرْضِكَ
 وَسَمَاوَتِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَدَمٌ صَدَقَ فِي لَوْلِيائِكَ وَحَبَّبَ إِلَيَّ مُشَاهِدَتَهُمْ
 وَمُسْتَقَرَّهُمْ حَتَّى تُلَاقِيَنِي بِهِمْ وَتُجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس طرح را بوسه و بشت به قبله بایست و رو به جانب قبر امام حسین (ع) کن و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الرَّضَا وَصِدَّةِ إِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْإِيْمَةِ الْهَادِيَةِ الْهَدْيِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا صَرِيحَ الدُّعَاةِ النَّاصِيَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُسَبِّحَةِ الرَّائِيَةِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 وَعَلَى الْإِيْمَةِ مِنْ قُرَيْشِكَ وَبَيْتِكَ أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللَّهُ بِكَ التُّرَابَ وَأَوْضَحَ
 بِكَ الْكِتَابَ وَجَعَلَكَ وَابِيكَ وَجَدِّكَ وَأَحَاكَ وَأُمِّكَ وَبَيْتِكَ عِمْرَةَ لِأُولَى
 الْأَلْبَابِ يَا بْنَ الصِّامِيْنَ الْأَطْيَابِ السَّالِيْنَ الْكِتَابِ وَجَهَنُ سَلَامِي إِلَيْكَ
 صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ وَجَعَلَ أَقْبَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ مَا حَابَ
 مَنْ تَشْكُ بِكَ وَآمِنَ مِنْ نَجَا إِلَيْكَ

پس برود نود پای قبر بایست و بگوید:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْتَةِ وَحَلِيلِ الثُّبُوتِ وَالْمَحْضُومِ بِالْأَخْوَةِ السَّلَامِ
عَلَى يَفْسُوبِ الدِّينِ وَالْإِيمَانِ وَكَلِيَةِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ
وَمُقَلَّبِ الْأَحْوَالِ وَسَيِّدِ ذِي الْجَلَالِ وَسَاقِي السُّنْبُوبِ الزَّلَالِ السَّلَامُ عَلَى
صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ الشُّيُوعِ وَالْعَاكِمِ يَوْمَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَى
شَجَرَةِ الثَّقْوَى وَسَامِعِ السُّرِّ وَالتَّجْوِيهِ السَّلَامُ عَلَى حَقِيقَةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ
وَيَعْنَتِهِ الشَّابِغَةِ وَيَقْمَتِهِ الدَّامِغَةِ السَّلَامُ عَلَى الصَّرَاطِ الْوَاضِحِ وَالنُّجْمِ
الْثَّلَاثِ وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ وَالرَّنَادِ الْقَاوِمِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

پس بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَبِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ
وَنَاصِرِهِ وَدَعِيَّتِهِ وَفَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ وَمَوْصِيحِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ
وَالثَّالِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَظَرْجِ الْكَوْثَرِ
عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرَةِ وَمُزْغِمِ الْقُبُورَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ
هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِي مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ
وَاحْذَرْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْقَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ الصَّادِقَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
وَصَلِّ عَلَيْهِ أَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ

و زیارت حضرت آدم علیه السلام

پس برگردد به جانب سر لازمی زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام و در زیارت آدم علیه السلام بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّيَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّيَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

یا آمین اللّٰهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا حَبِیبَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا خَلِیْقَةَ اللّٰهِ فی
اَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا اَبَا الْبَشَرِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَذَنِكَ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ وَعَلَى الطَّاهِرِیْنَ مِنْ وَلَدِكَ وَدُرِّیْكَ صَلَاةً لَا یُخْصِیْهَا اِلَّا
هُوَ وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

زیارت حضرت نوح علیه السلام

و در زیارت حضرت نوح علیه السلام بگو

السَّلَامُ عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا ضِیَّی اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ
یا قَلْبِی اللّٰهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا حَبِیبَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ یا شَیْخَ الْمُرْسَلِیْنَ
السَّلَامُ عَلَیْكَ یا آمین اللّٰهُ فی اَرْضِهِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْكَ وَعَلَى
رُوحِكَ وَبَذَنِكَ وَعَلَى الطَّاهِرِیْنَ مِنْ وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

نماز زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

پس شش رکعت نماز بکن که دو رکعت آن برای امیرالمؤمنین علیه السلام است. در رکعت اول بعد از
سوره «حمد» سوره «الرحمن» بخوان، و در رکعت دوم سوره «یس» و بعد از نماز تسبیح حضرت
فاطمه و زهرا را بخوان و طلب آمرزش از خدا بکن و از برای خود دعا کن و بگو

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ صَلَّیْتُ هَاتِئِنِ الرُّكْعَتَیْنِ حَبِیْبَةَ بَنِیِّ اِلٰی سَیِّدِیْ وَمَوْلَانِیْ وَلِیِّكَ
وَاَخِیْ رَسُوْلُكَ اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَضِیُّ الْوُجْهِیْنِ عَلِیُّ بْنُ اَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ
اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلَى اٰلِهِ اللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّیْ
وَاجْزَلِیْ عَلَیْ ذٰلِكَ جَرَاءَ الْمُطِیْعِیْنَ اللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّیْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ
سَجَّدْتُ وَخَلَّدَكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ اِنَّهُ لَا تَكُوْنُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوْعُ وَالسُّجُوْدُ

إِلَّا لَكَ. بِإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي وَاعْطِنِي سُوْلِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

و چهار رکعت دیگر را حدیث آدم و روح الله که در پس سجده شکر به جای آور و در سجده بگو: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتَرِي وَزَجَانِي. فَأَنْجِبْنِي مَا أَهْمَنِي وَمَا لَا يَهْمُنِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. غُزَّ جَارُكَ وَجَلَّ نَسَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَرَّبْ لِمَرْجَمِهِ.

پس جانب راست صورت را بر زمین گذارد و بگو: لِيْزَحْمُ فَلْيَ يَنْزِلْ بِكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَتُخَشِّعِي مِنَ النَّاسِ وَالنَّاسِ بِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

پس جانب چپ صورت را بر زمین گذارد و بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا. سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَالَى وَبِقَاءِ اللَّهِ إِنْ عَسَلِي ضَعِيفٌ فَصَابِغَةُ لِي يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

پس برگردد به سجده و صد مرتبه شکر آید بگو و جهد کن در دعا که این موضع طلبین مطالب (و حاجات) است. و انتظار بسیار بکن که محل آمرزش گناهان است. و حاجات خود را از خدا طلب نما که مقام استجابت دعاها است.

زیارت امین الله

دوم: زیارتی است مشهور به امین الله که در نهایت صحت و اعتبار است. و در تمام کتب مزین به بلکه در غیر آنها بر این زیارت شریف نقل شده است. و علامه مجلسی علیه السلام فرموده که: آن بهترین زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روایات معتبر بر این مواظبت نمایند. و کیفیت آن چنان است که به سندهای مستحضر روایت شده از جایزه از امام معتمد بالله علیه السلام که امام دین الماهدين علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي لَوْضِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

یا عَوالای! اَشْهَدُ اَنَّكَ جَاعَدْتِ فِی اللّهِ حَقَّ جِہادِهِ وَعَجَلْتَ بِکِتَابِهِ
وَاثْبُغْتَ سُنَّ مِیْنِهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَتَّی دَعَاكَ اللّٰهُ اِلٰی جِوَارِهِ قَبْبِصِكَ
اِیْلَیْهِ بِاِخْتِیارِهِ لَكَ کَرِیْمَ ثَوْبِهِ وَتَزَمَّ اَعْدَاكَ الْحُجَّةَ فِی قُلُوبِهِ اِنَّا لَمَعَ مَعَ مَا
لَكَ مِنَ الصُّبْحِ الْبَاقِیَةِ عَلٰی جَمِیعِ خَلْقِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَاجْعَلْ نَفْسِی مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرَتِكَ رَاحِمَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّاةً بِذِکْرِكَ وَدُعَائِكَ
مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیَائِكَ مَخْبُوءَةً فِی لَوْحِكَ وَسَمَائِكَ صَابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ
بِلَاتِكَ شَاكِرَةً لِّقَوَاصِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاکِرَةً لِّسَوَابِغِ اَلْوَانِیِّ اَللّٰهُمَّ مُشْتَاقَةً اِلٰی لَرَّحَةِ
لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً لِّلْقَوَى لِیَوْمِ حِزْبَانِكَ مُسْتَمْتَةً بِسُنَنِ اَوْلِیَائِكَ مُفَارِقَةً
لِّاخْلَاقِ اَعْدَائِكَ مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْیَا بِحُفَّتِكَ وَثَنَاتِكَ

بِسْمِ یَعْلٰی رَدِّی مَبَارَکَ خُودِ رَاہِ قَمَرِ کَنَازَاتِ وَکَمَلِ

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِیْنَ اِلَیْكَ وَالْهَمَّةُ وَسَبَلُ الرَّابِغِیْنِ اِلَیْكَ شَارِعَةٌ
وَاعْلَامُ الْقَاصِدِیْنَ اِلَیْكَ وَاضْطِحَتْ وَتَفَرَّدَتْ قَوَائِدِیْنِ اِلَیْكَ فَارِطَةٌ اَصْوَاتِ
الدَّاعِیْنِ اِلَیْكَ صَاعِدَةٌ وَابْوَابُ الْاِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَذَغْوَةٌ مِّنْ نَّاجَاةٍ
مُّشْتَجِبَةٌ وَتَوْبَةٌ مِّنْ اَنَابَ اِلَیْكَ مَقْبُولَةٌ وَغَبْرَةٌ مِّنْ یَّكُنْ مِّنْ حَزَنِكَ
مَرْحُومَةٌ وَانْقِطَاعٌ لِّمَنْ اِسْتَعَاثَ بِكَ عَوْجُودَةٌ وَالْاِعَانَةُ لِمَنْ اِسْتَعَانَ بِكَ
مَبْنُولَةٌ وَعِدَاتُكَ لِصَادِکِ مُنْجَرَّةٌ وَزَلَّلَ فِی اِسْتِغَاثِكَ مُقَالَهٌ وَاعْمَالُ
الْعَامِلِیْنَ لَدَیْكَ مَحْفُوظَةٌ وَلَزَاقَ الْخَلَائِقِ مِّنْ لَّدُنْكَ مَارِلَةٌ وَغَوَائِدُ التَّوْبِ
اِلَیْهِمْ وَاصِلَةٌ وَثَنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِیْنَ مَغْفُورَةٌ وَخَوَاصِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ

۱ بدان که فارغ شده در این جای به راهی نشسته و حین نوشتن است از [مصدر] «دار» به معنی تپش و خالی و در بعضی نسخ چسب است: خواسته الطاری من شاء قال حَقَّق و بنا بر این نسخه جازایه به رای معصوم و عین می نشسته است از «دار» به معنی هوای گرم، یعنی دل‌های غریب از تو ترسند و هراسان گشتند و بنا بر نسخه لوق معنی چسب است: درهای وارد می‌شدگان بر تو تپش و بر داشتند که است از هر دم و کم‌و‌بیش بهرامی نشسته که حربه حال پشیمان می‌شدی و ایشان را بیایست در فکر حریفش بود: [مصدر]

مَقْصِدُهُ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَقَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمُرِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ
الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَسَاجِلُ الظُّلَمَاءِ لَدَيْكَ مُنْزَعَةٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِّ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْآبَةِ مِنْ ذُرِّيَةِ
الْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَلِيُّ نَفْسَانِي وَمُسْتَهْتِكُ مَنَاقِبِي وَعَايَةُ رَجَائِي فِي مُسْغَلِي
وَمُنْهَوِي.

و در نسخه کامل از زیارت بعد از این زیارت، این غزل نیز مسطور است:

أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ الْخَوَرِ لِأَوْلِيَائِنَا وَكَفَّ غَنَا أَعْدَانِنَا وَاسْطَفَيْتُمْ
عَنْ أَذْنَانَا وَأَعْيُنِ كَلِمَةِ الْحَقِّ وَاجْتَمَعْنَا لِقَائِهِ وَأَذْجَبَ كَلِمَةُ الْبَاطِلِ وَاجْتَمَعْنَا
الضَّلَالِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که: هر که از شبها با این زیارت و دعا را نزد قبر
امیر المؤمنین علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و دعا را در
نامه ای از نور بالا برد و مهر محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزند و چنین محفوظ باشد تا تسبیح نماید به قائم
آل محمد علیهم السلام، پس استقبال نماید صاحبش را به بشارت و تحیت و گویست: *إن شاء الله تعالی*،
چنانکه گفت که: من این حدیث را به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم، فرمود: *لا مرگه*
خواهی و دعا یکی از ائمه علیهم السلام یکی این دعا را نیز اضافه کن:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ آمَنَّا بِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَعَوْتُمْ
إِلَيْهِ اللَّهُمَّ لَا تَجْزِلُنِي آجِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي وَلِيْلِكَ اللَّهُمَّ لَا تَخْرِجْنِي ثَوَابِ
مُزَارِهِ الَّذِي أَرْجَيْتَ لَهُ وَنَسَرْنَا التَّوَدُّدَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

مؤلف گوید که: این زیارت شریف هم از زیارات مطلقه محسوب می شود و هم از زیارات
مخصوصه روز غدیر و هم از زیارات جماعه که در جمیع روایات مفسر ائمه علیهم السلام خوانده
می شود.

سُود: زیارتی هست که از حضرت امام علی (ع) مروی است و متناهی غلاته یعنی شفا
الاسلام و رئیس المحتسین و شیخ الطائفة - نفس الله لروحهم - آن را روایت کرده اند، و در کمال
الزیارات شیخ جعفر بن قزوه و کتاب جامع معتدین للنفس بن الولید استاد حدیث نیز ذکر شده
است، و کیفیت آن چنانچه در کتاب من لا یحضره الفقیه است به این طریق است که فرموده چون
رسیدی به غری یعنی مسجد اشرف پس غسل کن و به آویزی و وقار برو تا برسی مرد امیر
المؤمنین (ع) پس روی خود را به طرف آن محضرت کن و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ الْوَلِيُّ مَقْلُومٌ وَلَوْلَ مَنْ لَحَبَتْ
حَقْلُهُ صَبَرَتْ وَاحْتَسَبَتْ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَبِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ
شَهِيدُهُ غَلَبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَعَدَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ. جُنْتُكَ عَارِفًا
بِحَقِّكَ مُسْتَعْبِرًا بِشَأْنِكَ مُعَاوِيًا لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ الْفَنَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي
إِنْ شَاءَ اللَّهُ. يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاسْفُحْ لِي جَنْدَ رَبِّكَ فَإِنَّ لَكَ
جَنْدَ اللَّهِ مُقَامًا مَقْلُومًا وَإِنَّ لَكَ جَنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً. وَقَدْ قَالَ اللَّهُ
تَعَالَى: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْضَاهُ».

چهارم: زیارتی است مروی در کتاب شریف کافی و تهذیب، و آن چنان است که می گویند در
زیارت آن حضرت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَمُوءَ الدِّينِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
النَّبِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ النَّارِ وَالْجَنَّةِ وَصَاحِبَ الْحَمَا وَالْمُهَيْمِمْ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى
وَالْمَرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْعَقْلُ الْمَتِينُ وَالشَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ وَشَهِيدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَآمِنَتُهُ عَلَى عُلُوِّهِ وَحَارُّهُ سِرِّهِ وَمَوْجِعُ
حُكْمَتِهِ وَأَخُو رُسُلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَكَرُّ

دَاعِ مَنُوعَاتٍ^(١) دُونَكَ بَاطِلٌ مَذْمُومٌ. أَنْتَ لَوَّلُ مَقْظُومٍ وَأَوَّلُ مَنُصُوبٍ حَقُّهُ
 صَبْرٌ وَاحْتِسَابٌ. لَمَعَ اللَّهُ مِنْ ظَلَمِكَ وَتَقَلَّمَ عَلَيْكَ وَصَدُّ عَنْكَ لَعْنَا
 كَثِيرًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلِكٍ مَقْرُبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مَرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ مُفْتَحِرٍ.
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى زَوْجِكَ وَتَدْبِكَ. أَشْهَدُ
 أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحًا وَأَنَّهُتَ أَمِنًا وَقُلْتَ صَدِيقًا وَمَنْعْتَ
 عَلَى يَقِينٍ. لَمْ تُؤَيِّرْ عَمَّنْ عَلَى عَدُوٍّ. وَلَمْ تَجُلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ. وَأَشْهَدُ
 أَنَّكَ قَدْ أَكَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَمَمْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ
 الْمُنْكَرِ. وَأَتَمَمْتَ الرُّشُودَ وَنَصَحْتَ الْإِثْمَةَ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا بِإِلَافِهِ
 وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالنَّوَاعِظِ
 الْحَسَنَةِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَهْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَدَعَوْتَ
 إِلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ وَتَلَّغْتَ مَا أَمَرْتَ بِهِ وَقُلْتَ بِحَقِّ اللَّهِ شَيْراً وَاجِباً وَلَا
 مُوجِباً. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً مَبْجُوعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَسْتَبِيحُ بَعْضُهَا بَعْضاً لَا
 انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَجَزَاكَ
 اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْرًا مِنْ زَعِيْبَةٍ. أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَخْلُوقَ جِهَادٍ. وَأَنَّ الْحَقَّ
 مَخْلُوقُ الْيَقِينِ وَأَنَّ أَهْلَهُ وَمَنْعِيَهُ وَسِرَاتُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ. فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ
 وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا. وَعَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ. أَتَيْتَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 عَارِفًا بِحَقِّكَ. مُسْتَهْبِئًا بِشَأْنِكَ. مُعَاوِدًا لِأَعْدَانِكَ. مُوَالِيًا لِأَوْلِيَانِكَ. يَا بَابِي
 أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ عَائِدًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتَحْقَاقِهَا بِشَلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي.
 أَتَيْتُكَ زَائِرًا أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. أَتَيْتُكَ هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي
 الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي. أَتَيْتُكَ وَاقِدًا لِتُعْطِمَ حَالِيكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي.

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ فَإِنِّي ذُنُوبِي كَثِيرَةٌ وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ حَقًّا مَغْلُومًا
وَجَاهًا عَظِيمًا وَشَأْنًا كَبِيرًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا
يُشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ» اللَّهُمَّ رَبِّ الْأَرْيَابِ صَرِّحِ الْأَخْيَارِ^(۱) إِلَيَّ غُذْتُ
بِأَمْرِ رَسُولِكَ مُعَادَاةً فَكُنْ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِعَا أَنْزِلْ إِلَيْكُمْ
وَأَتَوْنِي أَخْرَجْتُمْ بَعَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَكَفَرْتُ بِالْجَنَّةِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّابِ
وَالْعَزَى

زیارت حضرت امیر علیّه معروف به زیارت ششم

همچون زیارتی است که (چون) علامه مجلسی آن را زیارت ششم محقق القزائری قرار داده
است، به این جهت به زیارت ششم مشهور شده و آنرا از شیخ مفید و معتز بن العابد نقل
کرده با شرحی طویل که ذکرش مناسب این مختصر نیست و فقره اخیر شرح آن این است که
صفوان گفت که حضرت صادق علیّه فرمود که: ای مصون هرگاه تو را حاجتی در هرگاه خدا باشد
این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و حاجت خود را سؤال کن که البته برآورده
می شود و زیارت امیر المؤمنین علیّه این است رو به غیر از حضرت بايست و بگو

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا أَمِيرَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ اللَّهُ وَالْحَقُّهُ وَالْحَقَّتُهُ وَالْحَقَارَةُ مِنْ
بَرِيَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَلِيلَ اللَّهِ مَا دَجَنَ اللَّيْلُ وَغَشِيَ وَأَضَاءَ النَّهَارُ
وَأَشْرَقَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا صَمَتَ صَامِتٌ وَنَطَقَ نَاطِقٌ وَفَرَّ شَارِقٌ وَزَحَمَةُ
اللَّهِ وَتَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى قَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.
صَاحِبِ السَّوَابِقِ وَالْمَصَاقِبِ وَالنَّجْدَةِ وَمُعِيْدِ الْكَتَائِبِ. الشَّدِيدِ الْبَأْسِ.
الْعَظِيمِ الْعَرِاسِ. الْفَكِيهِ الْأَسَاسِ. سَاقِي الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ مِنْ حَوْضِ

الرَّسُولِ الْمَكِّيِّ الْأَمِينِ • السَّلَامُ عَلَى سَاحِبِ الثَّمَنِ وَالْفَضْلِ وَالطَّوَاتِلِ
وَالْمَكْرُمَاتِ وَالنَّوَاتِلِ • السَّلَامُ عَلَى فَارِسِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَيْثِ الْمُؤَحِّدِينَ وَقَاتِلِ
الْمُشْرِكِينَ وَوَعِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَذَخَعَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ • السَّلَامُ عَلَى
مَنْ آتَاهُ اللَّهُ بِجِبْرِئِيلَ وَأَعَانَهُ بِمِيكَائِيلَ وَأَرْزَقَهُ فِي الْفَارِسِ وَخَبَاهُ بِكُلِّ مَا
تَوَرَّ بِهِ النَّفْسُ • وَسَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى أَوْلَادِهِ الْمُتَنَجِّهِينَ
وَعَلَى الْأَيُّمَةِ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ أَصْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَفَرَضُوا
عَلَيْنَا الصَّلَاةَ وَأَمَرُوا بِإِتَاءِ الزَّكَاةِ وَغَرَّقُونَا بِصَافِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَقِرَاءَةِ
الْقُرْآنِ • السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَخْشَوْتُ الدِّينَ وَقَائِدَ الْخُرَّةِ
الْمُخْجَلِينَ • السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ • السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَيْنَ اللَّهِ الشَّافِظَةَ
وَهَذِهِ الْهَابِطَةَ وَأَذِنَةَ الْوَاغِيَةِ وَجَعَلْتَهُ^(١) الْهَالِكَةَ وَيَسَعَتُهُ السَّابِقَةُ وَيَسَعَتُهُ
الدَّابِقَةُ • السَّلَامُ عَلَى فَسَمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ • السَّلَامُ عَلَى بَشَّةِ اللَّهِ عَلَى الْأَنْبَرَارِ
وَيَسَعَتِهِ عَلَى الْأَخْيَارِ • السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ • السَّلَامُ عَلَى أَخِي
رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَدَوَّجِ ابْنَتِهِ وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ • السَّلَامُ عَلَى الْأَصْلِ
الْقَدِيمِ وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ • السَّلَامُ عَلَى الثَّمَرِ الْفَيْضِيِّ • السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ
عَلَيْهِ • السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى وَبَسْمَةِ الْمُشْتَمَلِ السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
وَبُورِجِ نَبِيِّ اللَّهِ وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ وَعِيسَى رُوحِ اللَّهِ
وَمُحَمَّدٍ خَلِيبِ اللَّهِ وَمَنْ بَيْنَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
وَحَسَنَ أَوْلِيكَ زَفِيحًا • السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ وَسَلِيلِ الْأَطْفَارِ وَعَسَاصِيرِ
الْأَخْيَارِ • السَّلَامُ عَلَى وَائِلِ الْأَيُّمَةِ الْأَنْبَرَارِ • السَّلَامُ عَلَى خَبَلِ اللَّهِ الْمُتَيْنِ وَجَنَابِ
الْعَنَكَيْنِ وَذَخَعَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ • السَّلَامُ عَلَى لَمِينِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَخَلِيفَتِهِ

وَالْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ وَالْقَائِمِ بِدِينِهِ وَالنَّاطِقِ^(١) بِحُكْمَتِهِ وَالْعَامِلِ بِكِتَابِهِ . أَيْ الرُّسُولِ
وَزُوجِ النُّسُولِ وَسَيِّدِ اللَّهِ الْمُسْلُومِ . السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ وَالْآيَاتِ
الْبَاهِرَاتِ وَالْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ^(٢) . وَالْمُنْجِي مِنَ الْهَلَكَاتِ الَّتِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي
مُحْكَمِ الْآيَاتِ فَقَالَ تَعَالَى : «وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ» . السَّلَامُ
عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّصِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ وَجَنِّهِ الْعَلِيِّ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ .
السَّلَامُ عَلَى حُجَّجِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِهِ وَخَاصَّةِ اللَّهِ وَأَسْبِيَاءِهِ وَخَالِصَتِهِ وَأَمَنَاتِهِ
وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ . فَصَلِّتُكَ يَا غَوْلَانِي يَا أَمِينَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ رَأْسًا عَارِفًا
بِحَقِّكَ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُصَادِقًا لِأَعْدَائِكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِبِرِّكَ فَاشْفَعْ لِي
جَنَّةَ اللَّهِ زَيْتِي وَزَيْتِكَ فِي خَلَاصٍ وَقَبْطِي مِنَ النَّارِ وَنَحْوِ خَوَاتِمِي حَوَاتِمِ
النُّبَا وَالْآجِزَةِ

پس خود را به امر مجید و دین داری و حکم داری و کتاب داری و

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ . وَالْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ . وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَالشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ صَادِقُ أَمِينُ صَدِيقٌ .
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . أَشْهَدُ أَنَّكَ ظَهَرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طُغْيَانِ طَاهِرٍ
مُطَهَّرٍ . أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَقَوْلِي رَسُولِهِ بِالنَّبَاغِ وَالْأَدَايَةِ . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ
جَنَّبُ اللَّهِ وَبَابُهُ . وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ . وَأَنَّكَ سَبِيلُ
اللَّهِ . وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِ اللَّهِ^(٣) صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . أَتَيْنِكَ مُتَقَرِّبًا
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِبِرِّكَ . وَاجِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ . أَنْتَ بَشَاعَتِكَ
خَلَاصٌ وَقَبْطِي مِنَ النَّارِ . مُتَقَرِّبًا بِكَ مِنَ النَّارِ . هَارِبًا مِنَ نَمُوبِ النَّارِ

اَسْتَطْبِئُهَا عَلَى ظَهْرِي • قَرَعَا إِلَيْكَ وَاجِبًا رَحْمَةً رَبِّي • أَسْتَشْفِعُ بِكَ
بِمَسْئَلِي وَأَتَقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ لِيَقْبَلَ بَكَ خَوَائِجِي • فَاشْفَعْ لِي
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامُ
الْمَحْمُودُ وَالْجَاءُ الْعَظِيمُ وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ • اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الْمُتَرْضَى وَأَمِيرِكَ
الْأَوْفَى • وَعَزْوَيْكَ الْوُثْقَى وَبَيْتِكَ الْعُلْيَا • وَجَنَّتِكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى
وَحُبَّتِكَ عَلَى الْوَرَى • وَجَدِّدْكَ الْأَكْبَرِ وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَرُكْنِ الْأَوَّلِيَاءِ وَعِمَادِ
الْأَصْفِيَاءِ • أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَتَحْشُوبِ الدِّينِ وَفَقْدَوَةِ الصَّالِحِينَ^(١) وَإِمَامِ
الْمُخْلِصِينَ^(٢) الْمُغْصُومِ مِنَ الْخُلَلِ • الْمُهَلَّبِ مِنَ الرِّزْلِ • الْمُطَهَّرِ مِنَ الْقَيْمِ •
الْمُنَزَّهِ مِنَ الرِّيبِ • أَخِي تَبِيكَ وَوَجْهِي رَسُولِكَ • الْبَائِتِ عَلَى فَرَشِهِ وَالْمُوَاسِي
لَهُ بِنَفْسِهِ وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ • الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيِّدًا لِلْبُيُوتِ • وَآيَةً
لِرِسَالَتِهِ • وَشَاجِدًا عَلَى أُمَّتِهِ • وَذِلَّةً عَلَى حُجَّتِهِ • وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ وَوَقَائِدَ
لِغُلَّتِهِ • وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ • وَنِدَاءً لِأَيَّتِهِ • وَنَاجِيًا لِزَاوِيَةِ • وَبَابًا لِبُيُوتِهِ • وَبُفْتَاخًا
لِظَهْرِ حَتَّى عَزَمَ جَيْشُ الشُّرْكِ بِإِذْنِكَ • وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ • وَبَذَلَ
نَفْسَهُ فِي مَرْضَاتِ رَسُولِكَ وَجَنَّتِهَا وَلَفَّأَ عَلَى طَاعَتِهِ • فَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ صَلَاةً
دَائِمَةً بَاقِيَةً.

بِسْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَالشَّهَابِ الثَّقِيفِ وَالسُّورِ الْعَاقِبِ •
يَا سَلِيلَ الْأَطْيَابِ • يَا سِرَّ اللَّهِ إِنْ يَشَاءُ وَيَقِينُ اللَّهُ تَعَالَى دُنُوبًا قَدْ أَفْلَحَتْ
ظَهْرِي وَلَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا وَجْهًا^(٣) • فَبِحَقِّ مَنِ اسْتَعَانَكَ عَلَى سِرِّهِ •

١ الصَّالِحِينَ خ ل

٢ وَجْهًا خ ل

٣ إِلَى اللَّهِ يَزِيدُكَ خ

٤ الصَّالِحِينَ خ ل

وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعاً. وَبِعَن النَّارِ مُجِيراً وَعَلَى
النَّهْرِ ظَهيراً. فَأَيُّ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيِّكَ وَوَارِثِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ

پس شش رکعت ساز زیارت بکن و هر دعا که می خوانی بخوان و بکن
السلام عليك يا امير المؤمنين. عليك بنبي سلام الله ابدأ ما بقويت
وبقي الليل والنهار

زیارت سید الشهدا در بالای سر

پس اشاره کن و متوجه شو به جانب قبر امام حسین (ع) و بگو

السلام عليك يا ابا عبد الله. السلام عليك يابن رسول الله. اتيتك
رابراً ومتوسلاً إلى الله زبي وزيكماً ومتوجهاً إلى الله بكماً ومستشفعاً
بكماً. إلى الله في حاجتي منه. فاشفعاً لي فإن لكماً عند الله المقام
المنعمود والنجاة الوجية والمنزل الرفيع والوسيلة. إني أنقلب عنك
مستظراً يستجبر الحاجة وأصابتها وتباجها من الله بشماجتكماً لي إلى الله
في ذلك. فلا أخيب ولا يكون منقلب عنكماً متقلباً غائباً حاسراً. بل
يكون منقلباً راجعاً ملجأ منجماً مستجاباً لي بقسام جميع
خوابجي. فاشفعاً لي. أنقلب على ما شاء الله. لا حول ولا قوة إلا
بالله. مفوضاً أمري إلى الله ملجئاً ظهري إلى الله. متوكلاً على الله
وأقول حسين الله وكفى. صبح الله لمن دعا. ليس لي قداة الله وقداةكم
ياسادتي منتهن. ما شاء الله زبي كان وما لم يشأ لم يكن. ياسيدي
يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله سلامي عليكماً مستصل ما

اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. وَامِيلُ بَيْنَكُمَا غَيْرُ مُخْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ
 اللَّهُ. وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَقْبَلَ قَائِمَةَ حَمِيدٍ مُجِيدٍ. انْقِلِبْ
 يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَلِيًّا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا رَاضِيًا مُسْتَقِيمًا لِلْإِجَابَةِ. غَيْرَ
 آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ. عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا. غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمَا. بَلْ رَاجِعٌ
 إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِلَيْكُمَا. يَا سَادَاتِي وَغَيْتُ إِلَيْكُمَا بَعْدَ أَنْ رَجِدَ فِيكُمَا وَفِي
 زِيَارَتِكُمَا أَهْلَ الدُّنْيَا. فَلَا خِيْبَتِي اللَّهُ فِيمَا رَجَوْتُ وَمَا أَقْلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا
 إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

پس رو به الله کن و بگو:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ. وَيَا كَاشِفَ كُرْبِ
 الْعُكْرُوْبِيْنَ. وَيَا غَاثَ الْمُشْتَغِيثِيْنَ. وَيَا ضَرِيْعَ الْمُشْتَغْرِخِيْنَ. وَيَا مَنْ هُوَ
 أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ خَبَلِ الْوَرِيدِ. أَوْ أَيْمَانٍ يَتَوَلَّى بَيْنَ الْعَرَى وَقَلْبِهِ. وَيَا مَنْ هُوَ
 بِالنَّظَرِ الْأَعْلَى. وَيَا أَهْلَ الْعَمِيِّ. وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. وَيَا مَنْ عَلَى
 الْعَرْشِ اسْتَوَى. وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّلُوفُ. وَيَا مَنْ لَا
 تُخْفِي عَلَيْهِ خَائِنَتُهُ. وَيَا مَنْ لَا تُغْنِيهِ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ. وَيَا مَنْ لَا تُغْلُظُهُ
 الْحَاجَاتُ. وَيَا مَنْ لَا يُبْرِئُهُ إِمْحَاغُ الْمُلْحَنِ. يَا مُدْرِكَ كُلِّ قُوْتٍ. يَا جَامِعَ
 كُلِّ شَمْلٍ. يَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ. يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنِهِ
 بِأَقْضَى الْحَاجَاتِ. يَا مُنْقِصَ الْكُرْبَاتِ. يَا مُخْطِيَّ السُّؤَالَاتِ. يَا وَلِيَّ
 الرِّغْبَاتِ. يَا كَافِيَ الْمُهِمَّاتِ. يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ
 فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلِيِّ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. فَإِنِّي بِهِمْ
 أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشَفَّعُ إِلَيْكَ. وَيَحْفَظُهُمْ أَسْأَلُكَ

وَالْقِسْمُ وَأَعِزُّكُمْ عَلَيْكَ . وَيَا شَاقِيَّ الَّذِي لَهْمُ عِنْدَكَ . وَيَا قَدِيرَ الَّذِي لَهْمُ عِنْدَكَ .
وَيَا الَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ . وَيَا سَوِيكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ . وَيَا خَصِيصَتَهُمْ
دُونَ الْعَالَمِينَ . وَيَا أَبْنَتَهُمْ وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ كُلِّ فَضْلٍ حَتَّى فَاذَ فَضْلُهُمْ فَضْلُ
الْعَالَمِينَ جَمِيعًا . وَأَسْأَلُكَ ١ لَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُخْصِدًا . وَأَلِّ مُخْصِدًا وَأَنْ تَكْشِفَ
عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي . وَأَنْ تَكْشِفَنِي الْهَمَّ مِنْ أَمْرِي . وَتَقْضِي عَنِّي دَيْنِي .
وَتَجْهَرَنِي مِنَ الْفَقْرِ . وَتَجْهَرَنِي مِنَ الْخَالَةِ . وَتَخْلِفَنِي عَنِ النِّسَالَةِ إِلَى
الْمَغْلُولِينَ . وَتَكْشِفَنِي هَمَّ مَنْ أَخَافَ ضَعْفَهُ . وَعُسْرَ مَنْ أَخَافَ عُسْرَهُ .
وَحَزُونََ مَنْ أَخَافَ حُرُوفَتَهُ . وَشَرَّ مَنْ أَخَافَ شَرَّهُ . وَمَكْرَ مَنْ أَخَافَ
مَكْرَهُ . وَيَغِي مَنْ أَخَافَ بَغْيَهُ . وَجُورَ مَنْ أَخَافَ جُورَهُ . وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافَ
سُلْطَانَهُ . وَكَيْدَ مَنْ أَخَافَ كَيْدَهُ . وَأَصْرَ مَنْ أَخَافَ كَيْدَهُ . وَمَكْرَهُ وَمَغْلُوبَهُ مَنْ
أَخَافَ مَقْدَرَهُ عَلَيَّ . وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ . اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي
بِشُوءٍ فَارْزُقْهُ . وَمَنْ كَانَنِي فَكَيْدَهُ . وَأَصْرَ مَنْ كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاسَهُ وَأَخَابَهُ .
وَأَضْعَفَهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْزِلْ شِئْتَ . اللَّهُمَّ اشْفَعْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تُجْبِرُهُ .
وَبِهَلَاءٍ لَا تُسْرِفُهُ . وَبِفَاقَةِ لَا تُسُدُّهَا . وَبِسَقَمٍ لَا تُعَاقِبِهِ . وَبِئَلٍّ لَا تُجْزِئُهُ .
وَبِضَكَّةٍ لَا تُجْهَرُهَا . اللَّهُمَّ اجْعَلِ الذَّلَّ نَصَبَ عَيْنِيهِ . وَأَذْجِلِ الْفَقْرَ فِي
مَنْزِلِي . وَالسَّقَمَ فِي يَدِيهِ . حَتَّى تَشْغَلَ عَنِّي بِشْغَلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ . وَأَنْجِيهِ
وَكُرِّي كَمَا أَلْسَمْتَهُ ذِكْرَكَ . وَخُذْ عَنِّي بِسَفْعِهِ وَنَقِيرِهِ وَلِسَانِهِ وَتَدْيِهِ وَرِجْلِيهِ
وَقَلْبِيهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ . وَأَدْخُلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ السَّقَمَ . وَلَا تَقْلِبْهُ
حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي . وَكَفْنِي بِكَافِي عَنْ
لَا يَكْفِي سِوَاكَ ٢ . يَا مُفَرِّجَ مَنْ لَا مَفَرِّجَ لَهُ جِوَاكُ . وَمُنْجِي مَنْ لَا مُنْجِي لَهُ

یوالة و جاز من لا جاز له یوالة و منجأ من لا ملجأ له غیرک . حاب من
 کان رجاءه یوالة و غشیته یوالة و مفرغه الی یوالة و مهربه و منجوه الی
 غیرک و منجاء من مخلوق غیرک . انت یقنی و رجائی . و مفرعی و مهربی
 و منجی و منجائی . فیک استنجیع و ید استنجیع و ید محمد و آل محمد اتوجه
 الیک و اتوسل و اتشفع . یا الله یا الله یا الله . و لك الحمد و لك الشکر و لك
 المنة و انیک المستکبر و انت المستعان . فانا انک بحق محمد و آل محمد ان
 تصلي علی محمد و آل محمد و ان تکشف عني غمي و غمی و تخزني فی
 مقامی هذا . کما کشفتم عن نبيک غمه و غمه و کزته . و کفیته هول غموه .
 فاکشف عني کما کشفتم عنه . و فرج عني کما فرجت عنه . و اکفني کما
 کفیته . و اسر عني هول ما أخاف هولاه . و مؤونة من أخاف مؤونته . و هم
 من أخاف عنه . بلا مؤونة علی نفسي من ذلك . و اسر لي بقضاء حاجتي
 و کفایة ما أهمني عنه من أمر دنیائی و آخرتی یا ارحم الراحمین

پس خلعت شو به جانب لیر لیر المؤمنین و بگو

السلام علیک یا امیرالمؤمنین و السلام علی ائمة عیال الله الحسین ما
 بقیت و بقي الدیل و النهار . لا جعله الله اجر العهد و بی إبرازیکما . و لا
 قول الله بئس و ینکما .

مؤلف گوید . اگر کسی خواهد بین احادیث جمع کند - چنانچه علامه مجلسی در فرموده
 این زیارت را تا طاعتی عبد الله و ولیک و ربک صل علیک الله علیه و آله و سلم و پس از
 تسبیح شروع کند و زیارت عاشورای معروفه را به تلاوت بخواند و دعای غلقه را هم بخواند تا به
 همه احادیث عمل شود و نصیحت این زیارت (را) درک کند

و نیز مؤلف گوید . مناسب است در این جا به چند امر تفکر جمیع

اول آن که مخفی و پوشیده معاند که در تمام کتب مزایه دیده شده که در این مشاهد مشرفه
هفتگانه - علی تشوینها آلف السلام و التمتة - زیارت غیر صاحب آن بقعة مؤرد را چه یکی
باشد چه متعدد و دیده شده که زیارتی مخصوص باشد از برای آن مثل زیارت حضرت
رسول ﷺ در حرم امیر المؤمنین علیه السلام و زیارت این هر دو بزرگوار در حرم امیر عبد الله علیه السلام و
هم چنین در سایر حرمها بالتسبیح به غیر صاحبش از سایر جمیع طاهرین، جز زیارت حضرت
امام حسین که در حرم امیر المؤمنین علیه السلام مستحب و در اخبار عذیده اثر به آن شده و این نه از
جهت تضایل زیارت آن حضرت که احصا نتوان کرد، چه آن تضایل به هر درجه برسد باز به فضل
زیارت پدر بزرگوارش می رسد و با این حال زیارت پدرش امیر المؤمنین علیه السلام در حرم آن حضرت و
سایر حرمها مخصوصاً مستحب است و ابتدا در اخبار اشاره به آن مرمودند و هنگام زیارت
رسول الله ﷺ در سایر حرمها، بلکه زیارت خود حضرت امیر عبد الله علیه السلام در غیر حرم امیر
المؤمنین علیه السلام پس باید این مطلب، به ملاحظه امر دیگری باشد غیر از بزرگی نسبت زیارت، و آن
امر نیست مگر رعایت قبر سر مبارک آن حضرت که حسب اخبار سابقه و غیرها در بالا بر قبر
امیر المؤمنین آن سر مقدس دفن شده و دو فیهم الاتمام اثر قبر بر ظاهر بوده، و به همین ملاحظه
جمعی از عسما و انبا و صلحا از آن طرف عبور نمی کنند و به مقتضای احتیاط گذشته از آنجا را
شایسته نمی دانند، بلکه بعضی از ایشان از ضمن آن طرف بالا سر هم می گذرند و بعضی اگر عبور
کنند پا را برهنه می نمایند و از این جهت است که در اخبار عذیده محل زیارت آن حضرت را در
این حرم شریف در بالای سر مقبره فرمودند، حتی مواضع مخصوصه زیارت هاشور، همین محل
شریف است و در زیارت اول حضرت امیر علیه السلام که روایت شده بود از صفوان اوبش از پس
گذشت که فرموده بودند: در جانب سر بایست و بگو یا هولا یا ایله و فودیه، الخ. آن گاه
طریح را بیوس و پشت به قبله بایست و رو به قبر امام حسین علیه السلام کن و بگو السلام علیک
یا ابا عبد الله. پس هر کس زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در این حرم مطهر لکن در
بایس یا در پشت سر یا مواضع دیگر غیر از سمت سر، زیارت وارده آن حضرت را در آنجا
نکرده، بلکه از آنجا که زیارت آن حضرت در هر محل و مکان چه دور و چه نزدیک و در هر
زمان مستحب و مرغوب است البته به اجر و ثواب آن خواهد رسید پس شاه الله، و لکن به ادب
مخصوص ورود به این حرم مطهر عمل نشده و چون این مطلب معلوم شد پس بدان که در این
محل شریف چند زیارت است که حضرت امیر عبد الله علیه السلام با آنها زیارت می شود.

اول و دوم زیارت عاشورای معروفة و عاشورای غیر معروفة است که هر دو در باب زیارات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [صفحه ۱۷۰] ذکر شد.

سوم زیارتی که خواهد آمد در احوال مسجد حنانه [صفحه ۲۹۷] بنا بر فرموده علامه مجلسی علیه السلام در تحفه القاری.

چهارم زیارت معروفة مشاهیره که شیخ مفید و سید و شهیدان از اصول روایت کرده‌اند و در ضمن زیارت اول حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [صفحه ۲۰۲] مذکور شد. پس اگر کسی زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را به غیر زیارت اول در مقام زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و جمیع کند به یکی از این زیارات مذکور.

امر دوم آنکه چون به حسب اخبار فرایان معلوم شد که استخوانها و عظام حضرت آدم علیه السلام و بدن جناب نوح علیه السلام در همان مرقد شریف امیر المؤمنین علیه السلام لهذا باید رائر در آن حرم مطهر آن دو پیمبر معظم را نیز زیارت کند و از آن حرم عظیم الشأن بی‌سلام کردن بر ایشان بیرون نرود و الا انای حق تعظیم ایشان ننهد چه آنکه تعظیم و توفیر هر یک از پیمبران و اوصیا صیوات الله عليهم بر همه مکلفین لازم است علاً و شراً چه از لبت ایشان باشد یا نه باشد، چنانچه در قرآن کریم اشاره به این امر شده **وَلَا تُقَرِّبُوا بَیْنَ أَخَوَیْهِ رُسُلِهِ** و احترام و اکرام ایشان در حیات و ممات فرقی نکند. پس اگر در زمان حضور یکی از ایشان کسی در محضر شریفی حاضر شود و سلام می‌کند و تحت نگوید البته امانت کرده و حاضر شمرده آن رسول معظم پروردگار را، هم چنین بعد از وفات اگر در نزد مرقد شریفش حاضر شد البته باید چنان رفتار کند که گویا زنده و حاضر و ناظر است.

و اما الفاظ زیارت این دو پیمبر مکرم همان است که در ضمن زیارت اول جناب امیر المؤمنین علیه السلام ذکر شد و محل زیارتشان در بالای سر است در همان جا که زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام را باید کرد. پشت به قبله و رو به ایشان چنانچه در آداب زیارت معصوم ذکر شد و در عنوان زیارتشان بر اشاره به همین مطلب شد. پس آنچه مرسوم شده میان عوام و حنم و غیره که در پشت سر رو به قبله می‌ایستند و آن دو رسول عظم پروردگار را در حکم رعایا و غیر معصوم در آورده زیارت می‌کنند، علاوه بر آن که به آداب مقزرة وارده عمل نکنند هر تعظیم و تهجیل ایشان ندانسته کوتاهی کرده‌اند.

و بدین که ما بعد از این در زیارت جامعه زیارتی نقل کنیم این شهادت الله که در همه مواضع و مشاهد بتوان خواند آن را و آن را زیارت نازل جوامع قرار دهیم اگر خواستی جناب آدم و نوح علیه السلام را به آن زیارت کنی چنانچه بعضی از علما گفته اند مناسب است.

صلوات بعد از زیارت حضرت آدم علیه السلام

و علامه مجلسی علیه السلام فرموده که زائر اگر بعد از زیارت حضرت آدم علیه السلام یا بعد از زیارت آن حضرت، بخواهد صلواتی را که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است برای آن حضرت و در بعضی از نسخ صحیفه کلمه الحاق می‌دهند مناسب است و آن این است:

اَللّهُمَّ وَادِّمْ بَدِيْعُ بَطْنِكَ . وَاقْوُلْ مُقْتَرِبُ مِنَ الطَّيْنِ بِرُبُوْبِيَّتِكَ . وَبِكُرِّ حُبَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَبِرَبِّيَّتِكَ . وَالذَّكِيْلُ عَلَى الْاَسْتِجَارَةِ بِغُفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ . وَالنَّاهِيْجُ سُبُلَ تَوْبَتِكَ . وَالْوَسِيْلَةُ بَيْنَ الْخَلْقِ وَتَحْتِ مَعْرِفَتِكَ . وَالَّذِي تَقْنَنُهُ مَا رَزَيْتَ بِهِ غَنَةً بِمَنْتِكَ عَلَيْهِ وَرَحْمَتِكَ لَهُ . وَالْمُنِيْبُ الَّذِي لَمْ يُصِرْ عَلَى مَعْصِيَتِكَ . وَسَابِقُ الْمُتَذَلِّلِيْنَ بِخَلْقِ رَاجِهٍ فِيْ حُرْمَتِكَ . وَالْمُتَوَسِّلُ بِنَحْدِ الْمُخْتَصِيَةِ بِالطَّاعَةِ اِلَى غُفْوِكَ . وَاَبُو الْاَنْبِيَاءِ الَّذِيْنَ اُوْدُوا فِيْ جَنْبِكَ . وَاَكْثَرُ سُكَّانِ الْاَرْضِ سَقِيًّا فِيْ طَاعَتِكَ . فَصَلِّ عَلَيْهِ اَنْتَ يَا رَحْمَنُ وَصَلِّا بِكَتِكَ وَسُكَّانُ سَمَآوَاتِكَ وَارْضِكَ كَمَا عَظَّمَ حُرْمَاتِكَ وَدَنَّا عَلَى سَبِيْلِ مُرَضَاتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

امر سوم: آن که در قبر مطهر امیر المؤمنین علیه السلام در پیش رو نزدیک به بالای سر دو سوره است و مشهور است به جای دو انگشت و می‌گویند که این جای دو انگشت مبارک آن حضرت است که از قبر مطهر بیرون آمده و ثمره قیس کافر را با آن دو نیم ساختند و این صحیفه از آن حضرت اگر چه در کتب معتبره یافت شده لکن در نزد شیعه به مرتبای او شهرت رسیده که بر احدی مغلط نیست و جمعی از شعرائی سابقین در اشعار خود به این مطلب اشاره کرده‌اند و آن را از مناقب مسلمة آن حضرت شمرده‌اند چنانچه حکیم ابوالقاسم فردوسی که از شعرائی حدود سنه

چهار صد است گفت:

فهی که رد به دو انگشت مره را به دو نیم برای قتل حشو ساخت موافقار انگشت
و حکیم سنائی معروف که در حدود سه پانصد بوده گفت:

خواب و آرام مره و هست کرده در مغز عقل ریز و ریز
و دیگری گفته است:

آن است اسام کر مو انگشت چون مره قلمس کافری گفت

و ملا حسین کاشی آملی در خصوص این مجزیه قصیدای ساخته، و مدحش این قصیده را عالم
فاضل شمس الدین محسن رضوی که یکی از علمای صفویه است در کتاب حیل المؤمنین که در
معجزات امیر المؤمنین علیه السلام است از کتاب تیسرة المؤمنین نقل کرده، و گفته که بعضی از علما این
را به تفصیل ذکر کرده‌اند. و همچنین عالم فاضل محمد صالح حمیری ترمذی منحلص به کشفی
که از علمای اهل سنت است در کتاب منتخب نقل نموده و گفته که این مطلب ثابت شده به اسناد
صحیح، و آن حکایت چنان است که مره بن ایس مردی از کفار بود که مال و خدم و حشم بسیار
داشت، روزی با قوم خود درباره آبا و اجداد و بزرگان قوم خود سخن گفت. به او گفتند که بسیاری
از ایشان را علی بن ابی طالب علیه السلام کشته. همین که آن احبب پلید این مطلب را از ایشان شنید، از
مدین آن حضرت سؤال کرد، دلالت کردند او را به نجف اشرف. پس با دو هزار سوار، چند هزار
پیاده به سمت نجف شتافت. همین که به بواسی نجف رسید به لعل آنجا خبر رسید خود را
مختصی^۱ کند و آن ملعون تا مدت شش روز با آنها محاربه نمود تا آنکه موصی از حصار
ولایت را غریب کرده با لشکر خود داخل شدند. مسلمان که چندی دیدند روی به عزیمت نهادند، و
آن خبیث آمد تا داخل روضه مطهر شد و به آن حضرت خطاب نمود که یا علی تو پدران و اجداد
مرا کشتی؟ و خواست که قبر مطهر را بشکافد که ناگاه دو انگشت مبارک مانند دو انفجار در آسمان
پردون آمد و بر کمر او زده و او را به دو نیمه ساخت. و در همان وقت آن در نصف به دو سنگ
سیاه [تبدیل] شد. پس او را آوردند و در پشت دروازه نجف افتادند و بیوسته آنجا بود و حرکت
به رهاخت نجف می‌آمد یابی بر آن می‌زد، و از غاصب او آن بود که هیچ حیوانی از نزد او عبور
نمی‌کرد مگر آن که بول می‌کرد بر او. پس بعضی از جهال او را برداشت و به مسجد کوفه برد که او
را سرمایه [کاسی] خود کند و از کسانی که به تماشای او می‌آمد (سودی و) انتفاعی برد، پس

۱ پند بگیرند. حسین دو ابی ۱۲ به معنی سنگر است

آن سنگ بود تا آنکه به مرور ایام مضاعف (و نابود) شده و از هم پاشید
صاحب کتاب مذکور گفته که حدیث کرد از برای من شیخ یونس - که از صلحای نجف است -
که من حضوری از اعضای آن را در آنجا دیدم. لشکر
و از شیخ عالم جلیل شیخ قاسم کاظمی نجفی صاحب شرح استیعاب حکایات شده که او
بسیار قرین می نمود در حق آنکه این سنگ را از نجف بیرون برده بود و می گفت: **حَذَّلَ اللَّهُ**
مَنْ أخرجَ هَذَا الْمَلْعُونُ مِنْ تِلْكَ الْعَثْبَةِ الْمُقَدَّسَةِ وَأَبْطَلَ هَذِهِ الْمَسْجِدَةَ
الْبَاهِرَةَ خدا رسوا کند آنکه را که این ملعون بی مژه این اقیس را از نجف بیرون برد و این
مسجد باهره را نابود کرد.

مؤلف گوید که: از کلام حامد القنهاه للامام و شیخ الطمعه صاحب جواهر الکلام ظاهر می شود
که این مطلب نزد ایشان مطرح بوده و به سبب آنکه این موضع از قبر مطهر محل پرور معجزه و
کرامت صاحب آن قبر منور است آن جا را از مکان های شریفه این حرم شمرده چنانچه در کتاب
لعن جواهر در شرح قول محقق **ع** در قد یفطّر اللعان باللول و المکان گفته که در امکنه شریفه
این مکان است که معروف است به دو انگشت دو مشهد امیر المؤمنین **ع** در نزدیکی سر معظم آن
حضرت صلوات الله علیه.

مقام دوم

در بیان زیارات مخصوصه امیر المؤمنین **ع** است

و در آن چند فصل است

فصل اول

در زیارت روز عید غدیر است

شیخ طوسی و سید ابن طاووس **ع** به سند خود از شیخ معظم جلیل جناب ابن ابی نصر بر نقلی
روایت کرده اند که گفت: فرمود به من حضرت امام رضا **ع** که: ولی این ابی نصر هر چه که باشی،
در روز غدیر حاضر شو نزد قبر امیر المؤمنین **ع**، به درستی که حق تعالی می امرد در این روز از
مرد مؤمن و درین مؤمنه گناه تصحیح محاله را، و آزاد می کند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده
است در ماه رمضان و دو شب قدر و دو شب لیل و یک دوهم در این روز برابر است با هزار

دوہم اگر بہ برادران مؤمن عارف بہ حق اہل بیت یعنی و بہ برادران مؤمن بسیار عطا ہو کر، و شاد کن در این روز ہر مؤمن و مؤمنہ را ہر پس فرمود کہ: ہای اعلیٰ کوخندہ خدا بہ شما ہر بسیار دادہ است و شما در آن جماعتی ہستید کہ خدا دل ایشان را برای ایمان امتحان کردہ است، پس پوستہ حواری و مظلوم و [در معرض] امتحان ہستید بر شما ریختہ می شود بلا بہ فرودانی، پس بر طرف می کند و دور می کند او شما خداوندی کہ دفع کنندہ بلاہای عظیم است، و اللہ کہ اگر مردم، فضیلت این روز چنانچہ باید بدانند ہر آیہ ملائکہ با ایشان ہر روز دہ مرتبہ مصافحہ می کنند۔ و بدان کہ علمہ برای این روز شریف بہ زیارت اعلیٰ گردانند۔

اول زیارتی است کہ در زیارت دوم از زیارت مطلقہ گذشت، و آن زیارت معروف بہ امین اللہ است۔

دوم، زیارتی است کہ سید ابن طاووس علیہ السلام آن را روایت کردہ است و در افعال روز غدیر بن شام اللہ تعالیٰ می آید۔

سوم، زیارتی است کہ شیخ مفید و شیخ شہید - علیہما الرحمہ - و دیگران روایت کردہ اند بہ این کیفیت کہ حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام خبر دادند از پدر بزرگوار خود امام علی بن النقی علیہ السلام کہ در سالی کہ متعصم آن حضرت را در روز عید غدیر طلبیدہ بود، حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام بہ آن لفظ زیارت گردانند، و نسبت آن زیارت شریفہ بہ حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام چنانچہ در کتاب مستطاب نعلہ واقع شدہ از قلم مبارک مؤلفش پہری شد، و صحیح همان است کہ در بہار است و نسخہ ملار مفید و شہید نقل آن در نزد حقیر موجود است و عبارت متن ترجمہ عبارت بدین است، بہ علاوہ آن کہ متعصم قبل از ولادت یا سعادت حضرت عسکری علیہ السلام، ہلاک شد۔ و شیخ مفید علیہ السلام فرمودہ کہ چون ارادہ زیارت نمائی بایست بر در قعہ منزورہ و رخصت طلب نما، پس پای راست را مقدم دار و داخل شو و برو نزدیک صریح منظور و پشت بہ قبلہ در برابر حقیر منزور بایست و بگو۔

السَّلَامُ عَلٰی مُحَمَّدٍ رَسُوْلِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ السَّالَمِينَ۔ آمِينَ اللّٰهُ عَلٰی وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ اَمْرِهِ۔ وَ اَلْحَاثِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ۔ وَ اَلْمُهَيِّئِ عَلٰی ذَلِكَ كُلِّهِ وَ زَحْمَةَ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتَهُ وَ صَلَوَاتَهُ وَ تَحِيَّاتَهُ۔ وَ السَّلَامُ عَلٰی اَنْبِيَآءِ اللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ

وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْمُؤْمِنِينَ قَوَارِثَ
 عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَقُلُوبِ الْعَالَمِينَ. وَقَوْلَانِي وَعَوَّلِي الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوَّلَانِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
 وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ
 الْقَوِيمَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ
 مُخْتَلِفُونَ وَغَنَّهُ يُسْأَلُونَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. أَتَيْتُ بِاللَّهِ وَهُمْ
 مُشْرِكُونَ. وَصَدَّقْتُ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكْذِبُونَ. وَجَاهَدْتُ وَهُمْ مُخَافُونَ. أَلَا نَعْنُ
 وَعَبَدْتُ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ صَاحِبِراً مُخْتَبِئاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. أَلَا نَعْنُ
 اللَّهُ عَلَى الطَّالِبِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَنَضُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدَ الْأُمَرَاءِ الْمُفْضِلِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ
 رَسُولُ اللَّهِ وَوَصِيَّهُ قَوَارِثَ جُلُودِهِ وَأَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ وَخَلِيفَتُهُ فِي أَمْرِهِ.
 وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَصَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ
 مَا أَنْزَلَهُ عَلَيْكَ فَضْلاً بِأَمْرِهِ وَلَوْجِبَ عَلَى أُمَّتِهِ طَاعَتَكَ وَقَوْلَانَتَكَ
 وَعَقْدَ عَلَيْهِمُ النِّيعَةَ نَكَ وَجَعَلَكَ أَوَّلَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ
 كَذَلِكَ. ثُمَّ أَشْهَدُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى.
 فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَحَاكِماً بَيْنَ الْيَاوَدِ. فَلَمَنْ اللَّهُ جَارِدَ
 وَلَا يَتَكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيْتُ وَبَعْدِي
 اللَّهُ تَعَالَى وَأَنَّ اللَّهَ عَوْبُكَ لَكَ بِتَهْنِئَةٍ وَمَنْ لَوْقَى بِمَا صَاعَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ
 فَتَسْوِيَتِهِ أَجْراً عَظِيماً. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَسَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ. الْحَقُّ الَّذِي تَطْلُقُ
 بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلَ. وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِإِلَافَةِ الرُّسُولِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ

مَلَبَّ حَقِّكَ مُرَاقِباً ۝ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ ۝ بَلْ إِنْ طَلَبْتَ اخْتَسَيْتَ
 رَبَّكَ وَقَوَّيْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ ۝ وَذَكَرْتَهُمْ فَمَا لَذَكَّرُوا ۝ وَوَعَدْتَهُمْ فَمَا اتَّعَمَلُوا ۝
 وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا يَخَوْفُوا ۝ وَالشَّهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 حَقَّ جِهَادِهِ ۝ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى خَوَارِهِ ۝ وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ ۝ وَأَتَرَمَّ
 أَعْدَاكَ الطَّيْغَةَ بِقَتْلِهِمْ إِنَّمَا لِيَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ
 الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ۝ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ عَيَّنْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً
 وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِراً وَجَدْتَ بِتَقْوِكَ مُخْتِيباً ۝ وَغَوَّيْتَ بِكِتَابِهِ وَأَثْبَعْتَ
 سُنَّةَ نَبِيِّهِ ۝ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ
 الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ ۝ مُبْتَغِياً مَا عِنْدَ اللَّهِ وَاجْتِبِياً فِي مَا وَعَدَ اللَّهُ ۝ لَا تُغْفِلُ
 بِالنَّوَائِبِ وَلَا تَهْرُجُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَلَا تُخْجِمُ عَنْ مُحَارِبٍ ۝ لَوْكَ مِنْ نَسَبٍ غَيْرِ
 ذَلِكَ إِلَيْكَ وَافْتَرَى بِإِبْلَاءٍ عَلَيْكَ وَأَوَّلَى لِمَنْ عِنْدَ غَنِّكَ ۝ لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ
 حَقَّ الْجِهَادِ ۝ وَصَبَرْتَ عَلَى الْآلِئِ صَبْرَ اخْتِسَابٍ ۝ وَأَنْتَ لَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
 وَصَلَّى لَهُ وَجَاهَدَ وَأَبْدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرِّ وَالْأَرْضِ فَشَحُونَةُ ضَلَالَةٍ
 وَالشَّيْطَانِ يُغَيِّدُ جَهَنَّمَ ۝ وَأَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَرِيدُنِي كَثَرَةُ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَلَا
 تَقَرُّهُمْ عَنِّي وَخَشَّةً ۝ وَلَوْ اسْلَقْنِي النَّاسُ جَمِيعاً لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعاً ۝ اخْتَصَفْتَ
 بِاللَّهِ فَمَزَّزْتَ ۝ وَأَثَرْتَ الْأَجْرَةَ عَلَى الْأَوَّلِ فَرَجَدْتَ ۝ وَأَمَّا ذَلِكَ اللَّهُ وَهَذَاكَ
 وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَنَبَكَ فَمَا تَسَاقَضْتَ أَفْعَالُكَ وَلَا اخْتَلَفْتَ أَقْوَالُكَ وَلَا ثَقُلَتْ
 أَحْوَالُكَ ۝ وَلَا ادَّعَيْتَ وَلَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَلِبِياً ۝ وَلَا شَرَعْتَ إِلَّا بِالْحُطَامِ وَلَا
 دَسَسْتَكَ الْإِنَامَ ۝ وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَبَقِيٍّ مِنْ لِقَائِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ

وَالِي صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا وَأَقْبِسُ بِاللهِ قِسْمَ صِدْقِي أَنْ مُحَمَّدًا
وَأَلَّهُ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْعَالَمِينَ . وَأَنْتَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ . وَأَنْتَ
عَبْدُ اللهِ وَوَلِيُّهُ وَأَخُو الرُّسُولِ وَوَجِيهُهُ وَوَارِثُهُ . وَأَنْتَ الْعَابِلُ لَكَ وَالَّذِي يَقْتَضِي
بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مِنْ كُفْرِيكَ وَلَا لَقَرٍ بِاللهِ مِنْ جَعْدِكَ وَقَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ
عَنْكَ وَلَمْ يَتَّقِ إِلَى اللهِ وَلَا إِلَيَّ مِنْ لَا يَقْنِئِي بِكَ . وَهُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ
«وَإِنِّي لَطَافٌ لَوْنٌ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» إِنْ وَلَا يَبَيْتُكَ . عَزَّ وَجَلَّ
فَسَلِّكَ لَا يَخْفَى وَتُورِكَ لَا يُظْلَمُ . وَأَنْ مِنْ جَعْدِكَ الظُّلُمُ الْأَشْقَرُ . عَزَّ وَجَلَّ
أَنْتَ الْمُجْتَبَى عَلَى الْعِبَادِ وَالْهَادِي إِلَى الرِّشَادِ وَالْمُعْتَمَدُ لِلصَّامِدِ . عَزَّ وَجَلَّ لَقَدْ رَفَعَ
اللهُ فِي الْأَوَّلِ مَنَازِلَكَ وَأَعْلَى فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَبَشَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ
خَالَفَكَ وَحَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَوَاجِبِ اللهِ لَكَ . فَلَمَّا اللهُ مُسْتَجَلِي الْحُرْمَةِ مِنْكَ
وَدَائِمِي الْحَقِّ عَنْكَ . وَأَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْآخِرُونَ الَّذِينَ «تَلْفَحُ وَجُوعُهُمُ النَّارَ وَهُمْ
فِيهَا كَالْحُوتِ» . وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا لَقَنْتُ وَلَا أَخْبَنْتُ وَلَا نَقَلْتُ وَلَا أَفْسَكْتُ
إِلَّا بِإِذْنِ اللهِ وَرِضْوَانِهِ . قُلْتُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرْتُ إِلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ
أَضْرَبُ بِالشَّيْبِ قُلْعًا (١) فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ جَنِّي بِضَرِّكَ هَارُونَ مِنْ عَوْسَى إِلَّا
أَنْهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي . وَأَعْلَمْتُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتِكَ عَمِي وَعَلَى شَيْءٍ . فَوَالَّذِي مَا
كَلِمَتُ وَلَا كَذِبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي وَلَا فُسَيْتُ مَا عَهْدَ إِلَيَّ رَبِّي . وَإِنِّي
لَأَمَلُ نَيْتَةٍ مِنْ رَبِّي بَيْنَهَا لِنَبِيِّهِ وَبَيْنَهَا لِنَبِيِّ لِي . وَإِنِّي لَأَمَلُ الطَّرِيقِ الْوَاصِحِ
الْقَيْلَةَ لَطْفًا . صَدَقْتَ وَاللهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ . فَلَمَّا اللهُ مَنْ سَأَلَهُ بِمَنْ نَازَلَ وَاللهُ
جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ «مَنْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَتْلَمَعُونَ وَالَّذِينَ لَا يَتْلَمَعُونَ» . فَلَمَّا اللهُ

مَنْ عَدَلَ بِكَ مِنْ قَرَضِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَا يَتَكَ وَأَمْتُ وَلِيَّ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ وَالذَّابُّ
عَنْ دِينِهِ وَالَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَقْضِيهِ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : « وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ
عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا » فَجَاءَتْ مِنْهُ وَمَنْفُورَةٌ وَزَخْنَةٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَحِيمًا . وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : « أَجْمَلْتُمْ سِفَايَةَ الْحَاجِّ وَبِعَارَةَ التَّسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ
آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ » الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
بِأَهْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ فَجْزَةً عِنْدَ اللَّهِ وَلَوْلَاكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * يُبَشِّرُهُمْ
رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَدِرْهَمٍ وَجَنَّتْ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ * خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ
اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ * أَشْهَدُ أَنَّكَ الْفَخْرُ الْمَخْصُوسُ بِمَوْحِدَةِ اللَّهِ الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللَّهِ ثُمَّ
تُبْعَ بِالْهَدْيِ بَدَلًا وَلَمْ تُشْرِكْ بِوَهَابَةِ رَبِّكَ أَحَدًا . وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ
نَبِيَّهِ ﷺ فِيكَ فَقُوَّةً . ثُمَّ أَمَرَكَ بِإِظْهَارِ مَا لَوْ لَكَ لَأَمْنُهُ إِغْلَاةً لِشَأْنِكَ . وَاعْلَانًا
لِمُرَاهَبِكَ وَدُخْصًا لِلْبَاطِلِ وَقَطْعًا لِلْمَعَادِيرِ . فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ لَيْثِنَةِ الْعَاقِبِينَ
وَأَثَمِ فِيكَ الْمُسَاقِمِينَ أَوْحَى إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ : « يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ
إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمَّا يَبْلُغْ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَخْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ » .
فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْدَانِ التَّسْمِيرِ . وَتَهَضَّ فِي رِضَاءِ الْهَجِيرِ . فَخَطَبَ وَأَسْبَحَ
وَنَادَى : « يَا بَلِّغْ ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعُ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ ؟ فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلِّغْ . فَقَالَ اللَّهُمَّ
أَشْهَدْ . ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ؟ فَقَالُوا بَلَى . فَأَخَذَ بِرَبِّكَ
وَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فُهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاؤُهُ . اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاءٍ وَعَادٍ مِنْ عَادَةٍ
وَأَعْمَرٍ مِنْ نَصَرَةٍ وَأَحْدَثٍ مِنْ حَدَثَةٍ . فَمَا آمَنَ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَيْكَ عَلَى نَبِيِّهِ
إِلَّا قَلِيلٌ وَلَا زَادَ أَكْثَرُهُمْ غَيْرَ تَفْسِيرٍ . وَقَدْ أُنْزِلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلِ وَهْمٍ

كَارِهُونَ ۖ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ
يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ۖ إِلَهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ أَوْعَةَ لَأَيِّمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ *
إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ
الْعَالِيُّونَ ۚ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۚ رَبَّنَا
لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۚ
اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَالْعَنْ عَنْ عَارِضِهِ وَاسْتَكْبَرَتْ وَكَذَّبَتْ
بِهِ وَكَفَرَتْ ۚ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ۚ

السلام عليك يا أمير المؤمنين وسيد المؤمنين ولؤلؤ العابدین وأزهد
الراغبین ورحمة الله وبركاته وصلواته وتحياته. أنت مطعم الطعام على
حبو منكها ونكها وأسيرا يوجه الله لا تريد منهم جزاء ولا شكورا.
وفيك أنزل الله تعالى «وَنُفِثُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ
يُوَلِّ شَيْئًا مِنْهَا فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْضَحُونَ». وأنت الكاظم للغيظ والعافي عن
الناس والله يحب المتخسرين. وأنت الضارب في البأساء والضراء وحين
البأس. وأنت القاسم بالسوية والعدل في الرعية والعالم يحسنو الله من
جميع البرية. والله تعالى أخبر عما لولاك من عطية بقوله «أَلَمْ يَكُنْ كَانَ
مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ عَاقِبًا لَا يَسْتَوُونَ • أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوِينَ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

وَأَنْتَ الْمَخْصُوسُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ وَنَعْنِ الرَّسُولُ ۖ وَكَفْ

الْمَوَاقِلِ الْمَشْهُودَةِ وَالْمَقَامَاتِ الْمَشْهُورَةِ وَالْآيَاتِ الْمَذْكُورَةِ يَوْمَ يَذُرُ وَيَوْمَ
الْأَحْرَابِ إِذْ رَاغَبَ الْإِنْبَسَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ
الظُّنُونَا * هَٰذَاكَ ابْتِلَى الْمُؤْمِنُونَ وَذَلَّلُوا ذِلًّا شَدِيدًا * وَإِذْ يَقُولُ
الْمُتَدَانِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا *
وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ
فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا
فِرَارًا وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى «وَلَمَّا زَايَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْرَابَ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا
اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَانِعٌ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا فَكُفِّلَتْ
غُرُوبُهُمْ وَهَزَمَتْ جَنْبَهُمْ «وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمِثْلِهِمْ ثُمَّ يَتَّخِذُوا حَيْرًا
وَيَكْفُرُ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْفِتَالِ وَكَانَ اللَّهُ غَوِيًّا غَزِيرًا»

وَيَوْمَ أُخْرِجُوا مِنْهَا يَضْحَكُونَ وَلَا يَلْوُونَ عَلَى أَعْدَائِهِمُ وَالرَّسُولُ يُدْعُوهُمْ فِي
الْحَرَاهِمِ وَأَنْتَ تَلُوذُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْفَيْحِ ذَاتِ الشَّعَالِ
حَتَّى رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى عَسْكَمَا خَابَتِهِمْ وَنَصَرَ بِكَ الْخَائِلِينَ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ
عَلَى مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ «إِذْ أَنْجَبْتَكُمْ كَثْرَتُكُمْ قَلَمٌ تَلَّى عَنْكُمْ شَيْئًا
وَضَالَّتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَزَحْتُمْ ثُمَّ وَلِيتُمْ عُدُبِينَ * ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ
سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ وَعَسَاكَ
الْعَبَاسُ بِسَادِي الْمُنْهَرَمِينَ يَا أَصْحَابَ سُورَةِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ بَيْتَةِ الشَّجَرَةِ
حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَّيْتَهُمُ الْمُؤْنَةَ وَتَكْفَّلْتَ فَوْسَهُمُ الْمُتَعُونَةَ
فَمَادُوا يَاسِينَ مِنَ الْمُتُونَةِ رَاجِينَ وَعَذَّ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوْنَةِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ
جَلَّ ذِكْرُهُ «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مَنْ يَتُوبُ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ» وَأَنْتَ حَائِرٌ

فَرَجَ الصَّبِيرُ فَاتَرُ بِعَظِيمِ الْآخِرِ.

وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذَا أَظْهَرَ اللَّهُ حُورَ الْمُسَاقِقِينَ وَقَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ «وَلَقَدْ كَانُوا عَاثِلُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلُونَ الْأَذْيَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا».

عَوَلَايَ أَنْتَ الْمُعْجَةُ الْبَالِغَةُ وَالْمُعْجَةُ الْوَاسِعَةُ وَالنُّعْمَةُ الشَّابِغَةُ وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ. فَهَيْتَا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ وَثَبَّأَ لِشَابِيكَ فِي الْجَهْلِ.

شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَفَعَالِيهِ. تَحْوِيلُ الرَّايَةِ أَمَامَهُ وَتَضَرُّبُ بِالسَّيَابِ قُدَامَهُ. ثُمَّ يَحْزَمُكَ الْمَشْهُورُ وَيَصِيرُكَ فِي الْأُمُورِ أَشْرَكَ فِي الْخَوَاطِرِ وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ. وَكَمْ مِنْ أَمْرِ صَلَّكَ عَنْ إِمْنَاءٍ عَزَمَكَ فِيهِ التَّمَنُّ وَاتَّبَعَ غَيْرُكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى. فَظَرُّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ اتَّكَمُوا. صَلَّ وَاللَّهِ الظَّانُّ لِبَلَدِكَ وَمَا ائْتَدَى وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمُ وَامْتَرَى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ. فَذَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبَ وَجَهَ الْجَبِيلَةَ وَتَوَنَّا حَاجِرٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ فَيَدْعُهَا رَأْيُ الْمَنِيِّ. وَيَنْتَهَرُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيجَةَ لَهُ فِي الدِّينِ. صَدَقْتَ وَحَسِرَ الْمُبْطِلُونَ. وَإِلَّا مَا كَرَّكَ النَّاسُ كَثَانًا فَقَالُوا: مُرِيدَ الْمُعْمَرَةِ. فَصَلَّتْ لَهَا: لَمَعْرُكُهَا مَا تُرِيدُ الْفُتْرَةَ لَكِنْ تُرِيدُ الْفُتْرَةَ. فَاحْذَرْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا وَجَدَدْتَ الْمَوَاقِفَ فَجَعَلْتَ فِي النُّقَاطِ. فَلَمَّا نَبَّهْتُهُمَا عَلَى فِعْلِهِمَا الْخَفْلَا وَعَادَا وَمَا ائْتَقَمَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرَاءَ. ثُمَّ تَلَاَهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَبَرَزَتْ إِلَيْهِمْ بِغَدِ الْإِعْدَارِ وَهُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ. هَمَّجَ رَعَايَ ضَالُونَ. وَبِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ فَبِكَ كَافِرُونَ. وَلَا هَلْ الْجِلَافَ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ. وَقَدْ أَمَرَ اللَّهُ

تعالى بالتباعد. ونقدب المؤمنين إلى نصرك. وقال عز وجل: يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين.

مولاي بك ظهر الحق وقد نبه الخلق. ولوحشت الشن بعد الروس والطفس. فلک سابقه الجهاد على تصديق التنزيل. ولك فضيلة الجهاد على تحقيق التأويل. وعنوك عدو الله جاهد لرسول الله يدعوا باطلاً ويحكم جباراً ويأمر غاشياً ويدعوا جزئة إلى النار. وغفار مجاهد وينادي بين الصغيب.

الروح الرواح إلى الجنة. ولما استشفق فشق اللبن كبر وقال قال لي رسول الله ﷺ: أجور شرايك من الدنيا ضياح من لبن وتفتلك الوعة الباهية. فأغرضه أبو العادبة الخزاري فقتله. فعلن أبي العادبة لعنة الله ولعنة ملائكيه ورسوله أجمعين. وعلن من سل سيفه عليك وسللت سيفك عليه يا امير المؤمنين من المشركين والمناقبين إلى يوم الدين. وعلن من رضى بما ساءك ولم يكرهه وأغضر عينه ولم يتكبره أو أمان عليك يمين أو إيمان أو قسط عن نصرك أو حذل عن الجهاد معك. أو غنط طمك وجحد حنك. أو غذل بك من جعلك الله أولي به من نفسه. وصلوات الله عليك وزخمة الله وبركاته وسلامته وقبياته وعلی الأئمة من آلک الطاهرين إنه حميد مجيد.

والأمر الأعجب والخطب الأفظح بعد جحديك حنك غضب الصديقه الطاهرة الزهراء سيده النساء قدكأ. وزد شهادتك وشهادة السيدين ملائيك وعتره المصطفى صلى الله عليكم. وقد أعلن الله تعالى على

الْأُمِّيَّةَ فَزَجَّجْتَكُمْ. وَزَفَّعَ مَرَاتِكُمْ وَأَبْدَنَ قَضَاكُمْ وَشَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ.
فَأَذَقَبَ عَنْكُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «بَيْنَ الْإِنْسَانِ
خَلْقٌ مَلُوعاً إِذَا مَشَتْهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَشَتْهُ الْخَيْرُ مَبُوعاً إِلَّا الْفَاسِقِينَ»
فَاسْتَشْفَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّةَ الْمُصْطَفَى وَأَمَّتْ بِأَعْيُنِ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ
الْمَخْلُوقِ. فَمَا أَغْنَتْ عَنْ ظَلَمَتِكَ عَنِ الْخَلْقِ. ثُمَّ تَقَرَّضُوكَ سَهْمَ قَوِي الْقُرْبَى
مَكْرَماً وَاحَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوَراً. فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَى مَا
أَجْرِيَا وَغَبَّ عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ. فَاسْتَبَهَتْ بِمَخْطَاكِ بِهِمَا مَخْنِ
الْأَنْبِيَاءِ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَغَدِمَ الْأَنْصَارِ. وَاسْتَبَهَتْ فِي الْبَهَائِ عَلَى الْفَرَاشِ
الذَّهِبِ. إِذْ أَجْبَحَتْ كَمَا أَجَابَ وَأَطَقَتْ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِراً
مُخْتَصِباً إِذْ قَالَ لَهُ: «يَا بَنِيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْقَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا
تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ».
وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاهُكَ النَّبِيُّ ﷺ وَأَمَرَكَ أَنْ تَضْمَعَ فِي مَرْقَبِهِ وَاقِياً لَهُ
بِنَفْسِكَ. أَسْرَعْتَ إِلَى إِبْجَابِهِ مُطِيعاً. وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِئاً. فَشَكَرَ
اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ. وَأَبَانَ عَنْ جَمْعِهِ بِفَعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَمِنَ النَّاسِ
مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»

لَمْ يَخْتَلِكْ يَوْمَ صَفَيْنَ وَقَدْ رُفِصَتِ الْأَنْصَارُ حِيلَةً وَمَكْرَماً. فَأَعْرَضَ
الشُّكَّ وَعَرَفَ الْخُلُقَ وَاتَّبَعَ الظُّلَّ. اسْتَبَهَتْ بِمَخْنَةِ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى
قَوْمِهِ فَتَعَرَّلُوا عَنْهُ وَهَارُونَ يُمَاصِي بِهِمْ وَيَقُولُ: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ
رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي فَلَا تَأْخُذُوا بِمَا عَلَيْهِمْ عَاكِفِينَ حَتَّى
يَرْجِعَ إِلَيْهَا مُوسَى». وَكَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِصَتِ الْأَنْصَارُ فَلَمْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا

فَقُتِبْتُمْ بِهَا وَخُذِغْتُمْ فَمَضَوْكُمْ وَخَالَقُوا عَلَيْكُمْ وَاسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ •
 فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَعْضِهِمْ وَفَوَضْتَهُ إِلَيْهِمْ • فَلَمَّا أَنْقَرِ الْحَقُّ
 وَسُفُهُ الْمُسْكِرِ وَاعْتَرَفُوا بِالرَّأْيِ وَالْجَوْرِ عَنْ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْضِهِمْ أَلْزَمُواكَ
 عَلَى سَفْوَةِ التَّحَكُّمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَأَحْيَوْهُ وَخَطَرْتَهُ وَأَبَاحُوا لِنَفْسِهِمُ الَّذِي
 اقْتَرَفُوهُ • وَأَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَهَدًى وَهُمْ عَلَى سَبِيلِ ضَلَالَةٍ وَعَمَى • لَمَّا
 زَالُوا عَلَى التَّلَاقِ مُعْزِينَ وَفِي الْقِيَمِ مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى آدَأْتَهُمُ اللَّهَ وَيَالِ أَفْرَاجِهِمْ
 فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَدَكَ فَتَقَبَّلَ وَهُوَ • وَأَخْبَا بِمُحِبَّتِكَ مَنْ سَجَدَ فَهُدًى •
 صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَاوِيَةً وَرَاحَةً وَعَاكِفَةً وَدَاجِبَةً لَمَّا يُحِيطُ الْمَادُوحُ
 وَمُضَلِّكُ • وَلَا يُحِيطُ الطَّائِعُ فَضْلَكَ • أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَأَخْلَصُهُمْ
 زُهَادَةً وَأَذَلَّهُمْ عَنِ الدُّنْيَا • أَلَمْتَ خُلُودَ اللَّهِ بِجَهَنَّمَ وَقُلْتَ عَسَاكِرَ الْعَارِلِينَ
 بِسَيْفِكَ • تُخَوِّدُ قَهَبَ الْخُرُوبِ بِسَانِكَ • وَتَهْتِكُ شُورَ الشُّبُهَةِ بِبَيِّنَاتِكَ وَتَكْشِفُ
 نَبَسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَا يَمُوتُ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى
 نَكْ مِنْ مَدْحِ الْمَادُوحِينَ وَتَقْرِيطِ الْوَاقِعِينَ • قَالَ اللَّهُ تَعَالَى • «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
 رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ
 وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» •

وَلَمَّا زَايَتْ أَنْ قُتِلَتْ السَّاكِسِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْعَارِلِينَ وَسَدَّكَ
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَغَدَا فَلَوْ مَنَّتْ بِعَهْدِهِ قُلْتَ • أَمَّا أَنْ أَنْ تُحْطَبَ طَلِبُهُ مِنْ
 هَيْدٍ أَمْ مَتَى يَنْقُضُ^(١) أَشْقَاهَا • وَإِقْبَا بِأَنَّكَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَنَصِيرَةٍ مِنْ
 أَمْرِكَ • قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ مُسْتَبَشِّرٌ بِبَيْتِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفُورُ

الْعَظِيمُ

اللَّهُمَّ اَنْتَ قُدَّةُ اَنْبِيَائِكَ وَلَوْصِيَاءِ اَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعَنَاتِكَ. وَاصْلِهِمْ حَرًّا
 نَارِكًا. وَالْعَنْ مَنْ عَصَبَ وَلَيْكَ حَقُّهُ وَأَنْكَرَ عَهْدَهُ وَجَحَّدَهُ بِعَدِّ الْمُؤْمِنِينَ
 وَالْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ اكْتَفَيْتَ لَهُ الدِّينَ. اللَّهُمَّ اَلْعَنْ قُدَّةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَمَنْ ظَلَمَهُ وَأَشْيَاعَهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ. اللَّهُمَّ اَلْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَقَاتِلِيهِ
 وَالْمُتَابِعِينَ غَدُوَّهُ وَنَاصِرِيهِ وَالرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَخَائِلِيهِ لَمَنَّا وَبِمِلَادِهِ. اللَّهُمَّ اَلْعَنْ
 أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمَاتِمِيهِمْ حَقُّوْقَهُمْ. اللَّهُمَّ خُصِرَ أَوَّلُ ظَالِمٍ وَغَاصِبٍ
 لِآلِ مُحَمَّدٍ بِالنَّعْرِ وَكُلُّ مُسْتَرْ بِمَا نَسَرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ حَاتِمِ النَّبِيِّينَ. وَعَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. وَاجْعَلْنَا
 بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ. وَيُؤَلِّقُهُمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْآمِنِينَ الدِّينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا
 هُمْ يَحْزَنُونَ

مؤلف گوید که مناسب دیدم در این جا ذکر کنم دو غایت عظیمه (و مهم را):

اول آنکه شیخ جلیل محمّد بن المشهدی رحمته الله که از بزرگان علما است در مزار کبیر برای این
 زیارت شریفه به سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری به قیوت سند او می رسد. و
 عبارت او در این مقام چنین است: وأخبرني الفقيه الأجلّ أبو الفضل شاذان بن جبرائيل
 القمي رحمته الله. عن الفقيه العلاء محمد بن أبي القاسم الطبري. عن أبي علي. عن والده
 محمد بن الحسن. عن الشيخ الفقيه محمد بن محمد بن النّصّان. عن أبي القاسم جعفر
 بن قولويه. عن محمد بن يعقوب الكليني. عن علي بن إبراهيم. عن أبيه. عن أبي
 القاسم بن روح و عثمان بن سعيد العمري. عن أبي محمد الحسن بن علي العسكري.
 عن أبيه صلوات الله عليهما... الخ

و این سلسله شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طایفه و رؤسای معصیانند. و جناب ابو القاسم
 بن روح و عثمان بن سعید هر دو از نزایب امام عصر صلوات الله علیه است. و بعد از تأمل معلوم

می‌شود که در تمام روایات مأثورہ زیارتی به این درجه از صحت و اعتبار و کثرت سند پویا نمی‌شود و در مزار قدیم که مؤلفش مسافر سمیع بن المشهدی است بر این زیارت به همین سند مذکور است به اختلاف جزئی به این قسم که تا شیخ کلیبی موافقت کرده پس از آن گفته: عن عینی بن یزید، عن الشیخ ابی القاسم بن روح، عن الشیخ الجلیل عثمان بن محمد و به ملاحظه طبقات روایت این سند به صواب اقرب است.

دوم آن که در مزار قدیم بعد از ذکر سند این زیارت چنین فرموده: عن الشیخ الجلیل عثمان بن سعید المصري قدس الله ارواحهم، عن مولانا ابی محمد الحسن العسكري، عن مولانا ابیہ علی بن محمد الهادی ضلوات الله علیهم، و ذکر آنکه آنکه زار بها مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام يوم الغدير في السنة التي اذهبها ليها المصمم، فختلف على صريح مولانا امير المؤمنين علي بن ابي طالب ضلوات الله عليه و كلما حضرت مشهده الشريف و این حطت من البلاد فزوره بهذه الزيارة و خصوصاً يوم الغدير حاصل معنی آن که عثمان بن محمد علیه السلام در امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود پدر بر گوازش به این زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام را در روز غدیر زیارت کرده در آن حالی که مصمم آن حضرت را طلبیده بود پس می‌آیستی بر سر قبر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و هر وقت که حاضر شدی در آن مشهد شریف و در هر بلد که باشی پس آن حضرت را زیارت کن به این زیارت بخصوص در روز غدیر و این عبارت صریح است در آن که این زیارت را در هر روز از نزدیک و دور می‌شود خوانند و این فائده جلیلانی است که البته راهبین در عبادت و شاکتین زیارت حضرت شاه ولایت علیه السلام آن را نهایت خوانند شعرد.

فصل دوم

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز ولادت پسر منیر علیه السلام

در زیارت روز مولود است یعنی روزی که ولادت یا سلطنت حضرت رسالت پناهی علیه السلام واقع شد و آن موافق مشهور عده‌ای ریح الاول است و این زیارت که نقل می‌شود بهترین زیارت است چنانچه علامه مجلسی علیه السلام فرموده و جماعت بسیاری از علما آن را روایت نموده‌اند. شیخ طبریزی و شیخ شهید و دیگر این مآلوس علیه السلام روایت کرده‌اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

زیارت کرد حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در مقدمه ماه رجب الاول به این زیارت و تحلیم فرمود
 زیارت را به الله عظیم الثناء جناب محبت بی مسلم کافی است و به او فرمود که چون آمدی به
 مشهد امیر المؤمنین علیه السلام پس غسل زیارت بکن و بپوش پاکیزه ترین جامه های خود را و به بوی
 خوش خود را بستر نما و برو با آرامی پس چون برسی به باب السلام پس در حرم مظهر رو به
 قبله بایست و سی مرتبه بگو الله اکبر و بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ النَّاسِ السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ
 الْنَذِيرِ السَّرَاحِ الْمُبِيرِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى الطُّهْرِ الطَّاهِرِ
 السَّلَامُ عَلَى الْقَمِيقِ الرَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي
 الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ وَجِبَاهِ
 اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَى عِلَائِكَ اللَّهُ الْعَاقِلِينَ بِهَذَا الْحَقِّمِ وَبِهَذَا السَّرَاحِ
 اللَّائِدِينَ بِهِ

پس به روی فرمود و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَحِيَّ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا عِمَادَ الْأَقْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ
 الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللَّهِ الْعَظْمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَامِسَ أَهْلِ
 الْقُبَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْفَرِّ الْمُحْجَلِينَ الْأَقْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُؤَحِّدِينَ الْمُنْجِبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا خَالِصَ الْأَجْلَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْآيَةِ الْأَمْنَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا صَاحِبَ الْخَوْضِ وَحَاوِلَ الْغَوَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِمَ الْحَقِّ وَالْظُّنَى
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَّفَتْ بِهِ مَكَّةَ وَمِنَاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَعْرَ الْعُلُومِ
 وَكَهْفَ الْفُقَرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وَلَدَ فِي الْكَعْبَةِ وَذُوَّجَ فِي السَّمَاءِ
 بِسَيِّدَةِ النَّسَاءِ وَكَانَ شَهْوَتَهَا الْعِلَاقَةُ الْأَصْفِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَضْبَاخَ
 الصُّبَاةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ حَمَلَتْهُ النَّبِيُّ بِجَرِيدِ الْغِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

یا مَنْ بَاتَ عَلَى قِرَائِ حَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ وَوَقَّاهُ بِتَقْوَاهُ شَرَّ الْأَعْدَاءِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشُّهُرُ لِمَا مِنْ خَفَعُونَ الصَّغَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
أَسْجَى اللَّهُ سَفِينَةَ نُوحٍ بِأَسْمِهِ وَأَسْمَ أَخِيهِ حَيْثُ التَّطَمَّ الْمَاءُ خَوْلَهَا وَطَمَسَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللَّهُ بِهِ وَيَا أَخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ غَوَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا فُلَّكَ الشَّجَاةَ الَّذِي مِنْ زَكِيَّةٍ فَجَا وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَنْ خَاطَبَ التُّغْيَانَ وَفُتِبَ الْفُلَا. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَزَخْفَةَ
اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى مَنْ كَفَرَ وَأَنَابَ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا إِمَامَ ذَوِي الْأَبْيَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَطِينَ الْحِكْمَةِ وَفَضْلَ الْجَوَابِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عِثْرُهُ عِثْمُ الْكِتَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ
الْحِسَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَامِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقِ بِالصَّوَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْحَقَائِمِ فِي الْوَحْرَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ
الْقِتَالَ يَوْمَ الْأَحْرَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْلَصَ لِلَّهِ بِأَلْوَحْدَانِيَّةٍ
وَأَنَابَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ مَرْحُوبٍ وَقَالِعِ الْبَابِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
فَعَاءَ خَيْرِ الْأَنَامِ لِلْمَعِيَةِ عَلَى فِرَاسِهِ فَانْتَمَ لِقَنَّهُ لِلْمَعِيَةِ وَأَجَابَ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ قَابٍ وَزَخْفَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَلِيَّ" الدِّينِ وَيَا سَيِّدَةَ السَّادَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَاحِبَ الْمُضْجِرَاتِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْفَاعِدَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى الشَّرَافَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ
وَالْآيَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْعَزَوَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُغْبِرًا بِمَا غَبِرَ

وَبِإِذَا هُوَ آتٍ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مُحَاطَ بِمُحِبِّ الْقُلُوبِ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ
 يَا حَاتِمَ الْخَيْرِ وَثَمِينِ الْمُشْكِلَاتِ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبْتَ مِنْ حَمَلَاتِهِ
 فِي الْوَعْدِ مَلَائِكَةُ السَّعَادَاتِ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدِمَ بَيْنَ
 يَدَيْ نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا وَالدَّ الْآيَةُ الْبَرَّةُ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا تَالِي الْفَيْحُوتِ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ
 خَيْرِ مَوْزُوتٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ بِالسَّلَامِ
 عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا هَوَاتِ الْخُكُوبِينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ
 يَا جُصَّةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا حَقَّ
 وَتَسَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللَّهِ الْمُتَّقِينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَلَّقَ فِي صَلَاتِهِ
 بِخَائِيهِ عَلَى الْمُشْكِبِ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا قَالِجَ الصُّخْرَةِ عَنْ قَمِ الْقَلْبِ وَمُظْهِرِ
 الْمَاءِ الْمُصْبِحِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ النَّاطِرَةِ وَبَذَّةَ الْبَاسِطَةِ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرِ
 عَنْهُ فِي تَرْيُكِهِ أَجْمَعِينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْفِ عِلْمِ
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاحِبِ إِبْرَاهِيمَ الْخَفِيِّ وَسَالِي لَوْلِيَانِهِ مِنْ خَوَاجِرِ خَاتَمِ
 النَّبِيِّينَ بِالسَّلَامِ عَلَيْكَ يَا تَعُصُوبَ الَّذِينَ وَفَائِدَ الْفَرِّ الْمُحْجَلِينَ وَوَالِدَ الْآيَةِ
 الْقَرِيبِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ وَوَجْهِهِ الْمُصْبِي
 وَجَنَّتِهِ الْقَوِيَّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيَّ بِالسَّلَامِ عَلَى الْإِمَامِ الثَّقِيِّ الْمُخْلَصِ السُّفِيِّ
 السَّلَامِ عَلَى الْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ بِالسَّلَامِ عَلَى الْإِمَامِ أَبِي الْخَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامِ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التَّمَنَّى وَمَنَارِ الْهُدَى
 وَذَوِي النُّسَى وَكَنْهَبِ الْوَرَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالشُّجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامِ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ وَحُجَّةِ الْخِيَارِ وَوَالِدِ الْآيَةِ الْأَطْهَارِ وَقَسَمِ
 النِّجْمَةِ وَالسَّارِ بِالسَّلَامِ عَلَى الْأَشَارِ الْمُحْمَرِّ عَلَى الْكُفَّارِ مُنْتَقِدِ الشُّعْبَةِ

الْمُطْلَبِينَ مِنْ عَظِيمِ الْأَوْزَارِ السَّلَامُ عَلَى الْمُحْشُورِ بِالطَّاهِرَةِ الثَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ
 ابْنَةِ الْمُحْتَارِ الْمَوْلُودِ فِي الْبَيْتِ فِي الْأَسْتَارِ الْمَرْجُوحِ فِي السَّمَاءِ بِالْهَزَّةِ
 الطَّاهِرَةِ الرُّضِيَّةِ الْمَرْصِيَّةِ وَالِدَةِ الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ
 عَلَى النَّبَا الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ
 السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللَّهِ الْأَنْوَرِ وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَحُبَّتَهُ وَخَالِصَةَ اللَّهِ وَخَاصَّتَهُ أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ لَقَدْ
 جَاهَدْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَاتَّبَعْتُ مِثْلَاجَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَحَلَلْتُ
 حَلَالَ اللَّهِ وَحَرَّمْتُ حَرَامَ اللَّهِ وَشَرَعْتُ أَحْكَامَهُ وَلَمْ تَنْفُخْ خُلُودَ اللَّهِ
 وَأَكْمَلْتُ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتُ الزُّكَاةَ وَأَمَرْتُ بِالْمَغْرُوبِ وَلَهَيْتُ مِنَ الْمُكْرِمِ
 وَجَاهَدْتُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَابِرًا نَاصِحًا مُجْتَهِدًا مُخْتَصِبًا عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمِ
 الْأَجْرِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَمَنْ اللَّهُ عَنْ دَفْعِكَ عَنْ حَقِّكَ وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ
 وَلَمَنْ اللَّهُ مَنْ يَلْفُ ذَلِكَ فَرَجِي بِهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَنَبِيَّائِهِ وَرُسُلَهُ أَلِي
 وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاةَ وَغَدَوْ لِمَنْ عَادَاةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پس خود را به غیر بپسندان و غیر را بپس و بگو:

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَتَشْهَدُ مَقَامِي وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ بِالنَّبْلِجِ
 وَالْأَدَامِ يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ يَنْسِي وَبَيْنَ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ أَتَيْتُ ظَهْرِي وَمَنْعَتِي مِنَ الرِّقَابِ وَذِكْرُهَا يُغْلِبُ
 أَحْشَانِي وَلَقَدْ هَرَمْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ فَبِحَقِّ مَنْ اتَّصَلَكَ عَلَى
 سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ أَفْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ وَمُؤَالَاتِكَ بِمُؤَالَاتِهِ كُنْ
 لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا وَمِنْ النَّارِ مُجِيرًا وَعَلَى النَّفْرِ ظَهِيرًا

الْمُؤْمِسِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَالْعَاكِمِ نَوْمِ النَّبِيِّ السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ
التَّقْوَى وَسَامِعِ الشَّرِّ وَالنَّجْوَى وَمُنْبِرِ الْأَمْنِ وَالسَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ
الْبَالِغَةِ وَيَقْمَتِهِ السَّابِقَةِ وَيَقْمَتِهِ النَّاصِحَةِ السَّلَامُ عَلَى إِسْرَائِيلَ الْأُمَّةِ وَبَابِ
الرَّحْمَةِ وَأَبِي الْأَنْبَةِ السَّلَامُ عَلَى صِرَاطِ اللَّهِ الْوَاضِحِ وَالنُّجْمِ الْفَلَّاحِ وَالْإِمَامِ
النَّاصِحِ وَالرُّنَادِ الْقَاضِحِ السَّلَامُ عَلَى وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ آمَنَ السَّلَامُ
عَلَى نَفْسِ اللَّهِ الْقَائِمَةِ فِيهِ بِالسُّنَنِ وَغَيْرِهِ الَّتِي مَنْ عَرَفَهَا بِطَمَئِنَّةٍ السَّلَامُ
عَلَى أَذَى اللَّهِ الْوَاحِدَةِ فِي الْأَمَمِ وَبَدْوِ الْهَاسِطَةِ بِالنِّعَمِ وَجَنِبِهِ الَّذِي مَنْ قَرَأَ
فِيهِ نَدِيمَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُجَارِي الْمَعْلَى وَشَافِعُ الرِّزْقِ وَالْعَاكِمِ بِالْحَقِّ بَعَثَكَ اللَّهُ
عِلْمًا لِيُجَاهِدَ فَوَقَّيْتُ بِمُزَاهِدِهِ وَجَاهَدْتُ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ فَصَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكُمْ وَجَعَلَ أَفْنَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكُمْ فَالْتَمِزْ مِنْكَ وَالْيَكْ عِنْدَكَ
الرَّائِزُ لِعَزِيمِكَ الْفَالِئُ بِكَرِيمِكَ الشَّاكِرُ لِحَيْثُكَ قَدْ حَزَبَ إِلَيْكَ مِنْ قُدُوبِهِ
وَدَجَالَ بِكُشْبِ كُرُوبِهِ فَأَنْتَ سَائِرُ عُيُوبِهِ فَكُنْ لِي إِنْ أَسَى اللَّهُ سَبِيلًا
وَشَفِيعًا وَمِنْ النَّارِ مُقِيلًا وَلَمَّا لَزَجُوا فِيكَ كَفِيلًا أَنْجُو نَجَاءً مَنْ وَصَلَ
حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَسَلَّكَ بِكَ إِلَى اللَّهِ سَبِيلًا فَأَنْتَ سَامِعُ الدُّعَاءِ وَوَلِيُّ
الْأَجْزَاءِ غَلِيْنَا مِنْكَ السَّلَامُ وَأَنْتَ الشَّيْخُ الْكَرِيمُ وَالْإِمَامُ الْعَظِيمُ فَكُنْ بِنَا
رَحِيمًا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِسِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

نوم: زیارت رجسته معروفه است که در ماه رجب در هر یک از مشاهد مشرفه خوانده می شود
و صاحب مزار قدیم و شیخ معتدل بن المشهدی آن را زیارت مخصوصه شب سجدت می
شمرد مانند و این مناجات ندارد که این زیارت مخصوصه باشد و از زیارات جامعه عامیه می باشد
نظر زیارت امی الله و عاشورا و زیارت خدیج گفتم به هر حال این زیارت را ما در ماه رجب
ذکر خواهیم نمود این شاء الله اگر خولعتی به آنجا [فصل ۲۷۲] رجوع کن

نوم: زیارت مخصوصه معروفه است که در شب و روز میست باید خواند چنانچه شیخ مفید

و سید و شهید علی بن محمد است به این طریق که چون خواستی در این شب یا روز آن زیارت کنی
حضرت امیر علیه السلام را پس بایست بر درگاه شریفه مقابل قبر آن حضرت و بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ. وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُ اللَّهِ وَآخُو رَسُولِهِ.
وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وَلِيِّهِ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ.

پس داخل شو و بایست نزدیک قبر آن حضرت به نحوی که دوی خود را به جانب قبر کرده
باشی، و البته را در پشت خود قرار دهی آنگاه صد مرتبه تکریم بگو. و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ خَلِيفَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ
صَلَوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ مُوسَى كُلِّمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جِلْمِ الْأَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصُّرَاطُ
الْمُسْتَقِيمُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّبُ الْكَرِيمُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ
الْقَيُّمُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَازِغُ الْمُنِيرُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّرَافُ الْمُسِيرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْهُدَى. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَلَمَ الْقُرْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ الْكُبْرَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا حَاضِرَ اللَّهِ وَخَالِصَتَهُ. وَأَمِينَ اللَّهِ وَصَفْوَتَهُ. وَبَابَ اللَّهِ وَحُبَّتَهُ. وَمُعِينَ
حِكْمِ اللَّهِ وَبِرُّهُ. وَغِيَّةَ عِلْمِ اللَّهِ وَخَارِجَتَهُ. وَتَعْمِيرَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ.
أَشْهَدُ أَنَّكَ أَفْنَتَ الصَّلَاةَ. وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ. وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ. وَنَهَيْتَ عَنِ

الْمُسْكِرَ . وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ . وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَتَّى تَلَاوْنَهُ . وَتَلَفْتَ غَيْرَ اللَّهِ .
وَوَقَّيْتُمْ بِغَيْرِ اللَّهِ . وَتَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُ اللَّهِ . وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَتَّى جَاهَدَهُ .
وَتَصَحَّحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . وَجَدْتَ بِتَقْيِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا .
مُجَاهِدًا عَنِ دِينِ اللَّهِ . مُوَقِّيًا لِرَسُولِ اللَّهِ . طَالِبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ . رَاجِعًا إِلَيْهَا .
وَعِنْدَ اللَّهِ . وَمَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيدًا وَشَهِيدًا وَمَشْهُودًا . فَجَرَاكَ اللَّهُ
عَنِ رَسُولِهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ مِنْ صِدِّيقِ أَفْضَلِ الْجَزَاءِ .

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا . وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا . وَأَسَدَّهُمْ يَقِينًا .
وَأَحْوَلَهُمْ إِلَهًا . وَأَعْلَمَهُمْ عَنَاءً . وَأَحْوَلَهُمْ عِلْمًا . وَرَسُولَ اللَّهِ . وَأَفْضَلَهُمْ
عَنَائِبَ . وَأَكْثَرَهُمْ سَوَابِقَ . وَأَزْفَعَهُمْ قَرْجَةً . وَأَشْرَفَهُمْ مَنْزِلَةً . وَأَكْثَرَهُمْ عَلَيْهِ .
فَقَوَّيْتُ حِينَ وَهَوَاءَ . وَأَبْرَزْتُ مِنْهَا رَجَا رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا . لَمْ تُنَازِعْ بِرِجْلِهِ السَّائِقِينَ وَغِلْظَ
الْكَافِرِينَ وَضَعِي الْفَاسِقِينَ . وَقُنْتَ بِالْأَمْرِ حِينَ قُضِلُوا . وَنَطَقْتَ حِينَ
تَفْتَحُوا . وَمَضَيْتَ بِتُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَّوْا . فَمِنْ أَيْمَنِكَ قَدَمُ الْمُتَّقِينَ . كُنْتَ أَوَّلَهُمْ
كَلَامًا . وَأَخْدَهُمْ جِصَامًا . وَأَضَوْتَهُمْ مَنَاطِقًا . وَأَسَدَّهُمْ زَايَا . وَأَشْجَعَهُمْ قُلُوبًا
وَأَكْثَرَهُمْ يَقِينًا . وَأَحْسَنَهُمْ غَمَلًا . وَأَغْرَقَهُمْ بِالْأُمُورِ . وَكُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبَا
رَحِيمٍ إِذْ صَارُوا غَلِيظَ عِيَالٍ . فَحَسَلَتْ أُنْقَالُ مَا غَنَى ضَمُّوْا . وَخِيطَتْ مَا
أَضَاعُوا . وَزَعِيَتْ مَا أَضْمَلُوا . وَشَمَّرَتْ إِذْ جَبَّوْا . وَعَلَوَتْ إِذْ اهْلَعُوا .
وَصَبَّرَتْ إِذْ جَزَعُوا . كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ هَذَايَا صَبًا وَغِلْظَةً وَهَيْظَةً .
وَالْمُؤْمِنِينَ هَيْثَا وَخَصِيًّا وَعِلْمًا . لَمْ تُقَلِّلْ حُجَّتَكَ . وَلَمْ يَزِغْ قَلْبَكَ . وَلَمْ
تُضَعِفْ بَصِيرَتَكَ . وَلَمْ تَجِبْنِ نَفْسَكَ . كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُهَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ وَلَا
تُزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ . كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قَوْلًا فِي

بَدَنِكَ مُتَوَاضِعاً فِي تَقِيَّتِكَ عَظِيماً عِنْدَ اللَّهِ كَبِيراً فِي الْأَرْضِ جَلِيلاً فِي
السَّمَاءِ لَمْ يَكُنْ لِأَخِي فِيكَ مَهْتَزُهُ وَلَا لِقَاتِلِي فِيكَ مَهْتَزُهُ وَلَا لِخَلْقِي فِيكَ
مَطْمَعٌ وَلَا لِأَخِي عِنْدَكَ هَوَاقِفٌ يُوْجِدُ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ عِنْدَكَ قُوّاً عَرِيزاً
حَقّاً تَأْخُذُ لَهُ بِحَقِّهِ وَالْقَوِيُّ الْقَرِيرُ عِنْدَكَ ضَعِيفاً حَقّاً تَأْخُذُ مِنْهُ الْحَقُّ
الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرُّفْقُ وَقَوْلُكَ
حُكْمٌ وَخَشَمٌ وَأَمْرٌ جَلْمٌ وَغَزْمٌ وَزَأْنٌ جَلْمٌ وَخَزْمٌ اغْتَنَلْ بِكَ الدِّينُ
وَسَهَّلْ بِكَ الْقَسِيرُ وَأَطْعَمْتَ بِكَ التَّيْمَانَ وَقَبَّحْتَ بِكَ الْإِسْحَانَ وَثَبَّتَ بِكَ
الْإِسْلَامُ وَخَدَّعْتَ مُصِيبَتَكَ الْآثَامَ فَإِنَّا إِلَهُ وَإِنَّا إِلَهُ رَاجِعُونَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ
فَعَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَالَفَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ افْتَرَى عَلَيْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
ظَلَمَكَ وَخَسَبَكَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَّغَكَ ذَلِكَ فَرَضِي بِهِ إِنَّا إِلَهُ مِنْهُمْ
بُرَاءٌ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَالَفَكَ وَجَعَلَتْ وَلَايَتَكَ وَتَظَاهَرَتْ عَلَيْكَ وَلَقَدْ لَكَ
وَحَادِثٌ عَنْكَ وَخَلَقْتَكَ الْخَلْقُ إِلَهُ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَيَشْرَبُ الْيَوْمَ
الْمُزْرُوعُ

أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ بِالْبَلَاغِ وَالْآدَابِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جُنُبُ
اللَّهِ وَبَابُهُ وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ وَوَجْهُهُ الَّذِي جَمَّةٌ يُؤْتَى وَأَنَّكَ سَبِيلُ اللَّهِ
وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَأَخُو رَسُولِهِ أَتَيْتَكَ زَائِراً لِعَظِيمِ جَلَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ
اللَّهِ وَجَعَدْتُ رَسُولِهِ مُتَقَرِّباً إِلَى اللَّهِ بِرِيَازَتِكَ وَرَاجِعاً إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ
أَهْتَمِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَّاصَ نَفْسِي مُتَقَوِّفاً بِكَ مِنَ النَّارِ حَاجِياً مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي
اِخْتَلَطَتْهَا عَلَى ظَهْرِي فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةٍ رَحِيٍّ أَتَيْتَكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ
يَا مَوْلَايَ إِلَى اللَّهِ وَاتَّقَرْتُ بِكَ إِلَيْهِ لِيَقْبَلَ بِكَ حَوَائِجِي فَاشْفَعْ لِي
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ فَإِنِّي عِنْدَ اللَّهِ وَخَوْلَاتِي وَدَائِرَتِكَ وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ

الْمَقَامُ الْمَعْلُومُ. وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالشَّانُ الْكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ الْمُقْبُولَةُ.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى عَبْدِكَ وَأَمِيرِكَ الْأَوْفَرِ.
 وَعَزْوَتِكَ الْوُفَرِ. وَبِذِكَ الْمُلَيَّا. وَكُلْعَتِكَ الْخُسْنِ. وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى.
 وَصِدْقِكَ الْأَكْبَرِ. وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ. وَذِكْرِ الْأَوْلِيَاءِ. وَوَعْدِ الْأَصْغِيَاءِ.
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. وَنَحْوِ السُّبُوبِ الْمُتَّقِينَ. وَقُفْوَةِ الصُّدُوقِينَ. وَإِمَامِ السَّالِحِينَ.
 الْمَعْسُومِ مِنَ الرِّلِّهِ. وَالْمَقْطُومِ مِنَ الْعَمَلِ. وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْقَيْبِ. وَالْمُطَهَّرِ مِنَ
 الرَّيْبِ. أَخِي نَبِيَّكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ. وَالْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ وَالْمُوَاسِي لِنَفْسِهِ
 وَكَاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ الَّذِي جَعَلْتَهُ سَيِّفًا لِنَبِيِّهِ. وَمُسْجِرًا
 لِرِسَالَتِهِ. وَدَلَالَةً وَاضِحَةً لِحُجَّتِهِ. وَحَابِلًا لِرَأْيَتِهِ. وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ. وَهَادِيًا
 لِأُمَّتِهِ. وَنِدَاءً لِنَاسِهِ. وَنَجَا لِرَأْسِهِ. وَبَابًا لِنُصْرِهِ. وَمِفْتَاحًا لِنُظْرِهِ. حَتَّى
 حَرَّمَ جُلُودَ الشُّرَكِ بِإِدْبِكَ. وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ. وَنَزَلَ نَفْسُهُ فِي
 غُرُضَةِ رَسُولِكَ. وَجَعَلَهَا وَلَقَا عَلَى طَائِفَتِهِ. وَمَجَعَهَا دُونَ بَيْتِهِ. حَتَّى
 فَاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كَفِّهِ. وَاسْتَلَبَتْ بُرْذَاهَا وَمَسَحَتْ عَلَى
 وَجْهِهِ. وَأَعَاتَتْهُ مَلَائِكَتُكَ عَلَى عُسْلِهِ وَتَجَهَّزَتْهُ. وَصَلَّى عَلَيْهِ وَوَارَى
 شَلْطَتَهُ. وَحَسَنَ ذِيئَهُ وَتَجَبَزَ وَغَدَهُ. وَتَزَمَّ غَدَهُ وَاحْتَلَى بِشَالَهُ وَحَفِظَ
 وَصِيئَتَهُ. وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا نَهَضَ مُسْتَقْبِلًا بِأَغْيَاءِ الْخِلَافَةِ مُطْلِعًا بِأَنْفَالِ
 الْإِمَامِيَّةِ قُنُصَبَ رَايَةِ الْهُدَى فِي عِيَادِكَ. وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِي بِلَادِكَ.
 وَبَسَطَ الْقُدْلَ فِي بَرِيَّتِكَ. وَحَكَّمَ بِكِتَابِكَ فِي خَلِيقَتِكَ. وَأَقَامَ الْحُدُودَ
 وَلَقَعَ أَنْكَامَ الْجُحُودِ وَقَوَّمَ الزُّنُجَ. وَسَكَنَ الْعُمْرَةَ. وَأَبَادَ الْفِتْرَةَ. وَسَدَّ
 الْفُرْجَةَ. وَقَتَلَ الْفَاكِتَةَ وَالْقَاسِطَةَ وَالْمَارِقَةَ. وَلَمْ يَزَلْ عَلَى مَنَاجِ رَسُولِ
 اللَّهِ وَوَتِيرَتِهِ وَلُطْفِ شَاكِلَتِهِ وَجَمَالِ سِيرَتِهِ مُقْتَدِيًا بِسُنَّتِهِ مُتَمَلِّقًا

بِهِمَّتِهِ • مُبَاشِرًا لَطَرِيقَتِهِ • وَتَفْلِئَتَهُ نَضَبُ عَيْنَيْهِ • يَسْخُولُ عِبَادَكَ عَلَيْهَا
وَيَنْدَعُوهُمْ إِلَيْهَا • إِنْ أَنْ حُصِنَتْ شَيْئَتُهُ مِنْ دَمٍ وَأَسِيهِ • اللَّهُمَّ فَكَمَا لَمْ يُؤَلِّزْ
فِي طَاعَتِكَ شَكًّا عَلَى يَقِينٍ وَلَمْ يُشْرِكَ بِكَ طَرَفَةً غَيْرَ صَلَّ عَلَيْهِ صَلَاةً
رَاحِيَةً نَاصِيَةً يُلْحِقُ بِهَا مَرَجَةَ الشُّبُورَةِ فِي جَنَّتِكَ • وَتَلْعَنُهُ بِنَا نَجِيَّةً وَسَلَامًا •
وَأَيُّهَا مَنْ لَدُنْكَ فِي مُوَالَاةٍ فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَمَعْمُورَةً وَدِرْخَوَانًا • إِنَّكَ تُو
الْفَضْلِ الْجَسِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس ایوس صریح را و روی راست خود را بگردان بر آن و بعد از آن روی چپ را و میل کن به
سمت چپ و نماز زیارت بجای آر و آنچه خوانی بعد از نماز دعا کن و بگو بعد از سرستان
صبح حضرت زمره

اللَّهُمَّ إِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلَى لِسَانِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَفُضِّلْتَ
«وَبَشِّرِ الَّذِينَ خَافُوا أَنْ لَمْ يَلْمِزْهُمْ عَذَابٌ مِنْهُمْ» • اللَّهُمَّ إِنِّي مُؤْمِنٌ بِحُجَّتِكَ
أَلَيْهِكَ وَرَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ • فَلَا تُؤَلِّفْنِي بَعْدَ مَعْرِفَتِهِمْ مُوَاقِعًا تُفْضِلُنِي
فِيهِ عَلَى زُفُوسِ الْأَشْهَادِ بَلِّ قَلْبِي مَعَهُمْ وَتَوَقَّيْ عَلَى التَّصَدِيقِ بِهِمْ • اللَّهُمَّ
وَأَنْتَ حَضَرْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَتَمَرَّتَنِي بِاتِّبَاعِهِمْ • اللَّهُمَّ وَإِنِّي عَبْدُكَ وَذَابِتُكَ
مُقَرَّبًا إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ أَحَبِّ رَسُولِكَ • وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ وَمَرْوِيٍّ حَقٌّ لِقَائِ أَتَاءِ
وِزَارَتِهِ • وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَرْوِيٍّ • فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا أَرْحَمَ يَا رَحِيمًا •
يَا جَوَادًا يَا حَاجِدًا يَا أَحَدًا يَا صَمَدًا • يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا
أَحَدٌ وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا لَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَأَنْ
تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِنِّي مِنْ رِيَاظِي أَسَا رَسُولِكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ • وَأَنْ
تَجْعَلَ جَمْرًا يُسَارِعُ فِي الْحَرِيقِ • وَيَنْدَعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا • وَتَجْعَلَ لِي مِنْ
الْعَاشِعِينَ • اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِزِيَارَةِ مُوَلَايَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

وَوَلَّيْتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ فَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَيَنْتَصِرُ بِهِ • وَمَنْ عَلَيَّ يَنْتَصِرْكَ
إِذْ بَيْنَكَ • اللَّهُمَّ • وَاجْعَلْنِي مِنْ شَيْعَتِهِ • وَقَوِّنِي عَلَى دِينِهِ • اللَّهُمَّ • أَوْجِبْ لِي مِنَ
الرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ • وَالْمَغْفِرَةِ وَالْإِحْسَابِ • وَالزُّرْقَى الْوَاسِعِ الْغَلَّالِ الطَّيِّبِ مَا
أَنْتَ أَكْفَلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ • وَاتَّخِذْ إِلَهِي رَبًّا مُعَالِمِينَ •

فصل چهارم

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز شهادت آن بزرگوار
که روز بیست و پنجم ماه رمضان می باشد

مناسب است زیارت کردن آن حضرت را در این روز به کلماتی که جناب حضرت علیه السلام گفته است.
چنانچه در اکمال الدین شیخ صدوق مذکور است و شیخ کلی رحمه الله نیز آن را روایت کرده به سند
خود از اسد بن صفوان که گفت: در آن روزی که شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام واقع شد، تمام
مواضع به اضطراب در آمد از گریه و شیون و مردم مدحوش شده بودند و آن روز مثل روزی بود
که پیغمبر صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت نمودند پس مردمی گریه کتان به سرعت آمد و استرجاع می گفت، و
می گفت: امروز خلافت بیوت منقطع شد پس آمد تا آن که ایستاد بر در خانه ای که امیر
المؤمنین علیه السلام در آن بود ۱، پس گفت این کلمات را ۲:

رَبِّكَ اللَّهُ يَا أَيُّهَا الْخَيْرُ • كُنْتُ لَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا • وَأَخْلَسَهُمْ
إِيمَانًا وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا • وَأَخْوَفَهُمْ إِلَهًا • وَأَعْظَمَهُمْ حَنَاءً • وَأَخْوَفَهُمْ قَلْبَ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ • وَأَمَنَّهُمْ عَلَى أَصْحَابِهِ • وَأَصْلَحَهُمْ مَنَاقِبَ • وَأَكْرَمَهُمْ سَوَابِقَ • وَأَرْفَعَهُمْ
فَرَجَةً • وَأَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ • وَأَشَبَّهُهُمْ بِهِ خَدْيًا وَحُلُقًا وَتَسْنَنًا
وَفِعْلًا • وَأَشْرَفَهُمْ مَعْرَكةً • وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ • فَجَعَلَكَ اللَّهُ عِيَالِ الْإِسْلَامِ وَعَيْنَ

۱ از این عبارات ظاهر می شود که امیر جناب حضرت و تکلمات او در روز شهادت خود من حضرت امیر علیه السلام بوده پس اگر
کسی در روز دهم آن حضرت را نیز زیارت کند به این کلمات باید مناسب باشد (امیر و جسد الله)

۲ این زیارت موافق روایت کافی است

رَسُولِهِ وَعَنِ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا قَوِيَتْ حِينَ ضَعُفَ أَصْحَابُهُ وَبَزَزَتْ حِينَ
 اسْتَكْبَرُوا وَنَهَضَتْ حِينَ وَهِنُوا وَتَزَمَّتْ بِمَنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ هُمْ
 أَصْحَابُهُ كُنْتُ خَلِيفَتَهُ حَقًّا لَمْ تُنَازِعْ وَلَمْ تُضَرِّغْ بِرِغْمِ الْمُحَالِفِينَ وَالْمُخَلِّفِينَ
 الْكَافِرِينَ وَكَرِهَ الْمُحَابِدِينَ وَبَغِضَ الْفَاسِقِينَ قَسَمْتُ بِالْأَمْرِ حِينَ قَسَلُوا
 وَنَقَلْتُ حِينَ تَقَعَّمُوا وَمَضَيْتُ بِثَوْرِ اللَّهِ إِذْ وَلَقُوا فَاتَّبَعْتُكَ فَهَيَّوْا
 وَكُنْتُ اخْلَافَهُمْ ضَوَاءً وَأَعْلَامَهُمْ قَنَمًا وَأَقْلَامَهُمْ كَلَامًا وَأَسْوَبَهُمْ نُسْطًا
 وَأَكْبَرَهُمْ رَأْيًا وَأَشَجَّهُمْ قَلْبًا وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَأَخْسَنَهُمْ عَمَلًا وَأَعَزَّهُمْ
 بِالْأُمُورِ كُنْتُ وَاللَّهِ يَخْشَوْنِي بِالَّذِينَ لَوْلَا وَأَجْرَاءُ الْأَوَّلِ حِينَ تَقَرَّقَ النَّاسُ
 وَالْآخِرِ حِينَ قَسَلُوا كُنْتُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبَا زَحِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا
 فَحَمَلْتُ أُنْقَالَ مَا غَنَى ضَعُفُوا وَحَمِلْتُ مَا اضْغَعُوا وَزَعَيْتُ مَا أَعْمَلُوا
 وَشَمَرْتُ إِذَا اجْتَمَعُوا وَعَلَوْتُ إِذَا هَلَعُوا وَصَبَرْتُ إِذَا اسْرَعُوا وَأَذَرْتُ إِذَا تَارَ
 مَا طَلَبُوا وَيَا لَوْ أَنَّكَ مَا لَمْ يَخْتَسِبُوا كُنْتُ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًا
 وَلَهَبًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ عَمْدًا وَجَنَابًا قَوِيْتُ وَاللَّهِ بِنُصْرَتِيهَا وَفَرَّتْ بِحَبَابَتِهَا
 وَأَخْرَزَتْ شَوَابِقَهَا وَفَقَّيْتُ بِفَضَائِلِهَا لَمْ تَقْلَلْ حُجَّتُكَ وَلَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ
 وَلَمْ تَضَلَّ بِصِيرَتِكَ وَلَمْ تُجِنِّ نَفْسُكَ وَلَمْ تُجِرَّ كُنْتُ كَالْجَبَلِ لَا
 تُحَرِّكُهُ الْقَوَاصِفُ وَكُنْتُ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ آمِينَ النَّاسُ فِي صُحْبَتِكَ
 وَذَاتِ يَدِكَ وَكُنْتُ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَعِيفًا فِي يَدَيْكَ قَوِيًّا فِي أَمْرِ
 اللَّهِ مُتَوَاصِعًا فِي نَفْسِكَ عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرًا فِي الْأَرْضِ جَلِيلًا عِنْدَ
 الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ لِأَخِي فِيكَ مَهْمَزٌ وَلَا لِجَائِلٍ فِيكَ مَهْمَزٌ وَلَا لِأَخِي فِيكَ
 مَطْمَعٌ وَلَا لِأَخِي عِنْدَكَ خَوَافَةٌ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيٌّ غَرِيبٌ حَتَّى تَأْخُذَ

لَهُ بِحَقِّهِ. وَالْقَوِيُّ الْغَرِيزُ عِنْدَكَ ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقُّ. وَالْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ. شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرِّفْقُ. وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحُكْمٌ. وَأَمْرُكَ جِلْمٌ وَحَزْمٌ. وَدَايِكَ عِلْمٌ وَغَزْمٌ فِيمَا لَعَلَّتْ. وَقَدْ نَهَجَ بِكَ السَّبِيلُ وَشَهَلَ بِكَ الْقَصِيرُ. وَأَطَقْتَ بِكَ الثَّوْرَانُ. وَاعْتَدَلَ بِكَ الدِّينُ. وَلَقَوِيَ بِكَ الْإِسْلَامُ^۱ وَالْمُؤْمِنُونَ. وَسَبَقْتَ سَبْقاً بَعِيداً. وَأَتَعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَباً شَدِيداً. فَجَعَلْتَ عَنِ الْبِكَاءِ. وَعَظَّمْتَ رِزْقَكَ فِي السَّمَاءِ. وَهَدَيْتَ مُسَيِّبَكَ الْأَمَامَ. فَوَلَّيْنَا إِلَهَ وَإِنَّا إِلَهُ رَاجِعُونَ. رَضِينَا عَنْ إِلَهٍ كُفَاةً. وَسَلَّمْنَا إِلَيْهِ أَمْرَهُ قَوْلَالِهِ لَنْ يُصَابَ الْمُسْلِمُونَ بِوَلَدِكَ أَبَدًا. كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا وَجُنُزًا وَكُنْتَ رَاسِبًا^۲. وَعَلَى الْكَافِرِينَ عِقَابٌ وَعِظَاءٌ. فَالْحَقُّكَ اللَّهُ بِنَبِيِّهِ. وَلَا أَخْرَجْنَا أَجْرَكَ. وَلَا أَضَلْنَا بِعَدْلِكَ.

چون آن مرد کلامی متضمن شد به گریه در آمد و اصحاب رسول خدا ﷺ نیز گریه کردند پس پنهان شد. پس در طلب آن شخص بر آمدند ولی او را نیافتند

اوقات زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام

و بدین که زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در غیر این اوقات از ایام شریفه مثل سایر احوال سیر فضیلت تمام دارد مخصوصاً ایامی که اختصاص به آن حضرت دارد مثل روز ولادت آن حضرت که موافق مشهور سیزدهم رجب است. و روزی که صورت بر فرق مبارکش خورده شد به دست این ملجم ملعون. و شبی که آن حضرت بر فراش خاتم النبیین ﷺ خوابید و جان خود را فدای آن حضرت نمود که موافق مشهور شب اول ماه رجب الاوّل است. و روزی که فتح بدر به دست آن حضرت شد که هفدهم ماه مبارک است موافق احوال. و روزی که در حمایت حضرت رسول ﷺ جلالت خود را ظاهر ساخت در جنگ احد و جبرئیل علیه السلام در شان آن حضرت در آسمان ندا کرد:

۱ وخطب الموالف وقرءه الکافرون ووقت يك الاسلام ح ل

۲ راسية ط

«لَا تَهَيِّفْ إِلَّا قُوَّ الْفَقَارِ وَلَا قُوَّةَ الْفَنِّ إِلَّا عَلَيْهِ»

و آن وقته در نیمه شوال بود بنا بر قول شیخ مفید یا هفدهم آن چنانچه مختار شیخ بهائی و علامه مجلسی است.

و در مثل همین روز یعنی هفدهم شوال آفتاب برای آن حضرت بر میگردید.

و روزی که فتح خیبر و قتل مرحب بر دست سبیر تمامی آن حضرت واقع شد که بهیست و چهارم رجب است. و علامه مجلسی در تحفه و بهاریست و هفتم را اختیار کرده و مشهور همان است که در زاد المعاد است و ما در این جا و فوائد الغر جبهه ذکر کردیم.

و روز بیستم ماه رمضان که آن حضرت پا بر دوش مبارک حضرت رسول ﷺ گذاشت و بنده را بر دام گمیه افکند و شکست. و مثل همین روز نیز فتح مکه واقع شد و روز فتح بصره که نیمه جمادی الاولی است.

و روزی که از جانب حق تعالی منصوب شد از برای تبلیغ سوره بقرات و لؤلؤ از آن امر معزول شد که روز ازل ماه ذی الحجه است.

و روزی که پانصد و پنجاه سال فرمود صحابه را که در خانه هایشان که به مسجد باز می شد بنشینند مگر در خانه آن حضرت که باز باشد و آن در روز حمله بود.

و روزی که در رکوع سار، انگشت شصتی کرد و محس لامبت در شانش نازل شد که آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ» باشد و آن دور بیست و چهارم ذی الحجه است و چون بنا بر مشهور روز مباحثه نیز هست از این جهت نیز به آن حضرت اختصاص دارد و روزی که سوره «غُلَّ اَنَس» در حق او و اهل بیتش نازل شد که روز بیست و پنجم ذی الحجه است.

و روز ترویج حضرت فاطمه با آن حضرت فتح که پانزدهم رجب یا اول ذی الحجه است. و شب وصال آن حضرت که شب بیست و یکم محرم است. و روزی که بعد از قتل عثمان مردم با آن حضرت بیعت کردند که هجدهم ذی الحجه یا روز دیگر است.

و روز بورور که موافق بعضی از روایات دور بیست آن حضرت است. و هم چنین سایر اقام که کرامتی و فضیلتی از آن حضرت در آن ظاهر شده باشد و آنها بسیار است و مقام گنجایش بیش از این نیست. و الله الموفق.

مقام مؤم

در ذکر فضیلت و اعمال مسجد کوفه
و زیارت جناب مسلم و هاشمی
و عمل مسجد سهله و زید و مصعبه است
و در آن چهار فصل است.

فصل اول

در فضیلت کوفه و مسجد بزرگ آن است

بدان که احادیث بسیار در فضیلت کوفه وارد شده و کوفه یکی از آن چهار بلدی است که حق تعالی آن را اختیار فرموده و طور مسلمی تفسیر به آن شده و حرم امیر المؤمنین علیه السلام است.
و در امام حسن مجتبی علیه السلام منقول است که: «به قدر جای پای در کوفه نزد من بهتر است، و دوست تر می دارم از خانه ای که در مدینه داشته باشیم».

و به سند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که آن حضرت خطاب نمود به کوفه و فرمود که: «لایق های عظیم در تو حادث خواهد شد، و من می دانم که هیچ کس اراده بدی نسبت به تو نمی کند مگر آن که خدا او را مبتلا می گرداند به بلای که او را مشغول شود یا به امری که موجب کشته شدن او گردد».

و بر اثر آن حضرت منقول است که: «حق تعالی بلا را از کوفه دفع می کند چنانچه از خیمه های پیامبر صلی الله علیه و آله ابلار^۱ دفع می کند».

و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «دوستان ما در کوفه بیش از همه شهرهاست».

و به روایت معتبر دیگر فرمود که: «یک درهم که در کوفه بخری بمائی حساب می شود به حد درهم که در جاهای دیگر ملفه شود و دو رکعت نماز در کوفه به حد رکعت محسوب می شود».
و اما فضیلت مسجد کوفه پس رانده از آن است که در این مختصر ذکر شود و ما به جهت تیزک به مختصری از فضیلت آن اشاره می کنیم.

بدان که این مسجد شریف یکی از آن چهار مسجدی است که مزاروار است [هفت سفر کرد و] شد رحال نمود به سمت آن ها به جهت درک فیوضات آن ها، و یکی از آن مواطن است که مسافر معتبر است در آن ما بین قصر و اتمام مبارک و نماز قریضه در آن معادل حج مقبول و معادل هزار

سار است که در جای دیگر به جای آورده شود و در روایات وارد شده که محل نماز پیغمبران است و محسن سار حضرت مهدی صلوات الله علیه خوانده شد و در روایتی هزار پیغمبر و هزار وعظ پیغمبر در آن نماز کرده اند و در چند روایت از امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده که تئور حضرت روح علیه از گوشه راست مسجد از جانب قبله جوشید و از لباس اول مسجد که در زمان حضرت آدم علیه و روح علیه بوده دوازده هزار درخ کم کردند.

و شیخ جلیل جعفر بن قولویه روایت کرده از امام محمد باقر علیه که فرمود: ناگه مردم بدانند که چه فضیلت دارد مسجد کوفه هر آنکه از شهرهای دور تهنه زده و راحله کند و به سوی این مسجد بیایند و فرمود که: «نماز واجب در آن برابر است با حج مقبول و نماز نافله برابر عمره مقبوله» و به روایت دیگر: «نماز هر هفته و نافله در آن مثل حج و عمره ای است که با رسول خدا علیه کرده باشند».

و قله الاسلام در کافی از حضرت امام محمد باقر علیه روایت نموده که فرمودند: «مسجد کوفه باقی است از باغ های بهشت» سار گرفته است در آن هفتاد هزار پیغمبر در جانب راستی و رحمت است و در جانب چپش مکر است در آن است عصای موسی و دوحه کدو که برای حضرت یونس علیه روید و انگشتر سلیمان و از آن موضع جوشید تئور در طولان روح علیه و کشتی را در آن مسجد ساخت و آن اشرف جاهای بابل و یا وسط بابل است و مجمع پیغمبران علیه است.

علامه مجلسی علیه در معنی این حدیث فرموده که: گویا مراد این است که در جانب راستی قبر امیر المؤمنین و قبر امام حسن علیه است که محل رحمت خداوند و در جانب چپش خانه های خدای جوار بوده است که محسن مکر و حيله بودند.

و رئیس المحدثین در ثمالی به سند معتبر از هارون بن خارجه روایت کرده که گفت: فرمود به من حضرت صادق علیه که: «چه مقدار مسافت است میان خانه تو و مسجد کوفه؟» گفت: من عرض کردم که: یک میل است. فرمود که: هیچ مشک مزب و پیغمبر مرسل و بنده صالحی نیست که داخل کوفه شده و نماز در آن مسجد نکرده باشد و به درستی که حضرت رسول علیه گفتند به آن مسجد در شب مراجع و رخصت طلبید و فرود آمد و دو رکعت نماز در آن مسجد کرد و نماز واجب در آن برابر است با هزار نماز و نماز نافله با یکصد نماز و نشستن در آن بدون تلاوت قرآن نیز جهاد است پس برو به سوی آن مسجد اگر چه به روضی کونکان خود را بر زمین کنی، و در روایتی وارد شده که: هیچ خشکینی دعا می کند در این مسجد که حاجتی از خدا طلب کند مگر آن که دعایش مستجاب می شود و غمش زایل می گردد.

فصل دوم

در احوال مسجد کوفه است

بِسْمِ اللَّهِ طائوس - وصولان الله علیه - در باب احوال این مسجد فرموده که چون به شریعه کوفه رسیدی غسل کن و نماز کن در آن مسجدی که نزد شریعه است که آن موضع شریفی است، و روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام در آنجا نماز کرد پس متوجه شر به سوی زیارت یونس بن مثنی علیه السلام و بهیست نزد در و استیذان کن و بخوان این دعوی که در مدینه به جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانی و داخل شو. پس همین که ایستادی نزد او آن حضرت بگر التسلام علی اولیاء الله ... الخ. پس این زیارت را با دعای استغفار قل کرده و ما این شاه الله جل ذکر آن را در باب زیارت یغمبران نقل می کنیم. پس همین که از زیارت جناب یونس علیه السلام فارغ شدی و راجع کن آن حضرت را و روایت شر به سوی کوفه همانا که روایت شده کوفه حرم خدا و حرم رسول صلی الله علیه و آله و حرم امیر المؤمنین علیه السلام است، و چون داخل کوفه شدی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ أَنْزِلْ لِي مُرُورًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُرُورِينَ

پس روانه شو به سوی مسجد کوفه و در حال رفتن تکبیر و کمال بگو و حمد کن خدا را و تسبیح بمرست و تعظیم و تسبیح کن ذات تقدس باری تعالی را پس چون به مسجد رسیدی بایست در نزد دری که معروف است به باب النمل که باب اعظم است. و روایت شده که داخل مسجد شوید از باب اعظم که آن در ضلعی است از دو ضلعی بهیست. پس چون خواستی داخل مسجد شوی بایست نزد در و بگو:

السَّلَامُ عَلَيَّ سَلَامًا رَسُولَ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَزَوْجَتِهِ وَبَرَكَاتِهِ. وَعَلَى مَجَالِيهِ وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ حِكْمَتِهِ وَأَنَارِ آيَاتِهِ آدَمَ وَنُوحَ وَإِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَنُفْيَا بَيْتَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ الْإِمَامِ الْحَكِيمِ الْمُضَلِّ الصِّدِّيقِ الْأَكْبَرِ الْعَازِقِ بِالنَّضِيطِ. أَللّهُمَّ فَارِّقْ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

وَالْكَفَرُ وَالْإِيمَانُ وَالشَّرُّ وَالْتَوْحِيدُ وَلَيْفَكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْتِهِ وَيَخِينُ مَنْ
خَفِيَ عَنْ بَيْتِهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَخَاصَّةُ نَفْسِ الْمُتَجَهِّبِينَ وَزَيْنُ
الصَّدِيقِينَ وَصَابِرُ الْمُتَحَنِّينَ. وَأَنَّكَ حَكَمُ اللَّهِ فِي لَزِيمِهِ وَقَاصِي أَمْرِهِ.
وَبَابُ حِكْمَتِهِ وَعَاقِلُهُ عَهْدُهُ وَالنَّاطِقُ بَوَعْدِهِ وَالْحَبْلُ الْمَوْصُولُ بِبَيْتِهِ وَزَيْنُ
عِبَادِهِ. وَكَهْفُ النِّجَاةِ وَمِنْهَاجُ التَّقَى. وَالزَّجَّةُ الطُّيَا وَمُهَيِّبُ الْقَاصِي
الْأَعْلَى. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ زُلْعَمًا. أَنْتَ وَلِيُّي وَسَيِّدِي
وَوَسِيَّتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پس فعل مسجد می شود و می گویند

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. هَذَا مَقَامُ الْعَابِدِ بِاللَّهِ وَيُحْمَلُ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْآيَةِ الْمُتَهَيِّبِينَ الصَّادِقِينَ النَّاظِقِينَ
الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ أَنْصَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَظَهَّرَهُمْ تَطَهُّرًا رَضِيَتْ بِهِمُ
أَيُّمُهُمْ^۱ وَهُدَاةً وَمَوَالِي. سَلَّمْتُ لِأَمْرِ اللَّهِ لَا شَرِيكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا أَتَّخِذُ مَعَ
اللَّهِ وَلِيًّا. كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا. حَسْبِيَ اللَّهُ وَأَوْلِيَاءُ
اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنْ عَلِيًّا وَالْآيَةَ الْمُتَهَيِّبِينَ مِنْ قُرَيْبِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ أَوْلِيَاؤُهُ وَخُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ

اعمال ستون چهارم

آنگاه برو به جانب ستون چهارم که در جنب باب انحطاط و برآور ستون پنجم است و آن ستون
حضرت ابراهیم علیه السلام است پس چهار رکعت ساز کن: دو رکعت از آن را با حمد و در حق هو الله
احده و دو رکعت دیگر را با حمد و «هاتما انزلناه فی لیلة القدر» پس چون فارغ شدی از نماز

سبح حضرت زهرا علیها و آلهای و بعد از آن بگو:

السَّلَامُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ الرَّاشِدِينَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
الرُّخْسَ وَظَهَّرَهُمْ تَطَهِّيراً. وَجَعَلَهُمْ أَنْبِيَاءَ^١ مُرْسَلِينَ وَخُجَّجَةً عَلَى الْخَلْقِ
أَجْمَعِينَ. وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ذَلِكَ تَقْدِيرُ
الْقَرِيزِ الْقَلِيمِ.

و علت مرتبه بگو: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ».

بِسْمِ اللَّهِ نَحْنُ عَلَى وَصِيَّتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ الَّتِي أَوْصَيْتَ بِهَا ذُرِّيَّتَكَ مِنْ
الْمُرْسَلِينَ وَالصَّادِقِينَ. نَحْنُ مِنْ شِعْبِكَ وَشِعْبَةُ بَيْتِنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْكَ وَعَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ. وَنَحْنُ عَلَى
مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَالْأَيُّمَةِ الْمَهْدِيِّينَ وَوَلَايَةِ مَوْلَانَا عَلِيِّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى الْبَشَرِ السُّبْحِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ
وَرِضْوَانُهُ وَبَرَكَاتُهُ. وَعَلَى وَصِيِّ وَخَلِيفَتِهِ الشَّاهِدِ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَى خَلْقِهِ
عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الصَّدِيقِ الْأَكْبَرِ وَالْقَارِئِ الْمُبِينِ الَّذِي أَخْلَصَتْ بَيْعَتُهُ^٢ عَلَى
الْعَالَمِينَ. رَضِيتُ بِهِمْ أَوْلِيَاءَ وَمَوَالِيَّ وَحُكَّامًا فِي نَفْسِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي
وَلِنَفْسِي وَجَلِيَّ وَالْأَحْرَامِ وَالْأَسْلَامِ وَوَلَدِي وَنَفْسِي وَأَجْرَتِي وَمَشْغَايَ
وَمَعَالِي. أَنْتُمْ الْآيَةُ فِي الْكِتَابِ وَفَضْلُ الْعِقَامِ وَفَضْلُ الْجَطَابِ وَأَعْيُنُ الْحَقِّ
الَّذِي لَا يَنَامُ. وَأَنْتُمْ حُكَمَاءُ اللَّهِ. وَيَكُمُ حَكَمُ اللَّهِ. وَيَكُمُ عَرَفُ حَقِّ اللَّهِ.
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ. أَنْتُمْ نُورُ اللَّهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا.
أَنْتُمْ سُنَّةُ اللَّهِ الَّتِي بِهَا سَبَقَ الْقَضَاءُ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّا لَكُمْ مُسَلِّمٌ
تَسْلِيمًا لَا أَشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي

بِكُمْ وَمَا كُنْتُ لِأَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ. اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ.
الْمُحَمَّدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا.

پس سجد این طایفه اسعالم دگر افتاد و بیت الشک را دگر نموده و لکن چون خلاف ترتیب
مشهور است ما نیز به طریق مشهور آن را دگر می سازیم

بیان نماز و دعا در وسط مسجد

در رکعت نماز می کنی در وسط مسجد در رکعت اول «حمد» می خوانی یا «قل هو الله احد» و
در رکعت دوم «حمد» و «قل یا ایها الکافرون» پس وقتی که سلام دادی تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)
و بخوان و بگو

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَبِكَ السَّلَامُ وَفِيكَ بَعْدُ السَّلَامُ وَدَارُكَ دَارُ
السَّلَامِ. حَيُّنَا زَيْنَا وَبِكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ عَلَيْكَ الصَّلَاةَ الْبَهْجَاءَ
مَرَحَمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَتَنْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ. اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا
وَأَلِيَّ مُحَمَّدًا وَارْقُمْهَا فِي أَغْلَى جِلْبَيْنَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اعمال ستون هفتم

پس برو به طرف ستون هفتم و بایست در نزد آن دو به قبله و بگو

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَأُمِّنَا حَوَاءَ. السَّلَامُ عَلَى هَابِلَ الْمُقْتُولِ ظُلْمًا
وَعُنْوَانًا. السَّلَامُ عَلَى عَوَاجِبِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ. السَّلَامُ عَلَى شَيْثِ ضَفْوَةِ اللَّهِ
الْمُخْتَارِ الْأَمِينِ. وَعَلَى الصَّفْوَةِ الصَّافِيَةِ مِنْ ذُرِّيَةِ الْعَلِيِّينَ أُولَاهُمْ وَأَخِيرُهُمْ.
السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ
الْمُخْتَارِينَ. السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ.

السلام على مُحَمَّدٍ بنِ عَبْدِاللهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ. السلام على علي
 أمير المؤمنين وورثيه الطيبين وزحفه الله وتوكلاته. السلام عليكم في
 الأولين. السلام عليكم في الآخرين. السلام على فاطمة الزهراء. السلام
 على الأئمة الهادين شهداء الله على خلقه. السلام على الرقيب الشهيد على
 الأعم لله رب العالمين

پس سار می کنی نزد آن ستون چهار رکعت و می خوانی در رکعت اول «حمد» و «آنا انولک»
 و در رکعت دوم «حمد» و «قل هو الله احد» و در رکعت مؤم و چهارم به همین نحو و چون فارغ
 شدی تسبیح حضرت زهرا علیها برکت پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي الْإِيمَانِ بِكَ. مَنَّا مِنْكَ
 عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنِّي عَلَيْكَ. وَأَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ لَمْ أَتَخَذْكَ وَلَدًا
 وَلَمْ أَذْخُ لَكَ شَرِيكًَا. وَقَدْ عَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ
 الْمُكَابَرَةِ لَكَ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا الْجُودِ بِرُؤُوسِكَ. وَلَكِنِّي
 اتَّبَعْتُ هَوَايَ وَالزَّلَّيَّ الشَّيْطَانَ بِخَدِّ الْحُبَّةِ عَلَيَّ وَالْهَيَاةِ. فَإِنْ تُعَذِّبْنِي
 فَبِعَذُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ. وَإِنْ تُنْفِ عَنِّي وَتَرْخُفْ فَبِعُودِكَ وَكَرَمِكَ يَا كَرِيمٍ.
 اللَّهُمَّ إِنْ ذُنُوبِي تَمَّ يَنْقُ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ عَظَمِكَ. وَقَدْ قَدَعْتُ أَلْفَ الْخُرْمَانِ فَإِنَّا
 أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ. اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي
 فَبِعَذُوبِي وَلَمْ تُظْلِمْنِي شَيْئًا. وَإِنْ تَغْفِرَ لِي فَغَفِرَ رَاجِعُ أَنْتَ يَا سَلِيمٍ.
 اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَأَنَا أَنَا. أَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْمَغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالذُّلُوبِ. وَأَنْتَ
 الْمُتَّقِصِلُ بِالْجَلَمِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالْجَهْلِ. اللَّهُمَّ قَانِي أَسْأَلُكَ يَا كُنْزَ الضُّعْفَاءِ
 يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ. يَا مُتَقِيَ الْخُرْقِ يَا مُنْجِي الْهَلَكِ يَا مُجِيبَ الْأَحْيَاءِ
 يَا مُجِيبَ الْمَوْتِ. أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ

الشَّعْبِ وَتَوَيَّ الْمَاءَ وَخَفِيفَ الشَّجَرِ وَنُورَ الْقَمَرِ وَظُلْمَةَ اللَّيْلِ وَضَوْءَ النَّهَارِ
وَحَقَّقَانِ الطَّيْرِ فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ
وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ
أَوْ بِحَقِّكَ عَلَى فَاطِمَةَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ
الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ فَإِنْ حَقَّقْتَهُمْ
عَلَيْكَ مِنْ أَفْضَلِ أَنْعَامِكَ عَلَيْهِمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَهُمْ
عِنْدَكَ صَلِّ عَلَيْهِمْ يَا رَبُّ صَلَاةَ دَائِمَةٍ مُنْتَهَى رِضَاكَ وَأَعِزِّ لِي بِهِمُ الدُّنْيَا
الَّتِي بَنَيْتَ وَبَنَيْتَ وَأَزْجِرْ عَنِّي حَقِّكَ وَأَتَوَمَّ عَلَى يَمِينِكَ كَمَا أَمَنْتَهَا عَلَى
أَهَائِي مِنْ قَبْلُ وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ عَلَى فِيمَا امْتَدَانَا وَأَمِنْ عَلَى
كَمَا مَنَنْتَ عَلَى أَهَائِي مِنْ قَبْلُ يَا كَهْمَحَصَّ اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
فَأَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيمَا سَأَلْتُكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

پس برو به سجده و در سجده بگو

يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى خَوَائِجِ السَّائِلِينَ وَيُعْلَمُ مَا فِي خُمُورِ الصَّامِتِينَ يَا مَنْ
لَا يَخْتَارُ إِلَى التَّكْسِيرِ يَا مَنْ يُطْمِئِ خَائِفَةَ الْآغْنِ وَمَا تُخْلِي السُّنُورَ
يَا مَنْ أَرْزَلَ الْقَذَابَ عَلَى قَوْمٍ يُؤَسِّرُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ فَدَعَا وَتَضَرَّعُوا
إِلَيْهِ فَكَشَفَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَمَتَّعَهُمْ إِلَى حِينٍ قَدْ شَرَى مَكَانِي وَتَشَجَّعَ
دُعَائِي وَتَعْلَمُ بِيْرِي وَعِلَائِي وَحَالِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
مَا أَقْنِي مِنْ أَمْرِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي

پس هفتاد مرتبه بگو یا سميع

پس سر از سجده بردار و بگو

يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِرُكَّةِ هَذَا التَّوْحِيدِ وَبِرُكَّةِ لَعَلِّهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي مِنْ

بِرِزْقِكَ رِزْقًا خَلَالَ طَيِّبًا تَسُوْقُهُ اِلَيَّ بِعَوْنِكَ وَقُوَّتِكَ وَاَنَا خَائِفٌ فِي عَافِيَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

مؤلف گوید که: احادیث در فضیلت ستون هفتم بسیار وارد شده و شیخ کلینی رحمه الله به سند معتبر روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام رو به این ستون ساز می کرد و نزدیک می ایستاد که میاد آن حضرت و ستون آن غیر فاصله بود که نیزی بگشود و در روایت معتبر دیگر وارد شده است که: در هر شب شصت هزار ملک از آسمان نازل می شوند و نزد ستون هفتم سار می کنند، و در شب دیگر ملائکه ای دیگر به این عدد می آیند. و دیگر هیچ یک عود نمی کنند تا روز قیامت. و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: ستون هفتم مقام حضرت ابراهیم است. و نیز شیخ کلینی در کافی و شیخ طوسی در تهذیب به سند معتبر از ابو حمزه روایت کرده اند که گفت: اصبح بی سکه دست مرا گرفت و ستون هفتم را به من نشان داد و گفت که: این ستون مقام حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است که نزد آن نماز می کرد، و امام حسن علیه السلام در نزد ستون پنجم نماز می کرد، و چون امیر المؤمنین علیه السلام حاضر بود امام حسن علیه السلام در جای او سار می خواند، و بالجملة اظهار در فضیلت این ستون بسیار است و بنای ما بر اختصار است.

عمل ستون پنجم

بدان که از جمله مواضع ستاره مسجد کوفه ستون پنجم است که باید نزد آن ساز کنند و حاجات خود را از حق تعالی طلب نمایند. زیرا که در روایات معتبره وارد شده است که محل نماز حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بوده است، و مثالب نعلود با روایات دیگر، زیرا که ممکن است که آن حضرت در همه این مواضع ساز گرفته باشد. و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ستون پنجم مقام جبرئیل است. و از حدیث سابق ظاهر است که مقام امام حسن علیه السلام است.

و بالجملة آن چه از احادیث معلوم می شود آن است که نزدیک ستون هفتم و پنجم اشرف است از سایر جاهای مسجد. و سید ابن طاووس رحمه الله گفته که در نزد ستون پنجم دو رکعت نماز کن به حمد و هر سوره که خواهی و چون سلام کنی و تسبیح فرستادی پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِجَمِیعِ اَسْمَائِكَ کُلِّهَا مَا عَلِمْنَا مِنْهَا وَمَا لَا نَعْلَمُ
وَأَسْأَلُكَ بِاَسْمَاكَ الْعَظِیْمِ الْعَظِیْمِ الْاَکْبَرِ الَّذِیْ مِنْ دَعَاكَ بِهِ اُجِبْتَهُ.

وَمَنْ سَأَلَكَ بِهِ اعْطَيْتَهُ. وَمَنْ اسْتَنْصَرَكَ بِهِ نَصَرْتَهُ. وَمَنْ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ غُفِرَتْ لَهُ. وَمَنْ اسْتَعَانَكَ بِهِ آعَنْتَهُ. وَمَنْ اسْتَرْزَقَكَ بِهِ رَزَقْتَهُ. وَمَنْ اسْتَعَاثَكَ بِهِ أَعَاثْتَهُ. وَمَنْ اسْتَرْحَمَكَ بِهِ رَحِمْتَهُ. وَمَنْ اسْتَجَارَكَ بِهِ أَجْرْتَهُ. وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ بِهِ كَفَيْتَهُ. وَمَنْ اسْتَعَصَمَكَ بِهِ عَصَمْتَهُ. وَمَنْ اسْتَنْفَذَكَ بِهِ مِنَ النَّارِ أَنْفَذْتَهُ. وَمَنْ اسْتَعِظَكَ بِهِ تَعِظْتُ لَهُ. وَمَنْ أَمَلَكَ بِهِ أَعْطَيْتَهُ. الَّذِي اتَّخَذَتْ بِهِ آدَمُ حَبِيبًا وَنُوحًا نَجِيًّا وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَمُوسَى كَذِبًا وَعِيسَى رُوحًا وَمُحَمَّدًا حَبِيبًا وَعَلِيًّا وَجِبًّا. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. أَنْ تَقْبِضَ لِي خَوَاتِجِي. وَتَقْضُو عَنَّا سَلَفَ بَيْنِ دُنُوبِي. وَتَقَبَّلَ عَنِّي بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا مُلَوِّجَ هَمِّ الْمُفْهُومِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُحْلُوفِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱

صل ستون سوم

آنگاه برو به سوی دژ امام رب العالمین علی که نزدیک ستون سوم است از طرف شخص به باب کند. پس نماز کن در آنجا دو رکعت و بخوان در آن «حمد» و هر سوره که خواستی، پس عین که سلام دادی و تسبیح فرستادی پس بگو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّ دُنُوبِي لَكُ كَثُرَتْ وَلَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ غَفْرِكَ. وَقَدْ قَدِمْتُ إِلَيْكَ الْفَرَسَانِ إِلَيْكَ. فَإِنَّا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ وَأَطْلُبُ مِنْكَ مَا لَا اسْتَحِقُّهُ. اللَّهُمَّ إِنِّ تَعْلَمُنِي فِيمَا دُنُوبِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي شَيْئًا وَإِنِّ تَغْفِرُ لِي فَخَيَّرْ رَاجِعِ أَنْتَ يَا ضَيْدِي. اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ وَأَنَا أَنَا. أَنْتَ الْعَوَاذُ بِالْمُغْفِرَةِ وَأَنَا الْعَوَاذُ بِالدُّنُوبِ. وَأَنْتَ الْمُتَقَبَّلُ بِالْجَلَمِ

۱. و بعضی علمای ذکر کرده اند که بفرمانه در نزد ستون پنجم هر دعائی را که در نزد ستون هفتم رو به الله خوانده می شد مراد بین خداست سلام علی ایمنی آدم و آتشا جواب تا آخر آن چه گذشته (ص ۱۱۱)

وَأَنَا الْعَوْدُ بِالْجَهْلِ. اللَّهُمَّ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِاَكْثَرِ الضُّعْفَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ.
 يَا مُنْقِذَ الْغُرَقَى يَا مُنْجِي الْهَلَكَةِ. يَا مُجِيبَ الْأَحْيَاءِ يَا مُخَيِّرَ الْقَوَاتِ. أَنْتَ
 اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَنُورُ الْقَمَرِ.
 وَظُلُمَةُ اللَّيْلِ وَضَوْءُ النَّهَارِ وَخَفَقَانُ الْعَذِيرِ. فَاسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا عَظِيمَ الْكَرِيمِ
 بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ.
 وَبِحَقِّكَ عَلَى عَلِيٍّ وَبِحَقِّ عَلِيٍّ عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلَى فاطمة وَبِحَقِّ فاطمة
 عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحَسَنِ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ عَلَيْكَ. وَبِحَقِّكَ عَلَى الْحُسَيْنِ
 وَبِحَقِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْكَ. فَإِنَّ حَقَّوْقَهُمْ مِنْ أَفْضَلِ الْعَمَالِكِ عَلَيْهِمْ. وَبِالشَّانِ الَّذِي
 لَكَ عَنْهُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ جَنَّةُ صَلِّ يَا رَبُّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً مُسْتَمِرَّةً
 بِرِضَاكَ. وَاعْفِرْ لِي بِهِمُ الذُّنُوبَ الَّتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ. وَأَتُوبُ بِعَفْوِكَ عَلَيَّ كَمَا
 اتَّعَمْتُهَا عَلَى آبَائِي مِنْ قَبْلُ يَا كَرِيمَ. اللَّهُمَّ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ فَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي فِيهَا سَأَلْتُكَ

پس برو به سجده و جانب راست صورت را به زمین گذار و بگو:

يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَاعْفِرْ لِي
 وَاعْفِرْ لِي. و چهار بگو این کلمه را با شروع و گریه پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و این
 کلمات را بگو و چپ کن در سجده آخره پس دعا کن به آنچه می‌خواهی.
 مؤلف گوید که در بعضی مجامع غیر محیره و مشهور بین مردم آن است که در این مقام بها
 می‌آورند علی و که حضرت صادق علیه السلام یکی از اصحاب خود بوده و لکن ملقب به این مقام
 نیست و کیفیت آن چنان نسب که از آن حضرت نقل شده که به بعضی از اصحاب خود فرمودند
 که: «آیا بامداد بین حاجتی نمی‌روی که گذر کسی به مسجد بزرگ کرده» عرض کرد: بلی فرمود
 که: «چهار رکعت نماز بکن در آن مسجد پس بگو

إِلَهِي إِنْ كُنْتُ خَشِيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ لَطَمْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ ثُمَّ أَتَعَلَّ

لَكَ وَلَدًا وَلَمْ آدَعْ لَكَ شَرِيكَاً. وَقَدْ غَضِبْتُكَ فِي أَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ لَكَ. وَلَا الْأَسْتِكْبَارِ عَنْ عِبَادَتِكَ. وَلَا الْفُجُوءِ لِرُتُوبِيَّتِكَ. وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ الصُّبُودِيَّةِ لَكَ. وَلَكِنْ أَتَيْتُ خَوَافِي وَلَزَلْتُ الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبَيَانِ. فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَيُنْصَوِي عَمْرَ ظَلَمٍ لِي أَلْتَمِسُ. وَإِنْ تُنْفَخَ عَنِّي وَتَرْخَعْنِي فَيُجْوِدُكَ وَتُكْرِمُكَ يَا كَرِيمُ.

و بالا سر کوی غنوت بخول الله وقوته غنوت بغیر خول منی ولا قووه. ولکن بخول الله وقوته. یارب اَسْأَلُكَ بِرَکَّةِ هَذَا الْهَيْبِ وَبَرَکَّةِ لَعَلِّهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي بِرِزْقٍ خَلَالًا طَيِّبًا تَسُوِّفُهُ إِلَيَّ بِخَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَنَا خَائِفٌ فِي عَاطِيَتِكَ.

و شیخ مفید و شهید و محمّد بن الشهدی این عمل را از برای صحن مسجد که بعد از غسل ستون چهارم است ذکر نموده اند.

عمل صفه در نزدیکی محراب حضرت امیر علی

چون در غسل ستون سوم فارغ شدی برو به دقت باب امیر المؤمنین علی و آن صفای است که متصل است به دری که از مسجد به سوی خانه امیر المؤمنین علی مخروج می شد پس چهار رکعت ساز کن به «حمد» و هر سوره که خواستی از قرآن و چون فارغ شدی تسبیح هرست پس بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْفَخْرِ حَاجَتِي يَا اللَّهُ. يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَتَّقِدُ نَائِلُهُ. يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ. يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ. يَا رَبَّ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ. يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ. يَا وَاسِعَ الْغَطِيَّاتِ. يَا دَافِعَ النُّجُمَاتِ. يَا مُبْدِلَ الشَّيْئَاتِ حَسَنَاتِ. عُدَّ عَنِّي بِطَوْلِكَ وَفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ. وَاسْتَجِبْ دُعَائِي لِيَمَّا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ مِنْكَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ وَوَعْدِكَ وَأَوْثَانِكَ الصَّالِحِينَ.

صفت معجز دیگر در این عظم: و آن ساز دورگست است همین که خارج کردی و تسبیح کردی

پس بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي خَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِعِلْمِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمَدِيَّتِكَ وَأَنَّه لَا قَائِمَ
عَلَيَّ قَضَاءٍ حَاجَتِي غَيْرَكَ. وَقَدْ غَلَبْتُ بِأَرْبِ أَنَّ كَلْمًا شَاحَدْتُ بِعَمَلِكَ
عَلَيَّ اشْتَدْتُ فَالْتَمِسْتُ إِلَيْكَ. وَقَدْ طَرَقَنِي بِأَرْبِ مِنْ مُهِمِّ أَمْرِي مَا قَدْ عَرَفْتَهُ
لَأَنَّكَ عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ. وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاوَاتِ
فَانْشَقَّتْ وَعَلَى الْأَرْضِينَ فَانْبَسَطَتْ وَعَلَى النُّجُومِ فَاثْتَشَّرَتْ وَعَلَى الْجِبَالِ
فَاسْتَقَرَّتْ. وَأَسْأَلُكَ بِالْأَسْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَعِنْدَ عَلِيٍّ وَعِنْدَ
الْحُسَيْنِ وَعِنْدَ الْحُسَيْنِ وَعِنْدَ الْأَنْبِيَاءِ كُلِّهِمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْبِلَنِي لِي بِأَرْبِ حَاجَتِي وَلِيُسِّرَ
عُسْرَهَا وَتَكْفِيَنِي مِنْهَا وَتَفْتَحَ لِي قُلُوبَهَا. فَإِنَّ قُلُوبَكَ فَلَاكَ الْفَتَلُونَ
لَمْ تَفْعَلْ فَلَاكَ الْحَمْدُ. غَيْرَ جَائِزٍ فِي حُكْمِكَ وَلَا حَاقِبٍ فِي غَدْلِكَ.

پس می گذاری طرف راست رو را بر زمین و می گوی:

اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنُ مَتَّى هَبْنِكَ وَنَبِيَّكَ دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ فَاسْتَجَبْتَ
لَهُ وَأَنَا أَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و دعا کن به آن چه می خواهی. پس طرف چپ را بگذار و بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَصَرَتْ بِالْأَدْعَاءِ وَتَكْفُلْتَ بِالْأَجَابَةِ وَأَنَا أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي
فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي يَا كَرِيمُ.

پس پیشانی را بر زمین گذار و بگو:

يَا مُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ وَيَا مُنِيلُ كُلِّ غَرِيرٍ. تَعْلَمُ كُرْبَتِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي يَا كَرِيمُ.

اعمال مصلاى امیرالمؤمنین

آن گاه بار کن در مکانی که حضرت رهند در آن جا امر المؤمنین را در رکعت به «حمد» و
سوره و هرگاه که سلام دادی و تسبیح کردی پس بگو

يَا مَنْ أَكْثَرَ الْجَمِيلِ وَشَرَّ الْقَبِيحِ • يَا مَنْ لَا يُؤَاخِذُ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ يَهْتِكِ
الشَّرَّ وَالسُّرِيرَةَ • يَا عَظِيمَ الْقُوَى • يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ • يَا وَاسِعَ الْمَغْفُورَةِ •
يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ • يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى • يَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى •
يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ • يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ • يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَمَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ

و شیخ محمد و محمد بن السهیدی و دیگران گفته اند که می گویند پس

إِلَهِي قَدْ خَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنُوبُ يَدَيْهِ لِحُشْنِ ظَنِّهِ بِكَ • إِلَهِي قَدْ جَلَسَ
الشُّبُهَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقَرَّبًا لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ رَاجِيًا بِمِلَّةِ الصَّفْحِ عَنْ زَلَلِهِ •
إِلَهِي قَدْ رَفَعَ الظَّالِمُ كَفَّيْهِ إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَلَا تُخَيِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ
مِنْ فَسْلِكَ • إِلَهِي قَدْ جَثَا الْعَانِدُ إِلَى الصَّمَاعِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِفًا مِنْ يَوْمِ
تُجْلَوُ فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ • إِلَهِي جَاعَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَا مُشْفِقًا
وَزَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ خَلْبًا رَاجِيًا وَقَاضَتْ غَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِرًا دَائِمًا • إِلَهِي فَسَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِزَّنِي بِرَحْمَتِكَ يَا خَيْرَ الْغَالِبِينَ

پس گفتارند

مناجات حضرت امیرالمؤمنین

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَخْرُ الظَّالِمُ عَنْ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يُفْرَقُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ لَا يَنْجِزِي وَالِدٌ غَنًى وَلَدِي وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٌ غَنًى وَالِدِي شَيْئًا إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْرِفَتُهُمْ وَلَهُمُ الْمُنْعَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْفَرَّةُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّي وَأَبِيهِ وَصَاحِبِيهِ وَنَسَبِهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

وَأَسْأَلُكَ الْآمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يُوْعَدُ بِتَنَبُّهِ وَصَاحِبِيهِ وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ كَلَّا إِنَّمَا تَأْكُلُ فِرَاقَةَ الشُّوَى

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْمَعْبُدُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدُ إِلَّا الْمَوْلَى
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكُ إِلَّا الْمَالِكُ
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلُ إِلَّا الْعَزِيزُ
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقُ إِلَّا الْحَالِقُ
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْخَفِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَفِيرُ إِلَّا الْعَظِيمُ
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفُ إِلَّا الْقَوِيُّ
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرُ إِلَّا الْغَنِيُّ

اعمال دکنه حضرت صادق علیه السلام

پس برو به سوی مقام حضرت صادق علیه السلام که واقع است در نزدیکی مسلم بن عقیل علیه السلام پس
آنجا دو رکعت نماز کن، و چون سلام دینی تسبیح کن، پس بگو

يَا صَانِعَ كُلِّ مَخْلُوعٍ وَيَا جَاهِزَ كُلِّ كَسِيرٍ وَيَا حَاجِزَ كُلِّ ضَالٍّ
وَيَا شَهِيدَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا عَلِيَّ كُلِّ حَفِيَّةٍ وَيَا شَاجِدًا غَيْرَ غَائِبٍ
وَيَا غَالِيًا غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَيَا قَرِيبًا غَيْرَ بَعِيدٍ وَيَا مُؤَيِّسَ كُلِّ وَحِيدٍ
وَيَا حَيُّ حِينَ لَا خَيْرَ غَيْرُهُ وَيَا مُغْنِيَّ الْمَوْتَى وَصَمِيَّتِ الْأَحْيَاءِ الْقَائِمُ عَلَى
كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس بخوان هر چه دوست داری

اعمال دکنه لقضاء

پس برو به سوی دکنه القضاء و در آنجا دو رکعت نماز کن به «صد» و هر سوره که خواهی و
چون فارغ شدی تسبیح حضرت زهرا علیه السلام بخوان و بگو

يَا مَالِكِي وَمُغْنِيَّي بِالنِّعَمِ الْجَسَامِ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ وَجَهِي
خَاضِعٌ لِمَا تَقْلُوه الْأَلْدَامِ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ لَا تُجْعَلْ هَذِهِ الشُّبَّةُ وَلَا
هَذِهِ الْفُحْنَةُ مُسَلَّةً بِاسْتِنصَالِ الشَّافَةِ وَامْنَحْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا لَمْ تَمْنَحْ بِهِ
أَحَدًا مِنْ غَيْرِ مُسْأَلَةٍ أَنْتَ أَقْدِمُ الْأَوَّلِ الَّذِي لَمْ تَرُدَّ وَلَا تَزَالْ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي وَرَبِّ غَمْلِي وَبَارِكْ لِي فِي أَجَلِي
وَاجْعَلْنِي مِنْ عَتَقَاتِكَ وَطَلْقَاتِكَ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اعمال بیت الطشت

که متصل است به دیواره الطشت نماز کن در آنجا دو رکعت و بعد از سلام تسبیح بفرستد پس بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَخَرْتُ تَوْحِيدِي إِلَيْكَ وَتَعَرَّفِي بِكَ وَاخْلَاصِي لَكَ
وَأَقْرَابِي بِرُبُوبِيَّتِكَ وَخَرْتُ وَلايَةً مَنْ أَلْفَنْتَ عَلَيَّ بِعَرَفَتِهِمْ مِنْ بَرِيَّتِكَ
مُسْتَعِدٍّ وَعَشْرَتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ لِيَوْمٍ فَرَعِي إِلَيْكَ عَاجِلًا وَآجِلًا وَلَقَدْ
فَرَعْتُ إِلَيْكَ وَالْيَهُمَّ يَا مَوْلَايَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَسَائِكَ مَا
زَكَّرَ مِنْ بَعَثَتِكَ وَإِزَاحَةً مَا أَخْشَا مِنْ يَمَنَتِكَ وَالْبَرَكَةَ فِيمَا وَزَعْتَنِيهِ
وَتَخَصُّصَ صَلَاتِي مِنْ كُلِّ عَمٍّ وَجَانِحَةٍ وَمَخْصِيَةٍ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأُخْرَتِي
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مولف گوید که: در این جا چند فایده عظیمه است که اشاره به آن مهم است:

در تعین محراب شهادت آن حضرت

اول آن که محل ضربت خوردن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که محراب آن بزرگوار است، حسب معروف متداول، نزدیک باب کنده که معروف است به باب آن جناب متصل به منبر موجود است و به ملاحظه کثرت بی احترامی که از عموم عوام در آنجا می شد بعضی از علمای اعلام علیهم السلام بر آن شباهی ساخته و خلق از فیض نماز در آن محروم شمسطله و لکن مقام دیگری است در جبهه همس محراب، در نزدیک آخر دیوار قبلی به شکل محراب و مستطیل است محراب طریقت و محل به جا آوردن اعمال محراب سابق در این جا باشد.

و علامه مجلسی رحمته الله در جابر نقل کرده از عالم کامل یارح امیر شرف الدین شولستانی میاور نجف اشرف که یکی از مشایخ کبار آن مرحوم است که ایشان فرمودند در ضمن کلامی که در تحقیق قبلة مسجد کوفه کردند که در وسط دیوار مذکور یعنی دیوار قبلی، محراب بزرگی است

که عبادت در آن متروک است و مشهور است به مقام امیر المؤمنین علیه السلام و نه به محراب احدی در انبیا و ائمه علیهم السلام و چون مسجد خراب شد و ستون‌ها که در آن بود منهدم و فرش اصلی مسجد که از سنگ و خاک بود، منقضی شد.

و در کتب میرزا تقی محدث فرموده کرد که مسجد را از کثافات که در آن جا بود پاک کند و دیوارهای مسجد را بسازد و خاک و سنگ که در آن جا ریخته بود پاک کرد و به فرش اصلی رسید و آن را پاک و نظیف کرد و دو دگمه در دو طرف شرقی و غربی ساخت، پس مکشوف شد که محراب و در که مشهورند به محراب و در منسوب به آن حضرت، متصل به فرش اصلی بودند، بلکه از آن مرتفع بودند لرب به دو دروازه و محراب متروکی که در وسط دیوار قبلی است متصل به فرش اصلی رسیده و ظاهر شد دو بزرگی در نزدیکی محراب و از اول تا آخر دیوار قبلی ستون‌ها و سنگ‌ها بود. و در امجد عمارت خود را بر آن بنا کرد و نزد آن محراب صفه بزرگی بود به قدر دو صفه در اطراف، و در آن جا اثر ستونی بود و چون این محراب بزرگ کهنه و کثیف شده بود، ویران کرد که روی آن را بردارند تا آنرا سفید کنند چون آن کثافات را از روی آن برداشتند معلوم شد که سه بوی آن را سفید کردند و آن را به سرخی رنگین کردند و در هر طبقه سفیدی بود با فریزی مایل به طرف چپ محراب. پس امیر در این امر معتقد و مرا احضار کرد و آن را به من نشان داد و با او جمع کثیری بودند از علما و فضلا و اخبار و همه در این امر حیران و متفکر بودند. پس به خاطر من رسید که این محراب همان محراب امیر المؤمنین علیه السلام است که سار را در آن جا می‌خواندند، چون به فرش اصلی مسجد رسیده و به جهت پوشش در صفه بزرگی که در آن جا علمای اخبار در وقت سر انعام علیهم السلام جمع می‌شدند و همچنین این در، در منسوب به آن حضرت است که از آن جا از خانه به مسجد تشریف می‌آوردند چون متصل است به فرش اصلی مسجد و چون دیوار کهنه و محراب در آن واقع شده و طبقه آن موافق جهت شرعی نبود یعنی مطابق نبود با خطی که از جنوب دوازده درجه و گسری منحرف باشد به سمت غرب. حضرت در آن محراب شش‌پا را با تمایل به چپ اعمار می‌خواندند و بعد از آن مسلمان آن را منحرف کردند و سفیدی و سرخی را به سمت چپ مایل کردند تا مردم بدانند که آن جناب در آن محراب تپاس می‌کرد و آن را با سرخی رنگین کردند تا بدانند که آن جناب در آن جا شهید شد و تکرار

سفیدی و سرخی به جهت تکرار بلندش و کتاباب شدن

و چون مسجد خراب شد و ستون‌ها و سنگ‌ها منهدم شد و فرش اصلی مستور شد و فرش جدیدی حادث شد، بعضی از مردمان این محراب صغیر را الحداث کردند و این در صغر نزدیک به آن را باز کردند بر روی سطح آن، و شهرت یافتند که این محراب و باب آن چنان است، و چون این مطلب را بر وزیر و حاضرین مروض داشتیم همه تصدیق کردند مراد و قبول نمودند، و نمازهای مقررۀ موهوبه که پاپست در نزد محراب آن حضرت کرد، در این‌جا بجا آوردند، و دعای مشهور که باید بعد از آن نماز خوانند، در آن‌جا خوانند و نماز را متأسراً کردند چنانچه در آن محراب دیدند و وزیر امر کرد که آنرا رست دهند و مانند بر وقت سایر محراب‌ها و معمار در این باب تساهل کرد، و در عراق حادث شد آنجه حادث شد، یعنی از فتنه و اغتشاش، و این محراب به حال خود ماند مثل سایر محراب‌ها والسلام علی من اتبع الهدی، انتهى.

ظفر گوید که: شیخ مرحوم علامۀ توری - طلب‌نژاد - این عبارت را به حین از بهار نقل کرده در رسالۀ مطالعۀ المصداق، و پس از آن گفته که ظاهر این مطلب را در کتاب توضیح العقالی دیدم که شرح اوست، یعنی [شرح] سید شولستانی رحمته الله بر تفسیر حضرت علیه السلام [مرحوم صاحب عالم] و نیز گفته که مرحوم خلد آشیان حاجی ملا علی طهرانی رحمته الله که از محد علمای عصر بوده اطمینان تام داشت که این محراب همان محراب ضیعت است و در عبارت در آن‌جا به غایت مواظبت داشت، و ظفر یک مرتبه با دو مرتبه در خواب دیدم که حضرت امیر علیه السلام در آن‌جا نماز می‌کرد، بلکه یک مرتبه دیدم که حضرت مجتبی و سید الشهدا علیه السلام نیز با آن جناب نماز می‌خوانند، و مرحوم مضمون می‌فرمود: در این محراب اصحاب یحیی در صف جماعت زیاد می‌شوند به خلاف آن محراب، و البته این مطلب را آن حضرت رعایت می‌کردند، تمام شد کلام شیخ مرحوم - طلب‌نژاد - به هر حال نهایت احتیاط در آن است که اصلاً محراب را در هر دو جا بکنند یا گاهی در آن و گاهی در این.

ذکر نماز هفت سوره

دوم: آن که علما علیهم السلام نمازهای بسیار نقل کرده‌اند که از برای حاجات خوانده می‌شود در این مسجد شریف، و لکن مختصرتر از همه که به تیریه هم رسیده تمأزی است که از حضرت صادق علیه السلام

روایت شده و کیفیت آن چنان است که شیخ طوسی رحمته الله در کتابی به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده که فرمودند: «هر که را به خدا حاجتی باشد برود به مسجد کوفه و وضوی کامل بپاشد و در آن مسجد دو رکعت نماز کند و بگوید در هر رکعت: «سورة الحمد» و هفت «سورة دیگر» که آنها: «معدن» و «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» و «إذا جاء نصر الله و الفتح» و «سبح اسم ربك الأعلى» و «إنا أنزلناه فی ثلثة القدر» است و چون از دو رکعت نماز شود فارغ شد حاجت خود را از خدا بخواهد که این شاء الله تعالی بر آورده است».

عن بن حسن بن فضال که یکی از اولیای این حدیث شریف است گفته که من این نماز را کردم و از خدا طلبیدم که روزم را فراخ گرداند و امروز صفت بسیار دارم و دهه کردم برای حج و مرا دوری شد و به دیگری طلبم کردم که روزم تنگ بود بجا آورد و حق تعالی روزم را فراخ گردانید.

ذکر قبر مختار

مقدم. آن که در زاویه شرقی مسجد کوفه موضعی است که آن را به مختار سب می دهند و هوم را چنان گمان است که آنجا قبر مختار است و لهذا چون از محل محراب امیر المؤمنین علیه السلام فارغ می شدند و رو به سوی دگه حضرت صادق علیه السلام که می آوردند به آن موضع می گذشتند پس مختار را زیارت می کنند و بعد از آن متوجه می شوند به مقام حضرت صادق علیه السلام و به همین اسم عمل می کنند آن مسجد شریف و این رسم فاسدی است زیرا که تا به حال ما خدی از برای آن دیده شد، بلکه شیخ جلیل و محقق فقه نیم الدین این نما که از مشایخ محقق و علامه علیه السلام شمرده شده در کتاب شرح تار مرمری مختار فرموده: «قیة لكل من خرج من باب مسلم کالفیج الاصل» قیة مختار برای هر کس که از در مسلم علیه السلام بیرون رود مانند ستاره درخشان پیداست. در این عبارت معلوم می شود در زمان آن مرحوم قبر مختار ظاهر و از ضمن مسلم هم دور بوده، نه در این موضع که الحال معنی کرده اند و شیخ مرحوم علامه بوری رحمته الله فرمودند که: زمانی مبنی بود قریب به چهار صد تومان بعضی حواری قاجاریه از طهران نزد مرحوم خلد آشیان فقه عصره و علامه دهره شیخ عبدالعزیز طهرانی مطالب فرموده فرستاد به جهت تعیین قبر مختار نوشتند قبر

معلوم نیست مصرف دیگر شود در جواب اصرار بلیغ کرد که باید در همین محل صرف شود. شیخ مرحوم در مقام تفسیر بر آنستند. حقیر هم در خدمت ایشان بودم غیر از عبارت این مسا چیزی در دست نیامد، اعتراض فرمودند که:

و او برای غیر مستلزم که فعلاً تمهین شده ظهر بسیار است از جمله غیر مقدار در شهریان که ملاحظه آن بعضی متابع عرب باشد، و جعل عوام را اعتقاد آن است که مدفن مقداد است و حال آنکه مقداد بن اسود کندی که از صحابه کبار است در حُرف که یک فرسخی مدینه است فوت شد و از آنجا او را حمل کردند به مدینه و در پنج مدفن نمودند، و غیر ذلک که مقام را مناسب با ذکرش نیست، والله العالم.

فصل مؤم

در زیارت جناب مسلم بن عقیل علیه السلام و حنی بن عمرو است

سید اهل علی بن طاووس علیه السلام در مصباح الزائر فرموده که: چون از احوال مسجد کوفه فارغ

شدی برو به سمت قبر مسلم بن عقیل علیه السلام و بایست در نزد قبر آن جناب و بگو:

أَتُحَمَّدُ لِلَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْقَبِيضِ. الْمُتَصَاغِرِ لِمُطَاقِبِهِ جَبَابِرَةُ الطَّاهِرِينَ. الْمُعْتَرِفِ بِرَبُّوبِيَّتِهِ جَمِيعُ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. الْمُقَرِّرِ بِتَوْحِيدِهِ سَائِرَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنَامِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْكَرَامِ صَلَاةَ تَعْرِفُ بِهَا أَعْيُنُهُمْ. وَتُرْغِمُ بِهَا أَنْفَ شَائِنِهِمْ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ أَجْمَعِينَ. سَلَامُ اللَّهِ عَلَى السَّخِيِّ الْعَظِيمِ وَسَلَامُ صَلَاتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَأَيُّمِهِ الْمُتَّقِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّدِيقِينَ. وَالزَّوَاكِيَاثِ الطَّيِّبَاتِ لِيَمَّا تَغْضِي وَتَرْوُحُ عَلَيْكَ يَا مُسْلِمُ بْنُ عَقِيلٍ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَتَوَكَّاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَلَمْتَ الصَّلَاةَ وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَلَقِيتَ عَلَى
بِنَهاجِ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ عَنْكَ رَاحِمٌ •
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَقَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَبَذَلْتَ نَفْسَكَ فِي نُصْرَةِ حُجَّتِهِ وَإِنِّي حُجَّتُهُ
حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ • أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالْوَفَاءِ وَالْمَصِيحَةِ بِحَلَبِ النَّبِيِّ
الْمُرْسَلِ وَالسُّبُطِ الْمُتَّحِبِّ وَالذَّلِيلِ الْعَلِيمِ وَالْوَمِيِّ الْخَبِيلِ وَالْمَطْطُومِ
الْمُهْتَظَمِ • فُجِرَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَسِيرِ الْمُؤْمِسِينَ وَعَنْ الْخَصَنِ وَالْحُسَيْنِ
أَفْضَلِ الْبِرَاءِ بِمَا ضَبَرْتَ وَاحْتَشَبْتَ وَأَعْتَشْتَ • فَيَعْنِ عَقْبُكَ الدَّلِيلَ • لَعَنَ اللَّهُ
مَنْ قَتَلَكَ • وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِقَتْلِكَ • وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ • وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
الْتَمَى عَلَيْكَ • وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ حَقَّكَ وَاسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ • وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ
بَايَعَكَ وَعَشَكَ وَخَذَلَكَ وَأَسْلَمَكَ وَمَنْ آتَى عَلَيْكَ وَلَمْ يُعِنِكَ • أَخْبَدُ إِلَهُ
الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَثْوَاهُمْ وَيُنْصِرُ الْوَرْدَ الْخَوْرُودَ • أَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ
مَطْلُومًا وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِرُ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ • حَسْبُكَ رَابِعًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ
مُسْلِمًا لَكُمْ • تَابِعًا لِشَيْئِكُمْ • نُصْرَتِي لَكُمْ مُعْتَدَةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ
الْحَاكِمِينَ • فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدُوُّكُمْ • صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَزْوَاجِكُمْ
وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَعَائِيكُمْ • السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ • قَدْ
اللَّهُ أُمَّةً قَتَلْتُكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسِنِ

پس سید فرمود کہ اشارہ کن بہ مخرج ان جناب و ہوو السلام علیک۔ الخ

زیارت مورد صریح

و شیخ معتدی بر عبارات سابقه را به منزله این تحول قرار داده که در نزد در، باید خوانده شود پس گفته که داخل شود و بپوشان خود را به قبر و بگو

السلام عليك أيها العبد الصالح المطيع لله ولرسوله ولأمر المؤمنين
والخس والخسين عليهم السلام. الحمد لله وسلام على عباده الذين
اضطقى محبته وآله والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته ومفقوته وعلى
زوجك وبذنبك. أشهد أنك مضيت على ما مضى به السديون
والمجاهدون في سبيل الله المبالغون في جهاد أعدائهم ونصرة أوليائهم
لهجرة الله الفضل الجزاء وأكثر الجراء وأوفر جراء أحد بشر وفي
بينهم واستجاب له دعوته وأطاع وأداء لغيره. أشهد أنك قد بالغت في
النسبة وأعطيت غاية المجهود حتى بعثك الله في الشهداء وجعل
روحك مع أزواج الشهداء وأعطاك من جباهه الفسحة منزلاً وأفضلها
حرفاً ورفع ذكره في عليم. وحشره مع السنين والصديقين والشهداء
والصالحين وحسن أولئك رفيقاً. أشهد أنك لم تكن ولم تكنك. وأنت قد
مضيت على بصيرة من أمرك مقتدياً بالصالحين ومتبعاً للسنيين. فجمع
الله بيننا وبينك وتبين رسوله صلى الله عليه وآله وأوليائه في منازل
المخلصين فإنه فرحهم الراجمين

پس ساز کی دو رکعت و شیخ معتدی گفته که در نزد بالای سر شرح مطهر باشد پس آن

ساز را هدیه جناب مسلم کن پس بگو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَدَعْ لِي قَبْلاً إِلَّا عَقْرَتَهُ وَلَا
 قَفاً إِلَّا فَرْجَتَهُ وَلَا مَرْحُماً إِلَّا شَفِيعَتَهُ وَلَا غَيْباً إِلَّا سِتْرَتَهُ وَلَا شَمَلاً إِلَّا
 جَمْعَتَهُ وَلَا غَايِباً إِلَّا حَبِيبَتَهُ وَلَذِيئَةً^۱ وَلَا غُرْباً إِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا رَوْحاً
 إِلَّا تَسَطَّعْتَهُ وَلَا حَوْفاً إِلَّا أَمْنَتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ خَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ
 فِيهَا بِرَحْمَتِي وَلِي فِيهَا ضَلَاخٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا رَاحِمَ الرَّاحِمِينَ

و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را وداع کن او را به همان نحو و دانی که در زیارت
 حضرت امی الفضل (ع) [صلحه ۱۲۵] مذکور شد.

زیارت دیگر برای جناب مسلم علیه السلام

و این زیارت را نیز سید امی طاووس علیه السلام نقل کرده. گفته همین که به شرح آن جناب رسیدی
 بایست رو به قبله و بگویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ يَتَّقِيهِ وَمُهِجَتِهِ الشَّهِيدَ الْفَقِيدَ الْمَطْلُومَ
 الْمُتَضَوِّبَ خَفَةَ الْمُتَنَتِّهِكَ حُرْمَتَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ فَادَى بِنَفْسِهِ ابْنَ
 عَمِّهِ وَلَدَيْنِ بِنَبِيِّهِ فَقَعَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَوَلَّى الشُّهَدَاءَ وَأَسَامَ السُّعْدَاءِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُسْلِمُ يَا مَنْ أَسْلَمَ نَفْسَهُ وَنَكَرَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ زَمَنَهُ
 وَأَخَذَ جِسْمَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي السَّادَةِ الْأَبْرَارِ وَيَا بَنِي أَحْيِ جَمْعِ الْطَيَّارِ
 وَيَا بَنِي أَخِي عَلِيِّ الْفَارِسِ الْكَرَّارِ الصَّارِبِ بَنِي الْفَقَارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا مَنْ أَرْضَى بِوَعَالِهِ مُحَمَّداً الْمُخْتَارَ وَالْمَلِكَ الْمَجْبَارَ السَّلَامُ

عَلَيْكَ لَقَدْ صَبَرْتَ فِيمَنْ عَقَبَ الْفُلُوحَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَحِيداً غَرِيباً عَزُ
أَهْلِهِ بَيْنَ الْأَعْدَاءِ بِلَا نَاصِرٍ وَلَا مُجِيبٍ أَشْهَدُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ أَنَّكَ جَاهَدْتَ
وَصَابَرْتَ وَخَاصَمْتَ أَعْدَاءَ اللَّهِ عَلَى طَاعَتِهِ وَطَاعَةِ نَبِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَلِيِّهِ
فَمَشَيْتَ شَهِيداً وَتَوَلَّيْتَ حَمِيداً إِنَّا إِلَهُهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ احْشُرْني
مَعَهُ وَنَحْ أَهْلِهِ وَغُلَامَتِهِ وَبَنِيهِمْ وَلَا تُخَوِّمْنِي فِي بَقِيَّةِ عُمْرِي زِيَارَتَهُ.

پس بیوس شرح را و نماز زیارت بها آور و هدیه کن لولای آن را به روح آن جانب پس
وداع کن آن حضرت را و بیرون رو.

ذکر زیارت هانی بن عروه مرادی

پس سید فرموده می ایستی در نزد قبر او و سلام می کنی بر رسول خدا ﷺ و می گوید:

سَلَامُ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَسَلَوَاتُهُ عَلَيْكَ يَا هَانِي بْنَ عُرْوَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْقَبْدُ الصَّالِحُ النَّاصِحُ إِلَهُهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَسْبَرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قُبِلْتَ مَظْلُوماً فَلَمَرَّ اللَّهُ مِنْ قُبْلِكَ وَاسْتَقْبَلَ فَمَكَ
وَحَشَنَ اللَّهُ قُبُورَهُمْ دَاراً أَشْهَدُ أَنَّكَ تَقَبَّلْتَ اللَّهَ وَهُوَ رَاجٍ عَلَيْكَ بِمَا قَبِلْتَ
وَنَصَحْتَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ دَرَجَةَ الشُّهَدَاءِ وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ
الشُّهَدَاءِ بِمَا نَصَحْتَ إِلَهُهُ وَلِرَسُولِهِ مُجْتَهَداً فِي ذَاتِ اللَّهِ وَمُرْصَاتِهِ
فَرَحِمَكَ اللَّهُ وَرَضِيَ عَنْكَ وَحَشَرَكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَجَعَلَنَا
وَأَنَاكُمْ مِنْهُمْ فِي دَارِ النِّعَمِ وَسَلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

پس دو رکعت نماز کن و هدیه کن آن را به روح هانی و دعا کن او برای خود به آنچه
می خواهی و وداع کن او را به آن چه در وداع مسلم ﷺ می کنی.

فرزند تو شهید خواهد شد پس گریه خواهد کرد بر او چشمان مؤمنین و صلوات فرستند بر او ملائکه مقربین، پس حضرت رسول ﷺ گریه کرد تا آنکه اشک نازیش به سینہش جاری گشت، پس گفت: «ای خدا شکایت می‌کنم آنچه را که بر عترت من وارد می‌شود از بعد من» و علامه مجلسی رحمته در تفسیر فرمود: و فضل زیارت آن بزرگوار یعنی مسلم، محتاج به ورود اخبار نیست، و در بعضی از روایات شهدا مندرج است.

ذکر خانہ حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

و بدان که در پشت مسجد کوفه موضعی است که قبۃ کاشی برای اوست و مشهور است به خانہ امیر المؤمنین علیه السلام، و شیخ مرحوم رحمته اسرار باطنی دلالت بر فساد این شهرت و می‌فرمود که تا حال در هیچ کتابی دیده نشده و عالمی نگفته و سندی هر چند بسیار ضعیف باشد برای این مسجد، یعنی نسبت آن مقام را به حضرت امیر علیه السلام ذکر شده، ولیکن علامه مجلسی رحمته در سعه القاموس فرموده: و اما خانہ امیر المؤمنین علیه السلام، اگر چه روایاتی در ساز و زیارت در آن وارد شده است، چوین به شریف سکنای آن حضرت مشرف گردیده است، ساز و دعا در آن فعل عظیم خواهد داشت، و حدیث مطلق در تعظیم مطلق مساکین و مشاهد شریفه ایشان وارد شده است، و میر فرموده که مزدو بعضی از محترمان امیر المؤمنین علیه السلام در حوالی مسجد کوفه معروف است، انشایی و میر در ردیکی حائنه مشهور، بقعه و قبلی است مسوب به میثم تیار که از بزرگان اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است و در سال قبل بعضی از اهل غیر محسنی از برای آن بنا کرد، و غریب به میر جناب میثم در طرف راست راه تجدد بقعای عالی است که ظاهر آن از اولاد حسن متقی است و اسم او ابراهیم است، چنانچه شرح آن را می‌توان از آقا سید مهدی قزوینی در مزار کتاب خود مشاهده التماس ذکر نموده.

فصل چهارم

در بیان فضیلت مسجد سهله و اعمال آن و اعمال مسجد رید و مسجد
در بیان فضیلت مسجد سهله

مندان که بعد از مسجد کبر کوفه مسجدی به فضیلت مسجد سهله در آن عرصه نیست و عالم جلیل قلوب راوردی در قصص الانبیاء از حضرت صادق علیه روایت نموده که فرمود: «چون داخل کوفه شوی برو به مسجد سهله و مبارک کن و حاجت دین و دنیای خود را از خدا بطلب به درستی که مسجد سهله خانه حضرت ادریس علیه است که در آنجا خطای می‌کرده و نماز می‌گذاشته است و هر که در آن مسجد خدا را بخواند به هر حاجتی که خواهد حاجتش بر آورده شود و حق تعالی در روز قیامت به سوی مظلومی بکشد که دوجه حضرت ادریس است او را بالا برد و از مکروهات دنیا و مکر دشمنان ایمان بپاورد»

و در چند حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که: «مسجد سهله خانه حضرت ابراهیم علیه بود که او آنجا به جنگ عتباته رفت و خانه ادریس بود که در آن خطای می‌کرد و در آن سنگ سبزی هست که در آن صورت هر پیمبری هست و او بر آن سنگ طیلت هر پیمبری را برداشته اند و محل ورود حضرت خضر علیه و مسکن آن حضرت است پس فرمود که: «اگر عمو می‌رود آنجا که در هنگامی که خروج کرد به آن مسجد می‌رفت و نماز می‌کرد و از خدا ایمان می‌خواست بیست سال ایمان می‌یافت و هیچ غمناک به آن مسجد نمی‌رود که نماز کند - میان نماز شام و غنمی - و دعا کند مگر حق تعالی بخشش را زایل می‌گرداند»

راوی در بعضی احادیث برسد که این پیمبران در کجا سکنی می‌کرده اند؟ فرمود که: «در گوشه های آن مسجد» و شیخ محسن بن الشهدی علیه در مؤثر کبیر به روایت معتبر از ابی بصیر روایت کرده که گفت: فرمود به من حضرت صادق علیه که: «ای محسن! گویا من می‌بینم حضرت صاحب الامر علیه در مسجد سهله فرود آید یا اهل و عیالش و مرل آن حضرت باشد و حق تعالی هیچ پیمبری نفرستاده است مگر آنکه در آن مسجد ساز کرده است و هر که در آن مسجد اقامت نماید چنان است که در غیمه رسول خدا علیه اقامت کرده است و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر آنکه دلش مایل است به سوی آن مسجد و در آن مسجد سنگی است که در آن صورت هر پیمبری هست و هیچ کسی یا تبت صادق ساز و دعا نمی‌کند در آن مسجد مگر آنکه بر می‌گردد»

حاجت بر آمده شده، و هیچ کس در آن مسجد امان نمی طلبد مگر آن که امان می یابد از هر چه که می ترسد. گفتیم: فضیلت این است، که از برای این مسجد است؟ حضرت فرمود: در یاد تو بگویم در برایت. عرض کردم: بلی. فرمود که: «آن از جمله پندهای است که خدا دوست می دارد که او را در آن ها بخوانند، و هیچ شبه و دوری نیست مگر آن که ملائکه می آیند به زیارت آن مسجد و عبادت می کنند خدا را در آن. پس فرمود که: تا اگر من نزدیک می بودم به شما همه نماز را در آن مسجد می کردم. پس فرمود که: ای ای مسجد آنچه وصف نکردم از فضیلت بین مسجد بیشتر از آن است که گفتیم. من عرض کردم: فضیلت شوق حضرت قائم علیه السلام در آن مسجد حواله داد فرمود: «بلی» الخ.

و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که فرمود: «هر که دو رکعت نماز کند در مسجد سهله، حق تعالی بر عمرش بیفزاید دو ساله، و بالجمله احادیث در فضایل این مسجد بسیار است و این مختصر گنجایش ذکر آن ها را ندارد، به همین جزئی شفاعت می کنیم.

اعمال مسجد سهله

و اما اعمال مسجد سهله، پس دو رکعت نماز میان شام و غفلت سنت است، چنانچه شیخ طوسی علیه السلام در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و فرمودند که: «هر که چس کند و دعا کند حق تعالی بخشش را زایل کند. و سید ابن طاووس فرموده که: چون اراده کردی که به مسجد سهله روی، پس تا بین مغرب و عشا در شب چهارشنبه وارد آن مسجد شو که فصل اوقات دیگر است، پس همان گاه که وارد شدی نماز مغرب و نافله را بجای آور. پس بر غیر دو رکعت نماز تعیت مسجد کی فریة الی الله، و چون فارغ شدی دستها را به سمت آسمان بلند کن و بگو:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُبْدِيُ الْخَلْقِ وَمُعِثُّهُمْ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْخَلْقِ وَرَازِقُهُمْ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَهَابُضُ الْهَاسِطَةِ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. وَأَنْتَ وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا. أَشْأَلُكَ بِأَسْمِكَ الْفَخْرُورِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ السِّرِّ وَالْخَفِيِّ. أَشْأَلُكَ بِأَسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ

أَجِبْتُ وَإِذَا سُئِلْتُ بِهِ أَعْطَيْتُ. وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَبِحَقِّ

الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تُقْضِيَ

لِي حَاجَتِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ. يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا سَيِّدَهُ يَا غَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ

أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ لَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ لِي عِلْمُ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَلَنْ تُجَبَّلَ قَرْجَتَا السَّاعَةِ السَّاعَةَ

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ

پس به سجده برو و خضوع کن و بگویند خدا را به جهت هر چه که می خواهی.

مولف گوید که: شیخ شهید این دعا را مرسله و شیخ محمد بن الشهدی به سند معتبر از

حضرت صادق علیه روایت کرده اند که به جهت خلاصی ربی از شیعه که امن به ظالمین حضرت

فاطمه علیه سوره بود و اعراب خلای جور او را زده و حبس کرده بودند آن حضرت به اشعار

مکاری به مسجد رفتند و این دعا را بعد از نماز خواندند و حق تعالی آن زن را از زندان رها می

داد و چون حدیث طولانی بود، ذکر نمودم.

و نیز محمد بن الشهدی و شهید و صاحب مزار قدیم روایت کرده اند از ابن بابویه و او از محمد

بن یعقوب که گفته حدیث کرد مرا علی بن ابراهیم از پدرش که گفت: من قصد کردم حج بیت الله

الحرام را. پس وارد کوفه شدم و داخل شدم در مسجد سهل، پس دیدم شخصی را که مشغول

رکوع و سجود بود، پس چون فارغ شد خواند: أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. تا آخر دعا که

مذکور شد، آن گاه برخاست و وقت به گوشت مسجد، پس ایستاد و دو رکعت نماز کرد و ما با او

بودیم، و چون از نماز فارغ شد، تسبیح حضرت و هراکله گفت: و این دعا خواند:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْبَيْعَةِ الشَّرِيفَةِ وَبِحَقِّ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهَا. قَدْ غَلَبْتُ

خَوَائِجِي. فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِهِمَا. وَقَدْ أَخَصَّيْتُ ذُنُوبِي فَصَلِّ

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْهَا لِي. اللَّهُمَّ أَخْبِنِي مَا كَانَتْ الْحَيَاءُ حَبِيراً

لِي. وَأَمْتِنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاءُ حَبِيراً لِي عَلَيَّ مُوَالَاةِ أَوْلِيَايَكَ وَمُعَادَاةِ

أَعْدَانِكَ. وَاقْضَ بِي مَا أَنْتَ أَغْلَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس برخاست، پرسیدیم از او که این چه موضع است؟ گفت: طین موضع خانه ابراهیم خلیل
است، که در این جا به جنگ عملاقه رفته، پس وقت به آن گوشه مسجد که در جانب مقرب است
و در رکعت نماز کرد، و به روایت مزار قدم چون سلام داد تسبیح قرستاق پس دست‌ها را
برداشت و گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِعَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ نَائِكَ وَرَجَاءَ
رَفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ
قَبُولٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي بِرَحْمَتِكَ^(۱) اللَّهُمَّ وَأَقْبَلْ مِنِّي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

پس برخاست و رفت به گوشه‌ای که در جانب مقرر است و دو رکعت نماز کرد و دست‌ها را
گشود و گفت:

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ وَالْخَطَايَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ فَلَمْ تَرْفَعْ لِي
إِلَيْكَ صَوْتًا وَلَمْ تَنْتَجِبْ لِي مَعُونَةً فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ يَا اللَّهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ
بِمِثْلِكَ أَحَدٌ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ لَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تُقْبَلَ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَتُقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي حِينَ
أَدْعُوكَ وَلَا تُخْزِنِي حِينَ أَرْجُوكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس به سجده رفت و جلوه‌های روی خود را به خاک گشاست و برخاست و بیرون آمد،
پرسیدیم که بی مکان به چه نامیده می‌شود؟ گفت: «این مقام صالحین و انبیاء و مرسلین است»
پس صاحب مزار قدم گفته که آن شخصی رفت به خانه‌ای که در صحن^(۲) مسجد است، پس در

۱. نهاده بخالد مزار قدم.

۲. بدان که این مکان سرفرازی یعنی خانه‌ای که در صحن مسجد است. افعال معروف است به مقام اصنام و پس
العیاذ به الله و سوره بن طاروس و علامه مجلسی^(۳) گفته که در این جا دو رکعت نماز گذارد و بگوید «یا خیر من الخیرین
إِلَیَّ مِنْ عِنْدِ الرَّزَقِ یا مُغْنَاً لِمَا یُرَدُّ یا قُدُّوسَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَی جَنِّ مَعْنُوقٍ وَآلَمِ غَسَقٍ وَتَمَلَّ لَیْساً لَکِنْ مِنْ یُؤْتِ بِهَا
بِخَزَائِكَ وَتُؤْتِ لَکَ یا کَافِیَّ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَلَا یُخْزِیْ بِشَیْءٍ لَکَ اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِ الدُّنْیَا وَآلِ الْآخِرَةِ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ» پس روی خود
را بر خاک به و دعا کند (ص ۱۱۸)

رکعت نماز کرد و دستها را گشود و گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ وَلَا تُحِيطُ بِهِ الظُّنُونُ وَلَا يَصِفُهُ الْوَصِفُونَ وَلَا تُغَيِّرُهُ الْخَوَابِثُ وَلَا يُقَيِّمُهُ الدُّهُورُ يَنْفَعُ مَسَاقِلَ الْجِبَالِ وَمَسَكَايِلَ الْبَحَارِ وَوَزَقَ الْأَشْجَارَ وَزَمَلَ الْغِيَارَ وَمَا أَضَاءَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَأَظْلَمَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَوَضَحَ عَلَيْهِ النَّهَارُ لَا تُؤَارِي مِنْهُ سَمَاءُ سَمَاءٍ وَلَا أَرْضُ أَرْضَاءٍ وَلَا جَبَلٌ مَا فِي أَصْلِهِ وَلَا بَحْرٌ مَا فِي قَعْرِهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُجْعَلَ خَيْرَ أَهْلِ أَجْرَةٍ وَخَيْرَ أَعْمَالِي خَوَاتِمِهَا وَخَيْرَ أَهْلَامِي يَوْمَ الْقَالَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَبِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكَيْدْهُ وَمَنْ بَغَانِي بِهَلَكَةٍ فَأَهْلِكْهُ وَأَخْجَنِي مَا أَهْمَنِي بِمَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هُمَةً اللَّهُمَّ أَدْجِلْنِي فِي وَزْعِكَ الْخُسَيْلَةِ وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ الْوَالِي يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ أَكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَصَلِّ قَوْلِي وَفِعَالِي يَا شَفِيقُ يَا رَافِقُ فَرِّجْ عَنِّي التَّضَيِّقَ وَلَا تُخْشِنِي مَا لَا أُطِيقُ

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ أَنْتَ عَلِيمٌ بِحَاجَتِي وَعَلَى قَضَائِهَا قَدِيرٌ وَهِيَ لَدَيْكَ يَسِيرٌ وَأَنَا إِلَيْهَا قَعِيرٌ فَمَنْ عَلَيَّ بِهَا يَا كَرِيمُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتُ خَوَاتِمِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِمَا وَقَدْ اخْصَيْتَ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِمَا يَا كَرِيمُ

پس به خاکه گشافت دو طرف روی خود را پس شیخ شهید و صاحب مزار کبیر و صاحب

مركز قدیم گفته اند كه آن شخص از مسجد سهله بیرون آمد و رفت به مسجد كوچكى كه در پیش روی^۱ مسجد سهله است پس به آنرا می و وفار دو ركعت سطر كرد و دستها را گشود و این دعا را خواند،

إلهي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِئُ الْمُنْذِرُ يَذِيوْ يُحْسِنُ ظَنَّهُ بِكَ إلهي قَدْ جَلَسَ الْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقِرّاً لَكَ بِسُوءِ عَقْلِهِ وَرَاجِئاً بِمَنْكَ الصَّلَاحَ عَنْ زَلَالِهِ إلهي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَلِمَةً رَاجِئاً لِمَا لَدَيْكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ إلهي قَدْ جِئْتُ الْعَائِدُ إِلَى الْعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِفاً مِنْ يَوْمٍ تُجَنُّو فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ إلهي قَدْ جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَاً مُسْتَوْفِئاً وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرَفَهُ خِيراً رَاجِئاً وَفَاضَتْ غَبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً نَادِئاً وَبِزْنِكَ وَجَلَالِكَ مَا أَتَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ وَمَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتَكَ وَأَنَا بِكَ جَاهِلٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لِنَظَرِكَ مُسْتَعِجِلٌ وَلَكِنْ سَأَلْتُ لِي نَفْسِي وَأَعَانَتِي^۲ عَلَى ذَلِكَ شِقْوَتِي وَعِزِّي سَتَرْتُكَ الْمُرْخَنَ عَلَيَّ قَبْلَ الْآنَ مِنْ غَذَابِكَ مَنْ يَسْتَعِزُّنِي؟ وَيَجْعَلِي عَنْ اِعْتِمَائِي إِنْ قَطَعْتَ عَيْنَكَ عَنِّي؟ يَا سَوَاتِنَا^۳ عُدَا بَيْنَ الْوُفُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذَا قِيلَ لِلْمُتَجَنِّبِينَ جُودُوا وَلِلْمُسْتَقْبِلِينَ حُطُّوْا افْتَحِ الصُّجُومَ أَجْوَرُ أَمْ مَعَ الْمُتَقَبِّلِينَ اخْطُؤْ؟ وَفِي كُلِّمَا كَثُرَ رِسِّي كَثُرَتْ ذُنُوبِي وَفِي كُلِّمَا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي فَكَمْ أَتُوبُ وَلَمْ أَعُدْ؟ أَمَا أَنِّي لِي أَنْ أَسْتَخِيَجَ مِنْ رَبِّي؟ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَخَيْرَ الْعَالَمِينَ

۱ مراد از پیش روی، سمت قبله است. چنانچه مشاهد است مسجد رید در پشت دیوار قبلی سهله واقع است به آنکه مراد مقابل در مسجد باشد چنانچه شاید ترمذی شود و مسجد محصنه را که مقابل در است مسجد رید بشارد (منه رحمه الله).

۲ و اعانتی خ و

۳ یا سواتین خ و

پس گریه و پهلوی داشت روی خود را بر زمین گذاشت و گفت: **يَا زُحْمُ عَنْ أَسَافٍ وَافْتَرَفٍ وَاسْتِكَانٍ وَافْتَرَفَةٍ** پس پهلوی چپ روی خود را بر زمین گذاشت و گفت: **عَظُمَ الذُّمُّ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَهْنَسِ الْغَفْوُ مِنْ عَبْدِكَ يَا كَرِيمُ** پس برخاست و بیرون رفت. از عجب او روانه شدم و از او پرسیدم که ای آقای من چه نام فلرد این مسجد؟ فرمود: «این مسجد رید می خواند» که از صحابه امیر المؤمنین علیه السلام بوده است و این دهایی دوست، که در کنار شب می خواندند. پس آن شخص از نظر ما غایب شد و بقیه به من گفت که این خطره علیه السلام بود.

مؤلف گوید: که سخن رفیق از روی مجلس بوده و احتمال قوی می رود که شخص غایب، امام غایب حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده چنانچه نظر آن بیاید در محل مسجد محصه، برادر زید مذکور

در احوال مسجد محصه

و اما محل مسجد محصه پس چنان است که علمای سابق الذکر روایت کرده اند از علی بن محمد بن عبد الرحمن شوقری، و در مزار قدیم روایت را از محمّد پدر علی نقل کرده که گفت: گذشتم به طایفه پس روایی یکی از ایشان گفت که: «یا برویم به مسجد محصه و در آنجا نماز کنیم، که این ماه رجب است و سِت است هر این ماه زیارت این مواضع شریفه، که اسمای ما قدمهای مبارکش به آنجا رسیده است و در آنجا نماز کردادت و مسجد محصه از آنجا است. پس با او رفیق به سوی آن مسجد دیدیم ناگهانی را که جلوی در مسجد بسته و عقاب کرده بودند. یعنی دست او را بسته بودند چون داخل مسجد شدیم، دیدیم مردی نشسته و جامه های عیالی پوشیده است، و عسله ای مثل عصای آنجا بر سر فلرد و این دعا را می خواند که من و رفیق او را حفظ کردیم و در مزار قدیم است، که این دعا را خواند بعد از آن که دو رکعت نماز کرد، و مسح فرستاد:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْعِزِّ السَّابِقَةِ وَالْإِلَهِ الْوَارِعَةِ وَالرَّحْمَةَ الْوَاسِعَةَ وَالْقُدْرَةَ

۱ و صاحب مزار قدیم گفته که این دعا را در سجده خواند و چون روی داشت را بر زمین گذاشت و گفت: **عَانَ كَثُّهُ** پس **الْعَبْدُ فَانْتَ بَعْمُ الزُّمِّ** پس روی چپ را گذاشت و گفت: **عَظُمَ** الخ و در روایت سید این طوری است که بعد از حمد و سوره را به سجده گذار و صد مرتبه **الغفور** بگوید و صد **الله**

الجمالية. والنعم الجسمية. والمواهب العظيمة. والآيات الجميلة.
 والعطايا العزيلة. يا من لا ينعث بثغليل ولا يحثل بسطير ولا يطلب
 بظهير. يا من خلق قزق. وألهم فائق. وأبدع قشرع. وعلا فارفع. وقتل
 فأحسن. وضور فأقر. واختج فأبلغ. وألهم فاشبع. وأعطى فأجرل. وصنع
 فأفضل. يا من سما في البحر قذات حوايل الأنصار. ودنا في الطلب لجاز
 هواجر الأفكار. يا من توحد بالملك فلا يد له في ملكوت سلطانيه.
 وقدره بالآلاء والكبرياء فلا جد له في جنوت شأيه. يا من حازت في
 كبرياءه غيبته^(١) فالتقى لطالب الأوهام. وانحسرت فون إثاره عظمتيه
 خطائب أنصار الآمام. يا من عتب الوجوه ليهيبته. وحضبت الرقاب
 لفظمته. ووجلت القلوب من جففته. أسألك بهذه الودحة التي لا تنبني
 إلا لك. وبما زانت به على قلبك لإدعائك من المؤمنين. وبما ضمنت
 الإجابة فيه على قلبك للثامين. يا أسمع السامعين. وأبصر الناظرين. وأسرع
 المحاسبين. يا ذا القوة المتين صل على محمد وآل محمد خاتم النبيين
 وعلى أهل بيته الطاهرين. وأقسم لي^(٢) في شهرنا هذا خير ما قسمت.
 وأحتم لي في قضائك خير ما حتمت. وأحتم لي بالسعادة لمصر حتمت.
 وأخيني ما أخيتني مؤموراً. وأمتني مشروراً. ومظفوراً. وتوكل أنت نجاني
 من مسائلة البرزخ. وانذراً عني منكراً. ومكبراً. وأبر عيني مبشراً
 وبشيراً. وأجعل لي إلى رضوانك وجنانك معبراً. وعيشاً قريراً. وملكاً
 كبيراً. وصل على محمد وآله كثيراً

پس سجده طوافی کرد و برخاست و بر نافه سوار شد و رفت و رقیع گفت که این حضرت
 خضر علیه السلام بود، چو یا او سخن نگفتم، گویا زبان ما را بسته بودند چون بیرون میدیم این ای
 روایت^۱ روایتی به ما می‌رسد که از کجا می‌آید؟ گفتیم که از مسجد صحیح و خبر را
 برای او نقل کردیم، گفت: این سوار هر دو روز یا سه روز یک مرتبه به این مسجد می‌آید و با کسی
 سخن نمی‌گوید، پرسیدیم: کیست؟ گفت: شما چه گمان می‌کنید؟ او را گفتیم: گمان می‌کنیم که او
 حضرت خضر علیه السلام باشد، گفت: و الله سی‌ششم او را، مگر کسی که خضر علیه السلام می‌محتاج است به
 دیدن او برگردد به استقامت و هدایت، پس رفیق من به من گفت که: او و الله صاحب الزمان علیه السلام
 است.

مؤلف گوید که: احتمال نمی‌دهم که کلام این ای روایت از روی حدیث و از پیش سلسی
 بوده بلکه از برای او نظیر این واقعه اتفاق افتاده بود و او گمان کرده که آن، جناب خضر است،
 پس آن حضرت همین کلام را به او فرموده و این ای روایت همان کلام عریض را به عینه به آن
 شخص شوشتری و رفیقش گفت و بخوانست به جهت طرحی نقشه خود را برای آن‌ها نقل کند، و
 مؤلف این احتمال است روایت سید ابن طاووس رحمه الله در کتاب القیامه چنانچه در احوال ماه رجب در
 همین این ای روایت نقل کرده که او در دوری از روزهای ماه مبارک رجب، با محمد بن جعفر دقان
 به مسجد سنده رفت، پس محمد بن جعفر گفت که یا بروم به مسجد صحیح که آن مسجد
 مبارکی است، و امیر المؤمنین علیه السلام در آن نماز کرده است و نعمتهای امانان به آن رسیده است، چون
 داخل مسجد شدیم و مشغول نماز شدیم ناگاه مردی را دیدیم که از نافه خود فرو آمد و پای نافه
 را بست و داخل مسجد شد، و در رکعت سار کرد و بسیار طول داد ساز را، پس دستها را بلند کرد
 و آن دعا که در روایت سابق مذکور شد خواند و چون فارغ شد بر نافه سوار شد، محمد بن
 جعفر گفت که: یا برسم که این کیست؟ رقیع و او را به خطا قسم دادیم که کیس؟ فرمود: «به
 گمان شما من کیستم؟ گفتیم: ما گمان داریم که شما حضرت خضر علیه السلام باشید، فرمود که: پس آن
 کس را که خضر می‌محتاج است به دیدن او برگردد که من امام زمان شمام.

۱ در مزار گنبد این ای روایت و در مجمع و بحال این ای مؤلف

و بدانکه در کوفه مسجدهای بسیار بوده که بعضی مبارک و بعضی مطهر بوده و عمداً - رضوان الله عليهم - در برای مسجد غنی و مسجد نجفی و مسجد کاهل که از مساجد مبارکه هستند احوال و ادعیه روایت کرده اند و چون موضع آنها در این زمان معلوم نیست ما در ذکر آن اعراض نمودیم.

مقام چهارم

در ذکر مجلسی از تکالیف زوکر در بلد نجف اشرف

و در آن سه امر است

امر اوّل رفتن به مسجد حنانه و بجا آوردن اعمال آن است

بدان آید که الله تعالی که نزدیک ارض مقدس نجف از طرف شرق به فاصله سه هزار ذراع، تقریباً مکانی است که در آن در قدیم بنایی داشته گویا شبیه به میل که آن را قائم و قائم می نامیدند وجه تسمیه آن به این اسم معلوم نیست و محتمل است که نشانه فرسخ بوده چه از آنجا تا شهر کوفه همین مقدار مسافت دارد و چون چنانچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در شب حرکت دادند که در جهت پانزده نجف می رفتند و چون به آن بنا افتاد آن میل به جهت تنظیم و احترام حضرت، چون دگر گشته گاه منحنی و کج شد پس آن را حنانه نامیدند و گاهی «قائم» می گویند و این یک جهت شرافت این محل است و جهت دیگر آن که چون سر مبارک حضرت امام حسین علیه السلام را از کربلا به کوفه می بردند شب در این موضع گذاشتند و از این جهت مبارک و دعا و زیارت در آنجا مقرر شد و عاقبت زوکر از بعضی این محل محروم به جهت نادانی و تنبیه نکردن فلانیان ایشان را و به جهت قلت ترقه و ندانستن بزرگی و مقام آن، این محل شریف بهجور و متروک و خراب ماند و حال آنکه منزل لؤلئیس مبارک حضرت امیر عبد الله العباسی علیه السلام است بلکه بنا بر احتمالی که بعضی عطا داده اند مدفن آن، یعنی مدفن بعضی از اجزای شریفه سر اسبه که جرأت بر دگر آن نیست.

و شیخ محمد بن المشهدی در مزار کبیر گفته: فقد جاء فی الآثار أنّ رأس العباس علیه السلام هناك در خبر آمده که سر مبارک امام حسین علیه السلام آنجا است و علامه مجلسی علیه السلام در بطحان احتمال داده که اصل سینه و ضلع هناك بوده یعنی سر مقدس در آنجا گذاشته شد و بالجمله مسجدی با این

شرافت اگر در بلاد پیاده بود دوستان و مولیان که از شوق و محبت هر ساله آفاق و اوف در راه آن حضرت صرف می کنند، به قدر مقدور در تعظیم و تجلیل آن می کوشند و در بنا و عمارت و رست آن، و عبادت و اعمال در آن، مجهود [و تلاش] خود را صرف می سودند و می گذارند که با این حال بیاند که غلای نه مطلق روزگار نه مورد صرف و جود بزیه و نه بعد طالبین غیر است. هنوز بسیاری در قرب همین مسجد شریعه با بناهای عالی و قباب و قیعه و مسجود سلسله است، و این مسجد چندی خراب و ویران و بی خادم و گویا روشنایی و چراغ را تا کنون در شب به خود نداده، تا روز جزا در نزد مالک يوم الدين چه شکایت ها کند و از صدر جلال حضرت چهار منظم، چه حکم در آید.

اعمال مسجد حنانه

اما آداب وارده برای این مسجد شریف، پس چند چیز است:

اول، دو رکعت سار، شیخ مفید و سید و شهید در کتب مزبور خود روایت کرده اند از بعضی بن عمر که گفت: گفتند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به قائم مایل در راه طریق - یعنی آن علم که کج شده بود به جهت جنایت حضرت اسیر علی - پس دو رکعت سار کرد، پس به آن حضرت عرض کردند: این چه سازی است؟ فرمود: این موضع سر جدم حسین بن علی علیه السلام است که چون او می آید آوردند، آن را در این جا گذاشته اند، آن گاه آن را به نزد عید الله می رها کردند.

دوم، خواندن این دعا است چنانچه خطای مذکور از صفوان چشتال روایت کردند که حضرت صادق علیه السلام به او فرمود: «چون به علم - یعنی حنانه - رسیدی بگو:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَرِئُ مَكَانِي وَتَسْمَعُ كَلَامِي وَلَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي وَكَيفَ يَخْفَى عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مُكُونُهُ وَبَارِئُهُ وَقَدْ جِئْتُكَ مُتَشَفِّعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرُّحْمَةِ وَتَوْشِلاً بِوَحْيِي زَعُولُكَ فَاسْأَلْكَ بِمَا تُبَاتِ الْقَدَمُ وَالْهَدَى وَالْمَغْفِرَةُ فِي الشُّبْهِ وَالْأَجْرَةُ.

ریارت سید الشهداء در مسجد خاتمه

سوم: علامه مجلسی فرموده که شیخ محمد بن الشهدی روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام در مسجد خاتمه، حضرت امام حسن علیه السلام را چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز گذارد و زیارت این است:

السلام عليك يا ابن رسول الله. السلام عليك يا ابن أمير المؤمنين.
السلام عليك يا ابن الصديقة الطاهرة سيدة نساء العالمين. السلام عليك
يا مولاي يا أبا عبد الله وزخنة الله ويزكاته. أشهد أنك قد أملت الصلاة
وأنهت الركاة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وتلوت الكتاب حتى
تلاوته وجاهدت في الله حتى جهاده وصبرت على الأذى في جنبه
مختصياً حتى تمكك اليقين. وأشهد أن الدين خالفوك وحاربوك وأن الدين
خلفوك والدين قتلوك ملعونون على إسان النبي الأمي. ولقد خاب من
الفتن. لمن الله الظالمين لكم من الأولين والآخرين. وسأغف عنهم
الغداً الأليم. أئنتك يا مولاي يا ابن رسول الله زائراً عارفاً بحقوقك.
مواثياً لأوليائك. معادياً لأعدائك. مستبهماً بالهدى الذي أنت عليه.
عارفاً بضلالتهم من خالفك فأشفع لي عند ربك.

پس فرموده که اگر همین زیارت را در بالای سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام برای سر مبارک
امام حسن علیه السلام نیز بخواند مناسب است.

در زیارت جناب کبیر و رشید و أحنف

مؤلف گوید که نزدیک مسجد خاتمه از طرف شرق، تل کوچکی است که آن را توبه
می گویند، و شیخ مرحوم علامه نوری علیه السلام فرموده که توبه در قدم محلّ سروی بود و
آن داشت و در آنجا جمعی از بزرگان اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مدفون اند که یکی از

آن‌ها کعبه است که قبرش ظاهر است و از مابقی اثری نیست و فرموده که گمانم زشتید فحری - که جلالت قدوس از کعبه خیلی بالاتر است - در آن‌جا می‌باشد و احدی بن قبرس معروف که در حرم به او مثل رفت، هر در آن‌جا است، بلکه چهار عید زیارت پدر عید الله و مخیره نیز در آن‌جا است. حقیق گوید که مراد از مغربه مغربه بن شمه است چنانچه این اثر در لغت و تفسیر معتبرین شده و گفته که در همان موضع قبر ابي موسی اشعری نیز واقع است، انتهى.

پس زائر چون به آن‌جا رسید

اولاً دو رکعت نماز کند چنانچه صفوان از حضرت امام جعفر صادق علیه روایت کرده که به او فرموده چنین کند.

و ثانیاً این دعا را بخواند که در همان روایت مذکور است

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا احْتَسَنِي بِهِ مِنْ طَيِّبِ الْمَوْلِدِ وَاسْتَخْلَفَنِي اِكْرَاماً بِهِ
وَنُحُولاً الْاَنْبِيَاءِ السُّفَرَةِ الْاَظْهَارِ وَالْخَيْرَةِ الْاَعْلَامِ . اَللّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنِّي بِذَلِكَ
وَتَضَرَّعِي بِمَنْ يَذِيكَ وَاعُوْزُ لِي الذُّنُوبِ الَّتِي لَا تَحُطُّ عَلَيْكَ بِكُلِّ الْمَلِكِ
الْقَطَرِ

و ثالثاً زیارت کند جناب کعبه را و سلام کند بر او و بر همه اصحاب حضرت که در آن‌جا مدفونند و آنچه تواند بخواند از سوره و آیات قرآنی که مقرر است خواندن آن برای اهل قبور مثل سوره «یس» و «احد» و یازده مرتبه «توحید» و هفت مرتبه «بِأَنَّا اَنْزَلْنَاهُ» و «آیة الکرسی» و همه را به آن شریک کند و از فیض همه بهره‌مند شود و به توشل ارواح مطهره ایشان، مغرب خود به مولای ایشان، و مولای هر مؤمن و مؤمنه شریک المؤمنین

و رابعاً: مناسب است که از آن چهار نظام عید زیاده یاد کند و از آنچه به شیعیان خاص آن حضرت کرد از انواع ظلم و اذیت و قتل و دگرگشتن و میل آهن گداخته در چشمان کشیدن، بلکه سب او ناسرا گفتن به «کریم حضرت و جمع کردن مردم در مسجد برای این عمل مکرر» که در همان دور به قصد خود بر سینه به طاعون یا به فلج مبتلا و دنیا را از لوث وجود خود پاک نمود، و غیر این‌ها به خاطر آورد، و تا تواند دهان را از لعن او و لعن امتثال او از جهل و پناک و پاکیزه و خوشبو و مطهر کند.

ذکر مقدم صاحب الزمان عجل الله فرجه در آخر وادی

بدان که در غریب قبرستان وادی التّلام مکانی است معروف به مقام حضرت مهدی علیه السلام و در
برای دوست صحن محترّم و فقه و معرّی، و صلحا و بزرگان احترام آن موضع را نگاه دارند و در
ساز و دعا و توشلاّب به آن حضرت در آنجا مواظبت دارند و مسیّی از برای آن دیده شده، و
شاید که کسی به لقای آن حضرت در آن مکان شریف قائل شده یا مسخرهای از آن حضرت در
آنجا ظاهر شده باشد، یا آنکه آنجا محلّ سرّ آن حضرت باشد که در اخبار اشاره به آن شده
و حقیر چند سال قبل درهم مکتوبی به خطّ سید محمّد سعید الحنفی، خطیب جف که کرامتی بر آن
مقام شریف دیده بودند، در آن درج کرده بود و برای شیخ مرحوم فرستاده بود و آن مرحوم به
حینه آن را در رساله کشف الکلیّات ایراد فرموده، پس از آن گفته که این مقام در قدیم نیز موجود
بوده و یکی از علمای قرن یازدهم در جامع کبیر خود ذکر نموده گفته مرد گاشانی را که مرخص و
مأیوس از خود شده بوده به آن موضع رفته حق تعالی او را شفا پندید، و از آن گفته معلوم
می‌شود که در آن زمان نیز این مکان معروف و ظاهر بوده و الله العالم.

امر دوّم: از تکالیف زوّار در نجف اشرف

خواندن دعای شریف مخصوصی است در عقب نماز زیارت و سایر نمازها از واجب و
مستحب، مادی که در آن بلد شریف افتاده دلوّ چنانچه علما فرموده‌اند و ما دعا را از کتاب
تهذیب نقل کنیم. پس از آن تصریح علما را بر این مطلب ذکر می‌نمایم. شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب
روایت کرده از شیخ قمین محمّد بن احمد بن علود صاحب مژگین که معروف بوده و او به سند
خود روایت کرده از یونس بن ظبیان که گفت: رفتم به خدمت حضرت صادق علیه السلام در وقتی که در
حره تشریف داشتند، پس مرا یا خود برد به مکانی و در آنجا ایستاد و دستها را بلند کرد و
دعایی آهسته خواند که من نفهمیدم، پس دو رکعت نماز کرد به چهار [و آشکاری] و سوره‌ای
کوچک خواند در آن ساز و من نیز چنان کردم، پس دعایی خواند که من نفهمیدم و تسلیم می‌نمودم
پس فرمود که: «ای یونس! یا می‌دانی این چه مکانی است؟» آه گفتم: غای تو شوم نمی‌دانم. همین
قدر می‌دانم که در صحرایم فرمود که: «این غیر امیر المؤمنین علیه السلام است و با رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات

می‌ساید تا روز قیامت» پس آن حضرت از رسول خدا ﷺ جداست هر چند قبرها بعد از آن هم دور است و دعا این است:

اللَّهُمَّ لَا بُدَّ مِنَّا مِنْ أَمْرِكَ وَلَا بُدَّ مِنَّا مِنْ قُدْرِكَ وَلَا بُدَّ مِنَّا مِنْ قَضَائِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ لَمَّا قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَضَاءٍ وَقَدَّرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدَرٍ فَأَعْطَيْتَنَا مَعَهُ صَبْرًا يَهْدِيهِ وَيَهْدِيهِ وَأَجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ يَنْمِي فِي حَسَنَاتِنَا وَتَفْضِيلِنَا وَسُودَّتِنَا وَمَجْدِنَا وَتَعْمِيدِنَا وَكَرَامَتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا تُنْقِصْ مِنَّا حَسَنَاتِنَا اللَّهُمَّ وَمَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاٍ أَوْ فَضْلَةٍ أَوْ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ فَأَعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا يَهْدِيهِ وَيَهْدِيهِ وَأَجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ وَحَسَنَاتِنَا وَسُودَّتِنَا وَكَرَامَتِنَا وَتَعْمِيدِنَا وَكَرَامَتِكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا تُجْعَلْهُ لَنَا أَثَرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا بَشَّةً وَلَا مَقْتًا وَلَا غَدَابًا وَلَا جُزْيًا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ عَشْرَاتٍ: الْإِسَانِ وَسُوءِ الْعِقَامِ وَجَفَةِ الْمَوَازِينِ. اللَّهُمَّ لَمَّا حَسَنَاتِنَا فِي الْأَعْمَالِ وَلَا تُرِنَا أَعْمَالَنَا عَلَيْنَا خُسْرًا وَلَا تُحْطِرْنَا بِعَدْلِ قَضَائِكَ وَلَا تُفْضَحْنَا بِسَيِّئَاتِنَا يَوْمَ تَقَالُكُ وَأَجْعَلْ قُلُوبَنَا تَذْكُرُكَ وَلَا تُنْسَاكَ وَتَحْسَاكَ كَأَنَّهَا تَرَاكَ حَتَّى تَقَالُكَ وَتَبْدُلْ سَيِّئَاتِنَا حَسَنَاتٍ وَأَجْعَلْ حَسَنَاتِنَا قَرَجَاتٍ وَأَجْعَلْ قَرَجَاتِنَا غُرَفَاتٍ وَأَجْعَلْ غُرَفَاتِنَا عَالِيَاتٍ. اللَّهُمَّ وَأَوْسِعْ لِفَقِيرِنَا مِنْ سَعَتِكَ مَا فَضَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ عَلَيْنَا بِالْهُدَى مَا أَبْقَيْتَنَا وَالْكَرَامَةَ مَا أَحْيَيْتَنَا وَالْكَرَامَةَ

إِذَا تَوَلَّيْتُمْ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ الدِّينَ وَفِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
عَلَىٰ مَا خَلَقْتُمْ وَأَتَىٰكُمُ الْبَيِّنَاتُ عَلَىٰ مَا مَآءُكُمْ وَأَنْتُمْ لَهَا كَاذِبُونَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَٰؤُلَاءِ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْلَهُمْ وَلَا تُخْلَوا بِهِمْ وَلَا يَكُونُوا حُجَّتَ لَكُمْ وَلَا يَكُونُوا لَكُمْ حُجَّةً
لَّيْسَ بِكُمُ الْحُجَّةُ الْآخِرَةُ لَئِيْلَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَٰؤُلَاءِ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْلَهُمْ وَلَا تُخْلَوا بِهِمْ وَلَا يَكُونُوا حُجَّتَ لَكُمْ وَلَا يَكُونُوا لَكُمْ حُجَّةً
لَّيْسَ بِكُمُ الْحُجَّةُ الْآخِرَةُ لَئِيْلَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

ذکر دعا بعد از هر نماز در نجف

و سید عبد الحکیم بن طاووس رحمۃ اللہ علیہ در تفرقه این خبر را به سند دیگر مرقل کرده و شیخ مفید و سید ابن طاووس رحمۃ اللہ علیہ بعد از ذکر زیارت دوره به زیارت صفوی که همان زیارت است که ما آن را اول زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام قرار دادیم فرموده اند که کَلِمَاتُ صَلَواتِ صَلَوةٍ فَرَضَ کَانَتِ أَوْ نَفَلًا عِدَّةً مَقَامُکَ بِمَشْهُدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَادِحٌ بِهَٰذَا الدَّعَاءِ در زمان یا هر چه که سار کردی چه نیاز واجب باشد چه مستحب سَدِّی که در مشهد امیر المؤمنین علیه السلام اقامه داری پس این دعا را بخوان و شیخ ما علاوه بوری علیه السلام فرموده که بعد نیست که این از کلام حضرت صادق علیه السلام باشد در روایت صفوی به از کلام شیخ و سید و مر فرموده که این دعای شریف با این مضامین عالی و اشتمال آن بر امور مهم دنیا و آخرت و اهتمام در خواندن آن در این ارض مقدسه به این کثرت چنان مجبور و متروک شده که در این طول مجاورت گاهی در حرم مطهر به گوشم رسیده از زحری یا سجاوری یا مروزی ^{۱۲۱} فقرات این دعا در حالی که هزاران دعای آن حلقه سنی را با آن فقرات موحظه شنیده و حواصم شنیده این است مگر از حذف اسلام و رفتن غیرت از اهل ایمان سالیخ و مراد آن مرحوم از دعای عارف سنی دعای الهی باحق صفاست تا آخر چنانچه در باب زیارت حضرت سید القمعه علیه السلام به

۱. ذکر آخر

۲. ذکر آخر

۳. ذکر آخر

۴. مراد کسی که دیگران را در زیارت کردن کمک می کند و زیارت تمام خواند

آن اشاره شد و بدانید که سید این طاووس و شیخ شریف بعد از ذکر این دعا گفته اند دعای دیگری بر هست که سنت است در عقب نماز زیارت امیر المؤمنین علیه السلام بخواند و آن دعا این است: **يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ** تا آخره و این دعا همان دعایی است که ما در باب سابق بعد از زیارت حائورا ذکر نمودیم و در این جا محتاج به ذکر نیست، هر که خواهد به آنجا رجوع کند و به قبض خواندن آن خود را لایق کند.

امر سوّم: زیارت علما و صلحا و بزرگان و مؤمنین است که در آن بلد شریف مدفون اند

بدان که زمین بجهت اشرف مملوّ است از علما و اعظم و مؤمنین به خصوص وادی السلام که بقصدی است از جنت عدن و محل ارواح مؤمنین است. چنانچه در کتبی به سند معتبر منقول است که شخصی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: یارم در بغداد است و می ترسم که در آنجا بمیرد، فرمود که: «هر جا که خواهد بمیرد به درستی که می میرد مؤمنی در مشرق و مغرب زمین مگر آن که حق تعالی روحش را معشور می گرداند به سوی وادی السلام». پرسید که: وادی السلام کجا است؟ فرمود که: «بیشتر کوفه است، گویا می بینم که ایشان حلقه حلقه می شنوند و با یکدیگر سخن می گویند».

پس باید زیارت آنها را نصیحت دانست و از قبض آن خود را محروم ننمود، زیرا که بر زیارت آنها ثواب بسیار و اجر بی شمار و ثواب عظیمه مترکب است. چنانچه در باب زیارت اموات بیاید و نیز در آنجا ادعیه و شۆری از قرآن نقل می کنیم که مغز شده برای آنها پس به آنجا رجوع و به دستور الصبی که در آنجا ذکر می نمود رفتار نمود.

و کلام الاسلام در کتبی به سند معتبر نقل کرده که از حیه عربی که گفت: پیروز دلم با حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شب کوفه چون به صحرای بجهت رسیدم ایستادم گویا با جماعتی مخاطبه می کردند من نیز در خدمت آن حضرت آنقدر ایستادم که مانده شدم، پس مشتیم به اندامانی که در نخستن هم ملاتی به هم رسانیدم، باز برخاستم و ایستادم تا مانده شدم باز نشستم تا تشنگی شدم، پس برخاستم و ردای خود را جمع کردم و گفتم: **يَا امیر المؤمنین علیه السلام** می ترسم بر شما که از

بسیاری ایستادن تصب بکشید، ساعتی استراحت فرمایید. پس دقای خود را انداختم که آن حضرت بر روی آن بنشیند فرمود که: «ای ایستادن نیست مگر روی سخن گفتن یا مؤمنی یا انس گرفتار» مؤمنی: گفتیم یا امیر المؤمنین علیه ارواح مؤمنین چنین است؟ فرمود: «بله» اگر برده از پیش دهنده تو برداشته شود هر آینه خواهی دید ایشان را که گروه گروه و حلقه حلقه هستند و با یکدیگر سخن می گویند» گفتیم: بدانند یا روح بلند فرمود که: «روحند و هیچ مؤمنی نمی میرد» در بقعهای از بقعهای زمین مگر آن که به روحش می گویند که به وادی السلام ملحق شو که عصرای تسبیح است و آن بقعهای است از چشت عدن»

و بعضی نمایند که زیارت اموات و مجاورت و انس با آنها وقتی تقع دهد که انسان تفکر در حال آنها کند و عبرت و آگاهی از حال آنها شاید، نه چنانکه بعضی از خافلان و جاهلین می کنند و در غالب بلاد رسم شده که قبرستان را موضع گشت و سر خود قرار دهند و دسته دسته تفرج کنند با خدمت‌های تهیه و گفتگوهای لغو و سخنان ناشایسته - که از هر چیز اثرش بیشتر است در قساوت قلب - به آنجا رفته و با این حال برگردند و باید استیاء داد در تعظیم و تکریم و کثرت تلاوت قرآن و ادعیه عزیزه آیه علما و مشایخی که در آن بلد عزیز مدفون اند مانند: شیخ معظم جلیل و عالم بن بدیل ناصر الأمامیم شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی مقدس الله روحه القدسی - و علامه عصر خود صاحب کرامات باهره الشیخ القدس مولانا الشیخ مهدی طباطبائی معروف به بحر العلوم مطّیب الله رسمه - که این هر دو بزرگوار با بعضی دیگر در مسجد طوسی در نزدیکی محسن مقدس مدفونند

و مانند سید العلماء و المجتهدین حبیب الاسلام و المسلمین آقای حاجی میرزا محمد حسن شیرازی - عظامه فراده - که در چناب باب طوسی محسن شریع در مدرسه معروفه به اسم خود مدفون است،

و مانند خاتم الفقهاء و المجتهدین و شیخ مشایخ المتأخرین جناب شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام - نور الله مرقده - که در محله حصارة حیث قبر شریفش با بقعه و قبّه رقیعه معروف است

و در مقابل قبر این بزرگوار قیود جملهای از اعظم علماء است که دارای قبّه و بقعه هستند که

از جمله آن‌ها است عباد العلماء و استاد الفقهاء و الاقطاب مولانا الشیخ مهدی غزونی ساکن حله و
جناب آقا سید حسنی ترکی و غیره و رضوان الله علیهم.

و در نزدیکی آن‌ها به فاصله چند کوچه قبر قبّه اهل البیت شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء
رضوان الله علیه است.

و در مقابل او قبر عالم فاضل شیخ راضی عرب است.

و در مقابل کوچه سلام قبر عالم جلیل و فقیه بیل صاحب کرمات^(۱) باهره شیخ خضر شلال
است.

و در محله براق، قبر شیخ فخر الدین طریحی صاحب جمیع البحرین است.

و مانند شیخ اجل اعلم و استاد اعظم استاد مجتهدین و مدینه فقه و محققین شیخ مرعشی
الاصاری^(۲) قبرش واقع است در بقعای که متصل به باب القبله صحن مظفر است در طرف چپ
آن که داخل شود.

و در مقابلش قبر سید سید اجل حجة الاسلام آقا سید اسد الله اصفهانی^(۳) است به قبر جناب
آقا سید علی شیرازی^(۴).

و مانند شیخ و استاد ماه خاتم الفقهاء و المحدثین غزالی پعار الاخبار و محیی مالدیست من
الانوار^(۵) علامه دهر و ریست و برکت عصر خود حجة الاسلام حاجی میرزا حسین نوری طبرسی -
فاضل الله عنی نرینه صفویه تقدسی - قبر شریفش واقع است در ایوان سوم از ایوان‌های
شرقی باب القبله.

و قبر شریف عالم جلیل و مجتبع تروی و ورع و مخزن اخبار و تفسیر آیات قرآن و غیره
صاحب کرمات باهره جناب حاجی ملا فتحعلی خطاب‌نژاد که از جمله مشایخ شیخ ما علامه
نوری است، با جمله‌ای از اکابر علما در بقعای است که متصل است به باب سقطاته، در طرف
راست آن که داخل شود.

و قبر محقق مراغی^(۶) واقع است در زمین صحن، در طرف پشت سر متصل به دری که گاهی به

۱ شیخ ما جمله کرامات این بزرگوار را در کتاب دُر السلام ایراد فرموده اید و حقه القلم

۲ مرجعه خاتم فقهائین و محدثان، غزالی شریفی اطابقی و اعیان رطه کشفه آثار عصر شده

روان مطهر باز شود و روی قبر معروف است به سنگی که امتیاز تمام فلرد از سایر سنگها که زمین صحن به آن قرش شده

و قبر مرحوم عماد الاسلام و فقه الشیخ الأودج الآخر مرحوم حاجی شیخ جعفر شوشتری ^(۱) و مرحوم حجة الاسلام حاجی میرزا حسن آشتیانی ^(۲) واقع است در صحن، در سبزه لؤل در بر دالان بالای سر در صحن یعنی ^(۳) کسی که از پشت سر داخل دالان شود.

و قبر شریف خاتم العلماء و المجتهدین و الفضل المتقین و المحققین جناب حاج میرزا حبیب الله رشیدی - طاب ثراه - واقع است در بقعای که متصل است به باب شرقی صحن، در طرف راست آن کسی که از صحن بیرون رود.

و مانند شیخ اجل اکمل آیه الله فی العالمین، جمال العلماء و السق و القیس، المصل العلماء و المحققین، فخر الشیمة و مروج النعمة مولانا الحسین مطهر العلوی مشهور به علامه مدافع الله فی الخلد مقامه - که قبرش نفس واقع است در ایوان مطهر در بقعای که منتهی می شود به حرم مطهر در طرف همین ^(۴) کسی که داخل حرم می شود.

و بقعه دیگر که محاذی و قرین اوست، مدفن شیخ فقیه تبه عماد العلماء و الفضلاء و سناد الانتباه و الصلحاء المولی المحقق حاجی ملا احمد اردبیلی - طاب الله رصده و رزقنا من عبده و قدسه - است.

و بقعای که متصل است به بقعه آیه الله علامه حلّی، مدفن مروج مذهب جعفری آقا شیخ محمد جعفر اسر هادی - طاب ثراه - است و غیر ایشان از علمای دیگر - رضوان الله علیهم - که ریاده از آنست که در این مختصر ذکر شود بلکه خصوص صحن مطهر و حیرات آن تمام مشغول است از بزرگان دین و علما و مجتهدین که ذکر لسانی خرقه آنها باعث تطویل و اطباب است و چه قدر مزاور است از برای اویاب علم و تقوی و قدس که از خاک این بزرگواران بگذرند یا در واهی که در صحن مطهر در نزد قبرهای آنها نشیند شرط ادب و تعظیم بهای آورند و از باطن آن بزرگواران استفاده نمایند و ملاحظه فرمایند که اینها همه شیوخ و مشایخ، متشیخ کسانی

بوده‌اند، که افعال باب مجلس افتاده و درس و بحث را بر روی خود بسته و از این نشأت غایبه خود را وارسته می‌دهد، پس تأتلف می‌ورود بر قرائتشان و اندوهای شوند بر روی عقدان ینابیح [و چشمه‌های] علم ایشان.

فاضل لشکوری در کتاب محبوب القلوب در احوال حاتم الحکمای یونانی‌ها ارسطو طالیس فرموده که: چون ارسطو در مدینه استقامت را از دنیا رحلت نمود اهل آنجا جمع کردند استخوانهای او را پس از آنکه پوسیده شده بود و در ظرفی از مس گذاشتند و او را دفن کردند در یک موضعی، و آن مکان را مجمع او محل گردهمایی او خود قرار دادند و در آنجا جمع می‌شدند از برای مشاوره در امور و کارهای بزرگ و هر وقت از فنون علم و حکمت و ایشان مشکل می‌شد، قصد آنجا می‌نمودند و در سر قبر او نشست و مشغول به مناظره و مباحثه می‌شدند، تا آنکه واضح می‌شد برایشان مشکلاتشان، و چنان اعتقاد داشتند که آمدن به موضعی که استخوان‌های ارسطو طالیس در آن دفن شده، بر عقل ایشان می‌افزاید و ذهن ایشان را پاکیزه و لطیف می‌کند، و نیز این را تعلیمی از برای ارسطو می‌دانستند بعد از مرگ او، و باعث تأتلف بر غرائی و حزن و اندوه بر آن فبیحه و مصیبت فقدان ینابیح حکمت او می‌دانستند.

باب ششم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت
حضرت رسول ﷺ و فاطمه زهرا و
اشعریع ﷺ و ذکر مختصری از تکالیف
حاج در مدینه و مکه معظمه

و در آن سه مقام و یک خاتمه است

مقام اول

در فضیلت و کیفیت زیارت حضرت رسول ﷺ و حضرت فاطمه

و در آن چهار فصل است.

فصل اول

در فضیلت زیارت حضرت رسول ﷺ

بدان که مستحب مؤکد است در حق فاطمه مردم به خصوص محتاج مشرف شدن به زیارت و روضه مطهره و آستانه منوره خضر عالمیان حضرت سید المرسلین محمد بن عبد الله صلوات الله و سلامه علیه و آله و ترک زیارت آن حضرت باعث آن می شود که در روز قیامت در حق او جدا شود.

و شیخ شهید اول در کتاب دروس فرموده که اگر مردم ترک زیارت آن حضرت کنند بر امام است که ایشان را مجبور کند به رفتن به زیارت آن حضرت، زیرا که ترک زیارتشان موجب جفای محرم است.

و شیخ صدوق رحمه الله در کتاب علل الفساح و همین الاخبار به روایت معتبر از حضرت صادق رحمه الله نقل کرده که فرمود: هر گاه احدی از شما حج کرد باید که حجتش را حتم کند به زیارت ما زیرا که این از تمامی حج است.

و نیز در غصص روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین رحمه الله که فرمود: تمام کید حج خود را به زیارت حضرت رسول رحمه الله که ترک زیارت آن حضرت بعد از حج، جفا و خلاف ادب است، و شما را امر به این کرده اند و بروید به زیارت چند قبر که حق تعالی حق آن ها و زیارت آن ها را بر شما لازم گردانیده است، و نزد آن قبرها از حق تعالی طلب رزوی کنید.

و نیز در کتاب همین اخبار رحمه الله از اباضت هروی روایت شده که گفت: به خدمت حضرت امام رضا رحمه الله عرض کردم که چه می فرمائی باین رسول الله در حدیثی که اصل حدیث روایت می کنند، که مؤمنین در بهشت زیارت می کنند بروردگانشان را از منازل خودشان. - گنایه از آن که معنی حدیث اگر درست باشد چیست، یا آن که متضمن است چیزی را که به حسب ظاهر به اعتقاد حق درست نمی آید؟ - پس حضرت جواب فرمودند به این طریق که: دای ایا ضلت، حق

تعالی پیمبرش صلی الله علیه و آله را افضل گردانید از جمیع خلقش الا یسعیران و ملائکه، و طاعت او ن طاعت خود، و بیعت او را بیعت خود و زیارت او را زیارت خود شمرده است چنانچه فرمود:

«مَنْ يُولِّعُ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» و فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که: هر که مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت چنان است که حق تعالی را زیارت کرده باشد... الخ.

و جعفری در کرب کبیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من، شفیع او گردم در روز قیامت». و به روایت کامل اللزارة در جوار من باشد در روز قیامت، و به سندهای معتبر چنانچه در محلی و کامل است از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که به سوی من آید برای حج و مر زیارت نکند دو مدینه، در روز قیامت جفا می کنم او را، و هر که به زیارت من بیاید شفاعت من برای او واجب می شود، و هر که واجب شود او را شفاعت من، بیعت برای او واجب می گردد، و به روایت کامل، او هر که در حرم من یا حرم مدینه ببرد او را در قیامت حساب نکنند، و مانند هجرت کنند به سوی خدا مرده باشد، و روز قیامت با شهدای بدر محشور شود.

و به چندین سند معتبر نیز در همان دو کتاب از آن حضرت منقول است که حضرت امام حسن علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید که: «کسی که او را زیارت کند چه ثوابی دارد؟» فرمود که: ای فرزند، هر که مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از ممات من، یا پدر یا برادر او را زیارت کند یا او را زیارت کند لازم است بر من که او را در روز قیامت زیارت کنم، پس خلاص گردانم او را از گناهانش و او را داخل بهشت گردانم. و در کامل اللزارة از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که زیارت کند مرا بعد از فوت من، چنان است که مرا زیارت کرده باشد در حیات من، و می گوید و شفاعت کنند او با من در روز قیامت». و نیز به سند معتبر از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: «هر که قبر مرا زیارت کند بعد از موت من چنان است که هجرت کرده باشد به سوی من در حیات من، و اگر نتواند که به زیارت من آید، از دور به من سلام بفرستد که به من می رسد».

و نیز به سند معتبر از حسن بن جهم روایت کرده که گفت: به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که: بفرمایید کدام چیز است مردی که حج کند و به مدینه برود یا به زیارت پیمبر صلی الله علیه و آله

برود و به منگه برود؟ پس آن حضرت به من فرمود که: شما در این باب چه می‌گویید؟ عرض کردم که ما زیارت حضرت امام حسن علیه السلام را چنین، پس بهتر از حج می‌دانیم، چگونه زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بهتر ندانیم پس حضرت فرمود: فعالیت که این را گفتی و بدان که حضرت ابو عبد الله - یعنی حضرت صادق علیه السلام - روز عید در مدینه بود پس رفت به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود که ما بر اهل همه شهرها طهارت داریم، خواه منگه و خواه غیر منگه، به سبب زیارت و سلام ما بر رسول خدا صلی الله علیه و آله.

و شیخ طوسی رحمته الله در تهذیب از یزید بن عبد الملک روایت کرده، و او از پدر و جدش که گفت: به خدمت حضرت فاطمه علیها السلام مشرف شدم، پس آن حضرت ابتدا فرمود به سلام بر من، پس از من پرسید: برای چه آمدی؟ عرض کردم: از برای طلب برکت و ثواب، فرمود که: «خبر داد مرا پدرم - و اینک حاضر است - که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند حق تعالی بهشت را از برای او واجب می‌گرداند»، گفتیم: در سیات او و شما؟ فرمود: هبلی و همچنین بعد از موت ماه.

علامه مجلسی فرموده که: در حدیث معتبر از عبد الله بن عباس منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: «هر که حضرت امام حسن علیه السلام را در پنج زیارت کند قدمش بر صراط در روزی که قدمها از آن لغزید، ثابت می‌ماند». و در منقلب از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده می‌شود و حقیر و پستیان نمی‌میرد». و در تهذیب از حضرت امام حسن صکری علیه السلام منقول است که: «هر که زیارت کند امام جعفر صادق علیه السلام و پدرش حضرت باقر علیه السلام را، آزار چشم نکشد و بیماری و دودی به او نرسد و مبتلا به پلای پدی نشود تا پیرد».

و این قولیه علیه السلام در کامل حدیث طولانی از حقا بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که از جمله ظرافت او این است که مردی به خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد که: آیا زیارت بهیچ کرد پدرت را؟ فرمود: هبلی. عرض کرد: چه چیز است از برای زائر فرمود که: «بهشت از برای اوست اگر اعتقاد به امام او داشته باشد و متابعت او کند». عرض کرد: کسی که عراض (او روی گردانی) کند از زیارت آن حضرت چه خواهد طلب؟ فرمود: «حضرت خواهد داشت در روز حشر» که روز قیامت است. الخ

و احادیث این باب بسیار است و ما را همین مقدار کافی و وافی است.

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت حضرت رسول ص و آداب آن

علامه مجلسی رحمته الله در تفسیر الکافی در مثل چنین مقامی فرموده: بدین که غسل کردن سنت است، و عینا دو غسل را مستحب دانسته‌اند. یکی برای داخل شدن مدینه متروکه و یکی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آنچه در احادیث ظاهر می‌شود آن است که یک غسل سنت است، و اگر آن را پیش از دخول مدینه واقع سازد بهتر است، و اگر در آن غسل قصد دخول مدینه و دخول مسجد و زیارت حضرت رسول و حضرت فاطمه علیهما السلام بلکه توبه فرگناهان بکند شاید بهتر باشد و بهتر آن است که در دم مسجد بایستد و رخصت داخل شدن بطلد، و بعد از حصول رخت، با عضو و خضوع و حضور قلب و آرام تن داخل شود، چنانچه در باب سابق همی باب آداب زیارت مذکور شد.

دعای دادن دخول

و اگر دعای امی که علما ذکر کرده‌اند بطول مناسب است، و دعای این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَعْتُ عَلَى بَابِ نَبِيِّ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَأَلِي نَبِيِّكَ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ الدُّخُولَ إِلَى بُيُوتِهِ إِلَّا بِإِذْنِ نَبِيِّكَ
لَقَبْتَهُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ». اللَّهُمَّ
وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضَرِهِ. وَأَعْلَمُ أَنَّ
رُسُلَكَ وَخُلَفَاءَكَ أَخْيَاءَ جَنَّةٍ يُرْفَعُونَ. يَرْوُونَ مَكَانِي فِي وَقْتِي هَذَا
وَزَمَانِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي فِي وَقْتِي هَذَا وَيُرْوَوْنَ عَلَيَّ سَلَامِي. وَأَنَّكَ
حَاجِبْتَنِي عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَقَعَمْتَ بَابَ فَهْمِي "بَلَدِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ. فَإِنِّي
أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَا. وَأَسْتَأْذِنُ رُسُلَكَ سَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَابِتًا
وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْمُفْرُوضُ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى

بَيْنَهُ وَاسْتَأْذِنَ مَلَائِكَتَكَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِدِ الْبَقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ الْمَطْمِئِنَّةَ إِلَيْهِ
السَّامِعَةَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلُونَ بِهِدِ الْمَشَاهِدَ الْمُبَارَكَةَ
وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَاقُنْ اللَّهُ يَاقُنْ رَسُولُهُ يَاقُنْ خَلْقَانِيهِ وَأَذْبِكُمْ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ ادْخُلْ هَذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ فَكُونُوا قَلَابَكَةَ اللَّهِ
أَغْوَابِي وَكُونُوا أَنْصَارِي حَتَّى ادْخُلَ هَذَا الْبَيْتَ وَأَذْعُو اللَّهَ بِطُغْيَانِ الدُّعَاةِ
وَاغْتَرِيفِ اللَّهِ بِالنُّصُودِ وَاللُّرُسُولِ وَلِأَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ

پس «بسم الله» بگو و داخل^۱ شو و علامت داد که بگوید بسم الله و ببالله و فی
سبیل الله و علی صلی الله علیه و آله و سلم رَسُولِ اللهِ رَبِّ اذْجَلْنِي مُدْخِلُ جَنَّتِي وَاخْرِجْنِي
مُخْرَجُ جَنَّتِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

زیارت حضرت رسول الله ﷺ

و در اکثر کتب مذکور است که بعد از داخل شدن حد مرجه الله اکبر بگوید، پس باید به
جانب بالای سر حضرت و در پیش شین مؤمن که برابر سر مبارک حضرت است رو به قبله
بایستد و زیارت کند، و اگر تنه باشد به برابر روی حضرت برود و زیارت کند، چنانچه سنیان
می کنند، ان شاء الله.

و سینه این طایفه گفته که: چون داخل شود دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذارد و بعد برود به
سبب حجره شریفه به جهت زیارت و در کامل الزیارة به سند صحیح از امام بیطر صادق علیه السلام نقل
شده که فرمودند که: «چون خواستی داخل مدینه شوی پیش از داخل شدن یا در حین دخول غسل
کن، پس می روی به نزد قبر رسول صلی الله علیه و آله، پس سلام می کنی بر آن حضرت، پس می ایستی نزد ستون
پیش، که از جانب راست قبر است رو به قبله که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به
جانب منبر که آن موضع سر رسول صلی الله علیه و آله است و می گویی:

۱. شیخ صدوق علیه السلام در این لا یحضره فرموده که: داخل مسجد شو از در جهتی که می خواهی و در جهتی که می خواهی که به
جانب باقی مشرف می شود، یا در دیگر که در آن مسجد بر است (اصح علی حدیث)

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ
بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَغَنِمْتَ
اللَّهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ
الْحَقِّ. وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغُلِّقَتْ عَلَى الْكَافِرِينَ. قَبْلَ اللَّهِ بِكَ
الْفَضْلُ شَرَفَ مَعْلَى الْمُكْرَمِينَ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَقْدَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ
وَالضَّلَالَةِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَفَوَاتِكَ وَصَفَوَاتِ صَلَاتِكَ الْمُتَّقِينَ وَبِعِبَادِكَ
الْمُسْلِمِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَمِعَ نَكَاحَ
يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ
وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَلِيقِكَ وَصَفِيكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَبِخِيَرَتِكَ مِنْ
خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ وَأَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مُخْتَوِداً
يُعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَهُ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَّهُوا اللَّهَ تَوَاباً رَحِيماً». وَإِنِّي
أَتَيْنْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً ثَانِياً مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ
الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي
وَرَبِّكَ بِكَ لِتُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

و اگر تو را حاجتی باشد بگردان غیر حضرت رسول ﷺ را در پشت کتف خود و رو به لبه کن
و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب به درستی که سرآوار است که هر آورده شود
إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

علامه مجلسی رحمه الله فرموده که: گویا مراد به گرفتن هر پشت کتف آن باشد که از آن محل که
ربارت کرده است اندکی بیشتر رود که معافی قیر یابد و چون مطابق حقیقی قیر نیست با کسی
یست و در کلام جمعی موافق ظاهر بعضی از اصحاب ظاهر می‌شود که اگر معافی قیر نیز پشت به

قبور و رو به قبله کند به قصد استظهار به آن حضرت و توجه به جناب مقدس الهی خوب است و آنچه اول مذکور شد به گمان ظنیر آسوط و اولی است با آن که بر این موارد با اعتبار ظنیر غالباً موجب ضرر عظیم است و مشروع نیست انتهى

ظنیر گوید که تأیید می کند فرمایش علامه مجلسی را در روایت قریبه الفاسد که به سند موثق از ابن فضال روایت کرده که گفت: به حضرت امام و صاحب عرص کردم که شما را دیدم که سلام می کردید بر حضرت رسول ﷺ در غیر آن موضعی که ما سلام می کنیم رو به روی قبر حضرت فرمود که: «اِنَّ سَلامَ کُنْ در آن موضعی که دیگران سلام می کنند» و این قولی در کتاب کامل الزیارة به سند مطهر روایت کرده از معتمد بن مسعود که گفت: دیدم حضرت صادق علیه السلام را که به نزد قبر حضرت رسول ﷺ آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاسْتَخَارَكَ وَهَدَى بِكَ اَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ.
پس فرمود: اِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

و به سند معتبر از ابی ایی نصر بر علی بن قولی است که گفت: به خدمت حضرت ابی الحسن - یعنی امام رضا علیه السلام - عرض کردم که: چگونه باید سلام کرد بر رسول خدا ﷺ؟ فرمود که:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الدِّينِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَصْخَبْ لِأَمْرِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَقِدْتَهُ حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ. فَخَرَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَرَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ خَمِيدٌ مُجِيدٌ»

و نیز در معتبر کامل الزیارة از ابراهیم بن ابی البلاد روایت شده که حضرت امام رضا علیه السلام به من فرمود که: «چگونه سلام می کنی بر حضرت رسول ﷺ؟» عرض کردم: آنچه می دانم و به ما رسیده است. فرمود: «آیا تعظیم نکنم تو را جبری که آن افضل است از ابی که گفتیم. بلی فدایت شوم پس آن حضرت نوشت برای من بخط شریفش دو همان حال که من نوشته بودم و خواند آن را برای

من به این کیفیت که: «ایون استادی زده قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله»

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَأَذَيْتَ النَّاسَ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَصَوْبِكَ وَجَوَائِدِكَ مَنْ خَلَقَكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ. وَامْنَنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ. وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ رَبِّ الْبَهَائِ الْخَرَامِ وَذُبِّ الْقَنْسَجَةِ الْخَرَامِ وَذُبِّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَذُبِّ الْبَيْتِ الْخَرَامِ وَذُبِّ الْجَلِّ وَالْخَرَامِ وَذُبِّ الْعَشْرِ الْخَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُ السَّلَامَ.

دعای حرم حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

و نیز در همین کتاب از علی بن جعفر روایت کرده که آن جناب از پدر و جانش نقل کرده که فرمودند: حضرت امام زین العابدین علیه السلام می‌آیستادند زده قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلام می‌کردند و شهادت می‌دادند از برای آن حضرت به تبلیغ رسالت و آنچه می‌توانستند دعا می‌کردند. پس پشت می‌دادند به جانب قبر آن حضرت بر سنگ مرمر سبز یا رویی که نزدیک قبر است و پشت را بر قبر می‌جساییدند و رو به قبله می‌کردند و این دعا می‌خواندند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَنَاتُ أَفْرِي. وَالنَّ قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدِكَ

وَرَسُولِكَ اسْتَنْدَتْ ظَهْرِي. وَاقْبَلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
اسْتَقْبَلْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمَلُكَ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا لِرَجُلٍ لَهَا. وَلَا أَذْفَعَ
عِنْدَهَا شَرًّا مِمَّا أَخَذْتُ عَلَيْهَا. وَأَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بَيْنَكَ وَلَا فَصِيرَ أَقْرَبِي. إِنِّي
لِأَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَصِيرٌ. اللَّهُمَّ لِرُدِّي مِنْكَ بِخَيْرٍ وَلَا رَادَّ لِقَضِيكَ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي. لَوْ تَغَيَّرَ جِسْمِي لَوْ نَزَلَ بِحُفَّتِكَ
عَنِّي. اللَّهُمَّ زَيَّنِّي بِالتَّقْوَى. وَجَمَّلَنِي بِالتَّقِي. وَأَعَزَّنِي بِالْعَالِيَةِ. وَارْقُصِي
شُكْرَ الْعَالِيَةِ.

اعمال مدینه طیبہ

و شیخ سلید و سید ابن طاروس و شہد اول و شیخ محمد بن الشہدی و دیگران گفته اند در
باب زیارت آن حضرت کہ چون این دعا را خواندی پس بارہ مرتبہ بطول سورۃ قلنا انزلناہ
را و گفته اند پس برو بہ سوی مقام آن حضرت کہ ما بین قبر و منبر است. پس بایست زد ستوی
کہ نزدیک منبر است. و آن را پیش روی خود قرار ده و چہار رکعت نماز زیارت کنی و اگر ممکن
نشود دو رکعت کن. پس چون سلام گفتی و تسبیح فرستادی یعنی تسبیح دہ مرتبہ پس بگو

اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ نَبِيِّكَ وَجِبْرِتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. جَعَلْتَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ
جَنَّتِكَ. وَشَرَفْتَهُ عَلَى بِقَاعِ أَرْضِكَ بِرَسُولِكَ. وَفَضَّلْتَهُ بِهِ. وَعَظَّمْتَ
حُرْمَتَهُ. وَأَعْلَهْتَ جَلَالَتَهُ. وَأَوْجَبْتَ عَلَى عِبَادِكَ التَّهَرُّكَ بِالصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ
لَيْهِ. وَقَدْ أَقْنَيْتَنِي فِيهِ بِمَا خَوَّلِي وَلَا قُوَّةَ كَانَ مِنِّي فِي ذَلِكَ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ.
اللَّهُمَّ وَكَمَا أَنَّ حَبِيبَكَ لَا يَتَقَدَّمُهُ فِي الْفَضْلِ خَلِيلُكَ. فَأَجْعَلْ اسْتِجَابَةَ
الدُّعَاءِ لِي مَقَامَ حَبِيبِكَ الْفَضْلَ مَا جَعَلْتَهُ فِي مَقَامِ خَلِيلِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
فِي هَذَا الْمَقَامِ الطَّاهِرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تُعَلِّمَنِي مِنَ
النَّارِ وَتَمُرَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ. وَتَرْحَمَ مَوْقِفِي وَتَقَبِّرَ رُفَّتِي وَتُرْكِي عَقْلِي. وَتَوْسِعَ

لِي فِي رَوْحِي وَتُؤَدِّمَ عَافِيَتِي وَرُشْدِي وَتُشَيِّعَ نَفْسَكَ عَلَيَّ وَتُحَفِّظَنِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَتَحْرُسَنِي مِنْ كُلِّ مُقْعَدٍ عَلَيَّ وَظَالِمٍ لِي وَتُطِيلَ عُمْرِي وَتَوْفَّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَتُحَصِّنِي عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ حُبِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَيَاتِكَ فِي أَرْضِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي وَتُبَلِّغَنِي فِي الذَّهَبِ وَالذَّلْهَى أَهْلِي وَرَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ قَدْ سَأَلْتُكَ فَلَا تُخَوِّبْنِي وَرَجَوْتُ فَضْلَكَ فَلَا تَحْرُغْنِي فَإِنَّا الْفُقَرَاءُ إِلَى رَحْمَتِكَ الَّذِي لَيْسَ لِي غَيْرُ إِحْسَانِكَ وَتَفَضُّلِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُحَرِّمَ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَتُوَفِّيَنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا غَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَأَذْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وَلَدِي وَأَخَوَائِي وَأَخَوَاتِي مِنَ الشَّرِّ مَا غَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اللَّهُمَّ اغْزِ لِي وَلَوْلَا الَّذِي وَلَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِلَيْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^١

پس برو به نزد منبر و دست بر آن بمال و موقتاً^۱ پاتین منبر را بگیر و چشمها و روی خود را بر آن بمال و بخوان کلمات فرج یعنی معانی لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ را تا به آخر و بگو بعد از آن

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ^۲ . أَلْحَسَدُ لِلَّهِ الَّذِي عَقَّدَ بِكَ جُرَّ الْإِسْلَامِ وَجَمَلَكَ مُرْتَضَى خَيْرِ

۱ این فرموده به سبب محضر از جایگاه من عمود روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه از دعای نزد قبر قارخ شری برو نزد منبر و دست بر آن بمالی و دو نوبت پاتین منبر را بگیر و بر چشمها و روی خود بمالی که گفته شده آن باعث شفا می باشد و پادشاه نزد منبر و دست و نهی الهی بجا آید و حاجت خود را بطلب بدو منی که رسول خدا علیه السلام فرمود که میان منبر و خانه من باطلی است از باغهای بهشت و منبر من بر روی است از درهای بهشت و قرآنم آن در بهشت نصب شده یا تر پب یافته است و منعی مانده که این منبری که حال موجود است در مسجد سرفه آن سرور عالم ظاهر است که منبر موجود در حضور من است آن حضور نیست لکن ظاهر کلام شیخ شهید در دعوی آن است که مستجاب دست خالوس به دو نوبت پاتین منبر و خالوس آن به جسد در این حال میراث است چنانچه فرموده و مستحب تلاوت آن پاتین چند تا در نزد منبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و در آن یک منبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و الله باقوا (یعنی خدا).

۲ گفته هر این جا به معنای گند نیست بلکه مراد بر حسنکی گندگرمی است به اندازه اند که در منبر کار سازی می کند.

الانام. ومضد النامي إلى دار السلام. الحمد لله الذي حفظ بانتصابك علو
الكبر وسمو الشوك. ونكس بك علم الباطل وزاية الضلال. اشهد أنك لم
تُنصب إلا لتوحيد الله سبحانه وتحميده. وتَعْظِيمِ اللهِ وتَحْمِيدِهِ.
ولمواظب عباد الله والنساء إلى عظمه وعزائه. أشهد أنك قد استوفيت من
رسول الله ﷺ بإزقيته في مراتبه واشتوائه عليك. حفظ شرفك
وعظمتك. ونصبت عزك وذخرك. وملت كمال ذكرك. وعظم الله حرمتك
وأوجب التمسك بك. فكم قد وضع المضطرب ﷺ قنمه عليك. وقام للناس
خطباً فوقك. ووحد الله وحيداً وأثنى عليه وسجلته. وتكم بلغ عليك من
الرسالة. وأثنى من الأمانة. وثلا من القراب. وقرأ من الفرقان. وأخبر من
الوحي وبين الأمر والنهي. وفصل بين الحلال والحرام. وأمر بالصلاة
والصيام. وحث العباد على الجهاد وأنها عن ثوابه في العباد.

يس يا رب روحه وان ما بين سر وغير مظهر است وبكر

اللهم إن هذه روضة من رياض جناتك. وشعبة من شعب رحمتك التي
ذكرها رسولك. وأبان عن فضلها وشرف التعبد لك فيها. وقد بلغت فيها
في سلامة نفسي. فلك الحمد يا سيدي على عظيم نعمتك علي في ذلك.
وعلى ما رزقني من طاعتك وطلب مرضاتك. وتَعْظِيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ ﷺ
بإزارة قبره. والتسليم عليه والتردد في مشايده ومواقفه. فلك الحمد
يا مولاي حمداً ينتظم به معابد حملة عزبك وسكان سماواتك لك.
ويقتصر عنه حمد من مضى. ويفضل حمد من بقي من خلقك. فلك
الحمد يا مولاي. حمد من عرف الحمد لك والتوفيق للحمد منك. حمداً
يملأ ما خلقت ويبلغ حيث ما أردت ولا يحجب عنك. ولا يستغني

دُونِكَ. وَيَبْلُغُ الْفَسْنَ بِضَاكَ. وَلَا يَبْلُغُ أَجْرَهُ لَوْلَا مُعَاوِدُ خَلْقِكَ. وَلَكَ
 الْحَمْدُ مَا عُرِفَ الْخَمْدُ. وَاعْتَقِدْ وَجْهَ ابْتِدَاءِ الْكَلَامِ الْحَمْدُ. بِمَا بَاقِيَ الْبَرِّ
 وَالْعَظَمَةِ. وَدَائِمِ السُّلْطَانِ وَالْقُدْرَةِ. وَشَدِيدِ الْبَطْنِ وَالْقُوَّةِ. وَنَافِلِ الْأَمْرِ
 وَالْإِرَادَةِ. وَوَسْيعِ الرُّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. وَزَيْدِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. كَمْ مِنْ بَعْمَةٍ لَكَ
 عَلَيَّ يَقْضُرُ عَنْ أَيْسَرِهَا خَفْدِي. وَلَا يَبْلُغُ لَذَائِهَا شُكْرِي. وَكَمْ مِنْ صَالِحٍ
 مِنْكَ إِلَيَّ لَا يَحِيطُ بِكَثْرَتِهَا وَهَمِي. وَلَا يَقْتَضِيهَا فَتْخِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 نَبِيِّكَ الْمُنْظَرِ غَيْرِ الْبَرِيَّةِ جُفْلًا وَخَيْرِهَا شَائِبًا وَكَهْلًا. أَطْهَرِ الْمُطَهَّرِينَ شَيْئَةً.
 وَأَجْوَدِ الْمُسْتَعْمَلِينَ دَيْئَةً. وَأَعْظَمِ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً. الَّتِي أَوْضَحْتَ بِهَا
 الدَّلَالَاتِ. وَأَلْغَتْ بِهَا الرِّسَالَاتِ وَخَتَمْتَ بِهَا الثُّبُوتِ. وَفَتَحْتَ بِهَا بَابَ
 الْخَيْرَاتِ. وَأَطَهَّرْتَ مُطَهَّرًا. وَابْتَعَثْتَ نَبِيًّا وَهَادِيًّا. وَ أَمِيًّا مُهْدِيًّا. دَاعِيًّا
 إِلَيْكَ وَدَالًّا عَنْكَ وَحُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُعْصُومِينَ مِنْ جِثْرِكَ
 وَالطَّيِّبِينَ مِنْ أَشْرَتِهِ. وَشَرِّفْ لَدَيْكَ بِهَ مَنَارَتِهِمْ. وَعَظِّمْ جَنْدَكَ مَرَايِبَتِهِمْ.
 وَاجْعَلْ فِي الرُّفْقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ. وَارْفَعْ لِي قُرْبَ رَسُولِكَ قَرَابَتِهِمْ.
 وَتَقِّمْ بِلِقَائِهِ شُرُورَهُمْ. وَوَفِّرْ بِمَكَائِهِ أُنْسَهُمْ

فضیلت روضه شریفه

مؤلف گوید که بعضی از علما پس از این دعا گفتند: پس زیارت کس فایده دارد
 روضه، و ما بعد از این (در صفحه ۳۲۸) ذکر می کنیم زیارت آن مظلومه سلام الله علیها را، و بدان
 که این مکه از مکان های شریفه است.

و شیخ کنیزی رحمه الله به سند حسن از جعفر صادق رحمه الله روایت کرده که: هر سول خدا رحمه الله فرمود که:
 میان خانه من و منبر من باقی است از باغ های بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت، و
 قائم های منبر من در بهشت نصب شده. وای از حضرت صادق رحمه الله پرسید که: روضه، امروز هم
 باقی است؟ فرمود: بلی، اگر برده برداشته شود هر آینه خراب خواهد دید.

علامه مجلسی رحمته الله فرمود که: وصف این موضع شریف به باغ بهشت، یا از جهت این است که اعمال صالحه در این موضع سهیل دخول بهشت است یا از جهت این است که این موضع چون در عصر حضرت رسالت صلی الله علیه و آله میت لشجار ذائقه حقایق و مواضع بوده است که هر یک مشتمل انواع ریاضین و نمار طاعات و عبادات است به این سبب آن را تشبیه به ریاض بهشت فرموده‌اند، و آنچه حضرت صادق علیه السلام فرمود گویا مراد این است که اگر برده غلبه و حجب حب شهوات دلب از پیش دیده دل بر خیزد، هر آنچه معلوم خواهد شد که باغستان‌های معنوی مرغوب‌تر از حیوانات صوری است، و درخت‌های حقایق و مبارقه و میوه‌های طاعات و عبادات برای تقویت عقل و روح القوی و انفع و خوش آیند ترند از لشجار و انهار و نمار ظاهره که مورت تقویت و تفریح لولای جسمانی می‌گردند، و محتمل است که محمول بر ظاهر باشد که در این موضع باغی از باغ‌های بهشت بوده باشد، یا این که در لیامت این محل شریف را به بهشت ببرند و وسعت دهند و بهترین باغستان‌های بهشت گردانند. و حدّ روضه در طول از قبر مقدّس حضرت رسول صلی الله علیه و آله است تا منبر، و در عرض از منبر است تا چهار ستون که پشامی از مسجد

چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که: حدّ روضه چیست؟ فرمود که: چهار ستون می‌شمارد از منبر به سوی آنچه سقف دارد از مسجد، پرسیدند که: از صحن مسجد چیزی در روضه داخل است؟ فرمود: نه، انھی.

دعای مقام حضرت جبرئیل علیه السلام

پس علمای بعد از ذکر اعمال روضه گفته‌اند برو به سوی مقام جبرئیل علیه السلام که در دیوار نادانی است که هرگاه بیرون می‌روی از دری که آن را دم غاطس علیه السلام می‌گویند هرگاه معادی در باطنی و نادان در بالای سرت باشد و در از پشت سرت، پس دو رکعت نماز مستحبی بجا آور و بگو

يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَمَلَأَهَا جُوداً، مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَهُ مِنْ مَلَائِكَةٍ
وَالْمُتَجِدِّينَ قُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ، وَانْفَرَجَ عَنْ أَعْدَانِهِمْ حُلَلُ الْكَرَامَاتِ، وَانْطَقَ
أَلْسِنَتُهُمْ بِشُرُوبِ اللُّغَاتِ، وَأَلْبَسَهُمْ شِعَارَ التَّقْوَى، وَقَسَّمَهُمْ قِلَابَةَ الشُّهُرِ،
وَجَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْناسٍ خَلَقَهُ مَعْرِفَةً بِوُجْهِهِ وَقُدْرَتِهِ وَجَلَالَتِهِ وَعَظَمَتِهِ،
وَأَكْمَلَهُمْ عِلْماً بِهِ، وَاسْتَدْنَمَهُمْ قَرَقَاءَ، وَأَفْوَمَهُمْ لَهُ طَاعَةً وَخُضُوعاً وَاسْتِكَانَةً

وَحُشُوعاً. يَا مَنْ فَضَّلَ الْأَمِينَ جِبْرِئِيلَ بِمَخْصَاتِهِ وَتَرَجَاهُ وَنَسَّاهُ.
وَاخْتَارَهُ لِوَحْيِهِ وَسَفَّارَتِهِ وَغَفَّهِ وَأَمَانَتِهِ. وَأَنْزَلَ كُتُبَهُ وَلَوَّاهُ عَلَى أَنْبِيَائِهِ
وَرُسُلِهِ. وَجَعَلَهُ وَاسِطَةً بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَهُمْ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَآوَاتِكَ. أَعْلَمُ خَلْقِكَ بِكَ.
وَأَخْوَفُ خَلْقِكَ لَكَ. وَأَقْرَبُ خَلْقِكَ مِنْكَ. وَأَعْمَلُ خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ. الَّذِي لَا
يَفْشَاهُمْ نَوْمُ الْعُيُونِ وَلَا سَهْوُ الْقُؤُولِ وَلَا قَتْرَةُ الْأَبْدَانِ. الْمَكْرُمِينَ بِجِوَارِكَ
وَالْمُؤْتَمِّنِينَ عَلَى وَحْيِكَ. الْمُجْتَهِبِينَ الْآفَاتِ وَالْمُوقِنِينَ الشَّيْئَاتِ. اللَّهُمَّ
وَإِخْصِصِ الرُّوحَ الْأَمِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ بِأَصْحَابِهَا مِنْكَ. وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَطَبَقَاتِ الْكَرُوبِيِّينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ. وَبِذِي عَرَابِيهِ جَنَّةِكَ وَحَقُوقِهِ
الَّتِي لَكَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَا كَانَ يَنْزِلُ بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكَ. وَمَا بَيَّنَّتُهُ
عَلَى أَلْسِنَةِ أَنْبِيَائِكَ مِنْ مَخْلَاقِكَ وَمَحَرَّمَاتِكَ. اللَّهُمَّ أَكْثِرْ صَلَوَاتِكَ عَلَى
جِبْرِئِيلَ. فَإِنَّهُ قُدْوَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَهَادِي الْأَصْغِيَاءِ. وَسَادِسُ أَصْحَابِ الْكِسَامِ.
اللَّهُمَّ اجْعَلْ وَلَوْحِي فِي مَقَامِهِ هَذَا سَبَباً لِتُرُودِ رَحْمَتِكَ عَلَيَّ وَتَجَاوُزِكَ عَلَيَّ
بِسُكْرِ بِاجْوَادٍ يَا كَرِيمُ. يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُؤَقِّنِي إِطَاعَتِكَ. وَلَا تُزِيلَ عَنِّي نِعْمَتَكَ. وَأَنْ تُزِيلَ عَنِّي
الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ. وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ. وَتُخَفِّضَ عَنِّي شَرَارَ خَلْقِكَ.
وَتُلَهِّمَنِي شُكْرَكَ وَإِكْرَامَكَ. وَلَا تُخَيِّبْ يَارَبُّ دُعَائِي وَلَا تَقْلَعْ رَجَائِي
بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

مؤلف گوید که: این مقام بر او مکررهای شریفه است. و در حدیث صحیح از حضرت
صالح علیه السلام روایت شده که: چون جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل می شد، آن جا می ایستاد و
رحمت می طلبید و بعد از رخصت داخل می شد. و در روایت دیگر فرمودند: «اگر توانی که در
رکعت نماز مستحبی در آن جا بکشی بکن که هیچ کس در آن جا دعا نمی کند مگر آن که دعایش

استجاب می شود.

و حقیر گمان می کنم که خواندن دعاهای اول صحیفه سجّادیه، چون دعای تعهید و صلوات بر رسول ﷺ و حمله عرش دو مسجد شریف باشد به خصوص دعای اخیر را در این مقام که بسیار مناسبت دارد و نیز در آن حضرت مقول است که فرمود: «هر کسی که خوں^۱ استعاضه اش منقطع نشود، اگر در این مقام رو به قبله کند و دعای دم^(۲) را بخواند البته خواستش منقطع می شود و طهر می یابد و دعای دم این است:

يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُرَدَّ عَلَيَّ بِمَعْتَلِكَ.

و شیخ صدوق دعا را به نحو دیگر نقل کرده و در حلقه الزلزال مذکور است و در کتاب الله الزلزله - علی بن اُیوب الهی السلام - مذکور است که در مقام جبرئیل ﷺ دو رکعت نماز یکن و یگو:

يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَوْسُ كَبْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مِنْ أَلْهَالِكِ وَأَنْ تُصَلِّحَنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَعْدَاءِ الشُّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ وَأَنْ تُرَدَّنِي سَالِماً إِلَى وَطَنِي بَعْدَ خُرْجِي مِنْهُ وَتُغْنِي عَنْكَ شُكُورِي وَعَمَلِي مُتَقَبَّلٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْغَدِ مِنِّي مِنْ حَزْمِكَ وَحَزْمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

دعای نرد ستون ابی لبابه

پس علما بعد از احوال مقام جبرئیل ﷺ گفتند که دو رکعت نماز کن در رد ستون ابی لبابه و آن ستون توبه است و بگو بعد از نماز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ لَا تُهِنِّي بِالْفَقْرِ وَلَا تُذِلَّنِي بِالذِّلِّ وَلَا تُرَدَّنِي إِلَى الْهَلَكَةِ وَاعْصِمْنِي كَيْ تَنْصِلِحَنِي كَيْ أَنْصِلِحَ وَاهْدِنِي كَيْ

دو رکعت نماز کن در رد ستون ابی لبابه و آن ستون توبه است و بگو بعد از نماز
ایشان معذرت در ترجمه شد (استغفر الله) ۳ دم = خوں

اَهْتَدَيْتَنِي ۞ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى اجْتِهَادِ نَفْسِيْ ۞ وَلَا تُعَلِّفْنِيْ بَسُوهُ نَفْسِيْ ۞ وَلَا تُهْلِكْنِيْ وَانْتَ رَجَايَ وَانْتَ اَهْلُ اَنْ تَعُوْزَ لِيْ ۞ وَقَدْ اَخْطَاْتُ وَانْتَ اَهْلُ اَنْ تَغْفُوْا غَيْرِيْ ۞ وَقَدْ اَلَزَزْتُ وَانْتَ اَهْلُ اَنْ تُخَيِّلَ ۞ وَقَدْ عَشَرْتُ وَانْتَ اَهْلُ اَنْ تُحْسِنَ ۞ وَقَدْ اَسْأَلْتُ وَانْتَ اَهْلُ التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ ۞ فَوَقَّفْتَنِيْ لِمَا تُجِيبُ وَتَرْضٰى ۞ وَيَسِّرْ لِيْ الْيُسْرَ وَجَنِّبْنِيْ كُلَّ غُسْرٍ ۞ اَللّٰهُمَّ اُنْجِسْنِيْ بِالْحِلَالِ عَنِ الْاَحْرَامِ ۞ وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِيْ ۞ وَبِالْيُسْرِ عَنِ الْقُسْرِ ۞ وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ ۞ وَبِالْاَنْبِيَآءِ عَنِ الْفَجَارِ ۞ يَا مَنْ اَلَيْسَ كَوْنُهُ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمْعُ الْبَصِيرُ وَانْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وجه اشتهار ستون ابی لبابه

مؤلف گوید که مکانی که در نزد ستون ابی لبابه است بر از مکان های شریفه مسجد (مس) و سار در نزد آن و اعتکاف در پای آن و مشتی در نزد آن هر یک مندوب است، چنانچه بعد از این مذکور شود. و اسم ابی لبابه رفاعه بن المنذر است. شهید فرموده که نامش بشیر بن عبد المنذر است و از انصار و حاضران بدر است. وجه اشتهار این ستون به اسطوانة ابی لبابه و اسطوانة توبه، چنانچه در بعضی از کتب معتبره در این است که ابی لبابه با جمعی دیگر در بعضی از اسفار^(۱) که جناب رسول خدا ﷺ به جهاد تشریف می بردند تعلق نمود و خود را از شرافت و کاتب آن سرور محروم نمود. بعد به شدت مادم شد و لعنی او پیوستن^(۲) به آن حضرت ممکن نبود. آمد خود را به آن ستون محکم بست و سرگند یاد نمود که آب و طعام بخورد تا آن که بسوزد یا خداوند عالم توبه او را قبول فرماید. و در بعضی احادیث و ثور شده که تا حالت رور چنین بود و از شدت عطش و جوع بیخوش شد. جناب رسول خدا ﷺ از سحر طاووت فرمودند و نظر به عادت شریفه داخل مسجد شدند به جهت سار. بعد از ملاحظه حال ابی لبابه و غیره از حال آن ها مختص فرمودند. حقیقت حال را به آن سرور عرض کردند و به عرض ایشان رسانیدند که ابی لبابه قسم یاد نموده

که تا جناب رسول خدا به دست مبارک خود او را نگشاید خود را می گشاید حضرت فرمودند که: «من هم سبقت در این امر تسوّلهم نبود تا خطایی از جانب خداوند عالم برسد». بعد از آن آیه بشارت قبول توبه نازل شد: «وَأَخْرَجُوا عَنْهُمْ أَهْلَهُمْ وَنَحْوَهُمْ خَلَقُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخِرُ سَيِّئَاتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» و این اسطوانه مشهور است و در آن هم نوشته شده اسطوانه توبه.

ذکر ایامی که مناسب است زیارت حضرت رسول الله ﷺ

بدان که علما از برای حضرت رسول ﷺ زیارت بسیاری بدون روایت ذکر کرده اند، و چون بنای ما بر اختصار است به همین مقدار کفایت می کنیم، و زیارت آن حضرت در اوقات شریفه و ایام متبرکه که توانش مشاهده است چنانچه علامه مجلسی رحمه الله تصریح فرموده خصوصاً ایامی که به آن حضرت اختصاص داده

مثل روز ولادت شریف آن حضرت که موافق مشهور هفدهم ربیع الاول است و بعضی دوازدهم گفته اند.

و روز وفات که بیست و هفتم صفر است، و روز میثاق و روز فتح بدر، و روز فتح مکه، و روز جنگ اُحُد، و روز فتح خیبر، و روز مباهله، و هم چنین سایر ایام فتوحات آن حضرت و همین این روزها در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مذکور شد.

و شب هجرت آن حضرت از مکه به مدینه که شب اول ماه ربیع الاول است، و روزی که داخل مدینه شد که دوازدهم ماه مذکور است.

و روزی که از شب ای طالب بیرون آمدند که نیمه رجب است.
و شبی که حضرت آمنه - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهَا - به آن حضرت حامل شد که دوازدهم جمادی الآخر است.

و شب معراج که شب بیست و یکم ماه رمضان است و بعضی نهم ذی الحجه گفته اند و بعضی هفدهم ربیع الاول نیز گفته اند.

و روزی که حضرت خدیجه را به عقد خود در آورد که دهم ماه ربیع الاول است.

فصل سوم

در وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و فضیلت و کبایت زیارت آن حضرت در بلاد بعیده

در احادیث مجید از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی از مدینه بیرون آیی غسل بکن و برو به زاد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از آن که از کارهای خود فارغ شده باشی، بس وداع کن و به عمل آرد آنچه پیشتر می فرمودی نزد داخل شدن مسجد و بگو

اللَّهُمَّ لَا تُجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَشْهَدُ فِي عِمَّتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ^۱

و بط در کتب زیارت از یوسس بن یعقوب روایت کرده که گفت: سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام از کبایت وداع قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود می گوئی: صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَلِّبَكَ لَا جَعْلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

مؤلف گوید که اگر بعد از این وداع دهای وداع اول را بخواهی موالف می نمود با وداعی که شیخ صدوق در کتاب فقه نقل فرموده و در فقه اکثری صلی الله علیه و آله دهای چنین مذکور است:

اللَّهُمَّ لَا تُجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَحَرَمِهِ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي حَيَاتِي إِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و فرموده وداع قبر مکن مگر با غسل و اگر غسل ممکن نباشد و وضو بساز

۱ و میخ معبد و دیگران در کبایت وداع صلی الله علیه و آله را ذکر نموده به این ریاضی چنانچه بعد از و رشم الله گذرانده و آنکه قبل از عزت من اهل بیتهم آتیه الطاهرین الدین ادعیت عنهم الرحمن و طهرت عنهم تطهیراً فاعشرون منهم و فی زمرتهم و لغت برآبهم و لا تفرق بین و بینهم فی الدنیا و الآخرة با الزمعة الزاحمین (ص ۱۶۱)

زیارت حضرت رسول الله ﷺ از شهرهای دور

و اقا احادیث در فضیلت زیارت آن حضرت در بلاد پیاده بسیار است. شیخ صدوق در
امالی از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که فرمودند که: خدا را ملکی چند هست که می گردند در
زمین و هر که از اوست من بر من سلام می فرستد به من می رسانند. و شیخ طوسی رحمه الله از امام معتمد
باهر رحمه الله روایت کرده که فرمودند: ملکی از ملائکه از حق تعالی سؤال نمود که هر چه بتدکان خدا
گویند او بشنود. حق تعالی سؤال او را به اجابت مقرون فرمود: شوائبی به او عطا فرموده پس آن
ملک ایستاده اسب تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید: صلی الله علیه و آله و سلم الله بعد آن
ملک گوید: وَ عَلَیْهِهٖ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ پس آن ملک می گوید: یا رسول الله ﷺ غلام
شخص سلام رسانیده است به شما. پس حضرت می فرماید: وَ عَلَیْهِهٖ السَّلَام. پس بر او باد بر
سلام. و تلمذ الاسلام در کفلی به سند صحیح از مسعودی بن وهب روایت کرده که حضرت
صادق رحمه الله فرموده که: باصلوات بفرستید بر حضرت رسول ﷺ در پهلوی قبر آن حضرت. صواب
مؤمنان هر چند، هر جا که باشند به آن حضرت می رسد.

صلوات بر حضرت رسول ﷺ بعد از هر نماز

مؤلف گوید که: صلوات در این حدیث احتمال می رود که مراد به آن نماز باشد پس حدیث
دالالت دارد بر این احتمال بر استحباب نماز هدیه از دور و نزدیک که هدیه روح مقلس آن
حضرت شود. و بحادیث صلوات و سلام بر آن حضرت در شهرهای دور بسیار است.
و افاقیت زیارت پیاده آن حضرت با سایر آتش در باب زیارات پیاده مذکور خواهد شد. ان
شاء الله. و در این جا گفتا کنیم به ذکر یک حدیث صحیح عید الله به بیضر حسینی در کرم
السنن از ابی ابی الخطاب از یزیدی بنی محمد بن ابی نصر روایت کرده که: به خدمت حضرت امام
رضا رحمه الله عرض کردم که: بعد از نمازهای مکتوبه چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول ﷺ
باید فرستاد؟ فرمود که: می گویند:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ زَحْمَةُ اللَّهِ وَ تَرْكَائُهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ
يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِیْرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِیْبِ

اللَّهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ
رَسُولُ اللَّهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ تَضَعْتَ لِأَمْنِكَ
وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ. فَجِزَاكَ اللَّهُ
يَا رَسُولَ اللَّهِ الْفَضْلَ مَا جَزَى نَبِيّاً عَنْ أَكْثَرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ الْفَضْلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ خَمِيدٌ مُجِيدٌ.

فصل چهارم

در کیفیت زیارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها است

بدان که چون حضرت فاطمه علیها السلام وصیت نمود که نو را در شب دفن کنند و کسانی که بر او ظلم
گرفتند به نثار و جوار ملتی حاضر شوند پس او را در شب دفن کردند و به این سبب محل قبر
شریف آن حضرت شریفترین بود میان علمای شافعی و حنبل گشت.

و ظاهر اکثر احادیث محضر آن است که آن حضرت در خانه خود مدفون گردیده است که متصل
به حجره طاهره حضرت رسول صلی الله علیه و آله است و اکنون ضریحی نیز از برای آن حضرت ساخته اند.

و بعضی گفته اند که در روضه مدفون است که میان قبر و میر باشد.

و بعضی گفته اند که در بلخ نزدیک قبر ائمه مدفون است.

و احوط آن است که در هر سه موضع زیارت شود اگرچه بودن قبر آن حضرت در بلخ صحیح
است و اظهار نزد جماعتی آن است که در خانه خود مدفون است. و عسی است مستطاب شیخ
صدوق رحمته الله و بعضی دیگر و شیخ طوسی رحمته الله فرموده که افضل نزد من آن است که در خانه و
روضه هر دو جا زیارت شود و این ضروری از برای زائر ندارد و باعث بزرگی اجر او می شود.

و شیخ صدوق و غیره از این امر کسر روایت کرده اند که گفت: از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال
نمودم از قبر حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که در خانه خود مدفون شد پس چون زیاد کردند بنی
ایمه مسجد راه داخل مسجد شد. و حسری نیز از برخطی روایت کرده که او عسی سؤال را از آن
حضرت نمود پس حضرت فرمود که ای سؤال از حضرت چهره علیه السلام نیز شده دو حالی که عسی
بی موسی حاضر بود پس عسی جوابی سائل را داد که حضرت فاطمه علیها السلام در بلخ مدفون شد.

پس سائل به حضرت امام جعفر علیه السلام عرض کرد که: تشا چه می فرمایید؟ فرمود که: عیسی جواب تو را داده این امر بر نطی گوید که چون حضرت امام رضا علیه السلام این حرمانش را بیان نمود، من به آن حضرت عرض کردم که: اصطلاح الله مرا چه به حرف عیسی بن موسی (یعنی رأی آن مرد به چه کار من می خورد)، خبر بده مرا از پدری بزرگوار است که آنها چه فرموده اند؟ فرمود که: «آن حضرت در خانه خود مدفون شده».

و میر شیخ صدوق در معنی اعتبار از حضرت صافی علیه السلام روایت کرده، آن چه ن که حاصلش این است که حضرت فاطمه علیه السلام در روضه مدفون است و به این سبب حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: در روضه او از روضه های بهشت بسبزه و فرمود که: «دوی از درهای بهشت است»؛ زیرا که قبر فاطمه علیه السلام باقی از باغ های بهشت است و به سوی آن گشود شده است دوی از درهای بهشت. علامه مجلسی رحمته الله (این مطالب را) در نطفه حدیث ذکر این احادیث فرموده.

مؤلف گوید که: چون سابقاً مذکور شد که روضه به قدر چهار ستون عرض دارد و مذکور شد که پاره ای از خانه حضرت فاطمه علیه السلام را داخل مسجد کرده اند، پس ممکن است جمع میان این حدیث و احادیث پیش کرده که حضرت در خانه خود مدفون شده باشد در جانب مسجد، که معادی ما بین قبر و منبر و داخل روضه باشد و آنچه در روایب سابق مذکور شد مؤید این است که خانه حضرت داخل روضه و بهترین جاهای روضه است، لکنی و بدان که در احادیث مستطیقه وارد شده که صادر در خانه حضرت فاطمه علیه السلام افضل است از سایر در روضه.

کیفیت زیارت حضرت فاطمه علیه السلام

و اما کیفیت زیارت آن حضرت، پس شیخ طوسی رحمته الله در تعلیقات از ابراهیم بن محمد عرض روایت کرده که گفت: «روزی حضرت ابو جعفر علیه السلام امام محمد تقی علیه السلام حدیث کرد ما را و فرمود که: «اکنون می روی به سوی قبر جده خود فاطمه علیه السلام پس بگو».

يَا مُنْتَحَنَةُ اَللّٰهُ اَلَّذِيْ خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَّخْلُقَكَ ۖ فَوَجَدَكَ لِمَا
اَفْتَحَكَ صَابِرَةً وَرَزَعْنَا اَنَّا لِكَ اَوْلِيَاءُ وَنُصَدِّقُوْنَ وَصَابِرُوْنَ اِكْلٌ مَا اَتَانَا
بِهٖ اَبُوكَ وَاَتَانَا بِهٖ وَصِيَّةٌ ۖ هَآئِنَا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا ضَلَفْنَاكَ اِلَّا اَلْحَقُّنَا
بِتَصَدِيقِنَا لِهَآءِ ۖ نُبَشِّرُ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ ۖ

و سید ابن طاووس رحمه الله در کتاب تهذیب ذکر کرده است چیزی که مشخص این است که ما در کتاب توضیح روایت کردیم از جماعتی از اصحاب که وفات حضرت فاطمه علیها السلام در روز سیم ماه جمادی الآخره بوده است. پس سزاوار است که فعل وفات در آن روز محزون باشد و زیارت شود آن حضرت به آن چیزی که در کتاب جمال الکبری ایراد نمودیم در نزد سیره پنجبر از برای کسی که در آن جا حاضر باشد و اگر نه هر مکانی که باشد.

و روایت کرده است: در جامع کتاب سائق که ابراهیم بن محمد حمدانی عرضه ای به خدمت امام عقی النعمانی نوشت که: مرا خبر ده از قبر حضرت فاطمه علیها السلام که آیا در مدینه است یا در بلخ است چنانچه مردم می گویند؟ حضرت علیها السلام جواب نوشت که: «ما دم فاطمه با جدم رسول خدا - صلی الله علیهما و آلهما - مدفون است». و سید گفته است که: پس می گوئی:

السلام غلک یا سیدة نساء العالمین. السلام علیک یا والدة المصم
غل الناس اجمعین. السلام علیک ایها المظلومة المظلومة حقها.

پس بگو اللهم صل علی لقبک. و ابنتی نبیک. و زوجة ویمی نبیک. صلاة
تزلها فوق رهن عبادک المکرمین من أهل السموات و أهل الارضین

به تحلیل که روایت رسیده است که هر که به این زیارت آن حضرت را زیارت کند و در خدا طلب آمرزش کند حق تعالی گناهانش را بپارود و او را داخل بهشت گرداند.

مؤلف گوید که نجل سید ابن طاووس نیز این زیارت را در کتاب روایات نقل کرده و گفته که مختصر است به روز وفات آن حضرت که سیم ماه جمادی الآخره باشد و کیفیت زیارت را به بی طریق فرموده که: شمار می کنی سار زیارت یا ساز خود آن حضرت را. و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سوره قل هو الله اخذ می خوانی. و اگر توانی، در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله یک مرتبه بخوان و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون یک مرتبه. و چون سلام گفتی بگو السلام علیک تا آخر زیارت مذکوره. و بدان که علما این زیارت را از برای آن حضرت در روضه قل موعظت و گفته اند که می ایستی در روضه و می گوئی:

السلام غل البتوة الطاهرة. و الصديقة المظلومة. و البیرة الثقیة.
سلیة المصطفی. و خلیة المرصن. و أم الائمة النجباء. اللهم إنها خرجت

مِنْ دُنْيَاهَا مَطْلُومَةٌ مَشْهُومَةٌ. قَدْ طَلَيْتُ دَاءَ وَحْشَةٍ وَكَغْدًا وَغَضَةً. تَشْكُو إِلَيْكَ وَالْإِلَهِيَّاتُ مَا قُولُ بِهَا. اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لَهَا وَخُذْ لَهَا بِحَقِّهَا. اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى الزُّهْرَاءِ الزُّكِيَّةِ الشَّارِكََةِ الْفَيْثُونَةِ. صَلَاةً تَزِيدُ فِي شَرَفِ مَحَلِّهَا عِنْدَكَ. وَجَلَالَةِ مَقَرِّهَا لَدَيْكَ. وَيَنْقُلُهَا مِنِّي السَّلَامُ. وَالسَّلَامُ عَلَيْهَا وَزَخْفَةُ اللَّهِ وَتَرْكَاتُهُ.

و شیخ طوسی علیه السلام در تفسیر این زیارت اول را ذکر نموده فرموده که: این زیارت را همی زیارتی که ما در سابق ذکر نمودیم - به طریق روایت باقیم، و لذا اصحاب ما در زیارت آن حضرت چنین گفته‌اند که می‌ایستی در یکی از دو موضع - یعنی در خانه آن حضرت یا در روضه - و می‌گویند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَبِيبِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ إِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْبَيْتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّجِيَّةُ الْغَرِيبَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاصِلَةُ الزُّكِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْدُؤُ الْإِنْسِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفِيسَةُ النَّبِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَمَّدَةُ الْعَلِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقْهَوْرَةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاجِئَةً بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَزَخْفَةَ اللَّهِ وَتَرْكَاتُهُ. صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَضَيْتَ عَلَى نَفْسِي مِنْ رَبِّكَ. وَأَنَّ مَرَّ مَرِّكَ قَدْ

سَرُّ رَسُوْلِ اللّٰهِ • وَ مَن جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُوْلَ اللّٰهِ • وَ مَن آذَاكَ فَقَدْ آذَى
رَسُوْلَ اللّٰهِ • وَ مَن وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُوْلَ اللّٰهِ • وَ مَن قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ
رَسُوْلَ اللّٰهِ • لِأَنَّكَ بَشْعَةٌ مِّنْهُ وَ رُوْحُهُ الَّذِي فِيَّ جَسَدِي كَمَا قَالَ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ اللّٰهُ وَرُسُلَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَنْ رِضْوَتِ عَنْهُ • سَاجِدٌ
عَلَى مَنْ سَجَدْتَ عَلَيْهِ • مُتَبَرِّئٌ مِّنْ تَبَرَّاتِ بَنِي • مُوَالٍ لِّعَنْ وَآلِهِ • مُعَادٍ
لِّعَنْ عَادَتِهِ • مُبْفِضٌ لِّعَنْ أَنْفُسِهِ • مُجِبٌّ لِّعَنْ أَجْنَبَتِهِ • وَ تَقَرُّ بِاللّٰهِ شَهِيداً
وَ خَسِيباً وَ جَارِياً وَ مُشَبَّهاً

پس صلوات بر فرستی بر رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام

صلوات بر پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام

و شیخ صدوق این زیارت را در کتب قل فرموده و صلوات بر پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام را به پس
گفته است:

اللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى غَدِيكَ وَ رَسُوْلِكَ مُحَمَّدٍ بِنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّیْنَ
وَ خَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِیْنَ • وَ صَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ إِمَامِ الْمُسْلِمِیْنَ وَ خَوِیْرِ الْوَحِیْدِیْنَ • وَ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ
مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ • وَ صَلِّ عَلَى شُعْبَةَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ
وَ الْحُسَيْنِ • وَ صَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِیْنَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ • وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ • وَ صَلِّ عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللّٰهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ • وَ صَلِّ عَلَى
الْكَائِمِ الْمُنْتَظَرِ هُوَ اللّٰهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ • وَ صَلِّ عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى •
وَ صَلِّ عَلَى التَّقِیِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ • وَ صَلِّ عَلَى النَّوِّیِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ • وَ صَلِّ
عَلَى الرَّكْبِیِّ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ • وَ صَلِّ عَلَى الصُّبْحِیِّ الْقَائِمِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ •
اللّٰهُمَّ أَخِي بِه الْعَمَلُ وَ أَمِیْتُ بِه الْخَوَرُ وَ ذَلَّتْ بِطَوْلِ بِقَائِهِ الْأَرْضُ وَ أَظْهَرَ بِه

وَبِكَ وَسُئِلَ فِيمَكَ حَتَّى لَا يَسْتَنْفِيَنَّ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ
الْمَخْلُوقِ وَاجْتَمَعْنَا مِنْ أَتَوَاتِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُفَرَةِ أَوْلِيَائِهِ يَا رَبَّ
الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الَّذِينَ لَقَعْنَتْ عَنْهُمْ الرَّحْمَةُ
وَلَهَزَّتْهُمْ تَطْهِيرًا.

و بر شیخ صدوق علیه السلام فرموده که: من وقتی که از حج بیت الله الحرام رجوع کردم، به سینه
آدم بعد از طواف از زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد خانه فاطمه علیها السلام نمودم و پشت به قبله کردم، در
حالی که با غسل بودم و این زیارت را خواندم و چون بیاثم من در باب زیارت فاطمه علیها السلام در
احادیث، زیارت مولف محدودی^۱ پس این زیارت را در کتاب خود ذکر کردم و پسندیدم از
برای ناظر در کتاب خودم آنچه را که از برای خودم پسندیدم. تمام شد محصل عبارت شیخ
صدوق علیه السلام در من لا یحضره الفقه.

و بدین که زیارت آن حضرت در اوقات شریفه و از منته مخصوصه به آن حضرت اولی و السب
است مثل، روز ولادت آن حضرت که بیستم ماه جمادی الآخره است بنابر قول شیخ طبرسی و سید
ابن طاووس یا هم آن بر قول جمعی.

و روز وفات آن حضرت که ستم ماه منکوره است بنابر قول سید و جمعی یا در اقامت ابیله ماه
جمادی الاولی بنابر روایت هفده و بیج روز بعد از وفات پدر بزرگوارش یا بیست و یکم ماه
رجب چنانچه به این عبارات نسبت یافته شد.

و روز تزویج آن حضرت ادریسه رجب یا اول ذی الحجه یا ششم آن.

و شب رخافت آن حضرت ادریسم ذی الحجه یا بیست و یکم ماه محرم.

و روز مباهله ادریست و چهارم ذی الحجه.

و روز نزول «هل انی» ادریست و پنجم ذی الحجه.

و غیر اینها را آگاهی که فضیلت یا کرامتی از آن مظلومه نقل شده و تعیین این اوقات در باب

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منکوره شد.

مقام دوم

در زیارت ائمه بطریق بعضی حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام و زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و فاطمه بنت اسد مادر امیر المؤمنین علیه السلام و اشاره به تسبیح جمعی از پیغمبران و اصحاب که در بطریق مدفونند و در آن دو فصل است.

فصل اول

در کیفیت زیارت ائمه بطریق علیهم السلام

باید آدایی که در باب اول مذکور شد از غسل و تطهر جامدها و بوی خوش کردن و رخصت طلبیدن در دخول و غیر اینها را به عمل بیآورد و اگر در دعای این دخول آنچه شیخ محمد بن مهدی رحمته الله ذکر کرده است، بخواند، بد نیست. گفته است که بر در بایستد و بگوید:

یا ذوالی یا ائمه رسول الله. عَبدُکُمْ وَابْنُ اَمَتِکُمْ اللّٰهَ بْنَ اَیْمِکُمْ
وَالْمُسْتَعِیْلِ فِی عُلُوِّ قُدْرَتِکُمْ وَالْمُعْتَرِفِ بِحَقِّکُمْ. جَاءَکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ.
فَاصْبِرْ اِلٰی حَزْبِکُمْ. مَتَقَرَّباً اِلٰی مَقَابِلِکُمْ مُتَوَسِّلاً اِلٰی اللّٰهِ تَعَالٰی بِکُمْ.
اَدْخُلْ یا ذوالی. اَدْخُلْ یا اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ. اَدْخُلْ یا ضَلَّیكَ اللّٰهُ الْمُخْلِیْنَ
بِهَٰذَا الْحَزْمِ الْمُتَقَرِّبِیْنَ بِهَٰذَا الْمُشْهَدِ.

بعد از خضوع و خشوع و رفت داخل شود و پای راست را مقدم دارد و بسم الله بگوید. پس بگوید آنچه محمد بن مهدی بن المشهدی گفته است:

اللّٰهُ اَكْبَرُ کَبِیْراً وَالتَّوَكَّلُ لِلّٰهِ کَثِیْراً وَتُحَمِّلُ اللّٰهُ بِکَرَّةٍ وَاصْبِرْ لِلّٰهِ
لِلّٰهِ الْفَرْدُ الصَّمَدُ الْمَاجِدُ الْمُتَقَرَّبُ الْمُنْتَظَرُ الْغَنِّ الْغَنِّ الَّذِیْ مِنْ یُطَوِّلُ
وَسَهَّلَ زِیَارَةَ سَادَتِیْ بِاِحْسَانِهِ. وَلَمْ یَجْعَلْنِیْ عَرِیْلاً یُزَلِّجُهُمْ مَعْنَوْعاً بَلْ تَطَوَّلَ
وَمَنْحَ.

پس نزدیک خیر مقدمه ایشان ورود و پشت به قبله و رویه خیر ایشان کرده بگوید آنچه شیعیان
کلیس و این قولیه و شیعی طوسی و غیرهم - رسولان الله علیهم - روایت کرده اند از ائمه علیهم السلام که
فرموده اند چون بروی به نزد الهی امامان علیهم السلام که در بقع مدفون اند بایست نزد ایشان و قبر را پیش
روی خود قرار ده و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْهَلِيُّ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ التَّقْوَى. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
أَيُّهَا الْمُجْتَبَى عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي الْبَرِيَّةِ
بِالْوَسْطَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ الصُّفْوَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكُمْ أَهْلُ النَّجْوَى. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَمْ تَلُغُوا وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ
وَكُلِّبْتُمْ وَأَسِئَءَ إِلَيْكُمْ لَفَقَرْتُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْآئِمَّةُ الْوَارِثُونَ الْفَهْدِيُّونَ وَأَنْ
طَاعْتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ. وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمَّ تَجَانَبُوا وَأَمَرْتُمْ
فَلَمَّ تَطَاعُوا. وَأَنَّكُمْ دَعَايُمُ الَّذِينَ وَالَزَّكَاءُ الْأَرْضِ. لَمْ تَرَالُوا بِغَيْرِ اللَّهِ
بِنَسْحِكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مَطْهَرٍ وَنَسْفَلَكُمْ مِنْ لُحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ. لَمْ
تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْبُهْلَاءُ وَلَمْ تُشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَعْوَادِ. طِبْتُمْ وَطَابَ
سَبْكُكُمْ. مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ فَجْعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَزْوَاجِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ
وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ. وَجَعَلَ صَلَواتِهِ عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا. إِذْ
اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا. وَطِيبَ خَلْقًا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ. وَكُنَّا جُنْدَهُ
مُسْمِينَ^۱ بِمِلَّةِكُمْ مُغْتَرِبِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ. وَهَذَا عَقَامٌ مِنْ أَشْرَفِ
وَأَحْطَأ. وَاسْتَكَانَ وَأَقَرَّ بِمَا جَنَنَ. وَرَجَا بِمَقَابِهِ الْخِلَاصَ. وَأَنْ يَسْتَقِيلَهُ
بِكُمْ مُسْتَقْبَدُ الْهَلَكُنِ مِنَ الرَّدَى. فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ. فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ
رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ النَّسَاءِ. وَاتَّخَلَّوْا آيَاتِ اللَّهِ هُرُوءاً وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا^۲.

۱ مسلمین

۲ شیخ معتز بن السهیدی بعد از التمجید و استغفار از آنها گفته است که سرور بالا می گوی و می گوی یا من هم از شما
آخر: صلوات

يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُوُهُ وَدَائِمٌ لَا يَلْهُوُ وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ بِمَا
وَقَفْتَنِي وَعَزَّيْتَنِي بِمَا أَقْسَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهِلُوا مَخْرَفَتَهُ
وَاسْتَحْفُوا بِحَقِّهِ وَمَا لَوْ أَلَى سِوَاهُ فَكَانَتْ الْجَنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ الْغَوَامِ
خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا
مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَخْرِبْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي بِمَا نَعَمْتُ
بِحُرْمَةِ مُحَقِّقِي وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس دعا کن از برای خود به هر چه خواهی.

و تسبیح طوسی ع در تهجد به فرموده کند بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکند پس از برای
هر امامی دو رکعت.

و سید ابن طاووس ع گفته است که چون خواهی ایشان را وداع کنی بگو

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اسْتَغْفِرُكُمْ اللَّهُ وَالزَّوْءُ عَلَيْكُمْ
السَّلَامُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَفَلَّحْتُمْ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَارْتَبِنَا
مَعَ الشَّاهِدِينَ

پس دعا بسیار کن و از خدا سؤال کن که دیگر تورا به زیارت ایشان برگرداند و آخر عهد تو
بباشد از زیارت ایشان و علامه مجلسی ع در بعضی زیارت مبسوطی از یکی از سبع قدیمه ایراد
فرموده و چون به تصریح ایشان و دیگران بهترین زیارات برای ایشان زیارت جامع است که این
شاه الله بعضی از آن‌ها بعد از این مذکور خواهد شد ما در این مقام به همین قدر قناعت کردیم.

زیارت امام حسن ع

و در کامل الزیارات به سند صحیح نقل شده که سعد بن العنبر ع به زیارت برادر خود امام
حسن ع می‌رفت و می‌گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ أَوَّلِي الْمُؤْمِنِينَ وَكَتَيْفَ لَا تَكُونُ
كَذَلِكَ وَأَنْتَ ضَلِيلٌ^۱ أَهْلِي^۲ وَخَلِيفُ أَهْلِي^۳ وَخَامِسُ أَهْلِي^۴ أَيْكَسَاءَ

عَلَيْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ وَرُئِيتَ فِي جَبْرِ الْإِسْلَامِ وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ •
فَلَيْتَ حَيًّا وَطَيِّبًا مَيَّاءَ غَيْرِ أَنْ الْأَنْفُسَ غَيْرَ طَيِّبَةٍ بِفِرَاقِكَ وَلَا شَاكَةَ فِي
الْخِيَابِ لَكَ وَرَحْمَتِكَ اللَّهُ

زیارت امام جعفر صادق

و میز در کمال تقیاده از حضرت صادق روایت کرده که می فرمود: «در نزد قبر علی بن
الحسن علیه السلام هر چه خواهی بگو» یعنی به هر لفظ که زیارت کنی خوب است. و علامه مجلسی
در بحار در کتاب متقی که به وهم آن مرحوم از مؤلفات تلمذی است نقل کرده که در آنجا سنداً
روایت شده از جناب عثمان بن سعید شمری که با ابو القاسم بن روح که هر دو از مانیان خاص امام
عصراند. به زیارت حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام مشرف شدند. پس پیستاد نزد باب
السلام و گفتند:

السلام عَلَيْكَ يَا مَوْلَانِي وَابْنِ مَوْلَانِي وَلَهَا مَوَالِي وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ •
السلام عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ دَارِ الْقِيَامِ وَزَعِيمَ دَارِ الْبَقَاءِ • إِنَّا حَاجِبُكَ وَمَوَالِيكَ
وَنَفَرُكَ بِأَوْلَانِكَ وَأَحْرَاكَ فَاسْتَفْعِ لَنَا إِلَى مُسْتَفْعِكَ • اللَّهُ تَعَالَى زَيْنًا وَزَيْنُكَ •
لَمَّا خَابَ عِنْدَ قَعْدِكَ زَيْنُهُ وَاتَّصَبَ فِيكَ قَلْبُهُ وَهَجَرَ فِيكَ أَهْلُهُ وَصَحْبُهُ
وَاتَّخَذَكَ وَلِيَّةً وَخَصْبَةً • وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

علامه مجلسی رحمه الله بعد از نقل فرمود: «بعد بیست که این زیارت از برای ابی عبد الله
الحسن علیه السلام باشد و ناسبی آن را تصحیف کرده باشند

مؤلف گوید که: در بقعه آنستہ لرستان علیه السلام که اصل آن از بناهای ناصر بن الشیخیه است دو نفر
دیگر بر مدفوناند یکی عیاس عموی حضرت رسول صلی الله علیه و آله که قبرش متصل به قبر آنستہ علیه السلام است و
در طرف غربی است. و دیگر قبری است که در طرف قبله بقعه متصل به دیوار است و ضریح
کوچکی دارد و آن را سبب به حضرت فاطمه علیها السلام می دهند. و جماعت بسیاری از عامه معتقدند که
آن قبر فاطمه و هرا علیها السلام است و قبر فاطمه بنت اسد همان است که در زائره قبرستان یحیی در طرف
شمالی قبه عثمان معروف است. و در سابق به شرح رفت که مفاد اخبار و مذهب اکثر علمای شیعه
آن است که مدفن حضرت طاهره علیها السلام یا خانه خود است یا روضه مطهره. و بعد بیست که این
قبری که در پیش روی آنستہ یحیی است محل قبر فاطمه بنت اسد باشد که اشتباه شده. و شیخ رحمه الله در

تعلیم در باب نسب حضرت صادق علیه السلام فرموده که قبر آن حضرت با پدر و جد و عم بزرگوارش حضرت حسن علیه السلام در بقیع است و در بعضی اخبار است که آن‌ها نازل شده‌اند بر جدشان فاطمه بنت اسد بن هاشم بن عبد مناف - رسول الله صلی الله علیه و آله - پس غیر آن بزرگواران در نزد قبر فاطمه مادر حضرت امیر علیه السلام است. پس الظاهر همان است که از کلام شیخ مفهرم می‌شود و بقصدی که نسبت به فاطمه بنت اسد می‌دهند، مشهد سعد بن سواد اشعری است که یکی از صحابه رسول صلی الله علیه و آله است چنانچه در بعضی مقامات الهجره گفته شده و سهروردی که از علمای عاقله است در کتاب خلاصه الاولاد یا اخبار دارالمصطفی بر اختیار کرده که فاطمه بنت اسد زده‌اشته بهیچ علیه السلام مدفون است. پس سزاوار است که آن حضرت نیز در این جا زیارت شود و در بعضی زیارت جناب عباس نیز محروم نباید شد. شیخ شهید علیه السلام در عروسی فرموده و مستحب است زیارت کردن متجهبین از صحابه - رسول الله صلی الله علیه و آله عليهم اجمعین - بخصوصی جعفر بن ابی طالب که (در آیه ^(۱) مدفون است و عباس و اولاد او و سلمان در مقامی و عتار در مقامی و حذیفه رسول الله صلی الله علیه و آله عليهم اجمعین، انهم

و بدان که زیارت آنست بهیچ علیه السلام در اوقات متزکده و از همه مخصوصه به ایشان اولی است مثل: روز ولادت حضرت امام حسن علیه السلام که موافق مشهور نیمه ماه رمضان است. و روز وفات آن حضرت که هفتم یا بیست و هشتم یا آخر ماه صفر است. و روزی که بان مبارکش را سبوح کردند که بیست و نهم ماه رجب است. و روز سابعله و روز نزول فعل آنست که نهمین آن گذشت. و روز خلافت آن حضرت که روز شهادت پدر بزرگوارش است.

و روز ولادت حضرت امام زین العابدین علیه السلام که پنجم یا نهم ماه شعبان است یا نیمه ماه جمادی الاولی یا غیر آن بنا بر اختلاف. و روز وفات آن حضرت که دوازدهم یا هجدهم یا بیست و پنجم ماه محرم است. و روز خلافت آن حضرت که روز شهادت امام حسین علیه السلام است. و روز ولادت امام محمد باقر علیه السلام که روز اول ماه رجب است. و روز وفات آن حضرت که هفتم ماه ذی الحجه است. و روز خلافت آن حضرت که روز وفات امام زین العابدین علیه السلام است. و روز ولادت امام جعفر صادق علیه السلام که هفدهم ماه رجب الاول است. و روز وفات آن حضرت که یازدهم رجب یا ماه شوال است. و روز خلافت آن حضرت که روز وفات امام محمد باقر علیه السلام است.

۱ - مراد شهری است در کشور آذربایجان نزدیک شهر باکو و در آنجا جنگ تبوک بین لشکر رومیان و مسلمانان واقع شد.

فصل دوم

در کیفیت زیارت ابراهیم علیه السلام فرزند نبی علیه السلام و فاطمه بنت اسد است

و اشاره به قبور جمعی از بنی هاشم و غیره که در بیع مدفون اند

شیخ طبرسی و سید و شهید - رضوان الله علیهم - فرموده اند که چون در زیارت اشع بقع فارغ شدی پس برو به سوی مزار ابراهیم فرزند رسول خدا علیه السلام همین که آنجا رسیدی بایست نزد قبر ر بگو

السلام علی رسول الله السلام علی نبی الله السلام علی حبیب
الله السلام علی صفی الله السلام علی نبی الله السلام علی محمّد بن
عبدالله علیه سلب الانبیاء وخاتم المرسلین و خیرة الله من خلقه فی ارضیه
وسماویه السلام علی جمیع انبیاء الله و رسله السلام علی الشهداء
و الشهداء و الصالحین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین السلام
علیک ایها الروح الزاکیة السلام علیک ایها النفس الشریفة السلام
علیک ایها السالاة الطاهرة السلام علیک ایها النسخة الزاکیة السلام
علیک یابن خیر النور السلام علیک یابن النبی المجتبر السلام علیک
یابن المینوچ الی كافة النور السلام علیک یابن البشیر النذیر السلام
علیک یابن السراج الممیر السلام علیک یابن الحق یابن القرآن السلام
علیک یابن المرسل الی الانس و الجن السلام علیک یابن صاحب الزینة
و الملامة السلام علیک یابن شفیع یوم القیامة السلام علیک یابن من
حباه الله بالكرامة السلام علیک ورحمة الله و بركاته اشهد انک قد
اختار الله لک دهر انعامه قبل ان ینکتب علیک احکامه او ینکلفک حلاله
و حرامه فتنقلک الیه طیباً زاکیاً مرضیاً طاهراً من کل نجس مقدساً من

كُلِّ قَسِيٍّ وَيَوَاكُ جَنَّةَ الْمَأْوَىٰ. وَوَفَّقَكَ إِلَى الْفَرَجَاتِ الْعُلَىٰ. وَصَلَّى عَلَيْكَ صَلَاةً يَكْرُمُ بِهَا عَيْنَ رَسُولِهِ وَيُسَلِّفُهُ أَكْثَرَ مَاثُورِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا. وَأَمِّنْ بِرَكَاتِكَ وَأَوْفَاها عَلَيَّ رِسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَجِيرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ. وَعَلَى مَا نَسَلُ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ. وَعَلَى مَا خَلَفَ مِنْ جِزَائِهِ الطَّاهِرِينَ. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْوَى نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا. وَتَقْبَلِي بِهِمْ مَغْفُورًا. وَخَيَالِي بِهِمْ سَعِيدَةً. وَعَالِيَتِي بِهِمْ خَمِيدَةً. وَخَوَانِي بِهِمْ مَقْبُودَةً. وَأَهْلِي بِهِمْ غَرِيبَةً. وَأُسُورِي بِهِمْ مَسْمُودَةً. وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً. اللَّهُمَّ وَأَخِيْنِ لِي تَوْفِيقًا. وَنَفْسِي غَنًى كُلِّ هَمٍّ وَضِيقٍ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي بَحَابِكَ. وَامْتَنِعْنِي ثَوَابِكَ. وَأَسْكِنْنِي جَنَّاتِكَ. وَأَزِدْنِي رِسُولَكَ وَأَمَانِكَ. وَأَشْرِكَ لِي صَالِحَ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ. إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَائِضَاتِ الضَّالِّعَاتِ. آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

پس حاجات خود را از خدا بخواه و در رکعت نماز زیارت بجای آور

مؤلف گوید که قبر جناب ابراهیم علیه السلام واقع است در بقعه ای قریب به بقعه ائمه علیهم السلام و جناب عثمان بن مظعون رضی الله عنه که یکی از اعظم و اکابر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله است و جلالت شأنش بالاتر از آن است که ذکر شود و در زیارت شهدا که از ناحیه مقدسه رسیده اشاره به جلالت او شده در این فقره «السلام علی عثمان بن امیر المؤمنین سیدی عثمان بن مظعون» او نیز قبرش در همان بقعه شریفه است و او ازل کسی است که در بقیع مدفون گشت و پیش از او بقیع مکان اشجار بود و به این سبب «بقیع غرقه» می گفتند پس سزاوار است که زیارت آن بزرگوار نیز بشود ^(۱) و صاحبان تاریخ مدینه ذکر نموده اند که علیا جناب رقیه و ام کلثوم رضی الله عنهما دو دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله در همین بقعه مدفون اند و در روایات آنها و روایات شیعه و ابره شده که زمانی که رقیه مکرّمه از

۱ و انس بن ربیع و ابن مسعود بر در بقعه عثمان بن مظعون مدفون اند رحمهم الله

هیا رفت حضرت رسول ﷺ فرمود که: صلح شو به سلف صالح ما عثمان بن عفون، و سید
عی مسعودی گفته که ظالم آن است که دختران بیغیر جفا در نزد عثمان بن مظعون مدفون شده
باشند به جهت آنکه حضرت رسول ﷺ دو وقتی که سنگی بالای سر قبر عثمان گذاشت فرمود:
«به این سنگ نشان می‌کنم قبر پدرم را، و فلان می‌کنم دو نزد او هر کدام که بمرد از اولادم»
قبر گوید که: ریاضی از برای دختران رسول ﷺ به عظم رسید تا بهمان نسایم، و علامه
مجلسی در تعلقه فرموده و از جمله زیارات مرغوبه زیارت ابراهیم (ع) فرزند رسول خدا است
در بلخ و مرور ولادت آن حضرت که هجدهم ماه رجب است موافق مشهور نسب است، البته
و روز هجدهم ماه مذکور رور وفات آن حضرت است چنانچه خود علامه مجلسی (ع) در زاد المعاد
معرض شده پس ذکر ولادت از انتباهات مشایخ است.

زیارت حضرت فاطمه بنت اسد رحمة الله علیها

و الماکثت زیارت فاطمه بنت اسد سوحها الله پس چنان است که سید و شیخ سلید ر
شهد (ع) فرموده‌اند که: چون از زیارت ابراهیم (ع) فارغ شدی متوجه شو به سوی زیارت فاطمه
والده مکرمه امیر المؤمنین (ع) پس هرگاه که به قبر آن مکرمه رسیدی بگو:

السلام علی نبی الله، السلام علی رسول الله، السلام علی محمد سید
المرسلین، السلام علی محمد سید الأولین، السلام علی محمد سید
الآخرین، السلام علی من تبعه الله رحمة للعالمین، السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علی فاطمة بنت اسد الهاشمیة،
السلام علیک ایها الصدیقة القرظیة، السلام علیک ایها النبیة النبیة،
السلام علیک ایها الکریمة الرضیة، السلام علیک یا کافلة محمد خاتم
النبین، السلام علیک یا والده سید الوصیین، السلام علیک یا من ظهرت
شفقتها علی رسول الله خاتم النبین، السلام علیک یا من تربتها لولی الله
الأمین، السلام علیک وعلی زوجک وبنیک الطاهر، السلام علیک وعلی
ولیک ورحمة الله وبرکاته

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتَ الْكَفَالَةَ. وَأَقَلَّتِ الْأَمَانَةَ. وَاجْتَهَدْتَ فِي مُرَاضَاتِ
 اللَّهِ. وَبَالَغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ. عَارِفَةً بِحَقِّهِ. مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ. مُتَعَرِّفَةً
 بِسُؤْتِهِ. مُسْتَبْهَرَةً بِبَغْيَتِهِ. كَافَّةً بِقَرِيبَتِهِ. مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ. وَاقَّةً عَلَى
 جِدْمَتِهِ. مُخْتَارَةً رِضَاءَهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ تَصَنِّبْتَ عَلَى الْإِيمَانِ. وَالتَّوَكُّلِ
 بِأَشْرَفِ الْأَذْيَانِ. رَاضِيَةً مُرَضِيَةً. طَاهِرَةً زَكِيَّةً. نَقِيَّةً نَقِيَّةً. فَرَضِي اللَّهُ عَلَيْكَ
 وَأَرْضَاكَ. وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوَاكَ وَمَأْوَاكِ. اللَّهُمَّ ضِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْقِصِي بِيَارِزِيهَا. وَتَبْنِي عَلَيَّ مَحَبَّتَهَا. وَلَا تُخْرِمْني شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ
 الْأَنْبِيَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا. وَارْزُقْني مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْني مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا
 الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ أَجْزَ الْفَقْدِ مِنْ زِيَارَتِي لِأَهْلِهِ. وَارْزُقْني الْقُوَّةَ
 إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَهْوَيْتُ. وَإِذَا تَوَلَّيْتُ فَأَحْشُرْني فِي رُفَّتِهَا. وَأَفْجَلْني فِي
 شَفَاعَتِهَا. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدُنْكَ
 الْخَيْرُ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. وَأَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي
 الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقَدْ بَرَّخَمْتُكَ غَذَابَ النَّارِ

پس دو رکعت نماز زیارت می کنی و می خواهی خدا را به آئینه می خواهی و بر می گردی
 مؤلف گوید که در مقام زیارت اثنا عشر گفتیم که دو موضع است که منسوب است به
 ملاطفت است. یکی مزار معروف و دیگر دو بقعه اثنا عشر است. پس سزاوار است که در هر دو جا
 زیارت آن مظهر شود.

بیان بعضی قبور در مدینه طیبه

و بدان که علمای بزرگ و مؤلفین تاریخ مدینه گفته اند که بیشتر اصحاب رسول خدا (علیه السلام) در بقیع
 مدفون گشته اند و فاضل عیاض در مغازی که ده هزار گفته. و لکن غالب آنها قبرشان معلوم است
 هم حیناً و هم جهناً و سبیش آن است که در زمان پیش. بنا و کتابت نمی کردند بر سر قبور تا نشانه
 باشد. به علاوه آن که تمام او گذرا ایام هم موجب انحصار است. بلی کسانی که در بنی هاشم و غیره
 مدفن ایشان حیناً یا جهناً معلوم است قبر جناب ابراهیم است که مذکور شد.

و دیگر قبر جناب عقیل علیه السلام برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و در قبه عقیل است پسر برادرش عبد الله بن جعفر علیه السلام که به صفت جود مشهور افتاد است و بعضی گفته اند که عقیل در حائیه خود مدفون است و در نزدیکی قبر عقیل بقعده ای است منسوب به روحانی پیشرو علیه السلام غیر از خدیجه که در مکه است و غیر از مبنوه که در مشرفه است که موضعی است ما بین مکه و مدینه و مالک بن انس که یکی از ائمه مذهب لعل است نیز در بقعه زوجات رسول صلی الله علیه و آله مدفون است و قبر صفیه دختر عبد المطلب علیه السلام در طرف چپ آن کسی است که از پنج بیرون روه و قبر جناب اسماعیل فرزند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در مقبره بزرگی در طرف غربی قبه عباس خارج از پنج است و آن قبه رکن سور مدینه است از جهت قبله و مشرق و هوش از داخل مدینه متفرج می شود و بنای آن بقعه پیش از سور مدینه شده و ما در سابق در احوال مسجد کوفه اشاره کرده ایم به این که قبر مقداد نیز در پنج است نه در شهر و نه در بلاد بین مردم مشهور است و محتمل است که قبر شیخ جلیل معظم فاضل مقداد باشد که یکی از علمای جلیل الشأن شیعه و صاحب مؤلفات نفیسه است چنانچه سید جلیل ماهر آقا سید محمد باقر مؤلف روایات الحقیقات در ترجمه فاضل مقداد علیه السلام گفته و از چیزهایی که نزد من احتمال قوی دارد آن است که بقعه واقع در شهر و نه که معروف به مقبره مقداد است. قبر این مرد جلیل الشأن باشد بنا بر آنکه وفاتش در آن جا واقع شده یا آن که وصیت کرده باشد که او را در آن جا دفن کنند به جهت بودن سر راه رؤای حضرات عالیجاه و الا مقداد بن اسود کنندی علیه السلام که در بزرگان صحابه است در زمین بقیع مدفون است و اهل تاریخ گفته اند که در مکه قبری که یک فرسخی مدینه است از دپ رحمت گره پس چنانچه او را به هوش حمل کردند و در بقیع دفن نمودند ان شاء الله.

و سید جلیل قاضی نور الله شستر علیه السلام در مجلس المزمین نقل نموده که جناب مالک اشعر که در حوالی قلمزم به سبب حسلی که به (عراق) بودت شهید شد چنانکه او را به مدینه طایفه نقل کردند و در آن جا دفن نمودند و میر فرمود که حضرت محمد بن امیر المؤمنین علیه السلام که مشهور است به این الحقیقه دو مئه هشتاد و سه رحلت نمود و در بقیع مدفون گشت و در تواریخ مسطور است که محمد بن عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام که در آنجا منصور کشته شد مدفون است در جوف مسجد بزرگی در مدینه که در شرقی ملح است.

نظیر نموده که: محمد بن عبد الله همان است که پدرش برای او بیعت گرفت در سرمد و از حضرت صادق علیه السلام می خواست بیعت بگیرد حضرت خبر داد به کشته شدن او و تمام شد این کار برای او و تحصیل آن را ابو الفرج و شیخ مفید علیه السلام ایاد فرمودند و سماع کوهی است معروفه و غیر بدان که مقام را گنجایش ذکر نیست و موضع دفنشان نیز دوست معلوم نیست.

مقام سوم

در تکالیف زکاة در مدینه طیه

و در آن سه امر هست:

امر اول: آنکه مادلّی که در مدینه هستی قریب غنیمت دانسته نماز بسیار کنی در مسجد نبوی علیه السلام که سار در آنجا مقابل ده هزار سازی است که در جای دیگر کرده شود، و بهترین مکانهای مسجد، روضه است که مابین قبر و منبر است و در سابق اشاره شد به فضیلت آن، و در حدیث حسن از حضرت می منقول است که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله تا توانم بسیار نماز کنم و فرمود که: «همیشه تو را بیشتر می شود که به این مکان شریف بایی...» الخ

و شیخ طوسی رحمه الله در تہذیب به سند معتبر از مرفوع نقل کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «در مدینه و نماز کردن نزد سنیها واجب نیست بلکه واجب همان نماز پنجگانه و روزه ماه رمضان است، ولیکن هر که خواهد روزه بخورد بهتر است از برای او» و فرمود: «بسیار نماز کنید در این مسجد شریف تا نتوانید که بهتر است از برای شما» و بدانید که آنجا گاه هست زیورک می باشد در کار دنیا، مردم او را مدح می کنند که چه بسیار زیورک است فلاکی، پس چون باشد که کسی در سر آخرت زیورک باشد، و زیارت کن حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در هر روز مکرراً و همچنین ائمه باقی را به اندازهای که ممکن است تو را، و هر وقت که مشاهده کردی سحرة حضرت رسول صلی الله علیه و آله را سلام بکن بر آن حضرت و مادلّی که در مدینه هستی مواظب خود باش و خود را حفظ کن از گناهان و مطلق و تنبیر و تذکر کن در شرافت آنجا، خصوص در مسجد که قدمهای مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر آن رمیها گذاشته شده و آن حضرت در کوچه و بازار آن شهر توفه فرموده و در مسجد ساز خوانند، و آنجا موضع وحی و تزیل است و حضرت جبرئیل و ملائکه مقربین آنجا فرود می آیند و قسم ما قبل:

أَرْضُ مَنْشَى جِبْرِيلَ فِي غُرَابِهَا
وَاللَّهُ قَرِيفُ أَرْضِهَا وَتَسْمَاةَا

و تا سکی شود تو را مصدق کن در مدینه خصوص در مسجد و بخصوص به سادات و ثریه رسول صلی الله علیه و آله که ثواب جزیل و اجر عظیم بر آن مترتب است و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که: در روایت معتبر وارد شده است که در مدینه که در آنجا مصدق کنند بر او است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر مصدق کنند و اگر ممکن شود تو را اختیار کن مجاورت آن بلد طیب را، که مجاورت در مدینه به اجماع علما مستحب است و احادیث مستقره در فضیلت او وارد شده.

و معنی تائید که از جمله افعال مستحبه مؤکده در مدینه مشرفه، روزه گرفتن سه روز است در آن مکان شریف، خواه قصد ثلثه عشره داشته باشد یا نه، و افضل اوقات این سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است و اگر اعتکاف نماید زیاده فضیلت خواهد داشت. و سنت است که در شب چهارشنبه که روزه را می‌خواهد روزه دارد ساز کند در نزد ستون ابو لیهب که ستون توبه بر نام دارد بلکه در نزد آن ستون که محلّ نجاست است در هر وقت که امکان ساز و دعا و مناجات با حضرت امامی السلامات [مبشر خود] بسیار مناسب است و روز چهارشنبه و نیز در نزد آن ستون بگنارند و در شب پنجشنبه که شب دوم روزه اوست ساز کند در پای ستون که معاذی مقام و مصلای پیغمبر ﷺ است و شب جمعه ساز کند در مقام آن حضرت و به ترتیب دیگر نیز وارد شده و این ترتیب مضمون روایات صحیح و معتبره و مختار کتاب دروس شهید و دیگر علما است.

علامه مجلسی رحمه الله در نسخة المرقوم فرموده و در حدیث صحیح از آن حضرت پس حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «اگر ثلثات در مدینه تو را مبشر شود سه روز روزه می‌داری و شب چهارشنبه نماز می‌کنی نزد ستون ابی لیهب که خود را بر آن ستون پست تا توبه او از آسمان نازل شد و روز چهارشنبه نزد آن ستون می‌نشی، پس می‌روی شب پنجشنبه نزد ستونی که بعد از اوست و بعد از مقام رسول ﷺ است پس می‌نشی نزد آن ستون در آن شب و آن روز و روزه می‌داری در روز پنجشنبه، پس می‌روی به نزد شرفی که متصل به مقام پیغمبر ﷺ است در شب جمعه و در آن شب و روز آن جا ساز می‌گذاری و روز جمعه را روزه می‌داری، و اگر توانی در این سه روز سخن مگو مگر به قدر ضرورت و از مسجد بیرون مرو مگر از برای حاجتی و در شب و روز خواب مکن، به درستی که این عمل فضیلت عظیم دارد پس روز جمعه حمد و ثنای الهی بجا آور و صفوات بر رسول خدا و آلش ﷺ بفرست و حاجت خود را سؤال کن و باید که این دعا [را بخوانی]:

اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ شَرَعْتَ لَنَا فِي طَلِبِهَا وَاتِّبَاعِهَا أَوْ
تَمْ أَشْرَعْتَ سَأَلْتُكَهَا أَوْ تَمْ أَتَأَلَّكَهَا فَإِنِّي أَتَوَجُّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَائِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا

اگر چنین کنی سزاوار است که حاجت برآورده شود.

زیارت جناب حمزه و شهدای ائمه

امروز در نکالید روزگار در مدینه رفتن به سوی ائمه و زیارت کرم جناب حمزه علیه السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سایر شهدای ائمه همین که از زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و زیارت ائمه به جمع غلغله غارغ شدی برو به سوی ائمه که در یک فرسخی مدینه است همین که آنجا رسیدی زیارت کن حضرت حمزه علیه السلام را و در زیارت او بگو آنچه را که از ائمه علیه السلام رسیده:

السلام عليك يا عم رسول الله وخير الشهداء السلام عليك يا أئمة الله وأئمة رسوله أشهد أنك قد جاهدت في الله ونصحت لرسول الله وجئت بنفسك وطلبت ما جئ الله ورغبته فيها وعهد الله

پس در روایت داور که داخل شو و نماز بکن و در وقت سار رو به قبر بکن و چون از سار فارغ شوی خود را بر روی قبر بگذار و بگو

اللهم صل على محمد وعلى أهل بيته اللهم إني تعرضت لإرحمتك بلوحي يقبض عم نبيك صلواتك عليه وعلى أهل بيته لتجبرني من نعمتك وتسخطك ومقتبك ومن الزلزال في يوم تكثر فيه العقرات والآصوات وتشتغل كل نفس بما فعلت وتجاوب كل نفس عن نفسها فإن ترخني اليوم فلا خوف علي ولا حرز وإن شالبت لقولاي له القدرة على عبده اللهم فلا تحبيني اليوم ولا تصرفني بغير حاجتي فقد لزلت بقبر عم نبيك وتقرنت به إليك ابتغاء عرضائك ورجاء رحمتك فتقبل مني وعذ بجليلك على جهلي وبراقتك على جهناتي نفسي فقد عظم جرمي وما أخاف أن تطلبني ولكن أخاف سوء الجساب فأنظر اليوم إن تقبلي على قبر عم نبيك صلواتك على محمد وأهل بيته فيهم فكني ولا تحبب مني ولا يفوت عليك انتهالي ولا

يَحْجُبُ عَنْكَ صَوْتِي. وَلَا تَقْلِبْنِي بِقَبْرِ قَضَاءِ حَوَائِجِي. يَا غِيَاثَ كُلِّ
مَكْرُوبٍ وَمَقْطُورٍ. يَا مُعْزِجاً عَنِ الْمَلُوفِ الْخَيْرَانَ الْغَرِيبَ الْغَرِيبِ
الشَّرِيفَ عَلَيَّ الْهَلَكَةِ. صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ. وَأَنْظُرْ إِلَيَّ
نَظَرَةً لَا أُنْقِرُ بَعْدَهَا أَبَدًا. وَلِرَحْمِ تَقَرُّعِي وَعُزَّتِي وَاتِّقَادِي. فَقَدْ رَجَوْتُ
رِضَاكَ. وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُغْنِيهِ أَحَدٌ جِوَالِكَ. وَلَا تُرَدُّ أَمَلِي.

سلام برد قبرهای شهدای ائمه

و در روایت علیه از حضرت صادق علیه مذکور است که چون از نماز کردن در مسجد طایفه فارغ شوی برو به جانب کوه آمد و ابتدا کن به مسجدی که در پایین سنگستان است، و در آن نماز بکن، پس برو به سوی قبر حمزه بن عبدالمطلب علیه و سلام کن و بر او پس برو به سوی قبرهای شهداء و بایست نزد آن قبرها و بگر السلام علیکم یا أهل الدّیّاره انتم لنا حرط وانا بکم لاجفون

بدان که شیخ مهد و سید و شهید که زیارت سهوطی از برای حمزه علیه الشّهادة و سایر شهدای ائمه نقل کرده اند، و بعد از زیارت شهدا گفته اند که بطول سوره «وَأَنَا أَزْلَمَاءُ» را هر قدر که ممکن باشد، و از برای هر مزدوری دو رکعت نماز زیارت کن، و حشر چون بنابر احتیاط داشتیم به آن چه در حدیث رسیده بود اکتفا کردم، و اگر شهدای ائمه در دور شهادتشان زیارت شوند بسیار مناسب است، و دور شهادت ایشان یا سه یا عطفهم سؤال است، پس در آن مسجد نماز بکن که از آن موضع رسول خدا ﷺ بیرون رفت به سوی ائمه در وقتی که با کفار مکه جنگ کرد پس در آنجا نماز کرد و به جنگ رفت پس باز گرد و نماز کن نزد قبر شهدا آنچه خدا برای تو مقرر کرده باشد (۱)...

و نیز در روایت کامل از زیارة است که آن حضرت فرمودند که به ما رسیده است که یحیی بن یزید چون نزد قبر شهدا می آمد می گفت: «السلام علیکم بما صیرتکم فریضه عقیق الدار».

و لفظ الاسلام در کتبی به مند صحیح از عظام بن سالم روایت کرده که گفت: شنیدم که حضرت

۱ این عبارت برجسته می شود از روایت اسب فضلی عند غیر القمیه ما کتب الله لیه و احتمال می رود که مراد «صلوة مکبوه» یعنی نماز واجب بر منته باشد و لکن معنی آن نیست چنانچه علامه مجلسی رحمه الله تعالی فرموده است.

صادق علیه السلام می فرمود که: حضرت فاطمه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، عتقاد و پنج روز در دنیا زندگی فرمود و در این مذهب هیچ کسی آن مظلومه را اختلال ندید و در هر هفته روز دوشنبه و روز پنجشنبه می رفت به سوی قبور شهدای اُحد و می فرمود: در اینجا بود مکان رسول خدا صلی الله علیه و آله و این جا بود مکان من و منکرین.

و در روایت دیگر حضرت فاطمه علیها السلام در آن جا نماز می خوانند و دعا می کرد و پیوسته چنین بود کار آن حضرت تا از دنیا رحلت فرمود.

مؤلف گوید که: علمای تاریخ مدینه گفته اند که عبد الله بن جحش که خواهر زاده حمزه علیه السلام است بر در بقعه او مدفون است و مادر حلیفه الناصر امین الله در سال ناصد و عتقاد که ای حاله بر قبر آن ها بنا کرد و گفته اند که در سمت ایله چسبیده به کوه اُحد مسجدی است که بنیانش منهدم شده گفته شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن جا نماز ظهر و عصر را بجا آورد و بر در جهت قبله این مسجد موضعی است سوراخ در کوه به قدر سر آدمی گفته شده که آن حضرت نشسته اند بر روی سنگی که در زیر او واقع است و هم چنین در شمال مسجد غازی است در کوه که حوام الناس می گویند پنجه داخل آن شده و این مطلب حشش ندارد زیرا که چنین چیزی نقل نشده و نیز گفته اند که باید زیارت کرد خود کوه اُحد را و در اخبار بسیاری از آن ها مذکور است که فرمودند: «اُحد کوهی است که دوست می دارد ما را و ما نیز تو را».

و سبب موسی علیه السلام در خلاصه کرامات روایت کرده از جابر که گفت که: حضرت موسی و هارون علیه السلام حج کردند پس گذشتند به مدینه طیبه از جود آن جا خوف کرده مخفیاً به سبب اُحد رفتند همین که آن جا رسیدند حالت موت در حضرت هارون علیه السلام ظاهر شد پس جناب موسی علیه السلام از برای او قبری حفر کرد و هارون داخل آن فرمود و رحلت فرمود پس جناب موسی خاک بر روی او ریخت و او را در آن جا دفن کرد و شیخ جلیل علین بن ابراهیم قشیری در تفسیر خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود که: موسی و هارون علیه السلام هر دو در به (و بنیاد) رحلت نمودند و وفات هارون پیش از موسی علیه السلام بوده.

امر موقوم از تکالیف رؤا در مدینه رفتن به مساجد و اماکن مشرفه آن جا است بدان که اماکن شریفه چند است در مدینه که ایمان آو رفتن به آن ها و عبادت در آن ها مطلوب است.

اول مسجد کبا است که گاهی تصویر از آن به مسجد قی القیطن شده و آن اول مسجدی است که رسول خدا ﷺ در آن نماز کردند بعد از هجرت از مکه معظمه به مدینه. و این مسجد مشهور است و بسیار شرفاء دارد و اخبار کثیره در فضیلت او وارد شده از طریق شیعه و سنی و این قولیه از حضرت رسول ﷺ روایت کرده که فرمود: هر که بیاید به سوی مسجد من، مسجد قبله و در رکعت در آن ساز بگذارد برگردد یا ثواب عرصة و به اسناد معتبر از معاویه بن عوف منظور است که حضرت صافق ﷺ فرمود که ترک مکن رفتن به مشاهد مدینه را که یکی از آن ها مسجد کبا است و حق تعالی در شأن این مسجد فرستاده است این آیه را وَالْمَسْجِدُ الْأَشْجَدُ غُلَى الْكَافِرِينَ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَخَذَ أَنْ تَقُومَ قِيَمَهُ^۱

یوم مشرکه ام ابراهیم است. یعنی غرقة مادر حضرت ابراهیم ﷺ فرزند رسول خدا ﷺ که رفتن به آنجا و عبادت و نماز در آن بسیار مرغوب و مندوب است و شیخ جلیل جعفر بن قولویه به سند معتبر از علیه روایت کرده که او حضرت صافق ﷺ سؤال نمود که من می‌روم به سوی مسجدی که در دور مدینه است به کلام ابتدا کنیم فرمود که: ابتدا کن به مسجد کبا. پس بسیار نماز کن در آن، که آن اول مسجدی است که حضرت رسول ﷺ در این عرصة در آن نماز کرده. پس برو به غرقة مادر ابراهیم پس نماز کن در آن، که آن مسکن و محل ساز رسول خدا ﷺ بوده است. الله.

مولف گوید که: در چند سال قبل که به مدینه طایفه مشرف شدم به جهت تهیه بوسی حضرت رسول خدا و فاطمة و ائمه پنج صلوات الله علیهم اجمعین - چون وقت حج ضیق بود^(۲) لهذا مکتب چندان در آن بلد شریف تسویدیم به علاوه آنکه حاتم هم (مساعد) بود و مساعدی هم داشتیم. در این جهت از فیض این امکنه مشرفه محروم ماندم و از حق تعالی سؤال می‌کنم مرتبه دیگر را تا تدارک کنم. و بالجملة چون بصورتی به این امکنه تداخیم به اجمال خویش آن‌ها را باقی گذاشتم. لکن جناب آقا سید محسن باقر حجة الاسلام (ع) در تماسک حج خود فرموده: و انما مشرکه ام ابراهیم در این زمان معروف می‌ستد خطیر یا جسی از حاج که همراه بودند سنی بسیار کردیم. تا در میان افغانستان به دو مسجد خرابه رسیدیم. بعضی از اهالی آنجا گفتند که این مشرکه ام ابراهیم است و در هر دو مسجد نماز کردیم.

۱. مضمون آیه شریفه که در سوره بقره است آن که هر آنکه مسجدی که بنا شده است بر پرهیزکاری در دور اول که مسجد کبا باشد سزاوارتر است به این که در آن یا سنی به ساز و عبادت از مسجدی که منافقان به سکر و حيله بنا کرده‌اند.

۲. ضیق تنگ. وقت کم بود.

(معه رحمه الله)

سوم: مسجد فصیح است به معنی آباد و خاد قلعه دله و وجه تشبیه این مسجد به خدمت معصوم علیه السلام سؤال کرده شد. فرمودند: «چون که بغلی که در آن هست مشی به فضیحه است به این سبب این مسجد را فصیح می نامند. و این مسجد قریب به مسجد قبا است و او را مسجد دره الشمس می گویند. و ما در باب دربارت کاظمین علیه السلام اشاره به این مسجد نمودیم. و در ذیل روایات علیه السلام که سابق ذکر شد مذکور است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: پس برو به مسجد فصیح و دو رکعت نماز بکن که یحیوت در آن تبار کرده است.»

و شیخ کلینی به سند معتبر از عمار سلطانی روایت کرده است گفت: با حضرت صادق علیه السلام رفتم به سوی مسجد فصیح. فرمود که: ای عمار می بینی این گودال را؟ عرض کردم: بلی. فرمود که: «اسماء بن جعفر بن ابی طالب علیه السلام که پدر از جعفر، امیر المؤمنین علیه السلام او را خواست و ترویج نمود. و روی در این موضع نشسته بود با دو پسرش که از جعفر داشت. پس گریسته پسرهایش از او پرسیدند که: چه چیز تو را به گریه در آورده ای مادر؟ گفت: گریسم از برای امیر المؤمنین علیه السلام. گفتند: از برای امیر المؤمنین گریه می کنی و برای جعفر پدر ما گریه نمی کنی؟ گفت: نه چنین است که از برای موت امیر المؤمنین علیه السلام گریه می کنم بلکه یاد آوردم حدیثی را که امیر المؤمنین علیه السلام در این مکان برای من نقل فرمود. و به این سبب گریسم. گفتند: آن حدیث چیست؟ گفت: روزی با آن حضرت در این مسجد نشسته بودم. فرمود که: می بینی این گودال را؟ گفتم: بلی. فرمود که: من با رسول خدا علیه السلام در این موضع نشسته بودم. ناگاه سر مبارک خود را در داس من گذاشت و به خواب افتاد. بر د تا وقت نماز عصر شد. خواستم که سر مبارک آن حضرت را از داسم کنار کنم و به نماز برخیزم که ببادا ازار آن حضرت باشد. تا آنکه وقت بپایان رفت و نماز من فوت شد. پس حضرت رسول خدا علیه السلام از خواب بیدار شد و فرمود که: یا علی نماز کردی؟ عرض کردم: نه. فرمود: چرا؟ گفتم: نخواستم شما را آزار کنم. پس برخاست و رو به قبله کرد و دستها را بلند نمود و گفت: خداوند! برگردان آفتاب را به وقت نماز تا علی نماز کند. پس آفتاب برگشت به وقت نماز عصر تا من نماز کردم. پس به نهایت سرعت مانند شهاب فرو رفت.»

چهارم: مسجد فصیح است که مسجد اعظم نیز می گویند و در روایت معاریه بن سنان از حضرت صادق علیه السلام مذکور است که دار چیرهای که باید بگویی در مسجد فصیح این دعا است:

يَا ضَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا عَجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْثِفْ عَنِّي حَنِي وَعَنِّي وَكَزْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَّبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَنُوهُ

فی هذا المكان^۱

پنجشنبه: رفتن به غرضی یک فرسخی مدینه است. به جهت زیارت مسجد جلیل القدر جناب علی بن جعفر غرضی که غرورند بلا واسطه حضرت صادق علیه السلام که جلال مقام و عظمت شأن آن والا مقام بالاتر از آن است که بیان شود و در بلد قم اگر چه مزار آن جناب نیز معروف است لکن مظلون همین است و ما این شاه الله دو باب زیارت امام زادگان [در صفحه ۳۲۲] اشاره به این مقام تسامیم به آنجا رجوع شود.

در بیان مکانهای مشرفه مدینه

بدان که مکانهای دیگر است در مدینه و اطراف آن که ایشان (و رفتن) به آنها نیز مرغوب و نادر در آنجاها مطلوب است. اگر زائر متسکّن شد از ایشان به آنها از بعضی آن خود را محروم ننماید و در لقه ترفعات^۲ مذکور است که چون از احوال مسجد فارغ شوی برو به نزد امیر ائمه باقی و برو به مسجد حضرت فاطمه علیه السلام و دو رکعت نماز بگفتی شاید مراد از مسجد فاطمه علیه السلام بیت الاحزان آن حضرت باشد که در باقی است و زیارت کن قبر حمزه و سایر شهدای ائمه را، و برو به مسجد فتح و مسجد قبا و مسجد شفا که در آنها فضیلت بسیار هست و مسجد خلوت و خانه امیر المؤمنین علیه السلام و خانه امام جعفر صادق علیه السلام که در در مسجد است و دو رکعت نماز در آنجا بکن. و شیخ محسن بن الشهدی علیه السلام فرموده است که: مستحب است نماز کند در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و خانه امام جعفر صادق علیه السلام و مسجد سلمان فارسی و مسجد امیر المؤمنین علیه السلام که شفاعت قبر حمزه است و مسجد مباحه. پس نماز کند در این موضع آن قدر که تواند و دعا کند به آئینه می خواند و می دعای اینجا را در کتاب تکیه الطالب ذکر نمود، انتهى و علامه مجلسی علیه السلام در معارج و تحفه فرموده و مستحب است زیارت جعفر بن ابی طالب علیه السلام در مکه و زیارت شهدای بدر در بدر و زیارت جناب ابو ترکه در رمله که نزدیک به صفره است از جانب راست بدر سین به کسی که از مکه به مدینه رود.

۱. جامع محسن بن الشهدی گفته که در این مسجد دو رکعت نماز آریة ائله بها قرید و این دعا بخواند «یا صریح الشکر و بیّن» یا هوال علوه و عوضی هذا السکنة گفتند: هو اکسبی ما لغشی من امر الدنیا و الاخری یا ارحم الراحمین» زنده علیه السلام.

و شیخ شهید^۱ در کتاب ذکر می فرموده که: از جملة مساجد شریفه مسجد غدیر است^۲ که نزدیک به جعفه است و آن مسجد در این زمان اترش ظاهر و دیوارهایش باقی است و این مسجد مشهور است و غالباً کسی که از این راه به مکه می رود این مسجد در آن (مسیر) است بدان که این مسجد شریف که در راه مکه واقع است باعث ابتلای نواصب بوده به شدت غیظ و غضب و انصراف مهاری عطف و تشبه و موجب انسداد ابواب مرور و سبب ارتداد فرائض و اضطراب حدود، لهذا بعضی طاکت می آورده نار غضب و عداوت در کانون سینه اش مشتعل گشته، حدیث غدیر را کذب عظیم شمرده و در قصیده سراسر خسارت خود به بانگ بی هنگام سرانیده:

لَمْ يَرَوْا بَلَدِيَّ عُمٍّ

کم لائل شبه سرور جسم علی صلی و آلسلی الاوس

و بحمد الله تعالی این جریر تصویر ذیل فرموده و ظهر او کمر این ناصب جفا را شکسته، کتابی در طرق حدیث غدیر تصنیف فرموده چنانچه در بعضی قصید در تفصیل ذکر نموده، و نواصب به این مقدار اکفا نکردند، آخر الامر از جهت اختطای فضیلت و سحر بر اصابت امیر المؤمنین^{علیه السلام} این راه را گردانیدند و مسجد بر سر راه ایشان هست، بلکه نزدیک است به راه و جعفه همان جایی است که در این زمان آن را مریح گویند و روایت کرده حسان جهال که گفت: حضرت صادق^{علیه السلام} و حمل نمود که از مدینه به مکه بروم همین که به مسجد غدیر رسیدیم حضرت نظری افکند به جانب چپ مسجد پس فرمود که: این جای قدم رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} است در وقتی که می فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَقَلْبِي مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِّ مَنْ وَالَاهُ وَعَاوِ مَنْ عَادَاهُ پس آن حضرت به جانب دیگر مسجد نظر فرمود و فرمود که: این موضع خیمه ابو فلان و فلان، و سلام مولای اینی حدیقه و لبر عیده این العیون است در وقتی که دیدند که حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} است خود را بلند کرده است، بعضی از ایشان گفتند که سینه چشمهایش را که می گرد، گویا که دهنهای مجنون است پس جبرئیل^{علیه السلام} نازل شد و آیه شریفه وَوَانَ يَكْفَاهُ الْدِّينُ كَفَرُوا^۳ را ورده.

۱ مسجد غدیر را واهی های جووت کامل نابود گردانند و بقدر آنکه و بیارمانده از تصویر سازد که است برای اطلاعات بیشتر ر. ک. نظری از دریای غدیر فصل چترایی غدیر از مؤسسه جهانی مطبوعات

خاتمه

در مختصری از تکالیف حاج در مکه معظمه راجعاً الله شرفاً

بدان که تفصیل این مقام از وظایف گشتی است که در مسکن حج نوشته می شود نه مثل این رساله. لکن چون حاضر مأخوذ که فی الجملة اشارتی کنم در این رساله به آنچه مقامات مشرفه که در بلاد شریفه و طرق زائرین و حاج است و هم چنین قل کنم لهور اعظم و زیارت آن ها را و چون در مکه معظمه واقع است از افعال این ها نهاد مختصراً ذکر می کنم پس گویم که از جمله تکالیف حاج در مکه معظمه مشرف شدن به زیارت حضرت ابی طالب و عبدالمطلب و عید مناب و خدیجه - رضوان الله علیهم - است و عطف شأن و جلالت این بزرگواران راجع از آن است که ذکر شود. و اجماع شیعه منقطع است بر طهارت ایشان از دس شرک و کفر و خدمات جناب عبدالمطلب و ابوطالب علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حرست آن ها از آن جناب به خصوص جناب ابوطالب علیه السلام در اخبار بسیار مذکور است حتی آن که وارد شده که جناب ابوطالب علیه السلام متشنس منی اصحاب کعب بوده که دو یاقی ایمن آورده بود و اظهار شرک می نمود به جهت آن که متمکن باشد از حفظ و حرست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از هر کفار مکه و لهدی حق تعالی اجر او را مضاعف فرمود.

و سید قطار موسوی استاد محقق حلی علیه السلام در کتاب حجه المصطفیٰ از حضرت باقر الصلوة علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود که: ماگر ایمن ابی طالب گذاشته شود در کعبه ترازو و ایمان این خلق در کعبه دیگرش هر آینه ایمن ابی طالب بچیرد بر ایمان آن ها و فرمود که: و آیهایی داند که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات خود نایب می گرفت که حج کند از برای عبدالله و آیه و ابوطالب علیه السلام و در وصیت خود هم این عطف را وصیت فرمود که بعد از او نایب از برای حج برای آن ها بگردد. و این ای القعدید نیز این حدیث را نقل نموده و کافی است در این مقام آنچه نقل شده که بعد از فوت ابی طالب جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار معروص شد و شکایت حزن و هم خود را به حضرت جبرئیل اظهار فرمود و وحی از جانب حق تعالی رسید که بیرون رو از قرمای که اهل آن ظالمند و معی و ناصری به جهت تو بعد از ابی طالب در آن بلد نمی باشد و خدمات

حضرت خدیجه نسبت به آن حضرت و نصرت او در دین هم مشهورتر از آن است که گفته شود و جناب رسول خدا ﷺ احترام او را منظور می داشتند و تمام اولاد آن حضرت غیر از ابراهیم علیهما السلام از مائمه ابطیه است. باقی دیگر از حضرت خدیجه بوده و نقل شده که تا خدیجه در دنیا بود، حضرت زن دیگر تزویج نکرودند و بعضی گفته اند که موت حضرت خدیجه علیها السلام قبل از وفات جناب ابو طالب ﷺ بوده به سه روز و قبور این بزرگواران در سمت راه منی در نزدیکی ابطح است. و ما بین قبر خدیجه و آنها فی الجمله مسافتی است. و از برای آنها علما زیارتی بنظر نگرداند.

علامه مجلسی رحمه الله در بحر فرموده که: منی دلم به چه سبب علما از برای این بزرگواران در کتب خود زیارت نقل فرموده اند با آنکه قبورشان در مکه در نزدیکی ابطح معروف و جلالت علای و فضل و کمال آنها نزد شیعه مشهور و معلوم است بعد می فرماید که: ذکر نکردن زیارت برای اینها از جهت کینه از مخالفین بوده. و فرموده که: مستحب است زیارتشان به خصوص در ایام مستحبه به ایشان مثل یست و ششم ماه رجب که روز وفات ابو طالب ﷺ است و دهم ماه رجب الاول که روز وفات عبدالمطلب ﷺ است و خدیم محرم که روز عیادت اصحاب قبل و ظهور کرامت عبدالمطلب ﷺ است و روز تزویج خدیجه که پیش از این (مذکور شد) است.

مؤلف گوید که: در مقابل بقعه جناب خدیجه علیها السلام به فاصله کمی بقعه دیگری است با تزیین و بنای رفیع و اهل مکه آن را نسبت به جناب آمنه علیها السلام و القه مکتومه حضرت رسول ﷺ می دهند و حقیقت در ایام تفرغ به بیت الله الحرام گاهی که مشغول می شدم به زیارت این بزرگواران می دیدم که مروز آنجا باسم جناب آمنه اهل حاج را به آنجا می برد و برای آنها زیارتی می خواند و مدحی کلی از آنها می کرد و لکن بودن حضرت آمنه علیها السلام در آنجا بعد است و مستندی از برای آن دیده ندارم.

و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که قبر شریف آمنه و عبد الله - و ضی الله عنهما - در این زمان معلوم نیست و در بحر فرموده و مطلع شدیم بر قبر این دو بزرگوار.

و بدان نیز آنکه در مقابر عبدالمطلب و ابو طالب علیهما السلام جماعتی از بزرگان علمای عهد و اکابر

دین مدفونند که از قبیل زیارت و خاتمه و سر قبر آنها مایه محروم گشته مانند سید اهل کامل محدث علیه امیر دین العبادین کاشانی - رضوان الله علیه - که مجاورت مکه معظمه و اعتبار فرموده بود و در آن وفاته میلی که آمد و اساس کعبه شریفه را مهضم کرد، همین جناب اساس آن را بنا نهاد به تفصیلی که علما ذکر فرمودند و خود آن جناب دو رساله در این باب تألیف فرموده یکی هری و دیگری فارسی و اسم رساله مفرحة الاقام فی تاسیس بیت الله الحرام است. طالبین فضیله رجوع به آنجا نمایند و این سید را در آخر امر اهل سنن شهید کردند و مدفون شد در همان قبری که خود در حال حیات مهضم فرموده دو مقامی این طالب و عبدالعظیم زرد غیر استاد خود جناب شموی محدث امن استرآبادی و مانند عالم جلیل و محدث و فقیه بی بدیل جناب شیخ محدث سبط شهید ثانی رحمه الله و مانند فاضل ماهر غیر و عالم کامل معقل مولانا میرزا محمد استرآبادی که تمام در نزدیکی هم مدفونند و غیر ایشان - رضوان الله علیهم - که فعلاً مستحضر نیستیم.

و از جمله تکالیف حاج در مکه معظمه مشرف شدن به مکان‌هایی است که به شرف تولد حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آنجا یا سکناي آن بزرگوار در آن مشرف گردیده مراعات کند سازو دمای در آنجاها را و از قبیل آن امکنه خود را محروم ننمایند و حدیث مطلق در تطهیر مساکن و مشاهد شریفه ایشان وارد شده است و آن مواضع چند است:

اول موضع تولد آن سرور عالم و فخر کائنات حضرت رسالت مآب صلی الله علیه و آله است. نقل شده که آن جناب تولد شریفش در خانهای شد که آن خانه حسب الارث منتقل به آن حضرت شده بود و آن جناب آن خانه را پختیدند به عقیل بن ابی طالب و آن خانه در محرم قبل بود و بعد از فوت او منتقل شد به اولاد او و ایشان فروختند آن خانه را به محدث بی یوسف که برادر حاج معروف است و محدث آن خانه را داخل قصر خود نمود و چنین بود تا دولت بنی امیه منقرض شد و چون مادر هارون الرشید به مکه مشرف شد آن خانه را از قصر بیرون کرد و در آن مسجدی ساخت. دوم مشرف شدن به خانه خدیجه روجه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و این خانه در همان سمت است که موضع تولد جناب رسول صلی الله علیه و آله واقع است و این نزدیکتر است به بازار مکه و در آن

خانه موضعی است گویند. محراب عبادت رسول خدا ﷺ بود و موضعی دیگر حسب بعضی گویند موضع تولد حسنین علیهما السلام است و این توهم بعضی است چه ولادت با سعادت آن دو قدوة ارباب سعادت در مدینه متبرکه بود. شاید این موضع مکان تولد شریف حضرت سیده الشاه - علیها آلاف التحية والثناء - بوده چه تولد آن محصوه در سال پنجم از هجرت لغیر عالم در مکه مطهره بوده.

مؤم: مشرف شدن به قاری است که در چهل حرا واقع است و آن موضعی است که جناب رسول ﷺ در نوایل نزول وحی در آنجا مشغول عبادت بودند مناسب است که در آن مکان مشغول به مناجات یا فاضی الحاجات شود.

چهارم: مشرف شدن به غاری است که در چهل تور واقع است و آن غاری است که حضرت رسول ﷺ در ترمی مشرکین در آن مخفی شدند و غیر این مواضع از مکانهای دیگر چون مسجد ارقم و غیره که مقام را گنجایش بسط نیست.

و از جمله تکالیف حاج در مکه مطهره ختم نمودن قرآن است و وارد شده کسی که ختم قرآن در مکه نماید سیرت تا آن که بیست جناب رسول ﷺ را و منزل خود را در بهشت و مناسب آن است که بنشینند نزدیک خانه کعبه، ما بین رکن یمنی و حجر الأسود زیرا که وارد شده که هفتاد پیغمبر در آنجا مدفون می باشند و در آنجا مشغول تلاوت شود یا ما بین حجر الأسود و مقام حضرت ابراهیم علیهما السلام یا در حجر اسماعیل که مدفن آن حضرت و هاجر مادر اوست.

و در روایت یزنی که در آخر سوره است که اسماعیل مادر خود را در حجر دفن کرد و مضمونست که قبرش پامال شود لهذا این دیوار را دور آن کشید و در آنجا قبرهای بسیاری از ا پیغمبران است. یا در قرب مستحار هر یک از این مواضع که اختیار نماید خوب است و اگر جمیع ما بین همه نماید شاید اکمل بوده باشد و هم چنین نماز کردن در این مواضع شریفه که وارد شده که نماز در مسجد الحرام مقابل منزل هزار نماز است که در جای دیگر شود و معلوم است که نماز در این امکنه به خصوص در حطیم که افضل مکانهای مسجد است چنانچه در غیر ثواب الاعمال است افضل است و هر چه ثواب ذکر نمودن در مسجد الحرام و بخصوص در این امکنه شریفه از

حد و نهایت بیرون است.

از جناب علی بن الحسین علیه السلام وارد است که یک تسبیح در مکه افضل است در عراق عراقین که اتفاق شود در وضای جناب باری تعالی، و همچنین نگاه کردن به خانه کعبه و استلام ارکان و حجر الاسود فضیلت بسیار دارد.

و چون معرفت این مواضع و ارکان مناسب است، گوییم مراد از مقام ابراهیم علیه السلام آن سنگی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن ایستاده و بنای کعبه می‌شود، و در بعضی اخبار است که بر روی آن نیز ایستاد و مردم را به آمدن به خانه خدا ندا فرمود و بر آن سنگ اثر قدم شریف آن حضرت می‌باشد، و در عصر حضرت نوح علیه السلام در جنب خانه بود، و در ایام جاهلیت آن سنگ را بطل نموده، در مکانی که فعلاً واقع است، و در ایام رسالت جناب پیمبر آخر الزمان - صلی الله علیه و آله - آن سنگ را بطل نمودند در مکان اصلی خود قرار دادند و در آن مکان بود تا مجموع ایام رسالت جناب رسول خدا صلی الله علیه و آله، و مجموع ایام خلافت مرد نوزلی و در بعضی از زمان خلافت دومی چنین تا آن که دومی صلاح دانست که رفته شود به مکانی که در ایام جاهلیت بود، لهذا به امر او، آن سنگ شریف را بطل کردند و در آن جا گذاردند که الحال واقع است و حطیم ما بین حجر الاسود و در خانه کعبه است و مستجار آن موضعی است که مقابل باب کعبه واقع است، در طرف دیگر قریب به رکن یمنی و رکن عراقی رکنی است که حجر الاسود در آن منصوب است، و بعد از آن که گذشت آن رکنی که متصل است به نازل حجر اسماعیل رکن شامی است، و بعد از آن که منتهی آله حجر است، رکن مغربی است و در آن که گذشت منتهی می‌شود به رکن چهارم که رکن یمنی است، و افضل ارکان رکن عراقی و یمنی است و چون غاصیل این مقام از وظیفه این کتاب نیست به همین قدر اکتفا می‌نماییم.

باب ہفتم

در بیان فضیلت و کیفیت زیارت

حضرت ثامن الائمه امام الانس و الجن

حضرت علی بن موسی الرضا

و در آن کہ فصل است

فصل اول

در بیان فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

بدان که احادیثی که در فضیلت زیارت آن حضرت وارد شده رسیده از آن است که در این مختصر توان ذکر نمود و احادیث بسیار رسیده که حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام و حضرت امام موسی علیه السلام و دیگر آباء آن حضرت حتی خود آن بزرگوار خیر در شهادت او داده‌اند. و اشاره به غریب و مظلومیت آن حضرت و ثواب زیارتش می‌دهند، و ما به جهت بزرگ و نهش به ذکر چند حدیث اکتفا می‌نماییم.

شیخ صدوق علیه السلام در عینی و بیون روایت کرده به سند معتبر که رسول خدا ﷺ فرمودند: «زود باشد که پاره‌ای از تن من در زمین خراسان مدفون گردد. و هیچ مومنی زیارت نکند او را مگر آن که حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش را بر آتش جهنم حرام کند. و در کتاب بیون به سند معتبر از ابو الفضل هروی روایت کرده که گفت: در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بودم که جمعی از اهل قم به خدمت آن حضرت آمدند و سلام کردند پس ایشان را جواب سلام فرموده و بزرگ خود طلبید و فرمود: هر چه، خوش آمدید شما شیعیان مایید به محبت و راستی. و طوایف آمد بر شما زمانی که در آن زمان به زیارت فریت من بیاید در طوس. هر که مرا زیارت کند و با غسل باشد از گناهان بیرون آید مانند رودی که از حادر متولد شده باشد. و بر در بیون از حناب عبد الطیم حسینی علیه السلام روایت کرده که گفته شنیدم که حضرت امام علی علیه السلام فرموده که: «اهل قم و اهل آبه گناهانستان آمرزیده است به جهت زیارت کردن ایشان چندان حضرت رضا علیه السلام راه و فرمود: «آگاه باش هر که زیارت کند آن حضرت را و در راه زیارت آن حضرت یک قطره بارش از آسمان بر بدنش بیفتد، حق تعالی حرام کند چسبش را بر آتش.»

مؤلف گوید که: ذکر اهل قم و اهل آبه در این حدیث از جهت تشبیه آن‌ها است بقدره. انا اهل قم که معلوم است حائشان در تشبیه و مصالب در شبه‌گی و انا اهل آبه بر جهان بوده‌اند. علامه بحر العلوم علیه السلام در کتاب رجالی در حال شیخ یوسف آبی تلمیذ محقق و شاعر نافع فرموده که اهل آبه در زمان قدیم نا حال شبیه بوده‌اند و در مذهب خود مصالب و مصطب بودند و همیشه در آن‌ها بوده اهل علم و ادب به خلاف ساوه و لهذا بین این دو قریه متفاوت و حدوت مدعی بوده. و به همین مطلب اشاره کرده قاضی ابو الطیب:

وَلَمَّا أَتَيْتُ أَهْلَ آبِهِ وَهَمَّ أَهْلَامُ نَظْمِ زَانِكْتَانِهِ
تَقَلُّدُهُ إِلَيْهِ عَنِّي لَنْ مَقْلَبِي يُعَادِي كُلَّ مَنْ هَادَى الضَّحَايَةِ

و آیه که گاهی اوه نیز گفته می شود، از توالی قم طهران است و معروف است.

و بر دو تالی و میون به سند معتبر منقول است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که: هر که زیارت کند قبر فرزند من علی را، او را نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول بوده باشد، راوی استجماع کرد و گفت: هفتاد حج مقبول؟ حضرت فرمود که: «هلی هفتاد هزار حج». گفت: هفتاد هزار حج؟ فرمود که: «چه بسیار حجتی باشد که مقبول باشد. هر که آن حضرت را زیارت کند یا یک شب نزد آن حضرت بماند، چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد». گفت: چنان است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد؟! فرمود: «هلی چون روز قیامت می شود بر عرش الهی چهار کس از پشیمان و چهار کس از پشیمان خواهند بود اثنا پشیمان پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام اند، و اثنا پشیمان پس محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام اند پس رستگاری می کشند در پای عرش، پس می نشینند با ما زیارت کنندگان قبرهای ائمه، و به درستی که زیارت کنندگان قبر فرزندم علی درجه ایسان از همه بلندتر و عظیمتر از همه بیشتر خواهد بود».

و به سند حسن در حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود: «فرزند زاده من شهید خواهد شد در زمین خراسان در شهری که آن را طوس گویند، هر که او را در آنجا زیارت کند و حقی او را شناسد، در روز قیامت دست او را بگیرم داخل هشت گردنم گردانم هر چند از اهل کباب باشد». راوی گفت: لطافت شوم شایسته حق او کدام است؟ فرمود: «آن است که بداند او انسانی است که اطاعت او بر خلق واجب است و غریب و شهید است هر که زیارت کند او را و عارف به حق او باشد، عطا فرماید حق تعالی به او ثواب هفتاد شهید و در روایت دیگر «هفتاد هزار شهید از آن ها که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله با حقیقت ایمان شهید شده باشند».

و به سند معتبر از خود آن حضرت منقول است که فرمود: «و الله که هیچ کس از ما نیست مگر آن که گفته و شهید می شوند. پرسیدند که: چه کسی شما را خواهد کشت یا من رسول الله؟ فرمود که: «بدترین خلق خدا در زمانی من، مرا به زهر خواهند کشت و مرا دفن خواهند کرد دور از پدر و دیار در بلاد غریب، پس هر که مرا در آن غریب زیارت کند بتو صد حق تعالی از برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و عمره کننده و صد هزار جهاد کننده، و مسح شود در روز قیامت در بر مرا، و در درجات عالی بهشت رفیق ما باشند».

و به چندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقول است که گفت: خواندم نامه حضرت امام رضا علیه السلام را که نوشته بود که: «برسانید به شمیمان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج». پس من این حدیث را به غلام امام محمد تقی علیه السلام عرض کردم و فرمود: «هلی و الله هزار هزار حج هست از برای کسی که آن حضرت را زیارت کند و حق او را شناسد».

و به دو سند معتبر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: «هر که مرا زیارت کند به این

دوری غیر، من یابم به نزد او در سه موطن روزه ایست تا او را خلاصی بخشم از احوال آن‌ها، در وقتی که مامعای سبکو کاران در دست راست ایشان و سامعهای بدکاران به دست چپ ایشان بپوشند، و نزه صراط و نزه ترازوی انصاف.

و در یکی از روایات است که آن حضرت فرمود: هر کس می‌خورد به خدایی که محبت را گرامی داشته است به یغیری و برگزیده است او را بر جمیع خلایق، که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البته مستحق شود امروزش گناهان را از خداوند عاقلان در روز قیامت.

و به سند حسن منقول است که جناب عبد العظیم حسنی رحمته الله به حضرت امام محمد تقی رحمته الله عرض کرد که: متحضر شده‌ام میان زیارت قبر امام حسین رحمته الله و میان زیارت قبر پدرت در طوس پس چه می‌فرمایی؟ فرمود که: قدر جای خود باشی، پس داخل خانه شد و بیرون آمد و آب دیدهای مبارکش بر رویش جاری بود پس فرمود: زیارت کنندگان قبر امام حسین رحمته الله بسیارند و زیارت کنندگان قبر پدرم کم‌اند.

و در عهد انهار القضا و کامل الزیارات به سند محضر منقول است که محبت بن سلیمان از امام محمد تقی رحمته الله پرسید که: شخصی حج واجب خود را کرده است به عنوان حج نفع پس به مدینه رفت و زیارت کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله را، پس رفت به نجف و زیارت پدرت امیر المؤمنین رحمته الله کرد و حلی او را می‌شناخت و می‌دانست که او جهت خدمت بر خلق او درگاه خداست که از آن در به خدا باید رسید، پس سلام کرد بر آن حضرت، پس رفت به کربلا و حضرت امام حسین رحمته الله را زیارت کرد، پس رفت به بغداد و حضرت امام موسی کاظم رحمته الله را زیارت کرد، پس به شهر خود برگشت و در این وقت خدا آن قدر مال به او دوری کرد است که به حج می‌تواند رفت، گنایم بهتر است از برای این مرد که حج واجب خود را کرده است که برگردد و باز حج کند، یا برود به خراسان و پدرت امام رضا رحمته الله را زیارت کند؟ فرمود که: بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است، و باید که در ماه رجب باشد و در این زمان سکینه که بر ما و شما از حلیه خوف تشیع هست.

و سر در آن دو کتاب از حلی بن محمد از روایت شده که گفت: به خدمت حضرت جواد رحمته الله عرض کردم: غلطی تو شوم، زیارت امام رضا رحمته الله افضل است یا زیارت امی عبد الله رحمته الله؟ فرمود: زیارت پدرم افضل است به سبب آن که حضرت امی عبد الله رحمته الله را زیارت می‌کند همه کس، و پدرم را زیارت نمی‌کند مگر خواص از شیعه.

علامه مجلسی رحمته الله در دلیل این حریت فرمود که: گویا مراد این باشد که چون فضیلت زیارت

امام حسین علیه السلام مشهور گردیده است اکثر شیعه به زیارت آن حضرت رغبت می کنند و فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام را کمتر شنیده اند و کمتر رغبت می کنند پس این حکم مخصوصی از زمان خواهد بود و بنابراین در هر عصری هر امام را کمتر زیارت کنند زیارت او افضل خواهد بود و ممکن است که مراد این باشد که امام حسین علیه السلام را شیعه و سنی زیارت می کنند و آن حضرت را به غیر از شیعه زیارت می کنند، یا آن که هر که زیارت آن حضرت می کند با اعتقاد به امامت آن حضرت مخصوصان شیعه اند یعنی اثنی عشری، زیرا که هر که اعتقاد به امامت آن حضرت دارد به همه ائمّه علیهم السلام اعتقاد دارد به خلاف حضرت امام حسین علیه السلام که همه فرقه شیعه ^۱ اعتقاد به امامت آن حضرت دارند.

و نیز در نسخه الزائر فرموده: و به سند معتبر این باب در روایت کرده است که چون امام رضا علیه السلام به ده شرح رسیده در وقتی که به نزد مأمون امین می رفته گفتند: بای رسول الله صلی الله علیه و آله ظهر شده است نماز می کنی؟ پس فرود آمد و آب طلبید گفتند که: آب همراه بیاور پس به دست مبارک خود زمین را کاود آن قدر آب چوشید که آن حضرت و هر که با آن حضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقی است و چون داخل سبزه شد پشت مبارک خود را گذاشت به کوهی که دیگها از آن می تراشید و فرمود که: صدقوندا تنع بخش به این کوه و برکت ده در هر چه در ظرفی گذارند که در این کوه تراشند و فرمود که از برای آن حضرت دیگها از سنگ تراشیدند و فرمود که طعام آن حضرت ببرند مگر در آن دیگها، پس از آن روز مردم دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند ان شاء الله.

مؤلف گوید که در کتب معجزات به خصوص کتاب صیون السیاح از رضا علیه السلام تألیف شیخ صدوق علیه السلام کرامات و معجزات بسیار برای روضه مظنه وضوئه - علی مرقها السلام - ذکر شده که برایش در این مقام مناسب نیست یا آن که در هر زمان آن قدر ظاهر می شود که کسی محتاج به نقل و قایم گذشته نیست.

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت حضرت امام رضا - علیه آلاف التحية والثناء - است بدان که از برای آن حضرت زیارت چندی نقل شده و زیارت مشهور آن سرور گوار و مبارک است که در کتب مجرّه مذکور است و به محمد بن الحسن بن الولید که از شاخ جناب صدوق علیه السلام

است مسوب گردانیده اند و از مزار این قولی در کتب معلوم می شود که از آنکه شیخ مروری بوده باشد، و کیفیت آن چنان است که فرموده اند که چون اراده تمامی زیارت کنی امام رضا علیه السلام را دو طوس، پس غسل کن پیش از آن که از خانه بیرون روی و بگو در وقتی که غسل می کنی:

اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبِي. وَاشْرَحْ لي صَدْرِي. وَأَجِرْ عَنِّي إِبْطَالِي
وَمُذْخِكَ وَالْإِثْمَاءَ عَلَيْكَ. فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا
وَسُغَاءً

و می گویی در وقت بیرون رفتن:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ وَاللَّهِ وَرَسُولِ اللَّهِ. حَسْبِيَ اللَّهُ. تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ. وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ. وَمَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ.

پس چون بیرون روی بر دم خانه خود بایست و بگو:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي. وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي.
وَبِكَ وَتَقَرُّتُ فَلَا تُخَيِّبْنِي. يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ. وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ.
ضَلُّ عَلَى مُخْطِئٍ وَأَلِي مُخْطِئٍ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ. فَإِنَّهُ لَا يَضِيْعُ مَنْ حَفِظْتَهُ.

پس هرگاه رسیدی به سلامت - ای شاه الله - پس هرگاه خواهی به زیارت بروی غسل بکن و

بگو در وقتی که غسل می کنی:

اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ قَلْبِي. وَاشْرَحْ لي صَدْرِي. وَأَجِرْ عَنِّي إِبْطَالِي
وَمُذْخِكَ وَمُذْخِكَ وَالْإِثْمَاءَ عَلَيْكَ. فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ
قُوَّةً^۱ وِبِني التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ وَالْأَتْبَاعِ لِشَيْئِكَ وَالشَّهَادَةِ عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي سُغَاءً وَنُورًا. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس پیش پاکیزه می جسته های خود را و بر دها پای برهنه به آرازی و هزار و دلت به یاد خدا

یابد. و الله اكبر ولا اله الا الله و سبحان الله و الحمد لله بگو و گاه های خود

را کوتاه بردار و چون داخل روضه مقدسه شوی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ . أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ . وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ

پس بگو به نزد صریح و البته را در پشت خود بگیر و رو بروی آن حضرت بایست و بگو:
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ . وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
 وَرَسُولُهُ . وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ . وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ .
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلَاةً
 لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
 طَالِبٍ عَبْدِكَ وَآخِي رَسُولِكَ الَّذِي اسْتَجَبْتَهُ بِعَمَلِكَ . وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ
 سَلَّتْ مِنْ خَلْقِكَ . وَالذِّكْرُ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ . وَدَيَّانَ الَّذِينَ بِعَمَلِكَ .
 وَفَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ . وَالْمُهَنْجِي عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ . وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ
 اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى غَايَةِ سَبْتِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَأُمِّ السُّبُّطَيْنِ
 الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ . الطَّهْرَةِ الظَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ . النَّوِيَّةِ
 النَّوِيَّةِ . الرُّضِيَّةِ الزُّكِّيَّةِ . سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ . صَلَاةً لَا
 يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي نَبِيِّكَ
 وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ . الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ . وَالذِّكْرُ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ
 بِرِسَالَتِكَ^(۱) . وَدَيَّانِي الَّذِينَ بِعَمَلِكَ وَفَضْلِي^(۲) قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ . الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ . وَالذِّكْرُ عَلَى مَنْ بَعَثْتَ
 بِرِسَالَتِكَ^(۳) . وَدَيَّانِ الَّذِينَ بِعَمَلِكَ . وَفَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ . وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ . بِأَقْرَبِ عِلْمِ
النَّبِيِّينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ . وَخُجَّيْتِكَ
عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ . الصَّادِقِ الْبَارِّ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَبْدِكَ
الصَّالِحِ . وَلِسَائِكَ فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ ^(١) . وَالْحُجَّةِ عَلَى نَبِيِّكَ . اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الْمُرْتَضَى عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ . الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ .
وَالدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ . صَلَاةٌ لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهَا غَيْرُكَ .
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ . الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ . وَالدَّاعِي إِلَى
سَبِيلِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَاجِلِ بِأَمْرِكَ . الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ . وَخُجَّيْتِكَ الْمُؤَدِّي عَنْ
نَبِيِّكَ . وَشَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ . الْمُخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ . الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ
وَطَاعَةِ رَسُولِكَ . صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى خُجَّيْتِكَ وَوَلِيِّكَ
الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ . صَلَاةً قَامَةً نَابِيَةً بِالْقِيَّةِ . تُعْجَلُ بِهَا فُرُجُهُ . وَتَنْصَرُّهُ بِهَا .
وَتُجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ . وَلَوْلَا
وَلِيُّهُمْ . وَأَعَادِي غُلُوبُهُمْ . فَارَزَأْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ
شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَمْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

زيارات بالای سر

پس می شنوی که سر آن حضرت و می گوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَمُودَ الدِّينِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ

يا وارث آفة صفي الله السلام عليك يا وارث فوج نبي الله السلام
 عليك يا وارث ابراهيم خليل الله السلام عليك يا وارث اسماعيل ذبيح
 الله السلام عليك يا وارث موسى كلم الله السلام عليك يا وارث عيسى
 روح الله السلام عليك يا وارث محمد بن عبد الله خاتم النبيين وخبيب
 رب العالمين رسول الله السلام عليك يا وارث علي بن ابي طالب
 امير المؤمنين ولي الله السلام عليك يا وارث فاطمة سيدة نساء العالمين
 السلام عليك يا وارث ابي محمد الحسن السلام عليك يا وارث ابي
 عبد الله الحسين السلام عليك يا وارث علي بن الحسين سيد العابدين
 السلام عليك يا وارث محمد بن علي باقر علم الاولين والآخرين السلام
 عليك يا وارث جعفر بن محمد الصادق البار الامين السلام عليك يا وارث
 ابي الحسن موسى بن جعفر الكاظم الحلیم السلام عليك ايها الشهيد
 الشهيد المظلوم المقتول السلام عليك ايها الصديق الوصي البار التقي
 اشهد أنك قد اتممت الصلاة وآتيت الزكاة واقمرت بالمعروف ونهيت عن
 المنكر وعبدت الله مخلصاً حتى اناك اليقين السلام عليك يا ابا الحسن
 وزخمة الله وتزكاته إنه حميد مجيد لقن الله أمة أمتك ولقن الله أمة
 ظمئت ولقن الله أمة أسست أساس الظلم والجور والبدعة عليكم اعل
 المنيته

پس خوردن به طرح می چسبی و می گوی:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ سَمِعْتُ مِنْ أَرْضِي وَفُطِمْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا
 تُخَيِّبْنِي وَلَا تُرُدَّنِي بِغَيْرِ قَسَاوِ خَوَائِجِي وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ أَبِي آجِي
 رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَنْبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَمِّيَّتُكَ زَائِرًا وَابِدًا عَائِدًا
 بِمَا جَنَنْتُ عَلَى نَفْسِي وَاسْتَطَلَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَضَيْتَ عَلَيَّ مَا عَصَيْتَ عَلَيْهِ آمَاؤُكَ الطَّاهِرُونَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمْ تُؤَيِّزْ عَمَّنْ عَلَيَّ هَدَيْتَ. وَلَمْ تَقُولْ مِنْ حَقِّ إِيَّايَ بِاطْلِقِ وَأَنَّكَ لَدَى نَصِيحَتِ اللَّهِ وَنَزْهُوْلِهِ. وَأَذَيْتَ الْأَمَانَةَ فَجَرَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَخْلَى حَيْزَ الْأَجْزَاءِ أَتَيْتُكَ بِلَيْي وَأَمِي وَإِنِّي عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَاوِيًا لِأَعْدَائِكَ فَاسْقِ لِي عِنْدَ رَبِّكَ حَقِّي وَعِزِّي.

ریاوت دیگر. زاری است که این قولیه در کمال زیارت از بعضی ائمّه علیهم السلام روایت کرده که فرمودند: چون به نزد قبر امام رضا علیه السلام بروی بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا القُرْطَبِيِّ. الإمام التَّمِيمِ النُّفَرِيِّ. وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ قَوْلُ الْأَرْضِ وَمَنْ نَحْتِ الثَّرَى. الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ. صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً. زَكِيَّةً مُتَوَاصِلَةً. مُتَوَاتِرَةً مُتَرَابِعَةً. كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

بدان که علامه مجلسی رحمه الله در بحار از بعضی مؤلفات قدمای اصحاب زیارتی نقل کرده که معروض می شود از حضرت جواد علیه السلام باشد و آن همان زیارتی است که بین مردم مشهور است به زیارت جوادیه. و لکن ظاهر آن است که از شام رحمه الله مروی باشد چنانچه سیاق عباراتش نیز بر این مطلب شهادت می دهد. لکن دعا بعد از سازش را اگر کسی بعد از نماز زیارت آن حضرت بخواند بسیار خوب است. چنانچه علامه مجلسی از شیخ مفید رحمه الله در تحفه استنباط آن دعا را بعد از نماز زیارت با معای مذکور نقل نموده. و اگر بنا بر اختصار بود آن زیارت را با دعاهای ذکر می نمودیم لکن چون مشهور است و نسخی بسیار است. کافی است ما را از ذکر

مؤلف گوید که: علامه مجلسی رحمه الله در بحار زیارتی چند آورد فرموده و چون ثابت نبود که متفرون از ائمه اطهار علیه السلام باشد در این جا ترک کردیم. و زیارت جلسه را در این روایت شریفه و سایر روایات خواندن بسیار مناسب است. و اگر کسی در نماز زیارت آن حضرت و همچنین ائمه دیگر نماز حضرت جعفر علیه السلام بخواند بسیار خوب است و اجر عظیم دوک خواهد بود. چنانچه علامه مذکور در بحار نقل کرده از خط شیخ جلیل حسین بن عبد الصمد و قد شیخ بهائی رحمه الله که شیخ ابوالعباس حسین بن احمد نقبه رازی رحمه الله ذکر نموده که هر کس زیارت کند حضرت امام رضا یا دیگر از ائمه علیهم السلام در پس در نزد آن امام به جای آورد نماز جعفر را برای او نوشته شود به هر رکعتی ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره به جای آورده باشد و هزار بنده در راه خدا آزاد کرده

باشد و هزار مرتبہ بہ جہاد ایستادہ باشد یا بیشتر مرسِل و برای لوست بہ ہر گامی کہ بر می دارد توبہ صد حج و صد عمرہ و صد یندہ آزاد کردن در راہ خدای تعالیٰ و موختہ شود برای او صد حسنہ و محو شود از او صد سبتہ و اثنا کیفیت نماز چتر علیہ السلام پس در اعمال روز جمعہ (صفحہ ۶۳۷) بیاید بِن شام اللہ تعالیٰ

زیارت آن حضرت در ایام و اوقات شریفہ

بدان کہ زیارت آن حضرت در ایام و اوقات شریفہ مختصہ بہ آن حضرت فضیلت بسیار دارد خصوصاً در ماہ مبارک رجب کہ سابق در یک حدیث گذشت و مثل چند روز در ایام شہر رمضان کہ بہ آن حضرت اختصاص دارد، چون روز نزل آن مہر و روزی است کہ بہ آن حضرت بہمت کردند بہ روز ششم آن، و سبت بی طاووس علیہ السلام در تہلیل برای شکرانہ این نعمت از برای روز ششم سازی نقل کردہ شاید بِن شام اللہ تعالیٰ در مقامش ذکر شود (در صفحہ ۱۵۳۳) و روز وفات آن حضرت کہ روز آخر ماہ صفر است یا نهم آن یا یہد و چہارم ماہ رمضان، و روز ولادت شریف آن حضرت کہ موافق مشہور یازدہم ماہ ذیقعدہ است و روزی کہ آن حضرت بہ خلافت الہی فایز گردید کہ روز وفات والد بزرگوارش حضرت امام موسی علیہ السلام باشد و گذشت در باب زیارت آن حضرت، و غیر این روزها از ایام دیگر کہ بہ آن حضرت اختصاص دارد.

در زیارت وداع

و چون خواستی وداع کنی آن حضرت را پس بگو آنچه را کہ در وداع حضرت رسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می گفتی: لَا جُعْلُهُ اللّٰهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ، و اگر خواستی بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ لَا تُجْعَلْهُ آخِرَ الْفَهْمِ مِنْ رِيَاظِي ابْنِ نُبِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَاجْتَنِبْنِي وَإِنَاءً فِي جَنَّتِكَ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُ فِي جَزَائِهِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسِّنْ لَوْلَاكَ زُهْقَاءَ، وَاسْتَوْعِمْكَ اللّٰهُ وَاسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَمَا جِئْتَ بِهِ وَذَكَرْتُ عَلَيْهِ فَأَكْتُبُنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

و شیخ صدوق علیہ السلام و دیگران وداع طویلی از برای آن حضرت نقل کرده اند و چون بنا بر اختصار است، بہ همین وداع کہ شیخ کفعمی در بلد الامین ذکر نموده، اکتفا نمودیم و بعد از این نیز وداع طویلی نقل کنیم کہ در تمام روایات ائمہ علیہم السلام خواصہ شود.

فصل سوم

در بیان زیارات چند نفر از علمای کبار
که در آن مشهد شریف مدفون اند

بدان که در ارض اقدس حرمین جمعی از اعظم و مشایخ علما مدفونند که بگه و وحید دهر بودند، و سزوار است که زائر به زیارت آن‌ها مشرف و به بعضی زیارت و خاتمه بر سر قبر آن‌ها ماکل شود.

مانند شیخ عالم جلیل لعجریه دهر و قریه عصره، علامه الشیرازی و القللی الحادی عشر شعبان الهیائی محمّد بن الحسن بن عبد القمّار الحارثی العاملی - قدس الله روحه الشریف - که جلالت و نهايت شأنش بر احدی مخفی نیست، و علمای رجال او را ستایش بیغ نمودند، و سید علیخان مدنی شیرازی در سلفه او را از مجتهدین مذهب در مائت حادی عشر شمرد^(۱)، و گفته که نسبتش با سابقین از افاضل و اعیان مثل ملت محمّدیه^(۲) است بالنسبه به سایر ملل و ادیان، و بالجملة قبر شریفش واقع است در بقعه بررگی ما بین صحن نو و مسجد معروف به گوهرشاد، و مردم را اعتقاد تمامی است با قبر آن جناب، و نظورات بسیار به خصوص شیخ و چراغ به آن بقعه شریفه برند، و ظهیر در ایام تفرّج به ارض اقدس هر وقت که از زده قبر آن مرحوم می‌گذشتیم، چه روز و چه شب می‌دیدم که شیخ‌های بسیار بر سر قبر ایستاده‌اند.

و مانند شیخ عالم جلیل و محدّث و فقیه بی‌بدیل شیخ محمّد بن الحسن بن علی المرّ العاملی المشرفی صاحب کتاب رسایل الفقیه که مدار امامت فقهیه است و الحق این شیخ بزرگوار با تألیف این کتاب شریف متنی عظیم بر شیخه خصوص بر اهل علم نهاده، و لهذا پس سزوار است از برای مردم سیما سلسله جلیله اهل علم که ادای بعضی حقوق او را نموده و روح پرفروختن را به هدایا و نصف آیات و سوره قرآنی و خیره یاد و شاد نمایند قبر شریفش واقع است در صحن کهنه در یکی از ایوان حجرات آن، در حدوده مدرسه مرویه به مدرسه میرزا جعفر.

و مانند شیخ فقیه و محدّث بیه مولانا رضی الله عنی ابی نصر حسن بن خلیل الطبرسی مؤلف کتاب مکارم الاخلاق بیل امین الذین لیر علی فصل بن حسن صاحب کتاب مجمع البیان و خبره وفاتش در سبزوادر واقع شد جنازه شریفش را نقل کرده به ارض اقدس آوردند در موضع معروف به قلنگاه او را دفن کردند وضوان الله علیه.

۱ به استناد روایتی مشهور، برای هر قرن یک نفر را به عنوان مجتهد می‌شد و طی این چهارده قرن چهارده نفر را با این عنوان بر سر دفن کردند. مرحوم مؤلف در اینجا می‌گوید که مرحوم شیخ بهایی معتقد بود، یازدهم است.

احوال خواجه ربیع که در مشهد مقدس است

بدان که در یک قرصخی مشهد مقدس موصی است با زراعت و صفا معروف به خواجه ربیع بواسطه آنکه قبر ربیع بن خثیم در آنجا واقع است و از برای لوطیه و کبای است و مردم به زیارت او بسیار می‌روند و معروف به این لقب می‌شوند یکی ربیع بن خثیم به فتح خدای مجسمه و تقدیم پاد سناکه بر تاه مقله مطوحه و او از اصحاب حضرت صادق علیه السلام می‌باشد چنانچه از باب طواف مرطی کتاب تهذیب ظاهر می‌شود و دیگری ربیع بن خثیم بنظم خدای مجسمه و تقدیم مقله مطوحه است بر پاد سناکه و از تابعین و از اتباع این مسعود صحابی است و شیخ فقی و دیگران فرموده‌اند که او یکی از آن هفت نفر رطلد معروف است ^(۱) و از کتاب مطالب المصنوع ظاهر می‌شود که او معروف صوری همای بن عباده بن خثیم معروف است که از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کرد که صفات مکتبی را ذکر نماید و چون حضرت صفات مکتبی ذکر نمود صبه‌ای زد و مرغ روحانی پرید و این ربیع دوم همان است که در خراسان مدفون است و کثیری او را مدح و ستایش کرده‌اند، بلکه بعضی گفته‌اند که او از جمله ائمه و اتباع امیر المؤمنین علیه السلام است و از شیخ بهائی رحمته الله نقل شده که در بعضی رسائل خود در جواب سؤال شاه عباس صفوی ماضی در حال این شخص فرموده به عرض می‌رساند که خواجه ربیع علیه السلام از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام است و بسیار مقرب آن حضرت بود و در کشتن عثمان داخل شد و در وقتی که با لشکر اسلام به خراسان به جهاد بکفار آمده بود این جا فوت شد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرموده ما را از آمدن به خراسان فایده دیگر برسد به غیر از زیارت خواجه ربیع علیه السلام انتهى.

و فاضلی نور الله تعالی در مجالس در حال خواجه ربیع مذکور گفته که قبر شریفش در کنار روحخانه طوسی نزدیک به مشهد مقدس واقع است و از قنات آن دیار شنیده شد که در وقتی که امام علی بن موسی علیه السلام با مأمور عباسی در طوسی می‌بودند به زیارت خواجه ربیع توجه می‌فرمودند - و گفته خدا ضلاً و شرقاً - انتهى. و لکن عالم فاضل خیر و ماهر در این صنعت جناب اقا میرزا عبد الله اصفهانی رحمته الله را اعطای بر این شخص نیست و مدائح او را محل نظر قرار داده و در کتاب ریاض المسامه کلام را در باب لوطیه تمامی داده و چون مناسبت با این مقام ندارد لهذا از ذکر کلمات اومی گذرم و به اجمال خود باقی بماند و الله تعالی العالم

۱ و رطلد نامیه چنانچه شیخ محمد تقی رحمته الله در مجموعه خود ذکر فرمود این عبارتست: عامر بن عبد الله بن اوس قرنی و فرموی خشان و ربیع بن خثیم و ابو مسلم جرجانی و الاسود بن یزید و مسروق الاجدع و الفس بن ابی الحسن رسته علیه السلام.

باب هشتم

در بیان زیارات جامعہ و زیارات
معصومین علیهم السلام از شمس‌الرای دورو
زیارت وداع هر یک از ائمه و ذکر
بعضی دعاها که در هر یک از مشاہد
شریفہ خوانده می شود

و در آن چهار فصل است

فصل اول

در بیان زیارات جامع که هر امامی را به آن زیارت می‌توان نمود

و آنرا بسیار است و ما به ذکر چند زیارت از آن اکتفا می‌نماییم.

زیارت اول: شیخ جلیل رئیس محدثین در کتاب من لا یحضره الفقیه و حیون انهار القضاة روایت نموده که: از حضرت امام عمام امام رضا علیه السلام سؤال کردند در باب زیارت قبر امام موسی علیه السلام، فرمودند که: همانا بگذارد در مسجدهایی که بر اطراف قبر آن حضرت است و مجزی است در همه مواضع^(۱) یعنی در زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام با مطلق مزاورهای شریفه مقدسه، مانند مرقد انبیا و سایر اوصیاء علیهم السلام که در اوصاف مذکوره در حق زیارت با دوات مقدسه استغفار سهیم و شریک اند - هر چند در درجات مختلف باشد - این که بگویند

زیارت جامع برای انبیا و ائمه علیهم السلام

السَّلَامُ عَلَى نُوَلَّيَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُنَمَاءِ اللَّهِ وَأَجْبَانِيهِ
السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَخُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى عَمَّالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَى مُسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُظْهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَى
الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُشْتَجِرِينَ فِي عَرْضَاتِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
الْمُطْلَبِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَوْلَاءِ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ
مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ
عَرَفَ اللَّهُ وَمَنْ جَاهَلَهُمْ فَقَدْ جَاهَلَ اللَّهُ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ
بِاللَّهِ وَمَنْ تَخَلَّى عَنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى عَنِ اللَّهِ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي بَسْمٌ لِمَنْ
سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ بِمَوَازِينِكُمْ وَغُلَامٌ بِبَيْتِكُمْ مَقْوُوسٌ فِي

۱ ظاهر معنی همه مواضع همان است که نوشته شد مخصوص به خلافت فتره انجور بعد از ولایت که مجزی است این کلام در همه زیارتها و لذا احتمال این معنی که مراد از همه مواضع اطراف روضه مقدسه حضرت امام موسی علیه السلام باشد خیلی محتمل است (محقق)

ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ. لَعَنَ اللَّهُ عَتُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْفَجْرِ وَالْإِنْسِ وَأَبْرَأَ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ^۱

و این زیارت در کتاب کافی و تهذیب و کفیل از زیارة نقل شده و در همه کتب بعد از اتحاف زیارت مذکور است که این - یعنی این کلماتی که ذکر شد - مجزی است در همه زیارتها و بسیار صلوات می فرستی بر محمد و آل محمد علیهم السلام و نام میری یک یک را به نامهای ایشان و یزاری می چویی از دشمنان ایشان و اختیار می نمایی هر دعایی را که خواهی از برای خود و مؤمنین و مؤمنات.

مؤلف گوید که: ظاهر آن است که تئذی مذکوره جزء حدیث بوده باشد و بر قدری که عبارت بعضی از محدثین باشد، چون اعظم مشایخ حدیث چنین فهمیدند که در همه زیارتها کافی است، چنانچه ظاهر اول حدیث بر آن دلالت دارد و در باب زیارات جامه نقل فرمودند و الفاظ زیارت همه از صفات جامه است که اختصاص به بعضی ندارد بدین خاطر، از جامه بودن این زیارت جمع و خواندن آن در همه مشاهد حتی در مشاهد انبیا و اوصیا علیهم السلام - چنانچه جمعی از علما در مشهد چنان بوسی علیهم السلام نقل کرده اند - مناسب است، و در فصل اعمال کرده [صفحه ۲۶۰] به آن اشارتی شد و در باب زیارت انبیا علیهم السلام [صفحه ۲۲۰] نیز خواهد آمد.

صلوات در همه مشاهد مشرفه

و چون در ذیل زیارت، امر به صلوات بر هر یک، به خصوص وارد شده است، اگر این صلوات منقول را بخوانند بعد از زیارت بسیار مناسب است و این صلوات در کتب غیث با منقح مذکور است، و چون طریقی دارد اکتفا می نمایم به آنچه شیخ الطائفة در مصباح کبیر ذکر کرده است، فرموده: چنانچه در تعقیف مذکور است که این صلواتی است که بیرون آمد از حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه به سوی ابوالحسن عروب اصفهانی در منگ و صفحاتش این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَحَاقِمِ التَّبِيبِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُتَّقِيَةِ فِي الْمِثَاقِ الْمُضْطَقِّ فِي الظَّلَالِ الْمُطَوَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ.

الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ غَيْبٍ، الْمُؤْتَمِّلِ لِلنَّجَاةِ، الْمُتَرَجِّعِ لِلشُّفَاعَةِ، الْمُفَوَّصِ إِلَيْهِ دِينَ
اللَّهِ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ بِلَدِيانَهُ، وَعَظِّمْ بَرَهَانَهُ، وَأَطْلِجْ حُجَّتَهُ، وَارْقِعْ قَرَجَتَهُ،
وَأَيِّرْ نُورَهُ، وَتَيَقِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَبْرُورَةَ وَالْوَسِيلَةَ،
وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْتِغِ نِقَاماً مَحْمُوداً يَنْبَغِي لَهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ الْقُرَى الْمُحِبِّينَ وَسَيِّدِ
الْوَحِيدِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَخَلِجَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَخَلِجَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَخَلِجَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْخُصَّةِ الْمُنْتَظَرِ الْخَلِيفِ الْقَائِمِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَخَلِجَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَخِي بَيْنَهُ الْأَيُّمَةُ الْهَادِينَ الْمَهْدِينَ. الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ. الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ. دُعَاتِهِ دِينِكَ. وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ. وَتَرَاجِمَةِ وَحِيدِكَ. وَخَلِجِكَ عَلَى خَلْقِكَ. وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ. لَهُمُ الَّذِينَ احْتَرَقَتْهُمُ إِبْرَيْمُكَ. وَأَضَلَّتْهُمْ إِبْرَادُكَ. وَأَزْهَقَتْهُمْ لَدَيْكَ. وَخَسَفَتْهُمْ بِغَرْفَتِكَ. وَجَلَلَتْهُمْ بِكَرَامَتِكَ. وَعَشَرَتْهُمْ بِرَحْمَتِكَ. وَزَيَّنَتْهُمْ بِعِمَّتِكَ. وَغَدَّقَتْهُمْ بِسِحْنَتِكَ. وَأَلْبَسَتْهُمْ مِنْ نُورِكَ. وَزَفَعَتْهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ. وَحَفَلَتْهُمْ بِعَلَائِكَ. وَشَرَّفَتْهُمْ بِسَيِّدِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةَ زَاكِيَّةٍ نَامِيَةٍ كَثِيرَةٍ طَيِّبَةٍ دَائِمَةٍ. لَا يَحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ. وَلَا يَنْصَحُهَا إِلَّا عِلْمُكَ. وَلَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُخْيِي لِوَعْدِكَ. الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ. الدَّاعِي إِلَيْكَ. النَّبِيلِ عَلَيْكَ. وَخَلِجِكَ عَلَى خَلْقِكَ. وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ. وَشَهِيدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ اَعِزْ نَصْرَهُ. وَمُدِّ فِي عُمْرِهِ. وَدَيِّنْ الْأَرْضَ بِطَوْلِهِ بِقَاتِهِ
اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَنِي الْعَابِدِينَ. وَأَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَافِرِينَ. وَأَذْخِرْ عَنْهُ إِرَادَةَ
الظَّالِمِينَ. وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَلَرِينَ.

اللَّهُمَّ اَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَفَرْيَدِهِ. وَشَيْعَتِهِ وَدَرْجِيَّتِهِ. وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ.
وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تَقَرَّرَ بِهِ غِنَاهُ. وَتَشَوَّرَ بِهِ نَفْسُهُ. وَتَلَلَهُ الْفَضْلُ
أَمَلُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُجِبِي مِنْ دِينِكَ. وَأَخِ بِهِ مَا يُدْخِلُ مِنْ كِتَابِكَ.
وَأُظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ. حَتَّى يَفُوتَ دَيْنُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ تُخْلَا
جَدِيداً خَالِصاً مُخْلِصاً. لَا شَكَّ فِيهِ. وَلَا شَيْفَةَ مَعَهُ. وَلَا بَاطِلَ مِنْهُ.
وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ مَوْزِ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ. وَهَدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ. وَأَهْدِمْ بِمَوْزِهِ كُلَّ
ضَلَالَةٍ. وَاقْبِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ. وَأَحْمِمْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ. وَأَهْلِكْ بِعَنْقَلِهِ جَوْرَ
كُلِّ جَائِرٍ. وَأَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حَكَمٍ. وَأَيِّلْ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.
اللَّهُمَّ أَيْلِ كُلَّ مَنْ فَاوَاهُ. وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ. وَأَكْزِرْ بِمَنْ مَكَرَاهُ.
وَكَبِدْ مَنْ كَادَاهُ. وَاسْتَأْجِلْ مَنْ جَعَدَ حَقَّهُ. وَاسْتَهْزَأَ بِأَمْرِهِ وَسَمَى فِي إِطْفَاءِ
نُورِهِ وَارَادَ إِحْمَادَهُ وَكَبَّرَهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى. وَعَلَى الْمُرْتَضَى. وَفَاطِمَةَ الرُّضَا.
وَالْحَسَنِ الرُّضَا. وَالْحُسَيْنِ الْمُضْطَرَى. وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مُصَابِيحِ الدُّجَى.
وَأَعْلَامِ الْهُدَى. وَمَسَارِ الثَّقَى. وَالْمَرْوَةِ الْوُثْقَى. وَالْخَبْلِ الْهَمِيْنِ. وَالصُّرَاطِ
الْمُسْتَقِيمِ.

وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ وَالْآئِمَّةِ مِنْ وَثْقِهِ وَمَنْ فِي أَصْحَابِهِمْ.
وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ. وَتَقْطَعْ أَلْسُنَ أَعْمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَآجِرَةً. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

زیارت جامعه کبیره دوم

زیارت دوم. زیارتی است که شیخ جنید میل شیخ لیراهم کفشی در کتاب بلد المؤمنین از امام
عزیز التلی نقل کرده که بعد از ذکر صد تکبیر آن بزرگواران را چنین زیارت کنند.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَهْمَتِ النَّبُوَّةِ. وَمَوْجِعِ الرُّسَالَةِ. وَمُخْتَلَفِ
الْمَلَائِكَةِ. وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ. وَخِرَازِنِ الْوَلَمِ وَمُنْتَهَى الْجَلَمِ. وَمَنْبِذِ الرُّحْمَةِ
وَمَأْوَى الشُّكْنَةِ. وَأَسْوَلِ الْكُرْمِ وَقَادَةَ الْأَصَمِ وَأُولِيَاءِ النِّعَمِ. وَعَسَائِرِ
الْأَهْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَحْيَارِ. وَسَانَةَ الْعِمَادِ وَلِزْكَانِ الْبِلَادِ. وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ
وَأَضَاءِ الرُّحْمَنِ. وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَآلَ يَسٍّ. وَجِثْرَةَ رَسُولِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى. وَمَصَابِيحِ الدُّجَى. وَأَعْلَامِ التَّقَى. وَكُفُوفِ
الْوَرَى. وَنُورِ الدُّنْيَا. وَأَعْلَامِ التَّقَى. وَقَوِي النَّهْنِ. وَأُولِي الْجَهَنِّ. وَذُرِّيَّةَ
الْأَنْبِيَاءِ. وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى. وَالشُّعْرَةِ الْخُسْنِ. وَوَرِثَةَ الْأَنْبِيَاءِ. وَالْحُجَّةَ عَلَى
مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ. وَمَشَاكِي نُورِ اللَّهِ. وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتَةِ اللَّهِ.
وَمَعَادِي حِكْمَةِ اللَّهِ. وَخِرَازِنِ عِلْمِ اللَّهِ. وَحَفَظَةِ بَرِّ اللَّهِ. وَحِمْلَةِ كِتَابِ
اللَّهِ. وَوَرِثَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِهِ وَذُرِّيَّةِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ

وَبَرَكَاتُهُ

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مُرَاضَةِ اللَّهِ، وَالْمُؤَدِّينَ عَنِ اللَّهِ، وَالْقَائِمِينَ بِحَقِّ اللَّهِ، وَالنَّاطِقِينَ عَنِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقِيمِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالضَّالِّينَ بِأَمْرِ اللَّهِ، وَالشَّابِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَتَهْيِئِهِ، وَجَبَابِهِ الْمُكَرَّمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَتَمَلَّوْنَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ، وَالْفَقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحِمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ، وَأُولِي الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَجْزِيهِ، وَخَيْرِيهِ وَعَيْنِيهِ عَلَيْهِ، وَخَيْرِيهِ وَعَيْنِيهِ وَجْزِيهِ، وَبِرَاحَةِ نُورِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَلَوْوُ الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْغَنِيُّ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُجْتَمِعِينَ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَجِينَ، وَنَبِيُّهُ الْمُصْطَفَى، وَأَمِينُهُ الْمُرْتَضَى، لِرِسَالَتِهِ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلِنُكْرِهِ الْمُشْرُكُونَ، فَصَدَّقَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِ رَبِّهِ، وَنَلَّغَ مَا خُتِلَهُ، وَنَضَحَ لِأُمَّتِهِ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ رَبِّهِ، وَدَعَا إِلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْظِعَةِ الْحَسَنَةِ، وَصَبَرَ عَلَى مَا أَصَابَهُ فِي جَنْبِهِ، وَعَيْنُهُ صَادِقًا حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَهُ، وَالكِتَابَ كَمَا قَلَّاهُ، وَالْعَقْلَ كَمَا أَحْلَاهُ، وَالْحَرَامَ كَمَا حَرَّمَهُ، وَالْفَضْلَ كَمَا فَضَّلَهُ، وَالْحَقَّ مَا قَالَهُ، وَالرُّشْدَ مَا أَمَرَ، وَأَنَّ الدِّينَ كَلْبُوهُ وَخَالِقُوهَا عَلَيْهِ، وَجَاهَدُوا حَقَّهُ، وَأَنْكُرُوا فَضْلَهُ.

وَالْتَهُمُوهُ وَطَلَعُوا وَسِيَّتَهُ وَخَلُّوا عَقْدَهُ وَتَكَلَّمُوا بِمِيقَتِهِ وَاعْتَمَدُوا عَلَيْهِ
وَعَصَبُوا بِخَلْقَتِهِ وَتَبَتَّلُوا أَمْرَهُ فِيهِ وَاتَّسَبَّحُوا الْجُودَ وَالْمُنَافَى عَلَى أَهْلِ
النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَلَّبُوا عَنْهُمْ وَتَوَلَّوْا غَيْرَهُمْ ذَابِقُوا الْعَذَابَ فِي أَنْفُسِهِمْ
فَزَكَ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ
مَلُومُونَ مُتَعَمِّدُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ يُعَايِنُونَ النَّفَاثَةَ وَالْغِيْظَ الطَّوِيلَ مَعَ
الْآذِلِّينَ الْأَشْرَارِ وَقَدْ كَبُّوا عَلَى وُجُوهِهِمْ فِي النَّارِ

وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَصَدَّقُوا وَنَصَرُوهُ وَوَلَّوْهُ وَعَزَّوْهُ وَاتَّبَعُوا النَّوْزَ
الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُطِيعُونَ فِي جَنَابِ النُّعِيمِ وَالْقَوْدِ الْعَظِيمِ
وَالثَّوَابِ الْمُقِيمِ الْكَرِيمِ وَالْمِنْطَةِ وَالشُّرُوبِ وَالْقَوْدِ الْكَبِيرِ

فَجَرَّاهُ اللَّهُ عَنَّا أَحْسَنَ الْجَزَاءِ وَخَيْرَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَرَسُولًا
عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ وَخَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْمَصَائِلِ وَبَلَّغَهُ أَهْلَى تَحَلُّ شَرْبِ
الْمُكَرَّمِينَ مِنَ التَّزْجَاتِ الْقُلَى فِي أَهْلِ عِلِّيِّينَ فِي جَنَابِ وَتَهَرُّ فِي مُقَدِّمِ
صَلَّى جَنَّةِ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ وَأَعْطَاهُ حَتَّى يَرْضَى وَزَادَهُ بَحْثَ الرِّضَا وَجَعَلَهُ
أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مَجْلِسًا وَأَتَانَهُمْ إِلَيْهِ عَشْرًا وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جَاهًا وَأَفْلَحَهُمْ
لَذَنَّهُ كُفْيًا وَأَحْسَنَهُمْ اتِّبَاعًا وَلَوَفَّرَ الْحَلَقِ نَصِيبًا وَأَجْرَتَهُمْ خَطًّا فِي كُلِّ
خَيْرٍ اللَّهُ قَاسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَنَصِيبًا وَأَخِيرَ اللَّهُمَّ مَجَازَاتَهُ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْآيَةُ الرَّاشِدُونَ الْخَدِيُّونَ الْخَصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ
الْمُقَرَّبُونَ الصَّادِقُونَ الْمُضْطَلَّحُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ
بِرَأْفَتِهِ الْعَامِلُونَ بِكَرَامَتِهِ اسْتَطَاعَكُمْ بِمِلَّةِهِ وَاسْتَطَاعَكُمْ لِنَفْسِهِ وَارْتَضَاكُمْ

بِعِيبِهِ . وَاسْتَخَارَكُمْ لِسِرِّهِ . وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ . وَاعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ . وَحَضَّكُمْ
بِبِرِّهَائِهِ . وَاتَّجَبَكُمْ بِنُورِهِ . وَآيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ . وَرَضَّكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ .
وَجَعَلَكُمْ حُجَجاً عَلَى بَرِيَّتِهِ . وَأَنْصَاراً لِدِينِهِ . وَحَفَظَهُ لِعِصْمَتِهِ . وَخَرَجَهُ
لِعِلْمِهِ . وَمُسْتَوْدَعاً لِسِرِّهِ . وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِهِ . وَآزَكَاناً لِتَوْحِيدِهِ . وَشُهَدَاءَ عَلَى
خَلْقِهِ . وَأَنْشِبَاءَ إِلَيْهِ . وَأَعْلَاماً لِعِبَادِهِ . وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ . وَسَبِيلًا إِلَى جَنَّتِهِ .
وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ . غَضَّكُمْ اللَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ . وَتَرَاكُمْ مِنَ الْغُيُوبِ .
وَأَسَمَّكُمْ عَلَى الْغُيُوبِ . وَجَنَّبَكُمْ الْآفَاتِ . وَوَقَّاكُمْ مِنَ السَّيِّئَاتِ . وَظَهَّرَكُمْ
مِنَ الدُّنْيَا وَالرَّيْبِ . وَنَزَّهَكُمْ مِنَ الرُّكْلِ وَالْخَطَا . وَأَهَبَ عَنْكُمْ الرُّجُوتَ
وَظَهَّرَكُمْ لَطْفَهُ . وَأَمْسَكَكُمْ مِنَ الْفِتْرِ . وَاسْتَرْعَاكُمْ الْآثَامَ . وَعَرَّفَكُمْ
الْأَسْبَابَ . وَأَوْرَثَكُمْ الْكِتَابَ . وَأَعْطَاكُمْ الْمَقَالِيدَ . وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا خَلَقَ
فَعَفَفْتُمْ جَلَالَهُ . وَكَبَرْتُمْ شَانَهُ . وَهَيَّيْتُمْ عَظَمَتَهُ . وَعَجَّزْتُمْ كَرَمَهُ . وَأَدَمْتُمْ
وَكْرَمَهُ . وَوَكَّلْتُمْ مِثَالَهُ . وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ عُرَى طَاعَتِهِ . وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي الشَّرِّ
وَالْعَلَابِيَةِ . وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْفَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ . وَتَذَلَّلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
فِي مَرْضَاتِهِ . وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا لَمَسَ بَعْضَكُمْ فِي جَنْبِهِ . وَصَدَقْتُمْ بِأَمْرِهِ . وَتَلَوْتُمْ
كِتَابَهُ . وَحَدَّثْتُمْ بِأَمْرِهِ . وَذَكَّرْتُمْ بِآيَاتِهِ . وَلَوْفَيْتُمْ بِهُدَاهُ . وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ .
وَأَتَيْتُمْ الزَّكَاةَ . وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ . وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ . وَجَاهَدْتُمْ بِأَلْفِي هِي
أَحْسَنُ . وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ . حَتَّى أَغْلَبْتُمْ دَعْوَتَهُ وَقَمَعْتُمْ غُلُوبَهُ .
وَظَهَرْتُمْ دِينَهُ وَبَيَّنَّتُمْ فَرَايِضَهُ . وَأَقَمْتُمْ خُلُودَهُ . وَشَرَعْتُمْ أَحْكَامَهُ . وَسَمَّيْتُمْ
سُنَّتَهُ . وَجَعَلْتُمْ فِي ذَلِكَ مِثْلَ إِلَى الرِّضَا . وَسَلَفْتُمْ لَهُ الْقَصَادَ . وَصَلَّيْتُمْ مِنْ
رُسُلِهِ مَنْ غَضَرَ

فَالرَّاجِعُ عَنْكُمْ مَارِقٌ. وَاللَّامِ لَكُمْ لَاحِقٌ. وَالْمَقْصُرُ عَنْكُمْ زَاهِقٌ.
وَالْعَوُّ مِنْكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْيَكْمُ. وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَنْعِبُهُ. وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ
عِنْدَكُمْ. وَأَيَّاتُ الْخَلْقِ بَيْنَكُمْ. وَجَسَائِفُهُمْ عَلَيْكُمْ. وَفَضْلُ الْجَطَابِ عِنْدَكُمْ.
وَأَيَّاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ. وَغَرَائِمُهُ فِيكُمْ. وَنُورُهُ عَنْكُمْ. وَبِرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ. وَأَمْرُهُ
نَارٌ بَيْنَكُمْ

مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ. وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ. وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ
فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ. وَمَنْ اغْتَنَصَ بِكُمْ فَقَدْ اغْتَنَصَ بِاللَّهِ
أَنْتُمْ يَا عَوَالِي بَعَثَ الْعَوَالِي لِمَهْدِيهِمْ. أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ. وَالضَّرَاطُ
الْقَوْمُ. وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ. وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ. وَالرَّحْمَةُ الْخَوَاصَّةُ.
وَالْآيَةُ الْمَحْزُونَةُ. وَالْأَمَانَةُ الْمُخْلُوعَةُ. وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ. مَنْ أَنْتُمْ
فَقَدْ نَجَا. وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هُنَاكَ. وَمَنْ أَبَاكُمْ هُوَ. إِنْ أَلَّيْهِ تَدْعُونَ. وَعَلَيْهِ
تَسْلُونَ. وَبِهِ تُؤْمِنُونَ. وَلَهُ تُسَلِّمُونَ. وَيَأْمُرُهُ تُخْفَلُونَ. وَإِلَى سَبِيلِهِ
تُرْشِدُونَ. وَيَقُولُ تَحْكُمُونَ. وَإِلَيْهِ تُسَبِّحُونَ. وَإِلَيْهِ تُعْظَمُونَ

سَجِدَ وَاللَّهِ بِكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ. وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ. وَخَابَ مَنْ جَهِلَكُمْ.
وَضَلَّ مَنْ قَارَكُمْ. وَهَارَ مَنْ قَسَمَكْ بِكُمْ. وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ. وَسَبِّحَ
مَنْ خَلَقَكُمْ. وَهَدَى عَنِ اغْتَنَصَ بِكُمْ. مَنْ لَتَبَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ. وَمَنْ
حَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَتَوَاهُ. وَمَنْ جَعَدَكُمْ كَافِرًا. وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكًا. وَمَنْ رَدَّ
عَلَيْكُمْ قَضِي أَنْقَلَبَ قَرِيْبُ الْبَحِيمِ

أَشْهَدُ أَنْ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى. وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ. وَأَنْ
أَنْوَارَكُمْ وَأَشْبَاحَكُمْ وَسَنَاءَكُمْ وَظِلَالَكُمْ وَلَزَوَاجَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ.

جَلَّتْ وَعَظُمَتْ وَبُورِكَتْ وَقُدُّسَتْ وَطَابَتْ وَطَهَّرَتْ. يَنْصُهَا مِنْ يَغْيٍ. لَمْ
تَرَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ وَعِنْدَهُ فِي مَكُوتِهِ نَوَارًا تَأْمُرُونَ. وَلَهُ تَحَافُونَ. وَإِيَّاهُ
تُسَبِّحُونَ. وَيُغْرِثُهُ مُخَبِّقُونَ. وَيُهَاجِرُونَ. حَتَّى مِنْ بَيْنِكُمْ عَلَيْنَا. فَجَعَلَكُمْ
فِي بُيُوتٍ أَقْبَلَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكُرَ فِيهَا لِسْمُهُ. تَوَلَّى عَزَّ وَكْرَهُ تَعْلِيمَهَا.
وَرَضِيَ مِنْ خَلْقِهِ بِتَعْظِيمِهَا. فَرَفَعَهَا عَلَى كُلِّ بَيْتٍ قُدُّسُهُ. وَأَعْلَاهَا عَلَى كُلِّ
بَيْتٍ طَهَّرَهُ. فِي السَّمَاءِ لَا يُؤَارِيهَا حَظَرُهُ. وَلَا يَنْسُو إِلَى سَمَائِهَا النَّظَرُ. وَلَا
يَقْعُ عَلَى كُنْهَيْهَا الْفِكْرُ. وَلَا يَطْمَحُ إِلَى لَرْجِهَا الْبَصَرُ. وَلَا يُمَاوِزُ سُكَّانَهَا
الْبَشَرُ. يَتَمَنَّى كُلُّ أَحَدٍ أَنَّهُ مِنْكُمْ وَلَا تَتَمَنُّونَ أَنْتُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ. إِلَيْكُمْ
انْتَهَى الْكَارِمُ وَالشَّرَفُ. وَفِيكُمْ اسْتَقَرَّتِ الْأَنْوَارُ وَالْعَرْمُ وَالْمَجْدُ وَالشُّوْءُ.
لَمَّا قُوِّضَ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ. وَلَا لَقَرَبَ إِلَيْهِ وَلَا أَحْصَى لَدَيْهِ وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ
مِنْكُمْ.

أَنْتُمْ سُكَّرُ الْبِلَادِ. وَمَوْرُ الْبِلَادِ. وَخَلْقُكُمْ الْأَعْيَادُ يَوْمَ التَّوَادِ. كُلَّمَا غَابَ
مِنْكُمْ حُجَّةٌ أَوْ أَقْلٌ مِنْكُمْ عِلْمٌ أَطْلَعَ اللَّهُ لِخَلْقِهِ مِنْ غَوْبِ الْمَاصِي خَلَاءَ
إِمَامًا وَمُورًا وَهَادِيًا. وَبَرَهَانًا مُبِينًا نَهْرًا دَاجِيًا عَنْ دَاجٍ. وَهَادِيًا بِخَدِّ
هَادٍ. وَخَرْنَةً وَحَفْظَةً. لَا يَغِيضُ بِكُمْ غَوْدَةً. وَلَا يَنْقَطِعُ عَنْكُمْ عَوَادَةٌ. وَلَا
يُسَلِّبُ بِكُمْ لَرِيحَةً. سَبِيًّا مَوْحُولًا مِنَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ. وَرَحْمَةً مِنْهُ عَلَيْنَا.
يُرْسِلُنَا إِلَيْهِ. وَيُغْرِثُنَا مِنْهُ. وَيُرَاقُنَا لَدَيْهِ. وَجَعَلَ صَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ. وَذِكْرُنَا
لَكُمْ. وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ. وَعَرَفْنَا مِنْ فَضْلِكُمْ طِبْيَا لِخَلْقِنَا.
وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا. وَتَرْكِيبَةً لِنَا. وَكَلَامَةً لِأَلْسِنَتِنَا. كُنَّا عِنْدَهُ بِكُمْ مُؤْمِنِينَ
مُسُومِينَ. وَبِفَضْلِكُمْ مَعْرُوفِينَ. وَبِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ مُشْكُورِينَ. وَبِطَاعَتِنَا لَكُمْ

مَشْهُورِينَ

فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَقَلِّ الْعُكْرَمِينَ . وَأَفْضَلَ شَرَفِ الْمُشْرِفِينَ .
وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ . وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ . حَيْثُ لَا يَلْسَعُهُ لَاحِقُ .
وَلَا يَتَوَلَّهُ فَائِقُ . وَلَا يَنْسِفُهُ سَابِقُ . وَلَا يَطْمَعُ فِي إِتْرَاكِهِ طَامِعُ . حَتَّى لَا
يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبُ . وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلُ . وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدُ . وَلَا عَالِمٌ وَلَا
جَاهِلُ . وَلَا ذَمِيٌّ وَلَا فَاضِلُ . وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِعُ . وَلَا خَبَرٌ
غَسِيدُ . وَلَا شَيْطَانٌ مُرِيدُ . وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدُ إِلَّا عَرَفْتُمْ جَلَالَ
أَمْرِكُمْ . وَعَظَمَ خَطَرَكُمْ . وَكَثَرَ شَأْيَكُمْ . وَثَمَامَ لُورِكُمْ . وَصَدَقَ عَقَالَكُمْ .
وَلَبَّاتِ مَقَامَكُمْ . وَشَرَفَ مَحَلَّكُمْ . وَمَنْزِلَتَكُمْ جَنَّةُ . وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ .
وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ . وَفَرَّبَ مَنْزِلَتَكُمْ بِنْتِ

بَابِي أَنْتُمْ وَأَمِي وَنَفْسِي وَأَعْلَى وَمَالِي وَأَسْرَقِي . يَا سَاقِي وَأَبْنِي أَشْهَدُ
اللَّهُ وَأَشْهَدُكُمْ . أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ . كَالَّذِ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ
بِهِ . مُسْتَشِيرٌ بِشَأْيِكُمْ . عَارِفٌ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ . مُوَالٍ لَكُمْ
وَلَا أَوْلِيَاءَكُمْ . مُبِخَصٌّ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَاوِلُهُمْ . يَلْمُ مَنْ سَلَمَكُمْ . وَخَرِبَ لِمَنْ
حَارَبَكُمْ . مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ . مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ . مُطِيعٌ لَكُمْ . عَارِفٌ
بِخَفَاكُمْ . مُقَرٌّ بِفَضْلِكُمْ . مُخْتَوِلٌ لِمَلِكِكُمْ . مُقْتَدِي بِكُمْ . مُخْتَصِبٌ بِدَعْوَتِكُمْ .
مُعْتَرِفٌ بِكُمْ . مُؤْمِنٌ بِأَيَّامِكُمْ . مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ . مُسْتَنْظَرٌ لِأَمْرِكُمْ . مُرْتَقِبٌ
لِنَوَائِكُمْ . آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ . عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ . مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ . زَائِرٌ لَكُمْ . هَائِذٌ
بِكُمْ . لَا يَنْدُ بِشُؤْرِكُمْ . مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ . مُتَقَرَّبٌ إِلَيْهِ
بِمَحَبَّتِكُمْ . وَمُقَلَّمُكُمْ أَمَامَ طَلِيبِي وَفَسَالِي وَخَوَاصِي وَلِقَاتِي . وَمُتَوَسِّلٌ

بِكُمْ إِلَهَ. وَمَقَدُّكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ فِي كُلِّ أَسْوَإٍ وَأَمْرٍ. مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأُولَئِكَمْ وَأَجْرِكُمْ. وَمَقْصُودٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَى
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ إِلَيْكُمْ. وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ. وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ. وَرَأْيِي
لَكُمْ تَتَبُّعٌ. وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُخَيَّرَ اللَّهُ بَيْنَهُ بِكُمْ. وَيَرْزُقَكُمْ فِي
أَيَّامِهِ. وَيُظْهِرَكُمْ لِضَلِيلِهِ. وَيُمَكِّنَكُمْ فِي لَوْجِهِ.

لَمَعَكُمْ مَعَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ. أَتَيْتُ بِكُمْ وَتَوَالَيْتُ
أَجْرَكُمْ. بِمَا تَوَالَيْتُ بِهِ لَوْلَكُمْ. وَبَرَيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَغْدَابِكُمْ.
وَمِنْ أَلْجَبِتِ الطَّاغُوتِ وَلَوْلِيَانِهِمْ. وَالشَّيَاطِينِ وَجَزِيرِهِمْ. وَالظَّالِمِينَ لَكُمْ.
وَالْعَاجِدِينَ بِسَفْكَكُمْ. وَالْمَارِقِينَ مِنْ دِينِكُمْ وَوَلَايَتِكُمْ. وَالْعَاصِينَ لِأَرْثِكُمْ.
وَالشَّاكِينَ فِيكُمْ. وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ. وَمِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَكُمْ. وَكُلِّ مَطْلَعٍ
سِوَاكُمْ. وَمِنْ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ

فَتُخْبِئِي اللَّهُ أَمْدًا مَا خَوِيَتْ عَلَى مُوَالِيكُمْ وَضَعْبِكُمْ وَدِينِكُمْ. وَوَقَلْبِي
لِطَاعَتِكُمْ. وَزَرْقِي لِمَعَانَتِكُمْ. وَجَعَلَنِي مِنْ جِيَارِ مُوَالِيكُمْ التَّائِبِينَ إِلَى مَا
دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ. وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتُلُ أَتَارِكَكُمْ. وَمُسْلِكُ سَبِيلِكُمْ. وَنَهْنَسِي
بِهِدَاكُمْ. وَيُخَشِّرُ فِي زَمَرَتِكُمْ. وَيَكُونُ فِي رَجْفَتِكُمْ. وَمُسْلِكُ فِي مَوَالِيكُمْ
وَيُسْرِفُ فِي عَافِيَتِكُمْ. وَيُنْفَكُ فِي وَلَايَتِكُمْ. وَيَتَمَكَّنُ فِي أَيَّامِكُمْ. وَيَتَوَرَّأُ
عِنْتُهُ خَدَا بِرُؤْيَاكُمْ.

بَابِي أَنْتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَنُصْرَتِي. مِنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ
بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنْكُمْ. وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ. مُوَالِي لَا أُخْصِي
ثَنَاءَكُمْ. وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ. وَلَا مِنْ الْوُصْفِ قُدْرَتَكُمْ. لِأَنَّكُمْ نُورٌ

الْأَنْوَارِ، وَحَبِيرَةُ الْأَخْيَارِ، وَهَدَاةُ الْآبَرَارِ، وَحُجَّجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ،
وَبِكُمْ خَتَمَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَنْزِلُ اللَّهُ الْفَيْثُ وَالرَّحْمَةُ، وَبِكُمْ يُفِيكُ السَّمَاءُ
أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنْقَسُ الْقَهْمُ، وَبِكُشِفِ الْقُرْ، وَعِنْدَكُمْ
مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبِطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِنْ جَدَّكُمْ يُعِثُّ الرُّوحُ الْأَمِينُ^۱
وَيَسْلُجُ مَنْجَقَكُمْ تَعَلَّقْ كُلُّ لِسَانٍ، وَبِكُمْ يُسْمِعُ الْقُلُوبُ السُّبُوحُ،
وَيَتَشَبَّهُكُمْ حَرَّتِ الْإِنْسُ بِالتَّسْبِيحِ، وَاللَّهُ بِمَنْ أَمَّاكُمْ مَا لَمْ يَزِدْ أَحَدًا مِنْ
الْعَالَمِينَ، تَطَاعًا كُلُّ شَرِيعٍ لِشَرِيعَتِكُمْ، وَنَحَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ
كُلُّ جَبَّارٍ لِطُغْيَانِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَلِشَرَفِ الْأَرْضِ بِتَوْبِكُمْ، وَفَارَ
الْعَالِيُونَ بِوَلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرُّسُولِ، وَعَلَى مَنْ جَعَدَ وَلَا يَتَكْتُمُ
غَضَبُ الرَّحْمَنِ

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي ذُكِّرْتُمْ فِي الْمَآكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ
فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَزْوَاجُكُمْ فِي الْأَزْوَاجِ، وَأَنْفُسُكُمْ
فِي الْأَنْفُسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَلُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَخْلَى أَسْمَاءُكُمْ
وَأَكْرَمَ أَنْفُسُكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنُكُمْ، وَأَجَلَ خَطَرُكُمْ، وَلَوْحَ عَهْدِكُمْ، وَأَضَقَّ
وَعْدُكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَعْدُكُمْ شَفَاوٌ، وَخَلْقُكُمْ
الْحَيِيزُ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ، وَكَلَامُكُمْ
الصِّدْقُ، وَطَبْعُكُمْ الرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَخَتَمٌ، وَزَايِكُمْ عِلْمٌ وَجِلْمٌ وَكَرَمٌ،
وَأَمْرُكُمْ غَرَمٌ وَخَرَمٌ، إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ وَأَصْلُهُ وَفَرْعُهُ وَمُعَلِّقُهُ
وَمَاوَاهُ، وَإِلَيْكُمْ مُنْتَهَاهُ

۱ و اگر زیارت حضرت امیر المومنین علی علیه السلام به جای «وَاللَّهُ بِمَنْ أَمَّاكُمْ مَا لَمْ يَزِدْ أَحَدًا مِنْ الْعَالَمِينَ» بگو «وَاللَّهُ بِمَنْ أَمَّاكُمْ مَا لَمْ يَزِدْ أَحَدًا مِنْ الْعَالَمِينَ»

يَا بِي أَنْتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي. كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ.
وَأُخْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ؟ بِكُمْ أَخْرَجْنَا اللَّهَ مِنَ الدُّلَى. وَأَطْلَقَ غَنَا زُهَائِنِ
الْبَيْدِ. وَفَرَّجَ غَنَا عَقْرَاتِ الْكُرُوبِ. وَأَقْنَدْنَا مِنْ شَمَاعِ جُوفِ الْهَلَكَاتِ. وَمِنْ
غَذَابِ النَّارِ.

يَا بِي أَنْتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي. بِمُؤَالَايِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَحَالِمَ
وَبَيَاسِ. وَأَمْلَحَ مَا كَانَ قَسْدَ مِنْ دُنْيَانَا. وَبِمُؤَالَايِكُمْ تَمَسَّتِ الْكَلِيفَةُ.
وَعَطَسَتِ الشَّعْفَةُ. وَكَمَلَتِ الْمُنَّةُ. وَانْتَلَقَتِ الْفُرْقَةُ. وَبِمُؤَالَايِكُمْ لُفُّهُلُ
الْأَعْمَالِ. وَلَكُمُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ. وَالْمَوْدَةُ الْوَاجِبَةُ. وَالذَّرَجَاتُ الرَّصِيعَةُ.
وَالْمَكَانُ الْمُحْفُودُ. وَالْمَقَامُ الْمُظْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ.
وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ. وَالشَّعَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ «زَيْنَا آمَنَّا بِمَا أَرَلْتِ وَأَتَّبَعْنَا الرَّسُولَ
فَاكْتَسَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» «زَيْنَا لَا تُرْفَخْ قُلُوبُنَا بَعْدَ إِذَا هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» «سُبْحَانَ زَيْنَا إِنْ كَانَ وَفَدَ زَيْنَا لِمَعْمُولٍ».

بعد از آن خود را بر ضریح بهیسان و ضریح دایوس و بگو:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَنَيْتِ وَبَنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُنْيَا كَثِيرَةً. لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا
رِضَا اللَّهِ وَرِضَاكُمْ. فَبِحَقِّ مَنْ اتَّخَذَكُمْ قُلُوبَ جِرَّةٍ. وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ.
وَلَزَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ. وَمُؤَالَايَكُمْ بِمُؤَالَايَتِهِ. لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ دُنُوبِي وَكُنْتُمْ
شَفْعَائِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى. فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ. مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ. وَمَنْ
عَصَاكُمْ فَقَدْ غَضِبَ اللَّهَ. وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهُ. وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ
أَبْغَضَ اللَّهَ.

بعد از آن دستهای را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ وَسِيلَةَ اقْتِرَابٍ إِلَيْكَ مِنْ مُخْتَلِفِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ
الْأَجْمَةِ الْأَبْرَارِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَبَعَثْتُهُمْ شَفَاعَتِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ
الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَشَأْكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ
وَيُحَقِّقُهُمْ وَفِي رُفْعَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

زیارت دوم (۱)

شیخ ابن بابویه و غیر او پسندیده روایت کرده اند که شخصی از امام علی (علیه السلام) سؤال
نمود که ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من تعلیم نما سخن بلخ کاملی که آن را بخوانم هرگاه زیارت
کنم یکی از شما را فرمود که: «چون به هرگاه می رسی بایست و بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»

و باید که با غسل باشی و چون داخل شوی و غیر را بیسی بایست، پس مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو،
پس چند قدم راه برو یا آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک به یکدیگر بگذار و پس بایست و پس
مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو پس به نزدیک قبر برو و چهل مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو که حد تکبیر تمام شود
پس بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَوَضَّعَ الرِّسَالَةَ وَخُتِّفَ
الْعَلَانِيَةَ وَتَقَبَّلَ الْوَحْيَ وَتَغَنَّيَ الرَّحْمَةَ وَخُرُنَّ الْجَنَّمَ وَاسْتَنْتَى
الْجَنَّمَ وَأَصُولَ الْكَرَمِ وَقَافَةَ الْأَمَمِ وَأَوْلِيَاءَ النِّعَمِ وَغَنَائِمَ الْأَبْرَارِ
وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ وَسَلَامَةَ الْعِبَادَةِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَنْبِيَاءَ الْإِيمَانِ وَأَمَنَاءَ

این زیارت با همین عنوان در حالتی مستبر می شود و ما را بر پایه و هدف یعنی زیارت در اینجا
آورده

الرَّحْمَنِ. وَ سَلَامَةَ النَّبِيِّينَ. وَ صَفْوَةِ الْمُرْسَلِينَ. وَ عِثْرَةَ جَيْشِهِ وَ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ

السَّلَامُ عَلَى أَتْبَعَةِ الْهُدَى. وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى. وَ أَعْلَامِ الثَّقَلَيْنِ. وَ ذَوِي
الْثَنِّ. وَ أَوْلِيَّ الْحِجْبِ. وَ كَهْفِ الْوَرَى. وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ. وَ النَّحْلِ الْأَعْلَى.
وَ الدُّعْوَةِ الْحُسْنَى. وَ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى وَ رَحْمَةِ
اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى مَعَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ. وَ عَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ. وَ مَعَادِينِ جَنَّةِ
اللَّهِ. وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ. وَ حَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ. وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ. وَ ذُرِّيَّةِ
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ. وَ الْآدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ. وَ الْمُسْتَقِيمِينَ فِي
أَمْرِ اللَّهِ. وَ التَّائِبِينَ فِي ضَلَالَةِ اللَّهِ. وَ الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ.
وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ. وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ
وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَخْمَلُونَ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

السَّلَامُ عَلَى الْأَيُّمَةِ الدُّعَاةِ. وَ الْقَادَةِ الْهُدَاةِ. وَ السَّادَةِ الْوَلَاةِ. وَ الْوَلَدَةِ
الْحَمَاةِ. وَ أَهْلِ الذِّكْرِ وَ أَوْلِي الْأَمْرِ. وَ بَقِيَّةِ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ وَ حُزْبِهِ وَ عَيْنِهِ
عَلَيْهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ هَدَى لَنَا شَرِيكَ لَهُ. كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ.
وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ أُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ. وَ رَسُولُهُ الْمُرْتَضَى. أَرْسَلَهُ
بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدُّنْيَا كُلِّهَا وَ تَوْكَرُّهُ الْمُشْرِكُونَ. وَ أَشْهَدُ

أَتَكُمُ الْآيَةُ الْوَاسِئُونَ الْمُهَيِّئُونَ الْمُضَوِّمُونَ الْمُكْرِمُونَ الْمُفْرُونَ الْمُتَقُونَ
الضَائِقُونَ الْمُضْطَقُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَابِلُونَ بِإِرَادَتِهِ
الْقَائِرُونَ بِكَرَامَتِهِ اسْتَغْفَاكُمْ بِعَلَمِهِ وَأَزْغَاكُمْ بِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ بِسِرِّهِ
وَأَجْتَمَعَكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ وَخَصَّكُمْ بِرِزْقَانِهِ وَأَنْتَجَبَكُمْ بِتَوَكُّلِهِ
وَأَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَزَقَكُمْ خَلْقَهُ فِي أَرْضِهِ وَخَصَّجَا عَلَى بَرِيَّتِهِ
وَأَنْصَاراً إِدْبِيهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَرْنَةً لِعَلَمِهِ وَمُسْتَوْدَعاً لِعِجَابَتِهِ
وَتَرَاثِمَةً لِفُضُولِهِ وَأَزْكَأَنَا لِنُوحِيهِ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَاماً لِبَهَادَرِهِ
وَمَنَاراً فِي بِلَادِهِ وَأَوْلَاءَ عَلَى مَرَاتِبِهِ غَضَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الرَّزْلِ وَأَمْسَكَكُمْ
مِنَ الْفَقْرِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَلْعَبَ عَنْكُمْ الرُّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَطَهَّرَكُمْ
طَهِّيراً

فَمَنْعْتُمْ جَلَالَهُ وَأَكْبَرْتُمْ شَانَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَأَقَمْتُمْ ذِكْرَهُ
وَوَكَّدْتُمْ مِثَالَهُ وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السُّرِّ
وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالنَّوَظِظَةِ الْخَسَنَةِ وَنَدَّيْتُمْ
أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَأَقَمْتُمْ
الصَّلَاةَ وَأَقَمْتُمْ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتُمْ بِالْمَنْعُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَجَاعَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَغْلَبْتُمْ دَعْوَتَهُ وَنَبَيْتُمْ فَرَائِضَهُ
وَأَقَمْتُمْ عُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَايِعَ أَحْكَامِهِ وَسَنَنْتُمْ سُنَنَهُ وَجَبَرْتُمْ فِي
ذَلِكَ يَمَّةً إِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَنَّ
فَالرَّايِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاقٍ وَالْمَقْصَرُ فِي حَقِّكُمْ رَاقٍ
وَالْحَقُّ عَنْكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمُعِدُّهُ وَمَسِيرَاتُ

النُّبُوَّةَ جَعَدَكُمْ. وَإِيَّاتِ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ. وَجَائِظَكُمْ عَلَيْكُمْ. وَقَضَى الْجَعَابِ
عِنْدَكُمْ. وَآيَاتِ اللَّهِ لَدَيْكُمْ. وَغَرَائِظُكُمْ فِيكُمْ. وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ.
وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ. وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ. وَ
مَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ. وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. وَمَنْ اغْتَنَصَمَ
بِكُمْ فَقَدْ اغْتَنَصَمَ بِاللَّهِ

أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ. وَالصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ. وَشُهَدَاءُ دَارِ الْقَاءِ. وَشَفَعَاءُ دَارِ
الْبَقَاءِ. وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ. وَالْآيَةُ الْمَشْرُوعَةُ. وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ.
وَالْإِيَّاتُ الْمُنْتَلَى بِهِ النَّاسُ. مَنْ أَنَاكُمْ فَقَدْ نَجَاهُ. وَمَنْ لَمْ يَأْيِكُمْ فَقَدْ هَلَكَ.
إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ. وَعَلَيْهِ تَدْعُونَ. وَبِهِ تُؤْمِنُونَ. وَلَهُ تُسَلِّمُونَ. وَبِأَمْرِهِ
تُسَلِّمُونَ. وَالرَّسِيلُ تُرْسِلُونَ. وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ. سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ. وَهَلَكَ
مَنْ عَادَاكُمْ. وَخَابَ مَنْ جَعَدَكُمْ. وَظَلَّ مَنْ فَازَكُمْ. وَفَارَ مَنْ تَمَسَّكَ
بِكُمْ. وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ. وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ. وَهَبِي مَنْ اغْتَنَصَمَ بِكُمْ.
مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ. وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ. وَمَنْ جَعَدَكُمْ كَاذِبٌ.
وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ. وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ قَهْرٌ فِي أَشْفَلِ قَرَارٍ مِنَ الْجَحِيمِ. أَشْهَدُ
أَنْ هَذَا سَابِقُ لَكُمْ فِيمَا مَضَى. وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ. وَأَنْ أَرْوَاخَكُمْ
وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ. طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ. خَلَقَكُمْ اللَّهُ
أَنْوَاراً فَجَعَلَ لَكُمْ بِمَرْجِهِ مُخْلِقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ. فَجَعَلَ لَكُمْ فِي بُيُوتِ
أَوَّلِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَتُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ. وَجَعَلَ صَلَواتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّصَا بِهِ
مِنْ وَلَائِكُمْ طَبِيباً لِخَلْقِنَا. وَطَهَّارَةً لِأَنْفُسِنَا. وَتَرْكِيبَةً لِنَا. وَكَفَّارَةً لِلنُّوبِثَانِ.
فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ. وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ. فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ

أَشْرَفَ مَحَلِّ الْعُكْرَمِيِّينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ تَرَجَاتِ
 الْمُرْسَلِينَ حَتَّى لَا يُلْحَقَهُ لَاحِقٌ وَلَا يَقُولُهُ فَائِقٌ وَلَا يَنْسِبُهُ سَابِقٌ وَلَا
 يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَتَقَنَّ مَعَكَ مُقَرَّبٌ وَلَا يَنْبِيَّ مُرْسَلٌ وَلَا
 صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ وَلَا غَنِيٌّ وَلَا فَاقِلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ
 صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِعٌ وَلَا جَبَّارٌ غَنِيٌّ وَلَا شَيْطَانٌ فَرِيدٌ وَلَا خَلْقٌ فِيهَا
 بَيْنَ ذَلِكَ شَوِيدٌ إِلَّا عَرَفْتَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ حَظِّكُمْ وَكَثْرَ شَائِبِكُمْ
 وَثِمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَابِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ
 وَمَنَازِلِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَقَرَّبَ مَنَازِلَكُمْ بَيْنَهُ
 يَا بِي أَنتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ
 أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَيَمَّا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِغُلُوبِكُمْ وَيَمَّا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَهْزِئٌ
 بِشَائِبِكُمْ وَبِضَلَالَةٍ عَنْ حَالِكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُنْقِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ
 وَمُعَادٍ لَهُمْ يَسْلُمُ إِلَيْنَ سَائِلِكُمْ وَخَرِبَ إِلَيْنَ حَارِكُمْ مُعَقِّقٌ لِمَا
 حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرَّبٌ بِطُغْيَانِكُمْ
 مُخْتَوِلٌ بِعِلْمِكُمْ مُخْتَجِبٌ بِغَيْبِكُمْ مُخْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِبْرَاهِيمَكُمْ مُصَلِّقٌ
 بِسِرْجَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِمَوَالِيكُمْ أَخِيذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ
 بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ رَافِعٌ لَكُمْ عَائِدٌ بِكُمْ لَا يَلُذُّ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَرَّبُكُمْ أَمَامَ طَلِيسِي وَخَوَانِجِي
 وَإِرَاقَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَهِيدٌ
 وَهَائِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمَقْشُوفٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلَّمٌ فِيهِ
 مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى

لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ مَا مَلَ كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرِيفِكُمْ. وَبَهَّجَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ
لِطَاعَتِكُمْ. وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِقُدْرَتِكُمْ. وَقَدْ كُلُّ شَيْءٍ وَلَكُمْ. وَأَشْرَفَتِ
الْأَرْضُ بِبُيُوتِكُمْ. وَفَارَ الْغَائِبُونَ بِوَلَايَتِكُمْ. بِكُمْ يُسَلَّكُ إِلَى الرُّسُلَانِ. وَعَلَى
مَنْ جَعَدَ وَلَا يَبْتَغِيكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ

يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي. ذَكَّرْتُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ.
وَأَسْمَاؤَكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ. وَأَجْسَادَكُمْ فِي الْأَجْسَادِ. وَأَزْوَاجَكُمْ فِي الْأَزْوَاجِ.
وَأَنْفُسَكُمْ فِي النَّفُوسِ. وَأَنَارَكُمْ فِي الْأَنَارِ. وَقُبُورَكُمْ فِي الْقُبُورِ. فَمَا
أَخْلَى أَسْمَاءَكُمْ. وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ. وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ. وَأَجَلَّ حَقَرَكُمْ.
وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ. وَأَصْنَقَ وَغَدَكُمْ. تَخْلَعُكُمْ نُورٌ وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَهْبُكُمْ
تَقْوَى. وَفَيْضُكُمْ فَخْرٌ. وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ. وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ. وَشَأْنُكُمْ
النُّقْطُ وَالصُّنْدُ وَالزُّلْفُ. وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَخَتَمٌ. وَزَايَتُكُمْ عِلْمٌ وَجِلْمٌ
وَخَزْمٌ. إِنْ ذَكَرَ الْفَخْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ وَقَرْعُهُ وَمَغْبِيَةٌ وَمَاوَاهُ وَمُسْتَهَاءُ
يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ أَهْلُ حُشْنِ ثَنَائِكُمْ. وَأَخْصِي جَمِيلَ
بَلَائِكُمْ؟ وَبِكُمْ أَلْجَزَجْنَا اللَّهُ مِنَ اللَّذِّ وَقَرَّجَ عَيْنَا لِحَمَرَاتِ
الْكُرُوبِ وَأَنْقَذْنَا مِنْ شَعَا جُرُفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ

يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأَمِّي وَنَفْسِي بِمُؤَالَجَتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ عَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ
مَكَانَ قَلْبِ مِنْ دُنْيَانَا. وَبِمُؤَالَجَتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ. وَعَظُمَتِ
النِّعْمَةُ وَاسْتَلْقَتِ الْفَرْقَةُ. وَبِمُؤَالَجَتِكُمْ تَقَبَّلَ الطَّاعَةُ الْمَقْرُصَةُ. وَلَكُمْ الْمَوْدَةُ
الْوَاجِبَةُ. وَالذَّرَجَاتُ الرَّقِيقَةُ. وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ. وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ. وَالْعِبَادَةُ الْعَظِيمَةُ. وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ. وَالشَّعَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. وَزَيْنَا أَمْنَا

بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَرَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ «سُبْحَانَ
رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا» يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ غَرُوجٌ
ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَمْ فَبِحَقِّ عَنِ اتِّفَاقِكُمْ عَلَيَّ بِرُؤُوسِهِ
وَاسْتِزْعَاكَمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَاقْرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْفَيْتُمْ ذُنُوبِي
وَكُنْتُمْ شُعْمَانِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ
فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَحْبَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ
الَّذِي أَنَا فِي نَوْ وَجَدْتُ شُعْمَاءَ اقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ
الْأَيُّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شُعْمَانِي فَبِحَقِّهِمْ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَشَانِكَ أَنْ
تُدْخِلَنِي فِي جُحْشَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفِي زُمَرَةِ الْمُتَرَحُّمِينَ
بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَحَبَّبْنَا اللَّهَ وَبِهِمُ التَّوَكُّلُ

زیارت سوره زیارتی است که علامه مجلسی در تفسیر الزکریا آن زیارت هشتم جامع
قرار داده و فرموده که این زیارتی است که سید ابن طاووس در حسن اربعه عرفه از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده است و در هر وقت و هر جا که باشد می‌توان آن را خواند خصوصاً در روز
عرفه^۱ و زیارت این است:

السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك
يا حجة الله بين خلقه ويا باب جنة وائمة علي وحيه السلام عليك

۱ و این زیارت را علما در زیارات جمعه ذکر نکردند، بلکه سید ابن طاووس در کتابه اقبال اهدای از حضرت
صادق علیه السلام نقل فرموده که این تسبیحات نیز در حسن اربعه مفکر است و چون علامه مجلسی آن را از زیارات جامع قرار
داده در تفسیر ما بر به مناسبت ایشان آن را در این جا عروج گردید، و اگر کسی این زیارت و در بلاد بهمه بخواند بسیار
خوب است چنانچه علامه مجلسی در باب زیارات ائمه در بلاد بهمه گفته بقیان که زیارت هشتم از زیارات جامع - که
مراد همین زیارت است - در خصوص بهمه وارد شده است (معه خطی معتد).

يا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ. وَبَابُ عَلَيْهِ وَوَصِيُّ نَبِيِّهِ. وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ فِي أَمْرِهِ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضِبَتْكَ حَقَّكَ. وَقَعَدَتْ عَقْدَتَكَ. وَأَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيَعَتِهِمْ إِلَيْكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَاطِطَةَ الْبَتُولِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْخَسْبِ وَالْخُسُوفِ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً غَضِبَتْكَ حَقَّكَ وَنَسَفَتْكَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَكَ حَلَالًا. أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيَعَتِهِمْ إِلَيْكَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الزَّكِيَّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَبَايَعَتْ فِي أَمْرِكَ وَشَهِدَتْ. أَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ مِنْهُمْ وَمِنْ شِيَعَتِهِمْ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ. صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَبِيكَ وَجَدَّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحْلَلَتْ دَمَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَاسْتَبَاحَتْ حَرِيمَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ أَشْيَاعَهُمْ. وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَمُذِّدِينَ لَهُمْ بِاتِّصَافِكُمْ مِنْ قِتَالِكُمْ. أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْحَسَنِ

عَلَيْهِ بِنِ مُحَمَّدٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْمُحَسَّنَ بْنَ عَلِيٍّ •
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ الرِّمَانِ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى عِزَّتِكَ الطَّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ

يَا مَوْلَايَ كُونُوا شَفَعَاتِي فِي حَقِّ وَذُرِّي وَخَطَايَايَ • آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا
أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ • وَأَتَوَالِي^(۱) آخِرَكُمْ بِمَا قَوْلِي^(۲) لَوْلَكُمْ • وَبَرِثْتُ مِنْ الْحَبِثِ
وَالطَّاهُوتِ وَاللَّابِ وَالْعَرِيِّ • يَا مَوْلَايَ أَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ • وَخَرْبٌ لِمَنْ
حَارَبَكُمْ • وَغَنُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ • وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ • وَلَقَدْ لَبَّيْتُ
طَائِعِيكُمْ وَغَاصِبِيكُمْ • وَلَقَدْ لَبَّيْتُ أَشْيَاعَكُمْ وَأَتَّبَعْتُمْ أَهْلَ مَذْهَبِكُمْ • وَأَبْرَأُ إِلَى
اللَّهِ وَالْيَوْمِ مِنْهُمْ

زیارت جامعہ ائمه المؤمنین

زیارت چهارم، زیارتی است که سید ابن طاووس و شیخ محمد بن المشهدی از ائمه اهل بیت
روایت کرده اند، با مقدماتی که دعا و سباز در وقت رفتن به سفر زیارت، و ذکر غسل زیارت و
دعای آن، پس گفته اند، چون نزدیک شوی به باب مشهد، پس به در روضه مقدسه بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي تَقْصِدَ وَلِيِّهِ وَزِيَارَةَ حُجَّتِهِ وَأَوْفَّقَنِي حَرَمَهُ • وَلَمْ
يَتَخَشَّسْنِي حَقِّي مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِهِ وَالنُّزُولِ بِمَقَرِّهِ مُتَّبِعِهِ وَسَاحَةِ ثَرْوَتِهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْشَسْنِي بِحَرَمِهِ مَا أَقْبَلْتُهُ • وَلَا ضَرَفَ غَنِي مَا
زَجَّوْتُهُ • وَلَا قَطَعَ زَجَانِي فِيمَا تَوَقَّعْتُهُ • بَلْ أَلْبَسَنِي عَافِيَتَهُ وَأَقَاتَنِي
بِعَمَّتِهِ • وَأَتَانِي كَرَامَتُهُ

پس چون داخل روضه متبرکه شوی نزد سرچ بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَیْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ • وَسَادَةُ الْمُتَّقِينَ • وَكُتُبَاءُ الصُّدِّيقِينَ •
وَأَعْرَافُ الصَّالِحِينَ • وَفَلَادَةُ الْمُحْسِنِينَ • وَأَعْلَامُ الْمُتَّقِينَ • وَأَنْوَارُ الْعَارِفِينَ •
وَوَزَنَةُ الْأَنْبِيَاءِ • وَصَفْوَةُ الْأَوْصِيَاءِ • وَشُمُوسُ الْأَنْبِيَاءِ • وَنُجُوزُ الْخُلَفَاءِ •
وَعِبَادَةُ الرَّحْمَنِ • وَشُرَكَاءُ الْقُرْآنِ • وَمَسَاجِعُ الْإِسْمَاءِ • وَمَعَارِفُ الْحَقَائِقِ •
وَشَفَعَاءُ الْخَلَائِقِ • وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَبْوَابُ اللَّهِ • وَمِفْتَاحُ رَحْمَتِهِ • وَمَقَالِدُ مَغْفِرَتِهِ • وَسَحَابُ رِضْوَانِهِ • وَمَصَابِيحُ جَسَانِهِ • وَخَمَلَةُ مُرْقَائِهِ • وَخُرْنَةُ عِلْمِهِ • وَحِفْظَةُ سِرِّهِ وَمُهَيْطُ وَحْيِهِ • وَعِندَكُمْ أَمَانَةُ النَّبُوَّةِ • وَوَدَائِعُ الرِّسَالَةِ • أَنْتُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ وَأَجْبَادُهُ • وَعِبَادُهُ وَأَوْصِيَاؤُهُ • وَأَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ • وَلَرَّكَانُ تَمْجِيدِهِ • وَدُعَاةُ إِلَى كُتُبِهِ • وَخُرْنَةُ خَلَائِقِهِ وَحِفْظَةُ وَدَائِعِهِ • لَا يَنْبَغُكُمْ ثَنَاءُ الْمَلَائِكَةِ فِي الْإِحْلَامِ وَالْخُشُوعِ • وَلَا يُضَادُّكُمْ فَوْ ابْتِهَالٍ وَخُشُوعِ • أَنْزَلْنَا قُلُوبَ النَّاسِ لِيُتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ بِرِضَايَتِهَا بِالْعَوْلِ وَالرَّجَاءِ • وَجَنَّتْهَا لَوَعِيَّةَ الشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ وَأَمْنَتِهَا مِنْ عَوَارِضِ الْفِتْنَةِ • وَضَفَاها مِنْ شَوَاطِلِ الْفِتْرَةِ • بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ • وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ • وَتَوَاتُرِ الْبِكَامِ عَلَى مَصَابِيكُمْ وَالْأَسْتِغْفَارِ بِشَيْئِكُمْ وَمُجِيزِكُمْ

فَإِنَّا أَشْهَدُ اللَّهُ خَلْقِي • وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ • وَأَشْهَدُكُمْ يَا عَوَالِي • أَنِّي مُؤْمِنٌ بِوَلَايَتِكُمْ • مُتَعَقِّدٌ لِأَمَانَتِكُمْ • مُقَرَّرٌ بِمَلَائِكَتِكُمْ • عَارِفٌ بِمَنْزِلَتِكُمْ • مُؤْمِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ • خَاضِعٌ لِوَلَايَتِكُمْ • مُتَقَرَّبٌ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ

أَعْدَانِكُمْ . عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ ظَهَرَ كَرَمَ مِنْ التَّوَّاجِهِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ .
وَمِنْ كُلِّ زَيْفَةٍ وَنَجَاسَةٍ وَذَنْبَةٍ وَرَجَاسَةٍ . وَمَنْعَكُمْ رَايَةَ الْحَقِّ الَّتِي مِنْ
تَقْلُوبِهَا ضَلُّ وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا زَلُّ . وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ عَلَى كُلِّ أَسْوَدٍ وَابْيَضٍ
وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ وَعَيْتُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَدَمَّتِهِ وَبِكُلِّ مَا اشْتَرَطَ عَلَيْكُمْ فِي
كِتَابِهِ . وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ . وَأَفْلَحْتُمْ طَاعَتَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ . وَحَمَلْتُمْ الْخَلَائِقَ
عَلَى مَنَاجِزِ النُّبُوَّةِ وَمَسَالِكِ الرُّسَالَةِ . وَبَرَزْتُمْ فِيهِ بِسَمِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَمَقْدَحِ
الْأَوْصِيَاءِ . فَلَمْ يُطْعَ لَكُمْ لَمَزٌ وَلَمْ تُصْغَ فِيكُمْ أُنْذٌ . فَصَلَّوْا لِلَّهِ عَلَى
أَزْوَاجِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ

بِسُورَةِ رَاهِ خَرَجِ جِهَانِ وَبِكُورِ

بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّةَ اللَّهِ لَقَدْ أَرْضَعْتِ بِشَنِيِّ الْإِيمَانِ . وَلَقِيتِ بِكُورِ
الْإِسْلَامِ . وَغَدَيْتِ بِبَرِّهِ الْيَقِينِ . وَأَلْبَسْتِ حُلْلَ الْبَيْضَةِ . وَاضْطَقْتِ وَوُزِنَتْ
عِلْمُ الْكِتَابِ . وَلَقِيتِ فَضْلَ الْبَطَاطِ . وَلَوْضَحَ بِكَ فَصَارِفُ الشَّرِيبِ . وَغَوَاطِضُ
التَّأْوِيلِ . وَسَلَّمْتَ إِلَيْكَ رَايَةَ الْحَقِّ . وَكَلَّفْتَ هِدَايَةَ الْخَلْقِ . وَلَبِذَ إِلَيْكَ عَهْدُ
الْإِمَامَةِ . وَأَلْبَسْتَ جَفْطَ الشَّرِيعَةِ . وَأَشْهَدُ يَا سَوْلَانِي أَنَّكَ وَلَقِيتِ بِشَرَائِبِ
الْوَصِيَّةِ . وَقَضَيْتِ مَا لَزِمَكَ مِنْ فَرْخِ الطَّاعَةِ . وَمَهَضْتِ بِأَعْيَادِ الْإِمَامَةِ .
وَاحْتَذَيْتِ مِثَالَ النُّبُوَّةِ فِي الصَّبْرِ وَالْاجْتِهَادِ وَالنَّصِيحَةِ لِلْعِبَادِ . وَكَلَّمْتَ الْغَيْظَ
وَالْمَقْوِ عَنِ النَّاسِ . وَغَرَمْتَ عَلَى الضَّلَلِ فِي الْبَرِيَّةِ وَالنُّصْفَةِ فِي الْقَضِيَّةِ .
وَوَكَّدْتَ الْحُجَجَ عَلَى الْأُمَّةِ بِالْأَدْلَالِ الصَّادِقَةِ وَالشَّوَاهِدِ النَّاطِقَةِ . وَدَعَوْتَ إِلَى
اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ الْبَالِغَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ . فَمُنِمْتَ مِنْ تَقْوِيمِ الزَّيْنِ وَسَدِّ الْقَلَمِ
وَأَصْلَاحِ الْقَائِدِ وَكَسْرِ الْمُعَايِدِ وَأَخْيَاءِ الشَّرِّ وَإِمَانَةِ الْبَيْدِ . حَتَّى قَارَفْتَ

الدُّنْيَا وَأَنْتَ شَهِيدٌ. وَقِيلَتْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَنْتَ حَمِيدٌ خَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ تَتَرَادَفُ وَتُرِيدُ

پس برو بہ نزد یاہا و بہگو

يَا سَادَاتِي " يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي بِكُمْ أَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَعَلَا بِالْجَلَالِ عَلَى الَّذِينَ غَنَرُوا بِكُمْ. وَنَكَتُوا بِمَنَافِعِكُمْ. وَجَعَلُوا وَلَا يَكُنْكُمْ. وَأَنْكَرُوا مِنْكُمْ. وَخَلَعُوا رِبْقَةَ طَائِعِيكُمْ. وَجَعَلُوا أَسْبَابَ مَوَدِّكُمْ. وَتَقَرَّبُوا إِلَى فِرَاعِيَتِهِمْ بِالْبَرَاءَةِ مِنْكُمْ. وَالْإِعْرَاضِ عَنْكُمْ. وَمَنْعُواكُمْ مِنْ إِطَاعَةِ الْحُسُودِ. وَاسْتَنْصَلِي الْجَهْلُودِ. وَشَغَبِي الضُّدَّ. وَلَمْ الشُّغْبِ. وَسَدَّ الْحُلِّي. وَتَثْقِيفِ الْأَوْدِ. وَأَمْطَاءِ الْأَحْكَامِ. وَتَهْذِيبِ الْإِسْلَامِ. وَلَقِيَ الْأَتَامِ. وَأَزْهَجُوا عَلَيْكُمْ نَقْعَ الْحُرُوبِ وَالْفِتَنِ. وَأَنْهَضُوا عَلَيْكُمْ سُيُوفَ الْأَحْقَادِ. وَهَنَكُوا مِنْكُمْ الشُّرُوزَ وَابْتَاغُوا بِخُنْصِكُمْ الْحُمُوزَ. وَضَرَبُوا صُنْدَاقَاتِ الْمَسَاكِينِ إِلَى الْمُطْجَعِينَ وَالْمَسَاجِرِينَ. وَفَلَكَ بِمَا طَرَفْتَ لَهُمْ إِلَهِي الْفَسْفَ الثَّوَاءُ. وَالْحَسَدَةُ الْبُعَاةُ. أَهْلُ النُّكْثِ وَالْفُذْرِ وَالْجِلَافِ وَالْمَكْرِ. وَالْقُلُوبِ الْمُتَبَيِّنَةِ مِنْ قَلْبِ الشُّرْكِ. وَالْأَجْسَادِ الْمُطْخَعَةِ مِنْ قَرْنِ الْكُفْرِ. الَّذِينَ أَهْلُوا عَلَى النَّفَالِ. وَآكَبُوا عَلَى غَلَائِقِ الشَّقَاقِ

فَلَمَّا مَضَى الْمُطْطَعُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ اخْتَلَطُوا الْفُرُوزَ. وَانْتَهَرُوا الْفُرُوزَ. وَانْتَهَكُوا الْحُرْمَةَ. وَعَادَرُوا عَلَى فُرُوشِ الْوَقَاةِ. وَاشْرَعُوا بِمَقْصُصِ الْبَيْتَةِ. وَمُخَالَفَةِ التَّوَاتُّقِ الْمُؤَكَّدَةِ. وَخِيَانَةِ الْأَمَانَةِ الْمَعْرُوضَةِ عَلَى الْجِبَالِ الرَّاسِيَةِ. وَأَبَتْ أَنْ تَحْمِلَهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ الظُّلُومُ الْجَهْلُولُ ذُو الشَّقَاقِ

وَالْهَجْرَةَ بِالْأَثَامِ الْمُؤَلَّغَةِ . وَالْأَيْفَةَ عَنِ الْأَنْقِيَادِ لِعَمِيدِ الْعَاقِبَةِ . فَخَشَرَ سَقْلَةَ
الْأَغْرَابِ وَبَقَايَا الْأَحْزَابِ إِلَى دَارِ النُّبُوَّةِ وَالرَّسَالَةِ . وَنَهَضَ الْوُحْيَ
وَالْمَلَائِكَةَ . وَمُسْتَقَرَّ سُلْطَانِ الْوِلَايَةِ وَمَعْلَى الْوَصِيَّةِ وَالْجِلَافَةِ وَالْإِسَامَةِ .
حَتَّى نَقَضُوا غَزَاةَ الْمُضْطَلَّ فِي أَخِيهِ عَلَمِ الْهُدَى . وَالْمُهَيَّبِ طَرِيقِ النُّجَاةِ مِنْ
طَرَفِ الزَّمَى . وَجَرَّحُوا كَبَدَ خَيْرِ الْوَرَى فِي ظَلَمِ الْإِنْتِي . وَأَضْلَعُوا خَبِيئَتِهِ .
وَأَخْتَضَمُوا غَرِيزَتَهُ . بِضَعَةِ لَعْنِهِ وَفِلَلَةِ كَبِيدِهِ . وَخَذَلُوا بَعْلَهَا . وَصَفَرُوا قَنْدَرَهُ .
وَأَسْتَحْلَوْا عِمَارَتَهُ . وَقَطَعُوا رِجْلَهُ . وَأَنكَرُوا أُخُوَّتَهُ . وَهَجَرُوا مَوَدَّتَهُ .
وَنَقَضُوا بَيْعَتَهُ . وَجَعَلُوا وَلايَتَهُ . وَأَطْمَعُوا الْقَبِيذَ فِي جِلَافَتِهِ . وَقَادَفُوا إِلَى
بَيْعَتِهِمْ . مُضَلَّةً سَيُوفَهَا . مُشْرِعَةً أَسْنَنَهَا . وَهُوَ سَاحِطُ الْقَلْبِ . هَائِجُ
النُّصَبِ . شَدِيدُ الصَّبْرِ . كَاطِمُ الْغَيْظِ . يَدْعُوهُ إِلَى بَيْعَتِهِمُ الَّتِي عَمَّ شَوْمُهَا
الْإِسْلَامَ . وَزَوَّغَتْ فِي قُلُوبِ لَهْلِهَا الْأَثَامَ . وَغَنَّتْ سَلْمَانَهَا . وَطَرَفَتْ
وَقَدَافَهَا . وَنَلَّتْ جُنْدَهَا . وَفَتَحَتْ بِلَدَ غَنَارِهَا . وَخَرَفَتْ الْقُرْآنَ . وَنَلَّتْ
الْأَحْكَامَ . وَغَيَّرَتْ الْمَقَامَ . وَأَبَاحَتْ الْخُمْسَ لِلطُّغَمَاءِ . وَسَلَّطَتْ أَوْلَادَ الْغَنَاءِ
عَلَى الْمُرُوجِ وَالنَّمَاءِ . وَخَلَعَتْ الْخِلَالَ بِالْأَحْرَامِ . وَاسْتَحْلَتْ بِالْإِيمَانِ
وَالْإِسْلَامِ . وَهَدَمَتْ الْكُنْبَةَ . وَأَغَارَتْ عَلَى دَارِ الْهِجْرَةِ يَوْمَ الْخُرَّةِ . وَأَبْرَزَتْ
بَنَاتِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ لِلنَّكَالِ وَالشُّوْمَةِ . وَأَبَسَتْهُنَّ ثُوبُ الْعَارِ
وَالْقَضِيحَةِ . وَرَخَّصَتْ لِأَهْلِ الشُّبْهِ فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ الشُّفُوفَةِ . وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ .
وَأَسْتَحْلَ شَأْنَتِهِ . وَصَنَّى حَرَمِهِ . وَقَتَلَ أَنْصَارِهِ . وَكَسَرَ مِنْبَرِهِ . وَقَلَبَ
مَنْفَرَتَهُ . وَأَخْفَا دِينَهُ . وَقَطَعَ ذِكْرَهُ

يَا مَوَالِيَّ قُلُو عَائِدَتَكُمْ الْمُضْطَفْنَ وَبِهِمَا الْأُمَمُ مُفْرَقَةٌ فِي أَكْبَادِكُمْ.
وَرِمَاحُهُمْ مُشْرَعَةٌ فِي نُحُورِكُمْ. وَشُيُوقُهُمْ مُؤَلَعَةٌ فِي دِمَائِكُمْ. يَشْفِي أَبْنَاءَ
الْمَوَاجِرِ غَلِيلَ الْفُسُوقِ مِنْ وَرَعِكُمْ. وَغَيْظَ الْكُفْرِ مِنْ إِيْمَانِكُمْ. وَأَنْتُمْ بَيْنَ
صَرْيَحٍ فِي الْمَوْتَرِ قَدْ قَلَقَ السَّيْفُ هَامَتُهُ. وَشَهِيدٌ فَوْقَ الْجَنَازَةِ قَدْ
شَبَكَتْ بِالسَّهَامِ أَكْفَانُهُ. وَقَتِيلٌ بِالْفَرَادِ قَدْ رَفَعَ فَوْقَ الْقَنَاءِ رَأْسُهُ. وَمُكَبَّلٌ
فِي الشَّجَرِ قَدْ رُصَّتْ بِالْخَدِيدِ أَعْصَاؤُهُ. وَمَسْمُومٌ قَدْ قَطَعَتْ بِجُرْحِ السُّمِّ
أَمْعَاؤُهُ. وَشَمْلُكُمْ غِيَاهِدٌ تَلْسِمُهُمُ الْقَيْدُ وَأَبْنَاءُ الْقَيْدِ قَهْلُ الْوَحْشِ يَا سَائِسِي
إِلَّا أَنْتِي لَزِمْتِكُمْ. وَالْمَصَائِبُ إِلَّا أَنْتِي غَفَّتِكُمْ. وَالْفَجَائِعُ إِلَّا أَنْتِي خَشَعَتْكُمْ.
وَالْقَوَارِعُ إِلَّا أَنْتِي طَرَقْتِكُمْ؟ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ
وَزَخْفَةُ اللَّهِ وَتَرَكَائِهِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّ أُمَّتٍ وَأُمِّي يَا آلَ الْمُضْطَفِّينَ. إِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ
مُشَاهِدِكُمْ. وَنُعْرِقَ فِيهَا أَرْوَاحَكُمْ عَلَى هَذِهِ الْمَصَائِبِ الْعَظِيمَةِ الْحَالَةِ
بِلَهْنِكُمْ. وَالزُّوَانِ الْعَجَلِيَّةِ النَّارِلَةِ بِسَاحَتِكُمْ. الَّتِي أَثْبَتَتْ فِي قُلُوبِ
شَيْعَتِكُمُ الْقُرُوحَ. وَأَوْرَثَتْ أَكْبَادَهُمُ الْجُرُوحَ. وَدَرَعَتْ فِي صَلُوبِهِمُ
الْقُصَصَ. وَنَحَرُ شَهِدِ اللَّهِ أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَأَنْصَارَكُمْ الْمُتَقَدِّمِينَ فِي
إِرَاقَةِ دِمَاءِ النَّاكِثِينَ وَالْمَاضِيَيْنِ وَالْمَارِقِينَ وَقَتْلَةِ لَبِي عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ شَبَابِ
أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ كَرْثَلَاءَ بِالنَّهَارِ وَالْقُلُوبِ. وَالتَّأَسُّبِ عَلَى قُوَّةِ
تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الَّتِي خَضَرُوا لِنُصْرَتِكُمْ. وَعَلَيْكُمْ. وَاللَّهُ وَلِيُّنَا يُتْلَعُكُمْ مِنَّا

السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

پس قبر را میان خود و قبله قرار دهی ایست در پیش سر و بگو:

اللَّهُمَّ يَا قَا الْقَمَرَةِ الَّتِي صَفَرَتْ عَنْهَا الْمَالَمُ مُكَوَّنًا مُنْبَرُوءَ عَلَيْهَا مَقْطُورًا
تَحْتَ ظِلِّ الْعُظْمَةِ فَتَقَطَّ شَوَاهِدُ صُنْعِكَ فِيهِ يَا نَكَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ مُكَوَّنُهُ وَبَارِئُهُ وَقَاطِرُهُ ابْتَدَعْتَهُ لَا مِنْ شَيْءٍ وَلَا عَلَى شَيْءٍ وَلَا فِي
شَيْءٍ وَلَا لَوْحَةٍ وَخَلَقْتَ عَلَيْكَ إِذَا لَا غَيْرَكَ وَلَا حَاجَةَ بِذَلِكَ فِي
تَكْوِينِهِ وَلَا لاسْتِعَانَةٍ مِنْكَ عَلَى مَا تَخْلُقُ بَعْدَهُ بَلْ انْشَاءَهُ لِيَكُونَ ذَلِيلًا
عَلَيْكَ يَا نَكَّ يَا نَكَّ مِنَ الشَّيْءِ فَلَا يَطْلُقُ الْمُتَّصِفُ بِتَقْلِيدِ إِنْكَارِكَ وَالْمُؤَسِّمُ
بِصُحْبَةِ الْمُغْرِبَةِ جُحُودَكَ أَسْأَلُكَ بِشَرْبِ الْإِحْلَاصِ فِي تَوْحِيدِكَ وَخُرْمَةِ
التَّعَلُّقِ بِكِتَابِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى أَدَمَ بَدِيعِ فَطْرَتِكَ وَبِكُرَى
خُجَّتِكَ وَلِسَانِ قُدْرَتِكَ وَالْخُلُقَةِ فِي تَسْمِيَّتِكَ وَعَلَى مُحْتَمِلِ الْحَالِصِ مِنْ
صَلَوَاتِكَ وَالْفَاجِصِ عَنْ غُرْفَتِكَ وَالْعَائِصِ الْمَأْمُونِ عَلَى مَكْنُونِ سِرِّكَ
بِمَا أَوْلَيْتَهُ مِنْ فِعْلَتِكَ بِمَعُونَتِكَ وَعَلَى مَنْ بَيْنَهُمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُكْرَمِينَ
وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّادِقِينَ وَأَنْ تُهَيِّئَ لِإِمَامِي هَذَا

پس بگوید روی خود را بر مشرق بگذارد و بگو:

اللَّهُمَّ بِمَحَلِّ هَذَا الشَّيْءِ مِنْ طَاعَتِكَ وَبِمُخْتَرَاتِهِ عِنْدَكَ لَا تُؤْتِنِي فُجَاءَةً وَلَا
تُخْرِجْنِي تَوْنَةً وَارْزُقْنِي الْوَزْعَ عَنْ مَحَارِمِكَ دُنْيَا وَدِينًا وَاسْخُلْنِي
بِالْآخِرَةِ عَنْ طَلَبِ الْآوَلِ وَوَقِّتْنِي لِمَا قُضِيَ وَتَرَصَّصْ وَجْهَنِي أَتْبَاعِ
الْهُدَى وَالْأَغْوِيَاءِ بِالْأَبَاطِيلِ وَالْأَسْنِ

اللَّهُمَّ اجْعَلِ الصَّدَاقَ فِي قَوْلِي وَالصَّوَابَ فِي فِعْلِي وَالسُّدُقَ وَالْوَفَاءَ فِي

ضماي ووعدي. والحيظ والأيمن من عقروتي بعدي وعفي. والبر
والإحسان من شأني وخلي. واجعل السلاة لي شاملة. والمائة بي
محيطة ملتفة. وتطيف حنوك وعونك ضرورا إلي. وحسن توفيقك
ويُسرك موقورا علي. وأخوي يارب سمعنا. وتوفي شهداء. وطهرني
للموت وما بعده

اللهم واجعل الصحة والنور في سفي وتصري. والجنة والخير في
طريقي. والهدى والبصرة في ديني وملحي. والويزان أبدا نصب غنبي.
والذكر والتوجيه شماري وذاري. والفكرة والبركة السبي وعمادي. ومكني
اليقين في قلبي. واجعله لائق الأضياء في نفسي. وأغنيه عن زايي
وعزمي. واجعل الرضا في غظي. والتسليم لأمره مناهي وسندي.
والرضا بقضائك وفكرة النفس غزبي ونهايتي. وأبعد عني وغايتي. حتى
لا أكون أحدا من خلقك بديني. ولا أطلب به غير أجرتي. ولا استعجي
بمنه إطراني ومذحي. واجعل خير العواقب عاقبتني. وخير النماذج
نصوري. وأنعم العيش غيبي. وأفضل الهدى هداي. ولوفر المخلوط خطي.
وأجزل الأقسام قسمي ونصوبي. وكُن لي يارب من كل سوء وليا. وإلى
كل خير ذليلا وقائدا. ومن كل باع وحسود ظهيرا ومائدا

اللهم بك اغنيادي وعصمتي. وثقتي وتوفيقي. وحولي وقوتي. ولك
مخاي ومعاتي. وفي لبيحك سكوني وحزكتي. وإن بعزوتك الوتر
استنساكي ووضعتي. وعلىك في الأمور كلها اغنيادي وتوكلي. ومن عذاب

جَهَنَّمَ وَنَسَرَ شَجَرَتَايَا وَخَلَّاسِي. وَفِي دَارِ أُنْقِيَابِكَ وَكِرَامَتِكَ مَثْوَايَا
وَمُنْقَلَبِي. وَعَلَى أَيْدِي سَادَاتِي وَعَوَالِي آلِي الْمُضْطَلَّعِينَ قُورِي وَفَرَجِي.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ. وَاعْفُ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا زَلَمْنَا. وَأَهْلِي بَيْتِي وَجِهْرَانِي
وَلِكُلِّ مَنْ قُلُسِي يَدَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

وَالْبُورَةِ الْمُبَارَكَةِ الْأَحْمَدِيَّةِ وَالشَّجَرَةِ الْغَيْثِيَّةِ الرَّصِيدَةِ الَّتِي تَنْفَعُ
بِالنَّبُوتِ وَتَفْرُغُ بِالرَّسَالَةِ وَتُشْمِرُ بِالْإِمَامَةِ وَتُعْطِي بِتَابِعِ الْحِكْمَةِ وَتُسْقِي
مِنْ مُصَلَّى الْعَسَلِ وَالْمَاءِ الْعَذْبِ الْعَذِيقِ الَّذِي فِيهِ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ
الْأَبْصَارِ الْمَوْحِي إِلَيْهِ بِأَكْلِ الشَّجَرَاتِ وَاتِّعَاقِ الْبُيُوتَاتِ مِنَ الْجِبَالِ وَالشَّجَرِ
وَمَا يَفْرُشُونَ السَّابِكِ سَبِيلِ^١ رَبِّهِ الَّتِي مِنْ رَأْمِ غَيْرِهَا ضَلُّ وَمَنْ سَلَكَ
سِوَاهَا ضَلَّكَ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ لِقَوَائِهِ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ
الْمُسْتَشْفِي الْوَاسِعِي الْقَاهِلِي الدَّاعِي

زیارت جامعہ المستقی باثنی عشریہ

و حاشا لہ کہ بعض مجامع معمرہ ہند و شتہ بود۔ بسم اللہ الرحمن الرحیم این زیارتی است
مختصر کہ زیارت کردہ می شود بہ آن ہر یک از کتبہ اتنی عشریہ و جاری شد بر زبان این فقیر
بہدہ الدین عاملی و نامہدم آن را بہ اتنی عشریہ بہ جهت آن کہ ہر فقرائی کہ آن بدون حرف صلف
دواردہ حرف است و زیارت این است:

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الْبَيْضَةِ وَمِفَاتِيحِ الرُّحْمَةِ وَالْأَوْصِيَاءِ
بِالْحَقِّ وَالْهَادِينَ لِلْحَقِّ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ تَعَالَى دِينُ اللَّهِ وَمُظَاهِرَ حُكْمِ
اللَّهِ وَمُعَاطِطَ وَحْيِ اللَّهِ وَخَفَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ وَلَوْصِيَاءَ سُؤْلِ اللَّهِ سَلَامُ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَغْلَامَ الْهِدَايَةِ وَالْقَطَابِ الْوَلَايَةِ وَأَنْوَارِ الْخَلْقُوتِ وَأَسْرَارِ
الْأَلْفُوتِ وَتَنْبَائِعِ الْعُلُومِ عَنِ الْحَقِّ الْقَيُومِ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ مَصَابِيحَ
الظُّلَامِ وَسَادَاتِ الْإِسْلَامِ وَهُدَاةَ طَرِيقِ السَّلَامِ وَآيَةً كُلِّ أَلَانَامٍ وَزُخْفَةَ اللَّهِ
وَبَرَكَاتِهِ.

فصل دوم

در بیان بعضی از ادعیه شریفه

که در هر یک از مشاهد مشرفه بعد از زیارت خوانده می شود

بدان که دعایایی که بعد از زیارت الله تعالی خوانده شود بسیار است و بحسن آن ها به حسب مضامین و احتیاج، دعایایی است که در این جا ذکر می شود. جزو اول است که زائرین غنیمت دانسته و در خواندن آن ها مسامحه نکنند. از جمله دعایایی است که شیخ عظیمی آن را ابرار فرموده و چند این طایفه بعد از زیارت جمعه سابقه ذکر نموده و فرموده اند که این دعا را بعد از زیارت هر یک از الله تعالی بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقِرّاً بِإِمَامَتِهِ مُتَحَدِّداً لِفُرْصِ طَاعَتِهِ
لَقَدْ صَدْتُ مَشْهُدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَمُؤَيِّقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ
وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ مُسْتَعِذاً بِحِلْمِكَ رَاجِئاً بِرَحْمَتِكَ
لَا جُنْأَإِلَى رُكْبِكَ عَابِداً بِرَأْفَتِكَ مُسْتَغْثِلاً بِوَلِيَّتِكَ وَابْنِ "أَوْلِيَايَكَ
وَصَفِيَّتِكَ وَابْنِ "أَصْغِيَايَكَ وَلَعِينِكَ وَابْنِ "أَمْنَايَكَ وَحَلِيفَتِكَ وَابْنِ "حَلْفَايَكَ
الَّذِينَ جَمَعْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَالْأَرْبَعَةَ إِلَى
رَأْفَتِكَ وَعَفْوِكَ

اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثَرَتِهَا
وَأَنْ تَغْنِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُيُوبِي وَتُظَهِّرَ دِينِي مِمَّا يَدْنُسُهُ وَيُسَيِّئُهُ
وَيُزْزِي بِهِ وَتُخَوِّبَهُ مِنَ الرَّيْبِ وَالشَّكِّ وَالضَّمَامِ وَالشُّرْكِ وَتُكَلِّمَنِي عَلَى
طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَتُزَيِّدَنِي التَّجَوُّدَ السَّعَادَةَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتَكَ
وَسَلَامَكَ وَبِرَكَاتِكَ وَتُخَيِّبَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُؤْمِنَنِي إِذَا أَمَتَنِي

عَلَى طَاعَتِهِمْ. وَأَنْ لَا تَمُوتَ مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَصَحْبَتَهُمْ وَيُخْضِرَ أَغْصَانَهُمْ
وَمُرَاقَبَةُ أَوْلِيَانِهِمْ وَبِرَّهُمْ.

وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي. وَتُحِبَّ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُوَافَقَةَ
عَلَيْهَا وَتُسَلِّطَنِي لَهَا. وَتُبْقِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَعَاصِرَكَ وَتَقْضِي غِنَاءَ
وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَاتِي وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا وَالتَّرَافِي غِنَاءَ. وَتَوْفَّقَنِي
إِتَادِيهَا وَالْقِيَامَ بِحَقِّهَا كَمَا قَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَتُكَ وَمَزَكَّاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً. وَتُشْرِخَ صَدْرِي لِإِيْتَاءِ
الزَّكَاةِ وَإِغْطَاءِ الصَّدَقَاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُؤَاسَاتِهِمْ. وَلَا تُتَوَفَّنِي إِلَّا بِغَدِّ أَنْ تُزِدَّنِي حُجَّ سَبِيلِكَ
الْحَرَامِ وَبِرَّ رُسُوكَ وَقُبُورِ الْآيَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ ثَوْبَةَ ثَوْبِ نَصُوحاً تَرْضَاهَا. وَنِيَّةَ خَالِصَةٍ تُعِينُهَا. وَغَنَاءَ
صَالِحاً تُقْبَلُهُ. وَأَنْ تَخُورَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِلَّا تَوَفَّقَنِي. وَتُهَوِّنَ عَلَيَّ سَكْرَاتِ
الْمَوْتِ. وَتُخَشِّرَنِي فِي رُفُوعَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ.
وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ. وَتَجْعَلَ قَلْبِي غَرِيراً فِي طَاعَتِكَ. وَغَبْرَتِي
جَارِيَةً فِيهَا يَمُرُّ بِي مِنْكَ. وَقَلْبِي غَطُوفاً عَلَى أَوْلِيَانِكَ. وَتُصَوِّنِي فِي حُلِيِّ
الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَالْأَسْقَامِ الْعَزِيمَةِ وَجَمِيعِ
أَنْوَاعِ الْبَلَايَا وَالْخَوَابِثِ. وَتُصَرِّفَ قَلْبِي إِلَى مَحَبَّتِكَ. وَتُبْعِدَنِي عَنِ الْحَرَامِ.
وَتُبْقِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ. وَتُحِبَّ إِلَيَّ الْحَلَالَ وَتَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ. وَتُثَبِّتَ لِي
وَفَعْلِي عَلَيْهِ. وَتَمُدَّ فِي عُمْرِي. وَتُفْلِحَ أَبْوَابُ الْيَمِينِ عَنِّي. وَلَا تُسَلِّبَنِي مَا
مَنْعْتَ بِي عَلَيَّ. وَلَا تُسْرِدَ شَيْئاً مِمَّا أَحْبَبْتَ بِهِ إِلَيَّ. وَلَا تُتَشَرَّعَ مِنِّي الشَّعْمَ
الَّتِي أَنْعَمْتَ بِي عَلَيَّ. وَتُرِيدَنِي فِيهَا حَقُوتَنِي وَتُعَاضِفُهُ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً.

وَقَوِّ قَلْبِي مَالًا كَثِيرًا وَاسْعًا سَائِنًا حَتِينًا نَامِيًا وَابِيًا وَعِزًّا بِأَقْلِيَا كَافِيًا .
 وَجَاهًا غَرِيضًا مَنِيحًا . وَدَعْمَةً سَائِقَةً عَامَّةً . تُغْنِيَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَعَالِبِ
 الْمُتَكِدَّةِ وَالْمَوَارِدِ الضَّعِيفَةِ . وَتُخَلِّصُنِي مِنْهَا مُعَافٍ فِي دَهْيِي وَنَفْسِي وَوُلْدِي
 وَمَا أَغْطِيَنِي وَمَسْخَتِي . وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مَالِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي . وَتَقْبِضَ عَنِّي
 أَيْدِي الْجَبَابِرَةِ . وَتَرْكُنِي إِلَى وَطَنِي . وَتُبَلِّغُنِي نَهَايَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَأُخْرَتِي .
 وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي مَخْشُودَةً حَسْبَ حِلْمَتِكَ . وَتَجْعَلَ لِي رَحِيمَ الصَّدْرِ وَاسِعَ
 الْحَالِ . حَسَنَ الْخُلُقِ . بَعِيدًا مِنَ الْبُخْلِ وَالْفَحْشِ وَالنَّفَاقِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ
 الزُّوْرِ . وَتُرْسِخَ لِي قَلْبِي مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشُحَّتِهِمْ . وَتَغْرِسَنِي
 يَا رَبُّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَأَهْلِ حِرَاثَتِي وَأَخْوَانِي وَأَهْلِ مَوَدَّتِي
 وَدُرَّتِي بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ .

اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي مِنْكَ وَلَقَدْ اسْتَكَثَرْتُهَا لِلْوَمِيِّ وَالشَّحِيِّ . وَهِيَ بِعِلْدِكَ
 صَغِيرَةٌ خَفِيزَةٌ . وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ . فَأَسْأَلُكَ بِجَدِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْكَ . وَيَخْفَعُهُمْ عَلَيْكَ . وَبِهَا تَوَجَّهْتُ لَهُمْ . وَبِهَا سَأَلَ
 أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادَتِكَ . وَبِأَسْمَاكَ
 الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لِمَا قَدَّرْتَهَا كُلَّهَا . وَاسْمِعْتَنِي بِهَا وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي
 اللَّهُمَّ وَشَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِيَّ . يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ
 اللَّهُ أَتَسْأَلُكَ أَنْ تُشَفِّعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا . بِحَقِّ
 آيَاتِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِحَقِّ تَوْلَادِكَ الْمُتَنَجِّينَ . فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ - تَقَدَّسَتْ
 أَسْمَاؤُهُ - الْمُنْزِلَةَ الشَّرِيفَةَ وَالْمَرْقَبَةَ الْعَظِيمَةَ وَالْجَاءَ الْخَرِيفَ وَالشَّمَاعَةَ
 الْمُقْبُولَةَ .

اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ عُو تَوَجَّهْتُ عَنْكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ

الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ لِحَبْلَتِهِمْ شُعَاعِي. وَقَسَمْتُهِمْ أَمَامَ حَاجَاتِي
وَطَلِبَاتِي هَلِيهِ. فَاسْتَجِبْ بَنِي. وَأَقِمْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ وَمَا قَسَرْتُ عَنْهُ مَسْأَلَتِي. وَتَعَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي. وَلَمْ تَهْلِفْهُ بِطَنَتِي
مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي. فَأَمِّنْ بِي عَلَيَّ. وَاحْفَظْني وَاحْشُرْني
وَهَبْ لِي وَاعْزُزْ لِي. وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطَانٍ مُرِيدٍ أَوْ
سُلْطَانٍ غَمِيدٍ أَوْ جَبَّارٍ شَدِيدٍ. أَوْ مُعَالِفٍ فِي دِينِي أَوْ مُسَارِعٍ فِي دُنْيَايَ أَوْ
حَاسِدٍ عَلَيَّ بِخَنَةٍ. أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ فَانْقِضْ عَنِّي يَدَهُ. وَاصْرِفْ عَنِّي
كَهْمَهُ وَاسْقِطْهُ عَنِّي بِتَقْوِيهِ. وَاكْفِ شَرَّهُ وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيْاطِينِهِ. وَأَجِرْني
مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّني وَيُجْعِلُ بِي. وَأَعْطِنِي جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَمَا أَعْلَمُ.
لَا أَعْلَمُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْزُزْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِإِخْوَانِي
وَأَخَوَاتِي. وَاعْصِمِي وَعَمَاتِي. وَأَخْوَالِي وَحَالَاتِي. وَأَجْدَادِي وَجَدَاتِي.
وَأَوْلَادِيهِمْ وَفَرَادِيهِمْ. وَلِزَوَاجِي وَفَرِيضَاتِي. وَلِقَرِبَاتِي وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي.
وَأَخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْمَغْرِبِ. وَلِجَمِيعِ أَهْلِ عَوْنِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَنْوَابِ. وَلِجَمِيعِ مَنْ عَقَلَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَ
بَنِي جَلْمًا.

اللَّهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَالِحِ دُعَائِي وَإِيزَاتِي بِخَشْفِ حُجَّتِكَ وَوَلِيَّتِكَ.
وَاشْرِكْني فِي صَالِحِ أَدْعِيَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَبَلِّغْ وَلِيكَ مِنْهُمْ
السَّلَامَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

يَا سَيِّدِي يَا مُؤَلَّيَّ يَا قَلَانَ بْنَ قَلَانَ^(۱) صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ
وَبِنْدِكَ أَنْتَ وَسَيِّدِي إِلَى اللَّهِ وَفَرِيَّتِي إِلَيْهِ وَلِي حَقِّي مُؤَلَّيَّي وَتَأْمِيلِي •
فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ غَزًى وَجَلًى لِي الْوُفُوفَ عَلَى لُضَاءِ حَاجَتِي هَبْ •
وَصَرِّهِي عَنْ مَوْفِي هَذَا بِالنُّجُجِ بِمَا سَأَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ •
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَلُبّاً رَاجِحاً وَعِزّاً بَالِغاً وَقَلْباً زَكِياً •
وَعَمَلاً كَثِيراً وَأَذْناً بَارِعاً وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي وَلَا تُجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دعای بعد از زیارت هر یک از انتم

و در جمله یز دعای است که سید و شیخ طبرستان ذکر سودماید و فرموده اند که خواندن این

دعا بعد از زیارت هر یک از انتم مستحب است

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ لَمْ يُوسِ لَقَدْ أَحَقَّقْتُ وَجْهِي جَنَّتِكَ • وَحَجَبْتُ دُعَانِي عَنْكَ •
وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ • فَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْبَلَ
عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ • وَتُنْشِرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ • وَتُنَزِّلَ عَلَيَّ بِرَكَاتِكَ • وَإِنْ
كَانَتْ قَدْ مَنَعَتْ أَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتاً لَوْ تَغَيَّرَ لِي ذَنْباً أَوْ تَتَجَاوَزَ
عَنْ حَظِيئَةِ مُهْلِكَةٍ • فَمَا أَنَا إِلَّا مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ •
مُتَوَسِّلٌ إِلَيْكَ مُتَقَرِّبٌ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ • وَأَكْرَمِهِمْ عَلَيْكَ • وَلَوْلَاهُمْ
بِكَ وَأَطَاعِيهِمْ لَكَ • وَأَعْظَمِيهِمْ مَنَافَةً وَمَكَاناً عِنْدَكَ مُحَمَّدٌ • وَبِعَثْرَتِهِ
الطَّاهِرِينَ الْآيِمَةَ الْهَدَاةِ الْمُهَيِّدِينَ الَّذِينَ قَرَضَتْ عَلَى خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ •
وَأَمَرَتْ بِمَوَدَّتِهِمْ • وَجَعَلَتْهُمْ وَلَاةَ الْأُمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

۱. جای «قلان بن قلان» نام عامی و آنکه زیارت می کند و تمام پدر و مادر و اولاد را ببرد

وَاللَّهُ يَا مُلِلَ كُلِّ جَهَنِّي غَنِيَّةً وَيَا مُعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ بَلِّغْ عِبْدِي قَهْبَ لِي
نَفْسِي السَّاعَةِ بِرَحْمَةِ جَنَّتِكَ تَعَزُّ بِهَا عَلَيَّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس صریح را بپوش و هر دو طرف رو را بر صریح بگذار و بگو

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مُشْهَدٌ لَا يَزُجُّو مِنْ فَائِتَةٍ فِيهِ رَحْمَتُكَ أَنْ يَمَاتَ فِي
غَيْرِهِ وَلَا أَخَذَ أَشَقَى مِنْ أَمْرِئٍ قَصَدَ مُؤْمَلًا قَاتَبَ عَنْهُ خَائِبًا اللَّهُمَّ إِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْإِيَابِ وَخَيْبَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَالْمُنَافِقَةِ عِنْدَ الْحِسَابِ
وَحَاشَاكَ يَا رَبِّ أَنْ تُفَرِّقَ طَاعَةَ وَلِيِّكَ بِطَاعَتِكَ وَمُؤَالَاتَهُ بِمُؤَالَاتِكَ
وَمَنْعُوتَهُ بِمَنْعُوتِكَ ثُمَّ تُؤَيِّسَ زَائِرَهُ وَالْمُتَحَمِّلَ مِنْ بَعْدِ الْبَلَاءِ إِلَى الْبَرَاءِ
وَيَجْرِكَ يَا رَبِّ لَا يَنْتَقِذُ عَنْ ذَلِكَ ضَعْفِي إِذْ كَانَتْ الْقُلُوبُ إِلَيْكَ
بِالْجَمِيلِ تُشِيرُ

و صبح بیدار گشته است که پس بگو یا وَلِيَّ اللَّهِ یا بُنِیَّ وَبِنِیَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَ فَبِحَقِّ مَنِ انْتَفَعَلَ عَنْ سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ
أَمْرَ خَلْقِهِ وَفَرَّقَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ وَمُؤَالَاتَكَ بِمُؤَالَاتِهِ تَوَلَّى صَلَاحَ حَالِي
مَعَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاجْعَلْ خَطِيئَةَ زِيَارَتِكَ تُخْلِطِي بِخَالِصِي زُؤَارَتِكَ
الَّذِينَ تَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَنِّي رِقَائِهِمْ وَتُرْغِبُ إِلَيْهِ فِي حُسْنِ
تَوَابِهِمْ وَهَا أَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لَابِئُهُ وَبِحُسْنِ بِطَاعَتِكَ عَنِّي عَابِدُهُ فَتَلَاغِي
بِأَمُولَاجِي وَأَذْرَكْتَنِي وَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ
مَقَامًا كَرِيمًا وَجَاهًا عَظِيمًا ضَلَّنَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا

و سید این طایوس گفته که پس از آن ساز زیارت بگذار و هنگام وداع و مبارکست بگو
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ قَبْرِ النَّبِيِّ تَا أَمْرَ زیارت وداع که در همین باب [ص ۱۶۶]
۱۶۶ خواهد آمد این تمام الله تعالی

مؤلف گوید که: شایسته است که زائر چون خواهد دعا کند در مشاهد مشرفه، بلکه هر دعا کند در هر کجا که باشد برای هر مطلبی و حاجتی، آنکه مقدم دارد بر دعای خود دعا برای سلامتی وجود مقدس حجت صبر حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه و علی آله - را، و این مطلب بسیار مهم و دارای فوائد مهمه است که شرحی مناسب این جا نیست.

و شیخ مرحوم در باب دهم کتاب نجم ثقیب این مطلب را مشروحاً ذکر نموده و بعضی از ادعیه مخصوصه به این مقام را ذکر نموده است، هر که خواهد به آنجا رجوع کند^۱ و مختصرترین آن‌ها دعایی است که شیخ کلی و شیخ طوسی و سید ابن طاووس و محدث بن المصطفی و دیگران در احوال شب بیست و سوم ماه رمضان ذکر کرده‌اند به این طریق که از آنکه **وَإِنَّمَا رُفِعَتِ** فرمودند: مکرر می خوانی در شب بیست و سوم ماه رمضان در حال سجود و در حال قیام و حال نهد و در هر حالی که باشی و در همه آن ماه و هر جور که مسکن باشد و در هر وقت از اوقات که باشد می گویی بعد از تحمید و تمجید حق تعالی و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله:

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِّیْوَلِّیْكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْاَحْمَسِ الْفَهْدِیِّ فِیْ طَلَبِ السَّاعَةِ وَفِیْ كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَلِیّاً وَحَافِظاً وَقَائِداً وَنَاصِراً وَدَلِیلاً وَغَیْراً حَتّٰی تُسَكِّنَهُ لِرَوْحِكَ طَوْعاً وَتُثَمِّنَهُ فِیْهَا طَوِیلاً

فصل سوم

در بیان زیارت‌های حجاج طاهره علیهم السلام در شهرهای دور

بدان که از موارد سزاوار برای انسان زیارت کردن رسول خدا و ائمه علیهم السلام است، اگر چه در شهرهای دور باشد و سزاوار است که در هر دور، بلکه در عقب هر ساز فریخته آن را انجام دهد و در باب زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله کیفیت زیارت آن حضرت را در عقب سازها ذکر کردیم، و شیخ شهید در کتاب مدروس فرموده: که مستحب است زیارت پیغمبر و ائمه علیهم السلام در هر دور جسمه اگر چه در دور باشد، و اگر بر مکان بلندی بالا رود و زیارت کند افضل است، **انتهی**.

و این بابویه علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمودند: خدا را ملکی چند هست که در

۱ و در باب زیارت بنی حضرت میر اشاره به این مطلب موجود و دعایی سردو آن جا نقل کردیم به آنجا رجوع شود (استدلال).

روی زمین سیاحت می کنند و هر که از وقت من بر من سلام کند به من می رسد و در روایت دیگر فرمودند که: «هر که در هر جای زمین بر من سلام کند به من می رسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند می شنود». و بدین مقامین اخبار وارد شده و علامه مجلسی رحمته الله جمعی از آن را ذکر نموده و بعد از آن فرموده که احادیث صلوات و سلام بر آن حضرت و زیارت آن حضرت در شهرهای دور بسیار است، و در کامل القیارة به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که [منطقه و] ناحیه اش پدید و خفته اش از ما دور باشد پس بالا رود به بام خانه خود و دو رکعت نماز بگذارد و سلام کند به سوری غریب های مذکور که آن سلام به ما می رسد» و شیخ طوسی رحمته الله در تهذیب نیز این حدیث را از آن حضرت روایت کرده، پس از آن فرموده که: زیارت می توان کرد علیه السلام از دور، چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت می کنند اما در جاهایی که «ثابتگاه» را برآید باشد این را بگوید:

لَقَدْ نَفَّسْتُكَ بِقَلْبِي زَائِرًا إِذَا غَبَرَتْ عَنْ حُضُورِ مُتَهَبِّلَةٍ وَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
سَلَامِي بِإِلْمِي أَنَّ يَتَلَفُّكَ ضَلُّنَ اللَّهِ غَلَوْتُ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلُّ وَعْزُّ

و دعا کن آن چه خواهی و بر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که به سدر فرمود که: «بسیار زیارت می کنی قبر حسین بن علی را»، گفت: از بسیاری ضلّ مرا مقدر می شود فرمود که: «می خواهی تو را چیزی تعلیم کنم که هرگاه [حاصل] یکی از برای تو زیارت آن حضرت نوشته شود آه گلشن بلی فدای تو شوم، فرمود که: فصل بکن در خانه خود و بالا رو به بام خانه خود و اشاره کن به جانب آن حضرت به سلام گرم تا نوشته شود از برای تو ثواب زیارت».

مؤلف گوید که: در این حدیث و احادیث دیگر معلوم می شود که غسل زیارت از برای زیارت دور مستحب است و از بعضی هم مفهوم می شود که می غسل نیز می توان کرد و نیز از احادیث پیش معلوم شد که نماز زیارت دور را پیش از زیارت باید انجام داد، اما در حدیث طولانی حقان بن سدر که کیفیت زیارت دور را از حضرت صادق علیه السلام آموخته فرموده نماز زیارت بعد از زیارت است و لهذا علامه مجلسی رحمته الله قائل به تخییر شده و تفصیل کلام در فصل زیارت عاشورا مذکور شد.

و علامه مجلسی رحمته الله در تحفه فرموده و در حدیث سحر منقول است از سلیمان بن همیس که گفته: عرض کرد پدرم به خدمت حضرت صادق علیه السلام که چگونه تو را زیارت کنم هرگاه قادر بر

آمدن نهانم. فرمود که: ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن باشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو ببار و بالا رو به بام خانه خود و دو رکعت سار بگذار و متوجه شو به سوی من به دوستی که هر که مرا زیارت کند در حیات من چنان است که مرا زیارت کند بعد از موت من، و کسی که مرا زیارت کند بعد از موت من چنان است که مرا زیارت کرده باشد در حیات من. پس آن مرحوم فرموده که: این حدیث دلالت می‌کند بر آنکه در این وطن خدا، حضرت صاحب الامر علیه السلام را در همه موطع زیارت می‌توان کرد و اگر روی به سامره کند در وقت زیارت بهتر است.

زیارت سید الشهدا علیه السلام از نزد یک و دور در همه اوقات

و نیز در محله فرموده که: بعضی از اکابر علماء روایت کرده است از ابو الحسن فارسی رحمه الله که گفت: من بسیار به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می‌رفتم. پس چندی به سبب کمی مال و پیری توفیق زیارت آن حضرت نهادم. پس شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیه السلام در خدمت آن حضرت بودند. چون به سر پیک ایشان رسیدم امام حسین علیه السلام گفت: یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت می‌کرد و اکنون ترک کرده است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله متوجه من شده و فرمود که: آیا ترک زیارت مثل حسین علیه السلام می‌نویس کرد؟ گفتم: یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت گردیده است. حضرت فرمود که: هر شب بر بام خانه خود بالا رو و با انگشت شهادت به سوی قبر آن حضرت اشاره کن و بگو:

السلام عليك وعلى جنك وأبيك. السلام عليك وعلى أمك وأخيك.
السلام عليك وعلى الأئمة من بيتك. السلام عليك يا صاحب النخبة
الشاكبة. السلام عليك يا صاحب العصبة الزائنة. لقد أصبح كتاب الله
فيك منهجوراً. ورسول الله فيك مؤثوراً. السلام عليك وزخنة الله
وتزكائه. السلام على أنصار الله وحلفائيه. السلام على أئمة الله
وأجبايه. السلام على محال مغرقة الله ومعادين حكمه الله. وحفظة سر
الله. وخمئة كتاب الله. ولوصياء نبي الله وذرية رسول الله صلی الله علیه و آله وزخنة
الله وتزكائه.

پس هر حاجت که خواهی از خدا طلب کن، پس اگر چسب کنی زیارت تو از نزدیک و دور هر دو مقبول است، پس علامه مفکور فرموده و بدان که زیارت هشتم از زیارت‌های جامه که بعد از این مذکور می‌شود در خصوص پیمد ولود شده است، انشائی.

مؤلف گوید که ما بر این زیارت را در زیارت‌های جامه ذکر نمودیم و زیارت سوم قرار دادیم اگر خواستی به آنجا رجوع کن و بر در باب زیارت حضرت امام حسین علیهما السلام حدیثی در فضیلت و کفایت زیارت آن حضرت در بلاد پیمده ایراد شود پس در نظر باشد.

و سبب این طاروس در کتاب جهال الانس و شیخ طوسی در مصباح معتبره فرموده‌اند که مستحب است زیارت حضرت رسول و آنکه علی در روزهای جمعه و از حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که فرمود: «هر که بخواند زیارت کند قبر رسول خدا و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و سایر صحیح طاهره علیهما السلام، و او در شهر خود باشد پس در روز جمعه غسل کند و در جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود به صحرایی - و به روایت دیگر بر بام خانه رود - پس چهار رکعت نماز بگذارد یا هر سورهای که میسر شود، پس چون سلام نماز دهد بر خود رو به قبله و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَتَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ. وَالْوَجِيهُ الْمُرْتَضَى. وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى. وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ. وَالشَّيْطَانُ الْمُتَجَبِّانُ^(۱). وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ وَالْأَمَنَاءُ الْمُتَتَجَبِّونَ. جَنَّتْ لِقِطَاعاً إِلَيْكُمْ وَإِنْ آهَابَكُمْ وَوَلَدَكُمْ الْخَلَفَ عَلَى بَرَكَاتِهِ الْعَزَّ. قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ. وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُقَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ لِدِينِهِ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ. إِنْ لَوْنُ الْقَائِلِينَ بِقَضَائِكُمْ. مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ. لَا أَنْكُرُ لِلَّهِ فَتْرَةً وَلَا لَزَعَةً إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ. مُبْنَحَانِ اللَّهُ فِي الْمَلِكِ وَالْمَلَكُوتِ. يُسَبِّحُ اللَّهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ. وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَتَرَكَاتُهُ.

فصل چهارم

در ذکر زیارت و دعای که هر یک از ائمه علیهم السلام به آن وداع کرده شود

مسعودی میگوید که از جمله آداب زیارت چنانچه در باب سوره ذکر شد وداع کردن مرور است در وقت بیرون رفتن از بلد او شهر یا این بزرگوار به آن چه از ایشان رسیده و نیز مثنوی میگوید که در غالب زیارت‌های مطلقه و مخصوصه مأثور و دخی رسیده که ظاهراً مخصوص به همان زیارت باشد که متضمن آن وداع است مگر آن که برای زیارت جامعه کبیره معروفه و دخی است که متضمن است مضامین غالب زیارات و دعای را با ریاضی و ظاهر کلمات دعای این فن آن است که این وداع مخصوص به آن جامعه نیست که اگر زائر زیارت جامعه را بخواند، نتواند به قصد ورود آن را بخواند، بلکه به آن هر انسانی را که خواهد وداع کند، چه جامعه را بخواند یا نخواهد خواند و شاهد بر این مدعی چند چیز است یکی آن که شیخ محمد بن المشهدی آن را در باب وداع مزار کبیر نقل کرده با آن که زیارت جامعه را در آن جا ذکر ننموده و دوم آن که سید ابن طاووس این وداع را بعد از زیارت جامعه معروفه به ائمة المؤمنین بعد از نقل آن دعایی که خطاب زیارات ائمه خوانده می‌شود نقل نموده با آن که آن زیارت جامعه را اصلاً در کتاب خود ایراد نفرموده و عبارت سید را در اواخر فصل دوم همین باب نقل نمودیم. سوم آن که شیخ شهید نیز با آن که آن زیارت جامعه را در مزار خود نقل نموده و دعای آن را از برای زیارت وداع نقل کرده. چهارم آن که شیخ ما علامه بوری علی نیز متابعت ایشان نموده و وداع مذکور را در مقام وداع ائمة علیهم السلام در نسخه نقل نموده به هر حال چون معلوم شد که این بزرگواران این وداع را عمل مستقل دانستند و جزو جامعه نیاوردند ما بر متابعت ایشان سعیم و بر این مقام به عین زیارت وداع قناعت کنیم و زیارت وداع این است:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامٌ مُؤَدَّجٌ لَا سَنِيمٌ وَلَا قَالٍ وَلَا مَالٌ وَزَحْمَةُ اللَّهِ
وَمَرْكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ نَيْبِ الثَّبُوتِ إِنَّهُ خَمِيدٌ فَجِيدٌ سَلَامٌ وَلِيَّ غَيْرِ رَاجِبٍ

عَنكُمْ. وَلَا مُتَعَدِّلِي بَيْنَكُمْ. وَلَا مُؤْتِي عَلَيْنَكُمْ. وَلَا مُنْعَرِفِي عَنْكُمْ. وَلَا رَاحِدِي فِي قُرْبِكُمْ. وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ وَاتِّمَامِ تَشَاهِدِكُمْ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ. وَخَشَرَتِي إِلَهُ فِي زُفْرَتِكُمْ. وَأَوْدَقَتِي خَوْضَكُمْ. وَجَمَلَتِي مِنْ حَزْبِكُمْ. وَأَوْضَاكُم غَنِي. وَمَكَّنَتِي مِنْ نَوَائِكُمْ. وَأَخْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ. وَمَلَكَّتِي فِي أَهْلَابِكُمْ. وَشَكَرَ شَفِي بَيْنَكُمْ. وَغَفَرَ قَلْبِي بِشَاعَتِكُمْ. وَالْأَلَّ عَشْرَتِي بِمَحَبَّتِكُمْ. وَأَعْلَنَ كَفِي بِمَوَالِيكُمْ. وَشَرَفَنِي بِطَاعَتِكُمْ. وَأَعْرَضَنِي بِهَذَاكُمْ. وَجَمَلَتِي بِمَنْ انْقَلَبَ مُطْلِحاً مُنْجِهاً غَانِماً سَالِماً مُعَافٍ غَنِيّاً. فَائِراً بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكَفَايَتِهِ. بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُؤَارِكُمْ وَمَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّبِكُمْ وَشَفِيعَتِكُمْ. وَذَلَّلَتِي اللَّهُ الْقُوَّةُ ثُمَّ الْقُوَّةُ أَيْدِئاً مَا تَهَيَّأَنِي زَيْتِي بِنِيَّةٍ صَابِقَةٍ. وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى. وَحُبَابٍ وَبِذَلٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ وَالسَّلَامَةِ عَلَيْهِمْ. وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَاتِ وَالْثَوْنِ وَالْقَوْلَ وَالشُّوْرَ وَالْإِيمَانَ وَحُسْنَ الْجَوَابَةِ. كَمَا أَوْجِبْتَ لِأَوْلِيائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمْ. الْمُؤَجِّبِينَ طَاعَتَهُمْ. وَالزَّائِمِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ. الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَالنَّهْمَ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي اجْعَلُونِي فِي صَمْتِكُمْ. وَصِيْرُونِي فِي حَزْبِكُمْ. وَأَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ. وَادْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلِغْ^١ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ مِنِّي

١ و در بعضی نسخ چنین است: وَأَبْلِغْ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ حَتَّى تَعْمَلَ بِكُلِّ وَاحِدٍ سَلَامَةً. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

السلام. والسلام علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته. وصلی الله علی
محمّد وآل محمّد وسلّم تسلیماً کثیراً. وعشبتنا الله وبقیم الوکیل.

چگونه بودن حال زائر در وقت وداع

بدان که سود قلب زائر در وقت وداع و شدت تپش کاش در مقام فرقت و مهاجرت از آن
روضة مقدسه به اندازه شوق و انبساط و فرح و نشاط پوست در اوّل ورود و درجات آن مختلف
است به حسب درجات معرفت و محبت که به آن دوات مقدسه و ارواح طیبه دارد. اگر صادقی است
در آن معوی و پست‌ترین مرتبه آن، آن گشت که به راستی وجود مقدس امام‌الایمان زرد لو محبوب‌تر
باشد در اهل و ملل و اولاد و آن چه که به آن حامل بسته و حلاقه پیدا کردند پس اگر در وقت وداع
حالتش چنان است که می‌خواهد از عزیزترین خلق و محبوبترین ایشان در نزد او مفارقت کند و در
او جد شود پس ناچار دلش بریان و انفککش دیزلن و پامش لرزان خواهد بود. پس خدای را بر این
نعمت عظمی شکر کند و اگر نه در دهوی خویش کلاب و رجایش طاقب.

باب نهم

در بیان کیفیت صلوات فرستادن بر
انتهای اطهار و نماز بدیه به روح ایشان
و کیفیت استغاثه و توسل و نوشتن
عرایض به خدمت ایشان

و در آن دو فصل است

فصل اول

در بیان کیفیت صلوات بر جمیع طاهران علیهم السلام

و معارف هدیه به روح ایشان

اما کیفیت صلوات پس چنان است که شیخ طوسی رحمته الله علیه به سند معتبر روایت کرده است که عهد الله بن محمد گفت که: من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری رحمته الله علیه که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اوصای آن حضرت را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من املا فرمود بی آن که از کتابی املا فرماید به این نحو:

صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا خَفَلَتْ وَحْيُكَ وَبَلَغَ رِسَالَتُكَ
وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حِلَالُكَ وَحَرَّمَ حُرَامَكَ وَعَلَّمَ
كِتَابَكَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَلَامَ الصَّلَاةَ وَأَدَّى الرُّكَاةَ وَدَعَا
إِلَى دِينِكَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بَوْعِدِكَ وَأَشْفَقَ مِنْ
وَعِيدِكَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا فَخَرْتَ بِهِ الذُّبُوبَ وَشَفَرْتَ بِهِ
الضُّبُوبَ وَفَرَجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ
الشَّوَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْفَقَاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ. وَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَجَعْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَأَخْبَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَسَمْتَ
بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاغَةَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا
أَضْمَمْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَخَلَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَثَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَجَعْتَ
بِهِ الْأَنَامَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَقَعْتَ بِمَقِيرِ الْأَذْيَانِ وَأَغْرَزْتَ
بِهِ الْإِيمَانَ وَثَبَرْتَ بِهِ الْأَوْتَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْهَيْبَةَ الْفَرَامَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ

صلوات برأعاه على ﷺ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ مِنْ أَمِي طَالِبِ أَحِبِّي قَبِيكَ وَوَلِيِّهِ
وَوَصِيِّهِ وَقَدِيرِهِ وَمُسْتَوْذَجِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ
بِحُجَّتِهِ وَالنَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيقَتِهِ فِي أَسْتِهِ وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ عَنْ
وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْحَجَرَةِ وَالَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ
هَارُونَ بْنِ مُوسَى

اللَّهُمَّ وَالِي مَنْ وَالَاهُ وَعَادُو مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاحْلُلْ مَنْ
حَلَّلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَعَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ الْفَضْلَ مَا
صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

صلوات برحمتك فاطمة ﷺ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ خَبِيبَةِ خَبِيرِكَ وَنَبِيِّكَ وَأُمِّ
أَنْبِيَائِكَ وَأَوْصِيَاءِكَ الَّتِي اتَّجَبَتْهَا وَفَضَّلَتْهَا وَاحْتَرَفَتْهَا عَلَى إِسَاءَةِ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا بِمَنْ ظَلَمَهَا وَامْتَحَنَ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّابِتَ لِلَّهِمَّ بِدَمِ
أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَخَلِيقَةَ صَاحِبِ الدَّوَاءِ
وَالْكَرِيمَةِ مِنْدَ الْعِلَالِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا صَلَاةَ تَكْرِيمٍ بِهَا وَجْهَ
أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّرْ بِهَا لَعْنُ خَرِيبِهَا وَأَبْلَغْهُمْ عَنِّي فِي
عَلِيهِ السَّاعَةِ الْفَضْلَ التَّجَمُّعَ وَالسَّلَامَ

صلوات برأعاه حسن ﷺ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُحْسَنِ وَالْمُحْسِنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَيْنِي وَشَوْلِكَ
وَبَسْطِي الرُّحْمَةَ وَتَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْحَقَّةِ الْفَضْلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ

مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقَضَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ
وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ
سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ ابْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أُمِّيهِ. عَشْتُ
مَظْلُومًا. وَمَقْضِيَتِ شَهِيدًا. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الرَّكْبِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَنَّةَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ الْفَضْلِ السَّجِيَّةِ
وَالسَّلَامِ.

صلوات بر امام حسین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ. قَتَلِ الْكَفَرَةَ وَطَوَّحَ
الْفَجْرَةَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ
أُمِّيهِ. قُتِلْتَ مَظْلُومًا. وَمَقْضِيَتِ شَهِيدًا. وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ
بِثَارَتِكَ. وَمُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالْتَأْيِيدِ فِي خِلَاكِ عَدُوِّكَ وَإِظْهَارِ
عَدُوِّكَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَلِيْتُ بِعَهْدِ اللَّهِ. وَجَاهَدْتُ لِي سَبِيلَ اللَّهِ. وَعَبَدْتُ
اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
خَلَقَتْكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَلْبَسَتْ عَلَيْكَ. وَابْرَأَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَكْذَابِكَ
وَاسْتَحْلَفَ بِحَقِّكَ وَاسْتَحْلَفَ فَعَكَ. يَا بَنِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ
قَاتِلَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ خَائِدَكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَأَعْيَاكَ فَلَمْ يُجِيبَكَ وَنَمَّ
بِتُغْرِكَ. وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ نِسَاءَكَ. أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِنْ وَالَاهُمْ
وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَيُّمَةُ مِنْ وَلِيِّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى. وَبَابُ
الْهُدَى. وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى. وَالصُّبَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا. وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ

وَبِمَنْزِلِكُمْ مُوقِنٌ. وَلَكُمْ قَائِمٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَالِمِ عَقْلِي
وَمُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

صلوات بر علی بن الحسین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَفْتَهُ لِنَفْسِكَ
وَمَهَرْتَهُ مِنَ الرَّجَاسِ وَاصْطَفَيْتَهُ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا مُهْدِيًا. اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيْهِ
الْفَضْلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا لَقِيَ بِهِ
غَيْبَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

صلوات بر محمد بن علی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بِالْجَوْرِ الْعِلْمِ. وَإِمَامِ الْهُدَى. وَقَائِدِ أَهْلِ
التَّقْوَى. وَالْمُسْتَجِيبِ مِنْ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ عَلِمًا لِعِبَادِكَ. وَمَنَارًا
لِعِبَادِكَ. وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ. وَمُتَرَجِّمًا لَوَحْيِكَ. وَأَمْرًا بِطَاعَتِهِ.
وَعَزَّزْتَ مِنْ مَنَاصِبِهِ. فَضَّلْ عَلَيْهِ يَارَبُّ الْفَضْلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
ذُرِّيَةِ آدَمَ وَأَنْصِفِيَاكَ وَرُسُلَكَ وَأَمَّا لَكَ يَارَبُّ الْعَالَمِينَ

صلوات بر جعفر بن محمد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ. خَازِنِ الْعِلْمِ. السَّامِعِ إِلَيْكَ
بِالْحَقِّ. النُّورِ الْمُبِينِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مُعَدِّنَ كَلَامِكَ وَوَحْيِكَ. وَحَارِثَ
عِلْمِكَ. وَلِسَانِ تَوْحِيدِكَ. وَوَلِيَّ أَمْرِكَ. وَمُسْتَحْفِظَ دِينِكَ. فَضَّلْ عَلَيْهِ الْفَضْلَ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْصِبِيَاكَ وَخُصَمَاكَ إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ

صلوات بر موسی بن جعفر

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِيرِ الْمُؤْتَمِنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. الْبَرِّ الْوَفِيِّ. الطَّاهِرِ
الزَّكِيِّ. النُّورِ الْمُبِينِ. الْمُجْتَهِدِ الْمُخْتَلِسِ. الضَّاهِرِ عَلَى الْأَذَى فَبِكَ. اللَّهُمَّ
وَكَمَا بَلَغَ عَنْ آيَاتِهِ مَا اسْتَوْدَعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ. وَحَقْلَ عَلَى الْمُصْجَةِ.
وَكَابِدَ أَهْلَ الْبُزْةِ وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَتَلَقَّى مِنْ جَهَالِ قَوْمِهِ. رَبِّ فَضِّلْ عَلَيْهِ
الْفَضْلَ وَاكْمَلْ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَطَاعِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ.

صلوات بر علی بن موسی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي أَرْغَضْتَهُ وَذَهَبْتَ بِهِ عَنْ شَيْئٍ مِنْ
خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ. وَقَابِئاً بِأَمْرِكَ. وَنَاصِراً
لِدِينِكَ. وَشَاحِداً عَلَى عِبَادِكَ. وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ. وَدَعَا إِلَى
سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالنُّوَظَةِ الْحَسَنَةِ. فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ
مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَجِوَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

صلوات بر محمد بن علی الجواد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَمِ التَّمَرِ. وَنُورِ الْهُدَى.
وَمُخْبِرِ الْوَفَاءِ. وَقَرِّحِ الْأَزْكَيَاءِ. وَخَلِيقَةِ الْأَوْصِيَاءِ. وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ.
اللَّهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الصَّلَاةِ. وَاسْتَقَمَّتْ بِهِ مِنَ الْخَيْرَةِ. وَارْشَدَتْ بِهِ
مَنْ اهْتَدَى. وَرَكِبَتْ بِهِ مَنْ تَزَكَّى. فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ
مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَةِ أَوْصِيَائِكَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

صلوات بر امام علی النقی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَامَامِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَلِيفَةِ
أَيَّمَةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا
يَنْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَأَنْزِلْ بِالْأَلِيمِ مِنْ
عِقَابِكَ وَخَلِّزْ بِأَسْكَ وَذَكِّرْ بِآيَاتِكَ وَأَحِلِّ خِلَالَكَ وَحَرِّمْ حَرَامَكَ
وَيَنْزِلْ شَرَابَكَ وَفَرِّضْكَ وَخَصِّ عَلَى عِبَادِكَ وَأَمُرْ بِطَاعَتِكَ وَنَهِنْ عَنْ
مُنْجَبَاتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ الْفَضْلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَخِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَكَرَّمَ
أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

صلوات بر امام حسن عسکری

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَبْرِ النَّقِيِّ الضَّامِلِ الْوَفِيِّ النُّورِ
الْمُصْبِي حَازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكِّرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَخَلِيفَةِ أَيْمَةِ
الَّذِينَ الْهُدَاةِ الزَّاهِدِينَ وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبُّ الْفَضْلَ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَخِي مِنْ أَصْوَإِيكَ وَخُجَّجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

صلوات بر حجة بن الحسن امام عصر عجل الله تعالى فرجه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الدِّينِ قَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ
حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ
لِيُوبِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشَيْعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ
أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاجْعَلْهُ مِنْ بَيْنِ
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَانْقِصْ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ

إِلَيْهِ يَسُوءُ. وَاحْفَظْ فِيهِ زُكُوكَ وَآلَ زُكُوكِهِ. وَأُظْهِرْ بِهِ الْقُدْلَ. وَأَيْدِيَهُ
بِالنَّصْرِ. وَأَنْصُرْ نَاجِسِيهِ. وَاخْذُلْ خَائِلِيهِ. وَأَقْصِمْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ الْكَفَرَةَ.
وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُسَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْجِدِينَ حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ
الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبُرْهَا وَبَحْرِهَا. وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَذْلًا. وَأُظْهِرْ بِهِ دِينَ
بَيْتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ. وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَابِيهِ وَتَلْبَاعِيهِ
وَشَهْمَتِيهِ. وَأَبْرِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ مَا يَأْمَلُونَ وَلِي
عُدُوهُمْ مَا يَخْلُزُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ

مستور نباشد که یک روح دیگر از صلوات بر حجج طاهریین علیهم السلام را در آخر زیارت جامعه که
اول زیارات جامعه قرار داده شده بود ذکر کردیم، پس از بعضی خواناتن آن سرودم بشوند، این شاء
الله.

در کیمیت هدیه کردن تسبیح به روح معصومین علیهم السلام

وَأَنَا كَيْفَ هَدَيْتُهُ كَرَمَ سَازِ بِه روح معصومین علیهم السلام نیز چنان است که شیخ موسی رحمته الله در
مصباح ذکر کرده و گفته روایت شده از ائمه علیهم السلام که سبب است آدمی در روز جمعه هشت رکعت
تسبیح بگذارد و بعد از هر دو رکعت سلام بگوید: چهار رکعت آن را هدیه حضرت رسول صلی الله علیه و آله
بگرداند، و چهار رکعت دیگر را هدیه حضرت فاطمه علیها السلام و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گرداند، و هم چنین هر روز از هفته را چهار رکعت و هدیه امامی کند به
ترتیب آن‌ها تا آن‌که در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیه امام جعفر صادق علیه السلام گرداند، و بار
در روز جمعه هشت رکعت کند، چهار رکعت آن را هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت دیگر را
هدیه حضرت فاطمه علیها السلام گرداند، و در روز شنبه چهار رکعت هدیه حضرت امام موسی علیه السلام کند و
همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و هدیه امامی شاید به ترتیب تا روز پنجشنبه، چهار رکعت را
هدیه امام عصر عجّل الله فرجه گرداند و ما بین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از ایس
سازها این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَبَيْتُكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ. حَيْثُمَا رَزَيْنَا مِنْكَ

بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي هُنَا لِرُكْعَاتِ هَدِيَّةٍ مِنِّي إِلَيْكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا
مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَتَلْفُهُ إِنَاهَا وَأَعِظْنِي أَفْضَلَ أَتْلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَهِيَ رَشِيدُكَ
سَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِيهِ

پس هر دعايي که مي خواند بکند

نسبت ایام به حج طاهرين

مؤلف گوید که: نسبت ایام به حج طاهرين علیهم السلام به حسب اعمال و اورادی که باید متوشل
شد به آن ها در نزد ایشان به جهت رسیدن به منافع داخله و خارجیه، هدیه و آخرت و دفع کردن
بلاهای آسمانی و زمینی و ضرور تباطین انسی و جتن مختلف رسیده است. انک در توشل به
حضرت رسول و الله صلی الله علیه و آله به وسیله نماز و هدیه کردن سار بدایشان پس چنان است که مذکور
شد. و انشا به وسیله زیارات و توشل به سلام و تائکوی و مدحت سرایی پس به نحوی که سبک این
طاووس در کتاب جمال الکسبر ذکر نموده. شنبه منسوب است به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یکشنبه به
امیر المؤمنین علیه السلام، و دوشنبه به امام حسن و امام حسین علیهم السلام و سه شنبه به حضرت امام زین
العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام، و چهارشنبه به حضرت امام موسی و امام رضا
و امام محمد تقی و امام علی تقی علیهم السلام، و پنجشنبه به امام حسن عسکری علیه السلام، و روز جمعه منسوب
است به امام عصر حضرت حجت بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله علیه - و به اسم اوست،
و آن روزی است که ظاهر حواله شد در آن و برای هر روز زیارتی ذکر نموده و در هر یک از
آن ها اشاره شده به این مطلب که امروز روز شما است و من در این روز میهمان شمایم و پناه به
شما آوردم مرا ضیافت کنید و پناه دهید و این ترتیب مطابق نسب با ترو و ایت که هر دو از
حضرت هادی علیه السلام رسیده یکی را شیخ صدوق رحمته الله از صفین ابی دلف و دیگری را قطب راوندی رحمته الله
از ابی سلمان بی ارومه نقل کرده اند. و ذکر خبر و زیارت مشافعات بنا انحصار دارد. طالبین از

۱ به جای دلائله اسم آن امام را بگوید که سار را هدیه تو می کند و اگر سار هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد خوب است
از که بگوید دالی رسولک محمد صلی الله علیه و آله و آیه و اگر در برای حضرت طاغیه علیه السلام باشد بگوید دالی ست رشوک تابعیه
فصل علی محمد و آیه و آلهای علیهم السلام

موضوعی اخذ نماید و نیز مستور نماید که چنانچه از برای ایام هفته و ساعات روز تقییمی است نسبت به الله تعالی از برای ایام ماه نیز تقییمی است منسوب به ایشان که در هر روز باید خوانده شود تقییمی که مختص است به آن حقیقت که آن روز منسوب به اوست و طالبین رجوع به معرلات راوندی کنند.

فصل دوم

در کیفیت استغاثه و توسل به الله تعالی و نوشتن عبارتی به خدمت ایشان و در آن پنج مطلب است.

مطلب اول: دعای توسل و استغاثه

علامه مجلسی رحمه الله فرموده که: در بعضی از کتب معتبره نقل کرده اند از محمد بن بابویه که این دعای توسل را ارائه روایت کرده است و گفته است که در هیچ امری نتواندم مگر آن که اثر اجابت را بروی یافتم این است دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِسَيِّدِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ يَا هَوْرَةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْحُسَيْنِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ
لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَا بْنَ الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ
لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ
اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى
اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْغْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْضَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى أَيُّهَا الرِّسَاءُ يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْضَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْخَوَاضِعُ يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْضَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ أَيُّهَا الْهَادِي النَّبِيُّ يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ
يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْضَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ
اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ أَيُّهَا الزَّكِيُّ^(۱) يَا بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا حُجَّةَ
اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى
اللَّهِ وَقَدْضَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ
يَا وَجِيهَ الْخَيْرِ^(۲) وَالْخَلَفِ الْحَقِّيقَةِ^(۳) أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ^(۴) يَا بَيْنَ رَسُولِ
اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدْضَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ

اَشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ

پس حاجب خود را بطلبد کہ بر آورده می شود این شاء الله تعالی. و در روایت دیگر وارد شده

کہ بعد از این بگوید:

يَا سَادَاتِي وَغَوَايَايَ إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ إِلَيَّ عِزِّي وَغُلَّتِي لِيَوْمٍ قُفِرِي وَحَاجَتِي إِلَى اللَّهِ. وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ. وَاسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ. فَاشْفَعُوا لِي عِنْدَ اللَّهِ. وَاسْتَقْبَلُونِي مِنْ قُدُّوسِي عِنْدَ اللَّهِ. فَإِيَّاكُمْ وَسَيِّدَتِي إِلَى اللَّهِ. وَيُحِبُّكُمْ وَيُفَرِّقُكُمْ أَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللَّهِ. فَكُونُوا عِنْدَ اللَّهِ رِجَانِي. يَا سَادَاتِي يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ. صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. وَلَعَنَ اللَّهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

مطلب دوم: طریق نوشتن رقعہ توسل به حضرت حجة عصر عجل الله تعالى فرجه
صبح کفایتی در جنه الوفا و محقق تبریزی در طایف الشجاء و علامه مجلسی در
تعلیه گفته اند کہ استفادہ ای است به حضرت مهدی صاحب الامر صلوات الله علیه. به این طریق
کہ می نویسد آن چه را کہ ذکر می شود در رقعہ ای. و می اندازی آن را بر قبری از قبور ائمه عجلایا
آن کہ رقعہ در می بندی و مهر می کنی و در میان گل پاکیزه می گذاری و می اندازی آن را در نهر یا
چاه عمیق یا در خدیج آب. کہ آن رقعہ می رسد به حضرت حجة عصر عجلایا و آن حضرت خود
مشکل بر آوردن حاجت تو می شود. و آن چه در رقعہ می نویسی. این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَشْفِعًا. وَشَكَاوْتُ مَا نَزَلَ بِي
مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ غَرْ وَجَلَّ ثُمَّ يَك. مِنْ لَمَرٍ قَدْ دَغَمْتِي وَأَشْمَلْ قَلْبِي. وَأَخَالَ
فِكْرِي. وَسَلَبْتِي بَطْشَ لَبِي. وَغَوَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللَّهِ عِزِّي. أَشْلَمْتِي عِنْدَ
تَحْيِيلِ وَرُودِهِ الْغَلِيلِ. وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ قَرَانِي الْإِيَالِ إِلَى الْأَحْمِيمِ. وَعَجَزْتُ عَنْ
دِفَاعِهِ جَيْلَتِي. وَخَانَتِي فِي تَحْمِيلِهِ سَبْرِي وَقُدُّوسِي. فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ. وَتَوَكَّلْتُ فِي الْفَضَائِلِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي. عَلِمًا

بِمَكَانِكَ مِنْ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِيَّ التَّنْذِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ. وَإِنَّمَا بِكَ لِي
الْمُسَارَعَةُ فِي الشَّمَاعَةِ إِلَيْهِ جُلُّ ثَمَاوَةٍ فِي أَهْرِ. مُتَيْقِناً لِإِجَابَتِهِ تِيَارَكَ
وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِغْطَاءِ سُؤْلِي. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصْدِيقِ
أَمَلِي فَيْتَ فِي أَهْرِ كَذَا وَكَذَا. هِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِغَفْلَةٍ وَلَا ضَبَرٍ لِي
عَلَيْهِ. وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَجِيباً لَكَ وَلَا ضَافِيهِ بِغَيْبِ أَهْمَالِي وَتَفَرُّطِي فِي
الْوَاجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. فَأَغْثَنِي يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ جُنْدَ
الْهَيْبِ. وَقَدْ تَمَّ الْمَسْأَلَةُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَهْرِ قَبْلَ حُلُولِ الشَّلْبِ وَشَمَائَةِ
الْأَغْدَاءِ. فَبِكَ بَسَطْتُ النُّعْمَةَ عَلَيْهِ. وَاسْأَلِ اللَّهَ جُلَّ جَلَالَهُ لِي مَصْراً عَزِيزاً
وَلَفْظاً غَرِيباً. فِيهِ يُلَوِّحُ الْأَمَالَ. وَخَيْرُ الْمَصَادِقِ وَخَوَالِيمِ الْأَعْمَالِ. وَالْأَمْنُ مِنَ
الْمَحَارِبِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ. إِنَّهُ جُلُّ ثَمَاوَةٍ لِي بِإِشَاءِ فَضْلٍ. وَهُوَ حَسْبِي وَيَعْمَ
الْوَكِيلُ فِي الْمُنْدَى وَالْمَنَالِ

پس می‌دوی به نزد نهر یا غدیر آب و قصد می‌کنی یکی از نواب صاحب الامر - صلوات
الله علیه - را که عثمان بن سعید عمری یا پسر او محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا حلق بن
محمد عمری - رضوان الله عليهم - را که این جماعت و کلا و نایبان (خاص) آن حضرت بودند
در غیب عمری - پس ندا می‌کنی یکی از ایشان را که:

يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ. أَشْهَدُ أَنَّ وَفَائِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَأَنَّكَ
حَرٌّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ
وَجَلَّ. وَهَلِيبٌ رَفَعْتَنِي وَحَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا إِلَيْهِ. فَأَنْتَ
الثَّقَّةُ الْأَمِينُ.

ای فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی می‌دهم که وفات تو در راه خداوند بود و تو رندگی در
زرد خدای - عزوجل - که تو را روزی می‌دهد و با تو مخاطبه می‌کنم در این رندگانی که داری در
زرد خداوند - عزوجل - و این رقبه حاجت من است به سوی مولایمان حضرت حقیقه عصره

پس برسان و تسلیم کن آن را به آن جناب که توفیق و لایقیت پس بیانداز آن رتبه را در دهر یا در
چاه یا غدیر تا بر روزه شود حاجت تو، این شاء الله تعالی.

مطلب سوم: رتبه توسل

شیخ جلیل شیخ ابراهیم کتبی در کتاب بلد الامین فرموده که از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا باشد یا از امری خائف و ترسان باشی، بنویس در
گافدی:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَعْظَمِهَا قَدْرًا. وَأَتَقَرَّبُ
وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَنْ لَوْجَبْتِ حَقَّةً عَلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَطَائِفَةِ وَالْحُسَيْنِ
وَالْحُسَيْنِ. و نام می‌بری یک یک از ائمه علیها السلام را پس می‌نویسی و ائمه را گداز گداز یعنی حاجت
خود را ذکر می‌کنی، پس می‌نویسی رتبه را و می‌گذاری آن را در بندهای از گل و می‌اندازی آن را
در آب جاری یا چاهی که خداوند تعالی فرج او گشایش ا کرامت می‌فرماید.

مؤلف گوید که: نسخه رتبه استفاده و حاجات به انعام کثیره رسیده، و بسیاری از آن را
علامه مجلسی علیه السلام در بحار و تحفه الزکری و دیگران نیز نقل کرده‌اند، و لکن سخندی به نظر رسیده که
در کتب مجلسی علیه السلام و در کتب ادویه متفاوت ذکر شده لهذا نقل آن را در این جا مناسب دیدم.
فاضل متبصر محمّد بن محمّد الطیّب که از علمای دولت صفویه است در کتاب تفسیر الطاهرین که
علامه مجلسی علیه السلام در بحار و فاضل صغیر میرزا عبدالله اسفهانى در صحیفه گفته از آن نقل می‌کنند
این نسخه را در کتاب سعادت نقل کرده به این عبارت:

دعای توسل برای هر امر شومی و حاجتی

بسم الله الرحمن الرحيم

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ
عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ وَالشَّرَافِ الْمُسْتَقِيمِ وَجَسَمَةَ اللَّاجِينَ بِأَمْرِكَ سَيِّدَةِ يَسَّوْ

الْعَالَمِينَ • وَيَا بَاطِكَ الطَّاهِرِينَ • وَيَا مُهَابِكَ الطَّاهِرَاتِ • بَيْتِسْ وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ •
وَالْجَبْرُوتَ الْعَظِيمَ • وَحَقِيقَةَ الْإِيمَانِ • وَنُورَ التَّوْبَةِ • وَكِتَابَ مَشْطُورِهِ أَنْ
تَكُونَ سَهْرِي إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِغُلَّانٍ لَوْ هَلَكَ غُلَّانٌ مِنْ غُلَّانٍ
و این رتبه را در کل پاکیزگی گذار و در آب جاری یا در چاهی بینداز و در آن حال بگوید
یا مُحَمَّدٌ^(۱) بِنِ عَثْمَانَ وَبِأَعْمَانَ بِنِ سَعِيدٍ أَوْ بِغُلَّانٍ قَبَضْتَنِي إِلَى صَاحِبِ
الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ

مطلب چهارم: در بیان عملی برای قضای حوائج

تلاک الاسلام در کلماتی به سند مشهور روایت کرده از عبد الرحیم قصیر که گفت: وارد خدمت من
حضرت صادق علیه و عرض کردم: فدای تو شوم از پیش خود دصالی اختراع کرده ام، فرمود:
«او گذار مرا از اختراع خود، هرگاه تو را حاجتی روی دهد، پس پناه ببر به رسول خدا ﷺ و در
رکعت سار کن و هدیه کن آن را به حضرت رسول ﷺ». عرض کردم: به چه نحو کنیم این نماز را؟
فرمود: غسل می کنی و دو رکعت می گذاری مثل تمام هر رتبه در احتیاج و اختتام^(۲)، و چون سلام
گفتی می گویی: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ • وَمِنْكَ السَّلَامُ • وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ • اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَلَعْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامُ • وَأَرْوِجُ الْأَهْمَةَ
الصَّابِلِينَ سَلَامِي • وَارْزُقْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ • وَالسَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ • اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عِدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ • فَأَتَيْنِي
عَلَيْهَا مَا أَمَلْتُ وَرَجَوْتُ فَبِكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

پس به سجده می روی و چهل مرتبه می گویی:

۱- سبحانای محمد بن عثمان بود، ولیکن چون طغیانی بداند که بطریق خود که تحصیل شده از محمد بن محمد بن محمد بن
عثمان نوشته اند (ص ۱۸۸)

۲- علامه مجلسی علیه در معنی عبارت موجود دو رکعت نماز یکی و در اول نماز هفت تکبیر افتتاح با دهانهایی که در
نمازهای واجب می خوانی بفرمائی، و در مشهود به معنی که دو نماز واجب خود می خوانی بفرمائی (ص ۱۸۸)

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ • يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ • يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ • يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ • يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس جانب روی و لب بر زمین می گذاری و این دعا را چهل مرتبه می گوئی، پس جانب چپ
روی را بر زمین می گذاری و باز چهل مرتبه می گوئی، پس سر از سجده بر می داری و دستها را
بشد می کنی و چهل مرتبه می خوانی.

پس دستها را به گردن خود می گذاری و انگشت شهادت را به جانب راست و چپ حرکت
می دهی و چهل مرتبه می خوانی، پس می گیری ریش خود را به دست چپ و گریه یا نوازی می کنی
پس اگر گریه ات نیاید خود را به گریه می داری و می گوئی:

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْكَ اللَّهُ وَإِلَيْكَ حَاجَتِي • وَأَشْكُو إِلَيْكَ
بَيْتِكَ الرَّاحِمِينَ حَاجَتِي • وَيَكُنْ لِقَوِّهِ إِلَيْكَ اللَّهُ فِي حَاجَتِي

پس به سجده می روی و می گوئی: يَا أَلَلَّهُ يَا أَلَلَّهُ آن قدر که نفس منقطع شود، پس
می گوئی: شَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ زَالِ مُحَمَّدٌ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا و به جای و فعل بی کذا حاجت خود
را می خواهی، پس حضرت صادق علیه السلام فرمود: «که من خاتم بر خدای عز و جل که از جای خود
حرکت نمی کنی مگر آن که حاجت تو بر آورده شود»

مطلب پنجم: طریق شمار توسل به حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ کلینی در بلد الامین و شیخ جلیل ابن الحسن طبرستان بن الحسن صهرشی که از مشاهیر
تلامذۀ شیخ طوسی است در کتاب فیهما الصیاح روایت کرده از مسند بن عمر که حضرت
صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه تو را حاجتی باشد به سوی حق تعالی و سبب آن تنگی شده باشد،
پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی صد مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه علیها
السلام بخوان، پس به سجده برو و بگو صد مرتبه: «یا مَوْلَانِ یا فاطمة اقیثینی» پس جانب راست رو
بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو، پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو، پس
باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن به درستی که خداوند بر می آورد
آن را این شاه اللهید»

مؤلف گوید که: شیخ جلیل حسن بن فضل طبرسی در مکرم الاخلاق میر این نماز را نقل
سود به حسن طریق مگر آن که در نقل اشتباه به کلمه «یا فاطمة» اکتفا کرده، و بعد از صد و ده

مرتب و با طمأنه در سجده گفت: و یگو

یا اِیُّهَا مَنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ کُلِّ شَیْءٍ مِنْکَ حَافِظٌ حَافِظٌ. اَسْأَلُکَ بِاَمْنِکَ مِنْ
کُلِّ شَیْءٍ. وَ حَافِظٌ کُلِّ شَیْءٍ مِنْکَ. اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ. وَ اَنْ
تُعْطِیَ اَمَانًا لِنَفْسِی وَ اَهْلِی وَ مَالِی وَ وَلَدِی حَتّٰی لَا اَحَافُ اَحَدًا. وَلَا اُخْذِرُ
مِنْ شَیْءٍ اَبْلَاءَ اِنِّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

نمازی از برای حاجت

و بر در آن کتاب شریف از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: هرگاه یکی از شماها
خواهد استعانه کند به سوی خداوند پس دو رکعت نماز کند پس به سجده رود و بگوید:

یا مُحَمَّدُ یا رَسُوْلَ اللهِ. یا عَلِیُّ. یا سَیِّدِی الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. بِکَما
اَسْتَفِیْتُ اِنَّ اللهَ تَعَالٰی. یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اَسْتَفِیْتُ بِکَما. یا غَوْثًا بِاللّٰهِ
وَبِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ و سَیِّدِی هر یک از امامان را پس می گویند: بِکَما اَتُوْسَلُ
اِنَّ اللهَ تَعَالٰی. پس به درستی که در همان صاحب به فرموده او خواهند رسید این شاء الله تعالی.
و شیخ معظم جناب احمد بن محمد حلی در فقه الکلی مرسل از سماعه روایت کرده که حضرت
ابوالحسن [امام کاظم] علیه السلام به من فرمود که: ای سماعه! هر وقت که از برای تو حاجتی
باشد نزد خدای تعالی پس بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ فَاِنَّ لَهما
عِنْدَکَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَ قَدْ رَأٰ مِنَ الْقَنْدَرِ فَبِحَقِّ ذٰلِكَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذٰلِكَ
القَنْدَرِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِلَ بَیْ کُلِّما وَ کُلِّما

پس به درستی که چون روز قیامت بیا شود بقی مانند ملک مقرب و به پیشتر مرسمی و نه
بدنه مؤسی مگر آن که محتاج است به سوی رسول خدا و علی مرتضی - علیهما و علی آلهما
السلام - در آن روز.

باب دهم

در بیان زیارت انبیا
و امامزادگان عالی مقام و قبور
مؤمنین و اصحاب ائمه
و علماء و زیارت به نیابت
و آداب ملاقات زائرین

و مشتمل بر سه فصل و یک خاتمه است

فصل اول

در زیارت پنهان حضرت علی علیه السلام

بدان که تکریم و تعظیم و توفیر انبای عظام علیهم السلام شرعاً لازم است **لَا تُقَرُّونَ** این
آخرین **مِنْ رُسُلِهِ** و زیارت ایشان واجب و مستحب و علماً - و طوبی الله علیهم - بر تصریح
فرموده اند به استحباب زیارت ایشان و عدد آن بزرگواران اگرچه زیاد از حد هوار است لکن
قبور معلومه ایشان بسیار کم و قبور آنهایی که **تَعْلَا** [وعللاً] مستحضر هستیم را این قرار است:
حضرت ابراهیم خلیل علیهما السلام در قدس طویل که در سردیگ بیت المقدس است، حضرت آدم و
روح **عَلَيْهِمَا** در مرقد منور حضرت امیرالمؤمنین علیهما السلام مدفونند و دو ترک نوح علیهما السلام که یکی از برای
جهنم عامل است بر قبری است که مردم او را به حضرت نوح علیهما السلام نسبت می دهند و لکن این خلاف
امضای است که تصریح شده به آن که آن حضرت در نزد امیرالمؤمنین علیهما السلام است.

بیان قبر جناب یونس علیهما السلام

در برای جناب یونس علیهما السلام در شریعه کوفه پشه و قهقاری است معروف و جناب سید ابن
طاووس علیهما السلام و غیره در ضمن آفتاب آنجا زیارتی برای ایشان ذکر نموده اند و بر در شرقی دجله در
مقابل شهر موصل در بالای تپه صحرای و مسجدی هست که قبر و ضریح و قهقاری با حفا در آن
موجود است که منسوب است به آن جناب و احتمال قوی در همان جا است و روا که آن حضرت
مبعوث بر اهل نبوی بود که در قدیم شهر عظیمی بوده در نزدیکی موصل به مسافت پند فرسخی
و آثار آن موجود است و در بیت المقدس بر تپه و قبری است منسوب به آن حضرت و شیخ
مرحوم علامه نوری علیهما السلام فرموده که نقل کردن خطبات زیارت جناب یونس را در مکان معروفی که در
شریعه کوفه است، چندان صراحتی ندارد که باید قبر شریفش در آنجا باشد و بر که از آن مکان
تعبیر فرمودند به مشهد و مشهد اگرچه ظهوری دارد در مرقد و محل دفن و لکن بطلان مکانی که
امتیاز مخصوص دانسته به شخص شریف مزبور از آن بر تعبیر می کنند به مشهد یعنی محل حضور
او چنانچه در دعای این دخول مسجد کوفه مذکور است:

السَّلَامُ عَلَي مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَىٰ مَجَالِيهِ وَمَشَاهِدِهِ وَمَقَامِ جَنَّتِهِ وَأَثَارِ آبَائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَىٰ آخِرِهِ

و مراد از مشاهد در این جا آنکه مخصوصی است که اشیا خاصه داشت به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، مثل محراب آن جا که محل مناجات و عبادت و شهادت آن حضرت بود و جای میر که محل بیرون آمدن فرزندان فاطمه از آنجا و خطب و حکمت و مواظ و بصیحت بود در صدف به شرف دغار مبارکش و بیت الطلقت که موضع ظهور سبزه عریه الهیه بود، در آن سبزه عظیمه و دکه القضا که مجلس فصل خصومت و بطل عدالت بود در آن علی حکیم و حکماء و بنا بر این احتمال قوی^(۱) می رود که در آن محل علمی بیرون انداخته باشد جناب یونس را در دهن خود و بروز آن همه آیات عجیبه الهیه در حفظ و حرارت و تقویتش تا آن گاه که به قوم خود در نبوی مراجعت نمود و الله چنین مکانی در نهایت شرافت خواهد بود و بر این اعتبار او را پس است که زیارتش مانند زیارت امام حسین علیه السلام است در مسجد حائه، چنانکه بعضی از این گذشت و بر آن مرحوم (= علامه نوری) در تحف قبر جناب خود و صالح علیه السلام فرموده که: در اعتبار محل آن مختلف است و آنچه در قبرستان ولای السلام ثبت می دهند به ایشان سند درستی ندارد، انکه.

و علامه مجلسی علیه السلام در چهار بعد از نقل اخباری که در بیان موضع قبر امیر المؤمنین علیه السلام است گفته: و بدان که از این اخبار ظاهر شد که سر حضرت حسین علیه السلام در جسد آدم و سرج و هود و صالح علیه السلام در نزد آن حضرت مدفون اند پس مزبور است که همه آن ها زیارت شوند، انکه و مرقد حضرت ذی القفل در کنار شط فرات در نزدیکی کوفه به مسافت چند فرسنگ معروف و مشهور است.

و مرقد حضرت خلیل الرحمن جناب ابراهیم علیه السلام در قدس خلیل که نزدیک به بیت المقدس است معروف و مشهور است و مزاری است برای عاقله مسلمین آن حدود، و لکن در روایت معتبر در حضرت صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: قبر نوح و ابراهیم و قمر سبده و هضاد پیغمبر و ششده و صبی پیغمبر و قبر بهترین اوصیای پیغمبر یعنی امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه است، و ما در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اشاره کردیم به بعضی چیزهایی که مناسب این مقام

۱ و تقریب می دهد این احتمال را آن چه در چند حدیث وارد شده که از لیس لؤلئ مسجد کوفه که در زمان حضرت آدم و سرج علیه السلام بود، دوازده هزار درج کم گرفته اند به انضمام روایت دیگر در کتابی از حضرت امام دهمد باقر علیه السلام که در حدیث کذب برای حضرت یونس علیه السلام در آن مسجد روید پس محتمل است که مرقد این جاساس لؤلئ مسجد بوده باشد که این محتمل هم داخل در غرض است.

است و گفتیم که ای احادیث چندان منافاتی ندارد با آن که این بزرگواران در جای دیگر مدفون شده باشند و بر که ممکن است مثل جناب آدم علیه السلام در جای دیگر دفن شده باشد و به جهت شرف مجاورت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ایشان را به آن محل شریف نقل کرده باشند و در شهر موصل قبر جرجیس پنهان است و در بیرون شهر قبر شیخ هبة الله است و در شوش که شش فرسخی شهر شوشتر است مدفن داتریال پنهان است و بارگاهی عظیم بر او ساخته اند مشرف بر نهر صاحب تاریخ قم گفته که بدن مبارک آن حضرت را، [حضرت موسی] حنوط و کفن کرده در میان جوی آب اید صورت [مخفی دفن کرد] آنگاه و نیز در دو فرسخی شوشتر مزاری است که به حضرت شعیب علیه السلام نسبت دهند و در خارج حله قبری است منسوب به ایوب علیه السلام و قبر جناب اسماعیل علیه السلام در مسجد الحرام است با جماعتی از پیغمبران دیگر علیهم السلام شیخ مرحوم فرموده که قبر یونس علیه السلام در خارج کاظمین علیه السلام در قبلی مسجد برآا است و قبر جناب زکریا در حلب است و قبر جناب یحیی علیه السلام در بیروت. ظنر گوید که در شهر شام مسجدی است معروف به مسجد یحیی با بنای عالی و در آن مسجد، قبری است با ضریح مطهری منسوب به آن حضرت، و جمله ای از پیغمبران بنی اسرائیل در سبب الملائکس قبورشان در نزد اهل آن جا مظلوم و غیر اینها که بعضی شواهد بر صحت [ادلت] دارند و بعضی مشبه و مشکوک اند.

کیفیت زیارت پیامبران عظام

و اما در باب کیفیت زیارت ایشان پس در اخبار و یارب مخصوصی برایشان به نظر می رسد مگر زیارت حضرت آدم و روح علیه السلام که در باب زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شرح رفت، و لکن در روایت زیارت جاسم که ما آن را اول زیارت جاسم قرار دادیم ظاهر می شود که انبیاء علیهم السلام بر به آن زیارت کرده می شوند و شاهد بر این آن که شیخ جلیل محمد بن العسکری در مزار و سید اجل حنی بن طلحوس در صلیح التزکیر و غیر ایشان - و عوار قلله علیهم - در ادب دلخون کوفه همین زیارت شریفه را از روی مشهد حضرت موسی علیه السلام ذکر کرده اند و مطلق آن است که نقل ایشان زیارت مذکوره را از روی همان کتبه باشد که از غیر ظاهر می شود. به هر حال اگر کسی آن زیارت جاسم را در مراد شریفه انبیاء علیهم السلام بخواند مناسب است و چون زیارت در سابق مذکور شد محتاج به نقل آن در این جا نیست. هر که خواهد به زیارت اول زیارت جاسم [صفحه ۲۷۲] رجوع کند و از فیض عظیم آن خود را بهره مند نماید.

فصل دوم

زیارت امام زادگان

در بیان زیارت امام زادگان عظام و شاعران بزرگان عالی مقام که قبورشان محل فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عیایات الهیه است و علمای اعلام تصریح فرموده اند به استحباب زیارت ثبوت ایشان، و بحمد الله تعالی در غالب بلاد شبهه قبورشان موجود، بلکه در قری و پرتگاه^(۱) و اطراف کوهها و دژها پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ وایماندگان و پناه مظلومین و موجب تسلی دل های پژمرده و حواهد بود تا یوم قیام و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده، و لکن مستور است که نامزادمانی که انسان با اطمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کرامات باز سفر بنده و شد رحال کند به سمت قبر شریفش، باید در مطلب و ازل درست کرده، آنگاه قصد قصد کند:

اقل جلال قدر و عظمت شأن صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت سبب و خلاصه بنوت^(۲) به حسب آن چه از کتب احادیث و انساب و تواریخ معلوم می شود
دو جا معلوم بود قبر آن سید جلیل و صفت نسبت آن قبر به آن جناب
و جمع بین این دو بسیار کم است، چه بسیاری از قبوری که نسبت می دهند به آن بزرگواران، نه حال صاحبانش معلوم و نه معلوم بودن او در آن جا، و چندی دقتشان در آنجا معلوم و حالشان مجهول و پاره ای جلال قدر آن امامزاده معین، و لکن مرقد شریفش بشبه.

اشاره به قبور امام زادگان عالی مقام

مثلاً سید اجل علی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهما السلام که فرمود بلا واسطه حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام، جلال شأن و بزرگی مقام او زیادتر از آن است که در این مقام ذکر شود و بالاتر از آن است که بر کسی متولی و پوشیده باشد، تربیت شده برادر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر است و از بزرگان راویان و صاحبان تصنیف است که تاکنون بحمد الله دو باب است و چهار یا پنج امام را درک نموده و ختم کرده، و لکن قبر شریفش غیر معلوم است و تشبیه در سه موضع که به آن جناب نسبت می دهند:

اول: در بیرون قلعه مسکن در میان باغچه با نظارت او چشم سوزی و با قبه و بقعه و عمارت یا تهاهی علامه مجلسی فرموده که بودن قبر آن حضرت در آن جا معلوم نیست، بلکه خلافت مظنون است.

دوم: در بیضا طایفه قم در بیرون بلد مزاری لب معروف به آن جناب و از برای اوست صحن و سی و سه و نیمه ای بسیار عالی و آثار قدیمه، که از آن جمله لوح قبر لب که بسیار قدیم و بر روی آن کتابی هست که ظاهراً تاریخش سنه هفتصد و چهل هجری لب به اسم آن حضرت و اسم و نام بزرگوارش و به این سبب لعل قم را اطمینان تمام است بر بودن قبر شریفش در آن جا. و علامه مجلسی رحمته در بهار فرموده که از جمله کسانی که به جلالت و نبالت معروفند علی بن جعفر مدظنون به قم است و جلالتی مشهورتر است از آن که ذکر شود و لذا خودش مدفون به قم پس مذکور نیست در کتب محیره لکن اثر قبر شریفش که موجود است قدیم است و بر آن اسمش نوشته است و در بعضی فرموده که: مزاری در قم هست که قبر بزرگی در آن ساخته اند و بر روی قبر کتابی هست که نوشته اند ^(۱) قبر علی بن جعفر صادق علیه السلام و محمد بن موسی و از تاریخ بنای آن قبر تا این زمان نزدیک به چهار صد سال می شود پس همان کلامی را که از بهار نقل شد فرموده تا آن که گفته و چون از آن قبر قدیم و لوح آن چنین ظاهر می شود که در آن جا مدفون باشد، بهتر آن است که در آن جا ربات آن حضرت بکنند.

سوم: در یک فرسخی مدینه طایفه در قریه غریض که ملک آن جناب و محل شکته به خودش و ذوقه اش بود نهاد آن جناب و اولادش را سبب به هر چه دهند میر از برایش قبر و قهای است و ظاهر همین است چنانچه مختار شیخ ما علامه موری رحمته است و کلام را در این باب در محاضرات مستدرکه بسط به تمامی داده و شاید مزاری که در قم است قبر اسباط و ذوقه او باشند، به هر حال باقی ماند قلیلی که هر دو جهت آن مکشوف است.

مثل قبر اسماعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام که در پنج بر دیکه اشته پنج میکه معلوم است و در سابق اشاره به قبر آن جناب شد.

۱ و مجلسی اول: در طرح فقیه در رجسته علی بن جعفر بعد از ذکر ندی از قطایل و جلالت او گفته و بالعصه جلالت قدر علی بن جعفر بیشتر از آن است که ذکر شود و قبرش در قم مشهور است و شنیدم آن که اهل کوفه خواهش کردند از آن جناب که از مدینه به کوفه تشریف آورد و آن بزرگوار قبول کرد و حدیثی در کوفه نقلت فرمود و اهل کوفه از آن حضرت اظهار عطف کردند پس از آن اهل قم استقبال کردند از جنابش که نزول احوال در قم فرماید پس استعدای ایشان و اجابت فرموده به آن جا ویرود کرد و بود تا آن که در قم از آب و رست و اولادش او عالم مشتهد و در اصفهان قبر بعضی از آنها است که یکی از آنها سید کمال الدین است که در قریه میر تفرحال است و قبرش و درنگاه مردم است. رحمته

و مانند چندی از اولاد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مثل سید جلیل عظیم القدر و الشان احمد معروف به شاه چراغ که در داخل شهر شیراز مدفون و در ظاهر نیز از جهت قبه و صحن و صریح و خدمه و موقوفات عظیم و احترام تمام دلور.

و مثل برادر دیگرش قاسم که در حبش غریبی حلقه مدفون است و مزار شریفش زیارتگاه عاقله خلق است و پیوسته علما و اخبار به زیارت او روند و حدیثی در آئینه معروف است، قریب به این مضمون که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: هر کسی قلندر نیست بر زیارت من، پس زیارت کند برادرم قاسم را. و این خبر در جایی دیده نشده و تاکنون کسی از اصل آن ندانی نداده، ولیکن بزرگی جلالت و علو مرتبت جناب قاسم اجل از آن است که برای ترغیب به زیارتش به این خبر بی اصل و نشان متشکک شد چه آنکه در اصول کافی خبری است که دلالت می کند بر عظمت شان و بزرگی مقام او تا آنجا که عقل تصور می کند.

کلمه الاسلام در باب اشاره و نص بر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خبر طولانی نقل کرده در بزمین شلیط از حضرت کاظم علیه السلام در راه سقز. و در آن خبر مذکور است که آن حضرت به او فرمود: تاخیر دهم تو را ای ابا حمزه، پیروی آئین از منزل، پس وصی قرار دادم یسرم سلطان و - یعنی جناب امام رضا علیه السلام را - و شریک کردم با او پسران خود را در ظاهر و وصیت کردم با او در باطن، پس اراده کردم تنها او را و اگر امر راجع به سوری من بود، هر آنکه قرار می دادم ایامت را در قاسم یسرم به جهت محبت من او را و مهربانی من بر او، ولیکن این امر راجع به سوری خداوند عزوجل است، و قرار دادم آن را هر کجا که می خواهم، الخ.

و علامه مجلسی رحمته الله گفته که از جمله امام زاده های مشهور امام زاده قاسم فرزند امام موسی علیه السلام است که در حوالی نجف اشرف مدفون است و قبرش معروف است و میباید این طاووس علیه السلام ترغیب به زیارت او نموده است، انتهى.

و مثل برادر دیگرش امام زاده حمزه که با شله چراغ معروف از یک مادرند و قبر شریفش در شهر ری نزدیک قبر حضرت عید العظیم حسنی است و جناب عید العظیم پیوسته به زیارت او می رفت چنانچه باید در حکایت حال او. و این سید بزرگوار الان صاحب قبه و بارگاه و صریح و صحن و حنک است و هر که به زیارت عید العظیم مشرف می شود قصد زیارت او را نیز می کند و به درک فیض زیارت او نایل می شود.

مؤلف گوید که: در جزیرهای که در جنوب حلقه و بین دجله و فرات است عزیزی است مشهور به قبر حمزه پسر حضرت امام موسی علیه السلام و مردم او را زیارت می کنند و برای او کرامات

بسیار نقل می کنند و لکن این شهرت بی اصل است بلکه آن جناب حمزه بن قاسم بن علی بن حمزه بن حسن بن عبد الله بن عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام ابو علی ثقة جلیل القدر است که شیخ نجاشی در رجال او را ذکر نموده و در حکایت تشرف سید العلماء و ساد القضاة و حمید عصره جناب آقا سید مهدی قزوینی رحمته الله به خدمت حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه نیز اشاره به این مطلب نموده چنانکه آن حضرت به سید فرمودند که: ای قریب ابی علی حمزه بن قاسم عدوی عباسی است که یکی از علمای اجازه و اهل حدیث است و اهل رجال او را ذکر نموده اند در کتب خود، و او را ثنا کرده اند به علم و ورع، و طبر مجمل آن حکایت را در خانقاه تخت الزائر شیخ مرحوم که به دست ابی حنیر تمام شد ایراد نمودیم.

و بدان نیز که در بلد قم در وسط شهر امام زلمی است مشهور به شاهزاده حمزه و صاحب شریح و فقه و مزار است و بسیار معظم و جلیل القدر و اهل بلد را اعتقاد تمامی است به او، و در احترام و اکرام او بسیار کوشند، و از کلام صاحب تاریخ قم ظاهر می شود که آن حضرت فرزند بی واسطه حضرت امام موسی علیه السلام است چنانچه در خلال تاریخ سادات حسنه از سادات و خاندان که در قم بودند و در آنجا مدفون شدند، گفته که بعضی صوفی به قم لماست کرد و به میدان زکریا بن آدم به نزد یک مشهد حمزه بن امام موسی بن جعفر علیه السلام وطن و مقام گرفت و ساکن بود. الخ و شاید امام زاده مذکور از اصحاب حضرت امام موسی باشند چنانچه در باب علی بن جعفر گفته شده و الله العالم.

و محل ابی حمزه امیر علی بن حمزه بن موسی الکاظم علیه السلام که در مسقط الطائب و بعضی از مشجرات، او را ذکر نموده اند و گفته اند که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصغر است، و مثل اصحاب زاده محبت فرزند امام جعفر صادق علیه السلام که در شهر بسطام مدفون است، و سید شهید لایفی نور الله علیه در مجلس در ضمن احوال بنا می برد بسطامی گفته که در زمان سلطنت اولجایتو خان به امر او که به سر تربت این امام زاده عالی مقام بنا بودند.

و از جمله شهر سید معظم جلیل ابو جعفر محمد بن علی الهادی علیه السلام در نزدیکی بلد که اسم منزلی است معروف در طریق سامره، و جلالت و نبالت شأن آن بزرگوار بسیار است و بس است در حق او که قابلیت و صلاحیت امامت را داشت و فرزند بزرگ حضرت هادی علیه السلام بود و شیعه گمان می کردند که او امام خواهد بود بعد از هادی علیه السلام چون از دنیا رحلت کرد حضرت هادی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمودند: **وَيَا بَنِي أَحَبِّتُ إِلَهَ شُكْرًا فَقَدْ أَحَدْتُ فَيْكَ أَقْرَأَ أَيْ** پس جان من، تازه کن شکر خدا را پس به تصدیق که حق تعالی تازه فرمود در حق تو امری و - که

مراد امر امام باشد - و در روایسی فرمودند: «بَنَّا لِلَّهِ فِي أَبِي مُسْعِدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَبِي جَعْفَرٍ مَا لَمْ يَكُنْ يُعْرِفُ لَهُ كَمَا بَنَّا لَهُ فِي مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مُوسَى إِسْمَاعِيلَ مَا كُشِفَ بِهِ عَنْ حَالِهِ»

و احادیث به این مضمون که مراد عبدالله باشد در حق حضرت ابی محمد عسکری علیه السلام بعد از ابی جعفر که مراد امام زاده سید محمد باشد بسیار است و جمله ای از آن ها را شیخ سلیمان رحمه الله در *ارشاد ذکر فرموده* و سر حدیثی در *ارشاد روایت* کرده که مبسوط است بر آن که حضرت عسکری علیه السلام در غوث سید محمد گریبان خود را چاک فرموده بود و کلاه فضلاً و عرفاً، آنکس.

فضیلت و کیفیت زیارت حضرت معصومه علیه السلام

و مثل سیده جلیله معظمه حضرت سنی ^(۱) فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام که در سال دویست و یک هجری به جهت اشتیاق ملاقات برادرش حضرت امام رضا علیه السلام از مدینه به جانب مرو میروید آمد. زیرا که حضرت امام رضا علیه السلام در یک سال قبل از آن به امر مأمون به آن ولایت تشریف برده بودند. پس همین که آن معذره به سواد رسید پشمار شد سؤالی فرمود که «آیا شهر قم چه مقدار مسافت است؟» عرض کردند که ده فرسخ است. فرمود: «مرا به قم ببرید». همین که به سمت قم آمدند، طائفه اشعرئیس از آل سعد به استقبال آن حضرت رفتند و موسی بن خروج بن سعد که بزرگ آن ها بود از همه سبقت کرد و مهار ناکه آن سیده جلیله را گرفت و کشید تا وارد ساخت او را به قم در خانه خود پس آن معذره در آن خانه نزول اچال میروند و تا مدت طلعه روز نکث نموده. پس به رحمت ایزدی و به آیاه ظاهری خود پیوست. پس او را دلق کردند در باهلان به تفصیلی که در تاریخ قم مذکور است و مقام را گنجایش همه بیست و هزار آن حضرت در باهلان که اسم همان مکان دلق است که در آن زمان پستانی بوده حروف و مشهور است، و دارای فیه عالی و ضریح و حصی های متعدد و خدمه بسیار و موقوفات کثیره است و روشی چشم اهل قم و خلاصه و معاد خانه خلق است و در هر سال جماعات بسیار از بلاد پیاده شد و رجال کنند و تمس سفر کشند به جهت درک فیوضات از زیارت آن معظمه و فضیله و جلاله آن حضرت از اخبار بسیار ظاهر می شود به علاوه آن که شیخ طیف در *ارشاد فرموده* که از برای هر یک از اولاد حضرت ابو الحسن موسی علیه السلام فضیلت و منقبت مشهوره است و در خصوص فضیلت زیارت آن حضرت روایات

۱ بیش مجازاً به معنی پانوی می آید. سنی در اصل به معنی شش وجه می بود است. معتقد سنی و به عنوان اشعری و دیگران معنی گفته می شود.

بسیار وارد شده، از آن جمله شیخ فاضل خیر ماهر حسن بن محمد قتی که حاضر این پایوبه قتی است در تاریخ قم که به جهت^{۱۱} کلفی الکفاة صاحب این عباد نوشته است، روایت کرده که جماعتی از مردم ری در صحبت این عبد الله العتباتی علیه السلام بودند و گفتند که ما از مردمان ری هستیم حضرت فرمود: «مرحباً برادران مرا از اهل قم» آن‌ها عرض کردند که ما از مردمان ری هستیم، دیگر مرتبه حضرت صادق علیه السلام فرمود: «مرحباً برادران ما را از اهل قم» تا آن جماعت سه کثرت این سخن متکثر کردند و امام علیه السلام می فرمود: «مرحباً برادران قمی ما را» پس آن حضرت فرمود: «به دوستی که از برای حق تعالی حرمی است و آن منگه است» و برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است، و برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است، و او برای ما اهل بیت حرمی است و آن بلد قم است و بعد از این دلی خود در آن‌جا دلی از اولاد من که نامید می شود به فاطمه، هر که او را زیارت کند بهشت از برای او واجب شود» ولوی گفت: وقتی که حضرت صادق علیه السلام این فرمایش نمود هنوز حامله شده بود ماهر حضرت موسی علیه السلام به آن امام بزرگوار و به روایت دیگر منقول است که، زیارت فاطمه علیه السلام موازی و معادل با بهشت است.

و سید العلماء و الفضلاء و المحققین سید اجل جمال الذی محمد بن الحسن النخواساری در هزار خود فرمود بدان که احادیث منقول در باب زیارت مسعوده یعنی فاطمه بنت موسی علیه السلام یکی آن است که به سند محض روایت شده که سعد بن سعد که راوی حدیث است، از حضرت امام رضا علیه السلام سأل نمود از (زیارت) فاطمه دختر دختر موسی بن جعفر علیه السلام، فرمود که: «هر که او را زیارت کند بر برای اوشت بهشت» و به سند معتبر دیگر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که: «هر که حقه مرا در قم زیارت کند پس از برای اوشت بهشت» و در روایت معتبر دیگر نقل شده اند که حضرت امام رضا علیه السلام به سعد اشعری فرمود که: «ای سعد نزد شما خبری از ما هست» سعد گفت که: فدای تو شوم غیر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می فرماید؟ فرمود که: «بلی هر که او را زیارت کند و حق او را شناسد از برای اوشت بهشت پس چون به قبر آن حضرت برسی سرد سرش رو به قبله بایست و سی و چهار مرتبه بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله پس بگو:

۱۱ حدیثی که از تاریخ قم نقل شده به ترتیب مرتبه آن است زیرا که خود تاریخ سید مصلح بسیار کم بلکه مفقود است و آنچه را در این باب از آن تاریخ نقل می کنیم از ترجمه ای است که قطعه ای از آن که مشتمل بر چهار باب آن است به نظر رسیده و صاحب ترجمه شیخ حسن بن علی بن الحسن بن عبد الملک قتی است که دو عصر سلطان ابراهیم حمی که قاهره جده اعلی شاه طرابلس مصری و والد سلطان شیخ کشید است به امر خود تاریخ مذکور را ترجمه کردند و نسخه ترجمه اش هم بسیار کم است. (مجموعه)

السَّلَامُ عَلَيَّ أَدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ نُوحَ نَبِيَّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيَّ عِيسَى لُوحِ
اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا صَفِيِّ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا هَاطِطَةً سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَيِّدَيَّ نَبِيَّ
الرَّحْمَةِ^(۱) وَسَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ
الْعَامِدِينَ وَفَرَّةَ عَيْنِ النَّاطِقِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بِالْوَرِّ الْوَلَمِ بَعْدَ
النَّبِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِ الْأَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا
الْمُرْتَضَى. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّيَّيَّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ
مُحَمَّدٍ النَّبِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. السَّلَامُ عَلَيَّ
الْوَعِيِّ مِنْ بَعْدِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَبِرَاجِكَ وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ
وَخَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ الْحَسَنِ^(۲) وَالْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ^(۳). السَّلَامُ عَلَيْكَ

۱- الطاهر آن است که مراد به وصیت حضرت سید المرسلین علیهم السلام باشد که رحمت عالمین است و از آن حضرت تعبیر به
سبحی الواحد می آید و می شود و ممکن است که معنی چنین باشد که سلام بر شما ای دو سبط. چنان ای دو میر و پسر که خود
چون رحمت و لکن معنی آن الطهر است (منتهی).

۲- بدان که هر که منسوب به حضرت امام محمد باقر علیه السلام است سبب آن به حضرت امام حسن علیه السلام می رسد زیرا که
عادر آن حضرت دختر حضرت مجتبی علیه السلام بود و این جهت بود و ولادت حضرت فاطمه معصومه و دو دهنه و السلام علیها یا
ست الحسن و ممکن است که سبب عادر حضرت معصومه بر مستثنی به حضرت امام حسین علیه السلام شود و به این جهت میر از
اولاد آن حضرت باشد (منتهی).

۳- «السَّلَامُ عَلَیْکَ» یا «اُخْتُ وَلِيِّ اللَّهِ» این فقره از سلام در مسقط معطوف بود و دو مسقط مزلف آتا جمیع الدین بود و در
حاشیه بر فرمود فرموده بود که معنی نیست که در بین ولادت «السَّلَامُ عَلَیْکَ» یا «اُخْتُ وَلِيِّ اللَّهِ» بر صاحب است و بر عهد
مسقط که ملاحظ شد موجود بود و بعد نیست که از کلمه ناخوش ابتداء باشد (منتهی).

یا عَمَّةُ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَا وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَخَشَرْنَا فِي
زُمرَتِكُمْ وَأَوْزَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَخَفَانَا بِكَائِنِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِيَنَا فِيكُمْ السُّرُورَ وَالْفَرَجَ.
وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِنَّا كُمْ فِي زُمرَةٍ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا
مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ. اقْتَرُبْ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ. وَالتَّوَادُّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ.
وَالْتَسْلِيمَ إِلَى اللَّهِ وَاجِباً بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَعَلَى يَمِينٍ مَا أَتَى بِهِ
مُحَمَّدٌ^۱. تَطْلُبُ^۲ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالنَّازِلَ الْآخِرَةَ.
يَا قَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَلَيْدَكَ جَدُّ اللَّهِ شَأْنًا مِنْ الشَّارِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِيَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تُسَلِّبْ بَيْنِي مَا أَنَا فِيهِ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْ بِكَرَمِكَ وَجِزَّتِكَ
وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَّتِكَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا.

سادات علویه که در جوار حضرت قاطمة معصومه علیها السلام مدفون اند

مؤلف گوید که در کتب حضرت قاطمة علیها السلام جماعت بسیاری از بنات^۳ ماطمته و سادات
علویه مدفون اند. مثل جمله ای از دختران امام جواد علیه السلام و بسیاری از دختران موسی میرقم
فرزند امام محمد تقی علیه السلام مثل ام محمد و خواهرش میمونه و خواهر دیگرش سیده و خواهر
محمد بن موسی و غیر ایشان مثل ام اسحاق جاریه محبتی موسی و ام حبیب جاریه محمد بن
احمد الزحراء. چنانچه فاضل متقدم در تاریخ قم ذکر فرموده.

پس بر آن گفته که از جمله قهوری که در قم است قبر امی جعفر موسی بن محمد بن علی

۱. قبه رانی، ج ۳.

۲. در هنگام گفتن «تَطْلُبُ بِذَلِكَ» ناچاراً لایحه روی سخن و خطاب را با حق تعالی تامله باشد و همچنین در هر
کلام که مشتتم بر خطاب الهی است، هر چند به حسب معنی خطاب الهی یا خطاب معترقین ظاهر و مبنا باشد، اما آنکه در
ظاهر حال میرسد اشاره و ایما و نوعی به طعن و تمایز و تمایزی و غیره شود دلیل بر فهم معنی و تدابیر الهی است. (معه طبعی دربار).

۳. دختران.

الرضای^{علیه السلام} است و او اول کسی است که از سادات رضوی^{علیهم السلام} وارد به قم شد و پیوسته بر روی خود برقع گذاشته بود پس بزرگان حرب او و از قم بیرون کردند پس از آن پشیمان شده به خدمتلی شتافتند و از او اعتذار خواسته، مکرراً به قم واردش ساختند و گرمی داشتند او را، و از اموال خود برای او خانه و مزرعهها خریدند و حال موسی در قم میگوشت تا آنکه از مال خود قریبها و مزرعهی عربی، پس از آن وارد شد بر نو خواهرانش رجب^(۱) و فام محمد و میوه دختران حضرت جواد^{علیه السلام} پس بر بیه دختر موسی و تمام اینها مدفون شدند نزد شاطبه^{علیه السلام}، و موسی شب چهارشنبه هشتم ماه ربيع الاخر سنه دویست و سوه و شش لو دار دنیا رفت و مدفون شد در موضعی که الحال معروف است قبرش، پس از آن ذکر نموده قبور جمیع کثیری از سادات رضویه و بسیاری از اولاد محمد بن جعفر^{علیه السلام} و جمعی از اولاد علی بن جعفر و قبور جمعی از سادات حسنه که محل ذکر آنها در این جا هست.

بیان حال موسی مبرقع که در قم مدفون است

پس لازم است که چیزی اشاره شود به حال موسی مبرقع، علامه مجلسی^{علیه السلام} در نهج فرموده که: در قم قبور بسیار هست که مسوب است به اولاد اتحده الظاهرین^{علیهم السلام}، و بعضی از آنها القابش معلوم نیست، و بعضی احوال ایشان معلوم نیست مثل موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی^{علیه السلام} که از بعضی حدیث مدقت او ظاهر می شود، و ظاهراً مراد جنابش از بعضی اصحاب، حدیثی است که شیخ مفید^{علیه السلام} در کتاب کشف در باب خصوص و معجزات ابی الحسن هادی^{علیه السلام} آن را از حسین بن حسن از یعقوب بن یاسر نقل می کند که دلالت دارد بر آن که موسی در زمان عتفان و فرور جوانی شرب نمید می کرد، و لکن آن غیر ضعیف است به جهات چند.

اولاً: جهالت در راوی آن غیر، بلکه یعقوب که راوی متن غیر است ظاهراً از پیگان متوکل است، و غیره اگرچه شیخ مفید خطاب فرمود ذکر فرموده که مقدم بر حدیث و شیخ سعدی و مشکس و قضا است، بلکه غیر آن جناب از دیگران نیز، اما در باب تضایل و منقلب و معجزات و امثال در نقل اخبار تسامح و تساهل است، بلکه اگر راوی از اعداد مخالفین باشد در ذکر بیشتر اعداء است.

۱ این رجب همان است که بر قبر حضرت منصوره گفته بنا کرد پس از آنکه سفلی بر قبرش بنا کرد، پودند از اولاد و حمیر (ص ۱۰۰)

و ثانیاً آن که گوینده کلماتی که در عیب موسی است در آن خیره مثل هموسی نقاش عزاف یا کل و شرب و تلخ و همه از فتنای و اتباع متوکل بودند که به شهادت تمام ایشان در شرح مظهر ثابت شد که چرمی و نه تعدیلی.

و ثالثاً معارض بودن آن با خیری که شیخ کلینی در کتبی دیگر نموده که متضمن است گونه گرفتن حضرت جواد علیه السلام موسی را بر سقفة وصیته و در آن تصریح شده که موسی از جانب پدر بزرگوار، مستقلاً مقرر بود بر سیمای از موقوفات آن حضرت بی مشارکت احدی، و توبیخ اوقاف از جانب امام بزرگوار از شواهد عدالت و امانت و دیانت است، چنانچه مضطرب نیست و غیر اینها که تفصیل آن در پدر متصنع است پس ظاهر شد که به مجرد این غیر بتوان دو موسی قلع گرد و متعرض او شد به آنکه نبود بآله موسی اهل شرب بوده و لثام آن، و چه یک فرموده علامه مجلسی در چهارالانوار که: وارد شده بعضی اخبار در دُم موسی، لکن قدیمی بی‌رسالت به ایشان مجوز بعضی خبرهای نادره، با وجود آنکه رسیده در خبری بی از قلع در آن‌ها و متعرض شدن به آن‌ها به جهت این نوع چیزها، انتهی.

و شیخ مرحوم فرموده که: این موسی همان است که از کثرت فضایل و مناقب و تقوی و سکون نفس و تحس رفتار، و آبی نم او را تشبیه به اشتهه کرده، قابل امامت می‌دانست او را، و ائمان و احکام محدثین قم بر همه ظاهر و معلوم است که اگر شخصی از ضعیفی یا مجهول الحالی یا دروغگوی روایت می‌کرد او را طرد می‌کردند هر چند بزرگ و صاحب شأن و منزلت بود و داشتی احترام و اکرام ایشان آن سبک را و او در طبقه خود، مثل احمد بن محمد بن عیسی الانصری، و احمد بن اسحاق و محمد بن یحیی و لثام ایشان بوده که جمع کرده بودند میان ریاست دنیا و آخرت و علما در کتب حدیث از او روایت می‌کنند چون ثقة الاسلام در کمالی و شیخ الطائفة در تهذیب در باب میراث ختنی و حسن بن علی بن شعبه در مصنف المصنوع و غیر ایشان - و طویان الله علیهم -.

در فضایل و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

و مثل امام زاده لازم التظیم جناب شاهزاده عبد الطیم که سبب شرفش به چهار واسطه به سبط جلیل حضرت خیر النوری امام حسن مجتبی علیه السلام می‌شود و قهر شرفش در ری معلوم و مشهور و ملاذ و حاضرات مطلق است و علو مقام و جلالت شأن آن حضرت اظهار من الناس است، چه آن جناب علاوه آن که از دوستان حضرت خاتم النبیین علیه السلام است از اکابر

محدثین و اعاظم علماء و رُحَما و عِتَاده و صاحبِ دِرع و تَروی است و از اصحاب حضرت جواد و حضرت هادی علیه السلام است و نهایتِ توسل و انتطاع به حکمت ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده و اوست صاحبِ کتابِ خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام و اوست که دین خود را بر امام زمان علیه السلام حضرت هادی علیه السلام عرض کرد و حضرت صدیقِ او نبود و فرمود: «يَا أَبَا الْقَاسِمِ هَذَا وَاللَّهِ وَبَيْنَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ فَأَثَبْتُ عَلَيْهِ تَبَتُّكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

و بالعمله فضایل و مناقب آن جناب بسیار است و شیخ نجاشی در رجال حکایت آمدن او به ری و مطلوب شدن او را در آنجا نقل فرموده و گفته مقهور است و علامه مجلسی رحمه الله در جمعه بر ذکر فرموده. و لکن ظفر یاقم سخنه‌ای از نه‌ایه شیخ طوسی رحمه الله به خط شیخ ابی المحاسن ابراهیم بن الحسین بن بابویه که به ریات از هشتاد سال قبل نوشته شده بود. در آخر جزء اوّل آن نوشته بود بسیاری از فضایل و علو مقام و رتبه و علم و رُحده و دِرع و سبب جناب عبد العظیم را. در آن جمعه در وصف علم او نوشته بود که روایت کرده ابو تراب رقیانی که گفت: شنیدم از ابو حنیفه داری که می‌گفت: وارد شدم بر حضرت امام علی علیه السلام در سوزن رأی. پس سؤال کردم از آن حضرت. جمله‌ای از مسائل حلال و حرام خود پس جواب فرمود مسائل مرا تا آن که زمانی که خواستم بیرون آیم به وداع آن حضرت. رفتم. همین که آن حضرت را وداع کردم فرمود به من. دای حشاد. و گفتی که مشکل شد چیزی از امور دین در ناحیه خود. چنی در بلد ری. پس سؤال کن آن را و از عبد العظیم بن عبد الله حسینی و سلام مرا به او برسان. الخ

و محقق داماد رحمه الله در کتاب روشح گفته که: احادیث بسیار در فضیلت و زیارت عبد العظیم روایت شده و وارد شده که هر که زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود و شیخ شهید ثانی رحمه الله در حواشی غلامه. همین روایت را از بعضی نشانین نقل فرموده. و این بابویه و ابن قولویه به سند معتبر روایت کرده‌اند که: مردی از اهل ری به خدمت حضرت امام علی علیه السلام رفت. حضرت از او پرسید که: «کجا بودی؟» عرض کرد که: به زیارت امام حسین علیه السلام رفتم. بودم. فرمود: «که اگر زیارت می‌کردی قبر عبد العظیم را که نزد شماست هر اید مثل کسی بودی که زیارت امام حسین علیه السلام کرده باشد.»

فقیر گوید که: عسا از برای آن بزرگوار زیارتی نقل نکردم مگر آن که فسر للمحققین اقا جمال الذّبی در مزار خود فرموده که زیارت آن حضرت به این نحو مناسب است:

السلام على آدم صفوة الله. السلام على نوح قبي الله. السلام على
 ابراهيم خليل الله. السلام على موسى كليم الله. السلام على عيسى روح
 الله. السلام عليك يا رسول الله. السلام عليك يا خير خلق الله. السلام
 عليك يا صفي الله. السلام عليك يا محمدا بن عبد الله حاتم النبيين.
 السلام عليك يا امير المؤمنين علي بن ابي طالب وصي رسول الله. السلام
 عليك يا فاطمة سيدة نساء العالمين. السلام عليكما يا سبطي نبي الرحمة
 وسيدتي شباب لعل الجنة. السلام عليك يا علي بن الحسين سيد العابدين
 وقرّة عين الناظرين. السلام عليك يا محمد بن علي باقر الجلم بعد النبي.
 السلام عليك يا جعفر بن محمد الصادق المهار الامين. السلام عليك
 يا موسى بن جعفر الطاهر الطهر. السلام عليك يا علي بن موسى الرضا
 المرتضى. السلام عليك يا محمد بن علي التقي. السلام عليك يا علي بن
 محمد النقي الناصح الامين. السلام عليك يا حسن بن علي. السلام على
 اوصي من بعده اللهم صل على نوري وسراجك وقولي وليك ووصي وصيك
 وحبيبك على خلقك. السلام عليك ايها السيد الزكي والطاهر الصلي.
 السلام عليك يا ابن الصادق الاطهار. السلام عليك يا ابن المصطفىين الاخيار.
 السلام على رسول الله وعلى ذرية رسول الله وزخمة الله وبركاته. السلام
 على العبد الصالح المطيع لله رب العالمين ورسوله ولامير المؤمنين. السلام
 عليك يا ابا القاسم بن السبط المستجب المجتبي. السلام عليك يا من يزاريته
 ثواب زيارة سيد الشهداء يزجي. السلام عليك عرف الله بيننا وبينكم في
 الجنة. وحشرنا في زمرة نكم. واوردنا حوض ببيتكم. وشقانا بكاس جدكم
 من يد علي بن ابي طالب. صلوات الله عليكم. اسأل الله ان يرينا فيكم

الشُّرُورَ وَالْفُرُجَ • وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِنَّا كُمْ فِي رُحْمَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وآلِهِ • وَأَنْ لَا يَنْسَلِبَنَا مَغْرِبَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ • اتَّقَرُّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ •
وَالْإِيمَانَةِ مِنْ اتِّعَابِكُمْ • وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِياً بِهِ عَمْرٍ مُتَكَبِّرٍ وَلَا
مُسْتَكْبِرٍ • وَعَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ تَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي
اللَّهُمَّ وَبِرِصَالِكَ وَالنَّازِ الْأَجْرَةَ • يَا سَيِّدِي وَإِنِّي سَيِّدِي اشْفَعْ لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ
لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّأْنِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا
تَنْسَلِبُ مِنِّي مَا أَتَى فِيهِ • وَلَا خَوَلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ • اللَّهُمَّ
اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ • وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

کیفیت زیارت امام زادگان

پس سید مذکور فرموده که: در بعضی اخبار مذکور است که امام زاده عبد العظیم در اوقات
توکل در وی او منزل پنهان بیرون می آمد و خبری که در مقابل قبر اوسب و ده در میان است،
زیارت می کرد و می فرموده که: این قبر مرده ای از اولاد موسی بن جعفر است و الحال قبری در
آن جاسد که به امام زاده حمزه فرزند حضرت امام موسی کاظم منسوب است و ظاهر آن است که
همان قبری باشد که امام زاده عبد العظیم زیارت آن می نموده. این شاه الله او را نیز زیارت باید
بود و همین زیارت را می توان خواند و غفره والسلام علیک یا ابا القاسم و غفره بعد از
آن را نباید خواند. انتهى

مطهری شهادت که در ضمن امام زاده حمزه قبر شیخ جلیل سعید، قدوة الطغریں جمال الذین
ابوالفتح حسین بن علی غزالی صاحب تفسیر معروف است و بر روی قبر آن جناب اسم و نسب
او به خط قدیم نوشته شده و فرمایش قاضی نور الله در مجلسی که قریب در اصفهان است بعد
است باید آن جناب را زیارت نمود و همچنین از زیارت جناب شیخ صفوی رئیس المحققین کا
که معروف به ابن بابویه در نزدیکی بلد شاهزاده عبد العظیم است غفلت نباید نمود

بدان که سید جلیل و عالم بیل سید عبد العظیم بن ابو طالب الموسوی الشوشتری که از
دوستان جلیله سید صحت الله جزایری است در کتاب تحفة العظیم که از مؤلفات اوست در تاریخ

شوشتر و ذکر حال مرحوم سید محبت الله و اولاد و احفاد و اقارب او و غیره است. در فصل فرستادن حلیفه ثانی لشکر اسلام را به جهت تسخیر ملک عجم و تسلط ایشان بر شوشتر و محاربه ایشان با هرمل گفته که در محاربه شوشتر محمد بن جعفر الطیار بر رستم های منکر [و تشدید] برداشته. در مراجعت به درقول دلمی حق را لشکر اجابت گفته. در آنجا در خارج شهر مسکن شد رحمه الله و الحال بازگاه آن شهید سجاد در درقول مطاف اتمام و زیارتگاه خاص و صام است. عمارتی عالی و باغیچه باصقایی دارد که در آن شهر نزهتگاهی در آن بهتر است و اکثر مردم در فصل بهار به سر و تفریح به آن بقعه عریضه روند و خالی از کفایتی نیست. و اما از باب زیارت مدین محمد بن جعفر را در شوشتر نوشته اند. و معتدل است که چون شوشتر اعظم بلاد خوزستان و درقول او توابع آن است به این سبب مؤرخین شوشتر نوشته باشند

و هم در آن کتاب مسطور است که از جمله بقاع مشهوره بقعه امام زاده عبدالله است که در قریه شهر. یعنی شهر شوشتر واقع است و نسب آن جناب به سه واسطه به سید الشاجدین رحمه الله می رسد. بدین وجه: عبد الله بن الحسن رحمه الله بن الحسن الاصغر بن رین العابدین رحمه الله روزهای پنجشنبه و جمعه عموماً و روز بیست و یکم ماه رمضان خصوصاً که روز وفات امیرالمؤمنین رحمه الله است. مردم به زیارت آن حضرت می روند و اردحامی عظیم خود. و گفته (می شود) که پائی عمارت امام زاده عبد الله المستحضر بالله خلیفه عباسی است. و سادات کرام مرعشی شوشتر که در نسب برادر زادگان آن جناب اند بر عمارت آن افزوده و تویست آن بقعه مبارکه الی الآن با آن سلسله علیه است و گویند پسر آن حضرت است که در شوشتر مدفون است. انهمی.

و قاضی نور الله شوشتری رحمه الله بر در مجلسی المؤمنین احوال این امام زاده را ذکر فرموده مجملأ و گفته که او از اکابر ذریه سید المرسلین و در فضل و طهارت مشابه جد خود امام رین العابدین رحمه الله بود. لهذا در دست تعدادی دین شهید گردیده.

مؤلف گوید که چون بنای ما بر اختصاص است. لهذا در مقام ذکر امامزادگان به همین مقدار قناعت می کنیم. چه آن که استحصاء آنها منافی با قصد ما است.

و اما در باب زیارت آنها پس متقی نمائید که کلام خاصی که از معصومین رحمه الله نقل شده باشد به جهت زیارت آنها به نظر برسد مگر بعضی زیارات معتقده به شهادی کسی که در کتابهای مزار مذکور و بعضی از آنها منقول و بیشتر عباراتش مشتمل بر غشای مختصه به ایشان است. و مثل زیارت معتقده به حضرت حصوة قم که ظاهرش آن است که منقول از معصومین است. پس اگر کسی همان زیارت را در زیارت سایر امامزادگان بخواند به این طریق که

بعضی فقرات که اختصاص به آن حضرت دارد بیندازد و تقریبی چند که مناسب بوده باشد اضافه نماید، فضیلت زیارت به عمل می‌آید چنانچه سید اجل آقا جمال القیس فرموده و خود در باب زیارت حضرت عبد العظیم چنین نموده چنانکه دانستی، و نیز فرموده که آن چه در زیارت مؤمنین وارد شده در هنگام زیارت امامزاده‌ها بر مناسب است، انتهى.

ولکن سید اجل علی بن طلوس علیه السلام در مصباح الزائر دو زیارت از برای امامزادگان نقل نموده که به آن زیارت کرده می‌خوانند و نقلش در این جا مناسب است. فرموده که: چون قصد کردی زیارت کنی یکی از ایشان را مثل قاسم علیه السلام بخوانند حضرت کاظم علیه السلام یا عباس فرزند امیر المؤمنین علیه السلام یا علی بن الحسن علیه السلام که مقول به طاعت است و هر که جاری مجرای ایشان باشد در حکم، پس بایست بر سر قبرشان و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ الطَّاهِرُ الْوَلِيُّ وَالنَّاعِي الْحَقِيُّ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قُلْتَ حَقًّا وَنَطَقْتَ حَقًّا وَصَدَقْتَ حَقًّا وَدَعَوْتَ إِلَى غَوْلَايَ وَمَوْلَاكَ غَلَانِيَّةً وَوَسْرًا. فَارْزُقْ مُتَّبِعَكَ. وَتَجَا مُتَّبِعَكَ. وَخَابَ وَخَبِرَ مُكَذِّبَكَ وَالْمُتَخَلِّفُ عَنْكَ أَشْهَدُ لِي بِهَذِهِ الشَّهَادَةِ جَنَّتِكَ لِأَكُونَ مِنَ الْفَائِزِينَ بِمَغْفِرَتِكَ وَطَاعَتِكَ وَتُصْدِيقِكَ وَأَتَابِكَ. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدِي وَأَبْنِ سَيِّدِي. أَنْتَ بَابُ اللَّهِ الْمُؤْتِنُ مِنْهُ وَالْمَأْخُودُ عَنْهُ. أَتَيْتُكَ زَائِرًا وَحَاجَاتِي لَكَ مُسْتَوْدِعًا. وَهَا أَنَا فَا أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِمَ عَمَلِي وَخَوَامِصَ أَمَلِي إِلَى مُتَمَتِّعِي أَجَلِي. وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

زیارت دیگر اولاد ائمه علیهم السلام

میرگوید: السَّلَامُ عَلَيَّ جَنَّتِكَ الْخُصْطَقِي. السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيَّكَ الْمُؤْتَمِنِ الرِّضَاءِ السَّلَامُ عَلَيَّ السَّيِّدَتَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ. السَّلَامُ عَلَيَّ حَدِيحَةِ أُمِّ

۱. قاسم بن کاظم همان است که در سابق اشاره به مرثیه و به برخی از مقامات عترت فرمودیم. و این عبارت سید بر دلالت تمام به بزرگی او دارد. رحمه الله.

سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. السَّلَامُ عَلَى قَابِلَةِ أُمِّ الْأَيَّمَةِ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَى
النَّفُوسِ الْفَاجِرَةِ بِخُورِ الْعُلُومِ الزَّاجِرَةِ شُعَاعِي فِي الْأَجَرَةِ وَأَوَّلِيَّائِي عِنْدَ
غَوْهِ الرُّوحِ إِلَى الْإِعْظَامِ الْفَيْزَةِ أَيْمَةَ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَمُصْطَفَاهُ وَلَنْ عَلَيْنَا وَلِيَّهُ وَمُجْتَبَاهُ وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَلِيِّهِ
إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. نَعْلَمُ ذَلِكَ بِعِلْمِ الْيَقِينِ وَمَحْنِ بِدَلِّكَ مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ
مُجْتَبِدُونَ.

زیارت حضرت زینب بنت علی علیه در شام

و در جمعه فطره رسته و آن چنان است که در شام موضعی است که او را رسته می‌گویند و در
آنجا بهانه و مهربانی است با صحن بسیار با صفا سبب می‌دهند آن را به حضرت زینب
کبری علیه دختر امیر المؤمنین علیه و حجاج راه شام پیوسته به زیارت آن حضرت می‌روند و در
آنجا تجدید حاتم و عزاداری می‌کنند و آخر هم به زیارت آن حضرت در آنجا مشرف می‌شوند
ولکن در کتب مزاریه و مقابل محتره ندیم چهری که دلال کند بر آنکه مزار آن حضرت در
آنجا باشد، بلکه فاضل متجع ملحق غیر میرزا عباس علی خان سپهر حسینی در کتاب طراز
الطلب مظهری گفته، آن چه صحیح می‌ساید این است که حضرت زینب علیه بعد از مراجعت به
مدینه طیبه وفات کرده است و در مدینه مدفون شده است دیگر وفاتش چه وقت بوده است خدا
می‌داند و این رسته که در شام است گمان می‌رود که همان دختر امام حسین علیه باشد و سر
می‌توان گفت رسته شام، منسوب به یکی از دختران یا فرزند زادگان ایشان باشد، چنانچه در الطلب
امامزادگان حالت بر این سوال است که اسامی آباء او را بر زبان می‌آورند و به این چقی که امام یا
پسر امام است منسوب می‌دارد که وی مشهورتر است.

مؤلف گوید که اگر گویم این مزاری که در شام است البته از حضرت زینب کبری است، باید
اعتماد کنیم به آن مطلبی که یارهای از متجسین لعل خیر نوشته‌اند و حقیر نیز آن را از شیخ مرحوم

لله الاسلام توری خطاب ثلاثه شیدما و حاصلش آن که هنگامی چنان افتاد که در مدینه طیبه حالت قحط و غلا روی داد. عبد الله بن جعفر روح حضرت زینب علیها السلام با عیال خود روی به طرف شام نهاد تا در آنجا بمانند و بعد از قحطی به مدینه الرسول علیه السلام باز نمود در آن ایام که در شام توقف داشت در ضمیمه و اتره‌های که اکنون مزار منور حضرت زینب علیها السلام در آنجا واقع است آن حضرت ن حالت استقامت از مزاج عصمت استزاج بگشت و به آن رجوع در گذشت^۱ و در همانجا به غاک رفت و اما آن چه را که چشیده گفتند که لعل بیت را دوباره اسیر کردند و به شام آوردند، در دلمه دویم حضرت زینب علیها السلام وفات کرد و موجب وفات آن حضرت را نیز به طور مختلف ذکر کرده‌اند و اشاره به مصیبت‌های عظیم نمودند تمام از درجه اعتبار ساقط و هابط است و محل اعتداد ندارد. چنانچه فاضل معظم در تحریر المصعب به آن اشاره کرده و مقام را گنجایش طویل نیست و الله اعلم.

و اما کیفیت زیارت آن حضرت علیها السلام مناسب است که به این کلمات زیارت کرده شود. پس چون به قبر آن حضرت برسی نزد سرش رو به قبله بایست و بگو:

السلام علی آقم صفوة الله. السلام علی نوح نبی الله. السلام علی
 ابراهیم خلیل الله. السلام علی موسی کلیم الله. السلام علی عیسی روح
 الله. السلام علیک یا رسول الله. السلام علیک یا خیر خلقی الله. السلام
 علیک یا صفی الله. السلام علیک یا محمد بن عبد الله خاتم النبیین صلی
 الله علیه وآله وسلم. السلام علیک یا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
 وصی رسول الله. السلام علیک یا فاطمة زینة نساء العالمین. السلام
 علیکما یا یسطفی نبی الرحمة و سیدنی شباب أهل الجنة. السلام علیک
 یا علی بن الحسین سید العابدین و قرّة عین الشاطرین. السلام علیک
 یا محمد بن علی باقر العلم بعد النبی. السلام علیک یا جعفر بن محمد
 الصادق البار الامین. السلام علیک یا موسی بن جعفر الطاهر الطاهر.

۱ یعنی آن حضرت استقامت و صبر را از دست نداد. عصمت استزاج در اینجا صحت مزاج و روحیه است.

السلام عليك يا علي بن موسى الرضا المرتضى. السلام عليك يا محمد بن
علي التقي. السلام عليك يا علي بن محمد التقي الناصب الامين. السلام
عليك يا حسن بن علي. السلام على الوصي من بعده. اللهم صل على نوريك
وسراجك وولي وليك ووصي وصيك وحجتك على خلقك. السلام عليك
يا بنت رسول الله. السلام عليك يا بنت فاطمة وحديجة. السلام عليك
يا بنت امير المؤمنين. السلام عليك يا اخت الحسن والحسين. السلام عليك
يا بنت ولي الله. السلام عليك يا عمة ولي الله. السلام عليك يا بنت امير
المؤمنين علي بن ابي طالب وذخمة الله ومزكاته.

السلام عليك عرف الله بيننا ومنكم في الجنة. وحشرنا في
رؤيتكم. وارزقنا حوض نبوتكم. وسقانا بكأس جدكم من يد علي بن
ابي طالب صلوات الله عليكم. اسأل الله ان يرزقنا فيكم الشهود
والفرج. وان يجمعنا واناكم في زمرة جدكم محمد صلى الله عليه وآله.
وان لا يسلبنا مفرككم انة ولي قدير. اتقرب الى الله بحبكم. والبراءة
من اعدائكم. واسئلكم الى الله راضياً به غير منكبر ولا مستكبر. وعلى
يقين ما امن به محمد وبه راض. تطلب بذلك وجهك يا سيدي اللهم
ورصاك والناز الآخرة. يا زينب اشفي لي في الجنة فإن لك عند الله
شأناً من الشارب. اللهم اني اسألك ان تخيم لي بالسعادة فلا تسلب مني
ما انا فيه. ولا حزن ولا قوة الا بالله العلي العظيم. اللهم استجب لنا
وتقبله بكرمك وعزتك وبرحمتك وعافيتك. وصلى الله على محمد وآله
اجمعين وسلم تسليماً.

فصل سوم

در فضیلت و کیفیت زیارت قبور مؤمنین
و اصحاب ائمه و علمای عظام رضوان الله علیهم

شیخ عالم کامل، جعفر بن قولویه، در کمال به سند معتبر از عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت: شنیدم از حضرت ابی الحسن الاول یعنی حضرت امام موسی علیه السلام که می فرمود: «هر که قادر باشد بر زیارت ما، پس زیارت کند صلوات موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما، و کسی که قادر باشد بر صله و یکی به ما، پس صله و یکی کند با صالحان موالیان ما، تا از برای او نوشته شود ثواب صله و یکی به ما، و نیز به سند صحیح روایت کرده از محقق ابن احمد بن یحیی الاشمی که گفت: من در عهد... که اسم منزه است دو طریق می شنیدم... با علی بن بلال روایت شنیدم سر لبر محمّد بن اسماعیل بن بزج، پس علی بن بلال برای من گفت که: صاحب این قبر، برای من روایت کرد از حضرت امام رضا علیه السلام که فرمودند: «هر که بپاید به نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد، و هفت مرتبه بخواند سورۀ «يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا» را، این گروه از طریح اکبر یعنی ترس بزرگ، که دور لباسند و در روایت دیگر، مثل همین را نقل کرده، مگر آن که دارند در رو به قبله کنند».

تفسیر گوید که: این ایمن بودن که حدیث دلالت بر آن دارد، ممکن است که از برای خواسته باشد، چنانچه ظاهر حدیث است، و محتمل است که از برای صاحب قبر باشد، چنانچه نمائید می کند آن را حدیثی که بعد از این از سید ابن طاووس نقل می شود.

و نیز در کمال از زیارة به سند جبر منقول است که: عبد الرحمن بن ابی عبد الله به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: چگونه بگذارم دست خود را بر قبور مسلمین؟ پس حضرت به دست خود اشاره به می فرمود و دست را بر زمین گذاشت و خود مقابل قبله بودند و نیز به سند صحیح منقول است که عبد الله بن سنان به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که: چگونه سلام باید کرد بر اهل قبور؟ فرمود که: می گویند.

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ. أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاجِقُونَ.

و از حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده که: هر که داخل قبرستان شود و بگوید:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْعَالِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَالْعِظَامِ النَّخْرَةِ الَّتِي خَرَجْتَ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤَيَّنَةٌ لَتَدْخُلَ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ وَسَلَاماً
یعنی: ای پروردگار حق تعالی از برای او حسنات به عده خلق از زمان آدم تا قیام قیامت.

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که: داخل قبرستان شود و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ أَهْلِ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْغَيْرِ
إِلَّا مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. وَاحْشَرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَآلِيهِ

حق سبحانه و تعالی ثواب پنجاه سال عبادت برای او بنویسد. و گناه پنجاه ساله را از او و از پدر و مادرش محو گرداند.

و در روایت دیگر وارد شده که: بهتر سنی که در قبرستان بگونی چون از آنجا بگذری، آن است که بگوید: اللَّهُمَّ وَلِيَّهِمْ مَا قَوْلُوا. وَاحْشَرُهُمْ مَعَ مَنْ أَحَبُّوا.

و سید ابن طاووس رحمه الله در مصباح الذکر گفته که: چون قصد کنی زیارت مؤمنین را، سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و اگر نه هر روز که خواستی. و کیفیت زیارت ایشان چنین است که: رو به قبله کنی و بگذاری دست خود را بر قبر و بگویی: اللَّهُمَّ ارْحَمْ عُزْبَتَهُ. وَصَلِّ وَخُذْهُ. وَآبِسْ وَخَشَعْهُ. وَآمِنْ زَوْغَتَهُ. وَاسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ. وَالْحَقُّ بِمَنْ كَانَ يَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ خَوَالِي سَوْرَةً وَإِنَّمَا أَمْرُكَ. راحب مرید.

و روایت شده در جنت زیارتخان و ثواب او حدیث دیگری از فضل که گفته هر که بتواند سوره «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی، حق تعالی ملکی به سوی قبر او فرستد که عبادت کند خدا را نزد قبر او. و بنویسد حق تعالی از برای مؤمن ثواب عمل این ملک را پس بیرون از

تقریب دهوت شود. به هیچ حولی از احوال قیامت نگذرد مگر آن که حق تعالی بگرداند آن هول را از او. به سبب آن ملکه تا خدا او را داخل جنت گرداند و با طاعت مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ سُورَةَ وَحْدَهُ» و «سُورَةُ هَاقُّنَ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «آيَةُ الْكَرْسِيِّ» را هر یک سه مرتبه بخواند و بر روایت شده در صفت زیارت آن‌ها روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت: به خدمت حضرت صادق (ع) عرض کردم که مردگان را زیارت بکنیم؟ فرمود: «بلی». گفتیم: ایها آن‌ها می‌دانند که ما به زیارت آن‌ها رفتیم؟ فرمود: «بلی». قسم به خدا می‌دانند و شهادت می‌شوند و آن‌ها می‌گیرند به شما. عرض کردم که چه بگویم وقتی که به زیارت ایشان برویم؟ فرمود: «بگو:

اَللّٰهُمَّ جَابِ الْاَرْضِ عَنْ جَنُوْبِهِمْ وَصَحِّدْ اِلَيْكَ اَزْوَاجَهُمْ وَتَقِيْهِمْ مِنْ رِضْوَانَا وَاشْكُرْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُحِبُّ بِهٖ وَحَدِّثْهُمْ وَتُوْنِسْ وَحَسِّنْهُمْ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ»

پس سید فرموده و در وقتی که بوده باشی بین قبرها بخوان باره مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را و هدیه کن آن را از برای ایشان به تحفین که زیارت شده که حق تعالی به عدد مردگان ثواب می‌دهد. ان شاء الله.

و در کامل الزیارة از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: مردگان را چون پیش از طلوع آفتاب زیارت کنید، می‌شوند و جواب می‌دهند شما را. و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارت کنید، می‌شوند و جواب نمی‌دهند.

مؤلف گوید که: مشهور این است که بر روی قبرها راه رفتن بی ضرورتی مکروه است. و در نقل حدیث مصری از حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل است که فرمودند: «چون به قبرستان روی بر روی قبرها راه رو که هر که مؤمن است راحت می‌یابد و هر که منافق است متألم می‌شود. و اکثر این حدیث را حمل بر ضرورت کرده‌اند.

زیارت قبور مؤمنین

و بدان که زیارت قبور مسلمین ثواب بسیار و اجر بی شمار دارد و فرایند عظیمه بر آن مترتب است و باعث عبرت و آگاهی و رشد و بی‌میلی به دنیا و رغبت در آخرت می‌شود و در وقت اندوه بسیار و شادی بسیار باید به قبرستان رفته و باید که انسان در قبرستان عبرت بگیرد از ایشان تا خلوت دنیا از دلش بیرون رود و شهد کلاهی می‌وی در کلماتش تلخ شود و فکرت کند در

فناى دبا و تقلب احوال آن و به خاطر بیاورد که او سر عن قریب مثل ایشان خواهد گشت و دستش از عمل کوتاه و باعث عبرت دیگران شود.

معروف است که هارون الرشید، بهلول عاقل را در رهگشوى دید بر اسب بی سوار شده با کودکان بازی می کرد. هارون پیش رفته و سلام کرد و التماس بنوی نمود. بهلول گفت: هائیها الأسیر هبه! تصور نموده، تَبْرُؤُكُمْ یعنی مشاهده قصرها و عمارت های پادشاهان گذشته و ملاحظه ظهور ایشان، تو را در برای پند پس بسته در آن ها نظر کن و از ایشان عبرت گیر. چه آن قوم که هم در ابتدای جنس تو بودند عمری در این قصرها چون تو بساط عیش و نشاط گسترده، و اکنون در این گورهای برمار و مور خفته و خاک حسرت بر سر گرفته اند. فرست که بر تو نیز همین ماجرارود و آفتاب حیات به مغرب معات رسد. تخت دولت به تخته تابوت تبدیل شود و بستر خاک جانکن جامه خواب مخمل گردد. اندیشه کن که از آن همه حشمت و جاه چه در دست خواهد ماند و آن همه عظمت و جبروت چه بایده بحالت خواهد رساند.

در کیفیت زیارت اصحاب ائمه علیهم السلام

و اقا ریارت اصحاب ائمه علیهم السلام و زیارت علمای عظام پس معلوم است فضیلت زیارت آن ها بالخصوص، و علما تصریح فرموده اند به استحباب زیارت آن ها. و سابقاً در باب اعمال مدینه طیبه تصریح شیخ شهید به استحباب زیارت متعین صحابه نقل شد، و علامه مجلسی علیهم السلام در بحار فرموده که: مستحب است زیارت هر که معلوم باشد فضل و علو شأن و مرقد او از افاضل صحابه یا غیر آن مثل سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و حنیفه و جابر انصاری. و همچنین فضیلتی اصحاب هر یک از ائمه طاهریین علیهم السلام که معلوم باشد حالشان از کتب رجال شیعه، مثل میثم تمار و رشید قبری و قنبر و جبر بن حلی و زراره و محمد بن مسلم و یزید و ابی بصیر و فضیل بن یسار و امثال ایشان یا داشتن موضع قبرشان.

و همچنین مشاهیر از محدثین شیعه و علمای ایشان که حافظ امارت ائمه طاهریین علیهم السلام و علوم ایشانند مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و موسی جلیل سید مرتضی و روضی و علامه حلی ... رضوان الله علیهم - و قبرستان قم بر است از افاضل و محدثین، و عظیم و اکرام پشان مانند گرمی داشتن ائمه طاهریین علیهم السلام است.

اشاره به قبور بعضی علمایی که در قم مدفونند

ظفر گردد که چون صحابه و علماء و محدثین شیخ - رضوان الله علیهم - مدفنشان از حدّ محصر انقباض است و چون در اتکای کتاب اشاره کردیم به قبور بسیاری از آنها که در مشاهد مشرفه مدفونند. پس اگر بخواهیم در این جا اشارت کنیم به ذکر سایرین که در بلاد دیگر مدفونند از وضع کتاب بیرون برویم؛ پس مناسب آنکه به اجمال خود باقی ماند و هر که خواهد رجوع به احوال ایشان در کتب رجالی نماید یا آنکه بحمد الله هر یک از آنها که در هر ناحیه و بلدی مدفون باشند، قبرشان معروف و معلوم و ملاذ و معاد اهل آنجا است و شخص غریب همین که سؤال کند بر او معلوم شود. بلی، چون قبرستان بلدة طهّیة قم از علماء و محدثین مدفون است، چنانچه علامه مجلسی رحمته الله اشاره به آن فرموده، سزاوار است که این مقام را ترقّی کنیم به ذکر چند نفر از مشاهیر ایشان که مزارشان معروف و به کثرت فضیلت و علوّ شأن موصوفاند:

مانند: شیخ جلیل ابو جریر زکریّا بن ادریس که علمای و رجال مصرح به جلال و وثاقت او نموده و خدمت چند نفر از ائمه را دوک نموده و از حضرت صادق و موسی بن جعفر و امام رضا علیهم السلام روایت نموده و شیخ کشی به سند صحیح از زکریّا بن آدم فقی روایت کرده که گفت: داخل شدم بر حضرت امام رضا علیه السلام در اوّل شب در اوایل زمان موت ابو جریر زکریّا بن ادریس پس حضرت مذاکره فرموده او را و از من از حال او سؤال می فرمود و رحمت فرستاد بر او و دائماً حدیث فرمود با من و من حکایت می کردم با آن حضرت تا فجر طلوع شد، برخاست و نماز فجر گذارد. به هر حال جلالت شأن آن بزرگوار بسیار و غیر شریفی در وسط قبرستان شهر، در میان شیخان بزرگ مشهور است و در جنب او قبور جمعی از علما است.

و مانند: شیخ معظم سبل، تقدّ جلیل القدر زکریّا بن آدم بن عبد الله سعد اشعری قشیری که از خواصّ اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام است و دوک خدمت چند نفر از ائمه علیهم السلام نموده و احادیث از ایشان روایت نموده و اخبار بسیاری در فضیلت او روایت شده و در سفر مکه با حضرت امام رضا علیه السلام هم گجاوه شده و حدیث قالساوی علی الدّین و الذّبیاء در حقّ او وارد شده و شیخ کشی به سند صحیح روایت نموده که زکریّا بن آدم خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که: می خواهم از اهل بیت خود دور شوم. - یعنی از قم بیرون روم - به جهت آن که سفها در ایشان زیاد شد. حضرت فرمود: تا این کار ممکن به دوستی که از اهل بیت تو بلا دفع می شود به سبب تو، هم چنان که بلا دفع می شود از اهل بیتاد به سبب موسی بن جعفر علیه السلام.

و نیز از حلق بن سبّ همدانی روایت کرده که: خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که:

راه من به شما دور است و همیشه ممکن نیست مرا تشرف به خدمت شما؛ پس از که بگيرم معالم دين^۱ خود را؟ فرمود که: بپرداز گير معالم دين خود را از زکریا بن آدم که مأمون است بر دين و دنياه و غير اين اخبار از چيزهاي ديگر که دلائل دلو و نهايت و فعايت شأن آن معظم، قير شريفش در مکان معروف به شيخان بزرگه و از برای دوست بقعه بزرگی و در جنب او مدفون اند جماعی از علما که از آن جمله است: عالم فاضل، خير ماهر آخوند ملا محمد طاهر قش، مؤلف کتاب اربعين و کتاب حکمة الامين و غير.

و مانند: شيخ مسلم جليل به علق بن بابويه قش، صدوق اول، والد بزرگوار رئيس المحدثين شيخ ابو جعفر محمد که تميز از او به صدوق مطلق می شود جلالت و عظمت شأن اين دو بزرگوار بر همه معلوم و ظاهر است.

و در احتجاج طبرسي مذکور است که حضرت سکري رحمه الله نامه نوشتند به علق بن بابويه و در اول آن بعد از حمد و صلوات چنین مرقوم است:

«اتما بعد، يا شيعي و مستدي يا ابا الحسن علي بن الحسن التقي و الله الله لمرضاة و جعل من طليک اولاداً صالحين بر حقه... تا آخر توفيع شريف که از جمله طقات آخرش این است: «يا شيعي و اثر جميع شيعتي بالقبيرة. زهی شرافت علم که صاحبش را به درجه ای رساند که امام رحمه الله به او چنین مخاطبه فرماید قير شريفش در قبرستان قم معروف است، و از برای دوست بقعه بزرگی با قبة عاليه، و مزار محل شريفش رئيس المحدثين در ری در نزدیکی پسر شاهزاده عبدالعظيم، در وسط باغ با نظارتی با بقعه و قبة عاليه، و ريارنگاه حاشة حلق آن جا است سرضوان الله علیهما».

و مانند: شيخ جليل محدث، محمد بن فولويه قش که قير شريفش در قبرستان قم معروف در میان محوطه ای که تميز به شيخان صغير می کنند و اين شيخ معظم، والد شيخ ابو القاسم جعفر بن فربويه، استاد شيخ مهدي است که در کاظمين رحمه الله مدفون است، چنانچه در سابق [صفحه ۵۹] به شرح رفت.

و مانند: شيخ فاضل مدید قطب الدين سيد بن عبد الله داوودی که از مشاهير علما و مؤلف کتاب خراج و قصص النکيا است مزار شريفش در محض جديد حضرت معصومه قم معروف است، و مانند: خاتم الفقهاء و المجتهدين و الفضل المدققين و المحققين، حارثي السفاخر و المکرم،

جناب آقا میرزا ابو القاسم معروف به محقق لقی صاحب توفیق و غیره که فعلاً مرجع درس و تدریس فضلا است. قبر شریفش در نزدیکی قبر زکریا بن آدم در میان چشای است با این حاله و در اطراف او قبور بسیاری از علما و فضلا است که مقام را گنجایش تعداد آنها نیست.

و در نزدیکی دروازه مصومه^(۱) شهر دو بازنه مقابل در مسجد^(۲) امام باقر، قبری است با این حاله و معروف است که قبر احمد بن اسحاق اشعری وکیل حضرت عسکری^(ع) است و این مطلب بعد است چه آن جناب به حسب آن چه از روایت مستفاد شده مونس در حلوان واقع شده و کیفیت آن چنان است که در کتاب نهم الکتاب معلوم است و شیخ ابو جعفر محمد بن جعفر طبری در مناقب خود گفته که احمد بن اسحاق اشعری شیخ صنوق وکیل ابو محمد^(ع) بود، پس چون ابو محمد^(ع) به کرامت خدای تعالی رسید مقیم بود بر وکالت خود از جانب مولای صاحب الزمان^(ع) و می رسید به او توقعات آن جناب و حمل می شد به سوی او اموال از جمیع نواحی که در آن جا بود مال مولای ما، پس آن ها را تسلیم می گرفتند تا آن که رخصت خواست که به قم برود پس این رسید که برود و ذکر فرمود که او به قم می رسد و این که او می رسد می شود و وفات می کند و در راه، پس می رسد در حلوان و مرد و در آن جا دفن شد و لقا شد فرمود مولای ما بعد از فوت احمد بن اسحاق اشعری مدنی در سر من رأی، آنگاه غایب شد^(۳) الخ.

و شیخ مرحوم فقه الاسلام نوری - طاب ثراه - در همان کتاب بعد از این قریه می فرماید: احمد بن اسحاق اشعری از بزرگان اصحاب ائمه^(ع) و صاحب مراتب حاله در نزد ایشان و از وکلای معروفین بود و کیفیت وفات او به نحو دیگر نیز ذکر شده که در حیات عسکری^(ع) بود و خطرب، کافور، خادم خود و با کفی برای او فرستاد در حلوان و غسل و کفن او به دست کافور یا مانند او شد، پس اطلاع کسانی که با او بودند، چنانچه در غیر طوالتی سعد بن عبد الله قتی است که با او بود در آن سفر وفات، و لکن بجاشی از بعضی نقل کرده تضعیف آن خبر را، و حلوان حسین راهاب^(۴) معروف است که در راه کرمانشاهان است به بغداد و قبر آن معلوم در نزدیکی رودخانه آن قریه است معروف به سریل، به فاصله هزار قدم، تقریباً از طرف جنوب و بر آن قبر بنای

۱ نام دروازه ای در قم که پیش از این چنین نام مشهور است.

۲ در سر آید الملبان ناصری است که مسجد معروفه به مسجد امام باقر^(ع) که در قم واقع است. احمد بن اسحاق اشعری که وکیل مولودان حضرت امام حسن عسکری^(ع) بوده. به فرموده از جانب ما سرکه (محمد نجفی ع) .

۳ راهاب = میرزا راهاب، در نگارش پیشین گاه به خاطر خطایق افتاد با مقروط حروف عربی به خراسانی تبدیل می شده اند. تهران و طهران، راهاب و راهاب.

مستری است خراب، و از بی همتی و بی مرضی اهل تروت آن اعالی بلکه اهل کرامت شاهان و متردین چنین بی نام و نشان ساخته و از هزار نفر دوازده یکی به زیارت آن بزرگوار می رود یا آن که کسی را که امام علی را به طوق الارض یا کفی برای شهید تو برسد و مسجد معروف قم را به امر آن جناب بنا کند، و ساقها و کف در آن نوازد، پیشتر و بهتر از این باید به درختان کوه و قشرب را مزار محترمی قرار باید داد که از بزرگ صاحب قبر و به توسط او به فیض های الهیه برسد، ان شاء الله.

در زیارت علما رضوان الله علیهم

و اما در باب زیارت آن ها پس چیزی به نظر نرسیده غیر از آن چه از برای اموات مؤمنین نقل شده، مگر آنکه در بعضی از نسخ کتاب مزار هیچ شهادت مهم که این زیارت را از برای آن ها نقل فرموده و زیارت این است

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْجِيَ الْعُلُومِ وَكَثْرَتِهَا، وَصَحِيحِ الرُّسُومِ وَمُرُوجِهَا،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ الدِّينِ وَعَوْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَمُرُوجَ شَرِيعَةِ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَآلِهِ الْأَيُّمَةِ الْمُضْطَّوْمِينَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَفْضَلُ صَلَاةِ الْمُصَلِّينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّنُّ الْعَالِمِ الْعَامِلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّاجِدُ الْكَامِلُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّالِحُ التَّيَّيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عُمْدَ الْإِسْلَامِ قُبَّةَ أَهْلِ
النَّبِيَّةِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَارِفُ الْمُؤَيَّدُ
وَالْعَابِدُ الْمُسْتَعْدُّ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمِيرُ عَلَى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنَّكَ قَدْ بَالَيْتَ فِي
إِحْيَاءِ الدِّينِ، وَاجْتَهَدْتَ فِي حِفْظِ شَرِيعَةِ أَشْرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَيْهِ
وَآلِهِ صَلَوَاتُ الْمُتَضَلِّينَ، وَاتَّبَعْتَ سُنْنَ الْأَنْبِيَاءِ، وَوَقَّيْتَ عَنْهُمْ الْأَخْبَارَ،
وَعَلَيْتَ بِمَا وَقَّيْتَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَظْهَرْتَ الْحَقَّ وَأَبْطَلْتَ الْبَاطِلَ، وَسَهَّلْتَ
السُّبُلَ وَأَوْضَحْتَ الطَّرِيقَ، وَنَصَرْتَ الْمُؤْمِنِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَأَهْلِهِ
أَفْضَلَ جَزَاءِ التَّابِعِينَ، وَخَشَرَكَ مَعَ السُّبُحِ وَالْوُسُحِ وَالشُّهُدَاءِ وَالصَّالِحِينَ

وَحَسِّنْ أَوْلِيَّكَ وَفِيضًا اللَّهُمَّ اِنلَأْ قَبْرَهُ نُورًا وَزَوْجًا وَزَيْنًا عَنَاءً وَاسْكِنَهُ فِي
بُحْبُوحَةِ جَنَّةِ النِّعَمِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در کیفیت نماز مسجد جمکران

که در یک فرسخی بلده طینه قم می باشد و چگونگی کیفیت با شرافت مسجد در کتاب نجم
الکفای مکتوب است. آن چه محل حاجت است در این جا ثبت می شود. و به فرموده امام علیه السلام -
عجل الله فرجه - در این مسجد چهار رکعت نماز بگذارند. دو رکعت به جهت مسجد در هر رکعتی
یک بار یا ارحمهم و هفت بار عَلَّيْكَ اللَّهُ اَعَدَّ و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند و دو
رکعت نماز امام صاحب الزمان علیه السلام بگذارند و این سوره چون فاتحه بخواند به إِنَّا نَعْبُدُكَ وَإِنَّا نَسْتَعِينُكَ رسد عبد باز بگوید. و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند و در رکعت مؤتم نیز به همین
طریق بگذارد. و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید. و چون نماز تمام کرده باشد تسبیح
بگوید و تسبیح فاطمه زهرا و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صدوات بر
پیشانی و آلتی علیه السلام بفرستد. و این قل از لفظ مبارک امام علیه السلام است که: هَسْرَ صَلَاتِنَا نَكَاتُ خَلْقِي
بِإِيَّائِنَا الْغَنِيِّ یعنی هر که این دو رکعت نماز را بگذارد و هم چنین باشد که دو رکعت نماز در
کعبه گذارد باشد. انتهى

خاتمه

در بیان آداب زیارت به بیابست و آداب ملاقات زائرین است

بدان که توابع زیارت هر یک از رسول خدا و ائمه علیهم السلام را هدیه روح مقدس هر یک از
ایشان می توان کرد. و هم چنین به روح هر یک از مؤمنین و زیارت به بیابست ایشان می توان کرد
چنانچه شیخ طوسی در نهجیه به سند صحیح روایت کرده از ملود صرمی که گفت: به حضرت امام
عسی علیه السلام عرض کردم که: من زیارت کردم پدرت را و توبایش را از برای شما قرار دادم.
حضرت فرمود که: باز برای توست از جانب حق تعالی اجر و توابع عظیم و از جانب ما حمد و
ثناء.

فقیر گوید که: از این روایت مستفاد می شود که کسی که زیارت کند از برای امام عصر علیه السلام
پسران بزرگوارانش راه توابع عظیم و فیض عظیم خواهد یافت. پس البته زائرین و سایر مجاورین

این مطلب را در نظر داشته باشند بلکه در دعوات و سایر قربان آن حضرت را فراموش نکنند و از برای وجود مقدس که جهان عالم است دعا و استغاثات کنند.

و شیخ محمد بن المصطفی در مزار کبیر فرموده که روایت کردند اصحاب ما جسیماً که: حضرت صادق علیه السلام یکی از شیعیان را و مراهمی نزد او آورد و فرمود: «این مراهم را بگیر و از جانب اسماعیل فرود من حج کن تا بپایه باشد از برای تو که قسمت از ثواب و از برای اسماعیل یک قسمت» و بر در مزار خود گفته که: امام علی علیه السلام فرستاد شخصی را به مشهد این عبدالله الحسین علیه السلام که از جانب او زیارت کند و فرمود: «به درستی که مکانهایی چند است که حق تعالی دوست می دارد که در آنها خوانده شود و ایجاب فرماید آن دعاها را» و به درستی که سایر امام حسین علیه السلام از جمله آن مکانها هستند الخ.

و شیخ شهید در دروس فرموده که مستحب است برای کسی که به زیارت مشغول شود آن که زیارت کند از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مؤمنان پس بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ مِنْ فَلَانٍ بْنِ فَلَانٍ^(۱) أَسْأَلُكَ زَائِرًا عَنْهُ فَاسْطَفِ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ، و دعا کند از برای او. الخ.

و لقا الاسلام و شیخ الطائفه به سند معتبر نقل کردند از اراهم حضرمی که گفت: چون از مکه معظمه مراجعت کردم، دو مدینه شرف یاب شدم خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد رسول خدا ﷺ و آن حضرت در میان من و من نشست بود پس به حضور مبارکش عرض کردم که یا رسول الله واهی که من از ولایت خود به سمت مکه بیرون آمدم، پس گفت به من مری که طواف کن از جانب من هفت شوط و دو رکعت نماز گذار، پس شد که من خلفت کردم از او و بها می آوردم و الحال که مراجعت به بلد کشتم لغاتم چه گویم او را؟ آن حضرت فرمود: «واهی که بروی به مکه و نسک و اعیال خود را بها آوردی پس هفت شوط طواف کن و دو رکعت نماز گذار و بگو

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الطَّوَّافَ وَهَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ أَبِي وَأُمِّي وَعَنْ زَوْجَتِي وَعَنْ
وُلَدِي وَعَنْ خَاصَّتِي وَعَنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّمِهِمْ وَعَبِيدِهِمْ وَأَنْبِيَاءِهِمْ
وَأَسْأَلُكَ

۱ به جای فلان بن فلان هر آن شخص و پدرش را ذکر نماید

پس می گویند به مردی از اهل بلد خود که من از جانب تو طواف و دو رکعت نماز کردم، مگر آن که در گفته خود صادق و راستگو بودم، و هم چنین وقتی که به زیارت قبر مطهر حضرت رسول ﷺ مشرف شوی، چون از احوال زیارت خود فارغ شوی، پس دو رکعت نماز کن و بایست نزد سر آن حضرت پس بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَزَوْجَتِي وَوُلَدِي وَحَامَتِي وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّمِهِمْ وَغَنَمِهِمْ وَأَبْنَائِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ
پس به هر کس از اهل بلد خود بگویند که من رسول خدا را از جانب تو زیارت کردم راست گفته‌ای.

و شیخ محمد بن المعتمدی در مزار گفته که: روایت شده که از بعضی ائمه صالحین ﷺ سؤال کردند از مردی که دو رکعت نماز می‌کند یا یک روز روزه می‌دارد یا حج یا عمره بجا می‌آورد یا زیارت می‌کند رسول خدا یا یکی از ائمه علیهم السلام را و هر کدام را که به جا آورد ثواب او را و برای پدر و مادر خود یا برادر مؤمن خود قرار می‌دهد، آیا او را ثوابی هست؟ فرمودند: نه درستی که ثواب این عمل می‌رسد به کسی که از برای تو قرار داد، بی آنکه از ثواب قرار دهنده چیزی کم شود.

و شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب فرموده کسی که به نیابت برادر مؤمن خود به زیارت رود به اجرت، چون فارغ شود از غسل زیارت یا از غسل زیارت چنانچه در بعضی صحیح است بگوید:
اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ أَوْ فَتَقٍ أَوْ تَقَصُّبٍ أَوْ كَلُوبٍ فَأَجْزُ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ فِيهِ وَأَجْزِي فِي شَأْنِي غَنَمٌ

پس چون زیارت کند در آخر تسبیح زیارت بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَوْلَايَ عَنْ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ أَتَيْتُكَ زَائِراً غَنَمٌ هَاشِقٌ لَكَ عِنْدَ رَبِّكَ

پس هر دعا که خواهد از برای او بکند اشکین.

آداب ملاقات زائرین

و اما آداب ملاقات زائرین پس و بدین که مشایخت و استقبال مؤمنان مستحب است، و وارد شده که از برای مشایخت و استقبال مؤمنان سالار را قصر می‌توان کرد و روبرو ماه مبارک رمضان می‌توان خورد.

و شیخ شهید در مدروس فرموده که: مستحب است زیارت احوال فی الله به استعجاب مؤکد پس چون به زیارت او رود نازل شود بر حکم او، و خدمت نظر نماید او را، و به تکلف او را و ندارد، و مستحب است که استقبال کند برادرش را که از زیارت آمده و مصافحه و معافه کنند و بپوسند مویخ سجده، یعنی پیشانی بکوبند و او را اگر دست زائر را بوسه دهد چهار دست و به مخصوص دست علما و درگاه رسول خدا ﷺ به سبب فرموده حضرت صادق علیه السلام «بوسه دانه بشود دست احدی، مگر دست کسی که اراده شده باشد به او، رسول خدا ﷺ». و روایت شده پوسیدن حاجی را وقتی که از حج آمده، تا آنکه فرموده روایت کرده شیخ کلینی از اسی حمزه از حضرت صادق علیه السلام که: هر که زیارت کند برادرش را برای حق تعالی، موکل گرداند و او حق تعالی عطا دهد و او را ملک که ندا کنند او را که پاکیزه شدی و گوارا باد برای تو بیعت... الخ، اللهم.

و علامه مجلسی علیه السلام در بحر فرموده که: روایت شده در بعضی مؤکدات اصحاب ما از معالی بن خنيس که حضرت صادق علیه السلام فرموده که: هرگاه شخصی از برادران مؤمن شما برگردد از زیارت یا زیارت قهرهای ما پس او را استقبال کنید و بر او سلام سایید و او را نصیحت و مبارک باد بگویید به آن کرامتی که حق تعالی به او عطا فرموده که اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود، و فرد می‌گیرد شما را رحمت الهی چنانچه او را فرو گرفته است، به درستی که هر که زیارت کند ما را یا قهرهای ما را، البته رحمت الهی او را فرو گیرد و گناهانش آمرزیده شود، اللهم.

و عدس که: سزاوار است از برای زائر که چون از سفر برگردد و مشغول کاری شود تا آنکه غسل کند و دو رکعت نماز گذارد و به سجده رود و صد مرتبه شکر الهی را بجا آورد و برادران مؤمن خود را به ضیافت بطلبد و از برای اهل خود نطفه بیاورد اگر چه سنگی باشد، و سزاوار است که مؤمنان با او مصافحه کنند به خصوص اگر از مکه آمده باشد، و ولود شده که: هر که دست در گردن حاجی بکند مر و غمی که با گرد را برسد چنان است که حیران شود را بوسیده است، و وارد شده که حضرت رسول ﷺ می‌فرمود با کسی که از مکه می‌آید «قبل الله بطنك و خلف خبتك نفلک و غفر ذنبك».

تمام شد ابواب زیارات به دست احقر عثمان بن محمد رضا القفري، عمار الله ذنوبنا

و بعد از این شروع می‌شود به فصلان شهر این شریف

باب یازدهم

ذکر مختصری از اعمال شهور سنه

(ماه های سال)

و بیان ایام متبرکه

و محتوی بر ده فصل است

فصل اول

در عمل ماه رجب است

و در آن دو مقام است:

مقام اول: در اعمال مشترکه این ماه شریف است، یعنی عملی که در تمام ماه باید بجای آورده شود.

بنابر آنکه این ماه از ماههای حرام است و در شرع مطهر تنظیم او وارد شده و در زمان جاهلیت نیز محترم و معظم بود، و از برای روزه داشتن و عبادت در آن ثواب بسیاری روایت شده و اعمال مشترکه آن بسیار است، و ما به ذکر چند امر اکتفا می‌سازیم.

دعاهای هر روز ماه رجب

اول، خواندن این دعای شریف در هر روز، چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است:

خَابَ الْوَافُونَ عَلَى غَيْرِكَ، وَخَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ، وَضَاعَ الْكُلُُّونَ إِلَّا بِكَ، وَاجْتَذَبَ الْمُتَنَجِّمُونَ إِلَّا مِنِّي اشْتَجَعَ قَضَاكَ، يَا نَبِيَّكَ، مَفْتُوحٌ لِلرَّاعِبِينَ، وَخَيْرُكَ غَنَوٌ لِلطَّالِبِينَ، وَفَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ، وَنَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْأَمَلِينَ، وَرِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ، وَجَنَّتْكَ مُخْتَرَشٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسْتَغِيثِينَ، وَتَبَيَّنَتْكَ الْإِيقَاءُ عَلَى الْمُفْتَغِيثِينَ، اللَّهُمَّ فَأَهْبِنِي مَدَى الْمُفْتَغِيثِينَ، وَارْزُقْنِي اجْتِنَاءَ الْمُجْتَهِدِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْعَاطِلِينَ الْمُفْتَعِدِينَ، وَالْغَيْرُ لِي يَوْمَ الدِّينِ.

دوم، دعایی است که به سند معتبر نقل شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روز اول این ماه در مکه در حجر خواندند، و شیخ طوسی علیه السلام در اربعه هر روز رجب ذکر فرموده، علما نیز مناصب شیخ را نبوده و از اربعه مشترکه او را غرض داشتند، و دعا این است:

يَا مَنْ يَنْبَلُكَ خَوَانِجَ السَّائِلِينَ، وَيَغْلَمُ ضَمِيرَ السَّائِغِينَ، لِكُلِّ مُضَالِيهِ مِنْكَ سَنَحٌ حَاجِبٌ وَجَوَابُ عَتِيدِهِ اللَّهُمَّ وَمَوَاعِيظُكَ الصَّادِقَةُ وَأَيَادِيكَ

الْقَابِلَةُ وَرَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةُ. فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تَقْصِي خَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

شوم. به بند مختار متول است که مستند بر ذکون به خدمت حضرت صادق علیه عرض کرد،
خدای تو شوم این ماه رجب است، مراد عالی تعلیم فرما که حق تعالی مرا به آن نفع بخشد. حضرت
فرمود که: قدر هر روز ماه رجب در صبح و عصر و بعد از همه نمازها در شب و روز این دعا را
بخوان.

يَا مَنْ أَرْجُوهُ بِكُلِّ خَيْرٍ وَأَقْرَبُ سَخَطُهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍّ. يَا مَنْ يُعْطِي
الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ. يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ سَأَلَهُ. يَا مَنْ يُعْطِي مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ
يَعْرِفْهُ نَحْنًا بَيْنَهُ وَرَحْمَةً. أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا
وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ. وَأَصْرِفْ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إِيَّاكَ جَمِيعَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ
الْآخِرَةِ. فَإِنَّهُ خَيْرٌ مَشْقُومٍ مَا أُعْطِيتَ. وَإِنِّي مِنْ فَضْلِكَ يَا كَرِيمَهُ

پس حضرت ریش مبارک خود را به دست چپ گرفت و انگشت شش دست راست خود را
به جانب راست و چپ حرکت می دادند و این دعا می خواندند: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا ذَا
الْعَمَاءِ وَالْبُيُودِ. يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّولِ. خَرِّمْ شَيْئَتِي عَلَى النَّارِ» و دست بر
لب داشت تا از آب دهانش بر شد.

چهارم. سید ابن طاووس از یونس بن طیار روایت کرده که گفته در خدمت مولایم حضرت
صادق علیه السلام بودم که عطی می فرمود و این در ماه رجب بود، پس تذکرة خدای در این ماه
شد، عطی عرض کرد که: ای آقای من، مرا تعلیم فرما دعایی را که جامع باشد به جمیع آن چه که
شیر او و در کتابهای خود ذکر کرده اند. فرمود: «بگو»:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ. وَغَمَلَ الْعَابِقِينَ مِنْكَ. وَتَقِيْنَ
الْعَابِدِينَ لَكَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْيَائِسُ الْفَقِيرُ. وَأَنْتَ
الْعَزِيزُ الْخَمِيدُ وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ

۱. ترجمه این حدیث بر وفق مرجع علامه موسی است و عبارات حدیث احتمال دیگر دارد. ملاحظه السیال شود
(منه الله).

بِسْمِكَ عَلَيَّ قَرِيءٌ. وَيَجْعَلُكَ عَلَيَّ جَهْلِي. وَيَقْوِيَّكَ عَلَيَّ غَشَقِي يَا قَوِيَّ
يَا غَزِيْرُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمُؤْتَمِنِينَ. وَاجْعَلْنِي
مِمَّا أَهْلُكَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا لَوْحَمِ الرَّاحِمِينَ.

پس فرمود های سلی به خدا سرگند که در این دعا جمع شده آن چه که از زمان ابراهیم علیه السلام
بوده تا زمان محمد صلی الله علیه و آله و ظاهر آن است که این دعا مختص به ماه رجب نیست و در همه اوقات
می توان خواند.

پنجم: شیخ طوسی و دیگران به سند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که
هشت دست در هر روز از روزه های ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْذُونِ فِي رَجَبٍ. مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ
عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ. وَاتَّقَرُّ بِهَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقَرَبِ. يَا مَنْ إِلَيْهِ
الْمَعْرُوفُ مُلَبٌّ وَلَيْسَ لَهُ رُجْبٌ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِبٍ مُلَبٍّ لِدَاوَتِغَتِهِ
ذُنُوبُهُ. وَأَوْثَقَتِهِ عُيُوبُهُ. وَطَلَّ^۱ عَلَى الْخَطَايَا ذُنُوبُهُ. وَبَيْنَ الرُّبَايَا خَطُوبُهُ.
يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ. وَحُسْنَ الْآوِيَةِ. وَالنُّزُوعَ عَنِ الْخَوْبَةِ. وَبَيْنَ النَّارِ لَكَائِ
رَقَبَتِهِ. وَالنَّفْوَ عَمَّا فِي رِيقَتِهِ. فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَكْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ. اللَّهُمَّ
وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ. وَوَسَائِلِكَ الْمُسْفِيَةِ. أَنْ تَتَقَنَّكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ
بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ. وَبِضَمَّةٍ وَارِعَةٍ. وَتَقْسِرَ بِمَا زَلَفْتَهَا قَابِلَةً. إِلَى تَرْوِيلِ
الْحَافِرَةِ وَخَلِّ الْآخِرَةَ وَمَا فِيهَا إِلَيْهِ صَائِرَةً.

زیارت جامعه معروف به رجبیه

ششم: آنکه منقول شده از جناب حسین بن روح علیه السلام که از نایاب حضرت صاحب الامر علیه السلام
است که فرمود: زیارت کن در هر روزه که باشی از روزه های استغفار دو ماه رجب به این
زیارت، چون داخل شوی بگو: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدَ تَوَلَّيَانِهِ فِي رَجَبٍ.

وَأَوْجِبْ عَلَيْنَا مِنْ خَلْقِهِمْ مَا لَدَ وَجِبَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ.
وَعَلَى أَوْصِيَائِهِ الصُّجُبِ. اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدُنَا مَشْهَدَهُمْ فَأَجِزْ لَنَا
مَوْعِدَهُمْ. وَأَوْفِدْنَا مَوَاقِعَهُمْ. غَيْرَ مُخَلِّينَ عَنَّا وَدَّ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ وَالْخُلُودِ
وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَدْ قَسَمْتُكُمْ وَاعْتَمَلْتُكُمْ بِمَشَاقَتِي وَحَاجَتِي. وَهِيَ
فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. وَالتَّقَرُّ مِنْكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شَوْحَتِكُمُ الْأَبْرَارِ.
وَالسَّلَامِ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فِيمَنْ عَقِبَ النَّارِ. أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمِلُكُمْ فِيمَا
إِلَيْكُمْ التَّقْوِيَّاتُ وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيَّاتُ. فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْقَهْوِيُّ وَيُسْقَى الْقَرِيضُ.
وَجُنْدُكُمْ مَا تَرَادَدَ الْأَرْحَامُ وَمَا تَقَيَّضَ. إِنِّي بِمِرْكُمُ مُؤْمِنٌ. وَقَوْلُكُمْ مُسْلِمٌ.
وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعَتِي بِخَوَائِجِي وَقَصَائِيهَا وَإِضَائِيهَا.
وَأَنْجَائِيهَا. وَأَنْجَائِيهَا وَبَشَوَاتِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِيهَا. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامُ
مَوْدِعٍ. وَلَكُمْ خَوَائِجُهُ مَوْدِعٌ. يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْفَرَجِ. وَسَعِيَّةُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ
مُنْقَطِعٍ. وَأَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ خَضِرَتِكُمْ خَيْرَ مُرْجِعٍ. إِلَى جَنَابِ شَفْعِي.
وَحُلُوسِ غَيْشِ مُوسَى. وَفَقْدِ وَمَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ. وَخَيْرَ قَصِيرٍ وَمُخَلٍّ فِي
النَّعِيمِ الْأَزَلِيِّ. وَالنَّهْيِ الْمُقْبِلِ وَقَوَامِ الْأَكْلِ وَشَرْبِ الرَّحِيقِ وَالسُّلْسَلِ.
وَعَلَّ وَنَهَلٍ لَا سَامَ بَيْنَهُ وَلَا مَلَّةَ. وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَجِيئَاتُهُ عَلَيْكُمْ حَتَّى
الْفُؤَادِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ. وَالْقَوْرِ فِي كَرَّتِكُمْ. وَالْحَشْرِ فِي رُمُزَتِكُمْ. وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَجِيئَاتُهُ. وَهُوَ حَسْبُنَا وَلِيْنُ الْوَكِيلِ.

مطلب: خواندن این دعای شریف است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْوَهْنِ السَّابِقَةِ الْخ. و این دعا تا به آخرش در محل مسجد مصعبه در

باب پنجم [صفحه ۲۹۲] ذکر شد. به آنجا رجوع شود.

و مستحب است هر روز خواندن این دعای شریف که از ناحیه مقدسه پیرون شده

وَاللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوْنَهُ الْخ. و چو در دعا طول و منافی با

اختصار بود او را ذکر نمودیم

علامه مجلسی رحمته الله در *زاد العباد* فرمود: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «در جمیع ماه رجب هر پنداده و پسن هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** پس پندادهار به سوی آسمان بر دارد و بگوید: **اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ**». و این استغفار در جمیع ایام سال سبقت است، و هزار مرتبه *سورة قل هو الله* در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد، و در حدیث وارد شده است: «اگر هر واحد در یک روز بخواند، و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد».

و منقول است که: «هر کسی هزار مرتبه **لا اله الا الله** در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی در بهشت شهری برای او بنا کند».

و در هر شب در شبهای ماه رجب هزار مرتبه **لا اله الا الله** وارد شده است، و صد مرتبه این استغفار نیز وارد شده است در جمیع ماه، و اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»**.

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: «هر که در هر شب و روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه *سورة صمد* و «آیه الکرسی» و «قل یا ایها الکافرون» و «قل هو الله احد» و «قل اعوذ برّب الفلق» و «قل اعوذ برّب الناس» را بخواند و سه مرتبه بگوید: **«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْعَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»** و سه مرتبه **«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»** و سه مرتبه **«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ»** و چهارصد مرتبه **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»** بگوید گناهانش را خدا بپارزد اگر چه به عدد قطره های باران و برگ درختان و کف دریاها باشد، و در روز عید حق تعالی او را عطا کند که به دوستی تو دوست می، و به هر سرخی او و شهادتی می دهد در برادران و خواهران مؤمن تو، و حضرت فرمود که: «اگر در عمری یک بار این را به عمل آورد حق تعالی به هر حرفی هفتاد هزار حسنه به او عطا کند که هر حسنه او در جمیع کوفتهای دنیا سنگین تر باشد و عاصد حاجت او را در وقت مردن و عاصد حاجت او

در وقت قهر و مقصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قهر و مثل آن را در وقت پرواز کردن^(۱) نامه‌های اعمال و نرد سنجیدن اعمال در میزان و نرد صراط بر آورد، و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب کند او را حساب آسان و عطف هزار ملک او را معافیت کنند تا داخل بهشت شود، و به او عطا کند آن چه هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد البته.

و شیخ یحیی رحمه الله در کشکول^(۲) و آخوند قبه^(۳) در خلاصه گفته‌اند که: حق تعالی فرموده که: هر که در ماه رجب هزار مرتبه بگوید: **اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالْآثَامِ** اگر بیمارزم او را، پس منم پروردگار شاه.

و در روز هر روز ماه رجب مستحب است و ثواب بسیاری برای هر روز آن ذکر شده و در خصوص این ماه در حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است که به هوش در روز اگر بر آن قادر نباشد هر روز این تسبیحات را بخواند تا ثواب روز را یابد: **سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْتَبِي التَّنْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبِرُّ وَهُوَ لَهُ لَهْلَه** و از برای هر شب این ماه هزار مخصوصی علما در کتب خود ذکر سودانند، چون سندش معتبر نبود ذکر ننمودیم.

مقدم مؤلف در اعمال مخصوصه ماه رجب است

شب اول ماه غسل سنت است و در وقت دهن ماه دعای ملال صحیفه کلمه را بخواند که بهترین دعاهاست، و هفت مرتبه سوره «حمد» را بخواند تا از درد چشم این گردد، و در هر مامی این سنت است و منقول است که چون ماه رجب را بیند و بگوید: **اَللّهُمَّ اَجِلْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ** و در این شب و روز آن زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام فضیلت بسیار دارد و زیارت مخصوصه را در سابق ذکر صفحه ۱۳۹ ذکر نمودیم.

و معای آن به دعا و تلاوت قرآن و نماز شده است.

و در حضرت امام معتمد علیه السلام منقول است که هر شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ قَلْبُكَ وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ وَأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِسَبِّكَ مُعْتَمِدٌ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي لِتُجِيعَ لِي بِكَ طَلِبَتِي اللَّهُمَّ بِسَبِّكَ مُعْتَمِدٌ وَبِالْإِسْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَنْجِجَ لِي طَلِبَتِي** پس حاجات خود را طلب کن.

و اعمال و انصاف این شب بسیار است.

روزی او، روایتش فضیلت بسیار دارد و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که: «در این روز حضرت روح الله به گشتی سوار شد و امر کرد جمیع کسانی که با او بودند و در آن روز به نماز آمده، پس حضرت فرمود: هر که آن روز را روزه بدارد، آتش جهنم یک ساله را، از او دور گردد» و زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است در این روز چنانچه گذشت.

و در این روز باید ترویج کرد در نماز سلطان الله به این طریق که: در رکعت نماز بها می آوری هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله اعظم و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون می خوانی و بعد از هر سلام دست به سوی آسمان بلند می و بگو لا اله الا الله و حده لا شریک له قل الملک و له العصفه یطیی و یقیمت و هو حری لا یغوت و بینه العزیز و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا مانع لما أعطیت و لا معطین لما مننت و لا یففع ذل الجذل و نکل الجذل پس دستهای خود را بر روی خود می گشتی.

و از برای این نماز فضیلت بسیار روایت شده و اثر خواهد آن عظمت نباید بود و در این روز تولد با سعادت حضرت یاقوت الطولم علیه السلام واقع شده و موجب ریاضت شرف این روز گردیده. روز دوم این ماه به روایت ابن حنبل و ولادت حضرت امام علی النقی علیه السلام واقع شده و در روز سوم: وفات آن حضرت واقع شده و در روز ششم: شیخ کلینی فرموده که وفات حضرت موسی بن جعفر علیه السلام واقع شده، و لکن مشهور آن است که در بیست و پنجم بوده.

و در دهم این ماه ولادت امام محمد تقی علیه السلام واقع گشت.

و در بعضی روایات فضیلت مخصوص روزه دهم این ماه و روزه دهم سایر ماههای حرام ظاهر می شود.

و در فضیلت ایام الطبیعی ماه رجب یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم احادیث متبره وارد شده است، و ثواب بسیاری برای روزه این ایام نقل شده.

بدان که: مستحب است در هر یک از ماه رجب و شعبان و ماه رمضان، اگر که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت سار بگزارند و در هر رکعت بعد از «حمد» این سوره ها را بخوانند: «پیش» و «تبارک الّدی بیده الثّلثه» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ احد» و در شب چهاردهم، چهار رکعت نماز به دو سلام، و در هر رکعت بعد از «حمد» این سوره ها را بخوانند و در شب پانزدهم، شش رکعت به سه سلام و در هر رکعت بعد از «حمد» این سوره ها را بخوانند و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: «هر که چنین کند جمیع فضیلت این سه ماه را یابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود به غیر از شرک به خدا».

و روزه سیزدهم بنا بر مشهور ولادت با سعادت حضرت امیر المومنین علیه السلام در میان کعبه مطهره شده و باعث زیادی فضل این روز گردیده.

و شب چهاردهم: در لیلای شریفه است غسل در آن مستحب است و احیای آن به عبادت فضیلت بسیار دارد، و در شب و روزه زیارت امام حسین علیه السلام مکمل است، و الفاظ زیارت در باب زیارات مذکور شد.

آداب نماز حضرت سلمان علیه السلام (در نیمه رجب)

و روزه نیمه این ماه: نماز سلمان وارد است به این کیفیت که در رکعت نماز بها می آوری، هر دو رکعت به یک سلام، و در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و سه مرتبه سوره «توحید» و سه مرتبه سوره «قل یا ایها الکافرون» می خوانی، و بعد از هر سلام دستها را به سوی آسمان بر می داری و می گویی:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَقْدُ. يُحْيِي وَيُمِيتُ. وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِنَّمَا وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ قَرَنَاءُ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا. بِسْمِ اللَّهِ» دستها را بر روی خود می کشی.

آداب نماز حضرت امیر علیه السلام [در نیمه وجب]

و به روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «علی بن ثابت انصاری دهن شد بر امیر المؤمنین علیه السلام در روز نیمه وجب در حالی که آن حضرت مشغول نماز بود. پس که حضرت ملطف او شد به دست مبارک به سوی او اشاره کرد که دو پشت سر آن حضرت توقف کند. عدی گفت: من به اشاره آن حضرت ایستادم. پس چهار رکعت نماز بجای آورد که دیده شد از احدی مثل آن نماز نه پیش از آن حضرت و نه بعد از پس چون سلام نماز داد دست ها را گشوده و گفت:

اللَّهُمَّ يَا مُنْزِلَ كُلِّ جَبَّارٍ. وَيَا مُوَسِّئَ الْمُؤْمِنِينَ. أَنْتَ تَهْفِي حِينَ تُغَيِّبُنِي الْمَذَاهِبَ. وَأَنْتَ بَارِي خَلْقِي وَرَحْمَةٌ بِي. وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَيِّبًا. وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ. وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَانِي. وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمَقْضُوحِينَ. يَا مُزِيلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِيهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ مِنْ مُوَاجِبِهَا. يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوحِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِحِرْهِ يَتَفَرِّقُونَ. يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نِزْجَ الْمَخْلُوعَةِ عَلَى أَغْنَانِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَانِهِ حَاسِنُونَ. أَسْأَلُكَ بِكَرْبَتَيْكَ الَّتِي اسْتَقْفَتْهَا مِنْ كِبَرِيَاكَ. وَأَسْأَلُكَ بِكَرْبَتَيْكَ الَّتِي اسْتَقْفَتْهَا مِنْ عِزَّتِكَ. وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَقْفَتْ بِهَا عَلَى عِزَّتِكَ فَعَلَقَتْ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُلْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

پس آن حضرت تکلم فرمود به چیزی که مخطی گفت از من. پس روی مبارک به من نمود و فرمود: «ای عدی شنیدی؟ گفت: بلی. فرمود: «حفظ کردی؟ گفت: بلی. فرمود: «حفظ کن آن را. اسم به آن که مانع را شکافته و کعبه را منصوب نمود و مخلوق را خلق کرد پس این نماز و دعا نزد احدی از اهل زمین و می خواند آن را کسی که مبتلا به شقت و غمی گشته. مگر آن که حل تالی کرم و شدت او را زایل نماید.

و از صفة اعمال نیمه وجب دعای اتم ملود است که برای بر آمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مجری است. و چون بنای مایر اختصار است از ذکر آن [صرف نظر و] طری کشح نمودیم هر که خواهد رجوع کند به کتب دیگر و از فیض آن عمل خود را سرورم نماید.

و غسل در این روز سنت است. و همچنین زیارت امام حسین علیه السلام چنانچه گذشت.
و در این روز عقد حضرت فاطمه برای اسیر المؤمنین علیهم السلام واقع شد.
و در این روز رسول قبله از بیت المقدس به سوی کعبه معظمه گشت.
و به بر قول بعضی علما وفات حضرت صادق علیه السلام بر در این روز واقع شد.
و در هجدهم این ماه وفات ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع گردید.
و در بیست و یکم به قول این عتبات حضرت فاطمه علیها السلام به عالم قدس ارتحال فرموده. و این
اگرچه خلاف مشهور است لذا این بر دشمنان و ظالمان آن بزرگوار حضرت رسالت پناه
مناسب است.

و در روز بیست و نهم وفات معاویه واقع شد.
و در بیست و سوم خارجیان خنجر دهرآلود بر دامن مبارک حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
راند. زیارت آن حضرت و این بر ظالمان و ظالمین آن حضرت مناسب است.
و در بیست و چهارم فتح خیبر و قتل مرحب یهودی بر دست مجزای حضرت اسد الله
الغالب علیه السلام بر این طالب صلوات الله علیه واقع شد.
و در بیست و پنجم شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در بندها واقع شد. به توسط
رهبری که سدی بن شاهک ملعون به آن حضرت خوردند. واحادیث بسیار در لطیف این روز و
ثواب روزهای وارد شده است. و از حضرت اسیر المؤمنین علیهم السلام منقول است که در روزهای گذارده
هفت سال گناه است.
و در بیست و ششم به قول این عتبات وفات جناب این طالب واقع شد. و روزهای لطیف
بسیار دارد. و وارد شد که گذارده هفتاد ساله گناه است.

در اعمال شب میث

شب میث و هفتم شب میث است و از لایالی عزیزه است. و روایت شده که: «آن شبی است
که بهتر است از برای مردم از آن چه آفتاب بر آن می تابد و عبادت بر آن. اجر شصت سال
عبادت دارد. و از برای این شب سازهای بسیار وارد شده. و از حضرت ابی الحسن موسی بن
جعفر علیه السلام منقول است که: «در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز
بجا آورد. و در هر رکعت بعد از سوره حمد چهار مرتبه «مؤذنین» و «توحید» بخواند و چون

خارج شدی از همه در همان مکان چهار مرتبه بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. پس هر حاجتی که خواهی
بطلبی. و این نماز به طریق دیگر نیز روایت شده.

و علامه مجلسی رحمته الله در زاد المسجد در بیان احوال این شب فرموده که: شیخ طوسی رحمته الله گفته است
که: غرض در این شب مستحب است و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و در
این شب مستحب است و این دعا نیز وفور شده است که در این شب بخوانند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالنُّجْلِ الْأَعْظَمِ. فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الشَّهْرِ الْأَعْظَمِ.
وَالْمَوْسَلِ الْمَكْرُومِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَإِنْ تَغْفِرْ لَنَا مَا أَنْتَ بِهِ
بِنَا أَغْلَمُ. بِأَمْنٍ يَعْظُمُ وَلَا يُعْلَمُ.

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي لَيْلَتِنَا هَذِهِ الَّتِي يَشْرَفُ الرِّسَالَةَ فَسَلِّتْهَا. وَبِكِرَامَتِكَ
أَجَلِّتْهَا. وَبِالْمُخَلِّ الشَّرِيفِ أَخْلَقْتَهَا اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ بِالنُّجْبَةِ الشَّرِيفِ
وَالشَّيْءِ الْغَلِيظِ وَالضُّعْفِ الضَّعِيفِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَأَنْ تُجْعَلَ
أَعْمَالُنَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً. وَدُعَاؤُنَا مَقْبُولَةً.
وَحَسَنَاتُنَا مَشْكُورَةً. وَسَيِّئَاتُنَا مَسْتُورَةً. وَفُلُوبُنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً.
وَأَرْوَاقُنَا مِنْ لَدُنْكَ بِالْخَيْرِ مَدْرُورَةً.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى. وَأَنْ إِلَيْكَ الرَّجْعُ
وَالْمُنْتَهَى. وَأَنْ لَكَ الْفَضْلَ وَالْمَخِيَا. وَأَنْ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ إِنَّا
نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذَلَّ وَنُخْزَى. وَأَنْ نَأْتِيَ مَا غَنَى نَفْسُنَا.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتُسْتَعِيدُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِزَّنَا بِمَا
يُقَرِّبُنَاكَ. وَنَسْأَلُكَ مِنَ الْخُورِ الْغَيْنِ فَارْزُقْنَا بِعَرْتِكَ. وَاجْعَلْ لَوْسَخِ أَرْوَاقِنَا
عِنْدَ كَبِيرِ سَيِّئَاتِنَا. وَأَخْسِرْ أَعْمَالَنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِنَا. وَأَطْلُ فِي طَاعَتِكَ وَمَا
يُقَرِّبُ إِلَيْكَ وَيُخْطِي عَنْكَ وَيُرْزُقُ لَدُنْكَ أَعْمَارَنَا. وَأَخِينِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِنَا
وَأُمُورِنَا مَقْرَفَتَنَا. وَلَا تَكِلْنَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قِيمَنْ عُلُونًا. وَتَقْضِلْ عَلَيْنَا

بِجَمِيعِ حَوَائِجِنَا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . وَإِنْدَا بِأَبَائِنَا وَأَبْنَائِنَا . وَجَمِيعِ إِحْوَائِنَا
الْمُؤْمِنِينَ . فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْنَاكَ لِأَنْفُسِنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ . أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ
وَأَلِي مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ . إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا
الْعَظِيمُ

اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبُ الْمُكَرَّمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحُرُمِ . أَكْرَمْتَنَا
بِهِ مِنْ بَنِي الْأَنْبِيَاءِ . فَكَانَ الْخُذُّ يَا قَا الْخُذْهُ وَالْكَرَمُ . فَاسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ
الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ . الْآجِلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ . فَلَا
يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ . وَأَنْ
تَجْعَلَنَا مِنْ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ . وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشِفَاعَتِكَ

اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ . وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا بِعِزِّكَ خَيْرَ مَقِيلٍ . فِي
ظِلِّ ظَهْلِي وَمُلْكِ جَزِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

اللَّهُمَّ أَقْلِنَا عَلَى لَحْمٍ مُتَجَمِّعٍ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِغَرَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةِ مِنْ كُلِّ
إِثْمٍ . وَالتَّوْبَةِ مِنْ كُلِّ بَرٍّ . وَالْقُوَّةَ بِالْجَنَّةِ . وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ

اللَّهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعْوَتَكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ . وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ
الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ التَّقَى وَالرَّجَاءُ . وَإِلَيْكَ مُنْتَهَى الرُّغْبَةِ
وَالدُّعَاءِ

اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي . وَالنُّورَ فِي
بَصَرِي . وَالتَّصَدِّقَةَ فِي صَفَرِي . وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَي إِسْمَائِيلَ .
وَبِرْزَقًا وَابِعَا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَخْطُوبٍ . فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي .

وَأَجْعَلْ عِلَاقِي فِي نَفْسِي. وَدَعِمْتِي فِيمَا عِنْدَكَ. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس به سجده برو و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَّمَنَا لِمَعْرِفَتِهِ. وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ. وَوَقَّفَنَا بِطَاعَتِهِ. پس بگو شُكْرًا شُكْرًا مد مرتبه پس سر را سجده بردار و بگو
اللّٰهُمَّ إِنِّي لَقَدْ نَسَيْتُكَ بِحَاجَتِي. وَاعْتَصَمْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتِي. وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِأَيْمَتِي. وَسَأَلْتِي. اللّٰهُمَّ أَنْتَقِمَا بِغُيُوبِهِمْ. وَلَوْ بِدُنَا غُيُوبِهِمْ. وَارْزُقْنَا مَوَاقِفَتَهُمْ. وَادْجِنَا الْجَنَّةَ فِي زَمَانِهِمْ. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

در اعمال روز بیست حضرت رسول ﷺ

و روز بیست و هفتم از جمله اعیاد عظیمه است و دوری است که حضرت رسول خدا ﷺ در آن روز به رسالت برانگشت و جبرئیل علیه السلام به پیغمبری بر آن حضرت نازل شد، و غسلش سنت است، و روزملی فضیلت بسیار دارد، و روزملی برابر شده با روزه عتاد سال، و صلوات بر آن حضرت در این روز بسیار باید فرستاد، و زیارت آن حضرت و حضرت امیرالمؤمنین - صلوات الله علیهما - در این روز مقبول است، و نماز این روز به طرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از روزه باید کرد و ظاهر از بعضی احادیث اطلاقی است، یعنی در هر وقت روز که بکنند خوب است.

و شیخ طوسی و سید ابن طاووس علیه السلام به سند محض از رجال بی القبح روایت کرده اند که گفتند چون حضرت امام محمد تقی علیه السلام به بغداد تشریف آوردند، در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم، روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند، و در هر یک دوازده رکعت نماز بکنند، هر دو رکعت به یک سلام، و هر رکعت را به «سجده» و هر سوره که خواهند بکنند، و چون از همه فارغ شوند سوره «سجده» و «التوحید» و «مسحودین» و هر یک چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه گویند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

پس چهار مرتبه بگویند: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

پس چهار مرتبه بگویند: لَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا.

و ساز دیگر در این روز از جناب ابو القاسم حسین بن روح ثمالی مؤم حضرت حجت عصر - صلوات الله علیه - وارد شده و علامه مجلسی رحمته الله آن را در زادگاه نقل کرده و چون در نزد آن مرحوم به صحت پیوسته که آن چه از توابع ارجح رسیده، البته از جناب اسام خضر رحمته الله است. چنانچه در سابق به این مطلب اشاره نمودیم لهذا آن را به حضرت صاحب الامر رحمته الله نسبت داده، و چون بابر احصار است ما از ذکر آن اعراض نمودیم از فیض آن مهذب غفلت نمود.

و روزه روز بیست و هشتم و بیست و نهم و سیام این ماه مستحب است و توابع بسیاری از برای هر یک وارد شده.

نماز حضرت سلمان رحمته الله

و روز آخر ماه مبارک جناب سلمان مصعب است. و کیفیت آن چنین است که در رکعت نماز کند هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت یک مرتبه سورة الحمد و سه مرتبه سورة بقره و سه مرتبه سورة قل يا ايها الكافرون بخواند، و بعد از هر سلام دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخَزَائِرُ يُخْفِي وَيُخْشِئُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْغَنِيُّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

پس دستها را بر روی خود بمالد و حاجت خود را بطلبد، و احوال این ماه شریف بسیار است و این رساله را گنجینه ذکر تمام آنها نیست.

فصل دوم

در احوال ماه مبارک شعبان

و در آن نیز دو مقام است:

مقام نوح: در احوال مشترکه این ماه معظم است

بدان که فضیلت ماه شعبان رسیده از ماه رجب است و منسوب است به حضرت حاتم الانبیاء رحمته الله، و در روایات توابع بسیاری روایت شده و از حضرت صادق رحمته الله منقول است که:

«چون حضرت رسول ﷺ ماه شعبان را مشاهده می نمودند امر می فرمودند تا کسهای را که ندانند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا به سوی شما و می فرمودند که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که پاری کند مرا بر ماه من. پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از رویری که ندای منادی آن حضرت را شنیدم رویره شعبان را ترک نکردم و تا رندم ترک نمودم کردی شاه الله تعالی. و فرمود که: رویره دو ماه متتابع، چسی شعبان و ماه رمضان توبه است از جانب خداوند برای گناهان.»

و به روایت عالی السند از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که: هر که یک روز شعبان را از برای خدا رویره بداد داخل بهشت گردد. و هر که در هر روز از شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در (مره و جماعت) رسول خدا ﷺ مشهور شود و گرمی داشتن خداوند او را واجب کرده. و هر که در شعبان تصدق کند اگر چه به نصف دانه خرما یا نصف حق تعالی بمن او را به آتش جهنم حرام گرداند. الباقی.

و چون این ماه منسوب به حضرت رسول ﷺ است، صلوات بسیار باید بر آن حضرت فرستاده شود تا شفاعت آن حضرت شامل حال او شود. چنانچه در روایت وارد شده بهترین دعای در ماه شعبان استغفار است. و چنانچه آن که در هر روزی هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُ التَّوْبَةَ**. و به سندهای معتبر منقول است که: هر که در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید: **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** حق تعالی روح او را در اتاق سین جای دهد. و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن عضا نهرها جاری است و قدح ها در کنار آن نهرها است به عدد ستاره های آسمان. و در بعضی از روایات **فَالْحَيُّ الْقَيُّومُ** پیش از **الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** است و هر دو خوب است.

صلوات هر روز ماه شعبان

و شیخ طوسی و سید ابن طاووس روایت کرده اند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز ماه شعبان و در شب جمعه آن دعا می کرد و صلوات می فرستاد بر پیغمبر ﷺ به این صلوات:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ التَّوْبَةِ وَتَوْضِيعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمُعْجِبِ الْعِلْمِ وَأَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمَلَكَ الْجَارِيَةِ فِي الْبَحْرِ الْغَامِرَةِ. بِأَعْنُ مَنْ رَزَقَهَا
وَيُغْفِرُ مَنْ تَزَكَّاهَا. الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ رَاقِقٌ. وَاللَّامِمْ لَهُمْ
لَاحِقٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَفِّ الْخَصِيمِ. وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ
الْمُسْتَكِينِ. وَتَنْجِيَا الْهَارِبِينَ. وَتَنْجِيَا الْهَائِمِينَ. وَغِيَاثِ الْمُتَقَدِّمِينَ. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةَ كَثِيرَةٍ طَيِّبَةٍ تَكُونُ لَهُمْ رِضَا. وَلِخُلُقِ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آدَاءَ وَقْضَاءٍ. بِخَوْلٍ مِنْكَ وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْآبِرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ لَهُمْ
حَقُوقُهُمْ. وَفَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَوَلَّيَتْهُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ. وَلَا تُخْزِنِي بِمُخَاصَاةِكَ. وَأَزِدْنِي مُوَاةَاةً مِنْ فَتْرَتِ
عَلِيٍّ مِنْ بَذْلِكَ بِمَا وَصَّيْتَ عَلِيٍّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلِيٍّ مِنْ عَذْلِكَ
وَاجْتَنَنْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ. وَهَذَا شَوْهَرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.
شُعْبَانُ الَّذِي خَفَفْتَ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّضْوَانِ. الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَبِيُّ فِي صِيَابِهِ وَفِيَابِهِ فِي لَيْلِهِ وَأَيَّامِهِ. بِخَوْعَا لَكَ فِي
إِكْرَامِهِ وَإِعْظَامِهِ إِلَى مَحَلِّ جَمَامِهِ. اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْأَسْقِنَانِ بِسُنَّتِهِ. وَنَيْلِ
الْشَفَاعَةِ فُذِّيهِ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْهُ^۱ لِي شَفِيعًا مُشْفَعًا. وَطَرِيقًا إِلَيْكَ مُهَيَّأً.
وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَبِعًا حَتَّى أَتِيَكَ يَوْمَ الْجَمَاعَةِ غَنِي رَاضِيًا. وَعَنْ قُتُوبِ غَاضِيًا.
وَقَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرَّضْوَانَةَ. وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ وَمَحَلَّ
الْأَخْيَارِ.

و سید ابن طاووس در کتاب القیام مناجاتی روایت کرده از حضرت امیر المؤمنین و الله جل و علا از
خزیه او که آن بزرگواران در ماه شعبان می خواندند اگر کسی خواست باشد در این ماه با
قاضی المناجات مناجات کند آن را بخواند و چون بنابر اختصار است مقام را مناسب ذکرش
نمیست.

سید این طاروس نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: هر که در سیبوع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ** حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه عملش بپوشد و گناه هزار ساله از او محو کند، و از قبر برود آید با روی مودنی که مانند ماه شب چهارده بدرخشد، و برشته شود نزد خدا صدیق و بدن که از برای هر شب از این ماه جاری علما قل فرمودند: و از برای روزه هر روزی توانی روزه گرفت، طایفه عبادت رجوع به آن‌ها نموده و تمام و نیالی این شهر شریف را قیمت شمرده از قیام و صیام آن خود را محروم نمایند، و روزه و روزه‌های پنجشنبه‌اش هر ثواب بسیاری دارد، و روایت شده که: هر روز پنجشنبه ماه شعبان قیامت می‌کنند آسمان‌ها را، پس ملائکه عرض می‌کنند: خداوند! بیاورد روزه را از امروز را و دعای ایشان را مستجاب گردان.

مقام دوم: در افعال مختصه ماه شعبان

روز اول، روزی است و روایت شده که: هر که آن روز روزه دارد، بهجت او را واجب گردد الهی، و استحباب روزه به روز اول غیر ثابت است و از برای آن غضیب بسیار نقل شده، و اگر کسی به روز اول را روزه دارد و در شب‌های این سه روز دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت بعد از «حمد» پانزده مرتبه **سورة اقل هو الله** بخواند ثواب بسیاری درک خواهد نمود.

دعای روز ولادت امام حسین

روز سوم، موافق مشهور ولادت با سعادت حضرت امام حسین علیه السلام و روزانی ثواب بسیار دارد، شیخ طوسی در مصباح از سید ابن طاروس در نقل روایت کرده که: فرمائی بیرون آمد از ناحیه مدینه به سوی قاسم بن السّلام الهمدانی، وکیل حضرت عسکری علیه السلام که: مولای ما امام حسین علیه السلام متولد شد در روز پنجشنبه سوم ماه شعبان پس در آن روز روزه بدار و این دعا را بخوان.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِفْلَاحِهِ وَوِلَادَتِهِ بِكَتْمَةِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطْلُ لَا تَنْبِيَاهُ قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأَشْرَةِ الْمَعْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ الْمَعْرُوضِ

مِنْ قَتْلِهِ أَنْ الْإِيْمَةَ مِنْ نَفْسِهِ. وَالشَّعَاءَ فِي تَرْبِيَةِ. وَالْقَوْلَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ.
وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ عَشْرَتِهِ بَعْدَ قَاتِلِهِمْ وَغِيْبَتِهِ. حَتَّى يُنْزِلُوا الْأَوْتَارَ وَيَتَارُوا
الْثَّارَ وَيَرْضُوا النِّجَارَ وَيَكُونُوا حَيْرَ أَنْصَارِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ اخْتِلَابِ
الَّيْلِ وَالنَّهَارِ. اللَّهُمَّ فَحَقِّقْ إِلَيْكَ التَّوَسُّلَ وَأَسْأَلُ سُؤَالَ مُقْتَرِبٍ مُقْتَرِبٍ
مُسْبِيٍّ إِلَى نَفْسِهِ بِمَا قَرُطَ فِي قِيَمِهِ وَنَفْسِهِ بِمَا أَلْكَ الْفَضْلَ إِلَى عَمَلٍ
رَفِيعٍ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَشْرَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَبَوِّنَا مَعَهُ
دَارَ الْكَرَامَةِ وَمَعْلَى الْإِقَامَةِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنَا بِزُلْفَتِهِ.
وَارْزُقْنَا مُرَاقَبَتَهُ وَسَابِقَتَهُ. وَاجْعَلْنَا مِنْ مُسَلِّمٍ لِأَمْرِهِ. وَكَثِيرٍ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ
عِنْدَ ذِكْرِهِ. وَعَلَى جَمِيعِ لَوْحِيَّائِهِ وَأَهْلِ أَصْحَابِيهِ "الْمُتَّخِذِينَ مِنْكَ بِالْقَدَمِ
الْأَيْمَنِ عَشْرَةَ النُّجُومِ الزُّهْرِيَّ وَالْمُجِجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ. اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي
هَذَا الْيَوْمِ حَيْرَ تَوْهِيَةٍ. وَأَنْجِجْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ. كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ
لِمُخَمَّرٍ حَبِيٍّ وَعَلَى قَطْرُسٍ بِمَقْدِهِ. فَتَحْرُ عَائِلَتُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَغْدَادٍ نَشْهَدُ
تَرْبِيَتَهُ وَنَسْتَعِيزُ أَوْبَتَهُ. آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

پس می خوانی بعد از این، دعای حضرت امام حسین علیه السلام و این آخر دعای است که آن

حضرت خواند در روزی که مطلوب کافران گردیده بود

اللَّهُمَّ أَنْتَ مُتَعَالَى الْمَكَانِ. عَظِيمُ الْفَجَرَاتِ. شَدِيدُ الْوَحَالِ. غَيْرُ غِنٍ
الْخَلَائِكِ. عَرِضُ الْكِبَرِيَاءِ. قَادِرٌ عَلَى مَا يَشَاءُ. قَرِيبُ الرَّحْمَةِ. سَادِقُ
الْوَعْدِ. سَامِعُ التَّعْنَةِ. حَسَنُ الْبَلَاءِ. قَرِيبٌ إِلَّا دُعِيْتُ. مُحِيطٌ بِمَا حَلَلْتُ.
قَابِلُ التَّوْبَةِ لِمَنْ تَابَ إِلَيْكَ. قَادِرٌ عَلَى مَا أَوْدَتْ. وَمُفَرِّجُ مَا طَلَبْتُ.

وَشْكُورٌ إِلَّا شُكْرَتِ. وَذَكُورٌ إِلَّا ذُكِرَتْ. اذْعُوكَ مُخْتَجِجًا. وَأَزْعَبُ إِلَيْكَ
فَقِيرًا. وَأَفْرَعُ إِلَيْكَ خَائِفًا. وَأَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا. وَأَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا.
وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كَاوِيًا. أَخْكُمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ. فَابْتِهَمُ غَرُوبَنَا
وَحَدِّغُونَا وَحَذِّلُونَا وَغَدِّزُوا بِنَا وَقَتِّلُونَا وَنَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ وَوَلَدُ خَبِيبِكَ
مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي اسْتَظَفْتَهُ بِالرَّسَالَةِ وَاسْتَمْتَنَتْهُ عَلَى وَحْيِكَ. فَاجْعَلْ
لَنَا مِنْ أَمْرِنَا قَرَجًا وَمَخْرَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

این عتاض گفت که: شنیدم از حسین بن علی بر طرفی که گفتند: شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که
در این روز این دعا را می خواند و می فرمود که: از دعاهای روز سوّم ماه شعبان است که روز تولّد
حضرت امام حسین علیه السلام است. اللهم

علامه مجلسی فرموده که: اگر این دعا را در این روز در دوخته مقدّسه آن حضرت بخوانند
آنسب است و چون آخر دعای مخصوص آن حضرت و آن حالت است، باید کسی که این دعا را
خواند تا «کافیا» بخواند. و بعد از آن حاجات خود را طلب نماید، تمام شد کلام آن مرحوم.

تفسیر گوید که: دعاهای مأثوره از حضرت سید الشهدا علیه السلام که در روز عاشورا خواندند بسیار
است و لکن دعایی بسیار شریف به نظر رسیده که معروف بسبب ایرادش را در این جا مناسب
دهم. عالم کامل راوندی در کتاب معرفت روایت کرده از امام زین العابدین علیه السلام که فرمود: «پدرم
برادر برگزیده و به سینه خود چسبیده در آن روز که گشته شد و «اللّهُمَّ تَعَلَّى» و خورهای در بدن
مبارکش می جوشید و فرمود: ای پسر من، حفظ کن از من دعایی را که تعلیم فرمود آن را به من
فاطمه علیها السلام، و تعلیم فرمود به او رسول خدا ﷺ و تعلیم نمود به آن حضرت جبرئیل علیه السلام در برای
حاجت و مهمّ و اندوه و بلاهای سخت که نازل می شود و امر عظیم دشوار، و فرمود: بگو

بِحَقِّ يَسَّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. وَبِحَقِّ طَهِّ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ. يَا مَنْ يَغْفِرُ
عَنِ خَوَائِجِ السَّائِلِينَ. يَا مَنْ يَعْظُمُ مَا فِي الصُّمُورِ. يَا مُنْقِصُ عَنِ
الْمَكْرُوبِينَ. يَا مُفْرِجُ غِنِ الْمَقْضُومِينَ. يَا رَاحِمَ الشُّخِ الْكَبِيرِ. يَا رَاقِدَ
الطُّفْلِ الصَّغِيرِ. يَا مَنْ لَا يَخْتِاجُ إِلَى التَّقْسِيرِ. ضَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. به جای این کلمه [کذا وکذا] حاجات ذکر شود.

و در روز پنجم این ماه نیز روایت شده که ولادت حضرت سید الشهداء علیه السلام گفته و سید این طائوس و بعضی دیگر بر اخبار گردانند و اگر هر دو روز را حرمه بدارند و زیارت آن حضرت را در هر دو روز کنند بسیار مناسب است.

و روز هفتم به حسب بعضی روایات روز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و مشهور همان است که در ماه رجب گذشته اثنا بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیر و نیز در این روز به عمل آورند مناسب است.

و روز نهم میلاد حضرت سید سجاد علیه السلام بوده به حسب فرمایش بعضی علما و روزه ایام الهی این ماه و نماز در شبهای آن فضیلت بسیار دارد و ما در اعمال ماه رجب نمازی از برای نیالی بعضی آن نقل کردیم که در این ماه نیز خوانده می شود رجوع به آن جا شود (صفحه ۳۷۹).

احمال شب نیمه شعبان

و اثنا شب پانزدهم پس فضیلت و اعمال آن زیاده از آن است که در این رساله احصا توان شود و ما اکنون می نمایم به آن چه انصر و انصر است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که: «چون نصف شعبان شود شیش را به عبادت بایستید و روزی ن روزه بدارید، به درستی که از اوّل تا آخر این شب از جانب حق تعالی ندا می رسد که آیا استغفار کنندای هست که از ما طلب آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بپاریم؟ آیا کسی هست که از ما طلب روری کند و ما روزی او را غراخ گردانیم؟»

بدان که از جمله اعمال این شب غسل است و شیخ طوسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما می شود».

و از جمله اعمال زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام است و فضیلت و کیفیت زیارت آن حضرت در این شب در باب چهارم کتاب [در صفحه ۱۲۹] به شرح رفت.

و شیخ مفید علیه السلام فرموده و کسی که متمکن باشد از زیارت آن حضرت در این شب زیارت کند اثقه دیگر را اگر دو زیارت او باشد و اگر آن هم ممکن نشده اشاره کند به سوی آن حضرت و سلام کند بر آن جناب.

دعای شب نیمه شعبان

و معنی رساند که ولادت و افراتحاد حضرت حجت عصر علیه السلام در این شب واقع شده و باعث مزید شرافت این شب گشته و مستحب است در این شب این دعا را بخوانند که به منزله زیارت آن حضرت است، و ما دعا را از صاحب شیخ طوسی نقل کنیم:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ وَمَوْلُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِكَ صَلَاةً أَتَمَّتْ كَلِمَتَكَ صِدْقًا وَعَدْلًا، لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقِّبَ لِأَمْرِكَ، نُرْزُقُ الْمُتَأَلِّقَ وَنُصِيَّاؤَكَ الْمُسْتَرْزِقَ، وَالْعَلَمَ السُّورَ فِي طُحْيَاءِ الدُّنْيَا، وَالْعَائِبُ الْمُسْتَوْرَ، جَلَّ مَوْلَانَهُ، وَكَرَّمَ مَخْبِئَتَهُ، وَالْعَلَايَكَ شَهْنَهُ، وَاللَّهَ نَاجِرَهُ وَمَوْلَانَهُ، إِذَا أَنْ مِعَادَهُ فَالْعَلَايَكَ لَعْنَتَهُ، سَهِّفَ اللَّهُ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورَهُ الَّذِي لَا يَحْبُو، وَهُوَ الْجَلْمُ الَّذِي لَا يَضْبُو، مَدَارُ الدُّخْرِ، وَنَوَاصِيسُ الْفَضْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُرُلُ عَلَيْهِمُ الذُّكْرُ، وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةُ وَخِيَّةٍ، وَوَلَاةُ أَفْرِ، وَنَهْيُهُ، اللَّهُمَّ فَضِّلْ قُلْنَ خَائِمَهُمْ وَقَائِمَهُمُ الْمُسْتَوْرَ عَنْ غَوَالِجِهِمْ، وَأَذْكِرْ بِنَا أَيْمَانَهُ وَظُهُورَهُ، وَبَيَانَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ النَّصِيرَةِ، وَالْقُرْنِ ثَارَتَا بَشَائِرِهِ، وَكَتْمُنَا فِي أَغْوَابِهِ وَخَلْصَانِهِ، وَأَخِيَا فِي قَوْلِهِ نَاعِمِينَ، وَبُخْبَسِيهِ غَائِمِينَ، وَبِخَفَةِ قَائِمِينَ، وَبَيْنَ السُّوءِ سَالِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَفْدُ إِلَهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعَتَرَتِهِ النَّاطِقِينَ، وَالْفَرْنَ جَمِيعِ الطَّالِعِينَ، وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

شیخ شهید اول در مجموعه خود از حضرت صاحب علیه السلام روایت کرده که فرمودند: «به درستی که آن کسی که حضرت قائم علیه السلام در آن تولد می شود هر کس که به دعا بیاید مؤمن خواهد بود و اگر تولد شود در زمینی شرک چینی در بلد کفار حق تعالی قتل فرماید او را به سوی ایمان به برگرداند» عنه.

و از جملة اعمال این شب ایسانی آن است به ساز و دعا و استغفار کردن، چنانچه از حضرت امام بن العابدین علیه السلام منقول است و نمازهای این شب بسیار است و بیشتر آن را حقیر در کتاب محاللة التلوه ایضاً گردانم و در این جا شاعت می‌کنم به ذکر سه نماز. اول: نماز جعفر طیار است که کیفیت آن در باب عمل (روا) چمنه [صفحه ۶۲۷] می‌آید این شاء الله و در روایت حسن بن فضال از حضرت امام رضا علیه السلام مذکور است که آن حضرت فرمودند که: «اگر دوست داری در این شب نماز تافله کسی پس نماز جعفر بن ابی طالب را بجا آور و ذکر عدا و استغفار و دعا بسیار کن به دوستی که پدرم فرمود که: دعا در این شب مستجاب می‌شود».

نماز شب نیمه شعبان

دوم: سازی است که شیخ طوسی در مصباح کبیر نقل فرموده به این طریق: روایت کرد ابوحنس صنعانی از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام و روایت کرد نیز از آن دو امام همام سی نفر از اصحاب که همه گفته بودند که آن دو بزرگوار فرمودند: همین که شب نیمه شعبان شود چهار رکعت نماز کن. در هر رکعت صد مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخوان و چون فارغ شوی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَتِيرٌ وَمِنْ غَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ أَسْمِي وَلَا تُغَيِّرْ جَسْمِي. وَلَا تُجْهِدْ بِلَانِي وَلَا تُضْمِتْ بِي أَغْدَانِي. أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ. وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ غَضَابِكَ. وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ. جَلَّ شَأْنُكَ. أَنْتَ كَمَا أَتَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَمَا وَكَلْتَ.

سوم: سازی است که شیخ صدوق در کتاب نهج‌الانوار صلوات الله وسلامه مستأثر حضرت رسول صلوات الله وسلامه روایت نموده که آن حضرت فرمود: «در این شب حسب من جبرئیل بر من نازل شد و گفت: یا محمد! امر مرا انت خود را که چون شب نیمه شعبان شود ده رکعت نماز کنند هر دو رکعت به یک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخوانند پس به مسجد

روند و در سجده بگویند: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوَادِي وَجَنَانِي^{۱۱} وَبِهَاصِيءٍ يَا عَظِيمُ
كُلَّ عَظِيمٍ اغْفِرْ ذَنْبِي الْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ غَيْرَكَ يَا عَظِيمُ. پس چون کس در
عمل بها آورد معرکه حق تعالی از او هفتاد هزار گناه را و مثل آن حساب در سائمة عمل او
بنویسد و معرکه از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه.

دعای دیگر در شب نیر شبان

و در جمله اعمال این شب خواندن این دعا است: چنانچه علامه مجلسی^{رحمه الله} در زاد المسند
فرموده: و منقول است که حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} در این شب این دعا را می خواندند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا مِنْ حَشِيَّتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَغْصِبِكَ. وَمِنْ
طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ. وَمِنْ أَلِيمٍ مَا يَهْوِي عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ
الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ اَمْتِنْنَا بِأَسْمَاعِنَا وَأَبْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا أَحْبَبْتَ. وَاجْعَلْهَا
الْوَارِثَ مِنَّا. وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا. وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا. وَلَا
تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا. وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا وَلَا تَفْطِنْ عَلْمَنَا.
وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و این دعای جامع کاملی است و محضن جمیع مطالب دنیا و آخرت است.
و از جمله دهاهای این شب دعای کفیل است و چون این دعای شریف در شب های جمعه
بخواند می شود لهذا مناسب دیدم که بعد از این در اعمال شب جمعه آن را [در صفحه ۶۱۹]
ذکر کنم که عامی آن شب از فیض خواندن آن محروم نشود و فایده اش تمام تر باشد.

و بدان که روزه سه روز آخر ماه شعبان فضیلت بسیار دارد و شیخ صفری روایت کرده از
ابوالفضل عروبی که گفت: در جمعه آخر ماه شعبان به خدمت حضرت امام رضا^{علیه السلام} رفتم حضرت
فرمود که: ای ابوالفضل اکثر ماه شعبان رفت و این حسه آخر آن است. پس دلبرک و تلاقی کن
در آن چه در این ماه یافتی مانند است قصصها، که در تمام کلمات این ماه کرده ای و بر تو باد که رو
آری به آن چه نافع است برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مسجد

بسیار یکی و توبه کن به سوی حق تعالی از گناهان خود تا آن که چون ماه رمضان در آمد خالص گردانیده پاهای خود را از برای خدا و مگنار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آن که ادا کنی و مگنار در دل خود کینه کسی را مگر آن که بیرون کنی و مگنار گناهی را که می‌گرمای مگر آن که ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار اسود خود و هر که بر خدا توکل کند پس است او راه و بسیار بخوان در بقیه این ماه این دعا را: **اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفُورًا لَنَا فَمَا مَغْضَى مِنْ شُعْبَانَ فَأَغْفِرْ لَنَا فَمَا بَقِيَ مِنْهُ** به درستی که حق تعالی در این ماه آزاد می‌کند بندگیهای بسیاری را از آفتی جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان و شیخ طوسی و کلمه‌ای از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه رمضان می‌خوانند هر که خواهد رجوع کند به زندقه.

فصل سوم

در مختصری از اعمال ماه مبارک رمضان است

و در آن چهار مقام است:

مقام اول: در اعمال مشترکه این ماه شریف است

باید دانست که این ماه شریف بهرین ماهها است و نسبت به حق تعالی دارد اخبار بسیار در بیان فضیلت عبادت در این ماه و کثرت تلاوت قرآن و صدقات و اطعام دادن به روزه دوان وارد شده و کافی است در این مقام همان خطبه شریفه حضرت رسول ﷺ که در آخر ماه شعبان خوانند، و اگر بنابر مختصار ببرد در اینجا ذکر می‌نمودم لکن مقام را گنجایش ذکر نیست پس ذکر کنیم آن چه مناسب رساله است.

و بدانی که اعمال مشترکه این ماه شریف بر چهار قسم است:

قسم اول: اعمالی است که در هر شب و روز این ماه بجا آورده می‌شود

و آن‌ها چند امر است:

اول: سید این طابوسی از حضرت صادق و کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمودند: می‌خوانی در تمام شهر رمضان بعد از هر نماز فریضه

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَيْجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا أَبْقَيْتَنِي
 فِي بَيْتِكَ وَعَافِيَةٍ وَسَعَةٍ بِرِزْقِكَ وَلَا تُخْلِنِي مِنْ بِلَدِكَ الْمَوَاقِبِ الْكَرِيمَةِ
 وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي جَمِيعِ
 حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَكُنْ لِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيمَا تُقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ
 الْأَمْرِ الْمَحْتَوَمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُؤَدَّى وَلَا يُبَدَّلُ. أَنْ
 تُكْتَبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتَهُمْ. وَ الْمَشْكُورِ سَعْيَتَهُمْ.
 الْمَغْفُورِ ذُنُوبَهُمْ. الْمَكْفُورِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ. وَاجْعَلْ فِيمَا تُقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ
 تُطِيلَ عُمْرِي. وَتُوسِّعَ عَلَيَّ رِزْقِي. وَتُوَفِّيَ غَنِي أَمَانَتِي وَذِمَّتِي. آمِينَ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ.

دعای بعد از هر نماز

سوم. دعایی است که سید ابی طاووس بعد از روایت سابقه ذکر نموده، چنانچه گفته و
 می خوانی عقب هر سازی در ماه رمضان در شب و روز این دعا را

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمَ. يَا غَوُورَ يَا رَحِيمَ. أَنْتَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ
 شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. وَهَذَا شَهْرُ عَظَمَتِكَ وَكَرَمَتِكَ وَشَرَفَتِكَ وَفَضْلَتِكَ
 عَلَى الشُّهُورِ. وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي فَرَضْتَ صِيَامَهُ عَلَيَّ. وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ
 الَّذِي أُنزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ حَقَّقَ لِلنَّاسِ وَبَيَّنَّاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ.
 وَجَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ. وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ أَجْلِ شَهْرِهِ لِيَأْتِيَ الْقُرْآنَ وَلَا
 يَمُرُّ عَلَيْكَ مَنْ عَلَيَّ بِفَكَالِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ تَمُرُّ عَلَيْهِ. وَأَذْجَلِي
 الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سوم. دعایی است که شیخ کفعمی در بلد القمین و شیخ شهید در مجمره بخود از
 حضرت رسول ﷺ نقل کرده اند که آن حضرت فرمود: «هر که این دعا را در ماه رمضان بعد از هر

سار و اجبی بخواند حق تعالی بیامرزد گناهان او را تا دور قیامت. و دعا این است:

اللَّهُمَّ أَذِجِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ الشُّرُوزَ. اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ. اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ جَانِحٍ. اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غَرِيْبٍ. اللَّهُمَّ اقْصِرْ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ. اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ. اللَّهُمَّ رُدَّ كُلَّ غَرِيبٍ. اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ أَسِيرٍ. اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِّنْ أُمُورِ الْمُتَضَلِّينَ. اللَّهُمَّ اطْفِئْ كُلَّ مَرِيضٍ. اللَّهُمَّ سُدِّ قَفَرَنَا بِقِيَامِكَ. اللَّهُمَّ غَيِّرْ شَوْءَ حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ. اللَّهُمَّ اغْنِ عَنَّا الَّذِينَ وَاعَيْنَا مِنْ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و بدین که بهترین اعمال در شبها و روزهای ماه مبارک رمضان خواندن قرآن است و بسیار باید خواند چه آن که قرآن در این ماه نازل شده است و ولود شده که هر چوری را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است و در ماههای دیگر ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است، و در ماه رمضان در هر سه روز یک ختم سنت است و اگر روزی یک ختم تواند بکند خوب است، و در حدیث است که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم قرآن و روزه می کردند، و اگر نوبت هر ختم قرآنی را به روح مقدس یکی از چهارده معصوم علیهم السلام هدیه کند نوابش مضاعف گردد، و از روایح ظاهر می شود که اجر چنین کسی آن است که با ایشان باشد در روز قیامت، و در این ماه دعا و صلوات و انتظار بسیار باید نمود وَلا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بسیار باید گفت و اهتمام به عبادت و نادمه های شب و روز بسیار باید کرد.

اعمال هر شب ماه رمضان

کسم دوام اعمالی است که در شبهای ماه رمضان باید بجا آورد و آن ها چند چیز است:

اول انتظار است و مستحب است که انتظار بعد از نماز شود مگر آن که ضعف غالب شده باشد یا جمعی منتظر او باشند، و سنت است خواندن این دعا در وقت انتظار: يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ

و خواندن این دعا بر مستحب است **اللَّهُمَّ لَكَ صُحْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ**
وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ

و روایت شده که هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستحبی هست پس باید در قلعه اول بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْغَفِيرَةِ اغْفِرْ لِي**
و خواندن سوره **بَاقَا أَنْزَلْنَاهُ** در وقت افطار در وقت صبح خوردن ثواب عظیم دارد و باید آن چیزی که بر آن افطار می کنی پاکیزه باشد از محرّمات و شبهات و اگر خرما باشد بسیار خوب است و حضرت رسول **ﷺ** افطار می فرموده بر خرما و آب یا بر رطب و آب افطار می فرموده و افطار بر آب نیم گرم نیر خوب است و از برای آن فرمودی ذکر شده است.
و سزاوار است آن که در وقت افطار صدق کنی و افطار معنی روزه داری را اگر چه به چند ناله خرما یا شربت آب باشد.

نوم، در هر شب مستحب است خواندن هزار مرتبه سوره **بَاقَا أَنْزَلْنَاهُ** و خواندن صد مرتبه سوره **«حَمْدِ دُخَانِ»** اگر بهتر شود.

سوم غسل کردن در شب های ماه رمضان است علامه مجلسی فرموده: در شب های طاق ماه مبارک غسل سنت است خصوصاً شب اول و یازدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و در دهه آخر در شب های چفت بر غسل سنت است خصوصاً شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است.

چهارم: خواندن این دعا است در هر شب بعد از این طابوس به سند معتبر روایت کرده از بعضی آل محمّد **ﷺ** که: «هر که در هر شب این ماه مبارک این دعا را بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود» **اللَّهُمَّ زِبْ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَتَرَكْتُ فِيهِ الْقُرْآنَ وَافْتَرَضْتُ عَلَى عِبَادِكَ فِيهِ الصِّيَامَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْزِلْنِي حَيْثُ يَبْتَغِي الْحَرَامُ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَأَغْفِرْ لِي تِلْكَ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ يَا رَحْمَنُ يَا عَلَّامُ**

دعای افتتاح

پنجم: خواندن دعای مشهور به افتتاح اسم علامه مجلسی **ﷺ** در زادالسطح فرموده و به سند معتبر از حضرت صاحب الامر **ﷺ** منقول است که به حیجان نوشتند که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا بخوانند که دعای این ماه را ملائکه می خوانند و برای صاحبش استغفار می کنند.

مع ایں الہ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدَّدٌ لِلصَّوَابِ بِمِلْكِكَ وَأَيَّدْتَ
 أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدَّ الْمُعَاقِبِينَ فِي
 مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنُّقْمَةِ وَأَعْظَمَ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ
 اللَّهُمَّ الْإِنْسَانُ لِي فِي دُعَايِكَ وَمَسْأَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِذْحَتِي وَأَجِبْ
 يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي فَكُنْ يَا إِلَهِي مِنْ كَرَمَةِ قُدْرَتِكَ
 وَمُحُومٌ قُدْرَتِكَ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قُدْرَتِكَ أَقْلَتَهَا وَرَحْمَةٍ قُدْرَتِكَ نَشَرْتَهَا
 وَخَلْقَةٍ قُدْرَتِكَ بَلَّغْتَهَا فَكَلَّمْتَهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
 وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ تَعَالِيهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُصَادَقَةَ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَازَعَةَ لَهُ فِي
 لِقَائِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَةَ لَهُ
 فِي عَظَمَتِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْخَاشِعِ فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَخِصْمُهُ الشَّاهِدِ بِالْكَرَمِ
 مُجْتَنِبِ الْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدُهُ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ
 الْمَطَامِ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا إِنَّهُ هُوَ الْغَرِيرُ الْوَهَّابُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ
 قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ وَسِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ
 ذُنُوبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي وَسَتْرَكَ عَنِّي فَهَبْ
 عَمَلِي وَجَلِّمْكَ عَنْ كَثِيرِ جُزْئِي عِنْدَمَا كَانَ مِنْ خَطَايَا وَغَمَمِي أَطْفِئْ
 لِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرِيسْتِي
 مِنْ قُلُوبِكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ أَتَعُوكَ أَيْمَاءً وَأَسْأَلَكَ

مُسْتَأْسِأً . لَا خَائِفًا وَلَا وَجَلًا . مَدَلًا عَلَيْكَ فِيمَا قَضَيْتَ فِيهِ إِلَيْكَ . فَإِنْ
 اِنطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِبَهْلِي عَلَيْكَ . وَلَقَدْ اِنطَأَ عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي بِعِلْمِكَ
 بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ . فَلَمْ لَزَ مَوْلَى كَرِيمًا اَنْصَبَ عَلَى عَبْدٍ لَتَيْمٍ مِنْكَ عَلَيَّ
 بِأَرْبٍ . إِنَّكَ تَدْعُوْنِي فَأُولِيْ عَنكَ . وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَاتَبَغَّضَ إِلَيْكَ . وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ
 فَلَا أَكْبِرُ مِنْكَ . كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ . فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي .
 وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ . وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ . فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ
 وَجَدَّ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ . إِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٌ .

الْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ . مُجْرِي الْقُلُوبِ . مُنْجِي الرِّجَالِ . فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَبِإِنِّ الدِّينِ . رَبِّ الْمَالَمِينَ . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى جَلْوَةِ بَعْدِ جَلْوِهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 عَلَى غُلْوِهِ بَعْدَ غُلْوِيهِ . وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أُنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ . وَهُوَ قَابِضٌ
 عَلَى مَا يُرِيدُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِي الْخَلْقِ . بَاسِطِ الرِّزْقِ . فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . وَالتَّفَضُّلِ وَالْإِنْعَامِ . الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى . وَقُرْبِ قَشْدِ
 السُّجُونِ . ثَبَازِكَ وَتَعَالَى . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُعَارِجُ مُعَادِلُهُ . وَلَا شَبِيهُ
 يُشَاكِلُهُ . وَلَا ظَهِيرُ يُعَاضِدُهُ . فَهَرِ بِعِزَّتِهِ الْأَعَزَّادَةِ . وَتَوَاضَعِ لِغُظَمِيهِ الْعُظَمَاءِ .
 فَتَبَلَّغْ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ . وَنَسْتُرُ عَلَيَّ
 كُلَّ غَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ . وَيُعْظِمُ النُّفْخَةَ عَلَيَّ فَلَا أُجَارِيهِ . فَكَمْ مِنْ مُوْجِبَةٍ
 هَمِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي . وَغُظْمِيَّةٍ مَحْشُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي . وَبِهِجَةٍ مُوَفِّقَةٍ قَدْ أَرَانِي .
 فَاتَّقِنِي عَلَيْهِ حَامِدًا . وَادْكُرْهُ مُسَبِّحًا . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُفْنِكَ جَبَابُهُ . وَلَا
 يُغْلِقُ بَابَهُ . وَلَا يَزُدُّ سَائِلُهُ . وَلَا يَحْتَبِئُ آيِلُهُ . الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ
 الْخَائِبِينَ . وَيُنْجِي الصَّالِحِينَ . وَيَرْفَعُ الْمُسْتَطْعِقِينَ . وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ .

وَيَهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَحْلِفُ آخَرِينَ. وَالْحَمْدُ لَكَ قَاصِمِ الْفَجَّارِينَ. مُبِيرِ
الظَّالِمِينَ. مُدْرِكِ الْهَارِمِينَ. تَكَاثُرِ الظَّالِمِينَ. صَرْحِ الْمُسْتَظْرَعِينَ. مُوَصِّعِ
حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ. مُقْتَضِرِ الْمُؤْمِنِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرْعَدُ
السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا. وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَعُمْارُهَا. وَتَمْوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبِغُ فِي
غَمْرَاتِهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ. وَيَرْزُقْ وَلَا يَرْزُقْ. وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ.
وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى. وَهُوَ خَيْرُ لَا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَهْلِكَ وَصَفِيكَ وَخَلِيقِكَ.
وَجَبْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. وَحَافِظِ بَرَكَةِ وَمُبْلِغِ رِسَالَتِكَ. أَفْضَلِ وَأَحْسَنِ.
وَأَجْمَلِ وَأَكْمَلِ. وَأَرْكَئِ وَأَنْصِنِ. وَأَطْهَبِ وَأَطْهَرِ. وَأَسْنِ وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحُّنْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَقَنْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَعِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ. وَأَخِي رَسُولِكَ.
وَخَلِيقِكَ عَلَى خَلْقِكَ. وَأَيْتِكَ الْكَثِيرِ وَالنَّبِيَّ الْعَظِيمِ. وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ
الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزُّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي (أَسْمَى)
الرَّحْمَةِ وَامَامِي الْهَدْيِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلِّ
عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ. عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ. وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. وَجَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ. وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ. وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى. وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ. وَعَلِيِّ بْنِ
مُحَمَّدٍ. وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ. وَالْمَلِكِ الْهَادِي الْهَدْيِيِّ. خَلِيقِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

وَأَمَّا نِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً

اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَقَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَخَلِّفْ
بِمَلَانِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيِّدْ بِرُوحِ الْقُدُسِ يَارَبُّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ السَّامِعَ إِلَى كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفْتَ الْأَمِينَ مِنْ قَبْلِهِ مَكَرَ لَهُ دِينُهُ الْأَوَّلِي لِرِثْقَتِهِ لَهُ أَهْلُهُ مِنْ بَعْدِهِ
خَوْفِهِ أَمَّا بِغَيْرِكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئاً

اللَّهُمَّ أَمِيرَ وَأَعَزُّ بِهِ وَأَنْصَرُهُ وَأَشْجُرُ بِهِ وَالنَّصْرَةَ لَصْرًا عَزِيزًا وَالْفَتْحَ
لَهُ فَتَحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا اللَّهُمَّ أَطْهِرْ بِهِ
دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَنْتَحِلَ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَلْقِ صِحَابَةُ أَخِيهِ مِنَ
الْخَلْقِ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْجُو إِلَيْكَ فِي ذَوَلَةِ كَرِيمَةٍ نَجْرُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدُلُّ
بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ وَتَجْمَعُنَا فِيهَا مِنَ النُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى
سَبِيلِكَ وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَاهُ وَمَا فَضَرْنَا عَنْهُ فَجَلَّاهُ
اللَّهُمَّ أَلْمَمْ بِهِ شَقَشَاءَ وَاشْمَبْ بِهِ ضَمَعَاءَ وَارْتَقْ بِهِ قُضَاءَ وَكَثُرْ بِهِ
قِلْتَنَا وَأَغْرِزْ بِهِ ذُلَّتْنَا وَأَغْنِ بِهِ عَابِلَتْنَا وَاقْضِ بِهِ غِنَ مَغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ
فَقْرَنَا وَصُدِّ بِهِ حَلَّتْنَا وَنَشْرِ بِهِ عُسْرَنَا وَيَبُضْ بِهِ وَجُوهَنَا وَفُكْ بِهِ
أَسْرَنَا وَأَنْجِجْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدِنَا وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا
وَاعْطِنَا بِهِ سَوْلَنَا وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَمَانَتَنَا وَاعْطِنَا بِهِ فَوْقَ
رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمُسَوِّلِينَ وَلَوْ شِئَ الْمُضْطَرِّينَ أَشْفَبَ بِهِ صُدُورَنَا وَأَدْبَبَ بِهِ

عَظَمَ قُلُوبِنَا وَاهْبِئْنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ. إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ
تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَغَدُونَا إِلَى الْحَقِّ آمِينَ
اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ قَدْرَ نَيْبِنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْنَا وَآلِهِ. وَغِيثَةَ زَلِيلِنَا
وَكَثْرَةَ غَدُونِنَا. وَقَلَّةَ عَدَدِنَا. وَبُيُوتَ الْفِتَنِ بِنَاءً وَتَطَاهُرَ الرَّمَايِ عَلَيْنَا. فَصَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَاعِنَا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحِ يَدِكَ تُسَجِّلُهُ. وَيَضُرُّ تَكْشِفُهُ.
وَنَصْرٍ لِمَرْءِهِ. وَسُلْطَانٍ عَلَى ظَهْرِهِ. وَزَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا. وَعَافِيَةٍ مِنْكَ
تُلْبِسُنَاهَا. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و به سند مطهر بنكه صحيح از حضرت صادق علیه السلام منقول است كه در هر شب این دعا مبارك

این دعا را بخواند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيهَا تَقْصِي وَتَقْلُدُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُخْتَوِي فِي
الْأَمْرِ الْحَكِيمِ. مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَزُدُ وَلَا يُنْزِلُ. أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ
بَيْتِكَ الْحَرَامِ. الْمَمْرُورِ حُجَّتِهِمْ. الْمَشْكُورِ شَفَعَتِهِمْ. الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ. الْمَكْفَرِ
عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ. وَأَنْ تَجْعَلَ فِيهَا تَقْصِي وَتَقْلُدُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرِ
وَعَافِيَةٍ. وَتَوْشِيحٍ فِي رِزْقِي. وَتَجْعَلَنِي مِنْ تَتَجَمَّرُ بِهِ إِلَيْكَ. وَلَا تُسْتَبَدِّلُ
بِي خَيْرِي

و این دعاى عالیة الحسامین نیز در هر شب و در هر وقت که بخواهد

اللَّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا. وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْزُقْنَا. وَبِكَائِسٍ مِنْ
نَعِيمٍ مِنْ غَنِي سُلَيْمِيلَ فَأَسْقِنَا. وَمِنْ الْخَوَرِ لَعِينٍ بِرَحْمَتِكَ فَرُوحِنَا.
وَمِنْ الْوُدَّانِ الْمُحَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْ لَوْ مَكُونُونَ فَأَخْذِنَا. وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ
وَلَحُومِ الطَّيْرِ فَاطْعِنَا. وَمِنْ ثِيَابِ السُّنْسَنِ وَالْخَرِيرِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَالْبَسِنَا.

وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَخِجَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ مَعَ وَلِيِّكَ فَوْقَ لَنَا
وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَإِنَّا جَمَعْنَا الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا وَبِرَأْفَةٍ مِنَ النَّارِ فَارْحَمْنَا لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغْلِبْنَا وَفِي
عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِيْنَا وَفِي الرِّقَومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطَبِّعْنَا وَفِي
النَّشَاطِطِ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وَجْهِهَا فَلَا تَكْبُتْنَا وَفِي ثِيَابِ
النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطْرِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَفِي كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِسْمِ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَتَنْجَا.

کیفیت هزار رکعت نماز نافله ماه رمضان المبارک

بدان که از جمله چیزهایی که در شبهای ماه مبارک رمضان مستحب است بها آورده شود
هزار رکعت نماز است در تمام این ماه به ترتیبی که مذکور خواهد شد این شاء الله و این هزار
رکعت نماز نافله را روایت کرده اند مشایخ و اعظم علما در کتب خود و کمتر کتابی است که در
طه یا عبادت نوشته شده باشد و این نمازها در آن مذکور نباشد و استحباب آن مشهور، بلکه
اجماع بر آن نقل شده، و غیر تعجب می‌کنم از علامه مجلسی که چگونه در زاد المعاد ابرار
فرموده، یا آن که از برای شبهای ماه رمضان نمازهای دیگر نقل فرموده که به اعطاء خود آن
مرحوم غیر مطهر و از طریق عاتقه است، و به این جهت ظفر به ذکر همین هزار رکعت در این
مختصر قناعت می‌کند.

و اما کیفیت بها آوردن آن پس احادیث در این باب مختلف است و آن چه موافق روایت این
ای است از حضرت جواد علیه السلام و مختار شیخ مفید در کتاب تحف و تحریک بلکه مختار مشهور
است، آن است که، در دهه اول و دهه دوم ماه رمضان در هر شب بیست رکعت بخواند شود، هر دو
رکعت به یک سلام، به این طریق که هشت رکعت آن را بعد از نماز مغرب بخواند و دوازده رکعت
دیگر را بعد از عشا، و در دهه آخر در هر شب سی رکعت بخواند باز هشت رکعت آن را بعد از
نماز مغرب و بیست و دو رکعت دیگر را بعد از نماز عشا و مجموع این نمازها هفتصد رکعت
می‌شود، و باقی مانند را که سیصد رکعت باشد در شبهای قدر بخواند یعنی شب تورهیم صد
رکعت و شب بیست و یکم صد رکعت و شب بیست و سوم صد رکعت پس مجموع هزار

رکعت شود و به ترتیب دیگر نیز روایت شده و تفصیل کلام در صحت آنفقور است و این مقام را گنجایش بسط نیست و امید که لعل خیر در جمل به این هزار رکعت مبارک مسامحه و سهل انگاری نکرده، از فیض آن خود را بهره مند نمایند.

دعای مسرماه مبارک

قسم سوم، آداب مسرهای ماه مبارک رمضان است

بدان که از جمله آداب ماه رمضان بر ساختن در اوقات مسر و مسحور خوردن است. و از حضرت رسول ﷺ روایت شده که: «هرکي نكند است من مسحور خوردن را، اگرچه به يك دانۀ خرماي زبون باشد» و نیز فرموده که: «حق تعالى و ملائكه صلوات مي فرستند بر آن ها كه استغفار مي كنند در مسرها و مسحور مي خورند» پس مسحور بخورید اگرچه به يك شربت آب باشد، و بهترین مسحور قاروت^۱ است و خرما، و روایت شده که: «هرکي سورة «يٰسّا اُنزلناه» در وقت مسحور و در وقت افطار بخواند در ما بين اين دو حالت ثواب كسي داشته باشد كه در راه خدا شهيد شده باشد و در خون خود غلطیده باشد» و علما گفته اند که اگر تیت روزه را بعد از مسحور بکند بهتر است، و از اول شب تا آخر شب تیت می توان کرد و همین که می داند و قصد دارد که ببرد روزه می گیرد و از برای خدا می گیرد پس است.

دعای مسحور

و از برای مسر دعاهای بسیار روایت شده از آن جمله دعای حضرت امی جعفر ﷺ است، چنانچه می داند ابن طاووس به سند معتبر روایت کرده که: حضرت امام رضا ﷺ نوشت به ثوب بن یقطی که: «این دعایی است که حضرت امام محمد باقر ﷺ در مسرهای ماه رمضان می خواندند و بدوم فرموده که: حضرت امام محمد باقر ﷺ فرمودند که: اگر مردم بدانند عظم این دعا و نزد حق تعالى و سرعت اجابت آن را هر آینه به شمشیرها یا بکدیگر مفاظه کنند برای طلب این دعا، و اگر سوگند یاد کنم که اسم الله اعظم در این دعاست راست گفته ام».

پس چون این دعا را بخوانید به احتیاط و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و منافقان و مکذبین و جاحلین اهل بیت آن را ندارند از آن ها پنهان دارید و این دعا همان دعای مبارکه

۱ قاروت: نوعی خوراکی محلی است که در منطقه کرمان آن را به صورت نرد مصرف می کنند اصل این خوراکی محلی

اسم و دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَنْبَاءِهِ. وَكُلُّ بَهَائِكَ بِهَيَاءٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِبَهَائِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ. وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِأَجْلِهِ. وَكُلُّ جَلَالِكَ جَدِيلٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهَا. وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ. وَكُلُّ نُورِكَ نِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِنُورِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهَا. وَكُلُّ رَحْمَتِكَ وَاسِعَةٌ. اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمَاتِكَ بِأَتْمَمِهَا. وَكُلُّ كَلِمَاتِكَ تَامَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمَالِكَ بِأَكْمَلِهِ. وَكُلُّ كَمَالِكَ كَامِلٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِكَمَالِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ اِسْمَتِكَ بِأَكْثَرِهَا. وَكُلُّ اِسْمَانِكَ كَبِيرَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِاِسْمَانِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهَا. وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيمَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيئِكَ بِأَفْصَحِهَا. وَكُلَّ خَشْيَتِكَ مَحِيئَةً. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَشِيئَتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِأَقْوَمِهَا. فَبِمَا اسْتَطَلَّتْ بِهَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
وَكُلَّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْقَرِهِ. وَكُلَّ عِلْمِكَ نَفْذِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِعِلْمِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْصَادِهِ. وَكُلَّ قَوْلِكَ زَمِيرِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِقَوْلِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَسَائِكَ بِأَحْيَا إِلَيْكَ. وَكُلِّهَا. إِلَيْكَ خَبِيئَةً.
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَسَائِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ. وَكُلَّ شَرَفِكَ شَرِيفِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطَانِكَ بِأَقْوَمِهِ. وَكُلَّ سُلْطَانِكَ دَائِمِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْضَرِهِ. وَكُلَّ مُلْكِكَ فَاحِشِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عُلُوِّكَ بِأَعْلَاهُ. وَكُلَّ عُلُوِّكَ عَالِيهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَلْقِكَ بِأَقْنَمِهِ. وَكُلَّ خَلْقِكَ قَدِيمِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
بِخَلْقِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيَاتِكَ بِأَكْرَمِهَا. وَكُلِّ آيَاتِكَ تَكْرِمَةً. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ كُلِّهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنَ الشَّانِ وَالْجَبْرُوتِ. وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَخَلْقَةٍ وَجَبْرُوتٍ وَخَلْقَةٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي حِينَ أَسْأَلُكَ. فَأَجِبْنِي يَا اللَّهُ. فَأَقْبَلْ مِنِّي كُلَّهَا وَكُلَّهَا.

و بهای غافل من گنا و گنا حاجت خود را ذکر می‌کسی که عطا می‌شود این شاء الله تعالی.

دعای ابرو حمزه ثمالی

و از جمله ادعیه مشهوره سحر، دعای است که شیخ طوسی و دیگران در ابرو حمزه ثمالی روایت کرده‌اند که حضرت امام زین العابدین (ع) در شبهای ماه رمضان اکثر شبها و سحر می‌کردند و چون سحر می‌شد این دعا را می‌خواندند:

اللَّهُمَّ لَا تُؤْخِذْنِي بِمَقْصُودِيكَ. وَلَا تَمَكِّزْ بِي فِي حِيلَتِكَ. مِنْ أَنِّي لِي الْغَيْرُ يَارَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ. وَمِنْ أَنِّي لِي النِّجَاءُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ. لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَشْفَى عَنْ غَوْلِكَ وَرَحْمَتِكَ. وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُزِدْكَ حَزْجًا عَنْ قُدْرَتِكَ. يَارَبِّ يَارَبِّ أَتَقْدِرُ بِكَرْدِكَ لِمَنْ مَنَعَ نَوَامِيكَ عَنْ قُدْرَتِكَ. وَأَنْتَ ذَلَّلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ. وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَتْرِ مَا أَتَيْتُ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَجَبَّيْنِي وَإِنْ كُنْتُ بِهَيْلَتَا حِينَ يَذْخُونِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بِهَيْلَا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ إِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ إِسْرِي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَجَبَّيْنِي لِي حَاجَتِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ. وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَزَجُوهُ وَلَا

أَرْجُو غَيْرَهُ. وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي. وَالْعَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي
إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي. وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّبُونِي. وَالْعَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ
إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَلَيَّ. وَالْعَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ عَنِّي حَتَّى كَانِي لَا دَسَّ لِي.
فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَاحَقُّ بِخُدَيَّ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْمَطْلَبَ إِلَيْكَ مُسْرَعَةً. وَمَسَاجِدَ الرُّجَاءِ إِلَيْكَ
مُسْرَعَةً. وَالْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً. وَلِهَوَايَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ
لِلضَّارِّهِينَ مَفْتُوحَةً. وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلزَّاجِرِينَ بِمَوْضِعِ إِبَابَةٍ. وَلِلْمُتَلَوِّينَ
بِمَرْصَدِ إِطَائَةٍ. وَأَنَّ فِي النَّهَبِ إِلَى جُودِكَ وَالرَّسَا بِقَضَائِكَ يَوْصًا مِنْ مَنَعَ
الْبَاجِلِينَ. وَمُنْتَوَخَةً عَنَّا فِي الْيَدِي الْمُتَنَائِلِينَ. وَأَنَّ الرَّاجِلَ إِلَيْكَ قَرِيبٌ
الْمُسَافَةِ. وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ " تَحْبِبَهُمُ الْآمَالُ " فَوَيْلٌ لَكَ
وَقَدْ قَضَيْتَ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي. وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي. وَجَعَلْتَ بَكَ
اسْتِغَاثَتِي^١. وَبِدُعَائِكَ تَوَلَّيْتُ. مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ لِاسْتِجَاعِكَ مِنِّي وَلَا
اسْتِجَابٍ لِقَوْلِكَ عَنِّي. بَلْ بَقِيَّتِي بِكَرَمِكَ. وَشُكْرِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ.
وَلَجَشِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ. وَتَهْنِئِي^٢ بِمَغْرَبَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا زَبَّ لِي
لِحُزْنِكَ. وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ. «وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا». وَلَيْسَ مِنْ صِعَابِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالشُّوَالِ
وَتَمْنَحَ الْمُطْلِقَةَ. وَأَنْتَ الْفَتَانُ بِالْمَطْلِبَاتِ^٣ عَلَى أَهْلِ مَخْلُوقَتِكَ. وَالْعَائِدُ
عَلَيْهِمْ بِتَحْتِنِ زَأْفَتِكَ. هِيَ رَيْتِي فِي نَفْسِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَتَوَهَّتِ

١. لأعذل الشبهة ع. ل.

٢. وتقي ع. ل.

١. وفكك دعيتهم ع. ل.

٣. استغاثتي ع. ل.

٤. بالانقلاب ع. ل.

يَا سَمِي كَبِيرًا. قِيَا مِنْ رِيَانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَقْصِيهِ وَيَعْمِيهِ. وَأَشَارَ لِي
فِي الْآخِرَةِ إِلَى جُودِهِ. وَكَرَّمَهُ. مَقْرَعِي بِأَمْوَالِي فَتَنِي "عَلَيْكَ. وَحَبِي
لَكَ شَعْبِي إِلَيْكَ. وَأَنَا وَاقٍ مِنْ تَكْلِي بِدَلَالَتِكَ. وَسَاكِنٌ مِنْ شَعْبِي إِلَى
شُعَابَتِكَ.

أَدْعُوكَ يَا سَمِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَجَهُ ذَنْبُهُ. رَبِّ أُنَاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَزْوَغَهُ
جُرْمُهُ. أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاجِيًا رَاجِيًا حَاقِقًا. إِذَا زَايْتُ مَوَالِي ذُنُوبِي
فَارْغَمْتُ. وَإِذَا زَايْتُ كَرَمَكَ "طَمَعْتُ. فَإِنَّ غَفُوتَ "غَضِبُ رَاجِمٍ. وَإِنْ
غَدَبْتُ فَغَيْرُ ظَالِمٍ. حُبَّتِي يَا أَلَلَّةُ فِي جُزَائِي عَلَى مَسَائِلِكَ مَعَ إِيَّاي "مَا
تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ. وَغَدَتِي فِي شِمْتِي مَعَ قِلَّةِ خِيَانِي "زَالَتْكَ
وَزَحْمَتُكَ. وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُغَيِّبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُسَيِّ "لَحَقَقُ
رَجَائِي وَاسْتَخْتُ دُعَائِي. يَا خَيْرَ مَنْ دَعَا دَاعٍ. وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَا رَاجٍ. عَظُمَ
يَا سَمِي أَتْلِي وَسَاءَ غَفْلِي فَأَغْطِي مِنْ غَفْوِكَ بِمُقَدَّارِ أَتْلِي. وَلَا تُؤَاخِذْنِي
بِسُوءِ غَفْلِي. فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجْعَلُ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُتَعَبِّينَ. وَجَلَمَكَ يَكْتُمُ عَنْ
مُكَادَاةِ الْمُقْصِرِينَ. وَأَنَا يَا سَمِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ. هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَجَرِّدٌ
مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَنْ أَحْسَنِ بَلَدٍ ظَنَّا. وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي .
هَبْنِي بِفَضْلِكَ. وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِسُوءِكَ. أَيْ رَبِّ جَلَلْتَنِي بِسُوءِكَ. وَغَفَّ عَنْ
تُوبَتِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ. فَلَمَّا اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي عَمِرْتُ مَا عَمَلْتُهُ. وَلَوْ جِئْتُ
تُجْبِلُ الْمُتُوبَةَ لِأَجْتَنِبَتُهُ. لَا لِأَنَّكَ أَهْوَى النَّاجِرِينَ إِلَيَّ. وَأَخَفَّ الْمُطِيعِينَ

١ دَعَا خ ل

٢ غَفُوتُ خ ل

٣ سَوِيَّتِي خ ل

٤ عَمِيهِ خ ل

٥ غَفُوتُ خ ل

٦ إِيَّائِي خ ل

٧ صَدَّقَ عَلَى مُعْتَدٍ وَأَيُّ شَيْءٍ وَحَقَّقَ مَعَهُ الْإِلَاح

عَلَيْهِ . بَلْ لَأَنَّكَ يَا رَبَّ خَيْرُ السَّائِبِينَ وَأَحْكَمُ الْعَاكِمِينَ^(١) وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ .
 سَتَارُ الْعُيُوبِ غَطَارُ الذُّنُوبِ غَلَامُ الْعُيُوبِ . قَسَتْهُ الذَّنْبُ بِكَرَمِكَ . وَتَوَخَّرُ
 الْعُقُوبَةُ بِعِلْمِكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَلْوِكَ بِمَدِّ عِلْمِكَ . وَعَلَى عَفْوِكَ بِخَدِّ
 قُدْرَتِكَ وَبِعَظَمَتِي وَبِجَوَّشِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ جِلْمَكَ عَلَيَّ . وَتَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ
 الْحَيَاءِ سَتْرَكَ عَلَيَّ . وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوَتُّبِ عَلَى مَعَارِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ
 رَحْمَتِكَ وَعَظَمِ عَفْوِكَ . يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ . يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا عَافِرَ الذُّنُوبِ
 يَا قَابِلَ التَّوْبِ . يَا عَظِيمَ الْعَرْ . يَا قَدِيمَ^(٢) الْإِحْسَانِ . أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَمِيلُ؟ أَيْنَ
 عَفْوُكَ الْجَلِيلُ؟ أَيْنَ فَرْجُكَ الْقَرِيبُ؟ أَيْنَ عِيَانُكَ السَّرِيعُ؟ أَيْنَ رَحْمَتُكَ
 الْوَاسِعَةُ؟ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ؟ أَيْنَ مَوَاجِدُكَ الْهَيْبَةُ؟ أَيْنَ مَسَائِدُكَ الشَّيْخَةُ؟
 أَيْنَ قُدْرَتُكَ الْعَظِيمُ؟ أَيْنَ مَتْنُكَ الْجَسِيمُ؟ أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ؟ أَيْنَ كَرَمُكَ
 يَا كَرِيمُ؟ بِهِ وَيُحْمَلُو وَآلِي مُصْنَعِيهِ فَاسْتَنْقِذْنِي . وَبِرَحْمَتِكَ فَحَلِّصْنِي .
 يَا مُخْبِرُ يَا مُجَوِّلُ . يَا مُنِيبُ يَا مُفْضِلُ^(٣) . لَسْتُ أَتَكَلَّلُ فِي النِّجَاحِ مِنْ عِقَابِكَ
 عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا . لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفُورَةِ . تُبْدُونَ^(٤)
 بِالْإِحْسَانِ بِنِعْمًا . وَتَغْفُو عَنْ الذَّنْبِ كَرَمًا . فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ؟ أَجْمِيلُ مَا
 تَنْشُرُ . أَمْ قَبِيحُ مَا تَسْتُرُ . أَمْ عَظِيمُ مَا أَهْلَيْتَ وَلَوْلَيْتَ . أَمْ كَثِيرُ مَا مَنَعْتَ
 نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؟ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحْبِبُ إِلَيْكَ^(٥) . وَيَا قُوَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَا دَبَّكَ^(٦)
 وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ^(٧) . أَنْتَ الْمُخْبِرُ وَتَحْرُ الْقُصِيُّوْنَ . فَتَجَاوَزُ يَا رَبُّ عَنْ قَبِيحِ مَا
 جَنَدْنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ . وَأَيُّ جَهْلِ يَا رَبُّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ؟ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ

١ يا عظيم الخلقين ع ل

٢ يا عظيم ع ل

٣ يا عظيم ع ل

٤ يا عظيم الخلقين ع ل

٥ يا عظيم ع ل

٦ يا عظيم ع ل

٧ يا عظيم ع ل

أَطُولُ مِنْ أَمَانِكَ؟ وَمَا قَدَرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنبِ نِعْمَتِكَ؟ وَكَيْفَ نَسْتَكْتَبُ أَعْمَالَ
تَقَابُلُ بِهَا كَرَمَتِكَ؟ بَلْ كَيْفَ يَصْبِقُ عَلَى الْمُتَلَبِّينَ مَا وَصَفَهُمْ^(۱) مِنْ رَحْمَتِكَ؟
يَا وَاسِعَ الْمَغْفُورَةِ. يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ. فَوَيْعَتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ أَنْتَهَرْتُ مَا
بِرَحْمَتٍ مِنْ بَابِكَ. وَلَا كَفَلْتُ عَنْ تَعَلُّقِكَ. لِمَا أَنْتَ بِلِيٍّ مِنَ الْمَغْفُورَةِ بِجُودِكَ
وَكَرَمِكَ. وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ. تُعَلِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ. وَتَرْخِمُ
مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ. وَلَا تُسَالُ عَنْ لِفْعَلِكَ. وَلَا تُنَارِعُ فِي
مُلْكِكَ. وَلَا تُشَارِكُ فِي امْرُوكَ. وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ. وَلَا يُنْقِرُ غَلَبَتِكَ
أَحَدٌ فِي تَذْيِيقِكَ ذِكْ الْخَلْقِ وَالْأَمْرِ^(۲). تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

يَا رَبُّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَدُنْكَ وَاسْتِجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْفِ إِحْسَانِكَ
وَبِعَمَلِكَ. وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَصِيقُ غَطُوكَ. وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ. وَلَا تَهْرُ
رَحْمَتِكَ. وَقَدْ تَوَقَّعْنَا مِنْكَ بِالْمُفْجِ الْغَدِيمِ وَالْقَطْرِ الْخَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ
الْوَاسِعَةِ. الْفَرَاكُ يَا رَبُّ تُعَلِّبُ ظَنُونَا لَوْ تُعَلِّبُ آمَانَنَا؟ كَلَّا يَا كَرِيمُ.
فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا بِكَ. وَلَا هَذَا ظَنُّنَا فَيْكَ. يَا رَبُّ إِنْ لَنَا فَيْكَ أَصْلًا
طَوِيلًا كَثِيرًا. إِنْ لَنَا فَيْكَ رَجَاءٌ عَظِيمًا. غَمُوتًا وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ نُسْتَرْ
عَلَيْنَا. وَدَعْوَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا. فَسَقَى رَجَاءُنَا يَا مَوْلَانَا.
فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا. وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَهَلْنَا بِأَنَّكَ لَا
تُسْرِفُنَا عَنْكَ. حَقًّا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ. وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ
فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُتَلَبِّينَ بِفَضْلِ سَمَتِكَ. فَأَسْنُ عَلَيْنَا بِمَا
أَنْتَ أَهْلُهُ. وَجَدْنَا عَلَيْنَا فَإِنَّا مُخْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ

۱ حاد مقلد ح ل

۲ بجا کت یا رب العالمین أنت بمنى الخالقین ورب العالمین سعة الخالق

یا غفار بِتُورِكَ اَسْتَعِیْنُا. وَبِفَضْلِكَ اَسْتَعِیْنُا. وَبِسِعْمَتِكَ ^١ اَصْبَحْنَا
وَأَمْسَيْنَا. فُؤُونا بِنَیْزِ یَدِیْكَ نَسْتَغْفِرُكَ مِنْهَا وَنَتُوبُ إِلَیْكَ. تَصَحَّبُ إِلَیْنا
بِالنَّعْمِ وَتُعَارِضُكَ بِالنُّوبِ. خَیْرُكَ إِلَیْنا نازلٌ وَشَرُّنا إِلَیْكَ صاعدٌ. وَنَمُ
یَرُلُ وَلَا یَرُلُ مَلَكُ كَرِیْمٌ یَأْتِیْكَ عَنا فِی كُلِّ یَوْمٍ بِعَمَلِ قَبِیْحٍ. فَلَا یَنْتَعِزُكَ
ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنا بِبِرِّعَتِكَ وَتَنْقُضَ عَلَیْنا بِإِلَیْكَ. فَسُبْحانَكَ ما أَخْلَقَكَ
وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبِیْنًا وَمُعِیدًا. تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ. وَكَرَّمَ
سَنابُطُكَ وَفِعْالُكَ. أَنْتَ اِلهِی تَوْسِعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ جِلْفاً مِنْ أَنْ تُقَابِسَنِی
بِخَطِیِّ وَخَطِیَّتِی. فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ اَعْفُوه سَیِّئِی سَیِّئِی.

اللَّهُمَّ اشْفِنا بِذِكْرِكَ. وَأَعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ. وَأَجِرْنَا مِنْ عَذابِكَ. وَارْزُقْنَا
مِنْ قَوامِیْكَ. وَأَنْعِمْ عَلَیْنا مِنْ فَضْلِكَ. وَارْزُقْنَا حَیْجَ بَیْتِكَ وَبِیَارَةَ قَبْرِ
نَبِیِّكَ صَلَواتُكَ وَمَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَرِضوانُكَ عَلَیْهِ وَعلیٰ أَهْلِ
بَیْتِهِ إِنَّكَ لَرِیْبُ مُجِیْبٌ. وَارْزُقْنَا عَمَلاً بِطاعَتِكَ. وَثَوفاً عِلیٰ مِلَّتِكَ وَسُلَّةَ
نَبِیِّكَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ^٢ وَالْجِزْ لِي وَلِوَالِدَیْ وَارْحَمْهُما كَمَا
رَبَّیْتَنِی صَغِیراً. وَاجْرِهما بِالْإِحْسانِ إِحْساناً وَبِالشِّیْئَتِ غُفْراً.
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. وَالْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ. الْأَحْیاءِ مِنْهُمْ
وَالْأَمْواتِ. تَابِعْ بَیْتَنَا وَبَیْتَهُمْ بِالْحَبِیْرَةِ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِخَیْنا وَمَیِّتِنا. وَشاهِدِنا وَعائِیْنا. ذَكْرِنا وَأُنْثانا. صَغِیرِنا
وَکَبِیرِنا. حُرْنا وَمَمْلُوکِنا ^٣. کَلِّبْتَ الْعادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلالاً بَهِیداً

٢ وَآلِ مُحَمَّدٍ

٣ وَغُفْراً

وَصِیْلَتِهِ

وَاللَّهِ

وَحَسْبُوا حُسْرَانًا مُبِينًا

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي بِخَيْرِهِ وَأَنْفُسِي مَا أَهْمُنِي
مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي. وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي. وَاجْعَلْ عَلَيَّ
مِنْكَ جَنَّةً وَاقِيَةً بَاقِيَةً. وَلَا تَقْلِبْنِي صَاحِبَ مَا أَتَعَمْتُ بِهِ عَلَيَّ. وَارْزُقْنِي
مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

اللَّهُمَّ وَاحْرُسْنِي بِخِرَاسَتِكَ. وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ. وَاكْلَأْنِي بِكَلاَمِكَ.
وَارْزُقْنِي حَيْثُ بَيْتِكَ الْحَرَامُ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ مَا أَبْقَيْتَنَاهُ
وَارْزُقْنِي زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْآيَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. وَلَا تُطْلِبْنِي بِأَرْبٍ مِنْ
تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اللَّهُمَّ وَتُبْ عَلَيَّ حَتَّى لَا
أُغْشِيكَ. وَابْقِنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَبَدًا مَا
أَبْقَيْتَنِي بِأَرْبِ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَيَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ
وَنَاجَيْتُكَ أَتَيْتُكَ عَلَيَّ نَعَامًا إِلَّا أَنَا ضَلَيْتُ. وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاةَكَ إِلَّا أَنَا
نَاجَيْتُكَ. وَمَالِي كُنْتُ قُلْتُ قَدْ صَلَّيْتُ سِرِّيَّتِي. وَفَرُبُّ مِنْ مَجَالِسِ
التَّوَابِينَ مَجْلِسِي. فَحَرَضْتُ لِي بِلَيْتَةٍ لَزَلْتُ لِحَمِيٍّ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ
جَنَّتِكَ؟ سَيِّدِي لَمَلِكٌ غَنَ بِأَبْكَ طَرَدْتَنِي. وَغَنَ جَنَّتِكَ لَحِيَّتِي. أَوْ
لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَجِدًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي. أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ
فَقَلْبَيْتَنِي. أَوْ لَمَلِكٌ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَافِرِينَ فَرَفَضْتَنِي. أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي
غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَتِكَ فَحَرَمْتَنِي. أَوْ لَعَلَّكَ قَعَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ
فَعَذَّبْتَنِي. أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا فِي الْغَائِلِينَ فَوْنَ رَحْمَتِكَ أَبْقَيْتَنِي. أَوْ

لَعَلَّكَ زَاهِي أَلْفَ مَجَالِسَ الْفُطَالِيْنَ قَبْلِيْ وَبَيْنَهُمْ حَلَّتِيْ . أَوْ لَعَلَّكَ نَمَّ
تُحِبُّ أَنْ تَسْمَعَ مُعَاتِيْ فَبَاغَدَتِيْ . أَوْ لَعَلَّكَ بِحُزْمِيْ " وَخَوَرَتِيْ كَأَقْيَتِيْ .
أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَاتِيْ بَيْنَكَ جَارَتِيْ . فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ
الْمُذْبِيحِيْنَ قَبْلِيْ . لِأَنَّ كَرَمَكَ - لِيْ رَبِّ - يَجْعَلُ عَنِ مُجَارَاةِ الْمُذْبِيحِيْنَ .
وَجَلَمَكَ يَكْتُمُ عَنِ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِيْنَ . وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ . هَارِبٌ مِنْكَ
إِلَيْكَ . مُتَجَرِّمٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْضَنَ بِكَ ظَنًّا .

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ لَهْلَأَ وَأَعْظَمُ جِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَابِسِيْ بِعَمَلِيْ . أَوْ أَنْ
تَسْتَرْكِيْ بِعَطِيَّتِيْ . وَمَا أَنَا بِمُسْلِمٍ وَمَا خَطَرِيْ . هَبْنِيْ بِفَضْلِكَ
يَا سَيِّدِيْ . وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ . وَجَلِّلْنِيْ بِسِتْرِكَ . وَاعْفُ عَنِّيْ تَوْبِيْخِيْ بِكَرَمِ
وَجْهِكَ . سَيِّدِيْ أَنَا الْمُسْخَرُ الَّذِيْ رَيْبَتُهُ . وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِيْ غَلَبَتْهُ . وَأَنَا
الضَّالُّ الَّذِيْ هَدَيْتُهُ . وَأَنَا الْفَوْضِيُّ الَّذِيْ رَفَعْتُهُ . وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِيْ أَحْنَيْتُهُ . وَأَنَا
الْجَانِحُ الَّذِيْ أَثْبَتْتُهُ . وَالْمَعْطَشَانُ الَّذِيْ أَرْوَيْتُهُ . وَالْعَارِي الَّذِيْ كَسَوْتُهُ .
وَالْقَمُورُ الَّذِيْ أَغْنَيْتُهُ . وَالضَّمِيمُ الَّذِيْ قَوَّيْتُهُ . وَالذَّلِيلُ الَّذِيْ أَعَزَّيْتُهُ . وَالسَّقِيمُ
الَّذِيْ شَفَيْتُهُ . وَالسَّائِلُ الَّذِيْ أَعْطَيْتُهُ . وَالْمُذْبِيحُ الَّذِيْ سَتَرْتُهُ . وَالْعَاجِلُ الَّذِي
أَقَلَّتُهُ . وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِيْ كَثَّرْتُهُ . وَالْمُسْتَخَفُّ الَّذِيْ نَصَرْتُهُ . وَأَنَا الطَّرِيدُ
الَّذِيْ أَوَيْتُهُ . فَذَلِكَ الْحَمْدُ .

وَأَنَا يَا رَبِّ الَّذِيْ لَمْ أَسْتَخْبِكَ فِي الْخَلَاءِ . وَلَمْ أُرَاقِبَكَ فِي الْغَلَاءِ . وَأَنَا
صَاحِبُ النُّوَاهِي الْعُظْمَى . أَنَا الَّذِيْ عَلَى سَيْدِي اجْتَرَأْتُ . أَنَا الَّذِيْ عَصَيْتُ
جَبَّارَ السَّمَاءِ . أَنَا الَّذِيْ أَغْلَيْتُ عَلَى عَمَامِي فَجَلَلِي الرُّشَى . أَنَا الَّذِيْ حِينَ
بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْرَى . أَنَا الَّذِيْ لَمْ هَلَنْتِيْ فَمَا أَرْغَوَيْتُ . وَشَتَرْتُ

عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ. وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَذَّبْتُ. وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا
بَالِيْتُ. فَيَجْلُوكَ أَهْلَانِي. وَيَسْتَرْكُ صَتْرَتَنِي. حَتَّى كَانَكَ أَغْفِلْتَنِي. وَمِنْ
عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَبَيْتَنِي. حَتَّى كَانَكَ اسْتَحْيَيْتَنِي.

إِلَهِي لَمْ أَصْبِكَ حِينَ خَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرَبِّيُوكَ جَاجِدٌ. وَلَا بِأَمْرِكَ
مُسْتَجِلٌ. وَلَا بِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ. وَلَا بِوَعْدِكَ مُتَهَوِّدٌ. وَلَكِنْ لِحُطِيئَةٍ
غَرَضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي. وَغَلَبَتْنِي هَوَايَ. وَأَعْلَانِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي. وَغَرَبِي
بِشْرَكَ الْمُرْغَضِ عَلَيَّ. فَقَدْ خَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِخُفْيَةٍ. فَلَا أَلَّانَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ
يَسْتَحْيِلُنِي؟ وَمِنْ أَيْدِي الْأَخْصَاءِ غَدًا مَنْ يُحْلُسُنِي؟ وَيَحْبِلُ مَنْ أَلْبَلُ إِنْ
أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي؟ فَوَاسْأَلْنَاهُ عَلَى مَا أَخْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَقْلِي. الَّذِي
لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسِعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِنِّي فِي الْقُوطِ لَقَطَعْتُ
عِنْدَمَا اتَذَكَّرْتُهُ. بِأَخِيْزٍ مِنْ دَعَاءٍ دَائِعٍ وَأَفْضَلٍ مِنْ رَجَاءٍ رَاجٍ.

اللَّهُمَّ بِبِعْمَةِ الْإِسْلَامِ اتَّوَسَّلُ إِلَيْكَ. وَبِخُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ.
وَبِخَبَرِ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ الْقُرْشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْقُرَيْنِيِّ النَّهْشَبِيِّ الْمَكِّيِّ الْحَدَثِيِّ الْأَرْجَوِ
الرُّفْقَةِ لَدَيْكَ. فَلَا تُوجِشْ اسْتِيْاسَ إِيْمَانِي. وَلَا تُجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ
غَبَدَ بِسِوَالِكَ. فَإِنْ قَوْمًا آمَنُوا بِالنَّسْتِمْ لِيَحْقُوقُوا بِهِ مَوَاعِيْمَ فَأَذَرَكُوا مَا
أَمَلُوا. وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ يَا بَسِيتِنَا وَقُلُوبِنَا لِنَعْفُو عَنْكَ. فَأَذَرَكْنَا بِمَا مَا أَثْلَمْنَا
وَنَبِئْتُ رَجَاكَ فِي صَلُوبِنَا. وَلَا تُرْخِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا. وَهَبْ لَنَا مِنْ
لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. فَوَجِعَتْكَ لَوْ اسْتَهْزَيْتَنِي مَا تَمَرَحْتُ مِنْ
بَابِكَ. وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ. إِمَّا أَتَمَّ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسِعَةِ
رَحْمَتِكَ. إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ. وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا

إلى حلقه

إلهي لو قَرَمْتَنِي بِالْأَسْفَادِ وَصَفَعْتَنِي شَيْتَکَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَذَلَلْتَ عَلَيَّ قَضَائِي عِيُونَ الْعِيَادِ وَلَقَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَحَلَلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتَ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا حَرَقْتَ وَجْهَ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ عَنْ قَلْبِي أَنَا لَا أَنْسَى أَيْادِيكَ عِندِي وَسَتَرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا

يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُسْتَظْفَرِ وَآلِهِ خَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتَمِ السُّبْحِينَ مُحَمَّدٍ صَلِّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي إِلَى قَرَجَةِ الثَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِثْ بِالْإِسْكَاءِ عَلَيَّ نَفْسِي فَقَدْ أَهْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَسَالِ عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مِنْ بَرَكَةِ الْأَيْسَرِ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَشْوَأَ حَالاً بَنِي إِنْ أَنَا تُجِلْتُ عَلَيَّ بِمِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِ لَمْ لَمْهَنَةٌ يَزِفْتَنِي وَلَمْ أَفْرِشُهُ بِالْفَعْلِ الصَّالِحِ لِتُجَبِّسَنِي وَمَا لِي لَا أَهْكَ وَلَا أَتَدِي إِلَى مَا يَكُونُ ضَعِيفِي وَأَرْغَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُحَابِلُنِي وَقَدْ حَلَفْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْتِئِدَ الْمَوْتَ فَمَا لِي لَا أَهْكَ؟ أَهْكَ بِخُرُوجِ نَفْسِي أَهْكَ بِظُلْمَةِ قَبْرِي أَهْكَ بِضَيْقِ نَحْيِي أَهْكَ بِسُؤَالِ مُتَكَبِّرٍ وَكَبِيرٍ إِنَائِي أَهْكَ بِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غَرْيَانَا قَلِيلًا حَامِلًا بِغُلِي عَلَيَّ ظَهْرِي أَنْظِرْ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِنْ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَانِ شَأْنٌ يَغْنِيهِمْ وَجُودُهُ يَوْمَانِ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَجُودُهُ يَوْمَانِ عَلَيْهَا غَبْرَةٌ تَرْحَمُهَا قَتْرَةٌ وَدَلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مُتَوَلِّي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعْلَمِي

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَشَاءٍ. وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُصِيبُ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ
مَا نَقَيْتَ مِنَ الشُّرُكِ قَلْبِي. وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ بِسُطِّ لِسَانِي. أَفَيْسَانِي هَذَا
الْكَأَلُ أَشْكُرُكَ. أَمْ بِعَايَةِ جَهَنِّي فِي عَمَلِي لَوْصُوكَ؟ وَمَا قَنْدَرُ لِسَانِي
يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ؟ وَمَا قَنْدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ يَمِينِكَ وَاحْسَايَكَ
الْيَوْمَ؟ إِلَّا أَنْ جُودَكَ يَنْسَطُ أَمَلِي. وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلِي.

سَهْدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي. وَوَسْكَ رَغْبَتِي. وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي. وَقَدْ سَأَلْتِي إِلَيْكَ
أَمَلِي. وَعَلَيْكَ يَا وَاجِدِي^١ عَكَّيْتُ جَهَنِّي. وَفِيهَا عَيْنُكَ انْتَسَطَتْ رَغْبَتِي.
وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي. وَبِكَ أَيْتَسْتُ مَعْبُوتِي. وَإِلَيْكَ أَقْبَيْتُ بَيْتِي.
وَبِخَبْلِ طَاعَتِكَ مَنَعْتُ رَهْبَتِي.

يَا مُؤَلَّيَّ بِكَرَمِكَ عَاشَ قَلْبِي. وَبِمُنَاجَاكَ تَرَفَّتْ أَلَمُ الْخَوْبِ عَنِّي. لَهَا
مُؤَلَّيَّ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤَالِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلِرُؤُوسِ
بَنِي وَبَيْنَ ذُرِّيِّ الْمَنَاجِيحِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ. فَإِنَّمَا أَشَأْنُكَ لِقَدِيمِ رَجَاءٍ^٢
فِيكَ^٣ وَخَوْفِي إِلَيْكَ. وَعَظِيمِ الْفَضْلِ مِنْكَ. أَلَسِي لَوْجَتُهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنْ
الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ. وَالْأَمْرِ لَكَ وَخَذْلِكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ حِيَالُكَ^٤
وَفِي لُبِّجَتِكَ. وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ. ثَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

إِلَهِي اارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي. وَكُلُّ غَرِّ جَوَابِكَ لِسَانِي. وَطَاشَ عِنْدَ
سُؤَالِكَ الْإِيَّايَ لَبِّي. لَهَا عَظِيمُ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَالَتِي^٥ إِلَيْكَ.
وَلَا تُرَدِّمِي بِجَهْلِي. وَلَا تَمْنَعْنِي قِلَّةَ صَبْرِي. وَأَعْطِنِي لِقَائِي. وَارْحَمْنِي
لِقَائِي.

١ يا واجد ل

٢ يا واجد ل

٣ عبادك ل

٤ عبادك ل

٥ جهالتی ل

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُقْتَضِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي . وَيَرْحَمَتِكَ لَعَلِّي .
وَبِعِزَّتِكَ أَسْأَلُ رَحْمَتِي . وَيَجُودَكَ لِقَضَائِي . وَيَكْرَمَكَ لِي رَبِّ اسْتَطِيعُ
دُعَائِي . وَلَذَلِكَ أَرْجُو فَاقْبَلْ مِنِّي . وَبِعِزَّتِكَ أَجْزُو عَيْلَتِي . وَتَحْتَ ظِلِّ غُفْوِكَ
لِيَأْسِي . وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ لَرْفَعُ بَقَرِي . وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أَدِيمُ نَقَرِي . فَلَا
تُخْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مُوجِبُ لِقَائِي . وَلَا تُشَكِّبْنِي الْهَوَايَةَ فَإِنَّكَ قَرَّةُ عَيْنِي .
يَا سَيِّدِي لَا تَكْذِبْ عَلَيَّ بِأَحْسَابِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ يَقْتِي وَرَجَائِي . وَلَا
تُخْرِقْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي . إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَتَمَّ
بِكُرْسِيِّ مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِغْتِرَافَ إِلَهَكَ بِذَنبِي وَسَائِلَ جَلِّي . إِلَهِي
إِنْ غَفَوْتُ لِمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْمَغْفُورِ؟ وَإِنْ عَذَّبْتُ لِمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْعُكْمِ؟
اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فِي خِلَةِ الدُّنْيَا غُرَّتِي . وَبَعْدَ الْمَوْتِ كُرْسِيَّ . وَفِي الْقَبْرِ
وَحَنَنِي . وَفِي الْخَلْقِ وَخَشْيَتِي . وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلِّي
تَوَكَّلِي . وَالْخُورَ لِي مَا حَفَنِي عَلَى الْآمِنِينَ مِنْ عَمَلِي . وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ
سَعَرْتَنِي . وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفُرَاقِ تَقْلُبِي أَيْدِي أَيْحَبِّي . وَتَقْطُلْ عَلَيَّ
مَمْدُوداً عَلَى الْمُخْطَلِ بِقُلُوبِي صَالِحَ جِيرَتِي . وَتَحْنُنْ عَلَيَّ مَحْضُولاً قَدْ
تَدَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِوَارَتِي . وَجُدْ عَلَيَّ مَقْضُولاً قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيداً فِي
خَلْقَتِي . وَارْحَمْنِي فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرَّتِي حَتَّى لَا اسْتَأْيَسَ بِغَيْرِكَ .
يَا سَيِّدِي فَإِنَّكَ إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكْتُ . سَيِّدِي فِيمَنْ اسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ
تُجَلِّسْ غُرَّتِي؟ وَإِلَى مَنْ أَلْزَعُ إِنْ قَدَدْتُ عِيَايَتَكَ فِي ضَجْمَتِي؟ وَإِلَى مَنْ
أَتَجَرُّ إِنْ لَمْ تُنْقِصْ كُرْسِيَّ؟ سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي؟
وَأَفْضَلُ مَنْ أُوْمَلُ إِنْ عَيْبَتْ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقْتِي؟ وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ

إذا انقضى آجلي؟

سَيِّدِي لَا تُعَلِّمْنِي وَأَنَا لِرَجْوِكَ إِلَهِي حَقَّقْ رَجَائِي وَأَمِّنْ خَوْفِي. فَإِنْ
كَثُرَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ. سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَجِبُ
وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاعْفُ لِي. وَأَلْبَسْنِي مِنْ نَقَرِكَ ثَوْبًا يُقْطَعُ
عَلَيَّ الذُّنُوبُ وَالصِّبَاةُ وَتَنْفِرُهَا لِي وَلَا أَطْلُبُ بِهَا. إِنَّكَ ذُو عَرْقٍ قَدِيمٍ
وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوِزٍ كَرِيمٍ.

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفْضِرُ سَيِّئَكَ عَلَى مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجَاغِدِينَ
بِرَأْوِيَّتِكَ. فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَأَيَّرَ أَنْ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ؟
تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

إِلَهِي وَسَيِّدِي. غَبْلَكَ بِبَابِكَ. أَلَامَتُهُ الْخُصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ. يَتَفَرَّغُ بِابٍ
إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ. وَتَسْتَغْفِلُ جَمِيعَ نَقَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجَائِهِ. فَلَا تُعْرِضْ
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي. وَأَقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ. فَقَدْ مَغَوْتُ بِهَذَا السَّعَاءِ. وَأَنَا
أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدَّنِي. مَغْرَفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ. إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا
يُحْفِلُكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ. أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَتَقُولُ مَا تَقُولُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ضَبْرًا جَمِيلًا. وَفَرْجًا قَرِيبًا. وَقَوْلًا سَائِقًا. وَاجْرَأَ
عَظِيمًا. أَسْأَلُكَ يَا رَبُّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. أَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ. يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ
مَنْ أُعْطِيَ. أَنْعِمْ لِي سَوْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي خِرَاتِي وَأَخْوَانِي
فِيكَ. وَارْغِذْ عَيْشِي. وَأَطْلِمْ مَرْوَتِي. وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي. وَاجْعَلْنِي بِمَنْ
أَطْلَتْ عَفْرَةُ. وَحَسُنَتْ عَمَلُهُ. وَاتَّعَنَتْ عَلَيْهِ بِمَعْنَتِكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ.
وَأَخْبِيْتَهُ حَيَاةَ طَيِّبَةً فِي لَيَالِي الشُّرُورِ. وَأَسْبَحَ الْكَرَامَةِ. وَأَتَمَّ الْعَيْشِ. إِنَّكَ

تَفْعَلْ مَا تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلْ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

اللَّهُمَّ وَخَصَّنِي بِكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْنًا مِمَّا اقْرَبُ بِهِ فِي
أَنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا. وَاجْعَلْنِي
لَكَ مِنَ الْعَاشِعِينَ

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ. وَالْأَمْنَ فِي الْوَلَدِ. وَثَرَّةَ الْقَبْرِ فِي الْآخِرِ
وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ. وَالْمَقَامَ فِي بَيْتِكَ عِنْدِي. وَالصَّحَّةَ فِي الْجَسْمِ. وَالْقُوَّةَ فِي
الْبَدَنِ. وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ. وَاسْتَقْوَمِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ
وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمْدًا مَا اسْتَغْفِرُنِي. وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ
عِبَادِكَ بِعَذَّةِ نَسِيْبٍ فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتَنْزَلُهُ " فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ
الْقَدْرِ. وَمَا أَنْتَ مُرِيْلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ. مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا. وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا
وَبَلِيَّةٍ تَنْفُثُهَا. وَخَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا. وَسَيِّئَاتٍ تَجَاوِزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حُجَّ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ. وَارْزُقْنِي بِزُقَا وَأَسْمَا مِنْ فَضْلِكَ
الْوَاسِعِ. وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَشْوَاءَ. وَأَقْبِرْ عَنَّا الدِّينَ وَالظَّلَامَاتِ حَتَّى
لَا أَتَأَلَّى بِشَيْءٍ مِنْهُ. وَحُدِّ عَنِّي بِأَسْمَاعِ أَهْلِي. وَأَنْصَارِ أَهْلِي. وَخُسَادِي.
وَالْبَاعِثِينَ عَلَيَّ. وَاسْزُرْنِي عَلَيْهِمْ. وَاقْرَأْ عَنِّي. وَحَقِّقْ ظَنِّي وَفَرِّجْ قَلْبِي.
وَاجْعَلْ لِي مِنْ عَنِّي وَكَزْبِي لِرَجَاءٍ وَمَخْرَجًا. وَاجْعَلْ مِنْ لِرَأْفَتِي بِسُوءِ مِنْ
جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ أَمْرِي. وَانْجِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ
عَمَلِي. وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا. وَاجْعَلْنِي مِنَ النَّارِ بِخَلْقِكَ. وَأَدْخِلْنِي
الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ. وَزَوِّجْنِي مِنَ الْخَيْرِ الْمَعْرِ بِفَضْلِكَ. وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ
الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَمْثَرِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

إِلَهِي وَسَيِّدِي ۝ وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لِيْنِ طَلَبْتَنِي بِذُلِّي ۝ لِأَطْلَيْتَكَ بِعَفْوِكَ ۝ وَلِيْنِ طَلَبْتَنِي بِذُلِّي لِأَطْلَيْتَكَ بِكَرَمِكَ ۝ وَلِيْنِ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْرِجَنِي أَهْلَ النَّارِ بِحَبْنِي لَكَ ۝

إِلَهِي وَسَيِّدِي ۝ إِنْ كُنْتُ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَاكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِنِّي مَنْ يَفْرُقُ الْمَذْيُوبُونَ ۝ وَإِنْ كُنْتُ لَا تَكْرُمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فِيمَنْ يَسْتَشْفِي الْمَسِيئُونَ ۝ إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُوءٌ عَنُوكَ ۝ وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذَلِكَ سُوءٌ نَبِيَّكَ ۝ وَأَنَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ سُوءَ نَبِيَّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُوءِ عَنُوكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ ۝ وَخَشْيَةً مِنْكَ ۝ وَتَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ ۝ وَإِيمَانًا بِكَ ۝ وَفِرْقًا مِنْكَ ۝ وَشَوْقًا إِلَيْكَ ۝ بِإِدَاةِ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۝ حُبُّنِي إِلَيْكَ بِقَاعِكَ وَأَحِبُّنِي بِقَاتِي ۝ وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ

اللَّهُمَّ الْيَقِني بِصَالِحٍ مِنْ نَعْمِنَ ۝ وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ يَقِي ۝ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ ۝ وَأَعِني عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَا تُرَدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَفْتَقَنْتَنِي مِنْهُ أَبَدًا ۝ وَاجْعَلْ عَمَلِي بِأَخْسِيَةِ ۝ وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ ۝ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَاجْعِني عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي وَتُبَّنِي وَلَا تُرَدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَفْتَقَنْتَنِي مِنْهُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ ۝ أَخِيْنِي مَا أَخِيْنِي

عَلَيْهِ . وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ . وَابْعَثْنِي^(١) إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ . وَابْرَأْ قَلْبِي
مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالشُّمَةِ فِي دِيكَ . حَتَّى يَكُونَ عَلَيَّ خَالِصاً لَكَ .
اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِصِيْرَةٍ فِي دِيكَ . وَقَهْماً فِي حُكْمِكَ . وَفَقْهاً فِي عِلْمِكَ .
وَكَفْلَانٍ مِنْ رَحْمَتِكَ . وَفَوْزاً بِخَيْرِنِي عَنْ مَحَبَّتِكَ . وَنَيْمٌ وَجْهِي
بِنُورِكَ . وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ . وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَغُلِّ مِلَّةَ رَسُولِكَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُتْلِ وَالْفَقْرِ . وَالْجُنُونِ وَالْجَبَنِ
وَالْبُخْلِ . وَالْفَقْلَةِ وَالْعُسُوفَةِ . وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكِنَةِ . وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ . وَكُلِّ بَلِيَّةٍ .
وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ . وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ . وَبَطْنٍ لَا
تُسَبِّحُ . وَقَلْبٍ لَا يَفْضَحُ . وَدُعَاءٍ لَا يُسْتَجَرُ . وَعَمَلٍ لَا يَنْتَفِعُ . وَصَلَاةٍ لَا
تُرْفَعُ . وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَوَلَدِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعٍ مَا
رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ . وَلَا أَحَدٌ مِنْ ذُوبِكَ مُلْتَحِداً . فَلَا
تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ . وَلَا تُرَدِّنِي بِهَلَكَةٍ . وَلَا تُرَدِّنِي بِعَذَابٍ
كَبِيرٍ

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي . وَأَخْلِ ذِكْرِي . وَارْفَعْ دَرَجَتِي . وَحُطِّ ذَنْبِي . وَلَا
تَذَكِّرْنِي بِخَطِيئَتِي . وَاجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِي وَثَوَابَ عَمَلِي وَثَوَابَ دُعَائِي
وَصَالَةَ عَنِّي وَالْجَنَّةَ . وَأَغْنِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ . وَرِنِي مِنْ لَذَائِكَ
إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمَغْفُورَ . وَأَمَرْتَنَا أَنْ نَغْفِرَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا . وَقَدْ

ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَغْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَى بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَزِدَ سَائِلًا
عَنْ آبَائِنَا وَلَقَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا فَلَا تُؤْتِنِي إِلَّا بِقَصَاءِ حَاجَتِي وَأَمَرْتَنَا
بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا خَلَقْتَ أَيْمَانُنَا وَمَعْنُ لِرِقَابُكَ فَأَغْفِرْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ
يَا مُلْزِعِي عِنْدَ كُرْسِيِّي وَيَا غَوَّثِي عِنْدَ شَيْئَتِي إِلَيْكَ قَرَعْتُ وَبِكَ
اسْتَفْضْتُ وَبِكَ لَذْتُ لَا أَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ فَأَجِبْنِي
وَلَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَقْطَعُ عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ
وَأَغْفِ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَتَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّ
لِي بِصِبْغَتِكَ إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِي مِنَ الْغَيْثِ بِمَا تَشَفَّعْتَ لِي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

قسم چهارم، دهای روزهای ماه مبارک رمضان است

بدان که از برای روزهای این ماه شریف دو نوع دعا روایت شده

نوع اول: دهایی است که مکرر می‌شود در هر روز، یعنی در هر روز ماه رمضان همان
دهای معین خوانده می‌شود، و این نوع دعا بسیار است و چون مقام را گنجایش ذکر آن‌ها نیست
فراغت می‌کنم به ذکر چند دهای متعبر منیر

بدان که سید ابن طاووس در کتاب القبال از کلیش نقل نموده دهای امام ریس العابدین علیه السلام را و
فرموده که روایات این دعا مختلف است به روایتی و کسی و ذکر نموده لفظ دعا را به بعضی روایات
و در آن روایت دعا طرلاتی است، و همچنین علامه مجلسی نقل نموده در فیه الصلوات دعا و بها
اختلاف کثیری با نسخه القبال و ما در اینجا نقل کردیم از نسخه صحیح خروج کلی که فعلاً در دست
هست و در این نسخه دعا چنان است که در متن ذکر کردیم

شیخ محدث جلیل صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب شریف کلیش در کتاب شریف کلیش در
حضرت امام ریس العابدین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در هر روز ماه رمضان این دعا را
می‌خواند: اللَّهُمَّ إِنَّ عِدَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَهَذَا شَهْرُ الصَّيَامِ وَهَذَا شَهْرُ

الْإِنَابَةِ • وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ • وَهَذَا شَهْرُ التَّغْفِيرَةِ وَالرَّحْمَةِ • وَهَذَا شَهْرُ الْوَسْطِ
مِنَ النَّارِ وَالْقُورِ بِالْجَنَّةِ • اللَّهُمَّ فَسَلِّمْ لِي وَتَسَلِّمْهُ بَنِي • وَأَجِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ
غُوثِكَ • وَوَقِّتْنِي فِيهِ لِطَاعَتِكَ • وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ
كِتَابِكَ • وَاعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَاتِ • وَأَخْضِرْ لِي فِيهِ الْعَاقِبَةَ • وَأَمِمْحْ لِي فِيهِ
بَدَنِي • وَأَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي • وَأَكْثِبْ فِيهِ مَا أَحَبَّنِي • وَامْتَحِبْ لِي فِيهِ دُعَائِي •
وَتَلَفْسِي فِيهِ رِجَائِي

اللَّهُمَّ انْجِبْ فِيهِ غِيَّ السُّلْطَانِ وَالْكِبَالَ وَالشَّامَةَ وَالْفُتْرَةَ وَالْقُسُوتَ
وَالْفَقْلَةَ وَالْغُرَّةَ • اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي فِيهِ لِمَلَلِ الْأَسْقَامِ وَالْمُتُومِ وَالْأَحْرَانِ •
وَالْأَغْرَاضِ وَالْأَضْرَاضِ • وَالْخَطَايَا وَالْمُنُوبِ • وَأَصْرِفْ عَنِّي فِيهِ الشُّوْءَ
وَالْمُخْشَاءَ • وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ • وَالتَّغَبَّ وَالْعَنَاءَ • إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ •
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ • وَخَيْرِهِ وَفَرْهِ • وَنَفْسِهِ وَنَجْوِهِ •
وَوَسْوَاسِهِ وَكَلْبِهِ • وَمَكْرِهِ وَجَنِّبِهِ • وَأَمَانِيهِ وَخُدْعِيهِ • وَخُرُوبِهِ وَفِتْنَتِيهِ •
وَزَجْلِهِ وَشُرْكِهِ • وَأَغْوَابِهِ وَاتِّبَاعِهِ • وَأَخْدَانِهِ • وَأَتْلَابِهِ • وَأَوْلِيَايِهِ وَشُرَكَائِهِ •
وَجَمِيعِ كَنَائِهِمْ

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَعَامَ حَيَاتِي • وَهَلُوعَ الْآمَلِ فِي قِيَامِي • وَاسْتِكْمَالَ مَا
يَرْضِيكَ فِيهِ • صَبْرًا وَإِسْحَاقًا وَبَقِينًا وَاحْتِسَابًا • ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنَّا
بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَالْاجْتِهَادَ • وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ • وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ •
وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ • وَالْجَزَعَ وَالرَّقَّةَ • وَصِدْقَ اللِّسَانِ • وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ

لَكَ. وَاتَّوَكَّلْ عَلَيْكَ. وَالثَّغَةُ بِكَ. وَالْوَزَعُ عَنْ مَحَارِمِكَ بِصَالِحِ الْقَوْلِ. وَتَقْبُولُ السَّغِي. وَتَرْفُوعُ الْعَمَلِ. وَتُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ. وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِقَرْحٍ وَلَا مَرْغَبٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و شیخ کلصی این دعا را از برای هر روز ماه مبارک نقل کرده

يَا ذَا الَّذِي كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ. وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ. ثُمَّ يَبْقَى وَيَبْقَى كُلُّ شَيْءٍ. يَا ذَا الَّذِي لَيْسَ فِي السَّمَاوَاتِ أَعْلَى وَلَا فِي الْأَرْضِينَ السُّفْلَى وَلَا فَوْقَهُنَّ وَلَا بَيْنَهُنَّ وَلَا تَخْتَرُ إِلَهُ يُخْبِتُ غَيْرُهُ. لَكَ الْخَضُّ خَضًا لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهِ إِلَّا أَنْتَ. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِخْصَائِهَا إِلَّا أَنْتَ.

و محدث کاشانی ملا محسن فیض لڑ برای تمام ماه رمضان این دعا را در خلاصه الاذکار ابراهیم سمیه که در روی صدف مرثیه خوانده شود: سُبْحَانَ الطَّارِ النَّافِعِ. سُبْحَانَ الْقَاضِي بِالْخَلْقِ. سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى. سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ. سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى.

دعای دیگر هر روز ماه مبارک رمضان

و نیز مستحب است در هر روز از ماه رمضان خواندن این دعا را که مشتمل است بر مضامین عالیله و شیخ طوسی آن را در صحیح روایت کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ بِأَفْضَلِهِ وَكُلِّ فَضْلِكَ فَاصِلٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ بِأَعْمِهِ وَكُلِّ رِزْقِكَ غَائِمٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرِزْقِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَطَايِكَ بِأَعْلَى عَطَايِكَ وَكُلِّ عَطَايِكَ هَنِيئَةٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَطَايِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ بِأَعْلَى خَيْرِكَ عَاجِلٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْأَلُكَ مِنْ إِحْسَانِكَ بِأَحْسَنِهِ وَكُلِّ إِحْسَانِكَ حَتَّى أَسْأَلَكَ
بِإِحْسَانِكَ كُلَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ فَأَجِبْنِي
يَا اللَّهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُتَّصِلِ وَرَسُولِكَ الْمُصْطَفَى وَامِيرِكَ
وَنَجِيِّكَ دُونَ خَلْقِكَ وَنَجِيِّكَ مِنْ عِبَادِكَ وَنَجِيِّكَ بِالصُّنْدُقِ وَخَبِيرِكَ
وَصَلِّ عَلَى رَسُولِكَ وَجِوَرَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ الشَّرَاحِ الْمُبِيرِ
وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَنْبِيَاءِ الظَّاهِرِينَ وَعَلَى سُلَالَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَخَجَعْتَهُمْ عَنْ خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُتَّبِعُونَ عَشْرَكَ بِالصُّنْدُقِ
وَعَلَى رُسُلِكَ الَّذِينَ خَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَفَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِرِسَالَتِكَ
وَعَلَى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْآيَةِ النَّهْوِيِّينَ
الرَّاشِدِينَ وَالْوَلِيَّائِكَ الْمُنْقَرِبِينَ وَعَلَى جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكَ
الْمَوْتِ وَمَلَائِكَةِ حَازِنِ الشَّارِبِ وَرُسُلَانَ خَازِنِ الْجَنَانِ وَدُوحَ الْقُدْسِ
وَالرُّوحَ الْأَمِينِ وَخَفَلَةَ عَرْشِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْعَاطِلِينَ عَلَيْكَ
بِالصَّلَاةِ الَّتِي لَيْسَ أَنْ يَفْضُلِيَ بِهَا عَلَيْهِمْ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ
صَلَاةً طَيِّبَةً كَثِيرَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً نَامِيَةً ظَاهِرَةً بَاطِنَةً شَرِيفَةً فَاصِلَةً تُبَيِّنُ بِهَا
فَضْلَهُمْ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ وَاجْزِهِ عَنَا حِمْرَ مَا
جَزَيْتَ نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَعَ كُلِّ رُفْعَةٍ
رُفْعَةً وَمَعَ كُلِّ وَسِيلَةٍ وَسِيلَةً وَمَعَ كُلِّ فَضِيلَةٍ فَضِيلَةً وَمَعَ كُلِّ شَرَفٍ
شَرَفًا حَتَّى تُعْطِيَ مُحَمَّدًا وَآلَهُ يَوْمَ الْحَيَاةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنَ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَدْنَى

دعای روز اول

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ، وَقِيَامِي فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ،
وَبَهْشِي فِيهِ عَن نُّومَةِ الْغَافِلِينَ، وَهَبْ لِي جُزْئِي فِيهِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، وَاعْفُ
عَنِّي يَا عَافِيَا غِنِ الْمُعْجِرِينَ.

دعای روز دوم

اللَّهُمَّ قُرِّنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ، وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ،
وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِقَاءَ آيَاتِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دعای روز سوم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْفَنِّ وَالتَّحْقِيقَ، وَبَاعِثْنِي فِيهِ مِنَ الشُّعَاعَةِ وَالتَّوْبَةِ،
وَاجْعَلْ لِي نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تُنْزِلُ فِيهِ، بِجُودِكَ يَا أَجْوَدَ الْآجُودِينَ.

دعای روز چهارم

اللَّهُمَّ قُوْنِي فِيهِ عَلَى الْإِقَامَةِ لِفِرْكِهِ، وَأَلْقِنِي فِيهِ حِلَاوَةَ ذِكْرِكَ، وَأَوْزِغْنِي
فِيهِ لَذَائِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ، وَاحْفَظْنِي فِيهِ بِحِفْظِكَ وَشَفِيرِكَ، يَا أَمْسَرَ
النَّاطِرِينَ.

دعای روز پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
الْقَائِمِينَ، وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَايِكَ الْمُقَرَّبِينَ، بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دعای روز ششم

اللَّهُمَّ لَا تَحْدُثْ لِي فِيهِ إِغْرَافًا مِنْ غَفِيَّتِكَ، وَلَا تَضْرِبْ بِي بِسِيَاطِ نِقْمَتِكَ.

وَرَحْمَتِي فِيهِ مِنْ مُوجِبَاتِ سَخَطِكَ . بِمَنِّكَ وَأَيَادِيكَ يَا مُنْتَقِمُ زُغْبَةِ
الرَّاحِسِينَ .

صلی روز هفتم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَلَيَّ حَيَاتِي وَفَيَاتِي . وَجَنَّتِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَأَثَابِيهِ .
وَارْزُقْ فِيهِ ذِكْرَكَ بِتَوَلِيهِ . بِتَوَفُّيقِكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ .

صلی روز هشتم

اللَّهُمَّ ارْزُقْ فِيهِ رَحْمَةَ الْآيَتَامَ . وَطَعَامَ الطُّعَامِ . وَانْشَاءَ السَّلَامِ .
وَعُجَابَةَ السُّلَامِ . وَصُحْبَةَ الْكِرَامِ . بِطَوْلِكَ يَا خَلِجَ الْأَمَلِينَ .

صلی روز نهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ . وَاهْدِنِي فِيهِ لِإِبْرَاهِيمَ بْنَ
السَّاطِقَةِ . وَخُذْ بِنَاصِيَّتِي إِلَى مَرْضَاتِكَ الْعَاجِزَةِ . بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُسْتَغِيثِينَ .

صلی روز دهم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ . وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْغَائِبِينَ
لَذَلِكَ . وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ إِلَيْكَ . يَا غَاثَ الْغَائِبِينَ .

صلی روز یازدهم

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ فِيهِ الْإِحْسَانَ . وَكَرَّةَ إِلَيَّ فِيهِ الْقُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ . وَحَرِّمْ
عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنُّورَانَ . بِتَوَكُّفِكَ يَا غَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ .

صلی روز دوازدهم

اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالشَّرِّ وَالْعِقَابِ . وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلباسِ الصَّبْرِ وَالْقُصُوعِ
وَالْكَفَالِ . وَاجْعَلْنِي فِيهِ عَلَى الْقَدْلِ وَالْإِنْصَابِ . وَأَمِنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا

أَحْلُرُ وَأَخَافُ بِعِصْمَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِبِينَ

دعای روز سیزدهم

اللَّهُمَّ طَهِّرْ فِيهِ مِنْ النَّفْسِ وَالْأَفْئِدَةِ وَصَبْرِي فِيهِ عَلَى كَاتِبَاتِ
الْأَفْئِدَةِ وَوَقِّنِي فِيهِ لِلتَّمَنَّى وَصُحْبَةِ الْأَنْبِيَاءِ بِقُوَّتِكَ يَا قُوَّةَ عَيْنِ الْمَسْكِينِ

دعای روز چهاردهم

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي فِيهِ بِالْعَثَرَاتِ وَأَقِلَّنِي فِيهِ عَنِ الْخَطَايَا وَالْهَوَاتِ وَلَا
تَجْعَلْنِي فِيهِ غَرَضًا لِلْبَلَايَا وَالْآفَاتِ بِوَسْطِكَ يَا عِزَّ الْمُسْلِمِينَ

دعای روز پانزدهم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَاشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُحِبِّينَ
بِمَا نَزَلَ يَا أَمَانَ الْخَائِبِينَ

دعای روز شانزدهم

اللَّهُمَّ وَقِّنِي فِيهِ لِمُوَافَقَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مُرَاقِقَةَ الْأَشْرَارِ وَأُولِي
فِيهِ بِرَحْمَتِكَ دَارَ الْقَرَارِ بِالْهَيْبَةِ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

دعای روز هفدهم

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَالْقِسْ لِي فِيهِ الْخَوَاتِجَ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ
لَا يَخْتِاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّؤَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

دعای روز هجدهم

اللَّهُمَّ نَقِّنِي فِيهِ لِمَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَنَوِّزْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَحُلِّ
بِكُلِّ أَغْصَانِي إِلَى أَتْبَاعِ أَثَارِهِ بِمُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ

حاصل روز نوزدهم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ فِيهِ حَقِّي مِنْ بَرَكَاتِهِ. وَتَهَيَّلْ سَبِيلِي إِلَى حَيْرَاتِهِ. وَلَا تَحْرِمْ نِي قَبُولَ خَشَاتِهِ. يَا هَادِيًا إِلَى لِقَاءِ الْمُبِينِ.

حاصل روز بیستم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ الْفَسَاحِ. وَأَغْلِقْ عَلَيَّ أَبْوَابَ التَّوْبَانِ. وَوَقِّفْنِي عَلَيْهِ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ. يَا مُنِيرَ السُّكُونِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ.

حاصل روز بیست و یکم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ تَهْلِيلًا. وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا. وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَمَقِيلًا. يَا قَاضِيَ خَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.

حاصل روز بیست و دوم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ. وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ. وَوَقِّفْنِي لِمَوْجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ. وَأَسْكِنِي فِيهِ بِخُبْرَاتِ جَنَابِكَ. يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ.

حاصل روز بیست و سیم

اللَّهُمَّ اغْنِنِي فِيهِ مِنَ الدُّنُوبِ. وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ. وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ. يَا مُغْنِيَ عَثَرَاتِ الْمُتَضَلِّينَ.

حاصل روز بیست و چهارم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ. وَأَعُوذُ بِكَ فِيهِ بِمَا يُؤْذِيكَ. وَأَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنَّ أَلْوَمَكَ وَلَا أَخْصِيكَ. يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ.

دعای روز بیست و پنجم

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُجِيبًا لِأَوَّلِيائِكَ وَمُعَاوِيًا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَتًا بِسُنَّةِ خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمِ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ

دعای روز بیست و ششم

اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ شُكْرًا وَقَتْبِي فِيهِ مَغْفُورًا وَعَنِّي فِيهِ مَقْبُولًا وَعَنِّي فِيهِ مُسْتَوْرًا وَأَغْنِنِي فِيهِ بِجُودِكَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ

دعای روز بیست و هفتم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ قُضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيْرَ أُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ إِلَى الْيُسْرِ وَأَهْلِلْ مَعَادِيرِي وَخَطِّ عَنِّي الْوَيْدَةَ يَا رُؤُوفًا بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ

دعای روز بیست و هشتم

اللَّهُمَّ وَفِّرْ حَقِّي فِيهِ مِنَ التَّوَاقِلِ وَأَكْرِضْنِي فِيهِ بِإِخْصَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي إِلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْفَعُ إِلَّا بِحَقِّ الْمُتَلَحِّينَ

دعای روز بیست و نهم

اللَّهُمَّ هَسِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْيُسْرَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَابِ الشُّبُهَةِ يَا رَحِيمًا بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

دعای روز سیام

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ الرُّسُولُ مُتَّكِمَةً قُرُوعَهُ بِالْأَصُولِ بِحَقِّ شَيْئِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

مؤلف گوید که: در تقدیم و تأخیر دعاها و عبارات هر یک در کتب دعوات مستحب ذکر کرده‌اند و چون روایتش را مستحب می‌دانم متعرض ذکر آن‌ها نشدم؛ و دعای بیست و هفتم را کنتمی در بیست و نهم ذکر کرده‌ام. و مؤلف مستحب شبه در روز بیست و سوم خواندن دور بیست که آن انسب باشد. تمام شد کلام علامه مجلسی رحمته الله

مقام دوم: در اعمال مخصوصه شب و روز اول است تا شب نهمه
سنت است در وقت دخول ماه مبارک رمضان، طلب هلال بودن و بعضی واجب دانسته‌اند، و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده چنانچه در جمله شیخ صدوق است که: «چون هلال شهر رمضان را دیدی بنهار به هلال مکن بلکه رو به قبله کن و دست‌ها را به سوی آسمان بلند کن و خطاب با هلال کن و بگو

رَبِّی وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا بِإِلَافِی وَبِالْإِسْمَانِ.
وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ. وَالْمَسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي
شَهْرِنَا هَذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَغَوْثَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ
وَبِئْسَتَهُ»

و شیخ طوسی و سید ابن طاووس روایت کرده‌اند از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و آن حضرت از پدر و جد خود حضرت باقر علیه السلام که فرمود: «ما پدرم حضرت ربیع العابدی علیه السلام در ماهی می‌گذشتیم که ناگاه پدرم طریقی به هلال ماه رمضان افتاد پس ایستاد و گفت: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا اِلَافِی وَبِالْإِسْمَانِ...» تا آخر دعا که در صحیفه سجده‌ایه مذکور است و بهترین دعاهاى هلال است.

و در شب اول جماع با هلال خود شک است و غسل شب اول نیز سنت است و مستحب است که در شب اول ماه رمضان در نهر جاری غسل کند و سی کف آب بر سر بریزد و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب است چنانچه سابقاً گذشت.

و نیز مستحب است در این شب و سایر شبهای ماه رمضان خواندن سوره فاته مستحب در نماز نافله و نیز سنت است در این شب دعا آوردن دو رکعت نظر بر هر رکعت بعد از «سبحه» بخواند سوره فاتحاه و سؤال کند که حق تعالی از او کفایت شرور بکند، و در این شب باید ایضا کرد به نوافل لیله ماه رمضان و آن هزار رکعت است به ترتیبی که در مقام اول [صفحه ۱۵۰-۱۵۱] به شرح رفت و اگر در شب اول ماه شب روزه تمام ماه را بکند و یازده شب بکند بهتر است.

و در روز اول ماه رمضان مستحب است چند امر

اول: غسل کردن در آب جاری و ریختن سی کف آب بر سر که باعث ایمنی از جمیع دردها و بیماری‌هاست در تمام سال
دوم: آن که کفی از گلاب به روی کند.

سوم: بجا آوردن دو رکعت نماز اول ماه و کسب کردن پهلوان لب و این نماز در اول هر ماه خوانده می‌شود و کیفیت آن در باب دوازدهم [صحه ۱۶۰۰] خواهد آمد این شاه الله تعالی
چهارم: خواندن دو رکعت نماز در رکعت اول بعد از حمد سوره «إِنَّا فَتَحْنَا» و در رکعت دوم هر سوره که خواهد.

دعای روز اول ماه مبارک

پنجم: خواندن دعایی که شیخ مفید در کتاب مقصد ذکر سروده و بعد از این طاووس آن را از آن کتاب در لقیال ایراد نموده به این کیفیت که: چون طالع شود خبر روز اول ماه رمضان این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ اقْتَرَشْتُ عَلَيْهَا صِيَامَهُ. وَأَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هَدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ. اللَّهُمَّ آجِنَا عَلَى صِيَامِهِ. وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا. وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا. وَسَقِنَهُ لَنَا فِي بُشْرِكَ وَعَافِيَةٍ. إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ششم: خواندن این دعا که حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا ﷺ نقل فرموده:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ فَخَّلَ شَهْرُ رَمَضَانَ. اللَّهُمَّ رَبِّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجُعِلَتْهُ هَدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ. اللَّهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. وَآجِنَا عَلَى صِيَامِهِ وَصَلَاتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا.

هفتم: خواندن این دعای شریف اگر در شب بخواند با صد: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَقِّهِ. تا آخر دعا که دعای چهل و چهارم صحیفه سجده است و غیر این دعا از دعاهای دیگر که ذکرش منافات با اختصار دارد.

روز سوم این ماه: در روایتی وارد شده که آنجیل در آن روز بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد، و به روایت دیگر در ششم و در روایت دیگر در دوازدهم.

روزی ششم شیخ مفید در سائر آنچه نقل کرده که در این روز مأمون ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد و روز شریعی است و عذقه دادند و شکر آبی بجا آوردن بسیار مایه نسیه و سید ابن طاووس فرموده که روایت شده از برای این روز دو رکعت ساز بر هر رکعت بعد از «حمد» بیست و پنج مرتبه سورۃ «توحید» به جهت شکر نعمت ظاهر شدن ملوک مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام

روز دهم. شیخ مهدی نقل کرده که وفات امّ المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام واقع شد.
و از برای شب سی و نهم و چهاردهم و پانزدهم نمازی از حضور صادق علیه السلام مروی است که
ما آن را در فصل اعمال رجب (صفحه ۲۷۹) ذکر نمودیم. از فوائد آن محروم نباید شد.
و شب پانزدهم از بیالی منزه است. غسل و زیارت امام حسین علیه السلام در آن مستحب است. و
مستحب است در این شب بجا آوردن صد رکعت نماز و در هر رکعت بعد از «حمد» دو مرتبه
سوره قل هو الله احد. و از برای آن فضیلت بسیار نقل شده و کسی که در این شب نزد قبر امام
حسین علیه السلام باشد مستحب است که بعد از نماز هفتاد و رکعت نماز کند در هر رکعت بعد از «حمد»
دو مرتبه سوره فاتحه و بخواند و از خدا پناه جوید از آتش جهنم.

روز پانزدهم نوکده با سعادت حضرت امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) [واری] شده، و شیخ مفید نقل کرده که نوکده حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) نیز در این روز شده به هر حال روز بسیار شریفی است و صلوات و تبرکات در آن فضیلت بسیار دارد

شعب هفدهم بر شب بسیار مبارکی است و مستحب است غسل در آن شب و آب شستن است که لشکر حضرت رسول ﷺ در آن شب با لشکر کفار اعرش ملاقات کردند در بدر و در وروش جنگ بدر واقع شد و حق تعالی لشکرش حضرت را بر آن مشرکین غلبه و ظفر داد و آن اعظم الفو حات بود.

و روز ششم زیر پر حضرت داود علیہ السلام نازل شد.

ملائم سوئم: در بیان افعال شب‌های قدر است

پس شب نوزدهم و شب بیست و پنجم و شب بیست و ششم که به اجماع علمای فقه شب قدر
در یکی از این سه شب است؛ و شب قدر را فضیلت بسیار است و شیئی بهتر از آن نیست و عمل در
آن بهتر است از عمل کردن در هزار ماه، و در شب قدر قلندر اسرار سال می‌نمود و ملائکه و
روح که اعظم ملائکه است در آن شب به آذن پروردگارشان به رخص می‌شوند و به خدمت
امام علیه السلام مشرف می‌شوند و آن چه برای هر کس مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض می‌کند و از

مرتبه: «بِمُحَمَّدٍ بِنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و ده مرتبه: «بِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و ده مرتبه: «بِإِلَهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و ده مرتبه: «بِإِلَهِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» پس حاجت خود را از حق تعالی بخواند.

و زیارت معلم حصین علیه السلام در هر یک از این سه شب سنت است و کثرت و فضیلت زیارت آن حضرت در این شب‌ها در سابق [در صفحه ۱۵۲] گفته شد.

و سنت است در هر یک از این سه شب، صد رکعت نماز، و احادیث در کثرت و فضیلت این صد رکعت شمار در این سه شب به مخصوص در شب بیست و یکم و شب بیست و سوم بسیار وارد شده و این صد رکعت ساز غبار نافله شب است.

و بهترین اعمال در این شب‌ها طلب آموختن و دعا برای مظلوم دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان است و دعا کار و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام آن چه مقدور شود.

و خواندن دعای جوشن کبیر که از دعاهای معتبره است در این سه شب یک است.

اعمال مخصوصه شب‌های قدر

و انواع دوم، پس اعمال مخصوصه شب نود و نهم آن است که صد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و صد مرتبه: «اللَّهُمَّ اَنْ قَتَلْتَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و بخواند دعای: «يَا ذَا الْقُدْرَةِ كَانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ» الخ که در مقام اول [صفحه ۵۲۶] مذکور شد و نیز بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتَقْدُرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَوَمِ. وَفِيْمَا تُفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُجْتَلَى. أَنْ تَكْتَبَنِي مِنْ حُجَاةِ بَيْتِكَ الْأَقْرَامِ. الْمَبْرُورِ حَبْلُهُمْ. الْمَشْكُورِ سَخِيْمُهُمْ. الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ. الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ. وَاجْعَلْ فِيْمَا تَقْضِي وَتَقْدُرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي. وَتَوْسِعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي. وَتَعْمَلَ بِي كُنْهًا وَكُنْهًا. بِجَانِبِ دُرِّهِ

گدا که حاجت خود را بخواند

و شب بیست و نهم فضیلتش رسانده از شب نوزدهم است و غسل و احوال سابقه همه را باید به عمل آورد و بدان که در این شب حضرت رسول ﷺ به سراج رفته و حضرت عیسی ﷺ در این شب به آسمان بالا برده شد، و در این شب حضرت موسی ﷺ و حضرت یوشع بن نون وصی آن حضرت از دنیا رحلت فرمودند و در این شب واقع شد شهادت مولای ما امیر المؤمنین ﷺ و در روز این شب زیارت آن حضرت مناسب است و کلمات حضرت خضر در روز شهادت آن حضرت که به منزله زیارت آن حضرت است در باب زیارت آن حضرت مذکور شد.

و در این همه اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و بهترین اوقات اعتکاف است و در روایط دهائیم الاسلام است که حضرت رسول ﷺ فرمودند که: اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان مطابق دو حقیقه و دو عصره است، و غسل و احیا و حد رکعت نماز در این شب ترک نشود، و از این شب شروع می شود به دعاهای شب های دهه آخر که بعد از این اشاره خواهیم کرد به او **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.

و شب بیست و سوّم، از دو شب سابق افضل است و از احادیث بسیار مستفاد می شود که شب قدر همین شب است و از اصحاب شیخ صدوق نقل شده که فرموده: انتقال مشایخ ما در باب ليلة القدر به این شب شده، و بدان که در این شب دو غسل سنت است؛ یکی در اوّل شب و دیگری در آخر شب.

و از حضرت صادق ﷺ روایت شده که شب بیست و سوّم شب چهلیم^(۱) است، و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقرر می گردد، و در آن شب فقر می گردد مرگها و بلاها و اجل ها و روزی ها و قضاها و آن چه در آن سال واقع می شود تا شب قدر آید، پس خوش حال بندهای که احیا کنند آن شب را و بیدار باشند به عبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گدازان خود را در برابر دیده های خود [مستقیم و] متمثل گردانند و بر آن ها بگریه چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.

و خواندن سوره تنزیل و «و هووم» در این شب فضیلت بسیار دارد و حضرت صادق ﷺ

۱ در تاریخ آمده است که یکی از صحابه حضرت رسول ﷺ که در صوفی مدینه به کار چوبانی مشغول است خدمت ایشان آمد و پرسید که در چه شبهایی به مدینه می آید تا شب قدر را درک کند؟ حضرت برای او شب های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم را بر شمرد ولی او اعلام کرد که می تواند هر سه شب را به مدینه بیاید باز دیگر پیاسه ﷺ دو شب بیست و یکم و بیست و سوم را بر شمرد ولی آن شخصی که چندی نام دارد گفت که می تواند هر دو شب به مدینه بیاید پیاسه ﷺ به او گفت که فقط شب بیست و سوم را به مدینه بیاید.

از آن پس مردم مدینه بنا بر این چهلیم شب بیست و سوم می دانستند که این شب بیش از هر شب دیگری احتمال بخرد که شب قدر باشد.

بدون تعلیق بر مشیت قسم یاد فرموده که: «مخواننده این دو سوره اثر لعل هفت است» و خواندن سوره مبارکه «قدر» هزار مرتبه در این شب مستحب است و خواندن سوره «شم دخان» نیز مستحب است، و در خصوص زیارت امام حسین (ع) در این شب فضیلت بسیار ذکر شده، و امحای این شب و خواندن صد رکعت نماز بسیار فضیلت دارد.

دعا برای وجود مقدس امام زمان (ع) در تمام اوقات

و مستحب است در این شب بلکه در تمام اوقات مکرر کرمین این دعا که برای وجود مقدس امام عصر (ع) وارد شده در کتب بسیار معتبره: **اَللّٰهُمَّ كُنْ لِيْ وَلِيًّا فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِيْ كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَدَافِعًا وَكَفِيًّا وَغِيًّا حَتَّى تُسْكِنَهُ لِرُحَّتِكَ طَوْعًا وَتُعْتِقَهُ مِنْهَا طَوِيْرًا**

دعای شب بیست و سوم

و سجد این طووس (ع) این دعا را از برای این شب نقل کرده:

اَللّٰهُمَّ اِنِّدُ لِيْ فِيْ عُرْيٍ وَّاَوْسَعُ لِيْ فِيْ رِزْقِيْ وَاَنْتَ اَمْلِيْ وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَاَمْحُصْنِيْ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِيْ مِنَ السَّعَادَةِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِيْ كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلٰى نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَصْحَابِهِ مَا يَشَاءُ وَيَتَّبِعُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ

علامه مجلسی فرموده که: هر مقدار قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند و دعاهای صحیفه کامله را بخواند، خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید حرمت داشت و به عبادت و تلاوت و دعا به سر آورد؛ زیرا که در اسناد معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است.

۱- نه جای ملائین ملائین حضرت حقیقت (ع) و پدر بزرگوار آن حضرت و فرورد حیثیت الحسین (ع) (ع)

مقام چهارم: در بیان دعاها و شمعهای دهه آخر و سایر اعمال این دهه تا آخر ماه

بدان که دعاها و این دهه بر دو قسم است:

قسم اول: دعاها و این است که در هر شب مغزور می شود، چنانچه سید ابن طاووس علیه السلام از امامان روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از شمعهای دهه آخر ماه رمضان این دعا می خواند: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُتَرَلِّهِ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ كُلُّهُ لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» فَعَزَّمْتُ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أُنْزِلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَّصْتَهُ بِبَلِيَّةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتُهَا حَبِيراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**

اللَّهُمَّ وَهَلْوَ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ وَلِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّفَتْ وَفَدَّ حُرَّتُ يَا إِلَهِي بِنُورِهِ إِلَى مَا أَنْتَ أَفْظَمُ بِهِ بَنِي وَاحْصِي لِعَذَابِهِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ فَاسْأَلْكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ مَلَائِكَتَكَ الْمُتَقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَائَكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَلِّقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَنْ تُفَضِّلَ عَلَيَّ بِطُوبَى وَكَرِيمَةٍ وَتَقَبَّلَ تَقَرُّبِي وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوَاجٍ أَفْذَقْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَهِي وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُنْقِضَ أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلِيَالِيهِ وَلَكَ قَبْلِي تَبِعَةٌ لَوْ دَسَّ تَوَاجِدُنِي بِهِ لَوْ حَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَغْتَمُّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي أَسْأَلُكَ يَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي فِي هَذَا الشَّهْرِ فَارْزُقْ عَنِّي رِضَاءً وَإِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي فَبِئْسَ الْآلَافُ عَارِضَ عَنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اللَّهُ يَا أَحَدُ يَا صَفَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و سایر مومنان یا مَلِئِیْنِ الْحَدِیدِ لِمَا دُوَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ یا کَاشِفِ الضُّرِّ وَالْكَرْبِ الْعَظَامِ عَنْ آتِیَتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ یا مُفْرِجِ هَمِّ یَغْفُوبِ عَلَيْهِ

لِرِوَايَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْمَصْرِيقِ •
وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا
وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای شب بیست و دوم

يَا سَالِحِ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَلِمَا نَحْنُ مُطْلَبُونَ • وَمُجِيرِ الشُّمُورِ لِمُسْتَقَرِّهَا
بِتَقْدِيرِكَ يَا غَرِيزُ يَا عَلِيمُ • وَمُقَلِّدِ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْمُرْجُوتِ
الْقَدِيمِ • يَا نُورَ كُلِّ نَوْرٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَقَوْلِي كُلِّ بَعْمَةٍ يَا اللَّهُ
يَا زَحْمَنُ • يَا اللَّهُ يَا قُلُوسَ • يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا قَرْدُ • يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى • وَالْأَعْيُنُ الْعُلْيَا • وَالْكَهْرِبَاءُ وَالْأَلَاءُ • أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ أَهْلِ بَيْتِهِ • وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي
السَّعَادَةِ وَرُوحِي فِي الشُّهَادَةِ وَإِحْسَانِي فِي عِلْمَيْ • وَإِسْمِي مُغْفُورَةً • وَأَنْ
تَقَبَّلَ لِي بِتَقِينَا ثَبَاتِي بِرَبِّ قَلْبِي • وَإِيمَانًا يُلْجِبُ الشُّكَّ غَفِي • وَتُرْجِيئِي لِمَا
قَسَمْتَ لِي وَأَتَانَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
الْمَصْرِيقِ • وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ
وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای شب بیست و سوم

يَا رَبِّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَاعِلَهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ • وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ •
وَالْجِبَالِ وَالْبَحَارِ • وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ • وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ • يَا بَارِي
يَا مُنَوِّرُ يَا حَنَّانُ يَا اللَّهُ يَا زَحْمَنُ • يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ • يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ

یا الله یا الله یا الله. لک الأسماء الحُسنى والأعْشال العُلیا. والکبریا. والآلاء. أسألك أن تُصلی علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسمي فی هذه المِیلة فی السَّعَادِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ. وإخْصائي فی عِلِّیین. وإساعتي مَفْهُورَةً. وَأَنْ تَهَبَ لی یَقیناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي. وإیماناً یُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي. وَرُضاً بِمَا قَسَمْتَ لی وَآتِیاً فی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْخَرِیقِ. وَارْزُقْني فیها ذِکْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَیْكَ وَالْإِیَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِیقَ إِمَّا وَقَعْتَ لَهُ مَحْضاً وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای شب بیست و چهارم

یا غافلُ الإِصْبَاحِ وَجَاعِلُ اللَّیْلِ سَکْناً. وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَاناً. یا غَرِیرُ یا غَلِیمُ. یا ذا الْقُرْ وَالطُّولِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ. وَالْفُضْلِ وَالْإِنْعَامِ وَالْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ. یا الله یا رَحْمَنُ. یا الله یا قَرْدُ یا وَرْدُ. یا الله یا ظَاهرُ یا باهِرُ. یا حَیُّ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَکَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَعْشَالُ الْعُلْیَا. والکبریا. والآلاءُ. أسألك أن تُصلی علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسمي فی هذه المِیلة فی السَّعَادِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ. وإخْصائي فی عِلِّیین. وإساعتي مَفْهُورَةً. وَأَنْ تَهَبَ لی یَقیناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي. وإیماناً یُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي. اَوْ رِضاً بِمَا قَسَمْتَ لی وَآتِیاً فی الدُّنْیا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْخَرِیقِ. وَارْزُقْني فیها ذِکْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَیْكَ وَالْإِیَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِیقَ إِمَّا وَقَعْتَ لَهُ مَحْضاً وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای شب بیست و نهم

یا جامعَ النِّیلِ لِبَاسٍ وَالنَّهَارِ مَعِشَةٍ وَالْأَرْضِ مِهَادًا وَالْجِبَالِ
أَوْتَادًا يَا اللَّهُ يَا قَاهِرَهُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارَهُ يَا اللَّهُ يَا سَمِيعَهُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبَهُ
يَا اللَّهُ يَا مُجِيبَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
الْعُلَمَاءِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْأَوْلَادِ أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ
اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي الشُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَنِي فِي
عِلِّيِّينَ وَاسْمَتِي مَفْضُوزَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيماً ثَبَاتِي بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُنْجِبُ
الشُّكَّ عَنِّي وَأَوْ رِضاً بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَلَنَا عَذَابُ النَّارِ الْخَرِيقِ وَأَزْوَاقِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوَقُّعَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ

دعای شب بیست و دهم

یا جامعَ النِّیلِ وَالنَّهَارِ آمَنِي يَا مَنْ مَعَا آيَةُ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ
مُبْصِرَةً يَتَبَخَّرُوا قُدْرَتَهُ مِنْهُ وَيَرْجُونَكَ يَا مُفْضِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْضِيلاً يَا اللَّهُ
يَا مَاجِدَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
يَا جَوَادَهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ
وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْأَوْلَادِ أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ
اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي الشُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاحْسَنِي فِي عِلِّيِّينَ
وَاسْمَتِي مَفْضُوزَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيماً ثَبَاتِي بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُنْجِبُ الشُّكَّ
عَنِّي وَتُرْجِيَّتِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَلَنَا عَذَابُ النَّارِ الْخَرِيقِ وَأَزْوَاقِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ

وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ إِمَّا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ

دعای شب بیست و هفتم

يَا مَادَّ الظَّلْمَ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِتًا وَجَعَلْتَ الشُّفْعَى عَلَيْهِ ذَلِيلًا ثُمَّ
فَيْضَتَهُ إِلَيْكَ قَبْصًا نَسِيرًا يَا ذَا الْجُودِ وَالطُّولِ وَالْكَبِيرِيَاءِ وَالْآلَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مُدْئِرُ
يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُهَيِّمُ يَا غَزِيرُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا إِلَهَ يَا خَالِقُ
يَا بَارِئُ يَا مَخْصُورُ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ
الْعُلْيَاءُ وَالْكَبِيرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُجْعَلَ اسْمِي فِي طِبَةِ النَّبِيِّ فِي الشَّهَادَةِ وَرُوحِي مَعَ الشَّهَادَةِ وَإِحْسَانِي لِي
عَلَيْنِ وَأَسْأَلُكَ مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَهْمًا ثَابِتًا بِرِ قَلْبِي وَإِيمَانًا بِذَهَبِ
الشُّكِّ عَنِّي وَلَرْجِيَّتِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَلَنَا عَذَابُ النَّارِ الْخَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ إِمَّا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ

دعای شب بیست و هشتم

يَا حَارِثَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ وَخَازِنَ النَّوْرِ فِي السَّمَاءِ وَمَانِعَ السَّمَاءِ أَنْ
تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَحَاسِبُهُمَا أَنْ تَزُولَا يَا غَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا دَائِمُ
يَا إِلَهَ يَا وَارِثُ يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ يَا إِلَهَ لَكَ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَاءُ وَالْكَبِيرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُجْعَلَ أَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي الشُّهَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ
الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ. وَإِسَاعَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ
بِهِ قَلْبِي. وَإِيمَانًا يُلْجِبُ الشُّكَّ عَنِّي. وَتَرْضِيَّتِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتَانَا فِي
الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْخَرِيقِ. وَارْزُقْنِي فِيهَا
وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِيمَانَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا
وَأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای شب بیست و نهم

يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ وَمُكَوِّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ. يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ.
يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ وَسَيِّدَ الشَّاهِدَاتِ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. يَا مَنْ هُوَ الْقَرِيبُ إِلَى مَنْ
خَبَلَ الْوَرِيدَ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. لَكَ الْأَسْمَاءُ الْفُضْلَى. وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا.
وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُجْعَلَ
أَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي الشُّهَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ.
وَإِسَاعَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي. وَإِيمَانًا يُلْجِبُ الشُّكَّ
عَنِّي. وَتَرْضِيَّتِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَتَانَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً
وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْخَرِيقِ. وَارْزُقْنِي فِيهَا وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
وَالْإِيمَانَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَقَعْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ

دعای شب آخر

أَعْمَدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ. أَلْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ
جَلَالِهِ وَكَأَمْرِ هُوَ أَهْلُهُ. يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ. يَا نُورُ. يَا نُورُ الْقُدُّوسِ.

يَا سُبُّوحُ يَا مُتَمَنِّينَ التَّصَبُّيحِ • يَا زَافِرُ يَا فَاغِيلَ الرَّحْمَةِ • يَا إِلَهَ يا عَلِيمُ
يَا كَبِيرُ • يَا إِلَهَ يا طَافِيفُ يا جَلِيلُ • يَا إِلَهَ يا اللَّهُ • يَا سَمِيعُ يا بَصِيرُ • يَا إِلَهَ
يَا إِلَهَ يا إِلَهَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى • وَالْأَسْمَاءُ الْعُلْيَا • وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْأَلَاءُ •
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَأَنْ تُجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ
فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ • وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ • وَإِسْمَاتِي مَقْفُوزَةً •
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي • وَإِيمَاناً يُنْجِبُ الشُّكَّ عَنِّي • وَتَرْضِيَّتِي
بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنَا فِي النَّفْسِ حَسَنَةً وَفِي الْأَجْرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ
الْمُخْرِقِ • وَازْرُقْ لِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِيمَانَةَ وَالتَّوْبَةَ
وَالْتَوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و اما سایر اعمال دهه آخر ماه رمضان

پس دانستی که در شبهای دهه آخر غسل سنت است. و در شب بیست و چهارم و بیست و
پنجم نیز بخصوص غسل وارد شده و احادیث معتبره در استحباب غسل شب بیست و پنجم وارد
شده، و از دعوات راوندی منقول است که خدای عزوجل دلم می کند در این شب بدی ها و گناهان
و همه انواع بلا را از زود و دیر فاران ماه رمضان پس خطا می کند حق تعالی به ایشان بوری در گناه ها
و دیدهای ایشان.

دعای شب بیست و هفتم

و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است. و منقول است که حضرت امام
زین العابدین (ع) در این شب مکرر این دعا را می خوانند از اول شب تا آخر شب:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْخُرُودِ • وَالْإِيمَانَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ •
وَالْاسْتِغْنَاءَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْقَوْتِ

و در شب بیست و نهم نیز بخصوص غسل وارد شده است. و هم چنین در شب آخر، غسل و
دعای امام حسین (ع) سنت است.

دعای وداع شب آخر ماه مبارک

و وداع ماه رمضان سنت مؤکده است برای اظهار آن که روزه و عبادات این ماه مبارک بر ما دشوار و گران بود، ما خواران تو بودیم و از عافیت آن آورده و معروسم و دعاهای وداع را در شب آخر خواندن سنت است و اگر روز آخر بخواند خوب است و اگر آخر ماه مشغول باشد در شب بیست و نهم احتیاطاً بخواند و دعای وداع بسیار است و بهترین آن ها دعای وداع صحیحه کامله است و سید ابن طاووس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند:

«هَرَكَةَ شَيْبِ آخِرِ مَهِ رَمَضَانَ، وَدَاعُكَ أَنْ مَهِ شَرِيفٍ وَابْكَوْهُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْبُحْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرٌ عَلَيْهِ اللَّيْلَةُ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي»

یا سرور حق تعالی تو را پیش از آن که صبح کند و روزی فرماید او را توبه و انابه.

دعای وداع دیگر

و نیز سید فرموده که این وداع را در تسبیح عقیقه به خط سید رضی علیه السلام بخواند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ مَا ذُكِرْتُ بِهِ وَلَزُسْتُ مَا ذُكِرْتُ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعَ شَهْرِي هَذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَقْتُ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْبِ شَهْرِهِ غُفَرَ تُصَافِحُ الْآخِرِ وَالْأَوَّلِ وَالْعَفْوُ عَنِ الذُّنُوبِ بِرِضَى الرَّبِّ

دعای وداع در جمعه آخر

و سید ابن طاووس از برای شب آخر ده رکعت نماز قیل کرده به کجهتی که در اجمال مذکور است و در جمعه آخر ماه رمضان وداع جمعه یا بیست و یکم شیخ صدوق و سید ابن طاووس روایت کرده اند از جابر بن عبد الله انصاری که گفت رفتم به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جمعه آخر ماه

رمضان چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود که: «ای جلیل این آخر جمعه‌ای است از ماه رمضان، پس ن را وداع کن و بگو:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا إِنَّمَا هُوَ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَأَجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَعْرُومًا.

پس به درستی که هر که این دعا را در این روز بخواند به یکی از دو خصلت میگویند: یا به رسیدن به ماه رمضان آینده یا به آمزش خدا و رحمت بی‌انتهای.

و شیخ ملبه فرموده در کتاب مستدرک‌الشیخ که در شب آخر ماه رمضان ختم می‌شود نوافل ماه رمضان یعنی آن هزار رکعت، به ترتیبی که سابقاً (در صفحه ۱۵۰-۴) به شرح رفت، و مستحب است در آن شب ختم کردن قرآن و خواندن می‌شود در آن شب دعای وداع و آن شب شب بسیار مبارکی است.

مؤلف گوید که: سزاوار است از برای کسی که قرآن ختم کند آن که بخواند دعای حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) را که اول آن دعا این است: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَغْنَيْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ.. تا آخر دعا که در صحیفه کمله است و دعای بی‌پل و دژم آن است.

دعای بعد از ختم قرآن

و اگر خواستی بخوان این دعای مختصر را که شیخ طوسی در مصباح نقل کرده از حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) که آن حضرت این دعا خواند چون قرآن ختم شود:

اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي • وَاسْتَقْبِلْ بِالْقُرْآنِ بَدَنِي • وَنَوِّزْ بِالْقُرْآنِ نَفْسِي • وَأَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي • وَأَعِزِّي عَلَيَّ مَا أَبْقَيْتَنِي • فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

و سید ابن طاووس فرموده که: روایت شده که در شب آخر ماه رمضان بخوانند سوره فاتحه و «کهف» و «بقره» و صد مرتبه بگویند: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ. و از بیهوشی که در شب آخر ماه رمضان می‌آید آزاد کردن پنجه‌ها است و سلسله حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) با کبریا و عبید خود در این شب و آزاد نمودن آن‌ها را از قید رنج و مشهور است والله الموفق.

فصل چهارم

در بیان عمل ماه شوال است

بدان - اِنَّكَ اللهُ تعالى - که از جمله اَیام شریکه ماه شوال دو روز اول ماه است که عید فطر نامیده می‌شود و شبش از جمله ایالی شریکه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احبای آن احادیث بسیار وارد شده و روایت شده که آن شب کمتر از شب قدر هست و از برای آن شب وظایف چند است که از بعضی آن‌ها غفلت نباید نمود:

اول: غسل است در وقت غروب کردن آفتاب.

دوم: احبای آن شب است به نماز و دعا و سؤال از حق تعالی. چنانچه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمود: مرد کارگر را در این شب می‌دهند.

تکبیرات در عقب نماز

سوم: آن که بگویند در عقب نماز مغرب و هم چنین عقب نماز عشاء آن شب و عقب نماز صبح و عقب نماز عید الله اكْبَرُ اللهُ اكْبَرُ اللهُ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اكْبَرُ اللهُ اكْبَرُ اللهُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلٰى مَا عِدْنَاهُ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلٰى مَا اَوْفَانَا.

چهارم آن که چون نماز مغرب و نافله آن را خوانند دست‌ها را به سوی آسمان بلند کند و بگوید: يَا قَافِلُ السَّوْلِ يَا قَافِلُ الْجُودِ يَا مُضْطَفِّيْ مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْظِرْ لِيْ كُلِّ ذَنْبٍ اخْفِيْتُهُ وَهُوَ بِعِنْدِكَ فِيْ كِتَابِ مُبِيْنٍ پس به سجده رود و صد مرتبه در سجده بگوید: تَتُوْبُ اِلَى اللّٰهِ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی بخواهد که ای شاه الله تعالی بر آورده خواهد شد.

پنجم: زیارت حضرت امام حسین علیه السلام است و فضیلت زیارت آن حضرت و کیفیت آن در این شب در باب چهارم [صفحه ۱۵۵] مذکور شد به آنجا رجوع شود.

طریق نماز حضرت امیر علیه السلام در شب عید فطر

ششم: بجا آوردن نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است چنانچه در این طابووس علیه السلام روایت

کردن از حالت انحراف که گفته حضرت امیر المومنین علیه السلام در شب عید نظر در رکعت معارف می‌کرد، و در رکعت اول بعد از «حمد» هزار مرتبه سوره «قل هو الله احد» و در رکعت دوم یک مرتبه می‌خواند پس به رکوع و سجود می‌رفت و بعد از سلام نماز، سر به سجده می‌گذاشت و صد مرتبه می‌گفت «اتُوبُ إِلَى اللَّهِ» پس می‌گفت:

يَا خَالِدَ النَّفْسِ وَالْجُودِ يَا قَاتِلَ الْغُلُولِ يَا مُعْطِي مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ
وَأَلِهِ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. یعنی به جای توضیح
بی‌گناه، حاجات خود را می‌طلبید پس سر از سجده بر می‌داشت و می‌فرمود: «به حق خداوندی
که جانم به دست قدرت اوست هر که این نماز را بکند هر حاجتی از حق تعالی بطلد الهی عطا کند»
و اگر به عدد رکعت‌های پایان گفته باشد خدا به امر دهد و در روایت دیگر به جای هزار مرتبه
«قل هو الله» صد مرتبه نیز وارد شده است، و شیخ طوسی و شیخ طهیر بر این معارف هزار مرتبه
«توجه» را نقل کرده.

دعای بعد از نماز شب عید

و سید ابن طاووس و شیخ طوسی این دعا را از برای بعد از نماز نقل کرده‌اند، و حقیر دعا را
از کتاب الخصال نقل می‌کنم، و آن دعا این است:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ يَا اللَّهُ يَا مَلِكُ يَا اللَّهُ
يَا قُدُّوسُ يَا اللَّهُ يَا سَلَامُ يَا اللَّهُ يَا مُؤْمِنُ يَا اللَّهُ يَا مُهَيِّوُنُ يَا اللَّهُ
يَا غَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا جَبَّارُ يَا اللَّهُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا اللَّهُ يَا خَالِقُ يَا اللَّهُ
يَا بَارِئُ يَا اللَّهُ يَا مَصْصُورُ يَا اللَّهُ يَا عَالِمُ يَا اللَّهُ يَا غَنِيُّ يَا اللَّهُ يَا كَرِيمُ
يَا اللَّهُ يَا حَلِيمُ يَا اللَّهُ يَا حَكِيمُ يَا اللَّهُ يَا صَمِيعُ يَا اللَّهُ يَا بَصِيرُ يَا اللَّهُ
يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ يَا وَاجِدُ يَا اللَّهُ يَا وَلِيُّ
يَا اللَّهُ يَا وَفِيُّ يَا اللَّهُ يَا تَوَلِّيُّ يَا اللَّهُ يَا قَاصِي يَا اللَّهُ يَا سَرِيعُ يَا اللَّهُ
يَا شَدِيدُ يَا اللَّهُ يَا زَوُوفُ يَا اللَّهُ يَا قَرِيبُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبُ يَا اللَّهُ
يَا جَوَادُ يَا اللَّهُ يَا مَاجِدُ يَا اللَّهُ يَا عَلِيُّ يَا اللَّهُ يَا حَفِيزُ يَا اللَّهُ

یا مُعِطُ. یا اَللهُ یا سَيِّدُ السَّادَاتِ. یا اَللهُ یا اَوَّلُ. یا اَللهُ یا آخِرُ. یا اَللهُ
یا قَاهِرُ. یا اَللهُ یا بَاطِنُ. یا اَللهُ یا فَاجِرُ. یا اَللهُ یا قَاهِرُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ.
یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ.
یا وَفُوهُ. یا اَللهُ یا نُورُ. یا اَللهُ یا جَمِيعُ. یا اَللهُ یا صَاحِبُ. یا اَللهُ یا فَاتِحُ.
یا اَللهُ یا تَفَاعُ. یا اَللهُ یا جَلِيلُ. یا اَللهُ یا جَمِیلُ. یا اَللهُ یا شَهِيدُ. یا اَللهُ
یا شَهِيدُ. یا اَللهُ یا حَبِيبُ. یا اَللهُ یا فَاجِرُ. یا اَللهُ یا مُطَهِّرُ. یا اَللهُ یا مَالِكُ.
یا اَللهُ یا مُقْتَبِرُ. یا اَللهُ یا قَابِضُ. یا اَللهُ یا بَاسِطُ. یا اَللهُ یا مُصِيبُ. یا اَللهُ
یا مُمِيتُ. یا اَللهُ یا مُجِيبُ. یا اَللهُ یا بَاسِطُ. یا اَللهُ یا مُعْطِی. یا اَللهُ
یا مُفْعِلُ. یا اَللهُ یا مُنْجِمُ. یا اَللهُ یا حَقُّ. یا اَللهُ یا مُبِینُ. یا اَللهُ یا مُطِيبُ.
یا اَللهُ یا مُخْبِرُ. یا اَللهُ یا مُبْدِئُ. یا اَللهُ یا مُفْهِدُ. یا اَللهُ یا هَادِی. یا اَللهُ
یا تَدِيعُ. یا اَللهُ یا هَادِی. یا اَللهُ یا کَافِی. یا اَللهُ یا شَافِی. یا اَللهُ یا غَیْی.
یا اَللهُ یا حَنَّانُ. یا اَللهُ یا مَنَّانُ. یا اَللهُ یا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ. یا اَللهُ یا مُتَعَالِی.
یا اَللهُ یا عَزَّوَجَلَّ. یا اَللهُ یا ذَا الْمَعَارِجِ. یا اَللهُ یا صَادِقُ. یا اَللهُ یا ذِی الْقَرْنِ.
یا اَللهُ یا باقی. یا اَللهُ یا ذَا الْجَلَالِ. یا اَللهُ یا ذَا الْاِکْرَامِ. یا اَللهُ یا مُخْشِوهُ. یا اَللهُ
یا مُخْشَوْدُ. یا اَللهُ یا صَانِعُ. یا اَللهُ یا مُصِیْبُ. یا اَللهُ یا مُکَوِّنُ. یا اَللهُ یا مُفْعَلُ.
یا اَللهُ یا لَطِیفُ. یا اَللهُ یا جَلِيلُ. یا اَللهُ یا غُفُورُ. یا اَللهُ یا شُکُورُ. یا اَللهُ
یا مُورُ. یا اَللهُ یا حَنَّانُ. یا اَللهُ یا قَدِیرُ. یا اَللهُ یا رِیَّانُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ
یا زِنَاءُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ یا زِنَاءُ. یا اَللهُ
یا اَللهُ. اَسْأَلُكَ اَنْ تُسَلِّی عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقُمْ عَلٰی بِرِّصَالِكَ وَتَغْفِرَ عَلٰی
بِجَلْمِكَ وَتَوْسِعَ عَلٰی مِنْ بَرِّكَتِكَ الْعَالِی الطَّیِّبِ مِنْ حَیْثُ اخْتَصَبْتُ وَمِنْ حَیْثُ

لَا اخْتِسَابَ. فَأَنْتَ عَبْدُكَ لَا تَسْأَلُ لِي أَحَدًا سِوَاكَ. وَلَا أُجِدُّ أَحَدًا أَسْأَلُهُ عِنْدَكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

پس به سجده می روی و می گوئی:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. يَا رَبِّ يَا اللَّهُ. يَا رَبِّ يَا اللَّهُ. يَا رَبِّ يَا اللَّهُ. يَا مُنْزِلَ
الْبَرَكَاتِ. يَا مَنْ تَنْزِلُ كُلَّ حَاجَةٍ. أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ فِي مَخْرُوجِ الْغَيْبِ
عِنْدَكَ وَالْأَسْمَاءِ الْمَشْهُورَاتِ عِنْدَكَ الْمَكْتُوبَةِ عَلَى سَرَابِقِ عَرْشِكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْبَلَ مِنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ. وَتَكْتَبَنِي فِي الْوَافِدِينَ
إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ. وَتَضَعْ لِي غِيَّ الدُّلُوبِ الْعِظَامِ. وَتُسَخِّرْ يَا رَبِّ كُنُوزَكَ
يَا رَحْمَنُ.

و از برای این شب نماز دیگر بر پا نیت بسیار نفل شده هر کس ایستاد به آن نماز دسته
باشد رجوع کند به الهی.

و اما احمال روز عید فطر

پس چند چیز است:

اول: بیرون کردن زکات فطره است به نصیبتی که در کتب لغت مذکور است.

دوم: غسل است و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که غسل را در هر سقی بکن و چون
خواستی غسل کنی بگو:

اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ وَتَضَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعًا سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّي اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ.

پس «بسم الله» بگو و غسل کن و چون فارغ شدی از غسل بگو:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي وَطَهْرًا دِيمِي. اللَّهُمَّ أَزْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ.

سوم: آن که پیش از نماز عید در اول روز فطره کنی و بهتر است که به خرما یا به شیره
مثل شکر و غیره باشد، و شیخ مفید فرموده که مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربه سید
الشهداء علیه السلام که خدا است از برای هر مردی.

چهارم آن که بخواند بعد از نماز صبح و بعد از نماز عید آن تکبیراتی که در شب بعد از نماز می خواند.

پنجم: زیارت کردن امام حسین علیه السلام و زیارت مخصوصه آن حضرت در این روز در باب چهارم [صفحه ۱۵۶] به شرح رفت.

ششم: خواندن دعای عید که در اعمال روز جمعه [صفحه ۶۲] ذکر خواهد شد.
بسم الله تعالی.

کیفیت نماز عید

و کیفیت نماز عید چنین است که شروع کند به نماز و آن دو رکعت است، در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «سبح اسم ربك الاعلی» بخواند و بعد از قرائت پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیری این قنوت را بخواند

اللَّهُمَّ اهْزِلْ الْكِبْرِيَاءَ وَالْمَغْظَمَةَ وَأَهْلِ الْجُودِ وَالْحَبْرِيَّةَ وَأَهْلِ الشُّعْبِ
وَالرَّحْمَةَ وَأَهْلِ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَشْأَلُكَ بِخَلْقِ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ
لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَشِرفاً وَكَرَامَةً
وَمُرِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ
أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ شَوْءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ سَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا
سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادَتِكَ الصَّالِحُونَ وَأَعُوذُ بِكَ جَمًّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ.

پس بعد از این پنج قنوت تکبیر می گوید به رکوع می روی و بعد به سجده نماز که هر
می خیزی به جهت رکعت دوم، در این رکعت بعد از «حمد» سوره «والشمس» و صحافه می خوانی
پس چهار تکبیر می گوید و بعد از هر تکبیری همان قنوت را می خوانی و بعد از چهار قنوت تکبیر
می گوید و می روی به رکوع و بقیه نماز را تمام می کنی و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام می فرستی و
دها می خوانی به آن چه ممکن است تو را و بعد از نماز عید دعاهای بسیار وارد شده است و
بهترین دعاها دعا حضرت علی بن الحسین علیه السلام است که در صحیفه کلمه است و دعاهای امروز
بسیار است، بعضی بعد از نماز صبح خوانده می شود و بعضی در آن هنگام که به جهت رفتن به

همان عید مهینا شده اند خواننده می شود و مقام را گنجایش نقل نیست و شیخ مفید در تاریخ گفته که در روز اول ماه شوال در سنه چهل و یکم از هجرت خلافت عمر و عاص واقع شد و باعث زبانی مسرت این روز گشته

مؤلف گوید که: بدل ای عزیزی من که روز عید فطر اگر چه از اجزای عظیمه و روز عید و سرور مؤمنان است به جهت قبولی اعمالشان و آمرزش گناهان آنها و رسیدنشان به آن صواب و عطاها می سنه که در برای روزه ماه رمضان آنها مهینا شده است. لکن مزبور است از برای تو که در این روز دلت مضطرب و معلق باشد ما بین خوف و رجاء زیرا که نمی دانی که روزی است قبول شده و از آن عطاها که حق تعالی در این روز به بندگان خود مرحمت می فرماید به تو هم خواهد داد که در حق تو عید باشد یا آن که روزه و عذاب مرعوب خواهد شد و از جمله انشیا و بد عاقبت ها شده که از رحمت الهی محروم شده اند پس باید که محزون و مغموم باشی و تضرع و زاری و مسألت کنی از حق تعالی که رحمتش را شامل حالت کند و تو را دست طمانی از باب رحمت خویش بر مگرداند و حدیث حضرت مجتبی علیه السلام در این روز مشهور است و این مطلب اختصاص به روز عید فطر ندارد بلکه عقب هر عیدانی باید حالت چنین باشد و نیز مزبور است که محزون باشی در این روز به جهت ضیاع ایمان زمانه و ممنوع بودن آن حضرت از تضرع در امور رحمت خود و فوت شدن ساز عید با آن حضرت. به علاوه آن که حزن تو باعث تأشی بر حرب اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم است. زیرا که انبوه آن بزرگواران در این روز تازه و تجدید می شود؛ چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل است که به عید الله بن دینار فرمود که: ای عید الله می شود عیدی از برای مسلمین مثل عید قربان و عید فطر مگر آن که تازه می شود اندوه و غم از برای آل محمد علیه السلام در آن روزه. عید الله گفته: به چه جهت؟ فرمود: «به جهت آن که می بینند حق خود را در دست غیر خودشان و مغموم است که حزن و اندوه آن ها نه از جهت حب جاه و ریاست است؛ بلکه از جهت شفق و محبت بر ائمت و رحمت است که آن ها را در حیرت و ضلالت می بیند و ممکن نیست ایشان را هدایت آن ها.

و در نیمه شوال در سال سوم از هجرت وقفه آمد بوده و در آن روز شهادت سید شهادی زمان خود حضرت حمزه هم بزرگوار پیغمبر علیه السلام واقع شد شیخ مفید فرموده که: مؤمنین در این روز ترکی کنند نداید را به جهت نصیب حضرت رسول علیه السلام به عیوی خود حیره و اصحاب با اخلاص خویش که در این روز شهید شدند و به جهت آن عیدمائی که بر وجود مبارک آن حضرت در این روز در مشرکین رسیده است.

و زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز مناسب است چه آن که فتوت و برادری او به حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این روز بر همه عالمیان ظاهر شد و جبرئیل در شأن آن حضرت در سمان ندا کرد: **لَا سَبَّ إِلَّا لِلَّهِ الْقَدَّارِ وَلَا فَنَى إِلَّا عَلَيَّ صلی الله علیه و آله**

فصل پنجم

در بیان اعمال ماه ذی القعدة است

بدان که این ماه اول ماههای حرام است که حق خالی در قرآن پیدا فرموده است و آن ها ذوالقعدة و ذو الحجة و محرم و رجب است. که در جاهلیت و اسلام معظم و مکرم بوده اند. و روایت شده که: هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه بدارد، ثواب ده صد سال عبادت برای او نوشته شده.

و در روز پنجشنبه این ماه سازی با فضیلت و ثواب بسیاری وارد شده طالبین رجوع به کتاب تقیال کنند.

و روز بارنهم این ماه روز مبارکی است و به قول بعضی توفیق حضرت امام رضا علیه السلام در آن شده.

و شب نیمه اربعانی شریفه است و عبادت در آن شب فضیلت بسیار دارد. و روز بیست و سوم این ماه به قول شیخ طبرسی و غیره وفات حضرت امام رضا علیه السلام واقع شده و مستحب است زیارت آن حضرت از دور و نزدیک.

و شب بیست و پنجم از ایاتی عزیزه است و روز آن روز دحو الارض است یعنی زمین بین شد از زیر کعبه و روز بسیار مبارکی است و امر برای عبادت در آن شب، و روزه و ورزش ثواب بسیاری ذکر شده است. و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که: «کسی که چسب کند از برای دوسب عبادت صد سال که روزهایش را روزه و شبهایش را به عبادت به سر آورده باشد»

شیخ صدوق علیه السلام روایت کرده است از حسن و قاسم که گفت: من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة پس فرمود که: تا مقبض حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیه السلام متوفی نشوند و زمین از زیر کعبه بین شده است. پس هر که ورزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم علیه السلام در این روز ظاهر خواهد شده. و روایت شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله که: هر روز این روز مثل روزه هفتاد سال است. و شیخ

کسی از محمد بن عبد الله صیقل روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ماه ذی القعدة به سوی مایرون آمد و فرمود که: «طُورُوا رَأْسَ رُوزِهِ بِمَا رُودَ مِنْ تَرِ رُورِهِ». گفتیم که: فدای تو شویم امروز چه روزی است؟ فرمود: روزی است که رحمت در این روز منتشر گردیده است، و زمین در این روز پهن شده است و در این روز کعبه نصب شده است، و حصر امامت علیه السلام در این روز به زمین فرود آمده است و در روایتی وارد شده که: هر که در این روز روزه بگیرد هر چه در میان آسمان و زمین است برای او طلب آمرزش و استغفار کند، و حدیثی در فضیلت روزه این روز بسیار است و این روز یکی از آن چهار روز است که در سال است و روزهای مستحب مؤکد است.

دو رکعت نماز و دعای روز بیست و پنجم

و سید ابن طاووس از برای این روز (آخر الأرض) تلاوی قل کرده از کتب فقهی به این کیفیت که: در وقت جلست دو رکعت نماز بها آورد و در هر رکعت بعد از «حمد» پنج مرتبه سوره «والشمس» بخواند و بعد از سلام بگوید: لَا خَوْفَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. پس ده کند و بگوید:

يَا مُقِيلَ الْغَمَرَاتِ أَقْلِنِي غَمْرَتِي. يَا مُجِيبَ الدُّعَوَاتِ اجِبْ دَعْوَتِي.
يَا سَامِعَ الدُّعَوَاتِ اشْفَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي. وَتَجَاوَزْ عَنِّ شَيْئَاتِي وَمَا جُنْدِي.
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و شیخ طوسی رحمه الله در مصباح گفته که مستحب است در این روز این ده دعا بخواند:

اللَّهُمَّ دَاجِي الْكَفْمَةِ وَفَاتِي الْفَجَةِ وَصَارِفِي اللَّزِيَّةِ وَكَاتِفِي كُلِّ كَرْبَةٍ.
أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيْمَانِكَ الَّتِي أَغْلَمْتَ حَقَّهَا وَأَقْلَمْتَ سَبْقَهَا.
وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعةً. وَفِيكَ لَرِيعَةً. وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيعَةِ. أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُتَتَجِبِ فِي الْمِثَاقِ. الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ. فَاتِي
كُلِّ رَتْقٍ. وَدَاجٍ إِلَى كُلِّ حَقٍّ. وَعَلَى لَعْلِي بَيْتِهِ الْأَنْفَارِ الْهَدَاةِ الْمَتَارَةِ دَعَائِمِ
الْجِبَارِ. وَوَلَاةِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا مِنْ غَطَائِكَ الْمَنْفُورِ.

غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَقْنُونٍ^(١) تَجْعَلْ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْآوَةِ. يَا خَيْرَ
مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَوْجُوٍّ. يَا كَفِيَّ يَا وَفِيَّ. يَا مَنْ لَطْفُهُ خَفِيٌّ. لَطْفُكَ لِي يُلْطِقَكَ.
وَأَسْبِغْنِي بِغُفْوِكَ. وَأَيِّدْنِي بِتَغْرِكَ. وَلَا تُسْبِي كَرَمِي وَتُكَرِّكْ بَوْلًا أَمْرَكَ.
وَخَفْظَةَ سِرِّكَ. احْفَظْنِي مِنْ شَوَابِيبِ التَّخَرُّبِ إِلَى يَوْمِ الْفَحْشْرِ وَالنُّشْرِ.
وَأَشْهِنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَفْسِي وَانْقِطَاعِ غَمَلِي
وَانْقِصَاءِ أَجَلِي.

اللَّهُمَّ وَادْكُرْنِي عَلَى طَوْلِ الْبَلَى إِلَّا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى. وَنَيْسِنِي
النَّاسُونَ مِنَ الثُّرَى. وَأَخْلُفْنِي دَارَ الْقَامَةِ. وَبَيِّتْنِي مَنَازِلَ الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي
مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ اجْتِبَائِكَ وَأَسْهَابِكَ^(٢). وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ.
وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْفَعْلِ قَبْلَ حُلُولِ الْآخِلِ. بَرِيئًا مِنَ الرِّلَالِ وَسُوءِ الْخَطَلِ.
اللَّهُمَّ وَأَوْرِقْنِي خَوْضَ نَهْجِكَ مُحِبِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَاسْقِنِي مِنْهُ
شَرِبًا زَيْنًا سَائِقًا ضَمِينًا لَا انْقِمَاءَ بَعْدَهُ وَلَا أَحْلَاءَ وَرَدَّهُ. وَلَا قَتْلَهُ
أَدَاؤًا جَعَلَهُ لِي حَقَرًا زَائِلًا. وَأَوَّلِيَّ مِمَّاءَ يَوْمِ يَوْمِ الْأَشْهَادِ.

اللَّهُمَّ وَالْعَنْ حَبَابَةَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَيَسْقُوتِ لَوْلِيَاتِكَ الْمُسْتَأْثِرِينَ.
اللَّهُمَّ وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَعَامِلَهُمْ^(٣). وَعَجِّلْ مَهَالِكَهُمْ.
وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ. وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ. وَالْعَنْ مُسَاجِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ.
اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيَائِكَ. وَارْزُقْ عَلَيْهِمْ مَقَالِلَهُمْ. وَأَخْلِمْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ.
وَاجْعَلْهُ لِي دِيكًا مُتَّصِرًا. وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتَوِرًا. اللَّهُمَّ احْفَظْهُ بِعَلَائِكَةِ
النُّصْرِ. وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ. مُتَّقِمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى.

وَبَعُوذُ دَيْسِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيداً غَضَاءً وَيَضْحَكُ الْحَقُّ مَخْضَباً. وَيَرْفُضُ الْبَاطِلُ رَضاً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ. وَاجْعَلْنَا مِنْ ضُحْبِهِ وَأَسْرَرِهِ وَابْتِغْنَا فِي كَرَمِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَتَوَاتِيهِ. اللَّهُمَّ أَتَدْرِكُنَا بِنَا قِيَامَهُ. وَأَشْهَدُنَا إِيمَانَهُ. وَجَمِلْ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامَ وَارْزُقْنَا الْإِنْسَانَ سَلَامَةً وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ.

و شیخ طوسی در تہذیب ذکر فرموده و غایت حضرت امام معتمد علیہ السلام در روز آخر این ماه.

فصل ششم

در احوال ماه ذی الحجه است

و در آن سه مقام است

مقام اول؛ در بیان اعمال مشترکه دهه اول است.

بدان که ایام این دهه همه در نہایت فضیلت و برگزند و در احادیث مطہرہ وارد شدہ است کہ ایام مطہرات کہ در آیت شریفہ ﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ﴾ است در روز اول ماه ذی الحجه است؛ چنانچہ ایام مطہرات روز دهم این ماه و سه روز بعد از آن است. و از حضرت رسول ﷺ منقول است کہ عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از این دهہ و از برای این دهہ احوال چند است:

دو رکعت نماز و دعای دهه اول

اول خواندن دو رکعت نماز ما بین نماز شام و حلقن در تمام شبهای این دهہ در هر رکعت یک مرتبہ سورۃ «حمد» و یک مرتبہ سورۃ «قل هو الله احد» و این آیت شریفہ ﴿وَوَاعظْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِمَشْرِقِيِّ نَوْمٍ﴾ میقات ربِّہ لزیمین لَیْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

و وارد شده که چون چنین کنی در توبای حلیمان شریک خواهی بود هر چند به حج بروی.
دوم به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که آن حضرت از رود اڑل
دی السببه تا رود هرقه در عقب سار صبح و پیش از غروب این دعا را می خواند:

اللَّهُمَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَيَّ غَيْرَهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا وَفَضَّلْتَ
بِنُفْسَتِهَا بِكَ وَرَحِمْتَكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا
فِيهَا مِنْ نِعْمَاتِكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَأَنْ تَهْدِيَنَا
فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَتَرْزُقَنَا فِيهَا التَّقْوَى وَالْخُفَاةَ وَالْيَمْنَ وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا
تُحِبُّ وَتَرْضَى

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا مَوْضِعُ كُلِّ شَكْوَى وَبِمَا سَمِعَ كُلُّ نَجْوَى
وَبِمَا شَهِدَ كُلُّ مَلَأٍ وَبِمَا عَلِمَ كُلُّ حَقِيقَةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تُكْشِفَ عَنَّا فِيهَا الْهَلَاةَ وَتُسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتَقْوِيَا فِيهَا
وَتُعِينَنَا وَتَوْفِقَنَا فِيهَا إِمَّا تُحِبُّ رِزْقًا وَتَرْضَى وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ
طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَأَعْمَلٍ وَلَا يَتَكَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا بِكَ سَمِيعَ الدُّعَاءِ وَلَا تُخْرِصْنَا فِيهَا حَبْرًا مَّا نَزَلَ
فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا فِيهَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا غَلَامَ الْغُيُوبِ وَأَوْجِبْ لَنَا
فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُتْرَكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا إِلَّا غُفِرَتْهُ وَلَا
عَنَّا إِلَّا فُرِجَتْهُ وَلَا ذَنْبًا إِلَّا قُضِيَته وَلَا غَايَةً إِلَّا أَدِنَتْهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ
خَوَاتِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا سَهِّلَتْهَا وَبَشَّرَتْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ يَا عَالِمَ الْغُيُوبَاتِ يَا رَاجِمَ الْغَيْرَاتِ يَا مُجِيبَ الدُّعَوَاتِ يَا رَبَّ
الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ يَا مَنْ لَا تُشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

وَاللّٰهُمَّ وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ غُفَّائِكَ وَطُفَّائِكَ مِنَ النَّارِ وَالْغَاوِينَ
بِحَبْلِكَ وَالنَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهِ اَجْمَعِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيماً.

پنج دعای حضرت عیسیٰ علیه السلام در این دهه

مقدم: خواندن پنج دعای است که جبرئیل علیه السلام برای حضرت عیسیٰ علیه السلام هدیه آورد که در این
دهه بخوانند و حضرت عیسیٰ علیه السلام از برای مؤمنین شرح داد فضیلت خواندن هر یک در آن پنج
دعا را و در وی حد مره و حد پیش طول است و فضیلت آنها بسیار است و ما به اصل دعا اکتفا
می‌نماییم.

دعای اول: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. تَعَالَى الْمُلْكُ وَلَهُ
الْخِطْمُ بِهِدِ الْحَيٰوةُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
دوم: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. اَحَدًا صَمَدًا. لَمْ يَتَّخِذْ
صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا.

سوم: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. اَحَدًا صَمَدًا. ثُمَّ يَلِدُ
وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ.

چهارم: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. تَعَالَى الْمُلْكُ وَلَهُ
الْخِطْمُ يُخْفِي وَيُخَيِّتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ. بِهِدِ الْحَيٰوةُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پنجم: حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفَى. تَسْبِيحُ اللّٰهِ اِتْمَنَ دَعَاءٍ لِّبَنِي دَرَاءِ اللّٰهِ مُشْتَبِهٌ.
اَشْهَدُ لِلّٰهِ بِمَا دَعَاءُ وَاِنَّهُ يَرِيءُ مِنْ تَبَرُّا وَاَنَّ لِلّٰهِ الْاٰخِرَةَ وَالْاَوَّلَ.

تهلیلات از حضرت امیر علیه السلام

چهارم خواندن این تهلیلات مبارک است. در هر روز از این دهه و اگر دوری ده مرتبه بخواند
بوتر است و از برای آن فضیلت بسیاری ذکر شده و معصوب است به امیر المؤمنین علیه السلام

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ اللَّيَالِي وَاللُّهُورُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ أَمْوَاجَ الْبُحُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَزَحَمَتُهُ حَيَّوْ مَا يَجْمَعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ الشُّوْكَ وَالشَّجَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ الشَّغَرِ وَالْوَبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ الصَّخَرِ وَالْمَدَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ لَمَحِ الْعُيُوبِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا تَغَشَّسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَدَّهَ الرِّيحِ فِي الْبَرَارِ وَالسُّحُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمٍ يُنْفَخُ فِي السُّورِ

و روزه این دهه به غیر از روزه عید که روزهای حرام است فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام موسی علیه السلام روایت شده که هر که این نه روز را روزه بگیرد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او باری او بخشد.

مقام دهم: در بیان اعمال مختصه دهه اول ذی الحجه است

روزه اول ماه: روزه بسیار مبارکی است و روزهای فضیلت بسیار دارد. شیخ طوسی روایت کرده از حضرت امام موسی علیه السلام که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بگیرد حق تعالی برای او بنویسد ثواب هشتاد ماه روزه و آن روزی است که تولد حضرت ابوالحسن علیه السلام شده و در آن روز حق تعالی او را غنیمت خود گردانید و شیخ مفید گفته که در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه و به امیر المؤمنین علیه السلام صلوات الله علیهما - ترویج نمود و شیخ طوسی بر همین اخبار اکتفا کرده لکن گفته و روایت شده که وقته ترویج هر ششم این ماه بوده و در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله روانه کرد ای مکر را به سمت مکه که سوره «برانت» را بر کفزار مکه بخواند پس جبرئیل علیه السلام از جانب حق تعالی نازل شد که فدای ای امر باید به قصد تو یا به قصد مردمی که از تو باشند بشود پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را که به منزله جان خود بود بر برای این امر اختیار فرموده به حطب او روانه کرده و مرد اولی را از این امر محزول کرده پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روز سوّم این ماه به او رسیده و سوره را از او گرفته و روانه شد به نفسایی که در مقام خود به شرح رفته و شیخ مفید فرموده که جبرئیل از برای این امر در روز دهم

این ماه نازل شد به هر حال از برای روز اول ذی الحجه فضیلت بسیاری است و از برای او به غیر از اعمال مشترکه که سابق گفتیم عمل مخصوصی است و آن خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السلام

نماز حضرت فاطمه علیها السلام

شیخ طوسی فرموده که روایت شده است که آن نماز چهار رکعت است، مثل نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به دو سلام و در هر رکعت بعد از سوره «حمد» پنجاه مرتبه «سوره قل هو الله احد» می خوانند و بعد از سلام تسبیح می کند به تسبیح و هر رکعت و می گوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الْبَرِّ الشَّامِخِ الصُّبِّ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاقِ
الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاجِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبَهْجَةُ
وَالْجَمَالُ سُبْحَانَ مَنْ قَرْنَى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ بَرَى الْوَسْطَةَ
فِي الْخِصَاءِ سُبْحَانَ مَنْ بَرَى وَفَعِ الطُّيُورَ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا
وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ

و بعد از این طاروس علیه السلام نماز دیگری از کتب متین نقل کرده از برای روز اول ذی الحجه به این طریق که پیش از دخول به نیم ساعت بر خیزد، دو رکعت بجا آورد در هر رکعت «حمد» را یک مرتبه و هر یک از قل هو الله و ایاة الكرسي و انا انزلناه را ده مرتبه بخواند.

و بعد از آن که حرکت از ظالمی برسد در این روز بگوید «حَسْبِيَ حَسْبِيَ مِنْ سُوَالِي بِعَلَمِكَ بِعَالِي» حق تعالی کفایت کند تن از آن ظالم را در او

و از روز هفتم این ماه به قول قمی و شهید و غلات حضرت باقر علیه السلام مستحب است که در این روز در تفریم المعصین است که در این روز حضرت موسی بر ساحران غلبه فرمود.

روز هشتم روز مروه است در این روز حجاج بیت حنح تشع کنند و معمر شده از مکه به سمت می و عرفات روند و در این روز حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در کوفه ظاهر شده و از مردم بیعت گرفت و روز دوازدهم حضرت صادق علیه السلام مریض است که روز دوازدهم کفاره شصت سال است.

و شب نهم از برای متبرکه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که در این شب دعا

مستجاب است و کسی که آن شب را به عبادت به سر آورد ایتر حد و هفتاد سال عبادت دارد و
آن شب شب مناجات با قاضی العاجات است و توبه توبه کننده در این شب قبول است و در برای
این شب دعایی از حضرت صادق علیه السلام مروی است که اَللّٰهُمَّ یا شَهِیدُ کُلِّ بَیْرٍ است از
فیض خواندن آن محروم نباید شد.

دعای شب عرفه

و سید این طایوس روایت کرده از اَمِّ الْکَلْبِ کَیْزِ عَبدِ الْمَلِکِ مَروان که گفت: شنیدم از اَبی
سَمُود که می گفت: هر غلام و کنیزی که در شب عرفه این دعا را بخواند و هر چه خواهد از حق
تعالی بخواهد عطا شود به او عطا فرماید به شرط آن که [آن حاجت و] سؤال قطع رحم و گناهی
باشد و این دعا ده کلیه، یعنی ده جمله از تسبیح است به این طریق:

سُبْحَانَ مَنْ فِي السَّمَاءِ عَرْشُهُ. سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْأَرْضِ سَخُونُهُ.
سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْبَحْرِ سَبِيلُهُ. سُبْحَانَ الَّذِي فِي النَّارِ سُلْطَانُهُ. سُبْحَانَ
الَّذِي فِي الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ. سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقُبُورِ قِسَاؤُهُ. سُبْحَانَ الَّذِي فِي
الْقَوَامِ أَمْرُهُ. سُبْحَانَ الَّذِي رَفَعَ السَّعَاءَ. سُبْحَانَ الَّذِي وَضَعَ الْأَرْضَ.
سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْجِيَا مِنْهُ إِلَّا إِلَهِهُ.

اَمِّ الْکَلْبِ گفت: به این سمود گفتیم این که گفتی از پشیمان است؟ گفت: بلی.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت است که: هر که شب عرفه و اوقات کفایت زمین کر بلا و
و در آن جا بماند تا روز عید شود پس اگر خواهد برود حق تعالی او را از شر آن سال نگاه دارد و
و مستجاب است بر در این شب و در آن خواندن دعای اَللّٰهُمَّ مَنْ نَعَى وَتَوَلَّى إِلَى آخِرِهِ.
و ما این دعا را در اعمال شب جمعه [صفحه ۶۱۷] ایراد می نمایم به آن جا رجوع خود

در فضیلت روز عرفه

و روز دهم، روز عرفه است و از اعیاد عظیمه اگر چه به رسم عید نامیده شده است و روری
است بسیار مبارک و مهمون و روری است که حق تعالی بندگان خود را به عبادت و اطاعت
خویش خوانده است و مراند جود و احسان خود را از برای ایشان گسترانیده و وعده فرموده ایشان
را به آمرزش گناهان و پرتابیدن همه های ایشان پس سزاوار است این که شناخته شود عظمت

و قدر این روز، و بیا دانسته شود از برای عبادت و دعا و حمد و شکر باری تعالی شیخ سعید^(ع) فرموده که در روز عرفة حق تعالی قبول فرموده توبه حضرت آدم^(ع) را، در این روز متولد شد حضرت ابراهیم^(ع) و در این روز دبیته^(ع) بر فلود^(ع) سازل شد و در این روز حضرت عیسی^(ع) متولد شد و در این روز لس دعا به موقف عرفات بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب. بدین آنچه ثابت شده از سبب حضرت رسول^(ص) و دوایی روز حضرت مسلم بن عقیل^(ع) شهید شد و بالجملة کسی که توفیق یابد در عرفات بابتدای او عید و اعمال بسیار دارد

و بهترین اعمال در این روز دعا است. حقی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اوّل وقت، و نافله و الاّی عصر ساقط می شود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام، و دعا در برای برادرانی مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه به سند صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که می خد الله بی چند و یادیم در موقف عرفات و حال هیچ کس را در او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را به سوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش به رویش جاری بود تا به زمین می رسید چون مردم فارغ شدند گفتیم وقوف هیچ کس را بهتر از وقوف تو ندیدم. گفتند به خدا سوگند که دعا نکردم مگر برادران مؤمن خود را و ویرا که در حضرت اسام عوسی^(ع) شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن خود در فضیلت او از عرض خدا به او رسد که او برای تو صد هزار برابر او باده پس من نخواستیم که دست بردارم از صد هزار برابر دهایی مدّیک که الهیّه مستجاب است برای یک دعای خود که می دانم مستجاب خواهد شد یا نه.

و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفة در تحت ایّة مقدّسه حضرت اسام حبیبی^(ع) بایستد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات بایستد بلکه زیاده است، چنانچه در باب چهارم با زیارت مخصوصه آن حضرت به شرح رفته و کسی که در سایر بلاد باشد و توفیق هیچ یک را نیافته باشد غسل کند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آن حضرت بکند و اگر در بام پندی یا صحرائی گشاده باشد بهتر است و زیارت پیچیده [در صفحه ۲۹۲] در سابق گذشت.

و زیارت مؤمن از زیارات جامعه این رساله [در صفحه ۲۹۲ گذشت] در این روز خواندنش بسیار مناسب است و چون زیارت کرد مشغول ذکر و دعا شود تا در ثواب آن ها شریک گردد و از حضرت صادق^(ع) منقول است که هر که در روز عرفة پیش از آن که متوجه دعا شود در رکعت نماز به جا آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدای تعالی به گناهان خود و اقرار کند به

خطاهای خود فايز گردد به ثواب لعل عرفات و گناهان گذشته و ايندش آسويد گردد. و شيخ مفيد رحمه الله اين معذ را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است که اين نماز مخصوص جمعی است که دو اطراف باشند و در عرفات باشند.

و غسل در اين روز مستحب است. و احاديث در باب روزه و روزه عرفه مختلف است و اکثر علماء جمع ميان احاديث به اين طريق کرده اند که اگر در ماه تشبه باشد و روزه بر او واجب باشد گردن صيف نگرداند شنب است و الا مکروه است پس توبه کمتر است.

و از حضرت صادق عليه السلام منقول است: «چون خواهي مشغول دعا شوی اول صد مرتبه **اَللّهُمَّ اَكْبِرْهُ** و صد مرتبه **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ** و صد مرتبه **سُبْحَانَ اللّٰهِ** و صد مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ** و صد مرتبه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ أَكْبَرُ** و اگر قیامه بر اين دوست داشته باشي صد مرتبه سوره **قَالَ اَنْزَلْنَاهُ** نیر بخوان. و در روایت دیگر صد مرتبه **آيَةُ الْكُرْسِي** و صد مرتبه صلوات بر پيغمبر و آل او عليهم السلام بگذاي پس مشغول دعا شو.

و دعاهای امروز بسیار است و بهترين دعاهای صحيفه کلمه است که دعای چهل و هشتم و **اَوَّلِي دَالِلُهُمُ لِلّٰهِ اَلْحَمْدُ بِدِيحِ السَّمَوَاتِ** پس آن را به خشوع و رقت بخوان که مشتمل است بر جميع مطالب دنيا و آخرت.

دعای روز عرفه

و سند اين طاووس از شيخ طوسي جدّ بزرگوار خود روايت کرده و او به سند معتبر از حضرت صادق عليه السلام که فرموده که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امير المؤمنين عليه السلام فرمود: «ای خواهی ترا تا تمام کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پيغمبران پيش از من است» پس فرمود که می گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخِزْيَةُ يُخَيِّي وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا لَدِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي. وَتِلْكَ بِرَأْسِي وَبِكَ حَوَالِي وَبِمَنْكَ قُوَّتِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ. وَمِنَ الْوَسْوَاسِ الْخَصِيرِ. وَمِنَ شَتَابِ الْأَمْرِ. وَمِنَ غَنَابِ الْقَبْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حَيَّوَ الرِّيحِ.

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَهَيَّئُ بِهِ الرِّيحُ. وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا. وَفِي سَمْعِي نُورًا. وَفِي بَصَرِي نُورًا. وَفِي لَحْمِي نُورًا. وَفِي نَفْسِي نُورًا. وَفِي عِظَامِي نُورًا. وَفِي عُرْوَتِي نُورًا. وَفِي مَفْعَلِي نُورًا. وَمِنْ خَلْقِي نُورًا. وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَارَبِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و از حضرت عقیل بن موسی الزمخانی این دعا را از برای این روز روایت شده:

اللَّهُمَّ كَمَا سَقَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَغْلَمْ فَأَغْبِرْ لِي مَا تَغْلَمْ. وَكَمَا وَسَّخْتَنِي عَنْكَ فَلْيَسْخِطْ عَفْوُكَ. وَكَمَا بَدَّلْتَنِي بِالْإِحْسَانِ فَأَتِمَّ بِعَفْوِكَ بِالْمَغْفِرَةِ. وَكَمَا أَكْرَمْتَنِي بِمَغْفِرَتِكَ فَاشْفَعْهَا بِمَغْفِرَتِكَ. وَكَمَا عَزَّفْتَنِي وَخَدَّيْتَنِي فَأَكْرِضْنِي بِطَاعَتِكَ. وَكَمَا حَصَمْتَنِي مِمَّا لَمْ أَكُنْ أَغْتَنِمُ مِنْهُ إِلَّا بِوَسْمَتِكَ فَأَغْبِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنِي مِنْهُ. يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ. يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و از حشام بن عبد الله مروی است که گفت: من در سواک عرفات نزدیک حضرت امام موسی (ع) بودم همین که می خواست آفتاب غروب کند آن حضرت به دست چپ خود ساجد جامه خود را گرفت پس گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ إِنَّ تَعَذُّبَنِي فِي أُمُورٍ لَدَيْكَ سَلَفَتْ مِنِّي وَأَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ بِوَسْمَتِي. وَإِنْ تَغْفِرْ عَنِّي فَأَهْلُ الْعَفْوِ أَنْتَ. يَا أَهْلَ الْعَفْوِ يَا أَهْلَ مَنْ عَفَا أَهْمُ لِي وَلَا أَصْحَابِي وَلَا أَهْوَالِي.

یعنی مرکوب خود را حرکت داد و گذشته یعنی از عرفات رفت به سمت مشرق

و از جمله دعاهای مشهوره روز عرفه دعای حضرت سید الشهداء (ع) است و چون در طولانی است ذکر نکردم طالعین رجوع به کتب دیگر کنند.

و در این روز اصحاب رسول خدا (ص) مأمور شدند که درهای خانه های خود را که به مسجد آن حضرت باز می شد ببندند، مگر حضرت امیر المؤمنین (ع) و عمل استفتاح نیز در این روز به عمل آوردن نیکوست.

و ششم نهم این ماه از ایالتی متروکه و از جمله چهار شیئی است که احیای آن‌ها سبب است و درهای آسمان در این شب بسته می‌شود برای بالا رفتن عبادهای مؤمن و دعا‌های حاجیان و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در این شب سنت است و اخبار قطیف و زیارت مخصوصه این شب را در باب چهارم نقل نمودیم به [صفحه ۱۵۵] رجوع کن. و هر که حاجتی داشته باشد بخواند در آن شب سار حاجتی را که در این شب و شب‌های جمعه خوانده می‌شود و ما آن را در دو اعمال شب جمعه [صفحه ۲۳۹] ذکر می‌نماییم این شاء الله تعالی

در اعمال عید اضحی

و روز دهم، روز عید اضحی است و بسیار درور شریفی است و از برای آن چند عمل است: اول، غسل است که سبب مؤکد است و بعضی واجب دانسته‌اند. دوم، سار عید است به همان کیفیت که در عید ظفر [صفحه ۵۵۵] به شرح رفت، ولیکن در این روز مستحب است که طعام را بعد از سار تناول کند و حکم است که اگر گوشت قربانی باشد سقوه خواندن دعا‌هایی که وارد شده برای پیش از سار و بعد از سار که پس رساله و گنجایش ذکر آن‌ها نیست. و بهترین دعا‌های این روز دعای چهل و هشتم صحیفه کامله است که اولش این است: **وَاللّٰهُمَّ هِدَا يَوْمَ تَبَارَكَ لَهُ**، و اگر دعای چهل و ششم را که اولش: **يَا مَنْ يُزَعِّمُ مَنْ لَا يُزَعِّمُهُ الْعِبَادَةُ** است نیز بخواند خوب است، و دعای نهم بهترین دعاها است در این روز، و بعد از این **يَا شَاءَ اللّٰهُ** در ضمن اعمال روز جمعه [صفحه ۱۶۴۰] مذکور خوانند شد. چهارم، قربانی است، و آن سبب مؤکد است و بعضی واجب دانسته‌اند، و از آن سلسله سروری است که به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد که: عید قربان می‌خورد و من قیمت اضحی ندارم آیا قرض کنم و قربانی کنم؟ حضرت فرمودند که: قرض کنی که دین تو ادا می‌شود، و قربانی کردن از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند خوب است، و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دو قربانی می‌کرد یکی از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و یکی از برای خود و اگر جمعی قادر نباشند که هر یک جدا قربانی کنند با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا هشتاد نفر و قربانی کنند پنجم، خواندن تکبیرات است بعد از سار ظهر و عصر، چنانچه از اثنته اطهار روایت شده در تفسیر آیه شریفه **وَادْكُرُوا اللّٰهَ فِيْ اَيَّامٍ مَّعْلُوْمَاتٍ** که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریف پس هر که در می‌باشد عقب بازده نماز یگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز سیردهم، و در سایر شهرها عقب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم.

و مشهور است بحباب است و بعضی واجب دانسته اند و آتش بعد از این سازه‌ها یک مرتبه است و علامه مجلسی فرموده که اگر مکرر گوید و بعد از نقله هر اگر بگوید چتر است و طریق تکبیر موافق حدیث صحیح این استند

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ التَّحَمُّدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا عَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا زَدَنَا مِنْ يَهيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَيْلَانَا

و بدان که روز عید این ماه به قول مشهور ولادت با سعادت حضرت امام علی (علیه السلام) است و روزی است که حلیفه سوّم اهل بیت را محاصره کردند و کار بر او تنگ شد که مشرف به هلاکت شد.

طعام سوّم: در فضایل و اعمال روز عید غدیر و سایر ایّام این ماه است عید غدیر در هجدهم این ماه است و عظیم‌ترین ایّام است و لحاظ بسیار از طرفین در فضیلت و اعمال آن وارد شده است شبش سوز شب شریعی است و زیارت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در آن مناسب است و سید ابن طاووس (رحمه الله) می‌فرماید که از قیاض بن محمد نقل کرده چون سید متبر داشت نقل مکرّم، شیخ طوسی و سید ابن طاووس (رحمه الله) از قیاض بن محمد نقل کرده‌اند که گفت: روز عید غدیر در مرو خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) بود و آن حضرت در آن روز مخصوصاً خویشان و اصحاب خود را جمع کرده و ایشان را نگاه داشته بود که در شب با آن حضرت اظهار کنند و به خانم‌های ایشان طعام و درها و خلعت‌ها فرستاد حتی انگشتر و کفش نیز فرستاد و ملازمان و خدمتکاران خود را جامه‌های نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای مردم نقل می‌فرمود از جمله آن‌ها آن که فرمود که: در بعضی از سال‌های خلافت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روز جمعه با روز غدیر جمع شده بود پس بعد از پنج ساعت که در روز گذشته بر سر بالا رفت و خطبه‌ای طولانی خواند و نامه‌های بسیار نیز برای آن روز ذکر کرد، تا آن که حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) به مردم فرمود آن چه حاصلش این است که: بعد از انتضای این مجمع برگردید به خانه‌های خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید نسبت به برادران مؤمن خود، و در خانه‌های خود برادران مؤمن خود را جمع کنید و می‌گویید نسبت به ایشان و یکدیگر را محبت و مبارک باد بگویید و نیکی و احسان کردن در این روز، سال و عمر را

زیاد می‌کند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب جزد و رحمت الهی است، و تا نتوانید بختش و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید، و هر که اسید احسان از شما دند در حق او تقصیر نکنید، ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید، به دوستی که داند یک دوهم در این روز برابر است با دوست هزار عوهم و حق تعالی زیاده بر عطا می‌کند و روزه این روز را حق تعالی سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند، به آن که روزها دوره بدارد و شبها به عبادت بایستد، و کسی که بر آورد حاجت برادر مؤمنی را پیش از آن که او اظهار کند و از روی رغبت و خواهش با او بیک کند، چنان باشد که این دور را درود داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد، و هر که در شبش مؤمنی را اظهار فرماید چنان باشد که هزار هزار بخیر و صدق و شهاد و اظهار فرموده باشد، پس چگونه باشد ثواب کسی که متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه بشود و هرگاه چنین کند من ضامنم بر خدا که آمان یابد از کافران و فحش و فحش و اگر بگوید در آن شب یا در آن روز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بخود آن که کبیره بسیار بدی بکند البته آمرزیده است، و هر که فرضی بکند در این روز برای برادران خود ضامنم بر خدا که اگر او را زنده بدارد تا بمیراند، آن فرضی را از او متصل شده و از دوش او بردارد و چون ملاقات کند با یکدیگر مضافه کند و به زبانها یکدیگر را تهنیت بگوید و آن چه گفتم حاضران به غایبان بگویند و توانگران رعایت کنند ظمیران و اقربا دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول ﷺ مرا به همه اینها امر فرموده، و شیخ کلینی به سند معتبر روایت کرده از حضرت صادق ﷺ پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست شیر جشمه و اضحی و فطرا فرمود: بلی، عیدی هست که از همه حرمتمش بیشتر است، راوی گفت: کدام عید است؟ فرمود: که آن روزی است که نصب کرد رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین ﷺ را به خلافت خود و فرمود که «هر که من مولی و اقای اویم علی ﷺ مولی و اولاد و پیشوای او است» و آن روز هجدهم ذی الحجه است، راوی گفت: چه کار باید کرد در آن روز؟ فرمود که «باید روزی بدارید و عبادت کنید و محمد ﷺ و آل محمد ﷺ را یاد کنید و برایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا ﷺ امیر المؤمنین ﷺ را که در این روز بر عید گردانند، و هر یضمیری وصی خود را وصیت می‌کرد که این روز را عید گردانند» و به روایت دیگر فرمود که: «روژه دور غدیر کفاره شصت ساله گناه است» و به روایت دیگر مقول است که مقفل از حضرت صادق ﷺ پرسید که: امر می‌کسی مرا که دور غدیر را روزه بگیرم؟ فرمود: «اری والله» یری والله، آری والله، به دوستی که در این روز خدا نوبه حضرت آدم را قبول کرد و به شکر آن بی دور و

دوره داشت، و در این روز خدا ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد و [به] شکر آن بین روز و آرواره داشت، و در این روز حضرت موسی، هارون را و صی خود گردانید و این روز را به شکر این نسب دوره طلسم و در این روز حضرت عیسی علیه السلام وصیت و صی خود تسمی الشما را ظاهر گردانید و این روز را به شکر حق تعالی دوره داشت و در این روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خلیفه و جانشین خود گردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر گردانید و این روز را به شکر این نسبت ها روزه داشتند و این دوره، دور دوره داشت و دور عبادت است و روز طعام دادن و پکی کردن با برادران مؤمن است و دوری است که خدا از مؤمنان خشوده می گردد و بینی شیطان بر خاک مالیده می شود.

اثبات حدیث غدیر

مؤلف گوید که حدیث شریف غدیر خم که نص صریح است بر امامت و خلافت جناب امیر المؤمنین علیه السلام از متواترات است و به طرق متعدده و اسانید مشکوّه در کتب فرائض از جمعی کثیر از صحابه عظام، مروی گردیده و اصحاب مضاعفه شرط تواتر در آن معنی گفته و کسی که انکار آن نماید، مثل آن است که انکار تواتر مکه و مدینه نماید، و بی است از برای اثبات این معنی گنبد که همای اهل سنت در این باب تصنیف نموده اند چنانچه حافظ ابو الفیاس این علقه کوفی که در عصر خود بی دلیل و به تصریح نقل نموده که حافظ از او از زمان این مسعود تا زمان او آمده شده - کتابی مستقل در جمع طرق این حدیث شریف تصنیف کرده و به اسانید خود، متجاوز از صد کس از صحابه این حدیث را نقل کرده که از جمله آنهاست عیسی بن بشره و ابو جعفر محمد بن جریر طبری که از اکابر محدثین و ائمه مجتهدین اهل سنت است. هر کتابی در طرق حدیث غدیر تصنیف کرده و از دا مشی سوره به کتب التوایه و آن حدیث را به هفتاد و پنج طریق ذکر نموده، ذهبی گفته که، من واقف شدم بر آن کتاب و مدحش گشتم از کثرت طرق آن، و حمید اللّه حکامی و ابو سعید مجستانی و محمد بن احمد قهقی بر هر یک کتاب خاصی در اثبات این حدیث و کثرت طرق آن تصنیف نموده اند و بالاتر از این ها آن که بعضی علما در جمع طرق این حدیث هشت مجلد یا زیاده تصنیف کرده و حکایت این مطلب از ابو العالی جویری به شهرت پیوسته زیاده از این چه خواهد بود؟ هرگز خبری به این مرتبه نرسیده و لهذا چون کثرت طرق آن به غایت خصوصی و تعدد اسانید آن به مرتبه نهایی رسیده علمای کبار و مستقین حالی مختار حضرات کثیفه، مخصوص سمریحه که هیچ مضامینی برای تأویل آن نیست بر تواتر این حدیث

ایده گرفته اند، مانند: نهی و علامه سیوطی و ملا علی مکی و محقق شیرازی و ملا علی هروی و علامه مقبلی و غیر ایشان که عبارات گنبدشان را در نهی تقدیر ایراد نموده اند. و شمس الدین قاضی القصص معروف به ابن القیوری در کتاب *کسب العسل* مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام حدیث حدیث را روایت کرده، پس فرمود آن گفته که حدیث حدیث صحیح است به وجوه کثیری و مترادف است از جانب امیر المؤمنین علیه السلام و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است آن را جمع کثیر از جهت غیره، پس گفته: «لا هیرة فی حواله تضعیفه من لا اطلاع فی هذا العلم» بقدر ورود مرعفاً عن ابی بکر صدیق و عمر بن الخطاب و طلحة بن عبید الله. الی آخره. یعنی اعتنایی نیست به قول کسی که قصد کرده تضعیف این حدیث شریف را از کسانی که اطلاع نیست ایشان را در این علم، چه این حدیث وارد شده مرعفاً از ابی بکر و عمر - و قریب سی نفر از صحابه و اسم برده - پس گفته: و غیر ایشان از سایر صحابه و صحیح شده است این حدیث از جماعتی از آن ها که قطع حاصل می شود به حریشان، انکس.

و نیز باید دانست که جمع بسیاری از ائمه و اساطین فخام و محققین عظام از اهل سنت که رسیده از حد و نصرت نرفتند این حدیث شریف را در کتب و اسفار خود نقل و اخرج نموده اند که از جمله آنهاست جماعتی از صحابخ بخاری و مسلم و نسائی و ترمذی و ابو داود و مالک، از باب صحاح سنه و از جمله آن ها است: ابی راهویه و احمد بن حنبل و یسرو عبد الله و محمد بن یسار و یحیی و ابن عساکر و ابی نعیم و ابن السکون و یحیی و ابن عبد البر و خطیب و واحدی و عزالدین و دمشقی و سمانی و موفق بن احمد و ابن عساکر و ابی انیر و ابی طلحة و سیوطی و ابی الجوری و کنجی و مورق و صاحب طبری و ضحی و حموی و رودی و یاقی و ابن کثیر و علی همدانی و مقریزی و ابی حجر عسقلانی و ابن صباغ و سیوطی و ابن حجر عسقلانی و سناری و حبشی و غیر ایشان که اساس و روایات آن ها را در نهی تقدیر ذکر کرده اند.

واقعه غدیر خم

و اما مجمل واقعه غدیر که از روایات و احادیث اهل سنت ملخص می شود این است که: اولاً، حق تعالی وحی فرستاد به حضرت رسالت مآب ﷺ که مولاتیت جناب امیر المؤمنین علیه السلام را به خلق رساند، و آن حضرت از تبلیغ آن خوف بود که میاد مردم گفته و تصاد آغاز دهند و از تنهایی

خود به جهت قلب متخلصین تنگدل گردیده به علم البص دانست که مردم لو را تکتیب خواهند کرد پس به پروردگار خود عرض کرد که هیچگونه من این رسالت را برسانم و حال آن که تنها هستم که پس از حق تعالی فرمان رسید که: های رسول من برسان آن چه نازل کرده شد به سوی تو و اگر برسانی پس تبلیغ نکردهی رسالت را و خدا حفظ خواهد کرد تو را از مردم. و چون این فرمان هدایت بنیاد که عرض از این اظهار مهابت جلال و عظم این رسالت بوده نازل شد آن جناب به حکم الهی توقف فرموده دو خطیر خم که آن موضعی بوده که قلیل زول و توقف در آن تیورده و هو هم در غایت گرمی و حرارت بوده که مردم استغلال به دواب^۱ می نمودند و بعضی از شدت حرارت دسی نصف ردای خود را در سر و نصف دیگر آن را در دیر پا غرض نمودند و نیز این موضع مشتمل بوده بر کثرت اشواک^۲ و طس و قشاک؛ پس آن حضرت حکم به صاف کردن آن موضع فرموده و منبری از جهاز شتر یا کجاوه‌ها ترتیب دادند و صحابه که در این وقت حاضر بودند حسب بعضی روایات یک لک^۳ و بیست هزار بودند و معلوم بود که مثل این اجتماع بعد از این نخواهد شد که حج آخری بوده و زمان زمان قرب ارتحال حضرت نبوی ﷺ را دار دنیا بود پس آن جناب حکم به اجتماع مردم داد چون مردم جمع شدند بر آن منبر تشریف برد و حسب بعضی روایات خطبة طویلة بلکه اثنتا فرموده پس حضرت اسیر المؤمنین ﷺ را بلند کرد به حدی که بیاض ریر پهل انفسی نمایان گردید و آن حضرت را همة مردم دیدند.

پس حضرت رسالت پیام ﷺ فرمود که: های مردم به تحقیق که خبر داد مرا خدای تعالی که عمر می‌کند هیچ پندیری مگر نصف عمر آن پیمبر که پیش از او بوده و من گمان دارم که من قریب خزانۀ شوم پس اجابت دعوت حق تعالی سایم و من سؤال کرده خواهم شد و شما نیز سؤال کرده خواهید شد پس شما چه خواهید گفت؟

مردمان عرض کردند که گواهی می‌دهیم به آن که شو تبلیغ کردی و گوشش مرمودی و نصیحت نمودی حق تعالی تو را جزای خیر دهد چون به این صبی اعتراف کردند آن حضرت فرمود که: «یا گواهی می‌دهید که خدایی نیست سواي خدای بر حق و محکم ﷻ پند و رسول اوست و جنت و نار حق است و موت و یث حق است و روز قیامت آمدنی است شکی در آن نیست و پروردگار می‌حوت خواهد فرمود مردگان را از قبرها»

مردم گفتند که: بلی گواهی می‌دهیم به این‌ها و هرگاه که بر این امور که مشتمل بر اصول دین است

۱. استغلال = سایه گرمی، از گونا بید حسو به سایه دواب چهارپایان مانند شتر اسب قاطر الاغ.

۲. اشواک جمع شرک، خارها.

جز امامت بود اعتراف و اقرار از مردم گرفت حق تعالی را مخاطب خود ساخت و عرض کرد که:
«یا رب الهی گواه باش».

و باز خطاب به مردم کرده فرمود که: «ای مردم به تحقیق که من اولی به شما از نفس های شما
هستم»^(۱) عرض کرد گفت بلی.

پس حضرت فرمود که: «به تحقیق که حق تعالی مولای من است و من مولای مؤمنان هستم و
اولی هستم از ایشان، پس کسی که من مولای او هستم پس علی مولای اوست».

پس بعد از حق موالیان و معادیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به موالان و معادان^(۲) نمود و باز
به تمسک تقنین یعنی قرآن شریف و اهل بیت خود حکم فرمود و اظهار نمود که ایشان به حکم
الهی از هم جدا نخواهند شد تا روز قیامت و چون جناب رسالت مآب صلی الله علیه و آله این رسالت رسانید آیه
شریفه:

وَالَّذِينَ آمَنُوا اتَّخَذَتْ لَكُمْ مِنْهُمْ
وَأَتَّخَذْتُمْ مِنْهُمْ بَعْضُهُمْ
وَزُجُجْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ مِنْهُ

نازل شده یعنی به جهت ابلاغ این رسالت حق تعالی فرمود که: «ظهور کامل کردم برای شما دین
شما را و اتمام نمودم بر شما نعمت خود را و پسندیدم برای شما دین اسلام را».

پس مولان جناب امیرالمؤمنین علیه السلام را موجب کمال دین و تمام نعمت و پسندیدن دین اسلام
قرار داد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد نزول این آیه فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ بِرِ الْكَمَالِ دینی و اتمام نعمت و
راضی شدن پروردگار به رسالت من و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از من».

پس حشاش بن ثابت به استجارت حضرت سید البصر، اشعاری چند در واقعه غدیر اشتهاد کرد
که او آن جمله این بیت است:

فَعَالٍ لَمْ يَكُنْ يَدُ هَلْ عَابَتْنِي رَجِيْنُكَ مِنْ بَعْدِي إِسْمًا وَهَدِيًّا

پس حضرت او را استصان فرمود پس خلیفه ثانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به حصول
مریت مولان نصیب نمود و گفت: «فَتَيْنَا لَكَ بِأَمْرِ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَتَوْجِيهٌ» و به
حسب بعضی روایات: «أَصْبَحْتَ مَوْلَى وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ تَوْجِيهٌ» و به روایت دارقطنی و عاصمی

۱ ای مردم، آیه میز بر شما حتی از خود شما بزرگوارتر است

۲ برای پیروان امیرمؤمنان علی علیه السلام به یکتا و خیر و برای دشمنان او به بدی و ناکامی. ۷۲ فرمود

خلیفه ازل بر شریک تائی گردید در ادای عیسه

در اعمال روز غدیر

و اثنا اعمال این روز شریف پس چند چیز است:

اول: روزه داشتن است.

دوم: غسل کردن است.

سوم: زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و زیارات مخصوصه آن حضرت در این روز در

باب پنجم به شرح وقت.

چهارم: سزوت و شادی و عباد کردن مؤمنان و شکر الهی بجا آوردن به جهت این نعمت عظیم

که اشاره شد به آن و صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام و اکتان در عبادات و طاعات و

اعمار دادن روزه داران و توسعه دادن بر خیال و محبت و مبارک باد گفتن به این کلمات:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ

بِوَلَايَةِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْاَتَمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

پنجم: خواندن نماز این روز و کتیب مشهورش آن است که نیم ساعت پیش از روال شمس در

رکعت پنجا آورد و در هر رکعت سوره «حمد» یک مرتبه و قل هو الله و هاتما برپا دارد و «آیه

الکرسی» هر یک را ده مرتبه بخواند و بهتر آن که دعای معروف را که اولش این است: اَللّٰهُمَّ اِنَّا

سَمِعْنَا مُنَادِيًا اَتٰنَا بِالْحَقِّ يَدْعُنَا اِلَىٰ عَمَلٍ نَعْمُ بِهِ وَنَرْجُو عَمَلًا نَجِيًّا به این روایت عمل کند

که شیخ مفید و محمد بن المشهدی و دیگران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که: «هر که در

روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک به روال بکند که در آن ساعت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را در غدیر خم برای مردم به امامت و خلافت نصب

کرده بهتر است، یعنی به هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول هاتما بفرماید و در رکعت دوم قل

هو الله بخواند - چنانچه در روایت مشهور دیگر وارد شده است - بهتر است پس به سجده رو و

صد مرتبه «شکراً لله» یا «شکراً» بگوید و چون سر از سجده برآورد این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّكَ وَاحِدٌ

اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا اَحَدٌ وَاَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

وَرَسُولُكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَقْضِيَتْ عَلَيَّ بِأَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ. وَوَقَّعْتَنِي لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ حَقِّي تَقْضَا مِنْكَ وَكَرَمًا وَجُودًا. ثُمَّ أَرَدْتَ الْفَضْلَ فَضَلًا وَالْجُودَ جُودًا وَالْكَرَمَ كَرَمًا وَأَفَقَّ مِنْكَ وَرَحْمَةً. إِلَى أَنْ جَعَلْتَ ذَلِكَ الْفَهْمَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي. وَكُنْتُ نَسِيًا مِنْهَا نَاسِيًا سَاحِبًا غَافِلًا فَانْتَمَتَ بِعَمَّتِكَ بِأَنْ ذَكَرْتَنِي ذَلِكَ وَمَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ. فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَنْ تُبَيِّنَ لِي ذَلِكَ وَلَا تُسَلِّبْتَنِي حَتَّى تُتَوَلَّيَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي وَابِرٌ. فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُتَعَمِّدِينَ أَنْ تُبَيِّنَ بِعَمَّتِكَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ سَوْفَنَا وَأَطْعَنَا وَأَجْنَبْنَا دَائِمًا بِمَنْكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ عَفْرَانِكَ زَيْنًا وَالنِّكَ الْمَصِيرُ. آمَنَّا بِاللَّهِ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَصَلَّيْنَا وَأَجْنَبْنَا دَائِمًا إِلَهًا. وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوَالِدِهِ مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ غُنِيَالِ اللَّهِ وَأَخِي رَسُولِهِ وَالْمُذَيِّقِ الْأَكْبَرِ وَالصَّبِيحَةِ عَلَيَّ بِرَبِّيهِ. الْمُؤَيَّدِ بِهِ نَبِيَّهُ وَدِينُهُ الْخَلْقُ الْمُبِينُ. غَلَمًا لِدِينِ اللَّهِ. وَخَازِنًا لِمُلُوكِهِ. وَغَنِيَّةً غَنِيْبِ اللَّهِ. وَمَوْضِعَ بَسْرُ اللَّهِ. وَآمِينَ اللَّهُ عَلَيَّ خَلْقِهِ. وَشَاحِنَةً فِي بَرِّيهِ.

اللَّهُمَّ «زَيْنًا إِنَّا سَوْفَنَا مُلَاوِيًا يَمَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ أَهْبُوا بِرَبِّكُمْ فَأَخْتَنَا. زَيْنًا فَاعْقِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ. رَبَّنَا وَأَتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَاتِ». فَإِنَّا زَيْنًا بِمَنْكَ وَأَطْعَمَكَ أَجْنَبْنَا دَائِمًا وَالنَّبِيَّ الرَّسُولَ وَصَلَّيْنَا وَصَلَّيْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَكَفَّرْنَا بِالْجَنَّةِ وَالطَّاغُوتِ. قَوْلُنَا مَا تَوَلَّيْنَا. وَاحْشُرْنَا مَعَ

أَتَيْنَا. فَأَنَا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ. آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ
وَشَاهِدِهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَخَبَرِهِمْ وَمَسِيَّتِهِمْ. وَذَرَعِيَا بِهِمْ أَيْمَةً وَقَادَةً وَسَادَةً.
وَحَسْبُنَا بِهِمْ نَيْسًا وَنَيْسًا وَنَيْسًا اللَّهُ قُوَّةٌ خَلْقُهُ لَا يَنْفِي بِهِمْ بَدَلًا. وَلَا تَنْجُطُ مِنْ
دُونِهِمْ وَلِهَاجَةٍ. وَبَرْنَا إِلَى اللَّهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ خَرِبًا مِنْ الْجِنِّ
وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ. وَكَفَرْنَا بِالْهَيْبَةِ وَالطَّاعُونَ وَالْأَوْثَانِ الْأَزْيَقَةِ
وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ. وَكُلُّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى
آخِرِهِ

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَأَلَّ مُحَمَّدٌ صَلَّيَ اللَّهُ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا. وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ. مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا. وَمَا
دَانُوا بِهِ قُلْنَا. وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا. وَمَنْ وَالُوا وَالَّهِاءَ وَمَنْ عَادُوا عَادْنَا.
وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا. وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنَّا تَبَرَّأْنَا مِنَّا. وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا
عَلَيْهِ. آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَزَجَّجْنَا وَأَتَيْنَا مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.

اللَّهُمَّ فَتَسْمُ لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا. وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا ثَابِتًا عِنْدَنَا وَلَا
تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا. وَآخِيْنَا مَا آخِيَيْنَا عَلَيْهِ. وَآمِنْنَا إِذَا آمَنَّا عَلَيْهِ. أَلَّ
مُحَمَّدٌ أَيْمَتُنَا. فَبِهِمْ نَأْتُمُ. وَبِأَتَاهُمْ نُؤَلِّي. وَغَدُوهُمْ غَدُوَ اللَّهِ مُحَابِي.
فَاجْعَلْنَا عَنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ.
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس باز به سجده رود و صد مرتبه فاتحه بخواند و صد مرتبه شکر الله بگوید، پس
حضرت فرمود: هر کس این عمل را بجا آورد توواب کسی باشد باشد که در روز غدیر سرد
حضرت رسول ﷺ حاضر شده و با حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر المؤمنین ﷺ بر ولایت آن
حضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه ائمه گویان و صدیق کشندگان باشد که
صدیق خد و رسول ﷺ در آن روز از روی اخلاص کردند، مانند سلمان و ابوذر و مقداد و سید

کسی باشد که تهنید شده با حضرت رسول ﷺ و حضرت امیر المؤمنین و حسن و حسین علیهما السلام و مانند کسی باشد که در روز علم حضرت صاحب الامر علیه و درویر حیمه آن حضرت از تپیان و تپیان و برگزندگان برود باشد.

دعای روز عید غدیر خم

و اینها شیخ مفید روايت کرده که سب است این دعا و در روز عید غدیر بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّانِ وَالْقَدْرِ الَّذِي خَصَصْتَهُمَا بِهِ قُدْرَ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَأَنْ تَبْدَأَ بِهِمَا فِي كُلِّ حَبِيرٍ عَاجِلٍ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَتْمَةِ الْقَادَةِ وَالْهُدَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُومِ الزَّاهِرَةِ وَالْأَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَانَةِ الْعِبَادَةِ وَالزَّكَاةِ الْبِلَادَةِ وَالنَّافَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالشَّهْبَةِ الْمُنَاجِيَةِ الْعَاجِرَةِ فِي الْمَنْجَى الْعَامِرَةِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حُرَّانِ عِلْمِكَ وَالزَّكَاةِ تَوْحِيدِكَ وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصُفُوفِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَجِسْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ الْأَتْقِيَاءِ الْأَنْجِيَاءِ النَّجَبِيَّةِ الْأَبْرَارِ وَالْبَابِ الْمُتَمَثِّلِ بِهِ النَّاسُ مَنْ أَنَاءَ نَجَاةٍ وَمَنْ أَبَاءَ ضَوَى

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنْ اقْتَصَلَ آثَارَهُمْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَمَرُوا بِطَاعَتِكَ وَتَهْوَا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلَى وَحْدَانِيَّتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيِّكَ وَصُفُوفِكَ وَتَسْبِيحِكَ وَوُضُوءِكَ إِلَى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ

امیر المؤمنین و غوث الدین و قائد المر المحجلین۔ الوصی النوری و الصديق
الاکبر۔ و الفاروق بین الحق و الباطل۔ و الشاهد لك۔ و الدال عليك۔ و الصادق
بأمرک۔ و المجاهد فی منہدک۔ ثم تأخذُ هیک لؤمۃ لایم۔ ان تُصلی علی
مُحمّد و آلِ مُحمّد۔ و ان تجعلنی فی هذا الیوم الذي عَقَدْتَ فيه لولیک العهد
فی اغثنی خلقک و اکملت لهم الدین من العارفين بِحُرْمَتِهِ و الحقّین
بفضله۔ و من عَثَقَانِک و طَلَقَانِک من النار۔ و لا تُشمت بی حاسدٍ النعم
اللهم فکما جعلتہ عندک اکبر۔ و سمیتہ فی السماء یومَ العهد
المُحمّد۔ و فی الارض یومَ الميثاق المأخوذ۔ و اجمع المسؤول۔ صل علی
مُحمّد و آلِ مُحمّد و اقرز به عُیوننا و اجمع به شملنا۔ و لا تُصلنا بنذرة
حدیثنا۔ و اجعلنا لانتعک من الشاکرین۔ یا ارحم الراحمین
العهد الذی عَرَفْنَا فضل هذا الیوم۔ و نصرنا حُرْمَتَهُ۔ و کرمنا به۔
و شرفنا بِمُغْرِقَتِهِ۔ و هدانا بِنُورِهِ

یا رسول اللہ۔ یا امیر المؤمنین۔ عَلَیْکُمَا وعلی عیترتکُمَا وعلی
مُحببتکُمَا مِنی افضل السلام ما بقی اللیل و النهار۔ و یکما اتوجهُ إلی اللہ
رَبّی و ربّکُمَا فی نجاح طیبی و قضاء خواتجی و تیسیر أموری
اللهم إلی أشألك بِحقِ مُحمّد و آلِ مُحمّد ان تُصلی علی مُحمّد و آلِ
مُحمّد۔ و ان تُلَقِّن من جحد حق هذا الیوم و انکثر حُرْمَتَهُ۔ فصد عن
سبیلک لِاطفاء نُورک۔ فإنی اللہ إلا ان یتن نورک
اللهم فَرِّج عن اعلی بنیت مُحمّد نسیک۔ و اکشف عنهم و بیهم عن
المؤمنین الکُربات۔ اللهم اغلِ الارض بهم غداً کما مُلئت ظلماً و جوراً۔
و انجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف الميعاد

در فضیلت و اعمال روز مباحه

روز بیست و چهارم این ماه [ذی‌الحجه] بنا بر لغز روز مباحه است، و بعضی روز بیست و پنجم، و بعضی بیست و هفتم این ماه گفته‌اند و اگر در هر یک از این دو روز بلکه در روز بیست و سوم نیز اعمال این روز را بجا آورند بیک است.

و سبب فضیلت روز مباحه به طور اختصار آن است که چون حضرت رسول ﷺ رسولان فرستاد به سوی نصاری مجران که اعظم تر سایان عرب بودند و ایشان به کتب خود رجوع کردند و اوصاف آن حضرت را در جمیع کتب انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر عباد ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و خطبای خود را فرستادند که صفاتی که در کتب مباحه برای حضرت رسول ﷺ دیده‌اند مشاهده نمایند و به مدینه داخل شدند و صفات را ملاحظه یافتند و حضرت رسول ﷺ حجت‌های شافی بر ایشان تمام کرد و بار بعضی از ایشان به سبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن و حق تعالی آیه مباحه را فرستاد پس حضرت رسول ﷺ بها بر دوش مبارک گرفت و حضرت امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین ﷺ را در زیر بها داخل کرد و گفت: «ایرودنگار هر پشیمانی را اهل بی‌ی بوده است که مخصوص‌ترین خلق بودند به نور خداوند اینها اهل بیت من هستند پس از ایشان هر طرف کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک گردی»^۱ پس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را در شأن ایشان آورد پس حضرت رسول ﷺ این چهار بزرگوار را برون برد از مدینه برای مباحه و چون نصاری حقیقت آن حضرت را دانست بودند و بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباحه آثار نزول عذاب در زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت: به خدا قسم که من روی چندی می‌بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جای خود کنده شود هر آینه کتب خواهد شد. جرأت مباحه نکردند و استعذای سالمه و مصالحه کردند و بنا شد که هر سال چیزی دهند پس حضرت به امر الهی قبول فرموده نفرین نکرد و جز به قرار داد این مختصر گفته است و خطبای شیعه و سنی آن را ضبط نموده‌اند و گویند بی‌شمار و فضایل بسیار از برای اهل بیت آن حضرت به خصوص برای امیر المؤمنین ﷺ از این واقعه استنباط نموده‌اند و روشنی در کشف و مستندین طلسم شافی در مطالب التوریه به بسیاری از آن اشاره نموده‌اند و [این] رساله را گنجایش ذکر آن‌ها نیست.

و بر آن جمعه اموری که در این روز واقع شده و باعث مزید فضل آن گشته، آن است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز گفتگوش خود را به سائل پخشید در حال سار و آیه کریمه **وَإِنَّمَا رِزْقُكُم مِّنْهُ** که حق صریح بر امانت اوست نازل شد و امانت آن حضرت بر اصحاب بهیمن گردید.

در احمال روز میاهله

و از برای این روز چند عمل است.

اول غسل است.

دوم دو رکعت نماز پیش از روال به نیم ساعت، و در هر رکعت بعد از «حمد» هر یک از سوره «توحید» و «آیه الکرسی» و «حائا ارناء» سه مرتبه خوانده شود و روایت شده که این عمل برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و عامل به آن هر حاجتی از حاجت‌های دنیا و آخرت که از حق تعالی سؤال کند بر آورده شود. هر چند عظیم باشد.

سوم خواندن دعای میاهله است که مؤلف این است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ يَمَانِكَ يَا بَهَاءُ** و این دعا شبیه است به دعای سحرهای ماه مبارک رمضان [در صفحه ۵۰۶] و دعای روزهای آن و دعای بسیار شریفی است.

چهارم غسلی است که شیخ طوسی و دیگران روایت کرده‌اند و گفته‌اند که: روز میاهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است، و در این روز آن چه خواهی از سار بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه **يَا مُسْتَعِزُّ اللَّهِ رَبِّي** و **أَتُوبُ إِلَيْهِ** بگو، پس می‌ایستی و به موضع سجود خود نظر می‌کنی و این دعا می‌خوانی و باید که با غسل باشی. و به روایت دیگر این روز و روزه پندار برای شکر خدای تعالی بر این نصب عظمی و غسل بکن و پاکیزه‌ترین جامه‌های خود بپوش و به آن چه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن، و باید که به آرام دل و به آرام تن باشی. و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی و الا به جای حلوتی بروی یا بر کوهی بلند یا به صحرایی بروی، و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامه‌های خود را بپوشد و چون به محل دعا خواندن داخل شود، دو رکعت نماز کند با ادب و شرایط و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و به جانب آسمان نظر کند و این دعا بخواند، و بعد از آن فرموده که: پس هر دعایی که خواهی بکنی، پس دو رکعت سار بکن و دعا بکن و دعا این است:

دعای روز مباحثه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. الْحَمْدُ
 لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ
 يَعْبُدُونَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَضَنِي مَا كُنْتُ بِهِ جَابِلًا وَلَوْلَا تَعَرُّفُهُ لَيَأْتِي
 لَكُنْتُ هَالِكًا. إِذْ قَالَ وَقَوْلُهُ الْحَقُّ، «قُلْ لَا أَشَأَلُكُمْ عَلَيْهِ نَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
 فِي الْقُرْبَى» فَبَيَّنَّ لِي الْقَرَابَةَ. وَقَالَ سُبْحَانَهُ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ
 الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» فَبَيَّنَّ لِي أَهْلَ الْبَيْتِ هَذِهِ الْقَرَابَةَ. ثُمَّ
 قَالَ لِعَالِي مُبِينًا عَنِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ آمَرْنَا بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ وَالرَّدَّ إِلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ
 سُبْحَانَهُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». فَأَوْضَحَ
 عَنْهُمْ وَأَبَانَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ شَأْؤُهُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا
 وَإِبْنَاءَكُمْ وَإِسَاءَةًكُمْ وَإِنْسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْهَلْ فَتَجْعَلْ لِنَفْسٍ اللَّهُ
 عَلَى الْكَافِرِينَ». فَلَمَّا الشُّكْرُ يَارَبِّ وَلَكَ الْحَمْدُ حَيْثُ عَدَدْتَنِي وَأَرْشَدْتَنِي
 حَيْثُ لَمْ يَخْلُفْ عَلَيَّ الْآهْلُ وَالْبَيْتُ وَالْقَرَابَةُ. فَعَرَفْتَنِي بِسَاءَتِهِمْ وَأَوْلَادِهِمْ
 وَرِجَالَهُمْ.

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرُّبُ إِلَيْكَ بِذَلِكَ الْمَقَامِ الَّذِي لَا يَكُونُ أَكْثَرُ مِنْهُ لِمُؤْمِنٍ وَلَا أَكْثَرُ رَحْمَةً لَهُمْ. بِتَعَرُّفِكَ إِيَّاهُمْ شَأْنَهُ وَإِيَّانِكَ فَضْلَ أَهْلِهِ.
 الَّذِينَ بِهِمْ اتَّحَضْتُ بِأَجَلِ أَغْدَايِكَ وَتَبَيَّنْتُ بِهِمْ قَوَائِدَ دِينِكَ. وَلَوْلَا هَذَا
 الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ الَّذِي أَنْقَذْتَنَا بِهِ وَدَلَلْتَنَا عَلَى اتِّبَاعِ الْمُجْتَبِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ
 نَبِيِّكَ الصَّادِقِينَ عَلَيْكَ. الَّذِينَ غَضَمْتَهُمْ مِنْ لُغْوِ الْمُتَعَالِ وَصَدَائِسِ الْأَفْعَالِ
 نَحْنُ أَهْلُ الْإِسْلَامِ. وَظَهَرَتْ كَلِمَةُ أَهْلِ الْإِتِّعَادِ وَفِعْلُ لَوْلِي الْعِيَادِ. فَلَمَّا

الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَرَّةُ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى نِعَمَاتِكَ وَأَيَادِيكَ. اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْنَا
مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ اقْتَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ. وَعَقَدْتَ فِي رِقَابِنَا
وَلَايَتَهُمْ. وَآكْرَمْتَنا بِمَقَرَّتِهِمْ. وَشَرَّفْتَنا بِاتِّبَاعِ أَتَابِهِمْ. وَثَبَّتْنَا بِالْقَوْلِ
الثَّابِتِ الَّذِي عَزَمْنَا. فَأَجَبْنَا عَلَى الْإِخْلِ بِمَا بَشَرُونَا. وَآخِرُ مُحَمَّدًا عَسَا
الْفَصْلُ الْجَرَاءِ بِمَا نَصَحَ لِخَلْقِكَ. وَبَذَلَ وَنَمَحَ فِي إِتْلَاحِ رِسَالَتِكَ. وَاحْطَرَّ
بِنَفْسِهِ فِي إِقَامَةِ دِينِكَ. وَعَلَى أَخِيهِ وَوَصِيِّهِ. وَالْهَادِي مِنْ بَطْنِهِ إِلَى دِينِهِ.
وَالْمُقِيمِ سُنَّتِهِ. عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ. وَصَلِّ عَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ
أَتَابِيهِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ وَصَلْتَ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ. وَأَدْخَلْنَا بِشِعَاعَتِهِمْ دَارَ
الْكَرَامَةِ بِأَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ وَالْقَبَاءِ يَوْمَ الْمُبَاهَلَةِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ
شُعَاعَنَا. وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْمَقَامِ الْمُحْتَمَى وَالْيَوْمِ الْمَشْهُورِ أَنْ تُفَيِّزَ لِي
وَتُثَوِّبَ عَلَيَّ. إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ وَطِينَتَهُمْ وَاجْتِدَاءَ وَهِي الشَّجَرَةُ
الَّتِي طَابَ أَصْلُهَا وَقَرَعُهَا وَتَمَسَّهَا وَلَوْرُلُهَا. اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِحَقِّهِمْ. وَأَجِرْنَا
مِنْ مَوَاقِفِ الْمَجْرِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِوَلَايَتِهِمْ. وَلَوْرِدْنَا مَوْرِدَ الْأَمْنِ مِنْ
أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِحُبِّهِمْ. وَلِقَارِينَا بِفَضْلِهِمْ. وَاتِّبَاعِنَا أَتَابَهُمْ. وَاجْتِدَائِنَا
بِهَدَاهُمْ. وَاجْتِدَائِنَا مَا عَزَمْنَا مِنْ تَوْحِيدِكَ. وَوَفَّقُونَا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظِيمِ
شَأْنِكَ وَتَقْدِيرِ أَسْمَائِكَ وَشُكْرِ آيَاتِكَ. وَنَمِي الصُّعَابِ أَنْ تَحُلَّكَ. وَالْوَلَمِ أَنْ
يُحِيطَ بِكَ. وَالْوَهْمِ أَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ. فَإِنَّكَ أَفْتَنَهُمْ حُجُبًا عَلَى خَلْقِكَ وَدَلَائِلَ
عَلَى تَوْحِيدِكَ. وَهَدًى ثَبَّتَهُ عَلَى لِسْرِكَ. وَتَهْدِي إِلَى دِينِكَ. وَتَوْضِيحَ مَا
أَشْكَلَ عَلَى عِبَادِكَ. وَبَابًا لِلْمُعْجَزَاتِ الَّتِي يَخْجُرُ عَنْهَا غَيْرُكَ. وَبِهَا تُبَيَّنُ

حُبَّتْكَ وَتَنَسَّوْا إِلَى تَعْظِيمِ الشَّعِيرِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ . وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ
 حَيْثُ قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوتِكَ . وَاخْتَضَصْتَهُمْ بِرُحْمَتِكَ . وَأَضَلَقْتَهُمْ بِوَحْيِكَ .
 وَأَوَدَّوْنَهُمْ غَوَابِضَ تَأْوِيلِكَ . وَرَحْمَةً لِخَلْقِكَ . وَلَطْفًا بِعِبَادِكَ . وَخَنَانًا عَلَى
 بَرِيَّتِكَ . وَعِلْمًا بِمَا تَنْطَوِي عَلَيْهِ ضَمَائِرُ أَسْمَانِكَ وَمَا يَكُونُ مِنْ شَأْنِ
 صَفْوَتِكَ . وَمُطَهَّرَتِهِمْ فِي مَنْشَنِهِمْ وَمُبْتَدَنِهِمْ . وَخَرَشَتِهِمْ مِنْ نَفْثِ نَافِثِ إِلَيْهِمْ .
 وَأَوْرَثَهُمْ بُرْهَانًا عَلَى مَنْ غَرَضَ بِشُورِهِ لَهُمْ . فَاسْتَجَابُوا لِأَمْرِكَ . وَاسْطَلُّوا
 أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ . وَمَلَّوْا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ . وَعَمَّرُوا قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ
 أَمْرِكَ . وَجَرَّوْا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ . وَأَخْلَوْا ذَخَائِلَهُمْ مِنْ ضَعَائِفِ
 الْخَطَرَاتِ الشَّائِلَةِ عَنْكَ . فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَامِينَ لِإِرَادَتِكَ . وَعَقُولَهُمْ مُتَعَصِبِينَ
 لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ . وَأَلْبَسْتَهُمْ ثَرَايِمَ إِسْنَتِكَ . ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِتُورِكَ . حَتَّى فَضَّلْتَهُمْ
 مِنْ بَيْنِ أَهْلِ زَمَانِهِمْ وَالْأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ . فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ . وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ
 كِتَابَكَ . وَأَمَرْتَنَا بِاتِّسَالِكَ بِهِمْ . وَالرَّذَى إِلَيْهِمْ . وَالْإِسْتِغْنَاءَ عَنْهُمْ .

اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَضَعْنَا بِكِتَابِكَ . وَبِعِشْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ . الَّذِينَ
 اقْتَنَاهُمْ لَنَا قَلِيلًا وَعِلْمًا . وَأَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ .

اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَضَعْنَا بِهِمْ فَارَزَقْنَا شَفَاعَتَهُمْ حِينَ يَقُولُ الْحَائِثُونَ : «فَمَا
 لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ خَمِيمٍ» . وَاجْعَلْنَا مِنَ الصَّادِقِينَ الْمُصْطَلِقِينَ
 لَهُمُ السُّتَظْرِينَ لِأَيَّامِهِمْ . النَّاسِطِينَ إِلَى شِعَاعَتِهِمْ . وَلَا تُفْلِسْنَا بَعْدَ إِهْدَائِنَا .
 وَحَبِّ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ . آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ . وَعَلَى آخِرِهِ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ . وَقَبْلَةِ
 الْعَارِفِينَ . وَعَلَمِ الْمُتَهَدِّدِينَ . وَثَلَاثِي أَلْفَةِ الْقِيَّامِينَ الَّذِينَ فَخَّرَ بِهِمُ الرُّوحُ
 الْآمِينَ . وَبَاهَلَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِمُ الْمُبَاهِلِينَ . فَقَالَ وَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ : «فَمَنْ

حَاجَّتْ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ قُلْ تَعَالَوْا أَنبِئْنَا وَبَنِّئْنَا
وَنَسَئْنَا وَلِنَبْنِئَنَّ وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَيَّلَ لَنُحْمَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ • ذَلِكَ الْإِمَامُ الْمَخْصُوصُ بِتَوَالِيهِ "يَوْمَ الْإِحَادِ وَالْمَوْثُرِ بِالْقَوِي
بَعْدَ شَرِّ الطُّوِيِّ وَمَنْ شَكَرَ اللَّهَ سَعَيْتُهُ فِي هَذَا تَرَى وَمَنْ شَهِدَ بِفَضْلِهِ
مُعَاذُوهُ وَالْأَرْ بِمُضَاقِيهِ جَائِزُهُ غُزَلِي الْأَنَامِ وَمُكْتَسَرُ الْأَصْلَامِ وَمَنْ لَمْ
تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ قَوْمَةٌ لَا يَمُوتُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ مَا طَلَعَتْ شَفْسُ الشَّهَارِ
وَأَوْرَقَتِ الْأَشْجَارُ وَعَلَى النُّجُومِ الْمَشْرِقَاتِ مِنْ عِثْرَتِهِ وَالصَّحْبِ الْوَاضِحَاتِ
مِنْ قُرُونِهِ.

و زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام در روز مباحله مناسب است. و علامه مجلسی فرموده که
خواندن زیارت جامعه مناسب است.

احمال روزهای آخر فی الحقیقه

روز بیست و پنجم این ماه بر لزایم مشترک است. و مشهور آن است که سوره مبارکه وقل
انما در شان حضرت امیر المومنین و حضرت فاطمه و حسین علیهما السلام در این روز نازل شده به سبب
آن که حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسالت پناه علیهما السلام به عیادت ایشان رفت و امر فرمود که
حضرت امیر المومنین و فاطمه و حسین علیهما السلام نذر کنند که اگر خدا ایشان را حسین علیهما السلام را عافیت
دهد سه روز روزه بگیرند و چون حق تعالی عافیت کرامت فرمودند پس آن چهار بزرگوار به
فقه - خادمه ایشان - روزه گرفتند و نداشتند چیزی که به آن افطار نمایند پس حضرت امیر
المومنین علیه السلام قدری پشم در شمعون یهودی گرفت یا سه صاع از جو که حضرت فاطمه علیها السلام هر روز
ثلث آن پشم را برسد و یک صاع از آن جو را به مزد خود بر دارد پس حضرت فاطمه علیها السلام در
روز اول ثلث آن پشم را رشت و صاعی به مزد برداشت و آورد کرد و پیچ کرده نان پخت و چون
حضرت امیر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شام کرد و به خانه برگشت و حضرت فاطمه علیها السلام پیچ کرده
نان را حاضر کرد و خواستند که افطار نمایند مسکینی بر دو خانه ندا کرد: السلام علیکم ای اهل

بیت محمداً علیه السلام من مسکین در مساکین مسلمانان مرا اطعام دهید تا خدا شما را از مائده های بهشت
اطعام دهد. پس حضرت اسیر علیه السلام ابتدا کرد و فرمود: «من نان خود را به مسکینی می دهم» و سایر
اهل بیت علیهم السلام با خفته یا آن حضرت موافقت کرده نان های خود را به سائل دادند و به آب انظار
کردند.

و روز دیگر را روزه داشتند باز حضرت فاطمه علیه السلام ثلث پشم را رشته و یک صاع جو را نان
کرده و شب خواستد انظار کنند، پشمی از اولاد مهاجرین در خانه آمد و همگی نان های خود را به
او دادند و به آب انظار کردند.

و در روز سوم نیز روزه داشتند و حضرت فاطمه علیه السلام بقیه پشم را رشته و یک صاع جو را به
مزد برداشته و آورد کرده و نان تمومه تا وقت شب که خواستد انظار کنند. اسیری از اسیران که فراری
بر در خانه آمده و سؤال کرده آن بزرگواران به جو شب های سابق، گرده های نان را به سائل دادند
و به آب انظار کردند. و چون صبح شد حق تعالی سوره کریمه هل انی را در شأن ایشان فرستاد
و در آن سوره اشاره به این آیه فرمود که «یوسف یالذکر» پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله به خانه
اهل بیت طاهره خود آمد و ایشان را با آن شقت گرسنگی و آن حالت غریب مشاهده نمود،
گریست و فرمود که: «ای چه حالت است که در شما می بینم و حسرت خود را دیدم که از غفلت
بیماری و گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید می لرزد» و حضرت فاطمه علیه السلام در محراب
عبادت ایستاده بود از گرسنگی شکم مبارکش به پشت چسبیده بود و چشم هایش فرو رفته بود،
چون از سبزه فارغ شد، حق تعالی خوانی از چشت برای فاطمه علیه السلام فرستاد که در آن کاسه بود و
گوشت و نرید گرم در آن میان بود که می جوشید و بوی عطر از مشک از آن ساطع بود. پس
حضرت فاطمه علیه السلام آن خوان را به نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورد. حضرت فرمود: «ای فاطمه این را
از کجا آورده ای؟» گفت: «از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد، بی حساب و روری می دهد».
حضرت فرمود که: «الحمد لله از دنیا رفتم تا در اهل بیت خود شبیه مردم مایه عیسی و دهم».
پس از آن تناول نمودند و تا هفت روز از آن طعام می خوردند و آخر می شد و ستیان بر این
فضیه را قبول دارند و به طرق بسیار نقل کرده اند.

و مناسب است که شعیان اهل بیت علیهم السلام در این ایام تأسی کنند به سائلان خود در تصدق کردن
بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و اعمال روز میاهله در این روز نیز مناسب
است، و شیخ مفید گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارد برای شکر نزول
«هل انی» در شأن آل عبا علیهم السلام.

و روز بیست و ششم، بنابر مشهور دوی است که این روز بر خلیفه مؤمن اهل سنت رحمت
رود.

و روز بیست و هفتم، مردان که آخر خلقای پس نیت است هلاک شده و دولت پس امید بر
طرف شده و بعضی گفته اند که این روز دوی ولادت امام علی علیه السلام بود پس روز بسیار شریفی
است و شکر الهی را بها باید آورد.

و روز بیست و نهم، خلیفه ثانی از دعا رفته بنابر مشهور بین اهل تاریخ.

بماز و دعای آخر ماه ذی الحجه

و روز آخر ذی الحجه که آخر سال عرب است ولود شده که دو رکعت نماز بها آورده و در
هر رکعت یک مرتبه سوره حمده و ده مرتبه سوره قل هر الله احده و ده مرتبه آیه الكرسي و
بخواند و بعد از سلام این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَلَمْ تَرْضَهُ
وَنَسِيتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنِي إِلَى التَّوْبَةِ بِغَدَاةٍ اجْتَرَأْتَنِي عَلَيْكَ اللَّهُمَّ فَإِنِّي
أَسْتَغْفِرُكَ بِهِ فَأَغْفِرْ لِي. وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ يَقْرُبُنِي إِلَيْكَ فَأَقْبِلْهُ مِنِّي.
وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْكَ يَا كَرِيمُ.

فصل هفتم

در بیان اعمال ماه محرم است

از حضرت امام رضا علیه السلام مروی است که: حضرت رسول ﷺ در روز اول ماه محرم دو رکعت
نماز می کردند، و چون از نماز فارغ می شدند دست به دعا بر می داشتند و سه مرتبه این دعا را
می خواندند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهُ الْقَدِيمِ وَهَلِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَأَسْأَلُكَ فِيهَا الْبَيْضَةَ مِنَ
الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَى هَلِ النِّفْسِ الْأَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْأَشْتِغَالَ بِمَا يَقْرُبُنِي
إِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا خَيْرَ

مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَأْجُزُ مَنْ لَا جُزْءَ لَهُ يَأْغِيثُ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ
يَسْتَدُ مَنْ لَا سِتْرَ لَهُ يَأْكُتُّ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَحْتَسِنُ الْبَلَاءُ يَعْظِيمُ
الْزَّجَاءُ يَأْجُزُ الْخُفْقَاءُ يَأْمُنُ الْغُرَقَى يَأْمُنُجِي الْهَلَكَى يَأْمُنُجِي
يَأْمُنُجِي يَأْمُنُجِي يَأْمُنُجِي أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ
وَصَوْتُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَقَوِي الْمَاءِ وَخَفِيفُ الشَّجَرَةِ يَا اللَّهُ لَا شَرِيكَ
لَكَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَنْظُنُونَ وَاعْزِزْنَا مَا لَا يَخْلُتُونَ وَلَا تُؤَاخِذْنَا
بِمَا يَقُولُونَ خَشِيعِي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ
الْعَظِيمِ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ جَنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا لَوْلَا الْآلِبَابُ رَبَّنَا لَا
تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

و چون حضرت سید الشهدا علیه السلام در دهم این ماه به سعادت شهادت فایز گردیده و در اکثرین
دهه محزون و شومین بودم و اخبار موخه به ایشا می رسید باید که شیعیان ایشان در
مجموع این دهه به لوازم تعزیت آن حضرت قیام نمایند و محزون باشند و اخبار و احادیث که
مستعمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از آنها بد بکنند
و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فرمودند «ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه
جنگ کردن را حرام می دانستند و مسلمان این وقت در این ماه خون ما را حلال دانستند و دستک
حرب ما کردند و رمان و غارتن ما را اسیر کردند و آتشی در خیمه های ما ریخت و اسوار و اسباب
ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در باب ما رعایت نکردند به درستی که
مصیب امام حسین علیه السلام چشم های ما را سحروج گردانید و آب دیدم های ما را جاری ساخت و
عزیز ما را ذلیل گردانید و واقعه کربلا کرب و بلا از برای ما مهیا کرد تا روز قیامت پس باید که بر
مصیبت آن حضرت گریه کنندگان بکنند به درستی که گریه بر آن حضرت گناهان بزرگ را بر
طرف می کند پس فرمود که «ایدم تمام موسی علیه السلام چون ماه محرم دخیل می شد کسی آن
حضرت را حدان می دید و اثر حزن و اندوه بر آن حضرت ظاهر می شد در مجموع دهه اول ماه
و چون روز دهم می شد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و می گفت امروز روز شهادت امام

حسین علیه السلام

و حمیت این شیب که صاحب این مقام است در باب چهارم [صفحه ۱۶۹] گذشت.
روز اول: روزی است که حق تعالی دعای حضرت زکریا را درباره اولاد مستجاب فرمود و
حضرت یحیی را به او عطا کرد، چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده و فرموده که: هر که
این روز را وروده دارد و دعا کند حق تعالی دعای او را بر مستجاب کند.

روز سیم: روز بهار کی است. روزی است که حضرت یوسف از چاه بیرون آمده و
بعضی گفته‌اند که روزش برای آسانی کارهای صعب و زایل کردن قهرها نافع است.
روز پنجم: حضرت موسی بن عمران علیه السلام از دنیا عبور کرد.

روز هفتم: شیخ طوسی گفته که حق تعالی حضرت یوس را از شکم ماهی بیرون آورده و به
قول شیخ مفید در روز نهم ماه بوده و علانته مجلسی فرموده که بهتر آن است که روز نهم و دهم را
روزه ندارد، زیرا که پس امیه این دو روز را در برای برکت و شهادت بر قتل آن حضرت وروده
می‌داشته‌اند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز و روزه آن ها بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسته‌اند
و از طریق اهل بیت علیهم السلام شهادت بسیار در مصعب روزه این دو روز خصوصاً روز عاشورا وارد
شده است.

شب دهم: باید اسبیا کرد به گریه و اندوه و حزن برای تأشی به حضرت امام حسین علیه السلام و
اصحاب او که در آن شب در صحرائی گریلا در میان سی هزار نفر از کافران بی حیا نا صباح احیا
کردند و حیات و همه سعادت شهادت می‌کردند.

روز دهم: روز عاشورا است. باید که شیعیان مشغول کاری از کارهای دنیا نگرددند بلکه مشغول
گریه و سوچه باشند و نذرت حضرت امام حسین علیه السلام را اقامه نمایند و به ماتم اشتغال
نمایند، چنانچه در ماتم عزیزی اولاد و اقارب خود لغتال می‌سایند، و در برای سرل خود
چیزی ذخیره نکند، و قاتلان حضرت امام حسین علیه السلام را هزار مرتبه است کند؛ و در برای خواندن
هزار مرتبه «قل هو الله احد» در آن روز فضیلت بسیار وارد شده و در آن روز اساک کنند از
خوردن و آشامیدن بی آن که قصد روزه کنند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند به عبادی که
اهل مصیبت می‌خورند، مثل ماست یا شیر و مثل اینها، نه آن که غذاهای لذیذ به‌خورند.

و اثنا کیفیت و فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در این روز به تفصیل در باب چهارم
[صفحه ۱۷۰] این رساله به شرح رهنه.

روز دوازدهم: به قول شیخ شهید، وفات حضرت سجاد علیه السلام بوده.

روز هفدهم این ماه اصحاب قبل که به جهت غراب کردن کعبه مطهره آمده بودند برگشتند و
 طلب بر ایشان نازل شده چنانچه شیخ طوسی فرموده
 و در هجدهم، بنا بر قول بعضی علما وفات حضرت امام زین العابدین علیه السلام بود.
 و در نهم بیست و یکم، بنا بر قول شیخ مفید، وفات حضرت فاطمه و حضرت اسماعیل علیهم السلام شده
 و روز آن را باید روزه داشت برای شکر این عیب عظمی.
 روز بیست و پنجم این ماه بنا بر مشهور حضرت امام زین العابدین علیه السلام به عالم دینی ارتحال
 فرموده.

فصل هشتم

در احوال ماه صفر است

بدان که این ماه مشهور است به نحوست، و سبب نحوست آن یا به جهت آن است که وفات
 حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله در آن واقع شده یا به جهت آن است که در این ماه شروع به قتال
 می شده، بعد از آن که در سه ماه متوالی قبل قتال حرام بوده یا به جهت آن است که در این ماه
 و یا در واقع شده بود که رنگها را زرد کرده بود و به این سبب آن را صفر نیز گفتند چنانچه بعضی
 متعصبین شده اند؛ به هر حال از برای دفع نحوست آن باید تضرع و سایر احوال خیریه نمود.
 و محدث کشانی در خلاصه الاذکار گفته که کسی که خواهد از بلیات این ماه محفوظ بماند
 روزی ده مرتبه این دعا را بخواند:

یا شَهِيدَ القُوَى و یا شَهِيدَ اَحوالِی • یا عَزِيزُ یا عَزِيزُ یا عَزِيزُ • ذَلَّتْ
 بِعَظَمَتِكَ • جَمِيعُ خَلْقِكَ فَاتَّخِذْنِی شَرَّ خَلْقِكَ • یا مُجِيبُ یا مُجِيبُ •
 یا مُنِمْ یا مُنِمْ • یا لا اِلهَ اِلا اَنْتَ شَهِدْتَ اَنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ •
 فَاسْتَجِبْنا لَکَ وَتَجِیْناهُ مِنَ النِّعَمِ وَکَذَلِکَ تُشْجِی الْمُؤْمِنِینَ • وَصَلَّى اللهُ عَلَی
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِینَ الطَّاهِرِینَ •

روز اول ماه روز شهادت زید بن علی بن العسین علیه السلام است و در آن روز مسر مبارک

سمرت امام حسین علیه السلام را ولرد عشق کرده.

نماز روز سوّم ماه صفر

روز سوّم، روزی است که مسلم بن عقیه آتش در خانه کعبه زد به امر برید بن معاویه لشه
الله، و سید ابن طاووس از بعضی از کتب معتبره نقل کرده که دو این روز مستحب است که دو
رکعت نماز بجا آورند، و هر رکعت اول بعد از «حمد» سوره «ثانا فتحاه» بخوانند و در دوم سوره
«نور هو الله احده» و بعد از سلام حد مرثیه «اللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَدِّ
مَرثیه «اللّهُمَّ اِنِّیْ اَلِ اَبِی سَیِّدٍ وَحَدِّ مَرثیه «اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ» بگویند.
و در این روز به قول جمعی از علما تولّد حضرت امام معتمد باقر علیه السلام بوده.

روز هشتم این ماه به قول بعضی وفات حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام واقع شده.

روز شانزدهم، شهادت حضرت یحیی بن زکریّا واقع شده.

روز بیستم این ماه روز اربعین هسته چنی روز جهلم شهادت حضرت امام حسین علیه السلام شیخ
طیبه رحمه الله گفته که در این روز حرم حضرت ابی عبد الله الحسینی علیه السلام از شام به سست مدینه مراجعت
کردند، و در همان روز جابر بن عبد الله انصاری که از صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و آله است به کربلا
آمد به جهت زیارت امام حسین علیه السلام و او بود اول کسی که آن حضرت را زیارت کرده، اللهم.

و از برای امروز زیارتی ولرد شده و حفر در باب چهارم کتاب [جلد ۱۹۹۲] نقل کرده به آن
جا رجوع شود.

روز بیست و هشتم، بنا بر مشهور روز وفات حضرت سید الانبیا علیه السلام بوده، و شیخ طوسی و
طیبه و جمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز در این روز واقع شده؛ پس قیام به
مرسم عزیه این دو بزرگوار و زیارت از نزدیک و دور مناسب است.

و روز چهارشنبه آخر این ماه به نحوت مشهور است و اصلی در برای آن در احادیث به
دست نیامده، مگر آن احادیث که در نحوت مطلق چهارشنبه خصوصاً چهارشنبه آخر ماه وارد
شده، بلی چون این ماه حسب آن چه گذشت به نحوت شهرت گرفته، شاید که چهارشنبه آخر آن
از چهارشنبه های دیگر محروستش بیشتر باشد اگر در آن روز در قبیل آخر از طیره ^۱ استدفاع
بلا یا به مصیقات و ادحیه و اسنان که از انتم علیه السلام وارد شده است بکنند و توکل کنند بر جناب

۱ طیره به مال پرگشتن

مقدس الهی که آن کفاره طهره لب مناسب است و اگر بختی متوجه باشد به این عداغ می شود این
شاه الله به آن که به روش جهال متابعت مجوسان کنند و به لیب و سرب و سار و اعمال
قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد

فصل نهم

در بیان اعمال ماه ربیع الاول است

در شب اول ماه حضرت رسول ﷺ هجرت فرمود از مکه معظمه به سوی مدینه و در آن
شب در غار ثور پنهان شده و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان شریف خود را فدای جان مقدس
برادر و پسر عم خود حضرت رسول ﷺ نموده و در فرشتی آن حضرت خوابیده از شمشیرهای
قباایل مشرکین پروا نموده و فضل خود و مواسات و برتری بر جمیع عالم ظاهر گردانید و شرافت
دنیا و آخرت را خرید و حق تعالی با ملائکه سادات به آن حضرت مباحثات فرمود و مدح او در
ایه کریمه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» نازل شده است و
چون حق تعالی آن دو جان مقدس را در کید کافران حفظ کرد گفتند که رورش که روز اول ماه
است مستحب است که برای شکر این نعم عظیمه روزه بدارند و هر چند علما در این روز زیارت
ذکر نموده اند اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین ﷺ در این روز مناسب است
و شیخ طوسی و کلمی گفته اند که روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به عالم
بالا رحلت نموده و حضرت صاحب الامر علیه السلام به منصب جلیل امامت فایز گردید پس زیارت این دو
بزرگوار نیز مناسب است در این روز.

و شیخ مفید در چهارم این ماه وفات آن حضرت را متعزض شده و شیخ کلینی و سید ابی
طاروس و شهید و ابن شهر آشوب و دیگران در هشتم ماه گفته اند پس در آن روز نیز زیارت این
دو امام ﷺ مناسب است.

و شب چهارم شبی است که حضرت رسول ﷺ از قار بیرون آمده و به مدینه تشریف بردند
و در روز دوازدهم نزدیک روال شمس به مدینه رسیدند

روز نهم روز سرود شیعه و عهد پرورگ آن عالم است شیخ مفید دو مبارک القیبه گفته که این روز

عید بزرگ است و روز عید بخر یعنی شکافتن است و از برای آن شرح بزرگی است که در غیر این موضع ذکر شده و حضرت رسول ﷺ این روز را عید فرموده و امر کرده که مردم بر آن را عید قرار دهند و نرید مریب کنند و بالجملة شرافت این روز بسیار است و مقام و گنجایش بسط نیست و آن چه مناسب این مقام است حقیر در کتابی مستقل که مشتی است به ذخیره العقبی فی مناقب ائمه الزعماء علیه السلام ایراد نمودم، طالبی به آنجا رجوع کنند و از غیر اهلش پنهان نمایند.

روز دهم این ماه حضرت رسول ﷺ خدیجه کبری را تزویج فرموده و در این روز - دو سال هشتم میلاد حضرت رسول ﷺ - وفات حضرت عبدالمطلب واقع شد.

روز دوازدهم این ماه حضرت رسول ﷺ ولدت مدینه طیه شد و از شرف دشمنان ایمن گردید و در این روز دولت پی مروان که از بختا پی شمش و دشمنان اهل بیت ﷺ بودند به نهایت رسید، پس به این دو سبب روز بسیار مبارکی است و اکثر سنن و جمعی از علمای ما مانند شیخ کلیبی و مسعودی و آقا و حسی قزوینی گفته اند که ولادت با سعادت حضرت خاتم الانبیا ﷺ در این روز واقع شده و اگر چه مشهور روز ولادت هفدهم این ماه است، امّا اگر در مورد غسل و زیارت و سایر اعمال آن روز را در این روز نیز به عمل آورند بسیار خوب و به احتیاط اقرب است، و سبب این طایوس در برای این روز سازی نقل کرده به این کیفیت که دو رکعت بجا آورند، در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و دو رکعت دوم سه مرتبه قل هو الله احد و بخوانند.

روز چهاردهم، شیخ طوسی و مفید فرموده اند که یزید در آن روز به جهنم پیوسته و بسیار روز شریفی است و شکر باید کرد حق تعالی را بر این نعمت عظمی.

در احوال روز ولادت حضرت رسول ﷺ

روز هفدهم این ماه روز بسیار مبارکی است و مشهور بین علمای شیعه آن است که ولادت کثیر الشهادت حضرت رسالت ﷺ در روز جمعه هفدهم این ماه وقت طلوع فجر واقع شده و در آن سال عام الفیل بوده و در بعضی از روایات وارد شده که عروج آن حضرت به آسمان ها نیز در شب هفدهم این ماه شده شب و روز هر دو مبارکند و در هر دو زیارت آن حضرت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مناسب است و علما ذکر کرده اند که روزه این روز فضیلت بسیار دارد، شیخ مفید فرموده که این روز شریفی است و پیوسته صالحان از آل محمد ﷺ از قدیم ائمام تعظیم آن

می نمود و حرم آن را مراجعات می کردند و در روزهای فاضل بسیار و ثواب بی شمار است. از
انتقد هندی رحمته الله روایت شده که هر که این روز را روزه دارد، حق تعالی ثواب روزه یک سال برای او
بخشد و مستحب است در این روز صدقه کرم و به زیارت مشاهد مشرفه مشرف گشتی و
غیر آن کردن [و] مؤمنان را شاد نمود.

مؤلف گوید که: غسل در این روز مستحب است و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نزدیک و دور
مناسب است و شیخ مفید و سید ابن طاووس و شهید زیارتی از برای آن حضرت نقل نموده اند که
در بلاد بمبده به آن زیارت شود و چون ما در باب ششم [صفحه ۲۱۵] زیارت نزدیک و دور آن
حضرت را نقل نمودیم از دیگر آن زیارت مستفی هستیم.

و زیارت مخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز که حضرت صادق علیه السلام معتمد
این مسلم فرموده در باب پنجم [صفحه ۲۴۲] نقل شده به آنجا رجوع کن و از خواندن آن خود
را بفرمندی کن و سید ابن طاووس از برای این روز ساز و دعایی نقل کرده اگر حالت اقبال کرد
رجوع به اقبال کن و بدلی که در این روز به ولایت جمعی ولادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از گشته و باعث عزت فضل این روز شده.

و در روز آخر ماه به قول شیخ شهید ولادت حضرت امام حسن علیه السلام واقع شده، ولیکن
مشهور آن است که در ماه شعبان گذشت.

فصل دهم

در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الأولى و جمادی الآخرة است

سید ابن طاووس دعایی از برای روز اول ماه ربیع الثانی و دعایی از برای روز اول ماه جمادی
الأولی نقل کرده چون طوایف بیه نقل نکردم.

روز چهارم ربیع الثانی به قول کفعمی و تقوی المصمیم تولد حضرت عسکری علیه السلام واقع
شده و بعضی [آن را] هشتم گفته اند.

و در روز پنجم آن بعضی گفته اند، هلاک متوکل عباسی واقع شد.

و شیخ مفید و طوسی گفته اند که در دهم ماه ربیع الثانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام تولد

شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که به شکر این هفت عظمی روز را بدارند و علامه مجلسی گفته که زیارت آن حضرت و سایر اعمال خیره در این روز بسیار گس مناسب است.

و در روز دوازدهم ماه ربیع الآخر در سال ازل هجرت سائر فریقه خطر و سفر مسخر شد^(۱)

احمال ماه جمادی الاولی

و در روز سیودهم و چهاردهم و پانزدهم ماه جمادی الاولی که احتمال می رود در یکی از این سه روز وفات حضرت فاطمه^{علیها السلام} واقع شده باشد زیارت آن حضرت مناسب است خصوصاً در چهاردهم و لمن بر ظالمین آن حضرت و لقائه ماتم آن مظلومه در هر یک از این سه روز مناسب است و بودن وفات آن حضرت در یکی از این سه روز از روی روایت صحیح هناد و پنج روز بعد از وفات حضرت رسالت پناه^{علیه السلام} است.

و روز پانزدهم جمادی الاولی به قول جسی از علما ولادت حضرت امام زین العابدین^{علیه السلام} بوده و روز بسیار شریفی است و گفتند که دوره آن و محفل و سایر اعمال طریقه در آن روز مستحب است.

و شیخ طوسی گفته که در این روز فتح بصره برای حضرت امیر المؤمنین^{علیه السلام} شده و رحلی الذین علی بن یوسف حلّی برابر آیه الله علامه در کتاب حدیث گفته که در این روز مسجد بن ای بکر در مصر شهید شده.

مؤلف گوید که در این روز زیارت حضرت فاطمه و امیر المؤمنین و امام زین العابدین^{علیهم السلام} هر یک مناسب است و علامه مجلسی گفته که اگر زیارت جامعه در این قسم آقام بخوانند این شاء الله تعالی بهتر است.

(۱) مستخرج از طریق دومی کتبت ح

و اما اعمال ماه جمادی الآخره

پس بدین که سید ابی طاووس رحمه الله روایت کرده است که در این ماه در هر روز که خواهد بست
است که چهار رکعت نماز بکند، پس به دو سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یک مرتبه
«ایة الکرسی» بخواند و بیست و پنج مرتبه «قُلْ اِنَّ اللّٰهَ» و در رکعت دوم یک مرتبه «اَللّٰهُمَّ
اِنِّکَ اَنْتَ الْکَافِرُونَ» و بیست و پنج مرتبه «قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» و در رکعت سوم یک مرتبه «قُلْ یَا اَیُّهَا الْکَافِرُونَ»
و بیست و پنج مرتبه «قُلْ اَمْرٌ بِرَبِّ الْعَالَمِینَ» و در رکعت چهارم یک مرتبه «اِنَّ جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ»
و بیست و پنج مرتبه «قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه
بگوید «سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ» و هفتاد مرتبه
«اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» پس سه مرتبه بگوید «اَللّٰهُمَّ اَهْبِزْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ»
پس سه مرتبه سجده بگذارد و سه مرتبه بگوید «یَا حَسْبُ یَا قُدُّوْهُمْ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیْمُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ» پس هر حاجت که دارد از حق تعالی
طلب نماید هر که چنین کند خدا خودش را و مالش را و دینش را و دین او را و دین او را
حفظ کند و اگر در این سال بمرد بر تعداد پیوسته ثواب شهیدان داشته باشد.

و در روز سوّم این ماه بنا بر قول شیخ طوسی و مفید و سید ابن طاووس و کلمی و بعضی
دیگر وفات حضرت فاطمه علیها السلام واقع شده و شیخ برادر گوار محقق بن جریر طبری لسانی در کتاب
«دلائل الامامة» به سند معتبر از ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود که:
«فاطمه علیها السلام در روز بیستم جمادی الآخره متوکل گشته و هفت سال در میخانه اقامه کرده و ده سال
در مدینه و در روز سمنه سوّم جمادی الآخره سال یازدهم هجرت به رحمت ایزدی پیوست»
مؤلف گوید که: اصحّ همین است در باب تاریخ روز وفات آن مظلومه و نیز برای او شواهدی
است که مقام و گنجایش ذکر آن نیست و این اگر چه در ظاهر متلفی است با روایت هفتاد و پنج
روزه لکن ممکن است که روایت نود و پنج [صحیح] باشد و تصحیف شده باشد چه سبب این

تبعی مشابه بسیار دارد^(۱) و به خصوص در خطوط قدیمه که تفصیل آن موجب تطویل است. پس باید شویمان به مراسم عزیمت آن حضرت قیام نمایند و زیارت آن مظلومه و نفرین بر ظالمان و غاصبان حق نو کنند.

و در روز نعیف جمادی الاخره، مقتل عبد الله بن الزبیر بن العوام بوده، چنانچه شیخ مفید و طوسی گفته‌اند. و در تقویم الحسین است که در این روز، عبد الله زبیر، کعبه را خراب کرده و در دراز برای آن قرار داده، که از یکی حاصل می‌شدند و از در دیگر بیرون می‌رفتند، تا دیمان عبد الملک (بن امروان که خانه کعبه را به صورت لؤل خود برگزید).

و در روز بیستم ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا^(ع) واقع شده و روز بسیار شریفی است. شیخ مفید گفته است: اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بنارند و تصدقات و اعیال خیر بکنند، و غیر در مقام زیارت آن مظلومه نماز آن حضرت و زیارتش را که در این روز باید بجا آورده نقل کردم به آن جا رجوع شود.

و در روز بیست و هفتم، چنانچه کلیبی در کافی و مسعودی در مروج الذهب گفته‌اند، وفات حضرت امام علی نقی^(ع) واقع شده و وفات بعضی از خطای جور نیز در این روز واقع شده.

در کتابت سندی نخستین که با خط کوفی صورت می‌گرفت، تقابله به کار نمی‌رفت و چون خطی و سبکی و تفسیر آن به دور نقطه گذاری کاملاً شبیه است، لذا باید در تشخیص بر تفاوت شده است و برخی شهادت آن حضرت و عتقاد پنج (خطی و سبکی) و در روز پس از رجعت پسر^(ع) داشته‌اند و برخی بود و پنج (خطی و تفسیر) بود.

باب دوازدهم

در اعیان سال هرامه و عمل عید نوروز

و در آن دو فصل است

فصل اول

در اعیان هر ماه است

ادعیه اول هر ماه

مکانی که مستحب است در وقت دیدن حلال در هر ماه خواندن دعاهای منقوله در اهل
بیت علیا و بهترین آنها دعای حلال صحیفه کمله است که دعای چهل و سوم است و شیخ
طوسی در حضرت امام معتمد باقر علیه السلام این دعا را از برای وقت حلال نقل کرده و این دعایی است
که حضرت رسول ﷺ چون ماه نو می دیدند می خواندند:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِحَنِّ وَإِيمَانٍ وَ سَلَامَةٍ وَ إِسْلَامٍ وَ هُدًى وَ مَغْفِرَةٍ
وَ عَافِيَةٍ مُجَلَّلَةٍ وَ رِزْقٍ وَاسِعٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این دعا را پس از آن که تکریم می کنند می بخوانند و خواندن هفت مرتبه سوره «حمد» برای
دفع درد چشم منقول است و گفته اند ندکی پتو خوردن مستحب است بعد از این طهور و در کتاب
درود النورانی در حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر وقت که بگوئید الحمدای اربع پنجاه بار
شیرین و خوشبو می کند و لذتهای طعام می آورد و باعث عظم می شود و هر کس بگوید کند خود
را به خوردن آن در اول هر ماه امید است که حاجتش در آن ماه برده شود.

نهار اول هر ماه

و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر
رکعت بعد از سوره «تفصیل» بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر قری و دره
ایم گرداند، حق تعالی ایمن کند او را در آن ماه از قری که مکرره او باشد و نیز سید در درود از
حضرت جواد علیه السلام نقل کرده که «چون ماه نو داخل شد در روز اول آن دو رکعت نماز بکن و در
رکعت اول بعد از «حمد» سی مرتبه سوره «قل هو الله احد» و در رکعت دوم سی مرتبه سوره «یا
اخرس» بخواند و بعد از نماز تعلق بکن به آنچه مسکن می شود تو را، چون چنین کنی سلامتی
آن ماه و برای خود خیر بدی باشی و در روایت دیگر وارد شده که «بعد از نماز بتوبان»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا
وَيُسَلِّمُ لِمُسْتَقَرِّهَا وَ مُسْتَوْدَعِهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا

عُوْ وَ اِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِقَضَائِهِ يُصِيبُ بِهٖ مَن يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ
الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ «سُبْحَانَكَ اللّٰهُ يَغْذِرُ عَنْكَ» «مَا شَاءَ
اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ» «حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيْلُ» «وَالْقُوْى اَمْرِيْ اِلَى
اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِصُوْرٍ بِالْبَيِّنَاتِ» «لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ
الْظّٰلِمِيْنَ» «وَرَبِّ اِنِّى لَمَّا اَنْزَلْتَ اِلَى مِنْ خَيْرٍ فَتَبَرَّ» «وَرَبِّ لَا تَذَرْنِى
فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِيْنَ»

فضیلت و کیفیت روزه گرفتن در هر ماه

و بدان که از جمله سنت‌های مؤکده که حضرت رسول ﷺ بر آن مواظبت نمود تا در دنیا
رفت در راه روزه در هر ماه است و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه آخر ماه و
چهارشنبه وسط ماه، یعنی چهارشنبه اول از هجده میان ماه است و در بعضی از روایات عکس این
مورد وارد شده است، یعنی چهارشنبه اول و آخر ماه و پنجشنبه وسط ماه و طریقی اول اشهر است و
سنن آن حضرت تالی واجبات^{۱۱} است در فضیلت و تأکید، و آن حضرت شمار سنت را دو برابر
شمار واجب مقرر فرموده هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر، و هشت رکعت پیش از نماز عصر
و چهار رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت مفصله که به منزله یک رکعت است بعد از نماز عشاء
و بارده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح که مجموع سی و چهار رکعت، دو
مقابل^{۱۲} نماز یومیه واجب و متمم آن است و تأکید زیاده درباره این نمازها شده و نزد اولیا به
منزله واجب است و مانند غریبه اگر ترک کند سنت است که قضا کنند

و هم‌چنین روزه سنت دو برابر روزه واجب است که تمام ماه شعبان است و مرده ماه دیگر هر
ماه سه روزه و اگر فوت شود به سبب عارضی سنت است قضا کردن آن ماه و اگر در تابستان
دشوار باشد سنت است که در زمستان قضا کنند؛ ولیکن باید در مثل این ایام قضا نشود و بعضی
تجربش را - یعنی تقدیم آن‌ها را - بر اوقات خود جایز دانسته‌اند، و اگر دشوار باشد روزه به سبب
بیری و نحو آن، بدل هر روز یک‌بار دویم یا یک مد گندم تصدق کنند

و شیخ کلینی به سند صحیح از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که: «کسی که در هر ماه این سه

روز را روزه دارد باید که با هیچ کس سجاده نکند و سفاهت و تندخویی و بی‌خرندی و مبادرت به سوگند خوردن به خدا را ترک کند. و اگر کسی با او سفاهت و بی‌خرندی کند در گذرد و معاصیه نکند.

و اما فضیلت این سه روز روزه بسیار است و در این باب اخبار بسیاری وارد شده است. ثمة الاسلام در کتبی و برقی در مسکن از حشاد بن عثمان روایت کردند که گفتند پسندم در حضرت صادق علیه السلام که فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزه سنت گرفت که مردم گفتند دیگر آن حضرت اظهار نخواست کرد و مذنی اظهار کرد که گمان کردند که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت. پس مذنی روزه حضرت داود علیه السلام گرفت که یک روز روزه می‌داشت و یک روز اظهار می‌کرد. و در آخر عمر اختیار فرموده روزه سه روز از هر ماه را و با آن حال بود تا از دنیا رحلت فرمود. و می‌فرمود که: این سه روز روزه توبهش برابر است با روزه دهره و وسوسه شیطانی را از سینه برطرف می‌کند. حشاد گفت: گفتیم که این سه روز کدام است؟ فرمود که: پنجشنبه اول ماه و چهارشنبه اول بعد از دهه اول و پنجشنبه آخره پس پرسیدم که برای چه خصوص این روزه را روزه باید داشت؟ فرمود: برای آنکه بر امتحانهای سابقه عذاب در این روزه نازل می‌شده است، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله این روزه را روزه گرفت. برای آنکه ایام مغفوه^۱ بود.

و در روایت دیگر وارد شده که: پنجشنبه را برای این روزه می‌داوند که اعمال بدگمان را بر حق تعالی عرضه می‌کنند و چهارشنبه میان ماه را برای آن روزه می‌دارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه مهر است از برای آتش. و میر در کتاب صفی از آن حضرت مروی است که: حق تعالی عذاب فرموده اشخاص سابقه را مگر در چهارشنبه میان ماه پس مستحب شد روزه گرفتن در این روز.

و علامه مجلسی فرموده که: اگر در این ایام روزه باشد و به غایت برادر مؤمن وارد شود و او تکلیف کند اظهار کردن [روز] و او اظهار کند [چهارشنبه از روزه داشتن به عتقاد برابر] یا بود برابر چنانچه در حدیث مطهر از حضرت صادق علیه السلام منقول است. و در حدیث دیگر فرموده که: اگر که داخل شود به خانه برادر مؤمن خود و روزه باشد و اظهار کند و اظهار نکند که من روزه‌ام، که بر او یک گناره حق تعالی توبه روزه یکسال برای او پیوسته است.

و در جملة روزه‌های سنت هر ماه روزه ایام الممض است. یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم [هر] ماه و احادیث بسیار در فضیلت این سه روز از طرق عاتقه و خاصه وارد شده و از شیخ صدوق منقول است که گفته: روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام الممض مقرب شده است و

مناقب ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجمین روز و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد. اما کثر احادیث اتمام الیهض از طرق عاتقه است و سید ابن طاووس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: بگو به علی علیه السلام که روزه بداند از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو به سبب روزه روز نوزده روزه ده هزار سال و به روزه روز دوم سی هزار سال و به روزه روز سوم صد هزار سال. حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفتند: یا رسول الله این مخصوص من است یا برای همه کس است؟ حضرت فرمود: که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارند این ثواب برای او خواهد بود. گفتند: کدام روزها؟ فرمود: آن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است. و از جمله روزهای مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسی که حاجتی داشته باشد، و شاید ما ای شاه الله در باب آینده به آن اشاره کنیم. علامه مجلسی فرموده: مشهور میان علما آن است که هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است؛ مگر آنکه موافق یکی از اتمام محرمه یا مکروهه واقع شود.

به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «کسی که اراده عمل غیر داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه به عمل آورد، زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است.»

و این چندین گفته که: مستحب است روز جمعه را تنها روزه گرفت و اگر مضیق سارده به این یک روز پیش یا یک روز بعد را جایز است. و گفته است استحباب روزه در دوشنبه و پنجشنبه مسوخ است؛ و روزه شنبه نهی از آن وارد شده است. پس علامه مجلسی گفته که: اکثر آنچه این چند گفته، خلاف مشهور میان علما است. و شیخ طوسی در مصباح گفته است که: ترفیع در روزها روز جمعه وارد شده است و بهتر آن است که آن را تنها روزه ندارد؛ مگر آن که یک روز بیشتر روزه بدارد و گمان ظمیر آن است که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه معمول بر گفته است؛ زیرا که سخنان این حدیث را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علما منعی از روز جمعه را حمل کرده اند بر آن که کراهت آن در صورتی که او را ضعیف گرداند از قریاض و نوافل و دعاها و روزه جمعه و این حمل بد نیست.

و اما روزه دوشنبه استحباب بر نهی از روزه آن واقع شده است و بهتر ترک است. خصوصاً هرگاه به قصد برکت روز دوشنبه باشد. مگر [آنکه] یا روزه عفو کی از روزهای مکه موافق شود مثل شبیر و محرم و ولود و امثال اینها، و نهی از روزه شنبه به نظر ظمیر نرسیده؛ اما قضای هم در روزه آن به خاطر ندارم. مگر آنچه شیخ طیفی روایت کرده است که هر که در یکی از ماههای حرام، یعنی رجب و ذی القعدة و ذی الحجه و محرم، پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق ضایعی برای او ثواب عبادت هجده سال بنویسد، ان شاء الله.

فصل دوم

در فضایل و احوال روز نوروز است

بدان اولاً آنکه کلمات علما در همین این روز مبارک مختلف است و شیخ طوسی احوال متعلقه این روز را در دو مصباح ذکر کرده بدون همین آن و این ادویسی گفته که آنچه بعضی اهل حساب و علمای هیئت و اهل این صنعت در کتاب خود تحقیق آن گردانند آن است که روز نوروز روز دهم آثار است و ماه آثار می و یک روز است همین که نه روز از آن گذشت عهد نوروز می شود انتهی.

و شیخ شهید نوروز را تفسیر کرده به یکی از سه چیز یا اول سال غریب^۱ یا وقت دخول آفتاب به برج حمل یا دهم آثار

و شیخ حمد بن مهد حلی در مذهب خود گفته که روز نوروز روز جلیل تقدیری است و همین آن مشکل است یا آنکه دانستی آن مهم است از جهت آنکه صلی گرفته به او عبادتی که مطلوب شارع است و امتثال آن موقوف است بر شناختن آن روز و علمای ما هیچ کدام مسترضی آن نشده اند مگر آنچه این ادویسی گفته پس کلام او را نقل کرده پس از آن گفته که روز نهم شباط روز نوروز است پس احوال آن را با خبر حلی بن غنیمت نقل کرده و لیکن آنچه در این زمان مشهور و معمول به مردم است آن است که نوروز روز انتقال فصل به برج حمل است و این تفسیر مختار جمعی از علما است که یکی از آنها علامه مجلسی است و در بیان کلام را بسط تمام داده و در زاد المساء بعد از آنکه اختلاف اقوال را در این باب ایراد نموده گفته و به گمان ظنر همین نوروز که در این ازمه مشهور است اقرب است به صواب و اضبط است در حساب اگر بنای احوال را بر این بگذارند ظاهراً بد نیست پس فرموده اما فضایل و احوال این روز به اسالیف معتبره از حلی بن غنیمت که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده است منقول است که گفت در روز نوروز به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود و آیا می شناسی این روز و آه گفتم فدای تو شوم این روزی است که هیچم آن را تنظیم می کند و در این روز خطبه ها و هدیه ها برای بندگان می فرستند حضرت فرمود که مسوگند یاد می کنم به حق خائنه کعبه که در مکه مطعمه است که ای تنظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر می کنم از برای تو تا بهیسی آن و آه گفتم ای سید و آقای من عشقش این را به برکت شما محبوب تر است نزد من از آن که مردگان من زنده شوند و دشمنان من بپرند حضرت فرمود که های حلی به دوستی که روز نوروز دوری است که حق تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز اُنس^۲ که او را به

۱ پارسیان برانیدند

۲ اشاره به آیه شریفه لا اُنسَ یزکون که در ادبیات فارسی به روز ازله المسمی در و جز بی ها معروف است

یگانگی پرستند و برای او شریکی قرار نهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجت‌های او و خلق و انسان و پشوايان دين و انچه مخصوصين عليه السلام و اين اول رورى است كه در آن آفتاب طلوع كرده است و يادهاي آيست كنند درختان وروده است و گل‌ها و شكوفاهاي زمين آفريده شده است. و در اين رور كشتي روح عليه السلام بعد از طوفان بركوه جودى قرار گرفته است. و اين رورى است كه حق تعالى حيات بخشيد چندي هزار كس و كه از مرگ گريختند يهي از طاعون. و به يك همه خداوند اقرار همه را ميراند. پس بعد از مذت‌ها كه استخوان شده بودند. پيمبري از پيغمبران خدا بر اين استخوان‌ها گذشت و از پروردگار خود سؤال كرد كه به او بتمايد كه چگونه اين استخوان‌هاي پوسيده را زنده مي‌گرداند. حق تعالى وحى فرستاد به سوي او كه آب ريزد بر استخوان‌هاي ايشان در همان جاهاي خود كه هستند. پس چنين كرد. همه به قدرت الهي زنده شدند و اين اول سال فرس و صبح است و به اين سبب شت شده كه در اين رور آب بر يكديگر بريزند. يا آب بر خود بريزند و غسل كنند و حق تعالى در قرآن مجيد اشاره به اين قسه نموده است. در آنچه كه فرموده است: **«الَمْ تَرَ اِنَّ الَّذِيْنَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ اَلَوْفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مَوْتُوا ثُمَّ اَحْيَاهُمْ»** و مفسران گفته‌اند كه آن پيغمبر حضرت حزقيل عليه السلام بود و حضرت فرمود كه: «ايشان سي هزار كس بودند» و فرمود كه: «در اين رور جبرئيل بر حضرت رسول خدا عليه السلام به وحى نازل شده» يهي رور نوروز موفل رور مبعث بوده كه بيست و هفتم ماه رجب است.

و فرمود كه: «اين رورى است كه حضرت رسال يمامه عليه السلام پتحي كزار قريش را در مكه شكست. و حضرت ابراهيم عليه السلام سر در اين رور پتحي كافران را شكست» و اول اشاره است به آن كه سني و شيعه روايت كرده‌اند به طرق بسيار كه شمس حضرت رسالت عليه السلام حضرت امير المؤمنين عليه السلام را با خود به مسجد الحرام آورده و حضرت امير عليه السلام را امر كرده كه بر دوش آن حضرت بالا رفت و بن‌هاي كافران را به دوش آورده و شكست. پس مراد اين است كه در شب اين رور بود و فرمود كه: «در اين رور حضرت رسول عليه السلام امر كرد اصحاب خود را كه بيعت كنند با امير المؤمنين عليه السلام و اقرار كنند كه او پادشاه مؤمنان است» يهي رور خدير اين رور بوده؛ يا اين رور كه ميركرده‌هاي صحابه را گفت برويد بر علي عليه السلام سلام كنيد و بگوييد: **«السلام عليك يا امير المؤمنين»** بي رور بوده؛

و فرمود كه: «در اين رور حضرت رسول حضرت امير را فرستاد به وقفي چينان كه در ايشان بيعت از براي او بگيرد»

و فرمود كه: «در اين رور حق خلافت به امير المؤمنين عليه السلام برگشت بار ديگر بعد از كشته شدن عثمان. يا آن حضرت بيعت كردند و در اين رور حضرت امير المؤمنين عليه السلام با حارثيان سهرول

جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافتند و سر کرده ایشان را که ذوالقعدة می گفتند، گشتند و در نوروز قائم آل محمد صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد و در این روز سامان دیگر به دنیا رحمت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دشمنان و در کتله که محله ای است از محلات کوفه او را برادر خواهند کشید و در هیچ روز نوروز نیست مگر آن که ما انتظار فرج می کشیم و روا که در روزهای شیعیان ما لبس آن روز را عجمها حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما هر چه با این را ضایع کرده اند.

نماز و دعای روز عید نوروز

پس حضرت فرمود به محلی که: «چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامه های خود بپوش و به بهترین بره های خوشی خود را خوشبو گردان و در آن روز دوده بدار پس چون از سار پیشین و پسین و ناله های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار، پس هر دو رکعت به یک سلام، و در رکعت اول بعد از «حمد» سه مرتبه سوره «یا ایها الذین آمنوا» بخوان و در رکعت دوم بعد از «حمد» سه مرتبه سوره «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم بعد از «حمد» سه مرتبه سوره «لا اله الا الله» و در رکعت چهارم بعد از «حمد» سه مرتبه «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الفلق» بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ. وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ. وَصَلِّ عَلَى أَرْوَاجِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَبَارِكْ لَنَا فِي تَوْفِيقِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَعَظَّمْتَ حَقَّهُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيهَا أَنْصَفْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ. وَوَسَّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا قَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. اللَّهُمَّ مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَخْفِي عَنِّي غَيْبُ عَوْنِكَ وَحِفْظُكَ. وَمَا نَقَضْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلَا يَقْبِضُنِي عَوْنُكَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ. يَا قَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

چون چنین کنی گناهان بجای آید تو آمرزیده شوی

و بسیار بگر یا قَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

دعای روز نوروز

و در کتب غیر مشهور روایت کرده اند که در وقت تحول این دعا را بسیار بخوانند، و بعضی سجد و شصت و شش مرتبه گفتند:

يَا مُخَوِّلَ الْخَوَلِ وَالْأَخَوَلِ خَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ
و به روایت دیگر: يَا مُغْلِبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُذَبِّزَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
يَا مُخَوِّلَ الْخَوَلِ وَالْأَخَوَلِ خَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ.

و بعضی روایت کرده اند که این دعا را روز در روز روزی به عدد ایام سال بخوانند:
اللَّهُمَّ عَلَيْهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ قَبْلَهُ قَدِيمٌ. أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا. وَأَسْتَغْفِرُكَ مَوَاسِيئَهَا وَشَفَلَهَا
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
و اگر چه منی در دعا نیست اما دعای اول را خواندن هر چند نمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است، تمام شد آن چه از زاد الصلوات نقل شد.

نوشتن رقعہ در وقت تحول

و علامه حلی^(ع) در محتاج الفلاح و کلمی در بلد المؤمن در ایصال عید نوروز دعای از حضرت امام رضا^(ع) نقل کرده اند که در وقت تحول نوشته می شود و بر گریبان آورده کنند که پناه از هر چیزی است، و عبارت ایشان چنین است:

رقعة الجیب عرفة لكل شيء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^(۱) اخْسَوْوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ. إِنِّي أَعُوذُ
بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا. أَخَذْتُ بِسَمِّ اللَّهِ وَتَصَرُّعِي عَلَى أَسْمَاعِكَ
وَأَبْصَارِكَ. وَبِقُوَّةِ اللَّهِ عَلَى قُوَّتِكَ. لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَى لَاحٍ بَيْنَ لَاحٍ^(۲) وَلَا
عَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَلَا عَلَى أَهْلِهِ وَلَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ. سَتَرْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَكُمْ بِسْمِ
النُّبُوَّةِ الَّتِي اسْتَتَرُوا بِهَا مِنْ سُلْطَانِ الْقَرَاعَةِ. جِبْرِئِيلُ عَنْ أَسْمَائِكَ.

وَمِیْكَانِیلَ عَنْ یَسَارِکُمْ. وَمُحَمَّدٌ ﷺ أَمَامَكُمْ. وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَیْكُمْ. یُحْشِیهِ
لِیِّهِ اللَّهُ وَیَنْصَحُ قُرْبَتَهُ وَأَهْلَ بَيْتِهِ مِنْكُمُ وَمِنَ الشَّیْطَانِ. مَا شَاءَ اللَّهُ لَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ. اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا یَنْتَعِجُ جِلْدُنَا أَنَاثَكَ فَلَا
تَبْئِیْهُ وَلَا یَنْتَعِجُ مَجْهُودُ نَفْسِهِ. عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ یَعْمُ الْوَلِیُّ وَیَعْمُ الْوَكِیلُ.
حَسْبُكَ اللَّهُ يَا مُلَانِ بْنِ مُلَانٍ^۱ وَفَرَّقَكَ بِنَا یَخَافُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ
وَضَلَّی اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در موی آیه الکرسی را به آن طریقی که نازل شده پس از آن می‌خواند:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. لَا مُلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ. حَسْبِیَ اللَّهُ وَیَعْمُ
الْوَكِیلُ. وَاَسْلَمَ فِی رَأْسِ الشَّهَادَةِ طَلَسْ لِسْبِلَاه. وَضَلَّی اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ وَسَلَّمْ كَثِیرًا. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. وَالصَّلَاةُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ

مؤلف گوید که: آیه الکرسی به طوری که نازل شده همین آیه الکرسی است که در قرآن
خوانده می‌شود مگر آن که آلم در لُزْس و بعد از هوما فی الأرض. این زیاده را دارد. هوم
بینهما واما تحت القرى عالم الغیب والشهادة هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ.

و خود کلمی در حاشیه بعد المؤمن به این مطلب اشاره کرده و گفته که حضرت امام رضا علیه
السلام قرائت فرموده، انتهى.

و شیخ جلیل علی بن ابراهیم قسری در تفسیر به سند خود روایت کرده که حضرت امام رضا علیه
السلام قرائت فرموده آیه الکرسی را به این طوری:

«أَلَمْ يَكُنْ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَخُصِّي الْقِيَوْمُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ. لَيْ لَا تَلْسُ. وَلَا نَوْمٌ
لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِیمُ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ. مَا هُمْ إِلَّا
خَالِدُونَ» بعد فرموده: وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ. پس حضرت فرمود که: «این آیه چنین
نازل شده».

باب سیزدهم

در اعمال پنجشنبه و جمعه
و مختصری از اعمال
سایر ایام هفته

و در آن چهار فصل است

فصل نول

در مختصری از فضایل شب و روز جمعه است

بدان که شب و روز جمعه را امتیاز تام است از سایر ایام و ایام به مزید رغب و شرافت و بهادته

از رسول خدا ﷺ روایت شده که: شب جمعه و روز جمعه پست و چهار ساعت است، و در هر ساعت حق تعالی شش صد هزار کس را از جهنم آزاد کند، و از حضرت صادق علیه السلام وارد شده که: هر که پس از این روال روز پنجشنبه تا روال روز جمعه خدا پناه دهد او را از فشار قبر و نیز از آن حضرت منقول است که: جمعه را حقی و حرمتی عظیم هست، پس رساوار که طماع نگردانی حرمت آن را و تقصیر مکن در چیزی از عبادت حق تعالی در آن روز و تزیین جو به سوی خدا، به عمل های شایسته، و ترک نما جمیع محرّمات خدا را؛ زیرا که خدا ثواب طاعات را مضاعف می گرداند و عقوبت گناهان را محو می نماید، و درجات مؤمنان را در دنیا و عقبی بلند می گرداند و شهنش در فضیلت مانند روز نهمه اگر توانی که شب جمعه را رنده داری به سار و ده تا صبح یکی، به درستی که خداوند عالم در شب جمعه ملائکه را برای مزید کرامت مؤمن به آسمان اول می فرستد که حسنات ایشان را رنده گردانند و گناهان ایشان را محو کنند و حق تعالی واسع العطا و کریم البذلّه

و نیز در حدیث مطهر از آن حضرت مروی است که گاه هست که مؤمن دهها می کند برای حاجتی و حق تعالی قضای حاجت او را تأخیر می کند تا آنکه در روز جمعه حاجت او را بر آورد و برای فضیلت جمعه مضاعف گردانند، و فرمود که: «چون برادران موسی علیه السلام از حضرت بطریق علیه السلام استعاضای طلب آموزش گناهان خود کردند گفت: «يَسْتَوْفُوا اَسْتَعْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» یعنی بعد از این استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود، حضرت فرمود که: تأخیر کرد که در سحر شب جمعه دهها کند تا مستجاب گردد.

و نیز از آن حضرت مروی است که: «چون شب جمعه می آید ماهیان دریا سر در آب بیرون می روند و وحشیان صحرای گردن می کشند و حق تعالی را ندا می کنند که: پروردگاری، ما را عذاب مکن به گناهان آسمیان».

و از حضرت امام مجتهد باقر علیه السلام منقول است که: «حق سبحانه و تعالی امر می نماید مکنی را

که در هر شب جمعه او بالای عرش ندا می‌کند: او از شب تا آخر شب از جانب ربّ تعالی که آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح برای آمرت و دیای خود مرا بفرستد تا من دعای او را مستجاب کنم؟

آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع صبح از گناه خود توبه کند پس من توبه او را قبول کنم؟

آیا بنده مؤمنی هست که من روزی او را تنگ کرده باشم و از من سؤال کند که روزی او را رها گردانم پیش از طلوع صبح، پس روزی او را گشاده گردانم؟

آیا بنده مؤمنی بیماری هست که از من سؤال کند پیش از طلوع صبح که او را شفا دهم، تا او را حالت کرامت کنم؟

آیا بنده مؤمنی شکنجه محبوس هست که پیش از طلوع صبح از من سؤال کند که او را از زندان رها کنم و شکنجه را فرج دهم پس دعایش را مستجاب کنم؟

آیا بنده مؤمنی مظلومی هست که از من سؤال کند پیش از صبح برای دفع ستم ظالم تا من از برای او انتقام بگیرم و ستمش را به او برگردانم؟ پوسته این ندا می‌کند تا طلوع صبح.

و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که: حق تعالی جمعه را از همه روزها برگزیده و روزی بر عهد گردانیده و شبی را مثل روزی گردانیده.

و از جمله نصیحت روز جمعه آن است که هر حاجت که در آن روز از خدا سؤال کنند برآورده می‌شود، و اگر جماعتی مستحق عذاب شوند چون شب جمعه و روز جمعه را دریابند و دعا کنند خدا آن عذاب را از ایشان برمی‌گرداند و امور مقدوره را حق تعالی در شب جمعه مهرم و محکم می‌گرداند، پس شب جمعه بهترین شبها و روزی بهترین روزها است.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که: هر هر چه در شب جمعه که عذرت گناهان در آن شب، مضاعف است، چنانچه نواب حسانت مضاعف است و هر که مصیبت خدا را در شب جمعه ترک کند حق تعالی گناهان گذشته او را پیامرد و هر که در شب جمعه مصیبتی و عتابیه او به طور آشکارا بکند حق تعالی او را به گناهان جمیع عرش عذاب کند و عذاب این گناه را بر او مضاعف کند.

و به سندهای بسیار معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل است که: عذاب طالع نگریده است در روزی که چهار از روز جمعه باشد و چون مرغی در روز جمعه به یکدیگر بر می‌خورند سلام می‌کنند و می‌گویند: امروز روز شایسته‌ای است.

و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل است که: «هر که روز جمعه را دریابد، باید که به کاری به غیر از عبادت مشغول نگردد، زیرا که در آن روز خدا گناه بندگان را می‌آمرزد و رحمت خود را بر ایشان نازل می‌گرداند» و تضایل شب و روز جمعه زیاده از آن است که در این مختصر ذکر شود.

فصل دوم

در بیان امثال روز پنجم و شب جمعه است

اعمال روز پنج شنبه

بدان که روز پنجشنبه به مشتری تملک داند و ملاقات قضات و حضا و اکابر در آن روز بکند است، و روز عبادتی است به خصوص از برای طلب حاجات. و روزه پنجشنبه اول ماه و آخر ماه، از مستحبات مؤکد است، چنانچه در سابق به آن اشاره شد، و مستحب است که آدمی در نماز هجر این روز و روز دوشنبه سورة هقل آتی بخواند. و اگر کسی حاجتی داشته باشد، اول صبح آن، در پی حاجت خود رود، و چون عفوچه حاجت خود شود بخواند سورة «حمد» و در «قل اعوذ» و «قل هو الله احد» و «هذا امر الله» و «آية الكرسي» و پنج آیه آخر سورة «ال صمران» را، پس بگوید: **مَوْلَايَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا بِكَ وَخَابَتِ الْاَمَالُ اِلَّا بِكَ اَسْأَلُكَ اِلَهِي بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ وَاجِبُ عَلَيْكَ بِمَنْ جُمِلْتُ لَهُ الْحَقُّ عِنْدَكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تُقَضِّيَ حَاجَتِي**

و مستحب است طلب کرد علم در این روز، و خواندن سورة مائده در آن، و زیارت سید شهد و مؤمنان در آن، و سکره است در این دور از مشاهده مشرک و بیرون رفتن تا آن که جمعه بگذرد. و حجاب در این روز مستحب است. و خوا خوردن بیک هست. و مستحب است که در این روز مہنای جمعه شوند به گرفتن غلصها و نگذاشتن یکی از آنها را برای روز جمعه که در جمعه گرفته شود، و گرفتن شارب و غسل جمعه کنند اگر ترس آن باشد که در جمعه ممکن شود غشش و مستحب است صلوات فرستادن بر پیغمبر و آل او علیاً در روز پنجشنبه هزار مرتبه و مستحب است این که بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَقْلِلْ غَمَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ**

دعای روز پنجشنبه

و از برای روز پنجشنبه دعا و تسبیح و توبه بسیار نقل شده و مختصرترین دعاهاى آن دعاى حضرت فاطمه علیها السلام است به روایت کفصی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْفَنَاءَ وَالْعَمَلَ بِمَا تُجِبُ
وَتَرْضَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا وَمِنْ غِنَاكَ لِفَقْرِنَا وَفَاقَتِنَا
وَمِنْ جَلْبُوكَ لِجَهْلِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى
شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَطَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

تعوذ روز پنجشنبه

و عوده ای روز به روایات مشایخ این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَعِيذُ نَفْسِي بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَبِعَظَمَةِ
اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَجَلَالِ اللَّهِ وَكَمَالِ اللَّهِ وَبِجَمْعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَبِوَلَاةِ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَحْبَبْتُ وَأَخْذَرْتُ وَأَشْهَدُ
أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا وَحَسْبُنَا اللَّهُ
وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

و نمازهای وارده این روز بسیار است از آن جمله نمازی است که از حضرت صادق علیه السلام به
تواب بسیاری روایت شده و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از «حمد» سیصد مرتبه «الله هو
الله احد» و در رکعت دوم هجده مرتبه

ساز حوائج بعد از چاشت پنجشنبه

معار تنگتر کلمی به سندهای معتبر از فضل بن عمر روایت کرده است که: با جمعی از
اصحاب در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودیم ناگهان اسماعیل بن قیس موصلی داخل شد حضرت
فرمود که «ای اسماعیل این غم شدید و قفس متواتر که از تو مشاهده می‌کنم چیست؟»

گفت: به حق تو سوگند که سیم تنگ شده است و اگر رفتاری داشتیم به نهایت رسیده است. حضرت فرمود که: «چرا نماز خوانج را نمی کنی؟» گفت: فدای تو شوم چگونه بکنم؟ فرمود که: «چون روز پنجشنبه شود، بعد از چاشت غسل بکن و به جای نماز خود برو، و چهار رکعت نماز بکن در هر رکعت بعد از سوره فاتحه ده مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخوان و بعد از سلام از رکعت چهارم صد مرتبه بگو «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» پس دست هایت را به سوی آسمان بلند کن و ده مرتبه بگو «يَا اللَّهُ» پس انگشت شهادت دست راست را به جانب راست و چپ و انگشت شهادت چپ را به بالا و پایین حرکت بده و بگو «يَا رَبِّ» آن قدر که یک نفس وفا کند به آن. پس دستها را در برابر روی خود به جانب قبله بکن، و ده مرتبه «يَا اللَّهُ» بگو، پس این دعا را بخوان:

يَا أَفْضَلَ مِنْ رُحْمِي، وَيَا خَيْرَ مِنْ دُمِي، وَيَا أَجْوَدَ مِنْ سَمِيحٍ، وَأَكْرَمَ مِنْ سَيْلٍ، يَا مَنْ لَا يَغُرُّ عَلَيْهِ مَا يَفْعَلُهُ، يَا مَنْ حَيْثُ مَا دُعِيَ أَجَابَ، أَسْأَلُكَ بِمَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَغَزَائِمِ مَقُورَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ عَظِيمٌ، وَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِفَضْلِكَ الْعَظِيمِ، وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَاكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ يَوْمَ الَّذِينَ، مُخِيبِ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْبِلَ حَاجَتِي، وَتُهَيِّئَ لِي مِنْ أَمْرِي وَلَا تُضَيِّرْ عَلَيَّ، وَتُسَهِّلْ لِي مَطْلَبَ بَذْقِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا قَادِرًا عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

پس حضرت فرمود که: «چند مرتبه این دعا را بکن». ربوی گفت که: در سال دیگر در خدمت آن حضرت بودیم باز اسماعیل آمد و از آستین خود کسهای بیرون آورد و گفت: این با قصد امری است که به رکعت شما و رکعت دعا و نمازی که تسلیم من فرمودید، از خمس بر من واجب شده است؛ و چون این دعا را ده مرتبه کردم، مردی که مال بسیاری از من منکر شده بود و در مجلس قاضی سوگند یاد کرده بود آن مال را برای من آورد و از من حاجت طلب کرد. حضرت فرمود که: «خدا را حمد کن و عبادت پروردگار خود را ترک مکن و عقد احوال برادران مؤمن خود بکن».

و مستحب است که پیار صلوات فرستند بر محمد و آل او صلوات الله علیهم بعد از نماز عصر
روزی پنجاه تا آخر روز جمعه.

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام نقل است که: «چون عصر روزه پنجشنبه می‌شود، ملائکه از آسمان به در می‌آیند با قلم‌های طلا و صدف‌های نقره و می‌نویسند در پسون پنجشنبه و شب جمعه، و روز جمعه تا آفتاب غروب کند به غیر از صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیه».

استغفار آخر روز یمنجشتمیه

و شیخ طوسی فرموده: مستحب است که در آخر روز پنجشنبه استغفار کنند به این نحو

اَسْتَعِزُّ بِاللّٰهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ قُوَّةً عِنْدَ
حَاجَتِي بِشَكْرِ مُتَكَبِّرٍ لَا يَسْتَلْقِي لِنَفْسِهِ عَرْفًا وَلَا غَدًا وَلَا نَفْعًا وَلَا
ظَرًّا وَلَا خِيَاةً وَلَا مَوْتًا وَلَا نُشُورًا وَعَلَى اللَّهِ عِلْمِي وَحُكْمِي وَعِزِّي
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارَ الْأَهْلَاءَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا.

هو اعصابی شب جمعه

و اما اعمال شب جمعه پس روزه از آن است که ذکر شود و در این جا اکتفا می کنیم به ذکر مختصری از آن. از جمله اعمال این شب صلوات فرستادن است و وارد شده که جمعه شبش بسیار بزرگوار است و روزش بسیار روشنی پس بسیار بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و بسیار صلوات فرستد بر محمد و آل محمد علیهم السلام و در روایات دیگر ائمه صلوات در این شب حد مرتبه است و آنچه رفته کسی بهتر است و از جمله طوایف این سوره ها است در شب جمعه که از برای هر یک فواید و ثواب بسیار روایت شده: «بنی اسرائیل» و «کهف» و «سه طوسی»^(۱) و «یس» و «آل عمران» و «نور» و «احقاف» و «واقعه» و «القلم» و «طور» و «شم دخان» و «تنبیه» و «جمعه» و «غیرها» و اگر همه ممکن نباشد خواندنش، هر کدام را که تواند بخواند و اگر اختیار کند چهار تایی اول و سوره «قی» و «احقاف» و «واقعه» و بهتر است.

١- جوده هاوان، (٢٦) الشجرانه و (٢٧) القمله و (٢٨) القصصه من ابيد

و مستحب است در شب جمعه خواندن سوره «جمعه» در رکعت اول نماز مغرب و سحر عشا، و خواندن «توحید» در رکعت دوم مغرب و خواندن سوره «سبح اسم ربك الاعلی» در رکعت دوم عشا، چنانچه در لیل الضحاح کثیری روایت شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «در شب جمعه در نماز مغرب سوره «جمعه» و «توحید» بخوان، و در نماز عشا «جمعه» و «سبح اسم ربك الاعلی» بخوان، و در فجر روز جمعه «جمعه» و «توحید» و در ظهر «جمعه» و «مسافین»، و در عصر «جمعه» و «توحید» بخوان.

و طریق دیگر هم روایت شده است و از جمله دعا کردن در حق مؤمنین، چنانچه مروی است که حضرت فاطمه علیها السلام در شب جمعه از اول شب تا صبح در مصراعات خود مشغول عبادت بود و پیوسته برای مؤمنین و مؤمنات دعا می کرد.

و در روایی منقول است که هر که برای ده نفر از برادران مؤمن خود که مرده باشند در شب جمعه طلب امرزش کند، هشتاد و پنج برای او واجب گردد.

و از جمله تناول کردن انار و چغندر کردن با عیال خود است که از برای هر کدام سودمند و لطیفی است.

و در جمله خواندن نمازهای وارده در آن شب است و آنها بسیار است از آن جمله نماز حاجتی است که مستحباً روايت کرده است. فرمود که در شب جمعه و در شب عید اضحی دو رکعت نماز یکی و در هر رکعت سوره «فاتحه» بخوان و آیه «إِنَّا نَعْبُدُكَ وَ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ» را صد مرتبه بگوید، پس حمد را تمام کند و بعد از حمد بخوان دو رکعت سوره «توحید» را، و چون سلام گفتی صد مرتبه بگو «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» پس به سجده برو و دو رکعت مرتبه بگو «یا رب» پس هر حاجتی که داری بطلب که بی شاء الله برآورده است.

نماز حضرت خضر علیها السلام

نماز دیگر در این شب نماز حضرت خضر علیها السلام است که میگردانند کرده است و آن چهار رکعت است به دو سلام، و در هر رکعت سوره فاتحه یک مرتبه میخوانی و صد مرتبه میخوانی:

وَأَقْوَمُ سُبْحِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِأَعْيُنِ النَّبِيِّينَ قَوَّاهُ اللَّهُ سَهَاتٍ مَا تَكُونُوا وَحَاقَ بِأَبْلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ، و چون از نماز فارغ شوی صد مرتبه بگو:

لَا خَوْفٌ وَلَا قُوَّةٌ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس حاجت خود را بطلب که برآورده است این
شهادت الهی.

دهای شب و روز جمعه

از جمعه اعمال شب جمعه خواندن دعاهای وارده در آن است و آن‌ها بسیار است و ما به ذکر
قلبی از آن‌ها اکتفا می‌نماییم.

به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که در سجده آخر نافله شام طلب
مرتبه این دعا بخواند چون فارغ شود آمرزیده شده باشد و اگر در هر شب چنین کند بهتر است» و
دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَسْئَلُكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَأَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغَيِّرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «هر که هفت مرتبه این دعا را بخواند در شب یا روز
جمعه اگر در آن شب یا در آن روز بمرد داخل بهشت شود» و دعا این است:

اللَّهُمَّ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ أَمَتِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ
وَدَائِمَتِي بِعِدْلِكَ أَلْسِنْتُ عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَنْعُوهُ بِرِضَاكَ
مِنْ شَرِّ مَا خَشِيتُ أَبُوءُ بِمَعْصِيَتِكَ وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْيِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا
يُغَيِّرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

دعای شب و روز جمعه و عرقه

و شیخ طوسی و سید و کنسی و سید این هائی گفته‌اند که سبب است در شب جمعه و روز
ن و شب عرقه و روز آن دعا بخوانند و ما دعا را از صاحب شیخ عل می‌کنیم و دعا این است:

اللَّهُمَّ مَنْ تَعَبًا وَتَهَيَّأَ وَأَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوَفْدَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ وَجَاءَ رَفِيقُهُ
وَطَلَبَ نَائِلِيهِ وَجَانِبَتِهِ فَإِنَّكَ يَا رَبُّ تُغَيِّرُنِي وَاسْتَعْمَدَنِي زَجَاءَ عَمَلِكَ

وَطَلَبَ نَائِلِكَ وَجَائِزَتِكَ. فَلَا تُحَيِّبْ دُعَائِي. يَا مَنْ لَا يَغِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ
وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ. فَإِنِّي لَمْ آتِكَ بِعَقْدٍ صَالِحٍ عَمِلْتُهُ. وَلَا بِوَفَادَةٍ مَخْلُوقٍ
رَجَوْتُهُ. أَتَيْتُكَ عَفْوَاً عَلَى نَفْسِي بِالْإِسَاءَةِ وَالظُّلْمِ. مُتَعَرِّفاً بِأَنْ لَا حُجَّةَ لِي
وَلَا عُذْرَ. أَتَيْتُكَ أَرْجُو عَظِيمَ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ بِهِ عَلَى الْعَاطِلِينَ فَلَمْ
يَنْتَقِمْ طَوْلُ عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُزْمِ أَنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ. يَا مَنْ
رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ. يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ. لَا يَزُودُ غَضَبَكَ إِلَّا
جِلْدُكَ. وَلَا يَنْجِي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ. فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرْجاً
بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُخَيِّرُ بِهَا مَنَازِلَ الْبَلَاءِ. وَلَا تُهْلِكْنِي غِنَا حَقِّكَ تَسْتَجِيبَ لِي
وَتُعَرِّفَنِي الْجَابَةَ فِي دُعَائِي. وَأَوْفِنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُتَمِّهِ أَجَلِي. وَلَا
تُسَمِّتْ بِي غُلُوِّي. وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ. وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ غُلُوِّي.

اللَّهُمَّ إِنْ وَضَعْتَنِي فَعَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي؟ وَإِنْ رَفَعْتَنِي فَعَنْ ذَا الَّذِي
يَضَعُنِي؟ وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَعَنْ ذَا الَّذِي يَغْرِسُ لَكَ فِي عِبْدِكَ أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ
أَمْرِهِ؟ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ. وَإِنَّمَا
يَفْجَلُ مَنْ يَحَافُ الْمَوْتَ. وَإِنَّمَا يَخْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ. وَقَدْ تَعَالَيْتَ
يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ غُلُوّاً كَبِيراً.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِلْنِي. وَاسْتَعِجِرْ بِكَ فَأَجْزِي. وَاسْتَزِرْ بِكَ
فَارْقُصْ. وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَأَكْفِنِي. وَاسْتَغْفِرْكَ عَلَى عُدْوَتِي^(۱) فَأَنْصُرْنِي.
وَأَسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِزَّنِي. وَاسْتَغْفِرْكَ يَا إِلَهِي فَأَغْفِرْ لِي. آمِينَ آمِينَ آمِينَ.

دعای کمال

از جمله «دعای مشهوره» که در شبهای جمعه و در شب نیمه شعبان [خوانده می‌شود] دعای خضر علیه السلام است که معروف است به دعای کمال، و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده، و معنی این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ. وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ. وَخَضَعَتْ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ. وَذَلَّلَتْ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ. وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ. وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ. وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ. وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي غَلَا كُلَّ شَيْءٍ. وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ. وَبِإِسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ. وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ. وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ. يَا نُورُ يَا غُورُ. يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ. وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْوَضْعَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَوِّلُ النَّعْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُخَيِّسُ السَّعَادَةَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَوِّلُ الْبِلَادَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُقَطِّعُ الرُّجَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّقَرُّ بِإِلَهِكَ بِذِكْرِكَ. وَاسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَهِي نَفْسِي. وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ. وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ. وَأَنْ تُلْهِقَنِي ذِكْرَكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَفَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِعَنِي وَتَرْحَمَنِي. وَتُجَمِّلَنِي بِقِسْمِكَ وَاضِعاً قَانِعاً. وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعاً. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اسْتَدَتْ فَاقَتُهُ. وَأَسْأَلُكَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ. وَعَظَمْتُ قِيَمَةَ عِنْدِكَ رَغْبَتَهُ.

اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ. وَعَلَا مَكَانَكَ. وَخَفِي مَكْرَكَ. وَظَهَرِ أَمْرَكَ.
وَعَلَبْ قَهْرَكَ^۱. وَجَزَتْ قُدْرَتَكَ. وَلَا يُمَكِّنُ الْقَهْرُ مِنْ حُكُومَتِكَ
اللَّهُمَّ لَا أَحَدٌ لِنُصُوبِي غَافِرًا. وَلَا لِقَبَائِحِي سَاوِيًا. وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي
الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ. ظَلَمْتُ
نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي. وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمٍ وَكَرِهْتُ^۲ لِي وَمَعَكَ عَلَيَّ
اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَرَرْتَهُ. وَكَمْ مِنْ فَاحِشٍ مِنَ الْبِلَاءِ أَقْنَعَهُ. وَكَمْ
مِنْ عِثَارٍ وَقَعْتَهُ. وَكَمْ مِنْ مَكْرُورٍ دَفَعْتَهُ. وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمَعِي لَسْتُ أَطْلُقُ
لَهُ نَشْرَتَهُ.

اللَّهُمَّ عَظِّمْ بِلَانِي. وَالْفَرْطَ فِي سُوءِ حَالِي. وَقَصِّرْتَ بِنِ أَعْمَالِي. وَقَعَدْتَ
بِنِي أَعْمَالِي. وَخَسِيسَتِي عَنْ نَفْسِي بِسُوءِ أَمَالِي. وَخَدَقْتَنِي الدُّنْيَا
بِقُرُوبِهَا وَنَفْسِي بِجِيَانَتِهَا^۳. وَبَطَلَانِي بِأَسْنَدِي فَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ لَا
تُخْجِبَ عَنكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَبِغَالِي. وَلَا تُفَضِّحَنِي بِخَفِيِّ مَا أَطْلَعْتَ
عَلَيَّ مِنْ سِرِّي. وَلَا تُعَاجِلَنِي بِالْمُعْذِيبَةِ عَلَى مَا لَمَعْتَهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ
فِعْلِي وَأَسَاسَتِي. وَدَوَامِ قَطْرِ بَطِي وَجَهَانَتِي. وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي. وَكُنْ
اللَّهُمَّ بِجُودِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا زَوْفًا. وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا.
إِلَهِي وَزَيِّنْ لِي غَيْرَكَ أَسْأَلُكَ كَشْفَ سُرِّي. وَالتَّنْفِيزَ فِي أَمْرِي. إِلَهِي
وَمَوْلَايَ أَجْزَيْتَ عَلَيَّ حَكْمًا أَتَيْتَ فِيهِ حَوِيَّ نَفْسِي. وَلَمْ أَخْتَرِشْ فِيهِ
مِنْ ثَرِيصٍ غُلُوبِي. فَتَرَمِي بِمَا أَفْوَى. وَأَسْأَلُكَ عَلَى ذَلِكَ الْقَصَادِ. فَتَجَاوِزْتُ
بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضًا^۴ خُلُودَكَ. وَخَالَكْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ. فَلَاكَ

الْحَمْدُ عَلَىٰ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ. وَلَا خُفَّةَ لِي فِيهَا جَرَىٰ عَلَىٰ فِيهِ قَسَاؤُكَ.
وَأَرْمَنِي حُكْمَكَ وَبِلَاؤُكَ. وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بِغَدِّ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَىٰ
نَفْسِي مُغْتَبِرًا نَادِمًا مُتَكَبِّرًا. مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُسِيئًا. مُقَرَّأً مُذْجِبًا
مُغْتَرِفًا. لَا أَجِدُ مَقَرًّا مِمَّا كَانَ مِنِّي. وَلَا مَقَرًّا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ
قَبُولِكَ عِلْمِي. وَإِدْخَالِكَ إِلَيَّ فِي سَعَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عِلْمِي. وَارْحَمْ شَيْئَةَ حُرْمِي. وَفَكْنِي مِنْ شَدِّ وَثَاقِي. يَا رَبِّ
ارْحَمْ ضَعْفَ بَنِي. وَرِقَّةَ جُلْدِي. وَدِقَّةَ عَظْمِي. يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي
وَتَرَبَّيْتِي وَبَرَّيْتِي وَتَعَلَّمْتِي حُرْمِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ. وَسَلِّبْ بِرُكَّ بِي

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِمَارِكَ^١ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ.
وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ. وَلَهَجَ بِهِ إِسْلَامِي مِنْ ذِكْرِكَ.
وَاعْتَقَلَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ. وَتَغَدَّ صَنِيقِي اغْتِرَابِي وَدُعَائِي خَاضِعًا
لِرُبُوبِيَّتِكَ؟ هَبِّهَاتِ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيَّعَ مِنْ رَيْبَتِهِ. أَوْ تُهْجَرَ مِنْ أَذْنَانِهِ.
أَوْ تُشْرَدَ مِنْ أَوْبَانِهِ. أَوْ تُسَلَّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتِهِ وَرَحْمَتِهِ. وَتَلَيْتَ شِعْرِي
بِاسْمِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلَّطَ النَّازِعُ عَلَىٰ وَجْهِ حُرَّتِ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدًا.
وَعَلَىٰ أَلْسِنِ نَقَطَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ عَادِيَةً. وَعَلَىٰ قُلُوبٍ اغْتَرَفَتْ
بِالْهَيْبَتِ مُحَقَّقَةً. وَعَلَىٰ ضَمَائِرِ حُرَّتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّىٰ صَارَتْ حَاشِعَةً.
وَعَلَىٰ جَوَارِحِ سَخَتْ إِلَىٰ لَوْمَاتِ تَعْبِيدِكَ طَائِعَةً. وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْجِبَةً؟
مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ. وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ. يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ. وَأَنْتَ تَعْمُرُ
ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْفَكَارِ عَلَىٰ
أَهْلِهَا. عَلَىٰ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُوءٌ. يَسْمُرُ بِقَاوَةٍ. فَسِيرَ مُدْنُهُ.

فَكَيْفَ اسْتَعَالِي لِإِلَهِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُرْجِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟ وَهُوَ بِلَاءٌ تَطُولُ
مُدَّتُهُ. وَتَقُومُ مَقَامُهُ. وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ. لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ
وَأَتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ. وَهَلَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ. يَا سَيِّدِي
فَكَيْفَ بِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الضَّالِيلُ الْخَفِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكَيْنُ؟

يَا إِلَهِي وَذِي وَسِيْلِي وَمَوْلَايَ إِنِّي الْأُمُورَ إِلَيْكَ أَشْكُو؟ وَلِمَا مِنْهَا أَصِيبُ
وَأَبْكِي؟ لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَمْ يَطُولُ الْبِلَاءُ وَمُدَّتُهُ؟ فَلَنَنْ صَبْرَتِي فِي
الْعُقُوبَاتِ مَعَ أَغْدَابِكَ. وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بِلَايِكَ. وَفَرَّقْتَ بَيْنِي
وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ. فَهَنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَذِي صَبْرَتُ عَلَى
غَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟ وَهَبْنِي صَبْرَتُ عَلَى حَرْ نَارِكَ فَكَيْفَ
أَصْبِرُ عَنْ النُّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ؟ أَمْ كَيْفَ أَشْكُو فِي النَّارِ وَرَجَائِي غَفْوَةٌ؟
فَهَبْرَتُكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ الْجَمُّ صَادِقًا. لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاجِعًا لَا تُضِجْ إِلَيْكَ
بَيْنَ أَهْلِهَا صَبِيحَ الْأَمَلِينَ. وَلَا تُصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صَرَخَ الْمُسْتَغْرِخِينَ. وَلَا أَبْكِينَ
عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ. وَلَا تَأْذِيَنَّهُ أَتَيْنَ كُنْتُ يَا ذِي الْمُؤْمِنِينَ. يَا غَايَةَ أَعَالِي
الْحَارِفِينَ. يَا غَايَةَ الْمُسْتَغِيثِينَ. يَا حَسْبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ. وَيَا إِلَهَ
الْعَالَمِينَ. اقْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَيَحْسَبُكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ
يُسَجِّرُ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ. وَنَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمُضَيِّبَتِهِ. وَحَسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا
بِجْزِيَةِ وَجْهِهِ. وَهُوَ يَقْضِي إِلَيْكَ صَبِيحَ مُوْتَلٍ لِرَحْمَتِكَ. وَيُسَاوِيكَ
بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ. وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَأُوبِيَّتِكَ.

يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَتَقَرُّ فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ جَلَمِكَ
وَرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ؟ أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟

أَمْ كَيْفَ يُخْرِقُهُ فَعْبُهَا وَأَنْتَ تَسْفَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَسْتَحِيلُ
عَلَيْهِ رَهْبُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ سَهْفَهُ؟ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ^١ بَيْنَ أَطْيَافِهَا وَأَنْتَ
تَعْلَمُ حَيْثُ^٢؟ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يَسْأَلُكَ بِأَرْبَعَةٍ؟ أَمْ كَيْفَ^٣
يَزْجُو فَضْلَكَ فِي عَيْتِهِ مِنْهَا فَتَرْكُهُ فِيهَا؟ هِيَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا
الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشَبَّهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْفُوحْدِينَ مِنْ بَرِّكَ
وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ الْقَطْعُ قَوْلًا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَغْلِيْبِ جَائِدِيكَ
وَلَقَسْتِ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَايِدِكَ نَبَطْتَ النَّازِ كُلَّهَا بَزْدًا وَسَلَامًا وَمَا
كَانَ لِإِخْدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مَقَامًا لِكَيْفَ تَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَلَسَمْتَ أَنْ
تُعْلَاهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْحِجَةِ وَالنَّاسِ الْجَمْعِينَ وَأَنْ تُعْلَنَ فِيهَا
الْمُعَايِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدَأًا وَتَطَوَّلْتَ بِالإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا
«أَلَمْ يَكُنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ هَاقِمًا لَا يَسْتَوُونَ»

إِلَهِی وَسِیْدِی فَاسْأَلْكَ بِتَقْدَرِی الَّتِی فُتِّرْتَهَا وَبِالْقَهْمِیَةِ الَّتِی حَشَنْتَهَا
وَسَكَمْتَهَا وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَیْهِ أَجْرُتَهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ النَّبَلَةِ وَهِيَ
هَذِهِ السَّاعِیَةِ كُلُّ جُزْمٍ أَجْرَمْتَهُ وَكُلُّ ذَنْبٍ أَذْبَعْتَهُ وَكُلُّ فَسِیحٍ أَسْرَضْتَهُ
وَكُلُّ جَهْلٍ غَمَلْتَهُ كَتَمْتَهُ أَوْ أَغْلَنْتَهُ أَحْقَمْتَهُ أَمْ أَظْهَرْتَهُ وَكُلُّ شِیْءٍ أَمَرْتَ
بِإِثْبَاتِهَا الْكَرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا یَكُونُ مِنْیَ وَحَقْلَتَهُمْ
شُهُودًا عَلَیَّ مَعَ جَوَارِحِی وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِیْبَ عَلَیَّ مِنْ وَدَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ
لِمَا خَفِی عَنْهُمْ وَبِرُحْمَتِكَ أَحْقَمْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَرَرْتَهُ وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّی
مِنْ كُلِّ حَبِیرٍ أَنْزَلْتَهُ^٤ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ^٥ أَوْ بَرٍّ نَسَرْتَهُ^٦ أَوْ یَزِیِّ

١ تَقَلَّبَ بِهِ وَجَرَّجَ ل
٢ تَحِیَّةَ ل

١ تَقَلَّبَ بِهِ
٢ تَحِیَّةَ ل
٣ تَحِیَّةَ ل

بَسْطَتَهُ ۱۱. اَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ ۱۲. اَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ. يَا اِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي. يَا مَنْ بَنَدِي
باصْبِي. يَا عَلِيماً بِفَقْرِي ۱۳. وَفَاقِي. يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ. اَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ
وَقُدْسِكَ وَاعْظَمِ صِفَاتِكَ وَاسْمَائِكَ. لَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي فِي السَّهْرِ وَالنَّهَارِ
بِدُكْرِكَ مَعْمُورَةً. وَبِجَنَّتِكَ مَوْضُوعَةً. وَاعْمَالِي جَنَّتَكَ مَقْبُولَةً. حَتَّى تَكُونَ
اعْمَالِي وَلَوْ رَادِي ۱۴. كُلُّهَا وَزِدْهَا وَاجِدًا. وَحَالِي فِي جَنَّتِكَ سَرْمَدًا.

يَا سَهْدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعُولِي. يَا مَنْ اِلَيْهِ تَكُونُ اَحْوَالِي. يَا رَبِّ يَا رَبِّ
يَا رَبِّ. فَوَّ عَلَيَّ جَنَّتِكَ حَوَارِجِي. وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَابِي. وَهَبْ
لِي الْبَحْدُ فِي حَشَمَتِكَ. وَالنُّوَامُ فِي الْاِتِّصَالِ بِجَنَّتِكَ. حَتَّى اسْرَعَ اِلَيْكَ فِي
مِيَادِنِ السَّابِقِينَ. وَاسْرَعَ اِلَيْكَ فِي الْمُبَادِرِينَ. وَاشْتاقُ اِلَى قُرْبِكَ فِي
الْمُسْتَقِينَ. وَادْفُؤْ مِنْكَ دُؤُ الْمُطْلَسِينَ. وَاحَافِكَ ضَعْفَةَ الْمُوقِنِينَ. وَاجْتَمِعْ
لِي حَوَارِكُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُمَّ وَمَنْ ارَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ. وَمَنْ كَانَنِي فَكِنْدُهُ. وَاحْفَظْنِي مِنْ اَحْسَنِ
عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ. وَاقْرِبْنِي مَنَزِلَةً مِنْكَ. وَاحْصِنْنِي زُلْفَةً لَدَيْكَ. فَإِنَّهُ لَا
يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ. وَجُدْ لِي بِجُودِكَ. وَاعْظِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ. وَاحْفَظْنِي
بِرَحْمَتِكَ. وَاجْعَلْ لِسَانِي بِدُكْرِكَ لَهْجًا. وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيماً. وَمَنْ عَلَيَّ
بِعُصْبِ اِحْبَابِكَ. وَاقْلَبْنِي عَثْرَتِي. وَانْقِرْ لِي زُلْفِي. فَإِنَّكَ قَسَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ
بِوِبَادَتِكَ. وَآمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ. وَصَوَّبْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ. فَالْيَا رَبِّ نَصَبْتُ
وَجْهِي. وَالْيَا رَبِّ تَدَدْتُ يَدِي. فَهَبْ لِي اسْتَجَابَ لِي دُعَائِي وَيُغْفِرْ لِي

سَائِي. وَلَا تَقْطَعْ مِنْ قَسَبِكَ رَجَائِي. وَاتَّخِذِي شَرَّ الْبَعْرِ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي.
یا سریع الرضا اغوی لمن لا یملک إلا الدعاء. فَإِنَّكَ فَعَلْتَ بِمَا تَشَاءُ.
یا منی اسمع فوائده وذاکره شعاعه وطاقته غنیه ازحم من رأس ماله
الوجاء وصلاحه البقاء

یا سابع النعم. یا دافع النقم. یا نور المستوحشین فی الظلم. یا عالماً
لا یعلم. صل علی محمد و آل محمد و اعمل بی ما أنت آخذه. و صل الله
علی محمد و آلهمه الميامین من آله و سلم تسلیماً كثيراً

فصل سوم

در بیان اعمال روز جمعه است

بدان - اِنَّكَ اللهُ تعالی - که روز جمعه سید ایام است و از برای آن فضایل و اعمال بسیار است،
و ما در فصل اوّل به جرئی از فضایل آن اشاره کردیم و دو این جا به ذکر مجلسی از اعمال آن اکتفا
می کنیم.

شیخ جلیل مسلم ابن محمد جعفر بن احمد قسّی در کتاب هروس از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده که: از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: جبرئیل آیینه ای برای من آورد و در سبایش نکتی
سباهی بود، گفتم: یا جبرئیل این آیینه چیست؟ گفت: روز جمعه است، گفتم: جمعه چیست؟ گفت:
شماره در آن غیر بسیار هست، غیر بسیار چیست؟ گفت: عیدی است برای تو و برای انس
تو، بعد از تو گفتم: دیگر برای ما چه غیر در آن هست؟ گفت: در آن روز ساعی هست که هر
مسلمانی در آن ساعت حاجتی بطلبد که روا شدی باشد البته روا می شود و اگر در دنیا مصلحت
نباشد در آخرت، خدا بهتر از آن حاجت را به او عوض می دهد و اگر از بلائی پناه برد حق تعالی
از بلاهای بدتر از آن، او را در آخرت نجات دهد.

شیخ طوسی رحمته الله فرموده که: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده که: کارهای خوب و بد در روز
جمعه مضاعف می شود. پس سزاوار است از برای انسان که در روز جمعه اعمال خیر بسیار کند و
از کار بد اجتناب کند.

و حجامت در آن روز مکروه است و روایت شده جواز آن

و در سحرهای مؤکده در روز جمعه غسل جمعه است و وقت آن از بعد طلوع فجر است تا
روال افتاب و هر چه نزدیک شود به زوال بهتر است.

دعای غسل جمعه

و چون خواست غسل کند پس بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْتَمَعْنَا
مِنَ النَّوَابِيْنِ وَاجْتَمَعْنَا مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

دعای ناخن گرفتن

و مستحب است که ناخن بگیرد و بگوید در وقت ناخن گرفتن:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ

دعای شارب گرفتن

و بگیرد شارب خویشتن را و بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِإِذْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

دعای رفتن به نماز

و سزاوار است که چیزی از بوی خوش بکار برد و بیوشد پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و
چون مهیا شود به جهت رفتن به نماز بگوید: اللَّهُمَّ هَبْ لِي هَذَا الْيَوْمَ تا آخر دعا.
مؤلف گوید که: تأکید بسیاری شده در باب بوی خوش و غسل جمعه و غسل کردن سر به
خطی و گرفتن ناخن و شارب و غیره که تفصیل آن را در رساله سنن و کتاب خود ایراد کرده‌ام.

اعمال دیگر روز جمعه

و احادیث در باب بوره کشیدن در روز جمعه مختلف است و اکثر احادیث دلالت بر استحباب می‌کند، و در روایتی وارد شده است که مورت پسی لسه و علامه مجلسی فرموده که: ظاهراً موافق روایت عامه وارد شده است و اوّل اقوی است.

و از چیزهایی که در روز جمعه سزاوار است بهما آوردن، مصیق کردن است که در روایتی هزار برابر اوقات دیگر است. و روایت شده که در جمعه حضرت امام زین العابدین علیه السلام کلین خود را فرمود که: «باید هر ساتلی که امروز بپاید او را طعام بدهید و رد نکنید که روز جمعه است».

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که: «باید در هر جمعه چیر بکوی تازه از میوه و گوشت برای اهل و عیال خود بپزد تا آن که شاه شوند به آمدن جمعه».

و در حدیث دیگر مروی است که آن حضرت به یکی از اصحاب خود فرمود در روز جمعه که: «ظهور روز دوشنبه ای؟» گفت: نه. فرمود که: «مصیق کردمای» گفت: نه. فرمود که: «پرو با زن خود جماع کن که آن مصیقی است» از تو بر او».

و احادیث در لطیفات خوردن انار در روز جمعه در وقت ناهنا بودن و خوردن آن در شب و خوردن هفت برگ کاسی در روز جمعه پیش از روال وارد شده.

و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در تابستان برای خواهری بیرون خانه، روز پنجشنبه بیرون می‌آمد، و چون در رستان داخل خانه می‌شد در روز جمعه بود.

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «لأن باد بر سلسانی که در هفته روز جمعه را صرف آموختن مسائل دین خود نگرداند، و برای این امر خود را از کارهای دیگر باز نگرداند، و باید در روز جمعه استراحت کرد از سفر کردن در پیش از روال از جهت فوت شدن نماز جمعه».

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «مکروه است روایت شعر برای روزه دار و شحرم و در حرم و در روز جمعه و در شها» راوی گفت: هر چند شحرقی باشد؟ فرمود: «هر چند شعر حق باشد».

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: «هر گاه ببینید که در روز جمعه مرد پیری تواریخ جاهلیت و کفر را برای مردم قتل می‌کند سنگرز بر سرش برتند».

و هیچ عبادتی در روز جمعه مسیومتر از صلوات نیست و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که: «بست است در هر جمعه هزار مرتبه صلوات بر محمد و اهل بیت او فرستادن و در سایر روزها

صد مرتبه و بعد از آن حضرت منقول است که: «هر که بعد از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجِدْ قُرْبَهُمْ سِرْدًا حَضَرْتَ قَائِمٌ عَلَيْهِ رَأَوْا بَیْدَةً و اگر صد مرتبه این صلوات را بخواند حق تعالی شصت حاجت او را برآورده سی از حاجات دنیا و سی از حاجات آخرت».

و شیخ طوسی رحمته در تصحیح در بیان احوال جمعه صلوات مرویه از امام زمان علیه السلام که به سوی ابوالحسن طراب اصفهانی بیرون آمده نقل کرده و ما آن صلوات را در باب زیارات جامعه بعد از زیارت اول [صفحه ۲۷۳] نقل کردیم طالعین به آنجا رجوع کنند.

و مستحب است زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و آنکه ظاهرین علیهم السلام در روز جمعه و زیارت این روز و ما در باب زیارات پیاده [صفحه ۲۶۵] ذکر کردیم.

و مستحب است در روز جمعه زیارت کردن اموات و زیارت قبر مادر و پدر یا یکی از ایشان و از برای آن فضیلت بسیاری است.

و مستحب است خواندن سوره الفجر در رکعت اول نماز صبح روز جمعه و خواندن «توحید» در رکعت دوم.

و شیخ طوسی رحمته گفته است که: «شک است بعد از نماز صبح روز جمعه صد مرتبه سوره «توحید» و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد» بفرستد و صد مرتبه «استغفار» بکند و هر یک از این سوره‌ها را بخواند، هجاء و هجده و «کهف» و «صافات» و «التوحید» و احادیث نیز در فضیلت خواندن این سوره‌ها و سوره «احقاف» در روز جمعه وارد شده.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره «تو حید» را در هر جمعه مداومت نماید خدا ختم اعمال او را به سعادت بکند و منزل او در فردوس اعلی با پیمبران و مرسلین باشد».

و به سند صحیح از آن حضرت مروی است که مستحب است بعد از نماز صبح روز جمعه سوره «رحمن» را بخواند و هرگاه بخواند: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» بگوید: لَا يَشِينُ مِنْ آلَاءِ رَبِّيْ أَكْذَابُ.

و از برای خواندن «آیه الكرسي» در روز جمعه فضیلت بسیاری وارد شده و اگر آیه الكرسي [را] علی التزویل به آن نحوی که در باب سابق [صفحه ۸-۶] بیان آن شد بخواند میر خورب است.

چنانچه در روایت وارد شده و سید ابن طاووس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده است که: «هر که بعد از نماز صبح در روز جمعه بشیند و مشغول تطبیق باشد تا اغداق طالع گردد در

مردوس معنی هفتاد درجه برآی او بلند گردند که از هر درجه تا درجه دیگر هفتاد سال رده باشد، به همین اسمی که برای دروس فریده کرده باشند.

دعای بعد از نماز صبح روز جمعه

و سر به سینه‌های معتبره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که (هر که) بعد از نماز صبح روز جمعه پیش از آن که سخن بگوید این دعا را بخواند، کفاره گناهان او باشد از جمعه تا جمعه دیگر. و دعا این است:

اللَّهُمَّ مَا قُلْتُ فِي جُلُوعِي خَلِيقٍ مِنْ قَوْلِهِ أَوْ خَلَقْتُ فِيهَا مِنْ خَلْقٍ أَوْ
نَلَزْتُ فِيهَا مِنْ نَذِيرٍ فَمَسِيئَتِكَ بَيْنَ يَدَيِ ذَلِكَ كُلِّهِ فَمَا شِئْتُ بَشَاءً أَنْ
يَكُونَ كَانَ وَمَا لَمْ تَشَأْ جَنَّةً لَمْ يَكُنْ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي. اللَّهُمَّ
مَنْ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ فَصَلِّ عَلَى عَليِّهِ وَمَنْ لَعَنْتُ فَلَعْنَتِي عَلَيْهِ.

و در روایت دیگر اگر در هر ماهی یک بار یا در هر سالی یک بار بخواند کفاره ما بین باشد، و کفای روایت کرده که هر که سوره «جمعه» پیش از نماز یا آنجا که کافرونه را پیش از طلوع آفتاب روز جمعه سه مرتبه بخواند و دعا کند دعایش مستجاب گردد.

دعای حضرت فاطمه علیها السلام در روز جمعه

و از برای روز جمعه ادعیه بسیاری و نذر شده و مختصرترین آنرا دعای حضرت فاطمه علیها السلام است به روایت کفای در بلاد آیین، و دعا این است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ أَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ. وَلَوْجِهٍ مِنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ.
وَأَنْجِحْ مَنْ سَأَلَكَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ كَأَنَّهُ يَرَاكَ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ الَّذِي فِيهِ يُلْقَاكَ. وَلَا تُؤْمِنَا إِلَّا عَلَى رِضَاكَ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِنْ
أَخْلَصَ لَكَ بِعَمَلِهِ. وَأَحَبَّكَ فِي جَمِيعِ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاعْتِزَّ لَنَا بِمَغْفِرَةِ جَرْمَا حَتْمَاءَ لَا تَقْتَرِفُ بِغَدَا ذَنْبَاءَ وَلَا

نَكْتَسِبُ خَطِيئَةً وَلَا إِثْمًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً نَامِيَةً
دَائِمَةً زَاكِيَةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

نماز کامله دو روز جمعه

وای برای روز جمعه نمازهای بسیار نقل شده ذکر بعضی از آنها در این جا مناسب است از جمله آنها: نماز کامله است که شیخ و سید و شهید و علامه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که: «دو روز جمعه پیش از روال چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره «حمد» را ده مرتبه و هر یک از «قل أهد برت الناس» و «قل أهد برت الفلق» و «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون» و «آیه الكرسي» را ده مرتبه - و به روایت دیگر «إِنَّا أَشْرَكُ» و «آیه تشهد الله»^۱ را نیز هر یک ده مرتبه بخواند - و چون در چهار رکعت نماز فارغ شود صد مرتبه استغفار کند و صد مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس صد مرتبه صلوات بفرستد پس هر که این عمل را بجا آورد حق تعالی دفع کند از او شر اهل آسمان و شر اهل زمین و شر شیطان و شر پادشاهان جائز و باطل» تا آخر خبر که مباحث در ذکر فضیلت این نماز است.

نماز دیگر ساری حسینی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که: «اگر توانی در روز جمعه ده رکعت نماز بکن و رکوع و سجودش را تمام بجا آور و بعد از هر دو رکعت صد مرتبه بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ» که فضیلت بسیار دارد.

نماز دیگر به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: «هر که سوره «ابراهمیم» و سوره «جبر» در دو رکعت دو روز جمعه بخواند هرگز برنشانی و دیوانگی و بلایی به او نرسد» و از جمله نمازهای مشهوره نماز فارسی است^۲

۱ آل حمیری ۳۱، آیه ۶۸

۲ برای دسترسی آسان برادران و خواهران مؤمنین سلامی که بخت آن را در اینجا نقل کرده است بدین طاقوس در مجال التماس گفته که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که: «چون روز جمعه شود دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره «قل هو الله أحد» و در رکعت دوم بعد از حمد صد مرتبه سوره «قل أهد برت الناس» بخوان و بعد از سلام صد مرتبه آیه «الکرسی» بخوان پس بر حیر و عجب و رکعت دیگر یکی به دو سلام و سپس بعد از هر دو رکعت بر تن

وَأَنْتَ بِكُفُوفِهِ عَالِمٌ غَيْرُ مُنْعَمٍ. وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ. فَأَسْأَلُكَ يَا سُبُوحَ الَّذِي
وَصَفَتْهُ عَلَى الْأَجْبَالِ قَسِيْفَتُهُ. وَوَضَعَتْهُ عَلَى السَّمَاوَاتِ فَأَنْشَقَّتْ. وَعَلَى
التَّجُومِ فَأَنْشَرَتْ^(۱). وَعَلَى الْأَرْضِ فَسَطِطَتْ. وَأَسْأَلُكَ يَا لَهْفَ الَّذِي جَعَلْتَهُ
عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَنَّةَ عَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ
وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. وَأَنْ تُقْبِلَ لِي حَاجَتِي. وَتُبَسِّرَ لِي
عُسْرَهَا. وَتُكَفِّرَنِي عَنْهَا. فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ. وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ
الْعَمْدُ. غَيْرُ جَانِبٍ فِي حُكْمِكَ وَلَا مُنْتَهَى فِي قَضَائِكَ. وَلَا حَائِظٍ فِي عَذَابِكَ.

پس رخسار خود را می چسبانی به زمین و می گویی:

اللَّهُمَّ إِنْ يُوسُفُ بْنُ مَتَّى عَبْدُكَ ذَعَاكَ فِي بَطْنِ الْعَوْتِ وَهُوَ عَبْدُكَ
فَاسْتَجِبْتَ لَهُ. وَأَنَا عَبْدُكَ أَذْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «پس حاجتی از برای من پیدا می شود و من می خواهم این دعا را
پس مراجعت می کنم و حاجتم برآورد شده است.»

نماز دیگر از برای حاجت

شیخ طوسی و کفعمی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمودند: «روزی بگوشه دور
چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را، پس چون عصر پنجشنبه خود تصدق کن برده مسکین هر
مسکینی یک مثاق طعام، و چون روز جمعه خود غسل کن و برو به سوی صحرائ و مدار جسر
بجا آور پس زانوهای خود را بزمه کرده و به زمین بچسبان و بگو:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ عَلَى الْقَبِيحِ. يَا مَنْ لَمْ يُوَاجِدْ بِالْجَرِيرَةِ وَلَمْ
يَهْتِكِ الشَّرَّ. يَا عَظِيمَ الْمَقْوَمِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ. يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ.
يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ. يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَمُسْتَهْنَى كُلِّ شَكْوَى.

یا مُقْبِلُ الْعَثَرَاتِ • یا کَرِيمَ الصَّفْحِ • یا عَظِيمَ الْقُوَّةِ • یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا پس ده مرتبه بگو: یا زَیْنَةُ یا زَیْنَةُ یا زَیْنَةُ • و ده مرتبه: یا اَللهُ یا اَللهُ • و ده مرتبه: یا سَيِّدَةً یا سَيِّدَةً و ده مرتبه: یا هَوْلَةً یا هَوْلَةً و ده مرتبه: یا رَحَامَةً و ده مرتبه: یا غِیَاثَةً و ده مرتبه: یا غَايَةَ رَغْبَتِهِ و ده مرتبه: یا وَحْشَةً و ده مرتبه: یا وَحْشَةً و ده مرتبه: یا مُعْطِي الْفَخْرِيَّاتِ و ده مرتبه: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكاً • كَأَنْصَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَخِي مِنْ حَلِيقَتِكَ بِسِ حَاجَتِ غَوْد

در پنجاه.

و بدان که نمازهایی چند است منسوب به مکررین - علیهم السلام - که اختصاصی به روز جمعه ندارد و یکی (ادا) کردن آن‌ها در روز جمعه افضل است. و لهذا علما در اعمال جمعه آن‌ها را ذکر نموده‌اند ما نیز نهایت اقبال سوره و در این مختصر ذکر نماییم.

ساز حضرت رسول ﷺ در روز جمعه

از جمله آن‌ها: ساز حضرت رسول ﷺ است. می‌که این طاووس به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آن حضرت سؤال کردند از نماز حضرت جعفر طاهر، حضرت فرمود که: «چیز خالصی از ساز حضرت رسول ﷺ؟» شاید حضرت رسول ساز جعفر را نگرفته باشد. و شاید جعفر ساز آن حضرت را نگرفته باشد. و لای گفت: پس تسلیم کن آن ساز را به من. حضرت فرمود که: «دو رکعت ساز می‌کنی در هر رکعت یک مرتبه «تاجده» و پانزده مرتبه سوره «آنا اترنده» می‌خوانی. پس دو رکوع و بعد از سر برداشتن و در محله اول و سر برداشتن و در سجد دوم و سر برداشتن، هر یک پانزده مرتبه سوره «تاجده» را می‌خوانی. پس تشهد می‌خوانی و سلام می‌گویی. و چون خارج شوی میان تو و خدا گناهی می‌ماند مگر آن که آمرزیده شده است و هر حاجت که بطریق رواست و بعد از آن این دعا را می‌خوانی.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِئْسَ الْأَوَّلِينَ • لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ • لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ

كَرَّةَ الْكَافِرُونَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ. أَنْجَزَ وَعْدَهُ. وَتَقَرَّرَ عِندَهُ. وَأَعْرُجَتْهُ. وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ. فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ قِيَامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ. وَأَنْجَازُكَ حَقٌّ وَفَتْحُهُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ.

اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ. وَبِكَ آمَنْتُ. وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. وَبِكَ خَاصَمْتُ. وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ. يَا رَبِّ يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي مَا قَلَعْتُ وَمَا أَخْرَزْتُ وَمَا أَسْرَزْتُ وَأَغْلَسْتُ. أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ لِي وَالْغَنِيِّ وَتُبْ عَلَيَّ بِمَكَ أَنْتَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ.

علامه مجلسی گفته که: این سار در سارهای مشهوره است و حالت و خاصه در کتب معروف روایت گردانده و بعضی این را از سارهای دور جمعه شرح داده و از روایت اختصاصی معلوم می شود و ظاهراً در سایر ایام می توان کرد. ان شاء الله

نثار امیرالمؤمنین

و در جمله آن سارها معقل حضرت امیرالمؤمنین است. هیچ حدیث و حدیثی و کلیبی و شیخ و دیگران به سندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق روایت کرده اند که: «هر که چهار رکعت بگذارد. یعنی به دو سلام و در هر رکعت بعد از سوره «فاتحه» پنجاه مرتبه سوره «قل هو الله احد» بخواند. چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گاهی مانند سکر آن که آمرزیده شده باشد».

و شیخ ابو حضرت صادق روایت کرده اند که: «هر که چهار رکعت سار امیر المؤمنین را بپا آورد از گناهان بیرون آید مانند دوری که از ماضی متولد شده باشد و حاجت های او برآورده شود و در هر رکعت سوره «حمد» و پنجاه مرتبه سوره «توحید» بخواند.

و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح آن حضرت است:

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَهْدُ مَعَالِمُهُ. سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ. سُبْحَانَ مَنْ لَا اضْوَخَالِلُ اِقْطَرِهِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْقُذُ مَا عِنْتَهُ. سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ لِعِزَّتِهِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ لَحْدًا فِي اَمْرِهِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا اِلَهَ غَيْرُهُ.

پس معاذ بعد از این و بگوید:

يَا مَنْ غَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَالِ بِهَا لِرَحْمِ غِنَاكَ. يَا اَللهُ يَا اَللهُ.
نَفْسِي نَفْسِي. اَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَا. اَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ. يَا رَبَّنَا يَا رَبَّنَا.
اَللهي يَكُونُ نَبِيِّكَ. يَا اَسْلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ يَا عَايَاثَاهُ. عَبْدُكَ عَبْدُكَ لَا
جَمِيلَةٌ لَكَ. يَا مُنْتَهَى رَحْمَتِكَ يَا مُجِيبِي الدُّعَا فِي غُرُوبِي. عَبْدُكَ يَا سَيِّدَا.
يَا مَالِكَا. يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ. يَا رَبَّنَا عَبْدُكَ لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ
نَفْسِي. وَلَا اَسْتَطِيعُ لَهَا طَرًّا وَلَا قَعًّا. وَلَا اَجِدُ مِنْ اَسَابِغِهِ. تُقَطِّعُ
اَسْبَابَ الطُّغْيَانِ غَنِي. وَالضُّفْعُ كُلُّ مَطْنُونٍ غَنِي. اَقْرَبَنِي الدُّعَا اِلَيْكَ فَكُنْتُ
بَيْنَ يَدَيْكَ هَذَا الْمَقَامَ. يَا اَللهي بِعِلْمِكَ هَذَا كَانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ اَنْتَ صَانِعُ بِي؟
وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعَائِي؟ اَتَقُولُ نَعَمْ اَمْ تَقُولُ لَا؟ فَإِنْ قُلْتَ لَا.
فَيَا وَئَلِي يَا وَئَلِي يَا وَئَلِي. يَا غَوْلِي يَا غَوْلِي يَا غَوْلِي. يَا شِقْوَتِي يَا شِقْوَتِي
يَا شِقْوَتِي. يَا ذَلِي يَا ذَلِي يَا ذَلِي. اَللّٰهُ مِنْ وَبَعْدِهِ لَوْ جِئْتُكَ اَوْ كَيْفَ. اَوْ
مَآذَاهُ اَوْ اِلَى اَيِّ شَيْءٍ اَلْجِئْتُكَ وَمَنْ اَرْجُو؟ وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِخُصْلِهِ حِينَ
تَرْحُمُنِي يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ؟ اِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَمَا هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَالرَّجَاءُ لَكَ.
فَطُوبَى لِي اَنَا الشَّهِيدُ وَاَنَا الْمُصْغُودُ. فَطُوبَى لِي وَاَنَا الْمَرْحُومُ. يَا مُتَرْحِمُ
يَا مُتَرْحِمُ. يَا مُتَعَطِّلُ. يَا مُتَجَبِّرُ يَا مُتَمَلِّكُ يَا مُقْبِطُ. لَا عَمَلَ لِي مَعَ تَجَاحُ
حَاجَتِي. اَسْأَلُكَ يَا سَيِّدَكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونٍ غَيْبِكَ وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلَا

يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ سِوَاكَ. أَشَأْكَ بِكَ وَبِكَ وَبِهِ. فَإِنَّ أَجَلَ
وَأَشْرَفَ أَسْمَاكَ. لَا شَيْءَ لِي غَيْرَ هَذَا. وَلَا أَجِدُ اِعْتُوذَ عَلَيَّ مِنْكَ.
يَا كَيْنُونُ. يَا مَكُونُ. يَا مَنْ عَرَفَنِي نَفْسَهُ. يَا مَنْ أَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ. يَا مَنْ نَهَانِي
عَنْ مُصِيبَتِهِ. وَيَا مَنْ دَعَاؤُهُ. وَيَا مَنْ سَأَلُهُ. يَا مَنْ دَعَا إِلَيْهِ. رَفَعْتَ وَجْهَكَ إِلَيَّ
أَوْصَيْتَنِي بِهَا وَلَمْ أَطْعَمْكَ. وَلَوْ أَطْعَمْتُكَ قَبْلَ أَنْ تَقْبَلَنِي لَكُنْتَنِي مَا قُمْتُ إِلَيْكَ
فِيهِ. وَأَنَا مَعَ مُصِيبَتِي لَكَ رَاجٍ. فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ. يَا مَنْ رَحِمَا
لِي أَعْلَى مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ
الْإِحَاطَةِ بِي.

اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي وَبِعَلِيِّ وَلِيِّي وَبِالْأَنْبِيَاءِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ. وَأَوْصِغْ عَلَيْنَا مِنْ بَرِّكَ. وَافْعَلْ
عَنَّا الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَوَائِجِنَا. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ.

پس حضرت فرمود که: هر که این سَاز را بگوید و این دعا را بخواند هیچ گناهی بر او وارد
نماید مگر آن که آمرزیده شود.

سَازِ حضرت فاطمه

و در جمعه آن سَازِ حضرت طاهره فاطمه زهرا علیها السلام سَازِ این طاووس به سند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «ما دم که حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت سَاز
می‌کند که چهار نعل علیها السلام تعلیم او کرده بود در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره
قدره و در رکعت دوم صد مرتبه سوره توحید می‌خواند و چون سلام می‌گفت این دعا را
می‌خواند.

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِعِ الْمُتَنَبِّهِ. سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاقِ الْعَظِيمِ.
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاحِشِ الْقَدِيمِ. سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْفَيْهَجَةُ وَالْجَمَالُ.

شُبْحَان مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ شُبْحَان مَنْ يَرَى لَقَرِ التَّمَلُّ فِي الصُّغَا
شُبْحَان مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَا شُبْحَان مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا
غَيْرُهُ

و میگوید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت
فاطمه علیها السلام و که بعد از هر نماز خوانده می شود بگویند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و
آل محمد علیهم السلام بفرستد و بدان که علامه از برای هر یک از این تسبیحات تسبیحی ذکر نموده اند و چون
سندهای آن ها چندین مجری بود و هم ذکرش منافات با اختصار داشت، آن ها را ایراد نمودیم.
طالبین رجوع به مآخذ آن ها نمایند.

و نماز حضرت صاحب الامر علیه السلام را در باب اعمال ما را (صحه ۹۵) نقل کردیم.

کیفیت نماز حضرت جعفر طیار علیه السلام

و از جمله نمازها نماز جعفر بن ابی طالب علیه السلام است که به سندهای بسیار معتبره وارد شده
است. و افضل اوقات آن صدر نماز ^(۱) جمعه است. میگوید ابن طاووس به سند معتبر روایت کرده
است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید نماز تسبیح بی نماز جعفر را؟ حضرت فرمود که:
«آن جهوت» یعنی پستی بوده از رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر پس فرمود: «حدیث کرد مرا پدرم از
چشم حضرت امام رب العالمین علیه السلام که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از هجرت
حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر به دست امیر المؤمنین علیه السلام شده بود. حضرت
رسول صلی الله علیه و آله به قدر مسافت یک تیر برتاب به استقبال او شتافت. چون جعفر نظری بر جمال عهده
البتال آن حضرت افتاد، مشتاقانه به جانب آن حضرت دوید. حضرت او را در برگرفت و دست در
گردن او آورد و ساعتی با او سخن گفت پس برافراخت عطا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت،
و چون ناگاه به رده افتاد حضرت فرمود که: ای جعفر، ای برادر، می خواهی بخشش بزرگی کنم
نسبت به تو؟ می خواهی تو را عطیه گران بهایی بدهم؟ می خواهی تو را برگزینم؟ مردم گمان کردند
که مال جزئی از غنایم خیر به او عطا خواهد فرمود. جعفر گفت: بلی پدر و مادرم قدای تو باد.

۱ به نظر می رسد که کلمه نماز تصحیفی است از نماز چون مرحوم شیخ در مناقب الجلال ص ۱۱۱ تعبیر و به صورت نماز
آوردند. در نماز دیگر آنکه وقت نماز صبحه مصحح است و در بعضی برای خواندن نماز جعفر - که طوالتی است - می ماند
با برادران صدر نماز که آن روز می باشد صحیح است.

پس حضرت نماز تسبیح را به او تعلیم فرموده

و حضرت صادق علیه السلام فرمود که: «صفتش این است که آن چهار رکعت است به دو تشهد و به دو سلام. و در رکعت اول بعد از سوره حمد «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می خواند و در رکعت دوم سوره «وَالْعَادِيَات» و در رکعت سوم «إِنَّا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» و در رکعت چهارم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه می گوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه می گوید و چون سر از رکوع بر می دارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر بر داشتن ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آن که برخیزد ده مرتبه و دو هر چهار رکعت چنین می کند که مجموع سجدات مرتبه می شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد»

و به روایات معتبره دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که: «اگر هر روز یکصد مرتبه است از برای تو از دنیا و آنچه در او هست و اگر هر روز یکصد مرتبه بگویی گناهانی که در میان دو نماز کرده ای [ای] آمرزیده شود و اگر در هر جمعه یکصد یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بگویی هر گناهی که در میان آن ها کرده ای [ای] آمرزیده شود» و به روایات معتبره دیگر اگر به قدر کف دریاها و به عدد ریگ بیابان و برگ درختان و ستارهای آسمان گناه بر تو باشد خدا [آن را] بپارزد و اگر در جنگ گرفته باشی که بدترین گناهان است خدا تو را بپارزد و از این نحو روایات در فضیلت این نماز بسیار وارد شده است.

و اما دعایی که در این نماز مستحب است شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: «در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو:

سُبْحَانَ مَنْ قَبَسَ الْبَرِّ وَالْفَوْازَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّلَ بِالتَّجَدُّدِ وَتَكَرَّمَ بِهَسْبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْتَبِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اخْصَنَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ فِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ فِي الْقُدْرَةِ وَالْأَمْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِضَعَائِدِ الْبَرِّ مِنْ غَرْبِكَ وَمُسْتَهَيِّنِ الرَّخْفَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَأَسْأَلُكَ الْأَعْظَمَ وَكَلِمَاتِكَ الثَّمَامَةَ الَّتِي تَكُنُّ صِدْقًا وَغَدْلًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بِرَحْمَتِكَ

و شیخ طوسی در صحاح این دعا را روایت کرده است با این روایتی، چنان که بعد از پنج تسبیح

گفته:

سُبْحَانَ فِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ، سُبْحَانَ فِي الْغِيَةِ وَالْقُدْرَةِ، سُبْحَانَ فِي الْقُوَّةِ وَالطُّولِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَا آخِرُ دَعَاءٍ يَسْ حَاجَاتِ خُودِ وَلَا تُكْرِمَكَ

و شیخ و سید از فضل بن عمر روایت کرده اند که گفته دیدم دوری حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را که نماز جعفر بیجا آوردند پس دستها را بلند کردند و این دعا خواندند: «یا ربِّ یا ربِّ» به قدری که یک نفس و با کند «یا رَبَّکَ یا رَبَّکَ» به قدر یک نفس «ربِّ ربِّ» بار به قدر یک نفس «یا رَبَّکَ یا رَبَّکَ» بار به قدر یک نفس «یا حییُّ یا حییُّ» به قدر یک نفس «یا زحیمُ یا زحیمُ» بار به قدر یک نفس «یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ» به قدر یک نفس «یا اَرْحَمَ الرَّحِیمِینَ» هفت مرتبه. پس خواندند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أفتَحُ الْقَوْلَ بِحُجَّتِكَ وَأَتَلِقُ بِإِسْنَامِكَ عَلَيْكَ وَأَسْجُدُكَ وَلَا هَائِيَةً بِعَذَابِكَ» وَأَتِيَّ عَلَيْكَ وَمَنْ يَنْبُلُغُ هَائِيَةً شَانِكَ وَأَمَدَ حُجَّتِكَ وَأَتِيَّ بِحُجَّتِكَ كُنْهُ عَفْوَةٍ حُجَّتِكَ وَأَتِيَّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَسْجُوحاً بِحُجَّتِكَ مَوْسُوفاً بِعَذَابِكَ عَوَاداً غَلَى الْمُتَذَيِّبِينَ بِحُجَّتِكَ تَحَلُّفَ سُكَّانِ أَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِكَ جَوَاداً بِفَضْلِكَ عَوَاداً بِكَرَمِكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ»

پس حضرت فرمود که: «ای فضل هرگاه تو را حاجتی ضروری بوده باشد، نماز جعفر را [اذا] بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن که برآورده می شود. این شهادت الهی تعالی».

مؤلف گوید که: نماز جعفر به روایات مستطیع بلکه متواتر وارد شده است و عائد و خاصه به طرق بسیار آن نقل نموده اند و جمیع مسلمین بر استحباب آن جز نادری در عالم و اکثر عائد به ملاحظه بعضی امور این نماز را به عتاس حتم میسر است نسبت دانستند و در روایات اهل بیت علیهم السلام مسوب است به جعفر و شک نیست که روایات شیعه که از اهل بیت علیهم السلام منقول است اصح و اوثق است، چه آنکه «لعلَّ البیتَ اُدری بما فی البیت» و ممکن است که همین نماز و

حضرت رسول ﷺ به عَمَّ خود عیالی بر تعلیم فرموده باشند چنانچه به جعفر علیّه السلام تعلیم فرموده. به هر حال صداری به حسب صفت سند و کثرت ثواب بعد از نوافل شبانه روزی مثل نماز جعفر نقل شده. و اگر کسی خواسته باشد که او را به جای نوافل بکند می تواند و هر دو حساب شود و بعضی علما گفته اند که اگر کسی مستعجل باشد می تواند نماز جعفر را بدون تسبیحات پنج آورده و تسبیحات را هر راه بخواند.

و در محکی دگر شیخ شهید است که کسی که دو رکعت از نماز جعفر بجا آورد پس او را عارضی رو داد می تواند که بی آن کار رود و دو رکعت دیگر را بعد از روال (آن) عارض بکند و در تعیین سوره های این نماز خلاف است و مشهور آن است که ذکر عدد و صدوقی گفته اند که اگر در هر رکعت سوره اقل هر الله خولستی بخوانی می توانی. و علامه مجلسی فرموده که در روایت صحیح وارد شده است که در هر رکعت «قل یا ایها الکافرون» و «قل هو الله احد» هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره را که خواهد بخواند، انتهی و احکام این نماز بسیار است و مقام را گنجایش داده بر این است.

دعای بدیه در عیدهای چهارگانه

بدان که از جمله احوال روز جمعه خواندن دعای بدیه است که مشتق است بر عطا شد حقه و تألیف بر غیبت حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه - و آن دعا را سید ابن طاووس و شیخ محمد بن المصطفی به روایت محمد بن علی بن ابی قزوه روایت کرده اند و این ابی قزوه گفته که نقل کردم من دعا را از کتاب محمد بن الحسن بن سنان بزوغری و لو گفته که این دعایی است از روی حضرت صاحب علیّه السلام و مستحب است که در عیدهای چهارگانه یعنی عید فطر و اعیان و عید غدیر و روز جمعه بخواند و دعا این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قِصَاؤُكَ فِي أَوْلِيَاكَ الَّذِينَ
اسْتَخْلَفْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ. إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ
الْمُقِيمَ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اِسْوِغَالَ. بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الرُّعْدَ فِي
فَرْجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الْكَذِبِيَّةِ وَخَرَفَهَا وَزَيَّرَهَا. فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ. وَعَلِمْتَ

مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ. فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالْشَّاهِدَ
 الْجَلِيلَ وَاضْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مِلَانَتَكَ. وَاکْرَمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ. وَزَقَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ
 وَجَعَلْتَهُمُ الدَّرِيضَةَ إِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ. فَبُغِضَ امْتِكْنَةُ جَنَّتِكَ إِلَى
 أَنْ أُخْرِجَتْ مِنْهَا. وَبُغِضَ حَقِيقَتُهُ فِي قُلُوبِكَ وَنَجِيَّتُهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنْ
 الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ. وَبُغِضَ اتِّخَاذُهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا وَسَائِكَ لِسَانِ صَدِّقِي فِي
 الْأَجْرَيْنِ فَأَجَبْتُهُ وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلَيَّ. وَبُغِضَ كَلِمَتُهُ مِنْ شَجَرَةِ تَكْلِيمَا
 وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذْمًا وَوَزِيرًا. وَبُغِضَ لَوْلَاكُهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي وَأَتَيْتُهُ
 الْيَمِينَاتِ وَأَيْدِيَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ. وَكَلَّمَا شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَتَهَجَّجْتَ لَهُ
 مِنْهَا جَاءَ وَتَخَوَّرَتْ لَهُ الْأَوْصِيَاءُ. مُسْتَخْفِيَةً بِغَدِّ مُسْتَحْفِظَةٍ مِنْ غَدِّهِ إِلَى مُدَّةٍ
 بِإِطَاعَةِ إِبْدِيكَ وَحُبَّةٍ عَلَى عِبَادِكَ. وَلَكَلَّا يَرْوُلَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ. وَتُخْلِبَ
 الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ. وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنِيرًا وَاقِفًا
 لَنَا عَلَمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ مَذَلَّ وَتُخْرِجَهُ إِلَى أَنْ اسْتَهْنَتْ
 بِالْأَمْرِ إِلَى خَبِيرِكَ وَتَجِيبِكَ مُخَفِّفًا خَلْقَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ. فَكَانَ كَمَا اسْتَجَبْتُهُ
 سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ وَصَلْوَةً مِنْ اسْتِغْفَرْتُهُ. وَالْخُلَّصَ مِنْ اجْتَنَبْتُهُ. وَاکْرَمَ مِنْ
 اعْتَمَدْتُهُ عَلَى أَسْبَابِكَ. وَتَعَنَّتُهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ. وَلَوْ طَأَسَتْ مَشَارِقُكَ
 وَمَعَارِبُكَ وَتَحَوَّرَتْ لَهُ الْبُرَاقُ. وَخَرَجْتَ بِرُوحِكَ إِلَى سَمَائِكَ. وَأَوْدَعْتُهُ عِلْمًا
 مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِصَاءِ خَلْقِكَ. ثُمَّ نَصَرْتُهُ بِالرُّغْبِ. وَخَلَقْتُهُ بِجِبْرِئِيلَ
 وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مِلَانَتِكَ. وَوَعَدْتُهُ أَنْ تَظْهَرَ دِيَمُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ
 وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ بِغَدِّ أَنْ يَوَاقِعَ مَبُوءَ صَدِّقِي مِنْ أَهْلِهِ. وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ
 لَوْلَ يَمِينٍ وَضَعَ لِلنَّاسِ الَّذِي بِسَكَّةِ عِبَارَتِكَ وَهَدَى لِلْعَالَمِينَ. فِيهِ آيَاتُ يَمِينَاتِ

مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا. وَقُلْتُ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَوْدَتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا التَّوْفِيقَ فِي الْقُرْآنِ». وَقُلْتُ: «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ». وَقُلْتُ: «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ ذِيهِ سَبِيلًا» فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَالنَّسْلَ إِلَىٰ رِشْوَانِكَ.

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَعَلَىٰ آلِهَا هَادِيًا. إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْبِرُ وَلِكُلِّ يَوْمٍ هَادِيًا. فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَانَةً: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَلَا عَلِيٌّ مَوْلَاً. اللَّهُمَّ وَالِيَّ مِنْ وَالِدِهِ. وَعَاوِيَةَ مِنْ عَادَتِهِ. وَانْصُرْ مِنْ نَصْرِهِ. وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. وَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ نَبِيًّا فَغُلِّيْ أَمْرَهُ. وَقَالَ: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى». وَأَخَذَهُ مُحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَقَالَ: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي». وَذَوَّجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. وَأَخْلَ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ. وَشَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ. ثُمَّ لَوَّعَهُ عَلَمَهُ وَجَعَلَتْهُ. فَقَالَ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا. فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا». ثُمَّ قَالَ لَهُ: «أَنْتَ أَخِي وَدَخِصِي وَوَارِثِي. لَعَنُوكَ مِنْ لَعْنِي. وَدَعَاكَ مِنْ دَعَائِي. وَبَسَطَكَ مِنْ بَسْطِي. وَخَرَّكَ خَرْبِي. وَالْإِيمَانُ مُخَالِفُ لَعْنِكَ وَدَعَاكَ كَمَا حَالَتْ لَعْنِي وَدَعَائِي. وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْخَوْضِ خَلِيفَتِي. وَأَنْتَ تَقْصِي دِينِي وَتُنْجِرُ عِدَائِي. وَشَبَّحْتَكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورِ مُبَيَّنَّةٍ وَجُوعُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ. وَهُمْ جِيرَانِي. وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي». وَكَانَ بَعْدَهُ هَدْيٌ مِنَ الضَّلَالِ وَمُورًا مِنَ الْقَمَرِ. وَحَبْلُ اللَّهِ الْمُتَيْنِ. وَصِرَاطُ الْمُسْتَقِيمِ. لَا

يُسَبِّحُ بِقُرْبَانِهِ فِي رَجْمِهِ وَلَا بِسَابِقَةِ فِي دِينِهِ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَسْقَبَةِ مِنْ
مَسَاقِبِهِ يَحْمِلُوهُ حَنَوَالِ الرُّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَالْهَمَاءُ وَيَقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ
وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ قَدْ وَثَرَ فِيهِ صَنَادِيدُ الْعَرَبِ وَقَتْلُ أَبْطَالِهِمْ
وَبَاوِشُ ذُوبَانِهِمْ فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ اخْتِقَاعًا بَنَفَرِيَّةً وَخَيْرِيَّةً وَخُسْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ
فَأَضْبَحَتْ عَلَى عِدَاوَتِهِ وَأَكْبَتْ عَلَى مُهَارَزَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاسِكِينَ وَالْقَابِضِينَ
وَالْمَارِقِينَ

وَلَمَّا فَتَنَ نَحْبَهُ وَقَتْلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَنْتَحِ
أَشَقَى الْأَوَّلِينَ لَمْ يُنْتَقَلْ أَشْرُ رُسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ وَالْأُمَّةُ
مُعِيرَةٌ عَلَى مَقْبِهِ مَحْتَمِلَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَجْمِهِ وَالْقَصَاءِ وَنَبِيهِ إِلَّا الْقَلِيلُ مِنْ
وَفَرِ إِرْعَابَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَتُقْتَلُ مَنْ قُتِلَ وَسَبِي مَنْ سَبِيَ وَأَقْصَى مَنْ
أَقْصَى وَجَزَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُزْجِرُهُ حُسْنُ الْمُثُوبَةِ إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ
يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ
رَبِّنَا لَمُفْعُولًا وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

فَعَلَى الْأَطْلَاطِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَالْهَمَاءِ
فَلْيَنْتَبِهْ الْهَاجُونَ وَلْيَتَأَمَّلْ فَلْيَنْتَبِ الْهَاجُونَ وَلْيَتَأَمَّلْ فَلْيَنْتَبِ الْهَاجُونَ
وَلْيَضْرَحِ الضَّارِحُونَ وَيَصِجِ الضَّاحُونَ وَيَصِجِ الضَّاحُونَ أَيْنَ الْحَسَنُ وَأَيْنَ
الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ ابْنَاءُ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ وَأَيْنَ
السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟
أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَتَوَاجِدُ الْعِلْمِ؟
أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَحُلُو مِنْ الْخَيْرَةِ الظَّاهِرَةِ؟ أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ

الظلمة؟ أين المنتظر لإقامة الأمان والنجاة؟ أين المُرشد لإزالة الجور
والعنوان؟ أين المنصور لتجديد القرائن والسنن؟ أين المنصور لإعادة الملة
والشريعة؟ أين المؤمل لإحياء الكتاب وخلود؟ أين مخيي معالم الدين
وأهله؟ أين قاصم شوكة المعتدين؟ أين هادئ لهيب الشوك والنفاق؟ أين
مبيد أهل الفسوق والفضيان والطغيان؟ أين حاسد فروع الفِر والنفاق؟
أين طامس آثار الزيف والآراء؟ أين قاطع خيائل الكذب والأفراء؟ أين
مبيد الضلالة والخرقة؟ أين مستأصل لأهل الفناء والتضليل والإلحاد؟ أين
مميز الأولياء ومبطل الأغواء؟ أين جامع الكلم على التقوى؟ أين باب الله
الذي منه يؤتى؟ أين وجه الله الذي إليه يتوجه الأولياء؟ أين السبب
المستعمل بين أهل الأرض والسماء؟ أين صاحب يوم الفتح وناشئ راية
الهدى؟ أين مؤلف شمل الصلاح والرضا؟ أين الطالب بذخول الأنبياء وأبناء
الأنبياء؟ أين الطالب بنم المنقول بكرنلاء؟ أين المنصور على من افتدى
عليه وأقرى؟ أين المضطر الذي يجاب إذا دعا؟ أين صخر الخلايق ذو البر
والتقوى؟ أين ابن السبي المضطرب وابن علي المرتضى وابن خديجة الغرام
وإبن فاطمة الزهراء الكبرى؟

يا أي أنت وأمي ونفسي لك الوقاء والنجى. يا ابن الشاة المحقرين.
يا ابن النجباء الأكرمين. يا ابن الهدى المهتدين. يا ابن البحيرة المهذبين. يا ابن
القطارفة الأنجيين. يا ابن الفصارمة المنتجبين. يا ابن القمامة الأكرمين.
يا ابن الأطايب المعظمين. يا ابن النجوى الصغيرة. يا ابن السراج
المصينة. يا ابن الشهب الثاقبة. يا ابن الأنجم الزاهرة. يا ابن السبل الواضحة.
يا ابن الأغلام اللينة. يا ابن العلوم الكاملة. يا ابن الشن المشهورة. يا ابن

الْعَالَمِ الْمَأْتُورَةِ • يَابْنَ الْمُضْجِرَاتِ الْمَوْجُودَةِ • يَابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودَةِ • يَابْنَ
الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ • يَابْنَ التَّنْبِئِ الْعَظِيمِ • يَابْنَ مَنْ هُوَ فِي أَمِّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ
تَعَالَى حَكِيمٌ • يَابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ • يَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ • يَابْنَ الْبَرَاهِينِ
الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ • يَابْنَ الْخُجُجِ الْبَالِغَاتِ • يَابْنَ التَّعَمُّقِ السَّايِغَاتِ • يَابْنَ طَهْ
وَالْمَحْكَمَاتِ • يَابْنَ يَسَ وَالنَّارِيَاتِ • يَابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ • يَابْنَ مَنْ دَنَا
فَقَدَّرَ لِمَكَانَ قَابِ قَوْسَيْنِ لَوْ لَمْ يَدْعُ الْوَيْلُ وَالْمُتَوَكِّلُ مِنَ الْعِلْمِ الْأَعْلَى
لَهْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوَى؟ بَلْ لَيْتُ لَوْ لَزِمْتُ لِقَابَكَ أَوْ الشُّرَى؟
أَبْرَضَوِي أَمْ غَرَبَهَا أَمْ فِي طَوْنٍ؟ غَرِبْتُ عَلَيَّ أَنْ لَزِمْتُ الْخَلْقَ وَلَا تُرَى • وَلَا
أَسْمَعُ لَكَ خَسِيساً وَلَا تَجْوِي • غَرِبْتُ عَلَيَّ أَنْ لَا يُحِيطَ بِي دُونَكَ الْبَلَوَى
وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي شَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى • بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعْتَبَرٍ أَمْ يَخْلُ مِنْهَا •
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارٍ مَنْرُوحَةٍ • بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أُنْفِيَةِ شَائِلٍ تَقْرَى • مِنْ
مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرَا لِقَاءَهُ • بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عِزٌّ لَا يُسَامَى • بِنَفْسِي
أَنْتَ مِنْ أَهْلِ سَجْدٍ لَا يُجَارَى • بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ بِلَادٍ يَسْمُ لَا تُصَامَى •
بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرْفٍ لَا يُسَاوَى •

إِنْ مَتَنَ أَحَارٌ "فَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَالنَّ مَتَرٌ؟ وَإِيَّيْ جِطَابٍ أَيْفَ فَيْكَ وَإِيَّيْ
تَجْوِي؟ غَرِبْتُ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَلَتَأْخُذَنَّ • غَرِبْتُ عَلَيَّ أَنْ أَكْبِكَ
وَيَخْلُكَ الْوَرَى • غَرِبْتُ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى • هَلْ مِنْ
مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَمَّةَ الْقَوْلِ وَالْيَسَاءِ؟ هَلْ مِنْ جُرُوحٍ فَأَسَاعِدَ جِرْعَةَ إِذَا
خَلَا؟ هَلْ فَلَيْتَ عَيْنٌ فَتَسْعِدُنِي عَنْهُ عَلَى الْفَنَاءِ؟ هَلْ إِلَيْكَ يَابْنَ أَحْمَدَ
نَسِيبُ فَتَقْنِي؟ هَلْ يَكْمُلُ يَوْمًا مِنْكَ بِعَفْوَةٍ فَتَحْطَرُ؟ مَتَى تَرُدُّ مَسَاجِدَكَ

الرَّوِيَّةُ قُرُونًا؟ مَتَى تَنْتَجِعُ مِنْ عَذَابِ مَا بَكَ فَقَدْ طَالَ السَّيْرُ؟ عَنَى مُعَادِيكَ
وَمُرَاوَحُكَ فَتَقَرَّ عَيْنُونَا؟ مَتَى قَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِحَافَةَ النُّفُوسِ؟ ثَرَى
اِقْرَانَا نَحْنُ بِكَ وَأَنْتَ تَوْفُّمُ الْفَلَاحِ وَقَدْ خَلَّاتِ الْأَرْضُ عَذْلًا وَادَّقَتْ أَغْدَاكَ
هَوَانًا وَعِقَابًا. وَابْرَزْتَ الْفَتَاةَ وَجَعَدْتَ الْحَقَّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُعْتَكِبِينَ.
وَأَجْتَنَنْتِ أَسْوَاقَ الظَّالِمِينَ. وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؟

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبُؤْسِ. وَالْيَاكُفِّ شِدْقِي فِيمَا ذَكَرْتُكَ الْمُنُونِ.
وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. فَاعِثْ يَا عِبَادَ الْمُسْتَغِيثِينَ غَيْبَةَ الْفِتَنِ.
وَأَيُّهُ سَيِّئَةُ مَا شَهِدَ الْقَوِيُّ. وَلَوْلَ غَنَّةُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوْنِ. وَبَرَزَ ظِلِيلُهُ
يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى. وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعُ وَالْمُنْتَهَى.

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ غَيْبُكَ الشَّاقِقُونَ إِلَى ذَلِكَ. الْمَذْكُورِ بِكَ وَبَيْتِكَ. خَلَقْتَنَا
عِصْمَةً وَمَلَأْنَا. وَأَلَمْتَنَا نَا قَوَامًا وَمَعْلَمًا. وَجَعَلْتَنَا لِلْمُؤْمِنِينَ مِمَّا إِسَامًا.
فَبَلَّغْنَا مِمَّا تَجِبَتْ وَسَلَامًا. وَبَرَزْنَا بِذَلِكَ يَا رَبُّ الْكَرَامِ. وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا
مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا. وَاتَّوَمَّ بِغَفَّتِكَ بِتَضَمُّنِكَ إِقَامَ أَمَامَا حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ
وَمُرَاقِقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَبِيبِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ. وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ وَبَنِيهِ
الشَّهِيدِ الْأَكْبَرِ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي السَّيِّدِ الْقَسُودِ. وَحَامِلِ النُّوَابِغِ
الْمُخْشِرِ. وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ. وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ. الَّذِي
مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ نَفَّرَهُ. وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ وَعَلَى جَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ قَاطِمَةَ الرُّهَوَاءِ بِنْتَ مُحَمَّدٍ
شَمْسٍ وَمَا أَصَابَ قَعْرَهُ وَعَلَى جَدَّتِهِ الصَّدِيقَةِ قَاطِمَةَ الرُّهَوَاءِ بِنْتَ مُحَمَّدٍ
الْمُضْطَرِّ. وَعَلَى مَنْ اضْطَرَّقَتْ مِنْ آيَاتِهِ الْبَرَزَةِ. وَعَلَيْهِ أَكْمَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ

وَأَقْوَمَ وَأَكْثَرَ وَتَوَفَّرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَخِي مِنْ أَصْحَابِكَ وَجِئْتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. وَصَلَّ عَلَيْهِ صَلَاةٌ لَا غَايَةَ لِمَقْدِحِهَا. وَلَا نِهَايَةَ لِمَقْدِحِهَا. وَلَا تَفَادَ لَا مَقْدِحِهَا.

اللَّهُمَّ وَالِّمْ بِهِ الْحَقَّ. وَادْخِرْ بِهِ الْبَاطِلَ. وَأَذِلَّ بِهِ أَهْلَاءَهُ. وَأَذِلَّ بِهِ أَعْدَاءَهُ. وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّةً تُوَدِّي إلَى مُرَاقَبَةِ سَلَفِهِ. وَاجْعَلْنَا مِنْ مَنْ يَأْخُذُ بِخَيْرِيهِمْ. وَيَتَكَنَّنُ فِي ظِلِّهِمْ. وَأَعِنَّا عَلَى تَأْوِيلَةِ حَقُوقِهِ الْإِلَهِيَّةِ. وَالاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ. وَالاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ. وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ. وَهَبْ لَنَا زَافَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا سَأَلَ بِهِ شَعَّةٌ مِنْ رَحْمَتِكَ. وَقُولُوا بِحُدُوكَ. وَاجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً. وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً. وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا. وَاجْعَلْ لَدُنَّا بِهِ مَشْغُوفَةً. وَهَمُومَنَا بِهِ مُكُونَةً. وَخَوَانِجَنَا بِهِ مَقْبُوضَةً. وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ. وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ. وَأَنْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً تُسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ جَنَّةً. ثُمَّ لَا تُضَرِّفُهَا غَيًّا بِجُودِكَ. وَأَسْقِنَا مِنْ خَوَاصِ جَنَّةِ صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَبْدِ زَيْنًا زِينَتَنَا سَائِمًا لَا نَقْطَأُ بِغَفْةٍ أَبَدًا. يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مؤلف میگوید که: اگر بعضی^{۱۱} از کسانی که مبتلا به امراض قلبیه و عصبیه میباشند، عبارت دهای ندب را که در نسخ علامه مجلسی^{۱۲} ضبط شده در حرجت بروحه الی مسانده^{۱۳} خوانند و دلیل و متشکک خود گردانند و معراج جسمانی را که از جمله ضروریات دین است انکار نمایند، شهر سکوت بر لب او رفته و رشته احصاء او را گسیخته نمایند به آن که اولاً این عبارت تعریف شده در اصل نسخه که علامه مرحوم در آن نقل فرموده و اصل آن

۱۱ - بعضی سائند که عبارت خود دعا و سحرت له الطريقه واقع این احتمال میبدهد و نفس جبریمی است در معراج جسمانی چنانچه در نصبه حضرت ابراهیم^{علیه السلام} و نال او بزرگوار طاهر و حضرت مسدیل و از جام به سکه بران آوردن جبرئیل^{علیه السلام} هم وجود نیست، ویرا که در معراج روحانی اشخاص به مرکب خرقه سد این مطلبه به واضح است باید از این تعقل بشود

و عرجت به اِلٰی مقامه است بیان این مطلب آن که دعای ندبه دو سه کتاب مزار نقل شده و علامه مجلسی نیز از بعضی آن‌ها نقل نموده و آن سه مزار یکی مزار معتد بن الشهدی است که علامه مذکور از او خبر به مزار کبیر می‌فرماید و دیگر مزار ابن طاووس است که مصباح‌اللزائر نام دارد و دیگر مزار قدیم است که ظاهراً از مؤلفات قطب راوندی است و دو این سه مزار دعای ندبه در کتاب ابن ابی قزوه نقل شده است و مستندی غیر از نیست و دو مزار قدیم و سیخ کتاب مزار معتد بن الشهدی تمام دو عرجت به است و بعضی از سیخ مصباح‌اللزائر بر چنین است و لکن در جمیع از نسخ مصباح دو عرجت بروحه است و سبعة علامه مجلسی که بر او در کتب خود این دعا را نقل فرموده نیز چنین بوده و آن مرحوم دعا را به همان قسم نقل فرموده و به جهت کثرت اشتغال و نوشتن کتاب ادعیه و احادیث طولانی در سیخ اصل تألیف چنانچه از مشاهده جمله‌ای از آن‌ها معلوم شده التفات به این اختلاف فرموده و از آن‌جا که ملاذ و مرجع کافه مردم در امثال این مقامات مؤلفات غریبه آن مرحوم است و به مآخذ کتب آن بزرگوار گاهی مراجعه نکنند، لهذا این فقره شایع و منتشر شده و سبب شبهه شده در بعضی قلوب مرشد و نفوس ضعیفه و الحمد لله که اساس شبهه از بیخ میهدم و خراب شد.

و ثانیاً علی سلم صحت این فقره بر دلالت بر صحت آن عقیده فاسده که مراجع به روح بوده نه به جسم، نکته چه آن‌که مراد از روح در این جا همان جسم است به بیانی که بر اصل بصورت پوشیده نیست و ذکر آن در این جا شایسته نیست.

بعض ادعیه و روز جمعه

بدان که ادعیه زوال جسم و آداب توجه به ساز جسم و دعاهای آن و ادعیه و نمازها که بعد از نماز جمعه مستحب است، بسیار است و مقام را گنجایش ذکر آن‌ها نیست، طالبین رجوع کنند به فصل دوازدهم از کتاب ریح‌الطالیح.

و شیخ و سید روایت کرده‌اند از حضرت رسول ﷺ که در روز جمعه در ساعت استعجاب این دعا را بخوانند:

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ پس حاجت خود را بطلبید.

و بر آن دو بزرگوار گفته‌اند که چون زوال شمس شود بخواند دعایی را که معتد بن مسلم از

حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا
يَا كَرِيمُ يَا سَائِغَ النَّعَمِ يَا دَائِعَ النَّقَمِ يَا بَارِي السَّمِ يَا عَلِيَّ
الْهِمِّ يَا مُبْشِيَ الظُّلَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ يَا مُؤَيِّسَ
الْمُسْتَوْجِبِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِمًا لَا يُظْلَمُ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا عَنِّ اشْهُ قَوَاءً وَذِكْرُهُ شِفَاءً وَطَاعَتُهُ غِنَاءٌ
ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرِّجَاءُ وَبِلَا حُجَّةِ الدُّعَاءُ^(۱) سُبْحَانَكَ وَيَعْمَدُكَ لَا إِلَهَ
إِلَّا أَنْتَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و اما آداب نماز جمعه: سنت است که پسند به مسجد بیاید، و هر که رود در به مسجد بیاید
توابعش بیشتر است، اما بعد از آن که غسل کرده باشد و ناخن و تاراب گرفته باشد و سر را تراشیده
و به عطمی و سدر شسته باشد و خود را خوشبو کرده باشد و ریش را شانه رده باشد، چنانچه در
باب هر یک، احادیث بسیار وارد شده و باید که با کیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوشد و عصاه بر
[سر] گذارد، خصوصاً پیش نماز و در هنگام رفتن به مسجد تند نرود مگر آن که واجب تنگ شده
باشد، بلکه به آرامش و آرام دل برود و دلتش بیاد خدا باشد، و مشهور آن است که بعد از ظهر با
وجوب جمعه سحر کردن حرام است و خرویدن و فروختن بعد از اذان جمعه برای کسی که بر او
جمعه واجب باشد حرام است، و غیر این‌ها از آداب و کیفیت نماز جمعه که تفصیل آن در فقه کتب
فقهیه است و ذکر آن‌ها در این مختصر یا وجود آن که نماز جمعه منعقد نمی‌شود مناسب نیست.
و مستحب است چنانکه در کتاب عروض و مصباح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده، خواندن
سوره جمعه در رکعت اول نماز ظهر و عصر جمعه، و خواندن متعلقین در رکعت دوم نماز ظهر، و
توحید در رکعت دوم نماز عصر

و در کتاب اعلام الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که: هر که بعد از ظهر روز جمعه سه مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتَكَ وَصَلَاةَ صَلَاتِكَ وَرُسُلَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** برای او همان باشد از بلاها تا جمعه دیگر، و هر که بعد از نماز جمعه هفت مرتبه بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ** از صاحب حضرت قائم علیه السلام باشد.

نماز و دعای روز جمعه جهت فرود

و شیخ و سید به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده اند که: هر که خواهد خدا او را فرود کرامت فرماید بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بجا آورد و رکوع و سجود آن را طول دهد و بعد از نماز بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ نَادَاكَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ فَتَبَّ لِي فُرْيَةُ طَيْبَةٍ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا. وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا. فَإِنْ قَضَيْتَ لِي رِجْوَاهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا رَكِيًّا. وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَلَا شَرَكًا.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که: هر که روز جمعه بعد از سلام از نماز ظهر، بتواند هفت مرتبه سوره حمد و هر یک از چهار قل را سه مرتبه و بسوزد آخر سوره بَرَاءَةُ «قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» تا آخر سوره و آخر سوره حشر «ثَوَقْنَا أَنَّهَا الْقُرْآنُ» تا آخر سوره، و پنج آیه از آل عمران «إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» تا «إِنَّكَ لَا تَخْلُقُ الْبُعَاثَ» را، از این جمعه تا جمعه دیگر، کتابت شر دشمنان و بلاها از او بشود.

و شیخ و سید از ائمه علیهم السلام روایت کرده اند که: هر که بعد از نماز ظهر روز جمعه دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره قل هر الله أحد «يُتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» بتواند و بعد از فراغ در

سار بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوَهَا بِرُكَّةٍ وَعُتَارُهَا الْمَلَائِكَةُ مَعَ نَبِيِّهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلِهِ^۱ اِبراهیم علیه السلام، تا جمعه دیگر بلائی و فتنه‌ای به او نرسد و حق تعالی او را با محمد و ابراهیم علیهم‌السلام در بهشت مجتمع گرداند.

و از جامع یزنی نقل شده که روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که: «هر که میان دو نماز روز جمعه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام بخواند، توباش معادل عقیقه رکعت سار باشد».

و شیخ طوسی از آن حضرت روایت کرده که: «هر که بعد از نماز فجر یا بعد از نماز ظهر روز جمعه بگوید: اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ وَصَلَاةَ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا یک سال گناه او برفته شود». و در روایت دیگر از آن حضرت منقول است که: «اگر در این دو وقت به این طریق صلوات بخواند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ از دنیا بیرون نرود تا آن که حضرت قائم علیه‌السلام را درک کند».

و اتصال و ادعیه بعد از نماز جمعه یا ظهر روز جمعه رها نه بر این است و ما به همین مقدار قناعت می‌کنیم.

طریق صلوات در روز جمعه

و اما اعمال و ادعیه بعد از نماز عصر روز جمعه پس بسیار است. از جمله صلوات است [که] ای ادیس در سرت از جامع یزنی نقل کرده و او از حضرت صادق علیه‌السلام که: «هر که بعد از عصر روز جمعه این صلوات را بخواند مثل توبه صل جن و انس در این روز به او عطا کنند» و صلوات این است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْأَمْزِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

مؤلف گوید که این صلوات را جماعت بسیاری از علما با فضیلت بسیار روایت کرده‌اند با اختلاف جزئی، و در روایت سید ده مرتبه و به روایت دیگر هفت مرتبه وارد شده و عرض

۱ اگر غیر سید بخواند یعنی ولید و لیه بگوید

وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ» وارد مؤْغَلِيهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ» و در کفای و توبی الامم: «وَالسَّلَامُ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ» است. و در روایتی وارد شده که چهری اوقات صلوات در روز جمعه بعد از
عصر است و صد مرتبه می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ
فَرَجَهُمْ».

و سید ابن طاووس به صد بار مختار از حضرت صادق علیه روایت کرده است که در صلوات
بر پیغمبر ﷺ بعد از عصر روز جمعه می‌گوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ
عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا».

و مستحب است خواندن صلوات کبیر که اولش این است: «اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا ﷺ كَمَا وَصَفَتْ
بِهِ كِتَابَكَ... تا آخر» بعد از عصر روز جمعه و چون طولانی بود اگر نکرده و رجوع به کتاب دیگر
شود.

اعمال عصر روز جمعه

و از جمله اعمالی هفتاد مرتبه استغفار است: چنانچه سید به سند مختار از حضرت صادق علیه
روایت کرده است که: «هر که در روز جمعه بعد از عصر هفتاد مرتبه بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ حق تعالی گناه گذشته او را باسزود و در بقیة عمر او را نگاه دارد و اگر دو گناه
نداشت باشد گناهان پدر و مادر او را بیامرزد».

و از جمله خواندن سوره قدر: صد مرتبه یا ده مرتبه است: چنانچه در مجلس صدوق از امام
موسی علیه مروی است که: «خدا را در روز جمعه هزار سیصد رحمت است که هر پندره را آنچه
خواهد از آن رحمتها عطا فرماید» پس هر که بعد از عصر روز جمعه صد مرتبه سوره «إِنشَاء»
آنزلشاده بخواند حق تعالی آن هزار رحمت را به او عطا فرماید.

و در لقه قره‌آیه مذکور است که: «ه مرتبه سوره قدر بعد از عصر خواندن موجب ثواب عظیم
است».

و از جمله خواندن دو رکعت ساز است به این کیفیت که شیخ و سید از حضرت رسول ﷺ
روایت کرده‌اند که: هر که بعد از سار عصر روز جمعه دو رکعت ساز بکند و در رکعت اول سوره

حمد و آید الکری و یست و یح مرتبه قل أعوذ برب الفلق و در رکعت دوم سورة حمد و توحید، و یست و پنج مرتبه قل أعوذ برب الفلق بخوانند و بعد از سلام پنج مرتبه بگویند: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» از دنیا بیرون برود تا خدای تعالی در خواب جای او را در بهشت به او بنماید.

دعای شرات در عصر روز جمعه

و از جمله اعمال عصر جمعه خواندن دعای شرات است که به سندهای بسیار معتبر روایت شده است با لطوایف و ثواب بسیاری و ما به اصل دعا اکتفا کنیم و در روایت او چنین است که باید در هنگام خواندن دعا با وضو و رو به قبله باشی و اگر روز جمعه بعد از نماز عصر بخوانی بهتر است و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اِیْمُ اللَّهِ وَبِاللَّهِ^(۱). وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْعَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ اللَّهِ آسَاءَ اللَّيْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ. سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَمَلِ وَالْأَصَالِ. سُبْحَانَ اللَّهِ بِالنَّهْشِ وَالْإِنْكَارِ. سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ. «وَلَهُ الْعَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعِشْيَا وَحِينَ تُظْهِرُونَ» بِخُرُوجِ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَخُرُوجِ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ وَيُخْبِي الْأَرْضَ بِمَنْزِلِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرِجُونَ. سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ. وَالْعَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ الَّذِي لَهُ الْعِزَّةُ وَالْكَرَمُ. سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَنْسِي التَّسْبِيحَ إِلَّا لَهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَعْطَى كُلَّ يَوْمٍ عِلْمَهُ. سُبْحَانَ ذِي الطُّوْلِ وَالْقُسْطِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُرْ وَالنَّعَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ. سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ

وَالْمَلَكُوتِ. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَالْقُدُّوسِ. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْكَبِيرِ
وَالْقُدُّوسِ. سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. سُبْحَانَ اللَّهِ
الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ. سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ. سُبْحَانَ
اللَّهِ الْقَانِمِ الدَّائِمِ. سُبْحَانَ الدَّائِمِ الْقَانِمِ. سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ رَبِّيَ
الْعَلِيِّ. سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ. سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى. سُبْحَانَ وَتَعَالَى.
سُبْحَانَ قُدُّوسٍ رَبِّمَا وَزُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْعَاقِلِ.
سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِمَنْزُورَتِهِمْ. سُبْحَانَ حَالِي مَا يَرَى وَمَا لَا يَرَى. سُبْحَانَ الَّذِي
يُذَرِّكُ الْأَبْصَارَ وَلَا تُذَرِّكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ بِمَنِّكَ فِي بَعْضِ أَوْخَرِ وَتَرْكَةِ عَافِيَةٍ.
أَفْضَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ وَأَتَمِّمْ عَلَيَّ بِعَمَّتِكَ وَأَوْخِرَكَ وَتَرَكَاتِكَ. وَعَافِيَتِكَ
وَنَجَاةً مِنَ النَّارِ. وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ وَفَضْلَكَ وَتَمَرَاتِكَ أَهْدَا مَا
أَقْرَبْتَنِي.

اللَّهُمَّ بِبُورِكَ أَهْتَدَيْتُ. وَبِفَضْلِكَ اسْتَقْنَيْتُ. وَبِعِزَّتِكَ أَصْبَحْتُ
وَأَمْسَيْتُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا. وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيََاءَكَ وَرُسُلَكَ
وَعُمَّةَ عَرَشِكَ وَشُكَّانَ سَمَوَاتِكَ وَارْزُقْكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنْتَ اللَّهُ
الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَلَقْتَ لَا شَرِيكَ لَكَ. وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
عِبْدُكَ وَرُسُلُوكَ. وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. تُخَيِّرُ وَتُعْمِتُ وَتُخَيِّرُ
وَتُخَيِّرُ. وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ. وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ. وَالنُّشُورَ حَقٌّ. وَالشَّاعَةَ
آيَةً لَا رَيْبَ فِيهَا. وَلَنْ اللَّهُ يَبْعَثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا. وَأَنَّ الْآيَةَ مِنْ وَلَدِهِ الْحَسَنَ

وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى
 جَعْفَرَ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ
 وَالْحَلْفَ الصَّالِحَ الْخَبْرَةَ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ هُمْ الْأَيُّمَةُ
 الْهَدَاءُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الْمَنَالَيْنِ وَلَا الْمُسِيلِينَ وَأَسْأَلُكَ
 الْمُسْتَظْفُونَ وَجِزَّتْكَ الْغَالِيُونَ وَصَفْوَتُكَ وَجِيزَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَنَجَاؤُكَ
 الَّذِينَ اسْتَجَبْتَهُمْ لِسَدِيدِكَ وَأَخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَأَسْأَلُكَ عَلَى
 جِهَاتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَالسَّلَامُ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْتَبِ لِي هَبِ الشَّهَادَةَ بِعِنْدِكَ حَتَّى
 تَقْبِلَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنْتَ عَلَيَّ رَاضٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى يَضُحَّ لَكَ السَّمَاءُ أَكْنَافُهَا وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ
 وَمَنْ عَلَيْهَا اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى يَضْحَكُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ وَحَقْدًا يَرِيدُ
 وَلَا يَبِيدُ أَجْرُهُ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى أَسْزِمَا أَمْدًا لَا انْقِطَاعَ لَهُ وَلَا نَعَادَةَ وَلَكَ
 يَسْتَهَيِّ وَيُتَهَيِّ وَيُتَهَيِّ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِيَّ وَعَلَيَّ وَلَدَيَّ وَمَعِيَ وَقَبْلِي وَتَعْدِي وَأَمَامِي وَخَلْفِي
 وَفَوْقِي وَتَحْتِي وَإِذَا مِتُّ وَقُنَيْتُ وَتَقَيْتُ وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ
 يَا مَوْلَايَ

اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيعِ ضَعَائِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَاتِكَ
 كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَيَّ مَا تُجِبُّ رِقْنًا وَتَرْضَاهُ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ عِزٍّ سَاجِدٍ، وَعَلَى كُلِّ عِزٍّ ضَارِبٍ، وَلَكَ
الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَكَلَةٍ وَشَرِبَةٍ وَبَطْنَةٍ وَقَبْضَةٍ وَنَسْطَةٍ وَخَرَكَةٍ وَتَوَمَةٍ وَبَقْطَةٍ
وَلَحْظَةٍ وَطَرْفَةٍ وَنَفْسٍ وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، وَلَكَ لِمَنْ كُلُّهُ، وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ، وَلَكَ الْمَلَكُ
كُلُّهُ، وَلَكَ الْأَمْرُ كُلُّهُ، وَبِيَدِكَ الْغَيْزُ كُلُّهُ، وَفِيكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ،
غَلَابَتُهُ وَبَرُّهُ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّيْءِ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا
مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيئِكَ، وَلَكَ
الْحَمْدُ حَمْدًا لَا أَجَرَ لِقَائِكَ إِلَّا بِرِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جُلُوكَ بَعْدَ
عِلْمِكَ فِيهِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى غُيُوبِكَ بَعْدَ كُنُوزِكَ عَلَيْهِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِأَجْثِ
الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بِتَدْيِغِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ
مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِئِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِكِ الْحَمْدِ،
وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيِّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِيمِ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقِ
الْوَعْدِ، وَلِيِّ الْحَمْدِ، عَزِيزِ الْجُنْدِ، قَائِمِ الْأَصْحَادِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِيعِ
الْمُرْجَاتِ، مُجِيبِ الدُّعَوَاتِ، مُزِيلِ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ، عَظِيمِ
الْمَبْرَكَاتِ، مُخْرِجِ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، أَوْ مُخْرِجِ شَرِّ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى
النُّورِ، مُبَدِّلِ السُّيُنَاتِ حَسَنَاتٍ، وَجَاعِلِ الْفَسَادِ قَرَجَاتٍ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ، ذَا الطُّوْلِ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا

تَجَلَّوْكَ الْحَمْدُ فِي الْأَجَرَةِ وَالْأُولَىٰ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمِنْكَ فِي السَّمَاءِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ الثَّرَىٰ وَالْخَصَىٰ وَالْتَوَىٰ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ مَا فِي جَوِّ السَّمَاءِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ أَوْرَاقِ مِيَاهِ الْبَحَارِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ لَوَارِقِ الْأَشْجَارِ وَقَطْرِ الْأَمْطَارِ. وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ الْأَنْبَسِ وَالْأَنْبَسِ وَالْهَوَامِّ وَالطَّيْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالشَّجَاعِ حَمْدًا كَثِيرًا طَوِيلًا مُبَارَكًا فِيهِ كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَىٰ. وَكَمَا يَنْتَسِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ وَجِزَ جَلَالِكَ.

اِس در مرتبه مرگویی: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

در مرتبه مرگویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ. يُخْصِي قُدْرَتَهُ وَيُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُخْصِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْغَيْبُ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

در مرتبه استغفور: اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْغَنِيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

در مرتبه: «يَا اللَّهُ» در مرتبه: «يَا زُحْرَفُ» در مرتبه: «يَا رَحِيمُ» در مرتبه: «يَا بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در مرتبه: «يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» در مرتبه: «يَا حَمْدًا يَا مَنَّانُ» در مرتبه: «يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ» در مرتبه: «يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» در مرتبه: «يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»

در مرتبه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در مرتبه: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» در مرتبه: «اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَغْلَى» در مرتبه: «آمِينَ» در مرتبه: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»

بمکمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ
فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْخَيْرَةِ وَأَنَا أَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا فَارْحَمْنِي
يَا قَوْلَايَ وَأَنْتَ لِرَحْمِ الزَّاجِعِينَ

بِسْمِ دَرَمِ بَكْرِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ الَّذِي لَا
يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا

دعای سمات

و از جمله اعمال پس از ظهر و عصر دو مرتبه خواندن دعای جلیل القدر «سمات» است
که از ادعیه مشهوره و معتبره است، و گفته شده که اکثر علمای سلف بر آن مواظبت می نمودند، و
در مصباح شیخ و کتب کلمی و سید ابن طاووس به چندین دعای معتبره از محدث بن عثمان مبرور که
از نواب حضرت صاحب الامر علیه السلام است و از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده اند، و حضرت باقر علیه السلام فرموده اند که: «اگر مردم بدانند آنچه ما می دانیم از عظمت شأن
این نام ها که در این دعا مذکور است نزد خدا و سرعت اجابت حق تعالی، کسی را که او را به این
نام ها بخواند به آن نواب های بسیار که در آخرت برای او ذخیره می نمایند، هر آنچه برای تحصیل
این دعا مشابه نمایند به شمشیرها و لکن حق تعالی مخصوص می گرداند به رحمت خود، هر که را
که خواهد، و فرموده که: «اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا هست، هر آنچه سرگرد
در رخ یاد بگردم». پس هرگاه این دعا را بخوانید سعی کنید که دعای شما برای امور باقیه آخرت
باشد نه لذات فانی دنیا پس فرموده که این از علم های مکتون مخزون است و از دعاهای لازم
الاجابت است؛ و در روایست کلمی است که مستحب است در نزد غروب آفتاب از هر روز جمعه و
در شب سه خوانده شود و هر که این دعا را در وقتی که متوجه حاجتی گردد و یا نزد دشمنی و یا
یادگاه پیاری رود بخواند، البته حاجتش برآورده شود و ضرر دشمن به او نرسد و کسی که نتواند
خواند، پس بر کاغذی و بر بازوی خود بنهد یا در جل گشاید باز همان تاثیر می کند، و این دعا
را دعای شبور می نامند برای آن که پس اسرائیل در میان یوق خوانند، و شبور در لغت به معنی

بوق اسد، دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجْرَ
الْكَرِيمَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَعَالِي أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِنَفْثِ بِالرَّحْمَةِ
انْفَتَحَتْ. وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِنَفْثِ بِالرَّحْمَةِ
انْفَرَجَتْ. وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْقُسْرِ لِيُسْرَ ثَبُرَتْ. وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى
الْأَمْوَاتِ لِلشُّورِ انْشَرَّتْ. وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى كُشْفِ الْبَاسَاءِ وَالضَّرَاءِ
انْكَشَفَتْ. وَيَجْلَلُ وَجْهِكَ الْكَرِيمَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَأَعَزَّ الْوُجُوهِ الَّذِي غَشَّ
لَهُ الْوُجُوهُ وَخَطَمَتْ لَهُ الرُّقَابَ. وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ. وَوَجَلَتْ لَهُ
الْقُلُوبُ مِنْ مَحَافِظِكَ. وَيَقُوتُكَ الَّتِي بِهَا تُنْبِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا
بِإِذْنِكَ. وَتُنْبِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ أَنْ تَزُولَا. أَوَّلِينَ رَأَيْنَا أَنْ تَخْلُقَنِي
أَخْلَقَ مِنْ بَيْنِهِ ۝ وَيَمْشِي بِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ. وَيَكَلِّمُكَ الَّتِي خَلَقْتَ
بِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ. وَيَجْعَلُكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْمَجَابِبَ. وَخَلَقْتَ بِهَا
الطُّلَمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا. وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا. وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ
نَهَارًا. وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِرًا. وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ
ضِيَاءً. وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا. وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ
وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَنُزُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُومًا. وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ
وَمَغَارِبَ. وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِغَ وَمَجَارِي. وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَا وَمَصَابِيحَ. وَقَدَّرْتَهَا
بِالسَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَخْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا. وَصَوَّرْتَهَا فَأَخْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا.
وَأَخْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِخْصَاءً. وَتَبَيَّنَتْهَا بِجَعْلِكَ تَبْيِيرًا فَأَخْسَنْتَ تَبْيِيرَهَا.

وَسَخَّرْنَا بِسُلْطَانِ اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدُوِّ السَّمِينِ وَالْجَسَابِ
وَجَعَلْتُ رُؤُوسَهَا لِكُلِّ نَاسٍ عَرَاقٍ وَاجِدًا

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنِ
عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُوبِيِّينَ فَوْقَ غَمَامِ
النُّورِ فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي غَمُودِ النَّارِ^۱ وَفِي طُورِ سِنَاءَ وَفِي جَبَلِ
خُورَيْبٍ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنْ
الشَّجَرَةِ وَفِي لُجُجِ بَحْرِ بَيْتِجِ آيَاتِ بَيْتِكَ وَفِي زَمَانِ لَيْلِي إِسْرَائِيلَ
الْبَحْرَةِ وَفِي الْمُنْجَسَاتِ الَّتِي صَغَتْ بِهَا الْمَجَانِبُ فِي بَحْرِ سُوءٍ
وَعَقَدَتْ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْفَقْرِ كَالْجِجَارَةِ وَجَاوَزَتْ بَيْتِي إِسْرَائِيلَ
الْبَحْرَةَ وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْرَثَتْهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَالْحَرَفُوتِ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ^۲
لِي لَيْلِي

وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ وَبِمَجْدِكَ
الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سِنَاءَ وَلِإِبْرَاهِيمَ
حَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلِإِسْحَاقَ صَبِيحِكَ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْخٍ^۳ وَلِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ وَأَوْقَيْتَ
لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِثَاقِكَ وَلِإِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَلْفِكَ وَلِيَعْقُوبَ
بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَلِلدَّاعِينَ بِأَسْمَانِكَ فَاجِئْتَ وَبِمَجْدِكَ الَّذِي
ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّسَالِ^۴ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي

۱. ودر آیه ۱۱

۲. قرآن ۱۰۰

۳. التور ۱۰

۴. ص ۱۰

وَقَعْتُمْ عَلَى الْأَرْضِ بِعِزِّهِمْ قَائِمَةً وَالْقَبْلَةَ بِآيَاتِ غَيْرِهِمْ. وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ.
وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ. وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ الثَّامَةِ. وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَقْضِي بِهَا عَلَى أَعْلَى
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَى النَّفْثِ وَالْأَجْرَةِ. وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى
جَمِيعِ خَلْقِكَ. وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا الْعَالَمِينَ. وَبِنُورِكَ الَّتِي قَدْ خَرَّ
مِنْ قَرْنِهِ طُورُ سَيْنَاءَ. وَبِعِزِّكَ وَعَظَمَتِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبَرِيَّاتِكَ وَبِعِزَّتِكَ
وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تُسْقِطْهَا إِلَّا فِي الْأَرْضِ. وَأَنْخَفَضْتَ لَهَا السَّمَاوَاتِ. وَأَنْزَجَرْتَ لَهَا
الْعُمَى الْأَكْبَرَ. وَزَكَّيْتَ لَهَا الْبَحَارَ وَالْأَنْهَارَ. وَخَفَضْتَ لَهَا الْجِبَالَ. وَسَكَنْتَ
لَهَا الْأَرْضَ بِتَنَاجِيهَا. وَاسْتَلَمْتَ لَهَا الْخَلَائِقَ كُلَّهَا. وَخَلَقْتَ لَهَا الرِّيحَ
فِي جَنَائِهَا. وَخَوَّضْتَ لَهَا النَّهْرَ فِي لُطَائِهَا. وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَرَفْتَ لَكَ
بِهِ الْغَلْبَةَ نَهَرَ الدُّهُورِ. وَخَوَّضْتَ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. وَبِكَلِمَتِكَ
كَلِمَةَ الْحَقِّ الَّتِي سَبَّحْتَ لَهَا أَمَّ وَفَرَّجَ بِالرَّحْمَةِ.

وَأَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي عَلِمْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِهِ. وَبِنُورِكَ الَّتِي تَجَلَّيْتَ بِهِ
لِلْحَقِيقِ لِمَعْلَمَتِهِ ذَكَاءَ وَحَرَّ مُوسَى ضِعْقًا. وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي ظَهَرَ عَلَيْكَ طُورُ
سَيْنَاءَ لَكَلِمَتِكَ بِهِ عَهْدَكَ وَزَعْوَتِكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ. وَبِسُلْطَانَتِكَ فِي
سَاعِيرِهِ. وَظَهُورِكَ فِي جَبَلِ قَارَانَ بِرَبَّوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ. وَجُودِ الْمَلَائِكَةِ
الصَّالِحِينَ وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُتَسَبِّحِينَ. وَبِرَّكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَبَارَكْتَ
لِإِسْحَاقَ صُوفِيِّكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. وَبَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلَ
فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَفِي عَشْرَتِهِ وَفَرَّجَ وَأَمَّنَهُ.

اللَّهُمَّ وَكَمَا غِنَانَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ شَهْنَهُ وَأَمَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ مِثْقَالَ وَغَدَلًا •
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَتَرْحَمَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ
 وَتَرْحَمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ خَمِيدٌ مُجِيدٌ فَقَالَ لِمَا تُرِيدُ •
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس هر حاجتی که داری ذکر کن و بگو

يَا أَلَلَّةُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَخْلُمُ
 تَلْسِيرُهَا أَوْ لَا تَأْوِيلُهَا وَلَا ظَاهِرُهَا أَوْ لَا يَخْلُمُ بَاطِنُهَا غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس باز حاجت خود را ذکر کن و دفع شتر هر که را که خواهی یاد ساز و بگو

وَأَتَقَرَّبُ لِي مِنْ فُلَانٍ مِنْ فُلَانٍ وَالْخَيْرُ لِي ذَنْبِي مَا تَقَدَّمَ بَيْنَهَا وَمَا
 تَأَخَّرَ وَوَسَّخَ عَلَيَّ مِنْ خَلَالِ بِذَلِكَ وَأَكْفِنِي مَوَؤَنَةَ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ
 سَوْءٍ وَسُلْطَانٍ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ
 رَبُّ الْعَالَمِينَ

و این فیهیلا در حدیث الثانی گفته که مستحب است خواندن این دعا بعد از دعای مسلمات

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ وَبِمَا
 يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّقْسِيرِ وَالتَّنْبِيهِ الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَعْلَمَ بِي
 كَذَا وَكَذَا

فصل چهارم

در اعمال سایر ایام هفته است

اعمال روز شنبه

روزی شنبه متعلق است به رحل، محمود است در برای اعمال فلاحات او و روایت از قضای حاجت و گرهش و عطا کردن، و ابتدا کردن به تطهیر، به جهت قول پیغمبر ﷺ «مبارک شده از برای آفت من شنبه و پنجشنبه و سفر کردن در روز شنبه بسیار خوب است».

و شیخ طوسی از برای شنب و روزه آب، صلاهی روایت کرده با ثواب بسیار از برای شنب شنبه چهار رکعت، در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه «آیه الكرسي» و یک مرتبه «توحید» و در عقب صلا سه مرتبه «آیه الكرسي»، و از برای روزه چهار رکعت است در هر رکعت بعد از «حمد» سه مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و بعد از غزاف یک مرتبه «آیه الكرسي».

و از جمله دعاها برای روز دهای حضرت فاطمه علیها السلام به روایت کلمی.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا خُرَابِي رَحْمَتِكَ. وَهَبْ لَنَا اللَّهُمَّ رَحْمَةً لَا تُغْدِبُنَا بِمَغْدِبِهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَازْرُقْنَا مِنْ حُضْرِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا خَلَالًا طَيِّبًا. وَلَا تُخَوِّجْنَا وَلَا تُفَوِّزْنَا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ. وَبِرْزَانَا لَكَ شُكْرًا وَآلِيكَ قُتْرًا وَفَائِدَةً. وَبِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ عِشٍّ وَتَعَفُّعًا. اللَّهُمَّ وَشَعْ غَلْبَنَا فِي الدُّنْيَا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوْذُ بِكَ أَنْ تُزَوِّيَ وَجْهَكَ عَنَّا فِي حَالِي وَنَحْنُ نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْظِمْنَا مَا تُحِبُّ وَاجْعَلْ لَنَا قُوَّةً فِيمَا تُحِبُّ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و شیخ در صلاح این تعویذ را از برای روز شنبه نقل کرده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَقَاهِرَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. كُلِّ عَنِّي بِأَسْرِ الْأَشْرَارِ.

وَأَعْمَ أَبْصَارَهُمْ وَقُلُوبَهُمْ. وَاجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ جَبَابًا. إِنَّكَ زَلَّالٌ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْ عَائِدُو بِهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَحَدٌ بِنَاصِيَتِهَا. وَمِنْ شَرِّ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ. وَحَسْبُ اللَّهُ عَلَى مُعْتَدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمُ تَسْلِيمًا.

احمال روز یکشنبه

روز یکشنبه متعلق به شمس است. محسوب است از برای ملاقات سلاطین و ارباب دولت و روزی است که حق تعالی ابتدا فرمود در آن به خلق آسمانها و زمینها و بگو است در این روز بنا کردن و فرس نمودن اشجار از برای شش چهار رکعت نماز قیل شده در اهرار رکعت بعد از حمد یک مرتبه دأیه الکرسیه و صبح اسره و هجده و از برای روز یکشنبه بر چهار رکعت است در هر رکعت بعد از حمد آیه ذیالقرنیه... تا آخر

در جمعه دعاهاى این روز دعای حضرت فاطمه علیها السلام است به روایت کلمی.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا فَلَاحًا. وَآخِرُهُ نَجَاحًا. وَأَوْسَطُهُ صَلَاحًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا مِنْ أُنَابِ إِلَيْكَ قَبِيْلَةً. وَتَوَكَّلْ عَلَيْكَ فَكَفَيْتُهُ. وَتَضَرَّعْ إِلَيْكَ فَجَرَيْتُهُ.

و این تسبیحات را جمیع کتیری از علما برای روز یکشنبه نقل کرده اند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. سُبْحَانَ مَنْ مَلَأَ الْفَقْرَ قَنَسُهُ. سُبْحَانَ مَنْ يُغْشِي الْأَبْدَ نُورُهُ. سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ كُلَّ شَيْءٍ ضَوْؤُهُ. سُبْحَانَ مَنْ دَانَ بِدِينِهِ كُلَّ دِينَ. وَلَا يُدَانُ بِغَيْرِ دِينِهِ. سُبْحَانَ مَنْ قَلْبُهُ بِقَلْبِهِ كُلَّ قَدَرٍ. وَلَا يَقْدَرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يُوصَفُ بِحُكْمِهِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَحْتَسِبُ عَلَى أَهْلِ مُفْلَكِهِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلُ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ. سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ. سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطْلِعُ عَلَى خَوَائِنِ الْقُلُوبِ. سُبْحَانَ مَنْ يُخْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ. سُبْحَانَ مَنْ لَا تَحْتَمِلُ عَلَيْهِ حَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

السَّامِءِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْوُثُوْدِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الْوَحِدِ سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْاَعْظَمِ

تصوره دور یکشنبه از امام مستد هوادیکه به روایات علماء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ • اسْتَوَى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِحُكْمَتِهِ • وَزَهَبَتِ النُّجُومُ بِأَمْرِهِ • وَزَيَّتِ الْجِبَالُ بِأَذْنِهِ • لَا يُجَاوِزُ شَيْءٌ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ • الَّذِي دَانَتْ لَهُ الْجِبَالُ وَهِيَ طَائِفَةٌ • وَأَنْبَعَثَتْ لَهُ الْأَجْسَادُ وَهِيَ بِالْيَتَةِ • وَبِهِ اخْتَصَبَ عَنْ كُلِّ بَايَعٍ وَطَائِعٍ وَجَنَارٍ وَحَابِدٍ • وَبِسْمِ اللَّهِ الَّذِي جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا • وَاخْتَصَبَ بِاللَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا • وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا • وَرَبُّهَا لِلنَّازِلِينَ • وَخَوَّلَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ • وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ وَجِبَالًا لِيُؤْتَدَا • أَنْ يُوَضِّلَ إِلَى شَيْءٍ أَوْ فَاجِشَةً أَوْ بِلِيَّةً • حَمَّ حَمَّ حَمَّ تَنْزِيلَ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • حَمَّ حَمَّ حَمَّ عَسَى كَذَلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِنَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْغَفُورُ الْحَكِيمُ • وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا

احمال روز دوشنبه

روز دوشنبه به قدر تعلق دارد از برای تجارت و معاش شایسته است و طلب حاجات و سفر در آن روز مشایخ و صبیح طوسی از برای شب دوشنبه و روز آن معاری با فضیلت بسیار روایت کرده و کیفیت آن چهار رکعت است در هر رکعت سوره قصصه هفت مرتبه و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» یک مرتبه و بعد در فارغ شدن از سار صد مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و صد مرتبه: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جِبْرِئِيلَ»

از جمله دعاهای این روز دعای حضرت فاطمه است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قُوَّةَ فِي عِبَادَتِكَ • وَتَبَشُّرًا فِي كِتَابِكَ • وَقَهْمًا فِي حُكْمِكَ • اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْمُحَمَّدُ وَلَا تَجْعَلِ الْقُرْآنَ بَيْنَا مَجْلَافًا وَالْفُرَاطَ رِثْلًا وَمُحَمَّدًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلِّمْ عَنَّا مُؤَلِّيًا

تعویذ روز دوشنبه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. امشَوَى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِحِكْمَتِهِ. وَمَذَّتِ النُّجُومُ^۱ بِأَمْرِهِ. وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ^۲ وَهِيَ طَائِعَةٌ وَنُصِبَتْ لَهُ الْأَجْسَادُ وَهِيَ بَالِيَةٌ. وَقَدْ اخْتَجَبَتْ مِنْ ظِلِّ كُلِّ بَاغٍ. وَاخْتَجَبَتْ بِالَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا. وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا. وَرَزَقَهَا لِنَارِظِينَ وَجَعَلْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِمْ. وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ أَوْثَانًا^۳ لَنْ يُوَضَّلَ إِلَيْهِ وَآلِي أَخِي مِنْ إِخْوَانِي^۴ بِسُوءٍ أَوْ فَاحِشَةٍ لَوْ يَكْنِيهِ. حَمَّ حَمَّ حَمَّ تَرِيدٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا

اعمال روز سه شنبه

روزی سه شنبه تلقی به مزبج دارد. محمود است از برای ملاقات دشمنان و جهاد و سفر کردن و روز سهیل و آسانی است و روزی است که حق تعالی آمر و برای حضرت داود علیهما السلام فرموده و عیادت در آن یک است و از برای شنبی دو رکعت نماز ولود شده است در هر رکعت بعد از حمد «آیه الكرسي» و سوره «توحید» و آیه «شهد الله» هر یک یک مرتبه و از برای روز سه شنبه بیست رکعت نماز نقل شده است در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه «آیه الكرسي» و سه مرتبه «توحید».

و از جمله دعاهای این روز دعای حضرت فاطمه علیها السلام است به روایت کتبی

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَهْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَّاجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا وَّاجْعَلْ
صَالِحَ مَا نَقُولُ بِاَلْسِنَتِنَا بَيِّنَةً فِي قُلُوبِنَا اَللّٰهُمَّ اِنَّ مَغْفِرَتَكَ اَوْسَعُ مِنْ
ذُنُوبِنَا وَرَحْمَتِكَ اَرْجَى مِنْ اَعْمَالِنَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ وَوَقِّفْنَا لِصَالِحِ الْاَعْمَالِ وَالصَّوَابِ مِنَ الْاَعْمَالِ

تعزید روز سه شنبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعِیْذُ نَفْسِیْ بِرَبِّیْ الْاَكْبَرِ بِمَا یُخَافُ
وَيَنْظَرُ " مِنْ شَرِّ كُلِّ اَنْثَى وَذَكَرٍ وَمِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
فُسُوسٌ فُسُوسٌ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَذْعُوْكُمْ اَيُّهَا الْجِبُّ اِنْ كُنْتُمْ
سَامِعِیْنَ " وَاَذْعُوْكُمْ اَيُّهَا الْاِنْسُ وَالْجِبُّ بِاللّٰهِ الَّذِیْ دَانَتْ لَهُ الْخَلَائِقُ
اَجْمَعُوْنَ وَخَشَعَتْ بِحِجَّةِ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَیَجِیْزُنِیْلُ وَیَسْكَانِیْلُ
وَإِسْرَافِیْلُ وَخَاتَمُ سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَخَاتَمُ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَاَعْلٰیهِمْ اَجْمَعِیْنَ

احمال روز چهارشنبه

روز چهارشنبه به عطارد تعلق دارد محمود است در برای علوم و حکمت و کثابت و استقامت
کردن به هر کاری و در حدیث نبوی ص است که: هیچ امری ابتدا کرده نمی شود به ن در روز
چهارشنبه مگر آن که تمام خواهد شد و شرب دوا در این روز پسندیده است. از برای تنبیه دو
رگم معاد وارد شده است دو هر رگم بعد از حمد هر یک از «انه الکوسی» و «توحید» و
«قدوس» یک مرتبه و از برای دوری دوازه رگم معاد است دو هر رگم بعد از حمد هر یک از

در تحفید و سورۃ نطق و سورۃ ناس ۳۰ مرتبه

در جمعه دعای این روز دعای حضرت فاطمه علیها السلام است

اللَّهُمَّ اخْرِسْنَا بِصَوْتِكَ الَّتِي لَا تَسَامُ وَوُكَبِكَ الَّتِي لَا يُرَامُ وَبِأَسْمَائِكَ
الْعِظَامِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا مَا لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ صَاحِبِ
وَأَسْتَرْ عَلَيْنَا مَا لَوْ سَتَرَهُ غَيْرُكَ شَاحِبِ وَاجْعَلْ كُلَّ ذَلِكَ لَنَا مَطْوَعًا إِنَّكَ
سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبُ مُجِيبِ

تعویذ روز چهارشنبه

در حضرت ابی جعفر جواد علیه السلام به روایت علماء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَعِيذُ نَفْسِي بِالْأَخِيذِ الْمُنْمُوهِ مِنْ شَرِّ النَّفَاثَاتِ
فِي الْمَقْدَرِ وَمِنْ شَرِّ ابْنِ قُتْرَةَ وَمَا وَلَدَهُ اسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْآخِذِ الْأَعْلَى
مِنْ شَرِّ مَا زَاتَ عَمَلِي وَمَا لَمْ تَرَهُ اسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْقُدُّوسِ الْكَبِيرِ
الْأَعْلَى مِنْ شَرِّ مَنْ أَرَادَنِي بِإِفْرِ غَسِيرِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْنِي فِي جَوَارِكَ وَجَنَّتِكَ الْمُصْبِحِينَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْمَجِيدُ الْمَلِكُ
الْقُدُّوسُ الْقَهَّارُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّوْنَ الْقَهَّارُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ
الْمُتَعَالِ هُوَ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا دَائِمًا

و دعای روز پنجشنبه و جمعه در مقام خودش کل شد والله المستعان

باب چهاردهم

در آداب و اعمال هر روز و هر شب

و در آن چهار فصل است

فصل نوں

در احوالی کہ متعلق بہ مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب است

بدن کہ از جملة اوقات شریفہ وقت بین الطلوعی است و اخبار بسیاری از اہل بیت علیہ السلام در نصیحت این وقت و تحریر بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن روایت شدہ است و در بعضی اخبار تعبیر شدہ از این وقت بہ ساعت غفلت چنانچہ از حضرت ہارون علیہ السلام منقول است کہ «ایہیں میں لشکرہای خودش را متفرق و پھن می کند در دو وقت در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن پس بسیار یاد کند خدا را در این دو ساعت کہ ہر دو ساعت غفلت است و پناہ بخیرید بہ خدا از شر ابلیس و لشکرش و در پناہ خدا در آورید کردگان خود را در این دو ساعت» زیرا کہ آن دو ساعت غفلت است۔

و بدان کہ خواب در این وقت مکروہ است و میر از حضرت ہارون علیہ السلام مروی است کہ: «خواب در وقت صبح، غم است و روری را منح می کند و رنگ را زرد و سفید می کند» و این خواب ہر [انسان] شومی است، بہ درستی کہ حق تعالی روری ہا را در مابین طلوع فجر تا طلوع آفتاب نیست می کند، پس بفرمایند از خواب کردن در این وقت۔

دعای طلوع فجر صادق

و شیخ طوسی در صحیح این دعا را نقل کردہ کہ در وقت طلوع فجر صادق بخوانند:

اللّٰهُمَّ اَنْتَ صَاحِبُنَا فَصَلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِہٖ وَافْضِلْ عَلَيْنَا اللّٰهُمَّ بِقَضَائِكَ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ فَصَلْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِہٖ وَاتِّمُمْنَا عَلَيْنَا عَابِدًا بِاِلٰہِ مِنَ النَّارِ عَابِدًا بِاِلٰہِ مِنَ النَّارِ عَابِدًا بِاِلٰہِ مِنَ النَّارِ۔

پس می گوید: یا خالق من حیث لا اری و مخرج من حیث اری، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِہٖ وَاجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمِنَا هَذَا ضَالِحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا۔

پس در مرتبہ می گوید: اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُکَ اَنْہٗ مَا اَصْنَعُ مِنْ بَغْیَةٍ وَغَیْبَةٍ

فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمَنْكَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ. لَكَ الْحَمْدُ وَتَكَ الشُّكْرُ بِهَا
عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَتَقْدِرَ الرِّضَا

و لادکار وارده در این وقت غیر آن چه ذکر شد بسیار است و بهترین آن ها ذکر شُبْحَانَ اللَّهِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ است که تکرار آن به باقیات الصالحات
و هر خواندن این دعا اسد لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَتَهُ
الْحَمْدُ بِخَبْرِي وَبِعَمِيثُ وَبِعَمِيثُ وَبِعَمِيثُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ. بِيَدِهِ الْخَيْرُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و چون ندای اذان صبح را شنیدی می گوئی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقَبَالِ قَهَارِكَ وَادْبَارِ لَيْلِكَ وَخُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَابِ
دُعَائِكَ وَتَسْبِيحِ صَلَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُتُوبَ عَلَيَّ
إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

در بیان ادویه و آداب بیت الخلا^(۱)

و چون خواستی متوجه به معار شوی، و حاجت داری به رفتن بیت الخلا، پس ابتدا کن به آن،
و آداب بیت الخلا بسیار است و جمله از آن بطور اختصار آن است که: مقدم داری در وقت داخل
شدن پای چپ پا و می گوئی: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ. أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجَسِ النَّجِسِ
النَّجِيسِ النَّجِيسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

و چون کشف کردی «بِسْمِ اللَّهِ» می گوئی و واجب است در این حال بلکه در تمام حالات
مسئور کردن عورت را از ناظر محترم و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن
و مستحب است آن که بگوید در حال قضای حاجت: اللَّهُمَّ اطِّعْنِي طَائِعاً فِي
عَاقِبَةٍ وَأَخْرِجْهُ خَبِيثاً مِنِّي فِي عَاقِبَةٍ

و وقتی که نظرت افتاد بر آنچه از تو دفع شده می‌گویی: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَحَسْبِيَ الْحَرَامُ.

و چون خواستی استنجاء^۱ کنی، لاله استنجا^۲ می‌گویی پس دعای رؤیت آب را می‌خوانی:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا.
و در وقت استنجا می‌گویی: اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعْطِنِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي ♦
وَخَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ.

و چون در جای خود برخاستی دست راست بر شکم می‌کشی و می‌گویی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى ♦ وَهَاتَلِي طَعَامِي وَشَرَابِي ♦ وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى.
پس هر دو می‌آیی و مقدم می‌داری پای راست را بر پای چپ و این دعا را می‌خوانی: الْحَمْدُ
لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّةَ آبِقِن فِي جَنَّتِي قُوَّةً وَأَخْرَجَ جَنِّي أَذَاهُ يَانَهَا
يَنْعَمَ يَانَهَا يَنْعَمَ يَانَهَا يَنْعَمَ لَا يَشْبُرُ الْفَاجِرُونَ عَنْزَهَا^۳.

در آداب و ادعیه وضو

و چون خواستی وضو بگیری ابتدا می‌گویی: به مسواک نمودن که دهان را پاکیزه می‌کند و بنعم
را بر طرف و حفظ را زیاد می‌کند و باعث پاداشی حسنت و جسدی حق تعالی است و در رکعت
سار یا مسواک افضل است از طهارة رکعت به غیر از مسواک و اگر مسواک نباشد انگشت
مبهری^۴ است از آن و در وقت وضو گرفتن رو به قبله می‌نشینی و ظرف آب را در جانب راست
خود می‌گذاری و چون نگاهت بر آب افتاد این دعا [را] می‌خوانی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا.

۱ استنجا: مرعی طهارت از مدفوع و ادرار است که در مواقعی که برای طهارت بمأب بشتر می‌بست تا آداب خاص از
سنگ و کلوخ استفاده می‌شود.

۲ استنجا: خالی کردن الت از ادرار یا آغایی که در کتب قطعی آمده است.

۳ عذراخ: مجری استنجا کفایت می‌کند.

پس می‌شوی دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف آب کنی و می‌گویی در وقت داخل کردن دست در ظرفه بسم الله و بالله اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين

پس سه دفعه مضطرب^{۱۱} می‌کنی یا سه کف آب و می‌گویی اللهم قس خبثي يوم القاء واطلق لساني بذكرك

پس سه دفعه استغاث^{۱۲} می‌کنی و می‌گویی اللهم لا تقهرني علي ربح الجنة واجعلني ممن يشم ريحها وزوحها وطوبها

پس شروع کن به شستن صورت و می‌گویی بعد از بسم الله اللهم بيض وجهي يوم تنوء فيه الوجوه ولا تشوه وجهي يوم تبيض فيه الوجوه

پس برادر یک مشت آب به جهت شستن دست راست و در وقت شستن می‌گویی اللهم اغطيني كتابي بيمينيه والخلد في الجنان بيساريه وحاسيني جسامها بيسوره

پس دست چپ را بشوی و در آن وقت می‌گویی اللهم لا تقطيني كتابي بيسالي ولا من وراء ظهري ولا تجعلها مخلوطة إلى غنمي وأعوذ بك من مقطعات الفيران

پس مسح کن جلو سر را با طویلت دست راست خود و در این حال می‌گویی اللهم شمس بوجهك وتو كاتيك

پس مسح کن پاهای خود را و می‌خوانی در این حال اللهم شمس على الصراط يوم تزل فيه الأقدام واجعل سعوي فرحا يرضيك عني يا ذا الجلال والإكرام و چون خارج شدی از وضو می‌گویی اللهم اني أسألك ثمام الوضوء وتمام الصلاة وتمام رضوانك والجنة و می‌گویی بعد از تحذيله رب العالمين

و می خوانی سوره قدره را سه مرتبه

و سایر آداب تملی و وضو و سرار آن ها را در مقلب التسلح ذکر سوره ام و این مقام ر
گنجایش و یاد بر این بسند

در آداب رفتن به مسجد

پس بعد از فراغ از وضو و بوی خوش به کار می بری پس روانه می شوی به چال مسجد بنا
حالت سکینه و وقار و می گویی در وقت بیرون شدن از خانه به جهت رفتن به مسجد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِي • وَالَّذِي هُوَ يُطَهِّرُنِي وَيَسْقِينِي • وَإِذَا
مَرَضْتُ فَهُوَ يَشفِينِي • وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي • وَالَّذِي أَطْعَمُنِي أَنْ يَقْضِي لِي
خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ • رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِسْنِ صِدْقِي فِي الْآخِرِينَ • وَاجْعَلْنِي مِنَ الْوَارِثَةِ جَنَّةِ النِّعَمِ وَاعْزِلْ لِي

و چون خواستی داخل مسجد شوی اول ملاحظه کن که کفش خود را که جاستی پات پا باشد
پس پای راست را مقدم دار پس می خوانی این دعا را:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ • وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا لِلَّهِ • تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللَّهِ • وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ • اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوَكَّلْ • وَاعْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَقْصِدِكَ • وَاجْعَلْنِي
مِنْ زُورِكَ وَغُفَارِ مَسَاجِدِكَ وَبَعْدَ يَتَابِكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ الدِّينِ
هُمَّ فِي صَلَوَاتِهِمْ خَاشِعُونَ • وَادْفَعْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَجَنُودَ إِبْلِيسَ
أَجْمَعِينَ

و چون اراده کردی که نماز کنی می گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَلْتَمِسُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَنِي يَدِي حَاجَتِي •
وَأَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَيْكَ • فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيعًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُفْرَبِينَ •
وَاجْعَلْ صَلَوَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً • وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُورًا • وَدُعَائِي بِهِ مُسْتَجَابًا • إِنَّكَ

أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

پس اذن و اقامه می‌گویی به جهت نماز و ما بین اذان و اقامه فاصله می‌کنی به یک سجده یا نشستنی و این دعا را می‌خوانی: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِي بَارِعًا وَعَيْنِي قَارِعًا وَبِرِّقِي دَارًا وَاجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ ﷺ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا** و آنچه خواهی دعا می‌کنی و حاجت خود را از حق تعالی طلب می‌کنی؛ زیرا که دعا در بین اذان و اقامه رده نمی‌شود و بعد از گفتن اقامه می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَوَجَّهْتَ. وَفَرَصَاتِكَ طَلَبْتُ. وَتَوَابِكَ ابْتَهَمْتُ. وَبِكَ آمَنْتُ. وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ مَسَامِعَ قُلُوبِي لِإِكْرَامِكَ. وَتَسْمِعْنِي عِلْمَ دِينِكَ وَدِينِ نَبِيِّكَ. وَلَا تُزِرْ قَلْبِي بَعْدَ إِذَا هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

پس مهیا می‌شوی به جهت نماز و حاضر می‌کنی قلب خود را و ملاحظه می‌کنی ذات مقام خود را و طلب و جهالت مولای خود را که در مقام مناجات با او در آمده و چنان می‌بینی که گویا او را می‌بینی و حیا می‌کنی از آن‌که با او بکلم کنی و (امداد) دلت به جانب دیگر متوجه باشد. پس می‌ایستی با وقار و خشوع در حالتی که دست‌های را بر ران‌های خود مقابل سر زانو گذاشته باشی و ما بین قدم‌هایت به قدر سه انگشت باز کرده، فرجه می‌گذاری و ظنرت را به موضع سجده می‌افکنی، پس پشت بر پشت صبح بکن قرآن به الله و «سُورَةُ الْاِحْرَامِ» بگو.

دعای تکبیرات

و مستحب است که شش تکبیر دیگر بر او اضافه کنی و در هر تکبیری دست‌ها را بلند کنی تا معادی رمة گوش در حالی که کف دست‌ها رو به قبله باشد و انگشت‌ها غیر از انگشت بزرگ به هم چسبیده باشد و بخوانی دعای تکبیرات را به این طریق که بعد از تکبیر سوم بگویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَلْبُ الْحَقُّ الْعَمِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ. إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي. فَأَعِزْ لِي دِينِي. إِنَّهُ لَا يَنْفِرُ الذُّنُوبُ إِلَّا أَنْتَ.

و بعد از تکبیر پنجم می گوید: **لَبَّيْكَ وَتَعَدَّيْكَ وَالْغَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشُّرُ لَيْسَ إِلَيْكَ وَالْعَهْدِيُّ مِنْ هَدَيْتَ عِبْدَكَ وَإِنْ عِبْدُكَ كَلِيلُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَبِكَ وَبِكَ وَإِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَفْزَأَ عَنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ سُبْحَانَكَ وَحَسْبَانَكَ قَبَارِكُتَ وَتَعَالَيْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ**

و بعد از تکبیر هفتم می گوید:

وَجِئْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَالِمِ الْغُيُوبِ وَالشَّهَادَةِ خَائِفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَقْصِدِي وَمَعَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَيَذَلِكَ أُبْرِثُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

و چون خواهی شروع کنی به قرائت کلمه استعاذ را آهسته می گوئی پس بخوان سوره حمد را با آداب تمام و حضور قلب و تفکر در معنی آن و بعد از فراغ به قدر یک نفس ساکت می شوی پس بخوان سوره های از قرآن و خوب است که ابتدای^(۱) سوره «همزة» و «هل انی» و «لا افسد» بوده باشد پس از آن بر به قدر یک نفس ساکت می ایستی پس دستها را بلند می کنی به جهت گفتن تکبیر به طریقی که سابق ذکر شد.

دعای رکوع

پس برو به رکوع و می گذاری دست راست را بر سر زانوی راسته پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ و انگشتان کف دست را از هم باز می کنی و کمر را خم کرده و گردن را خمیده مساوی با کمر و نظر را به مابین قدمها می افکنی و بگوید: **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ** و سزاوارست که این ذکر را هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بگوید و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:

اللَّهُمَّ لَكَ زَكَمْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَفْعِي وَلَهْفِي وَتَقَبَّلْ مِنْي وَغَصْبِي

وِعِظَامِي وَمَا أَلْقَيْتُ قَسَمًا يَـ ۚ غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْبَرٍ وَلَا مُسْتَهْزِئٍ.

دعای سجود

پس بر سر از رکوع و یا پشت و در این حال می‌گوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُ لِمَنْ خَضَعْتُ بِسَ تَکْبِيرِ می‌گویم و برو به سجده با نهایت خضوع و خضوع و کفها را بین کرده پیش از رانوها بر زمین می‌گذاری و سجده می‌کنی بر تربت امام حسین (ع) و ذکر سجده را بگو و بهتر آن که هفت یا بیج یا سه مرتبه بگویی و پیش از ذکر این دعا را بخوانی:

اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آفَتُ وَكَأَسَلْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي ۚ سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۚ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْعَالَمِينَ.

پس ذکر را بگو و سر از سجده بردار و بنشین و مستحب است که تکبیر بگویی و متذکر^(۱) بنمایی و بگویی: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و نیز می‌گویی: اللَّهُمَّ اِنصُرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاجْرِنِي^(۲) و اذْفَعْ عَنِّي وَعَائِظِي ۚ إِلَهِي إِنَّمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ۚ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

پس تکبیر می‌گویم و برو به سجده بزم و به عمل می‌آوری آنچه در سجده اول بها می‌آوردی، پس سر از سجده بردار و جلوسه استراحت را بها می‌آوری، پس بر خسر و در حال برخاستن می‌گویی: بِخَوْلِي اللَّهُ وَفُوتِي الْكُومُ وَأَقْعُدْ و چون قرار گرفتی بخوان «حمد» و سوره را و بهتر آن که سوره فاتحه بخوانی و مستحب است گفتن سه مرتبه «كذلك الله ربِّي» بعد از فراغ از سوره توحید پس تکبیر می‌گویم و دستها را به جهت تئوت بلند می‌کنی تا به مقابل صورت و شکم کف دستها را به سوی آسمان می‌کنی و انگشتان را به هم می‌چسبانی، سواي انگشت بزرگه

دعای قنوت

و خوب است آن که اختیار کنی به جهت قنوت خواندن کلمات فرج^۱ را و بخوانی بعد از آن:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَأَعِزَّنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس می‌گویی: اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَصْبَحَ وَلَهُ يَفْقَهُ لَوِجَاءُ غَيْرِكَ قَانَتْ بِشَتِي وَرَجَاتِي. يَا أَبْجُودَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ لَسْتُ رَجَمَ. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَارْحَمْ صُغْفِي وَصَشَكْتِي وَقِلَّةَ حَيَاتِي. وَأَسْأَلُ عَلَى بِالْجَنَّةِ طَوْلًا مِنْكَ. وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. وَعَافِنِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي. بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و سزاوار است طول دادن در قنوت و دعاها را که در قنوت خوانده می‌شود بسیار است پس تکبیر می‌گویی و رکوع و سجود را بجا می‌آوری به همان نحو که مذکور شد و بعد از فراغ از دو سجده پیشین در برای تشهد و سلام و مصحح است آن که متوژکا^۲ بنشیند و پیش از تشهد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْعَفْدُ لِلَّهِ. وَحَيِّزُ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا لِلَّهِ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... تا آخر

در تعقیب نماز صبح

و چون فارغ شدی از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب که بهترین چیزها است و برای ریاضتی در روئی، بلکه دعا خواندن بعد از نماز فیضه افضل است از خواندن نماز نافله و افضل تعقیبات^۳ تسبیح حضرت فاطمه^۴ است که خواندن آن در تعقیب نمازهای یومیه محبوب تر است نزد حضرت صادق^۵ از هزار رکعت نماز در هر روز، و از خاصیت آن این است که هر که مواظبت نماید به خواندن آن، شقی و بدعائیت می‌شود و آنچه در فضیلت این تسبیح شریف وارد شده ریاده^۶ از آن است که ذکر شود و باید که تعقیب نماز متصل باشد به فراغ از نماز به همان هیئت که نکته است رو به قبله و متوژکا^۷ و سزاوار است که دو انتهای آن یا کسی حرف نزند و

مرا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ... می‌باشد

الطغات و اشتغال به چیز دیگر تساهل و آنچه در تعقیب خواننده می شود بسیار است و ما به جرمی از آن در این جا اکتفا می نمایم پس گوئیم.

چون سلام ساز گفتی به تکبیر می گوئی و در هر تکبیر دستها را بلند کرده مقابل صورت می کنی و این تکبیرات اول تعقیبات است پس می گوئی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ أَحَدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا تَعْبُدُ إِلَّا
إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا
الْأَوَّلِينَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَرُ وَعَبْدُهُ وَنَصْرَ عَبْدِهِ. وَأَعْمَرُ
جَلْدُهُ. وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ. فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْخِصْمُ يُخَبِّرُ وَيُخْبِتُ
وَيُخْبِتُ وَيُخَبِّرُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ. يَبْدِئُ الْخَيْزَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ. أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ اغْنِنِي مِنْ جَنْبِكَ. وَأَقِضْ عَلَيَّ مِنْ قَضَائِكَ. وَأَنْشُرْ عَلَيَّ
مِنْ رَحْمَتِكَ. وَأَنْقِضْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ. شَيْعَانِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْرِي
ذُنُوبِي كُلُّهَا جَمِيعاً فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلُّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ حَزَبٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ
عِلْمُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا
وَعَذَابِ الْآخِرَةِ. وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا
تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَشَرِّ
الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا. وَلَا حَزَلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ
الَّذِي لَا يَمُوتُ. وَالْخَصَدُ إِلَهُ الَّذِي لَمْ يَتَجَدَّ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكَ فِي
الْمُلْكِ وَتَمَّ يَكُنْ لَهُ وَلِيُّ مِنَ الدَّلِّ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا

دعای بعد از نماز صبح

پس تسبیح و تہلیل می فرستی و مستحب است آن که تسبیحی که به آن ذکر می کنی از قرب امام حسین (ع) باشد و رنگ برسد آن کیود باشد پس می گویند:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَمُوتُ عَلَيَّ أَهْلُ سَمَلَكِيهٖ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلُ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصْرًا وَلِقْهًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَزِدُّنِي فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّنِي فِي قَبْرِ رُوحِ غَيْبِي الْمُؤْمِنِ يَنْكُرُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَامَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِأَوْلِيَائِكَ الْفَرَجَ وَالْمَعَايَةَ وَالنَّصْرَةَ وَلَا تُسَوِّنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي أَخِي مِنْ أَجْبَسِي

پس ده مرتبه این تطبیح را می خوانی که مختص نماز صبح است: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ الْمَلِكُ وَلَهُ الْقُدْرَةُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُعِيبُ وَيُخْفِي وَهُوَ خَيْرُ لَا يَمُوتُ بِهِ الْعَهْرُ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و ده مرتبه می گویند: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَيَحْمَدُهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و این دعا نیز مختص به تطبیح نماز صبح است.

پس می گویند ده مرتبه: مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

و ده مرتبه: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

و ده مرتبه: أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ

و ده مرتبه: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

وَدِدْتُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَفْتُ لَا شَرِيكَ لَهُ. أَلْهَا وَاجِدًا أَحَدًا
فَرَدًا صَحْدًا لَمْ يَتَّخِذْ سَاجِدَةً وَلَا وَلَدًا

و من مرتبه شهنشان الهی و التمجید لله و لا اله الا الله و الله اکبر
پس می خوانی: اَعِیْذُ نَفْسِی وَ دِیْنِی وَ أَهْلِی وَ عَمَلِی وَ وَلَدِی وَ اخَوَانِی وَ مَا
زَلَلَنِی زَنْبِی وَ جَمِیعَ مَنْ یَغْتَوْنِی اَمْرُهُ بِاللّهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ. تا آخر
سوره توحید. پس می گوئی: وَ یَرْبُّ الْعَالَمِیْنَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ. تا آخر سوره. وَ یَرْبُّ
النَّاسِ هَؤُلَاءِ النَّاسِ. تا آخر سوره.

پس می خوانی از قرآن سوره مبارکه «فاتحه» و «آیه الکرسی»^(۱) و «شهد الله» تا «و یاربُّ الله
سریع الجواب»^(۲) و «آیه قل اللهم»^(۳) و «آیه صخره»^(۴) و آخر «کعبه» آیه «قل لو کان البحر»^(۵)
و. و می خوانی از اول سوره «الصفات» تا «فما یجاب»^(۶) و «آیه آخر آن را»^(۷) و «آیه
از سوره فرقان»^(۸) که اولش این است «یا معشر الجن و الإنس» و چهار آیه از سوره «حشر» که
اولش این است «لو انزلنا هذا القرآن»^(۹) پس دوازده مرتبه سوره «توحید» می خوانی، پس دستها
را بهن می کنی و می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوجِ الطَّهِرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ. يَا وَاهِبَ الْخَطَايَا وَيَا مُطَهِّرَ
الْأَسَارِي وَيَا فَكَكَالَةَ^(۱) الرُّقَابِ مِنَ النَّارِ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا. وَأَنْ
تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا. وَأَنْ تُجَمِّلَ دُعَائِي لَوْلَهُ فَلَاحًا وَآوَسَةً نَجَاحًا

۱. بقره ۲۵۵. آیه ۱۸ و ۱۹

۲. اعراف ۲۷۱. آیه ۵۶ تا ۵۷

۳. الصفات ۳۷۱. آیه ۱ تا ۱۰

۴. الفرقان ۲۵. آیه ۲۲ تا ۲۵

۵. یوسف ۲۱

۶. بقره ۲۵۵. آیه ۲۵۵

۷. آل عمران ۳۷۱. آیه ۳۷

۸. کعبه ۸۱. آیه ۹

۹. الصفات ۳۷۱. آیه ۱۸۰ تا ۱۸۲

۱۰. حشر ۵۹. آیه ۲۶ تا ۲۷

وآخره صلاحاً. انك انت غلام الغيوب

پس مكرم سبحان الله كلما سبح الله شيء وكما يحب الله ان يسبح
وكما هو امله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله. والحمد لله كلما
حمد الله شيء وكما يحب الله ان يحمد وكما هو امله وكما ينبغي
لكرم وجهه وعز جلاله. ولا اله الا الله كلما علل الله شيء وكما يحب
الله ان يهلل وكما هو امله وكما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله. والله
اكبر كلما كبر الله شيء وكما يحب الله ان يكبر وكما هو امله وكما
ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله. سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
والله اكبر على غنى كل بضعة انعم بها علي وعلى كل احد من خلقه بمن
كان او يكون الى يوم القيامة. اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وآل
محمد واسألك من خير ما لزوجو وخير ما لا لزوجو. واعوذ بك من شر
ما اخذت ومن شر ما لا اخذت.

پس سرخاستی این دعا را و این مختصر به تطبیق ساز صبح است.

بسم الله وبالله وصلّى الله على محمد وآله واولادهم اجمعين الى الله ان
الله يصير بالعباد. فوقية الله شهادات ما تكبروا. لا اله الا انت
سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناك من القم وكذلك
تسبي المؤمنين. حسنينا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بينة من الله وفضل
ثم يمتنعهم سوء. ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله. ما شاء الله
لا ما شاء الناس. ما شاء الله وان كره الناس. حسبي الرب من
المزبوس. حسبي العالق من المخلوقين. حسبي الزارق من العزوقين.
حسبي الله الذي لم يزل حسبي. حسبي من كان قد كنت حسبي.

خَسْبِي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
 پس می گوید: اللَّهُمَّ أَصْبِحْ ظُلُمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ. وَأَصْبَحْتُ ذُنُوبِي
 مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ. وَأَصْبَحْ خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ. وَأَصْبَحْ فَقْرِي
 مُسْتَجِيراً بِوَسَاكَ. وَأَصْبَحْ ذَلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزَّتِكَ. وَأَصْبَحْ ضَعْفِي مُسْتَجِيراً
 بِقُوَّتِكَ. وَأَصْبَحْ وَجْهِي الْفَاقِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي. يَا كَانِنَا كُلِّ شَيْءٍ
 شَيْءٍ. وَيَا كَانِنَا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ. وَيَا مَكُونُ كُلِّ شَيْءٍ. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ. وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجاً وَمَخْرَجاً. وَأَزِفْنِي مِنْ حَيْثُ اخْتَسَبْتُ
 وَمِنْ حَيْثُ لَا اخْتَسَبُ.

پس می گوید: محاسن خود را به دست راست و دست چپ را می کشی و باطنش را به سمت
 آسمان می کنی و هفت مرتبه می گوید: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجْعَلْ فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 و هفت مرتبه بر می گوید: يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ وَأَغْنِنِي وَقَبْطِي مِنَ النَّارِ.

پس می گوید: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ. يَا خَيْرُ يَا قُدُّوسُ. بِرَحْمَتِكَ
 أَسْتَغِيثُ اللَّهُمَّ أَنْتَ يَقْنِي فِي كُلِّ كَرْيَةٍ. وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدْوَةٍ.
 وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزْلٌ بِي بَقَّةٌ وَعُدَّةٌ فَأَعْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَارْحَمْنِي
 عَمِّي وَفَرِّجْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَعْنِي بِخِلَافِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِقَبْلِكَ عَنْ سُوءِكَ.

پس می خوانی این دعا را و این دعای است که در تخبیب قرصه شب سر خوانده می شود.

أَصْبَحْتُ لِلَّهِمَّ^(۱) مُتَعَصِّماً بِإِمَامِيكَ الْمَسِيحِ الَّذِي لَا يُعَاوَلُ وَلَا يُطَاوَلُ^(۲)
 مِنْ شَرِّ كُلِّ غَائِمٍ وَطَارِقٍ. مِنْ سَائِرِ مَا خَلَقْتَ مِنْ حَلِيقِكَ الصَّامِتِ

۱ اگر در شب بخوانی می گوید: اَسْتَعِثُ اللَّهُمَّ

۲ لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُعَاوَلُ

وَالنَّاطِقِۖ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ يَلْبِسُ سَابِقَةَ وَلَاہِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْۖ مُخْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي بِأَذْيَةٍ بِجِدَارِ
حَصِينِ الْإِسْلَامِ فِي الْأَعْتَرافِ بِعَقْبِهِمُ وَالْتِمَسُكَ بِعَنْبَتِهِمْۖ مُؤَقِّناً بِأَنَّ الْحَقَّ
لَهُمْ وَعَقْبُهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْۖ أُولَیِّ مَنْ وَالُوا۟ وَأَجَابِبُ مَنْ جَانَبُوا۟ فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ مَا أَتَقْبَهُۥ ۝ یا عَظِيمُ خَفِزَتْ
الْأَعَاوِي عَنِّي بِبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِۖ ۝ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً
وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

پس می خوانی دعای صباح حضرت امام زین العابدین علیہ السلام را و آن دعای ششم صحیفه است.
و سزاوار است خواندن سوره «یس» بعد از تظلم صبح.

دعای صباح

و از جمله دعاهای مشهوره دعای صباح است از کلام حضرت امیر المؤمنین علیّه که بعد از نماز
صبح خوانده می شود. و دعا را در سلفه صحیح ذکر نمودیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِۖ یا مَنْ دَلَّعَ لِسَانَ الصُّبْحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِۖ
وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِشَرَاجِبِ تَلْجُلِهِۖ ۝ وَأَتَقَرَّ صُنْعَ فَطْرِكَ الدُّوَارِ لِي
مَقَادِيرَ تَهْرِجِهِۖ وَتَشَفَّعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجِجِهِۖ یا مَنْ قَلَّ عَلَى دَالِهِ
بِنَاتِهِۖ وَتَرَفَّ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِۖ وَجَلَّ عَنْ مُلَاطَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِۖ یا مَنْ
قَرَّبَ مِنْ خَوَاطِرِ الظُّلُمِ وَبَعَدَ عَنْ مُلَاحَظَةِ الْفُجُورِ وَغَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ
يَتَكُونَۖ یا مَنْ لَزَقْتَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِۖ وَأَيْقَنْتَنِي إِلَى مَا مَتَّعَنِي بِهِ مِنْ
مِنِّهِۖ وَإِحْسَانِهِۖ وَكَفَّ أَكْثَرَ الشَّوْءِ عَنِّي بِيَدِهِۖ وَسُلْطَانِهِۖ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى
الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَقْبَلِۖ وَالْعَامِيكَ مِنْ أَشْيَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرِّ الْأَطْوَلِۖ

وَالنَّاصِعِ الْحَسِبِ فِي ذُوقَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبِلِ . وَالثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى رَحَالِهَا فِي
الرَّمَنِ الْأَوَّلِ . وَعَلَى إِلَهِ الْأَخْيَارِ الْمُضْطَّعِينَ الْأَبْرَارِ

وَأَفْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ . وَأَبْسِنَا اللَّهُمَّ
مِنْ أَفْضَلِ حِلَجِ الْهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ . وَاعْرِضْ اللَّهُمَّ لِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ حَسَابِ
بَيْتَابِغِ الْخُشُوعِ . وَأَجِرْ اللَّهُمَّ لِيَهْنِكَ مِنْ أَمَاقِ زُفْرَاتِ النُّسُوعِ . وَادَّبِ
اللَّهُمَّ نَرَقَ الْخُرْقِ مِنِّي بِأَرْمَةِ الْقَنُوعِ

إِلَهِي إِنْ لَمْ تَهْتَبْشِي الرَّحْمَةَ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّائِلُ بِإِلَهِكَ
فِي وَاجِحِ الطَّرِيقِ؟ وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَاكَ لِقَائِهِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقْبِلُ
عَثَرَتِي مِنْ كِبَوَةِ الْهَوَى؟ وَإِنْ حَذَلَنِي نَصْرُكَ جِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّهْطَانِ
فَقَدْ وَكَلْتَنِي جَذْلَانُكَ إِلَى حَيْثُ النُّصْبِ وَالْجِزْمَانِ

إِلَهِي أَتَرَانِي أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ أَمْ غَلَقْتَ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ إِلَّا
حِينَ بَاعَدْتَنِي مُتَوَبِّي عَنْ دَارِ الْوَصَالِ؟ فَبِشَسِّ الْمَطِيَّةِ الَّتِي امْتَنَعْتَ نَفْسِي
مِنْ هَوَاهَا . فَوَاهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظَنُونُهَا وَمُنَاهَا . وَتَبَّأَ إِلَهَا لِعِزَّائِهَا عَلَى
سَيْدِهَا وَمَوْلَاهَا

إِلَهِي لَقَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بَيْنَ رِجْلَيْ . وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِاجْتِنَاءٍ مِنْ لَزْظِ
أَهْوَانِي . وَغَلَقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنَاوِلَ . وَلَا تَنِي . فَاصْفَحْ اللَّهُمَّ عَمَّا جَرَمْتُهُ
مِنْ زَلَلِي وَخَطَاتِي . وَابْكِنِي اللَّهُمَّ مِنْ صَرْعَةِ رِجْلَانِي . فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ
وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي . وَغَايَةُ مُسَائِي فِي مُتَقَلَّبِي وَمُتَوَاوِي

إِلَهِي كَيْفَ تَنْظُرُ دُشْمَانِي إِلَى جَنَابِكَ سَائِعِيَا؟ أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمَانَا زَرْدَ إِلَى
جِيَاضِكَ شَارِيَا؟ كَلَّا وَجِيَاضُكَ مَتْرَعَةٌ فِي شَمْسِكَ الْمُحَوَّلِ . وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ

لِلطَّلَبِ وَالْوَعْدِ. وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ.

الهي هَذِهِ أَرِيْمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيئَتِكَ. وَهَذِهِ أَغْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا
بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ. وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُصَلَّةُ وَكُنْتُهَا إِلَى جَسَابِ لَطْفِكَ.
فَاَجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى. وَالسَّلَامَةِ فِي الذَّهْرِ
وَالشَّيْءِ. وَمَسَائِي جَنَّةً مِنْ كَيْدِ الْفِتْنِ. وَوَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَابِ الْهَوَى. إِنَّكَ
لَا يَزُغُ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ. تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ. وَتَنْزِعُ الْعُلُوكَ مَنْ تَشَاءُ.
وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ. وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ. بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
تُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ. وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ. وَتُخْرِجُ الْخَبْرَ مِنَ الْمَيِّتِ.
وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْخَبْرِ. وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ جَسَابِ.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ. مَنْ ذَا يَعْلَمُ قُدْرَتَكَ فَلَا
يُخَالِفُكَ؟ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ؟ أَلَقْتَ بِقُدْرَتِكَ الْهَرَقَ. وَفَلَقْتَ
بِرَحْمَتِكَ الْفُلُقَ. وَأَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَارَ الْجَنَّةِ. وَأَنْهَزْتَ الْوَيْاءَ مِنَ الْقُصَمِ
الْمُيَاخِيهِ غُلْبًا وَأَجَاجًا. وَأَنْزَلْتَ مِنَ الْمُنْصَرَاتِ مَاءً لِحَاجَا. وَجَعَلْتَ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِلتَّيَرَةِ سِرَاجًا وَأَجَاجًا. مِنْ غَيْرِ أَنْ تُعَارِضَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ
بِهِ لِقُوبًا وَلَا عِلَاجًا. فَمَا مِنْ تَوَخُّدٍ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ. وَلَهْزٍ بِعِبَادَةِ الْبَاقِيَاتِ
وَالْقِيَامَةِ. ضَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَتْقِيَاءِ. وَاسْتَمِعْ يَدَانِي. وَاسْتَجِبْ دُعَائِي.
وَاحْقُقْ بِفَضْلِكَ أَمْلِي وَرَجَائِي.

يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ وَالْمَأْمُولِ. لِكُلِّ غُصْرٍ وَيُسْرٍ بِكَ أَنْزَلْتَ
حَاجَتِي. فَلَا تُؤْخِرْني مِنْ سَخِيٍّ مُوَاجِبِكَ حَاجِيَاءَ. يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ
يَا كَرِيمَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ.

تَهْلِكُنَّهُمْ وَتُخَوِّرَتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس سه مرتبه می گوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْبَرَّ بِفَدَا مُحَمَّدٍ

پس جانب راست روی را بر زمین می گذاری و سه مرتبه می گوید:

يَا كَافِيَّ جِوْنَ تَغِيْبِي الْخِذَابُ وَتَضِيْقُ عَلَيَّ الْاَرْضُ بِمَا رَحِبَتْهُ
وَيَا بَارِيَّ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَكَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَغِيثِينَ مِنْ آلِي مُحَمَّدٍ

پس بجانب چپ رو را بر زمین می گذاری و می گوید سه مرتبه: يَا مُلْكُ كُلِّ جَبَّارٍ

وَيَا مُجْرًا كُلِّ ذَلِيْلٍ قَدْ وَعَدْتِكَ بَلَّغْ بِي مَجْهُودِي فَطْرُجْ عَنِّيْ

پس سه مرتبه می گوید: يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَارِهُنَا الْكُذْبَ الْعَظِيمَ

پس برمی گردی به سجود و چپه را بر زمین می گذاری و صد مرتبه: شُكْرًا شُكْرًا

می گوید:

پس سه مرتبه می گوید: يَا سَامِعُ الصَّوْتِ يَا سَابِقَ الْفَوْتِ يَا بَارِيَّ السُّفُوفِ

بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس حاجت خود را می طلبي و چون سر از سجده برداشتی می مالی دست خود را بر موضع

سجود، پس مسبح می کنی به آن صورت خود را از جانب چپ صورت سه مرتبه پس چپین پس جانب

راست رو را سه مرتبه، و در هر مرتبه می گوید: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْخُضُوْدُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيْمُ اَللّٰهُمَّ اَنْفِثْ عَنِّيْ النِّمَّ وَالْحَزْنَ وَالْوَبْسَ

وَالْهَمَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ

فصل دوم

در مختصری از اعمالی که متعلق به مابین طلوع آفتاب و غروب آن است
چون آفتاب غروب طلوع کند در آن وقت ده مرتبه می گوید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَنْ
يَحْضُرُونَهُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و سزاوار است آن که در هفتای روز صدای دهی اگر چه چهر کسی باشد و چهرایی که در روز
واقع می شود مانند پوشیدن لباس و بیرون رفتن از منزل و داخل شدن و خوردن و آشامیدن و
مصاحب کردن و سایر چیزها آداب آن ها بسیار است مراعات آن لازم است و مقام را گنجایش
ذکر آن ها نیست، هر که خواهد رجوع کند به کتاب سنن و آداب یا مفاهید التمام که غیر تفصیل
آداب هر یک را در آن دو کتاب متعرض شدیم و در این جا قناعت می کنم به همان آداب نمازها.
و سزاوار آن است که پیش از ظهر مهتا شوی برای ساز ظهر و مقدم داری خراب قبله^۱ را و
غروب قبله همین است برای عبادت در شب و روزه روز و جد و جهد می کنی که برای ظهر بیدار
شوی پس وضو می گیری و می روی به جانب مسجد و ساز نمیز مسجد را بجای می آوری و
منتظر دخول وقت می شوی اگر وقت داخل نشده و مستحب است آن که نماز در وقت خوانده
شود و چون روال مطبق شد اول کاری که می کنی آن است که می گوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْأَعْلَى لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا

و اگر به وضو نیستی عبادت کن به وضو گرهن و آدابی که در سابق ذکر شد به حل می آوری.

در نوافل ظهر است

پس شروع می کنی به خواندن نوافل ظهری و آن ها هشت رکعت است پس نیت می کنی در
برای دو رکعت اول و هفت تکبیری که در سابق ذکر شد یا دعاها پیش بجا می آوری و کلمه استعاذه

۱ خراب کر تابی که هنگام ظهر یا پیش از آن صورت می گیرد قبله نام دارد

را می‌گویی و می‌خوانی سوره «حمد» و «توحید» در رکعت اول، و سوره «حمد» و «قل یا ایها
الکافرون» در رکعت دوم، و بعد از فراغ از این دو رکعت سه تکبیری که اول تعقیبات دیگر سه یا
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام می‌گویی پس می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ قَلْبِي فِي رِضَاكَ ضَعِيفٌ وَخَذْتُ إِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي
وَاجْعَلْ الْإِيمَانَ مُنتَهَى رِسَالِي وَبَارِكْ لِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَتَلْطَمِي
بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو مِنْكَ وَاجْعَلْ لِي وَدًّا وَشُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَغَدًّا
جَنَدًا

پس بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر بجای می‌آوری به همین طریق مگر آن که شش تکبیر است
و سه می‌گویی و نیز بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر به همین کیفیت بجای می‌آوری و تسبیح و دعای
مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز می‌خوانی و دو رکعت دیگر از این نوافل را ما بین اذان و
اقامه می‌کنی و بعد از اقامه نماز می‌گویی:

اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدُّعْوَةِ الثَّامَةِ وَالصَّلَاةِ الْفَاتِحَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِإِلَّهِ اسْتَغْنَى وَبِإِلَّهِ
اسْتَشْفَعُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ اتَّوَجَّهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ جَنَدًا وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبَيْنَ الْمُتَّقِينَ

در تعقیب نماز ظهر است

پس مشغول شو به خواندن نماز ظهر و مراعات می‌کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و
در این جا در ما سوائی بسم الله هست بطول، و بهتر آن که بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره
«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را و در رکعت دوم سوره «توحید» را

و چون دو رکعت از آن را خواندی و اگر تشهد فارغ شدی می‌گویی بعد از صلوات تشهد
«وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ» پس برخیز و بخوان سیصد مرتبه و اگر
امشاه کنی استغاری غریبه الی الله می‌خوب است، پس رکوع و سجود را بیجا آور به همان ادایی
که در سابق به شرح رفت پس بر خیز از رکعت سوم و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیت بکن.

پس تشهد و سلام بخوان، پس از نماز شروع می‌کنی به خواندن تطیب و این سه تکبیری که اول تعقیبات بود می‌گویی، پس می‌خوانی: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» تا آخر دعاء که [در صفحه ۱۶۷۹] مذکور شد پس تسبیح زهرات را می‌گویی و می‌خوانی آن چند جورهایی در تعقیبات مشترک که بعد از نماز صبح می‌خواندی.

دعای بجاح

پس می‌خوانی دعاهایی را که مخصوص به نماز ظهر است و اینها دعاهایی چند است در جمله این دعا است که معروف است به دعای بجاح.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا يُنْهَكُنَّ وَرَبَّ الْقُرْبَى الْعَظِيمِ وَرَبَّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ السَّيِّئَاتِ الْمُنَافِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَبِهِ تُخْفِي الْمَوْتَى وَتُزِيلُ الْأَحْيَاءَ وَتُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَتُجَمِّعُ بَيْنَ الْمُسْتَغْرِبِ وَبِهِ أَحْضَيْتَ عَذَّةَ الْأَجَالِ وَوَزَنَ الْجِبَالِ وَكَوَيْلَ الْبَحَارِ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ". پس حاجت خود را از حق تعالی طلب می‌کنی.

دعای بیت مصور در تعقیب نماز ظهر

در جملة تعقیبات مخصوصه به نماز ظهر این دعای شریف است که جبرئیل علیه السلام از جانب حق تعالی هدیه آورده به پیغمبر ﷺ با شرح آن و در قیام نمازها هم خوانده می‌شود و موسوم است به دعای اهل البیت المصور.

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَشَتَرَ الْقَبِيحَ يَا مَنْ لَمْ يَأْخُذْ بِالْجَوْدَةِ وَلَمْ

يَعْلَمُكَ الشُّرَكَاءُ يَا كَرِيمُ الصَّفْحُ يَا عَظِيمُ الْعَفْوُ يَا حَسَنُ التَّجَاوُزِ يَا بَاسِطُ
 الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَةٍ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا فَارِجَ الْهَمِّ
 يَا مُفَرِّجَ كُلِّ كَرْبَةٍ يَا مُقْبِلَ الْفَتَرَاتِ يَا كَرِيمُ الصَّفْحِ يَا عَظِيمُ الْحَرَمِ
 يَا مُبْتَدِئاً بِالنَّحْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا عَايَةَ رَغْبَتَاهُ أَسْأَلُكَ
 بِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ بْنِ
 عَلِيٍّ وَجَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ
 وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْأَمِينِ الْهَادِيَةِ عَنْهُمْ
 السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ أَنْ
 لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ وَلَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

دعای بعد از نماز ظهر

و از جمله این دعای عالی الشانین است که شیخ طوسی در مصباح ابرار فرموده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْخَلِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَغَرَائِمَ
 قَطْرَتِكَ وَالْفُضَيْمَةَ مِنْ كُلِّ يَوْمٍ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ آثَمِ اللَّهُمَّ لَا تُدْخِلْ
 دِينِي إِلَّا طَهْرَتَهُ وَلَا عَمَلًا إِلَّا فَرْجَتَهُ وَلَا كَرَامًا إِلَّا كَشْفَتَهُ وَلَا سُلْطَمًا إِلَّا
 شَفِيعَتَهُ وَلَا غِيَا إِلَّا سَعْرَتَهُ وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسْطَتَهُ وَلَا دِينًا إِلَّا قَضِيَّتَهُ
 وَلَا حَوْلاً إِلَّا أَمْنَتَهُ وَلَا سُوءًا إِلَّا صَرْفَتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنِّي لَكَ رِضًا وَلِي
 فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضِيَّتَهَا يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

پس می‌گوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِرَأْدَةٍ مِنَ النَّارِ

فَاكْتُبْ لَنَا بَرَاءَتَنَا مِنَ النَّارِ وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ
فَلَا تَبْتَلِنَا وَفِي الصَّرِيعِ وَالرُّقُومِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَفِي الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا
تَجْعَلْنَا وَفِي وَجْهِهِ فِي النَّارِ فَلَا تَكْبِتْنَا وَفِي ثِيَابِ النَّارِ وَسَرَابِيلِ
الْقَطْرَانِ فَلَا تَلْبِسْنَا وَفِي كُلِّ سُوْرٍ يَا إِلَهَ إِلَهَاتِ أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَتَجْعَلْنَا
وَفِي رَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَاجْعَلْنَا وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْزُقْنَا وَفِي كُلِّ كَأْسٍ مَعِينٍ
وَسَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَفِي الْخَوَرِ الْحَيْنِ بِرَحْمَتِكَ فَارْزُقْنَا وَفِي الْوِلْدَانِ
الْمُفْلِدِينَ كَانَهُمْ لَوْلَوْ مَكُونُ فَاجْعَلْنَا وَفِي ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ
فَاطْعِمْنَا وَفِي ثِيَابِ الْفَخْرِ وَالسُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَالْبَسْنَا ۝ وَلَمَلَّةُ
الْقَمَرِ ۝ فَارْحَمْنَا وَخِجْ بِرَيْتِكَ الْفَرَامِ فَارْزُقْنَا وَسَلِّدْنَا وَلَقَرْنَا إِلَهَكَ زُلْفَى
وَصَالِحِ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا يَا حَافِقُنَا اسْمُخْ لَنَا وَاسْتَجِبْ مِنَّا
وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا يَا رَبَّ عَرْجَ جَارِكَ
وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ طَهْرُكَ

پس دو مرتبہ سرگوں، بِاللّٰهِ اغْتَضَضْتُ وَبِاللّٰهِ اَتَّقُ وَعَلَى اللّٰهِ اَتَوَكَّلُ
پس سرگوں اَللّٰهُمَّ اِنْ عَظُمْتَ فَتَوَبِي فَانْتَ اعْظَمُ ۝ وَاِنْ كَبُرَ تَقَرُّبِي فَانْتَ
اَكْبَرُ ۝ وَاِنْ دَامَ بَحْلِي فَانْتَ اَجْوَدُ ۝ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ عَظِيْمَ مُدْبِي بِعَظِيْمِ عَفْوِكَ
وَكَبِيْرَ تَقَرُّبِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ ۝ وَاقْمَعْ بَحْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ ۝ اَللّٰهُمَّ مَا بِنَا
مِنْ نِعْمَةٍ لِّمَوْلَاكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَاتُوبُ إِلَيْكَ

پس سجدہ شکر بجا می آوری و سرگوں دو سجدہ و بعد از سجدہ آمیجہ را کہ در آخر عمل

اول (صفحہ ۱۶۸۷) ذکر نمودیم

آداب نوافل و تعقیب نماز عصر

و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مؤتمداً می‌روی به جهت نماز عصر، پس بر می‌حسری به جهت ناله عصر و آن هشت رکعت است، پس دو رکعت از آن را بجا می‌آوری بدون شستن تکبیرات افتتاحیه و می‌خوانی در آن بعد از حمد هر سورتی که خواهی، و بعد از سلام این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّمُ . الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . الْعَلِيمِ الْكَرِيمِ .
الْمَخَالِقِ الزَّالِقِ . الْمُخْبِيِّ الْمُخْمِتِ . الْمُبْدِيِ الْمُبْدِيْعِ . تِلْكَ الْخَفْدَةُ . وَلَكَ الْكَرَمُ .
وَلَكَ الْقُدْرَةُ . وَلَكَ الْجُودُ . وَلَكَ الْأَمْرُ . وَخِفْتُكَ لَا شَرِيكَ لَكَ . يَا وَاحِدُ
يَا أَحَدُ . يَا صَدُّ . يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدُ . وَلَمْ يَسْجُدْ
سَاجِدَةً وَلَا وَلَدًا . صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا . بجا
بیا فاعل بیا کذا حاجت خود را می‌خواهی - پس می‌گویی:

يَا غُلْتِي فِي كُرْبَتِي . وَيَا صَاحِبِي فِي غُرْبَتِي ^{۱۱} . وَيَا مُؤَيِّسِي فِي وَحْدَتِي .
وَيَا وَفِّي فِي بُعْدَتِي . وَيَا إِلَهِي وَآلَةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ
وَيَسْحُقُوبَ وَالْأَشْبَاطَ وَزَبَّ مُوسَى وَعِيسَى وَصَحْبَهُ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
السَّلَامُ . صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس بار حاجت خود را می‌طلبی

پس بر می‌حسری و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری و می‌خوانی بعد از آن دعای نجات را که در تعقیب ظهر می‌خواندی، پس بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر بجا می‌آوری، و می‌خوانی بعد از آن این دعا را:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ قُوتُومٌ إِذْ دَعَبَ مُغَاضِباً فَظَنَّ أَنَّ
لَنْ تُقْبِرَ عَلَيْهِ . فَتَدَايَ فِي الظُّلُمَاتِ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الظَّالِمِينَ. فَاسْتَجِبْتُ لَهُ وَنَجَّيْتُهُ مِنَ الْمَوْتِ. فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا
 أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ. وَسَأَلْتُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ. أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَإِنْ تَشْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجِبْتَ لَهُ.
 وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ أَيُّوبُ إِذْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَدَعَاكَ يَا مَسِيحِي
 الشَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. فَاسْتَجِبْتُ لَهُ وَكَشَفْتُ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْتُهُ
 أَهْلَهُ وَبَنَاتَهُمْ مِنْهُمْ. فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ.
 وَسَأَلْتُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ. وَإِنْ تَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ. وَإِنْ تَشْتَجِبْ لِي كَمَا اسْتَجِبْتَ
 لَهُ.

وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ إِذْ قُرِئَتْ بَيْنَهُ وَابْنَيْنِ أَخِيهِ إِذْ هُوَ فِي
السُّجُنِ. فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا لَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ. وَسَأَلْتُكَ وَهُوَ
عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ. إِنْ تَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ
تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ. وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجِيبْتَ لَهُ. وَصَلُّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَمَا وَكَذَا. بِسْمِ حَاجَتِ خَدَمِ دَاوُدَ حَتَّى تَصَالِي

پس بر می خیزی و دو رکعت دیگر از نافله عصر را بیجا می آوری و بعد از آن دهای اهل بیت معصوم^(ع) را می خوانی و بعد از فراغ از مولل اقل می گویی از برای سائر عصر و فاصله می کنی میان اذان و اقامه به سینه یا شستن و می خوانی دهایی را که در بین اذان و اقامه سائر صحیح می خواندی. پس بر خیز و سائر عصر را بیجا بآورد به حدیث آداب که مذکور شد، و سواد است آنکه بنوائی در رکعت اول بعد از حمد سوره طاها جامه یا سوره طالعکم التکاثیر یا امان ن را،

۱ دعای اهل بیت مصور دعاء یا من اظهر الوجود است که در شطیج معارف ظاهر گنفت (ص ۱۱۶)

و در رکعت دوم می خوانی سوره «موجده» را و بعد از فراغ از نماز می خوانی آن تعقیباتی را که در عقب نماز ظهر می خوانندی به غیر آن چه که مستحق به ظهر بود.

در تعقیب نماز عصر

پس به عمل می آوری آن چه را که مستحق به نماز عصر است که از جمله هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سوره «یا ازل» است و از جمله مستحبات به نماز عصر آن است که در تعقیب آن می خوانی این استغفار را:

اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. هُوَ الْجَلِيلُ وَالْإِكْرَامُ. وَاسْأَلْهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَظِيمًا فَلَيْلِ خَاضِعٍ فَصِيرٍ. يَا بَنِيَّ وَمُسْكِينٍ مُسْتَجِيرٍ. لَا يَخْلُكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا عِزًّا وَلَا حَيَاةً وَلَا نَشُورًا.

پس می گوئی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ. وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ. وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ. وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهَيْسَرَ بَعْدَ الْهَسْرِ. وَالْفَرْجَ بَعْدَ الْكَرْبِ. وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشَّحَةِ. اللَّهُمَّ مَا بَيْنَا مِنْ بَيْنَةٍ فُوتِكَ وَخَذَلْنَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ائْتِ بِتَوْبَتِي وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

پس سجده شکر بیجا می آوری به همان نحو که بعد از نماز صبح مذکور شد و چون خواستی در سجد بیرون بیای این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ دَعَوْتِي فَأَجِبْ دَعْوَتَكَ. وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ. وَاسْتَشْرَفْتُ فِي رِزْقِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي. فَاسْأَلْكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ. وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِكَ. وَالْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.

فصل سوم

در احوالی است که متعلق به ما بین غروب آفتاب تا وقت خواب است

بدان که آنچه سزاوار است از برای تو در نزدیکی غروب آن است که تعجیل کنی به رفتن به
جنب مسجد و آن که در وقت زردی آفتاب بگویی:

أَمْسِنُ ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِسَهْوِكَ
وَأَمْسِنُ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسِنُ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسِنُ
فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَأَمْسِنُ وَجْهِ الْهَالِي مُسْتَجِيرًا بِوُجْهِكَ الدَّائِمِ
الْهَالِي

اللَّهُمَّ أَلْهِنِي عَافِيَتَكَ وَخَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَجَلِّلْنِي كَرَامَتِكَ وَقِنِي شَرَّ
خَلْقِكَ مِنَ الْهَجْنِ وَالْإِنْسِ يَا أَلَلَّه يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ

و سزاوار است که در این وقت مشغول باشی به تسبیح کردن و انتظار سودا را در که نصبت
این وقت مثل نصبت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده: «وَسَمِعَ بِخَطْبِ رَبِّكَ قَبْلَ
طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ».

و می گویی در وقت غروب: يَا مَنْ خَتَمَ لِلنُّبُوَّةِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اخْتِمَ
لِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرِهِ وَشَهْرِي بِخَيْرِهِ وَسَنَّتِي بِخَيْرِهِ وَعُمْرِي بِخَيْرِهِ
و چون سخن کردی به داخل شدن وقت سه مرتبه می گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا
أَمْسِنُ بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَعَيْتُكَ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
لَكَ الْحَمْدُ وَتِلْكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَتَعْدَ الرِّضَا

پس سه مرتبه می گویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْغَيْبُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ

و ده مرتبه می گوید: اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِیْعِ مِنْ ضَرَرَاتِ الشَّیْطَانِ ۝ وَاَعُوْذُ بِاللّٰهِ اَنْ
يَخْضُرُوْنِیْ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ

پس می گذاری دست خود را بر بالای سرت و می کنی بر صورت خود پس می گویی محاسن
خود و به دست و می گویی:

اَخْطُتْ عَلٰی نَفْسِیْ وَاَهْلِیْ وَعَالِیْ وَوَلَدِیْ مِنْ غَائِبٍ وَشَاجِدٍ بِاللّٰهِ الَّذِیْ لَا
اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ اَلْحَمْدُ الْقَدِیْمُ لَا تَأْخُذُهُ

یَسْنَةٌ وَلَا قَوْمٌ ۝ می خوانی تا آخر آیه الکرسی ۝ پس بابت می کنی به خواندن ساز مغرب،
و مژدار نیست تاخیر افکندن ساز مغرب و از اول وقت آن، و در احادیث کثیره تأکید بسیار شده
به تأخیر نباید انداختن در اول وقتش و چون خواستی مشغول ساز شوی اذکار و اقامه می گویی به
همان آدابی که در سابق گذشت، و نیز در ما بین اذکار و اقامه می گویی:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاِقْبَالِ لَیْلِِكَ وَاَنْبَارِ نَهَارِكَ ۝ وَحُضُوْرِ صَلَوَاتِكَ ۝
وَاَصْوَاتِ دُعَائِكَ ۝ وَتَسْبِیْحِ عِلَّاتِکَ ۝ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ۝
وَاَنْ تُكَوِّبَ عَلَیْ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ

پس بر می خیزی و ساز مغرب را با آداب و شرایط بهای می آوری و بعد از فراغ از ساز سه
تکبیر، و تسبیح زهرافلا را می گویی، پس می خوانی:

اِنَّ اللّٰهَ وَصَلَاتُكَ تُسَلِّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الدِّیْنُ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ
وَسَلِّمُوا تَسْلِیْمًا ۝ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَعَلٰی قُرْبَتِهِ وَعَلٰی اَهْلِ
بَیْتِهِ

و هفت مرتبه می گویی: یَسْمِ اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ

پس سه مرتبه می گویی: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَلَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ
غَیْرُهُ

و اگر دوست داشته باشی که تعقیب بیشتر از این بتوانی افضل آن است که بعد از نافله مغرب بخوانی پس برمی خیزی به جهت خواندن نافله و مکروه است تکلم ما بین نماز مغرب و نافله آنرا و مستحب است که در رکعت اول نافله مغرب بخوانی سوره «حمد» یک مرتبه و «توحید» سه مرتبه و در رکعت دوم بعد از «حمد» یک مرتبه سوره «اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ» و اگر به حمد تنها بخوانی اکثراً کنی جایز است مثل سایر توافل.

و سرور است بلند خواندن قرآن در آن و همچنین در سایر نافله‌های شب و می‌گویی بعد از فراغ در این دو رکعت:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالسَّمْعِ الْأَعْلَى وَأَنْ إِلَيْكَ الرَّجْعُ
وَالْمُشْتَهَى وَأَنْ لَكَ الْمَمَاتُ وَالْمَغْيَا وَأَنْ لَكَ الْأَجْرَةُ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ إِنَّا
نَعُوْذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَبْلُغَ وَنَخْرَى وَأَنْ نَأْتِيَ مَا أَنْتَ تَنْهَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
أَنْ تُسَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَسْتَعِذُّ بِكَ
مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخُورِ الْبَيْنِ بِمِرَّتِكَ وَأَجْعَلَ أَوْسَعَ رِزْقِي
جَنَّةَ كَبِيرٍ سَمِيٍّ وَأَخِيْرٍ غَنِيٍّ جَنَّةَ الْقِيَامِ أَجَلِيٍّ وَأَعِزُّ فِي طَائِفَتِكَ وَمَا
يَقْرُبُ مِنْكَ وَتُعْطِي عِنْدَكَ وَيُرْفُ لَدَيْكَ عُثْرِي وَأَحْسِنْ فِي جَمِيعِ
أَسْوَائِي وَأَمُورِي مَعُونَتِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَقْطَعْ عَنِّي
بِقَضَاءِ جَمِيعِ خَوَائِجِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَابْعَثْ بِي الْوَلِيَّ وَجَمِيعَ الْخَوَائِجِ
الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس برمی خیزی و دو رکعت دیگر نافله مغرب را چهارمی آوردی به هر سوره‌ای که خواستی بعد از فراغ می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَغَضَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالسَّجَاةَ مِنَ
النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَالنَّوْرَ بِالْجَنَّةِ وَالرَّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ وَجَوَارِ
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ مَا بَيْنَا مِنْ يَمْنَةٍ فَوْقَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ أَشْتَفِيكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

پس می گوید: اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَرِّفْ بَيْنَانَا وَثَقِّلْ مِيزَانَنَا
وَافْلِحْ حُجَّتَنَا وَاسْتَرْ عَوْرَاتِنَا وَطَهِّرْ قُلُوبَنَا وَحَسِّنْ اخْلَاقَنَا وَانْزِلْ
اِرْقَانَنَا وَاحْفَظْ اَمَانَاتِنَا وَتَعَمَّلْ مِنْ مَخْرُوبِنَا وَتَجَاوِزْ عَنْ مُسِيئَتِنَا
وَاصْلِحْ ذَاتِ بَيْنِنَا وَارْفَعْ دَرَجَاتِنَا وَحَسِّنْ فُرُوجَنَا وَاحْفَظْ دِينَنَا وَلَا
تَجْعَلْ فِيهِ مُصَابِنَا اَللّهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ جَنَّتِ وَنَهَارًا وَلَعِيمًا دَائِمًا مُبَارَكًا
وَصُحْبَةَ الْاَبْرَارِ وَمُرافَقَتَهُمْ وَلَا تُخْرِجْنَا ذَلِكَ اَللّهُمَّ اخْرِجْنَا مِنَ الدُّنْيَا
سَالِمِينَ فِي وَبَّيْنَا وَادْخُلْنَا الْجَنَّةَ آمِنِينَ بِرَحْمَتِكَ وَاصْبِحْ لَنَا اِهْدَانَا
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس چون از چهار رکعت نافله مغرب خارج شدی پس مائمی نسیب از آنکه بخوانی از تطبیات
مشترکه آنچه که بخوانی پس سجده شکر می کنی به همان نحو که سابق به شرح رفت و اگر
خواستی در سجده شکر می گوید:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا بِذَلِكَ سَيِّئَاتِي
حَسَنَاتٍ وَحَاسَنَاتِي جَسَاءًا يَسِيرًا

پس جانب راست رو را بر زمین می گذاری و می گوید: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَوَدَّةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ عَوْلِ دُونِ الْجَنَّةِ
پس جانب چپ رو را بر زمین می گذاری و می گوید: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْقَلِيلِ وَقَبِلْتَ
مِنْ عَمَلِي الْيَسِيرَ

پس بر می گردی به سجده و می گوید: أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ وَجَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا وَلَمَّا تَجَبَّيْتَنِي مِنْ سَفْعَاتِ
النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس سر از سجده بر می داری و موضح سجود را مسح می کنی و می گوئی: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْغَيْبُ عَلَيَّ الْهُمُّ وَالْغَرَبُ
والمثل چیزی که در سجده شکر مجری است آن است که بگویی: شُكْرًا شُكْرًا

آداب نماز غفیله

و بعد از فراغ از این اتصال بر می خیزی به جهت خرواشدن دو رکعت نماز غفیله و در رکعت اول بعد از حمد می خوانی آیه: وَوَقَّا التَّوْبَةَ إِلَى فَعَبْتِ مُعَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ يَنْقُضَ عَلَيْهِ فَتَادِي فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَتَجَوَّزْنَا مِنْ الْغَمِّ وَكَفَلْنَا نُجَى الْمُؤْمِنِينَ

و در رکعت دوم می خوانی آیه:

«وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَخْلُمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرْ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا خَبْرٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»

و در ثنوت می خوانی این دعا را:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَخْلُمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»

پس می گوئی: اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ يَحْمَتِي وَالْقَائِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي. تَعْلَمُ حاجتِی فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي و حاجت خود را می طلبی.

و روایت شده که هر که این دو رکعت نماز را ما بین صرپ و عشا بخواند و بخواند این دعا را

و بخواهد حاجت خود را حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که خواهد
و چون شوق پنهان شود نفس و لطمه می‌گویی از برای نیاز عشا به همان ادایی که در سابق
گذشت پس شروع کن به خواندن قرصه عشا یا آداب و شرایط و سزاوار است آنکه طریقه
قنوت را و تعقیب آن را بداند و بعد از آن وقت و صبح دهارد پس می‌خوانی در تعقیب دعاها و شکر که بین
صبح و شام را.

در تعقیب نیاز عشاء

پس از آن می‌خوانی دعاها و مخصوص به شام را و آن‌ها بسیار است از جمله دعایی است که
برای طلب روزی و ولد شده و دعا چنانچه در مصباح معتبر است این است:

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي. وَإِنَّمَا أَتُكَلِّمُ بِمَخْطَرَاتٍ تُحْطَرُ عَلَى
قُلُوبِي. فَأَجُولُ فِي مَطْلَبِهِ الْبُلْدَانِ. فَإِنَّا فِيهَا أَنَا طَالِبٌ كَالْمُهْرَانِ. لَا أَقْدِرُ أَقْبَى
سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ. أَمْ فِي لَرَجٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ. أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ.
أَمْ عَلَى يَدَيَّ عَزَّ وَجْهٌ قَبِلَ عَزَّ وَجْهٌ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ جَلَّتْ عَنكَ. وَاسْتَبَانَةُ
بَيْتِكَ. وَأَنْتَ أَلْبِي تَقْسِمَهُ بِطُفِكَ وَتُسَبِّهُ بِرَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ يَارَبِّ رِزْقَكَ لِي وَابِيعًا وَمَطْلَبِي سَهْلًا وَمَأْخَذًا
لَرِبِيًّا. وَلَا تُعْشِي بِطَلَبِ مَا لَمْ تُقْضَ لِي فِيهِ رِزْقًا فَإِنَّكَ عَظِيمُ عَزَائِي
وَأَنَا قَصِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَصَلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ
إِنَّكَ تُوَفِّي عَظِيمًا

و مستحب است آن که بخوانی طاعت مرتبه سوره قدره را پس می‌گویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَصْلَتْ. وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا
أَكَلَتْ. وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَصْلَتْ. وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا فَرَّتْ. وَرَبَّ الْبِحَارِ
وَمَا جَرَّتْ. اللَّهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَآلَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَعَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ. أَنْتَ
اللَّهُ الْمُفْتَقِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ. وَأَنْتَ اللَّهُ

الْبَاطِلُ فَلَا شَرِيَةَ لَكَ مِنْكَ. رَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ. وَاللهُ إِبْرَاهِيمَ
وَأِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُتَوَلَّيَ
بِرَحْمَتِكَ. وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بَعْدَ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي
أَتَجِبُ إِلَيْكَ فَخْبَتِي. وَلِي النَّاسَ قَعْرُزِي. وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
تَسْلُمْنِي. يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

پس دعا می کنی به آنچه دوست می داری

و در جملة دعاهاى مخصوصه به توبه نماز عشا این دعا است:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَلَا تُؤْمِنَا
مَكْرُكًا. وَلَا تُؤْمِنَا بِكَرْكًا. وَلَا تُكْثِفْ غَنَا جَمْرِكَ. وَلَا تُغْرِمْنَا فَسْلِكَ. وَلَا
تُجِلْ غَنَمًا لُصْبِكَ. وَلَا تُبَاعِدْنَا مِنْ جَوَارِكَ. وَلَا تُنْقِصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ. وَلَا
تُزِرْ بِنَا بِرُكْنِكَ. وَلَا تُنْغِصْنَا عَافِيَتَكَ. وَأَصْلِحْ لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا. وَزِدْنَا مِنْ
فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ الطَّيِّبِ الْجَمِيلِ. وَلَا تُفَيِّرْ مَا بَيْنَا مِنْ بَعْثِكَ. وَلَا تُؤْيِسْنَا
مِنْ رَوْحِكَ. وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ. وَلَا تُهْلِكْنَا بَعْدَ إِهْدَائِنَا. وَهَبْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ قُلُوبَنَا سَالِمَةً. وَأَرْوَاحَنَا
طَيِّبَةً. وَأَرْوَاجَنَا مُطَهَّرَةً. وَآلِيتُنَا صَادِقَةً. وَآمَانَتَنَا دَائِمَةً. وَتَقَبَّلْنَا صَادِقًا
وَتَجَارَتَنَا لَا تَبُورُ. اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا
بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ

پس می خوانی هر یک از «طاعتها» و «توحیدها» و «دوسوره» «قل الحمد» را ده مرتبه.

پس ده مرتبه می گویی: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

و ده مرتبه صلوات می فرستی. پس می گویی:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ. وَأَسْخِ عَلَيَّ مِنْ خَلَالِ رِقِّكَ. وَمَتَّخِ

بِالْعَافِيَةِ مَا أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِ بَنِيهِ • اللَّهُمَّ مَا بَنَا
مِنْ نِعْمَةٍ فَمَنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
پس سجده شکر به جای می آوری و می گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ • انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا بِكَ مِنْكَ مِنْكَ • يَا أَحَدَ مَنْ لَا
أَحَدَ لَهُ • يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ • يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ • إِلَّا
كَرَمًا وَجُودًا • يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا • يَا مَنْ لَا
يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا • صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ • صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ

پس حاجت خود را می طلبی و سر از سجده برداشته جانب راست رو را بر زمین می گذاری و
می گویی همین دعا را، پس جانب چپ را می گذاری و همین دعا را می بخوانی، پس مرتبه دیگر سر
به سجده می گذاری و می خوانی دعای مذکور را و سزوار است آن که بخوانی پس از اینها پس دعا
را که از دعاهایی است که دهم می شود سطرهای حا به بخوانی آن و دعا این است:

يَا سَامِعَ النِّعَمِ • يَا دَائِعَ النِّعَمِ • يَا بَارِي النِّسَمِ • يَا مُجِلِّي النِّعَمِ • يَا مُسْخِئِ
الطُّلَمِ • يَا كَاشِفَ الظُّرِّ وَالْأَلَمِ • يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ • يَا سَامِعَ كُلِّ
صَوْتٍ يَا مُذَكِّرَ كُلِّ قَوْتٍ • يَا مُخَيِّبَ الْعِظَامِ وَهَيِّ رَسْمَهُ وَمُسْتَشْتَاهَا بِخَدِّ
الْمَوْتِ • صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي قُرْجًا وَمَقَرَّجًا
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

در نماز و تیری

پس نماز و تیری را جای می آوری و آن دو رکعت نماز غسسه است و بخش کشیده می شود تا
وقت نماز عشاء و در نماز و تیری می آوری آن حالت تکبیرات المتتابعه را با دعاهای آن‌ها
و مستحب است آن که در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن و خوب است آن که در رکعت

اول بعد از «حمد» خوانده شود سوره «واقعه» یا «بارک» و در رکعت دوم سوره «سجده» و می‌خوانی بعد از سلام هر دعایی را که خواستی و افضل آن است که بترتبی دعایی را که شیخ طوسی در مصباح ایراد فرموده و ازلس این است: **أَلْمُنِسْمَا وَأَلْمُنِسْمَا أَلْحَمْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكَبَرِيَاءَةُ** .

فصل چهارم

در احوالی است که متعلق است به وقت خواب تا طلوع صبح

بدان - **أَيْتَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى** - که خواب سئل مرگ لب و شاید همین که در خواب رفتی قابض الأرواح روح تو را قبض نماید پس سراور آن است که چون خواستی بخوابی، مبهای موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان سایی و قلب خود را از هوسات دنیا فارغ سازی، و باد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لحد را تنها و بی کس و وصیت خود را بوقت در زیر وسعت خود گذاری و عازم پلنی بر آنکه برای نماز شب بر غیری روا که غیر مؤمن و رنیت تو در دنیا و آخرت نواز در آخر شب است.

و می‌خوانی در وقت خوابیدن سوره قل هر الله اعده و سوره **هَالِهَاتُكُمُ التَّكَاثُرُ** و آیه **الْكَرْسَى** را، پس سه دفعه می‌خوانی:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَخْهُزْ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنْ فَخْبَزْ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَأَ فَفَقْدَزْ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَيُخَيِّبُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَمُ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس می‌گویی تسبیح حضرت دهرائلا را و می‌جویی بر طرف راست به حیث بین که در قبر گذاشته می‌شود. و اگر خواستی آنکه بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بررسی از غلبه خواب، می‌خوانی سوره «کهده» را که این آیه است: **وَقُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا**

و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که هیچ کس نمی‌خواند این آیه را در وقت خوابیدن؛ مگر آنکه بیدار می‌شود در آن ساعتی که می‌خواهد بیدار شود.

در تعویذ عقرب

و اگر از عقرب و جانورانی دیگر می ترسی بگو این دعا را که حضرت امام محمد باقر علیه السلام شده سلامتی خواننده آن را از شر عقرب و حوام تا وقت صبح و دعا این است:

أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَحَاوِرُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِيَهُ هُوَ أَحَدٌ بِمَا صَبَّحَتْهَا إِنْ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

در تعویذ رفع احتلام

و اگر از احتلام ترسی این دعا را بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِخْتِلَامِ. وَمِنْ سُوءِ^(۱) الْإِحْلَامِ. وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بَيْنَ الشَّيْطَانِ فِي الْهَقِطَةِ وَالنَّمَامِ.

در تعویذ خراب نشدن خانه

و اگر بترسی از خراب شدن خانه و مکانی که در آنجا می خواهی پس می خوانی این آیه را: «إِنَّ اللَّهَ يُخَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ عَالَمِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا».

در تعویذ دفع دزد

اگر از دزد ترسی آخر سوره «بنی اسرائیل»^(۲) را بگو که اولش این است: «قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ أَدْعُوا الرَّحْمَنَ»

دعای سرمه کشیدن

و در وقت خواب سرمه بکش هفت میل، چهار میل، دو چشم راست و سه میل در چشم چپ و در وقت سرمه کشیدن می خوانی این دعا را:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالشُّعَّةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَيْدِئاً مَا أَهْبَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و سزاوار است آن که ترک کنی خواب بین طلوع و خواب بعد از عصر را و چون خواستی بخوابی، چراغ و خاموش می کنی و رو به قبله می خوابی، و در بامی که اطرافش دیوار نداشته باشد می خوابی، و خوابی که دیدی برای هر کس نقل مکن؛ مگر آن که عالم و ناصح و مهربان باشد، و تفاسیل این مقام در کتب دیگر خود ذکر شده ام و این مختصر را گنجایشش بیش از این نیست.

در فضیلت نماز شب

بدان که دو یانی که در فضیلت نماز شب وارد شده زیاد از آن است که در این جا ذکر شود و از جمله رحمتی حضرت رسول ﷺ به امیر المؤمنین ﷺ آن است که فرمود: «و علیک بصلاة اللیل، و علیک بصلاة النّیل» سه دفعه حضرت رسول ﷺ به امیر المؤمنین ﷺ فرمود که: هر تو یاد به خواندن نماز شب، و این نهایت تأکید است در امر آن، پس سزاوار است که خود را از این بخش عظیم محروم ننموده و بعد از نصف شب او برای خواندن نماز از خواب برخیزی و چون بیدار شدی اول کاری که می کنی آن است که به سجده می روی و می گویی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي رُوحِي لِأَخِيذِهِ وَأَعْبَدُ

و چون برخاستی و شستی می گویی:

حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْوَيْلِ، حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَبِعَمِّ الْوَكِيلِ

و چون برخاستی و ایستادی می گویی:

اللَّهُمَّ آيَتِي عَلَى هَوْلِ الْمَطْلَعِ، وَوَشَعَ عَلَيَّ الْمَضْجَعِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا

بُغْدُ التَّوْبَةِ

و چون صدای خرویس شنیدی می گویی

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَولْتُ سَوْماً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَغْوِزْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پس صفا می شوی از برای عبادت به آنکه می روی به جهت نصای حاجت به بیت الخلا اگر محتاج به آن باشی و چون بیرون آیی مساوا می کنی پس وضو می گیری و در هر یک از اینها آغوش را بهجا می آوری پس بوی خوش بکاز می روی و می تنهیی رو به قبله و می خوانی مناجات حضرت امام زین العابدین علیه السلام را که در منتهای شب می خواند که اوّلش این است: **إِلَهِي غَارَتْ دُجُومٌ شَمَائِلُكَ** پس بر می خیزی به جهت خولدن ساز شب

و مساوا است آنکه بخوانی دو رکعت نماز در رکعت اول **قل هو الله احد** و در رکعت دوم **قل يا ايها الكافرون** در چنانچه از حضرت سجاده نقل شده که آن حضرت پیش از نماز شب دو رکعت نماز به این طریق می خواند

صبح بهایی فرموده که میگو است آنکه بخوانی بعد از این دو رکعت این مناجات را که ابوالکریم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل فرموده است

إِلَهِي تَكَمُّ مِنْ مَوْثِقَةٍ حَلَمْتُ عَنْ مُقَابَلَتِهَا بِنَفْسِكَ وَكَمْ مِنْ جَسْرَةٍ تَكْرَهْتُ عَنْ كَشْفِهَا بِكَرَمِكَ إِلَهِي إِنْ طَالَ فِي عَصَابِكَ غَمْرِي وَغَطَمَ فِي الصُّعْبِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ غُفْرَانِكَ وَلَا أَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ إِلَهِي أَتُكْرُ فِي ظُفْرِكَ فَتَهْوُونَ عَلَيَّ حَاطِسِي ثُمَّ أَذْكُرُ الْعَظِيمَ مِنْ أَحْدِكَ فَتَنْظُمُ عَلَيَّ بِلَيْسِي أَوْ إِنْ قَرَأْتُ فِي الصُّعْبِ نَيْتَةً أَنَا مَاسِيهَا وَأَنْتَ مُخْصِيهَا فَتَقُولُ حُلُوهُ هِيَ لَهُ مِنْ مَاحُودٍ لَا تُنْجِيهِ غَشِيرَتُهُ وَلَا تَنْقُضُهُ قَبِيلَتُهُ أَوْ مِنْ نَارٍ تَنْصَبُ الْأَكْبَادَ وَالْكُلَى أَوْ مِنْ نَارٍ تَرَاغِي لَيْسُونِ أَوْ مِنْ هَمَزَةٍ مِنْ لَهَبَاتٍ قُلَى

پس گریه می کنی و می خوانی بعد از آن هر چه خواستی و بر می خیزی به جهت خواندن نماز شب و علما فرموده اند که اول وقت آن نصف شب است و هر چه به فجر نزدیک تر باشد افضل است.

و جایز است تقدیمش بر وقتش را برای صاحبان عذر، و لکن قصا کردنش از تقدیم افضل است پس تنها می کنی دو رکعت از نافله شب را و می گویی آن هفت تکبیر را با معاهداتش که در سایل (صفحه ۶۷۵) مذکور شد.

و می خوانی دو رکعت اول بعد از حمد «قل هو الله احد» و در رکعت دوم «قل یا ایها الکافرون» و در ششم رکعت دیگر می خوانی هر سوره که خواستی، و بهتر آن است که اگر وقت وسعت داشته باشد از سوره های طوال مانند: «العام» و «کهل» و «آبیه» و «تیس» و «آل حم»^۱ بخوانی و اگر وقت تنگ باشد اکتفا می کنی بر حمد و توحید و سوره های شب را بلند می خوانی، و مستحب است آن که خواننده عقب این دو رکعت و سپس عقب شش رکعت دیگر را نماز شب این دعا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ بِمِثْلِكَ أَنْتَ مُوَصِّعُ عَسَائِلِ السَّائِلِينَ، وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاجِينَ، وَأَذْغُوكَ وَلَمْ يَدْغُ بِمِثْلِكَ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يَرْغَبْ إِلَى بِمِثْلِكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَالرَّحِمُ الرَّاجِمِينَ، أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجَحِهَا وَأَعْظَمِهَا، يَا كَلِمَةَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ، وَيَا سَمْعَانِكَ الْحُسْنَى، وَأَمْثَالِكَ الْغُلْيَا، وَيَسْمُوكَ اللَّهُ لَا تُخْصِنُ، وَيَا كَرِّمَ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَأَحَبُّهَا إِلَيْكَ، وَأَقْرَبُهَا بِكَ وَسِيلَةً، وَأَشْرَفُهَا عِنْدَكَ سَرِيلَةً، وَأَجْرُهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا، وَأَشْرَعُهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَيَا سَمْعَكَ الْفَكُّونَ الْأَكْثَرُ الْأَعْرُ الْأَجَلُ الْأَعْظَمُ الْأَكْرَمُ الَّذِي تُجِيبُهُ وَتَقْوَاهُ وَتَرْضَاهُ بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ فَاسْتَجِبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَخَوَّلَ عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخْصِمَ سَائِلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ، وَيَكُلُّ اسْمَ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَيَكُلُّ اسْمَ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ

۱ مراد سوره های است که با حروف مقطعه «حم» آغاز می شود و این آنها سوره «الف» و «الف» و «الف» و «الف» و «الف» است و جماعت سوره شده

عَزَّيْكَ وَمَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلَ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تُعْجَلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَتُعْجَلَ جَزَاءَ
أَعْدَائِهِ

و می خوانی هر دعایی که خواسته باشی پس تسبیح و تهلیل را می فرستی و سجده شکر بجا
می آوری و در سجده می گویی: «يَا اَللّهُ يَا اَللّهُ» ده مرتبه. پس می گویی:

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ عَنِّي وَارْحَمْنِي. وَتُبِّسِي عَيْنَ دِينِكَ
وَدِينِ نَبِيِّكَ. وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بِغَدٍ إِلَّا عَذِيبَتِي. وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَاقِعُ.

و چون از این دو رکعت فارغ شدی بر می خیزی به جهت دو رکعت دیگر و در آن دو رکعت
می خوانی هر سوره ای که خواهی. و بهتر آن است که در رکعت اول سوره «بِأَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ» و در
دوم «هَمِّ يَسَّادُونَ» بخوانی و چون سلام گفتی تسبیح زهرا علیها السلام و دعای ساهل را می خوانی، پس
سجده شکر بجا می آوری و صد مرتبه می گویی در آن صلاه: اَللّهُمَّ پس می گویی بعد از آن:
يَا رَبِّ أَنْتَ اَللّهُ مَا شِئْتَ مِنْ أَقْبَرٍ يَكُونُ. فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْ لِي فِيهَا ثَوَابًا أَنْ تُعْجَلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ اَللّهُ عَلَيْهِ
وَعَلَيْهِمْ وَتُعْجَلَ فَرَجِي وَفَرَجَ اِلْحَوَائِي عَفْرُونًا يَفْرَجِهِمْ. وَتَفْعَلَ بِي كَذَا
وَكَذَا. و می خوانی خدا را به آنچه می خواهی.

پس بر می خیزی و دو رکعت دیگر بجا می آوری و بعد از سلام تسبیح زهرا علیها السلام و دعای ساهل
را می خوانی. پس سجده شکر می کنی و در سجده دوازده مرتبه می گویی: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا»
پس بر می خیزی و دو رکعت دیگر از نافله شب می خوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره
«سبارک» و در دوم «عَلَّ اُنَّ» می خوانی. و در سجده آخر این دو رکعت می گویی:

يَا خَيْرَ مُذْعُوٍّ وَيَا خَيْرَ مُسْئُولٍ وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى. وَيَا خَيْرَ

مُرْتَمِعاً اِذْ رُفِئَ وَ اَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ نَسِيتُ لِي رِزْقاً وَ اَبْسَأَ مِنْ فَضْلِكَ اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس چون سلام نماز را گفتی تسبیح و تهلیل و دعای سابق را می‌خوانی.

و بعد از آن می‌خوانی این دعا را که از حضرت امام رضا علیه روایت شده.

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِعُزْمَةٍ مِنْ عِلَاقَةِ بَيْتِكَ وَ لَجَأٍ اِلَى عَرْشِكَ وَ اسْتِظْلَافِ بَيْتِكَ وَ اِعْتَصَمَ بِخَبْرِكَ وَ لَمْ يَتَّقِ اِلَّا بِكَ بِمَا جَرَدَ الْفُطَايَا بِمَا مُطْلِقَ الْاَسَارَى بِمَا مَنَ سَمَنَ نَفْسُهُ مِنْ جُودٍ وَ عَابَا اَذْعُوكَ زَعْباً وَ رَهْباً وَ خَوْفاً وَ طَعْناً وَ اَلْحَا حَا وَ اَلْحَا حَا وَ تَضَرُّعاً وَ تَمَلُّقاً وَ قَانِعاً وَ قَانِعِداً وَ رَاكِعاً وَ سَاجِداً وَ رَاكِباً وَ مَاشِياً وَ دَاجِياً وَ جَانِياً وَ فِي كُلِّ حَالَتِي وَ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُقَمِّلَ بِي كَذَا وَ كَذَا پس حاجت خود را می‌خواهی پس سجده شکر بجا می‌آوری.

آداب نماز شفع

و چون از این هشت رکعت نماز فارغ شدی برمی‌خیزی به جهت دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و افضل اوقات این سه رکعت نماز ما بین دو ظهر است.

و شیخ طوسی فرموده که در رکعت اول نماز شفع «حمد» و «قل أهد ربنا» و در رکعت دوم «حمد» و «قل أهد ربنا الفلق» می‌خوانی و بعد از دو رکعت سلام می‌دهی و افضل آن است که می‌ضرورت از مصلای خود بر نظیری تا نماز وتر را بجا آوری و مستحب است خواندن این دعا را در عقب نماز شفع.

إِلٰهِي تَعَرَّضْ لَكَ فِي هَذَا الْفَيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ قَسَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَ اَمَلْ فَضْلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَ اَلِكْ فِي هَذَا الْفَيْلِ نَفَحَاتُ وَجْوَائِزُ وَ عَطَايَا وَ نَوَاصِبُ تَمُنْ بِهَا عَلَيَّ مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَمْنَعْنِي مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْبَيَانَةُ مِنْكَ وَ هَا اَنَا قَا عَبْدُكَ الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ

فَإِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَقَضَّلْتَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَغَدْتَ عَلَيْهِ بِعِبَادَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْغَاثِلِينَ وَجِدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَخُذْ لِي بِكَرَمِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الطَّاهِلِينَ الَّذِينَ أَفْعَنْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً إِنَّ اللَّهَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ

آداب نماز و تر

و چون طارخ شدی از دو رکعت شفع و می خوری به جهت مغرور و تر و خفت تکبر سایل را به دعاهای آن ها می گویی و می خوانی بعد از جمعه سورۃ فاتحه را سه مرتبه و در سورۃ قلل آهرد را می خوانی پس دست را به جهت دعا بلند می کنی و آنچه خواستی دعا می خوانی و دعا می که در این حال خوانده می شود بسیار است لکن ذکرش مناسب با وضع رساله نیست و سرآور است آن که گریه کنی از خوف خدا یا خود را شبیه کنی به گریه کنندگان و بخوانی این دعا را که شیخ طوسی در صحیح مشهور ذکر فرموده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَنْصُرُ كَيْفِيَّةَ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ غَمُورٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ شَيْطَانِي الْهَجْرِ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ قَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْمَجْمِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ يَلْبِئُ لَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِكَ وَضَعِيفٍ

وَمِنْ شَرِّ الصَّوَابِقِ وَالْبَرْدِ. وَمِنْ شَرِّ الْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ وَالْحَاصَةِ
 اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ لِسْمِي وَأَصْنَعُ وَلَهُ يَقَعُ لَوْ رَجَاءُ غَيْرِكَ. فَإِنِّي أَصْبَحْتُ
 وَأَمْسَيْتُ وَأَنْتَ يَقْتُلِي وَرَجَاتِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا. فَاقْضِ لِي خَيْرَ كُلِّ عَاقِبَةٍ.
 يَا أَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ. وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطِيَ. وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجَمَ. صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حَيَاتِي. وَأَمْسِنِ عَلَيَّ بِالْحَيَّةِ. وَلَكَ
 رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. وَعَافِي فِي نَفْسِي وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا بِرَحْمَتِكَ
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ ثَرِيٌّ وَلَا تُرَى وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى. وَإِلَيْكَ الرَّجْعُ
 وَالْمُسْتَهْتَمُ. وَلَكَ الْقَضَاءُ وَالْمَحْيَا. وَأَنْ لَكَ الْأَجْرَةَ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ
 بِكَ مِنْ أَنْ نَبْلُ وَنُخْرَى

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ. وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ. وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ
 . وَنَجِّنِي مِنَ النَّارِ فِيمَنْ أَنْجَيْتَ. إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ. وَتُجِيرُ
 وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ. وَتُسْتَعْنَى وَيُسْتَعْنَى إِلَيْكَ. وَالْقَصِيرُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ. وَتُجِرُ مَنْ
 وَالْهَيْتَ. وَلَا تُجِرُ مَنْ عَادَيْتَ. وَلَا تُبَلِّغُ مَنْ وَالَيْتَ. تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ .
 آمَنْتُ بِكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ. وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ. وَفَرَكِ
 الشَّقَاوَةِ تَتَابِعِ الْقِسَامِ. وَشَعَائَةِ الْأَعْيَاءِ. وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ
 وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْأَجْبَاءِ وَالْإِخْوَانِ وَالْأَوْلِيَاءِ. وَعِنْدَ مُعَايِنَةِ الْعُتُوبِ. وَجَعْدِ
 مَوَاقِبِ الْجَزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ. الثَّانِي
 الطَّالِبُ الرَّاجِعُ إِلَى اللَّهِ

و سه مرتبه می گوید: **اَسْتَغْفِرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ** پس دعا می کنی که برای براندازی مؤمن خود

و سراوار است آن که یستغفیری چهل بار پس دعا می کنی به آنچه می خواهی، پس هفتاد مرتبه استغفار می کنی و اگر صد مرتبه استغفار کنی افضل است و سزاوار است آن که عدد استغفار را به دست راست یستغفیری و دست چپ را به دعا بلند کرده باشی.

پس هفت مرتبه می گوید: **اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بِجَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ**

پس می گوید: **رَبِّ أَشْأَتُ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ. وَهِيَ يَدَايَ بِأَرْبَ جَرَاءٍ بِمَا كَتَبْتَ. وَهِيَ زَيْبَتِي خَاضِعَةٌ لِمَا آتَيْتَ. وَمَا أَنَا فَا بَيْنَ يَدَيْكَ. لَمَّا خَلَقْتَ لِقَابِكَ مِنْ نَفْسِي الرِّضَا حَتَّى تَرْضَى. لَكَ الْعُتْبَى لَا أُغْوُ.**

پس می گوید: **الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ** تا صد مرتبه و می گوید بعد از آن: **رَبِّ اُخْزِلْنِي وَأَرْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ**

و سزاوار است آن که طول بعضی قنوت خود را و اگر وقت و سبب داشته باشد می خواند در قنوت این مناجات را که از حضرت علی بن الحسین علیه السلام روایت شده:

سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذُّمِّ مَمْلُوءَةً. وَغِيَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْلُوءَةً. وَحَقُّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً أَنْ تُجِيبَهُ بِالكَرَمِ تَقْضِئاً. سَيِّدِي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلُ بِكَائِي. أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرُ رَجَائِي؟ سَيِّدِي الْفَرْبُ الْمَقَامِ خَلَقْتَ اغْصَانِي. أَمْ لِشَرْبِ الْأَعْمِيمِ خَلَقْتَ أَعْمَانِي؟ سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرْبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَهْرُبُكَ. سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَبْدًا يَمُنُّ بِمَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ. غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ

طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ • وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ فَضِيلَةُ الْعَاصِينَ • سَيِّدِي مَا لَنَا وَمَا
خَطَرِي • هَبْ لِي بِقُضَايَاكَ • وَجَلِّتَنِي بِشُكْرِكَ • وَاعْفُ عَن تَوْبِيحِي بِكَرَمِ
وَجْهِكَ • إِلَهِي وَسَيِّدِي ازْحَنْتَنِي مَضْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ ثَقَلْتَنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي •
وَأَزْحَنْتَنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُفْتَسِلِ يُعْصَلْنِي صَالِحُ جِيرَتِي • وَأَزْحَنْتَنِي
مَخْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جَسَادَتِي • وَأَزْحَمَ فِي ذَلِكَ الْهَيْبَتِ الْمُظْلِمِ
وَحُشْتِي وَغُرْبَتِي وَوَحْشَتِي

و چون از قلوب فارغ شدی به رکوع می روی و چون سر از رکوع برداشتی می گویی

هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ يَغْنَى بِكَ • وَسَيِّدَاتُهُ بِعَمَلِهِ • وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ •
وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ • وَلَيْسَ لَكَ إِلَّا رِغَّتُكَ وَذَخَمَتُكَ • إِلَهِي طَمَحُ الْآمَالِ قَدْ
خَابَتْ إِلَّا لَذْنُكَ • وَمَعَايِفُ الْهَيْمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ ^١ إِلَّا غَلَّتُكَ • وَمَذَاهِبُ الْمُقُولِ
قَدْ سَفَتْ ^٢ إِلَّا إِلَيْكَ • فَأَنْتَ الرَّجَاءُ وَالَيْكَ الْمُنْتَجَاءُ • يَا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ
وَيَا أَجْوَدَ مَسْئُولٍ • خَرَنْتُ بِكَ بِنَفْسِي يَا غَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِأَنْفَالِ الْأُدُوبِ
أَحْبَلْتُهَا عَلَى ظَهْرِي • وَلَا أَحَدٌ لِي إِلَيْكَ شَافِعاً سِوَى مَغْرَقَتِي بِأَنَّكَ أَكْرَبُ مَنْ
نَجَا إِلَيْهِ الْمُسْطَرُونَ • وَأَمَلُ مَا لَدَيْهِ الرَّاعُونَ

يَا مَنْ فَتَقَ الْمُقُولَ بِمَغْرَقَتِهِ • وَأَطْلَقَ الْآلَسْنَ بِحَمِيدِهِ • وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ
عَلَى عِبَادِهِ فِي كَفَاةٍ ^٣ أَنَا لِي بِهِ حَقٌّ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ • وَلَا
تَجْمَلُ لِلْهُمُومِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلاً • وَلَا لِالْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي ذَلِيلاً
اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ عَلَيْهِ وَآلِهِ
السَّلَامُ • «كَانُوا قَلِيلاً مِنْ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ • وَيَا أَشْعَارَ هُمْ يَسْتَفْهَرُونَ»

طَالَ حُجُوعِي وَقَلَّ قِيَامِي. وَخَلَا الشَّحَرُ وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي أَسْتَغْفِرُكَ مَنْ
لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا حَيَاةً وَلَا مَوْتًا وَلَا سُورًا

پس به سجده می روی و تشهد و سلام می گوئی و بعد از سلام تسبیح حضرت و هرات

می فرستی و سه مرتبه می گوئی

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ. يَا بَارِئُ
يَا رَحِيمُ. يَا غَنِيُّ يَا كَرِيمُ. اُرْقِنِي مِنَ التَّجَاوِزِ اعْظِمْهَا فَضْلًا. وَارْتَحِمْنِي
بِرُحْلًا. وَخَيِّرْهَا لِي عَاقِبَةً. فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيهَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ

پس می خوانی «عای حزن» را و دعا این است

أُنَاجِيكَ يَا مُوجِبُ فِي كُلِّ ضَكَاةٍ لَعَلَّكَ تَشْفَعُ بِنَاسِي فَقَدْ عَظُمَ جُزْئِي
وَقَلَّ حَيَاتِي. مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنِّي الْأَعْوَلُ أَتَذَكِّرُ وَإِنَّمَا أَسْأَلُ؟ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ
إِلَّا الْمَوْتُ لَكُنْتُ. كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ الْعَظَمُ وَأَنْهَى؟ يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ
خَشِيَ مَتْنِي وَإِلَى مَتْنِ الْقَوْلِ فَكَ الْمَتْنِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ثُمَّ لَا تَجِدُ بِنَدِي
صِدْقًا وَلَا وِفَاءً؟ فَيَاغُوثَاهُ ثُمَّ وَاغُوثَاهُ بِكَ يَا أَللهُ مِنْ هَوْنٍ قَدْ غَلَبَنِي. وَمِنْ
عَنُوقِهِ اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ. وَمِنْ ذُنْبِي قَدْ تَرَبَّسْتُ لِي. وَمِنْ نَفْسِي أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ
إِلَّا مَا رَجِمَ رَبِّي. مَوْلَايَ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ رَجِمْتُ بِثَلَاثٍ فَارْحَمْنِي.
وَإِنْ كُنْتُ قَبِلْتُ بِثَلَاثٍ فَاقْبَلْنِي. يَا قَابِلَ السَّحَرَةِ اقْبَلْنِي. يَا مَنْ لَمْ أَرُلْ
أَتَعْرِفُ مِنْهُ الْحُسْنَى. يَا مَنْ يُقَلِّبُنِي بِالنَّعَمِ صَبَاحًا وَمَسَاءً. ارْحَمْنِي يَوْمَ
آتِيكَ لِرَدَائِ. شَاخِصًا إِلَيْكَ بِعُزِّي. مُقْلِدًا عَقْلِي. قَدْ تَبَرَّأْتُ جَمِيعَ الْخَلْقِ مِنِّي.
نَعَمْ. وَأَبِي وَأُمِّي وَمَنْ كَانَ لِي كُنْفِي وَسَخِي. فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ
يَرْحَمُنِي؟ وَمَنْ يُؤَيِّسُ فِي الْقَبْرِ وَخَشْتِي؟ وَمَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ

بِعَمَلِي وَسَاءَ لَتَمِيَّۥا عَمَّا أَنْتَ أَكْبَرُ بِهِ بَنِيَّ؟ قَالَ قُلْتُ: نَعَمْ فَإِنَّ الْمَهْرَبَ مِنْ
عَذَابِكَ؟ وَإِنْ قُلْتُ: نَعَمْ أَفَعَمَلٌ قُلْتُ: أَلَمْ أَكُنِ الشَّاهِدَ عَلَيْكَ؟ فَغَوَّكَ غَوَّكَ
يَا مُؤَلَّيْ قَبْلَ أَنْ تَلْبَسَ الْإِبْدَانُ سُرَابِيلَ الصُّطْرَانِ غَوَّكَ غَوَّكَ يَا مُؤَلَّيْ قَبْلَ
أَنْ تُفْلَ الْأَيْدِي إِلَى الْأَعْنَاقِ يَا لِرَحِمِ الزَّاجِعِينَ وَخَيْرِ الْغَائِبِينَ

و کلمه‌ای گفته که بعد از این دعا دو سجده بجا می‌آوری و در سجده اول می‌گویی پنج مرتبه
«سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» پس می‌نمیزی و می‌خوانی «آیه الكرسي» را
پس به سجده دوم می‌روی و باز پنج مرتبه ذکر سابق را می‌گویی پس گفته که هر که این دو سجده
را به این نحو بجا آورد لیس درک حوائجش شود.

آداب نافله صبح

و چون از سحر در خارج شدی بر می‌خیزی به جهت دو رکعت نافله سحر صبح و وقت آن پیش
از فجر مؤتم بعد از طارغ از نماز شب است و اگر فجر مؤتم طالع گشته و بخواندی باز وقت آن باقی
است تا حمره در افق ظاهر شود و اگر وقتش گذشت و بخواندای آن را پس تأخیر میاندازی آن
را از نماز غریبه و می‌خوانی دو رکعت اول آن بعد از «حمد» سوره «قل یا ایها الکافرون» و در
رکعت دوم بعد از «حمد» «قل هو الله احد» و چون سلام گفتی می‌خوانی به طرف راست رو به لبه
مثل جهت که در لحد گذاشته می‌شود و می‌گذاری گونه راست خود را بر روی دست راست پس این
دعا را می‌خوانی.

اسْتَنْصَحْتُ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْقِصَامَ لَهَا. وَانْتَصَفْتُ بِحَبْلِ
اللَّهِ الْمَتِينِ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ قَسَقَةِ
الْحِجْرِ وَالْأَنْسِ. رَبِّيَ اللَّهُ رَبِّيَ اللَّهُ رَبِّيَ اللَّهُ. آمَنْتُ بِاللَّهِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى
اللَّهِ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. إِنَّ اللَّهَ

بِالْحَقِّ أَقْرَبُهُ لَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا خَسِيبَ اللَّهِ وَيَعْمَ الْوَكِيلُ
 اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ إِلَى مَخْلُوقٍ فَإِنَّ حَاجَتِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ
 وَخُذْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الصُّبْحِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 الْإِصْبَاحِ الْحَمْدُ لِلنَّاشِئِ الْأَزْوَاجِ الْحَمْدُ لِلْمُعَاشِ الْحَمْدُ لِلَّهِ جَاعِلِ
 اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَيْتِي
 نُورًا وَعَلَى إِسْلَامِي نُورًا وَمِنْ بَيْتِي يَدُنِي نُورًا وَمِنْ خَلْقِي نُورًا وَعَنْ
 بَيْتِي نُورًا وَعَنْ شِمَالِي نُورًا وَمِنْ عَوْقِي نُورًا وَمِنْ تَحْتِي نُورًا
 وَعَظْمٌ لِي النُّورُ وَاجْعَلْ لِي نُورًا أَنْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تُخْرِفْنِي
 نُورُكَ يَوْمَ الْقَاةِ.

پس می خوانی «آیه الکرسی» و دو سوره «قل لعمرو» و پنج آیه از «آل عمران» تا که از قرآن این
 است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاعْرِضْكَ لَا تُحِلُّ الْوَيْعَادِ»
 است. پس بر می گیری و می نشینی و تسبیح و تحمید می خوانی و مصعب است آن که صد مرتبه
 می گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَيَسْأَلُهُ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» پس حسب
 مرتبه می گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
 الْعَظِيمِ» پس سجده شکر بجا می آوری و می خوانی در آن: آنچه به خاطر است می رسانی از آن
 دعاها که در سابق صفحه ۱۶۸۷ به جهت سجده شکر ذکر شد.

۲ حمد لله عظیم
 ۳ عظیم خ ل

۱ الحمد لله عظیم خ ل
 ۲ عظیم خ ل

۳ سوره (۳۱)، آیه های ۱۹۰ تا ۱۹۲

و سزاوار است آن که در این سینه دعا کنی از برای برادران مؤمن خود و بگویی:

اللَّهُمَّ رَبَّ الْقَصْرِ وَالْيَالِي الْقَصْرِ وَالشَّعِ وَالْوُثْرِ وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَاللهُ كُلِّ شَيْءٍ وَعَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ عَمَلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَالْعَمَلُ بِي وَبِقُلَانٍ وَفُلَانٍ^۱ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا تَفْعَلُ
أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْغَفُورَةِ

و مستحب است هر روز که خوانده شود بعد از فراغ از نمازهای شب، سوره «قدر» سه مرتبه و
صلوات بر پیغمبر ده مرتبه و سوره «توحید» سه مرتبه و سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ
مَرْتَبَةٍ يَا رَبَّنَا هَسْ مِنْكُمْ

مُحَمَّدٌ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَلِيٌّ وَرَأْسِي وَفَاطِمَةُ فَوْقَ رَأْسِي وَالْحَسَنُ عَنْ
يَمِينِي وَالْحُسَيْنُ عَنْ شِمَالِي وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَجْهٌ وَسُوسٌ وَعَلِيٌّ
وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خَوَلِي

پس می گوی: یا رب ما خلقت خلقاً خيراً مِنْهُمْ فَأَجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ
مَقْبُولَةً وَدُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَاباً وَحَاجَاتِي بِهِمْ مَقْضِيَةً وَذُنُوبِي بِهِمْ
مَغْفُورَةً وَبِرِّقِي بِهِمْ مَبْسُوطاً

پس صلوات می فرستی بر پیغمبر و آل آن حضرت و حاجت خود را ذکر می کنی

و سزاوار است آن که بخوانی بعد از فراغ نماز شب دعای سی و دوم صحیفه کلمه را که اولش

این است: اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَلِكِ الْمُتَابِعِ بِالْحُلُودِ

۱ به جای فُلان و فُلان نام برادرهای مؤمن خود را ذکر می کنی

سلام شد

آنچه حق تعالی تقدیر فرموده

جمع آن را در این رساله شریفه

مستقیم از پسران دین ایستادی آن است که

هر که از این رساله مطلع گردد در حال حیات یا بعد از وفات

این طریق بهر سبب که خواهد بود رحمت و مغفرت پادشاهان

بختیاریان را بهر سبب که خواهد بود

در روز قیامت از آن که در این رساله

در سبب آنکه در این رساله و آنچه در این رساله

در این رساله و آنچه در این رساله و آنچه در این رساله

در این رساله و آنچه در این رساله و آنچه در این رساله

در این رساله و آنچه در این رساله و آنچه در این رساله

و آنچه در این رساله و آنچه در این رساله

و آنچه در این رساله و آنچه در این رساله

و آنچه در این رساله و آنچه در این رساله

خاتمه کتاب

حقی دستور نماز برادران دینی اثنی عشریه را که بنده در کاد العبد المذنب شده می باشد
خیر است اگر برزی و در کربانی خود عیب شده و تمام بود و این خیال بودم که کتابی جامع از آنجا مستفید که
ابتلا و محنت مؤمنین است و گاهی در هر موقع باشد در دست نبوده و فراموش آرد و آن
عاجز و متفکر بودم در انشای نامایستی و توفیق علی الله قریب به سه سال و نیم قبل یک خوانی
که منسوب به این کتاب مستطاب باشد به اندازه فهم حاضر خود نوشته در سال نهم اشرف
خدمت جناب سید العلماء الفاضل آقا سید محمد آقا خان ای میانه نقل نمودم و دستم می شد کسی که در
این فن بصیر و خبر باشد پسند انموده این امر را در جرح به جایش نماند لهذا جناب آگاهی بزرگوار
قریب الی الله به از سی ریاض تشو و بنده را به جناب مستطاب العالم العالم، خواص بحار اخبار الاثره الاطهار

عاج شیخ عباس قمی ادا الله تائیده و توفیق

رسانیده و جناب ایشان به طایفه ذخیره (یوم لا ینفع مال ولا بنون) و تضرع الی الله تعالی تسبیح
این زمت فرموده و به دیتیاری آگاهی بزرگوار آگاهی رسیدن من آگاه، نواده جناب مستطاب

خاتم السلطان القضاة حاج میرزا حسین نوری الطبری اعلی الله شأنه و کتبه فی آستان قدس
تالیف در مع آوری آن اتمام، بیست و نه فرموده که اثنی عشر طبع خاص و عام شده، امید که این شاه الله
شکر آن را غنیمت شمرده در حق مؤلف جناب آقا یان باو الدین باقی و کاتب تعمیر در حال حیات
و بعد از وفات به دعای خیر یاد فرموده و طلب رحمت و مغفرت نماید، و خوشنوی از مؤلفین آن که
هر کس خیال چاپ و دوم این کتب شریف را داشته باشد، ام این عامی را از کتب

بیت الزائرین و سبحة الی ظفرین

مؤلف فرموده به همین طراز از قول الی آخر به طبع رسانده و آنچه لازمه تصحیح بود با جناب مستطاب مدد السلطان
و ملاذالاستیاضه فی الاغراض و کثر الشکال آگاهی شریف مستطاب آقا میرزا ابراهیم آقا زید عمره و توفیق
بر حل آمد و که این شاه الله به محنت متروک خواهد شد.

چون نسخه اول این کتاب مستطاب با وجود این که متاخر ننوده بودند باز اغلاط بسیار صواب
در کلمات و احزاب گذاشته بود، لهذا وقتی که جناب مستطاب مدد الاخیار و اجماع حاجی محمود آقا توفیقی
عزم طبع ثانوی را نمودند، محض من باب خدمت به آستان ملک پاسبان حضرت اعلی میت
رسالت طبع افشا از حضرت مستطاب قدوة السلطان المستبرین الحسین آقا میرزا ابوالقاسم
آقا کریمی دامت برکات و اجواد استند ما نمودیم که اغلاط نسخه سابقه را تصحیح فرمایند تا از روی آن

استغاث شد و حضرت مستملم با وجودی که مشک کثیره علیه داشتند باز منوول این رویا در اجابت
فرموده و با کمال وقت طبع اول را تصحیح فرموده بعد از آن کتاب داده شد و بعد از استغاث مجدد
در محضر مبارک ایشان اغلب به مباشرت خود اقرار قایل و تصحیح شد.
امید است که این شاه الله تعالی غلظی نداشته باشد ان شاء الله تعالی از حضرت زواری و سایر مؤمنین که از
این کتاب مستفیغ خواهند شد استمدای دمای خیر داریم.

الحمد لله

یوسف النورانی تبریزی

